



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مِصْبَاحُ الْهُدَى

قال الرضا عليه السلام: من مات لا يعرف أئمة زمانه مات ميتة جاهلية
هر که بمرد و امامانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده

«گنجینه ارزشمند احادیث امامت»

جلد ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مصباح الهدی گنجینه ارزشمند احادیث امامت

نویسنده:

محمد کوکبی

ناشر چاپی:

استوار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	مصباح الهدی گنجینه ارزشمند احادیث امامت جلد ۱
۷	مشخصات کتاب
۸	پیشگفتار
۱۳	سخن آغازین
۱۵	فصل اول: ضرورت وجود امام
۱۵	اشاره
۱۶	باب اول: شناخت خدای عزوجل بواسطه ائمه اطهار
۳۲	باب دوم: حجت های خدا یند بر اهل آسمان ها و زمین
۴۱	باب سوم: زمین خالی از حجت نماند
۵۷	باب چهارم: بیان دین خدا و حفاظت از آن
۹۰	باب پنجم: ائمه اطهار هدایت کنندگان امت
۱۲۰	باب ششم: تفسیر قرآن و استخراج حقایق دین از بطن آن
۱۶۵	باب هفتم: واسطه فیض مخلوقات
۱۸۱	باب هشتم: قوام زمین وابسته به وجود امامست
۱۹۰	فصل دوم: وظایف امت در قبال ائمه اطهار
۱۹۰	اشاره
۱۹۱	باب نهم: معرفت ائمه اطهار
۲۹۱	باب دهم: لزوم اطاعت از ائمه اطهار
۳۳۸	باب یازدهم: احیاء کردن امر اهل بیت
۳۵۸	باب دوازدهم: یاری کنندگان ائمه اطهار
۳۶۷	باب سیزدهم: دشمنی با دشمنان ایشان
۴۰۱	باب چهاردهم: دوستی و محبت ایشان
۴۷۶	باب پانزدهم: تقیه در دین

باب شانزدهم: توسل به ائمه اطهار ۴۹۲

باب هفدهم: ولایت ائمه اطهار ۴۹۷

باب نوزدهم: پیشوایان حق ۶۶۰

باب بیستم: پیشوایان باطل ۷۶۴

پاورقی ها و منابع کتاب ۸۲۵

درباره مرکز ۸۲۶

مصباح الهدی گنجینه ارزشمند احادیث امامت جلد 1

مشخصات کتاب

سرشناسه : هاشمی، زهرا، 1363-

عنوان و نام پدیدآور : مصباح الهدی / نویسندگان زهرا هاشمی، محمد کوکبی.

مشخصات نشر : مشهد : استوار، 14 - 1400 .

مشخصات ظاهری : 3ج.

شابک : 500000 ریال: ج 3: 978-3-978-415-600-4-077

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : فهرست نویسی براساس جلد سوم، 1400.

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج 3. فضائل آل عبا.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11 ق. -- فضایل -- احادیث

Muhammad, Prophet -- *Virtues -- Hadiths : موضوع

موضوع : خاندان نبوت -- فضایل -- احادیث

Muhammad, Prophet, d. 632 -- Family -- Virtues -- Hediths : موضوع

موضوع : ائمه اثنا عشر -- فضایل -- احادیث

Imams (Shiites) -- *Virtues-- Hadiths

امامت -- احادیث

Imamate -- Hadiths

احادیث شیعه -- قرن 14

Hadith (Shiites) -- Texts -- 20th century

شناسه افزوده : کوکبی، محمد، 1361 -

رده بندی کنگره : BP25

رده بندی دیویی : 297/931

شماره کتابشناسی ملی : 8424869

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

خیراندیش دیجیتال : انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

پیشگفتار

سپاس مخصوص خدایی است که ما را از متمسکین به ولایت ائمه طاهرین (علیهم السلام) قرار داد و صلوات خداوند بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) آن بندگان برگزیده ای که خداوند انبیاء، ملائکه مقرب، و عالم هستی را خلق نکرد مگر به یمن وجود ایشان، کسانی که به واسطه ایشان رحمت خود را نازل کرده و بندگانش را روزی عطا می فرماید. ستارگانی که به خاطر ایشان عذاب را از اهل زمین باز می دارد و در عقوبت بندگان که مستحق عذابند تعجیل نمی فرماید.

ایشان را برای شناساندن خود به مخلوقات فرستاده و راه بندگی را از طریق آنان به ما آموخته است. به راستی ایشان دریای بی پایان فضائل و مناقب بوده و کسی نمی تواند ایشان را آنگونه که شایسته است بشناسد. زبان در توصیف ایشان قاصر بوده و چاره ای جز اقرار به عجز در بیان فضائل ایشان نیست. شهادت می دهیم که آنان بندگان برگزیده خدا بوده و این بندگی بالاترین مقامی است که می توان برایشان متصور شد، کسانی که در عبادت و بندگی خدا بسیار کوشا بوده و خود را همواره در محضر خدای تبارک و تعالی می بینند. عبادات خود را اندک دانسته و خود را در درگاه خداوند متعال بسیار کوچک می شمارند.

اما کتابی که در پیش روی شما قرار دارد حاصل تلاش سال های متمادی علمای تشیع بوده بزرگانی که تمام توان خود را در راه ترویج معارف دین به کار گرفته و با قبول سختی های فراوان و سفرهای طولانی برای دفاع از مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و مذهب تشیع به پا خواستند. همان کسانی که ائمه اطهار (علیهم السلام) درباره ایشان فرمودند: رَحِمَ اللَّهُ قَوْمًا كَانُوا سِدْرًا جَاوِماً وَمَنَارًا كَانُوا دُعَاءَ إِلَيْنَا بِأَعْمَالِهِمْ وَ مَجْهُودٍ طَاقَتِهِمْ لَيْسَ كَمَنْ يَدِيْعُ أَسْرَانَا خِذَا رَحْمَتِ كُنْدِ غُرُوهِي رَا كِه چراغ و نورافشان بودند، و با کردارهای (نیک) خویش و صرف منتهای کوشش خود (مردم را) به سوی ما خواندند، و مانند آنهایی نبودند که اسرار ما را فاش می کنند. (1)

ص: 1

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَلْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ كَانَ عَلِيٌّ (عليه السلام) يَقُولُ: وَإِذَا مَاتَ الْعَالَمُ تُلِمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَاثَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: و هر گاه عالمی بمیرد در اسلام رخنه و شکافی روی دهد که تا روز رستاخیز چیزی آن را نمی بندد. (1)

وَرَوَى الْمُعَلَّى بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُدْرِكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام)

قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوَضِعَتِ الْمَوَازِينُ فَتَوَزَنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيُرَجَّحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: چون روز قیامت شود، خداوند عز و جل مردم را گرد آورد، و میزان ها برقرار شود، پس خون های شهیدان با مرکب علما سنجیده می گردد، ولی وزن مرکب دانشمندان بر خون های شهیدان برتری یابد. (2)

و این در حالی است که دشمنان خدا با تمام وجود سعی در گمراه نمودن مردم و از بین بردن مذهب تشیع می کنند، و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند. در اینجاست که ارزش کار علمای بزرگوار در حراست از مذهب حق تشیع و بیدار نمودن خفتگان غافل و دوستان جاهل بیش از پیش آشکار می گردد، در اهمیت هدایت مردم به سوی حق و حقیقت به این حدیث زیبا اشاره می کنیم. وَقَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ لِرَجُلٍ: أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ رَجُلٌ يَرُومُ قَتْلَ مَسْكِينٍ قَدْ ضَعُفَ، تُنْقِذُهُ مِنْ يَدِهِ أَوْ نَاصِبٌ يُرِيدُ إِضْلالَ مَسْكِينٍ [مُؤْمِنٍ] مِنْ ضَعْفَاءٍ

ص: 2

1- [2] المحاسن ج 1 ص 233 باب 19 باب حق العالم ح 185

2- [3] من لا يحضره الفقيه ج 4 ص 399 باب و من ألفاظ رسول الله الموجزة التي لم يسبق إليها ح 5853

شِيعَتِنَا تَفْتَحُ عَلَيْهِ مَا يَمْتَنِعُ [الْمَسْكِينُ] بِهِ مِنْهُ وَيُفْحِمُهُ وَيَكْسِرُهُ بِحُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ: بَلْ إِنْفَازُ هَذَا الْمَسْكِينِ الْمُؤْمِنِ مِنْ يَدِ هَذَا النَّاصِبِ. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» [أَي] وَمَنْ أَحْيَاهَا وَأَزْشَدَهَا مِنْ كُفْرٍ إِلَى إِيْمَانٍ، فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا

امام حسین(علیه السلام) به مردی فرمود: کدام یک از این دو در نزد تو محبوبتر است؟ مردی می خواهد مستمند ناتوانی را به قتل برساند. تو او را از دست آن مرد رها می سازی؟ یا مرد ناصبی ای که می خواهد ناتوانی از شیعیان کم اطلاع ما را گمراه سازد؟ و توباب استدلال به برهان های الهی را بر او می گشایی تا جلوی گمراه ساختن او را بگیرد و او را مُجاب سازد و (مکر و حيله ناصبی را) در هم شکند؟ آن شخص عرضه داشت: بلکه نجات دادن این مومن ناتوان از دست این ناصبی، چرا که خداوند متعال می فرماید «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (1) یعنی هر که کسی را زنده کند و از کفر به سوی ایمان رهنمونش سازد، گویا همه مردم را زنده کرده است. (2)

این روایت به خوبی اهمیت سعی بر هدایت اشخاص را بیان نموده و ارزش زحماتی که تاکنون در راه صیانت از مکتب اهل بیت(علیهم اسلام) کشیده شده را بیش از پیش بر ما آشکار می گرداند، علمای گرانقدری که گوهر عمر خویش را صرف گرد آوری و ثبت فرمایشات ائمه طاهرین(علیهم اسلام) نموده اند تا این گنجینه های ارزشمند از گزند کسانی که خواهان نابودی این معارف ناب بوده اند و خواهند بود، در امان باشد.

در بین آثار برجسته ای که تا کنون با کوشش علمای بزرگوار خلق شده اند برخی از آنها در جایگاه ویژه ای قرار داشته و قرون متمادی در کانون توجه قرار گرفته اند.

در این کتاب سعی شده مطالبی از مهمترین کتب شیعه با دقت و وسواس زیادی جمع آوری شود، و به نحوی چشم نواز به زیور طبع آراسته گردد، تا خوانندگان عزیز به بهترین وجه از مطالب ارزشمند آن بهره مند گردند، تمامی احادیث

ص: 3

1- [1] المائدة آية 32

2- [2] التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 348 [في أن المسكين الحقيقي مسكين الشيعة الضعفاء في مقابلة أعدائهم] ح 231

با ذکر اسناد بیان گردیده و آدرس هر روایت با دقت بسیار زیاد در پایان کتاب در فصل پاورقی ها و منابع، آورده شده به گونه ای که به عنوان مثال خواننده با مراجعه به هر کدام از چاپ های کتاب کافی (طبع اسلامیة یا دارالحدیث و....) به راحتی می تواند حدیث ذکر شده در این کتاب را پیدا کند، زیرا در قسمت ذکر منابع، سعی ما بر این بوده که علاوه بر ذکر شماره جلد و شماره صفحه، عنوان باب و شماره حدیث آورده شود تا به راحتی بتوان روایات مذکور را در کتب مرجع پیدا نموده و با روایاتی که در اینجا ذکر گردیده مقایسه نمود، و از صحت و سقم آن به خوبی اطمینان حاصل کرد. اما در این مجموعه مطالب در سه موضوع کلی به ترتیب زیر بیان گردیده:

فصل اول: ضرورت وجود امام(علیه السلام)

فصل دوم: وظایف امت در قبال ائمه اطهار(علیهم السلام)

فصل سوم: اشاره به قطره ای از دریای فضائل و مناقب ایشان

هرچند با تمامی تلاش های صورت گرفته در طول تاریخ حتی به قطره ای از دریای فضائل ایشان هم اشاره نشده، و زبان و قلم قاصراست از بیان فضائل ایشان، و چاره ای جز اقرار به عجز و ناتوانی در برابر این حقیقت نخواهیم داشت. در پایان امید است محبّان ائمه اطهار(علیهم السلام) با مطالعه این کتاب هرچه بیشتر سعی در پیروی از این ذوات مقدس نموده و با معارف اهل بیت(علیهم السلام) بیش از پیش آشنا شوند. از خدای متعال درخواست می کنیم به حق محمد(صلی الله علیه و آله) و آل محمد(صلی الله علیه و آله) در دنیا ما را از پیروان راستین ایشان و در قیامت همنشین با این بزرگواران قرار دهد ان شاء الله.

ص: 4

کلام ایشان کلام خدای تبارک و تعالی است

«وَ النَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»

قسم به آن ستاره چون پنهان شد، که یار شما نه گمراه شده و نه به راه کج رفته است و سخن از روی هوی نمی گوید گفتار او چیزی نیست جز آنچه بدو وحی می شود. (1)

حدیث 1: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ وَ غَيْرِهِ قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ حَدِيثِي أَبِي وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي وَ حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) حَدِيثُ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ (عليه السلام) حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

حدیث 1: امام صادق (عليه السلام) فرمودند: سخن من، سخن پدرم (امام باقر (عليه السلام)) است و سخن پدرم، سخن جدم (امام زین العابدین (عليه السلام)) است و سخن جدم، سخن حسین (عليه السلام) است و سخن حسین (عليه السلام) سخن حسن (عليه السلام) است و سخن حسن (عليه السلام) سخن امیر مؤمنان (عليه السلام) است و سخن امیر مؤمنان (عليه السلام) سخن پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) است و سخن پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) کلام خداوند عز و جل است. (2)

ص: 6

1- [1]. [1] النجم آية 4-1

2- [1]. [1] الكافي ج 1 ص 53 باب رواية الكتب و الحديث و فضل الكتابة و التمسك بالكتب ح 14

حدیث 1: الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) إِنَّمَا يَعْبُدُ اللَّهُ مَنْ يَعْرِفُ اللَّهَ فَأَمَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ فَإِنَّمَا يَعْبُدُهُ هَكَذَا ضَلَالًا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ تَصَدِّقُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَصَدِّقُ رَسُولَهُ (صلى الله عليه وآله) وَ مَوْلَاهُ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَ الْإِثْمَامُ بِهِ وَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى (عليهم السلام) وَ الْبِرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ هَكَذَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

حدیث 1: امام باقر (عليه السلام) فرمودند: همانا کسی خدا را می پرستد

که خدا را بشناسد ولی کسی که خدا را نمی شناسد او را همین طور که ملاحظه می کنی به گمراهی می پرستد، عرضه داشتیم: قربانت، معرفت خدا چیست؟ فرمود: تصدیق خدای عزوجل و تصدیق رسول خدا (صلى الله عليه وآله) و حُبِّ علی (عليه السلام) و پیروی از او و از امامان بر حق و بیزارى جستن به خدا از دشمن آن ها، این چنین شناخته می شود خدای عزوجل. (1)

حدیث 2: الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الْحَكَمِ وَ إِسْمَاعِيلَ ابْنَيْ حَبِيبٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ بِنَا عِبْدِ اللَّهِ وَ بِنَا عَرَفِ اللَّهُ وَ بِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَدِيث 2: امام رضا (عليه السلام): خدا به واسطه ما عبادت شده و به واسطه ما شناخته شده و به واسطه ما به یگانگی خوانده می شود. (2)

حدیث 3: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ

ص: 9

1- . الكافي كتاب الحججة ج 1 ص 180 بَابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِ ح 1.

2- . الكافي كتاب التوحيد ج 1 ص 145 بَابُ النَّوَادِر ح 10

حدیث 3: امیرالمومنین (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: رسولان خویش را در میان آنان

مبعوث کرد و پیامبران را پی در پی فرستاد تا عهد فطرتش را از آنان طلب کنند و نعمت فراموش شده اش را به یاد آنان آورند. (1)

حدیث 4: مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ صَبَّاحٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا فَأَحْسَنَ خَلْقَنَا وَصَوَّرَنَا فَأَحْسَنَ صُورَنَا وَجَعَلَنَا عَيْنَهُ فِي عِبَادِهِ وَلِسَانَهُ النَّاطِقَ فِي خَلْقِهِ وَيَدَهُ الْمَبْسُوطَةَ عَلَى عِبَادِهِ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ وَوَجْهَهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ وَبَابَهُ الَّذِي يَدُلُّ عَلَيْهِ وَخُزَانَهُ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَأَيْنَعَتِ الثَّمَارُ وَجَرَتِ الْأَنْهَارُ...

حدیث 4: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی زیبا فرمودند: همانا خداوند ما را خلق کرد و خلق ما را به نیکویی انجام داد و ما را تصویر کرد و به نیکویی ما را تصویر کرد و ما را چشم خود در میان بندگانش، زبان گویای خود در میان خلقتش و دست خود قرار داد که به رحمت و رافت بر بندگانش باز است و وجه خود قرار داد تا بوسیله او به آن راه پیدا شود و باب خود قرار داده که به سوی او دلالت می کند و خزانه داران خویش در آسمان و زمینش قرار داده، به وسیله ما درختان میوه می دهد و میوه ها می رسند و جوی ها جاری می شود.... (2)

حدیث 5: عَنْهُ عَنْ مُعَلَّى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهِورٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) الْأَوْصِيَاءُ هُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّتِي يُؤْتِي مِنْهَا وَلَوْلَاهُمْ مَا عَرَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَبِهِمْ احْتَجَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ.

ص: 10

1- . نهج البلاغه للصباحي صالح ص 43 خطبه 1 اختيار الانبياء.

2- . الكافي كتاب التوحيد ج 1 ص 144 باب النوادر ح 5.

حدیث 5: امام رضا(علیه السلام) فرمودند: اوصیاء ابواب خدای عزوجل هستند که از ناحیه آن ها به خدا رسیده می شود و اگر ایشان نبودند خداوند شناخته نمی شد و خداوند به وسیله آنان بر خلق احتجاج می کند.(1)

حدیث 6: أَبِي رَجْمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نَعِيمٍ الصَّحَّافِ قَالَ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ النَّاسَ عَلَى الْفِطْرَةِ الَّتِي فَطَرَهُمُ اللَّهُ عَلَيْهَا لَا يَعْرِفُونَ إِيْمَانًا بِسَبْعَةِ رِبْعَةٍ وَلَا كُفْرًا بِجُحُودٍ ثُمَّ ابْتَعَثَ اللَّهُ الرَّسُلَ إِلَيْهِمْ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِيْمَانِ بِاللَّهِ حُجَّةً لِلَّهِ عَلَيْهِمْ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَاهُ اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ يَهْدِهِ.

حدیث 6: امام صادق(علیه السلام): خداوند عزوجل مردم را بر فطرتی آفرید که آن ها را بر آن سرشته در حالی که نه از ایمان به شریعتی خبر داشتند و نه از کفری که نتیجه انکارشان باشد. سپس رسولان را بسوی آنها فرستاد که آنان را به ایمان به خدا بخوانند تا حجت خدا بر آنها باشند. پس برخی از آنها را هدایت کرد و برخی را نه.(2) حدیث 7: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ مُقَرَّنٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ(علیه السلام) يَقُولُ... وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِي لَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا..... إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَ لَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَ صِرَاطَهُ وَ سَبِيلَهُ وَ الْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ

حدیث 7: امام صادق(علیه السلام) در حدیثی بسیار زیبا فرمودند: و مائیم اعراف که خدای عزوجل جز از طریق معرفت ما شناخته نشود.... همانا خدای تعالی اگر بخواهد خود را بر بندگان معرفی می کند، اما ما را باب و راه و طریق و وجهی قرار داده که مردم به واسطه ما به او راه یابند.(3)

ص: 11

- 1- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 193 بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ خُلَفَاءَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَرْضِهِ وَأَبْوَابُهُ الَّتِي مِنْهَا يُؤْتَى ح 2
- 2- . علل الشرايع ج 1 ص 121 باب 99 باب علة إثبات الأنبياء و الرسل و علة اختلاف دلائلهم ح 5،
- 3- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 184 بَابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِ ح 9

حدیث 8: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام):... نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يُعْرَفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا

حدیث 8: امیرالمؤمنین (علیه السلام): ما آن وسیله های شناخت پروردگاریم که بدون آن شناخت و معرفت او امکان پذیر نخواهد بود. (1)

حدیث 9: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ عَطَاءٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

قَالَ: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام)

عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ وَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَتَعَنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ

حدیث 9: امام صادق (علیه السلام): امام حسین (علیه السلام) از جمع یاران شان بیرون آمده و خطاب به آن ها فرمودند: ای مردم! به درستی که خدای متعال بندگانش را نیافریده مگر برای آن که او را بشناسند، و هنگامی که او را شناختند عبادتش کنند، و زمانی که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی نیاز گردند. مردی در بین یاران عرضه داشت: ای پسر رسول خدا (صلى الله عليه وآله) پدر و مادرم به فدایت، معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: آنست که اهل هر عصر و زمانی امامی را که اطاعتش بر آن ها واجب است بشناسند. (2)

ص: 12

1- بصائر الدرجات ج 1 ص 497 باب 16 باب فی الأئمة أنهم الذین ذکرهم الله يعرفون أهل الجنة والنار ح 6.

2- علل الشرائع ج 1 ص 9 باب 9 باب علة خلق الخلق واختلاف أحوالهم ح 1

حدیث 10: وَ هُوَ مَا نَقَلَهُ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ الشَّيْخِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ رِجَالِهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْعَالِمِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ (عليه السلام) قَالَ: أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ لِأَنَّهُ لَا يَرَى وَلَا يَدْرِكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا إِيَّتُهُ فَهَؤُلَاءِ

حدیث 10: و همچنین ایشان در جایی دیگر فرمودند: خداوند اهل بیت (علیهم السلام) را جانشین خویش قرار داده، چرا که او از چشم‌ها پنهان بوده و درک نمی‌شود و کمیت و کیفیت او قابل شناخت نیست پس هر که ایشان را بشناسد خدا را شناخته است. (1)

حدیث 11: وَ هُوَ مَا نَقَلَهُ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ الشَّيْخِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ رِجَالِهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْعَالِمِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ (عليه السلام) قَالَ: وَ لَوْلَا هُمْ مَا عُرِفَ اللَّهُ وَلَا يُدْرَى كَيْفَ يُعْبَدُ الرَّحْمَنُ حَدِيث 11: امام کاظم (علیه السلام): اگر اهل بیت (علیهم السلام) نمی‌بودند خداوند شناخته نشده، و کسی نمی‌دانست که چگونه او را عبادت کند. (2)

حدیث 12: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الرَّضَا (عليه السلام): مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهَ

حدیث 12: امام رضا (علیه السلام): هر که اهل بیت (علیهم السلام) را بشناسد خدا را شناخته، و هر که جاهل به ایشان باشد خدا را نشناخته است. (3)

حدیث 13: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عُمَرَ الْفُقَيْمِيِّ عَنِ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ لِلزَّنْدِيقِ الَّذِي سَأَلَهُ مِنْ أَيْنَ أَتَيْتَ الْأَنْبِيَاءَ

ص: 13

1- . تأویل الآيات ص 394، سورة الشعراء (26) الآيات 217 الى 219.

2- . تأویل الآيات ص 395 سورة الشعراء (26): الآيات 217 الى 219.

3- . الكافي كتاب الحج ج 4 ص 579 بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع وَ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي وَ مَا يُجْزَى مِنَ الْقَوْلِ عِنْدَ كُلِّهِمْ ح 2.

وَالرُّسُلَ قَالَ إِنَّمَا أَتَيْنَا لَنَا خَالِقًا صَانِعًا مُتَعَالِيًا عَنَّا وَعَنْ جَمِيعٍ مَا خَلَقَ وَكَانَ ذَلِكَ الصَّانِعُ حَكِيمًا مُتَعَالِيًا لَمْ يَجْزُ أَنْ يُشَاهِدَهُ خَلْقَهُ وَلَا يُلَا مِسْوَهُ فَيُبَاشِرَهُمْ وَيُبَاشِرُوهُ وَيَحَاجُّهُمْ وَيَحَاجُّوهُ ثَبَتَ أَنَّ لَهُ سَفَرَاءَ فِي خَلْقِهِ يُعْبِرُونَ عَنْهُ إِلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ وَيَدُلُّونَهُمْ عَلَى مَصَالِحِهِمْ وَمَنَافِعِهِمْ وَمَا بِهِ بَقَاؤُهُمْ وَفِي تَرْكِهِ فَنَاقُؤُهُمْ فَثَبَتَ الْأَمْرُونَ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ فِي خَلْقِهِ وَالْمُعْبِرُونَ عَنْهُ جَلَّ وَعَزَّ وَهُمْ الْأَنْبِيَاءُ وَصَفْوَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ حُكَمَاءَ مُؤَدِّبِينَ بِالْحِكْمَةِ مَبْعُوثِينَ بِهَا غَيْرَ مُشَارِكِينَ لِلنَّاسِ عَلَى مُشَارَكَتِهِمْ لَهُمْ فِي الْخَلْقِ وَالتَّرْكِيبِ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْوَالِهِمْ مُؤَيَّدِينَ مِنْ عِنْدِ الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ بِالْحِكْمَةِ ثُمَّ ثَبَتَ ذَلِكَ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَزَمَانٍ مِمَّا أَتَتْ بِهِ الرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ مِنَ الدَّلَائِلِ وَالتَّبْرَاهِينِ لِكَيْلَا تَخْلُو أَرْضُ اللَّهِ مِنْ حُجَّةٍ يَكُونُ مَعَهُ عِلْمٌ يَدُلُّ عَلَى صِدْقِ مَقَالَتِهِ وَجَوَازِ عِدَالَتِهِ.

حدیث 13: امام صادق (علیه السلام) به زندیقی که پرسید: پیغمبران و رسولان را از چه راه ثابت می کنی؟ فرمود: چون ثابت کردیم که ما آفریننده و صانع داریم که از ما و تمام مخلوق برتر و با حکمت و رفعت است و چون ممکن نیست که خلقش او را ببینند و لمس کنند و بی واسطه با یک دیگر برخورد و مباحثه کنند، ثابت شد که برای او سفیرانی در میان خلقش باشند که خواست او را برای مخلوق و بندگانش بیان کنند و ایشان را به مصالح و منافعشان و موجبات تباه و فنایشان رهبری نمایند، پس وجود امر و نهی کنندگان و تقریر نمایندگان از طرف خدای حکیم دانا در میان خلقش ثابت گشت و ایشان همان پیغمبران و برگزیده های خلق او باشند، حکیمانی هستند که به حکمت تربیت شده و به حکمت مبعوث گشته اند، با آن که در خلقت و اندام با مردم شریکند در احوال و اخلاق شریک ایشان نباشند. از جانب خدای حکیم دانا به حکمت مؤید باشند، سپس آمدن پیغمبران در هر عصر و زمانی به سبب دلایل و

براهینی که آوردند ثابت شود، تا زمین خدا از حجتی که بر صدق گفتار و جواز عدالتش نشانه ای داشته باشد، خالی نماند. (1)

حدیث 14: مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ... قُلْتُ إِنَّ مَنْ عَرَفَ أَنَّ لَهُ رَبًّا فَيَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَعْرِفَ أَنَّ لِدَلِكِ الرَّبِّ رِضًا وَ سَخَطًا وَ أَنَّهُ لَا يُعْرَفُ رِضَاهُ وَ سَخَطُهُ إِلَّا بِوَحْيٍ أَوْ رَسُولٍ فَمَنْ لَمْ يَأْتِهِ الْوَحْيُ فَقَدْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَطْلُبَ الرَّسُولَ فَإِذَا لَقِيَهُمْ عَرَفَ أَنَّهُمُ الْحُجَّةُ وَ أَنَّ لَهُمُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ...*

حدیث 14: منصور بن حازم گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: کسی که می داند برایش پروردگاری است، باید بداند که این پروردگار خشنودی و خشمی دارد و خشنودی و خشم او فهمیده نشود جز به وحی یا به وسیله رسول، هر که را وحی نرسد باید جویای رُسل گردد و چون به آنها برخورد کند و آن ها را بشناسد، می فهمد که آن ها حجت هستند و طاعت آنها بر دیگران فرض و لازم است.... (2) حدیث 15:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الْحَكَمِ وَ إِسْمَاعِيلَ عَنْ بُرَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ بِنَا عُبَيْدِ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفِ اللَّهِ وَ بِنَا وَعَدَ اللَّهُ وَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه و آله) حِجَابُ اللَّهِ.

حدیث 15: امام باقر (علیه السلام) در حدیثی زیبا فرمودند: به وسیله ما خدا پرستش شده و به وسیله ما شناخته گردیده و به وسیله ما مردم به یکتائیش اعتراف نموده اند و محمد (صلی الله علیه و آله) حجاب خداست. (3)

حدیث 16: أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَابِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ نَحْنُ وَوَلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ

ص: 15

1- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 168 باب الاضطرار إلى الحجّة ح 1.

2- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 169 باب الاضطرار إلى الحجّة ح 2.

3- [1]. بصائر الدرجات ج 1 ص 64 باب 3 باب في الأئمة أنهم حجة الله و باب الله و ولاة أمر الله و وجه الله الذي يؤتى منه و جنب الله و عين الله و خزنة علمه جل جلاله و عم نواله ح 16

عِلْمِ اللَّهِ وَ عَيْبَةُ وَحْيِ اللَّهِ وَ أَهْلِ دِينِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا نَزَلَ كِتَابُ اللَّهِ وَ بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَ لَوْلَا نَا مَا عَرَفَ اللَّهُ وَ نَحْنُ وَرَثَةُ نَبِيِّ اللَّهِ وَ عِتْرَتُهُ.

حدیث 16: بصائر: عبد الرحمن بن کثیر گفت از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمود: ما فرمانروایان فرمان خدا و گنجینه های علم خدا و مخزن وحی او و اهل دین خدا هستیم کتاب خدا بر ما نازل شده به واسطه ما خدا پرستش شد اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد ما وارث پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و عترت او هستیم. (1)

حدیث 17:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ يَخْتَجُّ بِعَلِيِّ (عليه السلام) فِي كُلِّ أُمَّةٍ فِيهَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ أَشَدُّهُمْ مَعْرِفَةً لِعَلِيِّ (عليه السلام) أَعْظَمُهُمْ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ قُلْتُ فَغَيْرِ هَذَا رَحِمَكَ اللَّهُ قَالَ نَعَمْ سَمِعْتُ

رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

يَقُولُ لَوْلَا أَنَا وَ عَلِيُّ (عليه السلام)

مَا عَرَفَ اللَّهُ وَ لَوْلَا أَنَا وَ عَلِيُّ (عليه السلام)

مَا عِبَدَ اللَّهُ وَ لَوْلَا أَنَا وَ عَلِيُّ (عليه السلام) مَا كَانَ ثَوَابٌ وَ لَا عِقَابٌ وَ لَا يَسْتُرُ عَلِيًّا (عليه السلام) عَنِ اللَّهِ سِتْرٌ وَ لَا يَحْجُبُهُ عَنِ اللَّهِ حِجَابٌ وَ هُوَ السِّتْرُ وَ الْحِجَابُ فِيمَا بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ

حدیث 17: پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمود: اگر من و علی (علیه السلام) نبودیم خدا شناخته نمی شد، و اگر من و علی (علیه السلام) نبودیم خدا عبادت نمی شد، و اگر من و علی (علیه السلام) نبودیم ثواب و عقابی نبود. علی (علیه السلام) را هیچ پرده ای از خداوند نمی پوشاند و هیچ حجابی بین او و خداوند مانع نمی شود. او خود حجاب و واسطه بین خدا و خلقش است. (2)

حدیث 18:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ .. وَ نَحْنُ الْعَامِلُونَ بِأَمْرِهِ

وَ الدَّاعُونَ إِلَى سَبِيلِهِ بِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَ بِنَا عِبْدَ اللَّهِ

نَحْنُ الْأَدْلَاءُ عَلَى اللَّهِ وَ لَوْلَا نَا مَا عِبَدَ اللَّهُ

ص: 16

1- [2]. بصائر الدرجات ج 1 ص 61 باب 3 باب في الأئمة أنهم حجة الله و باب الله و ولاية أمر الله و وجه الله الذي يؤتى منه و جنب الله

و عين الله و خزنة علمه جل جلاله و عم نواله ح 3

2- [1]. كتاب سليم بن قيس الهلالي ج 2 ص 858 الحديث السادس والأربعون [1]

حدیث 18: امام صادق (علیه السلام) در حدیث زیبایی فرمودند: ... و مائیم عاملان به امر او و داعیان به سوی راه او، به واسطه ما خدا شناخته شد و به واسطه ما خدا پرستیده شد و مائیم رهنمایان بر خدا و اگر ما نبودیم خدا پرستیده نمی شد. (1)

حدیث 19: قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام) لَوْ لَا اللَّهُ مَا عُرِفْنَا وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عُرِفَ اللَّهُ.

حدیث 19: حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: اگر خدا نبود ما شناخته نمی شدیم و اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد. (2)

حدیث 20:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَجَّالِ عَنْ نَصْرِ الْعَطَّارِ عَمَّرَفَعَهُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِعَلِيِّ (علیه السلام)

ثَلَاثٌ أَقْسِمُ أَنَّهُنَّ حَقٌّ إِنَّكَ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِكَ عُرَفَاءٌ لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِكُمْ وَعُرَفَاءٌ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ وَعُرَفَاءٌ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَكُمْ وَأَنْكَرْتُمُوهُ.

حدیث 20: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: سه چیز است که سوگند می خورم حق است، تو و اوصیاء بعد از تو عرفائید (معرف راه خداشناسی)، خدا شناخته نمی شود مگر از راه شناختن شما، شما عرفائید (معرف بهشت)، به بهشت نمی رود مگر کسی که شما را بشناسد و شما او را بشناسید، شما عرفا هستید برای دوزخیان و به دوزخ نمی رود مگر کسی که منکر شما باشد و شما منکر او باشید. (3)

حدیث 21: يَرْفَعُهُ الْمُفِيدُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ قَدَسَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَهُ إِلَى زَيْدِ الشَّهِيدِ قَالَ دَخَلَ أَحْمَدُ بْنُ بَكْرِ عَلِيَّ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام)

فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) حَدَّثَنِي مِنْ فَضْلِ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكُمْ قَالَ نَعَمْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام) فَتَحَنُّ

ص: 17

1- . التوحيد ص 152 باب 12 باب تفسير قول الله عز و جل كل شي ء هالك إلا وجهه ح 9

2- . التوحيد (للصدوق) ص 290 باب 41 باب أنه عز و جل لا يعرف إلا به

3- . الخصال ج 1 ص 150 قول النبي ثلاث أقسم أنهن حق ح 183

شَفَعَاؤُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا ابْنَ بَكْرٍ مَنْ أَحَبَّنَا فِي اللَّهِ حُسْرًا مَعَنَا وَ أَدْخَلْنَاهُ مَعَنَا يَا ابْنَ بَكْرٍ مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا فَهُوَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى يَا ابْنَ بَكْرٍ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اصْطَفَى مُحَمَّدًا (صلى الله عليه و آله) وَ اخْتَارَنَا ذُرِّيَّتَهُ فَلَوْلَانَا لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ يَا ابْنَ بَكْرٍ بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَ بِنَا عُبدَ اللَّهُ وَ نَحْنُ السَّبِيلُ إِلَى اللَّهِ وَ مِنَّا الْمُصْطَفَى (صلى الله عليه و آله) وَ الْمُرْتَضَى (عليه السلام) وَ مِنَّا يَكُونُ الْمَهْدِيُّ قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ فَقُلْتُ هَذَا الَّذِي تَقُولُ عَدَّتْ أَوْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) قَالَ بَلْ عَهْدٌ عَهْدُهُ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) حديث 21: رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرمودند: پس اگر ما نبودیم، دنیا و آخرت را خدا نمی آفرید، و به وسیله ما خدا شناخته می شود و به وسیله ما عبادت می شود و راه به سوی خدا ما هستیم. (1)

حديث 22: حَدَّثَنَا الْمُنبِّهُ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: ... وَ أَعْرَافٌ لَا يُعْرِفُ اللَّهَ إِلَّا بِسَبِيلٍ مَعْرِفَتِهِمْ

حديث 22: امام باقر (عليه السلام): ... (به راستی) که ایشان اعرافند، و خدا شناخته نمی شود مگر به واسطه معرفت ایشان. (2)

حديث 23: وَ مِمَّا رَوَاهُ مِنْ كِتَابِ مَنْهَجِ التَّحْقِيقِ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ زَفَعَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَاهِرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: ... وَ بَعِبَادَتِنَا عُبدَ اللَّهُ وَ لَوْلَانَا مَا عُرِفَ اللَّهُ

حديث 23: امام باقر (عليه السلام) در حدیثی زیبا فرمودند: ... با عبادت ما خدا پرستش شد اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد. (3)

ص: 18

1- . إرشاد القلوب إلى الصواب (للدليمي) ج 2 ص 414 أحاديث في فضائل أهل البيت ع ح 1

2- . بصائر الدرجات ج 1 ص 496 باب 16 باب في الأئمة أنهم الذين ذكرهم الله يعرفون أهل الجنة و النار ح 4

3- . بحار الأنوار ج 25 ص 5 باب 1 بدو أرواحهم و أنوارهم و طينتهم و أنهم من نور واحد ح 7

حدیث 24: وَ بِإِسْمِ نَادِيهِ مَرْفُوعاً إِلَى جَابِرِ بْنِ بَزِيدِ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عليه السلام)... فَبِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَ بِنَا وَحَدَّ اللَّهُ وَ بِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ بِنَا أَكْرَمَ اللَّهُ مِنْ أَكْرَمٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ وَ بِنَا أَثَابَ مَنْ أَثَابَ وَ بِنَا عَاقَبَ مَنْ عَاقَبَ

حدیث 24: امام باقر (عليه السلام): و به وسیله ما خدا شناخته شد و به وحدانیت پرستش گردید و به واسطه ما گرامی شد هر که مقامی یافت از مخلوقات، ما سبب پاداش، پاداش گیران و کیفر تبهکاران هستیم. (1) حدیث 25: أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ نَحْنُ وُلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَ خَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَ عَيْبَةُ وَحْيِ اللَّهِ وَ أَهْلُ دِينِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا نَزَلَ كِتَابُ اللَّهِ وَ بِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ لَوْلَا نَا مَا عَرَفَ اللَّهُ وَ نَحْنُ وَرَثَةُ نَبِيِّ اللَّهِ وَ عِثْرَتُهُ

حدیث 25: بصائر: عبد الرحمن بن کثیر گفت از حضرت صادق (عليه السلام) شنیدم می فرمود: ما فرمانروایان فرمان خدا و گنجینه های علم خدا و مخزن وحی او و اهل دین خدا هستیم کتاب خدا بر ما نازل شده به واسطه ما خدا پرستش شد اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد ما وارث پیامبر خدا و عترت او هستیم. (2)

حدیث 26: أَبَانُ بْنُ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سَلِيمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي ذَرٍّ حَدَّثَنِي رَحِمَكَ اللَّهُ بِأَعْجَبِ مَا سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) و آله

يَقُولُ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا تَتَّبَعْتُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ وَ الْإِفْرَارِ لَنَا بِالْوَلَايَةِ وَ لَا اسْتَأْهَلَ خَلْقٌ مِنْ اللَّهِ النَّظَرَ إِلَيْهِ إِلَّا بِالْعُبُودِيَّةِ لَهُ وَ الْإِفْرَارِ لِعَلِيِّ (عليه السلام)

بَعْدِي

ص: 19

1- . حلية الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار عليهم السلام ج 1 ص 16 الباب الأول في شأن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و أهل بيته عليهم السلام في أول الأمر

2- . بصائر الدرجات ج 1 ص 61 باب 3 باب في الأئمة أنهم حجة الله و باب الله و ولادة أمر الله و وجه الله الذي يؤتى منه و جنب الله و عين الله و خزنة علمه جل جلاله و عم نواله ح 3

حدیث 26: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: به آن که جانم به دست او است سوگند، هیچ پیامبری به نبوت نرسید مگر بر اثر شناخت خداوند و اقرار به ولایت ما و هیچ آفریده ای شایستگی شناخت خدا را نیافت مگر با اعتراف و اقرار به عبودیت برای خدا و اقرار به ولایت علی (علیه السلام) پس از من. (1) حدیث 27: فِي جُمْلَةِ خَبَرِ طَوِيلٍ وَ مَسَائِلَ كَثِيرَةٍ سَأَلَهُ عَنْهَا رَاهِبٌ يُعْرَفُ بِشَمْعُونَ بْنِ لَأْوَى بْنِ يَهُودَا مِنْ حَوَارِيِّ عَيْسَى (علیه السلام) فَأَجَابَهُ عَنْ جَمِيعِ مَا سَأَلَ عَنْهُ عَلَى كَثْرَتِهِ فَأَمَّنَ بِهِ وَ صَدَّقَهُ وَ كَتَبْنَا مِنْهُ مَوْضِعَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ وَ مِنْهُ.... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله): وَ أَمَّا عَلَامَةُ الْعِلْمِ فَارْبَعَةٌ الْعِلْمُ بِاللَّهِ وَ الْعِلْمُ بِمُحِبِّهِ وَ الْعِلْمُ بِفَرَائِضِهِ وَ الْحِفْظُ لَهَا حَتَّى تُؤَدَّى

حدیث 27: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): و اما نشانه های دانش چهار است: شناخت خدا، شناسایی دوستانش، و دانستن قوانین او، و نگهداری آن ها تا به نیکویی به انجام رسد. (2)

حدیث 28: السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ

حدیث 28: امام هادی (علیه السلام) در زیارت جامعه که از لسان مبارک ایشان بیان شده می فرماید: درود بر محل های شناخت خدا و مراکز آن. (3)

حدیث 29:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (علیه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) أَتَا سَيِّدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَتَا خَيْرٌ مِنْ جِبْرِئِيلَ (علیه السلام) وَ مِيكَائِيلَ (علیه السلام) وَ إِسْرَافِيلَ (علیه السلام) وَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَ جَمِيعَ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَا صَاحِبُ الشَّفَاعَةِ وَ الْحَوْضِ الشَّرِيفِ وَ أَنَا وَ عَلِيُّ أَبُو هَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ

ص: 20

1- . کتاب سلیم بن قیس الهمالی ج 2 ص 859 الحدیث السادس و الأربعون [1]

2- . تحف العقول ص 19 و من حکمه و کلامه

3- . زیارت جامعه

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنْ عَلَيَّ سَبَطَ أُمَّتِي وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ (عليه السلام)

وَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)

وَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) تِسْعَةُ أَيْمَةٍ طَاعَتْهُمْ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي تَأْسِعُهُمْ فَإِنَّهُمْ وَ مَهْدِيَّتُهُمْ. حديث 29: رسول خدا (صلى الله عليه و آله) فرمودند: هر که ما را شناخت خدا را شناخته، و کسی که ما را انکار کرد، خدای را منکر شده. (1)

حديث 30: أَقُولُ ذَكَرَ وَالِدِي رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ رَأَى فِي كِتَابِ عَتِيقٍ، جَمَعَهُ بَعْضُ مُحَدِّثِي أَصْحَابِنَا فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) هَذَا الْخَبَرَ وَ وَجَدْتُهُ أَيْضاً فِي كِتَابِ عَتِيقٍ مُشْتَمِلٍ عَلَى أَخْبَارٍ كَثِيرَةٍ قَالَ رُوِيَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ أَنَّهُ قَالَ قَالَ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ وَ هُوَ الدِّينُ الْخَالِصُ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (2)

حديث 30: اميرالمومنين (عليه السلام) در حديثى زيبا فرمودند: شناخت با نورانيت شناخت خدا است و شناخت خدا معرفت من است با نورانيت اين است همان دين خالص كه خداوند مي فرمايد «وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (3)

حديث 31: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْأَشَدُّ عَرِيٌّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَا هِشَامُ مَا بَعَثَ اللَّهُ أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ إِلَّا إِلَى عِبَادِهِ إِلَّا لِيَعْقِلُوا عَنِ اللَّهِ فَأَحْسَنُهُمْ اسْتَجَابَةَ أَحْسَنُهُمْ مَعْرِفَةً لِلَّهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ عَقْلاً وَ أَعْقَلُهُمْ

أَرْفَعُهُمْ دَرَجَةً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

ص: 21

1- . كمال الدين و تمام النعمة ج 1 ص 261 باب 24 باب ما روي عن النبي في النص على القائم و أنه الثاني عشر من الأئمة ح 7

2- . البينة آية 5

3- . بحار الأنوار ج 26 ص 1 باب 14 نادر في معرفتهم صلوات الله عليهم بالنورانية و فيه ذكر جمل من فضائلهم ح 1

حدیث 31: هشام! خداوند پیامبران و رسولانش را برای مردم نفرستاده جز بدین منظور که خدا را بشناسند، پس آن کس دعوت خدا را بهتر پذیرفته، که خدا را بهتر شناخته، و آن کس به امر خدا داناتر است که عقلش بهتر است و آن کس مقامش در دنیا و آخرت بالاتر است که خردمندتر است. (1)

حدیث 32: عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّمَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيَعْبُدُهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَرَفَ إِمَامَهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا يَعْرِفُ وَيَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ هَكَذَا وَاللَّهُ ضَالًّا.

حدیث 32: امام باقر (علیه السلام): تنها کسی خدای عز و جل را شناسد و پرستش کند که هم خدا را بشناسد و هم امام (علیه السلام) از ما خاندان را و کسی که خدای عز و جل را شناسد و امام (علیه السلام) از ما خاندان را نشناسد غیر خدا را شناخته و عبادت کرده (2)

توضیح: همانا خداوند برای شناخت خود راهی قرار داده و آن طریق همان انبیاء، و ائمه اطهارند، ایشان صفات الهی را بیان نموده، و عواملی که موجبات خشم و خشنودی خدای عز و جل را فراهم کرده بیان می کنند. طریقه عبادت خدا را شرح داده و از معصیت او برحذر می دارند. و آنچه را که بنده ناچیز شایسته است در محضر پروردگارش مراعات کرده گوشزد نمایند. اما این امر حاصل نگردد مگر با شناخت رسولان الهی و پیروی از فرمایشات ایشان پس آدمی تا زمانی که به رسولان الهی ایمان نیاورد و اطاعت از ایشان نکند راهی به سوی شناخت خدای عز و جل نخواهد داشت. در دسته ای دیگر از روایات گفته شده که خداوند خود را به بندگانش شناسانده است، این مطلب هیچ منافاتی با آنچه عرض شد نداشته، زیرا خداوند به واسطه ارسال رسولان راه شناخت خود را بر بندگانش گشود و با اعطای عقل، آنانرا در درک و فهم معارفی که از جانب فرستادگانش عرضه می گردد یاری نموده است.

ص: 22

-
- 1- . تحف العقول ص 386 و روی عن الإمام الكاظم الأمين أبي إبراهيم و يكنى أبا الحسن موسى بن جعفر في طوال هذه المعاني باب وصيته لهشام و صفته للعقل، الكافي كتاب العقل و الجهل ج 1 ص 16 ح 12
 - 2- . الكافي ج 1 ص 181 باب معرفة الإمام و الرد إليه ح 4

حجت های خدا یند بر اهل آسمانها و زمی نحت در لغت به معنای دلیل و برهان است. در روایات اهل بیت (علیهم اسلام) مصادیق مختلفی برای آن ذکر شده یکی از مصادیق حجت از نظر ائمه (علیهم اسلام) عقل است به واسطه عقل آدمی قدرت درک و شناخت و تشخیص خوب و بد را پیدا می کند، اما یقینا عقل به تنهایی نمی تواند هدایت گری کند، از عقل به رسول باطنی نیز تعبیر شده.

حدیث 1:

قَالَ فَقَالَ ابْنُ السَّكِّيتِ تَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مِثْلَكَ قَطُّ فَمَا الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ الْيَوْمَ قَالَ فَقَالَ الْعَقْلُ يُعْرَفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ وَ الْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيُكَذِّبُهُ

حدیث 1: ابن سکیت از امام رضا (علیه السلام) پرسید: حجت بر خلق چیست؟ حضرت فرمود: عقل (امروز حجت خداست بر خلق) با عقل راستگورا شناخته تصدیق می کنند و دروغگورا شناخته و تکذیب می کنند. (1)

یکی دیگر از مصادیق حجت در روایات اهل بیت، قرآن بوده.

حدیث 2: فَالْقُرْآنُ أَمْرٌ زَاجِرٌ وَ صَامِتٌ نَاطِقٌ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ

حدیث 2: امیرالمومنین (علیه السلام) می فرماید: قرآن امر و نهی می کند، و ساکت است و ناطق و حجت خداست بر خلقش. (2)

و مصداق دیگر حجت در روایات، پیامبران و او صیاء الهی هستند که به رسول ظاهری نیز تعبیر شده اند.

حدیث 3: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلِيهِ السَّلَامُ) قَالَ: حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيُّ وَالْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَ بَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ.

ص: 24

1- . الكافي ج 1 ص 25 كِتَابُ الْعَقْلِ وَ الْجَهْلِ ح 20

2- . نهج البلاغه للصباحي صالح ص 265 خطبه 183 فضل القرآن

حدیث 3: امام صادق (علیه السلام) می فرماید: پیامبر (صلی الله علیه و آله) حجت خداست بر بندگانش و عقل میان خدا و بندگانش حجت است. (1)

حدیث 4: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَ جَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَ جَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نُفَارِقُهُ وَ لَا يُفَارِقُنَا.

حدیث 4: امیرالمومنین (علیه السلام): همانا خداوند متعال ما را پاک و معصوم کرده و گواهان بر خلق خویش و حجت خود در زمین قرار داده است، ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داده که از آن جدا نمی شویم و آن هم از ما جدا نمی شود. (2)

حدیث 5:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ):

...اللَّهُمَّ لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا أَوْ بَاطِنًا مَسْتُورًا لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ وَ يَكُونُ نِحْلَةً لِمَنْ اتَّبَعَهُ وَ اقْتَدَى بِهِ وَ أَيْنَ أَوْلِيكَ وَ كَمْ أَوْلِيكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا الْأَعْظُمُونَ عِنْدَ اللَّهِ خَطَرًا بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ دِينَهُ وَ عِلْمَهُ حَتَّى يَزْرَعَهَا فِي صُدُورِ أَشْبَاهِهِمْ وَ يُودِعَهَا أَمْثَالَهُمْ هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ اسْتَرَوْ حُورَ رُوحِ الْيَقِينِ وَ أَنْسَوْا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ وَ اسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَ مِنْهُ الْمُتْرَفُونَ وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى أَوْلِيكَ حُجُجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ أَمْنَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ فَوَا

شَوْقَاهُ إِلَيْهِمْ وَ إِلَى رُؤْيَيْهِمْ

حدیث 5: امیرالمومنین (علیه السلام) در روایتی فرمودند: هرگز زمین خالی نمی ماند از کسی که حجت الهی را به پا دارد خواه ظاهر و مشهور باشد و خواه پنهان تا اینکه حجت های الهی و دلایل روشن او باطل نشود خداوند به وسیله آنها حجت ها و دلایل

ص: 25

1- . الكافي ج 1 ص 25 كِتَابُ الْعَقْلِ وَ الْجَهْلِ ح 22

2- . الكافي ج 1 ص 191 باب في أن الأئمة شهداء الله عز وجل على خلقه ص : 190 ح 5،

روشن خود را حفظ می کند تا آنها به کسانی که مانند خودشان هستند بسپارند و بذر آنها را در دل های افرادی همانند خودشان بکارند آنان خلفای خدایند در روی زمین و داعیان بسوی دین اویند آه از شوق دیدار آنها. (1)

حدیث 6: حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ.

حدیث 6: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: حجت قبل از مخلوقات، و در کنار مخلوقات و بعد از مخلوقات موجود است. (2)

حدیث 7: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَنْ سَدِيرٍ قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): نَحْنُ قَوْمٌ مَعْصُومُونَ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِطَاعَتِنَا وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِنَا نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَفَوْقَ الْأَرْضِ.

حدیث 7: امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمودند: ما قومی معصوم هستیم که خدای تعالی به ما امر کرده و از معصیت ما نهی فرموده، ما حجت بالغه الهی هستیم بر آنچه میان آسمان ها و زمین است. (3)

حدیث 8 السرائر مِنْ جَامِعِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ مَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا مِنْ آدَمِيٍّ وَلَا إِنْسِيٍّ وَلَا جِنِّيٍّ وَلَا مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ إِلَّا وَنَحْنُ الْحُجَجُ عَلَيْهِمْ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا إِلَّا وَقَدْ عَرَضَ وَلَا يَتَنَا عَلَيْهِ وَ احْتَجَّ بِنَا عَلَيْهِ فَمُؤْمِنٌ بِنَا وَ كَافِرٌ وَ جَا حِدٌ حَتَّى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ الْآيَةِ

ص: 26

1- إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمی) ج 2 ص 315 حكاية الجاثليق الأول ص : 299.

2- . الكافي ج 1 ص 177 باب أن الحججة لا تقوم لله على خلقه إلا بإمام ص : 177 ح 4، كمال الدين: ج 1 ص 221 باب 22 باب 22 اتصال الوصية من لدن آدم ع و أن الأرض لا تخلو من حجة لله عز و جل على خلقه إلى يوم القيامة ح 5.

3- . الكافي ج 1 ص 269 باب في أن الأئمة بمن يشبهون ممن مضى و كراهية القول فيهم بالنبوّة ح 6

حدیث 8: حضرت صادق (علیه السلام): هیچ چیزی نیست اعم از آدمی، جن، انس، و

فرشته که در آسمان هاست جز اینکه ما حجت های خدا بر آنان هستیم. هیچ خلقی را نیافرید مگر اینکه ولایت ما را بر او عرضه کرد و به ما بر او احتجاج کرد پس یا به ما ایمان آوردند و یا کفر ورزیده و انکار کردند....(1)

حدیث 9: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ... أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ

حدیث 9: در زیارت امام عصر: سلام بر تو ای حجت خدا بر اهل آسمان و زمین، شهادت می دهم که به حقیقت تو حجت خدا برگزشتگان و آیندگان هستی.(2)

حدیث 10: أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الثَّقَلِيُّ مِنْ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ ظَاهِرٍ أَوْ خَافِي [خَافٍ] مَغْمُورٍ لِيَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَبَيِّنَاتُكَ

حدیث 10: امیرالمومنین (علیه السلام) در روایتی فرمودند: هرگز زمین خالی نمی شود از کسی که حجت خدا را به پا دارد خواه ظاهر باشد و مشهور و یا پنهان، تا اینکه حجت ها و دلایل روشن الهی باطل نشود. (3) حدیث 11: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدَعْ الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ وَلَوْ

لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْرِفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ.

حدیث 11: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا خداوند زمین را بدون عالم (علیه السلام) رها نمی کند در غیر اینصورت حق از باطل شناخته نشود.(4)

ص: 27

- 1- . السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (والمستطرفات) ج 3 ص 575 باب و من ذلك ما استطرفناه من جامع البزنطي صاحب الرضاع
- 2- . المزار، محمد بن المشهدي زيارة أخرى له عليه السلام ص 587
- 3- . علل الشرائع ج 1 ص 195 باب 153 باب العلة التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله عز وجل على خلقه ص : 195 ح 2.
- 4- . الكافي ج 1 ص 178 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 5

حدیث 12: السَّلَامُ عَلَى حُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَرَحْمَةُ اللَّهِ... وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ مُحَجَّبًا عَلَى بَرِيَّتِهِ

حدیث 12: در زیارت جامعه کبیره: سلام بر حجّت های خدا بر اهل دنیا و آخرت، شهادت می دهم که شما حقیقتاً حجت های خداوند بر مخلوقاتش می باشید. (1)

حدیث 13: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّادُ بْنُ عَبْدِ الْخَالِقِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ عَالَمٍ كُلُّ عَالَمٍ مِنْهُمْ أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ مَا تَرَى عَالَمٌ مِنْهُمْ أَنْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَالَمًا غَيْرَهُمْ وَأَنَا الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ.

حدیث 13: عبد الخالق از یکی از روایانش از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: به راستی که برای خداوند متعال دوازده هزار جهان است، که هر جهانی از آنها از آسمان های هفت گانه و زمین هفت گانه بزرگ تر است و هیچ جهانی از آنها نمی داند که جهانی جز آن هم هست و من بر همه آن جهان ها حجّتم. (2)

حدیث 14: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِيهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمٍ إِلَّا بِإِذْنِي. حدیث 14: امیرالمؤمنین (علیه السلام): من حجّت خدا بر اهل آسمان ها و زمینم، هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی دارد. (3)

حدیث 15:

أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: يَقُولُ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ وَ

ص: 28

1- . من لا يحضر الفقيه: ج 2 زیارة جامعه لجميع الأئمة ص 610.

2- . الخصال ج 2 ص 639 من روى أن لله عز و جل اثني عشر ألف عالم ح 14

3- . مشارق انوار اليقين: ص 345.

سَبِيلَهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بِغَيْرِهِ هَلَكَ وَكَذَلِكَ جَرَى لِلْأَنْبِيَاءِ الْهُدَاةُ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى

حدیث 15: امام صادق (علیه السلام) می فرماید: خدای تعالی امامان هادی را یکی پس از دیگری ارکان زمین قرار داده تا به وسیله آنان زمین از اضطراب باز شود، و آن ها را حجت بالغه خود بر آنکه روی زمین و زیر خاک است قرار داده. (1)

حدیث 16: قَالَ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ... وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لِدَلِكِ وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ وَالْهَمَّهُ الْعِلْمَ الْإِهَامًا فَلَمْ يَعْيَ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَلَا يُحَيِّرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ فَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدْ أَمِنَ مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ وَالْعَثَارِ يَخُصُّهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ وَذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

حدیث 16:

امام رضا (علیه السلام) در ضمن حدیثی درباره عصمت ائمه اطهار (علیهم السلام) می فرماید: ... همانا خداوند متعال وقتی بنده ای را به سرپرستی امور بندگان انتخاب می کند، سینه او را بر این امر فراخ کرده و در دل او چشمه های حکمت را به ودیعه می گذارد، و علم را به او الهام می نماید تا بعد از آن از هیچ سوالی در نماند و از حق در جواب سرگردان نشود. پس امام (علیه السلام)، معصوم و مورد تایید و توفیق و تسدید الهی است و از خطاها و لغزش ها و سقوط در امان است. خداوند این امر را به او اختصاص داده تا حجت او بر بندگان باشد و او را گواه بر خلقش قرار دهد. این فضل الهی است که به هر که خواهد عطا می کند. (2)

حدیث 17: أَقُولُ قَالَ الشَّيْخُ حَسَنُ بْنُ سُلَيْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِ الْمُحْتَضَرِ، رَوَى بَعْضُ عُلَمَاءِ الْإِمَامِيَّةِ فِي كِتَابِ مَنْهَجِ التَّحْقِيقِ إِلَى سَوَاءِ

ص: 29

1- . الكافي ج 1 ص 196 باب أن الأئمة هم أركان الأرض ص : 196 ح 1.

2- . الكافي ج 1 ص 202 باب نادر جامع في فضل الإمام و صفاته

الطَّرِيقِ بِإِسْمِ نَادِيهِ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام):...أَنَا عَيْنُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ أَنَا لِسَانُ اللَّهِ النَّاطِقُ فِي خَلْقِهِ أَنَا نُورُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ أَنَا بَابُ اللَّهِ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ وَحُجَّتُهُ عَلَيَّ عِبَادِهِ

حدیث 17: امیرالمؤمنین (علیه السلام):... من چشم بینای خداوند بر روی زمین، زبان گویای او در میان مردمان و آن نور خداوندی هستم که خاموشی ندارد، من آن در رحمت الهی هستم که باید از آن وارد شوند، من حجت خداوند بر بندگانم. (1)

حدیث 18: حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زُنَجَوِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ سَلْمَةَ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَسَّانَ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ سَلْمَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي إِدْرِيسَ عَنِ الْمُسَيَّبِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ خَلَفَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي أُمَّتِهِ فَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ بَعْدَ نَبِيِّهِ وَإِنَّ وَلَايَتِي لَتَلْزُمُ أَهْلَ السَّمَاءِ كَمَا تَلْزُمُ أَهْلَ الْأَرْضِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَتَذَكَّرُنَّ فَضْلِي وَذَلِكَ تَسْبِيحُهَا

حدیث 18: امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرا در میان امّتش جانشین خود ساخت، لذا من حجت خدا بر آن ها هستم، همانا ولایت من بر اهل آسمان واجب گردیده همان طور که بر اهل زمین واجب شده، و فرشتگان ذکر فضائل ما کنند و این نزد خدا تسبیح آن ها به حساب آید. (2)

ص: 30

1- . البرهان في تفسير القرآن ج 4 ص 659 [سورة ص(38): الآيات 34 الى 39] ح 9108.

2- . مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والأنمة ص 59 المنقبة الثانية والثلاثون.

حدیث 19: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفَ

حدیث 19: امام کاظم (علیه السلام) در حدیث زیبایی فرمودند: حجت خدا بر خلقش بر پا نگردد، مگر به وجود امام (علیه السلام) تا شناخته شود. (1)

حدیث 20: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ ابْنِ تَغْلِبَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ.

حدیث 20: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: حجت خدا پیش از خلق بوده و با خلق می باشد و بعد از خلق هم باشد. (2)

ص: 31

1- . الكافي كتاب الحججة باب 4 بَابُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ ح 1

2- . الكافي كتاب الحججة باب 4 بَابُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ ح 4

حدیث 1: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) تَكُونُ الْأَرْضُ لَيْسَ فِيهَا إِمَامٌ قَالَ لَا قُلْتُ يَكُونُ إِمَامَانِ قَالَ لَا إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا صَامِتٌ*.

حدیث 1: حسین بن ابی العلاء گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: ممکن است زمین باشد و امامی در آن نباشد؟ فرمود: نه، گفتم: دو امام در یک زمان می شود؟ فرمود: نه مگر اینکه یکی از آنها خاموش باشد. (1)

حدیث 2: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدَعْ الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْرِفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ*.

حدیث 2: امام باقر (علیه السلام) فرمود: خدا زمین را بدون عالم وانگذازد و اگر چنین نمی کرد حق از باطل تشخیص داده نمی شد. (2)

حدیث 3: مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَتْرُكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَادِلٍ*.

حدیث 3: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خدا برتر و بزرگتر از آنست که زمین را بدون امام عادل واگذارد. (3) حدیث 4: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ وَ

-
- 1- . الكافي ج 1 ص 178 كتاب الحجّة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 1
 - 2- . الكافي ج 1 ص 178 كتاب الحجّة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 5
 - 3- . الكافي ج 1 ص 178 كتاب الحجّة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 6

هشام بن سالم عن أبي حمزة عن أبي إسحاق عمّن يثق به من أصحاب أمير المؤمنين (عليه السلام) أن أمير المؤمنين (عليه السلام) قال: اللهم إنك لا تخلي أرضك من حجة لك على خلقك.

حدیث 4: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: خداوند تو زمینت را از حجت خود بر خلقت خالی نگذاری. (1)

حدیث 5: علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن محمد بن الفضیل عن ابي حمزة عن ابي جعفر (علیه السلام) قال:

والله ما ترك الله أرضاً منذ قبض آدم (عليه السلام) إلا وفيها إمام يهتدى به إلى الله وهو حجة على عباده ولا تبقى الأرض بغير إمام حجة لله على عباده.*

حدیث 5: امام باقر (علیه السلام) در حدیث زیبایی فرمود: به خدا سوگند از زمانی که خدا آدم (علیه السلام) را قبض روح نمود زمینی را بدون امامی که به وسیله او به سوی خدا رهبری شوند وانگذازد و او حجت خداست بر بندگانش و زمینی بدون امامی که حجت خدا باشد بر بندگانش وجود ندارد. (2)

حدیث 6: الحسن بن محمد بن محمد عن معلى بن محمد عن بعض اصحابنا عن ابي علي بن راشد قال قال ابو الحسن (عليه السلام) إن الأرض لا تخلو من حجة وأنا والله ذلك الحجة.

حدیث 6: امام جواد (علیه السلام): زمین از حجت خالی نماند، به خدا آن حجت منم. (3) حدیث 7: تفسیر القمی ابي عن حماد عن ابي بصير عن ابي عبد الله (عليه السلام) قال: المُنْدِرُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ الْهَادِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بَعْدَهُ وَ الْأَيْمَةُ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فِي كُلِّ زَمَانٍ إِمَامٌ هَادٍ مُبِينٌ. وَ هُوَ رَدُّ عَلَيَّ مَنْ يُنْكِرُ أَنَّ فِي كُلِّ عَصْرِ

ص: 34

1- . الكافي ج 1 ص 178 كتاب الحجّة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 7

2- . الكافي ج 1 ص 178 كتاب الحجّة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 8

3- . الكافي ج 1 ص 179 كتاب الحجّة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 9

وَزَمَانَ إِمَامًا وَأَنَّهُ لَا يَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ كَمَا قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (صلى الله عليه وآله): لَا يَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةِ اللَّهِ إِمَامًا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ وَإِمَامًا خَائِفٍ مَغْمُورٍ لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ*

حدیث 7: امام صادق (علیه السلام) فرمود: منذر پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) است و هادی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امامان بعد از او، این معنی آیه «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (1) است در هر زمانی باید امامی وجود داشته باشد که راهنما و مفسر باشد این آیه رد می کند کسانی را که انکار می کنند لزوم وجود امام (علیه السلام) را در هر عصر و اینکه زمین خالی از حجت نیست چنانچه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: زمین خالی از قائم به حجت خدا نیست یا ظاهر و آشکار و یا پنهان تا موجب باطل شدن دلائل و حجت های خدا نگردد. (2)

حدیث 8: أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الثَّقَلِيُّ مِنْ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) يَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ ظَاهِرٍ أَوْ خَافِي [خَافٍ] مَغْمُورٍ لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجُكَ وَبَيِّنَاتُكَ.

حدیث 8: ابو اسحاق همدانی گفت یکی از دوستان مورد اعتمادم نقل کرد که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) شنیدم می فرمود: بار خدایا زمین را خالی از راهنما و حجت بر مردم نمی کند ظاهر و آشکار باشد یا پنهان تا دلائل و براهینش باطل نگردد. (3)

حدیث 9: أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ نِعْمَانَ الرَّازِيِّ قَالَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): ... فَقَالَ لَمَّا انْقَضَتْ نُبُوَّةُ آدَمَ (علیه السلام) وَانْقَطَعَ أَكْلُهُ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنْ يَا آدَمُ قَدْ انْقَضَتْ نُبُوتُكَ وَانْقَطَعَ أَكْلُكَ فَانظُرْ إِلَى مَا عِنْدَكَ مِنَ الْعِلْمِ وَالْإِيمَانِ وَمِيرَاثِ

ص: 35

1- . الرعد آية 7

2- . نهج البلاغة للصبحي صالح ص 497 حکم امیر المؤمنین علیه السلام ح 147

3- . علل الشرائع ج 1 ص 195 باب 153 باب العلة التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله عز وجل على خلقه ح 2

النُّبُوَّةَ وَ أَثْرَةَ الْعِلْمِ وَ الْإِسْمَ الْأَعْظَمَ فَاجْعَلُهُ فِي الْعَقَبِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ عِنْدَ هَبَةِ اللَّهِ

فَإِنِّي لَمْ أَدْعِ الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ يُعْرِفُ بِهِ طَاعَتِي وَ دِينِي وَ يَكُونُ نَجَاةً لِمَنْ أَطَاعَهُ

حدیث 9: امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی مدت نبوت آدم (علیه السلام) پایان یافت و عمرش به پایان رسید خداوند به او وحی کرد که ای آدم (علیه السلام) عمرت پایان یافته دقت کن هر چه در نزد تو از دانش و ایمان و میراث نبوت و آثار علمی و اسم اعظم است در اختیار فرزند خود هبة الله قرار ده، من زمین را خالی از دانائی که راهنمای بندگی و دین من باشد نمی گذارم، او سبب نجات پیروان خود خواهد بود. (1)

حدیث 10: اَبِي

رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ

الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَابِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنَّ جَبْرَائِيلَ (علیه السلام) نَزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله)

يُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ (صلی الله علیه و آله) لَمْ أَتُكِ الْأَرْضَ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ يَعْرِفُ طَاعَتِي وَ هُدَايَ وَ يَكُونُ نَجَاةً فِيمَا بَيْنَ قَبْضِ النَّبِيِّ إِلَى خُرُوجِ النَّبِيِّ الْأَخْرَ وَ لَمْ أَكُنْ أَتُكِ إِبْلِيسَ يُضِلُّ النَّاسَ وَ لَيْسَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ وَ دَاعٍ إِلَيَّ وَ هَادٍ إِلَيَّ سَبِيلِي وَ عَارِفٌ بِأَمْرِي وَ إِنِّي قَدْ قَضَيْتُ

لِكُلِّ قَوْمٍ هَادِيًا أَهْدِي بِهِ السُّعْدَاءَ وَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَيَّ الْأَشْقِيَاءَ *

حدیث 10: عبد الکریم از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: جبرئیل (علیه السلام) بر حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نازل گردید و از خداوند پیغام آورد که خدا می فرماید: ای محمد (صلی الله علیه و آله) زمین را خالی از دانشمندی که عارف به فرمان و دستور و راهنمایی باشد نگذارم او وسیله نجات مردم است در فاصله مرگ پیامبری تا ظهور پیامبر دیگر من نخواهم گذاشت که شیطان مردم را گمراه کند در صورتی که روی زمین حجتی نباشد که مردم را به راه من بخواند و راهنمای ایشان بوده و عارف به امر من باشد، من برای

ص: 36

هر گروهی يك راهنما قرار داده ام كه به وسيله او رستگاران را هدايت مي كنم و هم او حجت است براي اشقياء. (1)

حديث 11: السَّنَانِيُّ عَنْ ابْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانِ عَنْ ابْنِ حَبِيبٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الصَّقْرِ عَنْ أَبِي مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ: نَحْنُ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ

وَ نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ بِنَا يَنْزِلُ الْعَيْثُ وَ بِنَا يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا ثُمَّ قَالَ وَ لَمْ تَخُلُ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَ لَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمُيْعِبِدِ اللَّهُ قَالَ سَلِيمَانُ فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ

حديث 11: امام صادق (عليه السلام) فرمود: ما پیشوای مسلمانانیم و حجت خدا بر جهانیان و سرور مؤمنین و رهبر سفید چهرگان و مولای مؤمنین. ما موجب امان و آسایش مردمیم در روی زمین... و به وسيله ما زمین را نگهداشته كه اهلس را تكان ندهد باران به واسطه ما می بارد و رحمت به واسطه ما گسترش می یابد و زمین نعمت های خود را خارج می كند. اگر نباشد راهنمایی از ما خانواده زمین اهلس را فرو می برد. از زمانی كه خداوند آدم (عليه السلام) را آفرید زمانی از حجت خالی نبود یا حجتی آشكار و مشهور و یا غائب و مستور و تا روز قیامت از حجت خالی نخواهد

ص: 37

1- . علل الشرائع ج 1 ص 196 باب 153 باب العلة التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله عز وجل على خلقه ح 7

بود اگر چنین نبود خدا پرستش نمی گردید. سلیمان گفت: به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: چگونه مردم از حجت غائب و مستور بهره مند می شوند و استفاده می برند فرمود: همان طوری که از خورشید بهره می برند هنگامی که در پس پرده های ابر پنهان است. (1)

حدیث 12: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يُتْرَكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَدْلٍ.*

حدیث 12: ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: خداوند بزرگتر و کریم تر است از اینکه زمین را خالی از پیشوای عادل و امام (علیه السلام) بگذارد. (2) حدیث 13: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْخَشَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ كَرَّامٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): لَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ وَقَالَ إِنَّ آخَرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامَ (عليه السلام) لِنَلَّا يَحْتَجُّ أَحَدَهُمْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَرْكُهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ*

حدیث 13: امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر تمام مردم منحصر به دو نفر شوند یکی از آن دو نفر امام (علیه السلام) خواهد بود و فرمود: آخر کسی که از دنیا می رود امام (علیه السلام) است. تا کسی نتواند بر خدا اعتراض کند که او را بدون حجت و راهنما قرار داده. (3)

حدیث 14: أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَيْسَى رَفَعَهُ إِلَى أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: وَاللَّهِ مَا تَرَكَ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ

ص: 38

1- [1] کمال الدین ج 1 ص 207 باب 21 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام ح 22

2- . کمال الدین ج 1 ص 229 باب 22 باب اتصال الوصية من لدن آدم ع وأن الأرض لا تخلو من حجة لله عز وجل على خلقه إلى يوم القيامة ح 26

3- . علل الشرائع ج 1 ص 196 باب 153 باب العلة التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله عز وجل على خلقه ح 6

حدیث 14: ابو حمزه از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: بخدا قسم از زمان مرگ آدم (علیه السلام) تاکنون خداوند زمین را خالی از امامی که موجب هدایت مردم شود نگذارده که حجت خدا است بر بندگان و در آینده نیز خالی از حجت نخواهد بود. (1)

حدیث 15: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ وَهُوَ يَقُولُ: لَمْ تَخْلُو الْأَرْضَ مُنْذُ كَانَتْ مِنْ حُجَّةِ عَالِمٍ يُحْيِي فِيهَا مَا يُمِيتُونَ مِنَ الْحَقِّ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»*

حدیث 15: امام صادق (علیه السلام): زمین از ابتدا خالی از حجت عالم و دانائی نبوده که احیای دستوراتی که مردم به دست فراموشی سپرده اند و از بین رفته بنماید بعد آن جناب این آیه را تلاوت نمود: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (2) می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، و خدا جز به کمال رساندن نور خود نمی خواهد هر چند کافران را خوش نیاید. (3)

حدیث 16: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبُرْقِيِّ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ*

حدیث 16: خلف بن حماد از ابان بن تغلب نقل کرد که امام صادق (علیه السلام) فرمود: حجت قبل از مردم و با مردم و بعد از مردم خواهد بود. (4)

ص: 39

1- . علل الشرائع ج 1 ص 197 باب 153 باب العلة التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله عز وجل على خلقه ح 11

2- . الصف آية 8

3- . كمال الدين ج 1 ص 221 باب 22 باب اتصال الوصية من لدن آدم ع وأن الأرض لا تخلو من حجة لله عز وجل على خلقه إلى يوم القيامة ح 4

4- . الكافي ج 1 ص 177 باب أن الحجة لا تقوم لله على خلقه إلا بإمام ح 4

حدیث 17: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَا تَبَقِيَ الْأَرْضُ يَوْمًا وَاحِدًا بَعِيرٍ إِلَّا مَنَّا تَقَرَّعَ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ

حدیث 17: امام صادق (عليه السلام) فرمود: يك روز زمین خالی از امامی که از ما خانواده است نخواهد بود که امت در گرفتاری های خود به او پناه برند. (1) حدیث 18: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ وَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانَ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَاءِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ لَنْ تَخْلُو الْأَرْضُ إِلَّا وَفِيهَا مَنَّا رَجُلٌ يَعْرِفُ الْحَقَّ فَإِذَا زَادَ النَّاسُ فِيهِ قَالَ قَدْ زَادُوا وَإِذَا نَقَصُوا مِنْهُ قَالَ قَدْ نَقَصُوا وَإِذَا جَاءُوا بِهِ صَدَقَهُمْ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَمْ يَعْرِفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ *

حدیث 18: حسین بن ابی حمزه ثمالی از پدر خود نقل کرد که گفت از امام باقر (عليه السلام) شنیدم می فرمود: زمین خالی از وجود امامی از ما خانواده نیست که معرف حق و واقعیت باشد هرگاه مردم چیزی در دین بیفزایند او اعلام می کند و اگر بکاهند باز مردم را متوجه خواهد نمود اما در صورتی که مطابق واقع انجام دهند آنها را تصدیق می کند اگر چنین نمود حق از باطل تشخیص داده نمی شد. (2)

حدیث 19: أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام)

قَالَ: لَا تَبَقِيَ الْأَرْضُ بَعِيرٍ إِلَّا مَنَّا ظَاهِرٍ أَوْ بَاطِنٍ *

ص: 40

1- . کمال الدین ج 1 ص 230 باب 22 باب اتصال الوصية من لدن آدم و أن الأرض لا تخلو من حجة لله عز وجل على خلقه إلى يوم القيامة ح 29

2- . کمال الدین ج 1 ص 222 باب 22 باب اتصال الوصية من لدن آدم ع و أن الأرض لا تخلو من حجة لله عز وجل على خلقه إلى يوم القيامة ح 12

حدیث 19: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند زمین را خالی از امام (علیه السلام) قرار نمی دهد چه ظاهر باشد و چه پنهان. (1)

حدیث 20: أَبِي رَحْمَهُ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: مَا خَلَّتِ الدُّنْيَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْ إِمَامٍ عَدْلٍ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ حُجَّةً لِلَّهِ فِيهَا عَلَى خَلْقِهِ

حدیث 20: امام سجاد (علیه السلام): خداوند از وقتی آسمان ها و زمین را آفرید آن را خالی از امامی عادل تا روز قیامت قرار نخواهد داد که او حجت خدا است بر مردم. (2)

حدیث 21: عَنْ أَحْمَدَ بْنَ أَبِي الْمَعْزَى عَنْ ذَرِيحَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: مِنَّا الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ طَاعَتُهُ مَنْ جَحَدَهُ مَاتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا وَاللَّهُ مَا تَرَكَ الْأَرْضُ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ (علیه السلام) إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ حُجَّةً

حدیث 21: امام صادق (علیه السلام): امامی که اطاعتش فرض شده از ماست، کسی که او را انکار کند، یهودی یا نصرانی مرده. سوگند به خدا، خداوند زمین را از آن روزی که آدم را قبض روح کرد خالی از امامی که به وسیله او خلق به خدای تعالی هدایت شوند و او حجت بر بندگانش است نگذاشته کسی که او را ترک کند، هلاک می شود و کسی که او را همراهی کند، نجات و رهایی او را خدای تعالی بر عهده گرفته. (3)

حدیث 22: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ قَالَ: وَاللَّهِ مَا تَرَكَ الْأَرْضُ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ

آدَمَ (علیه السلام) إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَلَا تَبْقَى *

ص: 41

1- . علل الشرائع ج 1 ص 197 باب 153 باب العلة التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله عز وجل على خلقه ح 12

2- . علل الشرائع ج 1 ص 197 باب 153 باب العلة التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله عز وجل على خلقه ح 14

3- . ثواب الاعمال ص 205 باب عقاب من مات لا يعرف إمامه ح 2

حدیث 22: ابو حمزه از حضرت باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: بخدا قسم از زمان مرگ آدم تاکنون خداوند زمین را خالی از امامی که موجب هدایت مردم شود نگذارده که حجت خدا است بر بندگان و در آینده نیز خالی از حجت نخواهد بود (1)

حدیث 23: حَدَّثَنَا

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ وَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ سَالِمَ بْنَ أَبِي حَفْصَةَ يَلْقَانِي فَيَقُولُ لِي أَلَسْتُ تَرَوُونَ أَنَّهُ مِنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتُهُ مَوْتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ فَأَقُولُ لَهُ بَلَى فَيَقُولُ قَدْ مَضَى أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَمَنْ إِمَامُكُمْ الْيَوْمَ فَأَكْرَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْ أَقُولَ لَهُ جَعْفَرٌ (عليه السلام)

فَأَقُولُ أُنْمَتِي أَلْ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَيَقُولُ لِي مَا أَرَاكَ صَدَعْتَ شَيْئاً فَقَالَ وَيْحَ سَالِمِ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ هَلْ يَدْرِي سَالِمٌ مَا مَنَزَلَةُ الْإِمَامِ إِنَّ مَنَزَلَةَ الْإِمَامِ أَعْظَمُ مِمَّا يَذْهَبُ إِلَيْهِ سَالِمٌ وَ النَّاسُ أَجْمَعُونَ فَإِنَّهُ لَنْ يَهْلِكَ مِنَّا إِمَامٌ قَطُّ إِلَّا تَرَكَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْلَمُ مِثْلَ عِلْمِهِ وَ يَسِيرُ مِثْلَ سِيرَتِهِ وَ يَدْعُو إِلَى مِثْلِ الَّذِي دَعَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَمْ يَمْنَعْ اللَّهُ مَا أُعْطِيَ دَاوُدَ أَنْ أُعْطِيَ سُلَيْمَانَ أَفْضَلَ مِنْهُ*

حدیث 23: ابو عبیده گفت به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: فدایت شوم سالم بن ابی حفصه هر وقت مرا می بیند می پرسد مگر شما روایت نمی کنید که هر که بمیرد و امام زمانی نداشته باشد به مانند مردم جاهلیت از دنیا رفته؟ می گویم: چرا. سؤال می کند: پس بگو بعد از شهادت ابو جعفر (حضرت باقر (علیه السلام)) امام شما کیست؟ من در جواب او (از باب تقیّه) نمی خواهم بگویم حضرت صادق جعفر بن

ص: 42

محمد (علیه السلام) اما می گویم امام و پیشوایان ما از آل محمد (صلی الله علیه و آله) هستند. می گوید: اعتقاد صحیحی نداری و کاری از پیش نبرده ای امام صادق (علیه السلام) فرمود: وای بر سلام بن ابی حفصه خدایش لعنت کند آیا او می داند امام (علیه السلام) دارای چه منزلت و موقعیتی است؟ مقام امام بسیار بالاتر است از آنچه سالم بن ابی حفصه و مردم معتقدند، هرگز از ما خانواده کسی نخواهد مرد مگر اینکه کسی را به جانشینی خود دارد که دارای علم او است و مانند او رفتار می کند و به همان راهی که او مردم را دعوت می کرد دعوت می نماید کسی جلو خدا را نگرفته که آنچه به داود (علیه السلام) داد به سلیمان (علیه السلام) که پسر او بود بهتر از آن را عنایت کند. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِي [السَّنَائِي] رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ الصَّقْرِ الْعَبْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) قَالَ: نَحْنُ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ وَ نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ «السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (2) وَ بِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ بِنَا «يُنزِلُ الْغَيْثَ» (3) وَ بِنَا يُشْشِرُ الرَّحْمَةَ وَ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا قَالَ وَ لَمْ تَخْلُو [تَخْلُ] الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْهُورٌ وَ لَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ قَالَ سَلِيمَانُ

فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ (علیه السلام) فَكَيْفَ

يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ

ص: 43

1- . کمال الدین ج 1 ص 229 باب اتصال الوصیة من لدن آدم و أن الأرض لا تخلو من حجة لله عز و جل علی خلقه إلى يوم القيامة

ح 27

2- . الحج آیه 65

3- . لقمان آیه 34

الْمَسَّ ثُورٍ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ. امام صادق (عليه السلام) فرمود: از روزی که خدا آدم (عليه السلام) را آفریده خالی از حجت نیست که یا ظاهر و مشهور بوده است و یا غایب و مستور و تاقیامت هم خالی نماند او حجت خداست و اگر چنین نباشد خدا را نپرستند، سلیمان راوی حدیث گوید از امام صادق (عليه السلام) پرسیدم: چگونه مردم از امام غائب بهره مند می شوند؟ فرمود: همانطور که از آفتاب پس ابر بهره مند شوند. (1)

عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ زِيَادِ الْعَطَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَكُونُ إِلَّا وَفِيهَا حُجَّةٌ إِنَّهُ لَا يُصْلِحُ النَّاسَ إِلَّا ذَلِكَ وَلَا يُصْلِحُ الْأَرْضَ إِلَّا ذَلِكَ

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: در زمین همیشه حجت هست، زیرا مردم را اصلاح نمی کند مگر حجت و زمین را به سامان نمی آورد مگر حجت. (2)

اگر در روی زمی ن دو نفر باقی بماند یکی از ایشان امامست

حدیث 24: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيُّ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمُرَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ لَوْ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ.*

حدیث 24: امام صادق (عليه السلام) در حدیثی فرمودند: اگر در زمین جز دو نفر باقی نباشند یکی از آن دو امام (عليه السلام) است. (3)

ص: 44

1- . الأماي (للصدوق) النص 186 المجلس الرابع و الثلاثون ح 15

2- . المحاسن ج 1 ص 234 باب 21 باب لا تخلو الأرض من عالم ح 193.

3- . الكافي ج 1 ص 179 كتاب الحجة باب 6 باب أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا رَجُلَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ ح 1، كمال الدين ج 1 ص 230 باب 22 باب اتصال الوصية من لدن آدم ع وأن الأرض لا تخلو من حجة لله عز وجل على خلقه إلى يوم القيامة ح 30،

حدیث 25: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْحَشَابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ كَرَامٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) لَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ وَقَالَ إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ لَيْلًا

يَحْتَجُّ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ

حُجَّةٍ

لِلَّهِ عَلَيْهِ.*

حدیث 25: امام صادق (عليه السلام) فرمودند: اگر در زمین جز دو نفر باقی نباشند یکی از آن دو امام (عليه السلام) است و آخرین کسی که بمیرد امامست تا کسی بر خدای عزوجل احتجاج نکند که او را بدون حجت وا گذاشته است. (1)

حدیث 26: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ النَّهْدِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَكَانَ الْإِمَامُ أَحَدَهُمَا.*

حدیث 26: فرمود: اگر در زمین جز دو کس نباشند یکی از آنها امام است. (2)

حدیث 27:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي الْهَزِيلِ [الْهَذِيلِ]... قَالَ فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذْ مَنْ خَذَلَهُ وَ اعْنِ مَنْ اعانَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ أَفْضَلُ الْوَصِيَّةِ وَ خَيْرُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ بَعْدَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) سِبْطًا رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

وَ ابْنَا خَيْرَةِ النَّسْوَانِ أَجْمَعِينَ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام)

ثُمَّ جَعْفَرُ

ص: 45

1- . الكافي ج 1 ص 180 كتاب الحجّة باب 6 بَابُ أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا رَجُلَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ ح 3،

2- . الكافي ج 1 ص 180 كتاب الحجّة باب 6 بَابُ أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا رَجُلَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ ح 5،

بُنُّ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) ثُمَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (عليه السلام) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ (عليه السلام) إِلَى يَوْمِنَا هَذَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ وَهُمْ عِتْرَةُ الرَّسُولِ الْمَعْرُوفُونَ بِالْوَصِيَّةِ وَالْإِمَامَةِ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ مِنْهُمْ فِي كُلِّ عَصْرِ وَزَمَانٍ وَفِي كُلِّ وَقْتٍ وَأَوَانٍ وَهُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَأَنْمَةُ الْهُدَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ يَرِثَ اللَّهُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَكُلُّ مَنْ خَالَفَهُمْ ضَالٌّ مُضِلٌّ تَارِكٌ لِلْحَقِّ وَالْهُدَى وَهُمْ الْمُعَبَّرُونَ عَنِ الْقُرْآنِ وَ النَّاطِقُونَ عَنِ الرَّسُولِ مَنْ مَاتَ وَلَا يَعْرِفُهُمْ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً وَدِينُهُمُ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّدَقُ وَالصَّلَاحُ وَالْإِجْتِهَادُ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ وَطُولُ السُّجُودِ وَقِيَامُ اللَّيْلِ وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَانْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَحُسْنُ الصُّحْبَةِ وَحُسْنُ الْجَوَارِ

حدیث 27: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روز غدیر فرمودند: هر که، من ولی و سرپرست او هستم، علی (علیه السلام)، سرپرست اوست، خدایا با دوستان او دوستی و با دشمنان او دشمنی کن، هر که او را یاری کند، یاریش فرما و هر که او را تنها گذاشت دست از یاریش بردار، و هر که او را کمک کند، او را کمک کن، آن شخص، علی بن ابی طالب (علیه السلام) امیر المؤمنین و امام متقین و پیشوای افراد نورانی و برترین اوصیاء و بهترین خلائق بعد از رسول الله (صلی الله علیه و آله) می باشد، و بعد از او حسن بن علی (علیه السلام) و سپس حسین (علیه السلام) هستند، دو نوه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دو فرزند بهترین زنان روی زمین، سپس علی بن الحسین (علیه السلام) سپس محمد بن علی (علیه السلام) سپس جعفر بن محمد (علیه السلام) سپس موسی بن جعفر (علیه السلام) سپس علی بن موسی (علیه السلام) سپس محمد بن علی (علیه السلام) سپس علی بن محمد (علیه السلام) سپس حسن بن علی (علیه السلام) و محمد بن الحسن (علیه السلام) تا امروز، یکی پس از دیگری، اینان خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند که به امامت و وصایت شناخته

شده اند، در هیچ عصر و زمانی، زمین بدون یکی از آنان نیست که همان عروة الوثقی و ائمه هدایت و حجت بر اهل دنیا هستند تا آن زمان که عمر زمین و ساکنان آن به سر آید، و هر که با آنان مخالفت کند، گمراه و گمراه کننده خواهد بود، و حق و هدایت را کنار زده است، آنان هستند که قرآن را بیان می کنند، و به جای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سخن می گویند، هر که بمیرد و ایشان را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده، آئین و دین اینان عبارتست از وَرَع و پرهیز، عفت، راستی و راستگوئی، صلاح، اجتهاد (یعنی کوشش نمودن)، امانتداری چه برای خوبان و چه برای بدان، سجده های طولانی، شب زنده داری، دوری از محرمات، انتظار فرج و گشایش با پایداری نمودن، خوش رفتاری با اطرافیان و همراهان و نرمی با همسایگان..... (1)

ص: 47

1- . عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 1 ص 55 باب 6 باب النصوص علی الرضا بالإمامة فی جملة الأئمة الاثني عشر ح 20

«وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (1)

کیست گمراه تر از آنکه بی راهنمایی از خدا از هوسش پیروی کند.

حدیث 1: وَاللَّهِ يَا عَلِيُّ مَا خُلِقْتَ إِلَّا لِيُعْبَدَ بِكَ وَ لَتُعْرَفَ بِكَ مَعَالِمُ الدِّينِ وَيُصَلِّحَ بِكَ دَارِسُ السَّبِيلِ وَ لَقَدْ ضَلَّ مَنْ ضَلَّ عَنْكَ وَ لَنْ يَهْتَدِيَ إِلَى اللَّهِ مَنْ لَمْ يَهْتَدِ إِلَيْكَ وَ إِلَى وَلَا يَتَّكَ وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»

يَعْنِي إِلَى وَلَا يَتَّكَ

حدیث 1: رسول خدا(صلی الله علیه و آله):... به خدا سوگند، یا علی! تو آفریده نشدی مگر برای آنکه خدا پرستیده شود و به وسیله تو معالِم دین شناخته شود و راه کهنه اصلاح گردد، هر که از تو گمراه است گمراه شده، و راهی به خدا ندارد هرکه راهی به تو و ولایت ندارد، و اینست گفتار پروردگار عز و جل «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» یعنی به ولایت تو. (2)

حدیث 2: حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمٍ الْقُرَشِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَجَاءَ بْنَ أَبِي الضَّحَّاكِ يَقُولُ...

وَ كَانَ لَا يَنْزِلُ بَلَدًا إِلَّا قَصَدَهُ النَّاسُ يَسْتَفْتُونَهُ فِي مَعَالِمِ دِينِهِمْ فَيَجِيبُهُمْ وَ يُحَدِّثُهُمُ الْكَثِيرَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله)

حدیث 2: امام رضا(علیه السلام) در هیچ بلادی فرود نمی آمد مگر آنکه مردم روی به آن جانب می آوردند و معالِم دین خود را از او سوال کرده پس ایشان جوابی داد و بسیار حدیث می کرد از پدرش و از پدران و از علی(علیه السلام) و از رسول خدا(صلی الله علیه و آله). (3)

ص: 49

1- [1] القصص آیه 50

2- . الأمالي للصدوق ص 495 المجلس الرابع و السبعون ح 13

3- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 183 باب 44 باب في ذكر أخلاق الرضا ع الكريمة و وصف عبادته ح 5

حدیث 3: عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّمِيمِيِّ جَمِيعاً عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَارِثِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): ...فَيَمْنُ إِلَّا بِأَهْلِ بَيْتِكَ وَ بِكَ أَخْرَجَنَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ فِطَاعَةِ تِلْكَ الْخَطَرَاتِ أَوْ يَمْنُ فَرَجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرْبَاتِ وَ يَمْنُ إِلَّا بِكُمْ أَظْهَرَ اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ اسْتَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا حَتَّى اسْتَبَانَ بَعْدَ الْجَوْرِ ذِكْرُنَا

حدیث 3: امیرالمومنین (علیه السلام): پس با چه کسانی جز با تو و خاندانت خدای عز و جل ما را از هراس و از شدت خطرات نجات داد؟ یا به وسیله چه کسانی امواج گرفتاریها را برطرف ساخت، و با چه کسانی جز شما خدا معالم دین را آشکار نمود(1)

حدیث 4: بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا

حدیث 4: در فرازی از زیارت جامعه کبیره که از زبان امام هادی (علیه السلام) بیان شده می خوانیم: به واسطه موالات شما خداوند معالم دین را به ما می آموزد.

حدیث 5: أَهْلُ الْبَيْتِ أَدْرَى بِمَا فِي الْبَيْتِ

حدیث 5: امام صادق (علیه السلام): اهل خانه بهتر می دانند که در خانه چیست. (2) در مذمت کسی که دین خود را از غیر امام معصوم

اخذ کند

حدیث 6: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ نَصْرِ بْنِ شَعِيبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

ص: 50

1- . الكافي ج 8 ص 358 كِتَابُ الرُّوضَةِ خُطْبَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع ح 550

2- [3]. بحار الأنوار ج 63 ص 33 باب 10 حكم الجنين

«وَمَنْ أَضَلَّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ» قَالَ عَنِ اللَّهِ بِهَا مَنْ اتَّخَذَ دِينَهُ رَأْيَهُ مِنْ غَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أُمَّةٍ الْهُدَى.

حدیث 6: امام صادق (علیه السلام): در تفسیر آیه شریفه «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ» می فرماید: کیست گمراه تر از آن که دین خود را از غیر امام هادی به حق اخذ کند. (1)

حدیث 7: الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى» قَالَ مَنْ قَالَ بِالْأُيُومَةِ وَاتَّبَعَ أَمْرَهُمْ وَلَمْ يَجْزُ طَاعَتَهُمْ.

حدیث 7: در حدیثی پر معنا امام باقر (علیه السلام): در تفسیر آیه «فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى» (2) هرکه از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می شود، و نه در رنج خواهد بود. می فرماید: یعنی هرکه به ائمه (علیهم السلام) معتقد باشد و از فرمانشان پیروی کند و از اطاعتشان بیرون نرود. (3)

حدیث 8: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنَّهُ قَالَ: مَنْ دَانَ لِلَّهِ بِغَيْرِ سَمَاعٍ عَنْ صَادِقٍ أَلَزَمَهُ اللَّهُ النَّبْتَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. حدیث 8: امام باقر (علیه السلام): هر که بدون شنیدن و فراگرفتن از امامی صادق خدا را پرستش کند قطعاً خدا ملازم سرگردانی و رنج و مشقتش سازد در قیامت (4)

حدیث 9: سَأَلَهُ بَنُو مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَنْ دَانَ لِلَّهِ بِغَيْرِ سَمَاعٍ مِنْ عَالِمٍ صَادِقٍ أَلَزَمَهُ اللَّهُ

ص: 51

1- [1]. بصائر الدرجات ج 1 ص 13 باب 8 في الضلال الذين ضلوا من أئمة الحق و اتخذوا الدين رأياً بغير هدى من أئمة الحق ح 3.

2- [2]. طه آية 123

3- [3]. الكافي ج 1 ص 414 كتاب الحجّة باب فيه نكتة و نكتة من التنزيل في الولاية ح 10

4- [1]. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 14 باب نادر من الباب ح 1

التَّيَّةَ إِلَى الْفَنَاءِ وَمَنْ ادَّعَى سَمَاعاً مِنْ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَذَلِكَ الْبَابُ هُوَ الْأَمِينُ الْمَأْمُونُ عَلَى سِرِّ اللَّهِ الْمَكْنُونِ.

حدیث 9: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هرکه در چیزی بدون شنیدن از عالمی راستگو تسلیم خدا شود، خداوند گمراهش سازد تا هلاک گردد، و هرکه ادعای شنیدن از خدا کند، ولی نه از بابی که خدای تعالی برای خلقش گشوده، مشرک است. این باب خداست که امین و مامون بر راز پوشیده خداست. (1)

حدیث 10: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَعْرِفُنَا وَهُوَ مَتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا *

حدیث 10: امام صادق (علیه السلام): دروغ گفته کسی که گمان کند ما را می شناسد، (و ولایت ما را پذیرفته) در حالی که به دستاویزی، غیر از ما متمسک شده. (2)

حدیث 11: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ... يَا ابْنَ أَبِي مُحَمَّدٍ لَقَدْ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ

حدیث 11: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هرکه به گوینده ای گوش سپارد او را عبادت کرده. پس اگر گوینده از ناحیه خدا باشد، خدا را پرستیده، و اگر گوینده از ناحیه شیطان باشد، شیطان را پرستش کرده است. (3)

ص: 52

1- . الکافی ج 1 ص 377 کتاب الحجّة بَابُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ أَيْمَةِ الْهُدَى وَ هُوَ مِنَ الْبَابِ الْأَوَّلِ ح 4،

2- . صفات الشيعة ص 3 الحديث الرابع، معاني الاخبار ص 399 باب نوادر المعاني ح 57

3- [1]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 1 ص 304 باب 28 باب فيما جاء عن الإمام علي بن موسى ع من الأخبار المتفرقة ح 63

حدیث 12: اَبِي عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ وَرَبِيعِيٍّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ قَالٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ لِلدَّيْنِ حَدًّا كَحُدُودِ بَيْتِي هَذَا وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى جِدَارٍ فِيهِ

حدیث 12: امام صادق (عليه السلام) می فرماید: همانا دین خدا را حدی است مانند حدود این خانه و با دست اشاره نمود به دیوار خانه. (1)

حدیث 13: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ جَمِيعاً عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ خَالِدِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ سَدِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَ هُوَ دَاخِلٌ وَ أَنَا خَارِجٌ وَ أَخَذَ بِيَدِي ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْبَيْتَ فَقَالَ يَا سَدِيرُ إِنَّمَا أَمَرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّهَمُونَ لَنَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»

ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ إِلَى وَلَا يَتَنَا ثُمَّ قَالَ يَا سَدِيرُ فَأَرِيكَ الصَّادِّينَ عَنْ دِينِ اللَّهِ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى أَبِي حَنِيفَةَ وَ سَفْمِيَانَ الثَّوْرِيَّ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَ هُمْ حَلَقٌ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ الصَّادُّونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ بِأَلَا هُدَى مِنَ اللَّهِ وَ لَا كِتَابٍ مُبِينٍ إِنَّ هَؤُلَاءِ الْأَخَابِثَ لَوْ جَلَسُوا فِي بُيُوتِهِمْ فَجَالَ النَّاسُ فَلَمْ يَجِدُوا أَحَدًا يُخْبِرُهُمْ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ ص حَتَّى يَأْتُونَا فَنُخْبِرَهُمْ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ حَدِيثَ 13: سَدِيرُ: حضرت باقر (عليه السلام) داخل مسجد الحرام می شد من خارج می شدم امام دست مرا گرفت و رو به قبله ایستاد فرمود: سدير به مردم دستور داده اند كه بيايند اطراف اين خانه سنگي طواف نمايند بعد بيايند پيش ما و ولايت و ارادت خود را به ما خانواده اعلام نمايند اشاره به همين مطلب است آيه شريفه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (2)

و با دست به سينه خود اشاره نمود و

ص: 53

1- . المحاسن ج 1 ص 272 باب 38 باب التحديد ح 371

2- . طه آية 82

فرمود: به ولایت ما هدایت شوند سپس فرمودند: سدیر می خواهی کسانی که مانع دین خدا شوند را نشان دهم و نگاهی به ابو حنیفه و سفیان ثوری نمود که در گوشه ای از مسجد جمع شده بودند. آنگاه فرمود: این ها مانع دین خدایند بدون هدایتی از جانب خدا و یا کتاب مبین اگر این خبائث در خانه خود بنشینند مردم در اطراف جستجو کرده وقتی کسی را پیدا نکردند که آن ها را از خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) اطلاع دهد به ما مراجعه کرده و ما آن ها را از خدا و رسولش خبر می دهیم. (1)

در مذمت کسی که در دین خدا قیاس بکار

رد

حدیث 14: قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ التُّعْمَانُ بِنُ ثَابِتٍ جِئْتُ إِلَى حَبَّامٍ بِمَنَى لِيُحْلِقَ رَأْسِي فَقَالَ أَدِنَ مِيَامِنَكَ وَاسْتَ تَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَ سَمَّ اللَّهُ فَتَعَلَّمْتُ مِنْهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ لَمْ تَكُنْ عِنْدِي فَقُلْتُ لَهُ مَمْلُوكٌ أَنْتَ أَمْ حُرٌّ فَقَالَ مَمْلُوكٌ قُلْتُ لِمَنْ قَالَ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ (عليه السلام) قُلْتُ أَشَاهِدُ هُوَ أَمْ غَائِبٌ قَالَ شَاهِدٌ فَصِرْتُ

إِلَى بَابِهِ وَاسْتَ تَأَذَّنْتُ عَلَيْهِ فَحَجَبَنِي وَ جَاءَ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ فَاسْتَ تَأَذَّنُوا فَأَذِنَ لَهُمْ فَدَخَلْتُ مَعَهُمْ فَلَمَّا صِرْتُ عِدَّةً قُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَوْ أَرَسْتَ لَتَأْتَى أَهْلَ الْكُوفَةِ فَتَهَيَّئْتَهُمْ أَنْ يَشْتُمُوا أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَإِنِّي تَرَكْتُ بِهَا أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَةِ آلَا فِي يَشْتُمُونَهُمْ فَقَالَ لَا يَقْبَلُونَ مِنِّي فَقُلْتُ وَمَنْ لَا يَقْبَلُ مِنْكَ وَأَنْتَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ أَنْتَ مِمَّنْ لَمْ تَقْبَلْ مِنِّي دَخَلْتُ دَارِي بَغَيْرِ إِذْنِي وَ جَلَسْتُ بَغَيْرِ أَمْرِي وَ تَكَلَّمْتُ بَغَيْرِ رَأْيِي وَ قَدْ بَلَغَنِي أَنَّكَ تَقُولُ بِالْقِيَّاسِ قُلْتُ نَعَمْ بِهِ أَقُولُ قَالَ وَيْحَكَ يَا نُعْمَانَ أَوَّلُ مَنْ قَاسَ اللَّهُ تَعَالَى إِبْلِيسَ حِينَ أَمَرَهُ بِالسُّجُودِ لِأَدَمَ (عليه السلام) وَ

ص: 54

1- . الكافي ج 1 ص 393 كتاب الحجة باب أن الواجب على الناس بعد ما يقضون مناسكهم أن يأتوا الإمام فيسألونه عن معالم دينهم و يعلمونهم ولا يتهم و مودتهم له ح 3

قَالَ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ أَيَّمَا أَكْبَرِ يَا نُعْمَانَ الْقَتْلُ أَوْ الرِّزَا قُلْتُ الْقَتْلُ قَالَ فَلِمَ جَعَلَ اللَّهُ فِي الْقَتْلِ شَاهِدَيْنِ وَفِي الرِّزَا أَرْبَعَةً أَيْنُقَاسُ لَكَ هَذَا قُلْتُ

لَا قَالَ فَأَيَّمَا أَكْبَرِ الْبُؤْلِ أَوْ الْمَنِيِّ قُلْتُ الْبُؤْلُ قَالَ فَلِمَ أَمَرَ اللَّهُ فِي الْبُؤْلِ بِالْوُضُوءِ وَفِي الْمَنِيِّ بِالْغُسْلِ أَيْنُقَاسُ لَكَ هَذَا قُلْتُ لَا قَالَ فَأَيَّمَا أَكْبَرِ الصَّلَاةِ أَوْ الصِّيَامِ قُلْتُ الصَّلَاةُ قَالَ فَلِمَ وَجَبَ عَلَى الْحَائِضِ أَنْ تَقْضِيَ الصَّوْمَ وَلَا تَقْضِيَ الصَّلَاةَ أَيْنُقَاسُ لَكَ هَذَا قُلْتُ لَا قَالَ فَأَيَّمَا أَصْعَفُ الْمَرْأَةِ أَمْ الرَّجُلِ قُلْتُ الْمَرْأَةُ قَالَ فَلِمَ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْمِيرَاثِ لِلرَّجُلِ سَهْمَيْنِ وَلِلْمَرْأَةِ سَهْمًا أَيْنُقَاسُ لَكَ هَذَا قُلْتُ لَا قَالَ فَلِمَ حَكَمَ اللَّهُ تَعَالَى فِيْمَنْ سَرَقَ عَشْرَةَ دَرَاهِمَ بِالْقَطْعِ وَإِذَا قَطَعَ رَجُلٌ يَدَ رَجُلٍ فَعَلَيْهِ دِيَّتُهَا خَمْسَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ أَيْنُقَاسُ لَكَ هَذَا قُلْتُ لَا قَالَ وَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّكَ تُفَسِّرُ آيَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَهِيَ «ثُمَّ لَتَسَّ مَلَنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» أَنَّهُ الطَّعَامُ الطَّيِّبُ وَ الْمَاءُ الْبَارِدُ فِي الْيَوْمِ الصَّائِفِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ لَهُ دَعَاكَ رَجُلٌ وَ أَطْعَمَكَ طَعَامًا طَيِّبًا وَ اسْتَقَاكَ مَاءً بَارِدًا ثُمَّ امْتَنَّ عَلَيْكَ بِهِ مَا كُنْتَ تَسُبُّهُ إِلَيْهِ قُلْتُ إِلَى الْبُحْلِ قَالَ أَفَيُبْحَلُ اللَّهُ تَعَالَى قُلْتُ فَمَا هُوَ قَالَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

حدیث 14: ابوحنفیه می گوید: روزی رفتم به درب خانه امام صادق (علیه السلام) و از ایشان اذن ورود خواستم اما مرا اجازه ندادند سپس گروهی از مردم کوفه آمدند و اجازه خواستند به آن ها اجازه داد من هم با آن ها وارد شدم. وقتی خدمت آن جناب رسیدم گفتم یا ابن رسول الله (صلی الله علیه و آله) اگر پیغام بدهی به اهل کوفه و آن ها را از دشنام دادن به اصحاب محمد (صلی الله علیه و آله) باز داری خوب است من بیش از ده هزار نفر را در کوفه دیده ام که اصحاب را دشنام می دهند. فرمود: از من نمی پذیرند. عرضه داشتیم: چه کسی از تو نمی پذیرد با اینکه شما پسر پیغمبری؟ فرمودند: تو خودت از کسانی

هستی که حرف مرا نمی پذیری بدون اجازه من وارد خانه ام شدی و بی اجازه نشستی و بر خلاف اعتقاد من حرف زدی. شنیده ام که تو در دین قیاس می کنی؟

عرضه داشتیم: بلی. فرمود: وای بر تو نعمان، اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود هنگام امر به سجده برای آدم (علیه السلام) گفت: مرا از آتش و او را از گل آفریدی حالا بگو ببینم کدام بزرگتر است از این دو، قتل یا زنا؟ گفتم: قتل. فرمود: برای قتل دو شاهد لازم داشته ولی در زنا چهار شاهد. آیا می توان مقایسه کرد؟ گفتم: نه. فرمود: از این دو کدامیک پلیدتر است ادرار یا منی؟ گفتم: ادرار. فرمود: چرا خداوند در ادرار وضو را لازم دانسته ولی در منی غسل باید بکند آیا می توان قیاس کرد؟ گفتم: نه. فرمود: کدامیک اهمیت بیشتر دارد نماز یا روزه؟ گفتم: نماز. فرمود: پس چرا برای زن حائض لازم است روزه را قضا کند ولی نماز را قضا نمی کند آیا می توان مقایسه کرد؟ گفتم: نه. فرمود: کدامیک از این دو ضعیف ترند زن یا مرد؟ گفتم: زن. فرمود: پس چرا در ارث خداوند به مرد دو سهم و به زن یک سهم داده آیا می توان قیاس کرد؟ گفتم: نه. فرمود: چرا خداوند در مورد کسی که ده درهم بدزدد حکم به قطع دست او نموده اما اگر شخصی دست دیگری را قطع نماید باید دیه آن که پنج هزار درهم است بپردازد می توان اینها را قیاس کرد؟ گفتم: نه. فرمود: شنیده ام تو یک آیه از قرآن را تفسیر نموده ای به غذای پاک و آب سرد در روز گرم این آیه «ثُمَّ لَسْئَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»⁽¹⁾

گفتم: درست است. فرمود: اگر کسی تو را دعوت کند و غذای پاک و خوبی برایت بیاورد و آب سرد و گوارائی به تو بیاشامد بعد منت بگذارد بر تو همین طور که این آیه را تفسیر می کنی آیا می گوئی چه نوع آدمی است؟ گفتم: من او را بخیل می دانم. فرمود: آیا خداوند بخل می ورزد عرضه داشتیم: پس نعیمدر این آیه چیست؟ حضرت فرمودند: حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ دُوسْتِي بَا مَا خَانُوَادَه پيامبر (صلی الله علیه و آله).⁽²⁾

ص: 56

1- . التكاثر آية 8

2- . الوافي ج 1 ص 257 باب 22 البدع و الرأي و المقاييس بيان ذيل ح 198

حديث 15: مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ دَخَلَ أَبُو حَنِيفَةَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ إِنِّي رَأَيْتُ ابْنَكَ مُوسَى يُصَلِّي وَالنَّاسُ يَمْشُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَا يَنْهَاهُمْ وَفِيهِ مَا فِيهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ادْعُ لِي مُوسَى فَلَمَّا جَاءَهُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنَّ أَبَا حَنِيفَةَ يُدْرِكُ أَنَّكَ تُصَلِّي وَالنَّاسُ يَمْشُونَ بَيْنَ يَدَيْكَ فَلَا تَنْهَاهُمْ قَالَ نَعَمْ يَا أَبَهُ إِنَّ الَّذِي كُنْتُ أَصْدَلِي لَهُ كَانَ أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنْهُمْ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (1) قَالَ فَضَمَّهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِلَى نَفْسِهِ وَقَالَ يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا مُودِعَ الْأَسْرَارِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا أَبَا حَنِيفَةَ الْقَتْلُ عِنْدَكُمْ أَشَدُّ أَمْ الزِّنَاءُ فَقَالَ بَلِ الْقَتْلُ قَالَ فَكَيْفَ أَمَرَ اللَّهُ فِي الْقَتْلِ بِشَاهِدَيْنِ وَفِي الزِّنَاءِ بِأَرْبَعَةٍ كَيْفَ يُدْرِكُ هَذَا بِالْقِيَاسِ يَا أَبَا حَنِيفَةَ تَرُكُ الصَّلَاةَ أَشَدُّ أَمْ تَرُكُ الصِّيَامَ قَالَ بَلِ تَرُكُ الصَّلَاةِ قَالَ فَكَيْفَ تَقْضِي الْمَرْأَةَ صِدَاقًا وَلَا تَقْضِي صِدَاقًا كَيْفَ يُدْرِكُ هَذَا بِالْقِيَاسِ وَيَحْكُ يَا أَبَا حَنِيفَةَ النِّسَاءُ أَصْدَعُ عَلَى الْمَكَاسِبِ أَمْ الرِّجَالُ قَالَ بَلِ النِّسَاءُ قَالَ فَكَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لِلْمَرْأَةِ مَهْرًا وَلِلرَّجُلِ سَهْمَيْنِ كَيْفَ يُدْرِكُ هَذَا بِالْقِيَاسِ هَذَا بِالْقِيَاسِ يَا أَبَا حَنِيفَةَ الْغَائِطُ أَقْدَرُ أَمْ الْمَنِيُّ قَالَ بَلِ الْغَائِطُ قَالَ فَكَيْفَ يَسْتَتْنِجِي مِنَ الْغَائِطِ وَيُعْتَسِلُ مِنَ الْمَنِيِّ كَيْفَ يُدْرِكُ هَذَا بِالْقِيَاسِ وَيَحْكُ يَا أَبَا حَنِيفَةَ تَقُولُ «سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (2) قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَقُولَهُ قَالَ بَلَى تَقُولُهُ أَنْتَ وَأَصْدَحَابُكَ مِنْ حَيْثُ لَا تَعْلَمُونَ قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ جُعِلْتُ فِدَاكَ حَدَّثَنِي بِحَدِيثٍ نَحَدَّثُ بِهِ عَنْكَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) أَنَّ طَالِبَ (عليه السلام) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ أَهْلِ

ص: 57

1- ق آية 16

2- الانعام آية 93

الْبَيْتِ مِنْ أَعْلَى عَالِيَيْنَ وَأَخَذَ طِينَةَ شَيْعَتِنَا مِنَّا وَلَوْ جَهَدَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ أَنْ يُغَيِّرُوا مِنْ ذَلِكَ شَيْئاً مَا اسْتَطَاعُوهُ قَالَ فَبَكَى أَبُو حَنِيفَةَ
بُكَاءً شَدِيداً وَبَكَى أَصْحَابُهُ ثُمَّ خَرَجَ وَخَرَجُوا

حدیث 15: محمد بن مسلم گفت: ابو حنیفه خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید، عرضه داشت: من پسر شما موسی (علیه السلام) را دیدم نماز می خواند و مردم از جلو او در رفت و آمد هستند. هیچ کس نگفت که نهی کند آن ها را با اینکه چنین کاری صحیح نیست. فرمود: صدا بزن پسرم بیاید. وقتی حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) آمد امام صادق (علیه السلام) فرمود: پسرم، ابو حنیفه می گوید تو نماز می خوانده ای و مردم در جلوت در رفت و آمد بوده اند و آن ها را نهی نکرده ای. گفت: صحیح است پدر جان، آن کس که برای او نماز می خواندم از مردم به من نزدیک تر بود. خداوند می فرماید: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» امام صادق (علیه السلام) او را به سینه چسبانید و فرمود: پدر و مادرم فدایت ای خزینه اسرار. امام صادق (علیه السلام) به ابو حنیفه فرمود: قتل در نزد شما مهم تر است یا زنا؟ گفتم: قتل، فرمود: پس چرا در قتل خداوند دستور می دهد دو شاهد بیاورند ولی در زنا چهار شاهد، این مطلب چگونه با قیاس سنجیده می شود؟ ترك نماز مهم تر است به عقیده تو یا ترك روزه؟ گفت: ترك نماز. فرمود: پس چرا زن باید روزه اش را قضا کند (در ایام حیض) ولی نمازش را لازم نیست قضا نماید. با قیاس چطور می توان درك كرد؟ بگو بینم مدفوع نجس تر است یا منی؟ گفت: مدفوع. فرمود: چطور مدفوع با آب شسته می شود ولی برای منی باید غسل کرد؟ با قیاس چه می توانی بفهمی؟! حضرت فرمود: تو می گوئی من هم مثل آیات قرآن به زودی نازل خواهم کرد. ابو حنیفه عرضه داشت: به خدا پناه می برم اگر چنین حرفی بزنی. حضرت فرمود: تو و یارانت به طوری که متوجه نیستید، این ادعا را دارید. ابوحنیفه گفت: فدایت شوم، مرا حدیثی بفمائید که از تو روایت کنم. فرمود: پدرم از

پدر عزیزش تا علی ابن ابی طالب (علیه السلام) نام برد که فرمود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: میثاق اهل بیت را خداوند از اعلی علین گرفت و طینت شیعیان ما را از آن گرفت. اگر اهل آسمان و زمین کوشش کنند که تغییر دهند، از آنها یکی را هرگز قدرت ندارند. ابوحنیفه بلند گریه کرد، یاران او نیز به گریه افتادند. بعد خارج شدند. (1)

حدیث 16: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي وَمَا عَرَفَنِي مَنْ سَبَّهَنِي بِخَلْقِي وَمَا عَلَى دِينِي مَنْ اسْتَعْمَلَ الْقِيَاسَ فِي دِينِي ...*

حدیث 16: خداوند متعال در حدیثی قدسی فرموده است: ... به دین من نباشد هر که در احکام دینم قیاس بکار برد. (2)

حدیث 17: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَالْأَرْءِ الْبَاطِلَةِ وَالْمَقَاسِ الْفَاسِدَةِ وَلَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ فَمَنْ سَلَّمَ لَنَا سَلِمَ وَمَنْ افْتَدَى بِنَا هُدَى وَمَنْ كَانَ يَعْمَلُ بِالْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ وَمَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ شَيْئًا مِمَّا نَقُولُهُ أَوْ نَقُضِي بِهِ حَرْجًا كَفَرَ بِالَّذِي أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ.

حدیث 17: امام سجاد (علیه السلام): به درستی که دین خدا با عقول ناقص و آراء باطل و قیاس های فاسد به دست نیامده و آن جز با تسلیم شدن به دست نمی آید، هرکه تسلیم ما شد سالم می ماند، هرکه به ما اقتدا کرد هدایت می یابد، و هرکه به قیاس و رأی خود عمل کند هلاک می شود و هرکه در آن چه می گوئیم شکی داشته باشد یا در

ص: 59

1- . الإختصاص للمفید ص 189 باب فی بیان طائفة من أحادیث الأئمة وأصحابهم مناظرة أبي حنيفة مع أبي عبد الله

2- . التوحید ص 68 باب 2 التوحید و نفي التشبيه ح 23، الأمالی (للصدوق) ص 6 المجلس الثاني ح 3

آن چه حکم می کنیم حرجی داشته باشد، به خدایی که سبع المثانی (سوره حمد) و قرآن عظیم را فرو فرستاده، کافر شده در حالی که خودش هم نمی داند. (1)

حدیث 18: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَفْصِ الْمُؤَدَّبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ كَتَبَ بِهَذِهِ الرَّسَالَةِ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ أَمَرَهُمْ بِمُدَارَسَتِهَا وَ النَّظْرِ فِيهَا وَ تَعَاهُدِهَا وَ الْعَمَلُ بِهَا فَكَانُوا يَضَعُونَهَا فِي مَسَاجِدِ بُيُوتِهِمْ فَإِذَا فَرَّغُوا مِنَ الصَّلَاةِ نَظَرُوا فِيهَا قَالَ وَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْكُوفِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الرَّبِيعِ الصَّحَّافِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَخْلَدِ السَّرَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

قَالَ خَرَجَتْ هَذِهِ الرَّسَالَةُ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِلَى أَصْحَابِهِ:.... وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ وَ لَا مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يَأْخُذَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فِي دِينِهِ بِهَوَى وَ لَا رَأْيٍ وَ لَا مَقَاسٍ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ وَ جَعَلَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ وَ جَعَلَ لِلْقُرْآنِ وَ لَتَعْلَمُ الْقُرْآنِ أَهْلًا لَا يَسْعُ أَهْلَ عِلْمِ الْقُرْآنِ الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ عِلْمَهُ أَنْ يَأْخُذُوا فِيهِ بِهَوَى وَ لَا رَأْيٍ وَ لَا مَقَاسٍ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ بِمَا آتَاهُمْ مِنْ عِلْمِهِ وَ حَصَّهْمُ بِهِ وَ وَضَعَهُ عِنْدَهُمْ كَرَامَةً مِنَ اللَّهِ أَكْرَمَهُمْ بِهَا وَ هُمْ أَهْلُ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِسُؤَالِهِمْ*

حدیث 18: امام صادق (عليه السلام): بدانید که از علم خدا و از امر او نیست که کسی از خلقش دینش را به هوای نفس و رای و قیاس اخذ نماید. خدای تعالی قرآن را نازل کرده و بیان هر چیزی را در قرآن قرار داده و برای آن و یاد گرفتن آن کسانی را اهل این کار قرار داده است. آنان که خدای تعالی علم قرآن را به آنها عطا فرموده

ص: 60

1- . کمال الدین: ج 1 ص 324 باب ما أخبر به سيد العابدين علي بن الحسين ع من وقوع الغيبة بالقائم ع و أنه الثاني عشر من الأئمة ع ح 9

مجاز نیستند که قرآن را به هوای نفس و رای و قیاس اخذ کنند. خداوند آنها را از چنین امری با علمی که به آنها داده بی نیاز کرده و علم قرآن در نزد آنها کرامتیهی است که خدای تعالی به وسیله آن ایشان را گرامی داشته و آنان اهل ذکر بوده که خداوند متعال امت را امر کرده که از آنان سوال کنند(1)

حدیث 19: حَمْرَةُ بْنُ يَعْلَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ يَا جَابِرُ إِنَّا لَوَكُنَّا نَحَدِّثُكُمْ بِرَأْيِنَا وَهَوَانِنَا لَكُنَّا مِنَ الْهَالِكِينَ وَ لَكِنَّا نَحَدِّثُكُمْ بِأَحَادِيثَ نَكْنِزُهَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كَمَا يَكْنِزُ هَوْلَاءُ ذَهَبَهُمْ وَ وَرِقَّهُمْ

حدیث 19: اختصاص: جابر از حضرت باقر (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: اگر ما شما را به رای و هوای نفس خود حدیث کنیم هر آینه از هلاک شوندگان خواهیم بود ولی آنچه برای شما حدیث می گوئیم ذخیره ایست که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) داریم همان طور که مردم طلا و نقره خود را ذخیره می کنند. (2)

حدیث 20: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبِيَانَ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ ضَلَّ عِلْمُ ابْنِ شُرَيْمَةَ عِنْدَ الْجَامِعَةِ لَمْ تَدْعُ لِأَحَدٍ كَلَامًا فِيهَا عِلْمُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ إِنَّ أَصْحَابَ الْقِيَّاسِ طَلَبُوا الْعِلْمَ بِالْقِيَّاسِ فَلَمْ يَزِدْهُمْ مِنَ الْحَقِّ إِلَّا بُعْدًا وَإِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْقِيَّاسِ.

حدیث 20: بصائر: ابی شبیه گفت از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمود: اطلاعات ابن شرمه در مقابل جامعه هیچ است جامعه دیگر جای سخن برای احدی در مورد حلال و حرام نگذاشته اصحاب قیاس در جستجوی علم با قیاس پیش می روند که پیوسته این کار موجب فاصله بیشتر آنها از واقعیت می شود هرگز دین خدا با قیاس سازگار نیست. (3)

ص: 61

1- . الكافي ج 8 ص 5 كتاب الروضة ح 1

2- [2] الإختصاص ص 280 باب جهات علوم الأئمة

3- [3] بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 146 باب 12 باب في الأئمة أن عندهم الصحيفة الجامعة التي هي إملاء رسول الله و خط علي ع بيده و هي سبعون ذراعا ح 23

حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ مَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالْقِيَامِ وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَبْضِ نَبِيَّهُ حَتَّى أَكْمَلَهُ جَمِيعَ دِينِهِ فِي حَالٍ لَهُ وَحَرَامِهِ فَجَاءَكُمْ بِمَا تَحْتَا جُونَ إِلَيْهِ فِي حَيَاتِهِ وَتَسْتَعِيثُونَ بِهِ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ وَإِنَّهَا صَحِيفَةٌ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِهِ حَتَّى إِنَّ فِيهِ أَرْشُ الْخَدَشِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَبَا حَنِيفَةَ مِمَّنْ يَقُولُ قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) وَقُلْتُ أَنَا.

حدیث 21: بصائر: محمد بن حکیم از حضرت ابو الحسن (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: همانا پیشینیان نابود شدند به واسطه قیاس. خداوند هیچ پیامبری را از دنیا نبرد مگر اینکه تمام دینش را تکمیل نمود از نظر حلال و حرام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آنچه احتیاج داشتید در زمان خود آورد و چنگ می زید به آنچه آورده و به اهل بیتش، پس از در گذشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن علم و مطالب در نزد اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پنهان است، حتی جریمه يك خدشه سپس فرمود: ابو حنیفه مدعی بود که علی ابن ابی طالب (علیه السلام) چنین گفته اما من این طور می گویم. (1)

حدیث 22: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَا خَلَقَ اللَّهُ حَلَالًا وَلَا حَرَامًا إِلَّا وَلَهُ حَدٌّ كَحَدِّ الدُّورِ وَإِنَّ حَلَالَ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلِأَنَّ عِنْدَنَا صَحِيفَةً طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا وَمَا خَلَقَ اللَّهُ حَلَالًا وَلَا حَرَامًا إِلَّا فِيهَا فَمَا كَانَ مِنَ الطَّرِيقِ فَهُوَ مِنَ الطَّرِيقِ وَمَا كَانَ مِنَ الدُّورِ فَهُوَ مِنَ الدُّورِ حَتَّى أَرْشُ الْخَدَشِ وَمَا سِوَاهَا وَالْجَلْدَةُ وَنِصْفُ الْجَلْدَةِ.

حدیث 22: بصائر: حماد گفت: از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمود: خداوند حلال و حرامی نیافریده مگر اینکه دارای حد و حدودی استمانند حدود منازل که حد خیابان و کوچه را از منزل جدا می کند حتی جریمه خدشه و غیر آن از یک تازیانه و نصف تازیانه.

(1)

ائمه اطهار (علیهم اسلام) اقامه کننده حدود و احکام الهی

حدیث 23: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَسِّ بْنِ عُبُدُوسِ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ بِنَيْسَابُورَ فِي شَهْرِ عِبَانَ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيُّ وَحَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ نَعِيمِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ عَمِّهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ قَالَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ فِي عَدْلِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَا (عليه السلام) فَإِنْ قَالَ فَلِمَ جَعَلَ أَوْلِي الْأَمْرِ وَ أَمَرَ بِطَاعَتِهِمْ قِيلَ لِعَلِّ كَثِيرَةٍ مِنْهَا أَنْ الْخُلُقَ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى حَدِّ مَحْدُودٍ وَأَمَرُوا أَنْ لَا يَتَعَدَّوْا ذَلِكَ الْحَدَّ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِهِمْ لَمْ يَكُنْ يَثْبُتُ ذَلِكَ وَلَا يَقُومُ إِلَّا بِأَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِمْ فِيهِ أَمِينًا يَأْخُذُهُمْ بِالْوَقْفِ عِنْدَ مَا أُبِيحَ لَهُمْ وَيَمْنَعُهُمْ مِنَ التَّعَدِّيِّ وَالذُّخُولِ فِي مَا خَطَرَ عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَكَانَ أَحَدٌ لَا يَتْرُكُ لِدَّتَهُ وَ مَنَفَعَةَ [مَنَفَعَتُهُ] لِفَسَادِ غَيْرِهِ فَجَعَلَ عَلَيْهِمْ قِيَمًا يَمْنَعُهُمْ مِنَ الْفَسَادِ وَيُقِيمُ فِيهِمُ الْحُدُودَ وَالْأَحْكَامَ*

حدیث 23: امام رضا (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: همانا خلق را لازم است در حد محدود عمل کنند و از آن فراتر نروند زیرا تجاوز از آن موجب تباهی آنهاست. و این امر در میان آنان استوار نمی شود جز به این که خدای تعالی بر آنها

ص: 63

شخصی امین نصب کند تا آنان را در اموری که برایشان مُباح شده نگه دارد و از تجاوز و داخل شدن در حریم مُحرمات منع شان کند. زیرا در صورت عدم نصب چنین شخصی، کسی از لذت و منفعت خویش به خاطر تباهی دیگری دست برنمی دارد. پس خدای تعالی بر آنان قیمی قرار داده تا آنان را از تباهی باز دارد و در میان آنان حدود و احکام را اقامه کند. (1)

حدیث 24: فی دعا الندبة: أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ

حدیث 24: در دعای ندبه می خوانیم: کجاست آن که برای تجدید واجبات و سنت ها ذخیره شده؟ کجاست آن که برای برگشت دین و شریعت انتخاب شده؟ کجاست آن که برای زنده شدن قرآن و حدود آن آرزوی آمدنش برده می شود؟ کجاست زنده کننده دین داران و شعائر دینی؟ (2)

حدیث 25: فی الدعاء له: ... وَصَلَّ عَلَيَّ وَوَلَيْتِكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ

حدیث 25: در دعای امام زمان f می خوانیم: خدایا! درود و رحمت خویش را بر ولایت که زنده کننده سنت تو و قیام کننده به امر توست بفرست. (3)

حدیث 26: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَسِّ النَّيْسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ بَنِيْسَابُورَ فِي سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيِّ وَحَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ نُعَيْمِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ عَمِّهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ قَالَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ فِي عِلَلِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَا (عليه السلام): أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَامًا قِيَمًا أَمِينًا حَافِظًا مُسْتَوْدَعًا لَدَرَسَتِ الْمِلَّةُ وَذَهَبَ الدِّينُ وَغَيَّرَتِ السُّنَّةُ وَالْأَحْكَامُ وَلَزَادَ فِيهِ الْمُبْتَدِعُونَ وَنَقَصَ مِنْهُ

ص: 64

- 1- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 100 باب 34 باب العلل التي ذكر الفضل بن شاذان في آخرها أنه سمعها من الرضا علي بن موسى ع مرة بعده مرة و شيئاً بعد شيء فجمعها و أطلق لعلي بن محمد بن قتيبة النيسابوري روايتها عنه عن الرضا ع ح 1.
- 2- . المزار، محمد بن المشهدي: باب الدعاء للندبة ص 579.
- 3- . دلائل الامامة ص 550 معرفة من شاهد صاحب الزمان (عليه السلام) في حال الغيبة و عرفه من أصحابنا ح 128

الْمُلْحِدُونَ وَ شَبَّهُوا ذَلِكَ عَلَى الْمَسْ لِمِينَ لِأَنَّا قَدْ وَجَدْنَا الْخَلْقَ مُتَّفَعِينَ بَيْنَ مُحْتَاجِينَ غَيْرِ كَامِلِينَ مَعَ اخْتِلَافِهِمْ وَ اخْتِلَافِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشَبَّهَتْ أَنْحَائِهِمْ فَلَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ قِيَمًا حَافِظًا لِمَا جَاءَ بِهِ الرَّسُولُ فَسَدُوا عَلَى نَحْوِ مَا بَيَّنَّا وَ غَيَّرَتِ الشَّرَائِعُ وَ السُّنَنُ وَ الْأَحْكَامُ وَ الْإِيمَانُ وَ كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ*

حدیث 26: امام رضا(علیه السلام) در جواب این سوال که خدای تعالی چرا عده ای را اولی الامر قرار داده و مردم را به اطاعت از آنها امر کرده فرمودند: همانا اگر خدای تعالی در راس امت کسی را امام و قیّم و امین و حافظ و مستودع (مخزن علوم دینی) قرار نمی داد، قطعا شریعت مُنَدَرِس می شد، و دین از بین می رفت و سنت و احکام تغییر داده می شد و بدعتگزاران در آن می افزودند و مُلحدان از آن می کاستند و امر را بر مسلمین مُشْتَبِه می کردند، زیرا ما می بینیم خلق بهره شان کم است و نیازمند و غیر کامل هستند، و علاوه بر این در میان آنها و هوای نفسانی و روش های آنها اختلاف وجود دارد پس اگر خداوند متعال کسی را قیّم آنها قرار ندهد، که نگهبان آن امری باشد که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از سوی خدا آورده، به یقین دین تباه شده و شرایع و سنت ها و احکام و عهدها همه دچار تغییر می شوند. و این امر موجب تباهی خلق است. (1)

حدیث 27: فی الدعاء الندبه: الَّذِينَ اسْتَخْلَصَتْهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ

حدیث 27: در دعای ندبه آمده است: خدایا! اهل بیت(علیهم السلام) کسانی هستند که آن ها را برای خود و دینت خالص نموده و برگزیده ای. (2)

حدیث 28: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله): لَا يَقُومُ بِدِينِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ حَاطَهُ مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ

حدیث 28: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: دین خدا را تنها کسی به پا می دارد که به تمام جوانب آن احاطه داشته باشد. (3)

ص: 65

1- . علل الشرائع ج 1 ص 253 باب 182 باب علل الشرائع و أصول الإسلام ح 9

2- . المزار، محمد بن المشهدی: الدعاء للندبة ص 574.

3- . شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام ج 2 ص 389 [ضبط الغريب]

حدیث 29: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): إِنَّمَا الْمُسْتَحْفَظُونَ لِدِينِ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ أَقَامُوا الدِّينَ وَنَصَرُوهُ وَحَاطُوهُ مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ وَحَفِظُوهُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ وَرَعَوْهُ

حدیث 29: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: نیستند محافظان دین خدا مگر آنان که بر پای دارند دین را، و یاری کنند آن را، و حفظ کنند آن را از جمیع جوانب، و نگاهداری کنند آن را بر بندگان خدا، و رعایت کنند آن را. (1)

حدیث 30: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): إِنَّ دِينَ اللَّهِ تَعَالَى لَنْ يَنْصُرَهُ إِلَّا مَنْ حَاطَهُ مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ

حدیث 30: پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله): دین خداوند متعال را هرگز یاری نرساند، مگر کسی که از همه سو به آن احاطه داشته باشد.

حدیث 31: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ

حدیث 31: امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: پروردگارا! تو در هر زمان دین خود را با امامی پشتیبانی کردی، که او را نشانه ای برای بندگانت و روشنی بخش سرزمین هایت قرار دادی و این، پس از آن بود که ریسمان [ارتباط] آن امام (علیه السلام) را به ریسمان خودت پیوند زدی و او را وسیله رسیدن به خشنودی ات قرار دادی. (2)

اثمه اطهار (علیهم السلام) حافظان دین خدا حدیث 32: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ وَ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ

ص: 66

1- . تصنيف غرر الحکم و درر الکلم ص 85 الباب الثاني في الله و معرفته الفصل الخامس في الدين قواعد الدين ح 1399

2- . الصحيفة السجادية ص 218 دعا (47) (و كان من دعائه عليه السلام في يوم عرفة (60)

سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ كَيْمَا إِنَّ زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئًا رَدَّهْمُ وَإِنْ نَقَصُوا شَيْئًا أَتَمَّهُ لَهُمْ.*

حدیث 32: امام صادق (علیه السلام) می فرمود: همانا زمین در هیچ حالی از امام (علیه السلام) خالی نگردد برای آنکه اگر مؤمنین چیزی (در اصول یا فروع دین) افزودند آنها را برگرداند و اگر چیزی کم کردند برای آنها تکمیل کند. (1)

حدیث 33: أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَصَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ وَعَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانَ كُلِّهِمْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسَّكَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَا يَدْعُ الْأَرْضَ إِلَّا وَفِيهَا عَالِمٌ يَعْلَمُ الزِّيَادَةَ وَالتَّقْصَانَ إِذَا زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئًا رَدَّهْمُ وَإِذَا نَقَصُوا أَكْمَلَهُ لَهُمْ فَقَالَ خُذُوهُ كَامِلًا وَلَا تُولَا ذَلِكَ لِأَلْتَبَسَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَمْرُهُمْ وَلَمْ يُفَرِّقْ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ *

حدیث 33: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: خداوند زمین را خالی نخواهد گذاشت از عالمی که عارف به زیادی و نقصان باشد اگر مؤمنین چیزی به دین بیفزایند آنها را متوجه نماید و اگر چیزی کم کنند بر ایشان تکمیل نماید و می فرماید: دین را کامل بگیرید اگر این طور نبود امر بر مؤمنین مشتبه می گردید و فرقی بین حق و باطل نمی گذاشتند. (2)

حدیث 34: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: ... فَأَنْظَرُوا عِلْمَكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَهُ فَإِنَّ فِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُولًا يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْعَالِيْنَ وَانْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَتَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ.

ص: 67

-
- 1- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 178 باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 2
 - 2- . كمال الدين و تمام النعمة ؛ ج 1 ص 203 ثلاثة بحوث حول الإمامة و الوصية و بيان معنى العترة ذ باب 21 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام ع ح 11،

حدیث 34: امام صادق (علیه السلام): ... ببینید علم خویش را از چه کسی دریافت می کنید، زیرا در میان ما اهل بیت (علیهم السلام) در هر دوره ای عادلانی هست که دین را از تحریف غالیان و نسبت های باطل گرایان و تاویل جاهلان حفظ می کنند. (1)

حدیث 35: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِي الْبَحْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ تَفْسِيرُ الْإِمَامِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام): ... ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: ... يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ مِنْ

كُلِّ خَلْفٍ عُدُولٍ يَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْغَالِيْنَ وَ انْتِحَالَ

الْمُبْطِلِيْنَ وَ تَأْوِيلَ الْجَاهِلِيْنَ....

حدیث 35: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی زیبا فرمودند: در هر قرن و زمانی دادگرانی حامل دین می شوند که تاویل و توجیه اهل باطل و تحریف و تغییر غالیان و دعاوی جاهلان را از دین دفع می کنند. (2)

حدیث 36: أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: ... قَالَ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام): ... الْإِمَامُ (عَلَيْهِ السَّلَام)... يَذُبُّ عَنْ دِينِ اللَّهِ

حدیث 36: امام رضا (علیه السلام): امام (علیه السلام) ... از دین خدا حمایت می کند. (3) حدیث 37: غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَلَالٍ لِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ... وَ اخْتَارَنِي عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ اخْتَارَ مِنِّي عَلِيًّا وَ فَضَّلَهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ وَ اخْتَارَ مِنِّي عَلِيَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ اخْتَارَ مِنَ الْحُسَيْنِ الْأَوْصِيَاءَ مِنْ وُلْدِهِ يَنْفُونَ عَنِ التَّنْزِيلِ تَحْرِيفَ الْغَالِيْنَ وَ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِيْنَ وَ تَأْوِيلَ الْمُضِلِّيْنَ *

ص: 68

1- . الكافي كتاب فضل العلم ج 1 ص 32 بَابُ صِفَةِ الْعِلْمِ وَ فَضْلِهِ وَ فَضْلِ الْعُلَمَاءِ ح 2

2- . الإختصاص النص ص 4 [طائفة من أقوال الأئمة ع] ح 4

3- . الكافي ج 1 بَابُ تَأْوِيلِ جَمَاعٍ فِي فَضْلِ الْإِمَامِ وَ صِفَاتِهِ ص 200، ح 1 بحار الانوار ج 25 ص 123 باب 4 جامع في صفات الإمام و شرائط الإمامة ح 4

حدیث 37: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): همانا خداوند متعال... مرا بر همه پیامبران برگزید و از من علی (علیه السلام) را برگزید و بر همه اوصیا مقدمش داشت و از او حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) را برگزید و از حسین (علیه السلام) اوصیاء از فرزندان او را برگزید که دین را از تحریف غالیان و نسبت باطل گرایان حفظ کنند. (1)

حدیث 38: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ سَمِعَهُ أَرْبَعًا وَمِائَتَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ عَزْوَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ الْجُمُعَةَ، وَ مِنَ الشُّهُورِ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَ مِنَ اللَّيَالِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ اخْتَارَ مِنَ النَّاسِ الْأَنْبِيَاءَ وَ اخْتَارَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ الرَّسُولَ، وَ اخْتَارَنِي مِنَ الرَّسُولِ، وَ اخْتَارَ مِنِّي عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ اخْتَارَ مِنِّي عَلِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ اخْتَارَ مِنَ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ اخْتَارَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ، يُنْفُونَ عَنِ التَّنْزِيلِ تَحْرِيفَ الضَّالِّينَ وَ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ، تَأْسِعُهُمْ بَاطِنُهُمْ ظَاهِرُهُمْ قَائِمُهُمْ، وَ هُوَ أَفْضَلُهُمْ. حدیث 38: شیخ حسن بن سلیمان در کتاب محتضر از ابو بصیر از حضرت صادق (علیه السلام) از آباء گرام خود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند از بین روزها جمعه را انتخاب کرد و از بین ماه ها ماه رمضان را و از بین شب ها شب قدر و از بین مردم انبیاء را و رسل را و از بین رسولان مرا انتخاب نمود و از من علی (علیه السلام) را برگزید و از علی (علیه السلام) حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و از حسین (علیه السلام) اوصیاء را که دفاع از قرآن می کنند تا غالیان تحریف نکنند و منحرفین به نفع خود معنی نمایند و جاهلان تأویل نکنند و نه می آنها باطن و ظاهر ایشان است و قائم آنها است. (2)

حدیث 39: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ

ص: 69

1- . کمال الدین و تمام النعمة ج 1 ص 281 باب 24 باب ما روي عن النبي ص في النص على القائم ع وأنه الثاني عشر من الأئمة ع ح 32 وسائل الشيعة ج 7 ص 381 باب 40 باب وجوب تعظيم يوم الجمعة والتبرك به واتخاذ عيدا واجتناب جميع المحرمات فيه ح 9636-19،

2- . مقتضب الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر المتن ص 10 الجزء الأول ح 9

بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْمَرْوَزِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ عِمْرَانُ بْنُ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْقَاسِمِ الرَّقَّامِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: ... قَالَ الرَّضَا (عليه السلام):: الْإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الذَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ الْمُبْرَأُ مِنَ الْعُيُوبِ مَخْصُوصٌ بِالْعِلْمِ مَوْسُومٌ بِالْحِلْمِ نَظَامُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَ غَيْظُ الْمُنَافِقِينَ وَ بَوَارُ الْكَافِرِينَ

حدیث 39: امام رضا (علیه السلام): ... امام (علیه السلام) امین خدا در زمین و حجت او بین مردم و خلیفه خدا در دنیا و راهنمای حق و مدافع دین خدا است. امام (علیه السلام) از گناه پاک و از عیب منزه است گنجینه علم و حلم است نظام دین و شرف مؤمنین است و موجب خشم منافقین و از بین برنده کافرین است. (1) حدیث 40: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ وَ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ

الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ كَيْمَا إِنْ زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئًا

رَدَّهْمَ وَ إِنْ نَقَصُوا شَيْئًا أَتَمَّهُ لَهُمْ.*

حدیث 40: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی زیبا فرمودند: به حقیقت که زمین هیچ گاه از وجود امام خالی نمی گردد. برای این که اگر در طول تاریخ، مسلمین چیزی بر احکام اسلام افزودند، آن را به اسلام راستین بازگرداند و اگر چیزی از آن کاستند، چهره تمام و جامع آن را به نمایش گذارد. (2)

ص: 70

-
- 1- [2]. الأُمالي للصدوق ص 677 المجلس السابع والتسعون ح 1
 2- . الكافي: كتاب الحجة ج 1 ص 178 باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 2.

حدیث 41: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): هُمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ وَ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَ مَوْئِلُ حُكْمِهِ وَ كُھُوفُ كُتْبِهِ وَ جِبَالُ دِينِهِ بِهِمْ أَقَامَ انْحِنَاءَ ظَهْرِهِ وَ أَذْهَبَ ازْتِعَادَ فَرَائِصِهِ

حدیث 41: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روایتی زیبا در هنگام یاد کردن از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، می فرماید: آنان ج-ای-گ-اه سِرِّ پ-ی-ام-برند و پناه فرمان او، و خزانه دانش او و مرجع حکمت های او و غارها پناهگاه ك-ت-اب های او و کوه های دینش، به وسیله ایشان خمیدگی دین خود را راست گردانید و لرزش آن را از میان برد. (1)

حدیث 42:

قَالَ حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّامِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ لَهَيْعَةَ عَنْ أَبِي زُرْعَةَ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَا عَلِيُّ إِنَّ بَنِي خَتَمِ اللَّهِ الدِّينَ كَمَا بَنَى فَتَحَهُ وَ بَنَى يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ بَعْدَ الْعِدَاوَةِ وَ الْبُغْضَاءِ حَدِيث 42: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): ای علی! همانا خداوند دین را به ما ختم کرد همچنان که آن را با ما آغاز نمود ب-ه-وس-یله ماست که خداوند دل های شما را، پس از کینه و دشمنی باهم، به یکدیگر پیوند می دهد. (2)

حدیث 43: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَسِّ النَّيْسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ بَنِيَسَابُورَ فِي شَهْرِ عِبَانَ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيِّ وَ حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ نُعَيْمِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ عَمِّهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ قَالَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَا (عليه السلام): أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَامًا فَيَمَّا أَمِينًا حَافِظًا مُسْتَوْدَعًا لَدَرَسَتْ الْمِلَّةُ وَ ذَهَبَ

ص: 71

1- . نهج البلاغه للصبحي صالح ص 47 خطبه 2 و منها يعني آل النبي عليه الصلاة و السلام.

2- . الأماي للمفيد ص 251 المجلس التاسع و العشرون ح 4. الأماي للطوسي ص 21 [1] المجلس الأول ح 24

حدیث 43: امام رضا (علیه السلام): و دی-گ-ر این که: اگر برایشان پیشوا و سرپرستی درستکار و نگهبان و امانتدار گمارده نمی شد، آیین، کهنه و فرسوده شده، دین از میان رفته و سنت دگرگون شده بود. (1)

حدیث 44: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَاسِ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْحُطَامِ وَ لَكِنْ

لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ

حدیث 44: امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بار خدایا تو می دانی که آن چه از ما سرزد نه از سر رغبت به قدرت بود و نه ب-رای ب-ه دس-ت آوردن چ-ی-زی از متاع دنیا بلکه می خواستیم نشانه های دین تو را به جایگاهشان بازگردانیمو اصلاح و آبادانی را در سرزمین های تو آشکار سازیم، تا بندگان ستمدیده ات امنیّت و آسودگی یابند و حدود و احکام تعطیل شده ات دوباره به کار افتند. (2)

حدیث 45: أَقُولُ قَالَ الشَّيْخُ الْمُفِيدُ فِي الْإِزْشَادِ رَوَى الْكَلْبِيُّ وَ الْمَدَائِنِيُّ وَ غَيْرُهُمَا مِنْ أَصْحَابِ السِّيَرَةِ قَالُوا:.... ثُمَّ دَعَا الْحُسَيْنُ بِدَوَاةٍ وَ بِيَاضٍ وَ كَتَبَ هَذِهِ الْوَصِيَّةَ لِأَخِيهِ مُحَمَّدٍ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) إِلَى أَخِيهِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ الْحَنْفِيَّةِ أَنَّ الْحُسَيْنَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه و آله) عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ (وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ) وَ أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرَأَ وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (صلى الله عليه و آله) أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ

ص: 72

-
- 1- . علل الشرائع ج 1 ص 253 باب 182 باب علل الشرائع و أصول الإسلام . ح 9
 - 2- . نهج البلاغه للصبحي صالح ص 189 خطبه 131 و من كلام له ع و فيه يبين سبب طلبه الحكم و يصف الإمام الحق.

الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بَسِيرَةَ جَدِّي (صلى الله عليه وآله) وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)...

حدیث 45: امام حسین (علیه السلام) در نامه ای اهداف خود از قیام را چنین اعلام داشتند: حَقًّا حَسِينُ بْنُ عَلِيٍّ (علیه السلام) گواهی می دهد که هیچ معبودی جز خداوند نیست، اوست یگانه که آنباز و شریکی ندارد. و به درستی که مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله)، بنده او و فرستاده اوست که به حق از جانب او آمده. و اینکه بهشت و جهنم حق است، و ساعت قیامت فرا می رسد و در آن شکی نیست. (و اینکه خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند برمی انگیزاند) و من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدینه خارج می گردم، بلکه هدفم از سفر امر به معروف و نهی از منکر بوده و خواسته ام از این حرکت اصلاح مفسد امت و احیا نمودن سنت و قانون جدم رسول خدا (صلى الله عليه وآله) و راه و رسم پدرم علی بن ابیطالب (علیه السلام) است (1)

رفع اختلاف

حدیث 46: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسَدِّ لِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلِيمَانَ الْعَامِرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ:

مَا زَالَتْ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا الْحُجَّةُ يُعْرَفُ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ.

حدیث 46: امام صادق (علیه السلام): همواره حجت خدا در زمین وجود دارد حلال و حرام را بیان می کند و مردم را به راه خدا می خواند (2)

ص: 73

-
- 1- . بحار الانوار ج 44 ص 329 باب 37 ما جرى عليه بعد بيعته الناس ليزيد بن معاوية إلى شهادته صلوات الله عليه ولعنة الله على ظالميه وقاتليه وراضين بقتله و المؤازرين عليه ح 2
 - 2- . الكافي ج 1 ص 178، باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 3

حديث 47: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَمْرٍو ذَكَرَهُ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَوَرَدَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَقَالَ إِنِّي رَجُلٌ صَاحِبُ كَلَامٍ وَفِقَةٍ وَفَرَائِصٍ وَقَدْ جِئْتُ لِمُنَاطَرَةِ أَصْحَابِكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) كَلَامُكَ مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَوْ مِنْ عِنْدِكَ فَقَالَ مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ مِنْ عِنْدِي فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَأَنْتَ إِذَا شِئْتَ رَجُلٌ رَجُلٌ لَمْ يَكُنْ يَخْبِرُكَ قَالَ لَا قَالَ فَتَجِبُ طَاعَتُكَ كَمَا تَجِبُ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ لَا فَالْتَمَتَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِلَيَّ فَقَالَ يَا يُونُسَ بْنَ يَعْقُوبَ هَذَا قَدْ خَصِمَ نَفْسَهُ هَقْبَلُ أَنْ يَتَكَلَّمَ ثُمَّ قَالَ يَا يُونُسَ لَوْ كُنْتَ تُحْسِنُ الْكَلَامَ كَلَّمْتَهُ قَالَ يُونُسُ فَيَا لَهَا مِنْ حَسْرَةٍ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنِّي سَمِعْتُكَ تَنْهَى عَنِ الْكَلَامِ وَتَقُولُ وَيْلٌ لِأَصْحَابِ الْكَلَامِ يَقُولُونَ هَذَا يَنْقَادُ وَ هَذَا لَا يَنْقَادُ وَ هَذَا يَنْسَاقُ وَ هَذَا لَا يَنْسَاقُ وَ هَذَا نَعْفَلُهُ وَ هَذَا لَا نَعْفَلُهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّمَا قُلْتُ فَوَيْلٌ لَهُمْ إِنْ تَرَكُوا مَا أَقُولُ وَ ذَهَبُوا إِلَى مَا يُرِيدُونَ ثُمَّ قَالَ لِي اخْرُجْ إِلَى الْبَابِ فَأَنْظُرْ مَنْ تَرَى مِنَ الْمُتَكَلِّمِينَ فَأَدْخِلْهُ قَالَ فَأَدْخَلْتُ حُمْرَانَ بْنَ أَعْيَنَ وَ كَانَ يُحْسِنُ الْكَلَامَ وَ أَدْخَلْتُ الْأَحْوَلَ وَ كَانَ يُحْسِنُ الْكَلَامَ وَ أَدْخَلْتُ هِشَامَ بْنَ سَالِمٍ وَ كَانَ يُحْسِنُ الْكَلَامَ وَ أَدْخَلْتُ قَيْسَ بْنَ الْمَاصِرِ وَ كَانَ عِنْدِي أَحْسَنَهُمْ كَلَاماً وَ كَانَ قَدْ تَعَلَّمَ الْكَلَامَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَلَمَّا اسْتَقَرَّ بِنَا الْمَجْلِسُ وَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَبْلَ الْحَجِّ يَسْتَقِرُّ أَيَّاماً فِي جَبَلٍ فِي طَرْفِ الْحَرَمِ فِي فَازَةٍ لَهُ مَضْرُوبَةٍ قَالَ فَأَخْرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَأْسَهُ مِنْ فَازَتِهِ فَإِذَا هُوَ بِبَعِيرٍ يُحِبُّ فَقَالَ هِشَامُ وَ رَبِّ الْكُعْبَةِ قَالَ فَظَنَنْتَ أَنَّ هِشَاماً رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ عَقِيلٍ كَانَ شَدِيدَ الْمَحَبَّةِ لَهُ قَالَ فَوَرَدَ

هَشَامُ بْنُ الْحَكَمِ وَهُوَ أَوَّلُ مَا اخْتَطَّتْ لِحَيْثُهُ وَ لَيْسَ فِينَا إِلَّا مَنْ هُوَ أَكْبَرُ سِنًا مِنْهُ قَالَ فَوَسَّعَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَقَالَ نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا حُمْرَانُ كَلِّمِ الرَّجُلَ فَكَلَّمَهُ فَظَهَرَ عَلَيْهِ حُمْرَانُ ثُمَّ قَالَ يَا طَافِي كَلِّمَهُ فَكَلَّمَهُ فَظَهَرَ عَلَيْهِ الْأَحْوَلُ ثُمَّ قَالَ يَا هَشَامُ بْنُ سَالِمٍ كَلِّمَهُ فَتَعَارَفَا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) لِقَيْسِ الْمَاصِرِ كَلِّمَهُ فَكَلَّمَهُ فَأَقْبَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَصْدَحُكَ مِنْ كَلَامِهِمَا مِمَّا قَدْ أَصَابَ الشَّامِيَّ فَقَالَ لِلشَّامِيِّ كَلِّمْ هَذَا الْغُلَامَ يَعْنِي هَشَامُ بْنُ الْحَكَمِ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ لِهَشَامِ يَا غُلَامُ سَلْنِي فِي إِمَامَةِ هَذَا فَغَضِبَ هَشَامٌ حَتَّى ارْتَعَدَ ثُمَّ قَالَ لِلشَّامِيِّ يَا هَذَا أَرَبْتَ لِحَلْقِهِ أَمْ خَلَقَهُ لِأَنْفُسِهِ هُمْ فَقَالَ الشَّامِيُّ بَلْ رَبِّي أَنْظَرُ لِحَلْقِهِ قَالَ فَفَعَلَ بِنَظَرِهِ لَهُمْ مَا ذَا قَالَ أَقَامَ لَهُمْ حُجَّةً وَ دَلِيلًا كَثِيرًا يَتَشَبَّهُتُوا أَوْ يَخْتَلِفُوا يَتَأَلَّفُهُمْ وَ يُقِيمُ أَوْدَهُمْ وَ يُخْبِرُهُمْ بِفَرَضِ رَبِّهِمْ قَالَ فَمَنْ هُوَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ هَشَامٌ فَبَعَدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ آله قَالَ الْكِتَابُ وَ السُّنَّةُ قَالَ هَشَامٌ فَهَلْ نَفَعَنَا الْيَوْمَ الْكِتَابُ وَ السُّنَّةُ فِي رَفْعِ الْإِخْتِلَافِ عَنَّا قَالَ الشَّامِيُّ نَعَمْ قَالَ فَلِمَ اخْتَلَفْنَا أَنَا وَ أَنْتَ وَ صِرْتِ الْإِنَا مِنَ الشَّامِ فِي مُخَالَفَتِنَا إِيَّاكَ قَالَ فَسَكَتَ الشَّامِيُّ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) لِلشَّامِيِّ مَا لَكَ لَا تَتَكَلَّمُ قَالَ الشَّامِيُّ إِنْ قُلْتُ لَمْ نَخْتَلِفْ كَذَبْتُ وَ إِنْ قُلْتُ إِنْ الْكِتَابَ وَ السُّنَّةَ يَرْفَعَانِ عَنَّا الْإِخْتِلَافَ أَبْطَلْتُ لِأَنَّهُمَا يَحْتَمِلَانِ الْوُجُوهَ وَ إِنْ قُلْتُ قَدْ اخْتَلَفْنَا وَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا يَدْعِي الْحَقَّ فَلِمَ يَنْفَعُنَا إِذِنَ الْكِتَابَ وَ السُّنَّةَ إِلَّا أَنْ لِي عَلَيْهِ هَذِهِ الْحُجَّةُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) سَلْهُ تَجِدْهُ مَلِيًّا فَقَالَ الشَّامِيُّ يَا هَذَا مَنْ أَنْظَرُ لِلْحَلْقِ أَرَبُهُمْ أَوْ أَنْفُسِهِمْ هُمْ فَقَالَ هَشَامٌ رَبُّهُمْ أَنْظَرُ لَهُمْ مِنْهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ هُمْ فَقَالَ الشَّامِيُّ فَهَلْ أَقَامَ لَهُمْ مَنْ يَجْمَعُ لَهُمْ كَلِمَتَهُمْ وَ يُقِيمُ أَوْدَهُمْ وَ يُخْبِرُهُمْ بِحَقِّهِمْ مِنْ

بَطَلِهِمْ قَالَ هِشَامٌ فِي وَفْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَوِ السَّاعَةِ قَالَ الشَّامِيُّ فِي وَفْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ السَّاعَةِ مَنْ فَقَالَ هِشَامٌ هَذَا الْقَاعِدُ الَّذِي تُشَدُّ إِلَيْهِ الرَّحَالُ وَيُخْبِرُنَا بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَرَأَيْتَهُ عَنْ أَبِي عَنْ جَدِّ قَالَ الشَّامِيُّ فَكَيْفَ لِي أَنْ أَعْلَمَ ذَلِكَ قَالَ هِشَامٌ سَلِّمْ لَهُ عَمَّا بَدَأَ لَكَ قَالَ الشَّامِيُّ فَطَعْتُ عَذْرِي فَعَلَيْ السُّؤَالِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا شَامِيُّ أُخْبِرْكَ كَيْفَ كَانَ سَفْرُكَ وَكَيْفَ كَانَ طَرِيقُكَ كَانَ كَذَا وَكَذَا فَاقْبَلِ الشَّامِيُّ يَقُولُ صَدَقْتَ أَسَدَ لِمْتُ لِلَّهِ السَّاعَةَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) بَلْ آمَنْتَ بِاللَّهِ السَّاعَةَ إِنَّ الْإِسْلَامَ قَبْلَ الْإِيمَانِ وَ عَلَيْهِ يَتَوَارَثُونَ وَ يَتَنَاقِحُونَ وَ الْإِيمَانُ عَلَيْهِ يُثَابُونَ فَقَالَ الشَّامِيُّ صَدَقْتَ فَأَنَا السَّاعَةُ أَشَدُّ هَدًى أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ أَنْكَ وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ

حدیث 47: یونس بن یعقوب گفت: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم مردی از شامیان وارد شده عرضه داشت: من مردی صاحب سخن و دارای علم فقه و فرائض دینی هستم برای مناظره با شاگردان شما آمده ام. حضرت فرمود: گفتار تو از سخنان پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) است یا از خودت، گفت مقداری از پیامبر (صلى الله عليه وآله) و مقداری از خودم. فرمود: پس تو شریک پیامبری. شامی: نه. فرمود: به تو از جانب خدا وحی شده!؟

شامی: نه. فرمود: اطاعت تو لازم است همان طور که اطاعت از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) واجب شده؟ شامی: نه. در این موقع حضرت روی به جانب من نموده فرمود: یونس!

این مرد قبل از مناظره کردن خود را مُجَابِ ساخت و ادعای خویش را باطل کرد اگر تو اهل کلام و مناظره بودی با او به بحث می پرداختی. عرضه داشتم: افسوس که من وارد نیستم اما فدایتان شوم از شما شنیده ام که از مناظره نهی می کردی و می فرمودی وای بر اهل کلام می گویند این مطابق فهم ما است و آن به سلیقه ما صحیح نیست اینجور در می آید و آن دیگری ناجور است این را عقل ما می پذیرد و آن دیگری را

نمی پذیرد. فرمود: من گفتم وای بر اهل کلام که سخن مرا واگذارند و به استدلال خود متکی شوند، اکنون برو بیرون بین از متکلمین کسی را می بینی بگو بیاید.

یونس گفت خارج شدم. حمران بن اعین که مردی متکلم بود و محمد بن نعمان احول

که او نیز در کلام مهارت داشت و هشام بن سالم و قیس ماصر که هر دو از متکلمین به شمار می آمدند یافتیم به نظر من قیس ماصر از همه آنها در کلام قدرت بیشتری داشت او علم مناظره را از علی بن الحسین زین العابدین (علیه السلام) آموخته بود تمام آنها را خدمت امام صادق (علیه السلام) آوردم. آن جناب داخل خیمه ای قرار داشت در دامنه کوه کناره راه حرم و کعبه، هنوز چند روز به ایام حج باقی بود. در این موقع که همه میان خیمه نشسته بودند امام صادق (علیه السلام) (مثل کسی که انتظار شخصی را داشته باشد) دامن خیمه را کنار زده و دامنه افق را تماشا کرد. شتر سواری از دور می آمد.

يك مرتبه امام صادق (علیه السلام) فرمود: به خدای کعبه قسم هشام می آید. ما خیال کردیم آن هشامی است که از اولاد عقیل است و خیلی به حضرت صادق (علیه السلام) علاقه دارد اما بعد معلوم شد که هشام بن حکم است هشام جوانی بود که هنوز موی بر صورتش نروئیده

و از همه کوچکتر بود. تا وارد شد امام صادق (علیه السلام) برایش جایی گشوده فرمود: یار و ناصر ما با قلب و دست و زبان آمد. در این موقع رو به حمران نموده فرمود: با این مرد مناظره کن. حمران بر او پیروز شد. امام (علیه السلام) به محمد بن نعمان رو کرده فرمود: طاقی تو با او بحث کن محمد بن نعمان نیز پیروز شد رو به هشام بن سالم نموده فرمودند: با این مرد مناظره کن آن دو به بحث پرداختند تا هر دو حریف يك دیگر را شناختند بعد به قیس ماصر فرمود: تو صحبت کن، قیس شروع به مناظره کرد مرد شامی چون جوجه خوار و ذلیل در دست قیس قرار داشت.

در این موقع رو به شامی نموده فرمود: با این پسر صحبت کن (هشام بن حکم) شامی قبول کرده به هشام گفت در مورد امامت این شخص از من چیزی سؤال کن.

هشام از سخن مرد شامی چنان خشمگین شد که رگ های گردنش بر آمد (چون او با تحقیر اشاره به امام(علیه السلام) کرد) هشام متوجه مرد شامی شده گفت: بگو ببینم خداوند بهتر صلاح مردم را می داند یا مردم خودشان.

شامی: خدا بهتر صلاح مردم را می داند.

هشام: خداوند به صلاحدید خود برای مردم در مورد دین چه انجام داده؟

شامی: آنها را مکلف به دستوراتی نموده و برای ایشان دلیل و راهنمایی قرار داده تا حجت بر آنها تمام شود و ایراد و اشکالی نداشته باشند.

هشام: آن دلیل و راهنما به عقیده تو کیست؟

شامی: پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله).

هشام: بعد از حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) چه کسی راهنما است.

شامی: کتاب خدا و سنت پیامبر(صلی الله علیه و آله)

هشام: آیا کتاب و سنت در مورد اختلافات ما کاری می توانند انجام دهند و رفع اختلاف نمایند و ما را متفق گردانند.

شامی: آری.

هشام: پس چرا من و تو با هم اختلاف داریم تو از شام به اینجا آمده ای و با ما در عقیده اظهار مخالفت می کنی و عقیده ات اینست که راه شناخت دین رأی و نظر است با اینکه خود می دانی دو نظر مختلف نمی تواند یکی باشد.

شامی: سکوت ... فکر امام صادق(علیه السلام) فرمود: چرا حرف نمی زنی.

شامی: اگر بگویم ما باهم اختلاف نداریم ادعای بی جایی کرده ام اگر مدعی شدم که کتاب و سنت رفع اختلاف از ما می کنند باز سخن بیهوده ای گفته ام زیرا کتاب و سنت می توانند چند احتمال داشته باشند اگر بگویم ما اختلاف داریم و هر يك از ما دو نفر

ادعای واقعیت می‌کنیم. آشکارا می‌بینم که کتاب و سنت نمی‌تواند رفع اختلاف از ما بنماید اما من همین سؤال را از او می‌کنم. امام صادق(علیه السلام) فرمود: پرس او را مردی وارد و پر مایه خواهی یافت. شامی: چه کسی صلاح مردم را بهتر می‌داند خدا یا خود مردم؟ هشام: خدا.

شامی: آیا خداوند صلاحی دیده است که موجب رفع اختلاف

شود و حق را از باطل تشخیص دهند. هشام: آری. شامی: آن شخص کیست.

هشام: در ابتدای اسلام پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) پس از پیامبر دیگری است.

شامی: آن شخص دیگر کیست که جانشین اوست در حجت بودن؟

هشام: منظورت در این زمان کیست یا قبل از این زمان؟

شامی: منظورم هم اکنون زمان خودمان.

هشام: اشاره به طرف حضرت نموده و گفت این آقا که نشسته است کسی است که بارهای گران از هر طرف بر در خانه اش برای کسب فیض فرود می‌آید و از وقایع آسمان ما را به وراثت از آباء و اجداد خود مطلع می‌کند.

شامی: از کجا بدانم ادعای تو صحیح است؟

هشام: هر چه میل داری از او پرس.

شامی: بهانه مرقطع کردی اینک مجبورم سؤالی کرده و آزمایش نمایم. در این موقع امام صادق(علیه السلام) رو به مرد شامی کرده فرمود: من تو را از پیدا کردن سؤال بی‌نیاز می‌کنم از سیر و سفرت اطلاع می‌دهم فلان روز حرکت کردی و از فلان راه آمدی و به فلان جا گذشتی و فلانی با تو بر خورد کرد. شامی گوش می‌داد تمام گفتار

امام(علیه السلام) را و می‌گفت به خدا همین طور است.

... شامی گفت: اکنون من گواهی به یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) می‌دهم و گواهم بر این که شما وصی اوصیاء و امام خلقی. (1)

ص: 79

حدیث 48: بِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى عَنِ الْبَيْتَيْنِ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسَدَّ كَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدَعْ الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمَا عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ *

حدیث 48: امام رضا (عليه السلام): همانا خداوند زمین را بدون عالم رها نمی کند در غیر اینصورت حق از باطل شناخته نشود (1)

ائمه اطهار (عليهم السلام) ارکان دین خدا

حدیث 49: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): قَالَ (عليه السلام): هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ

حدیث 49: امیرالمؤمنین (عليه السلام) در حدیثی بسیار زیبا و پرمعنا فرمودند: اهل بیت (عليهم السلام) اصل، اساس و پایه دین می باشند. (2)

ص: 80

1- . الكافي ج 1 ص 178 كتاب الحجّة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 5.

2- . نهج البلاغه للصّبحي صالح ص 47 خطبه 2 و من خطبة له ع بعد انصرافه من صفين وفيها حال الناس قبل البعثة و صفة آل النبي ثم صفة قوم آخرين! و منها [في المنافقين] يعني قوما آخرين.

حدیث 1: الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشَدِّ عَرِيٌّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْمُنْذِرُ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) الْهَادِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَلْ مِنْ هَادٍ الْيَوْمَ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا زَالَ مِنْكُمْ هَادٍ بَعْدَ هَادٍ حَتَّى دُفِعَتْ إِلَيْكَ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ كَانَتْ إِذَا نَزَلَتْ آيَةٌ عَلَى رَجُلٍ ثُمَّ مَاتَ ذَلِكَ الرَّجُلُ مَاتَتِ الْآيَةُ مَاتَ الْكِتَابُ وَ لِكِنَّهُ حَيٌّ يَجْرِي فِي مَنْ بَيْتِي كَمَا جَرَى فِي مَنْ مَضَى.

حدیث 1: ابو بصیر گفت از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم از معنی آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فرمود: پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) منذر و علی (علیه السلام) هادی است بگو بینم امروز هادی از میان ما خانواده وجود دارد عرضه داشتیم: بلی یا بن رسول الله (صلى الله عليه وآله) پیوسته هادیان از شما خانواده بوده یکی پس از دیگری تا منتهی به شما شده. فرمود: خدا تو را رحمت کند اگر این آیه فقط در مورد يك شخص باشد و آن شخص بمیرد در نتیجه دستوری که در آیه داده شده و خود احکام قرآن از بین رفته است. اما چنین نیست، بلکه پیوسته هر زمان امامی است زنده و معنی این آیه همان طور که برای مردم گذشته وجود داشته برای آیندگان نیز خواهد بود. (1)

حدیث 2: حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَ يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فَقَالَ

ص: 82

1- . الكافي ج 1 ص 191 بَابُ أَنَّ الْأَيْمَةَ ع هُمُ الْهُدَاةُ ح 3. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 31 باب 13 باب في أئمة آل محمد ع أنهم الهادون يهدون إلى ما جاء به النبي ح 9

حدیث 2: امام باقر (علیه السلام) در مورد آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (1) فرمود: امام همان هادی و راهنمای مردم است در زمان خودشان. (2)

حدیث 3:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) الْمُنذِرُ وَ عَلِيٌّ (علیه السلام) الْهَادِي أَمَا وَ اللَّهُ مَا ذَهَبَتْ مِنَّا وَ مَا زَالَتْ فِينَا إِلَى السَّاعَةِ.

حدیث 3: امام باقر (علیه السلام) در باره آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (3) فرمود: پیامبر اکرم (صلى الله عليه و آله) منذر است و علی (علیه السلام) هادی است به خدا قسم این آیه در باره ما خانواده است و تاقیامت راهنمایان از ما خانواده خواهند بود. (4)

حدیث 4: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدِنَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ» (5) قَالَ هُمْ الْأَيُّمَةُ*

حدیث 4: حرمان از امام باقر (علیه السلام) نقل کرد که در مورد آیه «وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ» از میان مردم گروهی راهنمای به حق هستند و مردم را متوجه حقیقت می کنند فرمود: آنها ایتمه کرامند. (6)

حدیث 5: وَ رَوَى أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنُ كَانِي فِي شَوَاهِدِ التَّنْزِيلِ بِالْإِسْتِنَادِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَكَمِ بْنِ ظَهْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَكَمِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ أَبِي بُرْدَةَ الْأَسَدِيِّ قَالَ: دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) بِالطُّهُورِ وَ عِنْدَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) بِيَدِ عَلِيٍّ (علیه السلام) بَعْدَ مَا تَطَهَّرَ فَأَلْزَقَهَا بِصَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ ثُمَّ رَدَّهَا

ص: 83

1- [2]. الرعد آية 7

2- [3]. كمال الدين و تمام النعمة ج 2 ص 667 باب 58 باب في نوادر الكتاب ح 9.

3- [4]. الرعد آية 7

4- . الكافي ج 1 ص 191 بَابُ أَنَّ الْأَيُّمَةَ ع هُمْ الْهُدَاة ح 4

5- [2]. الاعراف آية 181

6- . الكافي ج 1 ص 414 باب فيه نكت و نتف من التنزيل في الولاية ح 13.

إِلَى صَدْرِ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ قَالَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ثُمَّ قَالَ إِنَّكَ مَنَارَةُ الْأَنَامِ وَ رَايَةَ الْهُدَى وَ أَمِيرُ الْقُرَى أَشْهَدُ عَلَيَّ ذَلِكَ أَنْتَ كَذَلِكَ.

حدیث 5: ابو القاسم حسکانی در شواهد النزیل از ابو بردة السلمی نقل می کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آب خواست و وضو گرفت علی (علیه السلام) در خدمت آن جناب بود در این موقع دست علی (علیه السلام) را گرفت و بر سینه خود چسبانیده فرمود: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ» (1) بعد دست خود را بر روی سینه علی (علیه السلام) گذاشت فرمود: «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (2) و اضافه نمود یا علی تو مشعل فروزان عالم و پرچم هدایت و سرور پیروان قرآنی، من گواهی می دهم که این مَنْصَب ها و موقعیت ها اختصاص به تو دارد (3).

حدیث 6: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) الْمُنْذِرُ وَ لِكُلِّ زَمَانٍ مَنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ (عليه السلام) ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ.*

حدیث 6: امام باقر (علیه السلام) در باره قول خدای عز و جل «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (4) همانا تو بیم دهنده ای و برای هر گروهی رهبریت پرسیدم، فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیم دهنده است و در هر زمانی یکی از ما اهل بیت (علیهم السلام) رهبریت که مردم را به آنچه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از طرف خدا آورده رهبری کند، رهبران بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اول علی (علیه السلام) است و پس از او اوصیاءش یکی پس از دیگری. (5).

حدیث 7: عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ عَامِرٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ خَيْثَمَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ وَ نَحْنُ صَفْوَتُهُ وَ نَحْنُ خَيْرَتُهُ وَ نَحْنُ مُسْتَوْدَعُ

ص: 84

1- [4]. الرعد آية 7

2- [1]. الرعد آية 7

3- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 3 ص 83 فصل في أنه النور والهدى والهادي،

4- [3]. الرعد آية 7

5- . الكافي ج 1 ص 191 بَابُ أَنَّ الْأَيْمَةَ ع هُمُ الْهُدَاةُ ح. 2.

مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ وَنَحْنُ أَمْنَاءُ اللَّهِ وَنَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ وَنَحْنُ أَزْكَأْنَا لِإِيْمَانٍ وَنَحْنُ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ وَنَحْنُ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ وَبِنَا يَخْتِمُ وَنَحْنُ أَيْمَةُ الْهُدَى وَ مَصَابِيحُ الدُّجَى وَ نَحْنُ مَنَارُ الْهُدَى وَ نَحْنُ السَّابِقُونَ وَ نَحْنُ الْآخِرُونَ وَ نَحْنُ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِلْخَلْقِ مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقِّ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا غَرَقَ وَ نَحْنُ قَادَةُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ نَحْنُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ نَحْنُ الطَّرِيقُ وَ صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ إِلَى اللَّهِ وَ نَحْنُ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ نَحْنُ الْمِنْهَاجُ وَ نَحْنُ مَعْدِنُ النَّبُوَّةِ وَ نَحْنُ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ إِلَيْنَا مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ نَحْنُ السَّرَاجُ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِنَا وَ نَحْنُ السَّبِيلُ لِمَنْ افْتَدَى بِنَا وَ نَحْنُ الْهُدَاةُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ نَحْنُ عِزُّ الْإِسْلَامِ وَ نَحْنُ الْجُسُورُ وَ الْقَنَاطِرُ مَنْ مَضَى عَلَيْهَا سَبَقَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مُجِئَ وَ نَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ وَ بِنَا تَسْقُونَ الْعَيْثُ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُصْرَفُ عَنْكُمْ الْعَذَابُ فَمَنْ عَرَفَنَا وَ نَصَرَنَا وَ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَخَذَ بِأَمْرِنَا فَهُوَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا

حدیث 7: خثیمه از حضرت باقر (علیه السلام) نقل کرد که شنیدم ایشان می فرمودند: ما جنبُ الله و برگزیده او و منتخب خدا و تحویل گیرنده میراث انبیا و امنای پروردگار و حجت خدا و ارکان ایمان و پایه های اسلام هستیم ما رحمت خدا بر خلقیم. ما کسانی هستیم که خداوند به وسیله ما می گشاید و به وسیله ما ختم می کند ما ائمه هدی (علیهم اسلام) و چراغ های روشنگر تاریکی ها و استوانه های درخشان هدایت و ما سابقون و آخرون (که در قرآن یاد شده هستیم) ما پایگاه برافراشته برای مردمیم هر که تمسک به ما جوید خواهد رسید و هر که از ما تخلف ورزد هلاک می گردد. ما رهبر مردم سفید چهره هستیم و برگزیده خدا و راه واقعی و

صراط مستقیم به سوی خدائیم ما از نعمت های خدا بر خلقیم ما راه و روش و معدن نبوت و پایگاه رسالت و محل رفت و آمد ملائکه و چراغ راهنما برای راه رو هستیم ما راهی هستیم برای کسی که پیرو ما باشد و هدایت کنندگان به بهشتیم. ما عزت اسلام و پل ها و معبرهای بزرگی هستیم که هر که از روی آن بگذرد سبقت می گیرد، و هر که تخلف جوید گمراه می شود، ما کوهان بزرگ و کسانی هستیم که به واسطه ما رحمت نازل می شود و به وسیله ما باران می بارد بر شما و به واسطه ما عذاب از شما برطرف می گردد هر که ما را بشناسد و یاری کند و عارف به حق ما باشد و دستور ما را بپذیرد از ما بوده و بازگشت او به سوی ما خواهد بود. (1)

حدیث 8:

حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: يَا بَا بصيرٍ نَحْنُ شَجَرَةُ الْعِلْمِ وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) وَفِي دَارِنَا مَهْبُطُ جِبْرِئِيلَ (عليه السلام) وَنَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَنَحْنُ مَعَادِنُ وَحْيِ اللَّهِ مَنْ تَبِعَنَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَلَكَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.*

حدیث 8: ابوبصیرگوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ای ابوبصیر! ما درخت علم و دانش، و اهل بیت (علیهم اسلام) پیامبریم، ما معادن وحی الهی و گنجینه های علم خداییم، جبرئیل (علیه السلام) در خانه ما فرود می آید، هر که از ما پیروی کند نجات یافته و هر که از ما تخلف ورزد به هلاکت رسد، خداوند این امر را بر خود لازم نموده. (2)

حدیث 9: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ وَفَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»

فَقَالَ كُلُّ إِمَامٍ هَادٍ

ص: 86

1- [1]. کمال الدین ج 1 ص 206 باب 21 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام ح 20،

2- . الأمالی للصدوق ص 307 مجلس 50 ح 15.

حدیث 9: فضیل گوید از امام صادق (علیه السلام) راجع به قول خدای عزوجل «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (1) و هر گروهی را رهبریت پرسیدم، فرمود: هر امامی رهبر است در دورانی که در میان مردم است (رهبر مردم دوران خویش است). (2) حدیث 10: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) الْمُنذِرُ وَ لِكُلِّ زَمَانٍ مِّنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ (عليه السلام) ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ.***

حدیث 10: از امام باقر (علیه السلام) در باره قول خدای عز و جل «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (3) همانا تو بیم دهنده ای و برای هر گروهی رهبریت پرسیدم، فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیم دهنده است و در هر زمانی یکی از ما اهل بیت (علیهم السلام) رهبریت که مردم را به آنچه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از طرف خدا آورده رهبری کند، رهبران بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اول علی (علیه السلام) است و پس از او اوصیاءش یکی پس از دیگری. (4)

حدیث 11: يَرْفَعُهُ بِالْإِسْنَادِ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا رَجَعْنَا مِنْ حِجَّةِ الْوُدَاعِ، جَلَسْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي مَسْجِدِهِ، قَالَ: أَ تَدْرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَنَّ عَلَى أَهْلِ الدِّينِ، إِذْ هَدَاهُمْ بِي وَ أَنَا مَنَّ عَلَى أَهْلِ الدِّينِ إِذْ هَدَاهُمْ بِابْنِ عَمِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ أَبِي ذَرِّيَّتِي، أَلَا وَ مَنِ اهْتَدَى بِهِمْ نَجَا، وَ مَنِ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوَى. أَيُّهَا النَّاسُ اللَّهُ اللَّهُ فِي عَثْرَتِي وَ أَهْلِ بَيْتِي. فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَ وَلَدَاهَا عَضْدِي، وَ أَنَا وَ بَعْلَاهَا كَالضِّيَاءِ. اللَّهُمَّ

وَ اِزْحَمْ مَنْ رَحِمَهُمْ، وَ لَا تَغْفِرْ لِمَنْ ظَلَمَهُمْ. ثُمَّ دَمَعَتْ

ص: 87

1- . الرعد 7

2- . الكافي ج 1 ص 191 كتاب الحججة باب أن الأئمة ع هم الهداة ح 1.

3- . الرعد 7.

4- . الكافي ج 1 ص 191 كتاب الحججة باب أن الأئمة ع هم الهداة ح 2.

عَيْنَاهُ، وَقَالَ: وَكَأَنِّي أَنْظُرُ الْحَالَ حَدِيث 11: ابن عباس گفت وقتی از حجة الوداع برگشتیم در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) خدمت آن جناب نشسته بودیم فرمود: می دانید می خواهم چه بگویم بشما. گفتیم: خدا و پیامبرش می دانند فرمود بدانید که خداوند منت بر اهل دین گذاشت زیرا ایشان را بوسیله من هدایت نمود و من منت می گذارم بر اهل دین چون آنها را بوسیله علی بن ابی طالب (علیه السلام) هدایت کردم پسر عمو و پدر فرزندانم هر که بوسیله ایشان هدایت یافت رستگار است و کسی که از آنها تخلف جست گمراه و سرگردان. مردم! خدا خدا را در نظر داشته باشید در مورد عترت و اهل بیت فاطمه پاره تن من و دو فرزندش بازوان منند و من و شوهرش چون نور درخشنده هستیم خدایا رحم کن بر کسی که به آنها رحم نماید و کسی که بر آنها ستم ورزد او را نیامرزد، در این موقع چشمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) پر از اشک شده فرمود گویا هم اکنون می بینم چه خواهند کرد. (1)

حدیث 12:

عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

فِي خُطْبَتِهِ قَالَ اللَّهُ «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ» فَبِئْسَ اتِّبَاعٌ مَا جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ وَ فِي تَرْكِهِ الْخَطَأُ الْمُبِينُ

حدیث 12: تفسیر عیاشی: مسعدة بن صدقه از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ای فرمود: خداوند در قرآن می فرماید: «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ» (2) در پیروی دستورات خداوند رستگاری عظیم است و در ترك پیروی خطای آشکار است. (3) حدیث 13: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ قَالَ

ص: 88

1- [1] الروضة في فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام لابن شاذان القمي ص 167 ح 143 حدیث علي أبو ذرية النبي

2- [2] الاعراف آية 3

3- [3] تفسیر العیاشی ج 2 ص 9 [سورة الاعراف (7): آية 3] ح 4

رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَمَا وَاللَّهِ إِنَّ فِي أَهْلِ بَيْتِي مِنْ عِزَّتِي لَهْدَاةً مُهْتَدِينَ مِنْ بَعْدِي يُعْطِيهِمْ [يُعْطِيهِمْ] عِلْمِي وَفَهْمِي وَحِلْمِي وَ خُلُقِي وَ طَيِّبَتُهُمْ مِنْ طَيِّبَتِي الطَّاهِرَةِ وَوَيْلٌ لِلْمُنْكَرِينَ لِحَقِّهِمْ الْمَكْذِبِينَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِي الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِدْقِي الْمُسْتَوَلِينَ عَلَيْهِمْ وَالْآخِذِينَ مِنْهُمْ حَقَّهُمْ أَلَا فَلَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي.

حدیث 13: پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله): متوجه باشید به خدا سوگند میان اهل بیت من از عترتم رهنمایان مهتدی هستند پس از من که خداوند علم و فهم و حلم و خلق مرا به آنها داده از سرشت پاک من آفریده شده اند. وای بر کسانی که منکر حق ایشان شده و تکذیب نمایند آنها را و حق خویشاوندی مرا در باره آنها رعایت نکنند و بر آنها مستولی گردند حقشان را بگیرند خداوند آنها را از شفاعت من محروم نماید(1)

ائمه اطهار(علیهم السلام) ارکان هدایت

حدیث 14: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّا أَهْلَ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا وَمِنْ حُكْمِهِ أَخَذْنَا وَمِنْ قَوْلِ الصَّادِقِ سَمِعْنَا فَإِنْ تَتَّبَعُونَا تَهْتَدُوا. حدیث 14: امام باقر (عليه السلام): ما اهل بیتی هستیم که علم ما از علم خداست. اگر از ما پیروی کنید، هدایت می یابید.(2)

حدیث 15: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّيَّاحِيُّ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ الْحُلَوَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ

ص: 89

1- [1]. بصائر الدرجات ج 1 ص 50 باب 22 باب في الأئمة ع و ما قال فيهم رسول الله بأن الله أعطاهم فهمي و علمي ح 8

2- [1]. بصائر الدرجات ص 514 باب 18 باب النوادر في الأئمة ع و أعاجيبهم ح 34.

بِأَهْلِهَا وَعُمْدَ الْإِسْلَامِ وَرَابِطَةَ عَلَيَّ سَبِيلِ هُدَاةٍ لَا يَهْتَدِي هَادٍ إِلَّا يَهْدَاهُمْ وَلَا يَضِلُّ خَارِجٌ مِنَ الْهُدَى إِلَّا بِتَقْصِيرٍ عَنْ حَقِّهِمْ

حدیث 15: امام باقر (علیه السلام): ... خدای عزوجل ایشان را ارکان زمین مقرر فرموده تا اهلش را نلرزاند و ستون های اسلام و مرزدار راه هدایت ساخته هیچ هدایت شونده ای بدون هدایت ما هدایت نشده، و هیچ گمراهی بدون کوتاهی در شناخت و معرفت به حق ما گمراه نگردد....(1)

حدیث 16: السَّلَامُ

عَلَيْكُمْ أئِمَّةَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى

حدیث 16: در زیارت ائمه بقیع: سلام بر شما ای امامان هدایت، سلام بر شما ای اهل تقوا.(2)

حدیث 17: قَالَ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): السَّلَامُ عَلَيَّ أئِمَّةَ الْهُدَى

حدیث 17: امام رضا (علیه السلام): سلام بر شما ای راهنمایان بر هدایت.(3)

ائمه اطهار (علیهم اسلام) عروه الوثقی حدیث 18: تفسیر فرات بن ابراهیم مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعْنَعًا عَنْ أَبِي ذَرِّ الْعِفَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ الَّذِي مَنِ اعْتَصَمَ بِهِ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

حدیث 18: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ما ریسمان محکم الهی بوده که هر که به آن چنگ زند به راه راست هدایت شود.(4)

حدیث 19: قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ):....فَنَحْنُ عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى مَنِ اسْتَمْسَكَ بِنَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَوَى

ص: 90

-
- 1- . الكافي ج 1 ص 197 ح 3. كتاب الحجّة باب أنّ الأئمة هم أركان الأرض ح 3. .
 - 2- . الكافي ج 4 ص 559 ح 1. كتاب الحج باب زيارة من بالبيعة
 - 3- . بحار الأنوار: ج 99 ص 128 باب 8 الزيارات الجامعة التي يزار بها كل إمام صلوات الله عليهم وفيه عدة زيارات
 - 4- . تفسیر فرات الكوفي ص 258 [سورة طه (20): الآيات 81 الى 82] ذیل ح 353

حدیث 19: امام باقر (علیه السلام): پس ما دستاویز محکم خدائیم هرکه به ما چنگ زند نجات می یابد و هرکه از ما فاصله بگیرد گمراه است (1)

شناخت راه قرآن باعث هدایت

حدیث 20: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِمِثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ وَ لَنْ تَمَسَّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ فَالْتَمِسُوا ذَلِكَ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ فَإِنَّهُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ هُمْ الَّذِينَ يُخْبِرُكُمْ حُكْمَهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ وَ صَمْتُهُمْ عَنْ مَنْطِقِهِمْ وَ ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ لَا يُخَالِفُونَ الدِّينَ وَ لَا يَحْتَلِفُونَ فِيهِ فَهُوَ بَيْنَهُمْ شَاهِدٌ صَادِقٌ وَ صَامِتٌ نَاطِقٌ.

حدیث 20: امیرالمؤمنین (علیه السلام): بدانید که شما هرگز راه رستگاری را نخواهید یافت تا کسی که آن را رها کرده بشناسید و هرگز به پیمان قرآن وفا نمی کنید تا کسی که پیمانش را شکسته بشناسید و هرگز به قرآن چنگ نمی زنید تا کسی که آن را به دور انداخته بشناسید و این همه را از اهل قرآن بخوانید که دانش به آن ها زنده نماند با وجود آن ها مرده آنان که داوری شان شما را از دانش آنان خبر می دهد و سکوتشان از سخنشان و بیرونشان از درونشان، نه با دین مخالفتی ورزیده و نه در آن اختلافی دارند دین در میان آنان گواهی راستین و خاموشی گویاست. (2)

حدیث 21: وَ رَوَى الشَّيْخُ الْمُفِيدُ رَحِمَهُ اللَّهُ بِإِسْنَادِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ السَّائِبِ الْكَلْبِيِّ: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام):... أَتَقْذِرُ اللَّهُ النَّاسَ بِنَا مِنَ الضَّلَالَةِ

ص: 91

1- [2]. تفسیر فرات الکوفی ص 552 [سورة الغاشية (88): الآيات 25 الى 26] ح 707

2- . نهج البلاغه للصباحی صالح ص 205 عظة الناس خطبه 147.

حدیث 21: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی بسیار زیبا فرمودند: خداوند مردم را به خاطر ما از گمراهی نجات می دهد. (1)

حدیث 22: قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): بَلْ مِثْنَا أَلْهَدَاهُ إِلَى اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِنَا اسْتَقْدَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ضَلَالَةِ الشُّرِكِ وَبِنَا يَسْتَقْدَهُمُ مِنْ ضَلَالَةِ الْفِتْنَةِ

حدیث 22: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هادیان به خدای تعالی تا روز قیامت از ما هستند، خدای تعالی به واسطه ما مردم را از گمراهی شرک نجات داد و به واسطه ما آنها را از گمراهی فتنه نجات می دهد. (2)

ائمه اطهار (علیهم السلام) کشتی های نجات

حدیث 23: قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): نَحْنُ سَفِينَتُكُمْ كَسَفِينَةِ نُوحٍ

حدیث 23: امام باقر (علیه السلام) در حدیثی بسیار زیبا فرمودند: ما کشتی نجات شما هم چنان که کشتی برای قوم نوح بود. (3) حدیث 24: فَنَحْنُ أَنْوَارُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ وَمَحْضُ خَالِصِ الْمَوْجُودَاتِ وَسُفُنُ النَّجَاةِ وَفِينَا مَكْنُونُ الْعِلْمِ وَإِنَّا مَصِيرُ الْأُمُورِ وَبِمَهْدِيَّتِنَا تَنْقَطِعُ الْحَجَجُ فَهُوَ خَاتَمُ الْأَيِّمَةِ وَمُنْقِذُ الْأُمَّةِ وَمُنْتَهَى النُّورِ وَغَامِضُ السَّرِّ فَلْيَهْنَأْ مَنْ اسْتَمْسَكَ بِعُرْوَتِنَا وَحُسِرَ عَلَى مَحَبَّتِنَا.

حدیث 24: امیرالمؤمنین (علیه السلام): ... پس ما نورهای آسمان ها و زمین و کشتی های نجات هستیم، و علم های پنهان در ما قرار دارد و سرنوشت امور به ما منتهی می شود و با مهدی ما حجت ها متوقف می شوند، پس او پایان بخش ائمه (علیهم السلام) و نجات بخش امت و انتهای نور و راز پیچیده است. پس باید تهنیت گفت به کسی که به

ص: 92

1- . تأویل الايات: ص 817 سورة التكاثر (102): الآيات 3 الى 4 ح 8.

2- . كمال الدين ج 1 ص 230 باب 22. ح 31 اتصال الوصية من لدن آدم ع وأن الأرض لا تخلو من حجة لله عز وجل على خلقه إلى يوم القيامة

3- . تفسير فرات الكوفي: ص 348 سورة فاطر (35): الآيات 32 الى 41 ح 474.

حدیث 25: فَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و آله): نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ مَنْ تَعَلَّقَ بِهَا نَجَا وَ مَنْ حَادَ عَنْهَا هَلَكَ

حدیث 25: پیامبر (صلى الله عليه و آله): ما کشتی نجات بوده که هر که به آن در آویزد نجات می یابد، و هر که از آن روی گرداند هلاک می گردد. (2)

وَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبُ، قَالَ أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيُّ، قَالَ أَخْبَرَنِي عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بْنُ ظَهْرٍ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ رَافِعِ مَوْلَى أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا ذَرٍّ (رَحِمَهُ اللَّهُ) أَخِيذًا بِحَلْقَةِ بَابِ الْكَعْبَةِ، مُسْتَقْبِلَ النَّاسِ بِوَجْهِهِ، وَ هُوَ يَقُولُ: مَنْ عَرَفَنِي فَأَنَا جُنْدَبُ الْغِفَارِيِّ، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يَقُولُ: مَنْ قَاتَلَنِي فِي الْأُولَى وَ قَاتَلَ أَهْلَ بَيْتِي فِي الثَّانِيَةِ حَشَرَهُ اللَّهُ (تَعَالَى) فِي الثَّلَاثَةِ مَعَ الدَّجَالِ، إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ، وَ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَدْخُلْهُ هَلَكَ. رَافِعٌ غُلَامٌ آزَادٌ شَدِيدٌ ابْنُ أَبِي ذَرٍّ، دِيدِمُ كِهْ ابْنُ ذَرٍّ فِي حَلْقَةِ كَعْبَةِ رَا كَرَفْتَهُ وَ رُو كَرْدَهُ بَهْ مُرْدَمُ كَرْدَهُ وَ مِي كُوِيْدُ: هِرَكِهْ مُرَا مِي شَنَاسِدُ پَسْ مِنْ جَنْدَبِ غِفَارِي هِسْتَمُ، وَ هِرَكِهْ مُرَا نَمِي شَنَاسِدُ پَسْ بَدَانْدُ كِهْ مِنْ ابْنِ ذَرٍّ غِفَارِي هِسْتَمُ، شَنَبِدَمُ كِهْ رَسُولُ خُدَا (صلى الله عليه و آله) فَرَمُودُ: هِرَكِهْ دَرِ سَالِيَانِ اَوَّلِ پَسْ اَزِ اِسْلَامِ بَا مِنْ پِيَامْبِرِ (صلى الله عليه و آله) وَ دَرِ سَالِ هَايِ پَسْ اَزِ اَنِّ بَا خَانُوَادَهْ اَمِّ بَجَنْگِدُ خُدَاوَنْدُ دَرِ قِيَامَتِ اَوْرَا بَا دَجَالِ مَحْشُورُ كَنْدُ. هِمَانَا مَثَلُ اَهْلِ بَيْتِ مَنْ دَرِ مِيَانِ شَمَا هَمِچُونِ كَشْتِي نُوحِ اِسْتُ، هِرَكِهْ بَرِ اَنِّ سُوَارِ شُودِ نَجَاتِ

ص: 93

1- . بحار الانوار ج 74 ص 300 خطبه 6 باب 14 خطبه على صلوات الله عليه المعروفة

2- . عوالم العلوم ج 11 - قسم 1 - فاطمة س / 23 / الأخبار: الصحابة و التابعين ص 23

می یابد و هرکه از آن دوری کند غرق می شود و آنان مانند باب حطه می باشند که هرکه در آن داخل شود نجات می یابد و هرکه در آن داخل نشود نابود می گردد. (1)

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ الطَّبْرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي عَيْسَى بْنُ مِهْرَانَ، قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْأَسْوَدِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَزْوَرِيِّ، عَنْ أَبِي عُمَرَ الْبَزَّازِ، عَنْ رَافِعِ مَوْلَى أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: صَعَدَ أَبُو ذَرٍّ عَلَى دَرَجَةِ الْكَعْبَةِ حَتَّى أَخَذَ بِحَلْقَةِ الْبَابِ، ثُمَّ أَسَدَ نَدَى ظَهْرَهُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يَقُولُ: إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَرَكَهَا هَلَكَ، وَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يَقُولُ: اجْعَلُوا أَهْلَ بَيْتِي مِنْكُمْ مَكَانَ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَمَكَانَ الْعَيْنَيْنِ مِنَ الرَّأْسِ، فَإِنَّ الْجَسَدَ لَا يَهْتَدِي إِلَّا بِالرَّأْسِ، وَلَا يَهْتَدِي الرَّأْسُ إِلَّا بِالْعَيْنَيْنِ.

رافع غلام ابوذر گفته است: ابوذر که خدایش از او خشنود باشد بر پله ی کعبه بالا رفت و حلقه ی در را گرفت و سپس پشتش را بر آن تکیه داد و گفت: ای مردم! هرکه مرا می شناسد که هیچ و هرکه مرا نمی شناسد من ابوذر هستم و از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمودند: همانا حکایت خاندانم در این امتهمچون حکایت کشتی نوح است که هرکه بر آن سوار شود نجات می یابد و هرکه آنرا ترک کند هلاک می گردد. از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: خاندانم را نسبت به خودتان همچون جایگاه سر از بدن و دو چشم از سر قرار دهید، زیرا بدن جز به سبب سر هدایت نمی شود و سر جز به سبب چشمان راه به جایی نمی برد. (2)

ص: 94

1- . الأماي (للطوسي) النص 60 [2] المجلس الثاني ح 57

2- . الأماي (للطوسي) المجلس 17 ح 22

هرکه از ما تخلف کند هلاک شود

حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَدُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: يَا أَبَا بصيرٍ نَحْنُ شَجَرَةُ الْعِلْمِ وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) وَفِي دَارِنَا مَهْبُطُ جِبْرِئِيلَ (عليه السلام) وَنَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَنَحْنُ مَعَادِنُ وَحْيِ اللَّهِ مَنْ تَبِعَنَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَلَكَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

امام صادق (عليه السلام): ای ابوبصیر مائیم درخت دانش مائیم خاندان پیغمبر (صلى الله عليه وآله)، در خانه ما جبرئیل (عليه السلام) فرود می آمد، ما خزانه دار علم خدا، معادن وحی خدائیم هر که پیرو ما باشد نجات یافته و هر که از ما تخلف کند هلاک است این حق بر خداست. (1)

ائمہ اطہار (علیہم السلام) نشانه های هدایت حدیث 26: السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْآدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ وَالْمُسْتَبْتَرِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ وَالتَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ

وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ

حدیث 26: در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: سلام بر دعوت کنندگان به سوی خداوند و راهنمایان به سوی رضای او، و ظاهرکنندگان امر و نهی، سلام

ص: 95

برندگان بزرگوار او که در گفتار از او سبقت نگرفته و به امر او عمل می نمایند، آن ها مطیع پروردگار، قیام کننده به امر او، عمل کننده به اراده و امر او، هدایت کننده به راه او، و حکم کننده براساس گفتار او باشند. (1)

حدیث 27: أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَبْوَابُ نِعْمِ اللَّهِ الَّتِي فَتَحَهَا عَلَيَّ بِرَبِّيهِ وَالْأَعْلَامُ الَّتِي فَطَرَهَا لِإِزْشَادِ خَلْقِيَتِهِ

حدیث 27: در زیارت اهل بیت (علیهم اسلام) می خوانیم: شهادت می دهم که شما پرچم هائی هستید که خداوند برای هدایت مخلوقات خلق نموده. (2)

ائمه اطهار (علیهم اسلام) سبب اتصال بین بندگان و خدای متعال

حدیث 28: فِي دَعَا النَّدْبَةِ: أَيَّنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

حدیث 28: در فرازی از دعای ندبه آمده: کجاست! آن سبب و وسیله متصل کننده بین آسمان و زمین. (3) راه ائمه اطهار (علیهم اسلام) راه نجات

حدیث 29: يَا مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ

حدیث 29: و در زیارت آل یاسین خطاب به امام زمان f می گوئیم: ای مولای من، هر که با شما مخالفت کند شقی و بدبخت، و هر که از شما اطاعت کند سعید و خوشبخت باشد. (4)

ص: 96

1- . من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 610. باب زيارَةَ جَامِعَةَ لِجَمِيعِ الْأُمَّةِ ع

2- . بحار الأنوار: ج 97 ص 207 باب 6 زيارة الأئمة بالبقية ح 8.

3- . المزار، محمد بن المشهدي باب الدعاء للندبة ص 579.

4- . الإحتجاج ج 2 ص 494 ذكر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان ع من المسائل الفقهية وغيرها في التوقيعات على أيدي الأبواب الأربعة وغيرهم

حدیث 30: انظروا أهل بيت نبيكم فالزموا سمتهم واتبعوا أثرهم فلن يخرجوكم من هدى ولن يعيدوكم في ردى فإن لبدوا فالبدوا وإن نهضوا فأنهضوا ولا تسبقوهم فتضلوا ولا تتأخروا عنهم فتهلكوا

حدیث 30: امیرالمؤمنین (علیه السلام): به خاندان پیامبران بنگرید، و بدان سو که می روند بروید، و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نکرده و به هلاکت نخواهند کشید. (1)

حدیث 31: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي وَيَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنِ الَّتِي غَرَسَهَا اللَّهُ رَبِّي بِيَدِهِ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَلْيَتَوَلَّ وَلِيَّهُ وَ لِيُعَادِ عِدْوَهُ وَ لِيَسَلِّمْ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّهُمْ عَتْرَتِي مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهَمِي وَ عِلْمِي إِلَى اللَّهِ أَشَدَّ كَوَامَرٍ أُمَّتِي الْمُنْكَرِينَ لِفَضْلِهِمْ الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي وَ إِنَّمَا اللَّهُ لَيَقْتُلَنَّ ابْنِي لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي. حدیث 31: امام صادق (علیه السلام) از قول رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: کسی که خواهد زندگی و مرگش زندگی و مرگ من باشد و به بهشت برینی که پروردگارم به دست قدرت خود کاشته در آید باید پیروی علی بن ابی طالب (علیه السلام) کند و با دوستش دوستی و با دشمنش دشمنی نماید و نسبت به اوصیاء پس از وی تسلیم باشد زیرا ایشان از خاندان من و از گوشت و خون منند و خدا فهم و علم مرا به ایشان عطا فرموده است: به خدا شکایت می کنم از حال آن امتم که فضیلت ایشان را منکر گشته، پیوند مرا با

ص: 97

ایشان قطع کنند (رعایت قربت آنها را که اجر رسالت منست نکنند) به خدا سوگند که دو فرزندم را می کشند خدا شفاعتم را به آنها نرساند.

(1)

حدیث 32: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ الْقَهَّارِ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنيهَا رَبِّي وَيَتَمَسَّكَ بِقَضِيَّةِ غَرَسَهُ رَبِّي بِيَدِهِ فَلْيَتَوَلَّ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَأَوْصِيَاءَهُ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْخُلُونَكُمْ فِي بَابِ ضَلَالٍ وَلَا يُخْرِجُونَكُمْ مِنْ بَابِ هُدًى فَلَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ وَإِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي أَلَا يُفَرِّقُ بَيْنَهُمْ وَيَبَيِّنُ الْكِتَابَ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ

الْحَوْضَ هَكَذَا وَصَمَّ بَيْنَ إصْبَعَيْهِ وَعَرَضَهُ مَا بَيْنَ

صَنْعَاءَ إِلَى أَيْلَةٍ فِيهِ قُدْحَانُ فِضَّةٍ وَذَهَبٍ عَدَدَ النُّجُومِ

حدیث 32: پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که را خوش آید که چون من زندگی کند و چون من بمیرد و در بهشتی که خدا مرا وعده داده در آید و به شاخه ای که پروردگارم بدست قدرت خود کاشته دست آویزد، باید علی بن ابی طالب (علیه السلام) و جانشینانش را اطاعت کند، زیرا آنها شما را به هیچ در گمراهی در نیاورده و از هیچ در هدایت خارج نکنند شما به ایشان یاد ندهید که آنها از شما داناترند من از پروردگارم خواستم که میان آنها و قرآن جدائی نیندازد تا سر حوض بر من وارد شوند، این چنین دو انگشت (سبابه) خود را به هم چسبانید پهنای آن حوض به مسافت میان صنعاء تا ایلة است و به عدد ستارگان جام های سیمین و زرین دارد. (2)

حدیث 33: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو

ص: 98

1- [1] الكافي ج 1 ص 209 بَابُ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ ص مِنَ الْكُوفِ مَعَ الْأَيْمَةِ ح 5

2- [1] الكافي ج 1 ص 209 بَابُ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ ص مِنَ الْكُوفِ مَعَ الْأَيْمَةِ ح 6

جَعَفَرٍ (عليه السلام) وَإِنَّ الرُّوحَ وَ الرَّاحَةَ وَ الفَلَجَ وَ العُونَ وَ النَّجَاحَ وَ البِرْكََةَ وَ الكِرَامَةَ وَ المَغْفِرَةَ وَ المُعَافَاةَ وَ اليُسْرَةَ وَ البُشْرَى وَ الرِّضْوَانَ وَ القُرْبَ وَ النَّصْرَةَ وَ التَّمَكُّنَ وَ الرَّجَاءَ وَ المَحَبَّةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَنْ تَوَلَّى عَلِيًّا (عليه السلام) وَ انْتَمَّ بِهِ وَ بَرِيَ مِنْ عَدُوِّهِ وَ سَلَّمَ لِقَضَائِهِ وَ لِأَوْصِيَاءِهِ مِنْ بَعْدِهِ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُدْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي وَ حَقُّ عَلَى رَبِّي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يَسْتَجِيبَ لِي فِيهِمْ فَإِنَّهُمْ أَتْبَاعِي وَ مَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي.

حدیث 33: امام باقر (علیه السلام) (از قول پیغمبر (صلی الله علیه و آله) چنان که مجلسی گوید) فرمود: همانا نسیم رحمت و آسودگی و پیروزی و کمک و کامیابی و برکت و بزرگواری و آمرزش و ایمنی و توانگری و مزده و رضوان و تقرب و یاری و توانائی و امید و دوستی خدای عز و جل، برای کسی است که علی (علیه السلام) را دوست بدارد. و اطاعتش کند و از دشمنش بیزاری جوید و به فضیلت او و جانسینانش معترف باشد، بر من است که ایشان را در شفاعتم در آورم و بر پروردگار من است که شفاعت مرا نسبت به ایشان بپذیرد، زیرا آنها پیرو منند و هر که پیروی من کند از آن من است. (1) ائمه اطهار پرچم هدایت

حدیث 34: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): نَحْنُ رَايَةُ الْحَقِّ الَّتِي مَنْ تَبِعَهَا نَجَا وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا هَوَى وَ نَحْنُ أئِمَّةُ الدِّينِ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ نَحْنُ مَعْدِنُ التُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَ إِلَيْنَا تَخْتَلِفُ الْمَلَائِكَةُ وَ نَحْنُ سِرَاجٌ لِمَنْ اسْتَضَاءَ وَ السَّبِيلُ لِمَنْ اهْتَدَى وَ نَحْنُ الْفَادَةُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ نَحْنُ الْجُسُورُ وَ الْقَنَاطِرُ وَ نَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ وَ بِنَا يَنْزِلُ الْعَيْثُ وَ بِنَا يَنْزِلُ الرَّحْمَةُ وَ بِنَا يُدْفَعُ الْعَذَابُ وَ

ص: 99

النِّقْمَةُ فَمَنْ سَمِعَ هَذَا الْهُدَى فَلْيَتَّقِدْ فِي قَلْبِهِ حُبَّنَا فَإِنْ وَجَدَ فِيهِ الْبُغْضَ لَنَا وَالْإِنْكَارَ لِفَضْلِنَا فَقَدْ ضَلَّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ.

حدیث 34: امام صادق (علیه السلام): ما همان پرچم حقی هستیم که هر که پیرو آن باشد نجات یافته و کسی که از آن تخلف ورزد گمراه می گردد ما معدن نبوت، محل و موضع رسالتیم. فرشتگان به سوی ما رفت و آمد می نمایند باران به واسطه ما می بارد، رحمت به وسیله ما فرود می آید، و عذاب و نعمت به واسطه ما دفع می شود. هر که این هدایت را شنید در دلش در جستجوی محبت ما باشد، اگر در آن دشمنی ما و انکار فضایل ما را بیابد از راه راست منحرف شده. (1)

حدیث 35: قَالَ عَلِيٌّ (علیه السلام):.... وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا وَبِحُكْمِ اللَّهِ حَكَمْنَا وَمِنْ قَوْلِ صَادِقٍ سَمِعْنَا فَإِنْ تَبِعُوا آثَارَنَا تَهْتَدُوا بِبَصَائِرِنَا وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا يَهْلِكْكُمْ اللَّهُ بِأَيْدِينَا مَعَنَا رَأْيَةُ الْحَقِّ مَنْ تَبِعَهَا لِحَقٍّ وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا غَرِقَ

حدیث 35: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حدیثی بسیار زیبا و پرمعنا فرمودند: آگاه باشید! ما خاندانی هستیم که علم ما از علم خدا، و حکم ما به حکم خداست، اگر پیروی کنید اعمال و آثار ما را، به بنیابی ما هدایت شده، و اگر پیروی نکردید، خدا شما را نابود کند، با ماست پرچم و نشانه حق. آن کسی که پیروی ما کند به ما می پیوندد و کسی که با ما مخالفت ورزد هلاک می شود. (2)

حدیث 36: أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَبْوَابُ نِعَمِ اللَّهِ الَّتِي فَتَحَهَا عَلَيَّ بَرِّيَّةً وَالْأَعْلَامُ الَّتِي فَطَرَهَا لِإِرْشَادِ خَلِيقَتِهِ

حدیث 36: در زیارت اهل بیت (علیهم السلام) می خوانیم: شهادت می دهم که شما پرچم هائی هستید که خداوند برای هدایت مخلوقات خلق نموده (3)

ص: 100

- 1- . مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام ص 76 فصل [بركات آل محمد عليهم السلام على الخلائق].
- 2- . الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ج 1 ص 240 باب كلامه ع في الدعاء إلى نفسه و التعريض بظالمه ح 1
- 3- . بحار الأنوار: ج 97 ص 207 باب 6 زيارة الأئمة بالبقيع ح 8.

حدیث 37: قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام): مَعَنَا رَايَةُ الْحَقِّ مَنْ تَبِعَهَا لِحَقِّ وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا غَرِقَ أَلَا وَ بِنَا يُدْرِكُ تِرَةً كُلُّ مُؤْمِنٍ وَ بِنَا تُخْلَعُ رِبْقَةُ الدَّلِّ عَنْ أَعْنَاقِكُمْ وَ بِنَا فُتِحَ لَا بِكُمْ وَ بِنَا يُخْتَمُ لَا بِكُمْ.

حدیث 37: امام صادق (علیه السلام): از پدران بزرگوارش: پرچم حق همراه ماست، هرکه در پی آن آید (به س-اح-ل-ن-ج-ات) رس-د و هرکه از آن عقب ماند هلاک گردد، بدانید به وسیله ما انتقام خون هر م-و منی گرفته شود و به وسیله ما طوق خواری از گردن هایتان برداشته شود و به وسیله ما ب-اب-ف-ت-ح-گ-ش-وده شده و به وسیله ماست که درها مهر و بسته می شود نه به وسیله شما. (1)

امام راهنمای امت

حدیث 38: قَالَ عَلِيُّ (علیه السلام): اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ.... يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ.... أَوْلِيَاكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ حدیث 38: امیرالمومنین (علیه السلام) در حدیثی زیبا و پر معنا فرمودند: زمین از کسی که با حجت برای خدا قیام کند خالی نمی ماند یا ظاهر و مشهور است و یا غائب... خداوند به واسطه آنان حجت ها و دلائل آشکارش را حفظ می کند... آنان خلفای خدا در زمین اند و داعیان به دین خدایند.

حدیث 39: قَالَ الرُّضَا (علیه السلام): الْإِمَامُ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ رَاعٍ لَا يَنْكُلُ مَعْدِنُ الْقُدْسِ وَ الطَّهَارَةِ وَ التُّسْكِ وَ الرِّهَادَةِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعِبَادَةِ

ص: 101

1- . الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ج 1 ص 240 باب كلامه ع في الدعاء إلى نفسه و التعريض بظالمه ح 1

حدیث 39: امام رضا(علیه السلام) در حدیثی فرمودند: امام عالمی است که جهل در او راه نداشته و راهبر و نگهبانی است که سستی و ترس بر او عارض نمی گردد، او معدن قداست، طهارت، عبادت، زهد و علم به شمار می رود.(1)

حدیث 40: قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): فَبَعَثَ فِيهِمْ

رُسُلَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ.... وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ

حدیث 40: آقا امیرالمومنین(علیه السلام) در حدیثی زیبا و پرمعنا فرمودند: پس رسولان خویش را در میان آنان مبعوث کرد و پیامبران را پی در پی فرستاد تا... گنج های عقل ها را برای آنان بیرون آورند.(2)

پیروی از ایشان عامل نجات از ضلالت

حدیث 41: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ بَعْضِ رَفَعَةَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: ... لَا يَهْتَدِي هَادٍ مِنْ صَدَّ لَالَةٍ إِلَّا بِهِمْ حَدِيث 41: امام صادق(علیه السلام): هیچ هدایت شونده ای از ضلالت و گمراهی نجات نیافته مگر به سبب ایشان (اهل بیت(علیهم اسلام)).(3)

همراهی با ایشان موجب رستگاری

حدیث 42: اللَّازِمُ لَكُمْ لَأَحِقَّ... وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَارَزَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ

ص: 102

1- . الامالی للصدوق مجلس 97 ح 1

2- . نهج البلاغه للصبحی صالح ص 43 خطبه 1 اختیار الأنبياء

3- . بصائر الدرجات: ج 1 ص 220 باب 9 باب في الأئمة ع أنه جرى لهم ما جرى لرسول الله و أنهم أمناء الله على خلقه و أركان الأرض و أمناء الله على ما هبط من علم أو عذر أو نذر و الحجة البالغة على ما في الأرض و أنهم قد أعطوا علم المنايا و البلايا و الوصايا و فصل الخطاب و العصا و الميسم ح 2.

حدیث 42: در زیارت جامعه کبیره آمده است: کسی که با شما اهل بیت (علیهم السلام) همراه باشد به شما پیوسته، و هر که از شما جدا شود گمراه می گردد و هر که نیز به شما متمسک شود به رستگاری می رسد. (1)

اطاعت از امام (علیه السلام) موجب نجات

حدیث 43: أَبِي رِه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَكَانَ مَرِيضًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عِيْسَى بْنِ السَّرِيِّ الْيَسْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنَّا الْإِمَامُ الْمَقْرُوضُ طَاعَتُهُ مَن جَحَدَهُ مَاتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا وَاللَّهِ مَا تَرَكَ الْأَرْضُ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ حُجَّةً عَلَى الْعِبَادِ مَن تَرَكَهُ هَلَكَ وَ مَن لَزِمَهُ نَجَا حَقًّا عَلَى اللَّهِ.

حدیث 43: امام صادق (علیه السلام) در روایتی روشنگرانه فرمودند: امامی که اطاعتش فرض است از ماست. کسی که او را انکار کند یهودی یا نصرانی می میرد، سوگند به خدا، زمین از زمانی که آدم (علیه السلام) را قبض روح کرده است از امامی که به سوی خدا هدایت کند خالی نشده. امامی که حجت خدا بر بندگانشست و کسی که او را ترک کند هلاک می شود و کسی که ملازم او باشد نجات می یابد. (2)

حدیث 44: أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: ... كُنَّا

فِي أَيَّامِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) بِمَرْوٍ فَاجْتَمَعْنَا فِي مَسْجِدِ جَامِعِهَا فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ فِي بَدءِ مَقْدَمِنَا فَأَذَارَ النَّاسُ أَمْرَ الْإِمَامَةِ وَ ذَكَرُوا كَثْرَةَ

ص: 103

1- . من لا يحضره الفقيه: زيارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأَيْمَةِ ع ج 2 ص 612 .

2- . ثواب الاعمال ص 205 باب عقاب من مات لا يعرف إمامه ح 2،

اِخْتِلَافِ النَّاسِ فِيهَا فَدَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ الرَّضَا (عليه السلام) فَأَعْلَمْتُهُ مَا خَاصَ النَّاسُ فِيهِ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ: ...الإمام كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ
لِلْعَالَمِ.... الإمام

الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَ السَّرَاجُ الزَّاهِرُ وَ النَّوْرُ السَّاطِعُ وَ النَّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَاهِبِ الدُّجَى وَ الْبَلَدِ الْفِقَارِ وَ لُجْجِ الْبِحَارِ

وَ الدَّلَالُ عَلَى الْهُدَى وَ الْمُنْجِي مِنَ الرَّدَى... وَ الدَّلِيلُ فِي الْمَهَالِكِ مَنْ فَارَقَهُ فَهَالِكٌ

حدیث 44: امام رضا(علیه السلام) در ضمن حدیثی مفصل و بسیار زیبا فرمودند: امام(علیه السلام) چون خورشید تابان است برای عالم... امام ماه درخشان و چراغ روشن کننده و نوری تابنده و ستاره ای هدایت کننده در تاریکی های وحشت زا و بیابان های بی آب و علف و دریا های ژرف.... و راهنمای راه هدایت و نجات بخش از بدبختی است... امام راهنمای در مهلکه هاست هر آن که از او جدا شود، هلاک گردد. (1)

آری بدرستی که هر که از امام(علیه السلام) اطاعت کند نجات یافته و هر که پیروی از او را ترک کند هلاک می گردد. هدایت کنندگان امت

حدیث 45: أَبِي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (عليه السلام) أَسْأَلُهُ عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَكَتَبَ إِلَيَّ الْجَوَابَ: ... مَنْ فَارَقَنَا هَلَكَ وَ مَنْ تَبِعَنَا نَجَا..... نَحْنُ نُورٌ لِمَنْ

تَبِعَنَا وَ هُدَى لِمَنْ اهْتَدَى بِنَا

حدیث 45: امام رضا(علیه السلام) در حدیثی بسیار زیبا فرمودند: ... عبد الله بن جندب گفت برای حضرت رضا(علیه السلام) نوشتم این آیه را تفسیر فرمایید «اللَّهُ نُورٌ

ص: 104

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» در جواب من نوشت: ...هر که از ما جدا شود هلاک می گردد، و هر که پیرو ما باشد نجات می یابد... ما برای کسی که از ما پیروی کند روشنایی هستیم و برای کسی که به وسیله ما راه بجوید مایه راهنمایی. (1)

حدیث 46: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَّهُ وَلَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ وَلَنْ تَمَسَّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي بَدَّهَ فَالْتَمِسُوا ذَلِكَ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ فَإِنَّهُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ وَمَوْتُ الْجَهْلِ هُمْ الَّذِينَ يُخْبِرُكُمْ حُكْمَهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ وَصَمْتُهُمْ عَنْ مَنْطِقِهِمْ وَظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ لَا يُخَالِفُونَ الدِّينَ وَلَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَهُوَ بَيْنَهُمْ شَاهِدٌ صَادِقٌ وَصَامِتٌ نَاطِقٌ.

حدیث 46: امیرالمؤمنین (علیه السلام): بدانید که شما هرگز راه رستگاری را نخواهید یافت تا کسی که آن را رها کرده بشناسید و هرگز به پیمان قرآن وفا نمی کنید تا کسی که پیمانش را شکسته بشناسید و هرگز به قرآن چنگ نمی زنید تا کسی که آن را به دور انداخته بشناسید و این همه را از اهل قرآن بخوانید که دانش به آن ها زنده و نادانی با وجود آن ها مرده آنان که داوری شان شما را از دانش آنان خبر می دهد و سکوتشان از سخنشان و برونشان از درونشان، نه با دین مخالفتی ورزیده و نه در آن اختلافی دارند دین در میان آنان گواهی راستین و خاموشی گویاست. (2)

حدیث 47: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): مَعَنَا رَايَةُ الْحَقِّ مَنْ تَبِعَهَا لِحَقِّ وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا غَرِقَ أَلَا وَبِنَا يُدْرِكُ تِرَةً كُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِنَا تُخْلَعُ رِبْقَةُ الدُّلِّ عَنْ أَعْنَاقِكُمْ وَبِنَا

فُتِحَ لَا بِكُمْ وَبِنَا يُحْتَمُّ لَا بِكُمْ.

حدیث 47: امام صادق (علیه السلام): از پدران بزرگوارش: پرچم حق همراه ماست، هرکه در پی آن آید (به س-اح-ل-ن-ج-ات) رس-د و هرکه از آن عقب ماند هلاک

ص: 105

1- . تفسیر القمی ج 2 ص 104 [سورة النور(24): الآيات 35 الى 38]

2- . نهج البلاغه: للصبحی صالح ص 205 خطبه 147 عظة الناس

گردد، بدانید به وسیله ما انتقام خون هر م-ؤمنی گرفته شود و به وسیله ما طوق خواری از گردن هایتان برداشته شود و به وسیله ما ب-اب ف-ت-ح گ-ش-وده شده و به

وسیله ماست که درها مهر و بسته می شود نه به وسیله شما. (1)

حدیث 48: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ الْمَكِّيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)... وَهُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي مَنْ تَبِعَهُمْ نَجَا مِنَ النَّارِ وَ مَنْ افْتَدَى بِهِمْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

حدیث 48: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): در بیان جایگاه امامان فرمودند: آنان درهای علمند در میان امت هر که از آنان پیروی کند از آتش نجات می یابد و هر که به آن ها اقتدا کند به راه راست رهنمون شود. (2) حدیث 49: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): انظروا أهل بيت نبيكم فالزموا سمتهم و اتبعوا أثرهم فلن يخرجوكم من هدى و لن يعيدوكم في ردى فإن لبذوا فالبدوا وإن نهضوا فانهضوا...

حدیث 49: امیرالمؤمنین (علیه السلام): به اهل بیت پیامبرتان بنگرید، راه ایشان را در پیش گرفته و ردپای آنان را دنبال کنید که، هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و هیچ گاه به نابودیتان باز نمی گردانند. (3)

حدیث 50: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام):...أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ

ص: 106

1- . الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ج 1 ص 240 كلامه ع في الدعاء إلى نفسه و التعريض بظالمه ح 1

2- . الأمل للمال للصدوق: مجلس 6 ح 5.

3- . نهج البلاغه: ص 143 خطبه 97 أصحاب رسول الله.

حدیث 50: امیرالمؤمنین (علیه السلام): در خطاب به عثمان بن حنیف فرمودند: هان ای عثمان! به راستی که هر پیروی را پیشوایی است که از او پیروی می نماید و از نور دانش او روشنی می جوید. (1)

حدیث 51: قَالَ عَلِيٌّ (علیه السلام): ... وَ افْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ وَ اسْتَتُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ

حدیث 51: امیرالمؤمنین (علیه السلام): به هدایت پیامبرتان اقتدا کنید که آن برترین هدایت است و به سنت او عمل کنید که آن هدایت کننده ترین سنت هاست. (2)

ائمه اطهار ستارگان هدایت

حدیث 52:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ اسْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلَ الْهَيْثَمُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام)

(السلام) وَ أَنَا عَزَمْتُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ عِلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) النَّجْمُ وَ الْعِلَامَاتُ هُمُ الْأَيْمَةُ (عليهم السلام)*

حدیث 52: هیشم از امام صادق (علیه السلام) راجع به قول خدای عز و جل «وَ عِلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (3) و علاماتی گذاشت و به وسیله ستاره هدایت شوند پرسید، امام (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ستاره است و علامات ائمه اند. (4)

حدیث 53: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا (علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «وَ عِلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (5) قَالَ نَحْنُ الْعِلَامَاتُ وَ النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)*.

ص: 107

1- . نهج البلاغه نامه 45. للصبحی صالح

2- . نهج البلاغه: للصبحی صالح ص 163 خطبه 110 الإسلام.

3- . النحل آیه 16

4- . الکافی ج 1 ص 207 کتاب الحجة بَابُ أَنَّ الْأَيْمَةَ هُمْ الْعِلَامَاتُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ ح 2

5- . النحل آیه 16

حدیث 53: و شاء می گوید: از حضرت رضا (علیه السلام) راجع به قول خدای تعالی «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» و علاماتی گذاشت و به وسیله ستاره هدایت شوند پرسیدم فرمود: ما هستیم علامت و ستاره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. (1)

ائمه اطهار بشیر و نذیر حدیث 54: «وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» قَالَ مَنْ بَلَغَ هُوَ الْإِمَامُ قَالَ مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله) يُنذِرُ وَإِنَّا نُنذِرُ كَمَا أَنْذَرَ بِهِ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله)

حدیث 54: درباره آیه شریفه «وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» از امام صادق (علیه السلام) سوال شد: امام (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ بَلَغَ» همان امام (علیه السلام) است سپس فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مردم را متوجه می کند و می ترساند ما نیز می ترسانیم، مانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (2)

حدیث سفینه

حدیث 55: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله): مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ.

حدیث 55: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مَثَلِ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ، مَثَلِ كَشْتِي نُوحٍ (علیه السلام) است، که هر که سوار شد (پیروی از آن ها کرد) نجات یافت، و هر که تخلف کرد هلاک شد. (3)

حدیث 56: وَبِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا رُجَّ فِي النَّارِ.

ص: 108

-
- 1- . الكافي ج 1 ص 207 كتاب الحجة باب أن الأئمة ع هم العلامات التي ذكرها الله عز وجل في كتابه ح 3
 - 2- . [1] تفسير القمي ج 1 ص 195 [سورة الأنعام (6): الآيات 1 الى 44] ص : 193
 - 3- . تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص 85 الفصل الخامس في الدين قواعد الدين ح 1399

حدیث 56: و به همین اسناد از آن حضرت روایت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: مَثَلِ اهل بیت من در بین شما مَثَلِ کشتی نوح است که هر که در آن در آمد نجات یافت و هر که تخلف نمود در آب غرق و در آتش پرت شد. (1) حدیث ثقلین

حدیث 57: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله): فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ يَوْمَ قَبْضِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ قَدْ عَاهَدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ وَجَمَعَ بَيْنَ مُسَبِّحَتَيْهِ وَ لَا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ

الْمُسَبِّحَةِ وَ الْوَسْطَى فَتَسْبِقُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى

فَتَمَسَّكُوا

بِهِمَا لَا تَزَلُوا وَ لَا تَضِلُّوا وَ لَا تَقْدَمُوهُمْ فَتَضِلُّوا.

حدیث 57: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): در آخرین خطبه اش روزی که خدای عزوجل قبض روحش فرمود (و او را به نزد خودش برد) فرمود: من همانا دو چیز در میان شما می گذارم که پس از من هرگز گمراه نشوید تا مادامی که به آن دو چنگ زنید: کتاب خدا، و عترتم که اهل بیت (علیهم السلام) (و خاندان) منند زیرا خدای لطیف و خبیر به من خبر داده که آن دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند، مانند این دو (انگشت که با هم برابرند) و دو (انگشت سبابه خود را به هم چسبانند و نمی گویم مانند این دو انگشت، و انگشت سبابه و وسطی را به هم چسبانند. (یعنی با هم برابرند و این طور نیست) که یکی بر دیگری پیش باشد (و جلو افتد) پس به هر دوی اینها چنگ زنید تا نلغزید و گمراه نشوید، و برایشان جلو نیفتید که گمراه شوید. (2)

ص: 109

1- [3] عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 2 ص 27 باب 31 باب فیما جاء عن الرضا عن الأخبار المجموعه ح 10

2- . الکافی ج 2 ص 415. بَابُ أَدْنَى مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا أَوْ كَافِرًا أَوْ ضَالًّا

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلِيمَانَ قَالَ: قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَام):... فَوَاللَّهِ مَا يُوجَدُ الْعِلْمُ إِلَّا هَاهُنَا وَكَانَ يَقُولُ مِحْنَةُ النَّاسِ عَلَيْنَا عَظِيمَةٌ إِنْ دَعَوْنَاهُمْ لَمْ يُجِيبُونَا وَإِنْ تَرَكْنَاهُمْ لَمْ يَهْتَدُوا بِغَيْرِنَا

حدیث 58: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به خدا سوگند که علم جز در این خاندان یافت نشود. و پیوسته آن جناب می فرمود: رنج مردم برای ما زیاد است اگر دعوتشان کنیم نمی پذیرند و اگر رها نمایم آنها را هدایت نمی یابند جز به وسیله ما. (1)

حدیث 59: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْأَرْدِيُّ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بَلِيَّةُ النَّاسِ عَظِيمَةٌ إِنْ دَعَوْنَاهُمْ لَمْ يُجِيبُونَا وَإِنْ تَرَكْنَاهُمْ لَمْ يَهْتَدُوا بِغَيْرِنَا.

حدیث 59: حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: گرفتاری مردم زیاد است اگر آنها را دعوت کنیم نمی پذیرند و اگر رها کنیم جز به وسیله ما هدایت نمی یابند. (2)

ص: 110

-
- 1- [1] الإحتجاج على أهل اللجاج للطبرسي ج 2 ص 331 احتجاج أبي جعفر محمد بن علي الباقر في شيء مما يتعلق بالأصول و الفروع حدیث الاخر
 - 2- . الأماالي للصدوق ص 609 المجلس التاسع و الثمانون ح 4

«فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (1) اما کسانی که در دل هایشان کجی و انحراف است از متشابهات قرآن پیروی می کنند برای فتنه جوئی و طلب تاویل آن، با آن که تاویل آن را کسی جز خدا و راسخان در علم نمی دانند.

حدیث 1: تفسیر الإمام (علیه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): ... وَمَنْ طَلَبَ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ (القرآن) أَضَلَّهُ اللَّهُ

حدیث 1: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: هر که هدایت را در غیر قرآن بجوید، خدا او را گمراه فرماید (و به خود واگذارد) (2)

حدیث 2: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّاهُ: مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي ...*

حدیث 2: خداوند متعال در حدیثی قدسی فرموده است: کسی که کلام مرا به رای خود تفسیر کند به من ایمان نیاورده... (3)

حدیث 3: وَ فِي الْخِصَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مَا جِيلَوْنِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدِنَانَ عَنْ مُفَضَّلٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمْرَةَ قَالَ: ... قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَعَنَ اللَّهُ الْمُجَادِلِينَ فِي دِينِ اللَّهِ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَمَنْ جَادَلَ فِي آيَاتِ اللَّهِ

ص: 112

1- [1] آل عمران آية 7

2- التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه ص 450 باب في فضائل القرآن، و فضل تعلمه و تعليمه ح 297

3- التوحيد ص 68 باب 2 التوحيد و نفي التشبيه ح 23، الأمالي (للصدوق) ص 6 المجلس الثاني ح 3

كَفَرَ قَالَ اللَّهُ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ حَدِيث 3: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی روشنگرانه فرمودند: ... کسی که قرآن را به رای خود تفسیر کند، بر خدا افترا و دروغ بسته است. (1)

حدیث 4: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ: قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ... وَ نَحْنُ فَلَيْسَ يَعْلَمُهُ غَيْرَنَا*

حدیث 4:

امام باقر (علیه السلام): ... علم قرآن را کسی غیر از ما نمی داند (2)

حدیث 5: نهج البلاغة مِنْ وَصِيَّتِهِ لَا بِنِ عَبَّاسٍ لَمَّا بَعَثَهُ لِإِحْتِجَاجِ عَلِيِّ الْخَوَارِجِ لَا تُخَاصِمُهُم بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وَجْهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ وَ لَكِنْ حَاجَّهُم بِالسُّنَّةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصًا.

حدیث 5: امیرالمومنین (علیه السلام) خطاب به ابن عباس زمانی که او را به سوی خوارج فرستاد فرمود: با آیات قرآن مباحثه نکن که قرآن تاب معانی مختلف و امکان تفاسیر گوناگون دارد، تو چیزی می گویی و آن ها چیزی دیگر، لیکن با سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با آن ها محاجه کن که در برابر آن، پاسخی نخواهند یافت. (3)

حدیث 6: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ ثَابِتِ بْنِ كِنَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ أَبُو جَعْفَرٍ الْخَزَاعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعُرَيْثِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ عَنْ أَبِي يَحْيَى عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ الْقُرْآنَ وَ هُوَ الَّذِي مَنْ خَالَفَهُ ضَلَّ وَ مَنْ ابْتَغَىٰ عِلْمَهُ عِنْدَ غَيْرِ عَلِيِّ هَلَكَ

ص: 113

- 1- . کمال الدین و تمام النعمة ج 1 ص 256 باب 24 باب ما روي عن النبي ص في النص على القائم وأنه الثاني عشر من الأئمة ح 1
- 2- . تفسير القمي ج 2 ص 425 باب 92 سُورَةُ اللَّيْلِ مَكِّيَّةٌ آيَاتُهَا إِحْدَى وَعِشْرُونَ 21، وسائل الشيعة ج 27 ص 205 باب 13 باب عدم جواز استنباط الأحكام النظرية من ظواهر القرآن إلا بعد معرفة تفسيرها من الأئمة ح 33611-80
- 3- . نهج البلاغة (للصبي صالح) ص 465 رسائل أمير المؤمنين عليه السلام باب 77 و من وصية له ع لعبد الله بن العباس [أيضا] لما بعثه للاحتجاج على الخوارج

حدیث 6: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی زیبا و پر معنا فرمودند: ... خداوند عزوجل قرآن را بر من نازل کرد هر که از قرآن تخلف کند گمراه شده و هر که علم قرآن را از غیر علی (علیه السلام) بجوید هلاک می گردد (1)

حدیث 7: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْبُغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ ثَابِتِ بْنِ كِنَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ أَبُو جَعْفَرٍ الْخُرَاعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعُرَيْبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ عَنْ أَبِي يَحْيَى عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: صَدَّ عِدَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْمُنْبَرَّ فَخَطَبَ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَقَالَ: ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ الْقُرْآنَ وَعَلَيَّ سَفِيرُهُ فَمَنْ خَالَفَ الْقُرْآنَ ضَلَّ وَمَنْ تَبَعَ غَيْرَ عَلَيَّ ذَلَّ ...

حدیث 7: نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) در روایتی زیبا و پر معنا فرمودند: ... خداوند قرآن را بر من نازل کرد و علی (علیه السلام) سفیر قرآن است هر که مخالف قرآن باشد گمراه شده و هر که غیر علی (علیه السلام) را پیروی کند خوار می گردد (2)

حدیث 8: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: ... فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَيْحَكَ يَا قَتَادَةَ إِنَّ كُنْتَ إِنَّمَا فَسَّرْتَ الْقُرْآنَ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِكَ فَقَدْ هَلَكْتَ وَأَهْلَكْتَ وَإِنْ كُنْتَ قَدْ أَخَذْتَهُ مِنَ الرَّجَالِ فَقَدْ هَلَكْتَ وَأَهْلَكْتَ وَيْحَكَ *

حدیث 8: امام باقر (علیه السلام) خطاب به قتاده، درباره اهمیت مراجعه به اهل علم برای تفسیر قرآن فرمود: وای بر تو اگر قرآن را از جانب خود تفسیر کنی، هلاک شده و دیگران را نیز هلاک ساخته ای، و اگر از قول مردم تفسیر کنی، بازهم خود و دیگران را هلاک ساختی، قرآن را فقط کسی که مخاطب آنست، می شناسد (3)

ص: 114

1- . الأُمالي (للصدوق) ص 65 المجلس الخامس عشر ح 15 ح 11.

2- . الأُمالي (للصدوق) النص ص 64 المجلس الخامس عشر ح 11

3- . الكافي ج 8 ص 311 باب حَدِيثُ الْفُقَهَاءِ وَالْعُلَمَاءِ ح 485.

حدیث 9: ... وَعَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: ... سُئِلَ

عَنِ الْحُكُومَةِ فَقَالَ مَنْ حَكَمَ بِرَأْيِهِ بَيْنَ اثْنَيْنِ فَقَدْ كَفَرَ وَمَنْ فَسَّرَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ.

حدیث 9: امام صادق (عليه السلام) در حدیثی فرمودند: ... کسی که آیه ای از قرآن را تفسیر به رای کند قطعاً کافر شده. (1)

حدیث 10: الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ (عليه السلام)

فِي تَفْسِيرِهِ بَعْدَ كَلَامٍ طَوِيلٍ فِي فَضْلِ الْقُرْآنِ قَالَ أَتَدْرُونَ مَنْ الْمُتَمَسِّكُ بِهِ الَّذِي لَهُ بِتَمَسُّكِهِ هَذَا الشَّرْفُ الْعَظِيمُ هُوَ الَّذِي أَحَدَ الْقُرْآنَ وَتَأْوِيلَهُ عَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ عَنْ وَسَائِطِنَا السُّفْرَاءِ عَنَّا إِلَى شَيْعَتِنَا لَا عَنْ آرَاءِ الْمُجَادِلِينَ وَقِيَاسِ الْفَاسِقِينَ فَأَمَّا مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ فَإِنَّ اتِّقَى لَهُ مُصَادَفَةُ صَوَابٍ*

حدیث 10: امام عسکری (عليه السلام): ... آیا می دانید چه کسی به قرآن چنگ می زند؟ و چه کسی این فضیلت و شرافت عظیم را برای خود رقم زده؟ او کسی است که قرآن و تاویل آن را از ما اخذ کند و یا از کسی که واسطه و نماینده ماست و از ما یادگرفته و نقل می نماید، نه آن کسی که از رای و فکر اهل جدال و قیاس اخذ کند. (2)

حدیث 11: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْحَافِظِ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ ثَابِتِ بْنِ كِنَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ أَبُو جَعْفَرٍ الْخَزَاعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعُرَيْبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ عَنْ عَنَعَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ عَنْ أَبِي يَحْيَى عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ الْقُرْآنَ وَهُوَ الَّذِي مَنْ خَالَفَهُ ضَلَّ وَمَنْ ابْتَغَى عِلْمَهُ عِنْدَ غَيْرِ عَلِيٍّ هَلَكَ... وَمَنْ

أَكْرَمَهُمْ أَكْرَمَنِي وَمَنْ نَصَرَهُمْ نَصَرَنِي وَمَنْ خَدَلَهُمْ خَدَلَنِي وَمَنْ

ص: 115

1- . وسائل الشيعه ج 27 ص 203 باب 13 بَابُ عَدَمِ جَوَازِ اسْتِنْبَاطِ الْأَحْكَامِ النَّظَرِيَّةِ مِنْ ظَوَاهِرِ الْقُرْآنِ إِلَّا بَعْدَ مَعْرِفَةِ تَفْسِيرِ يَرَهَا مِنَ الْأَيْمَةِ ح 33598

2- . وسائل الشيعه ج 27 ص 201 باب 13 بَابُ عَدَمِ جَوَازِ اسْتِنْبَاطِ الْأَحْكَامِ النَّظَرِيَّةِ مِنْ ظَوَاهِرِ الْقُرْآنِ إِلَّا بَعْدَ مَعْرِفَةِ تَفْسِيرِ يَرَهَا مِنَ الْأَيْمَةِ ح 63، التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 14 فضل القرآن.

حدیث 11: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): به درستی که خداوند قرآن را بر من نازل نمود و علی (علیه السلام) کسی است که هر که مخالفت او نماید در گمراهی واقع شده و کسی که علم قرآن را از غیر علی (علیه السلام) طلب کند، هلاک شده، تا آنجا که بعد از مدح اهل بیت (علیهم اسلام) خود فرمودند: کسی که اکرام کند آنان را مرا اکرام کرده و کسی که یاری کند ایشان را، مرا یاری نموده و کسی که ترک کند آنان را مرا ترک کرده و کسی که طلب کند هدایت را در غیر آنان، پس به تحقیق مرا تکذیب نموده... (1)

حدیث 12: أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي نَاطَرْتُ قَوْمًا فَقُلْتُ أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ هُوَ الْحُجَّةُ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ فَحِينَ ذَهَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ كَمَا أَنَّ الْحُجَّةَ مِنْ بَعْدِهِ فَقَالُوا الْقُرْآنُ فَنَظَرْتُ فِي الْقُرْآنِ فَإِذَا هُوَ يُخَاصِمُ فِيهِ الْمُرْجِيُّ وَالْحَرُورِيُّ وَالرُّنْدِيقِيُّ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ حَتَّى يَغْلِبَ الرَّجُلُ خِصْمَهُ فَعَرَفْتُ أَنَّ الْقُرْآنَ لَا يَكُونُ حُجَّةً إِلَّا بِقِيَمٍ مَا قَالَ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ كَانَ حَقًّا قُلْتُ فَمَنْ قِيَمَ الْقُرْآنَ قَالُوا قَدْ كَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ يَعْلَمُ قُلْتُ كُلُّهُ قَالُوا لَا فَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا يُقَالُ إِنَّهُ يَعْرِفُ ذَلِكَ كُلَّهُ إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَإِذَا كَانَ الشَّيْءُ بَيْنَ الْقَوْمِ وَقَالَ هَذَا لَا أُدْرِي وَقَالَ هَذَا لَا أُدْرِي وَقَالَ هَذَا لَا أُدْرِي وَقَالَ هَذَا لَا أُدْرِي فَأَشَّهْتُ أَنْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَانَ قِيَمَ الْقُرْآنِ وَكَانَتْ طَاعَتُهُ مَفْرُوضَةً وَكَانَ حُجَّةً بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلَى النَّاسِ كُلِّهِمْ وَأَنَّهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَا قَالَ فِي الْقُرْآنِ فَهُوَ حَقٌّ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَقُلْتُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَمْ يَذْهَبْ حَتَّى تَرَكَ حُجَّةً مِنْ بَعْدِهِ كَمَا تَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حُجَّةً مِنْ بَعْدِهِ وَإِنَّ الْحُجَّةَ مِنْ بَعْدِ عَلِيٍّ

ص: 116

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ أَشْهَدُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنَّهُ كَانَ الْحُجَّةَ وَ أَنَّ طَاعَتَهُ مُفْتَرَضَةٌ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ اللَّهُ هَدَى عَلِيَّ (عليه السلام) أَنَّهُ لَمْ يَذْهَبْ حَتَّى تَرَكَ حُجَّةً مِنْ بَعْدِهِ كَمَا تَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ أَبُوهُ وَ أَنَّ الْحُجَّةَ بَعْدَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ كَانَتْ طَاعَتُهُ مُفْتَرَضَةً فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ وَ أَشْهَدُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنَّهُ لَمْ يَذْهَبْ حَتَّى تَرَكَ حُجَّةً مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْحُجَّةَ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَ كَانَتْ طَاعَتُهُ مُفْتَرَضَةً فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ (عليه السلام) أَنَّهُ لَمْ يَذْهَبْ حَتَّى تَرَكَ حُجَّةً مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْحُجَّةَ مِنْ بَعْدِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَ كَانَتْ طَاعَتُهُ مُفْتَرَضَةً فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَعْطِنِي رَأْسَكَ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ فَصَحَّحَكَ فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَبَاكَ (عليه السلام) لَمْ يَذْهَبْ حَتَّى تَرَكَ حُجَّةً مِنْ بَعْدِهِ كَمَا تَرَكَ أَبُوهُ فَأَشْهَدُ بِأَنَّكَ أَنْتَ الْحُجَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ طَاعَتَكَ

مُفْتَرَضَةٌ فَقَالَ كَفَّ رَحِمَكَ اللَّهُ قُلْتُ أَعْطِنِي رَأْسَكَ أَقْبَلُهُ فَصَحَّحَكَ قَالَ سَلْنِي عَمَّا سِئْتَ فَلَا تُنْكِرْكَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَدًا *

حدیث 12: صفوان بن یحیی از ابن حازم نقل کرد: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: من با چند نفر مناظره کرده به آنها گفتم: مگر شما نمی گوئید پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) حجت خدا در میان مردم است وقتی پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) از دنیا رفت چه کسی حجت خدا است بعد از او؟ گفتند: قرآن، من دقت کردم دیدم در مورد آیات قرآن مُرَجِّه و خوارج و طبیعی مذهبان اختلاف می کنند و به بحث و انتقاد می پردازند گاهی یکی بر دیگری پیروز و گاهی همان گروه مغلوب می شود با اینکه ادعای همگی آنان باطل است، فهمیدم که قرآن نمی تواند به تنهایی حجت باشد مگر به وسیله امام و رهبری

دیگر، هر چه در قرآن فرموده است حق است (اما تشخیص معنی آن احتیاج به مفسر معصوم دارد) به آنها گفتم چه کسیرا هبر و راهنمای قرآن است. جواب دادند عبدالله بن مسعود و عمر و حذیفه از قرآن اطلاع داشتند. گفتم: به تمام قرآن وارد بودند گفتند: نه. کسی را نیافتم که بگویند همه قرآن را می داند جز علي بن ابی طالب (علیه السلام) وقتی قرآن میان آنها باشد، این یکی می گوید نمی دانم آن دیگری نیز اظهار بی اطلاعی کند سومی هم بگوید نمی دانم، چهارمی نیز وارد نباشد. آنگاه علی (علیه السلام) می گوید من می دانم پس در این صورت یقین می کنم و گواهی می دهم که رهبر خلق و راهنمای آنها علي بن ابی طالب (علیه السلام) است که نگهبان قرآن است و اطاعت از او واجب و حجت خدا است پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و هر چه او درباره قرآن بفرماید صحیح است. حضرت فرمود: خدا تو را رحمت کند. من پیشانی امام (علیه السلام) را بوسیده عرضه داشتم: علي بن ابی طالب (علیه السلام) از دنیا نرفت مگر اینکه حجتی بعد از خود به جای گذاشت مثل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که جانشین تعیین کرد و امام حسن (علیه السلام) جانشین علي (علیه السلام) است گواهی می دهم امام حسن (علیه السلام) حجت خدا و اطاعت او لازم است حضرت فرمود: خدا رحمت کند. سر مبارك امام (علیه السلام) را بوسیده عرضه داشتم: من گواهی می دهم که امام حسن (علیه السلام) از دنیا نرفت

مگر اینکه جانشینی برای خود تعیین نمود مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) و پدر بزرگوارش و حجت بعد از ایشان امام حسین (علیه السلام) است و اطاعت او لازم. حضرت فرمود: خدا رحمت کند، سر حضرت را بوسیده عرضه داشتم: گواهی می دهم که امام حسین (علیه السلام) از دنیا نرفت مگر این که حجتی قرار داد و جانشین او حضرت زین العابدین (علیه السلام) است. حضرت فرمود: خداوند تو را رحمت کند. سر حضرت را بوسیده عرضه داشتم: حضرت علي بن الحسين (علیه السلام) از دنیا نرفت مگر این که حجتی قرار داد و جانشین او حضرت باقر (علیه السلام) بوده که اطاعتش واجب است، حضرت فرمود: خداوند تو را رحمت کند. عرضه داشتم: خداوند، خیر و صلاح را

پیشاپیش شما قرار دهد، سر مبارکتان را جلو آورده تا ببوسم، سر آن جناب را بوسیده و گفتم: پدر شما از دنیا نرفت مگر اینکه شما را به جانشینی خود معین کرد و شما حجت خدا هستید و اطاعت شما لازم است. فرمود: تقیه کن، گفتم: آقا سر خود را جلو بیاورید تا آن را ببوسم امام (علیه السلام) خنده اش گرفت و فرمود: هر چه مایلی بپرس دیگر بعد از این چیزی از تو پوشیده نمی دارم و تو را از شیعیان خود می شمارم. (1)

حدیث 13: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا رَجَاءُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِهْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: قُلْتُ لِأَيِّ شَيْءٍ يُحْتَاجُ إِلَى النَّبِيِّ وَالْإِمَامِ فَقَالَ لِبِقَاءِ الْعَالَمِ عَلَى صَلاَحِهِ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْفَعُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِذَا كَانَ فِيهَا نَبِيٌّ أَوْ إِمَامٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَقَالَ النَّبِيُّ النَّجْمُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ فَإِذَا ذَهَبَتِ النَّجْمُ أَتَى أَهْلَ السَّمَاءِ مَا يَكْرَهُونَ وَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي أَتَى أَهْلَ الْأَرْضِ مَا يَكْرَهُونَ يَعْنِي بِأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيُّمَةَ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِهِ فَقَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَهُمْ الْمَعْصُومُونَ الْمُطَهَّرُونَ الَّذِينَ لَا يُذْنِبُونَ وَلَا يَعْصُونَ وَهُمْ الْمُؤَيَّدُونَ الْمُؤَقَّتُونَ الْمُسَدَّدُونَ بِهِمْ يَرْزُقُ اللَّهُ عِبَادَهُ وَبِهِمْ يَعْمُرُ بِلَادَهُ وَبِهِمْ يُنْزِلُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ وَبِهِمْ تُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ وَبِهِمْ يُمَهَّلُ أَهْلُ الْمَعَاصِي وَلَا يُعَجَّلُ عَلَيْهِمْ بِالْعُقُوبَةِ وَالْعَذَابِ لَا يُفَارِقُهُمْ رُوحُ الْقُدْسِ وَلَا يُفَارِقُونَهُ وَلَا يُفَارِقُونَ الْقُرْآنَ وَلَا يُفَارِقُهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

ص: 119

حدیث 13: جابر از حضرت باقر (علیه السلام) نقل کرد که پرسیدم به چه جهت مردم احتیاج به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام (علیه السلام) دارند. فرمود: به جهت برقراری نقشه و صلاح عالم، زیرا خداوند عذاب را از اهل زمین بر طرف می کند وقتی در میان آنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امام (علیه السلام) باشد خداوند در قرآن کریم می فرماید «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» (1) خداوند هرگز آنها را عذاب نمی کند تا وقتی تو (پیغمبر (صلی الله علیه و آله)) میان آنها باشی. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز فرمود: ستارگان سبب آرامش و آسایش اهل آسمان هستند و اهل بیت من سبب آسایش اهل زمین وقتی ستارگان از میان بروند اهل آسمان دچار ناراحتی می شوند وقتی اهل بیت من نیز از میان بروند اهل زمین دچار ناراحتی خواهند شد. منظور پیامبر (صلی الله علیه و آله) از اهل بیت ائمه (علیهم السلام) هستند که اطاعت از آنها را قرین و همراه اطاعت خود قرار داده در این آیه فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (2) ای مؤمنین! خدا و پیامبر و صاحبان امر را اطاعت کنید. آنها پیشوایان معصومی هستند که گناه و معصیت از ایشان سر نمی زند و مؤید و موفق و مورد پشتیبانی خدا هستند. به برکت آنها خدا به بندگان روزی می دهد و جهان را آباد می کند و باران از آسمان می بارد و زمین برکت های خود را خارج می کند، به واسطه آنها معصیت کاران را مهلت داده و تعجیل در کیفر و عذاب آنها نمی کند، ائمه اطهار (علیهم السلام) پیوسته مؤید به روح القدس هستند از قرآن جدا نمی شوند و قرآن از آنها جداشدنی نیست درود خدا بر تمام آنها باد. (3)

حدیث 14: مُحَمَّدٌ

بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)... وَقُلْتُ لِلنَّاسِ

تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كَانَ هُوَ الْحُجَّةَ مِنَ اللَّهِ عَلَى

خَلْقِهِ قَالُوا بَلَى قُلْتُ فَحِينَ مَضَى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

مَنْ كَانَ الْحُجَّةَ عَلَى خَلْقِهِ فَقَالُوا الْقُرْآنُ

ص: 120

1- . الانفال آية 33.

2- . النساء آية 59.

3- . علل الشرائع ج 1 ص 123 باب 103 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى النبي والإمام ح 1.

الْقُرْآنِ فَإِذَا هُوَ يُخَاصِمُ بِهِ الْمُرْجِيَّ وَالْقَدْرِيَّ وَالزُّنْدِيقَ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ بِهِ حَتَّى يَغْلِبَ الرَّجَالَ بِخُصُومَتِهِ فَعَرَفْتُ أَنَّ الْقُرْآنَ لَا يَكُونُ حُجَّةً إِلَّا بِقِيَمٍ فَمَا قَالَ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانَ حَقًّا فَقُلْتُ لَهُمْ مَنْ قِيَمَ الْقُرْآنِ قَالُوا ابْنُ مَسْعُودٍ قَدْ كَانَ يَعْلَمُ وَعُمَرُ يَعْلَمُ وَحَدِيفَةُ يَعْلَمُ قُلْتُ كُلُّهُ قَالُوا لَا فَلَمْ أَحِدْ أَحَدًا يُقَالُ إِنَّهُ يَعْرِفُ ذَلِكَ كُلَّهُ إِلَّا عَلِيًّا (عليه السلام) وَإِذَا كَانَ الشَّيْءُ بَيْنَ الْقَوْمِ فَقَالَ هَذَا لَا أَدْرِي وَقَالَ هَذَا لَا أَدْرِي وَقَالَ هَذَا لَا أَدْرِي وَقَالَ هَذَا أَنَا أَدْرِي فَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام)

كَانَ قِيَمَ الْقُرْآنِ وَكَانَتْ طَاعَتُهُ مُفْتَرَضَةً وَكَانَ الْحُجَّةَ عَلَى النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَأَنَّ مَا قَالَ فِي الْقُرْآنِ فَهُوَ حَقٌّ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ.*

حدیث 14: در ضمن یک حدیث طولانی منصور بن حازم می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم:.. روزی به مردم گفتیم: آیا می دانید که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) حجت بر خلق بود؟ گفتند: آری گفتیم: بعد از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) حجت خدا بر خلق کیست؟ گفتند: قرآن، گفتیم: من به قرآن که نگاه می کنم می بینم که مرجئه و قدریه و... با قرآن احتجاج کرده و بر دیگران غلبه می کنند. پس فهمیدم که قرآن در حجیتش نیاز به قیَم (سرپرستی که آن را طبق واقع و حقیقت تفسیر کند) دارد تا هرچه درباره آن گفت حق باشد. (زیرا قرآن ظاهر و باطنی دارد و تنها کسی که احاطه کامل به قرآن دارد و علم الهی به او عطا شده می تواند حقایق قرآنی را بدون خطا و گمراهی از آن استخراج کند) پس به آنها گفتیم: قیَم قرآن کیست؟ گفتند: ابن مسعود قرآن را می دانست و عمر و حدیفه هم می دانستند. گفتیم: آیا همه قرآن را می دانستند؟ گفتند: خیر. پس من کسی را نیافتم که بگویند او همه قرآن را می داند جز علی (علیه السلام). زیرا هرگاه میان قومی مشکلی پیش می آمد این یکی می گفت: من نمی دانم. و آن یکی هم می گفت: من نمی دانم. و آن سومی هم می گفت: من نمی دانم،

و تنها علی (علیه السلام) بود که می گفت: من می دانم. پس گواهی می دهم که علی قیّم قرآن است و طاعتش بر همه واجب است. و او، بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حجت بر مردم است و هر چه درباره قرآن بگوید حق است. امام (علیه السلام) بعد از شنیدن حرف های منصور فرمود: خدای رحمت کند. (1)

حدیث 15: وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَدِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): ... فَقَالَ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ وَاللَّهُ عِنْدَنَا

حدیث 15: امام صادق (علیه السلام): ... به خدا قسم تمام علم قرآن در نزد ماست (2)

حدیث 16: تفسیر فرات بن ابراهیم الحسینی بن سعید مَعْنَعْنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَجَاءَهُ عَمْرُو بْنُ عَبِيدٍ فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «وَلَا تَطْعَمُوا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي» ... وَأَمَّا قَوْلُهُ «وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى» فَإِنَّمَا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَقْرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ فَإِذَا احْتَأَجُّوا إِلَى تَفْسِيرِهِ فَلَا هِتْدَاءَ بِنَا وَإِنَّا يَا عَمْرُو

حدیث 16: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ... اما سخن خداوند که فرمود: هر که غضب من به او درآید سقوط کند پس بر مردم است که قرآن را همان گونه که نازل شده است تنها بخوانند و هنگامی که نیاز به تفسیر قرآن پیدا کردند پس باید به وسیله ما به آن برسند و به سوی ما آیند و تفسیر آن را از ما بخواهند (3)

حدیث 17: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُرْتَضَى فِي رِسَالَةِ الْمُحْكَمِ وَ الْمُتَشَابِهِ، نَقْلًا مِنْ تَفْسِيرِ التُّعْمَانِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَقْدَةَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ الْجَعْفِيِّ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ

ص: 122

1- . الكافي ج 1 ص 168 كتاب الحجّة بَابُ الإِضْطِرَارِ إِلَى الْحُجَّةِ ح 2

2- . بصائر الدرجات ج 1 ص 213 باب 1 مما عند الأئمة عليهم الصلاة والسلام من اسم الله الأعظم وعلم الكتاب ح 3

3- . وسائل الشيعة ج 27 ص 202 باب 13 باب عدم جواز استنباط الأحكام النظرية من ظواهر القرآن إلا بعد معرفة تفسيرها من الأئمة

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ: ثُمَّ قَالَ: نَقَلًا عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ قَالَ: ... يَا مَعْشَرَ الْخَوَارِجِ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ فِي الْقُرْآنِ نَاسِخًا وَمَنْسُوخًا وَمُحْكَمًا وَمُتَشَابِهًا وَخَاصًّا وَعَامًّا، قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قُلْتُ: اللَّهُمَّ أَشْهَدُ عَلَيْهِنَّ، ثُمَّ قُلْتُ: أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ نَاسِخَ الْقُرْآنِ وَمَنْسُوخَهُ وَمُحْكَمَهُ وَمُتَشَابِهَهُ وَخَاصَّهُ وَعَامَّهُ؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ لَا، قُلْتُ: أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنِّي أَعْلَمُ نَاسِخَ الْقُرْآنِ وَمَنْسُوخَهُ وَمُحْكَمَهُ وَمُتَشَابِهَهُ وَخَاصَّهُ وَعَامَّهُ؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قُلْتُ: مَنْ أَضَلَّ مِنْكُمْ إِذَا أَقْرَأْتُمْ بِذَلِكَ.

حديث 17: امام صادق (عليه السلام) از قول اميرالمومنين (عليه السلام) نقل می کنند که ایشان فرمود: همانا هنگامی که اراده نبرد با خوارج را کردم گفتم: ای گروه خوارج شما را به خدا قسم می دهم آیا می دانید قرآن ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام دارد؟ آنها گفتند: آری، گفتم: خدایا شاهد باش بر آنها، باز گفتم: شما را قسم می دهم به خداوند آیا ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام قرآن را می دانید؟ گفتند: همانا نمی دانیم، گفتم: شما را به خدا قسم می دهم آیا نمی دانید همانا من ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام قرآن را می دانم؟ گفتند: آری گفتم: گمراه تر از شما که اقرار به این مورد کردید کیست؟ (1)

حديث 18: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُزَنِّيِّ فِي رِسَالَةِ الْمُحْكَمِ وَالْمُتَشَابِهِ نَقْلًا مِنْ تَقْسِيرِ الثُّعْمَانِيِّ بِإِسْنَادِهِ الْآتِي عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: أَنَّهُمْ صَدَرُوا الْقُرْآنَ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَاحْتَجُّوا بِالْمَنْسُوحِ وَهُمْ يَظُنُّونَ أَنَّهُ النَّاسِخُ وَاحْتَجُّوا بِالْخَاصِّ وَهُمْ يَقْدِرُونَ أَنَّهُ الْعَامُّ وَاحْتَجُّوا بِأَوَّلِ الْآيَةِ وَتَرَكُوا السَّنَةَ

ص: 123

1- . الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل) ج 1 ص 597 باب 33- عدم جواز استنباط شيء من الاحكام النظرية من ظواهر القرآن إلا بعد معرفة تفسيرها و ناسخها و منسوخها و محكمها و متشابهها من الأئمة عليهم السلام ح 8-932

فِي تَأْوِيلِهَا وَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى مَا يَفْتَحُ الْكَلَامَ وَإِلَى مَا يَخْتِمُهُ وَلَمْ يَعْرِفُوا مَوَارِدَهُ وَمَصَادِرَهُ إِذْ لَمْ يَأْخُذُوهُ عَنْ أَهْلِهِ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا

حدیث 18: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آنان (مخالفین اهل بیت (علیهم السلام)) برخی از قرآن را بر برخی دیگر از آن زده و به آیه منسوخ احتجاج کرده به گمان آن که ناسخ است و به متشابه احتجاج کرده به اعتقاد آن که محکم است و به خاص احتجاج کرده به حساب آن که عام است و به ابتدای آیه احتجاج کرده و سبب (نزول) در تأویل آن را رها کرده و به آغاز و فرجام سخن توجهی نداشته و محل ورود و صدور آن را نشناخته اند و چون تفسیر قرآن را از اهلش (اهل بیت (علیهم السلام)) نگرفته اند پس هم گمراه شده و هم دیگران را گمراه کردند. (1)

حدیث 19: بصائر الدرجات أحمد بن الحسن بن عبيد الله بن بكر بن صالح عن عبد الله بن إبراهيم الجعفری عن يعقوب بن جعفر قال: كنت مع أبي الحسن (عليه السلام) بمكة فقال له رجل إنك لتفسر من كتاب الله ما لم تسمع به فقال أبو الحسن علينا نزل قبل الناس ولنا فسر قبل أن يفسر في الناس فنحن نعرف حلاله وحرامه وناسخه و منسوخه و سرفريه و حصريه و في أي ليلة نزلت كم من آية و فيمن نزلت و فيما نزلت فنحن حكماء الله في أرضه و لله هداؤه على خلقه و هو قول الله تبارك و تعالى «س تكتب لله هادتهم و يستلون» فالشهادة لنا و المسألة للمشهد عليه فهذا علم ما قد أنهيتك إليك و أديتك إليك ما لزمي فإن قبلت فاشكر و إن تركت ف «إن الله على كل شيء شهيد»

حدیث 19: يعقوب بن جعفر گفت در خدمت حضرت ابو الحسن (علیه السلام) در مکه بودم مردی به ایشان گفت: شما از قرآن تفسیرهایی می کنید که شنیده نشده. امام (علیه السلام)

ص: 124

1- وسائل الشیعة ج 27 ص 201 باب 13 باب عدم جواز استنباط الأحكام النظرية من ظواهر القرآن إلا بعد معرفة تفسیرها من الأئمة ح 33593

فرمود: قرآن بر ما نازل شده قبل از مردم و پیش از مردم برای ما تفسیر شده ما به حلال و حرام و ناسخ و منسوخ و آیاتی که در سفر و آیاتی که در حضر نازل شده و در کدام شب چقدر آیه نازل شده و در باره چه کس و چه چیز نازل گردیده عارف هستیم، ما حکمای خدا در زمین و گواهان او در میان مردم هستیم این آیه اشاره به همین مطلب است «سَدُّ تَكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْئَلُونَ» (1) گواهی از ماست و پرسش از مردم، این علمی بود که به تو اطلاع دادم اگر قبول نمودی بر این نعمت سپاسگزاری کن و اگر رد کردی «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (2)

خداوند بر هر چیز گواه است (3)

حدیث 20: وَعَنْ الْفَضْلِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: تَفْسِيرُ الْقُرْآنِ عَلَى سَبْعَةِ أَوْجُهٍ مِنْهُ مَا كَانَ وَمِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ بَعْدُ تَعْرِفُهُ الْأَيُّمَةُ.

حدیث 20: امام صادق (علیه السلام): تفسیر قرآن بر هفت وجه است، برخی اتفاق افتاده و برخی اتفاق نیفتاده که تمام آن تفاسیر را امام (علیه السلام) می داند. (4)

حدیث 21: وَإِنِّي سَدِّعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ لَيْسَ مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَلَهَا ظَهْرٌ وَبَطْنٌ وَمَا مِنْهُ حَرْفٌ إِلَّا وَإِنْ لَهُ تَأْوِيلٌ (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ) (5)

الرَّاسِخُونَ نَحْنُ آلُ مُحَمَّدٍ وَأَمَرَ اللَّهُ سَائِرَ الْأُمَّةِ أَنْ يَقُولُوا «أَمَّنَّا بِهِ كُلُّ مَنْ عِنْدَ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (6) وَأَنْ يُسَلِّمُوا لَنَا [وَيُرَدُّوا عِلْمُهُ الْيَتِيمًا] وَقَدْ قَالَ اللَّهُ «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (7) هُمُ الَّذِينَ يَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيَطْلُبُونَهُ

....

حدیث 21: پیامبر (صلی الله علیه و آله): هیچ آیه ای از قرآن نیست مگر آن که ظاهر و باطنی دارد و هیچ حرفی از آن نیست مگر آن که تأویلی دارد و تأویل آن را جز خداوند و آنان که در علم راسخ و عمیقند نمی داند، راسخان در علم، ما آل محمد (صلی الله علیه و آله) هستیم و

ص: 125

1- . الزخرف آیه 19

2- . الحج آیه 17

3- . وسائل الشیعة ج 27 ص 197 باب 13 بابُ عَدَمِ جَوَازِ اسْتِنْبَاطِ الْأَحْكَامِ النَّظَرِيَّةِ مِنْ ظَوَاهِرِ الْقُرْآنِ إِلَّا بَعْدَ مَعْرِفَةِ تَفْسِيرِهَا مِنَ الْأَيُّمَةِ ح 33582

4- . وسائل الشیعة ج 27 ص 197 باب 13 بابُ عَدَمِ جَوَازِ اسْتِنْبَاطِ الْأَحْكَامِ النَّظَرِيَّةِ مِنْ ظَوَاهِرِ الْقُرْآنِ إِلَّا بَعْدَ مَعْرِفَةِ تَفْسِيرِهَا مِنَ الْأَيُّمَةِ ح 33581

5- . آل عمران آیه 7

6- . آل عمران آیه 7

7- . النساء آیه 83

خداوند به سایر امت دستور داده که بگویند: به آن ایمان آوردیم و همگی از طرف پروردگار ما است و جز صاحبان عقل متذکر نمی شوند، و خداوند دستور داده که در مقابل ما تسلیم باشند و علم آن را به ما واگذار کنند. خداوند می فرماید «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» اگر آن را به پیامبر و اولی الامر خود ارجاع دهند آنان که استنباط می کنند آن را می فهمند، و هم اینان هستند که در آن باره مورد سؤال قرار می گیرند و آن را طلب می نمایند. (1)

حدیث 22: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) إِذَا حَدَّثْتُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ....

حدیث 22: امام باقر (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: هر وقت از چیزی برایتان سخنی گفتم از من بپرسید کجای قرآن است. (2)
حدیث 23:

أَبِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ بَشْرِ الْوَابِئِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ شَيْءٍ مِنَ التَّفْسِيرِ فَأَجَابَنِي ثُمَّ سَأَلْتُهُ عَنْهُ ثَانِيَةً فَأَجَابَنِي بِجَوَابٍ آخَرَ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ كُنْتُ أَجَبْتَنِي فِي هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ بِجَوَابٍ غَيْرِ هَذَا قَبْلَ الْيَوْمِ فَقَالَ يَا جَابِرُ إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا وَ لِلْبَطْنِ بَطْنٌ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ لِلظَّهْرِ ظَهْرٌ يَا جَابِرُ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ إِنَّ الْآيَةَ يَكُونُ أَوْلَاهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ وَ هُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ مُتَّصِرٌ عَلَى وَجْهِهِ

حدیث 23: جابر از امام باقر (علیه السلام) تفسیر آیه ای را پرسید و آن حضرت پاسخ دادند. بار دیگر از همان آیه پرسید و امام (علیه السلام) به گونه دیگری جواب فرمودند. جابر

ص: 126

1- . کتاب سلیم بن قیس الهمدانی ج 2 ص 771 الحدیث الخامس و العشرون [1]

2- . الکافی ج 1 ص 60 باب الرد إلى الكتاب و السنة و أنه ليس شيء من الحلال و الحرام و جميع ما يحتاج الناس إليه إلا و قد جاء فيه کتاب أو سنة ح 5

عرضه داشت: پیش از این، جواب دیگری فرمودید. امام باقر(علیه السلام) فرمودند: ای جابر برای قرآن بطن است و برای آن بطن هم بطن است و برای قرآن ظهر است و برای ظهر آن نیز ظهر است، ای جابر هیچ چیزی مانند تفسیر قرآن از عقل های مردان دور نیست به درستی که اول آیه ای درباره مطلبی سخن می گوید و انتهایش درباره موضوعی دیگر و قرآن، کلام متصل و پیوسته ای است که وجوه فراوان دارد.

(1)

حدیث 24: وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ خَيْثَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي الْوَلِيدِ الْبَحْرَانِيِّ ثُمَّ الْهَجْرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَنَّ رَجُلًا قَالَ لَهُ أَنْتَ الَّذِي تَقُولُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا عَلَيهِ دَلِيلٌ نَاطِقٌ عَنِ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ مِمَّا لَا يَعْلَمُهُ النَّاسُ إِلَى أَنْ قَالَ إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَمَعَانِيَّ وَنَاسِخًا وَمَنْسُوخًا وَمُحْكَمًا وَمُتَشَابِهًا وَسَدَنًا وَأَمْثَالًا وَفَصَلًا وَوَصَلًا وَأَحْرَفًا وَتَصْرِيْفًا فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ الْكِتَابَ مُبْهَمٌ فَقَدْ هَلَكَ وَأَهْلَكَ الْحَدِيثُ. حدیث 24: شخصی به امام باقر(علیه السلام) عرضه داشت: شما فرمودید: هیچ چیزی در قرآن نیست الا اینکه معروف است، (معروف یعنی شناخته شده، روشن، آشکار) حضرت فرمود: این گونه نگفتم بلکه گفتم هیچ چیز از کتاب خدا نیست مگر اینکه دلیل ناطقی از طرف خدا در کتابش دارد از آن چه که مردم نمی دانند تا اینکه فرمود: همانا برای قرآن ظاهر و باطن و معانی و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و سنت ها و مثال ها و فصل و وصل و اطراف و برگرداندنی دارد. (2)

حدیث 25: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ بْنِ الْبَرْقِيِّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْمُعَلِيِّ بْنِ حُنَيْسٍ قَالَ: قَالَ

ص: 127

1- . وسائل الشيعة ج 27 ص 192 باب 13 عدم جواز استنباط الأحكام النظرية من ظواهر القرآن إلا بعد معرفة تفسيرها من الأئمة ح 33572

2- . المحاسن ج 1 ص 270 باب 36 باب إنزال الله في القرآن تبياناً لكل شيء ح 360.

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي رِسَالَةٍ فَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنِ الْقُرْآنِ فَذَلِكَ أَيْضًا مِنْ خَطَرَاتِكَ الْمُتَفَاوِتَةِ الْمُحْتَلِفَةِ لِأَنَّ الْقُرْآنَ لَيْسَ عَلَى مَا ذَكَرْتَ وَ كُلُّ مَا سَمِعْتَ فَمَعْنَاهُ (عَلَى) غَيْرَ مَا ذَهَبَتْ إِلَيْهِ وَإِنَّمَا الْقُرْآنُ أَمْثَالٌ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ دُونَ غَيْرِهِمْ وَلِقَوْمٍ يَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ هُمُ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَعْرِفُونَهُ وَ أَمَّا غَيْرُهُمْ فَمَا أَشَدَّ إِشْكَالَهُ عَلَيْهِمْ وَ أَبْعَدَهُ مِنْ مَذَاهِبِ قُلُوبِهِمْ وَ لِذَلِكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) (إِنَّهُ) لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ قُلُوبِ الرِّجَالِ مِنْ تَقْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ فِي ذَلِكَ تَحْيِرَ الْخَلَائِقِ أَجْمَعُونَ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَ إِنَّمَا أَرَادَ اللَّهُ بِتَعْمِيَّتِهِ فِي ذَلِكَ أَنْ يَنْتَهُوا إِلَى بَابِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ أَنْ يَعْبُدُوهُ وَ يَنْتَهُوا فِي قَوْلِهِ إِلَى طَاعَةِ الْقَوَامِ بِكِتَابِهِ وَ النَّاطِقِينَ عَنْ أَمْرِهِ وَ أَنْ يَسْتَنْبِطُوا مَا احتاجوا إِلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ عَنْهُمْ لَا عَنْ أَنْفُسِهِمْ ثُمَّ قَالَ وَ لَوْرَدُوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ فَأَمَّا عَنْ غَيْرِهِمْ فَلَيْسَ يُعْلَمُ ذَلِكَ أَبَدًا وَ لَا يُوجَدُ وَ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّهُ لَا يَسْتَيْمُّ أَنْ يَكُونَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ وَ لَا الْأُمْرَ لِأَنَّهُمْ لَا يَجِدُونَ مَنْ يَأْتَمِرُونَ عَلَيْهِ وَ مَنْ

يُبَلِّغُونَهُ أَمْرَ اللَّهِ وَ نَهْيَهُ فَجَعَلَ اللَّهُ الْوَلَاةَ حَوَاصِّ لِيُقْتَدَى بِهِمْ فَافْهَمْ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ إِيَّاكَ وَ إِيَّاكَ وَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ بِرَأْيِكَ فَإِنَّ النَّاسَ غَيْرَ مُشْتَرِكِينَ فِي عِلْمِهِ كَأَشْتِرَاكِهِمْ فِي مَا سِوَاهُ مِنَ الْأُمُورِ وَ لَا قَادِرِينَ

عَلَى تَأْوِيلِهِ إِلَّا مِنْ حَدِّهِ وَ بَابِهِ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لَهُ فَافْهَمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ اطَّلُبِ الْأَمْرَ مِنْ مَكَانِهِ تَجِدُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. حديث 25: امام صادق (عليه السلام) خطاب به شخصی معترض فرمودند: اما آنچه درباره قرآن پرسیدی، پس آن نیز از ذهنیات ناهماهنگ و ناسازگار تو است، زیرا قرآن آن گونه که گفתי نیست و آن چه را شنیده ای، معنایش بر خلاف رأی و نظر توست. جز این نیست که قرآن مثل هایی برای اهل دانش است، برای گروهی که قرآن

را چنان که شایسته آن است تلاوت می کنند و آنها کسانی هستند که به قرآن ایمان می آورند و آن را می شناسند. و اما بر غیر آنان (رسیدن به باطن و تفسیر) قرآن سخت مشکل و از دسترس دل هایشان دور است، از این روست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: به راستی که هیچ چیزی دورتر از دل های مردم نسبت به تفسیر قرآن نیست. در این قرآن، همه مردم (در راه رسیدن به حقیقت و باطن و تفسیر حقیقی آن) سرگرداندند مگر کسی که خدا بخواهد. و همانا خداوند خواسته از برای مردم این سرگردانی را تا این که بیایند نزد درب و راه و مسیر الهی و اینکه او را عبادت کنند و از اطاعت خداوند به اطاعت قیم های کتاب الهی و سخن گویان و ناطقان از امرش هر آن چه را که می خواهند بگیرند نه از خودشان، پس از آن فرمودند: و اگر آن را به رسول (صلی الله علیه و آله) و اولی الامر ارجاع می دادند، قطعاً کسانی از آنان (پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اولوالامر (D) قرآن را در می یابند، ولی غیر آنان هرگز آن را نمی دانند. (1)

حدیث 26: حَدَّثَنَا

عَبْدُ الْوَّاحِدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَسِّ بْنِ النَّبَسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِنَيْسَابُورٍ فِي شَهْرِ رَجَبِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَدَّاذَانَ قَالَ: قَالَ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَحْضُ الْإِسْلَامِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَى أَنْ قَالَ وَالتَّصْدِيقُ بِكِتَابِهِ الصَّادِقِ إِلَى أَنْ قَالَ وَإِنَّهُ حَقٌّ كُلُّهُ مِنْ فَاتِحَتِهِ إِلَى خَاتِمَتِهِ نُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَنُتَشَابِهِهِ وَخَاصِّهِ وَعَامِّهِ وَوَعْدِهِ وَوَعِيدِهِ وَنَاسِخِهِ وَمَنْسُوخِهِ وَقِصِّهِ وَأَخْبَارِهِ وَأَنَّ الدَّلِيلَ بَعْدَهُ وَالْحُجَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالتَّاطِقَ عَنِ الْقُرْآنِ وَالْعَالِمَ بِأَحْكَامِهِ أَخُوهُ وَخَلِيفَتَهُ وَوَصِيَّهُ وَوَلِيَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَذَكَرَ الْأَيْمَةَ ثُمَّ قَالَ (وَإِنَّ مَنْ خَالَفَهُمْ ضَالٌّ مُضِلٌّ) تَارِكٌ لِلْحَقِّ وَالْهُدَى وَانَّهُمُ الْمُعْبَرُونَ عَنِ الْقُرْآنِ وَالتَّاطِقُونَ عَنِ الرَّسُولِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِالْبَيَانِ.*

ص: 129

1- . المحاسن ج 1 ص 268 باب 36 باب إنزال الله في القرآن تبياناً لكل شيء ح 356.

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تصدیق کتاب خدای عزیز که باطل در او رخنه نیافته در گذشته و آینده و کتابی است از جانب خداوند حمید و قرآن حافظ و نگهبان و حاکم بر تمام کتب آسمانی است و تمام آن حقیقت واقعی است از فاتحه الکتاب تا آخر آن ایمان به محکم و متشابه و خاص و عام و مؤده و تهدید و ناسخ و منسوخ و داستان ها و اخبار او داریم. هیچ کس نمی تواند مانند آن را بیاورد. و اینکه راهنما پس از پیامبر و حجت برای مردم و حاکم بر امور مسلمانان و سخنگوی قرآن و عالم به احکام آن برادر و جانشین و وصی و ولی او است، تک تک نام های ائمه را حضرت آوردند سپس فرمودند: هر که با ایشان مخالفت کند گمراه و گمراه کننده است و ترک کننده حق و هدایت است همانا اهل بیت D مفسران از قرآن و سخن گوینان از طرف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با بیان هستند. (1)

حدیث 27: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَاشِمِيِّ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا فَرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فَرَاتِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ظَهْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ ابْنِ أَخِي يُونُسَ الْبَغْدَادِيَّ بَعْدَادَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ النَّهْشَلِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) عَنْ جَبْرِئِيلَ (عليه السلام) عَنْ مِيكَائِيلَ (عليه السلام) عَنْ عَنَسْرَافِيلَ (عليه السلام) عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِي فَأَخْتَرْتُ مِنْهُمْ مَنْ شِئْتُ مِنْ أَنْبِيَائِي وَأَخْتَرْتُ مِنْ جَمِيعِهِمْ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) حَبِيبًا وَ خَلِيلًا وَ صَفِيًّا فَبَعَثْتُهُ رَسُولًا إِلَى خَلْقِي وَ اصْطَفَيْتُ لَهُ عَلِيًّا فَجَعَلْتُهُ لَهُ أَخًا وَ وصِيًّا وَ وزيرًا وَ مؤدِّيًا عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ إِلَى

خَلَقِي وَخَلِيفَتِي عَلَى عِبَادِي لِيُبَيِّنَ لَهُمْ كِتَابِي وَيَسِيرَ فِيهِمْ بِحُكْمِي وَجَعَلْتُهُ الْعَلَمَ الْهَادِيَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَبَابِي الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ وَيَتِي الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا مِنْ نَارِي وَحِصْنِي الَّذِي مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ حَصَّنَهُ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَجْهِي الَّذِي مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ لَمْ أَصْرِفْ وَجْهِي عَنْهُ وَحُجَّتِي فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ عَلَى جَمِيعِ مَنْ فِيهِنَّ مِنْ خَلْقِي لَا أَقْبَلُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْهُمْ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ بِوَلَايَتِهِ مَعَ بُبُوَّةِ أَحْمَدَ رَسُولِي وَهُوَ يَدِي الْمُبْسُوطَةُ عَلَى عِبَادِي وَهُوَ النَّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمْتُ بِهَا عَلَى مَنْ أَحَبَبْتُهُ مِنْ عِبَادِي فَمَنْ أَحَبَبْتُهُ مِنْ عِبَادِي وَتَوَلَّيْتُهُ عَرَفْتَهُ وَلَا يَتَّهُ وَمَعْرِفَتُهُ وَمَنْ أَبْغَضْتُهُ مِنْ عِبَادِي أَبْغَضْتُهُ لِأَنْصِرَ رَافِعَهُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَلَا يَتَّهُ فَبِعِزَّتِي حَلَفْتُ وَبِجَلَالِي أَقْسَمْتُ أَنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا زَحْزَحْتُهُ عَنِ النَّارِ وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَلَا يُبْغِضُهُ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي وَيَعْدِلُ عَنْ وَلَا يَتَّهُ إِلَّا أَبْغَضْتُهُ وَأَدْخَلْتُهُ النَّارَ وَبِسَّ الْمَصِيرِ

حدیث 27: خدای جل جلاله فرمود: معبود حقی جز من نیست به توان خود خلق را آفریدم و هر که از پیغمبران را خواستم از آنها برگزیدم و از میان آنها محمد (صلی الله علیه و آله) حبیب و خلیل و صفی خود را برگزیدم و او را به خلق خود مبعوث کردم و علی (علیه السلام) را برای او برگزیدم و برادر و وصی و وزیر و ادا کن بعد از او به خلقم ساختم و خلیفه خود بر بندگانم نمودم تا قرآن مرا برای آنها بیان کند و در میان آنها به حکم من سیر کند، او را علم رهبر از گمراهی و باب خود که از او در آیند. (1)

حدیث 28: عِدَّةٌ

مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: دَخَلَ قَتَادَةُ بْنُ دَعَامَةَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

وَيَحُكُّ يَا قَتَادَةُ إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ

ص: 131

1- . الأُمَالِي (لِلصَّدُوقِ) الْمَجْلِسُ التَّاسِعُ وَالثَّلَاثُونَ ح 10، عِيُونُ أَخْبَارِ الرِّضَا ج 2 ص 49 بَاب 31 بَابُ فِيمَا جَاءَ عَنِ الرِّضَا عَنِ الْأَخْبَارِ الْمَجْمُوعَةِ ح 191.

حدیث 28: امام باقر (علیه السلام) خطاب به قتاده که آیه ای از قرآن را به رای خویش تفسیر کرده بود، پس از آن که تفسیر درست آن را برایش بیان کرد فرمودند: همانا قرآن را آن کسی فهمد که به او خطاب شده است. (1)

حدیث 29: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ أَبِي (عليه السلام) مَا ضَرَبَ رَجُلٌ الْقُرْآنَ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ إِلَّا كَفَرَ.*

حدیث 29: امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردی (غیر معصوم) بعض قرآن را با بعض قرآن تفسیر نمی کند مگر این که کافر شود. (2)

حدیث 30: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُصَدَّبٍ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ مُحْرَزٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ مِنْ عِلْمٍ مَا أُوتِينَا تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ وَأَحْكَامَهُ وَعِلْمَ تَغْيِيرِ الزَّمَانِ وَ حَدَّثَانَهُ

حدیث 30: سلمة بن محرز گوید: شنیدم امام باقر (علیه السلام) می فرمود: از جمله علمومی که به ما داده شده تفسیر قرآن و احکام آن است. (3)

حدیث 31: وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي هَذِهِ الْآيَةِ «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فَيُصْدَقُ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا قَالَ بَيْنَ دَفْتَيْ الْمُصَدِّبِ حَفِ قُلْتُ مَنْ هُمْ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَالَ مَنْ عَسَى أَنْ يَكُونُوا غَيْرَنَا.

ص: 132

1- . الكافي ج 8 ص 311 حَدِيثُ الْفُقَهَاءِ وَالْعُلَمَاءِ ح 485، الوافي ج 26 ص 443 قسمت 33 سطر اخر،

2- . الكافي ج 2 ص 632 بَابُ النَّوَادِرِ ح 17،

3- . الكافي ج 1 ص 229 بَابُ أَنَّهُ لَمْ يَجْمَعْ الْقُرْآنَ كُلَّهُ إِلَّا الْأَيْمَةَ عَ وَأَنَّهَمْ يَعْلَمُونَ عِلْمَهُ كُلَّهُ ح 3،

حدیث 31: در حدیثی زیبا و پرمعنا ابو بصیر گوید: امام باقر (علیه السلام) این آیه «بَلِّ

هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (1) را قرائت نمود و سپس فرمودند: به خدا ای ابا محمد! خداوند نفرموده قرآن آیه هائیسست میان دو جلد (تا مردم نگویند قرآن که حجت خداست بر ما، همین آیات میان دو جلد یعنی از صفحه اول تا صفحه آخر است و محتاج به امامی که آن را تفسیر کند نمی باشیم) عرضه داشتیم: قربانت گردم کیانند ایشان؟ (دانشمندانی که حقایق قرآن در سینه آن هاست) فرمود: توقع می رود که جز ما چه کسانی باشند؟! (2)

حدیث 32: وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا تَفَارِقُهُ وَ لَا يُفَارِقُنَا*

حدیث 32: امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل فرمود: خداوند ما را پاکیزه قرار داده و معصوم و گواه بر خلق و حجت در روی زمین و ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داده نه ما از او و نه او از ما جدا می شود. (3)

حدیث 33: وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي (عليه السلام) قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): ... قَالَ وَ مَا يَكْفِيهِمُ الْقُرْآنُ قَالَ بَلَى لَوْ وَجَدُوا لَهُ مُفَسِّرًا قَالَ وَ مَا فَسَّرَهُ رَسُولًا لِلَّهِ (صلى الله عليه و آله) قَالَ بَلَى قَدْ فَسَّرَهُ لِرَجُلٍ وَاحِدٍ وَ فَسَّرَ لِلْأُمَّةِ شَأْنَ ذَلِكَ الرَّجُلِ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

حدیث 33: امام باقر (علیه السلام) در جواب مردی که که به وی گفت مگر قرآن برای آنها (مردم و امت) کافی نیست؟ فرمود: چرا در صورتی که مفسری برای قرآن داشته

ص: 133

1- . العنكبوت آية 49

2- . الكافي ج 1 ص 214 بَابُ أَنَّ الْأُمَّةَ قَدْ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ أُثْبِتَ فِي صُدُورِهِمْ ح 3،

3- . بصائر الدرجات ج 1 ص 83 باب 13 باب في الأئمة ع أنهم شهداء لله في خلقه بما عندهم من الحلال و الحرام ح 6.

باشند، گفت: مگر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) قرآن را تفسیر نفرموده؟ فرمود: چرا تنها برای يك مرد تفسیر کرد و شأن آن مرد را که علی بن ابی طالب (علیه السلام) است به امت خود گفت. (1)

حدیث 34: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّ بْنِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): وَالْقُرْآنُ ضُرِبَ فِيهِ الْأَمْثَالُ لِلنَّاسِ وَخَاطَبَ اللَّهُ نَبِيَّهُ بِهِ وَنَحْنُ، فَلَيْسَ يَعْلَمُهُ غَيْرُنَا

حدیث 34: امام صادق (علیه السلام): قرآن برای مردم مثال می زند و خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ما باشد و معنی آن را جز ما کسی نمی داند. (2)

حدیث 35: قَالَ وَصَحَّ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ الْأَيْمَةَ D أَنْ تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ لَا يَجُوزُ إِلَّا بِالْأَثْرِ الصَّحِيحِ وَ النَّصِّ الصَّرِيحِ.

حدیث 35: از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه D آمده است: همانا تفسیر قرآن مگر با اثر صحیح و نص صریح جایز نیست. (3)

حدیث 36: وَعَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ إِنْ أَصَابَ لَمْ يُؤْجَرْ وَإِنْ أَخْطَأَ خَرَّ أَبْعَدَ مِنَ السَّمَاءِ. حدیث 36: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: هر که قرآن را به رأی خود تفسیر کند و درست بگوید، پاداشی به او داده نمی شود، و اگر خطا کند از جایی دورتر از آسمان به زمین سقوط کرده (یعنی از درجه قرب خدا آنقدر دور شده که گوئی جایی دورتر از آسمان به زمین فرو افتاده است). (4)

حدیث 37: الْعِيَاشِيُّ

فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ أَنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَرَّ عَلَى قَاضٍ فَقَالَ أَتَعْرِفُ النَّاسِيخَ مِنَ الْمُنْسُوخِ قَالَ لَا فَقَالَ هَلَكْتَ وَ أَهْلَكْتَ تَأْوِيلُ كُلِّ

ص: 134

- 1- . الكافي ج 1 ص 250 باب في شأن إنا أنزلناه في ليلة القدر و تفسيرها ح 6
- 2- . تفسير القمي ج 2 ص 425، 92 سُورَةُ اللَّيْلِ مَكِّيَّةٌ آيَاتُهَا إِحْدَى وَعِشْرُونَ 21
- 3- . وسائل الشيعة ج 27 ص 204 باب 13 بَابُ عَدَمِ جَوَازِ اسْتِنْبَاطِ الْأَحْكَامِ النَّظَرِيَّةِ مِنْ ظَوَاهِرِ الْقُرْآنِ إِلَّا بَعْدَ مَعْرِفَةِ تَفْسِيرِ يَرَاهَا مِنَ الْأَيْمَةِ ح 33609-78
- 4- . تفسير العياشي، ج 1 ص 17 فيمن فسر القرآن برأيه ح 4.

حدیث 37: امیرالمومنین (علیه السلام): آیا ناسخ و منسوخ را می شناسی و می توانی آن دورا از هم بازشناسی؟ وی جواب داد: نه. حضرت فرمود: هلاک شدی و دیگران را نیز هلاک ساختی، تفسیر هر حرف از قرآن بر چندین وجه می باشد. (1)

حدیث 38: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ وَعَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» قَالَ كِتَابُ اللَّهِ الذِّكْرُ وَ أَهْلُهُ آلُ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِسُؤَالِهِمْ وَ لَمْ يُؤْمَرُوا بِسُؤَالِ الْجُهَالِ وَ سَمَّى اللَّهُ الْقُرْآنَ ذِكْرًا فَقَالَ «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»

حدیث 38: عبد الحمید از حضرت صادق (علیه السلام) در باره آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (2) فرمود: کتاب خدا ذکر است و اهل آن آل محمدند که خدا دستور داده از آنها سؤال کنند به آنها دستور نداده از جهال سؤال نمایند خداوند قرآن را ذکر نامیده فرمود: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (3) این ذکر قرآن را به تو فرو فرستادیم تا برای مردم آن چه را که به سوی آنان فرو فرستاده شده روشن بیان کنی تا شاید بیندیشند. (4)

حدیث 39: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُرْتَضَى فِي رِسَالَةِ الْمُحْكَمِ وَ الْمُشْتَابِهِ نَقْلًا مِنْ تَفْسِيرِ النُّعْمَانِيِّ بِإِسْمِ نَادِهِ الْآتِي عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام): أَنَّ كَلَامَ الْبَارِي سَبْحَانَهُ لَا يُشَبَّهُ بِهُ كَلَامَ الْخَلْقِ كَمَا لَا تُشَبَّهُ بِهِ أفعالُهُ أَفعالُهُمْ وَ لِهَذَا الْعِلَّةِ وَ أَشَدُّ بَاهِبًا لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ مَعْنَى حَقِيقَةِ تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا نَبِيُّهُ وَ أَوْصِيَاؤُهُ

ص: 135

1- .تفسیر العیاشی ج 1 ص 12 تفسیر الناسخ و المنسوخ و الظاهر و الباطن و المحکم و المتشابه ح 9.

2- . النحل آیه 43

3- . النحل آیه 44

4- . بصائر الدرجات ج 1 ص 41 باب 19 باب فی ائمة آل محمد ع أنهم أهل الذکر الذین أمر الله بسؤالهم و الأمر إليهم إن شاءوا أجابوا و إن شاءوا لم يجیبوا ح 19

حدیث 39: امیرالمؤمنین (علیه السلام): کلام خداوند به کلام خلق شباهت ندارد، همان گونه که افعال خداوند، (از همه جهت) به افعال مردم شباهت ندارد. و به همین دلیل هیچ کس به گنه معنی حقیقی تفسیر قرآن نمی رسد الا پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) (1)

حدیث 40: الدَّقَاقُ عَنِ الْأَسَدِيِّ عَنِ النَّخَعِيِّ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَنَا عِلْمُ اللَّهِ وَأَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْوَاعِي وَ لِسَانُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَعَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَأَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَأَنَا يَدُ اللَّهِ حدیث 40: حضرت صادق (علیه السلام) از قول امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: من علم و گنجینه و ظرف علم الهی بوده و زبان گوئی خداوند هستم.... (2)

حدیث 41: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام):... وَ هَذَا الْقُرْآنُ إِذَا مَا هُوَ خَطٌّ مَسْطُورٌ بَيْنَ الدَّفْتَيْنِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا بُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ

حدیث 41: امیرالمؤمنین (علیه السلام): این قرآن در میان ما خطوطی پوشیده در جلد است، با زبان سخن نمی گوید و نیازمند به مفسر و ترجمان است. (3)

حدیث 42: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أُورَمَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ» قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ D وَالْأَيْمَةُ وَ أُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ قَالَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ أَصْحَابُهُمْ وَ أَهْلٌ وَ لَا يَتَّبِعُهُمْ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ الْأَيْمَةُ D

ص: 136

1- . وسائل الشیعة ج 27 ص 201 بَاب 13 عَدَمِ جَوَازِ اسْتِثْبَاتِ الْأَحْكَامِ النَّظَرِيَّةِ مِنْ ظَوَاهِرِ الْقُرْآنِ إِلَّا بَعْدَ مَعْرِفَةِ تَفْسِيرِهَا مِنَ الْأَيْمَةِ ح 33593-62

2- . بصائر الدرجات ج 1 ص 64 بَاب 3 فِي الْأَيْمَةِ أَنَّهُمْ حُجَّةُ اللَّهِ وَ بَابُ اللَّهِ وَ وِلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ وَ جَنْبُ اللَّهِ وَ عَيْنُ اللَّهِ وَ خَزَنَةُ عِلْمِهِ جَلْ جَلَالِهِ وَ عَمَّ نَوَالِهِ ح 13.

3- . الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) ج 1 ص 186 احتجاجه على الخوارج لما حملوه على التحكم ثم أنكروا عليه ذلك و تقموا عليه أشياء فأجابهم عن ذلك بالحجة و بين لهم أن الخطأ من قبلهم بل و إليهم يعود ح 1.

حدیث 42: امام صادق (علیه السلام) در باره قول خدای تعالی: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ» (1) او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرده از آن جمله آیه هائی است محکم که اصل کتاب است فرمود: آنها امیرالمومنین (علیه السلام) و ائمه هستند. (2) حدیث 43: قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ فَوَلَّهِ اللَّهُ لَهُوَ مُبَيِّنٌ لَكُمْ نُورًا وَاحِدًا وَ لَا يُوضِّحُ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلٌ بَعْضُهُ وَ مُعْلِمُكُمْ أَنَّنِي مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ هُوَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) أَخِي وَ وَصِيِّ وَ مَوْلَانَهُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى أَنْزَلَهَا عَلَيَّ

حدیث 43: امام باقر (علیه السلام) از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می کنند که ایشان فرمود: ای گروه مردم، در مورد قرآن تدبر کنید و آیات محکم آن را نیکو بفهمید و از آیات متشابه پیروی نکنید و به خدا سوگند هرگز کسی تفسیر آن را برای شما روشن نمی کند، جز همین کس که من دست او را می گیرم و به سوی خود بر می آورم و بازویش را بر می افرازم و به شما اعلام می کنم که هر که من مولای اویم این علی (علیه السلام) مولای اوست. یعنی علی بن ابی طالب (علیه السلام) که برادر و وصی من است و ولایت او از سوی خداوند متعال بر من نازل شده است. (3)

حدیث 44: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) مُجْمَلًا ، وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكْمَلًا ، وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسِّرًا ، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَيَّ مَنْ جَهَلَ عِلْمَهُ ، وَ قَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمَلَهُ.

حدیث 44: امام سجاد (علیه السلام): بار خدایا، تو این قرآن را بی هیچ شرح و تفسیری، بر پیامبرت محمد (صلی الله علیه و آله) فرستادی و علم آن را سراسر به او الهام فرمودی، و

ص: 137

1- . آل عمران آیه 7

2- . الكافي ج 1 ص 414 بَابٌ فِيهِ نَكْتٌ وَ نُتْفٌ مِنَ التَّنْزِيلِ فِي الْوَلَايَةِ ح 14

3- . روضة الواعظين و بصيرة المتعظين ج 1 ص 94 مجلس في ذكر الإمامة وإمامة علي ابن أبي طالب و أولاده صلوات الله عليهم أجمعين

علم تفسیر آن را به ما به میراث دادی و ما را بر آن کس که از علمقرآش بهره ای نبود برتری نهادی و ما را به شناخت قرآن توانایی بخشیدی، تا بر کسانی که یارای حمل آن ندارند شرف و برتری دهی. (1)

حدیث 45: مُحَمَّدٌ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (عليه السلام) قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ:.....
إِنَّ الْقُرْآنَ لَيْسَ بِنَاطِقٍ...

حدیث 45: امام صادق (علیه السلام): همانا قرآن سخنگو نیست. (2)

حدیث 47: عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الرِّضَا (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» قَالَ اللَّهُ عَلَّمَ مُحَمَّدًا الْقُرْآنَ قُلْتُ «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» قَالَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» قَالَ عَلَّمَهُ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ الْخَبَرَ

حدیث 47: حضرت رضا (علیه السلام) در باره آیات: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (3) فرمود: خداوند به محمد (صلی الله علیه و آله) قرآن را آموخت گفتم: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» (4) معنی انسان را آفرید چیست؟ فرمود: منظور از انسان امیرالمومنین (علیه السلام) است گفتم: «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (5) فرمود: به او آموخت شرح هر چیزی را که مردم به آن نیازمندند. (6)

حدیث 48: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ نَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَمَّنِ حَدَّثَهُ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ اثْنَانِ إِلَّا وَ لَهُ أَصْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ لَا تَبْلُغُهُ عُقُولُ الرِّجَالِ.

حدیث 48: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی زیبا می فرماید: هیچ امری نیست که دو تن در آن اختلاف کنند و دو نظر بدهند جز آنکه اصل و ریشه صحیح آن در قرآن

ص: 138

1- . الصحیفة السجادية ص 176 (42) وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خْتَمِ الْقُرْآنِ

2- . الكافي ج 1 ص 246 بَابٌ فِي شَأْنِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ تَفْسِيرِهَا ح 1

3- . الرحمن آية 1 و 2

4- . الرحمن آية 3

5- . الرحمن آية 4

6- . بحار الأنوار ج 57 ص 283 باب 39 فضل الإنسان و تفضيله على الملك و بعض جوامع أحواله

حدیث 49: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ اليماني عن إبان بن أبي عيَّاش عن سَلِيمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: ... قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): فَمَا نَزَلَتْ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْتُهَا وَأَمَلْتُهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِحِطِّي وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَنَاسِخَهَا وَمَنْسُوخَهَا وَمُحْكَمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا وَخَاصَّهَا وَعَامَّهَا وَدَعَا اللَّهَ أَنْ يُعْطِيَنِي فَهَمَّهَا وَحَفِظْتُهَا فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَلَا عَلِمْتُ أَمَلَةً عَلَيَّ وَكُتِبَتْهُ مُنْذُ دَعَا اللَّهَ لِي بِمَا دَعَا وَ مَا تَرَكَ شَيْئاً عَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ وَلَا أَمْرٍ وَلَا نَهْيٍ كَانَ أَوْ يَكُونُ وَلَا كِتَابٍ مُنْزَلٍ عَلَيَّ أَحَدٍ قَبْلَهُ مِنْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا عَلَّمَنِيهِ وَحَفِظْتُهُ فَلَمْ أَتَسَّ حَرْفًا وَاحِدًا ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ صَدْرِي وَدَعَا اللَّهَ لِي أَنْ يَمَلَأَ قَلْبِي عِلْمًا وَفَهْمًا وَحُكْمًا وَنُورًا فَقُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ بَأبِي أَنْتَ وَ أُمِّي مُنْذُ دَعَوْتَ اللَّهَ لِي بِمَا دَعَوْتَ لَمْ أَتَسَّ شَيْئاً وَ لَمْ يَقْتِنِي شَيْءٌ لَمْ أَكْتُبْهُ أَفَتَتَخَوَّفُ عَلَيَّ النَّسِيَّانَ فِيمَا بَعْدُ فَقَالَ لَا لَسْتُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكَ النَّسِيَّانَ وَالْجَهْلَ.

حدیث 49: هیچ آیه ئی از قرآن بر رسول خدا(صلى الله عليه وآله) نازل نشد جز اینکه برای من خواند و املا فرمود و من به خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من آموخت و از خدا خواست که فهم و حفظ آن را به من عطا فرماید، و از زمانی که آن دعا را در باره من کرد هیچ آیه ئی از قرآن و هیچ علمی را که املا فرمود و من نوشتم فراموش نکردم و آنچه را که خدا تعلیمش فرمود از حلال و حرام و امر و نهی گذشته و آینده نوشته ای که بر هر پیغمبر پیش از او نازل شده بود از طاعت و معصیت به من تعلیم فرمود و من

ص: 139

1- . الكافي ج 1 ص 60 بَابُ الرَّدِّ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَ جَمِيعِ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ إِلَّا وَقَدْ جَاءَ فِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ ح 6

حفظش کردم و حتی يك حرف آن را فراموش نکردم، سپس دستش را بر سینه ام گذاشت و از خدا خواست دلم را از علم و فهم و حکم و نور پرکند، عرضه داشتیم: ای پیغمبر (صلی الله علیه و آله) خدا پدر و مادرم قربانت از زمانی که آن دعا را در باره من کردی چیزی را فراموش نکردم و آن چه را هم نوشتم از یادم نرفت، آیا بیم فراموشی بر من داری؟ فرمود: نه بر تو بیم فراموش و نادانی ندارم. (1)

حدیث 50: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسَدِّمٍ عَنْ مَسَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام):... ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَلَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ أُخْبِرُكُمْ عَنْهُ إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا مَضَى وَعِلْمَ مَا يَأْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحُكْمَ مَا بَيْنَكُمْ وَبَيَانَ مَا أَصْبَحْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَعَلَّمْتُكُمْ.

حدیث 50: امیرالمومنین (علیه السلام) به مفسران حقیقی قرآن اشاره می کند: این قرآنی است که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده از او باز پرسید، او هرگز به زبان شما سخن نکند، من به ترجمانی از او شما را خبر می دهم که در آن است علم هر چه گذشته و علم هر چه تا روز قیامت بیاید، قرآن میان شما حکم است و در هر چه اختلاف دارید بیان قاطع دارد، اگر از من پرسید به شما می آموزم (2)

حدیث 51: مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (عليه السلام) قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَوَضَعَ الْقُرْآنَ دَلِيلًا قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ هَلْ تَدْرِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ دَلِيلَ مَا هُوَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) نَعَمْ فِيهِ جُمْلُ الْهُدُودِ وَ تَفْسِيرُهَا عِنْدَ الْحُكْمِ

ص: 140

-
- 1- . الكافي ج 1 ص 64 بَابُ اخْتِلَافِ الْحَدِيثِ ح 1
 - 2- . الكافي ج 1 ص 61 بَابُ الرَّدِّ إِلَى الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ وَ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ جَمِيعِ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ إِلَّا وَقَدْ جَاءَ فِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ ح 7

حدیث 51: امام باقر (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: ... خداوند، قرآن را دلیل و راهنما قرار داد، شخصی پرسید: یا ابن رسول الله (صلی الله علیه و آله) می دانی که قرآن دلیل چیست؟ امام باقر (علیه السلام) فرمود: آری، در قرآن کلیات حدود و مقررات مندرج است و تفسیر آنها در نزد حجت وقت (امام معصوم) است. (1)

حدیث 52: مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْمُنْخَلِّ عَنِ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ: مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِيَ أَنَّ عِنْدَهُ جَمِيعَ الْقُرْآنِ كُلِّهِ ظَاهِرِهِ وَبَاطِنِهِ غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ

حدیث 52: امام باقر (علیه السلام): هیچ کس غیر از اوصیاء نمی تواند ادعا کند که همه علوم قرآن را اعم از ظاهر و باطن می داند. (2)

حدیث 53: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا (علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» الْآيَةَ قَالَ فَقَالَ «وُلْدُ فَاطِمَةَ وَالسَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ الْإِمَامُ

وَ الْمُفْتَصِدُ الْعَارِفُ بِالْإِمَامِ وَالظَّالِمُ لِنَفْسِهِ الَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ.*

حدیث 53: احمد بن عمر گوید: از حضرت رضا (علیه السلام) راجع به آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» (3) آنگاه این کتاب را به کسانی که از میان بندگان خود انتخاب کرده ایم، به ارث دادیم پرسیدم فرمود: (امامان معصوم از) اولاد فاطمه هستند.... (4)

حدیث 54: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ وَعِمْرَانَ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه

السلام) قَالَ: نَحْنُ «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ.*

ص: 141

- 1- . الكافي ج 1 ص 246 بَابُ فِي شَأْنِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ تَفْسِيرِهَا ح 1
- 2- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 228 بَابُ أَنَّهُ لَمْ يَجْمَعْ الْقُرْآنَ كُلَّهُ إِلَّا الْأَيُّمَةُ وَ أَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ عِلْمَهُ كُلَّهُ ح 2
- 3- . فاطر آية 32
- 4- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 215 بَابُ فِي أَنَّ مَنْ اصْطَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ وَ أَوْرَثَهُمْ كِتَابَهُ هُمُ الْأَيُّمَةُ ح 3

حدیث 54: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (1) ما نیمی راسخون در علم و ما تأویل قرآن را می دانیم. (2)

حدیث 55:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» فَرَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَفْضَلُ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ قَدْ عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَمِيعَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيلِ وَالتَّأْوِيلِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُنْزَلَ عَلَيْهِ شَيْئاً لَمْ يُعَلِّمَهُ تَأْوِيلَهُ وَ أَوْصِيَهُ بِأَوْهُ مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُونَهُ كُلَّهُ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ تَأْوِيلَهُ إِذَا قَالَ الْعَالِمُ فِيهِمْ يَعْلَمُ فَأَجَابَهُمُ اللَّهُ بِقَوْلِهِ «يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا» وَ الْقُرْآنُ خَاصٌّ وَ عَامٌّ وَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ وَ نَاسِخٌ وَ مَنْسُوخٌ فَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَعْلَمُونَهُ.*

حدیث 55: یکی از دو امام باقر (علیه السلام) یا صادق (علیه السلام) راجع به قول خدای عز و جل «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (3) و جز خدا و راسخون در علم تأویل قرآن را نمی دانند فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله) افضل راسخین در علم است. خدای

عز و جل همه آن چه را از تنزیل (معنی مطابقی) و تأویل (معنی التزامی) نازل فرمود به او آموخته است، چیزی را که خدا تأویلش را به او نیاموخت بر او نازل فرمود و اوصیاء پس از وی هم تمام آن را می دانند، و کسانی که تأویل آن را نمی دانند (شیعیان) هر گاه عالیشان چیزی از روی علم بفرماید (ایمان می آورند و می پذیرند) چنانچه خدا ایشان را پذیرفته و فرموده است «يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا» (4) می گویند ایمان آوردیم، همه قرآن از جانب پروردگار ماست و قرآن خاص و عام و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ دارد و راسخون در علم همه را می دانند. (5)

ص: 142

- 1- . آل عمران آیه 7
- 2- . الکافی کتاب الحجّة ج 1 ص 213 بَابُ أَنَّ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ هُمُ الْأَيْمَةُ ح 1
- 3- . آل عمران آیه 7
- 4- . آل عمران آیه 7
- 5- . الکافی کتاب الحجّة ج 1 ص 213 بَابُ أَنَّ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ هُمُ الْأَيْمَةُ ح 2

حدیث 56: أَبَانٌ عَنْ سَلِيمٍ وَزَعَمَ أَبُو هَارُونَ الْعَبْدِيُّ أَنَّهُ سَمِعَهُ مِنْ عَمْرِ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَإِنِّي سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ لَيْسَ مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ مَا مِنْهُ حَرْفٌ إِلَّا وَ إِنْ لَهُ تَأْوِيلٌ «وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» الرَّاسِخُونَ نَحْنُ آلُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله)

وَ أَمَرَ اللَّهُ سَائِرَ الْأُمَّةِ أَنْ يَقُولُوا «أَمَّنَّا بِهِ كُلُّ مَنْ عِنْدَ رَبِّنَا وَ مَا يَدَّكُرُ إِلَّا أَوْلُوا الْأَلْبَابِ» وَ أَنْ يُسَلِّمُوا لَنَا [وَ يَرُدُّوا عِلْمَهُ إِلَيْنَا] وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ «وَ

لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» هُمُ الَّذِينَ يَسْأَلُونَ عَنْهُ وَ يُطَلَّبُونَهُ وَ لَعَمْرِي لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) سَلَّمُوا لَنَا وَ

اتَّبَعُونَا وَ قَلَدُونَا أُمُورَهُمْ «لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»

حدیث 56: من از پیامبر (صلى الله عليه وآله) شنیدم که می فرمود: هیچ آیه ای از قرآن نیست مگر آن که ظاهری و باطنی دارد و هیچ حرفی از آن نیست مگر آن که تأویلی دارد «وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (1) و تأویل آن را جز خداوند و آنان که در علم راسخ و عمیقند نمی داند، راسخان در علم، ما آل محمد (صلى الله عليه وآله) هستیم و خداوند به سایر امت دستور داده که بگویند: «أَمَّنَّا بِهِ كُلُّ مَنْ عِنْدَ رَبِّنَا وَ مَا يَدَّكُرُ إِلَّا أَوْلُوا الْأَلْبَابِ» (2) به آن ایمان آوردیم و همه از طرف پروردگار ما است و جز صاحبان عقل متذکر نمی شوند، و خداوند دستور داده که در مقابل ما تسلیم باشند و علم آن را به ما واگذار کنند خداوند می فرماید «وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (3) اگر آن را به پیامبر (صلى الله عليه وآله) و اولو الامر خود ارجاع دهند آنان که استنباط می کنند آن را می فهمند، و هم اینان هستند که در آن باره مورد سؤال قرار می گیرند و آن را طلب می نمایند. به جان خودم قسم، اگر مردم هنگامی که پیامبر (صلى الله عليه وآله) از دنیا رفت، «لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (4)

ص: 143

1- . آل عمران آیه 7

2- . آل عمران آیه 7

3- . النساء آیه 83

4- . المائدة آیه 66

در مقابل ما تسلیم می شدند و تابع ما می گشتند و امورشان را به دست ما می سپردند از بالای سرشان وزیر پایشان نعمت ها را می خوردند(1)

حدیث 57: فُرَاتٌ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُمَرَ الزُّهْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْأَنْبَارِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي حَفْصُ بْنُ عَاصِمٍ وَ نَصْرُ بْنُ مَزَاحِمٍ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ السَّنْدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبَانُ بْنُ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سَلِيمِ بْنِ قَيْسٍ، قَالَ... وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْفِدُونِي فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، إِنِّي لَا أَعْلَمُ بِالتَّوْرَةِ مِنْ أَهْلِ التَّوْرَةِ، وَإِنِّي لَا أَعْلَمُ بِالْإِنْجِيلِ مِنْ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ، وَإِنِّي لَا أَعْلَمُ بِالْقُرْآنِ مِنْ أَهْلِ الْقُرْآنِ. وَ

الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، مَا مِنْ فِتْنَةٍ تَبْلُغُ مِائَةَ رَجُلٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا وَأَنَا عَارِفٌ بِقَائِدِهَا وَ سَائِقِهَا. وَ سَلُونِي عَنِ الْقُرْآنِ، فَإِنَّ فِي الْقُرْآنِ بَيَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَ فِيهِ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ إِنَّ الْقُرْآنَ لَمْ يَدْعُ لِقَائِلٍ مَقَالًا. «وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» لَيْسُوا بِوَاحِدٍ، رَسُولُ اللَّهِ مِنْهُمْ، أَعْلَمَهُ اللَّهُ إِتَاهُ فَعَلَّمَنِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، ثُمَّ لَا يَزَالُ فِي عَقْبِنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. ثُمَّ قَرَأَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ» وَ أَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، وَ الْعِلْمُ فِي عَقْبِنَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ

حدیث 57: امیر المؤمنین(علیه

السلام) رو به ما کرد و فرمود: از من سؤال کنید پیش از آن که مرا نیابید. قسم به آن که دانه را شکافت و مردم را خلق کرد، من به تورات از اهل تورات عالم ترم، و به انجیل از اهل انجیل عالم ترم، و به قرآن از اهل قرآن عالم ترم. قسم به آن که دانه را شکافت و مردم را خلق کرد، هیچ گروهی نیست تا

ص: 144

روز قیامت که به صد نفر برسد مگر آن که من رهبر و راهنمای آنان را می شناسم. از من در باره قرآن سؤال کنید. در قرآن بیان هر چیزی و علم اولین و آخرین است. قرآن برای گوینده ای حرفی باقی نگذاشته فرمود «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (1)

تأویل قرآن را جز خداوند و فرورفتگان در علم کسی نمی داند. آنان يك نفر نیستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آنان است. خداوند به او آموخته و آن حضرت هم به من آموخته است، و سپس در نسل ما تا روز قیامت خواهد بود. بعد حضرت چنین قرائت فرمود «بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ» (2) بقیه ای از آن چه آل موسی و آل هارون بر جای گذاشتند و من نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منزله هارون نسبت به موسی هستم، و علم در نسل ما تا روزی که قیامت بر پا شود خواهد بود (3)

در کتاب تأویل الآيات این عبارت را اضافه دارد: سپس حضرت این آیه را قرائت فرمود «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» (4)

آن را سخن باقی در نسل او قرار داد. و سپس فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسل حضرت ابراهیم (علیه السلام) است، و ما اهل بیت (علیهم السلام) نسل ابراهیم (علیه السلام) و نسل محمد (صلی الله علیه و آله) هستیم.

حدیث 58: قَالَ أَبَانٌ عَنْ سُلَيْمٍ قَالَ جَلَسْتُ إِلَى عَلِيٍّ بِالْكُوفَةِ فِي الْمَسْجِدِ وَالنَّاسُ حَوْلَهُ فَقَالَ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْجِدُونِي سَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ فَوَلَّى اللَّهُ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا وَقَدْ أَقْرَأْنِيهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا فَقَالَ ابْنُ الْكَوَّازِ فَمَا كَانَ يَنْزِلُ عَلَيْهِ وَأَنْتَ غَائِبٌ فَقَالَ بَلَى يَحْفَظُ عَلَيٌّ مَا غَبْتُ عَنْهُ فَإِذَا قَدِمْتُ عَلَيْهِ قَالَ لِي [يَا عَلِيُّ] أَنْزَلَ اللَّهُ بَعْدَكَ كَذَا وَكَذَا فَيُقَرِّئُنِيهِ وَتَأْوِيلُهُ كَذَا وَكَذَا فَيَعْلَمُنِيهِ

حدیث 58: ابان از سلیم نقل می کند که گفت: در مسجد کوفه خدمت امیرالمومنین (علیه السلام) نشسته بودم و مردم اطراف آن حضرت بودند. حضرت فرمود: از من

ص: 145

1- . آل عمران آیه 7

2- . البقرة آیه 248

3- . کتاب سلیم بن قیس الهلالی ج 2 ص 942 الحدیث الثامن و السبعون

4- . الزخرف آیه 28

بپرسید قبل از آن که مرا نیاید. در باره کتاب خدا از من بپرسید. به خدا قسم هیچ آیه ای از کتاب خدا نازل نشده مگر آن که پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای من خوانده تا من هم بخوانم، و تأویل آن را به من آموخته است، ابن کواء گفت: پس آنچه نازل می شد در حالی که تو غائب بودی چه می شود؟ فرمود: بلی، آن چه من در آنها غایب بودم برایم حفظ می کرد، و آنگاه که نزد او می آمدم می فرمود: یا علی! خداوند بعد از تو این مطالب را نازل کرد، و آنها را برایم می خواند تا من هم می خواندم، و می فرمود: تأویل اینها چنین است و آن را به من می آموخت. (1)

حدیث 59: أَبَانُ عَنْ سَلِيمٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَالَ امِيرَالْمُؤْمِنِينَ: فَأَلَأَيْمَةٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَ مُنْزَلِ الْكِتَابِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ لَا تَصْمُحُ إِلَّا فِيهَا لِأَنَّ اللَّهَ حَصَّهَا وَ جَعَلَهَا أَهْلًا فِي كِتَابِهِ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ فَالْعِلْمُ فِيهِمْ وَ هُمْ أَهْلُهُ وَ هُوَ عِنْدَهُمْ كُلُّهُ بِحَدَافِيرِهِ بَاطِنُهُ وَ ظَاهِرُهُ وَ مُحْكَمُهُ وَ مُتَشَابِهُهُ وَ نَاسِخُهُ وَ مَنْسُوخُهُ. (2)

حدیث 59: امیرالمؤمنین(علیه السلام): ائمه(علیهم اسلام) از اهل بیت نبوت و معدن رسالت و محل نزول کتاب و محل هبوط وحی و رفت و آمد ملائکه اند خلافت جز در آنان صلاحیت ندارد، خداوند آنان را اختصاص داده و آنان را در کتابش و بر لسان پیامبرش سزاوار آن قرار داده پس علم در آنان بوده و ایشان اهل آنند علم با جمیع جوانبش، باطن و ظاهرش، محکم و متشابهش، ناسخ و منسوخش نزد ایشان است.

حدیث 60: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ مَا ادَّعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ إِلَّا كَذَابٌ وَ مَا جَمَعَهُ وَ حَفِظَهُ كَمَا نَزَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِهِ.*

ص: 146

1- . کتاب سلیم بن قیس الہلالی ج 2 ص 802 الحدیث الحادی و الثلاثون [1]

2- . کتاب سلیم بن قیس الہلالی ج 2 ص 846 الحدیث الثانی و الأربعون [1]

حدیث 60: امام باقر (علیه السلام): جز دروغگو هیچ یک از مردم ادعا نکند که تمام قرآن را چنان که نازل شده، جمع کرده، و کسی جز علی (علیه السلام) و امامان پس از وی آن را چنان که خدای تعالی فرستاده، جمع و نگهداری نکرده اند. (1)

حدیث 61: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ قَالَ إِيَّانَا عَنِّي وَ عَلِيِّ (عليه السلام) أَوْلُنَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله). *

حدیث 61: برید بن معاویه گوید به امام باقر (علیه السلام) آیه شریفه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (2) بگو خدا و کسی که علم کتاب نزد اوست، برای گواهی میان من و شما کافی است را عرض کردم، فرمود: خداوند ما را قصد کرده و علی (علیه السلام) بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اول ما و افضل ما و بهتر ما خاندانست (3)

حدیث 62: قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَنْبَارِيُّ الْكَاتِبُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا شَدَّ عَيْبُ بْنُ أَيُّوبَ قَالَ حَدَّثَنَا مُعَاوِيَةُ بْنُ هِشَامٍ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ هِشَامِ بْنِ حَسَّانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام)

يَحْطُبُ النَّاسَ بَعْدَ النَّبِيِّ لَهٗ بِالْأَمْرِ فَقَالَ نَحْنُ حِزْبُ اللَّهِ الْعَالِبُونَ وَ عِترَةُ رَسُولِهِ الْأَقْرَبُونَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ الطَّيِّبُونَ الطَّاهِرُونَ وَ أَحَدُ الثَّقَلَيْنِ اللَّذَيْنِ خَلَفَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فِي أُمَّتِهِ وَ التَّالِي كِتَابَ اللَّهِ فِيهِ تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ» فَالْمَعْوَلُ عَلَيْنَا فِي تَفْسِيرِهِ لَا نَتَّظِنُ تَأْوِيلَهُ بَلْ نَتَّبَعُنُ حَقَائِقَهُ فَاطِيعُونَ فَإِنَّ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةٌ إِذْ كَانَتْ بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولِهِ مَفْرُوضَةً قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

ص: 147

1- . الكافي ج 1 ص 228 كتاب الحجة باب أنه لم يجمع القرآن كله إلا الأئمة وأنهم يعلمون علمه كله ح 1

2- . الرد آية 43

3- . الكافي ج 1 ص 229 كتاب الحجة باب أنه لم يجمع القرآن كله إلا الأئمة وأنهم يعلمون علمه كله ح 6

آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ» (و

لَوْرُدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ) وَ أَحْذَرُكُمْ الْإِصْغَاءَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ بِكُمْ فَ «إِنَّهُ

لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» فَتَكُونُوا كَأَوْلِيَائِهِ الَّذِينَ قَالَ لَهُمْ «لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ» فَتَلْقَوْنَ إِلَى الرِّمَاحِ وَ زَرَأً وَ إِلَى السُّيُوفِ جَزَراً وَ لِلْعُمَدِ حَطَماً وَ لِسَهَامٍ غَرَضاً ثُمَّ «لَا يَنْفَعُ نَفْساً إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا

خَيْراً»

حدیث 62: هشام بن حسان گوید: پس از آنکه با امام حسن مجتبی (علیه السلام) برای حکومت بیعت شد از آن حضرت شنیدم که برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: ما حزب پیروز خدا، خاندان نزدیک پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و عترت طیب و طاهر اویسیم، و یکی از دو ثقل گرانبھائی هستیم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از خود در میان امتش بجای گذارد، ما جفت و همدوش کتاب خدائیم که تفصیل هر چیز در آن هست، «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ» (1) و هیچ گونه باطلی از پس و پیش در آن راه ندارد، در تفسیر آن بر ما اعتماد شود (و تفسیر صحیح قرآن از ما صادر گردد) قرآن را به حدس و گمان تفسیر نکرده، بلکه حقائق آن را به یقین می دانیم، پس از ما اطاعت کنید که اطاعت ما واجب شمرده شده، چرا که به طاعت خدا و رسولش مقرون گشته است، خدای عز و جل فرموده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ» (2) «وَ لَوْرُدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (3) ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و رسول او و صاحبان امر اطاعت کنید، پس اگر در مورد چیزی نزاع پیدا کردید

ص: 148

1- . فصلت آیه 42

2- . النساء آیه 59

3- . النساء آیه 83

آن را به حکم خدا و رسول باز گردانید و اگر در آن به پیامبر و اولو الامرشان رجوع می کردند، به حقیقت آن پی می بردند، و شما را از گوش فرا دادن به آواز شیطان بر حذر می دارم که «إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (1) او دشمن آشکار شماست، و در نتیجه مانند آن دوستان او می شوید که به آنان گوید «لا-غالب لكم اليوم من الناس وإني جاز لكم فلما تراءت الفئتان نكص على عقبه وقال إني بريء منكم إني أرى ما لا ترون» (2) امروز احدی از مردم بر شما پیروز نمی شود و من خودم پناه شمایم، و چون دو گروه پیکار جو (صف مسلمین و کفار) به هم برخوردند پا به فرار گذاشت و به پشت خود گریخت و گفت: من از شما بیزارم، من چیزی را می بینم که شما نمی بینید و در آنگاه هدف نیزه ها، و طعمه شمشیرها، و درهم شکسته گرزها، و هدف تیرها واقع می شوید، سپس «لا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» (3) در آن روز هیچ کسی را که قبلاً ایمان نیاورده و کار خوبی نکرده ایمانش سودی نبخشد (4)

حدیث 63: عِدَّةٌ

مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ الْأَحْمَرِ عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي رَجَاءٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: مَا عَلِمْتُمْ قُقُولُوا وَمَا لَمْ تَعْلَمُوا فَقُولُوا اللَّهُ أَعْلَمُ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْتَزِعُ الْآيَةَ مِنَ الْقُرْآنِ يَخْرُ فِيهَا أَبْعَدَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

حدیث 63: امام باقر (علیه السلام) فرمود: آنچه می دانید بگوئید و آنچه نمی دانید بگوئید خدا داناتر است. همانا مرد آیه ای از قرآن بیرون می کشد (تا به دلخواه خویش تفسیر کند و دلیل مدعای باطل خویش سازد) از این رو به فاصله ای دورتر از میان آسمان و زمین سرنگون گردد. (یا از معنی حقیقی آیه به این مسافت دور شود). (5)

حدیث 64: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ

ص: 149

1- . البقرة آية 168

2- . الانفال آية 48

3- . الانعام آية 158

4- . الامالی للمفيد ص 348 مجلس 41 ح 4

5- . الكافي ج 1 ص 42 باب النهي عن القول بغير علم ح 4

مُصَدِّعٍ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ مَحْرُزٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ مِنْ عِلْمٍ مَا أُوتِينَا تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ وَأَحْكَامَهُ وَعِلْمَ تَغْيِيرِ الزَّمَانِ وَ حَدَّثَانِهِ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا أَسَدَ مَعَهُمْ وَ لَوْ أَسَدَ مَعَ مَنْ لَمْ يَسْمَعْ لَوْلَى مُعْرِضًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْ ثُمَّ أَمْسَكَ هُنَيْدَةً ثُمَّ قَالَ وَ لَوْ وَجَدْنَا أَوْعِيَةً أَوْ مُسْتَرَا حًا لَقَلْنَا وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ

حدیث 64: سلمة بن محرز گوید: شنیدم امام باقر (علیه السلام) می فرمود: از جمله علم‌های ما که به ما داده شده است تفسیر قرآن و احکام آن است و علم تغییر زمان و حوادث آن، هر گاه خدا خیر مردمی را خواهد آنها را شنوا سازد، کسی که گوشش نوا ندارد، از سخنی که به گوش او رسد روگردان است مثل اینکه نشنیده، سپس اندکی از سخن باز ایستاد و پس از آن فرمود: اگر دل‌های وسیعی پیدا می‌کردیم که تاب تحمل حقائق داشت و اگر مردم نکته‌فهم و رازداری که مذاکره با آنها وسیله آسایش خاطر بود در دست داشتیم می‌گفتیم و خدا یاور ما است. (1)

حدیث 65: ... وَ مَا يَكْفِيهِمُ الْقُرْآنُ قَالَ بَلَىٰ إِنَّ وَجَدُوا لَهُ مُفَسِّرًا قَالَ وَ مَا فَسَّرَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ بَلَىٰ قَدْ فَسَّرَهُ لِرَجُلٍ وَاحِدٍ وَ فَسَّرَ لِأُمَّةٍ شَأْنَ ذَلِكَ الرَّجُلِ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

حدیث 65: مردی به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشت: مگر قرآن برای آنها (و هدایت امت) کافی نیست؟ فرمود: چرا در صورتی که مفسری برای قرآن داشته باشند آن شخص پرسید: مگر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) قرآن را تفسیر نفرموده است؟ فرمود: چرا تنها برای یک مرد تفسیر کرد و شأن آن مرد را که علی (علیه السلام) است به امت خود گفت. (2)

حدیث 66:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ بَهْرَامَ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): مَنْ جَاءَنَا يَلْتَمِسُ الْفِقْهَ وَ الْقُرْآنَ وَ تَفْسِيرَهُ فَدَعُوهُ

ص: 150

1- . الكافي ج 1 ص 229 باب أنه لم يجمع القرآن كله إلا الأئمة ع وأنهم يعلمون علمه كله ... ح 3

2- . الكافي ج 1 ص 250 باب في شأن إنا أنزلناه في ليلة القدر و تفسيرها ح 6

حدیث 66: عمرو بن جمیع گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر که نزد ما آید و فقه و قرآن و تفسیر آن را جوید از او دست بردارید (تا بیاید و فرا گیرد) (1)

حدیث 67: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمَدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الصَّلْتِ عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: ... وَ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ آيَةٌ إِلَّا وَ أَنَا أَعْرِفُهَا وَ أَعْرِفُ تَفْسِيرَهَا وَ فِي أَيِّ مَكَانٍ نَزَلَتْ مِنْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ وَ فِي أَيِّ وَقْتٍ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ وَ إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا وَ أَشَارَ إِلَى صَدْرِهِ وَ لَكِنَّ طُلَّابَهُ يَسِيرٌ وَ عَنْ قَلِيلٍ

حدیث 67: امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: در قرآن آیه ای نیست مگر آنکه می دانم تفسیر آن را و می دانم که در چه مکان نازل شده از کوه و دشت و در چه وقت نازل شده است از شب یا روز و اشاره به سینه مبارک خود کرد و فرمود: در اینجاست علم بسیار از هر چیزی و لیکن طالبان این علم اندکند. (2)

حدیث 68: حَدَّثَنَا

الْمُظَفَّرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْمُظَفَّرِ الْعَلَوِيِّ السَّمَرَقَنْدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ نَصْرِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَابِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بْنُ بُهْلُولِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ قُرَّةَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدِ بْنِ الْمَدِينِيِّ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ ابْنِ أَبِي عِيَّاشٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَلِيمُ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ مَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنَاهَا وَ أَمْلَاهَا عَلَيَّ وَ كَتَبْتُهَا بِحَطِّي وَ عَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَ تَفْسِيرَهَا وَ نَاسِخَهَا وَ مَنْسُوخَهَا وَ مُحْكَمَهَا وَ مُتَشَابِهَهَا وَ دَعَا اللَّهَ عَزَّ

ص: 151

1- . الكافي ج 2 ص 442 باب اللمم ح 4

2- . عيون أخبار الرضا ج ص 205 باب 16 باب ما جاء عن الرضا من حديث أصحاب الرس ح 1

وَجَلَّ لِي أَنْ يُعَلِّمَنِي فَهَمَّهَا وَحِفْظَهَا فَمَا نَسِيَتْ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَلَا عَلِمًا أَمْلَأَهُ عَلَيَّ فَكَتَبْتُهُ وَمَا تَرَكَ شَيْئًا عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ وَلَا أَمْرٍ وَلَا نَهْيٍ وَمَا كَانَ أَوْ يَكُونُ مِنْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا عَلَّمَنِيهِ وَحَفِظْتُهُ وَلَمْ أَنْسَ مِنْهُ حَرْفًا وَاحِدًا ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ صَدْرِي وَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَمَلَأَ قَلْبِي عِلْمًا وَفَهْمًا وَحِكْمَةً وَثُورًا لَمْ أَنْسَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا وَلَمْ يَقْتِنِي شَيْءٌ لَمْ أَكْتُبْهُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَتَخَوَّفُ عَلَيَّ السَّيِّئَانِ فِيمَا بَعْدُ فَقَالَ لَسْتُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكَ نَسِيَانًا وَلَا جَهْلًا وَقَدْ أَخْبَرَنِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَدْ اسْتَجَابَ لِي فِيكَ وَفِي شُرَكَائِكَ الَّذِينَ يَكُونُونَ مِنْ بَعْدِكَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ شُرَكَائِي مِنْ بَعْدِي قَالَ الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِنَفْسِهِ وَبِي فَقَالَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ الْآيَةَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هُمْ قَالَ الْأَوْصِيَاءُ مِنِّي إِلَى أَنْ يَرِدُوا عَلَيَّ الْحَوْضَ كُلُّهُمْ هَادٍ مُهْتَدٍ لَا يَصُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنَ مَعَهُمْ لَا يُفَارِقُهُمْ وَلَا يُفَارِقُونَهُ بِهِمْ تُنْصَرُ أُمَّتِي وَبِهِمْ يُمَطَّرُونَ وَبِهِمْ يُدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءُ وَيُسْتَجَابُ دَعَاؤُهُمْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) سَمَّيْتُمْ لِي فَقَالَ ابْنِي هَذَا وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ رَأْسِ الْحَسَنِ ثُمَّ ابْنِي هَذَا وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ رَأْسِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ ابْنُ لَهَيْقَالُ لَهُ عَلَيٌّ وَسَيُؤَلِّدُ فِي حَيَاتِكَ فَأَقْرَبُهُ مِنِّي السَّلَامُ ثُمَّ تَكَمَّلَهُ اثْنِي عَشَرَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) سَمَّيْتُمْ لِي رَجُلًا فَرَجُلًا فَسَمَّاهُمْ رَجُلًا رَجُلًا فِيهِمْ وَاللَّهُ يَا أَخَا بَنِي هَلَالَ مَهْدِيُّ أُمَّتِي مُحَمَّدٌ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجُورًا وَاللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُ مَنْ يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ وَقَبَائِلِهِمْ.

حدیث 68: سلیم بن قیس هلالی گوید: از علی (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: هیچ آیه ای از قرآن بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل نشد جز آن که آن را بر من إقرأ و املا فرمود و من آن را با خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را به من آموخت و از خدای تعالی خواست که فهم و حفظ آن را به من تعلیم دهد و هیچ آیه ای از کتاب خدا را فراموش نکردم و هیچ علمی را که بر من املا فرمود و من آن را نوشتم از یاد نبردم و هر چه که خدای تعالی به او آموخته بود از حلال و حرام و امر و نهی و آن چه که بوده و خواهد بود از طاعت و معصیت همه را به من آموخت و من آن را حفظ نمودم و حتی يك حرف آن را فراموش نکردم، سپس دست خود را بر سینه ام نهاد و از خدای تعالی خواست که قلبم را از علم و فهم و حکمت و نور آکنده سازد، چیزی از آنها را فراموش نکردم و آن چه را هم که نوشتم از من فوت نشد، گفتم: ای رسول خدا! آیا می ترسی که در آینده فراموش کنم؟ فرمود: بر تو از نسیان و نادانی نمی هراسم در حالی که پروردگارم به من خبر داده است که دعای مرا در حق تو و شریکانت که پس از تو خواهند بود اجابت کرده است، گفتم: ای رسول خدا! شریکان من که پس از من خواهند بود چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که خدای تعالی آنان را قرین خود و من ساخته و فرموده است «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (1)

گفتم: ای رسول خدا! آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان اوصیای من هستند تا آن که در حوض کوثر بر من در آیند، همه آنان هادی و مهتدی هستند، هر که آنان را فرو گذارد به ایشان ضرری نرساند، ایشان با قرآن هستند و قرآن نیز با آنان بوده و از ایشان مفارقت نکند و آنان نیز از قرآن جدا نشوند، به واسطه آنان اتمم یاری شوند و باران بر آنها ببارد و بلا از ایشان دفع گردد و دعایشان مستجاب گردد..... (2)

ص: 153

1- . النساء آية 59

2- . کمال الدین و تمام النعمة ج 1 ص 284 باب 24 باب ما روي عن النبي ص في النص على القائم و أنه الثاني عشر من الأئمة ح 37

حدیث 69: أَيُّهَا النَّاسُ مَا كُنَّا لِنَجِيَّكُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا وَعِنْدَنَا تَأْوِيلُهُ وَتَفْسِيرُهُ إِلَّا وَإِنِّي أَنَا أَبُوكُمْ إِلَّا وَإِنِّي أَنَا مَوْلَاكُمْ إِلَّا وَإِنِّي أَنَا أَجِيرُكُمْ

حدیث 69: ای مردم ما چیزی برای شما نیاوریم جز اینکه تأویل و تفسیر آن را به نزد خود داریم. آگاه باشید، منم پدر شما، آگاه باشید منم مولا و صاحب اختیار شما، آگاه باشید منم اجیر و مزدبر شما. (1)

حدیث 70: قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): الْأَيْمَةُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ

حدیث 70: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: ائمه (علیهم السلام) از اهل بیت من هستند به آنها چیزی نیاموزید که آنها از شما داناترند. (2)

حدیث 71: أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَمْرِو بْنِ أَبِيهِ عَنِ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) بِمَكَّةَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ إِنَّكَ لَتُفَسِّرُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَا لَمْ تَسْمَعْ بِهِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) عَلَيْنَا نَزَلَ قَبْلَ النَّاسِ وَ لَنَا فُسْرٌ قَبْلَ أَنْ يُفَسَّرَ فِي النَّاسِ فَتَحْنُ نَعْرِفُ حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ وَ نَاسِخَهُ وَ مَنْسُوخَهُ وَ سَفَرِيَّهَهُ وَ حَضْرِيَّهَهُ وَ فِي أَيِّ لَيْلَةٍ نَزَلَتْ كَمْ مِنْ آيَةٍ وَ فِي مَنَ نَزَلَتْ وَ فِيمَا نَزَلَتْ فَتَحْنُ حُكْمَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شَهَادَاتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَمِعْتُ شَهَادَتَهُمْ وَ يُسْأَلُونَ فَالشَّهَادَةُ لَنَا وَ الْمَسْأَلَةُ لِلْمَشْهُودِ عَلَيْهِ فَهَذَا عَلِمُ مَا قَدْ أَنْهَيْتُهُ إِلَيْكَ وَ أَدَيْتُهُ إِلَيْكَ مَا لَزِمَنِي فَإِنْ قَبِلْتَ فَاشْكُرْ وَ إِنْ تَرَكْتَ فَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ.

حدیث 71: یعقوب بن جعفر گفت: در خدمت حضرت ابوالحسن (علیه السلام) در مکه بودم مردی به ایشان گفت شما از قرآن تفسیر هائی می کنید که شنیده نشده. امام (علیه السلام)

ص: 154

1- . الأماي للمفيد ص 353 المجلس الثاني والأربعون ح 3

2- . كمال الدين و تمام النعمة ج 2 ص 662 باب 58 باب في نوادر الكتاب

فرمود: قرآن بر ما نازل شده قبل از مردم و پیش از مردم برای ما تفسیر شده ما به حلال و حرام و ناسخ و منسوخ و آیاتی که در سفر و آیاتی که در حضر نازل شده و در کدام شب چقدر آیه نازل شده و در باره چه کس و چه چیز نازل گردیده عارف هستیم ما حکمای خدا در زمین و گواهان او در میان مردم هستیم این آیه اشاره به همین مطلب است «سَتُنَكْتُبُ شَهَادَتَهُمْ وَيُسْئَلُونَ»⁽¹⁾ گواهی از ماست و پرسش از مردم، این علمی بود که به تو اطلاع دادم اگر قبول نمودی بر این نعمت سپاسگزاری کن و اگر رد کردی خداوند بر هر چیز گواه است.⁽²⁾

ص: 155

1- . الزخرف آية 19

2- . بصائر الدرجات ج 1 ص 198 باب 8 باب في أن عليا علم كلما أنزل على رسول الله في ليل أو نهار أو حضر أو سفر والأئمة من بعده

ح 4

حدیث 1: وَرُوِيَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ... نَحْنُ عَلَّةُ الْوُجُودِ وَحُجَّةُ الْمَعْبُودِ

حدیث 1: امام صادق (علیه السلام): ما سبب ایجاد مخلوقات و حجت خدائیم. (1)

حدیث 2: قَالَ الْبَاقِرُ (علیه السلام): قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ... مِنْ أَجْلِكُمْ ابْتَدَأْتُ خَلْقَ مَا خَلَقْتُ وَأَنْتُمْ خِيَارُ خَلْقِي... وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعُلُوشِدَائِي لَوْلَا كَ وَ لَوْلَا عَلِيٌّ وَعِثْرَتُكُمْ مَا الْهَادُونَ الْمَهْدِيُّونَ الرَّاشِدُونَ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا الْمَكَانَ وَ لَا الْأَرْضَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْمَلَائِكَةَ وَ لَا خَلْقًا يَعْبُدُنِي.

حدیث 2: امام باقر (علیه السلام) در حدیث زیبایی فرمودند: خداوند متعال فرموده: به خاطر شما اهل بیت (علیهم اسلام) آغاز نمودم خلقت آن چه را که خلق نمودم شما برگزیدگان خلقید... به عزت و جلال و مقام والایم سوگند که اگر تو و علی (علیه السلام) و عترت هادی و مهدی و راهنماییت نبود بهشت و جهنم و مکان و زمین و آسمان و ملائکه و هیچ موجودی را نمی آفریدم که مرا پرستد. (2)

حدیث 3: قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام): قَالَ اللَّهُ تَعَالَى خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ حَدِيث 3: امام صادق (علیه السلام): خداوند متعال فرموده: دنیا و آخرت را به خاطر ائمه معصومین (علیهم اسلام) خلق نمودم. (3)

حدیث 4: قَالَ الْبَاقِرُ (علیه السلام): يَا جَابِرُ إِنَّا مِنْ اللَّهِ تَعَالَى بِمَكَانٍ وَ مَنْزِلَةٍ رَفِيعَةٍ فَلَوْ لَا نَحْنُ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ تَعَالَى سَمَاءً وَ لَا أَرْضاً وَ لَا جَنَّةً وَ لَا نَاراً وَ لَا شَمْساً وَ لَا قَمَراً وَ لَا جَنّاً وَ لَا إِنْساً وَ يَحْكُ يَا جَابِرُ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ يَا جَابِرُ بِنَا وَ اللَّهُ

ص: 157

1- . بحار الأنوار: ج 26 ص 259 باب 5 جوامع مناقبهم و فضائلهم ح 37.

2- . مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر ج 2 ص 373 باب الثاني والعشرون وأربعمئة أنه - عليه السلام ولي الله، مكتوب على المكان و سرادقات العرش و أطراف السماوات، و الجنة و النار و الهواء و أطراف الأرض ح 611

3- . مشارق انوار اليقين ص 237 فصل اسم علي و محمد عليهما السلام على كل شي ء.

أَنْقَذَكُمْ اللَّهُ وَبِنَا نَعَشَكُمْ وَبِنَا هَدَاكُمْ وَنَحْنُ وَاللَّهِ دَلَّلْنَا لَكُمْ عَلَى رَبِّكُمْ

حدیث 4: امام باقر (علیه السلام) در حدیث زیبایی فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند آسمان و زمین، بهشت و جهنم، خورشید و ماه و جن و انس را خلق نمی کرد. جابر! ما را با هیچ کس مقایسه نکنید به خدا قسم به وسیله ما خدا شما را نجات داد و ما واسطه هدایت شما شدیم و شما را به خدا راهنمایی کردیم. (1)

حدیث 5: أَقُولُ قَالَ الشَّيْخُ حَسَنُ بْنُ سَلْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِ الْمُحْتَضَرِّ، رَوَى بَعْضُ عُلَمَاءِ الْإِمَامِيَّةِ فِي كِتَابِ مَنْهَجِ التَّحْقِيقِ إِلَى سَوَاءِ الطَّرِيقِ بِإِسْمِ نَادِيهِ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ: ... قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ... لِأَجْلِنَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَالْعَرْشَ وَالْكَرْسِيَّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ

حدیث 5: امیرالمومنین (علیه السلام): ... خداوند به خاطر ما آسمان و زمین، عرش و کرسی، و بهشت و جهنم را خلق نموده است. (2)

انبیاء و ملائکه خلق نشدند مگر بخاطر ایشان حدیث 6: قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): لَوْلَا نَا لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَلَا الْأَنْبِيَاءَ وَلَا الْمَلَائِكَةَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَتَحْنُ أَفْضَلُ أَمْ الْمَلَائِكَةُ فَقَالَ يَا عَلِيُّ نَحْنُ أَفْضَلُ خَيْرُ خَلِيقَةِ اللَّهِ عَلَى بَسِيطِ الْأَرْضِ وَخَيْرَةُ الْمَلَائِكَةِ اللَّهُ الْمُقَرَّبِينَ وَكَيْفَ لَا نَكُونُ خَيْرًا مِنْهُمْ وَقَدْ سَبَقْنَاهُمْ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَتَوْحِيدِهِ فَبِنَا عَرَفُوا اللَّهَ وَبِنَا عَبَدُوا اللَّهَ وَبِنَا اهْتَدَوْا السَّبِيلَ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ

حدیث 6: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): اگر ما نبودیم خداوند بهشت و جهنم و انبیاء و ملائکه را خلق نمی نمود. علی (علیه السلام) فرمود: من گفتم: یا رسول الله پس ما از ملائکه

ص: 158

1- . نوار المعجزات في مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام ص 267 الباب الخامس في معجزات وأعلام علي بن الحسين زين العابدين عليهما السلام خبر الخيط، معروف مشهور

2- . بحار الانوار ج 27 ص 38 باب 14 أنهم عليهم السلام سخر لهم السحاب و يسر لهم الأسباب ح 5

برتریم. فرمود: یا علی! ما بهتر از تمام خلائق خدا در زمین هستیم و بهتریم از ملائک مقرب و چطور از آن‌ها بهتر نباشیم با این که ما بر آن‌ها در معرفت و شناخت خدا و توحید سبقت گرفتیم آن‌ها به وسیله ما خدا را شناختند و پرستش کردند و راه را یافتند به سوی شناخت خدا. (1)

خداوند به مخلوقاتش ر و ز ی نمی دهد مگر به خاطر ائمه اطهار

حدیث 7:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عُثْمَانَ الْكَرَّاجِيُّ فِي كَنْزِ الْفَوَائِدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): ... أَنَّ أَبَا حَنِيفَةَ أَكَلَ طَعَامًا مَعَ الْإِمَامِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) فَلَمَّا رَفَعَ يَدَهُ مِنْ أَكْلِهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مِنْكَ وَمِنْ رَسُولِكَ فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَ جَعَلْتَ مَعَ اللَّهِ شَرِيكًا فَقَالَ لَهُ وَيْلَكَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَ مَا تَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَعْنَاهُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَقُولُ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ وَ لَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ (صلى الله عليه وآله)

فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ وَ اللَّهُ لَكَانِي مَا قَرَأْتُهُمَا قَطُّ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ لَا سَمِعْتُهُمَا إِلَّا فِي هَذَا الْوَقْتِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

بَلَى قَدْ قَرَأْتُهُمَا وَ سَمِعْتُهُمَا وَ لَكِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ فِيكَ فِي أَشْبَاهِكَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا وَقَالَ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

حدیث 7: روزی ابوحنیفه همراه امام صادق (عليه السلام) غذا می خورد، وقتی حضرت دست از خوردن کشیدند فرمودند: سپاس و ستایش سزاوار خداوندی است که پروردگار جهانیان است، خداوند! این نعمت از تو و از رسول توست. ابوحنیفه گفت: آیا برای خدا شریک قرار می دهی؟ حضرت فرمود: وای بر تو، خدای تبارک

ص: 159

1- . بحار الأنوار: ج 26 ص 349 باب 8 فضل النبي وأهل بيته صلوات الله عليهم على الملائكة وشهادتهم بولايتهم ح 23.

لَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ» (1) و چقدر خوب بود اگر ایشان به آن چه خدا و رسول او به آن ها مرحمت کرده راضی و خشنود بوده و می گفتند: خدا ما را کفایت می کند، و به زودی خدا و رسولش از بزرگواری و فضل خود به ما عطا خواهند کرد. و همچنین می فرماید: «وَمَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَعْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ» (2) در مقام انتقام جویی برنیامدند مگر بعد از آن که خدا و رسول ایشان را از فضل و بخشش خود بی نیاز کردند. ابوحنیفه گفت: گویا این دو آیه را از کتاب خدا تا کنون نخوانده و آن را نشنیده بودم. حضرت فرمود: این دو آیه را خوانده ای و شنیده ای، و لکن درباره تو و امثال تو این آیه نازل شده «أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (3) یا بر دل هایشان قفل زده شده که در نتیجه چیزی در آن وارد نمی شود. و این آیه را فرموده: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (4)

این طور نیست، بلکه بر دل های آن ها به خاطر اعمالی که انجام داده اند پرده کشیده شده. (5)

به خاطر ایشان رحمت از آسمان و زمین نازل می گردد

حدیث 8: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْبَصَرِيِّ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ حُمَيْدِ بْنِ الْمُثَنَّى الْعِجْلِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ خَيْثَمَةَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ:.... وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا نَزَلَ الرَّحْمَةَ

حدیث 8: امام باقر (علیه السلام): ... به خاطر ما اهل بیت (علیهم السلام) رحمت نازل شود. (6)

حدیث 9:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ دَاوُدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْجَارُودِ الْعَبْدِيِّ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ:....

ص: 160

1- . توبه آیه 59.

2- . توبه آیه 74.

3- . محمده آیه 24.

4- . مطففین، آیه 14.

5- . وسائل الشیعة ج 24 ص 351 باب 56 باب استحباب التسمية و التحمید فی أول الأکل و فی أثنائه لا الصمت ص : 348

ح 30752، بحار الانوار ج 47 ص 240 باب 7 مناظراته ع مع أبي حنيفة و غيره من أهل زمانه و ما ذكره المخالفون من نوادر علومه ح 25،

6- . کمال الدین و تمام النعمة ج 1 ص 206 باب 21 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام ح 20، بحار الانوار ج 26 ص 248 باب

5 جوامع مناقبهم و فضائلهم ح 19

قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ...بِهِمْ يَعْمرُ بِلَادَهُ وَبِهِمْ يَرْزُقُ عِبَادَهُ وَبِهِمْ نَزَلَ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ وَبِهِمْ يَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ

حدیث 9: امیرالمومنین (علیه السلام) در حدیثی زیبا فرمودند: ... به خاطر ایشان خداوند بلادش را آباد کرده و به بندگانش روزی دهد و به خاطر ایشان سرزمین ها را آباد و به خاطر ایشان برکات را از زمین خارج کند. (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ:

عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي وَدَيَانُ دِينِي أُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ يَقُومُونَ بِأَمْرِي وَيَدْعُونَ إِلَى سَبِيلِي بِهِمْ أَدْفَعُ الْعَذَابَ عَنْ عِبَادِي وَإِمَائِي وَبِهِمْ أَنْزَلَ رَحْمَتِي.

حضرت رضا (علیه السلام) نقل کرد از علی بن ابی طالب (علیه السلام) که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: به من جبرئیل (علیه السلام) از جانب خدا پیغام آورد که علی بن ابی طالب (علیه السلام) حجت من در میان مردم و به پای دارنده دین منست، از نژاد او خارج می کنم پیشوایانی را که امر مرا به پا می دارند و به راه من مردم را دعوت می کنند به وسیله آنها عذاب را از مرد و زن برطرف می کنم و به وسیله ایشان رحمت خود را نازل می نمایم. (2)

ص: 161

1- . کمال الدین: ج 1 ص 260 باب 24 باب ما روي عن النبي ص في النص على القائم ع وأنه الثاني عشر من الأئمة ح 5

2- [2]. الأمامي للصدوق ص 544 المجلس الحادي والثمانون ح 7

ائمه اطهار معادن خیر فی زیارة الجامعه: اِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اَوْلَاهُ وَ اَصْلُهُ وَ فَرَعُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ

در زیارت جامعہ کبیره آمده: اگر از خیر، اسمی به میان آید شما، اول آن، ریشه آن، شاخه آن، معدن آن، جایگاه آن، و آخر آن باشید. (1)

حدیث 10: قَالَ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَام):... فَأَمَّا نَحْنُ فَأَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنِ الْكِرَامَةِ وَ مَوْضِعِ الْخَيْرَةِ

حدیث 10: امام مجتبی (علیه السلام): ما اهل بیت (علیهم اسلام) رحمت و معدن کرامت و جایگاه خیر و خوبی ها هستیم. (2)

رفع گرفتاری ها به برکت و جود ایشان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) الْكَهْفِ الْخَصِيِّينَ، وَ غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ، وَ مَلْجَأِ الْهَارِبِينَ، وَ عِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ.

امام سجاد (علیه السلام) در ضمن دعایی پر معنا فرمودند: خدایا! درود و رحمت را بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) که پناه گاهی مستحکم، فریادرس مضطربین، پناه فراریان، و پشتوانه چنگ زندگان به ایشان هستند بفرست. (3)

حدیث 11: فَقَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ الدَّلَالُ قَالَ أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْخَزَّازُ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فُرَاتٍ الْقُرَارِيُّ [الْقَزَّازِيُّ] قَالَ حَدَّثَنَا عَامِرُ بْنُ كَثِيرٍ السَّرَّاجُ قَالَ وَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ قَالَ: حَدَّثَنَا زِيَادُ بْنُ الْمُنْذِرِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ هُوَ

ص: 162

1- . من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 616 زيارته جامعته لجميع الأئمة.

2- . الإحتجاج على أهل اللجاج: ج 1 ص 280 مفاخرة الحسن بن علي على معاوية و مروان بن الحكم و المغيرة بن شعبة و الوليد بن عقبة و عتبة بن أبي سفيان، بحار الأنوار ج 44 ص 94 باب 20 سائر ما جرى بينه صلوات الله عليه و بين معاوية و أصحابه ص: 70

ح 8

3- . المزار، محمد بن المشهدي: ص 401 الباب في شهر شعبان، ما يقال كل يوم منه.

يَقُولُ... أَمِنْ لِمَنْ التَّجَأَ إِلَيْهِمْ وَ أَمَانٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ

حديث 11: امام باقر(عليه السلام): اهل بيت(عليهم اسلام) محلي امن برای پناهنده شدن و تكيه كردن بوده، و هر كه به ايشان متمسك شود در امان خواهد بود.(1)

في الزيارة الجامعة... لَا يُذْعَنُ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُمْ

در زيارت جامعه كبيره مي گوييم: ... من پناهنده و پناه برنده به قبرهاي شما اهل بيت هستم و از خداوند به واسطه شما طلب شفاعت مي كنم(2)

حديث 12: وَ قَالَ الرُّضَا (عليه السلام) إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شَدِيدَةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ قَوْلُهُ (وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا)(3)

حديث 12: امام رضا(عليه السلام): هرگاه برای شما پيشامد سختی روی داد از ما کمک و یاری بجوئید، و این همان گفتار خدای متعال است که فرمود «وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا» S برای خدا اسماء نيكویی است پس او را به آن نام ها بخوانید.(4) R ائمه اطهار(عليهم اسلام) مایه رحمتند برای مخلوقات

حديث 13: أَبِي رَحْمَهُ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ ابْنِ أَبِي بَرٍّ عَنْ أَبِي بَرٍّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَلْقًا مِنْ رَحْمَتِهِ خَلَقَهُمْ مِنْ نُورِهِ وَ رَحْمَتِهِ مِنْ رَحْمَتِهِ لِرَحْمَتِهِ فَهُمْ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةِ وَ أُذُنُ السَّامِعَةِ وَ لِسَانُ النَّاطِقِ فِي خَلْقِهِ بِإِذْنِهِ وَ أَمَّاؤُهُ عَلَى مَا أَنْزَلَ مِنْ عَذْرٍ أَوْ نَذْرٍ أَوْ حُجَّةٍ فِيهِمْ يَمْحُو السَّيِّئَاتِ وَ بِهِمْ يَدْفَعُ الضَّيْمَ وَ بِهِمْ يُنْزَلُ الرَّحْمَةُ وَ بِهِمْ يُحْيَى

ص: 163

- 1- . اليقين باختصاص مولانا علي عليه السلام بامرة المؤمنين ص 318 باب 121 الباب فيما نذكره عن أحمد بن محمد الطبري من كتابه الذي أشرنا إليه في تسمية مولانا علي ع بأمر المؤمنين و ولي المؤمنين و وصي رسول رب العالمين ح 1، بحار الأنوار ج 23 ص 246 باب 13 أن مودتهم أجر الرسالة و سائر ما نزل في مودتهم ح 16
- 2- . من لا يحضره الفقيه ج 2 ص 609 زيارة جامعة لجميع الأئمة.
- 3- . الاعراف آية 180
- 4- . الاختصاص: ص 252 في بيان جملة من الحكم و المواعظ و الوصايا عنهم، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج 5 ص 228 باب 35 باب استحباب التوسل في الدعاء بمحمد و آل محمد ح 5758، بحار الأنوار ج 91 ص 22 باب 28 الاستشفاع بمحمد و آل محمد في الدعاء و أدعية التوجه إليهم و الصلوات عليهم و التوسل بهم صلوات الله عليهم ح 17

مَيِّتًا وَبِهِمْ يُمِيتُ حَيًّا وَبِهِمْ يَبْتَلِي خَلْقَهُ وَبِهِمْ يَقْضِي فِي خَلْقِهِ فَضِيَّتَهُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَنْ هُوَ لِأَقَالَ الْأَوْصِيَاءَ.*

حدیث 13: محمد بن مسلم گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: خداوند را خلقی است از رحمتش، ایشان را از نور و رحمت خود خلق کرده تا رحمت او را ظاهر کنند، آنان دیده بینای الهی، گوش شنوای پروردگار و زبان گویای او در میان مردمانند، و امین او هستند بر آن چه نازل کرده از عذر یا هشدار یا برهان، به خاطر آنان گناه بندگان را آمرزیده و ظلم را برطرف کرده و رحمتش را نازل می کند. به سبب ایشان مرده را زنده کرده و زنده را می میراند، و به وسیله آنان آفریدگانش را امتحان کرده و امورش را در میان بندگان اجرا می کند. عرضه داشتیم: فدای تو گردم، آن ها کیستند؟ فرمود: اوصیاء. (1)

و آیا اوصیاء غیر از امامان ما هستند که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دستور داده آن ها را بشناسیم و کسی که بمیرد و امامش را نشناسد مرگ او، مرگ در حال کفر و انکار است، و در احادیث بسیار فرموده اند: مَنْ مَاتَ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً هر که بمیرد در حالی که امامش را نشناخته، به مرگ جاهلیت مرده. (2)

بواسطه ایشان اعمال مردم پذیرفته می گردد

حدیث 14: قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مَعْنَا عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ يَا مُفَضَّلُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ نُورِهِ وَ خَلَقَ شَيْعَتَنَا مِنَّا وَ سَائِرَ الْخَلْقِ فِي النَّارِ بِنَا يُطَاعُ اللَّهُ وَ بِنَا يُعْصَى يَا مُفَضَّلُ سَبَّتْ عَزِيمَةً مِنَ اللَّهِ أَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِنَا وَ لَا يُعَذِّبُ أَحَدًا إِلَّا بِنَا فَنَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ وَ أَمَانُوهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ خَزَائِنُهُ فِي سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ حَلَلْنَا عَنِ اللَّهِ وَ

ص: 164

-
- 1- . التوحيد: ص 167 باب 24 معنى العين و الأذن و اللسان ح 1، معاني الأخبار ص 16 باب معاني ألفاظ وردت في الكتاب و السنة في التوحيد ح 10، بحار الأنوار ج 26 ص 240 باب 5 جوامع مناقبهم و فضائلهم ح 2 مقصود از اوصيا چهارده معصوم b می باشد.
 - 2- . المحاسن ج 1 ص 154 باب 22 باب من مات لا يعرف إمامه ح 78

حَرَّمْنَا عَنِ اللَّهِ لَا نَحْتَجِبُ عَنِ اللَّهِ إِذَا شِئْنَا وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى وَ مَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَهُوَ قَوْلُهُ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَلْبَ وَلِيِّهِ وَكُرًّا لِإِرَادَتِهِ فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شِئْنَا

حدیث 14: مفضل بن عمر گفت امام صادق (علیه السلام) فرمود: مفضل! خداوند ما را از نور خود آفرید و شیعیان ما را از ما آفرید بقیه مردم در آتشند به وسیله ما خدا اطاعت می شود و به وسیله ما معصیت می گردد مفضل خدا تصمیم غیر قابل برگشت گرفته که از کسی عملی را نپذیرد مگر به واسطه ما و کسی را معذب ننماید مگر به واسطه ما ما باب الله و حجت و امین او بر خلق و خزینه دار او در آسمان و زمین هستیم از جانب خدا حلال می کنیم و به دستور او حرام می نمایم بین ما و خدا پرده ای نیست وقتی بخواهیم این آیه اشاره به همان است «وَ مَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» و این فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز ناظر بر همین مطلب است إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَلْبَ وَلِيِّهِ وَكُرًّا لِإِرَادَتِهِ فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شِئْنَا خداوند دل ولی خود را آشیانه اراده خویش قرار داده هر گاه او بخواهد ما نیز می خواهیم. (1)

فی الدعاء النديه: ... وَ اجْعَلْ صَلَوَاتِنَا بِهِ مُسْتَجَابًا وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَ هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً وَ حَوَائِجَنَا مَقْضِيَةً وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ أَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ وَ انْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً

و در فرازهای پایانی دعای ندبه می خوانیم: (خدایا) به واسطه آن حضرت نماز ما را مقبول و گناهان ما را آمرزیده و دعای ما را مستجاب ساز و به وسیله او روزی ما را با وسعت وافر نما و به وسیله او غم و اندوه ما را کفایت کن و به وسیله او حاجت های ما را برآورده فرما و به سوی ما رو آور به روی با کرامت و تقرب و توسل ما را به درگاہت پذیر و به ما نظر رحمتی بفرما.

ص: 165

1- [1]. تفسير فرات الكوفي ص 529 [سورة الإنسان(76): آية 30] ح 681، بحار الانوار ج 26 ص 256 باب 5 جوامع مناقبهم و فضائلهم ح 32

حدیث 15: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): ... جَعَلَهُمُ اللَّهُ حَيَاةً لِلْأَنَامِ*

حدیث 15: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی زیبا فرمودند: خداوند اهل بیت (علیهم اسلام) را سبب حیات و زندگانی خلائق قرار داده. (1)

حفظ عالم از نابودی به یمن وجود ایشان حدیث 16: قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عَمِّهِ الْحَسَنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَالِمِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): ... بِهِمْ يُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ

حدیث 16: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در حدیثی بسیار زیبا فرمودند: خداوند به سبب اهل بیت (علیهم اسلام) آسمان را بر زمین بر افراشته و نگاه داشته. (2)

حدیث 17: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ [السَّنَانِيُّ] رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ الصَّقْرِ الْعَبْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنْ سَدِّ لَيْمَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ: ... وَنَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا

ص: 166

1- . الكافي ج 1 ص 204 بَابُ نَادِرٍ جَامِعٍ فِي فَضْلِ الْإِمَامِ وَصِفَاتِهِ ح 2

2- . الاختصاص ص 224 حدیث فی الأئمة، بحار الأنوار ج 36 ص 370 باب 41 نصوص الرسول ص علیهم علیهم السلام ح 234

بِإِذْنِهِ وَبِنَا يُمْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبِنَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَبِنَا يُنْشِرُ الرَّحْمَةَ وَيُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَلَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا

حدیث 17: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی بسیار زیبا می فرماید: ... خداوند به واسطه ما آسمان را نگهداشته که بر زمین فرو نریزد مگر به اذن و اجازه او و به وسیله ما زمین را نگهداشته که اهلش را تکان ندهد باران به واسطه ما می بارد و رحمت به واسطه ما گسترش می یابد و زمین نعمت های خود را خارج می کند. اگر نباشد راهنمایی از ما خانواده زمین اهلش را فرو می برد. (1)

دفع عذاب از اهل زمین به واسطه ایشان حدیث 18: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرَانَ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَالِمِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يَقُولُ قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله): وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنْ وَصِيَّي لَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ وَإِنَّهُ لِحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَمَنْ وُلِدَهُ الْأَيْمَةُ الْهُدَاهُ بَعْدِي بِهِمْ يَحْسِبُ اللَّهُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِهِمْ يُمْسِكُ الْجِبَالَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَبِهِمْ يَسْقِي خَلْقَهُ الْغَيْثَ وَبِهِمْ يُخْرِجُ النَّبَاتَ

حدیث 18: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): به حق کسی که مرا به رسالت برانگیخت و بهترین خلق خود قرار داد، وصی و جانشین من برترین اوصیاست، او حجت خدا بر بندگان و جانشین او در میان مخلوقات بوده، و فرزندان او پیشوایان هدایت کننده اند، به

ص: 167

1- . الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ ص 186 المجلس الرابع و الثلاثون 34 ح 15، بحار الانوار ج 26 ص 6 باب 1 الاضطراب إلى الحجّة و أن الأرض لا تخلو من حجّة ح 10.

واسطه ایشان از اهل زمین عذاب را منع کرده، و به سبب آن ها آسمان ها را حفظ کند، و به خاطر ایشان کوه ها را نگاه دارد، و بندگان را از باران رحمت خود سیراب کند، و به برکت ایشان گیاهان را از زمین خارج کرده و می رویاند. (1)

حدیث 19: حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَاحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ وَالْحَسَنِ بْنِ طَرِيفٍ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ وَ حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا حِيلَ بِهِ وَ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَ الْحَسَنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَاتَانَةَ وَ أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ:....

أَوْلَيْكَ أَوْلِيَانِي حَقًّا، بِهِمْ أَذْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حِدَيْسٍ، وَ بِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ، وَ أَزْفَعُ عَنْهُمْ الْأَصَارَ وَ الْأَغْلَالَ* حَدِيث 19: امام باقر (عليه السلام): خداوند می فرماید: آن ها (ائمه (علیهم السلام)) حقیقتاً اولیای من بوده، به خاطر ایشان هر فتنه کور ظلمانی را دفع می کنم و به خاطر ایشان زلزله ها را برطرف می سازم، و به خاطر ایشان گناهان و غل و غش ها را می زدایم. (2)

حدیث 20: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوْحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي هَاشِمِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ قَبْرِي بِسَرٍّ مَنْ رَأَى أَمَانًا لِأَهْلِ الْجَانِبَيْنِ.

حدیث 20: امام حسن عسکری (عليه السلام): همانا قبر من در سامراء برای دو گروه (دوست و

دشمن) امانست. (3)

ص: 168

- 1- . الاختصاص: ص 224 حدیث فی الأئمة. بحار الأنوار ج 36 ص 370 باب 41 نصوص الرسول ص علیهم السلام ح 234
- 2- . کمال الدین و تمام النعمة ج 1 ص 311 باب 28 باب ذکر النص علی القائم ع فی اللوح الذي أهده الله عز و جل إلى رسوله ص و دفعه إلى فاطمة ع فعرضته علی جابر بن عبد الله الأنصاري حتى قرأه و انتسخه و أخبر به أبا جعفر محمد بن علي الباقر ع بعد ذلك ح 1 الإمامة و التبصرة: ص 105 باب فی ذکر حدیث اللوح، و انّ الامام الثاني عشر هو الحجّة ابن الحسن العسکري ح 92.
- 3- . وسائل الشیعة ج 14 ص 572 باب 90 استیحاب زیارة الهادي و العسکري و المهدي ع من داخل أو خارج ح 19843

حدیث 21: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَالَ لِي مُبْتَدئًا يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُخَلِّ الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ وَلَا يُخَلِّيَهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَبِهِ يُخْرَجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ *

حدیث 21: امام عسکری (علیه السلام): ای احمد! به راستی که خداوند متعال از روزی که حضرت آدم (علیه السلام) را آفرید تا روز رستاخیز زمین را از وجود حجت خود خالی نگذارده و نخواهد گذارد. حجتی که به برکت وجود او بلا و گرفتاری ها از ساکنان زمین دفع شده به وسیله او باران می بارد و گیاهان از زمین بیرون می آید. (1)

و در هر حال انسان مشمول احسانی از طرف آن ها یا دفع بلائی به سبب آنهاست، زیرا تیرهای حوادث روزگار پیاپی پرتاب می شوند و بدی های دوران همواره فرود می آیند و به عنایت اهل بیت (علیهم السلام) است که از او دفع شده و بر طرف می گردد، و اگر کسی این نعمت ها و لطف ها که درباره اش به واسطه آن ها می شود به یاد داشته باشد و فراموش نکند به روشنی درک می کند که آن ها نزد او از خودش محبوب تر و دوست داشتنی تر هستند.

دفع بلا از شیعیان و دوستانشان به واسطه ایشان

حدیث 22: قَالَ صَاحِبُ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام):... أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي

ص: 169

1- . کمال الدین ج 2 ص 384 باب 38 ما روی عن أبي محمد الحسن بن علي العسكري من وقوع الغيبة بابنه القائم ع و أنه الثاني عشر من الأئمة ح 1.

حدیث 22: امام زمان f: من آخرین وصی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) هستم به وسیله من بلاها و فتنه ها از آشنایان و شیعیانم دفع و برطرف خواهد شد. (1)

حدیث 23: قَالَ صَاحِبُ الزَّمَانِ الْمَهْدِيُّ (عليه السلام): نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا نَائِبِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ حَسَبَ الَّذِي أَرَانَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَ لَشِدَائِعِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْقَاسِدِينَ فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ... إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ حدیث 23: در نامه ای که از ناحیه مقدسه به شیخ مفید صادر شده آمده است: ما گرچه در جایی دور از محل سکونت ستمگران اقامت کردیم، و این به خاطر آنست که خدای تعالی مصلحت ما و مصلحت شیعیان ما را در این دیده است، ولی با این وجود ما به اخبار شما آگاهیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.... ما در رسیدگی به شما کوتاهی نکرده و یادتان از خاطر ما نمی رود زیرا اگر جز این بود بلاها بر شما فرود آمده و دشمنان ریشه شما را می کنند. (2)

واسطه بین مردم و خداوند

حدیث 24: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَمَرَ الْجَعَابِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُبَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّى الْأَزْدِيِّ: أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) يَقُولُ: نَحْنُ

السَّبَبُ

ص: 170

-
- 1- . کمال الدین ج 2 ص 441 باب 43 ذکر من شاهد القائم ع و راه و کلمه ح 12.
 - 2- . الاحتجاج ج 2 ص 497 ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان ع من المسائل الفقهية وغيرها في التوقيعات على أيدي الأبواب الأربعة وغيرهم

بَيْنَكُمْ

وَبَيْنَ اللَّهِ

محمد بن مثنى ازدى گفت از حضرت صادق (عليه السلام) شنيدم كه مي فرمود: ما سبب و واسطه بين شما و خدا هستيم. [\(1\)](#)

ص: 171

1- . الأمالي للطوسي ص 157 [6] المجلس السادس ح 12

حدیث 1: أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ تَبَقَى الْأَرْضُ بغيرِ إِمَامٍ قَالَ لَا.

حدیث 1: حسین بن ابی العلاء گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: آیا زمین بدون امام (علیه السلام) باقی می ماند؟ فرمود: نه.

(1)

حدیث 2: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَتَبَقَى الْأَرْضُ بغيرِ إِمَامٍ قَالَ لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بغيرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ* حدیث 2: ابو حمزه می گوید خدمت امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: آیا زمین بدون امام (علیه السلام) باقی می ماند؟ فرمود: اگر زمین بدون امام (علیه السلام) باشد فرو می رود. (2)

حدیث 3: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ

حدیث 3: امام باقر (علیه السلام) فرمود چنانچه امام (علیه السلام) از زمین بر گرفته شود زمین با اهلیش مضطرب گردد همچون دریا. (3)

حدیث 4: حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْعَصْفَرِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ يَوْمًا بِإِمامٍ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً

ص: 173

- 1- . الكافي ج 1 ص 178 كتاب الحجّة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 4
- 2- . الكافي ج 1 ص 179 كتاب الحجّة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 10.
- 3- . الكافي ج 1 ص 179 كتاب الحجّة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 12

فِي أَرْضِهِ وَأَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَنْ يَزَالَوا فِي أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهَرِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ وَلَا يُمَهِّلَهُمْ وَلَا يُنْظِرَهُمْ ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ وَرَفَعَنَا اللَّهُ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَأَحَبُّ.

حدیث 4: امام باقر (علیه السلام): اگر روزی زمین بدون امام و پیشوایی که از ما اهل بیت (علیهم السلام) است بماند اهل خود را فرو می بلعد و خداوند آنان را به سخت ترین شکل عذاب می کند خداوند ما را حجت در روی زمین قرار داده و امان برای اهل زمین هستیم تا وقتی ما در میان آن ها باشیم از فرو بردن در امان هستند. اگر خدا تصمیم بگیرد که مردم را هلاک کند و مهلت به ایشان ندهد ما را از میان آن ها بر می دارد و بلند می کند آنگاه آنچه بخواهد و دوست داشته باشد انجام می دهد. (1)

حدیث 5:

أَبِي وَابْنُ الْوَلِيدِ مَعَا عَنْ سَعْدِ وَ الْحَمِيرِيِّ مَعَا عَنْ ابْنِ يَزِيدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَلَالٍ فِي حَالِ اسْتِيقَامَتِهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَمْضِي الْإِمَامُ وَ لَيْسَ لَهُ عَقِبٌ قَالَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ قُلْتُ فَيَكُونُ [مَاذَا] قَالَ لَا يَكُونُ إِلَّا أَنْ يَغْضَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خَلْقِهِ فَيَعَاجِلَهُمْ.*

حدیث 5: زراره گفت به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: آیا ممکن است امام (علیه السلام) از دنیا برود با اینکه فرزندی نداشته باشد؟ فرمود: نه چنین چیزی امکان ندارد عرضه داشتیم: ممکن است روی زمین امام (علیه السلام) وجود نداشته باشد فرمود: نه مگر خداوند بخواهد بر مردم خشم بگیرد و طومار زندگی آن ها را در هم نوردد. (2)

حدیث 6: أَبِي عَنْ سَعْدِ وَ الْحَمِيرِيِّ مَعَا عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهَا حُجَّةً عَالِمٌ إِنَّ الْأَرْضَ

ص: 174

1- . کمال الدین ج 1 ص 204 باب 21 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام ع ح 14

2- . کمال الدین ج 1 ص 204 باب 21 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام ع ح 13

لَا يُصَلِّحُهَا إِلَّا ذَلِكَ وَلَا يُصَلِّحُ النَّاسَ إِلَّا ذَلِكَ.*

حدیث 6: امام صادق (علیه السلام) می فرمود: زمین هرگز خالی از حجت دانائی نیست دوام و بقای زمین به همان حجت است و مردم را جز این صلاحی نیست. (1)

حدیث 7: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا رَجَاءُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ بَزِيدَ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لِأَيِّ شَيْءٍ يُحْتَاجُ إِلَى النَّبِيِّ وَالْإِمَامِ فَقَالَ لِبِقَاءِ الْعَالَمِ عَلَى صِدْقِهِ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْفَعُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِذَا كَانَ فِيهَا نَبِيٌّ أَوْ إِمَامٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ»

حدیث 7: امام باقر (علیه السلام) در روایتی زیبا در پاسخ به علت نیاز مردم به پیامبر و امام (علیه السلام) فرمود: برای این که دنیا به سامان ماند چه آن که خداوند عزوجل با وجود پیامبر یا امام (علیه السلام) در روی زمین عذاب را از زمینیان برمی دارد خداوند در قرآن کریم می فرماید «ما كان الله ليُعذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» خداوند هرگز آن ها را عذاب نمی کند تا وقتی تو (پیغمبر) میان آن ها باشی. (2)

حدیث 8: أَبِي عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَالِكِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ قَالَ الرَّضَا (عليه السلام): نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ وَأَمْنَاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ وَنَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَنَحْنُ شَهَادَةُ اللَّهِ وَأَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَبِنَا يُنْزِلُ الْعَيْثَ وَيُنْشُرُ الرَّحْمَةَ لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ مِنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ وَلَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ

لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ

ص: 175

-
- 1- . کمال الدین ج 1 ص 203 باب 21 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام ع ح 7
 - 2- . علل الشرائع ج 1 ص 123 باب 103 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى النبي والإمام ح 3

حدیث 8: حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: ما حجت خدا هستیم در روی زمین و خلیفه او در میان بندگان و امین اسرار خدا و کلمه تقوی و دستاویز محکم و گواهان خدا و نشانه های او در میان مردم، به واسطه ما خداوند آسمان ها و زمین را از ریزش نگه می دارد به واسطه ما باران می بارد و رحمت خدا پراکنده می گردد، به راستی زمین خالی از رهبری از ما خانواده نخواهد بود چه ظاهر و آشکار باشد یا پنهان و ترسان اگر یک روز خالی از حجت باشد اهلش را فرو می برد مانند دریا. (1) حدیث 9:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى وَإِبْرَاهِيمُ بْنُ مَهْزِيَارٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْبَجَلِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ لَهُ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ فِي آخِرِهِ لَوْ لَا مَنْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ لَنَفَضَتِ الْأَرْضُ مَا فِيهَا وَآلَقَتْ مَا عَلَيْهَا إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو سَاعَةً مِنَ الْحُجَّةِ*

حدیث 9: زراره از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که آن جناب در ضمن گفتاری فرمودند: اگر نباشد روی زمین حجت خدا آنچه بر روی زمین است به لرزش می افتند و همه را پرت می کند، زمین لحظه ای خالی از حجت نیست. (2)

حدیث 10: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) تَبْقَى الْأَرْضُ بَعْدَ إِمَامِ قَالَ لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بَعْدَ إِمَامٍ سَاعَةً لَسَاخَتْ*

حدیث 10: در حدیثی بسیار زیبا ابی حمزه گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: آیا زمین بدون امام (علیه السلام) می ماند؟ فرمود: اگر زمین بی امام (علیه السلام) شود، فرورود، (اهل خود را در خود کشد و هلاک کند). (3)

ص: 176

- 1- . کمال الدین ج 1 ص 202 باب 21 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام ع ح 6
- 2- [1] کمال الدین ج 1 ص 202 باب 21 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام ع ح 4
- 3- . علل الشرائع ج 1 ص 196 باب 153 باب العلة التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله عز وجل على خلقه ح 5

حدیث 11: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَالَ لَا قُلْتُ فَإِنَّا نُرَوِّى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهَا لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ أَوْ عَلَى الْعِبَادِ فَقَالَ لَا تَبْقَى إِذَا لَسَاخَتْ*

حدیث 11: محمد بن فضیل گوید: به امام رضا (علیه السلام) عرضه داشتم: زمین بی امام (علیه السلام) به جا می ماند؟ فرمود: نه، عرضه داشتم: از امام صادق (علیه السلام) به ما روایتی رسیده است که زمین بی امام (علیه السلام) نماند مگر آن که خدا بر مردم زمین یا بر بندگان خود خشم گیرد، فرمود: در این صورت به جا نماند و فروریزد. (1)

حدیث 12: وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): نَحْنُ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَنَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَ لَوْلَا نَا لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا

حدیث 12: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روایتی فرمودند: ما ائمه مسلمین، حجت خدا بر اهل عالم و امان برای اهل آسمان ها و زمین هستیم، اگر ما نبودیم زمین ساکنانش را زیر و رو می کرد. (2)

حدیث 13: أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الدِّينَوْرِيِّ وَمُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي قَتَادَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا (عليه السلام) فَقُلْتُ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ فَقَالَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا*

حدیث 13: در روایتی دیگر آمده است سلمان بن جعفر جعفری گفت: از امام رضا (علیه السلام) پرسیدم: آیا زمین خالی از حجت می شود؟ فرمودند: اگر دنیا يك چشم

ص: 177

1- . الكافي كتاب الحجة باب 5 بَابُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ ح 11

2- . مشارق ص 85 فصل علي عليه السلام الإمام المبين

حدیث 14:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغْبِرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا رَجَاءُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) لَأَيِّ شَيْءٍ يُحْتَاجُ إِلَى النَّبِيِّ وَالْإِمَامِ فَقَالَ لِقِيَاءِ الْعَالَمِ عَلَى صَلاَحِهِ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْفَعُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِذَا كَانَ فِيهَا نَبِيٌّ أَوْ إِمَامٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» وَقَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) النَّجْمُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ إِذَا ذَهَبَتْ النَّجْمُ أَتَى أَهْلَ السَّمَاءِ مَا يَكْرَهُونَ وَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي أَتَى أَهْلَ الْأَرْضِ مَا يَكْرَهُونَ يَعْنِي بِأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيُّمَةَ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِهِ فَقَالَ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» وَهُمْ الْمَعْصُومُونَ الْمُطَهَّرُونَ الَّذِينَ لَا يُذْنِبُونَ وَلَا يَعْصُونَ وَهُمْ الْمُؤَيَّدُونَ الْمُؤَقَّفُونَ الْمُسَدَّدُونَ بِهِمْ يَرْزُقُ اللَّهُ عِبَادَهُ وَبِهِمْ تُعْمَرُ بِلَادُهُ وَبِهِمْ يُنْزَلُ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ وَبِهِمْ يُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ وَبِهِمْ يُمَهَّلُ أَهْلُ الْمَعَاصِي وَلَا يُعَجَّلُ عَلَيْهِمْ بِالْعُقُوبَةِ وَالْعَذَابِ لَا يُفَارِقُهُمْ رُوحُ الْقُدُسِ وَلَا يُفَارِقُونَهُ وَلَا يُفَارِقُونَ الْقُرْآنَ وَلَا يُفَارِقُهُمْ صَلاَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

حدیث 14: به امام باقر (علیه السلام) عرضه داشتیم: احتیاج مردم به پیامبر و امام (علیه السلام) در چه چیزی است؟ حضرت فرمودند: برای پایداری عالم زیرا خداوند متعال عذاب را از اهل عالم با وجود پیامبر یا امام (علیه السلام) باز می دارد. خدای تعالی می فرماید «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» (2) تا تو در میان آنان هستی خداوند آن ها را عذاب نمی کند و

ص: 178

1- [3] علل الشرائع ج 1 199 باب 153 باب العلة التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله عز وجل على خلقه ح 21

2- . سورة مبارکه انفال آیه 33

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: ستارگان امان اهل آسمانند و اهل بیتم امان اهل زمین اند. اگر ستاره از بین بروند بلاها بر اهل آسمان هجوم می آورد. و اگر زمین از اهل بیت من خالی باشد ناملازمات مردم را احاطه می کند. مقصود پیامبر(صلی الله علیه و آله) از اهل بیتش امامانی هستند که خداوند متعال اطاعت آن ها را قرین اطاعت خود کرده و آنان معصوم و پاکیزه اند، و هرگز گناه و معصیت نکرده و مورد تائید و توفیق و تسدید خدایند. خداوند به خاطر ایشان به بندگانش روزی می دهد و شهرهایش را آباد می کند و به واسطه آنان قطراتباران را از آسمان فرو می فرستد، و برکات را از زمین بیرون آورده و گناهکاران را مهلت داده و در عذاب و عقوبت آنان تعجیل نمی کند(1)

حدیث 15: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ وَهُوَ يَقُولُ: لَمْ تَخْلُو الْأَرْضُ مُنْذُ كَانَتْ مِنْ حُجَّةِ عَالِمٍ يُحْيِي فِيهَا مَا يُمَيِّتُونَ مِنَ الْحَقِّ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِمْ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»*

حدیث 15: امام صادق(علیه السلام): زمین از ابتدا خالی از حجت عالم و دانائی نبوده که احیای دستوراتی که مردم به دست فراموشی سپرده اند و از بین رفته بنماید بعد آن جناب این آیه را تلاوت نمود(یُرِيدُونَ

لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِمْ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ

الْكَافِرُونَ»(2)

حدیث 16:

أَبِي وَ ابْنُ الْوَلِيدِ مَعَا عَنْ سَعْدِ وَ الْجَمِيرِيِّ مَعَا عَنْ الْيَقْطِينِيِّ وَ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ مَعَا عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ وَ ابْنِ فَضَّالٍ مَعَا عَنْ أَبِي هُرَّاسَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ

مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً

ص: 179

1- . علل الشرايع ج 1 ص 123 باب 103 العلة التي من أجلها يحتاج إلى النبي والإمام ح 1
2- [2]. كمال الدين و تمام النعمة ج 1 ص 221 باب 22 باب اتصال الوصية من لدن آدم ع و أن الأرض لا تخلو من حجة لله عز و جل على خلقه إلى يوم القيامة ح 4.

حدیث 16: حضرت ابوجعفر امام باقر(علیه السلام) فرمودند: اگر امام(علیه السلام) يك ساعت در روی زمین نباشند زمین ساکنان خود را فرو می برد، همان طور که دریا انسان را با امواج خروشان غرق می نماید. (1) تذکر: پس یکی دیگر از ضرورت های وجود ائمه اطهار(علیهم السلام) حفظ عالم هستی از نابودی است این نابودی دلانلی دارد از جمله آن اینست که به واسطه اعمالی که مردم مرتکب می شوند، مستحق نابودی و هلاکت می گردند خداوند به برکت وجود امام(علیه السلام) به ایشان مهلت داده و در عذاب و عقوبت ایشان تعجیل نمی فرماید.

ص: 180

1- . الكافي ج 1 ص 179 باب أن الأرض لا تخلو من حجة ح 12 کمال الدین ج 1 ص 202 باب 21 باب العلة التي من أجلها يحتاج إلى الإمام ع.... ح 3

حدیث 1: وَبِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى عَنْ سُلَيْمَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُهُ تَعَالَى «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» فَمَا هَذَا الْهُدَى بَعْدَ التَّوْبَةِ وَالْإِيمَانِ وَالْعَمَلِ الصَّالِحِ قَالَ فَقَالَ مَعْرِفَةُ الْأَيْمَةِ وَاللَّهِ إِمَامٌ (كذا) [بَعْدَ إِمَامٍ] يَا سُلَيْمَانُ.

حدیث 1: داود بن کثیر رقی گفت: بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم و به آن حضرت عرضه داشتم: فدایت شوم، در آیه شریفه: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (1) به راستی من نسبت به کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و سپس هدایت یابد، بسیار آمرزنده ام. منظور از هدایت، بعد از توبه، ایمان و عمل صالح، چیست؟ فرمود: معرفت و شناخت ائمه هدی (علیهم السلام) به خدا سوگند امامی بعد از امام دیگر است. (2)

حدیث 2: أَخْبَرَنَا أَبُو عُمَرَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ بَرِيْعٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا قَاسِمُ بْنُ الصَّحَّاحِ، قَالَ: حَدَّثَنِي شَهْرُ بْنُ حَوْشَبٍ أَخُو الْعَوَّامِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام): «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا» قَالَ وَاللَّهِ لَوْ أَنَّهُ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى وَلَا يَتَنَا وَمَوَدَّتَنَا وَمَعْرِفَةَ فَضْلِنَا مَا أَغْنَى عَنْهُ ذَلِكَ شَيْئًا

حدیث 2: از امام باقر (علیه السلام) نقل کرد که حضرت در باره آیه شریفه «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا» (3)

فرمودند: به خدا قسم اگر توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد ولی راه به ولایت و محبت ما نداشته باشد و فضل و مقام ما را نشناسد توبه و ایمان و عمل صالح او برایش سودی نخواهد داشت. (4)

ص: 183

1- . طه آیه 82

2- . فضائل الشیعه ح 22. بحار الأنوار ج 27 ص 198 باب 7 أنه لا تقبل الأعمال إلا بالولاية ح 64

3- . مریم آیه 60

4- [3] الأمامي للطوسي ص 259 [10] المجلس العاشر ح 6

حدیث 3: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ كَمْ شِيعَتُنَا بِالْكَوْفَةِ قَالَ قُلْتُ خَمْسُونَ أَلْفًا قَالَ فَمَا زَالَ يَقُولُ حَتَّى قَالَ أَتَرْجُو أَنْ يَكُونُوا عَشْرِينَ ثُمَّ قَالَ وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنْ يَكُونَ بِالْكَوْفَةِ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا يَعْرِفُونَ أَمْرَنَا الَّذِي نَحْنُ عَلَيْهِ وَلَا يَقُولُونَ عَلَيْنَا إِلَّا بِالْحَقِّ.

حدیث 3: امام صادق (علیه السلام) به مفضل بن قیس فرمود: شمار شیعیان ما در کوفه چقدر است؟ گفت: عرضه داشتم: پ-نجاه هزار، پیوسته از من می پرسید؟ تا آن که فرمود: به خدا قسم! دوست داشتم در کوفه بیست و پنج نفر باشند که مقام و موقعیت ما را بشناسند و درباره ما جز حق نگویند!!!⁽¹⁾

شرح و توضیح: خداوند معرفت این بزرگواران را ابتدا و انتهای اعمال قرار داده به این معنا که اعمال همگی، کم یا زیاد، آسان یا سخت در هر مرتبه که باشد و از هرکه صادر شود، باید با اعتقاد به اهل بیت (علیهم السلام) شروع شده و با آن به پایان رسد، یعنی اعمال آدمی وقتی آثار با ارزشی به همراه دارد که با اعتقاد به اهل بیت (علیهم السلام) و قبول ولایت آن ها همراه باشد.

حصول معرفت برترین اعمال

معرفت از مسائل اعتقادی است و این گونه مسائل نسبت به اعمال عبادی به منزله روح نسبت به کالبد است، نماز و زکات و عبادت های عملی دیگر فرع مسائل اعتقادی و اصولی است، به این جهت اگر اعتقادات انسان صحیح باشد نماز و

ص: 184

همچنین سایر اعمال او صحیح بوده، وگرنه ارزشی نخواهد داشت. و همان گونه که توحید شرط صحت اعمال بوده اقرار به رسالت و اعتقاد به ولایت ائمه طاهرین (علیهم السلام) نیز شرط صحیح بودن اعمال است.

حدیث 4: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي الْمَجَالِسِ وَالْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقَبَةَ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ رَزِيْقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَيُّ الْأَعْمَالِ هُوَ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ، وَلَا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَالصَّلَاةَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الزَّكَاةَ، وَلَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الصَّوْمَ، وَلَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الْحَجَّ، وَفَاتِحَةُ ذَلِكَ كُلِّهِ مَعْرِفَتُنَا، وَخَاتِمَتُهُ مَعْرِفَتُنَا...*

حدیث 4: روایات بسیاری بر آن چه گفتیم: دلالت می کند، از آن جمله روایتی است که شیخ طوسی در کتاب امالی نقل کرده است: زرع به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشت: بعد از معرفت پروردگار، کدام عمل از میان اعمال برتر است؟ حضرت فرمودند: هیچ عملی بعد از معرفت هم پایه نماز نیست، و بعد از معرفت و نماز هیچ عملی به پایه زکات نرسد، و بعد از این ها هیچ کاری مانند روزه نیست، و بعد از این ها ارزش حج بیش از سایر اعمال است. و ابتدای همه این اعمال معرفت ما و انتهای آن معرفت ما باشد. (1)

حدیث 5: مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ زَكَرِيَّا بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُؤْمِنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسَدَّكَانَ وَأَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ وَأَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّمٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): ... أَوْأَخِيهِ فَمَنْ عَرَفْنَا نَفَعْتَهُ مَعْرِفَتُهُ وَقُبِلَ مِنْهُ عَمَلُهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنَا لَمْ يَنْفَعَهُ اللَّهُ بِمَعْرِفَةٍ مَا عَلِمَ وَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ عِلْمَهُ.

حدیث 5: محمد بن مسلم گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر که ما را بشناسد معرفت و شناسایی او برایش سودمند بوده، و عملش پذیرفته می شود و هر که ما را

ص: 185

1- . وسائل الشیعة ج 1 ص 27 باب 1 باب وجوب العبادات الخمس الصلاة و الزكاة و الصوم و الحج و الجهاد ح 34، الأمالی للطوسی ص 694 [39] مجلس يوم الجمعة السابع عشر من ذي القعدة سنة سبع و خمسين و أربعمائة ح 21

نشناسد، علمی که دارد نفعی برایش نخواهد داشت و عملش پذیرفته نخواهد شد. (1) مرگ جاهلیت یعنی مردن بدون شناخت امام (علیه السلام)

حدیث 6: عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى» مِنَ اللَّهِ قَالَ مَنْ اتَّخَذَ دِينَهُ رَأْيَهُ بِغَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أُمَّةٍ الْهُدَى *

حدیث 6: از حضرت ابو الحسن (علیه السلام) نقل می کند که ایشان در باره آیه شریفه «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ» (2) فرمودند: یعنی کسی که دین خود را از ائمه هدی (علیهم اسلام) نگیرد. (3)

حدیث 7: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ قَالَ قَالَ

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): مَنْ

مَاتَ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً...

حدیث 7: پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله): هر که بمیرد در حالی که امامش را نشناخته، به مرگ روزگار جاهلیت مرده. (4)

حدیث 8: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): مَنْ مَاتَ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَعَلَيْكُمْ بِالطَّاعَةِ قَدْ رَأَيْتُمْ أَصْحَابَ عَلِيٍّ وَ أَنْتُمْ تَأْتُمُونَ بِمَنْ لَا يُعَدُّ النَّاسُ بِجَهَالَةِ [بِجَهَالَتِهِ] لَنَا كَرَائِمُ الْقُرْآنِ وَ نَحْنُ أَقْوَامٌ افْتَرَضَ اللَّهُ

ص: 186

1- . الإختصاص ص 309 في أن الأئمة ع عندهم أبواب الحكم و معاقل العلم و فصل ما بين الناس و مواد العلم و أصوله بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 363 باب 19 باب ما جاء عن الأئمة من أحاديث رسول الله التي صارت إلى العامة و ما خصوا به من دونهم ح 5

2- [1] القصص آية 50

3- [2] الكافي ج 1 ص 374 باب فيمن دان الله عز و جل بغير إمام من الله جل جلاله ح 1

4- . المحاسن ج 1 ص 154 باب 22 باب من مات لا يعرف إمامه ح 78

طَاعَتَنَا وَ لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ الْمَالِ حَدِيث 8: بشیر دهان از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

S مَنْ مَاتَ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً R هر که بمیرد در حالی که امام خویش را نمی شناسد به مانند مردم جاهلیت کافر و بی اعتقاد به مبانی دینی از دنیا رفته. سعی کنید فرمانبردار باشید شما ملاحظه کردید یاران علی (علیه السلام) را که چگونه بودند شما پیرو کسی هستید که عذر احدی را در نشناختن او نمی پذیرند، آیات نفیس قرآن در باره ماست خداوند اطاعت و فرمانبرداری از ما را بر مردم واجب نموده غنائم در اختیار ماست و نعمت پاک دنیا به ما تعلق دارد. (1)

حدیث 9: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ نَصْرِ بْنِ هُوذَةَ الْبَاهِلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهَائِنْدِيُّ بِنَهَائِنْدَ سَنَةَ ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيُّ سَنَةَ تِسْعٍ وَعِشْرِينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (علیه السلام): يَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

حدیث 9: یحیی بن عبد الله از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که ایشان فرمودند: هر که بمیرد با نشناختن امام زمان خود به مرگ جاهلیت مرده. (2)

حدیث 10: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَقُولُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ لَا يُعَذَّرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَا يَصْدُرُهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ وَ مَنْ مَاتَ عَارِفًا لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسْطَاطِهِ

ص: 187

1- [1]. المحاسن ج 1 ص 154 باب 22 باب من مات لا يعرف إمامه ح 78

2- [2]. الغيبة للنعمانی ص 127 باب 7 ما روي فيمن شك في واحد من الأئمة أو بات ليلة لا يعرف فيها إمامه أو دان الله عز و جل بغير

إمام منه ح 1

حدیث 10: حضرت ابو جعفر (علیه السلام) (امام باقر (علیه السلام)) فرمود: هر که بدون امام (علیه السلام) بمیرد مرگ او چون مردن مردم جاهلیت است هرگز عذر مردم را در شناختن امام (علیه السلام) نمی پذیرند، کسی که با شناختن امام (علیه السلام) بمیرد، او را زبانی نخواهد رسید چه جلوتر از ظهور امام (علیه السلام) بمیرد یا بعد از آن و کسی که با عرفان امام (علیه السلام) از دنیا برود مانند کسی است که با قائم عجل الله فرجه در خیمه او بوده. (1)

حدیث 11: عَنْهُ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ كَانَ مَرْضِيًّا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَيْسَى بْنِ السَّرِيِّ أَبِي الْيَسَعِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

أَحْوَجُ مَا يَكُونُ إِلَى مَعْرِفَتِهِ إِذَا بَلَغَ نَفْسُهُ هَذِهِ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ فَقَالَ لَقَدْ كُنْتُ عَلَى أَمْرٍ حَسَنٍ*

حدیث 11: عیسی بن سری گفت به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: S مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً R حضرت فرمود: مهمترین موقعی که شخص احتیاج به شناختن امام خود دارد آن موقعی است که جانش به اینجا رسد اشاره به سینه خود نموده و خطاب به من فرمود: تو بر راه و طریقی شایسته هستی. (2)

حدیث 12: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمٍ [سَالِمٍ] بْنِ الْبَرَاءِ الْجَعَابِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الرَّازِيِّ التَّمِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي سَيْدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي [جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي] مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي

ص: 188

1- [1] المحاسن ج 1 ص 155 باب 22 باب من مات لا يعرف إمامه ح 85

2- [2] ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص 205 عقاب من مات لا يعرف إمامه ح 1، المحاسن ج 1 ص 92 باب 17 عقاب من لم يعرف

طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ وَدَيِّ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً وَ يُؤْخَذُ بِمَا عَمِلَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْإِسْلَامِ

حديث 12: امام رضا (عليه السلام) از آباء گرام خود از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) نقل کرد که ایشان فرمودند: هر که بمیرد بدون امامی از فرزندان من به مرگ جاهلیت مرده و بازخواست می شود از او آن چه در جاهلیت و اسلام انجام داده. (1)

حديث 13: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ النَّخَعِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَارِثُ بْنُ الْمُغِيرَةَ النَّضْرِيُّ قَالَ سَمِعْتُ عُثْمَانَ بْنَ الْمُغِيرَةَ يَقُولُ حَدَّثَنِي الصَّادِقُ عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ جَمَاعَةٌ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ الْحَارِثُ بْنُ الْمُغِيرَةَ فَلَقِيْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) فَقَالَ نَعَمْ قُلْنَا فَمَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ مَيْتَةً كُفْرٍ وَ ضَلَالٍ وَ نِفَاقٍ.

حديث 13: عثمان بن مغیره گفت: امام صادق (عليه السلام) از ابی طالب (عليه السلام) نقل کرد که پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) فرمود: S مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ جَمَاعَةٌ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً R حارث بن مغیره گفت: بعد که خدمت امام صادق (عليه السلام) رسیدم این جریان را پرسیدم فرمودند: آری، ما پرسیدیم: آیا مرگ او مرگ مردم جاهلیت است؟ فرمودند: آری مرگ کفر و ضلال و نفاق. (2)

حديث 14: أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ نَعَمْ قُلْتُ جَاهِلِيَّةً جَهْلَاءَ أَوْ جَاهِلِيَّةً لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ قَالَ جَاهِلِيَّةً كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ ضَلَالٍ *

ص: 189

1- [1]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 58 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا عن أخبار المجموعة ح 214

2- [2]. المحاسن ج 1 ص 155 باب 22 باب من مات لا يعرف إمامه ح 82

حدیث 14: حارث بن مغیره می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده: هر که بمیرد و امامش را شناسد به مرگ جاهلیت مرده؟ حضرت فرمود: آری، عرض کردم: منظور جاهلیت محض و خالص است؟ یا جاهلیت به امام؟ حضرت فرمودند: منظور جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است. (1)

حدیث 15: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ ظَرِيفٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقُلْتُ لَهُ كُلُّ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ نَعَمْ وَ الْوَاقِفُ كَافِرٌ وَ النَّاصِبُ مُشْرِكٌ

حدیث 15: محمد بن اسماعیل از امام رضا (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: هر که بمیرد با آن که امامی نداشته باشد به مرگ جاهلیت مرده عرض کردم: هر که چنین بمیرد مرگ جاهلیت داشته؟ فرمود: آری کسی که توقف دارد کافر بوده و ناصب مشرک است. (2)

حدیث 16: عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الْيَسَعِ عَيْسَى بْنِ السَّرِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِالْإِمَامِ وَ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ أَحْوَجُ مَا يَكُونُ أَحَدُكُمْ إِلَى مَعْرِفَتِهِ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَذِهِ وَ أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ يَقُولُ لَقَدْ كُنْتُ عَلَى أَمْرٍ حَسَنٍ حَدِيث 16: امام صادق (علیه السلام): زمین جز با امام برقرار نخواهد بود هر که بمیرد در حالی که امامش را نمی شناسد همانند مردم جاهلیت مرده مهمترین موقعی که احتیاج به معرفت امام (علیه السلام) دارید وقتی است که جان شما به اینجا برسد در این موقع اشاره به سینه خود کرد. آن وقت خواهید گفت: به به چقدر اعتقاد خوبی داشتم. (3)

ص: 190

- 1- . الكافي ج 1 ص 377 بَابُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ أُمَّةٍ الْهُدَى وَ هُوَ مِنَ الْبَابِ الْأَوَّلِ ح 3، وسائل الشيعة ج 28 ص 353 باب 10 باب جملة مما يثبت به الكفر و الارتداد ح 34950
- 2- [2] كمال الدين و تمام النعمة ج 2 ص 668 باب 58 باب في نوادر الكتاب ح 11
- 3- [1] المحاسن ج 1 ص 154 باب 22 باب من مات لا يعرف إمامه ح 79

علامه امینی رضوان الله علیه در الغدیر فرموده: این حقیقت روشنی است که کتب صحاح و مسانید اهل تسنن آن را ثبت کرده اند و جز خضوع در برابر مفاد آن چاره ای نیست، و اسلام کسی کامل نیست مگر این که خود را با آن تطبیق دهد، و در این مورد دو نفر با یکدیگر اختلاف نکرده و کسی درباره آن شکی به خود راه نداده، و این تعبیر اشاره به بدی عاقبت کسی دارد که بدون امام و پیشوا بمیرد و این که او از هرگونه سعادت و خوشبختی و رستگاری دور بوده، زیرا که مرگ جاهلیت بدترین نوع مردن یعنی مرگ در حال کفر و انکار است.

حدیث 17: وَ رَوَى كَثِيرٌ مِنْهُمْ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

حدیث 17: هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده (1)

حدیث 18: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ الْإِمَامِ أَوْ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ عَهْدُ الْإِمَامِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

حدیث 18: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که بمیرد و بیعت امامی در عهده او نباشد یا بیعت امام (علیه السلام) بر گردن او نباشد چون مرگ جاهلیت مرده است. (2) حدیث 19: عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ حَيٌّ ظَاهِرٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ قُلْتُ إِمَامٌ حَيٌّ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِمَامٌ حَيٌّ

حدیث 19: ابو الجارود گفت: از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم فرمود: هر که بمیرد بدون امام زنده آشکار به مرگ جاهلیت مرده عرضه داشتیم: آقا! امام زنده؟ فرمود: امام زنده، آری، امام زنده. (3)

حدیث 20: عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً إِمَامٌ حَيٌّ يَعْرِفُهُ قُلْتُ لَمْ أَسْمَعْ أَبَاكَ يَذْكُرُ هَذَا

ص: 191

1- . كنز الفوائد ج 1 ص 329 فصل من الحديث ح 4

2- . كنز الفوائد ج 1 ص 329 فصل من الحديث ح 3

3- . الإختصاص ص 269 احاديث حول خصائص الأئمة باب الأئمة في الأمر و النهي سواء ح 15

يَعْنِي إِمَامًا حَيًّا فَقَالَ قَدْ وَ اللَّهِ قَالَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ يَسْمَعُ لَهُ وَيُطِيعُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

حدیث 20: عمر بن یزید گفت از ابو الحسن اول (علیه السلام) شنیدم می فرمود: هر که بمیرد بدون امام به مرگ جاهلیت مرده امام زنده ای که او را بشناسد... سپس فرمود: به خدا قسم! این حرف را پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است. آن جناب فرمود: هر که بمیرد بدون امامی که از او بشنود و مطیعش باشد به مرگ جاهلیت مرده. (1)

حدیث 21: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو الْحَسَنِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ شَاذَانَ الْقُمِّيَّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الدِّينِ عَبَّاسٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الرَّازِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ وُلْدِي مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً يُؤْخَذُ بِمَا عَمِلَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْإِسْلَامِ

حدیث 21: کنز الفوائد کراچی: حضرت رضا (علیه السلام) از آباء گرام خود از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرد که فرمود: هر که بمیرد بدون امامی از فرزندان من به مرگ جاهلیت مرده و بازخواست می شود از او آن چه در جاهلیت و اسلام انجام داده. (2)

حدیث 22: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْحَلَبِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ حَيٌّ ظَاهِرٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

حدیث 22: حلبی گفت: حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: هر که بمیرد بدون داشتن امام زنده و آشکار به مرگ جاهلیت مرده. (3)

ص: 192

1- . الإختصاص ص 269 باب الأئمة في الأمر والنهي سواء ح 13

2- . كنز الفوائد ج 1 ص 327 فصل من الحديث ح 1

3- . الإختصاص ص 269 باب الأئمة في الأمر والنهي سواء ح 14

حدیث 23: حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَيَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَإِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ جَمِيعًا عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ مِنْ سَلْمَانَ وَمِنْ أَبِي ذَرٍّ وَمِنْ الْمُقَدَّادِ حَدِيثًا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً ثُمَّ عَرَضَهُ عَلَى جَابِرٍ وَ ابْنِ عَبَّاسٍ فَقَالَا صَدَقُوا وَ بَرُّوا وَ قَدْ شَهِدْنَا ذَلِكَ وَ سَمِعْنَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ إِنَّ سَلْمَانَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ قُلْتَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً مَنْ هَذَا الْإِمَامُ قَالَ مِنْ أَوْصِيَاءِ يَأْتِي سَلْمَانَ فَمَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْهُمْ يَعْرِفُهُ فَهِيَ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ فَإِنْ جَهِلَهُ وَ عَادَاهُ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ إِنْ جَهِلَهُ وَ لَمْ يُعَادِهِ وَ لَمْ يُوَالِ لَهُ عَدُوًّا فَهُوَ جَاهِلٌ وَ لَيْسَ بِمُشْرِكٍ.

حدیث 23: سلیم بن قیس هلالی از سلمان و ابو ذر و مقداد حدیثی را شنیده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: هر که بمیرد و برای او امامی نباشد به مرگ جاهلی مرده است. سپس آن حدیث را به جابر و ابن عباس عرضه کرده است و آنها گفته اند: راست گفته اند و نیکی کرده اند، ما هم بر آن گواهییم و آن را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیده ایم و به دنبال آن سلمان گفته است: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شما فرمودید: این امام کیست؟ فرمود: ای سلمان! او از اوصیای من است، کسی که از امت من بمیرد و امامی از ایشان نداشته باشد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است، و اگر به او نادان باشد و با او دشمنی ورزد مشرک است و اگر به او نادان باشد اما با او دشمنی نورزد و با دشمن او دوستی نکند چنین کسی نادان است اما مشرک نیست. (1)

حدیث 24: قَالَ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ أَيْمَتَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

ص: 193

حديث 24: امام رضا(عليه السلام): هرکه بميرد و امامانش را نشناسد به مرگ جاهليت مرده.(1)

حديث 25: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوسِ النَّيسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِنَيْسَابُورٍ فِي شَهْرِ عِبَانَ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ قَالَ:..... وَأَنَّ الدَّلِيلَ بَعْدَهُ وَالْحُجَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْقَائِمَ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ وَالتَّاطِقَ عَنِ الْقُرْآنِ وَالْعَالِمَ بِأَحْكَامِهِ أَخُوهُ وَخَلِيفَتُهُ وَوَصِيئُهُ وَوَلِيُّهُ وَالَّذِي كَانَ مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ هَازُونَ مِنْ مُوسَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ(عليه السلام)

وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَأَفْضَلُ الْوَصِيِّينَ وَوَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَبَعْدَهُ الْحَسَنُ(عليه السلام)

وَ الْحُسَيْنُ(عليه السلام)

سَيِّدًا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ(عليه السلام)

ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بَاقِرٌ(عليه السلام) عَدِمَ النَّبِيِّينَ ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ(عليه السلام) وَوَارِثُ عِلْمِ الْوَصِيِّينَ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ الْكَاظمِ(عليه السلام) ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا(عليه السلام) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ(عليه السلام)

ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ(عليه السلام) ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ(عليه السلام) ثُمَّ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنتَظَرُ(عليه السلام) صَدَقَتْ لَوْلَا اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَشَدَّ هَدْلَهُمْ بِالْوَصِيَّةِ وَالْإِمَامَةِ وَأَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ فِي كُلِّ عَصْرٍ وَأَوَانٍ وَأَنَّهُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ أَيْمَةُ الْهُدَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ يَرِثَ اللَّهُ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا وَأَنَّ كُلَّ مَنْ خَالَفَهُمْ ضَالٌّ مُضِلٌّ بَاطِلٌ تَارِكٌ لِلْحَقِّ وَ الْهُدَى وَ أَنَّهُمْ الْمُعَبَّرُونَ عَنِ الْقُرْآنِ وَ النَّاطِقُونَ عَنِ الرَّسُولِ(صلى الله عليه و آله) بِالْبَيَانِ وَ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُمْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ أَنَّ مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعَ وَ الْعِفَّةَ وَ

ص: 194

1- . بحار الأنوار ج 23 ص 84 باب 4 وجوب معرفة الإمام وأنه لا يعذر الناس بترك الولاية وأن من مات لا يعرف إمامه أو شك فيه مات

ميتة جاهلية و كفر و نفاق ح 24

الصُّدُقِ وَالصَّلَاةِ وَالْإِسْمَ بِتَقَامَةٍ وَالْإِجْتِهَادَ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ وَطَوْلَ السُّجُودِ وَصِيَامَ النَّهَارِ وَقِيَامَ اللَّيْلِ وَاجْتِنَابَ الْمَحَارِمِ وَ
اِنتِظَارَ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَحُسْنَ الْعَزَاءِ وَكِرَمِ الصُّحْبَةِ.... وَحُبِّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَالَى وَاجِبٌ وَكَذَلِكَ بُغْضُ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَالْبِرَاءَةُ مِنْهُمْ وَ مِنْ أُمَّتِهِمْ...

حدیث 25: و اینکه راهنمای بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و حجت (خدا) بر مؤمنین، و بپا دارنده امور مسلمین، و گوینده از جانب قرآن، و دانای به احکام قرآن، برادر و خلیفه و وصی و ولی اوست کسی که مقامش در نزد او همچون مقام هرون نزد موسی (علیه السلام) است، علی بن ابی طالب (علیه السلام) امیر المومنین و پیشوای متقین و پیشروی سفیدرویان نورانی، و برترین وصی، و میراث بر علم انبیا و مرسلین و بعد از آن حضرت، حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) دو سید جوانان بهشتیان سپس علی بن الحسین (علیه السلام) زین العابدین، و بعد از آن، محمد بن علی (علیه السلام)، شکافنده علم انبیا، و سپس جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) میراث بر علم اوصیاء و بعد از آن موسی بن جعفر الکاظم (علیه السلام)، و از آن پس علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، و بعد محمد بن علی (علیه السلام)، و پس از آن علی بن محمد (علیه السلام)، و آنگاه حسن بن علی (علیه السلام) و بعد از آن حجة القائم المنتظر (علیه السلام) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام)، درود خدا بر همه شان باد. و گواهی دهم نامبردگان را به وصیت پیامبر و امامت و رهبری، و اینکه در هر زمان و دوره زمین خالی نمی ماند از حجت خدا، و آنها عروة الوثقی و پیشوایان هدایتند و حجت بر اهل دنیا بند تا آنگاه که خدا وارث زمین و موجودات روی آن شود (یعنی تا انقراض عالم)، و هر که با آن ها مخالفت کند گمراه و رهاکننده حق و هدایت است، و آنان بیان کنندگان قرآن و گویندگان از سوی رسول خدایند، هر که بمیرد و آنان را نشناسد همچون زمان جاهلیت مرده.... و از آئین ایشانست خداشناسی و پرهیزگاری، و پاکدامنی و راستگویی، و نیکی و درستی و پایداری، و کوشش، و

بازگرداندن امانات مردم، و حق را بصاحب حق رساندن؛ خواه نیکوکار باشد خواه فاجر و گناهکار، و طول دادن سجده، و روزه دار بودن روزها و شب زنده داری و دوری گزیدن از محرمات، و انتظار فرج با صبر و پایداری و مقاومت و کوشش در تحقق آن، و خویشتنداری و شکیبائی در مصیبت، و حسن رفتار با دوست و رفیق..... و سخن را کشاند تا آنجا که فرمود: و دوستی اولیاء خدا واجب و همچنین دشمنی دشمنان خدا و بیزاری از آن ها و پیشوایانشان نیز لازم است. (1)

حدیث 26: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ فَضْلِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَاءِ قَالَ: كُنَّا زَمَانَ أَبِي جَعْفَرٍ حِينَ قُبِضَ نَتَرَدُّ كَالْغَنَمِ لَا رَاعِيَ لَهَا فَلَقِينَا سَالِمَ بْنَ أَبِي حَفْصَةَ فَقَالَ لِي يَا أَبَا عُبَيْدَةَ مَنْ إِمَامُكَ فَقُلْتُ أَيْمَنِي آلَ مُحَمَّدٍ فَقَالَ هَلَكْتَ وَأَهْلَكَتَ أَمَا سَمِعْتَ أَنَا وَأَنْتَ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً فَقُلْتُ بَلَى لِعَمْرِي وَ لَقَدْ كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ بِثَلَاثٍ أَوْ نَحْوِهَا دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبَدِ اللَّهِ فَرَزَقَ اللَّهُ الْمَعْرِفَةَ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبَدِ اللَّهِ إِنَّ سَالِمًا قَالَ لِي كَذَا وَ كَذَا قَالَ فَقَالَ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ إِنَّهُ لَا يَمُوتُ مِنَّا مَيِّتٌ حَتَّى يُخْلَفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْمَلُ بِمِثْلِ عَمَلِهِ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ وَ يَدْعُو إِلَى مَا دَعَا إِلَيْهِ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ إِنَّهُ لَمْ يُمْنَعْ مَا أُعْطِيَ دَاوُدَ أَنْ أُعْطِيَ سُلَيْمَانَ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ بَيِّنَةً.

حدیث 26: ابو عبیده حذاء گوید: ما در زمان امام باقر (علیه السلام) (برای تعیین جانشین او) مانند گله بی چوپان سرگردان بودیم، تا سالم بن ابی حفصه را (که بعد از زیدی مذهب شد و امام صادق (علیه السلام) او را لعن و تکفیر کرد) ملاقات کردیم، به من گفت: ای ابا عبیده! امام تو کیست؟ گفتم: ائمه من، آل محمد (صلی الله علیه و آله) هستند گفت: هلاک شدی و مردم را هم هلاک کردی، مگر من و تو از امام باقر (علیه السلام) نشنیدیم که

ص: 196

1- . عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 2 ص 122 باب 35 باب ما کتبه الرضا علی المؤمنین فی محض الإسلام و شرائع الدین ح 1

می فرمود: هر که بمیرد و بر او امامی نباشد، به مرگ جاهلیت مرده؟ گفتیم: چرا به جان خودم چنین است، سپس حدود سه روز گذشت که خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و خدا معرفت او را به من روزی کرد (و او را به جانشینی پدرش شناختم) به حضرت عرضه داشتیم: سالم به من چنین و چنان گفت. فرمود: ای ابا عبیده همانا کسی از ما (ائمه) نمیرد جز اینکه کسی را جانشین خود کند، که کردار و رفتارش مانند خود او باشد و به آنچه او دعوت می کرد، دعوت کند. ای ابا عبیده آنچه خدا به داود (علیه السلام) عطا فرمود، مانع آنچه به سلیمان (علیه السلام) عطا کرد، نگشت (پس مقام و فضیلتی را که خدا به پدرم عطا فرمود به من هم عطا فرماید) سپس فرمود: ای ابا عبیده! زمانی که قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) قیام کند، به حکم داود (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام) حکم

دهد و گواه نطلبد. (1)

حدیث 27: حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ لَا يُعَذَّرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ.

حدیث 27: فضیل بن یسار از امام باقر (علیه السلام) روایت کند که حضرت فرمودند: هر که بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ جاهلیت مرده و اگر مرد ما مشان را شناسند معذور نخواهند بود. (2) (عذری و بهانه ای از ایشان پذیرفته نخواهد شد)

حدیث 28: حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَمِيرِيُّ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ

ص: 197

1- . الكافي ج 1 ص 397 باب في الأئمة أنهم إذا ظهر أمرهم حكموا بحكم داود و آل داود و لا يسألون البينة عليهم السلام و الرحمة و الرضوان ح 1

2- . كمال الدين و تمام النعمة ج 2 ص 412 باب 39 باب فيمن أنكر القائم الثاني عشر من الأئمة ع ح 10

الْمُكَارِي عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً كُفْرًا وَ شِرْكًَا وَ ضَلَالَةً.

حدیث 28: عمار گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: هر که بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ کفر جاهلی و شرک و ضلالت مرده است. (1)

حدیث 29: وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ حَتَّى يَعْرِفَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

حدیث 29: پیغمبر اکرم (صلى الله عليه وآله) فرموده است: هر که از دنیا برود و قائل به امام زنده ای نباشد چون مردمان جاهلیت از دنیا رفته. (2)

حدیث 30: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: ابْتَدَأَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَوْمًا وَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقُلْتُ قَالَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ إِي وَ اللَّهِ قَدْ قَالَ قُلْتُ فَكُلُّ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ نَعَمْ. حدیث 30: فضیل بن یسار گوید: روزی امام صادق (علیه السلام) خود برای ما شروع به سخن کرد و فرمود: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرموده: هر که بمیرد و پیشوائی نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. عرضه داشتیم: این سخن پیغمبر (صلى الله عليه وآله) است؟! فرمود: آری بخدا او فرموده است، عرضه داشتیم: پس هر که بمیرد و پیشوائی نداشته باشد، مرگش مرگ جاهلیت است؟! فرمود: آری. (3)

ص: 198

1- . کمال الدین و تمام النعمة ج 2 ص 412 باب 39 باب فیمن أنکر القائم الثاني عشر من الأئمة ع ح 11

2- . قرب الإسناد ص 351 باب احادیث متفرقة

3- [1] الكافي ج 1 ص 376 بَابُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ أئِمَّةِ الْهُدَى وَ هُوَ مِنَ الْبَابِ الْأَوَّلِ ح 1

حدیث 31: وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» وَ غَيْرِ الضَّالِّينَ قَالَ «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ»
النُّصَابُ وَ «الضَّالِّينَ» الشُّكَاكُ وَ الَّذِينَ لَا يَعْرِفُونَ الْإِمَامَ

حدیث 31: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» فرمودند: «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» ناصبی ها، و «الضَّالِّينَ»
گمراهان شکاک (و پیروانشان) و کسانی است که امام (علیه السلام) را نمی شناسند (1)

حدیث 32: حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ
الْحَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَكَارِيِّ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ
يَقُولُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً

جَاهِلِيَّةً كُفْرًا وَ شِرْكَاً وَ ضَلَالَةً.

حدیث 32: عَمَّارٌ گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: هر که که بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ کفر و جاهلیت و
شُرک و ضلالت مرده است. (2) حدیث 33: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ نَصْرِ بْنِ هُوْدَةَ الْبَاهِلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهَّائِنْدِيُّ بِنَهَائِنْدَ سَنَةَ
ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ وَ مِائَتِينَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَادٍ الْأَنْصَارِيُّ سَنَةَ تِسْعٍ وَ عَشْرِينَ وَ مِائَتِينَ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ
اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ يَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

ص: 199

1- [2] تفسیر القمی ج 1 ص 29 [سورة الفاتحة(1): آية 1] ح 6

2- . کمال الدین و تمام النعمة ج 2 ص 412 باب 39 باب فیمن أنکر القائم الثاني عشر من الأئمة ع ح 11

حدیث 33: یحیی بن عبد الله گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای یحیی بن عبد الله هر که شیئی را سپری کند که در آن شب امام خود را نشناسد (یعنی نداند امامش کیست) به مرگی چون زمان جاهلیت از دنیا رفته است. (1)

در اهمیت شناخت امام در دوران غیبت

حدیث 34: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ.

حدیث 34: زراره گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: امامت را بشناس، زیرا هر گاه امامت را شناختی تقدم یا تأخر این امر زیانت ندهد (یعنی چه آن که دولت حق زود ظاهر شود و یا دیر، برای تو مساویست و زینتی نکرده‌ئی، همانا زیان برای کسی

است که امامش را نشناسد). (2)

حدیث 35: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جُمهُورٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» فَقَالَ يَا فَضِيلُ اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسَاكِرِهِ لَا بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لَوَائِهِ قَالَ وَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله).

ص: 200

1- . الغيبة للنعماني النص 12 باب 7 ما روي فيمن شك في واحد من الأئمة أو بات ليلة لا يعرف فيها إمامه أو دان الله عز وجل بغير إمام

منه ح 1

2- [2]. الكافي ج 1 ص 371 باب أنه من عرف إمامه لم يضره تقدم هذا الأمر أو تأخر ح 1

حدیث 35: فضیل بن یسار گوید: از امام صادق (علیه السلام) در باره قول خدای تعالی «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (1) روزی که هر دسته از مردم را به امامشان می خوانیم پرسیدم. فرمود: ای فضیل! تو امامت را بشناس، زیرا هر گاه امامت را شناختی تقدم یا تأخر این امر زیانت ندهد، کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر بمیرد، مانند کسی است که در لشکر آن حضرت بوده است، نه، بلکه مانند کسی که زیر پرچم آن حضرت نشسته باشد. در اینجا یکی از اصحابش گفت: مانند کسی است که در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شهید شده باشد. (2)

درباره منکرین ائمه اطهار

حدیث 36: قَالَ: وَ كَانَ يَقُولُ قَبْلَ أَنْ يُؤْخَذَ بِسَنَةِ، إِذَا اجْتَمَعَ عِنْدَهُ أَهْلُ بَيْتِهِ: مَا وَكَّدَ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ فِي شَيْءٍ مَا وَكَّدَ عَلَيْهِمُ بِالْإِقْرَارِ بِالْإِمَامَةِ، وَمَا جَحَدَ الْعِبَادُ شَيْئًا مَا جَحَدُواهَا

حدیث 36: قرب الاسناد: علی از برادر خود موسی (علیه السلام) نقل کرد که آن جناب يك سال قبل از اینکه گرفتار شود هر وقت بستگان و خویشاوندان اطرافش جمع می شدند می فرمود: خداوند سفارش نکرد و تأکید ننموده در باره چیزی به اندازه تأکیدی که در باره اقرار به امامت نموده و مردم چیزی را به اندازه امامت انکار ننموده اند. (3)

حدیث 37: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ

ص: 201

1- [1] الاسراء آية 71

2- [2] الكافي ج 1 ص 371 باب أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ ح 2

3- [1] قرب الإسناد ص 300 باب احاديث متفرقة ح 1180

عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ فَمَاتَ فَقَدْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

حدیث 37: غیاث بن ابراهیم از امام صادق (علیه السلام) و او از پدر و اجدادش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کند کند که فرمود: کسی که قائم (علیه السلام) از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند به مرگ جاهلیت مرده. (1)

حدیث 38: حَدَّثَنَا الْمُظَفَّرُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ الْمُظَفَّرِ الْعَلَوِيُّ السَّمَرْقَنْدِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عُمَرَانُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَالْأَيُّمَةُ مِنْ وُلْدِكَ بَعْدِي حُجَجُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ وَأَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّةٍ مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْكُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَمَنْ عَصَى وَاحِدًا مِنْكُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَمَنْ جَفَا وَاحِدًا مِنْكُمْ فَقَدْ جَفَانِي وَمَنْ وَصَدَ لَكُمْ فَقَدْ وَصَلَنِي وَمَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ وَالَانِي فَقَدْ وَالَانِي وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَانِي لِأَنَّكُمْ مِنِّي خُلِقْتُمْ مِنْ طِينَتِي وَأَنَا مِنْكُمْ. حدیث 38: محمد بن فضیل از امام رضا (علیه السلام) و او از پدرانش روایت کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای علی! پس از من تو و ائمه از فرزندان تو حجت‌های الهی بر خلائق و اعلام او بر مردمان هستی، هر که یکی از شما را انکار نماید مرا انکار

ص: 202

نموده است و هر که یکی از شما را نافرمانی کند مرا نافرمانی کرده است و هر که بر یکی از شما جفا نماید بر من جفا نموده و هر که به شما بیبوندد به من پیوسته و هر که از شما اطاعت کند از من اطاعت کرده و هر که با شما دوستی یا دشمنی نماید با من دوستی و دشمنی نموده است، زیرا شما از من هستید و از گل من سرشته شده اید و من نیز از شمایم. (1)

حدیث 39: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَارِسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ قَدَامَةَ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ قَالَ: مَنْ شَكَّ فِي أَرْبَعَةٍ فَقَدْ كَفَرَ بِجَمِيعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَدَهَا مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَأَوَانٍ بِشَخْصِهِ وَنَعْتِهِ.

حدیث 39: عبد الله بن قدامه گوید امام کاظم (علیه السلام) فرمود: هر که در چهار چیز شک کند به جمیع کتاب های خدای تعالی کافر شده است یکی از آن ها معرفت امام (علیه السلام) است که در هر عصر و زمانی بایستی او را به شخص و صفاتش بشناسد. (2)

حدیث 40: حَدَّثَنَا أَبِي وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَيَعْقُوبَ بْنَ يَزِيدَ وَإِبْرَاهِيمَ بْنَ هَاشِمٍ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ مِنْ سَلْمَانَ وَمِنْ أَبِي ذَرٍّ وَمِنَ الْمُقَدَّادِ حَدِيثاً عَنْ رَسُولِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً ثُمَّ عَرَضَهُ عَلَى جَابِرِ وَ ابْنِ عَبَّاسٍ فَقَالَا صَدَقُوا وَ بَرُّوا وَ قَدْ شَهِدْنَا ذَلِكَ وَ سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ إِنَّ سَلْمَانَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ قُلْتَ مَنْ مَاتَ

ص: 203

-
- 1- . کمال الدین و تمام النعمة ج 2 ص 413 باب 39 باب فیمن أنکر القائم الثاني عشر من الأئمة ع ح 13
 - 2- . کمال الدین و تمام النعمة ج 2 ص 413 باب 39 باب فیمن أنکر القائم الثاني عشر من الأئمة ع ح 14

وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً مِنْ هَذَا الْإِمَامِ قَالَ مِنْ أَوْصِيَاءِي يَا سَلْمَانَ فَمَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْهُمْ يَعْرِفُهُ فَهِيَ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ فَإِنْ جَهِلَهُ وَعَادَاهُ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَإِنْ جَهِلَهُ وَلَمْ يُعَادِهِ وَلَمْ يُؤَالِ لَهُ عَدُوًّا فَهُوَ جَاهِلٌ وَ لَيْسَ بِمُشْرِكٍ.

حدیث 40: سلیم بن قیس هلالی گفت از سلمان و ابی ذر و مقداد شنیدم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً این حدیث را بر جابر و ابن عباس عرضه داشتیم گفتند: صحیح است، راست گفته اند ما نیز خود شاهد بودیم و شنیدیم از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سلمان گفت: یا رسول الله شما فرمودید هر که بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ جاهلیت مرده آن امام کیست؟ فرمود: او از اوصیاء من است هر که بمیرد از امت من و امامی از اوصیاء مرا شناسد به مرگ جاهلیت مرده، اگر او را شناسد و دشمن بدارد مشرک است، اما اگر شناسد و با او دشمنی نرزد و با دشمنی نکند نادان است ولی مشرک نیست. (1)

حدیث 41: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْإِمَامُ عَلِمَ فِيمَا بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبَيْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا.

حدیث 41: امام صادق (علیه السلام) فرمود: امام (علیه السلام) نشانه بین خدای تعالی و خلقش می باشد، کسی که او را بشناسد مومن و کسی که او را انکار نماید کافر است. (2) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

ص: 204

- 1- . كمال الدين و تمام النعمة ج 2 ص 413 باب 39 باب فيمن أنكر القائم الثاني عشر من الأئمة ح 15
- 2- . كمال الدين و تمام النعمة ج 2 ص 412 باب 39 باب فيمن أنكر القائم الثاني عشر من الأئمة ح 9

أَنْكَرَ الْقَائِمِ (عليه السلام) مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي.

حدیث 42: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیث زیبایی فرمودند: کسی که قائم (علیه السلام) از فرزندان مرا انکار کند مرا انکار کرده است. (1)

حدیث 43: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ يَقُولُ فِي آخِرِهِ كَيْفَ يَهْتَدِي مَنْ لَمْ

يُبْصِرْ وَ كَيْفَ يُبْصِرُ مَنْ لَمْ يُنْذَرْ اتَّبَعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ أَقْرَأُوا بِمَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اتَّبَعُوا آثَارَ الْهُدَى فَإِنَّهَا عَلَامَاتُ الْأَمَانَةِ وَ التَّقَى وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَوْ أَنْكَرَ رَجُلٌ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (عليه السلام)

وَ أَقْرَأَ بِمَنْ سِوَاهُ مِنَ الرُّسُلِ لَمْ يُؤْمِنْ أَقْصِدُوا الطَّرِيقَ بِالتَّمَّاسِ الْمَمَّارِ وَ التَّمَسُّوا مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ الْإِثْمَارِ تَسَّ تَكْمَلُوا أَمْرَ دِينِكُمْ وَ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ.

حدیث 43: از امام صادق (علیه السلام) حدیثی طولانی روایت کند که در پایان آن فرموده است: آنکه بصیرت نداشته باشد چگونه هدایت شود؟ و آنکه ترسانیده نشود چگونه بصیرت یابد؟ از کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پیروی کنید و بر آنچه که از جانب خدای تعالی فرود آمده است اقرار نمایند و از آثار هدایت تبعیت کنید که آن نشانه های امانت و تقوا است و بدانید که اگر کسی عیسی بن مریم (علیه السلام) را انکار کند و به سایر پیامبران اقرار نماید ایمان نیاورده است، راهرا به واسطه مناره ها بجوئید و از ورای پرده ها آثار را طلب کنید تا امر دینتان را کامل نموده و به پروردگارتان ایمان آورده باشید. (2)

ص: 205

1- . کمال الدین و تمام النعمة ج 2 ص 412 باب 39 باب فیمن أنکر القائم الثاني عشر من الأئمة ح 8

2- . کمال الدین و تمام النعمة ج 2 ص 411 باب 39 باب فیمن أنکر القائم الثاني عشر من الأئمة ح 7

حدیث 44: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَسِّ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَشِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَسُنَّتُهُ سُنَّتِي يَقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَشَرِيْعَتِي وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَمَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَمَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَمَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي إِلَى اللَّهِ أَشَدُّ كُفْرًا مِنَ الْمُكْذِبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَالْجَاحِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَالْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقَتِهِ «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»

حدیث 44: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: قائم از فرزندانم نامش نام من است و کنیه اش کنیه من، شمائلش شمائل من و روشش روش من است. مردم را بر ملت و شریعت من وادارد و به کتاب خدای عز و جل دعوت کند، هر که او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده و هر که او را نافرمانی کند مرا نافرمانی کرده و هر که او را در حال غیبتش منکر باشد مرا منکر شده و هر که او را تکذیب کند مرا تکذیب کرده، و هر که او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده، و از کسانی که مرا در باره او تکذیب کنند به خدا شکایت برم، و از آنان که منکر گفتار منند در باره او، و گمراه کنندگان اتم باشند از طریقه او، «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (1) و به زودی ستمکاران خواهند دانست به کجا باز می گردند. (2)

ص: 206

1- الشعراء آية 227

2- كمال الدين و تمام النعمة ج 2 ص 411 باب 39 باب فيمن أنكر القائم الثاني عشر من الأئمة ح 6

حدیث 45: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَنْ أَقْرَبَ بِالْأَيْمَةِ مِنْ آبَائِي وَوُلْدِي وَجَحَدَ الْمَهْدِيَّ مِنْ وُلْدِي كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي وَمَنْ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ قَالَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ.

حدیث 45: ابن ابی یعفور گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که به ائمه از پدران و فرزندانم اقرار کند اما مهدی (علیه السلام) از فرزندانم را انکار نماید مانند کسی است که به جمیع انبیاء اقرار کند اما محمد (صلى الله عليه وآله) را انکار نماید، گفتم: سرورم! مهدی (علیه السلام) از فرزندان شما کیست؟ فرمود: پنجمین امام از فرزندان امام هفتم که شخص او از دیدگان مردم نماند شود و نام بردنش روا نباشد. (1)

حدیث 46: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَيْمَةِ وَجَحَدَ الْمَهْدِيَّ كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا نُبُوَّتَهُ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَمَنْ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ قَالَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ.

حدیث 46: صفوان بن مهران از امام صادق (علیه السلام) روایت کند که فرمود: آنکه به جمیع ائمه اقرار کرده اما مهدی (علیه السلام) را انکار نماید مانند کسی است که به جمیع انبیاء اقرار کند اما نبوت محمد (صلى الله عليه وآله) را انکار نماید. به او گفتند: ای فرزند رسول خدا (صلى الله عليه وآله)

ص: 207

کیست؟ فرمودند: پنجمین امام از فرزندان امام هفتم که شخص او از دیدگان مردم نماند، و نام بردنش روا نباشد. (1)

حدیث 47: وَأَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ هِشَامٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ تَمَّامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)... إِنَّهُ رَجُلٌ يُوَالِي عَلِيًّا (عليه السلام) وَ لَمْ يَعْرِفْ مِنْ بَعْدِهِ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ قَالَ ضَلَّ قُلْتُ فَأَقْرَبُ بِالْأَيْمَةِ جَمِيعاً وَ جَحَدَ الْأَخِرَ قَالَ هُوَ كَمَنْ أَقْرَبَ بَيْتِي (عليه السلام) وَ جَحَدَ بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله)

أَوْ أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَ جَحَدَ بَيْتِي (عليه السلام) نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَحْدِ حُجَّةٍ مِنْ حُجَجِهِ.

حدیث 47: به امام صادق (عليه السلام) عرضه داشتیم: چگونه است حال مردی که ولایت و امامت علی (عليه السلام) را قبول دارد ولی اوصیاء بعد از او را نمی شناسد؟ فرمود: او گمراه است. عرضه داشتیم: اگر به همه امامان اقرار کند و آخرین آن ها را انکار کند چطور؟ حضرت فرمود: او مانند کسی است که به عیسی (عليه السلام) اقرار کرده و محمد (صلى الله عليه وآله) را انکار نماید، یا مانند کسی است که به محمد (صلى الله عليه وآله) اقرار کرده و عیسی (عليه السلام) را انکار نماید. پناه می برم به خدا از انکار حجتی از حجت های خدا. (2)

حدیث 48:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سَلِيمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا أَذْنَى مَا يَكُونُ بِهِ الرَّجُلُ ضَالًّا قَالَ أَنْ لَا يَعْرِفَ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَ

ص: 208

- 1- . کمال الدین و تمام النعمة ج 2 ص 411 باب 39 باب فیمن أنکر القائم الثاني عشر من الأئمة ح 5
- 2- . الغيبة للنعماني ص 112 باب 5 دما روي فیمن ادعی الإمامة و من زعم أنه إمام و ليس بإمام و أن کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت ح 4

فَرَضَ وَلَايَتَهُ وَجَعَلَهُ حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَةً عَلَى خَلْقِهِ قُلْتُ فَمَنْ هُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَنَبِيِّهِ فَقَالَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ قَالَ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَقُلْتُ أَوْصَحْتَ لِي وَفَرَجْتَ عَنِّي وَأَذْهَبْتَ كُلَّ شَكٍّ كَانَ فِي قَلْبِي.

حدیث 48: معانی الاخبار: سلیم بن قیس هلالی گفت به حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) عرضه داشتم کمترین چیزی که موجب گمراه شدن شخص می شود چیست؟ فرمود: این که شناسد خداوند دستور داده اطاعت از چه کسی بکند و ولایت او لازم شده و حجت در روی زمین و گواه بر خلق است. عرضه داشتم: آنها کیانند یا امیر المومنین؟ فرمود: کسانی که اطاعت آن ها را خداوند در قرآن قرین اطاعت خویش قرار داده در این آیه «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (1) گفت: پیشانی آن جناب را بوسیده عرضه داشتم: برایم واضح کردی و عقده دلم را گشودی و هر شک و تردیدی در دلم بود از بین بردی. (2)

حدیث 49: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْكَرِيمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ يَلِي عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): لَا يُعَذِرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحَدًا يَقُولُ يَا رَبِّ لِمَ أَعْلَمَ أَنَّ وُلْدَ فَاطِمَةَ هُمُ الْوَلَاءُ عَلَى النَّاسِ كَافَّةً وَفِي شِيعَةِ وُلْدِ فَاطِمَةَ أَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ خَاصَّةً «يَا عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (3)

ص: 209

1- [1] النساء آية 59

2- [2] معانی الاخبار ص 394 باب نوادر المعانی ح 45

3- [3] الزمر آية 53

حدیث 49: ابو حمزه گفت حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: خداوند روز قیامت عذر احدی را نمی پذیرد که بگوید خدایا من نمی دانستم که فرزندان فاطمه B رهبر و امام بر تمام مردمند، و فقط در باره شیعیان اولاد فاطمه B این آیه نازل شده «یا عبادِی الذین اَسْرَفُوا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ» (1)

حدیث 50: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَمِيلٍ [جَمِيلَةَ] عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): يَا أَبَانَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَطْلُبُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ وَهُمْ يَشْرِكُونَ بِهِ حَيْثُ يَقُولُ «وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» قُلْتُ لَهُ كَيْفَ ذَلِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَسَّرَهُ لِي فَقَالَ وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا بِالْإِمَامِ الْأَوَّلِ وَهُمْ بِالْآئِمَّةِ الْآخِرِينَ كَافِرُونَ يَا أَبَانَ إِنَّمَا دَعَا اللَّهُ الْعِبَادَ إِلَى الْإِيمَانِ بِهِ فَإِذَا آمَنُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ افْتَرَضَ عَلَيْهِمُ الْفَرَائِضَ.

حدیث 50: امام صادق (علیه السلام) فرمود: ابان! خداوند از مشرکین زکات مالشان را نخواستہ در حالی که مشرک باشند چنانچه در این آیه می فرماید «وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (2) عرضه داشتم: آقا! فدایت شوم این مطلب را برایم توضیح بدهید. فرمود: وای بر مشرکین که شرك آوردند در مورد امام اول آنها در مورد ائمه دیگر هم کافرند. ابان! خداوند مردم را دعوت به ایمان به خود کرده وقتی ایمان به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) آوردند واجبات بر آن ها لازم می شود. (3)

حدیث 51: عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ رَجُلٍ لِي عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مِمَّا الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ طَاعَتُهُ مَنْ جَحَدَهُ مَاتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ حُجَّةً عَلَى الْعِبَادِ وَمَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا حَقًّا عَلَى اللَّهِ حَدِيثُ 51: ثواب الاعمال: ابو ذريح از ابو حمزه نقل کرد که امام صادق (علیه السلام) فرمود: از ما خانواده است امامی که فرمانبرداری از او واجب است هر که منکر او

ص: 210

1- [1] تفسیر القمی ج 2 ص 250 [سورة الزمر (39): آية 53]

2- [2] فصلت آية 6 و 7

3- [3] تفسیر القمی ج 2 ص 262 [سورة فصلت (41): الآيات 1 الى 7]

شود یهودی یا نصرانی می میرد. به خدا سوگند خداوند از روزی که آدم (علیه السلام) را قبض روح کرده زمین را خالی از امامی که راهنمای مردم به سوی خدا باشد نگذاشته، و هم او حجت بر مردم است هر که ترك او کند هلاک می شود و هر که پیرو او باشد نجات می یابد و خداوند چنین ملتزم شده است. (1)

حدیث 52: ابْنُ عِيسَى عَنِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنِ الرَّضَا (عليه السلام) قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): مَنْ سَرَّهُ أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى اللَّهِ وَ يَنْظُرَ اللَّهُ إِلَيْهِ فَلْيَتَوَالَ آلَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَ يَتَّبِرْهُ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ يَأْتُمْ بِالْإِمَامِ مِنْهُمْ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ نَظَرَ إِلَيْ اللَّهِ

حدیث 52: بزنتی از حضرت رضا (علیه السلام) نقل کرد که حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: هر که مسرور می شود از اینکه بین او و خدا حجابی نباشد تا خدا را ببیند و خداوند او را مشاهده کند باید آل محمد (صلی الله علیه و آله) را دوست بدارد و از دشمنانشان بیزار باشد و پیرو امام از این خانواده گردد. اگر چنین بود خدا را می بیند و خدا نیز او را می بیند. (2)

توضیح: این دیدن منظور دیدن کرامت و لطف خدا است یا دیدن اولیاء خدا یا به نهایت رسیدن درجه معرفت است به اندازه قدرت و نیروی بشری.

حدیث 53: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَنَا سِدٌّ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَا خَيْرٌ مِنْ جَبْرَيْلَ (عليه السلام) وَ مِيكَائِيلَ (عليه السلام) وَ إِسْرَافِيلَ (عليه السلام) وَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَ جَمِيعِ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَا صَاحِبُ الشَّفَاعَةِ وَ الْحَوْضِ الشَّرِيفِ وَ أَنَا وَ عَلِيُّ أَبُوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ

ص: 211

1- [1]. المحاسن ج 1 ص 92 باب 17 عقاب من لم يعرف إمامه ح 17، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص 205 باب عقاب من مات لا يعرف إمامه ح 2

2- [2]. قرب الإسناد ص 351 احاديث متفرقة

وَ مَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنْ عَلِيِّ (عليه السلام) سِدِّ بَطَا أُمَّتِي وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) تِسْعَةُ أَنْبِيَاءٍ طَاعَتْهُمْ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي تَأْسِعُهُمْ قَانِمُهُمْ وَ مَهْدِيَّتُهُمْ.

حديث 53: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: من بهترین خلق خدايم من از جبرئیل (عليه السلام) و اسرافیل (عليه السلام) و حاملین عرش و تمام ملائکه مقرب و انبیای مرسل بهترم. من صاحب شفاعت و حوض شریفم من و علی (عليه السلام) دو پدر این امت هستيم هر که ما را بشناسد خدا را شناخته و هر که منکر ما باشد خدا را انکار نموده از علی (عليه السلام) است دو نواده امت من سرور جوانان بهشت حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) و از نژاد حسین (عليه السلام) است ائمه نه گانه که اطاعت آن ها اطاعت من و معصیت ایشان معصیت من نهمی آن ها مهدی (عليه السلام) و قائم ایشان است. (1)

حديث 54: جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ أَبِي الْيَسَعِ، قَالَ، قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ حَدَّثَنِي عَنْ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ الَّتِي بَنَى عَلَيْهَا، وَ لَا يَسَعُ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ تَقْصِيرٌ عَنْ شَيْءٍ مِنْهَا، الَّذِي مَنْ قَصَرَ عَنْ مَعْرِفَةِ شَيْءٍ مِنْهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ دِينُهُ وَ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ عَمَلُهُ، وَ مَنْ عَرَفَهَا وَ عَمِلَ بِهَا صَلَحَ دِينُهُ وَ قُبِلَ مِنْهُ عَمَلُهُ، وَ لَمْ يَصْنُقْ بِهِ مَا فِيهِ بِجَهْلٍ شَيْءٍ مِنَ الْأُمُورِ جَهْلُهُ قَالَ، فَقَالَ شَهَادَةُ إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ الْإِيمَانُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ الْإِفْرَازُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ الزَّكَاةُ وَ الْوَلَايَةُ شَيْءٌ دُونَ شَيْءٍ، فَصَلُّ يُعْرَفُ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» وَ كَانَ عَلِيُّ (عليه السلام) وَ قَالَ الْآخَرُونَ لَا بَلَّ مُعَاوِيَةَ، وَ كَانَ حَسَنٌ (عليه السلام) ثُمَّ كَانَ حُسَيْنٌ (عليه السلام) وَ قَالَ الْآخَرُونَ

ص: 212

1- [1]. كمال الدين و تمام النعمة ج 1 ص 261 باب 24 باب ما روي عن النبي ص في النص على القائم ع و أنه الثاني عشر من الأئمة ع

ح 7

هُوَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ لَا سِوَاهُ، ثُمَّ قَالَ أَزِيدُكَ قَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ زِدَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ! قَالَ: ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)، ثُمَّ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام)، وَكَانَتِ الشَّيْعَةُ قَبْلَهُ لَا يَعْرِفُونَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ حَلَالٍ وَ لَا حَرَامٍ إِلَّا مَا تَعَلَّمُوا مِنَ النَّاسِ، حَتَّى كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَتَحَّ لَهُمْ وَ بَيَّنَّ لَهُمْ وَ عَلَّمَهُمْ، فَصَارُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ بَعْدَ مَا كَانُوا يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمْ، وَ الْأَمْرُ هَكَذَا يَكُونُ، وَ الْأَرْضُ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِإِمَامٍ، وَ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً، وَ أَحْوَجُ مَا تَكُونُ إِلَى هَذَا إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُكَ هَذَا الْمَكَانَ، وَ أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ، وَ انْقَطَعَتْ مِنَ الدُّنْيَا تَقُولُ لَقَدْ كُنْتُ عَلَى رَأْيٍ حَسَنٍ. قَالَ أَبُو الْيَسَعِ عَيْسَى بْنُ السَّرِيِّ: وَ كَانَ أَبُو حَمْزَةَ وَ كَانَ حَاضِرَ الْمَجْلِسِ، أَنَّهُ قَالَ: لَكَ فَمَا تَقُولُ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ إِمَامًا حَقَّ الْإِمَامَ.

حدیث 54: ابو الیسع گفت: به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: برایم توضیح بفرمائید استوانه های اصلی اسلام که بر آن پایه گذاری شده است و هیچ کس را یارای آن نیست که کوتاهی در شناخت آنها داشته باشد چیست؟ و اگر کوتاهی کند دینش و تباہ شده و عملش قبول نمی شود و هر که آنها را بشناسد و عمل کند دینش درست است و عملش مقبول و جهل و ندانستن بعضی از امور زبانی برایش نخواهد داشت. فرمودند: شهادت به یکتائی خدا و ایمان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اقرار به آنچه از جانب خدا آورده، سپس فرمود: زکات در اموال و ولایت نسبت به ائمه حق که دارای نشانه و علامت هستند برای کسی که بخواهد آنها را بشناسد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: مَنْ

مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً وَ خَدَاوَنَدَ فِي هَذِهِ آيَةٍ مِي فَرَمَايِدُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»
اولی الامر علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود، گروهی مدعی شدند نه، معاویه است. بعد از علی (علیه السلام) امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) بودند باز گروهی گفتند یزید بن معاویه

است نه دیگری فرمود: مایلید توضیح بیشتری بدهم. چند نفر عرض کردند بفرمائید فرمود: بعد از آنها علی بن الحسین (علیه السلام) بود، پس از آن جناب حضرت باقر (علیه السلام)... جریان به همین وضع خواهد بود زمین پایدار نیست مگر به وسیله امام هر که بمیرد و امام خود را شناسد به مرگ جاهلیت مرده و مهمترین موقعی که احتیاج به شناسائی امام داری وقتی است که جانت به اینجا برسد، و اشاره به خلق خود نمود و از دنیا دست بکشی آن وقت خواهی گفت به به چه عقیده خوبی داشتم. (1)

حدیث 55: وَأَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ هِشَامٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ تَمَّامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ فُلَانًا يُقْرِنُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ اضْمَنْ لِي الشَّفَاعَةَ فَقَالَ أَمِنْ مَوَالِينَا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَمْرُهُ أَرْفَعُ مِنْ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ إِنَّهُ رَجُلٌ يُوَالِي عَلِيًّا وَلَمْ يَعْرِفْ مَنْ بَعْدَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ قَالَ صَالٌّ قُلْتُ أَقْرَبُ بِالْأَيْمَةِ جَمِيعاً وَجَحَدَ الْآخَرَ قَالَ هُوَ كَمَنْ أَقْرَبَ بَعِيسَى وَجَحَدَ بِمُحَمَّدٍ أَوْ أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ وَجَحَدَ بِبَعِيسَى نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَحْدِ حُجْبَةٍ مِنْ حُجْبِهِ.

حدیث 55: محمد بن تمام گفت به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: فلان کس که از ارادتمندان شما است سلام رسانده و تقاضا دارد که ضمانت شفاعت او را بنمائید فرمود: از موالیان ما است؟ عرضه داشتم: آری. فرمود: (اگر به واقع اینگونه باشد) مقامش بالاتر از این حرفها است عرضه داشتم: آقا او ولایت علی (علیه السلام) را قبول دارد ولی بقیه امامان را بعد از ایشان نمی شناسد فرمود: او همراه است. عرضه داشتم: اگر همه امامان را قبول داشته باشد ولی امام آخری را شناسد فرمود: مثل کسی است که اعتراف به نبوت عیسی (علیه السلام) دارد ولی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را پیامبر

ص: 214

1- [1] رجال الکشي إختيار معرفة الرجال ص 424 في أبي اليسع عيسى بن السري ح 1

نمی داند یا اقرار به محمد (صلی الله علیه و آله) دارد و عیسی (علیه السلام) را پیامبر نمی داند پناه به خدا می برم از جرم کسی که یکی از حجج خدا را قبول نداشته باشد. (1)

حدیث 56: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْلَمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَجُلٌ قَالَ لِي اعْرِفِ الْآخِرَ مِنَ الْأَيْمَةِ وَلَا يَصُدُّكَ أَنْ لَا تَعْرِفَ الْأَوَّلَ قَالَ فَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ هَذَا فَإِنِّي أَبْغَضُهُ وَلَا أَعْرِفُهُ وَهَلْ عَرِفَ الْآخِرَ إِلَّا بِالْأَوَّلِ.

حدیث 56: محمد بن مسلم گفت: به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: مردی به من گفت من امام آخر را قبول دارم اما دیگر زبانی متوجه من نخواهد شد اگر امام اول را قبول نداشته باشم. حضرت فرمود: خداوند او را لعنت کند من از او بیزارم و او را نمی شناسم مگر می توان امام آخر را شناخت جز با شناختن امام اول. (2)

حدیث 57: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ نَصْرِ الْعَطَّارِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِعَلِيِّ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ أَقْسِمُ أَنَّهُنَّ حَقٌّ إِنَّكَ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِكَ عَرَفَاءٌ لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِكُمْ وَعَرَفَاءٌ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ وَعَرَفَاءٌ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَكُمْ وَأَنْكَرْتُمُوهُ.

حدیث 57: نصر عطار به اسناد خود گفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: سه چیز را قسم می خورم که واقعیت است تو و جانشینان عارف هستی خدا را نمی توانند بشناسند مگر از راه معرفت شما و داخل بهشت نمی شود، مگر کسی که شما را بشناسد و شما او را بشناسید و داخل آتش نمی گردد مگر کسی که منکر شما است و شما منکر او هستید. (3)

ص: 215

1- [1]. الغيبة للنعمانی ص 112 باب 5 دما روی فیمن ادعی الإمامة و من زعم أنه إمام و ليس بإمام و أن كل راية ترفع قبل قيام القائم فصاحبها طاغوت ح 4

2- [2]. الكافي ج 1 ص 373 باب من ادعی الإمامة و ليس لها بأهل و من جحد الأئمة أو بعضهم و من أثبت الإمامة لمن ليس لها بأهل ح 7

3- [1]. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم ج 1 ص 498 باب 16 باب فی الأئمة أنهم الذین ذکرهم الله یعرفون أهل الجنة و النار ح 10

حدیث 58: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جُمْهُورٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ: سَأَلْتُ الشَّيْخَ عَنِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ اسْلَام) قَالَ مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنَ الْأَحْيَاءِ فَقَدْ أَنْكَرَ الْأَمْوَاتَ.

حدیث 58: ابن مسکان گوید: از امام صادق (علیه السلام) در باره ائمه (علیهم اسلام) پرسیدم، فرمود: هر که یکی از زنده ها را منکر شود امامان مرده را منکر شده است. (1)

حدیث 59: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلِيهِ السَّلَام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَا يَسْعُ النَّاسُ إِلَّا مَعْرِفَتَنَا وَلَا يُعَذِّرُ النَّاسُ بَجَهَالَتِنَا مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنَا وَلَمْ يُنْكِرْنَا كَانَ ضَالًّا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الْهُدَى الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ طَاعَتِنَا الْوَاجِبَةِ فَإِنْ يُمُتْ عَلَى ضَلَالَتِهِ يَفْعَلِ اللَّهُ بِهِ مَا يَشَاءُ.

حدیث 59: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر که ما را بشناسد مؤمن است و هر که ما را انکار کند کافر است. (2)

حدیث 60: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْإِمَامُ عَلِمَ فِيمَا بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبَيْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا. حدیث 60: امام صادق (علیه السلام) فرمود: امام (علیه السلام) نشانه ایست میان خدای عز و جل و خلقش هر که او را بشناسد مؤمن و هر که انکار او کند کافر است (3)

ص: 216

1- [2]. الكافي ج 1 ص 373 بَابُ مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَ لَيْسَ لَهَا بِأَهْلٍ وَ مَنْ جَحَدَ الْأَئِمَّةَ أَوْ بَعْضَهُمْ وَ مَنْ أَثْبَتَ الْإِمَامَةَ لِمَنْ لَيْسَ لَهَا بِأَهْلٍ ح 8

2- . الكافي ج 1 ص 187 باب فرض طاعة الأئمة ح 11

3- . كمال الدين و تمام النعمة ج 2 ص 412 باب 39 باب فيمن أنكر القائم الثاني عشر من الأئمة ح 9

حدیث 61: قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الرَّبِيعِ الْكُوفِيُّ إِجَازَةً قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَسَدٍ بَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى أَخِي مُغَلِّسٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّا نَرَى الرَّجُلَ مِنَ الْمُخَالِفِينَ عَلَيْكُمْ لَهُ عِبَادَةٌ وَاجْتِهَادٌ وَخُشُوعٌ فَهَلْ يَنْفَعُهُ ذَلِكَ شَيْئًا فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّمَا مَثَلُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ كَانُوفِي بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَانَ لَا يَجْتَهِدُ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً إِلَّا دَعَا فَأُجِيبَ وَإِنَّ رَجُلًا مِنْهُمْ اجْتَهَدَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ دَعَا فَلَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ فَأَتَى عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَشْكُو إِلَيْهِ مَا هُوَ فِيهِ وَيَسْأَلُهُ الدُّعَاءَ لَهُ فَتَطَهَّرَ عِيسَى وَصَلَّى ثُمَّ دَعَا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا عِيسَى إِنَّ عَبْدِي أَتَانِي مِنْ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ إِنَّهُ دَعَانِي وَفِي قَلْبِهِ شَكٌّ مِنْكَ فَلَوْ دَعَانِي حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ وَتَنْتَبِرَ أَنَامِلُهُ مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ فَالْتَمَتَ عِيسَى فَقَالَ تَدْعُو رَبَّكَ وَفِي قَلْبِكَ شَكٌّ مِنْ نَبِيِّهِ قَالَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ قَدْ كَانَ وَاللَّهِ مَا قُلْتُ فَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ عَنِّي فَدَعَا لَهُ عِيسَى فَتَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ وَصَارَ فِي حَدِّ أَهْلِ بَيْتِهِ كَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَبْدٍ وَهُوَ يَشْكُ فِينَا

حدیث 61: محمد بن مسلم گوید: به امام باقر (علیه السلام) یا امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: ما پاره ای از مخالفین شما را می بینیم که در عبادت کوشا و دارای خشوع فراوانی هستند، آیا این ها برای ایشان سودی دارد؟ فرمود: ای محمد! همانا مثل ما اهل بیت (علیهم السلام) با شما مردم مثل آن خاندان در بنی اسرائیل است که کسی از آنها نبود که چهل شب در عبادت بکوشد جز اینکه وقتی دعا می کرد مستجاب می شد. یک بار مردی از آنان مدت چهل شب به عبادت پرداخت و بعد دعا کرد اما مستجاب

نشد، نزد عیسی بن مریم (علیه السلام) رفته و از آنچه بر او گذشته بود گلایه کرد و از آن حضرت التماس دعا نمود. عیسی (علیه السلام) وضو ساخت و نماز گزارد و دعا کرد. خداوند به او وحی فرستاد که ای عیسی این بنده ام از غیر آن بابی که باید نزد من آید نزد من آمده، او مرا خوانده در حالی که در نبوت و پیغمبر بودن تو در شك است بنا بر این اگر به اندازه ای مرا بخواند که گردنش قطع و بندهایش از هم بگسلد من دعایش را مستجاب نخواهم کرد. عیسی (علیه السلام) به وی رو کرده فرمود: پروردگارت را می خوانی و در دل خود به پیامبرش شك داری؟ گفت: ای روح و کلمه خدا، به خدا سوگند همین طور است که می فرمائی، از خداوند بخواه که این شك را از دل من بزدايد. عیسی (علیه السلام) برای وی دعا کرد و خداوند از وی پذیرفت، و او در حدّ سایر افراد خاندان خویش قرار گرفت. ما اهل بیتی هستیم که خداوند عمل بنده ای را که درباره ما شك و تردید کند، نمی پذیرد. (1)

حدیث 62: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَا يَسَعُ النَّاسُ إِلَّا مَعْرِفَتَنَا وَلَا يُعَذِّرُ النَّاسُ بَجَهَالَتِنَا مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنَا وَ لَمْ يُنْكِرْنَا كَانَ ضَالًّا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الْهُدَى الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ طَاعَتِنَا الْوَاجِبَةِ فَإِنْ يُمُتَّ عَلَى ضَلَالَتِهِ يَفْعَلِ اللَّهُ بِهِ مَا يَشَاءُ.

حدیث 62: امام صادق (علیه السلام) در حدیثی زیبا و پر معنای فرمایند: ما نائم که خدا اطاعت ما را واجب ساخته، مردم راهی جز معرفت ما ندارند و بر نشناختن ما معذور نباشند. هر که ما را شناسد مؤمن است و هر که انکار کند کافر است و کسی که نشناسد و انکار هم نکند گمراهست تا زمانی که به سوی هدایتی که خدا

ص: 218

بر او واجب ساخته برگردد و آن چه را خدا از حق طاعت ما واجب کرده است بفهمد و اگر به همان حال گمراهی بمیرد خدا، هر چه خواهد با او کند. (1) حقیقت معرفت ائمه اطهار (علیهم السلام)

حدیث 63: وَ يُؤَيِّدُ هَذَا التَّوِيلَ مَا رَوَاهُ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ مَصَدِّحِ الْأَنْوَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ رَجَالِهِ مَرْفُوعاً إِلَى الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ لِي يَا مُفَضَّلُ هَلْ عَرَفْتَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ فَاطِمَةَ B وَ الْحَسَنَ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْحُسَيْنَ (عَلَيْهِ السَّلَام) كُنْهُ مَعْرِفَتِهِمْ قُلْتُ يَا سَيِّدِي وَ مَا كُنْهُ مَعْرِفَتِهِمْ قَالَ يَا مُفَضَّلُ مَنْ عَرَفَهُمْ كُنْهُ مَعْرِفَتِهِمْ كَانَ مُؤْمِنًا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى قَالَ قُلْتُ عَرَفْتَنِي ذَلِكَ يَا سَيِّدِي قَالَ يَا مُفَضَّلُ تَعَلَّمُ أَنَّهُمْ عَلِمُوا مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ دَرَاهُ وَ بَرَاهُ وَ أَنَّهُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ خُزَّانُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ الْجِبَالِ وَ الرَّمَالِ وَ الْبِحَارِ وَ عَلِمُوا كَمَ فِي السَّمَاءِ مِنْ نَجْمٍ وَ مَلَكٍ وَ وَزْنِ الْجِبَالِ وَ كَيْلِ مَاءِ الْبِحَارِ وَ أَنْهَارِهَا وَ عُيُونِهَا وَ مَا تَسْفُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا عَلِمُواهَا وَ لَا حَبَّةٍ فِي طُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ وَ هُوَ فِي عِلْمِهِمْ وَ قَدْ عَلِمُوا ذَلِكَ

حدیث 63: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم، فرمود: آیا محمد (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام)، فاطمه B حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) را آن طور که باید شناخته و به حقیقت معرفت آن ها رسیده ای؟ عرضه داشتم: مولای من، حقیقت معرفت آن ها چگونه است؟ امام صادق (علیه السلام): ... ای مفضل! بدان ای آن چه را که خداوند آفریده و از عدم نیستی

ص: 219

به وجود آورده می دانند، آن ها مظهر تقوا و خزانه دار آسمان ها و زمینند و می دانند تعداد ملائکه، و ستارگان آسمان را... هر برگی از درختی می افتد آن را خبر دارند، هر دانه ای که در تاریکی های زمین قرار گرفته آن را می دانند، و هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مبین یعنی در علم آن ها نقش بسته و به آن آگاهند. (1) حدیث 64: وَ حَدَّثَنِي وَالِدِي مِنَ الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سُدَّ لَيْمَانَ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُؤَصِّلِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ خَالِدِ بْنِ جَابِرِ بْنِ يَزِيدِ الْجُعْفِيِّ وَقَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سُدَّ لَيْمَانَ أَحْمَدُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: ... قَالَ جَابِرٌ يَا سَيِّدِي مَا أَقَلَّ أَصْحَابِي قَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ أَتَدْرِي كَمْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مِنْ أَصْحَابِكَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كُنْتُ أَظُنُّ فِي كُلِّ بَلَدَةٍ مَا بَيْنَ الْمِائَةِ إِلَى الْمِائَتَيْنِ وَفِي كُلِّ مَا بَيْنَ الْأَلْفِ إِلَى الْأَلْفَيْنِ بَلْ كُنْتُ أَظُنُّ أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ أَلْفٍ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ وَنَوَاحِيهِ قَالِ يَا جَابِرُ خَالَفَ ظَنَّتْكَ وَقَصَّرَ رَأْيَكَ أَوْلَيْكَ الْمُقَصِّرُونَ وَكَيْسُوا لَكَ بِأَصْحَابِ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَمَنْ الْمُقَصِّرُ قَالَ الَّذِينَ قَصَّروا فِي مَعْرِفَةِ الْأَيْمَةِ وَعَنْ مَعْرِفَةِ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِهِ وَرُوحِهِ قُلْتُ يَا سَيِّدِي وَمَا مَعْرِفَةُ رُوحِهِ قَالَ أَنْ يُعْرَفَ كُلُّ مَنْ خَصَّهُ اللَّهُ تَعَالَى بِالرُّوحِ فَقَدْ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَهُ يَخْلُقُ بِإِذْنِهِ وَيُحْيِي بِإِذْنِهِ وَيَعْلَمُ الْغَيْبَ مَا فِي الصَّمَائِرِ وَيَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَذَلِكَ أَنَّ هَذَا الرُّوحَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى فَمَنْ خَصَّهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَِذَا الرُّوحِ فَهَذَا كَامِلٌ غَيْرُ نَاقِصٍ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ بِإِذْنِ اللَّهِ يَسِيرُ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فِي لِحْظَةٍ وَاحِدَةٍ

ص: 220

بِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ يَنْزِلُ بِهِ إِلَى الْأَرْضِ وَيَفْعَلُ مَا شَاءَ

حدیث 64: جابر گفت: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: آقا چقدر یاران هم عقیده ما کمند، امام (علیه السلام) فرمود: هیئات هیئات می دانی روی زمین چقدر یار و هم عقیده داری عرضه داشتیم: در هر شهر خیال می کنم بین صد تا دویست و در تمام شهرها هزار یا دو هزار باشند و در روی زمین خیال می کنم صد هزار باشند فرمود: نه جابر گمان تو زیاد است آنهایی که خیال می کنی مقصّرند و از یاران تو نیستند. عرضه داشتیم: یا ابن رسول الله مقصّر کیست؟ فرمود: کسانی که در معرفت امام کوتاهی دارند و همچنین در معرفت آن چه خدا بر آن ها واجب نموده از امر و روح خود عرضه داشتیم: معرفت روح خدا چیست؟ فرمود: این که بدانند به هر که خداوند این روح را بخشیده امر خود را نیز به او تفویض نموده و به اذن خدا می آفریند و زنده می کند و به دیگری علم غیبی آموزد و از گذشته و آینده تا روز قیامت اطلاع دارد چون آن روح از امر الله است هر که ممتاز به این روح شد کامل است و نقصانی ندارد هر چه بخواهد به اذن خدا انجام می دهد از مشرق به مغرب در يك لحظه می رود، و به آسمان بالا می رود و به زمین فرود می آید هر چه اراده کند و بخواهد انجام می دهد. (1)

نشانه ای دیگر از معرفت ائمه اطهار (علیهم السلام)

حدیث 65: وَ حَدَّثَنِي وَالِدِي مِنَ الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا

ص: 221

مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُؤَصِّلِي قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ خَالِدٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ وَقَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سُلَيْمَانَ أَحْمَدُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ
 بْنُ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ:.... قَالَ فَأَحْضَرْتُهُمْ مِنَ الْعَدَدِ فَسَلَّمُوا عَلَيَّ
 الْإِمَامَ وَبَجَلُوهُ وَوَقَرُوهُ وَوَقَفُوا بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ يَا جَابِرُ أَمَا إِنَّهُمْ إِخْوَانُكَ وَقَدْ بَقِيَتْ عَلَيْهِمْ بَقِيَّةٌ أَتَقْرُونَ أَيُّهَا النَّفَرُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ
 يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ وَلَا مُعْتَبَرَ لِحُكْمِهِ وَلَا رَادًّا لِقَضَائِهِ وَلَا يُسَمَّى عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسَمُّونَ قَالُوا نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ قُلْتُ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ قَدْ اسْتَبَصَّرُوا وَعَرَفُوا وَبَلَّغُوا قَالَ يَا جَابِرُ لَا تَعْجَلْ بِمَا لَا تَعْلَمُ فَبَقِيَتْ مُتَحِيرًا فَقَالَ سَلُّهُمْ هَلْ يَقْدِرُ عَلَيَّ بْنُ الْحُسَيْنِ أَنْ يَصِيرَ صُورَةَ
 ابْنِهِ مُحَمَّدٍ قَالَ جَابِرُ فَسَأَلْتُهُمْ فَأَمْسَكُوا وَسَكَتُوا قَالَ يَا جَابِرُ فَسَأَلْتُهُمْ فَأَمْسَكُوا وَسَكَتُوا قَالَ جَابِرُ فَسَأَلْتُهُمْ فَأَمْسَكُوا وَسَكَتُوا قَالَ
 فَنَظَرَ إِلَيَّ وَقَالَ يَا جَابِرُ هَذَا مَا أَخْبَرْتُكَ أَنَّهُمْ قَدْ بَقِيَ عَلَيْهِمْ بَقِيَّةٌ فَقُلْتُ لَهُمْ مَا لَكُمْ مَا تُجِيبُونَ إِيَّامَكُمْ فَسَكَتُوا وَشَكَّوْا فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ وَقَالَ يَا جَابِرُ
 هَذَا مَا أَخْبَرْتُكَ بِهِ قَدْ بَقِيَتْ عَلَيْهِمْ بَقِيَّةٌ وَقَالَ الْبَاقِرُ (عليه السلام) مَا لَكُمْ لَا تَتَطَقُونَ فَنَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ قَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
 لَا عَلَّمْنَا فَعَلَّمْنَا قَالَ فَنَظَرَ الْإِمَامُ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) وَقَالَ لَهُمْ مَنْ هَذَا قَالُوا
 ابْنُكَ فَقَالَ لَهُمْ مَنْ أَنَا قَالَ أَبُوهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ فَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ لَمْ نَفْهَمْ فَإِذَا مُحَمَّدٌ بِصُورَةِ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَإِذَا عَلِيُّ
 بِصُورَةِ ابْنِهِ مُحَمَّدٍ قَالُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَالَ الْإِمَامُ (عليه السلام) لَا تَعْجَبُوا مِنْ قُدْرَةِ اللَّهِ أَنَا مُحَمَّدٌ (عليه السلام) وَ مُحَمَّدٌ (عليه السلام) أَنَا وَ
 قَالَ مُحَمَّدٌ (عليه السلام) يَا قَوْمَ لَا

تَعَجَّبُوا مِنْ أَمْرِ اللَّهِ أَنَا عَلِيٌّ (عليه السلام) وَعَلِيٌّ (عليه السلام) أَنَا وَكُلُّنَا وَاحِدٌ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ وَرُوحَنَا مِنْ أَمْرِ اللَّهِ أَوْلَانَا مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) وَأَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) وَآخِرُنَا مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) وَكُلُّنَا مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) قَالَ فَلَمَّا سَمِعُوا ذَلِكَ خَرُّوا لِرُجُوهِهِمْ سَجْدًا وَهُمْ يَقُولُونَ آمَنَّا بِوَلَايَتِكُمْ وَبِسِرِّكُمْ وَبِعَلَانِيَتِكُمْ وَأَقْرَبْنَا بِخَصَائِنِكُمْ فَقَالَ الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (عليه السلام) يَا قَوْمُ ارْزُقُوا رُءُوسَكُمْ فَانْتُمْ الْإِنْعَارِفُونَ الْفَائِزُونَ الْمُسْتَبْصِرُونَ وَأَنْتُمْ الْكَامِلُونَ الْبَالِغُونَ اللَّهُ لَا تُظَلِّعُوا أَحَدًا مِنَ الْمُقَصِّرِينَ الْمُسْتَصْغَفِينَ عَلَى مَا رَأَيْتُمْ مِنِّي وَمِنْ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) فَيَسْتَنْعُوا عَلَيْكُمْ وَيُكذِّبُوكُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا قَالَ فَانصَرِفُوا زَائِدِينَ كَامِلِينَ فَانصَرِفُوا قَالَ جَابِرٌ قُلْتُ سَيِّدِي وَكُلُّ مَنْ لَا يَعْرِفُ هَذَا الْأَمْرَ عَلَى الْوَجْهِ الَّذِي صَنَعْتَهُ وَبَيَّنَّتهُ إِلَّا أَنْ عِنْدَهُ مَحَبَّةٌ وَيَقُولُ بِفَضْلِكُمْ

وَيَتَبَرَّأُ مِنْ أَعْدَائِكُمْ مَا يَكُونُ حَالُهُ قَالَ يَكُونُ فِي خَيْرٍ إِلَى أَنْ يَبْلُغُوا

حدیث 65: جابر می گوید: با عدّه ای از دوستانم به محضر امام باقر (علیه السلام) شرفیاب شدیم چون خدمت امام (علیه السلام) رسیدند بر او سلام کرده و احترام نمودند و آن بزرگوار را بزرگ و گرامی داشتند. امام (علیه السلام) فرمودند: ای جابر این ها برادران تو هستند اما هنوز مانده تا کامل شوند. بعد رو به آن ها کرد و فرمود: آیا شما اعتراف می کنید که خدای تبارک و تعالی آن چه بخواهد انجام می دهد، و آن چه را اراده فرماید حکم می کند و هیچ کس قادر نیست حکم او را نقض کرده و رأی او را رد کند و از آن چه انجام می دهد سؤال نمی شود و مردمان هستند که مورد بازجویی قرار می گیرند؟ عرض کردند: بله همان طور است که فرمودید، خداوند آن چهرا بخواهد انجام می دهد، و آن چه را اراده کند فرمان می دهد. من گفتم: خدا را سپاس، این ها همگی آگاه بوده و معرفت داشته و کاملند. امام (علیه السلام) فرمود: ای جابر! آن چه را نمی دانی شتاب زده درباره اش قضاوت مکن. من از گفته ی امام متحیر و سرگردان

شدم. فرمود: از آن‌ها بپرس آیا علی بن‌الحسین (علیه السلام) می‌تواند به صورت فرزندش محمد تغییر کند؟ جابر گوید: از ایشان پرسش نمودم و آن‌ها از جواب دادن خودداری کرده و ساکت ماندند. امام (علیه السلام) فرمود: ای جابر! از آن‌ها سؤال کن آیا محمد می‌تواند به صورت علی بن‌الحسین (علیه السلام) درآید و تغییر کند؟ جابر گوید: از ایشان سؤال نموده و آن‌ها باز هم از جواب دادن خودداری کرده و ساکت ماندند. آن‌گاه امام (علیه السلام) به من نگاهی کرده و فرمودند: این است آنچه به تو خبر دادم که این‌ها هنوز کامل نشده‌اند. من به آن‌ها گفتم: چه شده، چرا به امام خود جوابی نمی‌دهید؟ باز هم ساکت مانده و در شک فرو رفتند. امام (علیه السلام) این همان است که گفتم این‌ها باید مراحل دیگری را طی کنند تا کامل شوند. و آن‌گاه امام (علیه السلام) فرمود: چه شده چرا سخن نمی‌گویید؟ آن‌ها به هم نگاه کرده و گفتگویی نموده سپس عرض کردند: ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! نمی‌دانیم به ما بیاموز سرور عبادت پیشگان حضرت علی بن‌الحسین (علیه السلام) به فرزندش امام باقر (علیه السلام) نگاه کرده و به آن‌ها فرمود: این شخص کیست؟ عرض کردند: فرزند شماس، امام (علیه السلام) فرمود: من کیستم؟ عرضه داشتند: علی بن‌الحسین (علیه السلام) و پدر ایشان جابر گوید: بعد از این پرسش‌ها امام (علیه السلام) کلماتی فرمود که ما نفهمیدیم ناگهان دیدیم محمد (علیه السلام) به صورت پدرش علی بن‌الحسین (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) به صورت فرزندش محمد (علیه السلام) گردید، آن‌ها با مشاهده این دگرگونی از روی تعجب گفتند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ R امام (علیه السلام) فرمود: از قدرت پروردگار تعجب نکنید، من محمد (علیه السلام) هستم و محمد (علیه السلام) منست، و محمد بن علی (علیه السلام) فرمود: از کار خدا شگفت زده نشوید من علی (علیه السلام) هستم و علی (علیه السلام) منست و همه ما یکی هستیم و از یک نور آفریده شده ایم و روح ما از امر خدا و از عالم امرست، أَوْلُنَا مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله) وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله) وَ آخِرُنَا مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله) وَ كَلَّمْنَا مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله) جابر گوید: وقتی این کلمات را از امام (علیه السلام) شنیدند همگی با صورت به روی زمین افتاده، بر خدا سجده کرده و

گفتند: ما به ولایت شما و مقامات پنهان شما ایمان آوردیم و به ویژگی های شما اقرار کردیم. امام سجّاد(علیه السلام) فرمود: سر از سجده بردارید، اکنون شما عارف، آگاه و رستگار شدید، و کامل گشته و به حدّ کمال رسیدید، شما را به خدا آن چه از من و فرزندم محمّد مشاهده نمودید به هیچ یک از آشنایان خود که به این مرتبه نرسیده بلکه کوتاهی کرده و آن ها را به ضعف کشیده اند خبر ندهید که شمارا سرزنش و تکذیب می کنند. عرضه داشتند: گفتارتان را شنیدیم و اطاعت می کنیم. فرمود: شما به حد رشد و کمال رسیده، اکنون بازگردید. جابر عرضه داشت: مولای من هرکه این امر را به وجهی که بیان کرده اید شناسد اما شما را دوست داشته و مطیع تان باشد، از دشمنانتان بیزاری جسته و به برتری شما اقرار نماید، حالش چگونه است؟ فرمود: او در مسیر سعادت و خیر و خوبی قرار گرفته تا آن که به آن پایه از معرفت دست یابد... (1) ابواب چهارگانه

حدیث 66: قَالَ الْبَاقِرُ (علیه السلام): لَا يُقْبَلُ عَمَلٌ إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَلَا مَعْرِفَةٌ إِلَّا بِعَمَلٍ وَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ مَعْرِفَتُهُ عَلَى الْعَمَلِ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ فَلَا عَمَلَ لَهُ.

حدیث 66: امام باقر(علیه السلام): هیچ کرداری پذیرفته نیست جز به معرفت، و معرفتی نیست جز به همراهی کردار، هر که معرفت یافت او را به کردار رهنماید، و هر که معرفت ندارد عملی نیارد. (2)

حدیث 67: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: إِنَّكُمْ لَا تَكُونُونَ صَالِحِينَ حَتَّى تَعْرِفُوا وَلَا تَعْرِفُونَ حَتَّى تُصَدِّقُوا وَلَا تُصَدِّقُونَ

ص: 225

1- . بحار الانوار ج 26 ص 14 باب 14 نادر في معرفتهم صلوات الله عليهم بالنورانية وفيه ذكر جمل من فضائلهم ح 2 مقصود امام ز اینست که در راه درستی گام بر می دارد اما زمانی کامل می گردد که به این حدّ از معرفت ما برسد.

2- . تحف العقول: وروي عن الإمام الباقر عن علم الله... وروي عنه في قصار هذه المعاني: ص 294 ح 24.

حَتَّى تُسَلِّمُوا أَبْوَابَ أَرْبَعَةٍ لَا يَصْلُحُ أُولُهَا إِلَّا بِأَخْرِهَا ضَلَّ أَصْحَابُ الثَّلَاثَةِ وَ تَاهُوا تَيْهَاً بَعِيداً إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْعَمَلَ الصَّالِحَ

حدیث 67: عبد الرحمن بن ابی لیلی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند که ایشان فرمودند: شما شایستگی پیدا نمی کنید، مگر این که معرفت داشته، و معرفت پیدا نخواهید کرد، مگر این که صداقت داشته باشید، و صداقت را هنگامی به دست می آورید، که تسلیم شوید، این ها ابواب چهارگانه ای هستند که به هم بستگی دارند و در صورت فقدان یکی بقیه نتوانند کاری کنند، آنان که سه صفت را داشته باشند راه به جایی نبرده، حیران و سرگردان خواهند شد، و خداوند متعال جز کارهای شایسته را قبول نمی کند. (1)

شرح و تفسیر: کسی که از امام (علیه السلام) پیروی نمی کند نسبت به امام (علیه السلام) معرفتی ندارد، زیرا یکی از علامات معرفت اینست که بداند اطاعت از امام (علیه السلام) واجبست، پس از آن در تمامی امور از دستورات امام (علیه السلام) پیروی کند، همین پیروی نمودن دلیلی بر اینست که به مرتبه ای از معرفت امام (علیه السلام) دست یافته است.

معرفت امام خیر کثیر

حدیث 68: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ عَنْ أَبِي بصيرٍ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» فَقَالَ هِيَ طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ*

حدیث 68: در حدیثی زیبا ابو بصیر گفت: از امام صادق (علیه السلام) در مورد این آیه سؤال کردم: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (2) هر که دارای حکمت

ص: 226

1- . الكافي ج 2 ص 47 باب خصال المؤمن ح 3.

2- [1] البقرة آية 269

شود به او خیر و خوبی فراوان داده شده. فرمودند: مقصود اطاعت و فرمانبرداری از خدا و معرفت امام(علیه السلام) است. (1)

حدیث 69: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام)

قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا قَالَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَ اجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا النَّارَ * حدیث 69: امام باقر(علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه «وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (2) فرمودند: مقصود معرفت امام(علیه السلام) و پرهیز از گناهان کبیره ای است که خداوند وعده آتش داده. (3)

وظیفه مردم کسب معرفت ائمه اطهار

حدیث 70: عَنْ زُرَّارَةَ وَ حُمْرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالُوا سَأَلْنَا هُمَا عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» قَالَ أَمَرُوا بِمَعْرِفَتِنَا

حدیث 70: امام باقر(علیه السلام) در باره آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» (4)

فرمودند: یعنی مردم مأمور به معرفت ما خانواده هستند. (5)

ص: 227

1- [2] الكافي ج 1 ص 185 باب معرفة الإمام و الرد إليه ح 11

2- [1] البقرة آية 269

3- [2] الكافي ج 2 ص 284 باب الكبائر ح 20، وسائل الشيعة ج 15 ص 315 باب 45 وجوب اجتناب الكبائر ح 20619

4- [3] البقرة آية 208

5- [4] تفسير العياشي ج 1 ص 102 [سورة البقرة(2): آية 208] ح 295

دقت در فضائل ائمه اطهار (علیهم السلام) راهی برای کسب معرفت‌اگر دوست دارید فضائل و کمالات خاندان رسالت را بشناسید در کارهای شگفت‌انگیز آنان دقت کنید، بلکه درباره رفتار شیعیان آن‌ها ابراهیم (علیه السلام) اسماعیل (علیه السلام) داود (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام) توجه کنید، بلکه به علم و قدرت وصی حضرت سلیمان آصف بن برخیا (علیه السلام) بیندیشید! تا بدانید، چگونه او در طبیعت تصرف کرده با این که او فقط علمی از کتاب را می‌دانسته و علم همه کتاب نزد او نبوده است.

«قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَا تُنِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» (1)

قرآن کریم آن قضیه را چنین حکایت می‌کند: حضرت سلیمان (علیه السلام) به اطرافیانش فرمود: کدام یک از شما می‌تواند تخت بلقیس را قبل از آن که خود را تسلیم نمایند بیاورد، عفریتی از جن گفت: من آن را می‌آورم پیش از آن که از جای خود برخیزی و من بر این کار قدرتمند و امین هستم، کسی که قسمتی از علم کتاب نزد او بود گفت: من آن را قبل از آن که چشمت برهم بخورد نزد تو حاضر می‌کنم، و چون چنین کرد و تخت را مشاهده کرد فرمود: این فضل و بخشش و لطف پروردگار است تا مرا بیازماید که شکرگزار او هستم یا نه؟ و هر که شکر کند برای خود شکر نموده و سپاس‌گزاری کرده، و کسی که کفر ورزد پروردگار من بی‌نیاز و بزرگوار است. (2)

در فرمایش آصف بن برخیا (علیه السلام) که می‌گوید: «أَنَا آتِيكَ بِهِ» من آن را

ص: 228

1- . نمل آیات 38 تا 40.

2- . نمل آیات 38 تا 40.

می آورم نکته مهمی است که ردّ گفتار و هابیت و پیروان جاهل آنهاست. ما برای آنان که می خواهند مسائل مربوط به ولایت را بهتر بفهمند تذکر می دهیم، خداوند بر آصف بن برخیا (علیه السلام) ممت گذاشته و اسمی از اسماء خود را به او آموخت، با دانستن آن بر تصرف در زمان و مکان قدرت پیدا کرد و تخت بلقیس را از مملکت سبا به فارس آورد، در حالی که بین آن دو 500 فرسخ فاصله بود، و این قدرت بزرگ فضل و بخشش الهی نسبت به او بود، و وقتی آصف (علیه السلام) خواست از این قدرت استفاده کند به سلیمان (علیه السلام) گفت: من آن را می آورم و نگفت: من آن را به اذن خدا می آورم. و از این آیه شریفه می فهمیم وقتی خداوند انبیاء و اولیاء خود را قدرت و ولایت مرحمت کرد بر آن ها واجب نیست، هنگام اظهار قدرت بگویند ما این کار را به اذن خدا انجام می دهیم، همان طور که بر ما واجب نیست، وقتی به آن ها متوسل می شویم بگویم حاجت ما را به اذن خدا عنایت کنید، همان طور که گفته آصف (علیه السلام) را به حضرت سلیمان (علیه السلام) ملاحظه کردید، علم آصف (علیه السلام) و قدرت او نسبت به علم ائمه اطهار (علیهم السلام) مانند قطره ای نسبت به دریا بلکه کمتر از آنست، زیرا علم الکتاب یعنی علم تمامی کتاب نزد آن ها است.

حدیث 71: الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ قَالَ سَأَلْتُ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) فَقُلْتُ سَيِّدِي أَسْأَلُكَ عَنْ شَيْءٍ أَنَا بِهِ مُوقِنٌ وَإِنَّهُ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَأَنْتَ الْمَسْرُورُ إِلَيْهِ ذَلِكَ السِّرُّ فَقَالَ يَا أَصْبَغُ أَتُرِيدُ أَنْ تَرَى مُخَاطَبَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) لِأَبِي دُونَ يَوْمِ مَسْجِدِ قُبَا قَالَ هَذَا الَّذِي أَرَدْتُ قَالَ قُمْ فَإِذَا أَنَا وَهُوَ بِالْكُوفَةِ فَنظَرْتُ فَإِذَا الْمَسْجِدُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيَّ بَصَرِي فَتَبَسَّمَ فِي وَجْهِي ثُمَّ قَالَ يَا أَصْبَغُ إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ أُعْطِيَ الرِّيحَ غَدُومًا شَهْرًا وَرَوَّاحُهَا شَهْرًا وَأَنَا قَدْ أُعْطِيتُ أَكْثَرَ مِمَّا أُعْطِيَ سُلَيْمَانُ فَقُلْتُ صَدَقْتَ وَاللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ نَحْنُ الَّذِينَ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ وَبَيَانُ

مَا فِيهِ وَ لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مَا عِنْدَنَا لِأَنَا أَهْلُ سِرِّ اللَّهِ فَتَبَسَّمَ فِي وَجْهِهِ ثُمَّ قَالَ نَحْنُ آلُ اللَّهِ وَ وَرَثَةُ رَسُولِهِ فَقُلْتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى ذَلِكَ قَالَ لِي ادْخُلْ فَدَخَلْتُ فَإِذَا أَنَا بِرَسُولِ اللَّهِ مُحْتَبِيٍّ فِي الْمِحْرَابِ بِرِدَائِهِ فَتَنَظَّرْتُ فَإِذَا أَنَا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَابِضٌ عَلَى تَلَايِبِ الْأَعْسَرِ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَعْصُ عَلَى الْأَنَامِلِ وَ هُوَ يَقُولُ بِسِّمِ الْخَلْفِ خَلَفْتَنِي أَنْتَ وَ أَصْحَابُكَ عَلَيْكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَتِي الْخَبَرَ

حدیث 71: اصبغ می گوید: به امام حسین (علیه السلام) عرض کردم: ای سرور من! از مطلبی سؤال می کنم که به آن یقین دارم و آن از اسرار بوده و در وجود شما نهفته است. فرمود: ای اصبغ! آیا می خواهی مکالمه پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) را با ابوبکر در روز مسجد قبا مشاهده کنی؟ عرض کردم: این همان چیزی است که اراده کرده ام. فرمود: برخیز، ناگهان خود را در کوفه مشاهده کرده و کمتر از چشم به هم زدنی مسجد را دیدم، آن حضرت در صورت من تبسمی کرد و سپس فرمود: خداوند باد را مسخر سلیمان بن داود کرد «عُدُّوْهَا شَهْرٌ وَ رَوَّاحُهَا شَهْرٌ» (1) و من بیش از آن چه به او عطا شده نصیبم گردیده است. عرض کردم: به خدا قسم! همان طور است، سپس فرمود: علم کتاب و بیان آن نزد ماست و هیچ یک از آفریدگان خدا به دلیل آن که اهل سر الهی است آن چه را نزد ما هست ندارد. سپس فرمود: ما وابستگان پروردگار و وارثین رسول خداییم. فرمود: داخل شو. پس داخل مسجد شدم، ناگهان پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) را در محراب دیدم که ردا به خود پیچیده، در این هنگام امیر مؤمنان (علیه السلام) را مشاهده کردم، که گریبان ابوبکر را گرفته. پیامبر (صلى الله عليه وآله) در حالی که انگشت به دندان گرفته بود فرمود: تو و

اصحاب تو بد بازماندگانی بعد از من بودید، لعنت خدا و لعنت من بر شما باد. (2)

از این واقعه تعجب نکنید، زیرا خاندان وحی (علیهم السلام) به مقتضای ولایت شان قدرت تصرف در ملکوت آسمان ها و زمین دارند.

ص: 230

1- . سبأ آیه 12.

2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 4 ص 52 فصل في معجزاته ع.

حديث72: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي زَاهِرٍ عَنِ الْحَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ قَالَ فَفَرَّجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) بَيْنَ أَصَابِعِهِ فَوَضَعَ مَعَهَا فِي صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ وَعِنْدَنَا وَاللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ.

حديث72: عبدالرحمان بن كثير از امام صادق (عليه السلام) در تفسير اين آيه شريفه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (1) نقل می کند که حضرت بين انگشتان خود را باز کرده و آن را روی سينه مبارکش قرار داده و فرمود: به خدا قسم! علم الكتاب يعنى علم همه کتاب نزد ماست. (2)

هشدار به منكران فضائل ائمه اطهار (عليهم السلام)

حديث73: مَرْفُوعٌ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ قَالَ يَا سَلْمَانُ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ لَنَا حَقَّ مَعْرِفَتِنَا وَأَنْكَرَ فَضْلَنَا يَا سَلْمَانُ أَيَّمَا أَفْضَلٍ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) أَوْ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ (عليه السلام) قَالَ سَلْمَانُ بَلْ مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ فَقَالَ يَا سَلْمَانُ فَهَذَا أَصْفُ بْنُ بَرْخِيَا قَدَرُ أَنْ يَحْمِلَ عَرْشَ بَلْقَيْسَ مِنْ فَارِسَ إِلَى سَبْيَا فِي طَرْفَةِ عَيْنٍ وَعِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ وَلَا أَفْعَلُ أَنَا أَضْعَافُ ذَلِكَ وَعِنْدِي أَلْفُ كِتَابٍ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى سَيْثِ بْنِ آدَمَ (عليه السلام) خَمْسِينَ صَحِيفَةً وَعَلَى إِدْرِيسَ (عليه السلام) ثَلَاثِينَ صَحِيفَةً وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ (عليه السلام) عَشْرِينَ صَحِيفَةً وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ فَقُلْتُ صَدَقْتَ يَا سَيِّدِي قَالَ الْإِمَامُ يَا سَلْمَانُ إِنَّ الشَّاكَّ فِي

ص: 231

1- . نمل آيه 40.

2- . الكافي كتاب الحجة ج 1 ص 229 كتاب الحجة بابُ أَنَّهُ لَمْ يَجْمَعْ الْقُرْآنَ كُلَّهُ إِلَّا الْأَيُّمَةُ ع وَأَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ عِلْمَهُ كُلَّهُ ح 5.

أُمُورِنَا وَعُلُومِنَا كَالْمُسْتَهْزِئِ فِي مَعْرِفَتِنَا وَحُقُوقِنَا وَقَدْ فَرَضَ اللَّهُ وَلَا يَتَنَا فِي كِتَابِهِ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ وَبَيَّنَّ مَا أُوجِبَ الْعَمَلَ بِهِ وَهُوَ مَكْشُوفٌ.

حدیث 73: امیر مؤمنان علی (علیه السلام): ای سلمان! بدبختی و تمام بدبختی بر کسی که حق معرفت ما را نشناسد، و منکر فضل ما باشد. ای سلمان! کدامیک افضلند؟ حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) یا سلیمان بن داود سلمان؟ گفت: بلکه حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) افضل است. علی (علیه السلام) فرمود: ای سلمان! پس چگونه آصف بن برخیا (علیه السلام) که علمی از کتاب نزد او بود توانست تخت بلقیس را در یک چشم برهم زدن از فاس به سبا بیاورد، ولی من چندین برابر او نتوانم انجام دهم در حالی که نزد من (علوم) هزار کتاب است. خدای متعال بر شیث بن آدم (علیه السلام) پنجاه صحیفه، و بر ادریس پیامبر سی صحیفه، و بر ابراهیم خلیل (علیه السلام) بیست صحیفه فرستاد، و (خداوند) تورات، انجیل، زبور و فرقان را فرستاد. عرض کردم: راست می فرمایید: مولای من! فرمود: ای سلمان! کسی که در امور و علوم ما تردید نماید، مانند کسی است که معرفت و حقوق ما را مسخره می کند، حقیقتاً خداوند ولایت ما را در چند مورد از قرآن واجب نموده و آن چه باید عمل شود، آشکارا بیان و این مطلب را روشن کرده است. (1)

حدیث 74:

أَقُولُ قَالِ الشَّيْخُ حَسَنُ بْنُ سَلْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِ الْمُحْتَضَرِ، رَوَى بَعْضُ عُلَمَاءِ الْإِمَامِيَّةِ فِي كِتَابِ مَنْهَجِ التَّحْقِيقِ إِلَى سَوَاءِ الطَّرِيقِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ: ... قَالَ

علی (علیه السلام): ... کَمَا أَتَيْتُ بِكُمْ وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ إِنِّي لَأَمْلِكُ مِنْ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَا لَوْ عَلِمْتُمْ بِبَعْضِهِ لَمَّا احْتَمَلْتُمْ جَنَائِكُمْ إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ عَلَى اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ حَرْفًا وَ كَانَ عِنْدَ آصَفَ بْنِ بَرْخِيَا حَرْفٌ وَاحِدٌ فَتَكَلَّمَ بِهِ فَخَسَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْأَرْضَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ عَرْشِ بَلْقِيسَ حَتَّى تَنَاولَ السَّرِيرَ ثُمَّ عَادَتِ الْأَرْضُ كَمَا

ص: 232

1- . إرشاد القلوب إلى الصواب ج 2 ص 416 أحاديث في فضائل أهل البيت ع، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب ج 6 ص 484 [سورة الرعد(13): الآيات 40 الى 43] ص : 478 تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 244 [سورة الرعد(13): آية 43]

.....

كَانَتْ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفِ النَّظَرِ وَعِنْدَنَا نَحْنُ وَاللَّهِ اثْنَانِ وَسَبْعُونَ حَرْفًا وَحَرْفٌ وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَأْثَرَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ عَرَفْنَا مَنْ عَرَفْنَا وَانْكُرْنَا مَنْ انْكُرْنَا

حدیث 74: امیرالمؤمنین (علیه السلام): قسم به حق آن کسی که دانه را شکافت و خلق را آفرید من از اختیار و قدرتی نسبت به ملکوت آسمان ها و زمین برخوردارم که شما تحمل دانستن بعضی از آن را ندارید، اسم اعظم پروردگار هفتاده و سه حرف است آصف بن برخیا یک حرف از آن را می دانست، با آن یک حرف در زمینی که بین او و تخت بلقیس بود تصرف کرد، آن را پیمود و تخت را برداشت، دو مرتبه زمین به شکل اول برگشت و این عمل سریع تر از یک چشم برهم زدن انجام شد. به خدا قسم! تمام هفتاد و دو حرف نزد ماست، و یک حرف است که مخصوص خداوند است و در علم غیب او نهفته، و هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر به سبب خدای بزرگ و بلند مرتبه، شناخت ما را، هرکه به ما معرفت پیدا کرد، و انکار کرد ما را، هرکه ما را شناخت. (1)

گوشه ای از فضائل ائمه اطهار (علیهم السلام)

حدیث 75:

[فُرَاتٌ] قَالَ حَدَّثَنِي عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فُرَاتٍ الْقَزَّازُ قَالَ حَدَّثَنَا عَامِرُ بْنُ كَثِيرٍ السَّرَاجُ [عَنْ زِيَادِ حَيْلُولَةَ] وَحَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ [ابْنِ خَلْفِ الْعَطَّارِ] قَالَ حَدَّثَنَا زِيَادُ بْنُ الْمُنْدِرِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَهُوَ يَقُولُ شَجْرَةَ أَصْلُهَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَفَرْعُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَام)

وَأَغْصَانُهَا فَاطِمَةُ

ص: 233

بِنْتُ النَّبِيِّ [مُحَمَّدٍ] وَ تَمَرُّهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ [عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ وَ التَّحِيَّةُ وَ الْإِكْرَامُ] فَإِنَّهَا شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَ بَيْتُ [نَبْتِ] الرَّحْمَةِ وَ مِفْتَاحُ الْحِكْمَةِ وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ مَوْضِعُ سِرِّ اللَّهِ وَ وَدِيعَتُهُ وَ الْأَمَانَةُ الَّتِي عُرِضَتْ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ وَ حَرَمُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَ بَيْتُ اللَّهِ الْعَتِيقُ وَ ذِمَّتُهُ [حَرَمُهُ] وَ عِنْدَنَا عِلْمُ الْمَنَائَا وَ الْبَلَايَا وَ الْقَضَايَا وَ الْوَصَايَا وَ فَضْلُ الْخِطَابِ وَ مَوْلِدُ الْإِسْلَامِ وَ أَنْسَابُ الْعَرَبِ كَانُوا نُورًا مُشْرِقًا حَوْلَ عَرْشِ رَبِّهِمْ فَأَمَرَهُمْ فَسَدَ بَحُورًا فَسَدَ بَحَّ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ لِيَسْبِيحِيهِمْ وَ إِنَّهُمْ لَصَافُونَ وَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمُسَبِّحُونَ فَمَنْ أَوْفَى بِذِمَّتِهِمْ فَقَدْ أَوْفَى بِذِمَّةِ اللَّهِ وَ مَنْ عَرَفَ حَقَّهُمْ فَقَدْ عَرَفَ حَقَّ اللَّهِ هُوَ لَا عِثْرَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) وَ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُمْ فَقَدْ جَحَدَ حَقَّ اللَّهِ هُمْ وَ لَا أَمْرَ لِلَّهِ وَ خَزَنَتُهُ وَ حَيِّ اللَّهِ وَ وَرَثَتُهُ كِتَابِ اللَّهِ وَ هُمْ الْمُصَدِّقُونَ بِاسْمِ اللَّهِ وَ أَمَنَّاؤُهُ عَلَى وَ حَيِّ اللَّهِ هُوَ لَا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَضَاضِ [مُضَاضِ] الرِّسَالَةِ وَ الْمُسْتَأْنَسُونَ بِخَفِيقِ أَجْنَحَةِ الْمَلَائِكَةِ مَنْ كَانَ يَغْدُوهُمْ جَبْرَائِيلُ [بِأَمْرِ] الْمَلِكِ الْجَلِيلِ بِخَبْرِ التَّنْزِيلِ وَ بُرْهَانِ الدَّلَائِلِ هُوَ لَا أَهْلُ بَيْتِ [الْبَيْتِ] أَكْرَمَهُمُ اللَّهُ بِشَرَفِهِ وَ شَرَفَهُمْ بِكَرَامَتِهِ وَ أَعَزَّهُمُ بِالْهُدَى وَ تَبَّهَهُمُ بِالْوَحْيِ وَ جَعَلَهُمُ أُمَّةً هُدَاةً وَ نُورًا فِي الظُّلْمِ لِلنَّجَاةِ وَ اخْتَصَّهُمُ لِدِينِهِ وَ فَضَّلَهُمُ بِعِلْمِهِ وَ آتَاهُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ وَ جَعَلَهُمُ عِمَادًا لِدِينِهِ وَ مُسَدِّ تَوَدَعًا لِمَكُونِ سِرِّهِ وَ أَمَنَاءَ عَلَى وَ حَيِّهِ مَطْلَبًا [نُجَبَاءَ] مِنْ خَلْقِهِ وَ شَهَدَاءَ عَلَى بَرِيَّتِهِ وَ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ وَ اجْتَبَاهُمْ وَ حَصَّههُمْ وَ اصَدَّ طِفَاهُمْ وَ فَضَّلَهُمْ وَ اِزْتَضَاهُمْ وَ اِنْتَجَبَهُمْ وَ اِنْتَقَاهُمْ [وَ اِنْتَقَاهُمْ] وَ جَعَلَهُمُ نُورًا لِلْبِلَادِ وَ عِمَادًا لِلْعِبَادِ

[وَأَدْلَاءٌ لِلْأُمَّةِ عَلَى الصِّرَاطِ فَهُمْ أَيْمَةٌ الْهَدَى وَالِدُّعَاءُ إِلَى التَّقْوَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ الْعُلْيَا] وَحُجَّتُهُ الْعُظْمَى هُمُ النَّجَّاءُ وَالزَّلْفَى هُمُ الْخَيْرَةُ الْكِرَامُ هُمُ الْقَضَاءُ الْحُكَامُ هُمُ النَّجُومُ الْأَعْلَامُ هُمُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ هُمُ السَّبِيلُ الْأَقْوَمُ الرَّاعِبُ عَنْهُمْ مَارِقٌ وَالْمَقْصَرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ هُمُ نُورُ اللَّهِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْبَحَارُ السَّائِعَةُ لِلشَّارِبِينَ أَمِنْ لِمَنْ إِلَيْهِمُ التَّجَا وَأَمَانٌ لِمَنْ تَمَسَكَ بِهِمْ إِلَى اللَّهِ يَدْعُونَ وَلَهُ يَسْلَمُونَ وَبِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَبَيِّنَاتِهِ [وَبَيِّنَاتِهِ وَبِكَتَابِهِ] يَحْكُمُونَ فِيهِمْ بَعَثَ اللَّهُ رَسُولَهُ وَعَلَيْهِمْ هَبَطَتْ مَلَائِكَتُهُ وَبَيْنَهُمْ نَزَلَتْ سَكِينَتُهُ وَإِلَيْهِمْ بُعِثَ [نَفْثُ] الرُّوحِ الْأَمِينُ مَنَّا مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَضْلُهُمْ بِهِ وَخَصَّهُمْ بِذَلِكَ وَأَتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ [وَأَبَالِحِكْمَةِ قَوَاهُمْ فُرُوعٌ طَيِّبَةٌ وَأُصُولٌ مُبَارَكَةٌ مُسَدِّتٌ قَرَارٌ الرَّحْمَةِ خَزَانُ الْعِلْمِ وَوَرْدَةُ الْحِلْمِ وَأُولُو التَّقَى وَالنُّهَى وَالنُّورِ وَالضِّيَاءِ وَوَرْدَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَبَيْتَةُ الْوَصَايَا مِنْهُمْ الطَّيِّبُ ذِكْرُهُ الْمُبَارَكُ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمُصَدَّقِيُّ وَالْمُرْتَضَى وَرَسُولُهُ الْأُمِّيُّ وَمِنْهُمْ الْمَلِكُ الْأَزْهَرُ وَالْأَسَدُ الْمُرْسَلُ [حَمْرَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ] وَمِنْهُمْ الْمُسْتَسْقَى بِهِ يَوْمَ الرَّمَادَةِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَمُّ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَصِدْقُ أَبِيهِ وَمِنْهُمْ [جَعْفَرُ] ذُو الْجَنَاحَيْنِ وَالْقَبْلَانِينِ وَالْهَجْرَتَيْنِ وَالْبَيْعَتَيْنِ مِنَ الشَّجَرَةِ الْمُبَارَكَةِ صَاحِبِ الْأَدِيمِ وَصَاحِبِ الْبُرْهَانِ وَمِنْهُمْ حَبِيبُ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَأَخُوهُ وَالْمُبَلِّغُ عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ الْبُرْهَانُ وَالنَّوِيلُ وَمُحْكَمُ التَّفْسِيرِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيُّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ الصَّلَوَاتُ الزَّكِيَّةُ وَالْبَرَكَاتُ السَّنِيَّةُ هُوَ لَاءِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ وَلَا يَتَّهَمُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ

مُسَّ لِمَمَةٍ فَقَالَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ لِنَبِيِّهِ «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»
قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَفْتَرَأَفُ الْحَسَنَةَ حُبُّنَا [مَوَدَّتُنَا] أَهْلَ الْبَيْتِ

حدیث 75: در کتاب تفسیر فرات می نویسد: زیاد بن منذر گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: ما شجره نبوت، خانه رحمت، کلید حکمت، معدن علم و دانش، جایگاه رسالت، محل آمد و رفت فرشتگان، موضع سر خدا و ودیعه او، امانتی که بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه شد، حرم خدای اکبر، بیت عتیق خدا و پیمان اویم. علم مرگ و میرها، بلاها، پیشامدها، وصیت ها و فصل الخطاب، زادگاه اسلام و نژاد عرب نزد ماست. امامان معصوم (علیهم السلام) انوار درخشان در پیرامون عرش خدا بودند، خدای متعال دستور داد تا تسبیح نمایند، اهل آسمان ها از تسبیح آن ها به تسبیح مشغول شدند، آنان در پیشگاه خدای متعال صف زدگان و تسبیح کنندگانند، کسی که به پیمان آن ها وفا نماید در واقع به پیمان خداوند وفا نموده، و کسی که عارف به حق آنان باشد در واقع عارف به حق خداست، آنان عترت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، و کسی که منکر حق ایشان باشد در واقع منکر حق خداست. آنان فرمانروایان امر خدا و گنجینه های وحی پروردگار و وارث کتاب خداوند، آنان برگزیدگان به امر خدا و امینان بر وحی اویند. آنان خاندان نبوت و مرکز رسالت و مانوسان به حرکات پروبال فرشتگانند، کسانی که جبرئیل (علیه السلام) به فرمان پروردگار جلیل، آنان را با خبر تنزیل و برهان و دلیل تغذیه نموده. آنان اهل بیت پیامبرند که خداوند متعال به شرافت خویش آن ها را گرامی داشته و باکرامت و لطف خویش مفتخر و بزرگشان داشته و با هدایت عزیزشان کرده و به وسیله وحی استوارشان نموده و آن ها را پیشوایان هدایت برای راهنمایی و نور درخشان در تاریکی ها برای نجات قرار داده، آن ها را به دین خود مخصوص گردانیده و با علم خویش برتری داده و آن چه به احدی از جهانیان نداده

به آن‌ها بخشیده. آن‌ها را پایه دین و جایگاه ودیعه نهادن اسرار پنهان و امینان وحی، و برگزیدگان از آفریدگان و گواهان بر مردم قرار داده و آنان را برگزیده و انتخاب کرده و اختصاص داده و امتیاز بخشیده و برتری داده و خشنود گردیده و گزینش نموده و برگزیدگان بهاء داده. آنان را نور جهان، تکیه گاه مردم، و راهنمایان مردم بر روی صراط قرار داده، چرا که آنان امامان هدایت، داعیان به سوی تقوا و کلمه اعلای حق تعالی و حجت عظمای الهی هستند. آنان نجات بخش و دارای قرب و منزلتند، آنان برگزیدگان گرامی، داوران فرمان روا، ستارگان درخشان، صراط مستقیم، و شاهراه استوارند که هر که از آن‌ها رویگرداند گمراه و آن که در حق آن‌ها کوتاهی کند هلاک گردیده و آن که از آن‌ها پیروی کند به هدف می‌رسد. آنان نور خدا در دل‌های مؤمنان و دریای گوارا برای تشنگانند، هر که به آن‌ها پناه ببرد ایمن می‌شود و آنان برای کسی که به ایشان چنگ زند محل ایمنی و آرامشند، آنان دعوت کنندگان به سوی خدا و فرمانبردار اویند، و مجریان دستور پروردگار و حکم کنندگان به فرمان او هستند. خداوند متعال پیامبرش را در میان آن‌ها مبعوث کرد، و فرشتگان خدا به سوی آن‌ها فرود می‌آیند، و به پیامبری که از آنان است آرامش و سکینه پروردگار نازل گردیده، و روح الامین بر آن‌ها نزول می‌کند، و این به جهت لطف و عنایتی است که خدای متعال بر آن‌ها دارد که این امتیاز را بر آنان بخشیده و آن را بر آنان اختصاص داده، به آنان تقوا داده و با حکمت تقویتشان نموده. آنان شاخه‌های پاک و ریشه‌های مبارکند، قرارگاه رحمت حق، گنجینه‌های علم و دانش، وارثان حلم و شکیبایی، صاحبان تقوا و عقل و خرد، نور و روشنائی، وارثان پیامبران، و باقی مانده از اوصیایند که از خاندان آن‌ها کسی است که یادش دلشین و نامش مبارک باشد، یعنی حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) پیامبر برگزیده و امی. و از آن خاندان است فرمانروایی که (همچون ستاره) می‌درخشید و همچون شیر ژیان می‌غرید، یعنی

حضرت حمزه، فرزند عبدالمطلب (علیه السلام). و از آن خاندان است کسی که در سال خشک سالی رماده. تشنگان را سیراب کرد، و از آن خاندان است جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) ذوالجناحین کسی که به دو قبله نماز خواند و دو هجرت کرد و دو بیعت نمود، او از شجره مبارکی است که دارای روانی روشن و برهانی آشکار است. و از آن خاندان است دوست و برادر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) که پیام رسان از طرف او، صاحب برهان، تأویل و تفسیر محکم است، امیر و سرپرست مؤمنان و جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله) پروردگار جهانیان، یعنی علی بن ابی طالب (علیه السلام) که درودهای پاک و تهنیت های والای خدا بر او باد. آری، اینان کسانند، که خداوند متعال مودت و ولایت آن ها را بر هر مرد و زن مسلمان واجب نموده و در کتاب محکم خود Sقرآن R به پیامبر (صلی الله علیه و آله) خطاب فرموده که بگو «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» من هیچ پاداشی برای رسالتم از شما درخواست نمی نمایم جز دوستی و محبت بر خاندان و نزدیکانم، و هر که کار نیکی انجام دهد بر او نیکی می افزایم چرا که خداوند آمرزنده و سپاس گزار است. در این هنگام امام باقر (علیه السلام) فرمود: منظور از کسب کردن حسنه، کار نیک محبت ما خاندان است. (1) بدون معرفت عملی سودی نخواهد داشت

حدیث 76: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الْوَرَّاقُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ صَبَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ: أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَجَاءَهُ هَذَا الْجَوَابُ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أُوصِيكَ وَ

ص: 238

1- . تفسیر فرات الکوفی: ص 395 ح 527، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرة المؤمنین ص 318 باب 121 الباب فیما نذکره عن أحمد بن محمد الطبري من كتابه الذي أشرنا إليه في تسمية مولانا علي ع بأمير المؤمنين وولي المؤمنين ووصي رسول رب العالمين ح 1،

نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ فَإِنَّ مِنَ التَّقْوَى الطَّاعَةَ وَالْوَرَعَ وَالتَّوَضُّعَ لِلَّهِ وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْاجْتِهَادَ وَالْأَخْذَ بِأَمْرِهِ وَالنَّصِيحَةَ لِرُؤْسِهِ وَالْمُسَارَعَةَ فِي مَرْضَاتِهِ وَاجْتِنَابَ مَا نَهَى عَنْهُ فَإِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَصَابَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ ذَلِكَ إِنَّمَا هِيَ الْمَعْرِفَةُ وَأَنَّهُ إِذَا عَرَفَ اكْتَفَى بِغَيْرِ طَاعَةٍ فَقَدْ كَذَبَ وَأَشْرَكَ ذَلِكَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَمْ يُطِيعْ وَإِنَّمَا قِيلَ اعْرِفْ وَاعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنَ الْخَيْرِ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ ذَلِكَ مِنْكَ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ إِذَا عَرَفْتَ فَأَعْمَلْ لِنَفْسِكَ مَا شِئْتَ مِنَ الطَّاعَةِ قَلَّ أَوْ كَثُرَ فَإِنَّهُ مَقْبُولٌ مِنْكَ أُخْبِرُكَ أَنَّ مَنْ عَرَفَ أَطَاعَ إِذَا عَرَفَ وَصَلَّى وَصَامَ وَاعْتَمَرَ وَعَظَّمَ حُرْمَاتِ اللَّهِ كُلَّهَا وَلَمْ يَدْعُ مِنْهَا شَيْئاً وَعَمِلَ بِالْبِرِّ كُلِّهِ وَمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ كُلِّهَا وَتَجَنَّبَ سَيِّئَاتِهَا وَكُلَّ ذَلِكَ هُوَ النَّبِيُّ وَالنَّبِيُّ أَصْلُهُ وَهُوَ أَصْلُ هَذَا كُلِّهِ لِأَنَّهُ جَاءَ بِهِ وَدَلَّ عَلَيْهِ وَأَمَرَ بِهِ وَلَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ شَيْئاً مِنْهُ إِلَّا بِهِ وَمَنْ عَرَفَ اجْتَنَبَ الْكِبَائِرَ وَحَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَحَرَّمَ الْمَحَارِمَ كُلَّهَا لِأَنَّ بِمَعْرِفَةِ النَّبِيِّ وَبِطَاعَتِهِ دَخَلَ فِيمَا دَخَلَ فِيهِ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) وَخَرَجَ مِمَّا خَرَجَ مِنْهُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) وَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحَلِّلُ الْحَلَالَ وَيُحَرِّمُ الْحَرَامَ بِغَيْرِ مَعْرِفَةِ النَّبِيِّ لَمْ يُحَلِّلْ لِلَّهِ حَلَالاً وَلَمْ يُحَرِّمْ لَهُ حَرَاماً وَأَنَّهُ مَنْ صَلَّى وَزَكَى وَحَجَّ وَاعْتَمَرَ وَفَعَلَ ذَلِكَ كُلَّهُ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ مِنْ افْتِرَاضِ اللَّهِ عَلَيْهِ طَاعَتَهُ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ وَلَمْ يُصَلِّ وَلَمْ يُصُمْ وَلَمْ يُزَكِّ وَلَمْ يَحُجَّ وَلَمْ يَعْتَمِرْ وَلَمْ يَغْتَسِلْ مِنَ الْجَنَابَةِ وَلَمْ يَتَطَهَّرْ وَلَمْ يُحَرِّمْ لِلَّهِ حَرَاماً وَلَمْ يُحَلِّلْ لِلَّهِ حَلَالاً وَلَيْسَ لَهُ صَلاةٌ وَإِنْ رَكَعَ وَسَجَدَ وَلَا لَهُ زَكَاةٌ وَإِنْ أَخْرَجَ لِكُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا دِرْهَمًا وَمَنْ عَرَفَهُ وَأَخَذَ عَنْهُ أَطَاعَ اللَّهَ

حدیث 76: مفضل گفت نامه ای برای امام صادق (علیه السلام) نوشتم این جواب از طرف امام صادق (علیه السلام) آمد: من تو و خود را به تقوی و فرمانبرداری خدا سفارش می کنم از تقوی محسوب می شود، ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع بودن و خیر خواهی برای فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، هر که تقوی را پیشه خود کند جان خویش را از آتش جهنم به لطف خدا رها کرده و به تمام خیر دنیا و آخرت رسیده... هر که گمان کند تنها معرفت و شناخت لازم است و پس از عرفان احتیاج به عمل ندارد دروغ گفته و مشرک است چنین شخصی نه عرفان دارد و نه اطاعت کرده گفته اند: **اعْرِفْ وَ اعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنَ الْخَيْرِ** بشناس و عرفان داشته باش آنگاه هر چه مایلی کار نیک انجام ده زیرا کار نیک بدون معرفت پذیرفته نمی شود وقتی عرفان پیدا کردی هر چه مایلی برای خود از اطاعت و فرمانبرداری انجام ده کم یا زیاد پذیرفته می شود (به شرط اینکه واجبات را ترک نکرده باشی). دقت کن هر که عارف باشد مطیع است وقتی عرفان یافت نماز می خواند روزه می گیرد عمره انجام می دهد و تمام دستورات را احترام می گذارد و ترک هیچ کدام را نمی کند تمام کارهای نیک و مکارم اخلاق را انجام می دهد و از بدی ها پرهیز می کند پایه تمام این ها پیامبر (صلی الله علیه و آله) است زیرا او آورده و راهنمایی کرده از کسی نمی پذیرد مگر با عرفان به او و هر که بشناسد او را از کبائر اجتناب می ورزد و فواحش را حرام می داند ظاهر و باطن و تمام محرمات را حرام می داند زیرا با شناختن پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد دستورات دین شده و از چیزهای حرام اطلاع یافته هر که چیزی را حلال یا حرام بداند بدون معرفت پیامبر (صلی الله علیه و آله) هرگز در راه خدا نه حلالی را حلال و نه حرامی را حرام دانسته هر که نماز، زکات، حج و عمره و تمام این دستورات را بدون معرفت کسی که آن ها را واجب کرده انجام دهد ذره ای از او قبول نمی کنند نه نماز خوانده و نه زکات داده و نه حج گزارده و نه

عمره و نه غسل جنابت و نه طهارت کرده نه حرامی را برای خدا مراعات نموده و نه حلالی را، او اهل نماز نیست گر چه رکوع و سجود کرده باشد و نه اهل پرداخت زکات است گر چه از هر چهل درهم يك درهم داده باشد هر که پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بشناسد و مطیع او باشد از خدا اطاعت کرده. (1)

حدیث 77: وَ يُؤَيِّدُ هَذَا مَا رَوَاهُ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ بِإِسْمِ نَادِهِ إِلَى الْفَضْلِ بْنِ شَدَّاذَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنْتُمْ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنْتُمْ الزَّكَاةُ وَأَنْتُمْ الْحَجُّ فَقَالَ يَا دَاوُدُ نَحْنُ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَحْنُ الزَّكَاةُ وَنَحْنُ الصِّيَامُ وَنَحْنُ الْحَجُّ وَنَحْنُ الشَّهْرُ الْحَرَامُ وَنَحْنُ الْبَلَدُ الْحَرَامُ وَنَحْنُ كَعْبَةُ اللَّهِ وَنَحْنُ قِبْلَةُ اللَّهِ وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» وَنَحْنُ الْآيَاتُ وَنَحْنُ الْبَيْتَاتُ وَنَحْنُ الْأَوْثَانُ وَالطَّاعُوتُ وَالْمَيْتَةُ وَالِدَّمُّ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ يَا دَاوُدُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا فَأَكْرَمَ خَلْقَنَا وَفَضَّلَنَا وَجَعَلَنَا أُمَّةً وَ الْأَزْلَامَ وَالْأَصْدَانَامَ وَالْأَوْثَانَ وَالْحِجْبُ وَالطَّاعُوتُ وَالْمَيْتَةُ وَالِدَّمُّ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ يَا دَاوُدُ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا فَأَكْرَمَ خَلْقَنَا وَفَضَّلَنَا وَجَعَلَنَا أُمَّةً وَ حَفَظْتَهُ وَحُرَّانَهُ عَلَى مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ لَنَا أَضْدَادًا وَأَعْدَاءً فَسَدَّ مَنَا فِي كِتَابِهِ وَكُنِيَ عَنْ أَسْمَائِنَا بِأَحْسَنِ الْأَسْمَاءِ وَأَحَبَّهَا إِلَيْهِ وَسَمَّى أَضْدَادَنَا وَأَعْدَاءَنَا فِي كِتَابِهِ وَكُنِيَ عَنْ أَسْمَائِهِمْ وَضَرَبَ لَهُمُ الْأَمْثَالَ فِي كِتَابِهِ فِي أَبْغَضِ الْأَسْمَاءِ إِلَيْهِ وَإِلَى عِبَادِهِ الْمُتَّقِينَ

حدیث 77: داود بن کثیر گفت به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم شما در قرآن نماز هستید و شما زکات و حج هستید؟ فرمود: داود ما در قرآن نماز و زکات، روزه، حج، ماه حرام و شهر حرام و کعبه و قبله و وجه الله هستیم. خداوند

ص: 241

1- [1] بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 526 باب 21 باب فيه شرح أمور النبي و الأئمة في أنفسهم و الرد على من غلا بجهلهم ما لم يعرفوا من معنى أقاويلهم ح 1

فرموده: «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (1) ما آیات و بینات هستیم و دشمن ما در قرآن فحشاء و منکر یعنی خمر، میسر، انصاب، ازلام اصنام، اوئان جبت طاغوت مردار خون لحم خنزیرند. خداوند ما را آفرید و به ما امتیاز بخشید ما را امناء و نگهبانان و خزینه داران آسمان ها و زمین قرار داد برای ما دشمنان و مخالفین قرار داد ما را در کتاب خود نام برد و از نام های ما به بهترین چیزها که دوست داشت کنایه آورد دشمنان و مخالفین ما را نیز در کتاب خود به کنایه نام برد به نام های بدترین چیزها در نزد خود و بندگان پرهیزگار. (2)

حدیث 78: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو غَالِبٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الزُّرَّارِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِنَّ أَبَا أُمَيَّةَ يُوسُفَ بْنَ ثَابِتٍ حَدَّثَ عَنْكَ أَنَّكَ قُلْتَ لَا يَضُرُّ مَعَ الْإِيمَانِ عَمَلٌ وَلَا يَنْفَعُ مَعَ الْكُفْرِ عَمَلٌ فَقَالَ إِنَّهُ لَمْ يَسْأَلْنِي أَبُو أُمَيَّةَ عَنْ تَفْسِيرِهَا إِنَّمَا عَنَيْتُ بِهَا أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَتَوَلَّاهُ ثُمَّ عَمِلَ لِنَفْسِهِ مَا شَاءَ مِنْ عَمَلٍ الْخَيْرِ قُبِلَ مِنْهُ ذَلِكَ وَ صُوعِفَ لَهُ أَصَدَّ عَافًا كَثِيرَةً وَ انْتَفَعَ بِأَعْمَالِ الْخَيْرِ مَعَ الْمَعْرِفَةِ فَهَذَا مَا عَنَيْتُ بِذَلِكَ وَ كَذَلِكَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا إِذَا تَوَلَّوْا الْإِمَامَ الْجَائِرَ الَّذِي لَيْسَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ أَلَيْسَ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» فَكَيْفَ لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ مِمَّنْ يُوَالِي أُمَّةَ الْجَوْرِ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) هَلْ تَدْرِي مَا الْحَسَنَةُ الَّتِي عَنَاهَا اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْآيَةِ هِيَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَ طَاعَتُهُ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (وَ

ص: 242

1- [2] البقرة آية 115

2- [1] تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 21 مقدمة المؤلف

مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُتِبَتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» وَ إِنَّمَا أَزَادَ بِالسَّيِّئَةِ إِنكَارَ الْإِمَامِ الَّذِي هُوَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَنْ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ جَاءَ مُنْكَرًا لِحَقِّنَا جَاحِدًا لَوْلَا يَتَنَا أَكْبَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ

حدیث 78: از عمار سباطی نقل می کند که به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: ابو امیه یوسف بن ثابت برایم نقل کرد که شما فرموده اید: لَا يَصْدُرُ مَعَ الْإِيمَانِ عَمَلٌ وَلَا يَنْفَعُ مَعَ الْكُفْرِ R عمل با داشتن ایمان عمل زیان نمی رساند و با کفر نیز عمل سودی ندارد. فرمود: ابو امیه پرسیدی که منظورم از این حرف چیست، منظورم از این سخن آن بود که هرکه عارف به مقام امام از آل محمد (صلی الله علیه و آله) باشد و او را دوست بدارد و سپس هرچه مایل است برای خود از اعمال خیر انجام دهد از او پذیرفته می شود چندین برابر به او پاداش خواهند داد با معرفت از کار خوب بهره مند می شود، منظورم این بود. همین طور است که خداوند اعمال مردم را نخواهد پذیرفت در صورتی که دوستدار و طرفدار امام ستمگری باشند که از جانب خدا تعیین نشده. عبد الله بن ابی یعفور گفت مگر خداوند در این آیه نمی فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» (1) پس چگونه سود نخواهد برد کسی که عمل صالحی انجام دهد با دوست داشتن پیشوایان جور. حضرت فرمود: می دانی حسنه ای که در آیه است منظور چیست؟ یعنی معرفت امام (علیه السلام) و اطاعت از او خداوند در این آیه فرموده: «وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُتِبَتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (2) از سینه منظورش انکار امامی است که از جانب خدا تعیین شده. آن گاه حضرت فرمود: هر که روز قیامت با ولایت امام ستمگر وارد محشر شود بستگی با خدا ندارد و منکر حق و ولایت ما خاندانست و خداوند او را در آتش جهنم سرازیر می کند. (3)

ص: 243

1- [1] النمل آیه 89

2- [2] النمل آیه 90

3- [3] الأُمالي للطوسي ص 417 [14] المجلس الرابع عشر ح 87

حدیث 79: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيُّهُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ صَبَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ كَتَبَ إِلَيْهِ كِتَابًا فِيهِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ يَدْعُو إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ لَيْسَ مَعَهَا طَاعَةٌ فِي أَمْرٍ وَلَا نَهْيٍ وَإِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ الْعَمَلَ بِالْفَرَائِضِ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى حُدُودِهَا مَعَ مَعْرِفَةٍ مِنْ دَعَا إِلَيْهِ وَمَنْ أَطَاعَ حَرَّمَ الْحَرَامَ ظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ وَصَلَّى وَصَامَ وَحَجَّ وَاعْتَمَرَ وَعَظَّمَ حُرْمَاتِ اللَّهِ كُلَّهَا وَلَمْ يَدْعُ مِنْهَا شَيْئًا وَعَمِلَ بِالْبِرِّ كُلِّهِ وَمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ كُلِّهَا وَتَجَنَّبَ سَيِّئَهَا وَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِلُّ الْحَلَالَ وَيُحَرِّمُ الْحَرَامَ بِغَيْرِ مَعْرِفَةِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) لَمْ يُحِلِّ لِلَّهِ حَلَالًا وَلَمْ يُحَرِّمْ لَهُ حَرَامًا وَإِنْ مَنْ صَلَّى وَرَكَعَ وَحَجَّ وَاعْتَمَرَ وَفَعَلَ ذَلِكَ كُلَّهُ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ مِنْ افْتِرَاضِ اللَّهِ عَلَيْهِ طَاعَتَهُ فَلَمْ يَفْعَلْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ لَمْ يُصَلِّ وَلَمْ يُصُمْ وَلَمْ يُزَكِّ وَلَمْ يُحِجَّ وَلَمْ يَعْتَمِرْ وَلَمْ يَغْتَسِلْ مِنَ الْجَنَابَةِ وَلَمْ يَتَطَهَّرْ وَلَمْ يُحَرِّمْ لِلَّهِ حَلَالًا وَلَيْسَ لَهُ صِدَاقَةٌ وَإِنْ رَكَعَ وَإِنْ سَجَدَ وَلَا لَهُ زَكَاةٌ وَلَا حَجٌّ وَإِنَّمَا ذَلِكَ كُلُّهُ يَكُونُ بِمَعْرِفَةِ رَجُلٍ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ بِطَاعَتِهِ وَأَمْرٍ بِالْأَخْذِ مِنْهُ فَمَنْ عَرَفَهُ وَأَخَذَ عَنْهُ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ ذَلِكَ إِنَّمَا هِيَ الْمَعْرِفَةُ وَأَنَّهُ إِذَا عَرَفَ اكْتَفَى بِغَيْرِ طَاعَةٍ فَقَدْ كَذَبَ وَأَشْرَكَ وَإِنَّمَا قِيلَ اعْرِفْ وَاعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنَ الْخَيْرِ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْكَ ذَلِكَ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ فَإِذَا عَرَفْتَ فاعْمَلْ لِنَفْسِكَ مَا شِئْتَ مِنَ الطَّاعَةِ قَلَّ أَوْ كَثُرَ فَإِنَّهُ مَقْبُولٌ مِنْكَ

حدیث 79: مفضل بن عمر نقل کرده که گفت: حضرت ابی عبد الله نامه ای به سوی وی مرقوم فرموده و در آن آمده بود: خداوند متعال هرگز پیامبری را مبعوث نفرموده که مردم را به معرفت باری تعالی دعوت کرده اما نسبت به اوامر و نواهی او سفارشی ننماید. خداوند از بندگان قبول می کند عمل به واجباتی را که قرار داده، با حفظ حدودی که معین کرده، با معرفت کسی که دعوت به خدا می نماید. کسی که خدا را اطاعت کند، حرام خدا را ظاهراً و باطناً حرام دانسته (و از انجام محرمات دوری کند) نماز خوانده و روزه می گیرد حج رفته و عمره بجا آورد، تمامی محرمات الهی را بزرگ شمرده و هیچ یک از

(اوامر الهی) را ترک نکند، به تمامی اعمال نیک و هر چه از مکارم اخلاق است عمل کرده و از آنچه زشت و منکر است اجتناب نماید، و هر که گمان کند حلال را حلال و حرام را حرام دانسته، بدون معرفت پیامبر (صلی الله علیه و آله) حلالی را حلال و حرامی را برای خدا حرام ندانسته است، و اگر تمامی این کارها را بدون معرفت کسی که خدا اطاعت او را واجب نموده (یعنی بدون معرفت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام)) انجام دهد هیچ کاری را انجام نداده نه نماز و نه روزه و نه زکات و نه حج و نه عمره بجا آورده و نه غسل از جنابت کرده و پاک نشده، نه حرامی را حرام و نه حلالی را حلال دانسته، اهل نماز نبوده گر چه رکوع و سجود را به جا آورده و نه زکاتی پرداخت نموده و نه حجی انجام داده، تمامی این ها در صورتی پذیرفته شود که بشناسد کسی را که خداوند بر مردم منت نهاده با اطاعت کردن و پیروی از او. هر که او را بشناسد و اطاعت کند خدا را اطاعت نموده و هر که گمان کند که تنها معرفت کافی بوده، و به اطاعت ایشان نیازی نیست، دروغ گفته و مشرک است. گفته شده بشناس، آنگاه هر چه می خواهی کار نیک انجام ده زیرا از تو نمی پذیرند کار نیک را مگر با معرفت. وقتی معرفت حاصل شد، آنگاه هر چه مایلی به نفع خود اطاعت و فرمانبرداری کن، کم و زیاد پذیرفته است. (یعنی با کسب

معرفت در صورت انجام تمامی واجبات و ترک تمامی محرّمات اعمال تو مورد قبول درگاه احدیت خواهد بود چه مستحبات را زیاده انجام دهی و چه کم (1)

معرفت ائمه اطهار حسنه است

حدیث 80: فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعْنَعًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): أَنَّهُ قَرَأَ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» فَقَالَ إِذَا جَاءَ بِهَا مَعَ الْوَلَايَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَإِذَا جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَأَمَّا قَوْلُهُ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» فَالْحَسَنَةُ وَلَا يَتَنَا وَحُبُّنَا وَ «مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُتِبَتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ» فَهِيَ بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ عَمَلًا وَلَا صِرْفًا وَلَا عَدْلًا وَهُمْ فِي نَارِ جَهَنَّمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ. حدیث 80: امام صادق (عليه السلام) این آیه را قرائت نمود: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (2) آنگاه فرمودند: در صورتی کار نیک را با ولایت انجام دهد ده برابر می شود و اگر گناهی انجام دهد معادل همان کیفر می شود و اما این آیه

«مَنْ

جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» (3) حسنه ولایت و حب ماست (به همراه معرفت) «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُتِبَتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ» (4) نیز کینه اهل بیت (علیهم السلام) است که از آن ها هیچ عملی را از خیر و خوبی نمی پذیرد و در آتش جهنم پیوسته خواهند بود و عذابشان تخفیف داده نمی شود. (5)

ص: 246

1- . علل الشرائع ج 1 ص 250 باب 182 باب علل الشرائع و أصول الإسلام ح 7

2- . الانعام آیه 160

3- . النمل آیه 89

4- . النمل آیه 90

5- . [4] تفسیر فرات الکوفی ص 139 [سورة الأنعام(6): آیه 160]

حدیث 81: وَ قَالَ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيُّ قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ» قَالَ حُبْنَا وَ «مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ» قَالَ بُغَضْنَا

حدیث 81: امام صادق (عليه السلام) در باره آیه شریفه «مَنْ»

جاءَ بِالْحَسَنَةِ» (1) فرمود: حسنه حب ما و معرفت حق ما بوده و سَيِّئَةٍ بُغْضٌ و آدا نکردن حق ماست. (2)

لقمان حکیم صاحب معرفت

حدیث 82:

أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ [الْقَصِيرِ] النَّضْرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ

جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُهُ «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» قَالَ أُوتِيَتْ مَعْرِفَةَ إِمَامٍ زَمَانِهِ

حدیث 82: علی بن قصیر می گوید: به امام صادق (عليه السلام) عرضه داشتیم: فدایت شوم تفسیر این آیه چیست «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» (3) و به لقمان حکمت آموختیم. حضرت فرمود: یعنی معرفت امام زمان خودش را. (4)

مردم به نسبت معرفتشان پاداش داده

می شوند

حدیث 83: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَمَّارِ السَّابِاطِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «أَفَمَنْ

ص: 247

1- . الانعام آية 160

2- [6] مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 4 ص 284 فصل المقدمات

3- . لقمان آية 12

4- [2]. تفسیر القمی ج 2 ص 161 [سورة لقمان (31): الآيات 6 الى 10] مقصود شناخت و معرفت پیامبر زمان خودش می باشد

اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمَ وَ بَسَّ الْمَصِيرُ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ» فَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ هُمُ الْأَيُّمَةُ وَ هُمْ وَ اللَّهُ يَا عَمَّارُ دَرَجَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ بَوْلَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ إِيَّانَا يُضَاعَفُ لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ وَ يَرْفَعُ اللَّهُ لَهُمُ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى *

حدیث 83: عمار ساباطی گوید: از امام صادق (علیه السلام) راجع به این قول خدای عز و جل پرسیدم که در کتابش فرموده «أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمَ وَ بَسَّ الْمَصِيرُ، هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ» (1) آیا کسی که از خشنودی خدا پیروی کرده مانند کسی است که بخشم خدا گرفتار شده و در دوزخ جایگاه دارد؟ چه بد سرانجامیست! ایشان درجات مختلفی نزد خدا دارند حضرت فرمود: کسانی که از خشنودی خدا پیروی کرده ائمه (علیهم السلام) هستند. ای عمار! به خدا که آن ها درجات اهل ایمانند، که به وسیله ولایت و معرفت ایشان نسبت به ما، خداوند

اعمال نیکشان را چند برابر کند و درجات عالی آنها را افزاشته سازد.. (2)

شرح و توضیح: ارزش اعمال اشخاص بسته به میزان معرفتشان متفاوت است و بدون تردید رمز نجات و عاقب بخیری همان پیروی از وجود گراندتر ائمه اطهار می باشد.

خطبه امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از جنگ صفین

حدیث 84:

حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا رَجَاءُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ

ص: 248

1- . آل عمران آية 162 و 163

2- [1] الكافي ج 1 ص 430 باب فيه نكت و نتف من التنزيل في الولاية ح 84 ، الوافي ج 3 ص 900 باب 125 ما نزل فيهم ع وفي أولياتهم ح 1564_53، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام لابن شهر آشوب ج 4 ص 179 باب في إمامة أبي جعفر الباقر ع فصل في المقدمات

الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: حَظَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) بِالْكَوْفَةِ عِنْدَ مَنْصَرٍ رَفَعَهُ مِنَ النَّهْرَوَانَ وَبَلَغَهُ أَنَّ مُعَاوِيَةَ يَسُبُّهُ وَيَعِيْبُهُ وَيَقْتُلُ أَصْحَابَهُ فَقَامَ خَطِيْبًا فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

وَذَكَرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ وَعَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لَوْ لَا آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ مَا ذَكَرْتُ مَا أَنَا ذَاكِرُهُ فِي مَقَامِي هَذَا يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا يُنْسَى أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ بَلَّغَنِي مَا بَلَّغَنِي وَإِنِّي أَرَانِي قَدْ افْتَرَبْتُ أَجْلِي وَكَأَنِّي بِكُمْ وَقَدْ جَهَلْتُمْ أَمْرِي وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا تَرَكَهُ رَسُولُ اللَّهِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي وَهِيَ عِزَّةُ الْهَادِي إِلَى النَّجَاةِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَسَيِّدِ النَّجْبَاءِ وَالتَّبِيِّ الْمُصْطَفَى (صلى الله عليه وآله)

حدیث 84: در این جا به روایتی از امام محمد باقر (علیه السلام) اشاره می کنیم که حضرت فرمودند: بعد از بازگشت از نهروان، به امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرضه داشتند: معاویه ناسزا و بدگویی کرده و اصحاب شما را می کشد. آن حضرت در ضمن خطبه ای بعد از حمد و ثناء الهی و درود و صلوات بر پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) و تذکر نعمت های پروردگار بر رسولش فرمود: اگر این آیه در قرآن کریم نبود آن چه را گفتم نگفته بودم، خداوند تبارک و تعالی فرموده «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (1) بعد فرمود: خداوندا سپاس و ستایش سزاوار توست به خاطر نعمت های که قابل شمارش نیست و به خاطر فضل و بخشش تو که فراموش شدنی نیست. ای مردم! به من رسیده آن چه رسیده، و همانا می بینم اجلم نزدیک شده و گویا هنوز نسبت به شأن من جاهلید و مرا نشناخته اید، و در میان شما به جا می گذارم آن چه را که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به جا گذاشت، و آن کتاب خدا و عترتم می باشند، که همان عترت آن هدایت کننده به طرف نجات یعنی خاتم انبیاء و سرور خوبان و پیامبر (صلى الله عليه وآله) برگزیده است. (2)

ص: 249

1- . الضحی آیه 11.

2- . معانی الأخبار ص 58 باب معانی أسماء محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و الأئمة ع ح 9.

ذَكَرَ وَالِدِي رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ رَأَى فِي كِتَابِ عَتِيقٍ، جَمَعَهُ بَعْضُ مُحَدِّثِي أَصْحَابِنَا فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) هَذَا الْخَبَرَ وَوَجَدْتُهُ
 أَيْضاً فِي كِتَابِ عَتِيقٍ مُشْتَمِلٍ عَلَى أَخْبَارٍ كَثِيرَةٍ قَالَ رُوِيَ عَنِ مُحَمَّدٍ بِنَصَدَقَةَ أَنَّهُ قَالَ: سَأَلَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَا
 أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بِالنُّورَانِيَّةِ قَالَ يَا جُنْدَبُ فَاْمُضْ بِنَا حَتَّى نَسْأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ قَالَ فَأَتَيْنَاهُ فَلَمْ نَجِدْهُ قَالَ
 فَأَنْتَظِرُنَاهُ حَتَّى جَاءَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مَا جَاءَ بِكُمْ قَالَ جِئْنَاكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَسْأَلُكَ عَنْ مَعْرِفَتِكَ بِالنُّورَانِيَّةِ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مَرْحَباً
 بِكُمْ مَا مِنْ وَلِيِّينَ مَتَعَاهِدِينَ لِإِدِينِهِ لَسْتُ تَمَّا بِمُقَصِّرِينَ لِعَمْرِي إِنَّ ذَلِكَ الْوَاجِبَ [وَاجِبٌ] عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَا
 سَلْمَانَ وَيَا جُنْدَبُ قَالَ لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ إِنَّهُ لَا يَسْتَكْمِلُ أَحَدٌ الْإِيمَانَ حَتَّى يَعْرِفَنِي كُنْهَ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ فَإِذَا عَرَفَنِي بِهَذِهِ الْمَعْرِفَةِ
 فَقَدْ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ صَارَ عَارِفاً مُسْتَبْصِراً وَ مَنْ قَصَرَ عَنْ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ فَهُوَ شَاكٌّ وَ مُرْتَابٌ يَا سَلْمَانَ وَيَا
 جُنْدَبُ قَالَ لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ (عليه السلام) مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ وَ هُوَ
 الدِّينُ الْخَالِصُ

حدیث 85: محمد بن صدقه نقل کرد: اباذر غفاری از سلمان فارسی پرسید؟ معرفت امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به نورانیت چگونه
 است. سلمان گفت: با هم برویم از خود مولا سؤال کنیم. خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسیده اما ایشان را

نیافتیم. مدتی منتظر شدیم تا آمدند. سؤال فرمود: برای چه آمده اید. گفتیم: آمده ایم پرسیم شما را چگونه با نورانیت می توان شناخت؟ فرمود: مرحبا به شما دو دوست متعهد که در راه دین کوتاهی ندارید. به جان خود سوگند یاد می کنم که این مطلب بر هر مرد و زن مؤمنی واجب است آن گاه فرمود: سلمان و ابذر. گفتیم: بفرمائید یا امیرالمؤمنین. فرمود: ایمان شخص کامل نمی شود مگر مرا به کُنه معرفت با نورانیت بشناسد. وقتی به این صورت شناخت آن گاه دلش را خدا به ایمان آزمایش نموده و شرح صدر برای اسلام به او عنایت کرده و در این صورت است که عارف و بینا و مستبصر شود. و هرکه کوتاهی از این عرفان بنماید در حال شك و ارتیاب است. سلمان و ابذر شناخت با نورانیت شناخت خداست و شناخت خدا معرفت منست با نورانیت اینست همان دین خالص که خداوند می فرماید «وما أمروا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» می فرماید: دستور داده نشده به آن ها مگر این که ایمان به نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) آورند که همان دین حنیف محمدی خالص است. (1)

توضیح: مقصود اینست که تنها راه برای رسیدن به معرفت خداوند تبارک و تعالی شناخت حجت های خداوند است و شناخت خدا بدون شناخت ائمه اطهار (علیهم السلام) حاصل نمی گردد زیرا ایشان آینه صفات خداوندی هستند و خداوند به واسطه ایشان خود را به مردم می شناساند.

لزوم شناخت امام

حدیث 86: الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أُدَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا غَيْرُ وَاحِدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا

ص: 251

1- . بحار الأنوار ج 26 ص 1 تنمة كتاب الإمامة، تنمة أبواب علامات الإمام و صفاته و شرائطه و ينبغي أن ينسب إليه و ما لا ينبغي باب 14 نادر في معرفتهم صلوات الله عليهم بالنورانية و فيه ذكر جمل من فضائلهم ح 1.

حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ (صلى الله عليه وآله) وَ الْأَئِمَّةَ (عليهم السلام) كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرُدُّ إِلَيْهِ وَ يُسَلِّمَ لَهُ ثُمَّ قَالَ كَيْفَ يَعْرِفُ الْآخِرَ وَ هُوَ يَجْهَلُ الْأَوَّلَ.*

حدیث 86: امام باقر (علیه السلام): بنده مؤمن نباشد تا خدا و رسولش و تمام ائمه (علیهم السلام) را و امام زمانش را بشناسد و درکارهایش به امام زمانش مراجعه کند و تسلیم او باشد، و سپس فرمود: چگونه آخری را بشناسد و او نسبت به اولی جاهل باشد. (1) حدیث 87: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمَهْرٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الْأَئِمَّةِ بَعْدَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) فَقَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِمَامًا ثُمَّ كَانَ الْحَسَنُ (عليه السلام) إِمَامًا ثُمَّ كَانَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) إِمَامًا ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِمَامًا ثُمَّ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) إِمَامًا مَنْ أَنْكَرَ ذَلِكَ كَانَ كَمَنْ أَنْكَرَ مَعْرِفَةَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مَعْرِفَةَ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) ثُمَّ قَالَ قُلْتُ ثُمَّ أَنْتَ جَعَلْتِ فِدَاكَ فَأَعَدْتَهَا عَلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالَ لِي إِنَّمَا حَدَّثْتُكَ لِتَكُونَ مِنْ شُهَدَاءِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي أَرْضِهِ.

حدیث 87: از امام صادق (علیه السلام) از امامان بعد از پیغمبر (صلى الله عليه وآله) پرسیدم، فرمود: امیرالمؤمنین (علیه السلام) امام است و سپس امام حسن (علیه السلام) امام است، پس از او حسین (علیه السلام) امام است و بعد از او علی بن الحسین (علیه السلام) امام است، سپس محمد بن علی (علیه السلام) امام است، هرکه منکر این حقیقت باشد چون کسی است که منکر معرفت خدا تبارک و تعالی و معرفت رسول (صلى الله عليه وآله) اوست بعد از این ذریح گوید: عرضه داشتم: پس از آن ها توئی، قربانت، سه بار این گفته را باز گفتم، به من فرمود: همانا من این حدیث را به تو گفتم: تا تو از گواهان خدا تبارک و تعالی باشی در زمین او (2)

ص: 252

-
- 1- . الكافي ج 1 ص 180 كتاب الحجّة باب مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِ ح 2، وسائل الشيعة ج 27 ص 64 كِتَابُ الْقَضَاءِ أَبْوَابُ صِفَاتِ الْقَاضِي وَ مَا يَجُوزُ أَنْ يَقْضِيَ بِهِ بَاب 7 وَ جُوبُ الرُّجُوعِ فِي جَمِيعِ الْأَحْكَامِ إِلَى الْمُعْصُومِينَ ح 33207، الوافي ج 2 ص 81، كتاب الحجّة، أبواب وجوب الحجّة و معرفته و حقوقه و كونه مبتلى و مبتلى به الآيات، باب 6 معرفة الإمام و الرد إليه ح 2
- 2- . الكافي ج 1 ص 180 كتاب الحجّة باب مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِ ح 5، الوافي ج 2 ص 88، الوافي ج 2 ص 83، كتاب الحجّة، أبواب وجوب الحجّة و معرفته و حقوقه و كونه مبتلى و مبتلى به الآيات، باب 6 معرفة الإمام و الرد إليه ح 5

حدیث 88: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ بُرَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «أَوْ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ إِمَامًا يُؤْتَمُّ بِهِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا قَالَ الَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ» *

حدیث 88: بُرَيْدٌ گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که در تفسیر قول خدا تبارک و تعالی «أَوْ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زِينٌ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (1)

آیا کسی که مرده بوده و ما زنده اش کردیم و برای او پرتوی نهادیم که با آن میان مردم راه می رود مانند کسی است که در ظلمات باشد و نتواند از آن به در آید فرمودند: مقصود از مرده نادانی است که چیزی نمی فهمد و مقصود از نوری که با آن میان مردم راه می رود همان امام است که از او پیروی می کند و مقصود از کسی که در ظلمات گرفتار است و نتواند از آن به در آید، آن کسی است که امام را نشناسد. (2)

حدیث 89: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَخْبِرْنِي عَنْ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ مِنْكُمْ وَاجِبَةً عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ رَسُولًا وَحُجَّةً لِلَّهِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ فَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَاتَّبَعَهُ وَصَدَّقَهُ فَإِنَّ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ مِنَّا وَاجِبَةٌ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ لَمْ يَتَّبِعْهُ وَ لَمْ يُصَدِّقْهُ وَ يَعْرِفُ حَقَّهُمَا فَكَيْفَ يَجِبُ عَلَيْهِ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَ هُوَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يَعْرِفُ حَقَّهُمَا قَالَ قُلْتُ فَمَا

ص: 253

1- . انعام 122

2- . الكافي ج 1 ص 185 كتاب الحجة باب مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَ الرَّدُّ إِلَيْهِ ح 13، كتاب الحجة، أبواب وجوب الحجة و معرفته و حقوقه و كونه مبتلى و مبتلى به الآيات، باب 6 معرفة الإمام و الرد إليه ح 12، بحار الأنوار ج 64 ص 30 كتاب الإيمان و الكفر أبواب الإيمان و الإسلام و الشيع و معانيها و فضلها و صفاتها تفسير

تَقُولُ فِيمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) وَيَصَدَّقُ رَسُولَهُ (صلى الله عليه وآله) فِي جَمِيعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ يَجِبُ عَلَيَّ أَوْلِيكَ حَقُّ مَعْرِفَتِكُمْ قَالَ نَعَمْ أَلَيْسَ هَؤُلَاءِ يَعْرِفُونَ فُلَانًا وَفُلَانًا قُلْتُ بَلَى قَالَ أَتَرَى أَنَّ اللَّهَ هُوَ الَّذِي أَوْقَعَ فِي قُلُوبِهِمْ مَعْرِفَةَ هَؤُلَاءِ وَاللَّهِ مَا أَوْقَعَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا الشَّيْطَانُ لَا وَاللَّهِ مَا أَلْهَمَ الْمُؤْمِنِينَ حَقَّنَا إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.

حدیث 89: زرارة گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرضه داشتیم: به من بفرمائید که آیا معرفت امام از شما خانواده بر تمام خلق واجبست؟ فرمود: خدای عز و جل محمد (صلى الله عليه وآله) را بر تمام مردم بعنوان رسول و حجت خدا بر همه خلقتش در روی زمین مبعوث فرمود، هر که ایمان به خدا دارد و به محمد رسول خدا (صلى الله عليه وآله)، و پیروی از او کند و او را تصدیق نماید معرفت امام از ما هم بر او واجب است، و کسی که به خدا و رسولش ایمان نیاورد و از او پیروی نکند و تصدیقش ننماید و حق خدا و رسولش را نشناسد، چگونه معرفت امام بر او واجب باشد در صورتی که بخدا و رسولش ایمان نیاورده و حق آنها را نشناخته است گفتیم: پس چه می فرمائید در باره کسی که ایمان به خدا و رسولش دارد و رسول خدا (صلى الله عليه وآله) را در همه آنچه خدا بدو فرستاده تصدیق کند، بر اینان حق شما واجب است؟ فرمود: آری، مگر اینان نیستند که فلان و فلان را می شناسند؟ گفتیم: چرا، فرمود: نظرت این است که خدا همان کسی است که معرفت اینان را در دلشان انداخته به خدا معرفت آنها را در دلشان نیانداخته مگر شیطان، نه به خدا حق ما را خدای عز و جل به مؤمنان الهام کرده است. (1)

ص: 254

1- . الكافي ج 1 ص 180 كتاب الحجّة باب مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَالرَّدِّ إِلَيْهِ ح 3

أَلٌ مُّحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ صِفَاتُ الدِّيَانِ، وَصَفْوَةُ الْمَتَّانِ، وَخَاصَّةُ الرَّحْمَنِ وَسَفْرَاءُ الْغَيْبِ وَالْقُرْآنِ، فَلَيْسَ لِلْخَلْقِ عَلَى عَظَمَتِهِمْ نِسْبَةٌ، وَلَا بِعَظِيمِ جَلَالِهِمْ مَعْرِفَةٌ، فَمَعْرِفَةُ الْعَامَّةِ لِعَلِيِّ إِنَّهُ فَارِسُ الْفُرْسَانِ، وَقَاتِلُ الشَّجْعَانِ وَ مُبِيدُ الْأَقْرَانِ، وَمَعْرِفَةُ الْخَاصَّةِ لَهُ أَفْضَلُ مِنْ فُلَانٍ وَفُلَانٍ، فَلِذَلِكَ إِذَا سَمِعُوا أَسْرَارَهُ أَنْكَرُوا وَاسْتَكْبَرُوا وَذَهَلُوا وَجَهَلُوا وَهُمْ فِي جَهْلِهِمْ غَيْرُ مَلُومِينَ لِأَنَّهُمْ لَوْ عَرَفُوا أَنَّ مُحَمَّدًا هُوَ الْوَاحِدُ الْمَطْلُوقُ، وَأَنَّ عَلِيًّا هُوَ الْعَلِيُّ الْمَطْلُوقُ، فَلَهُمَا الْوِلَايَةُ عَلَى الْكُلِّ، وَالسَّبْقُ عَلَى الْكُلِّ، وَالتَّصَرُّفُ فِي الْكُلِّ، لِأَنَّهُمَا الْعِلَّةُ فِي وُجُودِ الْكُلِّ...

عالم بزرگواری در شان ایشان می فرمایند: آل محمد(صلی الله علیه و آله) صفات خدای دیان و برگزیدگان خدای منان و خواص خدای رحمان و سخنگویان غیب و قرآن هستند. پس در بین مخلوقات نسبتی با عظمت تر از این نیست و نمی توان عظمت جلال آن ها را شناخت. معرفت عمومی از علی(علیه السلام) این است که او مبارز مبارزان و قاتل شجاعان و نابود کننده بزرگان و معرفت خواص از او اینست، که او از فلانی و فلانی افضل است و به همین خاطر وقتی اسرار او را می شنوند آن را انکار کرده و تکبر ورزیده و مضطرب می شوند و جهل دارند اما آن ها به خاطر جهل شان سرزنش نمی شوند، چرا که اگر بدانند محمد(صلی الله علیه و آله) همان واحد مطلق است و علی(علیه السلام) همان علی مطلق است و آن دو ولایت بر همه چیز داشته و سبقت بر همه چیز دارند و حق تصرف

در همه

چیز دارند، چرا که آن دو علت وجود همه چیز هستند.

معرفت حقیقی عنایتی از جانب خداوند حدیث 90: قَالَ عَسَّكَرٌ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام): يَا عَسَّكَرُ تَشْكُونَ فَنَنْبِئُكُمْ وَ تَضَعُونَ فَنَقْوِيكُمْ وَاللَّهِ لَا وَصَلَ إِلَى حَقِيقَةِ مَعْرِفَتِنَا إِلَّا مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنَا وَ اِزْتَصَاهُ لَنَا وَلِيًّا.

حدیث 90: امام جواد (علیه السلام) خطاب به شخصی به نام عسکر فرمودند: ای عسکر! دچار شک و تردید می شوید ما شما را آگاه می کنیم، سست و ضعیف می شوید و ما شما را تقویت می کنیم. و به خدا قسم! به حقیقت معرفت و شناخت ما نمی رسد مگر کسی که خداوند بر او منت گذارد و او را به عنوان ولی و دوست ما پسند کرده و برگزیند. (1)

حدیث 91: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْفَرَارِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ أَبِي نُؤَيْرَةَ [مَنْصُورِ بْنِ نُؤَيْرَةَ] عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عِيَّاشٍ عَنْ أَبِي قُدَامَةَ الْفَدَّانِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ أَهْلِ بَيْتِي وَ وِلَايَتِهِمْ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ

حدیث 91: و به این مطلب رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) تصریح فرموده: کسی که خداوند بر او منت گذاشته معرفت و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) مرا به او عنایت کند تمام

خوبی ها را برای او جمع نموده. (2)

حدیث 92: إِنَّ لِلَّهِ إِلَهًا إِلَّا اللَّهُ شُرُوطًا وَ إِنِّي [أَنَا] وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ شُرُوطِهَا (3) حدیث 92: و فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) شاهد این مطلب است که فرمود: همانا برای کلمه توحید یعنی لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شرایطی است و من و ذریه ام از آن شرایطیم.

ص: 256

- 1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام لابن شهر آشوب ج 4 ص 388 باب إمامة أبي جعفر محمد بن علي التقي ع فصل في معجزاته ح 2
- 2- . الأُمالي للصدوق ص 474، المجلس الثاني و السبعون ح 9.
- 3- . تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص 115 في فضائلهم ح 2002

حدیث 93: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ رَاهَوِيَةَ قَالَ: لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) نَيْسَابُورَ وَآزَادَ أَنْ يَرْحَلَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ فَقَالُوا لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَرْحَلُ عَنَّا وَلَا تُحَدِّثُنَا بِحَدِيثٍ فَنَسَدَ تَفِيدَهُ مِنْكَ وَقَدْ كَانَ قَعَدَ فِي الْعَمَّارِيَّةِ فَأُطْلِعَ رَأْسَهُ وَقَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي عَلِيٍّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ سَمِعْتُ جَبْرِئِيلَ (عليه السلام) يَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصَّةَ نَبِيِّ فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا.

حدیث 93: امام رضا (عليه السلام) در حدیث سلسله الذهب می فرماید: که خدای متعال فرمودند: کلمه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دژ مستحکم من بوده، هر که در آن وارد شود از عذاب من در امانست و اما شرایطی دارد و من از جمله آن شرایط هستم، یعنی پذیرش و اقرار به ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام). (1)

معرفت امام و مراجعه به او حدیث 94: الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ حَدَّثَنَا غَيْرُ وَاحِدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا

ص: 257

حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالأَئِمَّةَ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ زَمَانِهِ وَيُرَدِّ إِليهِ وَيُسَلِّمَ لَهُ ثُمَّ قَالَ كَيْفَ يَعْرِفُ الآخِرَ وَهُوَ يَجْهَلُ الأَوَّلَ.*

حدیث 94: امام باقر(علیه السلام) فرمود: بنده خدا مؤمن نباشد تا آنکه خدا و رسولش و همه ائمه(علیهم السلام) و امام زمانش را بشناسد و در امورش به امام زمانش رجوع کند و تسلیمش باشد، سپس فرمود: چگونه ممکن است کسی امام آخر را (که امام زمان اوست) بشناسد و امام اول را نشناسد (از این جهت معرفت همه ائمه(علیهم السلام) در ایمان شرط شد که طریق شناختن همه امامان یکی است و امام بعدی

به نص امام سابق شناخته گردد). (1)

حدیث 95: عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَقُولُ إِنَّمَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيَعْبُدُهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَرَفَ إِمَامَهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يَعْرِفُ الإِمَامَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا يَعْرِفُ وَيَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ هَكَذَا وَ اللَّهُ ضَالًّا.

حدیث 95: امام باقر(علیه السلام) می فرمود: تنها کسی خدای عزوجل را شناسد و پرستش کند که هم خدا را بشناسد و هم امام از ما خاندان را و کسی که خدای عزوجل را نشناسد و امام(علیه السلام) از ما خاندان را نشناسد غیر خدا را شناخته و عبادت کرده، این چنین (مانند عامه مردم) که به خدا گمراهند. (2) حدیث 96: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الأَئِمَّةِ بَعْدَ النَّبِيِّ فَقَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِمَاماً ثُمَّ كَانَ الْحَسَنُ إِمَاماً... مَنْ أَنْكَرَ

ص: 258

1- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 180 باب 7 بَابُ مَعْرِفَةِ الإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِليهِ ح 2

2- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 181 باب 7 بَابُ مَعْرِفَةِ الإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِليهِ ح 4

ذَلِكَ كَانَ كَمَنْ أَنْكَرَ مَعْرِفَةَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مَعْرِفَةَ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله)

حدیث 96: امام صادق (علیه السلام): امیرالمومنین (علیه السلام) امام بود سپس حسن (علیه السلام) امام بود... کسی که امامت آنان را انکار کند مانند کسی است که معرفت خدای تعالی و معرفت رسول خدا (صلى الله عليه وآله) را انکار کرده است. (1)

حدیث 97: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) أَحَبُّ بَنِي عَنْ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ مِنْكُمْ وَاجِبَةٌ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ رَسُولًا وَ حُجَّةً لِلَّهِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ فَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ اتَّبَعَهُ وَ صَدَّقَهُ فَإِنَّ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ مِنَّا وَاجِبَةٌ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ لَمْ يَتَّبِعْهُ وَ لَمْ يُصَدِّقْهُ وَ يَعْرِفْ حَقَّهُمَا فَكَيْفَ يَجِبُ عَلَيْهِ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَ هُوَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يَعْرِفُ حَقَّهُمَا قَالَ قُلْتُ فَمَا تَقُولُ فِيمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يُصَدِّقُ رَسُولَهُ فِي جَمِيعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ يَجِبُ عَلَيْهِ أَوْلَيْكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكُمْ قَالَ نَعَمْ أَلَيْسَ هَؤُلَاءِ يَعْرِفُونَ فَلَانًا وَ فَلَانًا قُلْتُ بَلَى قَالَ أَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ هُوَ الَّذِي أَوْقَعَ فِي قُلُوبِهِمْ مَعْرِفَةَ هَؤُلَاءِ وَ اللَّهُ مَا أَوْقَعَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا الشَّيْطَانُ لَا وَ اللَّهُ مَا أَلْهَمَ الْمُؤْمِنِينَ حَقَّنَا إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.*

حدیث 97: زُرَّارَةُ گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: به من بفرومائید که آیا معرفت امام (علیه السلام) از شما خانواده بر تمام خلق واجبست؟ فرمود: خدای عزوجل محمد (صلى الله عليه وآله) را بر تمام مردم به عنوان رسول و حجت خدا بر همه خلقتش در روی زمین مبعوث فرمود، پس هر که بخدا ایمان آورد و به محمدرسول خدا (صلى الله عليه وآله) ایمان آورد و پیرویش کند و تصدیقش نماید معرفت امام (علیه السلام) از ما خانواده بر او واجبست

ص: 259

و کسی که به خدا و رسولش ایمان نیاورد و از او پیروی نکند و تصدیقش ننماید و حق خدا و رسولش را نشناسد، چگونه معرفت امام بر او واجب باشد در صورتی که به خدا و رسولش ایمان نیاورده و حق آنها را نشناخته است؟ (بلکه بر او واجبست اولاً خدا و رسولش را بشناسد و از رسول(صلی الله علیه و آله) پیروی کند آنگاه بایستی در پی کسب معرفت امام(علیه السلام) باشد) عرضه داشتم: پس چه می فرمائید در باره کسی که به خدا و رسولش ایمان آورده و پیغمبر(صلی الله علیه و آله) را نسبت به آنچه خدا بر او نازل کرده باور دارد، بر چنین اشخاص حق معرفت شما لازمست؟ فرمود: آری مگر اینان به فلان و فلان معرفت ندارند؟ عرضه داشتم: چرا امام(علیه السلام) فرمود: مگر عقیده داری که خدا معرفت فلان و فلان را در دل ایشان انداخته است؟ به خدا آن را کسی جز شیطان در دل ایشان نینداخته است، نه به خدا، حق ما را کسی جز خدا به مؤمنین الهام نکند (یعنی ای زرارة این را هم بدان که معرفت ما گوهریست ربانی و توفیقی است الهی که جز به مردم سالم و پاک فطرت نرسد، چنانچه پیروی از پیشوایان ناحق عقیده ایست شیطانی که در اثر خبث باطن نصیب افراد دیگری گردد پس باید با تمسک جستن به ولایت ائمه اطهار(علیهم السلام) و پیروی از ایشان به سعادت ابدی نائل شد). (1)

حدیث 98: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ فَضالةِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعاويةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الْأَئِمَّةِ بَعْدَ النَّبِيِّ فَقَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِمَاماً ثُمَّ كَانَ الْحَسَنُ إِمَاماً ثُمَّ كَانَ الْحُسَيْنُ إِمَاماً ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ إِمَاماً ثُمَّ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ إِمَاماً مَنَّاكَرَ ذَلِكَ كَانَ كَمَنْ أَنْكَرَ مَعْرِفَةَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مَعْرِفَةَ رَسُولِهِ ثُمَّ قَالَ قُلْتُ ثُمَّ أَنْتَ جَعَلْتَ فِي ذَلِكَ فَأَعَدْتُهَا عَلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالَ لِي إِنَّمَا حَدَّثْتُكَ لِتَكُونَ مِنْ شُهَدَاءِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي أَرْضِهِ.

ص: 260

1- . الكافي ج 1 ص 181 كتاب الحججة باب 7 باب مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِ ح 3

حدیث 98: ذریح گوید: از امام صادق (علیه السلام) راجع به امامان بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) پرسیدم، فرمود: امیرالمؤمنین (علیه السلام) امامست و سپس حسن (علیه السلام) امامست و سپس حسین (علیه السلام) امامست و سپس علی بن الحسین (علیه السلام) امامست و سپس محمد بن علی (علیه السلام) امامست، هر که منکر اینان شود، مانند کسی است که معرفت خدای تبارک و تعالی و معرفت رسولش (صلی الله علیه و آله) را منکر شده است. عرضه داشتیم: قربانت گردم و سپس شما امامید؟ این سخن را سه مرتبه تکرار کردم فرمود: من این مطلب را تنها برای این به تو گفتم که از گواهان خدای تبارک و تعالی در زمینش باشی (یعنی تا خودت بدانی و به اهلس

برسانی و از ناهلان پوشیده داری یا برای این که نزد خدا گواه باشی که من تبلیغ کردم و وظیفه خود را انجام دادم). (1)

حدیث 99: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ شَيْبٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ يَا أَبَا حَمْزَةَ يَخْرُجُ أَحَدُكُمْ فَرَأَسَخَ فَيَطْلُبُ لِنَفْسِهِ دَلِيلًا وَأَنْتَ بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَجْهَلُ مِنْكَ بِطُرُقِ الْأَرْضِ فَاطْلُبْ لِنَفْسِكَ دَلِيلًا.

حدیث 99: حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در حدیثی بسیار زیبا فرمودند: ای ابی حمزه! شما جهت پیمایش فرسخی چند از رهگذر زمین، رهنمائی برای خویش بر می گزینید در حالی که تو به گذرگاه های آسمان نادان تری از گذرگاه های زمین پس برای خود رهنمائی بازیاب. (2) حدیث 100: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَقُولُ كُلُّ مَنْ دَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجْهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيْبُهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَهُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَاللَّهُ شَانِيٌّ

لِأَعْمَالِهِ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ شَاةٍ ضَلَّتْ عَنْ

ص: 261

1- . الكافي ج 1 ص 181 كتاب الحجّة باب 7 بَابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَالرَّدِّ إِلَيْهِ ح 5

2- . الكافي ج 1 ص 184 كتاب الحجّة باب 7 بَابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَالرَّدِّ إِلَيْهِ ح 10

رَاعِيهَا وَقَطِيعَهَا فَهَجَمَتْ ذَاهِبَةً وَجَائِيَةً يَوْمَهَا فَلَمَّا جَنَّهَا اللَّيْلُ بَصُرَتْ بِقَطِيعِ غَنَمٍ مَعَ رَاعِيهَا فَحَنَّتْ إِلَيْهَا وَاعْتَرَّتْ بِهَا فَبَاتَتْ مَعَهَا فِي مَرْبُضِهَا فَلَمَّا أَنْ سَاقَ الرَّاعِي قَطِيعَهُ أَنْكَرَتْ رَاعِيَهَا وَقَطِيعَهَا فَهَجَمَتْ مُتَحِيرَةً تَطْلُبُ رَاعِيَهَا وَقَطِيعَهَا فَبَصُرَتْ بِغَنَمٍ مَعَ رَاعِيهَا فَحَنَّتْ إِلَيْهَا وَاعْتَرَّتْ بِهَا فَصَاحَ بِهَا الرَّاعِي الْحَقِي بِرَاعِيكَ وَقَطِيعِكَ فَأَنْتِ تَأْتِيهِ مُتَحِيرَةً عَنْ رَاعِيكَ وَقَطِيعِكَ فَهَجَمَتْ ذِعْرَةً مُتَحِيرَةً تَأْتِيهِ لَا رَاعِي لَهَا يُرْشِدُهَا إِلَى مَرْعَاهَا أَوْ يُرُدُّهَا فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذَا اغْتَنَمَ الذَّنْبُ ضِدَّ يِعْتَنَهَا فَأَكَلَهَا وَكَذَلِكَ وَاللَّهِ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ظَاهِرٌ عَادِلٌ أَصْبَحَ ضَالًّا تَائِهًا وَإِنْ مَاتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ مَاتَ مَيِّتَةً كُفْرٍ وَنِفَاقٍ وَاعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ أَنَّ أَيْمَةَ الْجَوْرِ وَاتَّبَاعَهُمْ لَمَعَزُولُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَأَضَلُّوا فَأَعْمَالُهُمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا كَرَمًا اسْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ.*

حدیث 100: محمد بن مسلم گوید شنیدم که امام باقر (علیه السلام) می فرمود: هر که دینداری خدای عزوجل کند به وسیله عبادتی که خود را در آن به زحمت افکند ولی امام و پیشوایی که خدا معین کرده نداشته باشد، زحمتش ناپذیرفته و خود او گمراه و سرگردانست و خدا اعمال او را مبغوض و دشمن دارد، حکایت او حکایت گوسفندی است که از چوپان و گله خود گم شده و تمام روز سرگردان می رود و بر می گردد، چون شب فرا رسد گله ای با شبان به چشمش آید، بسوی آن گراید و به آن فریفته شود و شب را در خوابگاه آن گله به سربرد، چون چوپان گله را حرکت دهد، گوسفند گمشده گله و چوپان را ناشناس بیند، باز متحیر و سرگردان در جستجوی شبان و گله خود باشد که گوسفندانی را با چوپانش ببیند، به سوی آن رود و به آن

فریفته گردد، شبان او را صدا زند که بیا و به چوپان و گله خود پیوند که تو سرگردانی و از چوپان و گله خود گمگشته ای، پس ترسان و سرگردان و گمراه حرکت کند و چوپانی که او را به چراگاه رهبری کند و یا به جایش برگرداند نباشد، در همین میان گرگ گمشدن او را غنیمت شمارد و او را بخورد، به خدا ای محمد! کسی که از این امت باشد و امامی هویدا و عادل از طرف خدای عز و جل نداشته باشد چنین است، گم گشته و گمراهست و اگر با این حال بمیرد با کفر و نفاق مرده است، بدان ای محمد! که پیشوایان جور و پیروان ایشان از دین خدا برکنارند، خود گمراهند و مردم را گمراه کنند، اعمالی را که انجام می دهند چون خاکستریست که تندبادی در روز طوفانی به آن تازد، از کردارشان چیزی دست گیرشان نشود. اینست گمراهی دور. (آری به خدا سوگند هر که از تحت سرپرستی شما فرار کند گرفتار دین سازان و مذهب تراشان دغل و مخبط می شود پدر و مادرم به فدای شما). (1)

حدیث 101: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ صَغِيرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: أَبِي اللَّهِ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا وَجَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا وَجَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَابًا نَاطِقًا عَرَفَهُ مَنْ عَرَفَهُ وَجَهَلَهُ مَنْ جَهَلَهُ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَنَحْنُ

حدیث 101: امام صادق (علیه السلام): خدا خودداری و امتناع فرموده که کارها را بدون اسباب فراهم آورد پس برای هر چیزی سبب و وسیله ای قرار داد و برای هر سبب شرح و گشایشی مقرر داشت و برای هر شرحی نشانه ای گذاشت و برای هر نشانه دری گویا نهاد، عارف حقیقی کسی است که این در را شناخت و نادان حقیقی کسی است که به این در نادان گشت، این در گویا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و ما. (2)

ص: 263

1- . الكافي ج 1 ص 183 كتاب الحجّة باب 7 بَابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَالرَّدِّ إِلَيْهِ ح 8

2- . الكافي ج 1 ص 183 كتاب الحجّة باب 7 بَابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَالرَّدِّ إِلَيْهِ ح 7

شرح: اگر چه خدا قادر است که امور جهان را بدون علل و اسباب فراهم آورد، چنانچه گاهی عیسی (علیه السلام) را بدون پدر ایجاد می کند و آتش را بدون اسباب معمولی بر ابراهیم (علیه السلام) سرد و سلامت می نماید ولی به طور عموم و کلی اینگونه اراده فرموده که امور جهان را با وسائل و اسبابی مخصوص جریان دهد و فراهم آورد، و ترتیب اسباب در این حدیث شریف چنانست که خدا برای سعادت و نجات مردم سببی قرار داده که آن معرفت و اطاعت خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) است و برای این سبب شرحی قرار داده که آن مقررات و قوانین دینی است و برای این شرح نشانه یا دانشی گذاشته که آن قرآن است و برای قرآن در گویائی مقرر داشته که آن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند پس هر که خواهد به سعادت و نجات رسد باید این طرق را پیماید.

حدیث 102: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جُمهُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ مُقَرِّنٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ جَاءَ ابْنُ الْكَوَّاءِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسَيِّمَاهُمْ فَقَالَ نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسَيِّمَاهُمْ وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِي لَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ يُعْرِفُنَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الصِّرَاطِ فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَعَرَفْنَاهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَنَا وَأَنْكَرْنَاهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَلَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَصِيْرَاطَهُ وَسَبِيلَهُ وَالْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ فَمَنْ عَادَلَ عَنَّا وَلَا يَتَنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ فَلَا سَوَاءَ مَنِ اعْتَصَمَ النَّاسُ بِهِ وَلَا سَوَاءَ

حَيْثُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى عُيُونٍ كَدِرَةٍ يُفْرَعُ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ وَذَهَبَ مَنْ ذَهَبَ إِلَيْنَا إِلَى عُيُونٍ صَافِيَةٍ تَجْرِي بِأَمْرِ رَبِّهَا لَا نَفَادَ لَهَا وَلَا انْقِطَاعَ.

حدیث 102: امام صادق (علیه السلام) می فرمود: ابن کواء نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و گفت «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَتِهِمْ»⁽¹⁾ و هر که را به حکمت و دانش رسانند در باره او مرحمت و عنایت بسیار کرده اند ای امیرمؤمنان بر اعراف مردانی باشند که همه کس را از رخسارشان شناسند یعنی چه؟ فرمود: مائیم بر اعراف که یاران خود را بر رخسارشان می شناسیم و مائیم اعراف که خدای عزوجل جز از طریق معرفت ما شناخته نشود و مائیم اعراف که خدا ما را در روز قیامت بر روی صراط معرفت قرار دهد، پس داخل بهشت نشود مگر کسی که ما او را شناسیم و او ما را شناسد و به دوزخ نرود جز آن که ما او را ناشناس دانیم و او ما را، خدای تبارک و تعالی اگر می خواست خودش را بی واسطه به بندگانش می شناسانید ولی ما را در و جاده و راه و طریق معرفت خود قرار داد، کسانی که از ولایت ما روگردانیده و دیگران را بر ما ترجیح دهند از صراط مستقیم منحرفند (در قیامت از صراط به سر در آیند) برابر نیست و برابر نیست کسانی که مردم به آنها پناه گیرند (که ما اهل بیت پیغمبر باشیم) با کسانی که خود محتاج پناهندگی به دیگران باشند (که پیشوایان عامه باشند) زیرا آن مردم (پیروان پیشوایان) به سوی چشمه های آب تیره اندک که از چشمه ای به چشمه دیگر ریزد رفتند و کسانی که سوی ما آمدند به سوی چشمه های صافی آمدند که آبش به امر پروردگار جاریست و تمام شدن و خشک شدن ندارد.⁽²⁾

توضیح: علوم می را که ابوحنیفه و امثال او دارند تشبیه فرمود به چشمه آبی که تیره و کم است اولاً- علم حقیقی نیست و مخلوط به جهل است و ثانیاً محدود و متناهی است و یک سلسله اصطلاحاتی است که دست بدست می گردد و علوم ربانی خود را تشبیه به چشمه صاف لا یزال فرمود. یعنی آنچه ما داریم اولاً عین و حقیقت

ص: 265

1- . الاعراف آیه 46

2- . الکافی کتاب ج 1 ص 184 الحجة باب 7 بَابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَالرَّدِّ إِلَيْهِ ح 9

علم است و ثانيا رسته اش به افيانوس نامحدود علم خدا متصل است که بریدن و تمام شدن ندارد، هر چه از ما پرسید جواب گوئیم و آنچه گوئیم عين حقيقت و واقعست. حديث 103: الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيُّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَلَا أُخْبِرُكَ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» قَالَ بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَقَالَ الْحَسَنَةُ مَعْرِفَةُ الْوَلَايَةِ وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام) وَ السَّيِّئَةُ إِنْكَارُ الْوَلَايَةِ وَ بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام) ثُمَّ قَرَأَ عَلَيْهِ هَذِهِ الْآيَةَ.

حديث 103: امام باقر(عليه السلام) فرمود: ابو عبدالله جدلی بر امیرالمؤمنین(عليه السلام) وارد شد حضرت فرمودند: ای ابو عبدالله نمی خواهی ترا خبر دهم از قول خدای عزوجل «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ. وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»(1) هرکه کار نیکی آورد بهتر از آن را پاداش گیرد و از هراس روز قیامت ایمن باشند و هرکه کار بدی آورد برو در دوزخ افتد، مگر ممکن است جز آنچه کرده اید جزا بینید عرضکرد: چرا ای امیرمؤمنان قربانت کردم، فرمود: کار نیک شناختن ولایت و دوستی ما اهل بیت(عليهم السلام) است و کار بد، انکار ولایت و دشمنی ما اهل بیت(عليهم السلام) بوده و باز هم آن آیه را تلاوت فرمود.(2)

حديث 104: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» فَقَالَ طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ*.

ص: 266

1- . النمل 89 و 90

2- . الكافي ج 1 ص 185 كتاب الحججة باب 7 باب مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِ ح 14

حدیث 104: امام صادق (علیه السلام) راجع به آیه «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (1) و هر که را به حکمت و دانش رسانند در باره او مرحمت و عنایت بسیار کرده فرمود: مراد از حکمت اطاعت خدا و معرفت امام است. (2)

حدیث 105: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ قَالٍ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ»

فَقَالَ مَيِّتٌ لَا يَعْرِفُ شَيْئًا وَ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ إِمَامًا يُؤْتَمُّ بِهِ «كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» قَالَ الَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ.*

حدیث 105: از امام باقر (علیه السلام) در باره آیه «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (3) آیا کسی که مرده بود و ما او را زنده کردیم و به او نوری دادیم که میان مردم راه رود سوال شد ایشان فرمود: مرده کسی است که به چیزی معرفت نداشته باشد «تُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» و نوری که با آن میان مردم راه رود، امامی است که از او پیروی می کند، و این که فرماید «كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» مانند کسی است که در ظلمات باشد و نتواند از آن به در رود کسی است که امام را نشناسد. (4)

حدیث 106: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: إِنَّكُمْ لَا تَكُونُونَ صَالِحِينَ حَتَّى تَعْرِفُوا وَ لَا تَعْرِفُوا حَتَّى تُصَدِّقُوا وَ لَا تُصَدِّقُوا حَتَّى تُسَلِّمُوا أَبْوَابَ أَرْبَعَةٍ لَا يَصْلُحُ أَوْلَاهَا إِلَّا بِأَخْرِهَا ضَلَّ أَصْحَابُ الثَّلَاثَةِ وَ تَاهُوا بَيْتَهَا بَعِيدًا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا الْوَفَاءَ بِالشُّرُوطِ وَ الْعُهُودِ فَمَنْ وَفَى لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِشَرْطِهِ وَ اسْتَعْمَلَ مَا وَصَفَ فِي

ص: 267

1- البقرة آية 269

2- الكافي كتاب الحجّة باب 7 بابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِ ح 11

3- الانعام آية 122

4- . سورة مبارکه انعام 122، الكافي ج 1 ص 185 كتاب الحجّة باب 7 بابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَ الرَّدِّ إِلَيْهِ ح 13

عَهْدِهِ نَالَ مَا عِنْدَهُ وَاسْتَتَمَّلَ مَا وَعَدَهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخْبَرَ الْعِبَادَ بِطُرُقِ الْهُدَى وَشَرَعَ لَهُمْ فِيهَا الْمَنَارَ وَأَخْبَرَهُمْ كَيْفَ يَسْلُكُونَ فَقَالَ «وَإِنِّي لَعَفَاؤُ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» وَقَالَ «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَمِّينَ» فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ فِيمَا أَمَرَهُ لَقِيَ اللَّهَ مُؤْمِنًا بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ فَاتَ قَوْمٌ وَمَاتُوا قَبْلَ أَنْ يَهْتَدُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ آمَنُوا وَأَشْرَكُوا مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّهُ مَنْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا اهْتَدَى وَمَنْ أَخَذَ فِي غَيْرِهَا سَلَكَ طَرِيقَ الرَّدَى وَصَلَ اللَّهُ طَاعَةَ وَلِيِّ أَمْرِهِ بِطَاعَةِ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) وَطَاعَةَ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) بِطَاعَتِهِ فَمَنْ تَرَكَ طَاعَةَ وَلَاةِ الْأَمْرِ لَمْ يُطِعِ اللَّهَ وَلَا رَسُولَهُ (صلى الله عليه وآله) وَهُوَ الْإِقْرَارُ بِمَا نُزِّلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَخِذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» وَاتَّمَسُّوا الْبُيُوتَ الَّتِي «أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» فَإِنَّهُ أَخْبَرَكُمْ أَنَّهُمْ «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» إِنَّ اللَّهَ قَدِ اسْتَخْلَصَ الرُّسُلَ لِأَمْرِهِ ثُمَّ اسْتَخْلَصَهُمْ مُصَدِّقِينَ بِذَلِكَ فِي نُذْرِهِ فَقَالَ «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» تَاهَ مَنْ جَهَلَ وَاهْتَدَى مَنْ أَبْصَرَ وَعَقَلَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» وَكَيْفَ يَهْتَدِي مَنْ لَمْ يُبْصِرْ وَكَيْفَ يُبْصِرُ مَنْ لَمْ يَتَدَبَّرْ اتَّبَعُوا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَأَقْرَبُوا بِمَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاتَّبَعُوا آثَارَ الْهُدَى فَإِنَّهُمْ عَلَامَاتُ الْأَمَانَةِ وَالتَّقَى وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَوْ أَنْكَرَ رَجُلٌ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ (عليه السلام) وَأَقْرَبَ بَيْنَ سِوَاهُ مِنَ الرُّسُلِ لَمْ يُؤْمِنِ افْتَضُّوا الطَّرِيقَ بِالتَّمَّاسِ الْمَنَارِ وَالتَّمَسُّوا مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ الْإِنَارِ تَسْتَكْمِلُوا أَمْرَ دِينِكُمْ وَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ.

حدیث 106: امام صادق (علیه السلام) فرمود: شما صالح نباشید جز این که معرفت پیدا کنید و معرفت نیابید جز این که تصدیق کنید و تصدیق نکنید جز این که تسلیم باشید. هر چهار در (تسلیم و تصدیق و معرفت و صلاح) را بکوبید که نخستین آنها جز به همراهی آخرشان شایسته نگردد، کسانی که همراه سه در باشند گمراه گشته و در بیراهی دوری افتاده اند. خدای تبارک و تعالی جز عمل صالح نپذیرد و جز وفاء به شروط و پیمان ها را نپذیرد، کسی که شرطش را با خدای عز و جل وفا کند و آن چه خدا در پیمانش بیان کرده به کار بندد به آنچه نزد خداست برسد و وعده خدا را کاملاً در یابد، خدای تبارک و تعالی بندگان را به راه های هدایت خیر داده و برای ایشان در آن راه ها چراغهای بلند قرار داده و به آن ها خبر داده است که چگونه راه پیمایند و فرموده است «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (1) و من آمرزگار آن کسانی که توبه کرده و عمل صالح داشته و سپس راه هدایت پیماید. و فرموده است «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (2) خداوند تنها از پرهیزکاران می پذیرد پس کسی که از خدا نسبت به او امرش باک داشته باشد خدا را ملاقات کند در حالی که مؤمن باشد به آنچه محمد (صلی الله علیه و آله) آورده است، افسوس، افسوس، که مردمی گذشتند و پیش از آن که هدایت یابند بمردند و گمان بردند که مؤمن هستند ولی از آنجا که نمی دانستند مشرک بودند، هر که از در به خانه در آید ره یافته و آن که راهی غیر از در پیش گیرد راه هلاکت پیموده. خدا اطاعت ولی امرش را به طاعت رسولش پیوسته و طاعت رسولش را به طاعت خودش، پس هر که از والیان امر اطاعت نکند خدا و رسولش را اطاعت نکرده و همانست اقرار به آنچه از طرف خدای عز و جل نازل گشته که فرموده است «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (3) در هر مسجدی پوشاک زیور بتن کنید و خواهش نمائید «أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (4) و بجوئید خانه هائی را که خدا اجازه داده رفعت گیرند و نامش در آن ها برده شود، زیرا

ص: 269

1- [1] طه آیه 82

2- [2] المائدة آیه 27

3- [3] الاعراف آیه 31

4- [4] النور آیه 36

خدا به شما خبر داده که آنها «رجالاً لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب والأبصار» (1) مردانی باشند که هیچ تجارت و داد و ستدی ایشان را از یاد خدا و گزاردن نماز و دادن زکاة باز ندارد و از روزی که دل ها و دیده ها در آن دگرگون شود بیم دارند همانا خدا فرستادگانش را برای امرش برگزید و سپس ایشان را باور دارندگان به بیم های خویش انتخاب کرده و فرموده «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (2) هیچ امتی نیست مگر اینکه در میانشان بیم رسانی بوده است گمراه شد آن که ندانست و ره یافت آن که بینا و عاقل گشت. خدای عز و جل فرماید «فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (3) دیدگان کور نیست بلکه دل هائی که در سینه هاست کور است چگونه ره یابد کسی که بینا نیست و چگونه بینا شود کسی که تفکر نکند. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیتش پیروی کنید و به آنچه از نزد خدا نازل گشته اعتراف نمایید و در پی نشانه های هدایت روید، زیرا که ایشان علامات امانت و تقوایند و بدانید که اگر کسی عیسی بن مریم (علیه السلام) را انکار کند و به پیغمبران دیگر اعتراف نماید، ایمان ندارد. روشنی گاه را بجوئید و راه پیمائید و آثار پشت پرده (امام پنهان و یا اخبار و احادیث و یا عنایات مخصوص خدا) را بخواهید تا امر دینتان کامل شود و به خدای پروردگارتان مؤمن شوید. (4)

حدیث 107: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) هَلْ عَرَفْتَ إِمَامَكَ قَالَ قُلْتُ إِي وَ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ أُخْرَجَ مِنَ الْكُوفَةِ فَقَالَ حَسْبُكَ إِذَا. حدیث 107: ابو بصیر گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: آیا امامت را شناخته ای؟ عرضه داشتم: آری به خدا پیش از آنکه از کوفه بیرون روم فرمود: بنا بر این تو را بس است. (5)

ص: 270

-
- 1- [5] النور آية 37
 - 2- [1] فاطر آية 24
 - 3- [2] الحج آية 46
 - 4- [3] الكافي ج 1 ص 181 بَابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَالرَّدِّ إِلَيْهِ ح 6
 - 5- [1] الكافي ج 1 ص 185 بَابُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَالرَّدِّ إِلَيْهِ ح 12

حدیث 108: (الإمام) مَلِكِي الذَّاتِ إِلَهِي الصِّفَاتِ... (وَأَنْتَهُمْ) صِفَاتُ اللَّهِ وَصَفْوَتُهُ

حدیث 108: امیرالمومنین (علیه السلام): ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است... و ائمه مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می باشند (1)

حدیث 109: حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَقُمُ فِي رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ وَثَلَاثِينَ وَثَلَاثِينَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لِعَلِيِّ (عليه السلام): يَا عَلِيُّ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ وَأَنْتَ بَابُ اللَّهِ وَأَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ وَأَنْتَ النَّبِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَأَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى...*

حدیث 109: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به علی (عليه السلام) فرمود: یا علی توئی باب الله و توئی راه بسوی خدا و توئی نباء عظیم و توئی صراط مستقیم و توئی مثل الاعلی (و نمونه صفات خداوند هستی)... (2)

معرفت ایشان عامل نجات حدیث 110: يَرْفَعُهُ الشَّيْخُ الْمُفِيدُ رَحِمَهُ اللَّهُ إِلَى سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَالْأَوْصِيَاءُ مِنْ وَدَكَ أَعْرَافُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ عَرَفَكُمْ وَعَرَفْتُمُوهُ وَلَا

ص: 271

1- . مشارق ص 179 فصل حقيقة الإمام و الإمامة

2- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 6 باب 30 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المنشورة ح 13

حديث 110: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به اميرالمومنين (عليه السلام) فرمود: اى على! تو و جانشينان تو ملاك وارد شدن جهنم و بهشت مي باشيد وارد بهشت نخواهد شد، مگر كسى كه معرفت در حق شما داشته باشد و داخل جهنم نمي شوند مگر منكرين شما اين خبر طولانى است. (1)

منكران فضائل ايشان (معرفت)

حديث 111: قال اميرالمومنين (عليه السلام):... لَأَنَّا آيَاتُ اللَّهِ وَ دَلَائِلُهُ وَ حُجَجُ اللَّهِ وَ خُلَفَاؤُهُ وَ أَمَنَّاؤُهُ وَ أَمَّتُهُ وَ وَجَّهُ اللَّهُ وَ عَيْنُ اللَّهِ وَ لِسَانُ اللَّهِ بِنَا يُعَدُّبُ اللَّهُ عِبَادَهُ وَ بِنَا يُثِيبُ وَ مِنْ بَيْنِ خَلْقِهِ طَهَّرَنَا وَ اخْتَارَنَا وَ اصَّ طَفَانًا وَ لَوْ قَالَ قَائِلٌ لِمَ وَ كَيْفَ وَ فِيمَ لَكَفَرُ وَ أَشْرَكَ لَأَنَّهُ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْأَلُونَ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَا لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ قَالَ مَنْ آمَنَ بِمَا قُلْتُ وَ صَدَّقَ بِمَا بَيَّنْتُ وَ فَسَّرْتُ وَ شَرَحْتُ وَ أَوْصَحْتُ وَ نَوَّزْتُ وَ بَرَهَنْتُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ مُمْتَحِنٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ هُوَ عَارِفٌ مُسْتَبْصِرٌ قَدْ انْتَهَى وَ بَلَغَ وَ كَمَلَ وَ مَنْ شَكَ وَ عَنَّ وَ جَحَدَ وَ وَقَفَ وَ تَحَيَّرَ وَ ارْتَابَ فَهُوَ مُقَصَّرٌ وَ نَاصِبٌ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَا لَبَّيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ قَالَ أَتَا أَحِبِّي وَ أُمَيْتُ بِإِذْنِ رَبِّي وَ أَتَا أَنْبِيَاءَكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ بِإِذْنِ رَبِّي وَ أَنَا عَالِمٌ بِضَمَائِرِ قُلُوبِكُمْ وَ الْأَيْمَّةُ مِنْ أَوْلَادِي يَعْلَمُونَ وَ

ص: 272

يَفْعَلُونَ هَذَا إِذَا أَحَبُّوا وَأَزَادُوا لِأَنَّا كُنَّا وَاحِدٌ أَوْلْنَا مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) وَآخِرُنَا مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) وَ أَوْسَطَنَا مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) وَ كُنَّا مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) فَلَا تَفَرَّقُوا بَيْنَنَا وَ نَحْنُ إِذَا شِئْنَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِذَا كَرِهْنَا كَرِهَ اللَّهُ الْوَيْلُ لِمَنْ أَنْكَرَ فَضْلَنَا وَ خُصُوصِيَّتَنَا وَ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ رَبُّنَا لِأَنَّ مَنْ أَنْكَرَ شَيْئًا مِمَّا أَعْطَانَا اللَّهُ فَقَدْ أَنْكَرَ قُدْرَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَشِيئَتَهُ فِينَا يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ قَالَا لَيْتَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ قَالَ لَقَدْ أَعْطَانَا اللَّهُ رَبُّنَا مَا هُوَ أَجَلُّ وَ أَعْظَمُ وَ أَعْلَى وَ أَكْبَرُ مِنْ هَذَا كُلِّهِ قُلْنَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا الَّذِي أَعْطَاكُمْ مَا هُوَ أَعْظَمُ وَ أَجَلُّ مِنْ هَذَا كُلِّهِ قَالَ قَدْ أَعْطَانَا رَبُّنَا عَزَّ وَ جَلَّ عَلِمْنَا لِإِسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي لَوْ شِئْنَا خَرَقَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ وَ نَعْرُجُ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ نَهْبِطُ بِهِ الْأَرْضَ وَ نَعْرُبُ وَ نَشْرُقُ وَ نَنْتَهِي بِهِ إِلَى الْعَرْشِ فَتَجْلِسُ عَلَيْهِ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُطِيعُنَا كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النَّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ وَ الْبِحَارُ وَ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ أَعْطَانَا اللَّهُ ذَلِكَ كُلَّهُ بِالِاسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي عَلَّمَنَا وَ حَصَّنَا بِهِ وَ مَعَ هَذَا كُلِّهِ نَأْكُلُ وَ نَشْرَبُ وَ نَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَ نَعْمَلُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ بِأَمْرِ رَبِّنَا وَ نَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ الْمُكْرَمُونَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَ جَعَلْنَا مَعْصُومِينَ مَطْهَرِينَ وَ فَضَّلْنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ فَنَحْنُ نَقُولُ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» وَ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ أَعْنِي الْجَاهِلِينَ بِكُلِّ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ مِنَ الْفَضْلِ وَ الْإِحْسَانِ يَا سَلْمَانَ يَا جُنْدَبُ فَهَذَا مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ فَتَمَسَّكَ بِهَا رَاشِدًا فَإِنَّهُ لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ مِنْ شِيعَتِنَا حَدَّ الْإِسْتِبْصَارِ حَتَّى يَعْرِفَنِي

بِالنُّورَانِيَّةِ فَإِذَا عَرَفَنِي بِهَا كَانَ مُسْتَبْصِرًا بِالْغَا كَامِلًا قَدْ حَاضَ بَحْرًا مِنَ الْعِلْمِ وَازْتَقَى دَرَجَةً مِنَ الْفَضْلِ وَاطَّلَعَ عَلَى سِرِّ مِنَ اللَّهِ وَ مَكْنُونِ خَزَائِنِهِ.

حدیث 111: امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به سلمان و ابوذر فرمودند: ... ما آیات و دلایل خدائیم و حجّت و خلیفه و امین و امام، وجه الله، عین الله و لسان الله هستیم. به وسیله ما بندگان خدا عذاب می شوند و به وسیله ما پاداش داده می شوند. ما را از میان بندگان خود پاک نموده و انتخاب کرده و برگزیده اگر کسی بگوید به چه جهت و چگونه هستید و در کجایند که چنین شده اند؟ کافر و مشرک می شود. زیرا از آن چه بیان کردم و تفسیر نمودم و شرح دادم و روشن کردم و استدلال نمودم نیاید. او مؤمنی است که آزمایش شده قلبش برای ایمان و سینه اش وسعت یافته برای اسلام او عارف روشن بین است که به هدف رسیده و کامل شده و هر که شک نماید و دشمنی ورزد و منکر شود و متحیر باشد و تردید نماید او مقصر و ناصبی است.

سلمان و یا اباذر! من زنده می کنم و می میرانم به اجازه خدا من به شما خبر می دهم چه می خورید و چه ذخیره در خانه های خود کرده اید. به اذن خدا از دل های شما مطلع و ائمه (علیهم السلام) از اولاد نیز همین کارها را کرده و این ها را می دانند. هر وقت بخواهند و اراده کنند چون ما همه یکی هستیم. اول ما محمد (صلی الله علیه و آله) آخر ما محمد و وسط ما محمد است همه ما محمدیم. بین ما جدائی نیاندازید ما وقتی بخواهیم خدا می خواهد وقتی نخواهیم خدا نمی خواهد. وای! پس وای! بر کسی که منکر فضل و امتیازات و الطافی که خدا به ما عنایت کرده باشد. زیرا هر که منکر یکی از چیزهایی باشد که خدا به ما عنایت کرده منکر قدرت خدا و مشیت اوست درباره ما.

سلمان و اباذر! خدا به ما چیزهایی داده که بزرگ تر و عظیم تر و عالی تر از همه این ها است. پرسیدیم؟ چه چیز به شما داده که بهتر از همه این ها است فرمود: ما را مطلع از اسم اعظم نموده که اگر بخواهیم آسمان ها و زمین و بهشت و

جهنم را از جای برکنده به آسمان برده و بر زمین زینم و به مغرب و مشرق رفته و منتهی به عرش شده و در آن جا می نشینیم و همه چیز مطیع ما هستند، حتی آسمان ها و زمین و شمس و قمر و ستارگان و کوه ها و درخت ها و جنبندگان و دریاها و بهشت و جهنم این مقام را خداوند به واسطه اسم اعظم که عنایت نموده بخشیده، با تمام این امتیازات ما غذا می خوریم و در بازارها راه می رویم و این کارها را به امر خدا انجام می دهیم. ما بندگان گرامی خدا هستیم. که اظهار نظر در مقابل او نداریم و به دستورش عمل می کنیم. ما را معصوم و پاک قرار داده و برتری بخشیده بر بسیاری از بندگان مؤمنش ما می گوئیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» (1)

خدا را ستایش که ما را به این مقام هدایت نموده، اگر او راهنمای ما نبود راه به این مقام نمی یافتیم. و ثابت است عذاب بر کافران که منظور منکران الطاف خدا به ما هستند. سلمان و یا اباذر! این است معرفت من به نورانیت. وقتی مرا با این مقام کسی شناخت روشن بین، به هدف رسیده و کامل است او در دریای علم فرو رفته و به مقام فضل رسیده و مطلع بر سری از اسرار و گنجینه علوم خدا شده. (2)

راهی برای کسب معرفت بیشتر

حدیث 112: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فُلَّانٍ الْوَاقِفِيِّ قَالَ: كَانَ لِي ابْنٌ عَمٌّ يُقَالُ لَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ كَانَ زَاهِدًا وَكَانَ مِنْ أَعْبَادِ أَهْلِ زَمَانِهِ وَكَانَ يَتَّقِيهِ السُّلْطَانُ لِجِدِّهِ فِي الدِّينِ وَاجْتِهَادِهِ وَرُبَّمَا اسْتَقْبَلَ السُّلْطَانُ بِكَلَامٍ صَعْبٍ يَعْظُهُ وَيَأْمُرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَكَانَ

ص: 275

1- . الاعراف آية 43

2- . بحار الأنوار ج 26 باب 14 نادر في معرفتهم صلوات الله عليهم بالنورانية وفيه ذكر جمل من فضائلهم ح 1.

السُّلْطَانُ يَحْتَمِلُهُ لِصَلَاحِهِ وَ لَمْ تَزَلْ هَذِهِ حَالَتُهُ حَتَّى كَانَ يَوْمٌ مِنَ الْأَيَّامِ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى وَ هُوَ فِي الْمَسْجِدِ فَرَأَهُ فَأَوْمَأَ إِلَيْهِ فَأَتَاهُ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا عَلِيٍّ مَا أَحَبَّ إِلَيَّ مَا أَنْتَ فِيهِ وَ أَسَدَ رَنِيِّ إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَتْ لَكَ مَعْرِفَةٌ فَأَطْلُبِ الْمَعْرِفَةَ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْمَعْرِفَةُ قَالَ أَذْهَبُ فَتَمَقَّمَهُ وَ أَطْلُبِ الْحَدِيثَ قَالَ عَمَّنْ قَالَ عَنْ فُقَهَاءِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ ثُمَّ اعْرَضَ عَلَيَّ الْحَدِيثَ قَالَ فَذَهَبَ فَكَتَبَ ثُمَّ جَاءَهُ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِ فَأَسَدَ تَمَطُّهُ كُلَّهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْهَبُ فَأَعْرِفِ الْمَعْرِفَةَ وَ كَانَ الرَّجُلُ مَعْنِيًّا بِدِينِهِ فَلَمْ يَزَلْ يَتَرَصَّدُ أَبَا الْحَسَنِ حَتَّى خَرَجَ إِلَى ضَيْعَةٍ لَهُ فَلَقِيَهُ فِي الطَّرِيقِ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَحْتَجُّ عَلَيْكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَدَلَّنِي عَلَى الْمَعْرِفَةِ قَالَ فَأَخْبَرَهُ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا كَانَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَخْبَرَهُ بِأَمْرِ الرَّجُلَيْنِ فَقَبِلَ مِنْهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ فَمَنْ كَانَ بَعْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى نَفْسِهِ ثُمَّ سَكَتَ قَالَ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَنْ هُوَ الْيَوْمَ قَالَ إِنْ أَخْبَرْتُكَ تَقْبَلُ قَالَ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ أَنَا هُوَ قَالَ فَشَدَّيْءٌ أَسَدٌ بَدَلُ بِهِ قَالَ أَذْهَبُ إِلَى تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى أُمَّ غَيْلَانَ فَقُلْ لَهَا يَقُولُ لَكَ مُوسَى بُنْجَعْفَرٍ أَقْبَلِي قَالَ فَأَتَيْتُهَا فَرَأَيْتُهَا وَ اللَّهُ تَخَذُ الْأَرْضَ خَدًّا حَتَّى وَقَفَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ أَشَارَ إِلَيْهَا فَرَجَعَتْ قَالَ فَأَقَرَّ بِهِ ثُمَّ لَزِمَ الصَّمْتَ وَ الْعِبَادَةَ فَكَانَ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ يَتَكَلَّمُ بَعْدَ ذَلِكَ.

حدیث 112: محمد بن فلان واقفی گوید: من پسر عموی داشتم که نامش حسن بن عبد الله بود، مردی بود زاهد و عابدترین مردم زمان خود. و به واسطه جدی بودن و کوشش او در امر دین سلطان از او پروا می کرد و بسا در پیش روی سلطان سخنان درشت به عنوان موعظه می گفت و او را امر به معروف و نهی از منکر می نمود سلطان هم به واسطه شایستگی و نیکوکاریش از او تحمل می کرد، حال او

پیوسته چنین بود تا آنکه روزی در مسجد حضرت ابو الحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) بر او وارد شد. چون او را دید، اشاره کرد، او هم نزد حضرت آمد، امام (علیه السلام) به او فرمود: ای ابا علی! من روش تو را بسیار دوست دارم اما تو از معرفت بی بهره ای، برو و معرفت بجو، عرضه داشت: قربانت، معرفت چیست؟ حضرت فرمود: برو بفهم و کسب حدیث کن. عرضه داشت: از که کسب کنم؟ فرمود: از فقهاء اهل مدینه، سپس آن احادیث را بر من عرضه کن. او رفت و احادیثی را نوشته خدمت حضرت باز آمد و برایش قرائت کرد، امام (علیه السلام) همه را باطل دانست، و به او فرمود، برو معرفت یاد بگیر، آن مرد به دین خود عنایت داشت و پیوسته در انتظار استفاده از حضرت ابو الحسن (علیه السلام) بود تا زمانی که آن حضرت به کشتزار خود می رفت، در بین راه به حضرت برخورد کرد و عرضه داشت: قربانت، من در برابر خدا با شما احتجاج و خصومت می کنم، مرا به معرفت راهنمایی کن، حضرت گزارش حال امیر المومنین (علیه السلام) و آنچه بعد از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) واقع شد و نیز گزارش امر آن دو مرد (ابو بکر و عمر) را بیان فرمود، او هم پذیرفت، سپس به حضرت عرضه داشت: بعد از امیر المومنین (علیه السلام) امام بر حق که بود، فرمود: حسن (علیه السلام) سپس حسین (علیه السلام) تا به خودش رسید و دم فرو بست. گوید: به آن حضرت عرضه داشت: قربانت، امروز امام بر حق کیست، حضرت فرمود: اگر به تو بگویم می پذیری؟ عرضه داشت: گفت: آری قربانت گردم، فرمود: منم آن امام بر حق، گفت: دلیلی برای من بیاورید، فرمود: برو نزد این درخت (با دست خود اشاره به درخت خار مغیلانی کرد) و به او بگو: موسی بن جعفر (علیه السلام) به تو می گوید: نزد من بیا، گوید: من نزد آن درخت رفتم و به چشم خود دیدم زمین را می شکافد به وضعی خاص و آمد تا برابر آن حضرت ایستاد و سپس به او اشارتی کرد، و برگشت، گوید: اعتراف به امامت آن حضرت کرد و خموشی گزید و به عبادت پرداخت، و دیگر کسی ندید که سخنی گوید. (1)

ص: 277

1- . الكافي كِتَابُ الْحُجَّةِ ج 1 ص 352 باب ما يفصل به بين دعوى المحق والمبطل في أمر الإمامة ح 8.

حدیث 113: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الطَّيِّبِ عَنْ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ سَمِعْتُ يَحْيَى بْنَ أَكْثَمَ قَاضِي سَامِرَاءَ بَعْدَ مَا جَهَدْتُ بِهِ وَ نَاطَرْتُهُ وَ حَاوَرْتُهُ وَ وَاصَ لِنْتُهُ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ عُلُومِ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ: بَيِّنَا أَنَا ذَاتَ يَوْمٍ دَخَلْتُ أَطُوفَ بَقَرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَرَأَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرِّضَا (عليه السلام) يَطُوفُ بِهِ فَنَاطَرْتُهُ فِي مَسَائِلَ عِنْدِي فَأَخْرَجَهَا إِلَيَّ فَقُلْتُ لَهُ وَاللَّهِ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ مَسْأَلَةً

وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَسْتَحْيِي مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ لِي أَنَا أَخْبِرُكَ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلَنِي تَسْأَلَنِي عَنْ

الإمام فقلتُ هوَ وَاللَّهِ هَذَا فَقَالَ أَنَا هُوَ فَقُلْتُ عَلَامَةً فَكَانَ فِي يَدِهِ عَصًا فَنَطَقْتُ

وَ قَالَتْ إِنَّ مَوْلَايَ إِمَامَ هَذَا الزَّمَانِ وَ هُوَ الْحُجَّةُ.

حدیث 113: محمد بن ابی العلاء گوید: من پس از آنکه با یحیی بن اکثم قاضی سامراء بحث و گفتگو کردم و با او پیوستم، از وی در باره علوم آل محمد (صلى الله عليه وآله) پرسش کردم، به گوش خود شنیدم که می گفت: در این میان که روزی وارد شدم و گرد قبر رسول خدا (صلى الله عليه وآله) می گشتم، دیدم محمد بن علی الرضا (عليه السلام) در آن جا می گردد، با او در مسائلی که می دانستم مناظره کردم و به من جواب کافی داد، به او گفتم: به خدا من می خواهم از شما مسأله ای بپرسم و به خدا راستی که از شما در باره آن شرم دارم، به من فرمود: من پیش از آن که تو پیرسی جوابت می دهم، می خواهی از امام پیرسی. گفتم: به خدا مسأله من همین است، فرمود: منم آن امام، گفتم: نشانی چیست؟ در دست او عصائی بود، به زبان آمد و گفت: به راستی مولا و آقای من امام این زمان است و او است حجت.

(1)

ص: 278

حدیث 114: ابْنُ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: كُنْتُ وَاقِفًا وَحَجَّجْتُ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ فَلَمَّا صِرْتُ بِمَكَّةَ خَلَجَ فِي صَدْرِي شَيْءٌ فَتَعَلَّقْتُ بِالْمُلْتَزَمِ ثُمَّ قُلْتُ اللَّهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ طَلِبَتِي وَإِرَادَتِي فَأَرْشِدْنِي إِلَى خَيْرِ الْأَدْيَانِ فَوَقَعَ فِي نَفْسِي أَنْ آتِي الرِّضَا فَأَتَيْتُ الْمَدِينَةَ فَوَقَفْتُ بِبَابِهِ وَقُلْتُ لِلْغُلَامِ قُلْ لِمَوْلَاكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ بِالْبَابِ قَالَ فَسَمِعْتُ زِدَاءَهُ وَهُوَ يَقُولُ ادْخُلْ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ ادْخُلْ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ فَدَخَلْتُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ قَالَ لِي قَدْ أَجَابَ اللَّهُ دُعَاءَكَ وَهَذَاكَ لِدِينِهِ فَقُلْتُ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَآمِينُهُ عَلَى خَلْقِهِ.*

حدیث 114: عبدالله بن مغیره گوید: من واقفی مذهب بودم که به حج رفتم، چون به مکه رسیدم، شکی در دلم (راجع به مذهبم) خلجان کرد، خودم را بملتزم (دیوار مقابل در خانه کعبه که مستحب است سینه و شکم را به آن جا چسبانیده و دعا کنند) چسبانیدم و گفتم: بار خدایا تو خواست و اراده مرا می دانی، مرا به بهترین دین ها هدایت کن، پس در دلم افتاد که خدمت حضرت رضا(علیه السلام) بروم. به مدینه آمدم و در خانه حضرت ایستادم و به غلامش گفتم: به آقایت بگو، مردی از اهل عراق بر در خانه است، آنگاه صدای حضرت را شنیدم که می فرمود: بفرما ای عبد الله بن مغیره! بفرما ای عبد الله بن مغیره، حضرت چون مرا دید فرمودند: خدادعایت را اجابت کرد و به دین خودش هدایت فرمود: من عرضه داشتم: گواهی دهم که توئی

حجت خدا و امین او بر خلقش. (1)

حدیث 115: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ بُرَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «أَوْ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» فَقَالَ مَيْتٌ لَا يَعْرِفُ شَيْئًا وَ«نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ»

ص: 279

إِمَاماً يُؤْتَمُّ بِهِ «كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» قَالَ الَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ. **

حدیث 115: درباره قول خدا تبارک تعالی «أَوْ مَنْ كَانَ مِثْلًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (1) آیا کسی که مرده بود و ما او را زنده کردیم و به او نوری دادیم که میان مردم راه رود، فرمود: مرده کسی است که به چیزی معرفت نداشته باشد و «نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» نوری که با آن میان مردم راه رود، امامی است که از او پیروی می کند، «كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» و اینکه فرماید: مانند کسی است که در ظلمات باشد و نتواند از آن بدر رود کسی است که امام را نشناسد. (2)

حدیث 116: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ حُسَيْنِ الصِّقَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَلَا مَعْرِفَةً إِلَّا

بِعَمَلٍ فَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ وَ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ إِلَّا إِنَّ الْإِيمَانَ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ.

حدیث 116: امام صادق (علیه السلام) می فرمود: خدا عملی را جز با معرفت نپذیرد و معرفتی نباشد مگر با عمل پس کسی که معرفت دارد، همان معرفت او را برعمل دلالت کند، و کسی که عمل نکند معرفت ندارد همانا برخی از ایمان از برخ دیگرش بوجود آید. (3)

اینان مهاجران بسوی خدایند

حدیث 117: تفسیر العیاشی عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ دُعِيَ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ فَعَرَفَهُ وَ هُوَ فِي أَرْضٍ مُنْقَطَعَةٍ إِذْ جَاءَ مَوْتُ

ص: 280

1- . الانعام 122

2- . الكافي ج 1 ص 185 باب معرفة الإمام و الرد إليه ح 13

3- . الكافي ج 1 ص 44 باب من عمل بغير علم ح 2

الإمام فَبَيْنَا هُوَ يَنْتَظِرُ إِذْ جَاءَهُ الْمَوْتُ فَقَالَ هُوَ وَاللَّهِ بِمَنْزِلَةٍ مَنْ هَاجَرَ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَمَاتَ «فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (1)

حدیث 117: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتند چه می فرمائید: در باره شخصی که دعوت شد به مذهب ما و تشخیص داد و پذیرفت ولی در سرزمینی بود دور خبر درگذشت امام (علیه السلام) خود را شنید در همان زمان که انتظار تشخیص امام (علیه السلام) را داشت از دنیا رفت. فرمود: به خدا قسم! او به منزله کسی است که مهاجرت به سوی خدا و پیامبرش نموده و از دنیا رفته است پاداش او بر خدا لازم است. (2)

حدیث 118: عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ: وَجَّهَ زُرَّارَةُ ابْنَهُ عُبَيْدًا إِلَى الْمَدِينَةِ يَسْتَخْبِرُ لَهُ خَبَرَ أَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) وَعَبْدِ اللَّهِ فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يَرْجَعَ إِلَيْهِ ابْنُهُ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ حَكِيمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (علیه السلام) فَذَكَرْتُ لَهُ زُرَّارَةَ وَتَوَجَّيْتُ ابْنَهُ عُبَيْدًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ (علیه السلام) إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ زُرَّارَةُ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (3)

حدیث 118: تفسیر عیاشی: ابن ابی عمیر گفت زراره پرسش عیبید را به مدینه فرستاد تا اطلاع حاصل کند جریان حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) و عبد الله افطح را اما زراره قبل از برگشتن فرزند خود از دنیا رفت محمد بن ابی عمیر گفت محمد بن حکیم گفت حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: امیدوارم زراره از کسانی باشد که خداوند در باره آن ها فرموده است «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (4)

ص: 281

1- [2] النساء آية 100

2- [3] تفسیر العیاشی ج 1 ص 270 [سورة النساء(4): آية 100] ح 252

3- [1] النساء آية 100

4- [2] تفسیر العیاشی ج 1 ص 270 [سورة النساء(4): آية 100] ح 253

حدیث 1: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي زَاهِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ النَّحْوِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَبَ نَبِيَّهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ فَقَالَ «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» قَالَ ثُمَّ قَالَ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَوَّضَ إِلَيَّ وَإِنَّمَنَّهُ فَسَلَّمْتُمْ وَ جَحَدَ النَّاسُ فَوَ اللَّهُ لَنُحِبُّكُمْ أَنْ تَقُولُوا إِذَا قُلْنَا وَ أَنْ تَصُمُّوا إِذَا صَمَّمْنَا وَ نَحْنُ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ خَيْرًا فِي خِلَافِ أَمْرِنَا.

حدیث 1: امام باقر (عليه السلام): خداوند پیامبرش را بر محبت خود تربیت کرد و فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (1) و همانا تو دارای خُلُقِ بزرگی هستی.... خداوند متعال کار مردم را به پیامبرش تفویض کرد تا بنگرند چگونه اطاعت می کنند، سپس این آیه را تلاوت فرمود «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (2) هر چیزی رسول خدا دستور می دهد بگیرید و به آن عمل کنید، و هر چه شما را از آن نهی می کند خودداری نمایید. و باز فرمود: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (3)

هر که از رسول خدا اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده سپس امام (عليه السلام) فرمود: پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله) کار را به علی (عليه السلام) واگذار کرد و او را امین شمرد،.... و ما واسطه میان شما و خدای عز و جل هستیم، خدا برای هیچ کس در مخالفت امر ما خیری قرار نداده است. (4)

حدیث 2: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: ...

ص: 283

1- . سوره مبارکه قلم آیه 4

2- . سوره مبارکه حشر آیه 7

3- . سوره مبارکه نساء آیه 80

4- . الكافي ج 1 ص 265 باب التفويض إلى رسول الله ص و إلى الأئمة ع في أمر الدين ح 1

وَصَلَّ اللَّهُ طَاعَةً وَوَلِيَّ أَمْرِهِ بِطَاعَةِ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) وَطَاعَةَ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) بِطَاعَتِهِ فَمَنْ تَرَكَ طَاعَةَ وَوَلَاةَ الْأَمْرِ لَمْ يُطِيعِ اللَّهَ وَلَا رَسُولَهُ

حدیث 2: امام صادق (علیه السلام) درباره آیه کریمه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (1)

می فرماید: خداوند اطاعت ولی امر را به اطاعت رسولش و اطاعت رسولش را به اطاعت خودش متصل کرده پس هرکه اطاعت والیان امر را ترک کند، خدا و رسولش را اطاعت نکرده. (2)

حدیث 3: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ (عليه السلام) يَقُولُ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ مُحَمَّدٌ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ لَمْ تَكُ شَيْئاً وَ نَفَخْتُ فِيكَ مِنْ رُوحِي كَرَامَةً مِنِّي أَكْرَمْتُكَ بِهَا حَتَّى أَوْجَبْتُ لَكَ الطَّاعَةَ عَلَى خَلْقِي جَمِيعاً فَمَنْ أَطَاعَكَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاكَ فَقَدْ عَصَانِي وَ أَوْجَبْتُ ذَلِكَ فِي عَلَيٍّ وَ فِي نَسَلِهِ مَنْ اخْتَصَصْتُ مِنْهُمْ لِنَفْسِي.

حدیث 3: امالی: ابو حمزه گفت حضرت باقر (علیه السلام) می فرمود: خداوند به حضرت محمد (صلى الله عليه وآله) وحی کرد یا محمد (صلى الله عليه وآله) تو را آفریدم... و از روح خویش در تو دمیدم به واسطه گرامی داشتن تو، به این مقام تو را مفتخر نمودم، هنگامی که بر تمام مردم واجب کردم از تو اطاعت کنند. هر که از تو اطاعت کند مرا اطاعت نموده و هر که مخالفت با تو نماید مخالفت با من نموده این مقام را به علی (علیه السلام) و فرزندان او که برای خود برگزیده ام نیز دادم. (3)

ص: 284

1- . النساء آية 59

2- . الكافي ج 2 ص 47 بَابُ خِصَالِ الْمُؤْمِنِ ح 3

3- [1]. الأمالي للصدوق ص 604 المجلس الثامن والثمانون ح 5

حدیث 4: أَحْمَدُ بْنُ الْقَاسِمِ مَعْنَعًا عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» كَانَتْ طَاعَةُ عَلِيِّ (عليه السلام) مُفْتَرَضَةً قَالَ كَانَتْ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) خَاصَّةً مُفْتَرَضَةً لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ كَانَتْ طَاعَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) طَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله)

حدیث 4: ابو مریم گفت: از امام صادق (عليه السلام) راجع به این آیه پرسیدم «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» حضرت فرمودند: اطاعت از علي (عليه السلام) واجب است. عرضه داشتیم: تنها اطاعت از پیامبر اکرم (صلى الله عليه و آله) واجب بود بنا به آیه «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» فرمود: اطاعت از علین ابی طالب (عليه السلام) پس از پیامبر اکرم (صلى الله عليه و آله) واجب شد. (چون امامتش بعد از پیامبر (صلى الله عليه و آله) بود و همینطور واجبست اطاعت از ائمه اطهار (علیهم السلام) که پس از امیرالمومنین (عليه السلام) آمدند) (1)

لزوم اطاعت از ائمه اطهار

حدیث 5: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جُمَهْرٍ وَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرَ (عليه السلام) مَا حَقُّ الْإِمَامِ عَلَى النَّاسِ قَالَ حَقُّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَسْمَعُوا لَهُ وَ يُطِيعُوا....

ص: 285

حدیث 5: ابو حمزه گفت از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم حق امام (علیه السلام) بر مردم چیست؟ فرمود: حقش این است که سخنش را بشنوند و اطاعت کنند.... (1)

حدیث 6: عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ:.... ذِرْوَةُ الْأَمْرِ وَسَنَامُهُ وَمِفْتَاحُهُ وَبَابُ الْأَنْبِيَاءِ وَرَضَى الرَّحْمَنُ الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ إِلَى حَفِيفًا أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلا يَتَّعِ وَلِيَّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَيَكُونَ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَةٍ مِنْهُ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَلا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ ثُمَّ قَالَ أَوْلَيْكَ الْمُحْسِنُ مِنْهُمْ يُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِهِ وَرَحْمَتِهِ حَدِيث 6: امام باقر (علیه السلام): مهمترین پایگاه دین و قلبه ی بلند آن و کلید و راه به سوی پیامبران و رضای خدا همانا اطاعت امام است، بعد از شناخت او. سپس فرمود: خداوند می فرماید «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» تا این قسمت آیه (حفیظاً) توجه داشته باشید. اگر شخصی تمام شب هایش به عبادت و روزهایش به روزه بگذرد و تمامی ثروتش را در راه خدا انفاق نماید و هر سال تا آخر عمر به حج رود اما آشنا به ولایت ولی خدا نباشد که او را دوست بدارد و تمام اعمالش به راهنمایی آن امام باشد پاداشی نزد خداوند ندارد، در مقابل اعمالش و نه از اهل ایمان شمرده می شود... (2)

حدیث 7: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشَّعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ أَشَّهَدُ أَنِّي سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَقُولُ أَشَّهَدُ أَنَّ عَلِيًّا (علیه السلام) إِمَامٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ وَأَنَّ الْحَسَنَ (علیه السلام) إِمَامٌ فَرَضَ

ص: 286

-
- 1- [2] الكافي ج 1 ص 405 بَابُ مَا يَجِبُ مِنْ حَقِّ الْإِمَامِ عَلَى الرَّعِيَّةِ وَحَقِّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْإِمَامِ ح 1.
 - 2- [1] المحاسن ج 1 ص 287 باب 46 باب الشرائع ح 430، تفسير العياشي ج 1 ص 259 [سورة النساء(4): آية 80] ح 202

اللَّهُ طَاعَتَهُ وَأَنَّ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) إِمَامٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) إِمَامٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ.*

حدیث 7: گواهی دهم که شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمودند: گواهی دهم که علی (علیه السلام) امامیست که خدا اطاعتش را واجب ساخته و حسن (علیه السلام) امامیست که خدا اطاعتش را واجب ساخته و حسین (علیه السلام) امامی است که خدا اطاعتش را واجب ساخته و علی بن حسین (علیه السلام) امامیست که خداوند اطاعتش را واجب ساخته و محمد بن علی (علیه السلام) امامی است که خدا اطاعتش را واجب ساخته است. (1)

حدیث 8: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ زُرَّازَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: ذُرْوَةُ الْأَمْرِ وَسَنَامُهُ وَمِفْتَاحُهُ وَبَابُ الْأَشْيَاءِ وَرِضَا الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا

حدیث 8: امام باقر (علیه السلام) فرمود: کنگره و قله و کلید هر کار و راه ورود در هر چیزی و خشنودی خدای بخشاینده تبارک و تعالی، اطاعت امام (علیه السلام) است از روی معرفت، سپس فرمود: به راستی خدا تبارک و تعالی می فرماید «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» (2) هر که اطاعت رسول کند، خدا را اطاعت کرده و هر که پشت کند، ما تو را نگهبان وی نفرستاده ایم. (3)

حدیث 9: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشَدِّ عَرِيٌّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ بَشِيرِ الْعَطَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ نَحْنُ قَوْمُ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا وَأَنْتُمْ تَأْتُمُونَ بِمَنْ لَا يُعْذِرُ النَّاسُ بِجَهَالَتِهِ.

ص: 287

- 1- . الكافي ج 1 ص 186 كتاب الحجّة باب 8 بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَيْمَةِ ح 2.
- 2- . سورة مبارکه نساء آیه 80.
- 3- . الكافي ج 1 ص 186 كتاب الحجّة باب 8 بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَيْمَةِ ح 1.

حدیث 9: بشیر عطار گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: ما خانواده گروهی هستیم که خدا اطاعت ما را واجب کرده و شما پیروی می کنید از کسی که مردم به نادانی او معذور نیستند (1) حدیث 10: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا قَالَ الطَّاعَةُ الْمَفْرُوضَةُ.

حدیث 10: امام باقر (علیه السلام) در باره قول خدای عزوجل «وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (2) به آنها سلطنت بزرگی دادیم فرمود: مقصود اطاعت آنهاست که بر مردم واجبست. (3)

حدیث 11: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَدِّيفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَتَنَا لَنَا الْأَنْفَالِ وَ لَنَا صَفْوُ الْمَالِ وَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»*

حدیث 11: و فرمود: ما گروهی باشیم که خدای عزوجل اطاعت ما را واجب کرده، انفال (غنیمت در جنگ و مباحات اولیه) از ماست و برگزیده از مال (اشیاء نفیس جنگی) به ما اختصاص دارد ما در دانش ریشه داریم و ما هستیم حسدبرده شدگان که خدا فرماید «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (4) آیا بر مردم حسد می ورزند به واسطه آنچه خدا از فضل خود به ایشان داده است. (در باره انفال و برگزیده از مال و نیز در باره اینکه ائمه (علیهم السلام) مورد حسادت قرار گیرند بعد از این به تفصیل بیان می شود). (5)

ص: 288

- 1- . الكافي ج 1 ص 186 كتاب الحجّة باب 8 بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَيِّمَةِ ح 3
- 2- . سورة مبارکه نساء آیه 54
- 3- . الكافي ج 1 ص 186 كتاب الحجّة باب 8 بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَيِّمَةِ ح 4
- 4- . سورة مبارکه نساء آیه 54
- 5- . الكافي ج 1 ص 186 كتاب الحجّة باب 8 بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَيِّمَةِ ح 6

حدیث 12: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَطَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ أُشْرِكُ بَيْنَ الْأَوْصِيَاءِ وَالرُّسُلِ فِي الطَّاعَةِ.

حدیث 12: امام صادق (عليه السلام) می فرمود: وجوب اطاعت میان اوصیاء و پیغمبران مشترک است (و بر امت است که از هر دو طایفه اطاعت کنند). (1)

حدیث 13: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَوْلَنَا فِي الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ طَاعَتَهُمْ مُفْتَرَضَةٌ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا»*

حدیث 13: حسین بن ابی العلاء: گفتار خود را در باره اوصیاء که اطاعتشان واجبست به امام صادق (عليه السلام) عرضه داشتم فرمود: آری ایشانند همان کسان که خدای تعالی فرماید «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (2) اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و والیان امر از خودتان را (یعنی مقصود از والیان امر، اوصیاء باشند) و ایشانند همان کسان که خدای عز و جل فرموده است «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (3) ولی شما فقط خداست و رسولش و کسانی که ایمان آورده اند. (4)

شرح: راجع به آیه اول مجلسی از مجمع البیان نقل می کند که عامه و اهل سنت اولی الامر را به زمامداران و یا علما تفسیر می کنند و اما مفسرین شیعه به استناد روایات وارده از حضرت باقر (عليه السلام) و امام صادق (عليه السلام) به ائمه و اهل بیت (علیهم السلام) تفسیر می کنند و ایشانند که خدا اطاعتشان را بدون قید و شرط در این آیه واجب کرده است و جایز نیست که خدا اطاعت کسی را بی قید و شرط واجب کند. جز آنکه معصوم باشد و ظاهر و باطنش یکی باشد و اشتباه نکند و به کار زشت دستور ندهد و

ص: 289

1- . الكافي ج 1 ص 186 كتاب الحجّة باب 8 بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَيْمَةِ ح 5

2- . سورة مبارکه نساء آیه 59

3- . سورة مبارکه مائده آیه 55

4- . الكافي ج 1 ص 187 كتاب الحجّة باب 8 بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَيْمَةِ ح 7

زامداران و علماء این گونه نیستند و خدا منزه است از اینکه مردم را امر کند از گنهکار و یا کسانی که عقاید مختلف دارند اطاعت نمایند زیرا اطاعت نمودن از چند عالمی که هر يك رأى جداگانه ای دارد محالست و ممکن هم نیست که آنها در عقیده متحد شوند و يك قول را اختیار کنند. اما راجع به آیه دوم که مهمترین آیه است که مفسرین و متکلمین شیعه بر امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) استدلال کرده اند و آن موضوع خاتم بخشی آن حضرت در حال رکوع است که این آیه در شأنش نازل گشته است چنانچه این مطلب را مفسرین از عامه و اهل سنت هم اعتراف دارند، فخر رازی و زمخشری و بیضاوی و سیوطی که از بزرگان علما سنتند در تفاسیر خود نزول آیه شریفه را در شأن امیرالمؤمنین (علیه السلام) و موضوع خاتم بخشی آن حضرت دانسته اند.

حدیث 14: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ فَارِسِيًّا أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) فَقَالَ طَاعَتُكَ مُفْتَرَضَةٌ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ مِثْلَ طَاعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَقَالَ نَعَمْ.*

حدیث 14: معمر بن خلاد گوید: مردی پارسی از ابو الحسن (امام کاظم (علیه السلام)) پرسید که: اطاعت شما واجب است؟ فرمود: آری، عرضه داشت: چون اطاعت علی بن ابی طالب (علیه السلام)؟ فرمود: آری. (1)

حدیث 15: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ الطَّبْرِيِّ قَالَ: كُنْتُ قَائِمًا عَلَى رَأْسِ الرِّضَا (عليه السلام) بِخُرَّاسَانَ وَعِنْدَهُ عِدَّةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَفِيهِمْ إِسْحَاقُ بْنُ مُوسَى بْنِ عَيْسَى الْعَبَّاسِيُّ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ بَلِّغْنِي أَنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ إِنَّا نَزَعُمُ أَنَّ النَّاسَ عَيْبِدُ لَنَا لَا وَقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَا قُلْتُهُ قَطُّ وَلَا سَمِعْتُهُ مِنْ آبَائِي قَالَهُ وَلَا بَلِّغْنِي عَنْ أَحَدٍ مِنْ آبَائِي قَالَهُ وَلَكِنِّي أَقُولُ النَّاسُ

ص: 290

حدیث 15: طبری گوید: من در خراسان بالای سر امام رضا (علیه السلام) به خدمت ایستاده بودم و جمعی از بنی هاشم که اسحاق بن موسی در میانشان بود، خدمت آن حضرت بودند، امام (علیه السلام) فرمود: ای اسحاق! به من خبر رسید که مردم می گویند: ما عقیده داریم که مردم برده ما هستند، نه سوگند به خویشی و قرابتی که با پیغمبر (صلی الله علیه و آله) دارم نه من هرگز این سخن گفته ام و نه از پدرام شنیده ام و نه به من خبر رسیده که یکی از آنها گفته باشد، ولی می گویم مردم بنده ما هستند در اینکه اطاعت ما بر آنها واجبست و در اطاعت فرمانبر مایند و در دین پیرو ما هستند، هر که حاضر است به غائبین برساند. (1)

حدیث 16:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَا يَسْعُ النَّاسُ إِلَّا مَعْرِفَتَنَا وَلَا يُعَذِّرُ النَّاسُ بِيَهَالَتِنَا مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنَا وَلَمْ يُنْكِرْنَا كَانَ ضَالًّا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الْهُدَى الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ طَاعَتِنَا الْوَاجِبَةِ فَإِنْ يَمُتْ عَلَى ضَلَالَتِهِ يَفْعَلِ اللَّهُ بِهِ مَا يَشَاءُ.*

حدیث 16: امام صادق (علیه السلام): ما ئیم که خدا اطاعت ما را واجب ساخته، مردم راهی جز معرفت ما ندارند و بر نشناختن ما معذور نباشند. هر که ما را شناسد مؤمن است و هر که انکار کند کافر است و کسی که نشناسد و انکار هم نکند گمراهست تا زمانی که به سوی هدایتی که خدا بر او واجب ساخته و آن اطاعت حتمی ماست برگردد و اگر به همان حال گمراهی بمیرد خدا، هر چه خواهد با او کند. (2)

ص: 291

1- . الکافی ج 1 ص 187 کتاب الحجة باب 8 بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَيْمَةِ ح 10

2- . الکافی ج 1 ص 187 کتاب الحجة باب 8 بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَيْمَةِ ح 11

شرح و تفسیر: مقصود از کسانی که ائمه (علیهم السلام) اظهار را نشناخته و انکار هم نکرده اند آنهاست که عقل و فهم درک مقام امامت را ندارند و در قرآن از آنها به مستضعفین تعبیر شده است و همچنین کسانی که از محیط تعلیمات مذهبی دور افتاده و مقام امام (علیه السلام) چنان که شایسته است به ایشان معرفی نگشته در باره این اشخاص هم امید عفو و بخشش هست.

حدیث 17: عَلِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِهِ وَ طَاعَةُ أَوْلِي الْأَمْرِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): حُبُّنَا إِيْمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ.*

حدیث 17: ابن فضیل گوید: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدم: بهترین وسیله تقرب بندگان به خدای عزوجل چیست؟ فرمود: بهترین وسیله تقرب بندگان به سوی خدای عزوجل اطاعت خدا و اطاعت رسول (صلی الله علیه و آله) و اطاعت والیان امر است، امام باقر (علیه السلام) فرمود: دوستی ما ایمان و دشمنی ما کفر است. (1)

حدیث 18: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَعْرَضَ عَلَيْكَ دِينِي الَّذِي أَدِينُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ قَالَ فَقَالَ هَاتِ قَالَ فَقُلْتُ أَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ الْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ أَنَّ عَلِيًّا كَانَ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ ثُمَّ كَانَ بَعْدَهُ الْحَسَنُ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ ثُمَّ كَانَ بَعْدَهُ الْحُسَيْنُ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ ثُمَّ كَانَ بَعْدَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ إِمَامًا فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ حَتَّى انْتَهَى الْأَمْرُ

ص: 292

إِلَيْهِ ثُمَّ قُلْتُ أَنْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ قَالَ فَقَالَ هَذَا دِينُ اللَّهِ وَدِينُ مَلَائِكَتِهِ.

حدیث 18: اسماعیل بن جابر گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرضه داشتم: دین خودم را که خدای عزوجل را به آن می پرستم به شما عرض کنم؟ فرمود: بگو. عرضه داشتم: گواهی دهم که شایسته پرستشی جز خدای یگانه بی انباز نیست و محمد (صلی الله علیه و آله) بنده او و فرستاده اوست و آنچه از جانب خدا آورده اعتراف دارم علی (علیه السلام) امامست و خدا اطاعتش را واجب ساخته و بعد از او حسن (علیه السلام) امامست و خدا اطاعتش را واجب نموده و بعد از او حسین (علیه السلام) امامست و خدا اطاعتش را واجب دانسته و بعد از او علی بن حسین (علیه السلام) امامست و خدا اطاعتش را واجب کرده (همین طور گفتم) تا به خود حضرت رسید، سپس عرضه داشتم: توئی امام (علیه السلام) خدایت رحمت کند، فرمود: دین خدا و دین ملائکه او همین است. (1)

حدیث 19: وَ عَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرِ بْنِ اللَّيْثِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ اللَّيْثِ الْعَنْبَرِيُّ إِمْلَاءً مِنْ أَصْلِ كِتَابِهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُزَاهِمِ الْهَرَوِيِّ سَنَةَ إِحْدَى وَسِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا خَالِي أَبُو الصَّلْتِ عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ، قَالَ: كُنْتُ مَعَ الرَّضَا (علیه السلام) لَمَّا دَخَلَ نَيْسَابُورَ وَهُوَ رَاكِبٌ بَعْلَةً شَهْبَاءَ وَقَدْ خَرَجَ عُلَمَاءُ نَيْسَابُورَ فِي اسْتِئْذَانِهِ فَلَمَّا سَارَ إِلَى الْمُرْبَعَةِ تَعَلَّقُوا بِلِجَامِ بَعْلَتِهِ وَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدِّثْنَا بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ حَدِيثًا عَنْ آبَائِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ فَأَخْرَجَ عَلَيْهِ الصَّلَاةَ وَ السَّلَامَ رَأْسَهُ مِنَ الْهُودَجِ وَعَلَيْهِ مِطْرَفٌ خَزٌّ فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ (علیه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ (علیه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَنْ أَمِيرِ

ص: 293

الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) الرُّوحُ الْأَمِينُ عَنِ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَ جَلَّ وَجْهُهُ قَالَ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَ حُدَيْ عِبَادِي فَأَعْبُدُونِي وَ لِيَعْلَمَنَّ مَنْ لَقِيََنِي مِنْكُمْ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصاً بِهَا أَنَّهُ قَدْ دَخَلَ حِصْنِي وَ مَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي قَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ مَا إِخْلَاصُ الشَّهَادَةِ لِلَّهِ قَالَ طَاعَةُ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) وَ وَلا يَأْتِي أَهْلَ بَيْتِهِ (عليهم السلام)

حدیث 19: ابا صلت هروی گفت: با حضرت رضا (علیه السلام) بودم وقتی داخل نیشابور شد سوار قاطر خاکستری رنگ بود علمای نیشابور به استقبالش خارج شده بودند همین که رسید به آنان دانشمندان لجام قاطرش را گرفته عرضه داشتند: یا ابن رسول الله! شما را به حق آباء طاهرینت سوگند می دهیم که ما را حدیثی از آباء گرام خود صلوات الله علیهم نقل فرما. امام (علیه السلام) سر از هودج بیرون آورد و تن پوشی از خز داشت فرمود: پدرم موسی بن جعفر (علیه السلام) از پدرش جعفر بن محمد (علیه السلام) از پدرش محمد بن علی (علیه السلام) از پدرش علی بن الحسین (علیه السلام) از پدرش حسین بن علی (علیه السلام) سرور جوانان بهشت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) نقل کرد که فرمود: جبرئیل (علیه السلام) به من خبر داد از روح الامین از خداوند پاک و بزرگ فرمود: من خداوند یکتایم که جز من خدائی نیست بندگانم مرا بپرستید! بدانید هرکه به دیدن من آید با گواهی دادن به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» با اخلاص داخل دژ و حصار من شده و هرکه داخل حصار من شود از عذابم در امان است عرضه داشتند: اخلاص شهادت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» چیست؟ فرمود: اطاعت خدا و پیامبرش و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) او. (1)

حدیث 20: وَ بِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَيْمَةِ (عليهم السلام) هَلْ يَجْرُونَ فِي الْأَمْرِ وَالطَّاعَةِ مَجْرَى وَاحِدٍ قَالَ نَعَمْ.*

ص: 294

حدیث 20: ابو بصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم از ائمه (علیهم السلام) که در فرمان و وجوب اطاعت، همه یکسانند؟ فرمود: آری (1)

اولی الامر همان ائمه اطهار هستند

« أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ »

خدا و رسول و صاحبان امر را اطاعت کنید.

حدیث 21: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ » إِيَّانَا عَنَى خَاصَّةً أَمْرَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِطَاعَتِنَا*

حدیث 21:

امام باقر (علیه السلام): در مورد گفتار خداوند « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ » خدا و رسول و صاحبان امر را اطاعت کنید. فرمودند: خداوند از صاحبان امر، ما اهل بیت (علیهم السلام) را قصد نموده است و همه مؤمنین را تا روز قیامت به اطاعت ما امر فرموده. (2)

حدیث 22: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمِشَمِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ آدَبَ رَسُولَهُ حَتَّى قَوْمَهُ عَلَى مَا أَرَادَ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ فَقَالَ عَزَّ ذِكْرُهُ « مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ

فَانْتَهُوا » فَمَا فَوَّضَ

ص: 295

1- . الكافي ج 1 ص 187 كتاب الحججة باب 8 بابُ فَرْضِ طَاعَةِ الْأَيْمَةِ ح 9

2- . الكافي ج 1 ص 276 كتاب الحججة بابُ أَنَّ الْإِمَامَ ع يَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا فِيهِمْ ع نَزَلَتْ ح 1.

اللَّهِ إِلَى رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) فَقَدْ فَوَّضَهُ إِلَيْنَا*

حدیث 22: همان طور که صفار در کتاب بصائر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: خداوند پیامبرش را به تعلیم و تربیت خود پرورش داد تا او را همان طور که خواست و اراده اش بود استوار و پابرجا ساخت، سپس امر تشریح را به او واگذار نمود و فرمود «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (1) آن چه رسول (صلى الله عليه وآله) و فرستاده ما شما را به آن دستور می دهد عمل کنید. و از آن چه نهی می کند اجتناب نمایید. و آن چه را که خداوند به رسولش (صلى الله عليه وآله) واگذار نموده به ما نیز اختیارش را مرحمت کرده است. (2)

حدیث 23:

الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَطِيعُوا

اللَّهِ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فَكَانَ جَوَابُهُ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» يَقُولُونَ لِأَيِّمَةِ الضَّلَالَةِ وَالدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ «هَؤُلَاءِ

أَهْدَى» مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) «سَبِيلًا

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا أَمْ لَهُمْ نَصِيحٌ مِنَ الْمَلِكِ» يَعْنِي الْإِمَامَةَ وَالْخِلَافَةَ «فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَصِيرًا» نَحْنُ النَّاسُ الَّذِينَ عَنِ اللَّهِ وَالتَّغْيِيرُ التَّقْطِيعُ الَّتِي فِي وَسْطِ النَّوَاةِ «أَمْ يَحْسَدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» نَحْنُ النَّاسُ الْمُحْسَدُونَ عَلَى مَا آتَانَا اللَّهُ مِنَ الْإِمَامَةِ دُونَ خَلْقِ اللَّهِ أَجْمَعِينَ «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» يَقُولُ جَعَلْنَا مِنْهُمْ الرُّسُلَ وَالْأَنْبِيَاءَ

ص: 296

1- . حشر، آیه 7.

2- . الكافي: ج 1 ص 268 كتاب الحجة باب التَّقْوِيضِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَالْإِيْمَةِ فِي أَمْرِ الدِّينِ ح 9،

وَ الْأَيْمَةَ فَكَيْفَ يَقْرُونَ بِهِ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) وَ يُنْكِرُونَ فِي آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا» *

حدیث 23: برید عجللی گوید: از امام باقر (علیه السلام) راجع به قول خدای عز و جل «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و والیان امر را پرسیدم، جواب حضرت این بود که «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاعُونَ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» S مگر آن کسان را که از کتاب آسمانی بهره ای به ایشان داده اند نمی بینی که به بت و طغیانگر گروند و در باره کافران گویند: این گروه از مؤمنان هدایت یافته ترند R یعنی این مردم در باره پیشوایان گمراهی و رهبران به دوزخ می گویند: آنها از آل محمد (صلى الله عليه و آله) هدایت یافته ترند، «سَبِيلًا أَوْلِيكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ» S ایشان همان کسانند که خدا لعنتشان کرده و هر که را خدا لعنت کند هرگز یابوری برای او نخواهی یافت. مگر آنها را از ملک بهره ای هست؟ R یعنی ملک امامت و خلافت «فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَصِيرًا» S که در آن صورت تقیری هم به مردم ندهند R ما هستیم آن مردمی که خدا قصد کرده و تقیر نقطه میان هسته خرماس (و مقصود بیان کمال بخل و خست ایشانست که اگر به مقام سلطنت هم می رسیدند، قسمتی از هسته خرما را از ما مضایقه می کردند، تا چه رسد به چیز شریفتر و گران بهاتر) «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» S و یا به مردم نسبت به آنچه خدا از کرم خویش به آنها داده حسد می برند R ما هستیم آن مردم حسد برده شده، برای منصب امامتی که خدا به ما داده و به هیچ کس دیگر

نداده «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكاً عَظِيماً» Sحقاً که ما خاندان ابراهیم را کتاب و حکمت و ملک بزرگی دادیم R یعنی پیغمبران و رسولان و امامان را، از آل ابراهیم (علیه السلام) قرار دادیم، پس چگونه این مردم این مقام را نسبت به آل ابراهیم (علیه السلام) اعتراف دارند و در باره آل محمد (صلی الله علیه و آله) منکر می شوند (بنا بر این مقصود از والیان امر که پرسیدی آل محمد (صلی الله علیه و آله) است). «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَدِّ لِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا» Sبرخی به آن گرویدند و برخی روی گردان شدند و جهنم برای ایشان افروخته آتشی است کافی، کسانی که آیه های ما را انکار کرده اند، به زودی به آتشی درونشان کنیم که هر وقت پوست هایشان بسوزد، و پوست های دیگرشان دهیم تا عذاب را خوب بچشند، همانا خدا نیرومند و فرزانه است (R.1)

حدیث 24: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَىٰ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَوْصِيَاءِ طَاعَتُهُمْ مُفْتَرَضَةٌ قَالَ نَعَمْ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

وَ هُمُ رَاكِعُونَ». *حدیث 24: حسین بن ابی العلاء گوید به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: اوصیاء پیغمبر اطاعتشان واجبست؟ فرمود: بلی، ایشانند که خدای عز و جل در باره آنها فرموده «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» و اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و صاحبان امر از خودتان را و ایشانند که خدا در باره آنها

ص: 298

1- . الكافي ج 1 ص 205 بَابُ أَنَّ الْأَيْمَةَ عِوَالَةَ الْأَمْرِ وَ هُمُ النَّاسُ الْمُحْسُوذُونَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ كِتَابُ الْحُجَّةِ ح 1.

فرموده «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (1) ولی شما خداست و رسولش و کسانی که ایمان آورده و نماز می گذارند و در حال رکوع صدقه می دهند (2)

حدیث 25: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ أَبْوَابُ الْخَيْرِ السَّمْعُ الْمُطِيعُ لَا حُجَّةَ عَلَيْهِ وَالسَّمْعُ الْعَاصِي لَا حُجَّةَ لَهُ وَ

إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ تَمَّتْ حُجَّتُهُ وَاحْتِجَاجُهُ يَوْمَ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ قَالَ يَقُولُ

اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» *

حدیث 25: عبد الأعلى گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمود: سَمْعٌ وَطَاعَةٌ (یعنی) شنیدن و فرمان بردن درهای خیر و خوشی باشند آنکه بشنود و فرمان برد حجت و مسئولیتی بر او نیست و آنکه بشنود و نافرمانی کند حجت و دفاعی از خود ندارد، امام مسلمانان در روز قیامت که خدای عز و جل را ملاقات کند حجت او تمام است و از خود دفاع کند، سپس فرمود: خدا تبارک و تعالی می فرماید «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (3) روزی که هر مردمی را با امام خود می خوانیم (4) حدیث 26: حَدَّثَنَا غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَرَازِيِّ [الْفَرَازِيُّ] قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَارِثِ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ عَنْ يُونُسَ بْنِ زَيْنَانَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ يَقُولُ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو

ص: 299

1- المائدة آية 55.

2- الكافي ج 1 ص 189 كتاب الحجّة باب فَرَضِ طَاعَةِ الْأَئِمَّةِ ح 16.

3- الاسراء آية 71.

4- الكافي ج 1 ص 189 كتاب الحجّة باب فَرَضِ طَاعَةِ الْأَئِمَّةِ ح 17.

الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ فَقَالَ هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَأَنْمَةُ الْمَسْئَلِينَ مِنْ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) ثُمَّ
 الْحَسَنُ (عليه السلام) وَالْحُسَيْنُ (عليه السلام) ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) الْمَعْرُوفُ فِي التَّوَرَاةِ بِالْبَاقِرِ
 وَسَمُّهُ يَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرِنُهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام) ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ
 مُوسَى (عليه السلام) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ سَمِيُّ وَكُنْيِي
 حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا
 ذَلِكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شَيْعَتِهِ وَأَوْلِيَانِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ ائْتَمَرَ اللَّهُ قَلْبُهُ لِلْإِيمَانِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ
 يَفْعَلُ لَشَيْعَتِهِ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ فَقَالَ إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَيَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالسَّمْسِ وَإِنْ
 تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ يَا جَابِرُ هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَمَخْزُونِ عِلْمِهِ فَاعْتَمِدْهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ قَالَ جَابِرُ بْنُ يَزِيدَ فَدَخَلَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ عَلَى
 عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَبَيْنَمَا هُوَ يُحَدِّثُهُ إِذْ خَرَجَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ (عليه السلام) مِنْ عِنْدِ نِسَائِهِ وَعَلَى رَأْسِهِ ذُوَابَةٌ وَهُوَ غُلَامٌ فَلَمَّا
 بَصُرَ بِهِ جَابِرٌ ازْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُ وَقَامَتْ كُلُّ شَيْءٍ عَرَّةً عَلَى بَدَنِهِ وَنَظَرَ إِلَيْهِ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا غُلَامُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذِيرُ فَأَذْبَرَ فَقَالَ جَابِرُ شَ مَا نِلُّ
 رَسُولَ اللَّهِ وَرَبَّ الْكُعْبَةِ ثُمَّ قَامَ فَدَنَا مِنْهُ فَقَالَ لَهُ مَا اسْمُكَ يَا غُلَامُ فَقَالَ مُحَمَّدٌ قَالَ ابْنُ مَنْ قَالَ ابْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ يَا بَنِي
 فَدَتَكَ نَفْسِي فَأَنْتَ إِذَا الْبَاقِرُ (عليه السلام) فَقَالَ نَعَمْ ثُمَّ قَالَ فَأَبْلَغْنِي مَا حَمَلَكَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ جَابِرُ يَا

مَوْلَايَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَشَّرَنِي بِالْبَقَاءِ إِلَى أَنْ أَلْقَاكَ وَقَالَ لِي إِذَا لَقَيْتَهُ فَأَقْرِنْتُهُ مِنِّي السَّلَامَ فَرَسُولُ اللَّهِ يَا مَوْلَايَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَا جَابِرُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) السَّلَامُ مَا قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَعَلَيْكَ يَا جَابِرُ كَمَا بَلَّغْتَ السَّلَامَ فَكَأَنَّ جَابِرَ بَعْدَ ذَلِكَ يَخْتَلِفُ إِلَيْهِ وَيَتَعَلَّمُ مِنْهُ فَسَأَلَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ شَيْءٍ فَقَالَ لَهُ جَابِرُ وَاللَّهِ مَا دَخَلْتُ فِي نَهْيِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَقَدْ أَخْبَرَنِي أَنْكُمْ أُمَّةُ الْهُدَاةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ مِنْ بَعْدِهِ أَحْلَمُ النَّاسِ صِغَاراً وَأَعْلَمُ النَّاسِ كِبَاراً وَقَالَ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) صَدَقَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنَّي لَأَعْلَمُ مِنْكَ بِمَا سَأَلْتُكَ عَنْهُ وَلَقَدْ أُوتِيَتْ الْحُكْمَ صَبِيحاً كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتِهِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام).

حدیث 26: جابر بن یزید جعفری گوید از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم که می گفت: وقتی که خدای تعالی بر پیامبرش این آیه را فرو فرستاد که «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» گفتم: یا رسول الله! خدا و رسولش را شناخته ایم، پس اولی الامری که خداوند طاعت آنها را مقرون به طاعت خود کرده چه کسانی هستند؟ فرمود: ای جابر آنها جانشینان من و ائمه مسلمین پس از من هستند، اول ایشان علی بن ابی طالب (علیه السلام) است و بعد از او حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و علی بن الحسین (علیه السلام) و محمد بن علی (علیه السلام) که در تورات به باقر معروف است و تو ای جابر! او را می بینی و آنگاه که او را دیدار کردی سلام مرا به او برسان و پس از او جعفر بن محمد صادق (علیه السلام) و موسی بن جعفر (علیه السلام) و علی بن موسی (علیه السلام) و محمد بن علی (علیه السلام) و علی ابن محمد (علیه السلام) و حسن بن علی (علیه السلام) و پس از او همنام و هم کنیه من حجة الله در زمینش و بقیة الله در بین عبادش، فرزند حسن بن علی (علیه السلام) ائمه مسلمین خواهند بود، او کسی است که خدای تعالی مشرق و مغرب زمین را به

دست او بگشاید، او کسی است که از شیعیان و اولیانش غایب شود، غیبتی که بر عقیده به امامت او باقی نماند مگر کسی که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده است. جابر گوید: گفتم: یا رسول الله! آیا در غیبت او برای شیعیانش انتفاعی هست؟ فرمود: آری، قسم به خدایی که مرا به نبوت مبعوث فرمود به نور او استضاءه می کنند و به ولایت او در دوران غیبتش منتفع می شوند مانند انتفاع مردم از خورشیدی که در پس ابر است، ای جابر! این سرّ مکنون خداوند و علم مخزون اوست، آن را از غیر اهلش بپوشان. جابر بن یزید گوید: جابر بن عبد الله انصاری بر امام سجاد (علیه السلام) وارد شد و هنگامی که با او مشغول گفتگو بود ناگهان حضرت باقر (علیه السلام) با گیسوان آراسته از نزد نساء آن حضرت بیرون آمد در حالی که پسر بچه ای بیش نبود، چون جابر او را شناخت لرزه بر اندامش افتاد و مو بر تنش راست شد و اندکی بدو نگریست، سپس گفت: ای پسر پیش بیا، و او پیش آمد، سپس گفت: برو و او رفت، جابر گفت: به خدای کعبه سوگند که شمائل رسول الله (صلی الله علیه و آله) را داراست، سپس برخاست و نزدیک وی رفت و گفت: ای پسر! نامت چیست! و او گفت محمد، پرسید: فرزند که هستی؟ گفت: فرزند علی بن الحسین (علیه السلام)، گفت: فدایت شوم، پس تو همان باقری؟ گفت: آری، سپس آن حضرت گفت: آنچه را که رسول خدا به تو سپرده است به من برسان، جابر گفت: ای مولای من! رسول خدا به من بشارت دادند که زنده می مانم تا شما را ملاقات کنم و به من فرمودند آنگاه که او را ملاقات کردی سلام مرا بدو برسان، پس ای مولای من! رسول خدا به شما سلام رسانیدند، امام باقر (علیه السلام) فرمود: تا آسمان و زمین برپاست بر رسول خدا سلام باد و بر تو ای جابر! که آن سلام را رسانیدی سلام باد! و بعد از آن جابر به نزد او رفت و آمد می کرد و از او می آموخت، يك روز امام باقر (علیه السلام) از وی چیزی پرسید، جابر گفت: به خدا سوگند که من خود را در نهی رسول الله داخل نمی کنم که او به من خبر داده است که شما ائمه هدی از اهل بیت (علیهم السلام) او بعد

از او می باشید در کوچکی حکیم ترین مردم و در بزرگیعلیم ترین آنهاستید و فرمود: به ایشان چیزی تعلیم ندهید که آنها علم از شما هستند، امام باقر(علیه السلام) فرمود: جدم رسول خدا راست گفته است و من در آنچه که پرسیدم از تو داناترم، حکمت را در کودکی به ما داده اند و همه آنها از فضل و رحمت خداوند بر ما اهل بیت است. (1)

حدیث 27: فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ مُعْتَمِرًا عَنْ عَمِّي الْحُسَيْنِ أَنَّهُ سَأَلَ [عَنْ] جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) [أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام)] [عَنْ قَوْلِ اللَّهِ] [تَعَالَى] جَلَّ ذِكْرُهُ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» قَالَ أُولِي الْفِقْهِ وَالْعِلْمِ قُلْنَا أَخَاصُّ أُمَّ عَامٍّ قَالَ بَلْ خَاصُّ لَنَا.

حدیث 27: عبید بن کثیر گفت از حضرت صادق(علیه السلام) سؤال شد راجع به این آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فرمود: صاحبان فقه و علم گفتیم عمومی است یا مخصوص يك عده است؟ فرمود: اختصاص به ما خانواده دارد. (2)

حدیث 28: رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي بَاطٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» فِي وِلَايَةِ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَالْأَيُّمَةِ مِنْ بَعْدِهِ «فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا»

حدیث 28: امام صادق(علیه السلام) در تفسیر آیه «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (3) کسی که اطاعت خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله) را نماید فرمودند: در مورد ولایتعلی بن ابی طالب(علیه السلام) و ائمه بعد از او «فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (4) به رستگاری بزرگی رسیده است. (5)

ص: 303

1- . کمال الدین و تمام النعمة ج 1 ص 253 باب 23 باب نص الله تبارك و تعالى على القائم ع و أنه الثاني عشر من الأئمة ع ح 3

2- . تفسیر فرات الکوفی ص 108 [سورة النساء(4): آية 59] ... ح 105

3- . الاحزاب آية 71

4- . الاحزاب آية 71

5- . تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 459 [سورة الأحزاب(33): آية 71]

حدیث 29: قال الباقر (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَلَوْ رُدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ» قَالَ نَحْنُ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِالرَّدِّ إِلَيْنَا

حدیث 29: امام باقر (عليه السلام) فرمود: درباره گفته ی خدای تعالی «وَلَوْ رُدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ» (1) اگر برگردانند به سوی رسول و صاحبان امر فرمود: ما ئیم اولی الامر ی که خداوند دستور داده مسائل را به سوی ما برگردانند. (2)

همگی در وجوب اطاعت باهم برابرند حدیث 30: ابْنُ عِيْسَى عَنِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنِ الرَّضَا أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ فَكَتَبَ: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): لَا يَسْتَتَكْمِلُ عَبْدُ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْرِفَ أَنَّهُ يَجْرِي لِأَخْرِهِمْ مَا يَجْرِي لِأَوْلِيهِمْ فِي الْحُجَّةِ وَالطَّاعَةِ وَالْحَرَامِ وَالْحَلَالِ سَوَاءً، وَلِمُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَضْلُهُمَا.

حدیث 30: بزنتی از حضرت رضا (عليه السلام) نقل می کند که آن جناب نامه ای برایش نوشت به این مضمون حضرت باقر (عليه السلام) فرمود: ایمان بنده کامل نمی شود مگر اینکه بداند جاری است برای آخرین پیشوا آنچه برای اولین پیشوا جاری بوده از نظر حجت و اطاعت و حلال و حرام مساوی هستند اما محمد (صلی الله علیه و آله) و علی (عليه السلام) دارای فضیلت مخصوص خود هستند ... (3)

ص: 304

1- . نساء 81.

2- . إرشاد القلوب إلى الصواب للدليمي ج 2 ص 298 فصل: في جهاده باب في تأويل ما نزل فيهم ع من الآيات ح 2.

3- . قرب الإسناد ص 351 احاديث متفرقة ح 1260 ضمن حديث طولاني

حدیث 31: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْحَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ «الَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ» قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الذَّرِيَّةُ وَ الْأَيْمَةُ الْأَوْصِيَاءُ أَلْحَقْنَا بِهِمْ وَ لَمْ تَنْقُصْ ذُرِّيَّتَهُمْ مِنَ الْجِهَةِ الَّتِي جَاءَ بِهَا مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) فِي عَلِيٍّ وَ حُجَّتِهِمْ وَاحِدَةً وَ طَاعَتُهُمْ وَاحِدَةً.

حدیث 31: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده که در باره آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ» (1)

فرمود: «الَّذِينَ آمَنُوا» منظور پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) و امیر المومنین (علیه السلام) است و ذریه یعنی ائمه (علیهم اسلام) و اوصیاء ملحق می کنیم ذریه آنها را به ایشان و کم و کاستی برای ذریه آنها نمی کنیم نسبت به آنچه محمد (صلى الله عليه وآله) آورده در باره علی (علیه السلام) همه آنها حجت های خدایند و اطاعت از همه آنها لازم است. (2)

حدیث 32: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسَدِّ كَانَ عَنِ الْحَرِثِ النَّضَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ نَحْنُ فِي الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ وَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ نَجْرِي مَجْرَى وَاحِدٍ فَأَمَّا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ عَلِيٌّ فَلَهُمَا فَضْلُهُمَا.

حدیث 32: بصائر: حارث نضری از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: پیامبر (صلى الله عليه وآله) و ما در امر و نهی و حلال و حرام در مجرای واحد هستیم اما پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) و علی (علیه السلام) دارای فضیلت خصوصی خود هستند. (3)

ص: 305

1- . الطور آية 21

2- . بصائر الدرجات ج 1 ص 480 باب 8 باب في الأئمة في أن الحجّة والطاعة والعلم والأمر والنهي والشجاعة واحد و لرسول الله و علي ح 1

3- . بصائر الدرجات ج 1 ص 480 باب 8 باب في الأئمة في أن الحجّة والطاعة والعلم والأمر والنهي والشجاعة واحد و لرسول الله ص و علي ص ح 2

حديث 33: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» قَالَ جَعَلَ مِنْهُمْ الرُّسُلَ وَ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْأَيْمَةَ فَكَيْفَ يُقْرُونَ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) وَ يُنْكِرُونَ فِي آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) قَالَ قُلْتُ «وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» قَالَ الْمُلْكُ الْعَظِيمَانُ جَعَلَ فِيهِمْ أَيْمَةً مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ فَهُوَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ.

حديث 33: بُرَيْدِ عَجَلِي گويد: امام باقر (عليه السلام) در باره قول خداى تبارك و تعالى « فَقَدْ

آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (1) فرمود: خدا پيغمبران و رسولان و امامان را از آل ابراهيم (عليه السلام) قرار داد، پس چگونه اين مردم نسبت به آل ابراهيم (عليه السلام) اين مقام را معترفند ولى در باره آل محمد (صلى الله عليه و آله) انكار مي كنند. عرضه داشتيم «وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» و به ايشان مُلك عظيمى داديم چيست؟ فرمود: مُلك عظيم اينست كه امامانى را در آن خانواده قرار داد، هر كه اطاعت آنها كند اطاعت خدا كرده و هر كه نافرمانى آنها كند نافرمانى خدا كرده است، اين است مُلك عظيم. (2)

حديث 34: قال الباقر: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» نَحْنُ هَؤُلَاءِ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ [الْمَحْسُودُونَ] عَلَى مَا آتَانَا اللَّهُ مِنَ الْإِمَامَةِ دُونَ الْخَلْقِ جَمِيعاً «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» أَي جَعَلْنَا مِنْهُمْ الرُّسُلَ وَ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْأَيْمَةَ «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ

ص: 306

1- . النساء آية 54

2- . الكافي ج 1 ص 206 بَابُ أَنَّ الْأَيْمَةَ عِوَالَةُ الْأَمْرِ وَ هُمُ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ح 5

مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا» وَقَوْلُهُ تَعَالَىٰ «وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» قَالَ نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطُ وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ قَالَ وَقَوْلُهُ تَعَالَىٰ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ «وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» إِذْ جَعَلَ فِيهِمْ أُتْمَةً مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ وَ هَذَا الْمُلْكُ عَظِيمٌ

حدیث 34: امام باقر (علیه السلام): مردمی که بر آنان حسد می ورزند مائیم که بر امامتی خداوند به ما عطا فرموده مردم حسد می ورزند. «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (1) همانا به آل ابراهیم (علیه السلام) کتاب و حکمت رابخشیدیم و به آنان پادشاهی بزرگ عطا کردیم یعنی پیامبران و رسولان و امامان را از آل ابراهیم (علیه السلام) قرار دادیم «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا» (2)

گروهی ایمان آوردند به آن و گروهی ایمان نیاوردند و بس است اینان را جهنم آتش افروخته شده. و گفته است هم چنین است گفته ی خدای تعالی که فرموده: «وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (3)

و قرار دادیم شما را امتی بهتر گواهان بر مردمان و می باشد گواه بر شما پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضرت فرمود: ما امامان امت وسط هستیم مائیم گواهان بر مردم و حجت های خداوند در زمین باز حضرت فرمود: و گفته ی خدای تعالی در «وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (4)

آل ابراهیم (علیه السلام) را مُلک عظیم عطا نموده زیرا که خدا ائمه (علیهم اسلام) را از آل ابراهیم (علیه السلام) قرار داده هر که اطاعت آنان کند اطاعت خدا را کرده و هر که نافرمانیشان را کند نافرمانی خدا را کرده و اینست مُلک عظیم. (5)

ص: 307

1- . النساء آية 54

2- . النساء آية 55

3- . البقرة آية 143

4- . النساء آية 54

5- . إرشاد القلوب إلى الصواب للدیلمی ج 2 ص 298 فصل: فی جهاده باب فی تأویل ما نزل فیهم ع من الآیات ح 1

حدیث 35: عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» قَالَ فَكَانَ جَوَابَهُ أَنْ قَالَ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ»

فُلَانٍ وَفُلَانٍ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هُؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا يَقُولُ الْأَنْبِيَاءُ وَالرُّسُلُ وَالْمُرْسَلُونَ إِلَى النَّارِ هُؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَأَوْلِيَانِهِمْ سَبِيلًا «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ» يَعْنِي الْإِمَامَةَ وَالْخِلَافَةَ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ تَقِيرًا نَحْنُ النَّاسُ الَّذِينَ عَنِ اللَّهِ وَالتَّقِيرُ التَّقْطُؤُةُ الَّتِي رَأَيْتَ فِي وَسْطِ النَّوَاةِ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَنَحْنُ الْمَحْسُودُونَ عَلَى مَا آتَانَا اللَّهُ مِنَ الْإِمَامَةِ دُونَ خَلْقِ اللَّهِ جَمِيعًا

حدیث 35: برید بن معاویه گفت خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم از این آیه سؤال کردم «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» در جواب فرمود «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ» (1) توجه نمی کنی به کسانی که به ایشان مختصری از علم کتاب داده شده، ایمان به جبت و طاغوت دارند فرمود: منظور فلان و فلان است «وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هُؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» (2)

فرمود: پیشوایان گمراه و دعوت کنندگان به جهنم. آیا این ها راه را بهتر از آل محمد (صلی الله علیه و آله) و دوستانشان تشخیص داده اند؟ «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا، أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ» (3) این ها را خدا لعنت نموده و هرکه مورد لعن خدا قرار گیرد یاوری ندارد آیا برای آن ها (4)

بهره ای از مُلک هست منظور از این مُلک امامت و خلافت است «فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ تَقِيرًا» (5) به مردم به اندازه

ص: 308

1- . النساء آية 51

2- . النساء آية 51

3- . النساء آية 52 و 53

4- [4] آیا برای کسانی که به دروغ ادعای امامت و خلافت دارند بهره ای از امامت هست و این عده آنقدر بخیل هستند که حتی به اندازه هسته خرمایی و یا حتی کمتر حاضر نیستند به دیگران چیزی ببخشند.

5- . النساء آية 53

نقطه ای که در وسط دانه خرما است نمی دهند فرمود: ما آن مردمی هستیم که در این آیه منظور شده «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (1)

فرمود: به ما رشک می برند برای نعمتی که به ما عنایت نموده که عبارت از امامت است. (2)

حدیث 36: مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» مَا ذَلِكَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ قَالَ فَرَضَ الطَّاعَةَ وَ مِنْ ذَلِكَ طَاعَةُ جَهَنَّمَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا هِشَامُ

حدیث 36: هشام بن حکم گفت: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (3) منظور از مُلْكُ عَظِيمٌ در آیه چیست فرمود: وجوب اطاعت از ائمه (علیهم السلام) و از همین مُلْكُ عَظِيمٌ است اطاعت کردن جهنم از ائمه (علیهم السلام) در قیامت. (4)

حدیث 37: الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرِ الْأَشَدِّ عَرِيٌّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

فَكَانَ جَوَابَهُ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجَنَّةِ وَالطَّاعُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» يَقُولُونَ لِأَيِّمَةِ الضَّلَالَةِ وَالدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) سَبِيلًا أَوْلِيكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا أَمْ لَهُمْ نَصِيرٌ مِنَ الْمُلْكِ يَعْنِي الْإِمَامَةَ وَ الْخِلَافَةَ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ تَقِيرًا نَحْنُ النَّاسُ الَّذِينَ عَنِ اللَّهِ وَ التَّقِيرُ التَّقِطَةُ الَّتِي فِي وَسْطِ النَّوَاةِ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ

ص: 309

1- . النساء آية 54

2- [2] تفسير العياشي ج 1 ص 246 [سورة النساء(4): الآيات 51 الى 59]

3- . النساء آية 54

4- [4] بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 35 باب 17 باب في أئمة آل محمد ع وأن الله تعالى أوجب طاعتهم و مودتهم و هم المحسودون على ما آتاهم الله من فضله ح 1

فَصَّ لِهِنَّ نَحْنُ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ عَلَى مَا آتَانَا اللَّهُ مِنَ الْإِمَامَةِ دُونَ خَلْقِ اللَّهِ أَجْمَعِينَ «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» يَقُولُ جَعَلْنَا مِنْهُمْ الرُّسُلَ وَالْأَنْبِيَاءَ وَالْأَنْبِيَاءَ فَكَيْفَ يُقْرُونَ بِهِ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) وَيُنْكِرُونَهُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا.

حدیث 37: برید عجللی گوید: از امام باقر (علیه السلام) تفسیر قول خدای عزوجل را «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (1) اطاعت کنید از خدا و اطاعت کنید رسول و صاحبان امر را پرسیدم، جوابش این بود که «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» (2) آیا نگاه نکنی به آن کسانی که بهره ای از کتاب به آن ها داده شد و به جبت و طاغوت می گروند و می گویند درباره آن کسانی که کافرند، اینان راهبرترند از مسلمانان که ایمان آوردند این مردم گمراه درباره پیشوایان ضلالت و دلالتان دوزخ می گویند که راهبرترند از خاندان محمد (صلى الله عليه و آله)، «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ» (3) آن هایند کسانی که خداوند لعنتشان کرده و هر که را خدا لعنت کرد دیگر یآوری برایش نخواهی یافت آیا آن ها سهمی در حکومت دارند که چنین داوری کنند؟ مقصود از مُلک خلافت و امامت است (مقصود اینست که گروهی که لعنت شدند بهره ای از امامت و خلافت ندارند زیرا این منصب تنها به محمد (صلى الله عليه و آله) و آل محمد (صلى الله عليه و آله) اختصاص دارد) «فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا» (4) ما هستیم مردمی که خداوند محبوب دانسته و نقیر نقطه ای است که میان هسته خرما است «أَمْ

يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (5) یا بلکه به مردم حسد برند نسبت بدان چه خدا از فضل خود به آن ها داده ما هستیم مردمی که به ما حسد برند نسبت

ص: 310

- 1- . سوره نساء آیه 59
- 2- . سوره نساء آیه 51
- 3- . سوره نساء آیه 52 و 53
- 4- . سوره نساء آیه 53
- 5- . سوره نساء آیه 54

به آن مقام امامتی که خدا به ما داده و به مردم دیگر نداده، «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (1) محققاً به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آن ها مُلک بزرگی ارزانی داشتیم می فرماید: از این خاندان رسولان و پیغمبران و امامان مقرر نمودیم، چطور از خاندان ابراهیم (علیه السلام) به این حقیقت اعتراف دارند و در خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) منکر آند؟ «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا» (2) برخی بدان ایمان آرد و برخی دیگر از آن رو برگرداند، دوزخ برای آتش گرفتن آن ها بس است به راستی آن کسانی که به آیات ما کافر شدند در آینده آن ها را در آتشی اندازیم که هر آن گاه پوستشان سخت و آخته شد پوست دیگر به آن ها بدهیم تا بخوبی مزه عذاب را بچشند، زیرا خداوند عزیز و حکیم است. (3)

در این آیه شریفه اطاعت صاحبان امر (علیهم السلام) همچون اطاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار داده شده و اطاعت از هر دو به طور مطلق و بی چون و چرا بر مردم واجب شده.

امام مفترض الطاعة است

حدیث 38: مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ نَصْرِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُنكَرُونَ الْإِمَامَ الْمُفْتَرَضَ الطَّاعَةَ وَ يَجْحَدُونَ بِهِ وَ اللَّهُ مَا فِي الْأَرْضِ مَنْزِلَةٌ أَعْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مُفْتَرَضِ الطَّاعَةِ فَقَدْ كَانَ إِبْرَاهِيمَ دَهْرًا يَنْزِلُ عَلَيْهِ الْأَمْرُ مِنَ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مُفْتَرَضَ الطَّاعَةِ حَتَّىٰ بَدَأَ لِلَّهِ أَنْ يُكْرِمَهُ وَ يُعَظِّمَهُ فَقَالَ «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» فَعَرَفَ إِبْرَاهِيمَ مَا فِيهَا مِنَ الْفَضْلِ فَ قَالَ «وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي»

فَقَالَ «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

ص: 311

1- . سورة نساء آیه 54

2- . سورة نساء آیه 55 و 56

3- . الكافي ج 1 ص 205 كتاب الحجّة باب أنّ الأئمة ع ولاة الأمر و هم الناس المحسودون الذين ذكرهم الله عزّ و جلّ ح 1

حدیث 38: امام صادق (علیه السلام) فرمود: منکر امام مفترض الطاعة می شوند و از او کناره می گیرند به خدا قسم! در روی زمین مقامی بالاتر از مفترض الطاعة بودن نیست ابراهیم (علیه السلام) مدت ها بود که از طرف خدا به او وحی می شد ولی مفترض الطاعة (اطاعتش فرض و واجب باشد) نبود تا بالاخره خداوند خواست او را گرامی بدارد و عظمت بخشید فرمود «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» ابراهیم (علیه السلام) فهمید چه مقامی به او عنایت شده به خداوند متعال عرضه داشت «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» آیا در فرزندان من نیز هست خداوند فرمود «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» متعهد این مقام ستمگران نمی شوند آن گاه امام (علیه السلام) فرمود: خداوند تصریح کرد که این مقام شایسته ذریه توست نه دیگران که ستمگرند. (1)

معاني الأخبار سُمِّيَ الْإِمَامُ إِمَامًا لِأَنَّهُ قُدْوَةٌ لِلنَّاسِ مَنْصُوبٌ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ عَلَى الْعِبَادِ

شیخ صدوق در معانی امام (علیه السلام) را امام نامیده اند چون پیشوای مردم است و از سوی خدای تعالی منصوب شده و اطاعتش بر بندگان فرض و واجب است. (2) این گونه باید از امام اطاعت نمود

حدیث 39: حَدَّثَ إِبْرَاهِيمُ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ مَأْمُونِ الرَّقِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ سَيِّدِي الصَّادِقِ (علیه السلام) إِذْ دَخَلَ سَهْلُ بْنُ الْحَسَنِ الْخُرَاسَانِيُّ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسَ

ص: 312

1- [1] بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 509 باب 18 باب النوادر في الأئمة ع و أعاجيبهم ح 12

2- [2] معاني الأخبار ص 64 باب معاني أسماء محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و الأئمة ع ذیل ح 17

فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَكُمْ الرَّأْفَةُ وَالرَّحْمَةُ وَأَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْإِمَامَةِ مَا الَّذِي يَمْنَعُكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ حَقٌّ تَقْعُدُ عَنْهُ وَ أَنْتَ تَجِدُ مِنْ شَيْعَتِكَ مِائَةَ أَلْفٍ يَصْدُرُونَ بَيْنَ يَدَيْكَ بِالسَّيْفِ فَقَالَ لَهُ اجْلِسْ يَا خُرَّاسَانِي رَعَى اللَّهُ حَقَّكَ ثُمَّ قَالَ يَا حَنِيفَةَ اسْجُرِي التَّنُورَ فَسَجَرْتُهُ حَتَّى صَارَ كَالْجَمْرَةِ وَ ابْيَضَّ عُلُوهُ ثُمَّ قَالَ يَا خُرَّاسَانِي قُمْ فَاجْلِسْ فِي التَّنُورِ فَقَالَ الْخُرَّاسَانِي يَا سَيِّدِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا تُعَذِّبْنِي بِالنَّارِ أَقْلِنِي أَقَالَكَ اللَّهُ قَالَ فَدُ أَقْلَيْتُكَ فَبَيْنَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ هَارُونَ الْمَكِّيَّ وَ نَعَلُهُ فِي سَدِّ بَابَتِهِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ (عليه السلام) أَلْقِ النَّعْلَ مِنْ يَدِكَ وَ اجْلِسْ فِي التَّنُورِ قَالَ فَالْقَى النَّعْلَ مِنْ سَدِّ بَابَتِهِ ثُمَّ جَلَسَ فِي التَّنُورِ وَ أَقْبَلَ الْإِمَامَ (عليه السلام) يُحَدِّثُ الْخُرَّاسَانِيَّ حَدِيثَ خُرَّاسَانَ حَتَّى كَانَهُ شَاهِدًا لَهَا ثُمَّ قَالَ يَا خُرَّاسَانِي وَ انْظُرْ مَا فِي التَّنُورِ قَالَ فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَرَأَيْتُهُ مُتْرَبِعًا فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَ سَلَّمَ عَلَيْنَا فَقَالَ لَهُ الْإِمَامُ (عليه السلام) كَمْ تَجِدُ بِخُرَّاسَانَ مِثْلَ هَذَا فَقَالَ وَاللَّهِ وَ لَا وَاحِدًا فَقَالَ لَا وَ اللَّهُ وَ لَا وَاحِدًا فَقَالَ أَمَا إِنَّا لَا نَخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَا نَجِدُ فِيهِ خَمْسَةَ مُعَاضِدِينَ لَنَا نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ

حدیث 39: مأمون رقی می گوید: خدمت حضرت صادق (علیه السلام) بودم که سهل بن حسن خراسانی وارد شده سلام کرده و نشست و عرض کرد: ای پسر رسول خدا (صلى الله عليه وآله)! چقدر شما رئوف و مهربانید، شما امام بر ما می باشید، چرا دفاع از حق خود نمی کنید با این که بیش از صد هزار شیعه شمشیرزن دارید؟ آن حضرت فرمودند: ای خراسانی! بنشین، خداوند به تو رحم نموده و مراعات حالت را بنماید.

سپس به کنیزی به نام حنیفه فرمودند: تنور را روشن کن، تنور پس از مدتی افروخته شد به طوری که یکپارچه آتش گردید و قسمت بالای آن سفید شد بعد رو به مرد

خراسانی نموده و فرمودند: برو بنشین داخل تنور، مرد خراسانی شروع به التماس نموده و گفت: ای پسر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) مرا به آتش مسوزان، از جرم من در گذر، خدا از تو بگذرد. حضرت فرمودند: تو را بخشیدم. در همین موقع هارون مکی وارد شد و در حالی که کفش خود را به انگشت گرفته بود عرضه داشت: سلام بر تو ای پسر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) امام فرمودند: کفش هایت را از دست بیانداز و برو داخل تنور بنشین، پس او کفش ها را انداخته و داخل تنور نشست. امام(علیه السلام) شروع کردند با مرد خراسانی صحبت کردن در مورد جریان های خراسان به طوری که گویا سابقاً در خراسان بوده اند، بعد فرمودند: ای خراسانی! بین در تنور چه خبر است! مرد خراسانی به جانب تنور رفت و دید که او چهار زانو در تنور نشسته، پس از تنور خارج شده و به ما سلام کرد، امام(علیه السلام) فرمودند: از این ها در خراسان چند نفر پیدا می شود؟ عرضه داشت: به خدا قسم! یک نفر هم پیدا نمی شود، نه به خدا یک نفر پیدا نمی شود. حضرت فرمودند: ما تا زمانی که پنج نفر یاور نداشته باشیم قیام نخواهیم کرد، ما خودمان موقعیت مناسب را بهتر می دانیم. (1)

ملانکه مقرب تحت فرمان ائمه اطهار

حدیث 40: أَقُولُ قَالَ الشَّيْخُ حَسَنُ بْنُ سَلِيمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِ الْمُحْتَصَرِّ، رَوَى بَعْضُ عُلَمَاءِ الْإِمَامِيَّةِ فِي كِتَابِ مَنْهَجِ التَّحْقِيقِ إِلَى سَوَاءِ الطَّرِيقِ بِإِسْمِ نَادِهِ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ:.... قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ):... وَالَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمَدٍ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ رَامَ أَنْ يُزُولَ مِنْ مَكَانِهِ بِقَدْرِ نَفْسٍ وَاحِدٍ لَمَا زَالَ حَتَّى آذَنَ لَهُ وَكَذَلِكَ يَصِيرُ حَالُ وِلْدَانِ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَبَعْدَهُ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَتَسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ

ص: 314

حدیث 40: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حدیثی زیبا می فرمایند: قسم به خدائی که آسمان را بدون پایه و ستون بالا برده، اگر مملکی از ملانکه، قصد جا به جایی S به اندازه نفسی R از مکانی به مکان دیگر را داشته باشد هرگز بدون اذن من نمی تواند چنین کند و این امر برای فرزندانم حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و فرزندان از نسل او که نهمین ایشان قیام کننده آن هاست نیز می باشد. (1)

حدیث 41: أَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ... فَقَالَ يَا مَلِكُ الْمَوْتِ قَالَ لَبَّيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ قَالَ أَلَسْتَ أُمِرْتَ بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ لَنَا قَالَ بَلَى

حدیث 41: امام صادق (علیه السلام) عزرائیل (علیه السلام) را صدا نمودند، و او در جواب آن حضرت گفت: آماده ام ای امام! پس حضرت فرمودند: آیا تو به حرف شنوی و اطاعت از ما امر نشده ای؟ عزرائیل (علیه السلام) عرضه داشت: بله امر شده ام. (2)

اطاعت از امام (علیه السلام) موجب سعادت و سرپیچی از آن عامل هلاکت

وَمَا رُوِيَ عَنْ أَبِي عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ الْعَمْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبْرِيِّ: ... وَ تَبَيَّنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ فَبِإِذْنِكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ

در دعای زمان غیبت می خوانیم: خدایا! قدم مرا بر اطاعت از ولی امرت که او را از دیدگان مخلوقات مخفی نموده ای و به اذن تو غایب گردیده ثابت بدار. (3)

ص: 315

1- . مدينة معاجز ج 1 ص 554 باب الثلاثون و مائتان السحابتان اللتان ركب إحداهما و أركب غيره الا-خرى، و ما في ذلك من المعجزات

2- . الخرائج: ج 1 ص 295 الباب السابع في معجزات الإمام جعفر الصادق ح 2.

3- . كمال الدين و تمام النعمة ج 2 ص 512 باب 45 باب ذكر التوقيعات الواردة عن القائم ح 43.

حدیث 42: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْخَشَابِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ رَبِيعِ الْمُسَدِّبِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ فَلْيَقُلِ الْقَوْلَ مِنِّي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ قَوْلَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فِيمَا أَسْرُوا وَ مَا أَعْلَنُوا وَ فِيمَا بَلَّغْنِي عَنْهُمْ وَ فِيمَا لَمْ يَبْلُغْنِي.

حدیث 42: و بر این مطلب روایتی که در کتاب کافی از یحیی بن زکریا نقل شده، دلالت می کند. می گوید: از امام صادق(علیه السلام) شنیدم که فرمود: کسی که دوست دارد ایمان او کامل گردد، باید بگوید: گفته من درباره همه چیز همان فرمایش آل محمد(صلی الله علیه و آله) است در آن چه پنهان کرده اند و آن چه اظهار نموده اند، و در آن چه از ایشان به من رسیده یا نرسیده است. (1)

حدیث 43: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) اَعْلَمُوا أَنَّ صُحْبَةَ الْعَالِمِ وَ اتِّبَاعَهُ دِينٌ يُدَانُ اللَّهُ بِهِ وَ طَاعَتُهُ مَكْسَبَةٌ لِلْحَسَنَاتِ مَمْحَاةٌ لِلْسَيِّئَاتِ وَ ذَخِيرَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رِفْعَةٌ فِيهِمْ فِي حَيَاتِهِمْ وَ جَمِيلٌ بَعْدَ مَمَاتِهِمْ

حدیث 43: امیر المؤمنین(علیه السلام) فرمود: همنشینی با عالم (امام(علیه السلام)) و پیروی از او دینی است که خدا به وسیله آن دینداری و پرستش شود و اطاعت عالم موجب بدست آمدن حسنات و محو گناهانست و برای مؤمنین ذخیره ای است و در زمان حیات مایه سربلندی و پس از مرگ موجب ذکر خیر است. (2)

ص: 316

1- . الكافي: ج 1 ص 391 باب التسليم و فضل المسلمين ح 6.

2- [1]. الكافي ج 1 ص 188 بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَئِمَّةِ ح 14

حدیث 44: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ أَبْوَابُ الْخَيْرِ السَّمْعُ الْمَطِيعُ لَا حُجَّةَ عَلَيْهِ وَالسَّمْعُ الْعَاصِي لَا حُجَّةَ لَهُ وَإِمَامُ الْمُسْلِمِينَ تَمَّتْ حُجَّتُهُ وَاحْتِجَاجُهُ يَوْمَ يَلْقَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»

حدیث 44: عبد الاعلی گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: شنیدن و اطاعت نمودن از درهای خیر است، بر کسی که بشنود و فرمانبرد حجتی نیست، و آنکه بشنود و نافرمانی کند حجت و عذری ندارد و امام مسلمین در روزی که خدای عز و جل را ملاقات کند حجت و احتیاجش تمامست (زیرا او امام به حق است و در تبلیغ هم کوتاهی نکرده است) سپس فرمود: خدای تبارک و تعالی می فرماید «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (1) روزی که هر گروهی را به امامشان می خوانیم. (2)

در همه حالات باید تسلیم امر امام (علیه السلام) بود

فی زیارة الجامعه: وَ مَقْدَمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِزَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي ذر زیارت جامعہ کبیرہ آمده است: من شما اهل بیت (علیهم اسلام) را در همه حالات و امور، برخواسته ها و حاجت ها و تصمیم های خویش مقدم می دارم. (3)

ص: 317

1- [2] الاسراء آية 71

2- [3] الكافي ج 1 ص 189 بَابُ فَرْضِ طَاعَةِ الْأَئِمَّةِ ح 17

3- . من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 614. باب زيارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأَئِمَّةِ

حديث 45: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فُرَاتِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبَحَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ... وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَامُنَا وَخُدَامُ مَحَبِّينَا

حديث 45: رسول خدا (صلى الله عليه وآله): به درستی که ملائکه الهی خادمان ما و خادمان دوستان ما هستند. (1)

عالم هستی مطیع امر امام (عليه السلام) حديث 46: وَجَدْتُ فِي كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ شَادَانَ بْنِ نُعَيْمٍ بِخَطِّهِ، رَوَى عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ، أَنَّهُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ... فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَاللَّهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ أَمَرَهُ بِالطَّاعَةِ لَنَا

حديث 46: امام حسين (عليه السلام): به خدا قسم! که خداوند هیچ چیزی را خلق نکرد، مگر این که او را به اطاعت از ما امر نمود. (2)

ص: 318

1- . علل الشرائع: ج 1 ص 5 باب 7 العلة التي من أجلها صارت الأنبياء و الرسل و الحجج ص أفضل من الملائكة ح 1.

2- . مناقب ال أبي طالب: ج 4 ص 51. باب في إمامة أبي عبد الله الحسين، فصل في معجزاته، رجال الكشي إختيار معرفة الرجال ص 88 باب عبد الله بن شداد [بن] الهاد ح 141، بحار الأنوار ج 44 ص 183 باب 25 معجزاته صلوات الله عليه ح 9

حدیث 47: عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ مُعْنَعًا عَنِ ابْنِ نُبَاتَةَ وَذَكَرَ الْخَبَرَ بِتَمَامِهِ إِلَى قَوْلِهِ وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ قَالَ فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَلَا يَتَنَا وَفَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَإِنَّهُمْ «عَنِ الصُّرَاطِ لَنَا كِبُونَ» فَلَا سِوَاءَ مَنْ اعْتَصَمَ [اعْتَصَمَ] بِهِ الْمُعْتَصِمُونَ لَا سِوَاءَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِ النَّاسُ وَلَا سِوَاءَ حَيْثُ ذَهَبَ مَنْ ذَهَبَ فَإِنَّمَا ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى عُيُونٍ كَدِرَةٍ يُفْرَغُ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ وَذَهَبَ مَنْ ذَهَبَ إِلَيْنَا إِلَى عُيُونٍ صَافِيَةٍ تَجْرِي عَلَيْهِمْ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى وَلَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا نَقَادَ.

حدیث 47: در تفسیر فرات تا آنجا که می فرماید «عَنِ الصُّرَاطِ لَنَا كِبُونَ» (1) نقل شده آنگاه اضافه می نماید که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: برابر نیستند هرکدام از هر راه بروند و به هر راهی چنگ بزنند مردم آلوده پناه به چشمه ای کدر و تیره آورده اند که درهم آمیخته است اما کسانی که رو به ما آورند رو به چشمه ای صاف آورده اند که آب گوارائی برای آن ها می جوشد بی آنکه تمام شود و پایان پذیرد... (2) شفاعت شامل این گروه می شود

حدیث 48: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَيْسَى بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ وَرَجُلٌ يَسْأَلُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا» قَالَ لَا يَنَالُ شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ بِطَاعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا وَعَمَلًا فِيهِمْ

ص: 319

1- [2] المومنون آية 74

2- [3] تفسیر فرات الکوفی ص 143 [سورة الأعراف (7): آية 46] ح 174

فَحَيِّي عَلَى مَوَدَّتِهِمْ وَ مَاتَ عَلَيْهَا فَرَضِي اللَّهُ قَوْلُهُ وَ عَمَلُهُ فِيهِمْ ثُمَّ قَالَ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا لَأَلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) كَذَا نَزَلَتْ

حدیث 48: عیسی بن داود از آقا موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل کرده که مردی از آن جناب، معنی این آیه را پرسید «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا» (1)

فرمود: به شفاعت آل محمد (صلى الله عليه و آله) روز قیامت نمی رسد مگر کسی که به او اجازه داده اند به فرمانبرداری آل محمد (صلى الله عليه و آله) و از نظر گفتار و کردار در راه آن ها پسندیده باشد بر مودت آن ها زندگی کند و بر همان طریق بمیرد و خدا از کردار و گفتار آن ها راضی باشد... (2)

ائمه اطهار مفترض الطاعة

معانی الأخبار سَمِّيَ الْإِمَامُ إِمَامًا لِأَنَّهُ قُدْوَةٌ لِلنَّاسِ مَنْصُوبٌ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ عَلَى الْعِبَادِ وَ شَيْخُ صَدُوقٍ فِي كِتَابِ مَعَانِي الْأَخْبَارِ مِي گويد: امام (علیه السلام) به آن جهت امام نامیده می شود که مقتدای مردم است و از سوی خدای تعالی منصوب شده و اطاعتش بر بندگان فرض و واجب است.

اعتقاد شیعیان در مساله امامت

اعْتِقَادُنَا أَنَّ حُجَجَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خَلْقِهِ بَعْدَ نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) الْأَيُّمَةُ الْإِثْنَا عَشَرَ أَوْلُهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) ثُمَّ الْحَسَنُ (علیه السلام) ثُمَّ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) ثُمَّ

ص: 320

1- [1] طه آیه 109

2- [2] تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 312 [سورة طه (20): الآيات 109 الى 112]

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام) ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ (عليه السلام) صَاحِبُ الزَّمَانِ وَخَلِيفَةُ الرَّحْمَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَاعْتِقَادُنَا فِيهِمْ أَنَّهُمْ أَوْلُو الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِمْ وَاتَّهَمُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ وَاتَّهَمُ أَبْوَابُ اللَّهِ وَالسَّبِيلُ إِلَيْهِ وَالْأَدِلَّةُ عَلَيْهِمْ وَاتَّهَمُ عِيَّةُ عِلْمِهِ وَتَرَاجِمَةُ وَحْيِهِ وَأَزْكَانُ تَوْحِيدِهِ وَاتَّهَمُ مَعْصُومُونَ مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَالِ وَاتَّهَمُ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً وَأَنَّ لَهُمُ الْمُعْجِزَاتِ وَالْدَّلَائِلَ وَاتَّهَمُ أَمَانَ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ التُّجُومَ أَمَانَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَأَنَّ مِثْلَهُمْ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كَمِثْلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ نَجَا وَكَتَابِ حِطَّةٍ وَاتَّهَمُ عِبَادُ اللَّهِ الْمُكْرَمُونَ الَّذِينَ «لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ يَعْمَلُونَ» (1) وَنَعْتَقِدُ أَنَّ حُبَّهُمْ إِيْمَانٌ وَبُغْضَهُمْ كُفْرٌ وَأَنَّ أَمْرَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَنَهْيُهُمْ نَهْيُهُ وَطَاعَتُهُمْ طَاعَتُهُ وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتُهُ وَوَلِيُّ اللَّهِ وَلِيُّهُمْ وَعَدُوُّ اللَّهِ عَدُوُّهُمْ وَنَعْتَقِدُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى الْخَلْقِ ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ وَنَعْتَقِدُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتَهُ عَلَى عِبَادِهِ فِي زَمَانِنَا هَذَا هُوَ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ ابْنُ الْحَسَنِ وَأَنَّهُ هُوَ الَّذِي أَخْبَرَ بِهِ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِاسْمِهِ وَنَسَبِهِ وَأَنَّهُ هُوَ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلُمًا وَجَوْرًا وَأَنَّهُ هُوَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ دِينَهُ «عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (2) وَأَنَّهُ هُوَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَكَانٌ إِلَّا يُنَادَى فِيهِ بِالْأَذَانِ «وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (3)

ص: 321

1- . الانبياء آية 27

2- . التوبة آية 33

3- . الانفال آية 39

وَ أَنَّهُ هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي أَخْبَرَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) بِهِ أَنَّهُ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ (عليه السلام) فَصَلَّى خَلْفَهُ وَ يَكُونُ إِذَا صَلَّى خَلْفَهُ مُصَلِّياً خَلَفَ رَسُولَ اللَّهِ لِأَنَّ خَلِيفَتَهُ وَ نَعْتِدُ أَنْ لَا يَكُونُ الْقَائِمُ غَيْرَهُ بَاقٍ فِي عَيْبَتِهِ لِأَنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) وَ الْأَيْمَةَ بِاسْمِهِ وَ نَسَبِهِ نَصُّوا وَ بِهِ بَشَّرُوا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

اعتقادات صدوق: اعتقاد ما اینست که حجت های خدا بر مردم پس از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) ائمه اثنی عشرند که اول آن ها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) سپس امام حسن (علیه السلام) و بعد امام حسین (علیه السلام) بعد علی بن الحسین (علیه السلام) سپس محمد بن علی (علیه السلام) و بعد جعفر بن محمد (علیه السلام) آنگاه موسی بن جعفر (علیه السلام) سپس علی بن موسی الرضا (علیه السلام) آنگاه محمد بن علی (علیه السلام) سپس علی بن محمد (علیه السلام) و بعد حسن بن علی (علیه السلام) پس از آن جناب حجت بن الحسن قائم منتظر (علیه السلام) صاحب الزمان و خلیفه الرحمن صلوات الله علیهم اجمعین. ما معتقدیم که آن ها اولو الامر هستند که خدا اطاعت ایشان را واجب نموده و آن ها گواه بر مردمند و ابواب الله و راه بسوی او و راهنما به سوی خدایند و گنجینه علم خدا و مترجم وحی او و ارکان توحید و معصوم از خطا و لغزشند خداوند از آن ها پلیدی را برطرف نموده و پاکیزشان کرده دارای معجزات و دلایلند و آن ها امان برای اهل زمینند چنانچه ستارگان امان اهل آسمانند مثل آن ها در این امت مانند کشتی نوح است که هر که سوار شد نجات یافت و مانند باب حطه هستند. آن ها عباد الله مکرّمند که در سخن بر خدا سبقت نمی گیرند و عامل به امر اویند. ما معتقدیم که محبت به آن ها ایمان و بغض و کینه با ایشان کفر است امر آن ها امر خدا و نهی ایشان نهی اوست، اطاعت آن ها اطاعت خدا و مخالفتشان مخالفت با خدا است دوست آن ها دوست خدا و دشمن ایشان دشمن خداست. ما معتقدیم که زمین خالی از حجت خدا بر خلق نیست یا آشکار و یا ترسان و پنهان و معتقدیم که حجت خدا و خلیفه او بر مردم در این زمان قائم منتظر

فرزند امام عسکری (علیه السلام) است، او همان کسی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اطلاع داده با نام و نسبش و او زمین را پر از قسط و داد می کند چنانچه پر از ظلم و جور شده او کسی است که خداوند به وسیله اش دین خود را بر تمام ادیان پیروز می نماید گرچه مشرکین ناراضی باشند. به دست او فتح می شود شرق و غرب زمین به طوری که جایی در روی زمین باقی نمی ماند که صدای اذان در آن بلند نشود و دین اختصاص به خدا می یابد او مهدی (علیه السلام) است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) خبر داده پس از ظهور او عیسی بن مریم (علیه السلام) فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند کسی که پشت سر او نماز بخواند چنان است که پشت سر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز خوانده چون جانشین اوست. معتقدیم که جز او دیگری قائم نیست و او در غیبت خود باقی است زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) تصریح به نام و نسبش نموده اند و بشارت و جودش را داده اند. (1) خصوصیات مغبوض ترین مردم نزد خدا

حدیث 49: ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ: وَإِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يُقْتَدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَلَا يُقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ.

حدیث 49: امام سجاد (علیه السلام): مغبوض ترین مردم نزد خداوند کسی است که خود را پیرو روش امامی بداند ولی از رفتار و کردار او پیروی نکند. (2)

ص: 323

1- . اعتقادات الإمامیه (للصدوق) ص 94 [35] باب الاعتقاد في عدد الأنبياء والأوصياء

2- . الكافي: ج 8 ص 234 حدیث القباب ح 312.

حدیث 50: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سَدِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه

السلام) إِنِّي تَرَكْتُ مَوَالِيكَ مُخْتَلِفِينَ يَتَبَرَّأُ بَعْضُهُمْ

مِنْ بَعْضٍ قَالَ فَقَالَ وَمَا أَنْتَ وَذَلِكَ إِنَّمَا كُفِّ النَّاسُ ثَلَاثَةَ مَعْرِفَةٍ

الْأَيْمَةَ وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَالرَّدَّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ.

حدیث 50: سدير گوید: به امام باقر (عليه السلام) عرضه داشتم: من دوستان شما را در حالی ترك گفتم (و بسوی شما آمدم) كه اختلاف داشتند و از يك ديگر بيزاری می جستند، فرمود: تو را با وضع آنها چكار؟ همانا مردم سه تكليف دارند: شناختن انمه (عليهم اسلام) و تسلیم بودن در برابر آنها و ارجاع اختلافات خود را به ایشان. (1)

حدیث 51: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْكَاهِلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه

السلام) لَوْ أَنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَحَجَّوْا الْبَيْتَ وَصَامُوا شَهْرَ رَمَضَانَ ثُمَّ قَالُوا لِيَشِيءَ صَنَعَهُ اللَّهُ أَوْ صَنَعَهُ رَسُولُ اللَّهِ إِلَّا صَنَعَ خِلَافَ الَّذِي صَنَعَ أَوْ وَجَدُوا ذَلِكَ فِي قُلُوبِهِمْ لَكَانُوا بِذَلِكَ مُشْرِكِينَ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «فَلَا

وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ.

حدیث 51: عبد الله كاهلی گوید: امام صادق (عليه السلام) فرمود: اگر مردمی خدای یگانه و بی شريك را بپرستند و نماز را بر پا دارند و زكاه را بپردازند و به حج خانه

ص: 324

کعبه روند و ماه رمضان را روزه دارند و سپس در باره (حکم) خدا و رسولش بگویند چرا چنین نکرده و چنان کردند یا این را در دل خود بگذرانند به واسطه آن مشرک گردند و سپس این آیه را خوانند «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (1) نه، سوگند به پروردگارت ایمان ندارند تا تو را در باره آنچه در آن ستیزه دارند حکم سازند و در دل خود گرفتگی و نگرانی از آنچه حکم کنی نداشته باشند و به خوبی تسلیم شوند سپس امام صادق (علیه السلام) فرمود: بر شما باد به تسلیم. (2)

حدیث 52: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَىٰ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه)

السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ عِنْدَنَا رَجُلًا يُقَالُ لَهُ كَلْبٌ فَلَا يَجِيءُ عَنْكُمْ شَيْءٌ إِلَّا قَالَ أَنَا أَسَدٌ لَمْ فَسَدَ مَيْنَاهُ كَلْبٌ تَسَلِيمٌ قَالَ فَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرُونَ مَا التَّسْلِيمُ فَسَكَّنَا فَقَالَ هُوَ وَاللَّهِ الْإِخْبَاتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآخَبُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ»

حدیث 52: به ابو عبد الله صادق (علیه السلام) گفتم: در کوفه مردی هست که نام او کلب است. هر حدیثی که از جانب شما برسد، می گوید: من که تسلیم هستم. از این رونام او را کلب تسلیم، نهاده ایم. ابو عبد الله صادق (علیه السلام) فرمود: خدایش رحمت کند. سپس گفت: می دانید که معنی تسلیم چیست؟ ما ساکت مانديم. ابو عبد الله (علیه السلام) فرمود: تسلیم به معنی دل نهادن و تن دادن به فرمان است. خداوند می فرماید «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآخَبُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ» (3) آنان که ایمان دارند و کاری شایسته آخرت می کنند و گوش دل به فرمان خدا دارند، صاحبان بهشت جاویدند (4)

ص: 325

1- . النساء 65

2- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 390 بَابُ التَّسْلِيمِ وَفَضْلِ الْمُسْلِمِينَ ح 2

3- . هود 23

4- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 390 بَابُ التَّسْلِيمِ وَفَضْلِ الْمُسْلِمِينَ ح 3

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه

السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» قَالَ الْإِفْتِرَافُ التَّسْلِيمُ لَنَا وَالصِّدْقُ عَلَيْنَا وَالْأَلَّا يَكْذِبَ عَلَيْنَا.

حدیث 53: امام باقر (علیه السلام) در باره قول خدای تبارک و تعالی «وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» (1) و هر که کار نیکی انجام دهد، برای او نسبت به آن نیکی افزایش فرمود: انجام دادن کار نیک، تسلیم بودن نسبت به ما، و راست بودن با ما و اینکه بر ما دروغ نبندد.

(2) حدیث 54: أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ قَالَ هُمْ الْمُسْلِمُونَ لِأَلِّ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) الَّذِينَ إِذَا سَمِعُوا الْحَدِيثَ لَمْ يَزِيدُوا فِيهِ وَلَمْ يَنْقُصُوا مِنْهُ جَاءُوا بِهِ كَمَا سَمِعُوهُ.

حدیث 54: امام صادق (علیه السلام) راجع به قول خدای عزوجل «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (3) کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترش پیروی می کنند، فرمود: ایشان تسلیم شوندگان در برابر آل محمدند (صلى الله عليه وآله)، همان کسانی که چون حدیثی شنوند، کم و زیادش نکنند، و چنان که شنیده اند تحویل دهند. (4)

ص: 326

1- . الشوری 23

2- . الکافی کتاب الحجّة ج 1 ص 391 بَابُ التَّسْلِيمِ وَفَضْلِ الْمُسْلِمِينَ ح 4

3- . الزمر 18

4- . الکافی کتاب الحجّة ج 1 ص 391 بَابُ التَّسْلِيمِ وَفَضْلِ الْمُسْلِمِينَ ح 8

حدیث 55: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولَانِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوَّضَ إِلَى نَبِيِّهِ أَمْرَ خَلْقِهِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتْهُمْ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا».*

حدیث 55: زُرَّارَةَ گوید: من از امام باقر (عليه السلام) و امام صادق (عليه السلام) شنیدم که می فرمودند: خدای عز و جل امر خلقش را به پیغمبرش واگذار فرمود، تا ببیند چگونه اطاعت می کنند (پیغمبرش را و چون اطاعت پیغمبر بر نفوس مردم دشوارتر از اطاعت خدا است اجرش بیشتر است) سپس این آیه را تلاوت فرمود «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» (1) آنچه را رسول برای شما آورده بگیرید و از آنچه منعتان کرده باز ایستید. (2)

حدیث 56: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشَدُّ عَرِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ زُرَّارَةَ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولَانِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَوَّضَ إِلَى نَبِيِّهِ أَمْرَ خَلْقِهِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتْهُمْ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا».*

حدیث 56: زُرَّارَةَ گوید شنیدم که امام باقر (عليه السلام) و امام صادق (عليه السلام) می فرمودند: خدای تبارک و تعالی امر خلقش را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) واگذار فرمود تا ببیند چگونه اطاعت می کنند، سپس این آیه را تلاوت فرمود «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا» (3) آنچه را رسول (صلی الله علیه و آله) برای شما آورده بگیرید و از آنچه منعتان کرده باز ایستید (4)

ص: 327

1- . الحشر 7

2- . الكافي كتاب الحجة ج 1 ص 266 بَابُ التَّفْوِيضِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِلَى الْأَيْمَةِ ع فِي أَمْرِ الدِّينِ ح 3

3- . [3] الحشر آية 7

4- . الكافي كتاب الحجة ج 1 ص 267 بَابُ التَّفْوِيضِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِلَى الْأَيْمَةِ ع فِي أَمْرِ الدِّينِ ح 5

حدیث 57: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ وَجَدْتُ فِي نَوَادِرِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) لَا وَاللَّهِ مَا فَوَّضَ اللَّهُ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ إِلَّا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

وَإِلَى الْأَئِمَّةِ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» وَهِيَ جَارِيَةٌ فِي الْأَوْصِيَاءِ. * حدیث 57: امام صادق (عليه السلام) فرمود: نه، به خدا سوگند که خدا امری را بخلقش واگذار نفرموده است، مگر به پیامبر (صلى الله عليه وآله) و ائمه (عليهم السلام) خدای عز و جل فرموده «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» (1) ما این کتاب را به حق و درستی بر تو نازل کردیم تا به آنچه خدایت اراده داده حکم کنی و این آیه در باره اوصیاء پیغمبر هم جاریست. (2)

حدیث 58: وَ بِإِسْمِ نَادِهِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا وَ ذَلِكَ حِينَ يَأْذُنُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ اللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ فَاتُوهُ وَ لَوْ عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خَلِيفَتِي.

حدیث 58: و بهمین اسناد از جعابی روایت کرده که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: قیامت بر پا نشود تا قائم بر حق ما قیام کند، و آن هنگامیست که خداوند او را اذن دهد، و هر که او را متابعت کند نجات یابد، و هر که از وی روی گرداند هلاک خواهد شد، خدا را، خدا را بیاد آورید، ای بندگان خدا! به سوی او روید هر چند به روی یخ و برف باشد، زیرا که او نماینده خداوند و جانشین من است. (3)

ص: 328

1- . النساء 105

2- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 268 بَابُ التَّقْوِيضِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِلَى الْأَئِمَّةِ ع فِي أَمْرِ الدِّينِ ح 8

3- [3]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 59 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 230

حدیث 1: ابن سَدِّعِدٍ عَنِ الْآزْدِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ لِفَضَّةٍ بِنْتِ تَجْلِسُونَ وَتَحَدِّثُونَ قَالَ نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا

حدیث 1: امام صادق (عليه السلام): با هم مجلس می کنید و حدیث می گوئید؟ گفت: آری قربانت شوم فرمود: من این مجالس را دوست دارم، ای فضیل! امر ما را زنده دارید، خدا رحمت کند هر که امر ما را زنده دارد. (1)

حدیث 3: ابْنُ شَيْخِ الطَّائِفَةِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفَيْدِ عَنِ ابْنِ قُؤُولِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِدَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ يَا دَاوُدُ أبلغ مَوَالِيَّ مِنِّي السَّلَامَ وَأَنِّي أَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذَاكَرَ أَمْرَنَا فَإِنَّ ثَالِثَهُمَا مَلَكَ يَسْتَعْفِرُ لَهُمَا وَمَا اجْتَمَعْتُمْ فَاشْتِغَلُوا بِالذِّكْرِ فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَمُذَاكِرَتِكُمْ إِحْيَاءً لِأَمْرِنَا وَخَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا وَعَادَ إِلَى ذِكْرِنَا

حدیث 3: امام صادق (عليه السلام) به داود بن سرحان می فرمود: ای داود به دوستانم سلام مرا برسان و این که من می گویم: رحمت کند خدا بنده ای را که با دیگری همراه شود، و امر ما را گفتگو کنند که سومی آنان فرشته ای است که برای هر دو آمرزش خواهد، و هر جا گرد آئید و به یاد ما مشغول شوید گرد آمدن و گفتگوی شما امر ما را زنده می دارد، و بهتر مردم پس از ما کسی است که مذاکره کند در امر ما و باز گردد به یاد کردن ما. (2)

ص: 330

1- . قرب الإسناد ص 36 احادیث متفرقة ح 117

2- . بشارة المصطفى لشيعة المرتضى ج 2 ص 110 سلام الصادق (ع) على مواليه و وصيته لهم بالاجتماع و المذاكرة في أمرهم.

حدیث 4:

وَبِهَذَا إِسْمَ نَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَحْفُوظٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) يَقُولُ لَيْسَ شَيْءٌ أَنْكَى لِإِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ مِنْ زِيَارَةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ قَالَ وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَلْتَقِيَانِ فَيَذْكُرَانِ اللَّهَ ثُمَّ يَذْكُرَانِ فَضْلَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام) فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ إِبْلِيسَ مُضِدَّةٌ لَحْمٍ إِلَّا تَخَدَّدَ حَتَّىٰ إِنَّ رُوحَهُ لَتَسَدُّ تَغِيثٌ مِنْ شِدَّةِ مَا يَجِدُ مِنَ الْأَلَمِ فَتَحَسُّ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَخُزَّانُ الْجَنَانِ فَيَلْعَنُونَهُ حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ إِلَّا لَعَنَهُ فَيَقَعُ حَاسِبًا حَسِيرًا مَدْحُورًا.

حدیث 4: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هیچ چیزی برای ابلیس و لشکر او کشنده تر از زیارت برادران ایمانی نیست وقتی دو نفر مؤمن یکدیگر را ملاقات کرده و خدا را یاد می کنند و فضائل ما اهل بیت (علیهم السلام) را گفتگو می نمایند گوشتی بر چهره شیطان نمی ماند مگر این که می ریزد تا آن که روح او از شدت درد به فریاد می آید، فرشتگان آسمان و خزانه داران بهشت آن را احساس کرده و او را لعنت می کنند و هیچ فرشته مقربی نمی ماند مگر این که او را لعنت نماید. (1)

ارزش والای انتشار امر اهل بیت (علیهم السلام) حدیث 5: قال الرسول (صلی الله علیه و آله): حَرَضِ النَّاسَ عَلَىٰ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِنَا

حدیث 5: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مردم را بر مهر و محبت خاندان ما تشویق و ترغیب نماید. (2)

ص: 331

1- . الكافي ج 2 ص 188 بَابُ تَذَاكُرِ الْإِخْوَانِ ح 7.

2- . القطره: ج 2 ص 13.

حدیث 6: ما مِنْ عَبْدٍ يُرْشِدُ عَبْدًا وَيُدُلُّهُ عَلَى مَعْرِفَةِ أَهْلِ بَيْتِي إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكًا يَوْمَ خُرُوجِ مِنَ الْقَبْرِ يَحْمِلُهُ عَلَى جَنَاحِهِ حَتَّى يَقِفَ فِي الْمَوْقِفِ، ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ: مَنْ كَانَ يَعْرِفُ هَذَا فَلْيَأْتِهِ. قَالَ: فَيَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مَعَارِفُ-هُ ثُمَّ يَقُولُ عَزَّوَجَلَّ: اِكْسُوا كُلَّ

وَاحِدًا مِنْ حُلَلِ الْفِرْدَوْسِ وَتَوَجُّوه مِنْ تَيْجَانِ الْجَنَّةِ

حدیث 6: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هیچ بنده ای نیست که بنده ای را به سوی شناخت اهل بیت (علیهم اسلام) من راهنمایی کند جز آن که خدای تعالی فرشته ای به سوی او در آن روزی که از قبرش خارج می شود، می فرستد، فرشته او را بر روی بال خود حمل می کند تا این که در توقف گاه محشر می ایستد، آن گاه هاتقی ندا می کند: هر که این بنده را می شناسد، بیاید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: همه آن هایی که او را می شناسند جمع می شوند، آن گاه خدای متعال می فرماید: به هر کدام از اینان از لباس های فاخر بهشتی بپوشانید و بر سرشان تاج کرامت بهشتی بگذارید. (1)

یاد نمودن اهل بیت (علیهم اسلام) از مصادیق ذکر الله حدیث 7: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَذِكْرَ عَدُوِّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ.

حدیث 7: امام باقر (علیه السلام) در حدیثی بسیار زیبا و پر معنا فرمودند: همانا یاد ما، یاد خدا و یاد دشمنان ما، یاد شیطان است. (2)

حدیث 8: حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَنْصَلَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَا اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسٍ قَوْمٌ لَمْ

ص: 332

1- . القطره: ج 2 ص 13.

2- . الكافي ج 2 ص 496 باب ما يجب من ذكر الله عز و جل في كل مجلس ح 2.

يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَمْ يَذْكُرُونَا إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَذِكْرِ عَدُوَّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ.

حدیث 8: امام صادق (علیه السلام): مجلسی از مردم فراهم نگردد که در آن ذکر خدا عز و جل و ذکر ما نباشد جز اینکه این مجلس در قیامت مایه افسوس آنان گردد، سپس فرمودند: حضرت باقر (علیه السلام) فرمودند: همانا یاد نمودن ما از مصادیق ذکر الله بوده و یاد نمودن دشمنان ما یاد کردن شیطان است. (1)

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ شِيعَتُنَا الرَّحْمَاءُ بَيْنَهُمُ الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ إِنَّا إِذَا ذُكِرْنَا ذُكِرَ اللَّهُ وَإِذَا ذُكِرَ عَدُوَّنَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ.

ابن ابی حمزه گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: شیعیان ما با خود مهربانند، چون تنها باشند خدا را یاد کنند [همانا یاد ما یاد خداست] هر گاه ما یاد شویم خدا یاد شود و چون دشمن ما یاد شود، شیطان یاد شود. (2) آثار فراوان یاد نمودن ائمه اطهار (علیهم السلام)

حدیث 9: تَفْسِيرُ الْإِمَامِ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَلَا فَادْذُكُرُوا يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ مُحَمَّدًا وَآلَهُ عِنْدَ نَوَائِبِكُمْ وَشِدَائِدِكُمْ لِيَنْصُرُ اللَّهُ بِهِمْ مَلَائِكَتَكُمْ عَلَى

ص: 333

1- . الكافي ج 2 ص 496 بَابُ مَا يَجِبُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ مَجْلِسٍ ح 2.

2- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 2 ص 186 بَابُ تَذَاكَرِ الْإِخْوَانِ ح 1

الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ يَقْصِدُونَكُمْ فَإِنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَعَهُ مَلَكٌ عَنْ يَمِينِهِ يَكْتُبُ حَسَنَاتِهِ وَ مَلَكٌ عَنْ يَسَارِهِ يَكْتُبُ سَيِّئَاتِهِ وَمَعَهُ شَيْطَانَانِ مِنْ عِنْدِ
إِبْلِيسَ يُغْوِيَانِهِ فَإِذَا وَسَّوَسَا فِي قَلْبِهِ ذَكَرَ اللَّهُ وَقَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَدَّقَ لِي اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ حُسْنَ الشَّيْطَانَانِ ثُمَّ
سَارَ إِلَى إِبْلِيسَ فَشَدَّ كَوَاهُ وَقَالَ لَهُ قَدْ أَعْيَانَا أَمْرُهُ فَأَمِدِدْنَا بِالْمَرَدَةِ فَلَا يَزَالُ يُمِدُّهُمَا حَتَّى يُمِدَّهُمَا بِأَلْفِ مَارٍ فَيَأْتُونَهُ فَكَلَّمَا رَامُوهُ ذَكَرَ اللَّهُ وَ صَدَّقَ لِي
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ لَمْ يَجِدُوا عَلَيْهِ طَرِيقًا وَ لَا مَنَّةَ ذَا قَالُوا لِإِبْلِيسَ لَيْسَ لَكَ غَيْرُكَ تَبَاشَرُهُ بِجُنُودِكَ فَتَغْلِبُهُ وَ تَغْوِيَهُ فَيَقْصِدُهُ إِبْلِيسُ بِجُنُودِهِ
فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ هَذَا إِبْلِيسُ قَدْ فَصَدَ عَبْدِي فَلَانَا أَوْ أُمَّتِي فَلَانَةَ بِجُنُودِهِ أَلَا فَقَاتِلُوهُ فَيَقَاتِلُهُمْ بِإِزَاءِ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ مِنْهُمْ مِائَةَ أَلْفِ
مَلَكٍ وَ هُمْ عَلَى أَفْرَاسٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِيهِمْ سَدُّ يُوْفُّ مِنْ نَارٍ وَ رِمَاحٍ مِنْ نَارٍ وَ قِسيٍّ وَ نَشَاشِيبٍ وَ سَكَكِينٍ وَ أَسْلِحَتُهُمْ مِنْ نَارٍ فَلَا يَزَالُونَ يُخْرِجُونَهُمْ
وَ يَقْتُلُونَهُمْ بِهَا وَيَأْسِرُونَ إِبْلِيسَ فَيَصَدُّ عُونَهُ عَلَيْهِ تِلْكَ الْأَسْلِحَةُ فَيَقُولُ يَا رَبِّ وَعَدَدَكَ وَعَدَدَكَ قَدْ أَجَلَّتَنِي إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى
لِلْمَلَائِكَةِ وَعَدَدْتُهُ أَنْ لَا أُمِيتَهُ وَ لَمْ أَعِدْهُ أَنْ لَا أُسَلِّطَ عَلَيْهِ السَّلَاحَ وَ الْعَذَابَ وَ الْإِلَاحَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ ضَرْبًا بِأَسَدٍ لِحَتِّكُمْ فَإِنِّي لَا أُمِيتُهُ فَيُثْنِخُونَهُ
بِالْجِرَاحَاتِ ثُمَّ يَدْعُونَهُ فَلَا يَزَالُ سَدِّحِينَ الْعَيْنِ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَوْلَادِهِ الْمُقْتُولِينَ الْمُقْتَلِينَ وَ لَا يَدِّمِلُ شَيْءٌ مِنْ جِرَاحَاتِهِ إِلَّا بِسَمَاعِهِ أَصْوَاتِ
الْمُشْرِكِينَ بِكُفْرِهِمْ فَإِنَّ بَقِيَّ هَذَا الْمُؤْمِنِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ ذِكْرِهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ بَقِيَّ إِبْلِيسَ عَلَى تِلْكَ الْجِرَاحَاتِ وَ إِنْ زَالَ الْعَبْدُ عَنْ
ذَلِكَ وَ انْهَمَكَ فِي مُخَالَفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَعَاصِيهِ انْدَمَلَتْ

جَرَاحَاتُ إِبْلِيسَ ثُمَّ قَوِيَّ عَلَى ذَلِكَ الْعَبْدِ حَتَّى يُلْجِمَهُ وَيَسْرِجَ عَلَى ظَهْرِهِ وَيَرْكَبَهُ ثُمَّ يَنْزِلُ عَنْهُ وَيُرْكَبُ ظَهْرَهُ شَيْطَانًا مِنْ شَيْطَانِيهِ وَيَقُولُ لِأَصْحَابِهِ أَمَا تَذْكُرُونَ مَا أَصَابَنَا مِنْ شَأْنِ هَذَا ذَلَّ وَانْقَادَ لَنَا الْآنَ حَتَّى صَارَ يَرْكَبُهُ هَذَا ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُدِيمُوا عَلَى إِبْلِيسَ سُخْنَةَ عَيْنِهِ وَآلَمَ جَرَاحَاتِهِ فَدَاوُوا عَلَى طَاعَةِ

اللَّهِ وَذِكْرِهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَإِنْ زِلْتُمْ عَنْ ذَلِكَ

كُنْتُمْ أَسْرَاءَ فَيَرْكَبُ أَقْفَيْتِكُمْ بَعْضُ مَرَدَّتِهِ.

حدیث 9: و روایت دیگری در تفسیر امام عسکری (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده، که فرمود: ای امت محمد! هنگام مصائب و گرفتاری های خود محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) را به یاد آورید تا آن که به برکت ایشان خدا فرشتگان مؤکل بر شما را بر شیاطینی که شما را قصد کرده اند، یاری کند. با هر یک از شما از طرف راست او فرشته ای است که حسنات او را می نویسد و از طرف چپ فرشته ای است که گناهانش را ثبت می کند، و با او دو شیطان است از طرف ابلیس که او را گمراه می کنند، وقتی آن دو شیطان در قلب او وسوسه می کنند اگر یاد خدا کرد و ذکر شریف

سَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ R را گفت، آن دو شیطان سرکوب شده نمی توانند کاری کنند، نزد ابلیس آمده شکایت می کنند که ما خسته شدیم ما را به لشکری مدد برسان، هزار نفر برای آن ها کمک می فرستد، همین که او را قصد می کنند یاد خدا کرده و صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) می فرستد، آن ها راهی برای نفوذ پیدا نکرده و نمی توانند او را مورد حمله خود قرار دهند. به ابلیس می گویند: کسی غیر خودت حریف او نیست، تو و لشکرت به او حمله کنید تا بر او غلبه کرده و او را گمراه کنید. چون ابلیس چنین اراده کرد خداوند تبارک و تعالی به ملائکه اش فرماید: ابلیس به همراه لشکرش بنده مرا هدف گرفته اند، به کمک او شتافته

و با آن ها بجنگید. در مقابل هر شیطان مطرودی صد هزار فرشته در حالی که بر مرکب هایی از آتش سوارند و به دست آن ها شمشیرهایی از آتش، نیزه، خنجر، تیر و اسلحه هایی از آتش است، آماده نبرد شوند. فرشتگان آن ها را با این اسلحه ها پی در پی می کُشند تا این که ابلیس را اسیر کرده اسلحه را بر او قرار می دهند، می گوید: خدایا، به من وعده داده ای که تا وقت معلوم و معین مهلت داشته باشم. خداوند به فرشتگان فرماید: وعده کرده ام او را نمیرانم ولی وعده نداده ام که بر او اسلحه و عذاب و درد مسلط نکنم، شما او را با سلاح آتشین خود بزنید و من او را زنده نگاه می دارم. فرشتگان بر او جراحات های بسیار وارد کرده و رهایش می کنند، ابلیس بر حال خود و اولاد کشته شده اش در این حال متأثر و غمناک است و جراحات او را جز صدای کفر مشرکین مداوا نمی کند. اگر آن شخص مؤمن بر طاعت خدا و یاد او و درود فرستادن ادامه دهد جراحات های ابلیس برایش باقی بماند، و اگر تغییر روش دهد و در مخالفت خدا و سرپیچی از فرامین او تلاش نماید جراحات ابلیس بهبود پیدا کرده و بر این بنده تسلط پیدا کند و او را لجام نموده بر او سوار می شود، سپس به شیاطین گوید: به خاطر دارید آن چه ما از این شخص کشیدیم، حال ذلیل و رام ما گردیده، شما اکنون بر او سوار شوید. سپس پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر می خواهید جراحات ابلیس بر او باقی باشد و دائماً متأثر و غمناک گردد بر اطاعت خدا و یاد او، و صلوات بر محمد(صلی الله علیه و آله) و آل محمد(صلی الله علیه و آله) مداومت کنید، و اگر چنین نکردید اسیر ابلیس گشته و بعضی از لشکریان او بر شما سوار شوند. (1)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِحْيَاءَ لِقُلُوبِكُمْ وَ ذِكْرًا لِأَحَادِيثِنَا وَ أَحَادِيثِنَا تُعْطَفُ بِعَضْكُمُ عَلَيَّ

ص: 336

1- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 396 [دحر ابليس و أعوانه بمحمد و آله صلوات الله عليهم أجمعين:] ح 270 البرهان في تفسير القرآن ج 1 ص 274 [سورة البقرة(2): آية 89] ح 550.

بَعْضٍ فَإِنْ أَخَذْتُمْ بِهَا رَشِدْتُمْ وَ نَجَوْتُمْ وَ إِن تَرَكْتُمُوهَا ضَلَلْتُمْ وَ هَلَكْتُمْ فَخُذُوا بِهَا وَ أَنَا بِنَجَاتِكُمْ زَعِيمٌ.

امام صادق(علیه السلام): به زیارت يك دیگر روید زیرا زیارت شما از يك دیگر زنده گردانیدن دل های شما و یاد نمودن احادیث ماست، و احادیث ما شما را به هم متوجه می سازد، پس اگر به آنها عمل کنید، هدایت و نجات یابید. و اگر آنها را ترك کنید گمراه و هلاک شوید، پس به آنها عمل کنید، و من ضامن نجات شمايم. (1) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ عَبَادِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنِّي مَرَرْتُ بِقَاصِ يَقْصُ وَ هُوَ يَقُولُ هَذَا الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشَقُّ قِي بِهِ جَلِيسٌ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ أَخْطَأْتُ أَسْتَاهُمُ الْحُفْرَةَ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ سَوَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ فَإِذَا مَرُّوا بِقَوْمٍ يَذْكُرُونَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) وَ آلَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَ آلَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) فَقَالُوا قَفُوا فَقَدْ أَصَابْتُمْ حَاجَتَكُمْ فَيَجْلِسُونَ فَيَتَفَقَّهُونَ مَعَهُمْ فَإِذَا قَامُوا عَادُوا مَرْضَاهُمْ وَ شَهِدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ تَعَاهَدُوا غَائِبَهُمْ فَذَلِكَ الْمَجْلِسُ الَّذِي لَا يَشَقُّ قِي بِهِ جَلِيسٌ.

عباد بن كثير گوید: به امام صادق(علیه السلام) عرضه داشتیم: داستان سرائی را دیدم که داستان می سرود و می گفت: این است آن مجلسی که هر که در آن نشیند شقی نگردد، امام صادق(علیه السلام) فرمود: هیهات هیهات، به خطا رفتی همانا برای خدا جز کرام کاتبین فرشتگانی است سیاح که چون به مردمی برخوردند که از محمد(صلى الله عليه وآله) و آل محمد(صلى الله عليه وآله) یاد کنند، گویند: بایستید که به حاجت خود رسیدید، سپس می نشینند و با آنها دانش آموزند، و چون برخیزند از بیمارانشان عبادت کنند و بر سر مرده هایشان حاضر شوند و از غائبشان خبرگیری کنند. اینست مجلسی که هر که در آن نشیند شقی نگردد. (2)

ص: 337

1- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 2 ص 186 باب تذاكر الإخوان ح 2

2- . الكافي (ط - الإسلامية) ج 2 ص 186 باب تذاكر الإخوان ح 3

عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَالِمِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادَةَ وَذَكَرِي عِبَادَةَ وَذَكَرُ عَلِيٍّ (عليه السلام) عِبَادَةَ وَذَكَرَ الْأَيُّمَةَ (عليهم السلام) مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَةَ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّ وَصِيِّي لِأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ وَإِنَّهُ لَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَمِنْ وُلْدِهِ الْأَيُّمَةُ الْهُدَاةُ بَعْدِي بِهِمْ يَحْسِبُ اللَّهُ الْعِدَابِعْنَ أَهْلَ الْأَرْضِ وَبِهِمْ «يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (1)

وَ بِهِمْ يُمْسِكُ الْجِبَالَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَ بِهِمْ يَسْقِي خَلْقَهُ الْغَيْثَ وَ بِهِمْ يُخْرِجُ النَّبَاتَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ حَقًّا وَ خُلَفَائِي صِدْقًا عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ وَ هِيَ «اثناعشر شهراً» (2) وَ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نَقَبَاءِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (عليه السلام) ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «وَ

السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (3)

ثُمَّ قَالَ أَتَقْدِرُ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ إِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ بِالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَ يَعْنِي بِهِ السَّمَاءَ وَ بُرُوجَهَا قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله)

فَمَا ذَاكَ قَالَ أَمَّا السَّمَاءُ فَأَنَا وَ أَمَّا الْبُرُوجُ فَالْأَيُّمَةُ (عليهم السلام) بَعْدِي أَوْلُهُمْ عَلِيٌّ (عليه السلام)

وَ آخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ (عليه السلام) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. (4)

و در همان کتاب از اصبع بن نباته حدیث کند که گفت: شنیدم از ابن عباس که می گفت: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: ذکر خدا (و یاد کردن او) عبادت است و یاد کردن من عبادت است، و یاد کردن علی (عليه السلام) عبادت است، و یاد کردن امامان (عليهم السلام) از فرزندان او عبادت است، و سوگند به آنکه مرا به پیغمبری برانگیخته و بهترین مردمان قرارم داده، وصی من بهترین اوصیاء است، و به درستی که او حجت خداست بر بندگانش، و خلیفه او بر خلقش می باشد، و امامان راهنما پس از من از فرزندان او

ص: 338

1- . الحج آية 65

2- . التوبة آية 36

3- . البروج آية 1

4- . الإختصاص النص 223 باب حدیث فی الأئمة

هستند، به خاطر آنها خداوند عذاب را از اهل زمین باز دارد «يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» و به وجود ایشان آسمان را نگهدارد از اینکه جز به اذن او بر زمین فرود آید، و به سبب آنها کوه ها را نگهدارد از اینکه مردم را به اضطراب اندازد، و به برکت آنها خلقتش را به وسیله باران سیراب کند، و به واسطه ایشان گیاه را برویاند، اینان به راستی اولیای خدا و به درستیجانشینان من هستند «اثنَا عَشَرَ شَهْرًا» شماره آنها شماره ماه هاست که دوازده ماه است، و عددشان به عدد نقیبان موسی بن عمران (علیه السلام) است، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود «وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» سوگند به آسمان هایی که دارای برج ها است، آنگاه فرمود: ای پسر عباس! آیا پنداری که خداوند به آسمان دارای برج ها سوگند یاد فرموده و مقصودش همین آسمان ها و برج ها است؟ عرضه داشتیم: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس مقصودش چیست؟ فرمود: اما آسمان منم، و اما برج ها امامان (علیهم السلام) پس از منند که اولی آنها علی (علیه السلام) و آخرشان مهدی (علیه السلام) است، درود خدا بر تمامی ایشان باد. (1)

در فوائد ذکر ایشان

وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الدَّيْلَمِيُّ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) أَنَّ الْمَلَائِكَةَ يَمْرُونَ عَلَى حَلْقِ الذِّكْرِ فَيَقُومُونَ عَلَى رُءُوسِهِمْ وَيَبْكُونَ لِبُكَائِهِمْ وَيَأْمَنُونَ لِدُعَائِهِمْ فَإِذَا صَدَّ عِدُوا السَّمَاءَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي أَيْنَ كُنْتُمْ وَ هُوَ أَعْلَمُ فَيَقُولُونَ يَا رَبَّنَا إِنَّا حَصَرْنَا [مَجَالِسَ] مَجَالِسًا مِنْ مَجَالِسِ الذِّكْرِ فَرَأَيْنَا أَقْوَامًا

ص: 339

يُسِّبُ بَحُونَكَ وَيَمَجِّدُونَكَ وَيُقَدِّسُونَكَ وَيَخَافُونَ نَارَكَ فَيَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَا مَلَايِكَتِي ازُودُوهَا عَنْهُمْ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ وَأَمَنْتُهُمْ مِمَّا يَخَافُونَ فَيَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّ فِيهِمْ فُلَانًا وَإِنَّهُ لَمْ يَذْكُرْكَ فَيَقُولُ قَدْ غَفَرْتُ لَهُ بِمَجَالَسَتِهِ لَهُمْ فَإِنَّ الذَّاكِرِينَ مَنْ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: ملائکه الهی بر حلقه های ذکر که می گذرند، بالای سرشان می ایستند، با گریه آنها گریه می کنند و بر دعاهایشان آمین می گویند. و وقتی که به سوی آسمان می روند، خداوند متعال می گوید: ای ملائکه من! کجا بودید؟ با اینکه خود بهتر می داند می گویند: ما در مجلسی از مجالس ذکر حاضر شدیم، گروه هایی را دیدیم که تورا تسبیح و تمجید و تقدیس کرده، از آتش می هراسیدند. در اینجا خداوند سبحان می گوید: ای ملائکه من! آتش را از آنان دور کنید و شاهد باشید که من اینان را آمرزیدم و از آنچه که می هراسند، ایمنشان دادم. ملائکه می گویند: پروردگارا! در بین اینان فلان کس هست که ذکر تورا نداشت. ذات اقدس الهی می فرماید: او را هم بخشیدم، چون با این جمعیت همنشین شد، هرگز کسی که همنشین ذاکرین باشد، به شقاوت نخواهد رسید. (1)

وَإِيسَى نَادَاهُ عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ وَلَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَيَّ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ فَإِنْ شَاءَ أَحَدُهُمْ وَإِنْ شَاءَ عَفَا عَنْهُمْ.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: هیچ مردمی نباشند که در انجمنی گرد هم آیند و نام خدای عز و جل را نبرند، و بر پیغمبر(صلی الله علیه و آله) صلوات نفرستند جز اینکه آن مجلس مایه حسرت و زیان بر آنها باشد..... (2)

ص: 340

1- . عدة الداعي و نجاح الساعي ص 256 فصل و لا ينبغي أن يخلو للإنسان مجلس عن ذكر الله و يقوم منه بغير ذكر ح 3

2- . الجعفریات (الأشعثيات) ص 215 باب ذكر النبي في الدعاء ح 2

عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ رَفَعَهُ قَالَ لَقَمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ اخْتِمِ الْمَجَالِسَ عَلَى عَيْنَيْكَ فَإِذَا رَأَيْتَ قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَاجْلِسْ مَعَهُمْ فَإِنَّكَ إِنْ تَكُنْ عَالِمًا يَزِيدُوكَ عِلْمًا وَإِنْ كُنْتَ جَاهِلًا عَلَّمُوكَ وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُظِلَّهُمْ بِرَحْمَةٍ فَيَعْمَكَ مَعَهُمْ وَإِذَا رَأَيْتَ قَوْمًا لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ فَلَا تَجْلِسْ مَعَهُمْ فَإِنَّكَ إِنْ تَكُنْ عَالِمًا لَا يَنْفَعَكَ عِلْمُكَ وَإِنْ تَكُنْ جَاهِلًا يَزِيدُوكَ جَهْلًا وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُظِلَّهُمْ بِعُقُوبَةٍ فَيَعْمَكَ مَعَهُمْ

حضرت لقمان رحمه الله می گفت: ای پسرکم! با دقت نظر به مجالس وارد شو، هر گاه گروهی را در حال ذکر خدا گفتن دیدی نزد آنها بنشین، زیرا اگر تو عالم باشی، به علمت افزوده گردد، و اگر جاهل باشی عالمت سازند، و امید این هست که خداوند سایه رحمتش را بر آنان بیافکند و تو را نیز شامل شود. و هر گاه گروهی را دیدی که ذکر خدا نمی گویند با آنها همنشین مشو، زیرا اگر عالم باشی علمت به تو نفعی نمی رساند، و اگر جاهل باشی به جهلت افزوده می گردد، و شاید خداوند عقوبتش را بر آنان بیافکند و تو را نیز شامل گردد. (1)

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشَدُّ عَرِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً وَوَبَالًا عَلَيْهِمْ.

حضرت صادق (عليه السلام) فرمود: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرموده: هیچ مردمی نباشند که در انجمنی گرد هم آیند و نام خدای عز و جل را نبرند، و بر پیغمبر (صلى الله عليه وآله) صلوات نفرستند جز اینکه آن مجلس مایه حسرت و زیان بر آنها باشد. (2)

ص: 341

1- . مشكاة الأنوار في غرر الأخبار النص 54 الفصل الخامس عشر في الذكر ح 4

2- . الكافي ج 2 ص 497 باب ما يجب من ذكر الله عز و جل في كل مجلس ح 5

وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ وَلَمْ يَذْكُرُونَا إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَذِكْرُ عَدُوِّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ

امام صادق (عليه السلام): هیچ قومی در مجلسی گردهم نشدند که نه خدا یاد شود و نه ما (اهل بیت) مگر اینکه روز قیامت، آن مجلس، موجب حسرتشان می گردد. آنگاه گفت: امام باقر (عليه السلام) فرمود: ذکر ما، ذکر خداست و ذکر دشمنان ما ذکر شیطان است. (1) السَّادِسَ عَشَرَ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) مَا جَلَسَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا نَادَاهُمْ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ قَوْمُوا فَقَدْ بَدَلْتُمْ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ وَ غَفَرْتُ لَكُمْ جَمِيعاً وَ مَا قَعَدَ عِدَّةً مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَعَدَ مَعَهُمْ عِدَّةً مِنَ الْمَلَائِكَةِ.

پیامبر (صلى الله عليه وآله) فرمود: هیچ گروهی که یاد خدا کنند نشینند جز آنکه منادی از آسمان به ایشان ندا می دهد: بلند شوید که خدای تعالی فرمود: بدی های شما را به خوبی مبدل کردم و همه شما را آمرزیدم و هیچ گروهی از اهل زمین در حال ذکر خدا نشینند جز آنکه عده ای از ملائکه خدا با ایشان نشینند. (2)

وَقَالَ مَا مِنْ قَوْمٍ قَعَدُوا فِي مَجْلِسٍ ثُمَّ قَامُوا فَلَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ إِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

و فرمود: گروهی نیست که در مجلسی بنشینند بعد بلند شوند و ذکر خدا نگویند مگر اینکه بر ایشانست حسرت و اندوه روز قیامت (3)

ص: 342

-
- 1- . عدة الداعي و نجاح الساعي ص 256 فصل و لا ينبغي أن يخلو للإنسان مجلس عن ذكر الله و يقوم منه بغير ذكر ح 1
 - 2- . عدة الداعي و نجاح الساعي ص 252 الباب الخامس فيما ألحق بالدعاء و هو الذكر ح 20
 - 3- . إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمى) ج 1 ص 184 الباب الحادي و الخمسون في أخبار عن النبي ص و الأئمة الأطهار

حدیث 10: وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): مَنْ نَشَرَ عِلْمًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ

حدیث 10: و در کتاب مجموع الرائق آمده: زهری از جدش نقل می کند: که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: کسی که علم و دانشی را پخش نماید، پاداش کسی دارد که به آن علم و دانش عمل کند. (1) حدیث 11: قَالَ أَخْبَرَنِي الشَّرِيفُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ حَمْزَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْعُرْفَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا

حدیث 11: باز در حدیث دیگری از امام حسن عسکری (علیه السلام) می خوانیم که حضرتش فرمود: کسی که ما خاندان را با قلبش دوست بدارد و با دست و زبانش یاری کند، او در قیامت در غرفه ای که ما هستیم قرار خواهد گرفت. (2)

حدیث 12: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَرَ الْعَدَنِيِّ بِمَكَّةَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سَوَّارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ وَرْدَانَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَ تَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا مَدِينَةً أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ

ص: 343

1- . مستدرک الوسائل ج 17 ص 301 باب 8 وُجُوبِ الْعَمَلِ بِأَحَادِيثِ النَّبِيِّ وَ الْأَئِمَّةِ ص الْمُنْقُولَةِ فِي الْكُتُبِ الْمُعْتَمَدَةِ وَ رِوَايَتِهَا وَ صِحَّتِهَا وَ نُبُوتِهَا ح 21408.

2- . الامالی للمفيد المجلس الرابع ح 8.

حدیث 12: و در کتاب شریف امالی می نویسد: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: هنگامی که مؤمن از دنیا می رود و پس از خود ورقه ای از دانش برجای می گذارد، این ورقه، حایلی مابین او و آتش می گردد، خدای متعال به هر حرفی از حروفی که بر آن نوشته، شهری در بهشت به او عطا می کند که وسعت آن، هفت برابر دنیا است. (1)

حدیث 13: أَقُولُ رَوَى السَّيِّدُ بْنُ طَاوُسٍ فِي كَشْفِ الْمَحْجَةِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ مِنْ كِتَابِ الْجَامِعِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) اَكْتُبْ وَبُتَّ عِلْمَكَ فَيَاخْوَانَكَ فَإِنْ مِتَّ فَوَرَّثَ كُتُبَكَ بَيْنَكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجَ مَا يَأْتُسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ.

حدیث 13: امام صادق(علیه السلام) در حدیث زیبایی به یکی از یارانش فرمود: دانش خود را بنویس و در میان برادرادانت پخش کن، و به هنگام مرگ کتاب های خود را برای فرزندان به ارث بگذار، چرا که زمانی بر این مردم فرا خواهد رسید که آشوب و فتنه همه جا را فرا خواهد گرفت و مردم فقط با کتاب هایشان مأنوس خواهند شد. یعنی امامشان در پس پرده غیبت خواهد ماند و فقط از طریق کتاب های پیشینیان هدایت خواهند یافت. (2)

این گروه بهترین مردم هستند

حدیث 14: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ،

ص: 344

1- . الامالی للصدوق ص 37 المجلس 10 ح 3.

2- . كشف المحجة لثمره المهجة ص 84 الفصل الرابع و الخمسون: الحث على قراءة تفسير الإمام الهادي(ع) و تفسير الإمام العسكري(ع) و توقيعات الحجة(ع)، و غيرها.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ:.... وَ خَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَكَرَ بِأَمْرِنَا

حدیث 14: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: بهترین مردم پس از ما، کسانی هستند که امر (ولایت) ما را گفت و گو می نمایند. (1)

حدیث 15: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ قَالَ: أَخْبَرَنَا السَّعِيدُ الْوَالِدُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُؤْلُوبِ قَالَ: حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ:... فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَ مُذَاكَرَتِكُمْ إِحْيَاءَ لِأَمْرِنَا وَ خَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَكَرَ بِأَمْرِنَا وَ دَعَا إِلَى ذِكْرِنَا

حدیث 15: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا اجتماعات شما و گفتگوهایتان، موجب احیای امر ماست، و بهترین مردم پس از ما، کسانی هستند که امر ما را یادآوری نموده و مردم را به سوی این امر بخوانند. (2)

حدیث 16: وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي (عليه السلام) قَالَ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا ذِكْرَنَا قُلْتُ مَا إِحْيَاءُ ذِكْرِكُمْ قَالَ التَّلَافِي وَ التَّدَاكُرُ عِنْدَ أَهْلِ الثَّبَاتِ.

حدیث 16: امام (علیه السلام) جواد در حدیثی بسیار زیبا فرمودند: خدا رحمت کند بنده ای را که نام ما را احیا کند گفتیم: زنده داشتن نام شما به چیست؟ فرمود: دیدار ثابت قدمان و گفتگوی با آنان. (3)

ص: 345

1- . الأما لي للطوسي ص 224 المجلس الثامن ح 390.

2- . بشارة المصطفى ص 110 سلام الصادق على موالیه و وصيته لهم بالاجتماع و المذاكرة في أمرهم

3- . مصادقة الإخوان ص 34 باب اجتماع الإخوان في محادثتهم ح 3.

أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ أَخْبَرَنِي حَيْدَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ نُعَيْمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مَعْرُوفٍ، قَالَ حَدَّثَنِي الْعُمَرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ أَبِي لُبَابَةَ، عَنْ أَبِي هَاشِمٍ دَاوُدَ بْنِ قَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي (عليه السلام): مَا تَقُولُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ فَقَالَ: رَحِمَهُ اللَّهُ مَا كَانَ أَذْبَهُ عَنْ هَذِهِ النَّاحِيَةِ. به امام باقر (عليه السلام) عرضه داشتیم: فدایت شوم، درباره ی هشام بن حکم چه نظری داری؟ امام (عليه السلام) فرمود: خدا رحمتش کند، چه بسیار از این ناحیه (مذهب، اهل بیت، ولایت) دفاع می کرد. (1)

احیای امر اهل بیت علیهم السلام

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِدَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ: يَا دَاوُدُ، أبلغ مَوَالِي عَنِّي السَّلَامَ، وَ أَنِّي أَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخَرَ فِتْنًا كَرًا أَمْرَنَا، فَإِنَّ تَالِثَهُمَا مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا، وَ مَا

ص: 346

اجْتَمَعَ اثْنَانِ عَلَى ذِكْرِنَا إِلَّا بَاهَى اللَّهُ (تَعَالَى) بِهِمَا الْمَلَائِكَةَ، فَإِذَا اجْتَمَعْتُمْ فَاشْتِغَلُوا بِالذِّكْرِ، فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَ مُذَاكِرَتِكُمْ إِحْيَاؤَنَا، وَ خَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا وَ دَعَا إِلَى ذِكْرِنَا.

معتب غلام امام صادق (عليه السلام) می گوید: شنیدم که امام (علیه السلام) به داوود بن سرحان می گوید: ای داوود! به دوستان ما از جانب من سلام برسان و بگو که من می گویم خداوند بنده ای را که با دیگری بنشیند و امر اهل بیت را یاد آوری کند می بخشد. پس درستی که سومین آنها فرشته ای است که برایشان طلب بخشش می کند و هیچ دو نفری بر یاد ما اهل بیت گرد هم نمی آیند مگر آن که خداوند به آن دو بر فرشتگان مباحثات می کند. پس هنگامی که در کنار یکدیگر گرد هم آمدید به یاد ما مشغول باشید. به درستی که اجتماع و سخن گفتن شما با یکدیگر درباره ی ما زندهساختن (امر) ماست و بهترین مردم پس از ما کسی است که امر ما را یاد کند و دیگران را به یاد ما فرا بخواند. (1)

در اهمیت هدایت افراد

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيْسَى، عَنْ سَمَاعَةَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: أَنْزَلَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ): «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

قَالَ: مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَقَدْ أَحْيَاهَا، وَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا.

ص: 347

سماعه می گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره ی این آیه سوال کردم «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»⁽¹⁾ هر که انسانی را بکشد چنان است که گویا همه مردم را کشته و هرکه انسانی را از مرگ نجات دهد گویی مردمان را حیات بخشیده امام (علیه السلام) فرمودند: هرکه انسانی را از گمراهی به سوی هدایت رهنمون شود او را زنده ساخته و هرکه او را از هدایت به گمراهی بکشاند به خدا سوگند او را کشته است.⁽²⁾

ص: 348

1- . المائدة آية 32

2- . الأمالي (للطوسي) المجلس 8 ح 46

«وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ» (1).

و میان آن دو گروه (بهشتیان و دوزخیان) حایلی است، و در بین اعراف مردانی هستند که هر یک از آن دو دسته را از سیمایشان می شناسند، و به بهشتیان که هنوز داخل بهشت نشده اند ولی امید آن را دارند ندا می دهند که سلام بر شما.

حدیث 1: الْحَسَنُ بْنُ بِنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمَهٍّ وَرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَقِيدٍ عَنْ مُقَرِّنٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ جَاءَ ابْنُ الْكَوَّاءِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

«وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ» فَقَالَ نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسِيمَاهُمْ وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِي لَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ يُعْرِفُنَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الصِّرَاطِ فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَعَرَفْنَاهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَنَا وَأَنْكَرْنَا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَ لَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَ صِرَاطَهُ وَ سَبِيلَهُ وَ الْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَلَا يَتَنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ فَلَا سَوَاءَ مَنِ اعْتَصَمَ النَّاسُ بِهِ وَ لَا سَوَاءَ حَيْثُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى عُيُونِ كَدْرَةَ يُفْرَعُ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ وَ ذَهَبَ مَنْ ذَهَبَ إِلَيْنَا إِلَى عُيُونِ صَافِيَةٍ تَجْرِي بِأَمْرِ رَبِّهَا لَا تَقَادُ لَهَا وَ لَا انْقِطَاعَ.

حدیث 1: امام صادق (عليه السلام) می فرمود: ابن کواء نزد امیر المؤمنین (عليه السلام) آمد و عرضه داشت: ای امیر مؤمنان! «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ» بر اعراف مردانی باشند که همه کس را از رخسارشان شناسند یعنی چه؟ فرمود: مائیم بر اعراف که

ص: 350

یاران خود را به رخسارشان می شناسیم و مائیم اعراف که خدای عز و جل جز از طریق معرفت ما شناخته نشود و مائیم اعراف که خدا ما را در روز قیامت بر روی صراط معرفت قرار دهد، پس داخل بهشت نشود مگر کسی که ما او را شناسیم و او ما را شناسد و به دوزخ نرود جز آنکه ما او را ناشناس دانیم و او ما را، خدای تبارک و تعالی اگر می خواست خودش را بی واسطه به بندگانش می شناسانید ولی ما را باب و راه و طریق معرفت خود قرار داد، کسانی که از ولایت ما روگردانیده و دیگران را بر ما ترجیح دهند از صراط مستقیم منحرفند (در قیامت از صراط به سر در آیند) برابر نیست و برابر نیست کسانی که مردم به آنها پناه گیرند (که ما اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) باشیم) با کسانی که خود محتاج پناهندگی به دیگران باشند (که پیشوایان عامه باشند) زیرا آن مردم (پیروان پیشوایان گمراه) به سوی چشمه های آب تیره اندک که از چشمه ای به چشمه دیگر ریزد رفتند و کسانی که سوی ما آمدند بسوی چشمه های صافی آمدند که آبش به امر پروردگار جاریست و تمام شدن و خشک شدن ندارد. (1)

تذکر: و یکی از مصادیق روگرداندن از ولایت آنان سرپیچی از فرامین ایشان بوده و خود این بزرگواران فرموده اند: به ولایت ما نمی رسید جز با عمل شایسته و خودداری از گناه، و در جای دیگری فرمودند: ولایت ما جز با فرمانبرداری از خداوند حاصل نمی شود. پس تنها چیزی که ما را به ولایت ایشان متصل می سازد علاوه بر دوستی و اقرار به ولایت ایشان و دشمنی با دشمنانشان رعایت تقوا که همان انجام واجبات و ترک محرمات است می باشد.

حدیث 2: حَدَّثَنَا ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى كَوْكَبِ الدَّمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ حَوَارِيَّ عِيسَى (عليه السلام) كَانُوا شِيعَتَهُ وَإِنَّ شِيعَتَنَا حَوَارِيُّونَا وَمَا كَانَ حَوَارِيَّ عِيسَى (عليه السلام) بِأَطْوَعَ لَهُ مِنْ حَوَارِيَّنَا لَنَا وَإِنَّمَا قَالَ عِيسَى (عليه السلام) لِلْحَوَارِيِّينَ «مَنْ

ص: 351

فَلَا وَاللَّهِ مَا نَصَرُوهُ مِنَ الْيَهُودِ وَلَا قَاتَلُوهُمْ دُونَهُ وَشِيعَتَنَا وَاللَّهِ لَمْ يَزَالُوا مُنْذُ قَبْضِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ رَسُولَهُ يَنْصُرُونَا وَيَقَاتِلُونَنَا دُونَنَا وَيُحْرَقُونَ وَيُعَذَّبُونَ وَيُسْرَدُونَ فِي الْبُلْدَانِ جَزَاءَهُمُ اللَّهُ عَنَّا خَيْرًا وَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَاللَّهِ لَوْ صَرَبْتُ خَيْشُومَ مُجِيبِنَا بِالسَّيْفِ مَا أَبْغَضُونَا وَاللَّهِ لَوْ أَدْنَيْتُ إِلَى مُبْغِضِينَا وَحَثَوْتُ لَهُمْ مِنَ الْمَالِ مَا أَحْبَبُونَا.

حدیث 2: ابو یحییٰ کوبک الدم از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که فرمود: همانا حواریون عیسی (علیه السلام) شیعه او بودند و شیعیان ما حواریون ما هستند و حواریون عیسی (علیه السلام) فرمانبرتر از حواریون ما نبودند. عیسی (علیه السلام) به حواریون فرمود: ... «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ» (1) ... یاوران من در راه خدا کیانند؟ آنها گفتند مائیم یاوران خدا و به خدا سوگند! عیسی (علیه السلام) را در برابر یهود یاری نرسانند و برای او نبرد نکنند، و به خدا سوگند! شیعه ما از آن هنگام که خداوند والانام جان پیامبرش را گرفت همچنان ما را یاری می کند و بخاطر ما نبرد می کنند و در راه ما سوخته می شوند و عذاب می کشند و در شهرها آواره شده و تبعید می شوند خداوند به آنها از سوی ما جزای خیر دهد. امیر المؤمنین (علیه السلام) فرموده: به خدا سوگند! اگر بیندوستان ما را با شمشیر بزنند بغض ما در دل نگیرند، و به خدا سوگند! اگر به دشمنان خویش نزدیک شوم و ثروتی فراوان به ایشان بخشم باز هم ما را دوست نخواهند داشت. (2)

حدیث 3: ذِكْرُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءٌ مِنَ الْوَعْلِ وَالْأَسَقَامِ وَسَوَاسِ الرَّيْبِ وَحُبُّنَا رِضَا الرَّبِّ وَالْآخِذُ بِأَمْرِنَا وَطَرِيقَتِنَا وَمَذْهَبِنَا مَعَنَا غَدَا فِي حَظِيرَةِ الْفِرْدَوْسِ وَالْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمَسْتَحِطِّ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ شَهِدَنَا فِي حَرْبِنَا وَسَمِعَ وَعَايَتِنَا فَلَمْ يَنْصُرْنَا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ نَحْنُ بَابُ

ص: 352

1- . الصف آية 14

2- . الكافي ج 8 ص 268 كتاب الروضة باب حديث نوح يوم القيامة ح 396

الْجَنَّةِ إِذَا بُعِثُوا وَصَاقَتِ الْمَذَاهِبُ وَنَحْنُ بَابُ حِطَّةٍ وَهُوَ السَّلْمُ مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَوَىٰ بِنَا فَفَتَحَ اللَّهُ جَلًّا وَعَزًّا وَبِنَا يُخْتِمُ اللَّهُ وَبِنَا «يَمُحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ» (1)

وَ بِنَا يَدْفَعُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَبِنَا «يُنزِلُ الْعَيْثَ» (2)

و)

لَا يَغْوَتِكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (3)

حدیث 3: یاد ما خاندان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) موجب شفای از پلیدی و بیماری ها و وسوسه گناه است، و محبت ما رضای پروردگار می باشد. و آن که دستور ما به کار بندد و رویه و مذهب ما پیش گیرد فردا در بهشت با ماست. و آنکه در انتظار دولت ما باشد چون کسی است که در راه خدا در خون خود بغلطد. هر که در میدان جنگ ما حاضر باشد و فریاد دادخواهی ما را بشنود و ما را یاری نکند خداوند به رو در آتشش افکند. ما به هنگامی که مردم سر از خاک بردارند و در تنگنا قرار گیرند در بهشتیم. ما همچون باب حطه ایم که مایه سلامت است و هر که در آن وارد شود نجات یابد و هر که تخلف کند هلاک شود. به وسیله ما خدا (خلقت را) آغاز کرد و به وسیله ما ختم کند، به وسیله ما خدا هر چه خواهد محو نماید و به وسیله ما بحرانهای سخت روزگار را براند و باران نازل فرماید، مبادا شیطان فریبکار شما را بفریبد (4)

حدیث 4: إِنَّ اللَّهَ أَطَّلَعَ فَاخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شَيْعَتَنَا يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ بِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ بِحُزْنِنَا وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَأَنْفُسَهُمْ فِيْنَا أَوْلِيْنَا وَمِنَّا إِلَيْنَا

حدیث 4: همانا خداوند در نگرست و ما را برگزید و شیعیان را برای ما برگزید که ما را یاری رسانند و، به شادی ما شاد شوند و به اندوه ما اندوهگین و جان و مال خود را در راه ما نثار نمایند، آنان از ما هستند و رو به سوی ما دارند. (5)

حدیث 5: فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَ انْصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ تَعَالَى

ص: 353

1- . الرعد آية 39

2- . لقمان آية 34

3- . لقمان آية 33

4- . تحف العقول ص 114 باب آدابہ ع لأصحابہ و هي أربعمائة باب للدين و الدنيا

5- . تحف العقول ص 123 آدابہ ع لأصحابہ و هي أربعمائة باب للدين و الدنيا

حدیث 5: پس خدا را خدا را (به یاد آرید) در حق ما، ما را خوار نسازید و ما را یاری کنید تا خدای تعالی شما را یاری فرماید. (1)

حدیث 7: فَوَالَّذِي نَفْسُ الْحُسَيْنِ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ الْيَوْمَ وَاعِيَّتَنَا أَحَدًا فَلَا يُعِينُنَا إِلَّا كَبَّهُ اللَّهُ لَوَجْهِهِ فِي جَهَنَّمَ.

حدیث 7: سوگند بدان که جان حسین (علیه السلام) بدست او است، امروز کسی نباشد که فریاد ما را بشنود و ما را یاری نکند جز آنکه خدایش به رو در دوزخ افکند. (2)

حدیث 8: مَنْ شَهِدَنَا فِي حَرْبِنَا أَوْ سَمِعَ وَاعِيَّتَنَا فَلَمْ يَنْصُرْنَا أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَنَحْنُ بَابُ الْغَوْثِ إِذَا اتَّقَوْا وَصَافَتْ عَلَيْهِمُ الْمَذَاهِبُ وَنَحْنُ بَابُ حِطَّةٍ وَهُوَ بَابُ السَّلَامِ مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَوَى حَدِيث 8: هر که جنگ ما با دشمنان را ببیند و یا ناله دادخواهی ما را بشنود و ما را یاری ننماید، خداوند او را به صورت در آتش می افکند. آنگاه که مردم بیم داشته باشند و راه ها بر آنان تنگ گردد. ما دروازه فریادرسی آنان هستیم و ما باب حطه هستیم و آن در سلامتی است که هر که از آن داخل گردد رهایی یافته و هر که باز ماند نابود می گردد. (3)

حدیث 9: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ زَكَرِيَّا، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ الْأَشْتَرِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَنِ، عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: نَحْنُ الْمُسْتَضْعَفُونَ، وَنَحْنُ الْمَقْهُورُونَ، وَنَحْنُ عِثْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَنَا فَرَسُولَ اللَّهِ نَصَرَ، وَمَنْ

ص: 354

1- . الغيبة للنعماني ص 281 باب 14 ما جاء في العلامات التي تكون قبل قيام القائم ع ويدل على أن ظهوره يكون بعدها كما قالت

الأئمة ع 67

2- . الأماي للصدوق ص 137 المجلس الثامن والعشرون ح 6

3- . الخصال ج 2 ص 625 باب علم أمير المؤمنين ع أصحابه في مجلس واحد أربعمئة باب مما يصلح للمسلم في دينه و دنياه ح 1

حَدَّثَنَا فَرَسُوْلُ اللَّهِ حَدَلَ، وَ نَحْنُ وَ أَعْدَاؤُنَا نَجْتَمِعُ «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا» الْآيَةَ.

حدیث 9: عبد الله بن حسن از مادرش فاطمه بنت حسین (علیه السلام) و او از پدرش حسین بن علی (علیه السلام) نقل کرده اند که ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) فرمود: به یقین ما به سبب حمایت نشدن، مستضعف و مقهور قرار گرفتیم، ما عترت مصطفی (صلی الله علیه و آله) هستیم. هر مسلمانی ما را یاری و نصرت دهد، رسول الله (صلی الله علیه و آله) را یاری داده است. و هر که ما را خوار گرداند، رسول الله (صلی الله علیه و آله) را خوار کرده است. بدانید ما و دشمنانمان در روزی که «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا» (1) ... (2) حدیث 10: ثُمَّ قُلْتُ مَا لِمَوَالِيكَ فِي مُوَالَاتِكُمْ فَقَالَ إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) كَانَ عِنْدَهُ غُلَامٌ يُمَسِّكُ بَغْلَتَهُ إِذَا هُوَ دَخَلَ الْمَسَدَ جِدَ فَبَيْنَا هُوَ جَالِسٌ وَمَعَهُ بَغْلَةٌ إِذْ أَقْبَلَتْ رِفْقَةً مِنْ خُرَّاسَانَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الرَّفْقَةِ هَلْ لَكَ يَا غُلَامُ أَنْ تَسْأَلَ أَنْ يَجْعَلَ لِي مَكَانًا وَأَكُونَ لَهُ مَمْلُوكًا وَ أَجْعَلَ لَكَ مَالِي كُلَّهُ فَإِنِّي كَثِيرُ الْمَالِ مِنْ جَمِيعِ الصُّنُوفِ أَذْهَبَ فَأَقْبِضُهُ وَ أَنَا أُقِيمُ مَعَهُ مَكَانًا فَقَالَ أَسْأَلُهُ ذَلِكَ فَدَخَلَ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ جِعِلْتُ فِدَاكَ تَعْرِفُ خِدْمَتِي وَ طَوْلَ صِدْقَتِي فَإِنْ سَأَلَكَ اللَّهُ إِلَيَّ خَيْرًا تَمْنَعُنِيهِ قَالَ أُعْطِيكَ مِنْ عِنْدِي وَ أَمْنَعُكَ مِنْ غَيْرِي فَحَكَى لَهُ قَوْلَ الرَّجُلِ فَقَالَ إِنَّ زَهْرَدَتْ فِي خِدْمَتِنَا وَ رَغِبَ الرَّجُلُ فَبَيْنَا قَبْلِنَاهُ وَ أَرْسَلْنَاكَ فَلَمَّا وَلَّى عَنْهُ دَعَاهُ فَقَالَ لَهُ أَنْصَحُكَ لَطُولِ الصُّحْبَةِ وَ لَكَ الْخِيَارُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مُتَعَلِّقًا بِنُورِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ كَانَ الْأَيْمَةُ مُتَعَلِّقِينَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ كَانَ شَيْعَتُنَا مُتَعَلِّقِينَ بِنَا يَدْخُلُونَ مَدْخَلَنَا وَ يَرِدُونَ مَوْرِدَنَا فَقَالَ لَهُ الْغُلَامُ بَلْ أُقِيمُ فِي خِدْمَتِكَ وَ أُورِثُ

ص: 355

1- . آل عمران آية 30

2- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 1 ص 560 [سورة القصص (28): آية 5] ح 597

الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا فَخَرَجَ الْغُلَامُ إِلَى الرَّجُلِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ خَرَجْتَ إِلَيَّ بِغَيْرِ الْوَجْهِ الَّذِي دَخَلْتَ بِهِ فَحَكَى لَهُ قَوْلَهُ وَأَدْخَلَهُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَبِلَ وَلَائَهُ وَأَمَرَ لِلْغُلَامِ بِأَلْفِ دِينَارٍ ثُمَّ قَامَ إِلَيْهِ فَوَدَّعَهُ وَسَأَلَهُ أَنْ يَدْعُوَ لَهُ فَفَعَلَ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي لَوْلَا عِيَالُ بِمَكَّةَ وَوُلْدِي سَرَّيْنِي أَنْ أُطِيلَ الْمَقَامَ بِهِذَا الْبَابِ فَأَذِنَ لِي وَقَالَ تُوَافِقُ غَمًّا ثُمَّ وَضَعَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ حَقًّا كَانَ لَهُ فَأَمَرَنِي أَنْ أَحْمِلَهَا فَتَأَيَّيْتُ وَظَنَنْتُ أَنَّ ذَلِكَ مَوْجِدَةٌ فَضَحِكُ إِلَيَّ وَقَالَ خُذْهَا إِلَيْكَ فَإِنَّكَ تُوَافِقُ حَاجَةً فَحِثُّتُ وَقَدْ ذَهَبَتْ نَفَقَتُنَا شَطْرًا مِنْهَا فَاحْتَجَّتْ إِلَيْهِ سَاعَةً قَدِمْتُ مَكَّةَ

حدیث 10: از امام جواد (علیه السلام) پرسیدم: خادمان شما از محبت شما چه بهره ای می برند؟ حضرت فرمودند: حضرت صادق (علیه السلام) غلامی داشت که وقتی داخل مسجد می شد افسار قاطرش را می گرفت و آن را نگه می داشت تا آن جناب برگردد. یک روز نشسته بود و زمام قاطر را در دست داشت قافله ای از خراسان آمده بودند مردی از میان کاروانیان به او گفت ممکن است بروی از امام (علیه السلام) تقاضا کنی مرا به جای تو بگمارد تا غلام آن جناب باشم در این صورت تمام ثروت خود را به تو می بخشم. من ثروت زیادی دارم از هر نوع دارائی برو و مالک تمام اندوخته من باش منهم مہار و افسار قاطر امام (علیه السلام) را می گیرم غلام گفت: الان می روم و اجازه می خواهم. غلام خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسید و عرضه داشت: فدایت شوم شما که سابقه خدمتکاری و ارادت مرا می دانید اگر خداوند ثروتی را حواله من کند شما جلوگیری می کنید. فرمود: من از مال خود به تو می بخشم بعد جلوگیری از مال دیگری می کنم؟! غلام جریان مرد خراسانی را نقل کرد. امام (علیه السلام) فرمود: اگر تو نسبت به خدمت به ما بی علاقه شدی و آن مرد علاقمند است پیشنهاد او را می پذیریم و تو را می فرستیم همین که غلام رو برگردانید که خارج شود. امام (علیه السلام) او

را صدا زد و فرمود: می خواستم تو را نصیحتی کنم به واسطه خدماتی که به ما کرده ای آنگاه اختیار با توست اگر خواستی برو و اگر نخواستی بمان. روز قیامت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنگ به نور خدا می زند و امیر المؤمنین (علیه السلام) چنگ به دامان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد و امامان نیز چنگ به دامان امیر المؤمنین (علیه السلام) می زنند شیعیان هم دامان ما را دارند پس داخل شوند در جایی که ما داخل شویم و وارد شوند آنجائی که ما وارد شویم و به هر جا که وارد شویم آنها نیز وارد می شوند و با ما خواهند بود. غلام عرضه داشت: نه آقا! پس من نمی روم و آخرت را بر دنیا مقدم می دارم. آنگاه به جانب خراسانی رفت، آن مرد گفت: با چهره دیگری برگشتی، آن طوری که رفتی حالا چنان نیستی. غلام جریان را برای خراسانی نقل کرد و او را خدمت حضرت صادق (علیه السلام) برد امام صادق (علیه السلام) محبت و علاقه اش را پذیرفت و برای غلام هزار دینار داد آنگاه از جای حرکت کرده خداحافظی نمود و تقاضا کرد امام (علیه السلام) برایش دعا کند و حضرت صادق (علیه السلام) برای او دعا فرمود. (1)

ص: 357

1- . الخرائج و الجرائح ج 1 ص 390 الباب العاشر في معجزات الإمام محمد بن علي التقي ح 17

حدیث 1: وَ عَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ بَنِي عُبَيْدِ اللَّهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الْحَمَرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ، قَالَ مَرَرْتُ أَنَا وَ أَبِي بِرَجُلٍ مِنْ وُلْدِ أَبِي لَهَبٍ يُقَالُ لَهُ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، فَتَادَانِي يَا أَبَا الْفَضْلِ، هَذَا الرَّجُلُ يُحَدِّثُكَ وَ ذَكَرَ اسْمَ الْمُحَدِّثِ وَ هُوَ سُدَيْفٌ فِي آخِرِ الْحَدِيثِ، وَ لَمْ يَذْكُرْهُ هَاهُنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام)، فَفَرُبْنَا مِنْهُمْ وَ سَلَّمْنَا عَلَيْهِمْ، فَقَالَ لَهُ: حَدِّثْنِي. فَقَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ، وَ مَا رَأَيْتُ مُحَمَّدِيًّا قَطُّ يَعْدِلُهُ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ حَتَّى صَدَّ عِدَ الْمَنْبَرِ وَ اجْتَمَعَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ فِي الصَّلَاةِ، فَقَالَ: ... أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا، وَ إِنْ أَدْرَكَكَ الدَّجَالُ آمَنَ بِهِ، وَ إِنْ لَمْ يُدْرِكْهُ بَعَثَ مِنْ قَبْرِهِ حَتَّى يُؤْمِنَ بِهِ

حدیث 1: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): هر که دشمن ما اهل بیت (علیهم اسلام) باشد خداوند او را یهودی محشور کند (و مسلمانی اش برای او فایده ای نخواهد داشت) و اگر او در زمان دَجَال زنده باشد به او ایمان خواهد آورد و اگر قبل از ظهور دَجَال بمیرد، خداوند او را از قبرش زنده کند تا به دَجَال ایمان آورد (1) حدیث 2: النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله): مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ فِي قَلْبِهِ بُغْضٌ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) لَقِيَ اللَّهَ وَ هُوَ يَهُودِيٌّ.

حدیث 2: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): هر که خدا را ملاقات کند در حالی که در قلبش بُغْضُ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) باشد، خدا را در حالی که یهودیست ملاقات کرده. (2)

ص: 359

1- . الأما لي للطوسي ص 649 ح 1347 مجلس 33 يوم الجمعة التاسع من رجب سنة سبع و خمسين و أربعمائة

2- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 3 ص 205 فصل في بغضه

حدیث 3: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَنَّانُ بْنُ سَدِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُذَيْفُ الْمَكِّيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ (عليه السلام) وَ مَا رَأَيْتُ مُحَمَّدِيًّا قَطُّ يَعْدِلُهُ قَالَ حَدَّثَنَا جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَإِنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ فَقَالَ وَ إِنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ

حدیث 3: سدیف مکی: حضرت باقر (علیه السلام) که در میان فرزندان محمد (علیه السلام) چون او ندیده ام به من فرمودند: جابر بن عبد الله انصاری گفت: پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله) سخن گفت: برای ما و فرمود: ای مردم! هر که با ما اهل بیت (علیهم اسلام) دشمنی ورزد خداوند او را در قیامت یهودی محشور کند عرضه داشتیم: یا رسول الله! گر چه روزه بگیرد و نماز خواند و به گمان خود مسلمان باشد. فرمود: گرچه روزه بگیرد و نماز خواند و گمان کند مسلمان است. (1)

حدیث 4: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحِ الْأَسَدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَإِنْ شَهِدَ الشَّهَادَتَيْنِ قَالَ نَعَمْ فَإِنَّمَا احْتَجَزَ بِهِمَا تَيْنِ الْكَلِمَتَيْنِ عَنْ سَفْكِ دَمِهِ أَوْ يُودِّي الْجَزِيَّةَ عَنْ يَدِهِ وَ هُوَ صَاغِرٌ ثُمَّ قَالَ مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم اسلام) بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا قِيلَ فَكَيْفَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ إِنْ أَدْرَكَ الدَّجَالَ آمَنَ بِهِ.

ص: 360

حدیث 4: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر که ما خاندان را دشمن دارد خدا روز قیامت او را یهودی محشور کند عرض شد: یا رسول الله! اگر چه شهادتین گوید؟ فرمود: آری به این دو کلمه خونش را حفظ کرده و از ادای جزیه به خواری معاف شده سپس فرمود: هر که ما خاندان را دشمن دارد خدا او را یهودی محشور کند عرض شد: چگونه یا رسول الله (صلی الله علیه و آله)؟ حضرت فرمود: اگر دجال را دریابد به او ایمان آورد. (1)

حدیث 5: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَتَّانُ بْنُ سَدِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُذَيْفُ الْمَكِّيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ (عليه السلام) وَ مَا رَأَيْتُ مُحَمَّدِيًّا قَطُّ يَعْدِلُهُ قَالَ حَدَّثَنَا جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَبْغَضَ نَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ فَقَالَ وَ إِنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ.

حدیث 5: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این خطبه را خواندند: ای مردم! هر که ما خاندان را دشمن دارد خدا روز قیامت او را یهودی مبعوث کند جابر انصاری گوید: عرضه داشتم: یا رسول الله! اگر چه روزه دارد و نماز بخواند و معتقد باشد که مسلمانست؟ حضرت فرمود: و اگر چه روزه دارد و نماز گزارد و معتقد باشد که مسلمانست. (2)

خشم خداوند بر دشمنان ایشان

حدیث 6: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ

ص: 361

1- . الأُمالي للصدوق: ص 585 المجلس 86 ح 2. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص 204 باب عقاب من أبغض أهل بيت النبي ح 1، المحاسن ج 1 ص 90 باب 16 عقاب من أنكر آل محمد ع حقهم و جهل أمرهم ح 39

2- . الأُمالي للصدوق: ص 333 المجلس 54 ح 2. روضة الواعظين و بصيرة المتعظين ج 2 ص 271 مجلس في مناقب آل محمد ع،

بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ :... قَالَ عَلِيٌّ :... مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقِّ وَ مَنْ سَلَكَ غَيْرَ طَرِيقَتِنَا غَرِقَ لِمُحِبِّينَا أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لِمُبْغِضِينَا أَفْوَاجٌ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ....*

حدیث 6: امیرالمومنین (علیه السلام): کسی که به ما چنگ زند به ما ملحق گشته و کسی که غیر از ما راه را بیماید غرق می شود. برای دوستان ما فوج هایی از رحمت خدا و برای دشمنان ما فوج هایی از خشم خداست. (1)

حدیث 7: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعُرْزَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْمُعَلَّى بْنُ هِلَالٍ، عَنِ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قُلْتُ لِلنَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) أَوْصِنِي قَالَ عَلَيْنِكَ بِمَوَدَّةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ عَبْدِ حَسَنَةَ حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ النَّارَ لَأَشَدُّ غَضَبًا عَلَيَّ مُبْغِضٍ عَلَيَّ (عليه السلام) مِنْهَا عَلَيَّ مَنْ زَعَمَ أَنَّ لِلَّهِ وَلَدًا يَا ابْنَ عَبَّاسٍ لَوْ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ الْمُفَرِّقِينَ وَ الْأَنْبِيَاءَ الْمُرْسَلِينَ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ بُغِضِهِ وَ لَنْ يَفْعَلُوا لَعَدْبَهُمُ اللَّهُ بِالنَّارِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ هَلْ يُبْغِضُهُ أَحَدٌ قَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ نَعَمْ يُبْغِضُهُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ أَنَّهُمْ مِنْ أُمَّتِي لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُمْ فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبًا يَا ابْنَ عَبَّاسٍ إِنَّ مِنْ عَلَامَةِ بُغْضِهِمْ لَهُ تَقْضِيلُهُمْ مَنْ هُوَ دُونَهُ عَلَيْهِ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ لَا أَوْصِيَاءَ

ص: 362

1- . الخصال ج 2 ص 627 باب علم أمير المؤمنين ع أصحابه في مجلس واحد أربعمئة باب مما يصلح للمسلم في دينه و دنياه ح 10، تحف العقول ص 116 باب آداب ع لأصحابه و هي أربعمئة باب للدين و الدنيا در ضمن يك حدیث طولانی، تفسیر فرات الكوفي ص 368 [سورة الزمر (39): آية 56] ح 499

أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْ وَصِيِّ عَلِيٍّ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَلَمْ أزلْ لَهُ كَمَا أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَأَوْصَانِي بِمَوَدَّتِهِ وَإِنَّهُ لَأَكْبَرُ عَمَلِي عِنْدِي
الْحَبْرَ

حدیث 7: ابن عباس گفت: به حضرت پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) عرضه داشتیم: مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: به تو سفارش می کنم دوستی با علی (علیه السلام) را از دست ندهی قسم به آنکه مرا به حق برانگیخت خداوند از بنده ای کار نیک نمی پذیرد، مگر این که، از او سؤال می کند راجع به حُبِّ علی بن ابی طالب (علیه السلام) با این که خداوند خود بهتر می داند اگر دارای ولایت بود عملش را می پذیرد. و اگر دارای ولایت نباشد دیگر از چیزی پرسش نمی کند دستور می دهد او را در آتش اندازند. ای پسر عباس! قسم به آن که مرا به نبوت مبعوث کرد آتش خشمش بر دشمن علی (علیه السلام) بیشتر است از کسی که معتقد است خدا دارای فرزند است. ای پسر عباس! اگر ملائکه مقربین و تمام انبیای مرسل اجتماع بر دشمنی علی (علیه السلام) نمایند و حال این که چنین کاری را نمی کنند همه را خداوند به آتش جهنم می افکند. عرضه داشتیم: یا رسول الله (صلى الله عليه وآله) آیا کسی با او دشمنی می ورزد. فرمود: آری پسر عباس! گروهی که مدعی هستند از امتند با او دشمنی می ورزند با این که از اسلام بهره ای نبرده اند. ای پسر عباس! از علامت دشمنی با آن ها مقدم داشتن کسانی است که از آن ها پائین ترند. قسم به خدائی که مرا به حقمبعوث کرده پیامبری از من گرامی تر نفرستاده و نه وصی از علی (علیه السلام) وصی من گرامی تر، ابن عباس گفت: پیوسته دستور پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) را در مورد محبت علی (علیه السلام) به جا می آوردم و این بزرگ ترین عمل منست. (1)

حدیث 8: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): يَا بُرَيْدَةُ إِنَّ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ بِيُغْضِ عَلِيًّا أَكْثَرَ مِنْ حَصَى الْخَذْفِ الَّتِي يُرْمَى بِهَا عِنْدَ الْجَمْرَاتِ، فَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ.

حدیث 8: رسول خدا (صلى الله عليه وآله): همانا کسانی که به دشمنی علی (علیه السلام) داخل آتش می شوند از سنگ هایی که به وقت رمی جمره رها می کنند بیشترند، پس پرهیز که

ص: 363

1- الفضايل لابن شاذان القمي ص 6 المقدمة ح 2، كشف الغمة في معرفة الأئمة ج 1 ص 380 فصل في ذكر مناقب شتى و أحاديث متفرقة أوردها الرواة والمحدثون وأخبار وآثار دالة على ما نحن بصدد من ذكر فضله ح 9، الأمالي للطوسي ص 106 المجلس الرابع ح 15، كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام ص 464 المبحث الخامس و الثلاثون في أمر الله تعالى النبي ص بتبليغ فضائل علي ع ح 2، بشارة المصطفى لشيعه المرتضى ج 2 ص 42 سرور الملائكة باستخلاف الله عليا ح 1

وَبِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ وَغَضَبُ رَسُولِهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَى مَنْ أَهْرَقَ دَمِي وَآذَانِي فِي عِثْرَتِي.

و به همین اسناد از آن حضرت روایت شده که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: خشم خدا و رسولش شدت یافته بر آن کس که خون (ذریه) مرا بریزد، و در باره عترتم ستم کند و مرا بیازارد. (2) درباره کسی که در بیزاری جستن از دشمنان ایشان کوتاهی کند

حدیث 9: وَقِيلَ لِلصَّادِقِ (عليه السلام) إِنَّ فُلَانًا يُؤَالِيكُمْ إِلَّا أَنَّهُ يَضْعُفُ عَنِ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّنَا

حدیث 9: به امام صادق (عليه السلام) عرض شد که: شخصی شما را دوست دارد. اما در بیزاری جستن از دشمن شما ضعیف است. حضرت فرمودند: هرگز چنین نیست، دروغ گفته هر که ادعای محبت ما کند اما از دشمن ما بیزاری نجوید. (3)

از نشانه های دشمنی با ایشان

حدیث 10: قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ الْمَرَاغِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدَّلَالُ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُرَنْبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ عَنْ سَبْرَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ عَنْ حَنْشِ بْنِ الْمُعْتَمِرِ قَالَ: يَا حَنْشُ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَمْحِبُّ لَنَا أَمْ

ص: 364

1- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 139 شكايه بريده من علي ع عند رسول الله ص و رده عليه ح 70. البرهان في تفسير القرآن ج 4 ص 494 [سورة الأحزاب (33): الآيات 57 الى 58] ح 8719 ،

2- [3]. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 27 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 11

3- . السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (و المستطرفات) ج 3 ص 640 و مما استطرفناه من كتاب أنس العالم تصنيف الصفواني ... ح 2، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خونى) ج 9 ص 76 الفصل الرابع في الأمر بالتواضع و التسليم و الاتقياد لله سبحانه

مُبْغِضٌ فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ وَلَيْتَا فَلَيْسَ بِمُبْغِضٍ لَنَا وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُ وَلَيْتَا فَلَيْسَ بِمُحِبٍّ لَنَا

حدیث 10: از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده که حضرت فرمودند: ای حنش! هر که می خواهد بداند از دوستان ماست یا از دشمنان ما، به قلب خود مراجعه کند، اگر در دلش ما را دوست بدارد از دشمنان ما نبوده، ولی اگر در دل خود دوست ما را دشمن بدارد از دوستان ما نخواهد بود. (1)

حدیث 11: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام): لَا يَجْتَمِعُ حُبُّنَا وَحُبُّ عَدُوِّنَا فِي جَوْفِ إِنْسَانٍ

حدیث 11: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روایتی فرمودند: دوستی ما و دوستی دشمنان ما در یک دل جمع نمی شود. (2)

حدیث 12: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حُمَيْدِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّديِّ عَنْ كَثِيرِ بْنِ عِيَّاشٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ»... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «فَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ»... فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ حُبَّتَنَا فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ فَإِنْ شَارَكَ فِي حُبِّنَا عَدُوَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُ وَاللَّهُ عَدُوُّهُ وَ جَبْرَيْلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ اللَّهُ عَدُوُّ لِلْكَافِرِينَ.

حدیث 12: حدیثی از امام صادق (علیه السلام) در ذیل فرمایش پروردگار روایت شده است «ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه» (3) خداوند در باطن آدمی دو قلب قرار نداده.... «فَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ» (4)

و جایگاه متکبران بسیار بد منزلگاهی است فرمودند: ... هر که بخوهد بداند ما را دوست دارد یا نه؟ می تواند قلب خود را آزمایش کند، اگر در قلب او با دوستی ما، دوستی دشمن ما هم شرکت دارد پس از ما

ص: 365

1- . الأماي للمفيد مجلس 39 ح 4 . الأماي للطوسي ص 113 المجلس الرابع ح 26، كشف الغمة في معرفة الأئمة ج 1 ص 382 فصل في ذكر مناقب شتى و أحاديث متفرقة أوردها الرواة و المحدثون و أخبار و آثار دالة على ما نحن بصدد من ذكر فضله ح 11، بشارة المصطفى لشيعه المرتضى ج 2 ص 46 كتاب أمير المؤمنين ع إلى محمد بن أبي بكر بولاية مصر ح 2،

2- . تفسير القمي: ج 2 ص 171، 33 سورة الأحزاب مدنية ثلاث و سبعون آية 73. البرهان في تفسير القرآن ج 4 ص 410 [سورة الأحزاب (33): الآيات 4 الى 5] ح 8518، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 440 [سورة الأحزاب (33): آية 4] ح 2، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب ج 10 ص 313 [سورة الأحزاب (33): الآيات 2 الى 5] ح 7، الغارات ج 2 ص 913 التعليقة 65 حول حدیث: «نحن النجباء و أفرطنا أفرط الأنبياء» ح 8، تفسير نور الثقلين ج 4 ص 234 [سورة الأحزاب (33): الآيات 1 الى 8] ح 7

3- . احزاب آیه 4.

4- . نحل آیه 29.

نیست و ما از او نیستیم و خداوند عزوجل و جبرئیل (علیه السلام) و میکائیل (علیه السلام) دشمن او هستند و خداوند دشمن کافران است. (1)

حدیث 13: قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام): صَدِيقُ عَدُوِّ عَلِيٍّ عَدُوٌّ عَلَيَّ

حدیث 13: امام صادق (علیه السلام): دوستِ دشمنِ علی (علیه السلام)، دشمنِ علی (علیه السلام) باشد. (2)

حدیث 14: أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ عَبْدِ اللَّهِ الدَّارِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدِ الْقَمَّاطِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): مَنْ لَمْ يَعْرِفْ سُوءَ مَا أُوتِيَ إِلَيْنَا مِنْ ظُلْمِنَا وَ ذَهَابِ حَقِّنَا وَ مَا نُكَيْبِنَا بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ مِنْ أَبِي إِلَيْنَا فِيمَا وَلَّيْنَاهُ.

حدیث 14: امام صادق (علیه السلام): کسی که نفهمد و نشناسد آن چه را که بر ما وارد شد و از ظلمی که بر ما روا شد و حقی که از دست ما رفت و ... پس او شریک با ظالمین است. (3) حدیث 15: مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ مَسَائِلِ الرَّجَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ زِيَادٍ وَ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَيْسَى قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) أَسْأَلُهُ عَنِ النَّاصِبِ هَلْ أَحْتَاجُ فِي امْتِحَانِهِ إِلَى أَكْثَرِ مَنْ تَقْدِيمِهِ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اعْتِقَادِ إِمَامَتِهِمَا فَرَجَعَ الْجَوَابُ مَنْ كَانَ عَلَى هَذَا فَهُوَ نَاصِبٌ.*

حدیث 15: موسی بن محمد گوید: به ابو الحسن (علیه السلام) نوشتیم: آیا ناصبی جز اینکه جبت و طاغوت را بر علی (علیه السلام) در امامت مقدم می دارد علامت دیگری هم دارد، حضرت فرمودند: مقدم داشتن دیگران بر علی (علیه السلام) یکی از دلائل نصب است و

ص: 366

1- . البرهان في تفسير القرآن ج 4 ص 410 [سورة الأحزاب(33): الآيات 4 الى 5] ح 8517، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 440 [سورة الأحزاب(33): آية 4] ص : 439 ح 1، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب ج 10 ص 315 [سورة الأحزاب(33): الآيات 2 الى 5] ح 9

2- . الإختصاص ص 252 باب في بيان جملة من الحكم و المواعظ و الوصايا عنهم ع

3- . عقاب الأعمال: عقاب الناصب و الجاحد لأمر المؤمنين ع و الشاك فيه و المنكر له ح 6،.

حدیث 16: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) مَنْ شَكَّ فِي كُفْرِ أَعْدَائِنَا وَ الظَّالِمِينَ لَنَا فَهُوَ كَافِرٌ.

حدیث 16: امام صادق (عليه السلام): هر که شك در كفر دشمنان و ظالمين به ما داشته باشد كافر است. (2)

دشمنان ایشان در قرآن حدیث 17: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ [عَبْدِ اللَّهِ] بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ [بْنِ حَمَزَةَ] بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ الْحُسَيْنِ [الْحَسَنِ] بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَصَّاحٍ وَ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ جَمِيعِهِمْ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ» (3) يَعْنِي فِي الْخَلْقِ أَنَّهُ مِثْلُهُمْ مَخْلُوقٌ «يُوحَى إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (4) قَالَ لَا يَتَّخِذُ مَعَ وَ لَآيَةِ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) غَيْرُهُمْ وَ لَا يَتَّبِعُهُمُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فَمَنْ أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ فَقَدْ أَشْرَكَ بِوَلَايَتِنَا وَ كَفَرَ بِهَا وَ جَحَدَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) حَقَّهُ وَ لَا يَتَّبِعُهُ قَوْلُهُ «الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي» (5) قَالَ يَعْنِي بِالذِّكْرِ وَ لَآيَةِ عَلِيِّ (عليه السلام) وَ هُوَ قَوْلُهُ ذِكْرِي قُلْتُ قَوْلُهُ «لَا يَسَّ تَطْبِعُونَ سَمْعًا» (6) قَالَ كَانُوا لَا يَسَّ تَطْبِعُونَ إِذَا ذَكَرَ عَلِيٌّ (عليه السلام) عِنْدَهُمْ أَنْ يَسْمَعُوا ذِكْرَهُ لِشِدَّةِ بُغْضِ لَهُ وَ عِدَاوَةِ مِنْهُمْ لَهُ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ قُلْتُ قَوْلُهُ «أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ

يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ

ص: 367

1- . السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (والمستطرفات) ج 3 ص 583 و من ذلك ما استطرفناه من كتاب مسائل الرجال ح 12، وسائل الشيعة ج 9 ص 491 باب 2 باب وجوب الخمس في غنائم دار الحرب و في مال الحربي و الناصب و عدم وجوبه في غير الأشياء المنصوصة و أنه يجب مرة واحدة ح 12559

2- . وسائل الشيعة ج 28 ص 345 باب 10 باب جملة مما يثبت به الكفر و الارتداد ح 34923 اعتقادات الإمامية للصدوق ص 104 باب 38 الاعتقاد في الظالمين ح 7

3- . الكهف آية 110

4- . الكهف آية 110

5- . الكهف آية 101

6- . الكهف آية 101

لِلْكَافِرِينَ نُزْلًا» (1) قَالَ يَغْنِيهِمَا وَ أَشْيَاعُهُمَا الَّذِينَ اتَّخَذُوهُمَا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ.....

حدیث 17: از امام صادق (علیه السلام) در باره آیه «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» پرسیدم، فرمودند: یعنی من مثل شما هستم از جهت خلق و آفرینش «يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» و فرمود: با ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله) ولایت دیگری را نپذیرید ولایت این خاندان عمل صالح است هر که شریک برای عبادت خدا بگیرد شریک برای ولایتا گرفته و کافر شده و منکر حق امیر المؤمنین (علیه السلام) و ولایت اوست. عرضه داشتیم «الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي» فرمودند: منظور از ذکر ولایت علی (علیه السلام) است عرضه داشتیم «لَا يَسْتَتِيعُونَ سَمْعًا» فرمودند: وقتی سخن از علی (علیه السلام) پیش آنها می شد تاب شنیدن آن را نداشتند به واسطه شدت کینه و دشمنی با او و خاندانش عرضه داشتیم «أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزْلًا» فرمود: منظور از آیه آن دو نفر و پیروان آنها است که ایشان را در مقابل خدا رهبر خویش گرفته اند و گمان می کنند که دوست داشتن آن دو سبب نجاتشان می شود..... (2)

حدیث 18: مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» قَالَ الْأَبْرَارُ نَحْنُ هُمْ وَ الْفُجَّارُ هُمْ عَدُوْنَا

حدیث 18: ابو حمزه از امام باقر (علیه السلام) نقل کرد در باره آیه «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ، وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (3) فرمود: ابرار ما هستیم و فجار دشمنان ما. (4)

حدیث 19: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدٍ

ص: 368

1- . الكهف آية 102

2- [1]. تفسير القمي ج 2 ص 47 [سورة الكهف(18): الآيات 99 الى 110] ح18، تفسير نور الثقلين ج 3 ص 314 [سورة الكهف(18): الآيات 101 الى 110] ح258، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب ج 8 ص 179 [سورة الكهف(18): الآيات 109 الى 110]

3- . الانفطار الآيات 13 الى 14

4- . تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة 746 [سورة الانفطار(82): الآيات 13 الى 14] ح1، البرهان في تفسير القرآن ج 5 ص 602 [سورة الانفطار(82): الآيات 9 الى 19] ح11445، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب ج 14 ص 172 [سورة الانفطار(82): الآيات 1 الى 19]

الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي (عليه السلام) قَالَ: فِي

قَوْلِهِ تَعَالَى « كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِينٍ » الَّذِينَ فَجَرُوا فِي حَقِّ الْأَيِّمَةِ وَاعْتَدُوا عَلَيْهِمْ

حدیث 19: امام کاظم (علیه السلام) در تفسیر آیه « کَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِينٍ » (1) نه چنان است بلکه نامه بدکاران در سجین است فرمودند: درباره کسانی است که فسق و فجور کردند و غصب کردند حق ائمه (علیهم اسلام) را و گرفتند منصب ایشان را. (2)

حدیث 20: أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ بِإِسْنَادِهِ إِلَى الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَدُوْنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ الْفَحْشَاءُ وَ الْمُنْكَرُ وَ الْبَغْيُ وَ الْأَصْنَامُ وَ الْأَوْثَانُ وَ الْحِبْتُ وَ الطَّاغُوتُ.

حدیث 20: امام صادق (علیه السلام) می فرماید: دشمنان ما در قرآن مجید به نام های فحشاء و منکر و بغي، و اصنام و اوثان و جبت و طاغوت نامیده شده اند. (3)

توضیح: طاغوت شیطان و بت ها و هر معبودی جز خدا و هر فرمانروای باطلی غیر اولیاء خدا است ائمه (علیهم اسلام) از دشمنان خود در بیشتر از روایات و زیارات کبیر، تعبیر به جبت و طاغوت ولات و عزی کرده اند.

حدیث 21: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «... يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ» بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ فَرَضَ اللَّهُ إِمَامَتَهُ وَ اعْتِقَادِ إِمَامَةٍ مَنْ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ مُخَالَفَتَهُ أَوْلِيكَ أَهْلُ هَذِهِ الصِّفَةِ «هُمُ الْخَاسِرُونَ» خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ لَمَّا صَارُوا إِلَى النَّيْرَانِ وَ حَرِمُوا الْجَنَانَ فَيَا لَهَا مِنْ خَسَارَةٍ أَلَزَمَتْهُمْ عَذَابَ الْأَبَدِ وَ حَرَمَتْهُمْ نَعِيمَ الْأَبَدِ حدیث 21: از امام باقر (علیه السلام) سوال شد درباره آیه «وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ» (4) فرمود: در زمین تبهکاری می کنند با دشمنی نسبت به کسانی که امامت آنها از جانب خدا تعیین شده و اعتقاد به امامت کسانی که خداوند مخالفت با آنها را لازم شمرده

ص: 369

1- . سورة مطففين آیه 7

2- . الكافي ج 1 ص 435 باب فيه نكت و نتف من التنزيل في الولاية ح 91 ضمن يك حديث طولاني، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام لابن شهر آشوب ج 4 ص 284 فصل المقدمات ح 15، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 748 [سورة المطففين (83): آية 7] ح 2

3- [3] تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب ج 1 ص 5 مقدمة المؤلف ح 6، البرهان في تفسير القرآن ج 1 ص 52 باب 10 في ما عني به الأئمة في القرآن ح 181، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی) ج 9 ص 247 المعنى، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 22 مقدمة المؤلف ح 2

4- [1] البقرة آية 27

«أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (1) چنین اشخاصی زیان کرده اند چون رهسپار جهنم می شوند و از بهشت محرومند وای چه زبانی که برای همیشه انسان را در عذاب قرار دهد و

برای همیشه از نعمت محروم نماید. (2)

حدیث 22: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنِ الْإِسْدِ بِنِطَاعَةٍ وَقَوْلِ النَّاسِ فَقَالَ وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» يَا أَبَا عُبَيْدَةَ النَّاسُ مُخْتَلِفُونَ فِي إِصَابَةِ الْقَوْلِ وَكُلُّهُمْ هَالِكٌ قَالَ قُلْتُ قَوْلُهُ «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ» قَالَ هُمْ شَيْءٌ يَعْتَنَّا وَلِرَحْمَتِهِ خَلَقَهُمْ وَهُوَ قَوْلُهُ «وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» يَقُولُ لِبِطَاعَةِ الْإِمَامِ الرَّحْمَةِ الَّتِي يَقُولُ «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» يَقُولُ عِلْمُ الْإِمَامِ وَوَسِعَ عِلْمُهُ الَّذِي هُوَ مِنْ عِلْمِهِ كُلُّ شَيْءٍ هُمْ شَيْءٌ يَعْتَنَّا ثُمَّ قَالَ «فَسَاكُنْبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ» يَعْنِي وَلَا يَتَّعَى غَيْرَ الْإِمَامِ وَطَاعَتُهُ ثُمَّ قَالَ «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» يَعْنِي النَّبِيَّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَالْوَصِيَّ وَالْقَائِمَ «يَأْمُرُهُمُ بِالْمَعْرُوفِ» إِذَا قَامَ «وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ» وَالْمُنْكَرُ مَنْ أَنْكَرَ فَضْلَ الْإِمَامِ وَجَحْدَهُ «وَيُجَلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ» أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ «وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» وَالْخَبَائِثُ قَوْلٌ مَنْ خَالَفَ «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ» وَهِيَ الذُّنُوبُ الَّتِي كَانُوا فِيهَا قَبْلَ مَعْرِفَتِهِمْ فَضَّلَ الْإِمَامَ «وَالْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» وَالْأَعْلَالُ مَا كَانُوا يَقُولُونَ مِمَّا لَمْ يَكُونُوا أُمْرًا بِهِ مِنْ تَرْكِ فَضْلِ الْإِمَامِ فَلَمَّا عَرَفُوا فَضْلَ الْإِمَامِ وَضَعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْإِصْرُ الذَّنْبُ وَهِيَ الْأَصَارُ ثُمَّ نَسَبَهُمْ فَقَالَ «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ» يَعْنِي بِالْإِمَامِ «وَعَزَّوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ

ص: 370

1- [2] البقرة آية 27

2- [3] التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 207 [حدیث صلة الرحم، وأن صلة رحم آل محمد ص أوجب:] ح 96، البرهان في تفسير القرآن ج 1 ص 159 [سورة البقرة (2): الآيات 26 الى 27] ح 361

الْمُفْلِحُونَ» يَعْنِي الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا» وَالْجِبْتُ وَالطَّاغُوتُ فُلَانٌ وَفُلَانٌ وَالْعِبَادَةُ طَاعَةُ النَّاسِ لَهُمْ ثُمَّ قَالَ «أَنْبِئُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ» ثُمَّ جَزَاهُمْ فَقَالَ «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» وَالْإِمَامُ يُبَشِّرُهُمْ بِقِيَامِ الْقَائِمِ وَيَطْهَرُهُ وَبِقَتْلِ أَعْدَائِهِمْ وَبِالنَّجَاةِ فِي الْآخِرَةِ وَالْوُرُودِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَى الْحَوْضِ.

حدیث 22: ابو عبیده حذاء گوید: از امام باقر (علیه السلام) راجع به استطاعت و گفتار مردم در آن باره پرسیدم حضرت این آیه را تلاوت نمود «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (1) مردم پیوسته مختلف خواهند بود (از لحاظ عقیده)، جز آنکه را پروردگارت ترحم کند (و به راه حق هدایتش فرماید) و ایشان را برای ترحم آفریده و فرمود: ای ابا عبیده! مردم در رسیدن به قول حق مختلفند و همگی در هلاکتند (حق را کنار گذاشته از باطل ها پیروی می کنند) من عرضه داشتم: خدا می فرماید «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ» (2) جز کسی را که پروردگارت ترحم کند؟ فرمود: آنها شیعیان ما هستند و خدا آنها را برای رحمتش آفریده، از این رو فرمود «وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (3) برای آن، آنها را آفریدست یعنی برای اطاعت امام آفرید و امام همان رحمتی است که خدا می فرماید «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (4) رحمت من همه چیز را فرا گرفته آن رحمت علم امامست و علم امام که مأخوذ از علم خداست همه چیز را فرا گرفته آنها شیعیان ما هستند (که علم امام آنها را فرا گرفته و دیگران چون از علم امام بهره نمی نبرند، آنها را فرا نمی گیرد). سپس خدای تعالی فرماید «فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ نَحْنُ» (5) رحمت خدا را برای کسانی که پرهیز کنند مقرر می دارد یعنی از ولایت و طاعت غیر امام پرهیز کنند، سپس فرماید «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» (6) او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند مقصود از او پیغمبر و

ص: 371

1- [1] هود الآيات 118 الى 119

2- [2] هود آية 119

3- [3] هود آية 119

4- [4] الاعراف آية 156

5- [1] الاعراف آية 156

6- [2] الاعراف آية 157

وصییش و امام قائم است «يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ» (1) که ایشان را امر به معروف می کنند (زمانی که قیام فرماید) «وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ» (2) و از منکر بازشان می دارد و منکر کسی است که فضیلت امام را نپذیرد و منکر شود «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ» (3) و حلال کند بر ایشان طیبات را (یعنی فرا گرفتن علم را از اهلش) «وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» (4) و حرام کند بر آنها خبائث را (گفته مخالف را) «وَيَصَدِّعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ» (5) و بنهد از دوش آنها بار سنگین را که به دوش دارند (و این بار سنگین گناهانی است که قبل از معرفت فضل امام مرتکب بودند) «وَالْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (6) و زنجیرهای گرانی که بر دوش داشتند (و آن همان گفتارشان بود نسبت به ترك فضل امام که مأمور بدان نبودند، و چون فضل امام را شناختند و فهمیدند خداوند بار سنگین را از دوش آنها بنهاد که همان گناهانشان بود) سپس خدای تعالی آنها را معرفی کرده و فرموده است «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ» (7) کسانی که به او ایمان آورده یعنی به امام «وَعَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (8) و گرامیش داشته و یاریش کرده اند و از نوری که همراه او نازل شده پیروی کرده اند ایشان رستگاراند «الطَّاعُونَ أَنْ يَعْبُدُوهَا» (9) یعنی کسانی که از پرستش جبت و طاغوت دوری گزیدند و جبت و طاغوت. فلان و فلان و فلان است و پرستش، اطاعت مردم است از ایشان. باز خدا فرماید «أَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ» (10) به سوی پروردگار خود باز گردید و تسلیم او شوید سپس ایشان را پاداش داده و فرموده «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (11) بشارت در زندگی دنیا و آخرت برای آنهاست و امام ایشان را به قیام و ظهور حضرت قائم و به کشته شدن دشمنانشان و نجات در آخرت و ورود بر محمد صلی الله علی محمد و آلِهِ الصَّادِقِينَ بشارت دهد. (12)

ص: 372

1- [3] الاعراف آية 157

2- [4] الاعراف آية 157

3- [5] الاعراف آية 157

4- [6] الاعراف آية 157

5- [7] الاعراف آية 157

6- [8] الاعراف آية 157

7- [9] الاعراف آية 157

8- [1] الاعراف آية 157

9- [2] الزمر آية 17

10- [3] الزمر آية 54

11- [4] يونس آية 64

12- . الكافي ج 1 ص 429 باب فيه نكت و نتف من التنزيل في الولاية ح 83

حدیث 23: أَقُولُ رُوِيَ فِي بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَاصِمٍ الْكُوفِيِّ الْأَعْمَى قَالَ... قَالَ عَلِيُّ بْنُ عَاصِمٍ فَأَهْوَيْتُ عَلَى الْأَقْدَامِ كُلِّهَا فَتَقَبَّلَتْهَا وَقَبَلْتُ يَدَ الْإِمَامِ وَقُلْتُ لَهُ إِنَّي عَاجِزٌ عَنْ نَصْرِ رَبِّكُمْ بِيَدِي وَلَيْسَ أَمْلِكُ غَيْرَ مُوَالَاتِكُمْ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَاللَّعْنِ لَهُمْ فِي خَلَوَاتِي فَكَيْفَ حَالِي يَا سَيِّدِي فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ مَنْ ضَعَفَ عَلَى نُصْرَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ لَعَنَ فِي خَلَوَاتِهِ أَعْدَاءَنَا بَلَغَ اللَّهُ صَوْتَهُ إِلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ فَكَلَّمَهَا لَعَنَ أَحَدَكُمْ أَعْدَاءَنَا صَاعِدَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ لَعَنُوا مَنْ لَا يَلْعَنُهُمْ فَإِذَا بَلَغَ صَوْتُهُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ اسْتَغْفَرُوا لَهُ وَ أَثْنُوا عَلَيْهِ وَ قَالُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ عَبْدِكَ هَذَا الَّذِي بَدَلَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَانِهِ جُهْدَهُ وَ لَوْ قَدَرَ عَلَى أَكْثَرِ مَنْ ذَلِكَ لَفَعَلَ فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ تَعَالَى يَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي إِنَّي قَدْ أَحْبَبْتُ [أَجَبْتُ]

دُعَاءَكُمْ فِي عَبْدِي هَذَا وَ سَمِعْتُ نِدَاءَكُمْ وَ صَلَّيْتُ عَلَى

رُوحِهِ مَعَ أَرْوَاحِ الْأَبْرَارِ وَ جَعَلْتُهُ مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ.

حدیث 23: مردی خدمت امام صادق (علیه السلام) عرضه داشت: من عاجزم از این که با بدن خود شما را یاری کنم جز بیزاری از دشمنان شما و لعنت بر آن ها کاری از دستم نمی آید حال من چگونه است؟ امام صادق (علیه السلام) در جواب او فرمود: پدرم از پدرش از جدش از پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) نقل کرد که فرمود: هر که ناتوان باشد از یاری ما اهل بیت (علیهم السلام) ولی در خلوت دشمنان ما را لعنت کند خداوند صدای او را به تمامی ملائکه از زمین تا عرش می رساند، هر وقت او لعنت کند با او هم زبان می شوند و

کسی را که او لعنت می کند آن ها نیز لعنت کنند بعد او را می ستایند و می گویند: خدایا! درود فرست از جانب خود بر این شخص که به اندازه قدرت خود خدمت کرد، اگر بیشتر می توانست انجام می داد. ندائی از جانب پروردگار بر می آید که دعای شما را پذیرفتم و صدایتان را شنیدم درود بر روح او فرستادم. در میان ارواح و او را در نزد خود از برگزیدگان نیک سیرت قرار دادم. (1)

حدیث 24: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): أَكَيْسُ الْكَيْسِيِّينَ مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ... فَإِنْ ذَكَرَ أَنَّهُ جَرَى مِنْهُ خَيْرٌ حَمِدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَكَبَّرَهُ عَلَى تَوْفِيقِهِ وَإِنْ ذَكَرَ مَعْصِيَةً أَوْ تَقْصِيرًا أَسَّ تَغْفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَعَزَمَ عَلَى تَرْكِ مُعَاوَدَتِهِ وَمَحَا ذَلِكَ عَنْ نَفْسِهِ بِتَجْدِيدِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَرْضِ بَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى نَفْسِهِ وَقَبُولِهَا وَإِعَادَةِ لَعْنِ شَانِيئِهِ وَأَعْدَائِهِ وَدَافِعِيهِ عَنْ حُقُوقِهِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ حَدِيثُ 24: امام عسکری (علیه السلام): زیرک ترین مردم کسی باشد که هر روز اعمال خود را از خاطر بگذراند و برای بعد از مرگ کار کند،... اگر همه کارهایش خوب بوده سپاس و ستایش پروردگار نماید که او را به انجام دادن آن ها موفق نموده، و اگر در پرونده عملش نافرمانی، خطا و تقصیر مشاهده کرد از خداوند طلب مغفرت نموده و تصمیم بگیرد دوباره آن گناهان را مرتکب نشود، و این گناه را با تکرار صلوات و عرضه کردن ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر نفس و پذیرش آن، و اظهار لعن و نفرت از دشمنانش که حقش را غصب کرده و او را از مقامش محروم نمودند از صفحه اعمالش پاک کند. (2)

توضیح: مقصود از عرضه کردن ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر نفس اینست که دیگر مرتکب آن گناه نشود زیرا ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) حاصل نمی شود جز با وَرَع که همان دوری از گناهان و ترک آنها می باشد و همچنین مراقبت

ص: 374

1- . بحار الأنوار ج 50 ص 316 باب 4 مکارم أخلاقه و نوادر أحواله و ما جرى بينه و بين خلفاء الجور و غيرهم و أحوال أصحابه و أهل زمانه صلوات الله عليه ضمن ح 13.

2- . المناقب للعلوي الكتاب العتيق ص 177 فصل في حديث الكيس و الأحمق ح 49، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 28 [سورة الفاتحة (1): الآيات 3 الى 4] ح 5، التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام 39 [سورة الفاتحة (1): آية 4] ح 14، مجموعة ورام ج 2 ص 95 الجزء الثاني

بر انجام واجبات و اطاعت از خداوند و اینست حقیقت ولایت ائمه معصومین (علیهم السلام) هرکسی نمی تواند ادعای محبت و ولایت ائمه معصومین (علیهم السلام) را داشته باشد مگر آنکه برای ادعای خود دلیلی ارائه کند و این دلیل و نشانه همان پیروی از حضرات معصومین (علیهم السلام) و اقتدا نمودن به ذوات مقدس ایشان است که این تأسی همان مراقبت شدید بر واجبات و انجام مستحبات و ترک مُحَرَّمات است. حدیث 25: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام): ... وَإِنَّ مِنْ عَظِيمٍ مَا يُتَقَرَّبُ بِهِ خِيَارُ أَمْلَاكِ الْحُجُبِ وَالسَّمَاوَاتِ الصَّلَاةَ عَلَيَّ مُحِبِّينَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام) وَاللَّعْنَ لِسَائِبِنَا

حدیث 25: نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: ... به درستی که بالا ترین چیزی که برای بهترین ملائکه آسمان ها و ملکوت باعث تقرب به خداوند تعالی می شود، درود بر محبّین اهل بیت (علیهم السلام) و لعن بر دشمنان ایشان است (1)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَّانِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِذَا اسْتَسَقَى الْمَاءَ فَلَمَّا شَرِبَهُ رَأَيْتُهُ قَدْ اسْتَعْبَرَ وَاعْرُورَقَتْ عَيْنَاهُ بِدُمُوعِهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا دَاوُدُ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَمَا مِنْ عَبْدٍ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَكَرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَلَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَحَطَّ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَكَأَنَّمَا أُعْتِقَ مِائَةَ أَلْفِ نَسَمَةٍ وَحَسْرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَلِجَ الْفُؤَادِ.

از داود رقّی می گوید: در محضر مبارک امام صادق (علیه السلام) بودم، حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند دیدم در حضرت حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک شد سپس به من فرمودند: ای داود! خدا قاتل حسین (علیه السلام) را لعنت کند، بنده ای نیست که آب نوشیده و حسین (علیه السلام) را یاد نموده و کشنده اش را

ص: 375

1- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 616 [سورة البقرة(2): آية 203] ح 361

لعنت کند مگر آنکه خداوند متان صد هزار حسنه برای او منظور می کند و صد هزار گناه از او محو کرده و صد هزار درجه مقامش را بالا برده و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حق تعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشورش می کند. (1)

در اهمیت تبری از دشمنان ایشان

حدیث 26: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ وَوَالٍ فِي اللَّهِ وَعَادٍ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تُتَالُ وَلَا يَهُ اللَّهُ إِلَّا بِذَلِكَ وَ لَا يَجِدُ رَجُلٌ طَعَمَ الْإِيمَانَ وَإِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ وَقَدْ صَارَتْ مَوَاحَاةَ النَّاسِ يَوْمَكُمْ هَذَا أَكْثَرَهَا فِي الدُّنْيَا عَلَيْهَا يَتَوَادِدُونَ [يَتَوَادِدُونَ] وَعَلَيْهَا يَتَبَاغَضُونَ وَ ذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً فَقَالَ لَهُ وَ كَيْفَ لِي أَنْ أَعْلَمَ أَنِّي قَدْ وَالَيْتُ وَ عَادَيْتُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ وَلِيَّ اللَّهُ تَعَالَى حَتَّى أُوَالِيَهُ وَ مَنْ عَدُوَّهُ حَتَّى أُعَادِيَهُ فَأَشَارَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِلَى عَلِيِّ (عليه السلام) فَقَالَ أَ تَرَى هَذَا فَقَالَ بَلَى قَالَ وَلِيَّ هَذَا وَلِيَّ اللَّهُ فَوَالِهِ وَ عَدُوُّ هَذَا عَدُوُّ اللَّهِ فَعَادِهِ ثُمَّ قَالَ وَالٍ وَلِيَّ هَذَا وَ لَوْ أَنَّهُ قَاتَلَ أَبِيكَ وَ وَلَدِكَ وَ عَادِ عَدُوَّ هَذَا وَ لَوْ أَنَّهُ أَبُوكَ وَ وَلَدَكَ

ص: 376

حدیث 26: نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به اصحابش فرمودند: ای بندهی خدا! دوست بدار به خاطر خدا و دشمن بدار به خاطر خدا و دوست بگیر به خاطر خدا و دشمن بگیر به خاطر خدا، پس به درستی که ولایت خدا به کسی نمی رسد. مگر از این راه و کسی طعم ایمان را نمی چشد اگر چه نماز و روزه زیاد به جا آورد، مگر از راه تولی و تبری و امروز بیشترین دوستی ها و دشمنی های مردم به خاطر دنیاست و این دوستی و دشمنی دنیایی ذره ای پیش خداوند تعالی ارزش ندارد. راوی عرضه داشت: چگونه بدانم دوستی و دشمنی من به خاطر خداست، دوست خدا کیست تا او را دوست بدارم و دشمن خدا کیست تا او را دشمن بدارم؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به سویی مولای ما امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) اشاره کرده و فرمودند: آیا علی (علیه السلام) را می بینی؟ راوی گفت: بله پس فرمودند: دوست بدار دوست علی (علیه السلام) را چون دوست علی، ولی الله است و دشمن بدار، دشمن علی (علیه السلام) را، چرا که دشمن علی، عدو الله است سپس در ادامه فرمودند: دوست بدار دوست علی (علیه السلام) را هر چند آن که قاتل پدر و فرزندان تو باشد و دشمن بدار دشمن علی (علیه السلام) را هر چند او پدر و فرزندان باشند. (1)

حدیث 27: وَرُويَ عَنِ الرَّضَا (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ: كَمَالَ الدِّينِ وَلَايَتُنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا

حدیث 27: امام رضا (علیه السلام): کمال دین ولایت ما و برائت از دشمنان ماست. (2) حدیث 28: عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَا أَبَا حَمْرَةَ إِنَّمَا يَعْبُدُ اللَّهَ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ أَمَا مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ كَأَنَّمَا يَعْبُدُ غَيْرَهُ هَكَذَا ضَالًّا قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَ مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ يُصَدِّقُ اللَّهَ وَ يُصَدِّقُ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله) رَسُولَ اللَّهِ فِي مَوَالَاةِ عَلِيٍّ وَ الْإِيْتِمَامِ بِهِ وَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى مِنْ بَعْدِهِ وَ الْبِرَاءَةِ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ كَذَلِكَ عِرْفَانُ اللَّهِ قَالَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَيُّ شَيْءٍ إِذَا عَمِلْتُهُ أَنَا

ص: 377

1- . علل الشرائع ج 1 ص 140 باب 1 علة وجوب الحب في الله و البغض فيه و الموالاة ح 1، الأمالي للصدوق ص 11 المجلس الثالث ح 7، عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 1 ص 291 باب 28 باب فيما جاء عن الإمام علي بن موسى ع من الأخبار المتفرقة ح 41، معاني الأخبار ص 37 باب معنى الصراط ح 9

2- . السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (و المستطرفات) ج 3 ص 640 و مما استطرفناه من كتاب أنس العالم تصنيف الصفواني، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی) ج 9 ص 76 الفصل الرابع في الأمر بالتواضع و التسليم و الانقياد لله سبحانه ، الإختصاص ص 319 باب في أن الأرض تطوى لهم ع ، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 401 باب 12 باب ما أعطي الأئمة من القدرة أن يسيروا في الأرض ح 15 با اندكي اختلاف

اسْتَكْمَلْتُ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ قَالَ تَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَتُعَادِي أَعْدَاءِ اللَّهِ وَتَكُونُ مَعَ الصَّادِقِينَ كَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ قَالَ قُلْتُ وَمَنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَقَالَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَسُولُهُ) وَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ثُمَّ انْتَهَى الْأَمْرُ إِلَيْنَا ثُمَّ ابْنِي جَعْفَرٌ وَأَوْمَأَ إِلَيَّ جَعْفَرٌ وَهُوَ جَالِسٌ فَمَنْ وَالِي هَؤُلَاءِ فَقَدَّ وَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَكَانَ مَعَ الصَّادِقِينَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ قُلْتُ وَمَنْ أَعْدَاءُ اللَّهِ أَصْحَابُ لِحَاكِ اللَّهِ قَالَ الْأَوْثَانُ الْأَرْبَعَةُ قَالَ قُلْتُ مَنْ هُمْ قَالَ أَبُو الْفِصِيلِ وَرُمَعٌ وَنَعْتَلٌ وَمُعَاوِيَةَ وَ مَنْ دَانَ دِينَهُمْ فَمَنْ عَادَى هَؤُلَاءِ فَقَدَّ عَادَى أَعْدَاءَ اللَّهِ

حدیث 28: امام باقر (علیه السلام): ای اباحمزه! همانا کسی (واقعا) بندگان خدا را می کند که شناخت به او داشته باشد. و اما کسی که شناخت به او ندارد مانند کسی است که عبادت و بندگی غیر او را می کند این چنین که مخالفین را در گمراهی می بینی. ابوحمزه می گوید عرضه داشتیم: خدا امور شما را اصلاح فرماید معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: شناخت خدا و معرفت به او چنین است که پیروی کند از امیر مومنان علی (علیه السلام) و اقتدا نماید به او و پیشوایان هدایت که همان امامان بعد از اویند، و برائت و بیزاری از دشمنان ایشان به سوی خدا، و تایید و تصدیق خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) را بکند. ابوحمزه می گوید: عرضه داشتیم: خدا امور شما را اصلاح فرماید، چه عملی را انجام دهم تا حقیقت ایمان را در خود کامل کنم؟ حضرت فرمودند: دوستی کن با دوستان خدا و دشمنی کن با دشمنان خدا و با راستگویان باش همانطور که خدا تو را امر فرمود. «وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1) ابوحمزه گوید عرضه داشتیم: دوستان خدا چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: دوستان خدا حضرت محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و علی بن حسین (علیه السلام) پس امر منتهی به ما می شود و سپس به سوی فرزندشان

ص: 378

جعفر(عليه السلام) اشاره نمود و فرمودند: پس هر که دوست بدارد ایشان را همانا دوستدار دوستان خداست و با راستگويان است. همانطور که خدا به او فرمان داده است. ابو حمزه گوید: عرضه داشتيم: خدا امور شما را اصلاح فرمايد، دشمنان خدا چه کساني هستند؟ حضرت فرمود: چهار بت هستند. عرض کردم: چه کساني هستند؟ فرمودند: أَبُو الْفَصِيلِ وَ رَمَعٌ وَ نَعْتَلٌ وَ مُعَاوِيَةُ وَ هر که متدين به دين آنها باشد. پس هر که با آنان دشمني کند همانا با دشمنان خدا دشمني کرده است. (1)

حديث 29: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ وَسِ النَّيسَابُورِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بَنِي سَابُورَ فِي شَدَّ عُبَانَ سِنَّةَ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيسَابُورِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ: ... قَالَ الرِّضَا (عليه السلام): ... وَ حُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَاجِبٌ وَ كَذَلِكَ بُغْضُ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْهُمْ وَ مِنْ أُمَّتِهِمْ حَدِيث 29: امام رضا(عليه السلام) فرمودند: دوستي اولياء خداوند واجب و لازم است و به همين گونه دشمني و بُغْض دشمنان خدا و برائت و بيزاري جستن از آن ها واجب مي باشد. (2)

حديث 30: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعِجْلِيُّ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّائِعِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) قَالَ: ... حُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ الْوَلَايَةُ لَهُمْ

ص: 379

1- [2]. تفسير العياشي ج 2 ص 116 [سورة التوبة(9): آية 119] ص : 116، البرهان في تفسير القرآن ج 2 ص 864 [سورة التوبة(9): آية 119] ح 4793

2- . وسائل الشيعة ج 16 ص 169 باب 15 وجوب الحب في الله و البغض في الله و الإعطاء في الله و المنع في الله ح 21258، عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 124 باب 35 ما كتبه الرضا ع للمأمون في محض الإسلام و شرائع الدين ح 1، الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل) ج 1 ص 445 باب 115 باب وجوب بغض أعداء الله و البراءة منهم و من أئمتهم ح 622

وَاجِبَةٌ وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَاجِبَةٌ وَمِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) وَ هَتَكُوا حِجَابَهُ فَأَخَذُوا مِنْ فَاطِمَةَ B فَدَكَ وَ مَنَعُوهَا مِيرَاثَهَا وَ غَضَبُوهَا وَ زَوَّجَهَا حُقُوقَهُمَا وَ هَمُّوهَا بِإِحْرَاقِ بَيْتِهَا وَ أَسَسُوا الظُّلْمَ وَ غَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)

وَ الْبِرَاءَةُ مِنَ النَّكَثِينَ وَ الْقَاسِمِ طِينٍ وَ الْمَارِقِينَ وَاجِبَةٌ وَ الْبِرَاءَةُ مِنَ الْأَنْصَابِ وَ الْأَزْلَامِ أَيْمَةَ الضَّلَالِ وَ قَادَةَ الْجَوْرِ كُلِّهِمْ أَوْلِيَهُمْ وَ آخِرِهِمْ وَاجِبَةٌ وَ الْبِرَاءَةُ مِنَ أَشَقَى الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْآخِرِينَ شَقِيحِ عَاقِرِ نَاقَةٍ تَمُودَ قَاتِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَاجِبَةٌ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ جَمِيعِ قَتْلَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ (عليهم السلام) وَاجِبَةٌ

حدیث 30: امام صادق (عليه السلام): دوستي اوليای پروردگار واجب و بيزاري جستن از دشمنان اوليای خدا نیز واجب است. بيزاري از کسانی که به آل پیامبر (صلي الله عليه و آله) ظلم نمودند و نسبت به آنان پرده دري کردند. فدک را از حضرت زهرا B گرفته و او را از ارث محروم داشتند و حقوق او و همسرش را غصب نمودند. و برای آتش زدن خانه حضرت زهرا B همت گماردند و ظلم به آنها را پایه ريزي کرده و سنت رسول الله (صلي الله عليه و آله) را تغيير دادند واجب است. همچنین واجب است بيزاري جستن از ناکثين و قاسطين و مارقين و نیز بيزاري از تمامی انصاب و ازلام و پیشوایان گمراهي و رهبران ظلم از ابتدا تا انتهایشان. و نیز واجب است بيزاري از شقي ترین اولين و شقي ترین آخرين، پی کننده شتر تمود و قاتل امیرالمومنين (عليه السلام) و نیز واجب است بيزاري از تمامی قاتلان اهل بیت (عليهم السلام). (1)

حدیث 31: فَحَدَّثَنِي أَبِي عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): أَنَّهُ سُئِلَ هَلِ الْمَلَائِكَةُ أَكْثَرُ أَمْ بَنُو آدَمَ فَقَالَ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِمَلَائِكَةُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ التُّرَابِ فِي

ص: 380

1- . الخصال ج 2 ص 607 خصال من شرائع الدين ح 9، طرف من الأنباء و المناقب ص 268 و موالاة أولياء الله، محمد و ذريته و الأئمة خاصة، و يتوالى من والاهم و شايعهم، و البراءة و العداوة لمن عاداهم و شاقهم ح 1

الأرضِ وَمَا فِي السَّمَاءِ مَوْضِعَ قَدَمٍ إِلَّا وَفِيهَا مَلَكٌ يُسَبِّحُهُ وَيُقَدِّسُهُ وَلَا فِي الْأَرْضِ شَجَرٌ وَلَا مَدْرٌ إِلَّا وَفِيهَا مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهَا يَأْتِي اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ بِعَمَلِهَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِهَا وَمَا مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا وَيَتَقَرَّبُ كُلُّ يَوْمٍ إِلَى اللَّهِ بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَسْتَغْفِرُ لِمُحِبِّينَا وَيَلْعَنُ أَعْدَاءَنَا وَيَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ إِزْسَالًا

حدیث 31: حماد گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند؟ فرشتگان زیاد هستند یا بنی آدم! فرمود: سوگند به خدائی که جانم در دست او می باشد فرشتگان آسمان ها از عدد خاک های زمین هم زیاد هستند، در آسمان به اندازهی پای آدمی هم جایی نیست که در آن فرشته ای نباشد و آن فرشتگان پیوسته به ذکر و تسبیح و تقدیس مشغول هستند. در زمین هم درختی و گیاهی نیست، مگر این که در کنار آن فرشته ای هست که بر آن موكل می باشد و هر روزی وظائف و اعمال آن ها را می آورد، و خداوند به حال آن ها آگاه است، هر کدام از آن فرشتگان هر روز بهولایت ما خود را به خداوند نزدیک کنند، و برای دوستان ما استغفار نمایند، و دشمنان ما را مورد لعن و نفرین قرار دهند و از خداوند می خواهند که بر آن ها عذاب نازل کند. (1)

نعمتهای خداوند بر دشمنان ایشان حرام است

حدیث 32: قَالَ الرَّسُولُ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): قَالَ كَانَ مَهْرُهَا فِي السَّمَاءِ خُمْسَ الْأَرْضِ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَهَا أَوْ لَوْلِدِهَا مَشَى عَلَيْهَا حَرَامًا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ

حدیث 32: رسول خدا (صلي الله عليه و آله): يا علي! خداوند تبارک و تعالی فاطمه B را به تو تزویج کرد و مهریهی او خمس زمین قرار داد، و لذا حرام است بر کسی که با تو دشمن است بر روی آن راه رود. (2)

ص: 381

1- بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 69 باب 6 باب ما خص الله به الأئمة من آل محمد ص و ولاية الملائكة... ح 9، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 517 [سورة غافر(40): آية 7 ح 5، تفسير القمي ج 2 ص 255 [سورة غافر(40): الآيات 1 الى 10 ح 1، البرهان في تفسير القرآن ج 4 ص 747 [سورة غافر(40): الآيات 6 الى 12 ح 9320

2- روضة الواعظين و بصيرة المتعظين ج 1 ص 147 مجلس في ذكر تزويج فاطمة ع ح 5، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام لابن شهر آشوب ج 3 ص 351 فصل في تزويجها، بحار الأنوار ج 43 ص 113 باب 5 تزويجها صلوات الله عليها... ذیل ح 23

حدیث 33: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ زِيَادٍ الْكَرْخِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ (عليه السلام) يَقُولُ لَوْ أَنَّ عَدُوَّ عَلِيٍّ جَاءَ إِلَى الْفُرَاتِ وَهُوَ يُزِيحُ رَحِيحًا قَدَّاشَ رَفَّ مَاءَهُ عَلَى جَنْبَيْهِ فَتَنَاولَ مِنْهُ شَرْبَةً وَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَإِذَا شَرِبَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا كَانَ ذَلِكَ إِلَّا مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ

حدیث 33: امام صادق (عليه السلام): اگر دشمن علي (عليه السلام) بر لب فرات آید و از آن شربتی نوشد با بسم الله و بعد از آن هم گوید الْحَمْدُ لِلَّهِ مانند اینست که مردار یا خون روان ذبیحه یا گوشت خوک خورده باشد. (1)

حدیث 34: وَ حَدَّثَنِي أَيْضاً السُّلَمِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي الْعَتَكِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَعْقُوبَ الْبَغْدَادِيُّ وَ يُعْرَفُ بِابْنِ نَسَاوِرَانَ بِأَنْطَاكِيَّةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ زِيَادٍ الْخَلَّالُ التُّسْتَرِيُّ بِسْتَرَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ حَمَادٍ الطُّهْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ بْنُ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّبَيْرِيِّ عَنِ عِكْرَةَ [عِكْرَمَةَ] عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَسَنَ فِطْرِ الْمَطَرِ عَنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِسُوءِ رَأْيِهِمْ فِي أَنْبِيَائِهِمْ وَإِنَّهُ حَابِسٌ فِطْرِ الْمَطَرِ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِبُغْضِهِمْ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

حدیث 34: پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) فرمود: خداوند باران را از بنی اسرائیل جلوگیری کرد به واسطه اعتقاد بدی که دربارهی پیامبران خود داشتند و باران را از این امت حبس می کند به واسطه دشمنی آن ها با علی بن ابی طالب (عليه السلام). (2)

ص: 382

1- . الأماالي للصدوق: ص 657 المجلس 94 ح 8.

2- . كنز الفوائد ج 1 ص 148 شرح قوله و لعن آخر أمتكم أولها فصل

حدیث 35: حَدَّثَنِي نُوحُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي حُصَيْنٍ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ حَدَّثَنِي مَيْسَرَةُ بْنُ الرَّبِيعِ عَنْ سُلَيْمَانَ الْأَعْمَشِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) ... يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ وَاصْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ وَإِنَّ وُلَايَتَكَ لَا تُقْبَلُ إِلَّا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ بِذَلِكَ أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ

حدیث 35: رسول خدا (صلي الله عليه وآله) خطاب به امیرالمؤمنین (عليه السلام) فرمودند: ... یا علی! قسم به آن که مرا به پیامبری برگزید و از تمام مردم برترم نمود اگر بنده ای خدا را هزار سال عبادت کند از او نخواهد پذیرفت مگر با ولایت تو و ولایت ائمه (علیهم السلام) از فرزندان و

همانا ولایت تو بدون برائت از دشمنان و دشمنان فرزندان مورد

قبول نمی باشد... (1)

حدیث 36: وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) النَّاصِبُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا يُبَالِي صَامَ أَوْ صَلَّى أَوْ زَنَى أَوْ سَرَقَ إِنَّهُ فِي النَّارِ.

حدیث 36: در حدیث دیگر امام صادق (عليه السلام) می فرماید: دشمن و ناصب اهل بیت (علیهم السلام) فرقی ندارد روزه بدارد یا نماز بخواند زنا کند یا دزدی نماید او در آتش است او در آتش است. (2)

ص: 383

1- [1]. مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والأئمة ص 28 المنقبة التاسعة ح 1، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات ج 2 ص 235 الفصل الثاني و الستون ح 817، التحصين لأسرار ما زاد من كتاب اليقين ص 539 باب 3 الباب فيما ذكره من قول النبي ص لعلني ع أنت أمير المؤمنين وإمام المتقين يا علي أنت سيد الوصيين و وارث علم النبيين و خير الصديقين و أفضل السابقين ح 1، كنز الفوائد ج 2 ص 12 فصل من فضائل أمير المؤمنين ع و النصوص عليه من رسول الله، اليقين باختصاص مولانا علي عليه السلام بإمرة المؤمنين ص 237 باب 76 الباب فيما ذكره بأسانيد رجال الأربعة المذاهب قول النبي ص لمولانا علي ع أنت أمير المؤمنين وإمام المتقين و سيد الوصيين و وارث علم النبيين و خير الصديقين و أفضل السابقين و خليفة خير المرسلين ح 1

2- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال باب عقاب الناصب و الجاحد لأمر المؤمنين ع و الشاك فيه و المنكر له ص 210.

تذکر: از جمله شرایط قبولی اعمال در نزد خدای تبارک و تعالی پذیرش ولایت ایشان و دوستی با ایشان است.

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ وَأَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَمُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِيَّ وَالْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّانِعُ وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: ... وَحُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالْوَلَايَةُ لَهُمْ وَاجِبَةٌ وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَاجِبَةٌ وَمِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَهَتَكُوا حِجَابَهُ فَأَخَذُوا مِنْ فَاطِمَةَ B فَذَكَ وَمَنْعُوهَا مِيرَاثَهَا وَغَصَبُوهَا وَزَوْجَهَا حُقُوقَهُمَا وَهَمُّوا بِإِحْرَاقِ بَيْتِهَا وَأَسَسُوا الظُّلْمَ وَغَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَالْبِرَاءَةُ مِنَ النَّكَثِينَ وَالْقَاسِيَةِ طِينَ وَالْمَارِقِينَ وَاجِبَةٌ وَالْبِرَاءَةُ مِنَ الْأَنْصَابِ وَالْأَزْلَامِ أُمَّةِ الضَّلَالِ وَقَادَةَ الْجَوْرِ كُلِّهِمْ أَوْلِيَهُمْ وَآخِرِهِمْ وَاجِبَةٌ وَالْبِرَاءَةُ مِنَ أَشَقَى الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ شَقِيقِ عَاقِرِ نَاقَةِ ثَمُودَ قَاتِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَاجِبَةٌ وَالْبِرَاءَةُ مِنْ جَمِيعِ قَتْلَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَاجِبَةٌ وَالْوَلَايَةُ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَمْ يُغَيِّرُوا وَلَمْ يَبَدِّلُوا بَعْدَ نَبِيِّهِمْ (صلي الله عليه وآله) وَاجِبَةٌ مِثْلُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَأَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ وَالْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيِّ وَعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ وَحُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانَ وَأَبِي الْهَيْثَمِ بْنِ التَّيْهَانِ وَسَهْلَ بْنَ حُنَيْفٍ وَأَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ وَعَبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ وَخُرَيْمَةَ بْنَ ثَابِتِ ذِي الشَّهَادَتَيْنِ وَأَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ وَمَنْ نَحَا نَحْوَهُمْ وَفَعَلَ

مِثْلَ فَعْلِهِمْ وَالْوَلَايَةَ لِاتِّبَاعِهِمْ وَالْمُقْتَدِينَ بِهِمْ وَبِهْدَاهُمْ وَاجِبَةٌ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ فَإِنْ كَانَا مُشْرِكَيْنِ «فَلَا تُطْعِمُهُمَا» (1) وَ لَا غَيْرَهُمَا فِي الْمَعْصِيَةِ فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ لَا ذُنُوبَ لَهُمْ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ وَ تَحْلِيلُ الْمُتَعَتِّينِ وَاجِبٌ كَمَا خَصَّصَ: در خبر اعمش از حضرت صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: دوستی اولیای خدا واجب است ولایت آنها لازم است و بیزاری از دشمنان آنها واجب است و هم از کسانی که ستم به آل محمد (صلی الله علیه و آله) کرده اند و حجاب ایشان را هتک نموده و از فاطمه زهرا B فدک را گرفته اند و او را از میراثش بازداشته و حق او و شوهرش را غصب کرده اند و کوشش برای سوختن خانه اش کردند و بنیاد ظلم را نهاده سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را تغییر دادند و بیزاری از پیمان شکنان و ستمگران و منحرفین لازم است و بیزاری از شقی ترین فرد گذشتگان و آیندگان همتای پی کننده شتر نمود کشنده امیر المؤمنین (علیه السلام) لازم است همچنین بیزاری از تمام کشندگان اهل بیت (علیهم السلام) واجب است. و ولایت مؤمنینی که تغییر و تبدیلی پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به وجود نیاورده اند لازم است مانند سلمان فارسی و ابو ذر غفاری و مقداد بن اسود کنندی و عمار بن یاسر و جابر بن عبد الله انصاری و حذیفه بن یمان و ابی الهیثم بن التیهان و سهل بن حنیف و ابو ایوب انصاری و عبد الله بن صامت و عبادة بن صامت و خزیمة بن ثابت ذو الشهادتین و ابی سعید خدری و هر که از راه اینها رفته و کردارش شبیه آنها باشد و ولایت پیروان و اقتداکنندگان به ایشان و هدایتشان لازم و واجب است. (2)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْحَارِثِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ صَيْحٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ

ص: 385

1- . العنكبوت آية 8

2- . الخصال ج 2 ص 607 خصال من شرائع الدين ح 9

الْهَمْدَانِي، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُصََّعِبٍ، قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) يَقُولُ: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ، وَ أَحَبَّ مُحِبَّنَا لَا لِعَرَضٍ دُنْيَا يُصِيبُهَا مِنْهُ، وَ عَادَى عَدُوَّنَا لَا لِأَحْنَةٍ كَانَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ، ثُمَّ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ عَلَيْهِ مِنَ الدُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ وَ رَبَدِ الْبَحْرِ، غَفَرَهَا اللَّهُ (تَعَالَى) لَهُ. امالی ابن شیخ: حسین بن مصعب گفت از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم. می فرمود: هر که ما را دوست داشته باشد برای خدا و دوست داشته باشد دوست ما را نه به جهت هدفی مادی که از او چشم دارد و دشمن بدارد دشمن ما را نه بواسطه اختلافی که بین او و دشمن ما است. در صورتی که وارد قیامت شود با اینکه دارای گناهی باشد به اندازه ریگ انبوه و کف دریا خداوند او را می آمرزد. (1)

حسرت دشمنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قیامت

حدیث 37: أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْقُمِّيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ الْعَدْلُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ الْعَبْدِيُّ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَبَّادَةَ بْنِ رَبِيعٍ قَالَ قَوْلُهُ تَعَالَى «يَوْمَ يَنْظُرُ الْمُرءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» يَعْنِي عَلَوِيًّا يُوَالِي أَبَا تُرَابٍ.

ص: 386

حدیث 37: سعید سمان نقل کرد از امام صادق (علیه السلام) در آیه: «يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاہُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» (1) فرمود: یعنی روزی که هر که توجه می کند به آنچه پیش فرستاده و کافر می گوید: ای کاش علوی بودم و ابوتراب (علیه السلام) را دوست می داشتم. (2) حدیث 38: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ سَعِيدِ السَّمَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: فِي تَأْوِيلِ قَوْلِهِ تَعَالَى «أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيَعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا» قَالَ هُوَ يُرَدُّ إِلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) فَيَعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا حَتَّىٰ يَقُولَ «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» أَيْ مِنْ شَيْعَةِ أَبِي تُرَابٍ.

حدیث 38: در تفسیر باطن خبر رسیده از اهل بیت (علیهم السلام) که مؤید همین معنی است در تأویل آیه «أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيَعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا» (3) فرمود: برمی گردانند او را به جانب علی بن ابی طالب (علیه السلام) آن جناب او را عذابی سخت می کند بطوری که می گوید «یا لیتنی کنت تراباً» یعنی ای کاش از پیروان ابوتراب (علیه السلام) بودم. (4)

عذاب دشمن علی (علیه السلام) بعد از مرگ

حدیث 39: عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ سَلَمَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ بَقَّاحٍ عَنِ ابْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ أَمَا عَبْدُ اللَّهِ (علیه السلام)... وَإِنَّ عَذَابَنَا إِذَا تُوْفِّي صَارَتْ رُوحُهُ إِلَىٰ وَادِي بَرَهُوتَ فَأُخْلِدتْ فِي عَذَابِهِ وَأُطِعِمَتْ مِنْ رُفُومِهِ وَ

ص: 387

1- . النبأ آية 40

2- . تفسیر القمی ج 2 ص 402 [سورة النبأ(78): الآيات 6 الى 40]، معاني الأخبار ص 120 باب معنی أبي تراب ح 1، علل الشرائع ج 1 ص 156 باب العلة التي من أجلها كنى رسول الله ص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب أبا تراب ذیل ح 2

3- . الكهف آية 87

4- . تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 736 [سورة النبأ(78): آية 40]، البرهان في تفسیر القرآن ج 5 ص 572 [سورة النبأ(78): آية 40]،

أَسَدٌ قَيِّتٌ مِنْ حَمِيمِهِ فَاسْتَتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ الْوَادِي. حديث 39: امام صادق (عليه السلام): چون دشمن ما بمیرد جاننش به وادی برهوت منتقل شود و در عذاب آن بماند، و از زقومش به او بخوراند و از آب جوشانش به کام او ریزند، پس از این وادی به خدا پناه برید. (1)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي وَعَلَى مَنْ قَاتَلَهُمْ وَعَلَى الْمُعِينِ عَلَيْهِمْ وَعَلَى مَنْ سَبَّهُمْ أَوْلِيكَ لَا خَلَقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و به همین اسناد از آن حضرت روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: بهشت بر کسانی که به اهل بیت (علیهم السلام) من ستم کردند و با آنان به جنگ برخاستند حرام گشته، و هم چنین بر کسانی که ستم کاران را یاری کردند و اهل بیت مرا ناسزا گفتند، اینان هیچ نصیبی از خیر در آخرت ندارند، و خداوند در قیامت با ایشان صحبتی ندارد و نظر رحمتی نخواهد کرد و از آلودگی به گناه پاکشان ننماید و برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود. (2)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْوَيْلُ لِظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِي كَأَنِّي بِهِمْ غَدَاً مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَبِهِ هَمِينَ اسْنَادِ زَيْنِ الْعَبِيدِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: كَانَ خَطَابُ الْجَهَنِيِّ خَلِيطاً جَايِغَاهُ أَنَانَ رَا بَا مُنَافِقِينَ دَر دَرَكِ اسْفَلِ (طَبَقَهُ زَيْرِينَ) دَوْرَخِ دَر رَوْزِ قِيَامَتِ. (3)

حديث 40: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: كَانَ خَطَابُ الْجَهَنِيِّ خَلِيطاً لَنَا وَكَانَ

ص: 388

-
- 1- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 404 باب 13 باب في الأئمة أنهم يسرون في الأرض من شاءوا من أصحابهم بالقدرة التي أعطاهم الله ص : 402 ح 3، الإختصاص ص 322 في غرائب أحوالهم و أفعالهم ح 4، الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل) ج 1 ص 337 باب 72 ان ارواح المؤمنين ينعمون في البرزخ و ارواح الكفار يعذبون فيه ح 414
 - 2- . [2] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 34 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 65
 - 3- . [1] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 47 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 177

شَدِيدَ النَّصَبِ لِأَلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) وَ كَانَ يَصْحَبُ نَجْدَةَ الْحَرْورِيِّ قَالَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ أَعُوذُهُ لِلْخُلْطَةِ وَ التَّقِيَّةِ فَإِذَا هُوَ مُغْمَى عَلَيْهِ فِي حَدِّ الْمَوْتِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا لِي وَ لَكَ يَا عَلِيُّ فَأَخْبِرْتُ بِذَلِكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَأَاهُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ رَأَاهُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ رَأَاهُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ رَأَاهُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ رَأَاهُ

حدیث 40: ابن ابی یعفور یکی از زعمای شیعه و بزرگترین شاگردهای امام صادق (علیه السلام)

می گوید: ما با S خطاب جهنی R همنشین بودیم، و او نسبت به آل محمد (صلي الله عليه و آله) ناصبی شدید بود (بسیار آنها را دشمن داشت) و از دوستان S نجده حروری R رییس خوارج منسوب به قریه حرواء به شمار می آمد. S خطاب R

بیمار شد و در بستر مرگ افتاد، من به خاطر همنشینی سابق و تقیه، به عیادت او رفتم، دیدم در حال جان دادن است، ناگاه شنیدم که می گفت مرا به تو ای علی (علیه السلام) چه کار؟ چرا با تو دشمنی کردم که اکنون کیفر سختش را بنگرم؟ ابن ابی یعفور می گوید: بعداً به حضور امام صادق (علیه السلام) رفتم و ماجرای جان کندن و سخن خطاب را، برای امام صادق (علیه السلام) بیان کردم. آن حضرت، دوباره فرمود: به خدای کعبه، او علی (علیه السلام) را دید (یعنی خطاب، هنگام مرگ، علی (علیه السلام) را دید، و فهمید که دشمنی با آن حضرت، چه باطن پر عذابی دارد). (1)

این گروه شریک با ظالمان هستند

حدیث 41: وَ بِهِذَا الْإِسْمِ نَادَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍ وَ بِنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ لَمْ يَعْرِفْ سُوءَ مَا أُوتِيَ إِلَيْنَا مِنْ ظُلْمِنَا وَ ذَهَابِ حَقِّنَا وَ مَا نُكَبِّتَا بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ مِنْ أَبِي إِلَيْنَا فِيمَا وَلَّيْنَاهُ.

ص: 389

حدیث 41: جابر جعفی می گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر که زشتی آن ستم‌هایی که به ما شده و حقوقی که از ما تباہ گردیده و گرفتاری‌هایی که بدان دچار شده ایم را نشناسد، با کسی که این جنایات را در حق ما مرتکب شده شریک خواهد بود. (1)

ظلم به ایشان ظلم به خداست

حدیث 43: أَبُو الْحَسَنِ الْمَاضِي فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَمَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» إِنَّ اللَّهَ أَعَزُّ وَأَمْنَعُ مِنْ أَنْ يُظْلَمَ وَأَنْ يَنْسَبَ نَفْسَهُ إِلَى ظُلْمٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ خَلَطَنَا بِنَفْسِهِ فَجَعَلَ ظَلَمَنَا ظُلْمَهُ وَ لَا يَتَنَا وَلَا يَتَهُ

حدیث 43: ابوالحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) در باره آیه «وَمَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (2) ستم به ما نکرده اند ولی به خویش ستم روا داشته اند. فرمود: خداوند عزیز و پر قدرت تر از این است که به او ستم شود و یا به خود ظلم نسبت دهد ولی ما را با خود قرین قرار داده ظلم به ما را ظلم به خود به حساب آورده و ولایت ما ولایت اوست. (3)

تذکر: و اینکه خدای تبارک و تعالی در کتاب خود ائمه اطهار را به بهترین نامها نامیده نشان دهنده اینست که ایشان در نزد خداوند تبارک و تعالی مقام بسیار ویژه ای دارند.

هر که ولی خدا را ناسزا گوید

عَنْ عَمْرِو الطَّيَالِسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» قَالَ فَقَالَ يَا عَمْرُ

ص: 390

1- . عقاب الأعمال: عقاب الناصب و الجاحد لأمر المؤمنين ع و الشاك فيه و المنكر له ح6.

2- [3] البقرة آية 57

3- [1] مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 4 ص 284 فصل المقدمات 4

رَأَيْتَ أَحَدًا يَسُبُّ اللَّهَ قَالَ فَقُلْتُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَكَيْفَ قَالَ مَنْ سَبَّ وَلِيِّ اللَّهِ فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ

تفسیر عیاشی: طیالسی از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که سؤال کردم از این آیه «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (1)

فرمود: آیا دیده ای کسی خدا را دشنام دهد؟ عرضه داشتم: فدایت شوم پس چگونه است؟ حضرت فرمودند: هر که ولی خدا را ناسزا گوید خدا را دشنام داده است. (2)

ص: 391

1- . الانعام آیه 108

2- . تفسیر العیاشی ج 1 ص 374 [سورة الأنعام(6): آیه 108] ح 80

هرگاه انسان کسی را از صمیم دل دوست بدارد می کوشد خود را همگون او سازد و آن چه مایهی خرسندی اوست انجام دهد و آن چه او را آزار می دهد ترک نماید بی شک وجود چنین روحیه ای در آدمی سبب تحول و کمال می شود کسانی که به زبان اظهار علاقه کرده، ولی در عمل با محبوب خود مخالفت می ورزند محبت واقعی ندارند پس بی گمان محبت قلبی در گفتار و کردار آدمی بازتاب عملی دارد از بازتاب های محبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاندان او پیروی از اعمال آنان است.

مُتَابَعَت کردن از دستورات و برنامه های ایشان و عمل کردن به آن چه مورد محبت آنهاست و پیروی کردن از سیره و روش آن ها، و شباهت پیدا کردن به آن ها در حرکات و سکنات، و خودداری کردن از آن چه نهی کرده اند، این ها همگی غالباً ناشی از مرتبه ای از محبت و سبب حصول مرتبه دیگری از محبت می باشند، بلکه در روایات زیادی وارد شده که به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) نمی توان رسید مگر با داشتن وَرَع که همان انجام واجبات و ترک مُحَرَّمَات است

مَحَبِّينَ واقِعِ حَدِيثِ 1: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: شِيعَتُنَا الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِنَا الْأَخْذُونَ بِقَوْلِنَا الْمُخَالَفُونَ لِأَعْدَائِنَا فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا.

حدیث 1: امام رضا (علیه السلام) در حدیثی زیبا و پر معنا چنین فرمودند: شیعیان ما، تسلیم امر ما هستند، سخنان ما را می پذیرند و به کار می بندند و با دشمنان ما مخالفند، پس هر که این گونه نباشد، از ما نیست. (1)

ص: 393

حدیث 2: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْمُتَوَكَّلُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) :.... ثُمَّ قَالَ أَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ عَلَى قَوْمٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ يَأْتُمُونَ بِقَوْمٍ وَيَأْخُذُونَ بِقَوْلِهِمْ فَيَأْمُرُونَهُمْ وَيَنْهَوْنَهُمْ وَلَا يَقْبَلُونَ مِنْهُمْ وَيَدْعُونَ حَدِيثَهُمْ عِنْدَ عَدُوِّهِمْ فَيَأْتِي عَدُوَّهُمْ إِلَيْنَا فَيَقُولُونَ لَنَا إِنَّ قَوْمًا يَقُولُونَ وَيَرَوْنَ كَذَا وَكَذَا فَتَقُولُ نَحْنُ نَتَّبِعُ مَنْ يَقُولُ هَذَا فَتَفْتَعُ عَلَيْهِمُ الْبَرَاءَةَ.

حدیث 2: امام صادق (عليه السلام): ...چقدر سنگین و سخت است بر گروهی که گمان می کنند به دنبال پیشوایانی قدم بر می دارند و فرمایش آن ها را پذیرا هستند در حالی که چون آن ها را دستور به نیکی و دوری از بدی می دهند از آنان نمی پذیرند و اسرار آن ها را نزد دشمنانشان فاش می کنند و چون دشمنان آن ها نزد ما می آیند و می گویند گروهی هستند که چنین و چنان می گویند ما خواهیم گفت: از آنان بیزاریم و بیزاری ما از آن ها واجب می شود. (1)

حدیث 3: زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يُحَدِّثُ عَنْ آبَائِهِ... فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَاللَّهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ أَمَرَهُ بِالطَّاعَةِ لَنَا حَدِيث 3: امام حسین (عليه السلام): به خدا قسم! که خداوند هیچ چیزی را خلق نکرد، مگر این که او را به اطاعت از ما امر نمود. (2)

محبت بدون عمل سودی نخواهد داشت

حدیث 4: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الْخَطَّابِ الْكُوفِيِّ وَ مُصْعَبِ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ لِسَدِيرٍ وَ الَّذِي بَعَثَ

ص: 394

1- . صفات الشيعة: ح 38.

2- . مناقب ال أبي طالب: ج 4 ص 51. باب في إمامة أبي عبد الله الحسين، فصل في معجزاته.

مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) بِالنُّبُوَّةِ وَعَجَلَ رُوحَهُ إِلَى الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ أَنْ يَعْتَبَطَ وَيَرَى السُّرُورَ أَوْ تَبَيَّنَ لَهُ النَّدَامَةُ وَالْحَسْرَةُ إِلَّا أَنْ يُعَايِنَ مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ وَأَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ يَقْبِضُ رُوحَهُ فَيُنَادِي رُوحَهُ فَتَخْرُجُ مِنْ جَسَدِهِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَمَا يُحْسُ بِخُرُوجِهَا وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» (1) ثُمَّ قَالَ ذَلِكَ لِمَنْ كَانَ وَرِعًا مُوَاسِيًا لِإِخْوَانِهِ وَصُورًا لَهُمْ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ وَرِعٍ وَلَا وَصُورًا لِإِخْوَانِهِ قِيلَ لَهُ مَا مَنَعَكَ مِنَ الْوَرَعِ وَالْمُؤَاسَاةِ لِإِخْوَانِكَ أَنْتَ مِمَّنِ انْتَحَلَ الْمَحَبَّةَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُصَدِّقْ ذَلِكَ بِفِعْلٍ وَإِذَا لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) لَقِيَهُمَا مُعْرِضِينَ

مُقْطَبِينَ فِي وَجْهِهِ غَيْرِ شَافِعِينَ لَهُ قَالَ سَدِيرٌ مَنْ جَدَعَ اللَّهُ أَنْفَهُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَهُوَ ذَلِكَ

حدیث 4: امام صادق (علیه السلام) به سدید فرمودند: قسم به آن که محمد (صلی الله علیه و آله) را به پیغمبری فرستاده، و شتابانه روحش را به بهشت برده، میان هر یک از شما با شادمانی یا پشیمانی و افسوس فاصله ای نباشد جز که به چشم خود ببیند آن چه را خدای عزوجل در قرآنش فرموده: S از راست و از چپ نشسته ای باشد R و ملک الموت آید تا جانش را بگیرد، و روحش را فریاد دهد تا از تنش بدر آید، اما آن که مؤمن باشد خارج شدن روح را احساس نکند (یعنی برایش هیچ تلخی و ناگواری ندارد) برای این که خداوند می فرماید: (ای نفس اطمینان داده شده! به سویی پروردگارت برگرد در حالی که از تو راضی است پس میان بندگانم برو و داخل بهشت شو) و آن گاه فرمود: این مقام برای کسی است که پارسا باشد و با برادران دینی خود همراهی کند و به آنان خیر رساند. و اگر ناپارسا است و خیر رسان به برادران خود نیست به او گفته شود: چه چیز تو را باز داشت از پارسائی و همراهی کردن با

ص: 395

برادرانت؟ تواز آن كسانی مي باشي كه به زبان اظهار دوستي كنند و با كردار، آن را پياده نكنند، و چون برخوردار كند با رسول خدا(صلي الله عليه و آله) و امير مؤمنان(عليه السلام)، از او روگرداند و در روي او ترش رو باشند و شفاعت او نكنند، سدير گفت: يعني از كسانی است كه خدا بيني آن ها را بریده و به آن ها توجهي ندارد؟ آن حضرت فرمودند: آري همان است. (1)

حديث 5:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: أَنَّ الْمَيِّتَ إِذَا أُخْرِجَ مِنْ بَيْتِهِ شَهِدَتْهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى قَبْرِهِ، يَتَرَحَّمُونَ عَلَيْهِ، حَتَّى إِذَا انْتَهَى بِهِ إِلَى قَبْرِهِ قَالَتِ الْأَرْضُ لَهُ: مَرَحَبًا بِكَ وَأَهْلًا وَسَهْلًا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَحِبُّ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيَّ مِثْلَكَ لَا جَرَمَ لَتَرَى مَا أَصْنَعُ بِكَ فَيَوْسَعُ لَهُ مَدَّ بَصَرِهِ وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ

فَعِيدًا الْقَبْرِ [مَلَكًا الْقَبْرِ وَهُمَا فَعِيدَا الْقَبْرِ] مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ فَيَلْقِيَانِ فِيهِ الرُّوحَ إِلَى حَقْوَيْهِ فَيَقْعِدَانِهِ فَيَسْأَلَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ:

مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ:

اللَّهُ، فَيَقُولَانِ:

وَمَا دِينُكَ فَيَقُولُ:

الإسلامُ فَيَقُولَانِ:

وَمَنْ نَبِيُّكَ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه و آله)

فَيَقُولَانِ:

وَمَنْ إِمَامُكَ؟ فَيَقُولُ: عَلِيُّ (عليه السلام) فَيَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: صَدَقَ

عَبْدِي افْرُشُوا لَهُ فِي الْقَبْرِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَالْبِسُوهُ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ، وَافْتَحُوا لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابًا إِلَى الْجَنَّةِ حَتَّى يَأْتِيَنَا وَمَاعِنَدَنَا خَيْرٌ لَهُ ثُمَّ يَقُولَانِ: لَهُ نَمِ نُومَةَ الْعَرُوسِ نَمِ نُومَةً لَا حُلْمَ فِيهَا. وَإِنْ كَانَ كَافِرًا أُخْرِجَتْ لَهُ مَلَائِكَةٌ يُشَدُّ بِعُنُقِهِ إِلَى قَبْرِهِ يَلْعَنُونَهُ حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى الْأَرْضِ قَالَتِ الْأَرْضُ: لَا مَرَحَبًا بِكَ وَلَا أَهْلًا، أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَبْغِضُ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيَّ مِثْلَكَ لَا جَرَمَ لَتَرِينَ مَا أَصْنَعُ بِكَ الْيَوْمَ، فَتَضَائِقُ عَلَيْهِ حَتَّى تَلْتَمِي

ص: 396

جَوَانِحُهُ، وَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ مَلَكَا الْقَبْرِ وَ هُمَا قَعِيدَا الْقَبْرِ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ، قَالَ:

قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ يَدْخُلَانِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ الْكَافِرِ فِي صُورَةٍ وَاحِدَةٍ؟ فَقَالَ:

لَا، فَيَقْعِدَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ: سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ، فَيَقُولَانِ لَهُ: لَا دَرَيْتَ فَمَا دِينُكَ فَيَقُولُ: سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ وَ يَتَلَجَّحُ لِسَانَهُ، فَيَقُولَانِ لَا دَرَيْتَ فَمَنْ نَبِيُّكَ فَيَقُولُ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ وَ يَتَلَجَّحُ لِسَانَهُ، فَيَقُولَانِ لَا دَرَيْتَ، وَ فَيَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ كَذَبَ عَبْدِي افْرُشُوا لَهُ فِي قَبْرِهِ مِنَ النَّارِ، وَ أَلْبِسُوهُ مِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَ افْتَحُوا لَهُ بَاباً إِلَى النَّارِ حَتَّى يَأْتِيَنَا وَ مَا لَهُ عِنْدَنَا شَرٌّ لَهُ، قَالَ ثُمَّ يَضْرِبَانِهِ بِمِرْزَبَةٍ مَعَهُمَا ثَلَاثَ ضَرْبَاتٍ لَيْسَ مِنْهَا ضَرْبَةٌ إِلَّا تَطَايَرُ قَبْرُهُ نَاراً وَ لَوْ ضُرِبَتْ تِلْكَ الضَّرْبَةُ عَلَى جِبَالٍ تَهَامَةٌ لَكَانَتْ رَمِيمًا.*

حدیث 5: امام صادق (علیه السلام): به درستی زمانی که مؤمن از خانگی خویش جهت تشییع جنازه به سمت قبر برده می شود ملائکه با تعداد زیاد و شور فراوان او را مشایعت کنند و زمین خطاب به او می گوید: مرحبا به تو که چنین اهلیت پیدا نمودی، آگاه باش به خدا قسم من در زمان حیات تو بسیار دوست می داشتم همچون تویی بر من قدم نهد. و چون در قبر داخل شود به اندازه وسعت دیدگانش قبر او گسترانیده می شود. و دو ملک به نام های نکیر و منکر نزد او آمده و او را می نشانند و از او سؤال می کنند که خدای تو چه کسی است؟ در جواب می گوید: الله، می گویند دین تو چیست؟ می گوید: اسلام، پس از او می پرسند پیامبر تو کیست؟ می گوید؟ محمد (صلی الله علیه و آله) و می پرسند: امام تو چه کسی است؟ می گوید: علی (علیه السلام) پس در این هنگام منادی از آسمان ندا می کند بنده ام راست گفت، از فرش های بهشتی قبرش را فرش نمایند. و دري از قبر به سوي بهشت برایش باز کنید و او را از لباس های بهشتی بپوشانید، تا این که نزد ما آید، و آن چه که نزد ماست برای او بهتر است، سپس به او گفته شود:

اکنون همچون عروسی که در جلوه‌ی خویش می‌خوابد و خواب‌های پریشان نمی‌بیند، بی‌ارام. سپس حضرت فرمودند: و اما اگر این شخص کافر باشد، ملائکه در حالی که او را لعن می‌کنند تا قبر او را مشایعت می‌نمایند، و زمین نیز خطاب به او می‌گوید: مرحبائی بر تو نیست و اهلّیت آن را نداری، بدان که زمانی که در دنیا همچون تویی بر روی من قدم می‌نهادی او را دشمن می‌داشتم، پس در این هنگام قبر او فشرده و بر او تنگ می‌گردد، سپس نکیر منکر نزد وی آمده و از وی سؤال می‌کنند. پس آن دو او را می‌نشانند و از او می‌پرسند: خدای توجه کسی است؟ زبانش به لکنت افتاده و می‌گوید: از مردم چیزهایی می‌شنیدم، به او می‌گویند: نفهمیدی و نمی‌دانی، و می‌پرسند: دینت چیست؟ باز زبانش به لکنت افتاده و جوابی نمی‌دهد پس به او می‌گویند: نفهمیدی و نمی‌دانی، و نیز می‌پرسند: پیامبر تو کیست؟ می‌گوید: از مردم چیزهایی می‌شنیدم، پس به او می‌گویند: نفهمیدی و نمی‌دانی، و نیز می‌پرسند: امام زمانت کیست؟ و او جوابی ندارد، (زیرا در کردار به اهل بیت (علیهم‌السلام) اقتدا نکرده او امر ایشان را اجرا ننموده و از نواهی ایشان دوری نکرده) پس منادی از آسمان ندا می‌کند: بنده ام دروغ می‌گوید، قبر او را از فرش‌های جهنم فرش کنید و از لباس‌های آن بر او بپوشانید و دری به سوی آتش برایش بگشائید تا این که نزد ما آید و چیزی جز شر و بدبختی نزد ما برای او نیست، پس آن دو ملک با گرزهای سه ضربه به او می‌زنند که با هر ضربه ای قبرش پر از آتش می‌گردد و شدت این ضربات به گونه‌ای است که اگر به کوه‌های مکه اصابت کند آن‌ها را همچون خاکستری نرم می‌نماید. (1)

حدیث 6: حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي بَانٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: وَ لَا تَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعًا لِلَّهِ تَنَفَعَهُ وَ لَا يَتُّنَا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِيًا لِلَّهِ لَمْ تَنَفَعَهُ وَ لَا يَتُّنَا وَ يَحْكُمُ لَا تَعْتَرُوا وَ يَحْكُمُ لَا تَعْتَرُوا.

ص: 398

حدیث 6: امام باقر (علیه السلام): و ما جز با اطاعت به سوی خدا تقرب نجویم هر که مطیع خدا باشد ولایت و محبت ما به او سود رساند و کسی که اهل گناه باشد محبت ما برای او فایده ای نخواهد داشت وای بر شما مبادا (که به ولایت و محبت ما) مغرور شده (و آن را وسیله گناهانتان قرار دهید). (1)

پیروی از ائمه عامل نجات و نشانه محبت واقعی

«فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

پس کسانی که به او ایمان آورده و بزرگش داشتند و یاری اش کردند و نوری را که با او نازل شده پیروی کردند آنان همان رستگارانند. (2)

محبت بدون عمل و عمل بدون محبت سودی ندارد

حدیث 7: قال الرضا (عليه السلام): لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ الْإِجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ اتِّكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) لَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ اتِّكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرَ حدیث 7: امام رضا (علیه السلام): مبادا کار نیک و کوشش در عبادت را به اتکای دوستی آل محمد (صلي الله عليه وآله) فرو گذارید و مبادا دوستی آل محمد (صلي الله عليه وآله) و فرمانبرداری از ایشان را به امید عبادت رها کنید زیرا هیچ يك از این دو به تنهایی پذیرفته نیست. (3)

ص: 399

1- . الكافي: ج 2 ص 76 بَابُ الطَّاعَةِ وَ التَّقْوَى ح 6

2- . اعراف آیة 157.

3- . الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام ص 339 باب 89 باب حق النفوس ح 5.

حدیث 8: قَالَ الشَّيْخُ الْأَجَلُّ الْمُفِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ تَأْيِيدَهُ وَتَوْفِيقَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الزِّيَّاتُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَلْفٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْأَشْفَرِ قَالَ حَدَّثَنَا قَيْسٌ عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ بِنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الزُّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ يُجِئُنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا

حدیث 8: پیام-بر خدا(صلی الله علیه و آله): پ-ای-ب-ن-د-دوس-تی ما خاندان باشید زیرا سوگند! به آن که جان محمد(صلی الله علیه و آله) در دست اوست، کار هیچ بنده ای به حال او سودمند نیفتد، مگر با معرفت و ولایت ما. (1)

رابطهی میان ایمان و محبت

حدیث 9: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرٍ مَنْصُورُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَصْبَهَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ خُرَّاذٍ [خُرَّاذ] قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ أَبِي لَيْلَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ يَكُونَ عِثْرَتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِثْرَتِهِ وَ يَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ يَكُونَ ذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ حَدِيث 9: رسول خدا(صلی الله علیه و آله): مؤمن نیست مگر کسی که مرا بیش از خود و فرزندان مرا بیش از فرزندان او و خاندان مرا بیش از خاندان خود دوست بدارد. (2)

ص: 400

-
- 1- . الأماي للمفيد: مجلس 2 ح 1. المحاسن ج 1 ص 61 باب 81 ثواب مودة آل محمد ح 105
 - 2- . الأماي للصدوق ص 334 المجلس الرابع و الخمسون ح 9، علل الشرائع ج 1 ص 140 باب 117 باب العلة التي من أجلها وجبت محبة الله تبارك و تعالی و محبة رسوله و أهل بيته ص على العباد ح 3

محبت به ائمه اطهار (عليهم السلام) نعمت خاص خداوند به بندگان برگزیده

حدیث 10: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام):... يَا ابْنَ التُّعْمَانِ إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُنْزِلُهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ خَزَائِنٍ تَحْتَ الْعَرْشِ كَخَزَائِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَلَا يُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدْرِ وَلَا يُعْطِيهِ إِلَّا خَيْرَ الْخَلْقِ وَإِنَّ لَهُ عِمَامَةً كَعِمَامَةِ الْقَطْرِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخُصَّ بِهِ مَنْ أَحَبَّ مِنْ خَلْقِهِ أَذِنَ لِنَتِكَ الْعِمَامَةِ فَتَهَطَّلَتْ كَمَا تَهَطَّلَتِ السَّحَابُ تُصِيبُ الْجَنِينَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ.

حدیث 10: در کتاب تحف العقول در باب سفارش های امام صادق (عليه السلام) به مؤمن طاق نقل شده که فرمود: ای پسر نعمان، محبت و دوستی ما اهل بیت (عليهم السلام) از آسمان، از خزانه های زیر عرش که همانند خزانه های طلا و نقره اند، فرود می آید و آن را جز به مقدار معین نازل نمی کند، و جز به بهترین بندگانش عطا نمی فرماید. و آن به مانند ابری است که باران داشته باشد، و هرگاه بخواهد هر کدام از خلقش را که دوست می دارد بدان مخصوص کند، به آن اجازتی بارش دهد، آن گاه می بارد و به جنینی که در رحم مادر است برخورد می کند. (1)

نشانه محبین حقیقی ائمه اطهار حدیث 11: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَمِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بَرٍّ وَمِنَ الْبِرِّ التَّوْحِيدُ وَالصَّلَاةُ وَالصِّيَامُ وَكَطْمُ الْغَيْظِ وَالْعَفْوُ عَنِ الْمُسِيءِ وَرَحْمَةُ الْفَقِيرِ وَتَعَاهُدُ الْجَارِ وَالْإِقْرَارُ بِالْفَضْلِ لِأَهْلِهِ وَعَدْوُنَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ فُرُوعِهِمْ كُلُّ قَبِيحٍ وَفَاحِشَةٍ فَمِنْهُمْ الْكَذِبُ وَالنَّمِيمَةُ وَالْبُخْلُ وَ

ص: 401

الْقَطِيعَةَ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ بِغَيْرِ حَقِّهِ وَتَعَدِّي الْحُدُودِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرُكُوبِ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ مِنَ الرِّبَا وَالسَّرِقَةِ وَكُلُّ مَا وَافَقَ ذَلِكَ مِنَ الْقَبِيحِ وَكَذَبَ مَنْ قَالَ إِنَّهُ مَعَنَا وَهُوَ مُتَعَلِّقٌ بِفِرْعَ غَيْرِنَا*

حدیث 11: فضل به اسناد خود از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده که فرمود: ما اصل هر خوبی هستیم و از ما جوانه می زند هر نیکی، و از جمله خوبی هاست، توحید، نماز و روزه، فرو بردن خشم، گذشت از گناهکار و رحم به تهیدست بررسی از همسایه و اعتراف به شخصیت اشخاص خوب. دشمن ما نیز ریشه هر بدی است و از آن ها جوانه می زند هر کار زشت و قبیحی از جمله آن ها دروغگوئی سخن چینی بخل قطع خویشاوندی ربا خواری خوردن مال یتیم و تجاوز از حدی که خدا امر کرده و انجام فواحش ظاهر و پنهان، زنا، دزدی و هر کار زشت دیگر و کَذَبَ مَنْ قَالَ إِنَّهُ مَعَنَا وَهُوَ مُتَعَلِّقٌ بِفِرْعَ غَيْرِنَا دروغ گفته کسی که مدعی است به ما محبت می ورزد با اینکه چنگ زده به کارهای دشمنان ما.(1)

نشانه ای دیگر از دوستی و محبت ائمه اطهار(علیهم السلام)

حدیث 12: قال الباقر(علیه السلام): وَاعْلَمَ بِأَنَّكَ لَا تَكُونُ لَنَا وَلِيًّا حَتَّىٰ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ أَهْلُ مِصْرِكَ وَقَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ سَوَاءٌ لَمْ يَحْزُنْكَ ذَلِكَ وَ لَوْ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَمْ يَسِّرْكَ ذَلِكَ وَ لَكِنْ اِعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ فَإِنْ كُنْتَ سَالِكًا سَبِيلَهُ زَاهِدًا فِي تَرْهِيْدِهِ رَاغِبًا فِي تَرْغِيْبِهِ خَائِفًا مِنْ تَخْوِيْفِهِ فَاتَّبَتْ وَ أَبْشِرْ فَإِنَّهُ لَا يَصُدُّكَ مَا قِيلَ فِيكَ وَ إِنْ كُنْتَ مُبَايِنًا لِلْقُرْآنِ فَمَا ذَا الَّذِي يَعْزُكَ مِنْ نَفْسِكَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَعْنِي بِمَجَاهِدَةِ نَفْسِهِ لِيَعْلِبَهَا عَلَىٰ هَوَاهَا

ص: 402

حدیث 12: روایت دیگر فرمایش امام باقر (علیه السلام) در ضمن و صایای آن حضرت به جابر جعفی S که سفارشات جامع و نافع است R می باشد که فرمود: ...بدان تو ولی ما و دوست دار ما نخواهی بود تا این که اگر همهی مردم گفتند: تو آدم بدکاره ای هستی تورا محزون و غمناک نکند، و اگر همهی به اتفاق گفتند: تو انسانی مومن هستی تورا خشنود نکند، و لکن خود را بر قرآن عرضه کن، اگر راه قرآن را می پویی و در آن چه تورا امر به بی اعتنایی می کند بی اعتنا، و در مواردی که تورا ترغیب می کند راغب و مایلی، و از آن چه تورا می ترساند بیمناکی، پس ثابت قدم باش و بشارت باد که هر چه دربارهی تو گویند به توزیانی ندارد، و اگر از قرآن جدائی پس برای چه به خود می بالی، به راستی مؤمن سخت متوجه جهاد با خود است تا بر هوای نفس خود غلبه کند. (1)

محبت علی (علیه السلام) مایه رفعت اعمال

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصَّدَّ عَدُوُّ الْكَلِمِ الطَّيِّبِ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ» (2)

هر که طالب عزت است، همه عزت از آن خداست. کلام پاکیزه به سوی او بالا می رود و عمل صالح را او ترفیع می دهد و کسانی که نقشه سوء می کشند، عذاب سختی خواهند داشت، و نیرنگشان نابودشدنی است. حدیث 13: «إِلَيْهِ الْإِشَارَةُ بِقَوْلِهِ: «إِلَيْهِ يَصَّدَّ عَدُوُّ الْكَلِمِ الطَّيِّبِ» قَالَ: الْكَلِمِ الطَّيِّبِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ، قَالَ: «الْعَمَلُ الصَّالِحُ» حُبُّ عَلِيٍّ، فَكُلُّ عَمَلٍ لَيْسَ مَعَهُ حُبُّ عَلِيٍّ فَلَا يَرْفَعُ، وَمَا لَا يَرْفَعُ لَا

ص: 403

1- . تحف العقول: ص 284، و روي عن الإمام الباقر عن علم الله و علم رسوله أبي جعفر محمد بن علي ع في طوال هذه المعاني وصيته

لجابر بن يزيد الجعفي.

2- . فاطر آیهی 10.

يُسْمَعُ، وَمَا لَا يُسْمَعُ فَلَا يَنْفَعُ، وَمَا لَا يَرْفَعُ وَلَا يُسْمَعُ وَلَا يَنْفَعُ، فَهُوَ وَبَالَ وَضَلَالٌ وَهَبَاءٌ مَنُثُورٌ

حدیث 13: از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی آیه شریفه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (1) کلام پاکیزه به سوی او بالا- می رود و عمل صالح را او ترفیع می دهد سؤال شد؟ حضرت فرمود: کلمات طیب یعنی لاله الا الله و محمد رسول الله و عمل صالح محبت علی (علیه السلام) است توضیح: پس هر عملی که در کنار آن محبت علی (علیه السلام) نباشد رفعت پیدا نمی کند و چیزی که رفعت پیدا نکند، شنیده نمی شود و چیزی که شنیده نشود فایده نخواهد داشت و چیزی که رفعت داده نشده و شنیده نمی شود و فایده نخواهد داشت، وبال و گمراهی و غبار متلاشی شده است. (2)

حدیث 14: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَغَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَمَّارِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) وَ أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ فَمَنْ لَمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا.

حدیث 14: امام صادق (علیه السلام) راجع به قول خدای عز و جل سخنان پاک بسوی او بالا رود و کار شایسته را بالا برد فرمود: ولایت ما خانواده مقصود است، و با دست اشاره به سینه خود نمود و فرمود: کسی که ولایت ما را نداشته باشد، خدا هیچ عملی را از او بالا نبرد. (3)

حدیث 1/14: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَيْخٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» (4) قَالَ مَنْ

تَوَلَّى الْأَوْصِيَاءَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ

ص: 404

1- . فاطر آیهی 10.

2- . مشارق الانوار الیقین فصل علی علیه السلام المیزان یوم القیامة ص 97.

3- . الکافی ح 1 ص 430 بَابُ فِيهِ نُكْتُ وَ نُتِفُّ مِنَ التَّنْزِيلِ فِي الْوَلَايَةِ ح 85

4- . الشوری آیه 23

حدیث 1/14: امام باقر (علیه السلام) در باره آیه شریفه «وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» و هر که کار نیکی انجام دهد، ما بر نیکی او می افزاییم فرمود: هر که دوست بدارد اوصیاء آل محمد (صلی الله علیه و آله) را و از ایشان پیروی کند. (1)

محییین واقعی ائمه اطهار (علیهم السلام) از هراس های قیامت در امانند

حدیث 15: وَ مِنْهُ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا قَبِلَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ صَلَاتَهُ وَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ وَ اسْتَجَابَ دُعَاءَهُ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ عَرْقٍ فِي بَدَنِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصَّرَاطِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) فَأَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ أَلَا وَ مَنْ أَبْغَضَ آلَ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ حَدِيث 15: و از ابن عمر روایت شده که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که علی (علیه السلام) را دوست بدارد. خدای تعالی از آن کس نماز و روزه و شب زنده داری و دعا و نیایش را می پذیرد آگاه باشید هر که علی (علیه السلام) را دوست بدارد خداوند به شماره ی هر رگی که در بدنش باشد شهری در بهشت به او بخشد و هر که آل محمد را دوست داشته باشد از حساب، میزان، صراط در امانست و هر که به دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله) بمیرد من ضمانت کنم که با پیامبران وارد بهشت شود و هر که دشمن آل محمد (صلی الله علیه و آله) باشد. روز رستاخیز میان دو چشمش نوشته شده که نا امید از رحمت خداست. (2)

ص: 405

1- . الكافي ج 8 ص 379 باب خطبة لأمير المؤمنين ح. 574

2- . ارشاد القلوب للديلمي ج 2 ص 235 فصل في حبه و التوعد على بغضه و فضائل فاطمة B: ح 7.

حدیث 16: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَادِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ الْحَجَّالُ عَنْ غَالِبِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْفُرَاتِ قَالَ أَمَا إِنَّهُ مِنْ شَيْعَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَمَا حُنَّكَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

حدیث 16: امام صادق (عليه السلام) فرموده: فُرَات از شیعیان علی (عليه السلام) است، هیچ کس کامش به آن برداشته نمی شود مگر این که ما اهل بیت (علیهم اسلام) را دوست خواهد داشت. (1)

توضیح: این که می فرماید از حساب، میزان، صراط در امانست به این معنی است که شخصی که اهل دوستی و محبت ائمه معصومین (علیهم اسلام) به همراه پیروی از فرمایشات ایشان بوده از مواقف سخت و هولناک به سلامت عبور خواهد کرد زیرا محبت به ائمه اطهار (علیهم اسلام) به همراه پیروی از ایشان تنها راه نجات می باشد.

دوستی و محبت امیرالمؤمنین (عليه السلام) از زبان رسول خدا (صلي الله عليه وآله)

حدیث 17: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) لِعَلِيِّ (عليه السلام) يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ السَّمْعِ وَالْبَصَرِ وَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَالرُّوحِ مِنَ الْبَدَنِ حُبِّتَ إِلَيَّ كَالْمَاءِ الْبَارِدِ إِلَى ذِي الْغُلَّةِ الصَّادِي

حدیث 17: حضرت رسول (صلي الله عليه وآله) به علی (عليه السلام) فرمود: ای علی (عليه السلام) تو در مقام و منزلت به منزله چشم و گوش و به منزله سر و روح از بدن منی، محبت و دوستی تو چنان در قلبم ق-رار گرفته است- دوست داشتن آب سرد و گوارا برای شخصی که از شدت تشنگی می سوزد. (2)

حدیث 18: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ

ص: 406

1- . كامل الزيارات: الباب الثالث عشر فضل الفرات و شربه و الغسل فيه ص 49 ح 14، وسائل الشيعة ج 14 ص 407 باب 34 باب

استحباب الشرب من ماء الفرات و الاغتسال فيه و التبرك به و التحنيك به ح 19473

2- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 469 [قصة ليلة المبيت]، مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر ج 1 ص

459 باب الثامن و الثمانون و مائة ما رآه أبو البختری بن هشام ليلة مبيت أمير المؤمنين على فراش رسول الله حين قصد عليا ليقتله من

انقلاب الجبال و انشقاق الأرض و غير ذلك

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَحْمَدَ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخَى بَيْنِي وَبَيْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَرَوْجَهُ ابْنَتِي مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ وَأَشْهَدَ عَلَيَّ ذَلِكَ مُقَرَّبِي مَلَائِكَتَهُ وَجَعَلَهُ لِي وَصِيًّا وَخَلِيفَةً فَعَلَيٌّْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ مُحِبُّهُ مُحِبِّي وَ مُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِهِ. حديث 18: رسول خدا (صلي الله عليه و آله): به راستی خدای تبارک و تعالی میان من و علی بن ابی طالب (عليه السلام) برادری انداخت و فرزندانم را به همسری او برگزید، از بالای هفت آسمان، و فرشتگان مقربش را گواه آن ساخت و او را وصی و خلیفه ام نمود، علی (عليه السلام) از من است و من از او دوستش دوست من و دشمنش دشمن من، فرشته ها به دوستی او خود را مقرب خدا سازند. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا رُقَيْةُ بِنْتُ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَتْ حَدَّثَنِي أَبِي إِسْحَاقُ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْتَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

مناقب: ابو سعید خدری از پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) نقل کرد که فرمود: بنده در روز قیامت قدم بر نمی دارد مگر اینکه از چهار چیز از او سؤال می کنند، از عمرش که در چه راه به پایان برده. از جوانی که در چه راه به

پایان رسانده و از مالش که از

ص: 407

کجا کسب کرده و در چه راه صرف نموده و از حبّ ما اهل بیت (علیهم السلام). (1)

أَرْبَعِينَ الْمَكِّيَّ وَوَلَايَةَ الطَّبْرِيِّ فَقِيلَ لَهُ فَمَا آيَةُ مَحَبَّتِكُمْ مِنْ بَعْدِكُمْ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَهُوَ عَلَى جَانِبِهِ فَقَالَ إِنَّ حُبِّي مِنْ بَعْدِي حُبُّ هَذَا الرَّبْعِينَ مَكِّيٍّ وَوَلَايَةَ طَبْرِيِّ بِهِ پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) عرضه داشت: نشانه محبّت و دوستدار شما بعد از شما چیست؟ دست بر روی سر علی (عليه السلام) گذاشت که در پهلوی آن جناب بود و فرمود: دوستی با من پس از من دوستی با این است.

(2)

همین روایت با این اضافه تکرار می شود هر که او را دوست بدارد ما را دوست داشته و دشمن او دشمن ما است.

ابن عَبَّاسٍ قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله) وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ عَبْدٍ حَسَنَةً حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)

ابن عباس گفت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: قسم به آن کس که مرا مبعوث نموده خداوند از هیچ کسی کار نیکی را نمی پذیرد، مگر اینکه از او سؤال می کند از حبّ علی بن ابی طالب (عليه السلام). (3)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عَمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيَّةَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ فَلْيُؤَالِ عَلِيًّا بَعْدِي وَ لِيُؤَالِ أَوْلِيَاءَهُ وَ لِيُعَادِ أَعْدَاءَهُ.

امالی صدوق: ابن عباس گفت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: هر که دوست دارد خداوند برایش تمام خیر را فراهم کند باید علی (عليه السلام) را بعد از من دوست داشته باشد، دوستانش را دوست بدارد و دشمنانش را دشمن. (4)

ص: 408

1- [2]. الخصال ج 1 ص 253 باب لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع ح 125

2- [1]. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 2 ص 153 فصل في منزلته عند الميزان و الكتاب و الحساب و نحوها

3- [2]. الدر النظيم في مناقب الأئمة اللهمم ص 107 فصل في ذكر الإسراء و المعراج

4- . الأمالي (للصدوق) النص 474 المجلس الثاني و السبعون ح 7

نيكي دوستي با ماستأخبرنا جماعة، عن أبي المفضل، قال أخبرنا أبو عروبة الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي مَعَشَرَ الْحَرَّانِيُّ إِجَازَةً، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى ابْنُ بِنْتِ السُّدِّيِّ الْفَزَارِيُّ الْكُوفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدِ الْحَنَاطِ، عَنْ فَضَائِلِ الرَّسَّانِ، عَنْ نَفِيعِ أَبِي دَاوُدَ السَّبْعِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيُّ، قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام): أَلَا أُحَدِّثُكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) بِالْحَسَنَةِ الَّتِي مَنْ جَاءَ بِهَا أَمِنَ مِنْ فِرَاقِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَالسَّيِّئَةِ الَّتِي مَنْ جَاءَ بِهَا أَكَبَّ اللَّهُ وَجْهَهُ فِي النَّارِ قُلْتُ: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. قَالَ: الْحَسَنَةُ حُبُّنَا، وَالسَّيِّئَةُ بُغْضُنَا.

ابو عبدالله جدلي گفت: حضرت علي بن ابيطالب (عليه السلام) به من فرمودند: اي ابو عبدالله آيا تو را از كرداري نيك كه هر كه آن را انجام دهد از هراس روز قيامت ايمن مي شود و از كرداري ناپسند كه هر كه به آن آلوده شود خداوند به رو در دوزخش مي اندازد آگاه كنم؟ من عرضه داشتم: چرا اي اميرالمومنين. حضرت فرمودند: نيكي، دوستي ما و بدى دشمني با ماست. (1)

دوستي و محبت اهل بيت

وَ بِهَذَا الْإِسْتِنَادِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله): أَحِبُّوا اللَّهَ بِمَا يَغْدُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعَمِهِ، وَأَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ، وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي.

ص: 409

پیامبر(صلي الله عليه و آله) فرمودند: خدا را به سبب نعمت هايي که به شما روزي کرده دوست بداريد و مرا به خاطر دوستي خدا دوست بداريد و اهل بيت مرا بخاطر محبت من دوست بداريد. (1) محبت شديد ملائکه الهي به اميرالمؤمنين

حديث 19: وَ مِنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) أَوَّلُ مَنْ اتَّخَذَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَخًا مِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ إِسْرَافِيلُ (عليه السلام) ثُمَّ مِيكَائِيلُ (عليه السلام) ثُمَّ جِبْرَائِيلُ (عليه السلام) وَأَوَّلُ مَنْ أَحَبَّهُ مِنْ أَهْلِ السَّمَاءِ حَمَلَةُ الْعَرْشِ ثُمَّ رِضْوَانُ (عليه السلام) خَازِنُ الْجَنَّةِ ثُمَّ مَلَكُ الْمَوْتِ (عليه السلام) وَإِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ (عليه السلام) يَتَرَحَّمُ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ عَلِيٌّ مُحِبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) كَمَا يَتَرَحَّمُ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءُ

حديث 19: و از عبدالله بن مسعود است: رسول خدا(صلي الله عليه و آله) فرمود: اول کسی که از آسمان علی(عليه السلام) را به برادری انتخاب کرد. اسرافیل(عليه السلام) بود، بعد میکائیل(عليه السلام) بعد جبرئیل(عليه السلام) و اول کسی که از اهل آسمان علی(عليه السلام) را دوست می داشت حاملین عرش بعد رضوان(عليه السلام) گنجینه دار بهشت بعد فرشته ی مرگ، و همانا فرشته ی مرگ بردوستان علی(عليه السلام) رحم کند، همان طوری که بر پیامبران رحم کرده.(2)

(مقصود از دوستان کسانی می باشد که در کردار و عمل از سیره و روش ایشان پیروی کرده محبت بدون عمل سودی نخواهد داشت و تائید کننده این کلام سخن امام صادق(عليه السلام) است که می فرماید: شفاعت ما هرگز به کسی که نمازش را سبک بشمارد نمی رسد همچنین دیگر فرمایش ایشان که فرمودند: اگر اهل عمل نباشید دوستی ما برایتان سودی نخواهد داشت).

ص: 410

1- . الأما لي (للطوسي) المجلس 10 ح 69

2- . ارشاد القلوب ج 2 ص 235 فصل في حبه و التوعد على بغضه و فضائل فاطمة B،

حديث 20: قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام): ... وَ قَوْلُهُ «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» قَالَ السَّمَاءَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ الْمِيزَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ نَصَبَهُ لِخَلْقِهِ قُلْتُ «أَلَا تَطْعَمُوا فِي الْمِيزَانِ» قَالَ لَا تَعَصُوا الْإِمَامَ قُلْتُ «وَ أَفَيْمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ» أَفَيْمُوا الْإِمَامَ الْعَدْلَ قُلْتُ «وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» قَالَ وَ لَا تَبْخَسُوا الْإِمَامَ حَقَّهُ وَ لَا تَطْلُمُوهُ وَ قَوْلُهُ

حديث 20: از امام رضا(عليه السلام) درباره.... و اين آيه «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (1) منظور از سماء پیامبر(صلي الله عليه وآله) است که به جانب خود بلندش نموده و ميزان اميرالمؤمنين(عليه السلام) است که برای مردم قرار داده است گفتم معنی «أَلَا تَطْعَمُوا فِي الْمِيزَانِ» (2) فرمود: يعنى مخالفت با امام(عليه السلام) نکنيد گفتم معنی «وَ أَفَيْمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ» (3) فرمود: پشتيبانى کنيد از امام عادل، پرسيدم از معنی «وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (4)

فرمود: يعنى کوتاهى در حق امام(عليه السلام) نکنيد و به او ستم روا مداريد(5)

حديث 21: قَالَ الْعَالِمُ (عليه السلام): «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» السَّمَاءَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ الْمِيزَانَ عَلِيٌّ (عليه السلام) لِأَنَّ بِحُبِّهِ تُوزَنُ الْأَعْمَالُ، وَ قَوْلُهُ: «وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» أَي لَا تَطْلُمُوا عَلَيًّا حَقَّهُ لِأَنَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّهُ لَا مِيزَانَ لَهُ. حديث 21: از امام باقر(عليه السلام) درباره ي آيه شريفه «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (6) آسمان را بر افراشت و وضع کرد ميزان را سؤال شد، ايشان فرمودند: آسمان يعنى پيامبر(صلي الله عليه وآله) و ميزان يعنى علي(عليه السلام) چرا که با محبت او اعمال سنجيده

ص: 411

1- . الرحمن آية 7

2- . الرحمن آية 8

3- . الرحمن آية 9

4- . الرحمن آية 9

5- . تفسير القمي ج 2 ص 343 [سورة الرحمن(55): الآيات 7 الي 13] ص : 343

6- . الرحمن آيهي 7.

می شود «وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (1) و نگاهید در میزان، یعنی در حقّ علی (علیه السلام) ظلم نکنید، چرا که هر که حقّ او را نشناسد میزانی نخواهد داشت. (2)

محبت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مایه نجات از آتش

حدیث 22: قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ... وَإِنَّ لِلَّهِ بَاباً مَنْ دَخَلَ مِنْهُ نَجَا مِنَ النَّارِ وَهُوَ حُبُّ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام)

حدیث 22: پیامبر اکرم (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ... بدانید خداوند راهی قرار داده که هر که در آن وارد شود از آتش نجات می یابد و آن راه محبت علی (علیه السلام) است. (3)

(آری محبتی که توام با پیروی از ایشان باشد مایه ای امانست از آتش دوزخ)

القربی ائمه معصومینند «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (4)

بگو در مقابل رسالت خویش از شما اجری نمی خواهم جز مودت و دوستی اهل بیتم

حدیث 23: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشَدِّ عَرِيٌّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مُثَنَّى عَنْ رُزَاةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى قُلْ «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»

قَالَ هُمْ الْأَيُّمَةُ*

حدیث 23: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر «الْقُرْبَى» فرمود: «الْقُرْبَى» ائمه معصومینند (5)

ص: 412

- 1- . الرحمن آیة 9.
- 2- . مشارق الانوار اليقين ص 96 فصل علي عليه السلام الميزان يوم القيامة.
- 3- . مشارق الانوار اليقين ص 93 فصل علي عليه السلام الإمام المبين.
- 4- . سورة مبارکه شوري آیه 23
- 5- . الكافي ج 1 ص 413 بَابُ فِيهِ نُكْتُ وَتُتْفُ مِنَ التَّنْزِيلِ فِي الْوَلَايَةِ ح 7

حدیث 24: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا الْمُؤَدَّبُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ أَبِيهِ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ابْنِ الْحَنْفِيَّةِ إِنَّمَا حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شَيْءٌ يَكْتُبُهُ اللَّهُ فِي أَيْمَنِ قَلْبِ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ مَحْوَهُ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» فَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الْإِيمَانُ.

حدیث 24: محمد بن بشیر گفت محمد بن حنفیه چنین بیان کرد: محبت با ما اهل بیت D چیزی است که در قسمت راست قلب مؤمن نوشته می شود و قلب هرکسی را که خداوند با محبت و ولای ما نقش بست هیچ کس را یارای آن نیست که محوش کند در این آیه مبارکه توجه نکرده ای که می فرماید: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ» (1) محبت با ما اهلیت D ایمان است. (2) حدیث 25: تفسیر الإمام علیه السلام: ... ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَعَاشِرَ عِبَادِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِخِدْمَةِ مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِالْإِزْتِنَاءِ وَاجْتِبَاهِ بِالْإِصْطِفَاءِ وَجَعَلَهُ أَفْضَلَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَبِمَوْلَاةِ أَوْلِيَائِهِ وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِهِ

حدیث 25: رسول خدا (صلي الله عليه وآله): ای بندگان خدا بر شما باد به خدمت کردن کسی که خدا او را اکرام کرد و گرامی داشت، به اینکه او را پسندید و از میان خلق خود برگزید و به او رتبه اصطفاء عطا کرد و او را بهترین اهل آسمان ها و زمین بعد از محمد (صلي الله عليه وآله) که سرور انبیاء است قرار داد و بر شما باد به دوستی کردن با دوستان آن حضرت یعنی علي بن ابیطالب (عليه السلام) (3)

ص: 413

1- . المجادلة آية 22

2- [4]. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 650 [سورة المجادلة(58): آية 22]

3- [1]. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب ج 2 ص 308 [سورة البقرة(2): الآيات 201 الى 207]، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 96 [سورة البقرة(2): آية 207]، التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 127 [محبة علي ع وآله] ذیل ح 64

حدیث 26: رَوَى أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ الْكَرَّاجِيُّ فِي كِتَابِهِ كَنْزَ الْفَوَائِدِ حَدِيثًا مُسَدَّدًا يَرْفَعُهُ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ النَّبِيُّ: ... وَحُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَيِّدُ الْأَعْمَالِ

حدیث 26: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): حُبُّ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَرُورٌ تَمَامِي أَعْمَالِ اسْت. (1)

حدیث 27: عَنْ رَبِيعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّا نَسَمِي بِأَسْمَاءِ آبَائِكُمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِكُمْ فَيَنْفَعُنَا ذَلِكَ فَقَالَ إِي وَاللَّهِ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ قَالَ اللَّهُ «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» حدیث 27: ربعی پسر عبد الله گفت به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتند: فدایت شویم ما بچه های خود را به نام شما و پدران گرامتان می نامیم آیا این کار برای ما سودمند است. فرمود: آیا دین جز محبت است؟ خداوند می فرماید «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (2) بگو (ای پیغمبر): اگر خدا را دوست می دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست دارد و گناه شما را ببخشد. (3)

حدیث 28: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهَ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ*

حدیث 28: از زبان امام معصوم آمده: کسی که ایشان را دوست بدارد خدا را دوست داشته و کسی که با ایشان دشمنی ورزد با خدا دشمنی نموده، هر که ایشان را بشناسد خدا را شناخته و کسی که ایشان را نشناسد خدا را نشناخته، هر که به ایشان پناه برد به خدا پناه برده و هر که از ایشان روی گرداند از خدا روی گردانیده (4)

ص: 414

1- . تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 830 [سورة الإخلاص (112): الآيات 1 الى 4]، كنز الفوائد ج 2 ص 238
نصوص مفقودة من نسخة الكتاب المطبوعة

2- . آل عمران آية 31

3- . البرهان في تفسير القرآن ج 1 611 [سورة آل عمران (3): آية 31] ح 1658، تفسير العياشي ج 1 ص 168 [سورة آل عمران (3): آية 31] ح 28

4- [3] الكافي ج 4 ص 579 بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع وَ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي وَ مَا يُجْزَى مِنَ الْقَوْلِ عِنْدَ كُلِّهِمْ ح 2

حدیث 29: الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَوْزَمَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ «وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ»

قَالَ ذَلِكَ حَمْزَةُ وَجَعْفَرُ وَعَبِيدَةُ وَسَلْمَانُ وَأَبُو ذَرٍّ وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَعَمَّارٌ هُدُوا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَوْلُهُ «حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَرَيْتَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ «وَكَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» الْأَوَّلُ وَالثَّانِي وَالثَّلَاثُ حَدِيثٌ 29: عبد الرحمن بن كثير از امام صادق (عليه السلام) در باره آیه «وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ» (1)

پرسیدم فرمود: آن ها حمزه و جعفر و عبیده و سلمان و ابو ذر و مقداد بن اسود و عمارند که هدایت به جانب امیرالمؤمنین (عليه السلام) یافتند «حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَرَيْتَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (2) یعنی امیرالمؤمنین (عليه السلام) محبت ایمان را در دل شما انداخت و آن را به نظر شما آراست. «وَكَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» (3) و ناپسند نمود در نظر شما کفر و فسق و خطا را که مراد از این سه فقره اولی و دومی و سومی است. (4)

حدیث 30: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: نَظَرَ إِلَى النَّاسِ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فَقَالَ هَكَذَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِنَّمَا أَمُرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَنْفِرُوا إِلَيْنَا فَيَعْلَمُونَ وَلَا يَتَّهِمُ وَ مَوَدَّتْهُمْ وَ يَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَتَهُمْ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ «فَأَجْعَلْ أَعْيُنَهُ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»*

حدیث 30: و دلیل آن روایت از امام باقر (عليه السلام) است. آن حضرت به مردمی که در اطراف کعبه طواف می کردند نگاهی کرده و فرمودند: در عصر جاهلیت نیز این

ص: 415

1- . الحج آیه 24

2- . الحجرات آیه 7

3- . الحجرات آیه 7

4- [4] الكافي ج 1 ص 426 باب فيه نكت و نتف من التنزيل في الولاية ح 71

گونه طواف می کردند، همانا مردم وظیفه دارند کعبه را طواف کنند، سپس به طرف ما روی آورده ولایت و محبت خود را نسبت به ما اظهار کرده، نصرت و یاری خویش را به ما عرضه کنند. سپس این آیهی شریفه را تلاوت فرمود «فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (1) دل های مردم را طوری قرار ده که به طرف آن ها مایل باشند. (2) در قیامت از مودت ائمه اطهار (علیهم السلام) پرسیده می شود

حدیث 31: قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مُعْنَعًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» قَالَ ذَلِكَ حَقُّنَا الْوَاجِبُ عَلَى النَّاسِ وَحُبُّنَا الْوَاجِبُ عَلَى الْخَلْقِ قَتَلُوا مَوَدَّتَنَا

حدیث 31: در کتاب تفسیر فرات می نویسد: جعفر بن محمد فزاری با سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرتش در تفسیر آیهی شریفه «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (3) در آن هنگام که از مودت سؤال شود؟ یعنی مودت ما، به کدامین گناه کشته شده است؟ فرمودند: منظور از این آیه، همان حق لازم ما بر مردم است، و همان محبت واجب شده ما بر مخلوقات است، آنان مودت و محبت ما را کشته و از بین بردند (4)

حدیث 32: فِي الْمَشَارِقِ، بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (5) قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَنْ تَرَاهُمْ نَحْنُ وَاللَّهِ هُمْ إِلَيْنَا يَرْجِعُونَ وَعَلَيْنَا يُعْرَضُونَ وَعِنْدَنَا يَقْضُونَ وَعَنْ حُبِّنَا يُسْأَلُونَ.

حدیث 32: بررسی در مشارق: باسناد خود از مفضل در مورد آیه: «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» نقل کرد که امام صادق (علیه السلام) فرمود: خیال می کنی این ها

ص: 416

1- . ابراهیم آیه 37

2- . ابراهیم آیهی 37، الکافی: ج 1 ص 392 بَابُ أَنَّ الْوَاجِبَ عَلَى النَّاسِ بَعْدَ مَا يَقْضُونَ مَنَاسِكَهُمْ أَنْ يَأْتُوا الْإِمَامَ فَيَسْأَلُونَهُ عَنِ مَعَالِمِ دِينِهِمْ وَيُعَلِّمُونَهُمْ وَلَا يَتَّهَمُ وَ مَوَدَّتُهُمْ لَهُ ح 1.

3- . تکویر آیهی 8 و 9.

4- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 4 ص 84 فصل في مقتله، تفسیر فرات الكوفي ص 542 [سورة التکویر (81): الآيات 8 الى

[9] ح 696

5- . الغاشية الآيات 25-26

کیانند که حساب مردم به آن ها واگذار می شود. به خدا قسم ما هستیم به سوی ما بر می گردند و بر ما عرضه می شوند و نزد ما حکومت می شوند و از محبت ما سؤال خواهند شد. (1)

حدیث 33: وَ عَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَّاءِ الْكَبِيرِ سَنَةَ عَشْرِ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْأَنْبَارِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُعْتَبُ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ لِلْجَنَّةِ مِنْ تَمَنٍّ قَال: نَعَمْ. قَالَ: مَا تَمَنَّهَا قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَقُولُهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ مُخْلِصاً بِهَا. قَالَ: وَ مَا إِخْلَاصُهَا قَالَ: الْعَمَلُ بِمَا بُعِثْتُ بِهِ فِي حَقِّهِ، وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي. قَالَ: وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِكَ لِمَنْ حَقَّهَا قَالَ: أَجَلٌ، إِنْ حُبَّهُمْ لِأَعْظَمُ حَقَّهَا.

حدیث 33: جابر بن عبد الله انصاری، راوی مشهور پیامبر (صلي الله عليه و آله)، چنین روایت کرده است، بادیه نشینی، نزد پیامبر (صلي الله عليه و آله) آمد و گفت: ای پیامبر خدا! آیا بهشت، بهایی دارد؟ فرمود: آری عرضه داشت: بهایش چیست؟ فرمود: کلمه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ که بنده صالح، آن را از روی اخلاص بگوید. گفت: اخلاص آن چیست؟ فرمود: عمل کردن به آن چه برای آن، فرستاده شده ام و دوست داشتن اهل بیت من گفت: دوست داشتن اهل بیت تو، از حقوق این کلمه است؟ فرمود: آری! دوست داشتن آنان، بزرگ ترین حق آن است. (2)

حدیث 34: إِنْ لَيْلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شُرُوطاً وَإِنِّي [أَنَا] وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ شُرُوطِهَا حَدِيث 34: امیرالمومنین (عليه السلام): همانا برای لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شروطی است و من و ذریه ام از شروط آن هستیم (3)

ص: 417

- 1- . مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام ص 284.
- 2- . الأماالي للطوسي ص 583 [24] مجلس خمسين وأربعمئة ح 12
- 3- . تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص 115 في فضائلهم ح 2002

حدیث 35: قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي وَ ذُرِّيَّتِي اسْتِكْمَالُ الدِّينِ

حدیث 35: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی پر معنا فرمودند: دوست داشتن اهل بیت من و فرزندانم ، کمال دین است. (1)

حدیث 36: قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ

حدیث 36: امام صادق (علیه السلام): دوست داشتن ما اهل بیت، نظام دین است. (2)

حدیث 37: عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي خَلَادُ الْمُقْرِي عَنْ قَيْسِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سَلَيْمَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي لَيْلَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الزُّمُومَا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَ هُوَ يُوَدُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقَّنَا.

حدیث 37: از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) چنین روایت شده که فرمودند: به دوستی ما اهل بیت (علیهم اسلام) چنگ زنید، زیرا هر که خداوند عز و جل را، در حالی که ما را دوست داشته باشد، دیدار کند، با شفاعت ما به بهشت می رود. قسم به آن کسی که جانم در دست اوست عمل هیچ بنده ای برایش نافع نیست مگر اینکه حق ما را بشناسد. (3) حدیث 38: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ اجْعَلُوا أَهْلَ بَيْتِي مِنْكُمْ مَكَانَ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ مَكَانَ الْعَيْنَيْنِ مِنَ الرَّأْسِ فَإِنَّ الْجَسَدَ لَا يَهْتَدِي إِلَّا بِالرَّأْسِ وَ لَا يَهْتَدِي الرَّأْسُ إِلَّا بِالْعَيْنَيْنِ.

حدیث 38: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خاندانم رو نسبت به خود همچون جایگاه سر در بدن و دو چشم از سر قرار دهید زیرا بدن جز به سبب سر هدایت نمی شود و سر جز به سبب چشمان راه به جایی نمی برد (4)

ص: 418

1- . الأماي للصدوق ص 192 المجلس الخامس و الثلاثون ح 1

2- . الأماي للطوسي ص 296 المجلس الحادي عشر ح 29

3- . المحاسن ج 1 ص 61 باب 81 ثواب مودة آل محمد ح 105

4- . الأماي (للطوسي) ص 482 [17] المجلس السابع عشر ح 22

حدیث 39: عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَحَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ جَرَى يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ عَلَى لِسَانِهِ وَجَدَّدَ الْإِيمَانَ فِي قَلْبِهِ وَجَدَّدَ لَهُ عَمَلٌ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَسَبْعِينَ صِدِّيقًا وَسَبْعِينَ شَهِيدًا وَعَمَلٌ سَبْعِينَ عَابِدًا عَبْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ سَنَةً.

حدیث 39: مفصل از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که حضرت فرمودند: هر که اهل بیت (علیهم السلام) را دوست داشته باشد و محکم کند حب ما را در دل خویش سرچشمه های حکمت از زبانش جاری می شود، ایمان در دلش تجدید می گردد و برای او عمل هفتاد پیامبر را می نویسند با هفتاد صدیق و هفتاد شهید و عمل هفتاد عابدی را که هفتاد سال عبادت خدا را کرده باشد. (1)

حدیث 40: أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» ذَاكِرُ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ تَعَالَى وَرَسُولُهُ (صلي الله عليه وآله) وَأَحَبُّ أَهْلِ بَيْتِي (عليهم السلام) صَادِقًا غَيْرَ كَاذِبٍ وَأَحَبُّ الْمُؤْمِنِينَ شَاهِدًا وَغَائِبًا أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ يَتَحَاتُّوا. حدیث 40: امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: زمانی که این آیه نازل شد «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (2) رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمودند: ذاکر خدا، دوست دارد خداوند سبحان و رسولش را و دوست دارد اهل بیت را صادقانه.... (3)

ص: 419

1- . المحاسن ج 1 باب 80 ثواب من أحب آل محمد ح 103

2- . الرعد آية 28

3- . الجعفریات الأشعثیات ص 224 باب خسارة من حرم الدعاء ح 2

حدیث 41: وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ أَرَادَ التَّوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجُوَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي فَوَاللَّهِ مَا أَحَبَّهُمْ أَحَدٌ إِلَّا رَبِحَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

حدیث 41: رسول خدا (صلی الله علیه و آله): کسی که توکل بر خداوند را اراده کرده، باید اهل بیت مرا دوست داشته باشد و کسی که نجات از عذاب قبر را اراده کرده، باید اهل بیت مرا دوست داشته باشد و کسی که حکمت را اراده کرده، پس بر او است که اهل بیت مرا دوست داشته باشد و کسی که داخل شدن بدون حساب را به بهشت اراده کرده، پس باید اهل بیت مرا دوست داشته باشد، پس به خدا قسم، کسی آن ها را دوست ندارد، مگر این که در دنیا و آخرت سود کند. (1)

حدیث 42: عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ حَفْصِ الدَّهَّانِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ وَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ.

حدیث 42: امام صادق (علیه السلام): بالاتر از هر عبادت، عبادت دیگری است، و عشق ما اهل بیت (علیهم اسلام) بالاترین عبادت است (2) حدیث 43: قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ثُمَّ قَالَ وَاللَّهِ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَالْأَهْلَ غَيْرَنَا وَمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَأَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

حدیث 43: امام صادق (علیه السلام): به خدا سوگند هر که دنیا را دوست بدارد و به کسی جز ما دوستی ورزد خدا را دوست نداشته، و هر که حق ما را شناسد و دوستان دارد خداوند تبارک و تعالی را دوست داشته است. (3)

حدیث 44: وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

ص: 420

1- . بحار الأنوار ج 27 ص 116 باب 4 ثواب حبهم و نصرهم و ولايتهم و أنها أمان من النار ح 92، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و

الأئمة ص 84 المنقبة الحادية و الخمسون

2- . المحاسن ج 1 ص 150 باب 20 باب الحب ح 67

3- . الكافي ج 8 ص 129 حدیث نادر ح 98

حدیث 44: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: اولین چیزی که از بنده سؤال می شود، محبت ما اهل بیت (علیهم السلام) است (1)

حدیث 45: وَأَنَا سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَعَلِيٌّ (علیه السلام) سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ سَيِّدٌ وَ حُبِّي وَ حُبُّ عَلِيٍّ سَيِّدٌ مَا تَقَرَّبَ بِهِ الْمُتَقَرَّبُونَ مِنْ طَاعَةِ رَبِّهِمْ الرَّابِعَةُ

حدیث 45: و من سرور انبیاء هستم و علی (علیه السلام) سرور اوصیاء، هر چیزی سروری دارد دوستی من و دوستی علی (علیه السلام) بهترین چیزی است که بنده مطیع می تواند به وسیله آن به خدا تقرب جوید. (2)

حدیث 46: وَ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله): حُبُّ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُحْرِقُ الذُّنُوبَ كَمَا تُحْرِقُ النَّارُ الْحَطَبَ

حدیث 46: حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) فرموده است: محبت حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) گناهان را می سوزاند، همان گونه که آتش، هیزم را می سوزاند (3) حدیث 47: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْبَصْرِيُّ الْبِرَّازُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَهْدِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ آبَائِهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) حُبًّا مَا أَهَلَ الْبَيْتِ يُكْفِرُ الذُّنُوبَ، وَيَصْفَعُ الْحَسَنَاتِ، وَإِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) لَيَتَحَمَّلُ عَنْ مُحِبِّينَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ مَظَالِمِ الْعِبَادِ، إِلَّا مَا كَانَ مِنْهُمْ فِيهَا عَلَى إِصْرَارٍ وَ ظُلْمٍ لِلْمُؤْمِنِينَ، فَيَقُولُ لِلْسَيِّئَاتِ: كُونِي حَسَنَاتٍ.

حدیث 47: علی بن مهدی از حضرت رضا (علیه السلام) و او از پدرانش روایت می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: محبت ما اهل بیت (علیهم السلام) گناهان را از بین می برد و نیکی ها را مضاعف می گرداند (4)

ص: 421

- 1- . عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 62 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 258
- 2- [3]. بحار الأنوار ج 27 ص 129 باب 4 ثواب حبهم و نصرهم و ولايتهم و أنها أمان من النار ح 119
- 3- [4]. الروضة في فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام لابن شاذان القمي ص 24 حدیث حب علي
- 4- [1]. الأمل للطوسي ص 164 [6] المجلس السادس ح 5

حدیث 48: أَبُو عَالِبٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الرَّزَّارِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ فَضْلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثُّعْمَانَ بْنِ عَمْرٍو الْجُعْفِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْجُعْفِيِّ قَالَ دَخَلْتُ أَنَا وَعَمِّي الْحُصَيْنُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَأَذَّنَاهُ وَقَالَ ابْنُ مَنْ هَذَا مَعَكَ قَالَ ابْنُ أَخِي إِسْمَاعِيلُ فَقَالَ رَحِمَ اللَّهُ إِسْمَاعِيلَ وَتَجَاوَزَ عَنْهُ سَيِّئَ عَمَلِهِ كَيْفَ خَلَقْتُمُوهُ قَالَ بِخَيْرٍ مَا آتَاهُ اللَّهُ لَنَا مِنْ مَوَدَّتِكُمْ فَقَالَ يَا حُصَيْنُ لَا تَسْتَصْغِرُوا مَوَدَّتَنَا فَإِنَّهَا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا اسْتَصْغَرْتَهَا وَ لَكِنْ أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَيْهَا

حدیث 48: عبد الرحمن جعفی گفت من و عمویم حصین بن عبد الرحمن خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسیدیم، امام عمویم را نزدیک خود خوانده پرسید این کیست؟ جواب داد پسر برادرم اسماعیل است. فرمود: خدا اسماعیل را رحمت کند و از کردار زشتش درگذرد. حالش چطور است. عرضه داشتیم: خوب بود و ما نیز خوب هستیم تا موقعی که افتخار مودت شما را داشته باشیم. فرمود: حصینمبادا مودت ما را کوچک شماری چون مودت ما از باقیات الصالحات است. عمویم عرضه داشت: من هرگز کوچک نمی شمارم خدا را بر این نعمت سپاسگزارم. (1)

حدیث 49: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: .. مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ نَفَعَهُ اللَّهُ بِذَلِكَ وَلَوْ كَانَ أَسِيرًا فِي يَدِ الدَّيْلَمِ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِغَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ بِهِ مَا يَشَاءُ. إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لِيَحُطُّ الذُّنُوبَ عَنِ الْعِبَادِ كَمَا تَحُطُّ الرِّيحُ الشَّدِيدَةُ الْوَرَقَ عَنِ الشَّجَرِ

ص: 422

محبت ما خانواده گناهان را از بندگان می زداید همان طوری که باد شدید برگ را از درخت می ریزد. (1)

حدیث 50: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ زَيْدٍ وَبِهِ الْجَلَّابُ الْهَمْدَانِيُّ بِهَمْدَانَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُمُرٍ وَسِ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشُدُّ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عَشْرُونَ [عَشْرِينَ] خَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَالتَّسَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَالتَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَلَا يُشَدُّ لَهَا دِيْوَانٌ وَلَا يُنْصَبُ لَهَا مِيزَانٌ وَيُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَيُكْتَبُ لَهُ بِرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ يَبْصُرُ وَجْهَهُ وَيُكْسَى مِنْ حُدَلِ الْجَنَّةِ وَيَشْفَعُ فِي مَائَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَيَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ وَبِتَوْجُّعٍ مِنْ تَيْجَانِ الْجَنَّةِ وَالْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَطُوبَى لِمُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي.

حدیث 50: خصال: ابو سعید خدری گفت: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس به او روزی شود حُبِّ ائمه (علیهم السلام) از اهل بیت من به خیر دنیا و آخرت رسیده، نباید شکی داشته باشد در اینکه بهشتی است همانا در محبت اهل بیت من بیست امتیاز است. ده امتیاز آن در دنیا است و ده امتیاز در آخرت. اما در دنیا، زهد و اشتیاق به عمل، ورع در دین و علاقه به عبادت و توبه قبل از مرگ و آمادگی و شوق برای شب زنده داری

ص: 423

و عبادت و قطع امید از آن چه در دست مردم است و حفظ دستور خدا و نهی او نهم دشمنی دنیا و دهم سخاوت. و اما در آخرت، نامه عملش گشوده نمی شود و برای حساب اعمال ترازو نمی نهند و نامه عملش را به دست راستش می دهند و به او برات آزادی از آتش جهنم خواهند داد و چهره اش سفید می شود و از زیورهای بهشت می پوشد و در باره صد نفر از فامیل خود می تواند شفاعت کند. خداوند با دیده رحمت به او توجه می کند و از تاج های بهشت بر سر می گذارد دهم وارد بهشت می شود بدون حساب خوشا به حال دوستداران اهل بیت من. (1)

حدیث 51: وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَلْيَتَمَسَّكَ بِحُبِّ عَلِيِّ وَ أَهْلِ بَيْتِي. (2)

حدیث 51: حضرت رضا (علیه السلام) از آباء گرام خود نقل می کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که دوست دارد که چنگ زند به عروة الوثقی باید چنگ زند به محبت علی (علیه السلام) و اهل بیت من. (3)

حدیث 52: وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَسَدَةً اللَّهُ تَعَالَى آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. حدیث 52: با همین اسناد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که ما اهل بیت (علیهم السلام) را دوست بدارد خداوند او را روز قیامت با امان محشور می کند. (4)

حدیث 53: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ الْمَرَاغِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَرْوَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُسَبِّحُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ بْنُ أَبِي عَمْرَةَ الْخُرَّاسَانِيُّ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبْعِيِّ، قَالَ: قَالَ أَلَا أُحَدِّثُكُمْ بِمَا حَدَّثَنِي بِهِ الْحَارِثُ الْأَعْوَرُ

ص: 424

1- [1] الخصال ج 2 ص 515 باب في حب أهل البيت ع عشرون خصلة ح 1

2- [2] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 58 باب 31 فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 216

3- [3] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 58 باب 31 فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 216

4- [1] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 58 باب 31 فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 220

قَالَ قُلْنَا بَلَى قَالَ دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ مَا جَاءَ بِكَ يَا أَعْوَرُ قَالَ قُلْتُ حُبُّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ اللَّهُ قُلْتُ اللَّهُ فَنَاشِدَ دَنِي ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مِمَّنْ ائْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ إِلَّا وَهُوَ يَجِدُ مَوَدَّتَنَا عَلَى قَلْبِهِ فَهُوَ يُحِبُّنَا وَ لَيْسَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مِمَّنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِلَّا وَهُوَ يَجِدُ بُغْضَنَا عَلَى قَلْبِهِ فَهُوَ يُبْغِضُنَا مَا فَاصِدٌ بَحٍ مُحِبُّنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ فَكَأَنَّ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ قَدْ فُتِحَتْ لَهُ وَ أَصْبَحَ مُبْغِضُنَا عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَهَنِيئًا لِأَهْلِ الرَّحْمَةِ رَحْمَتُهُمْ وَ تَعْسًا لِأَهْلِ النَّارِ مَثْوَاهُمْ

حدیث 53: سپس گفت: مایل نیستید برای شما حدیثی که حارث بن اعور برایم نقل کرده بگویم گفتیم چرا گفت خدمت علی بن ابی طالب (علیه السلام) رسیدم فرمود: برای چه آمده ای اعور! عرضه داشت: محبت تو یا امیر المؤمنین. فرمود: تو را به خدا؟ گفتیم: به خدا سوگند سه مرتبه مراقبم داد سپس فرمود: بنده ای از بندگان خدا نیست که دلش را به ایمان خداوند آزمایش کرده باشد مگر اینکه محبت ما را در قلب خود می یابد او ما را دوست می دارد. و بنده ای نیست از بندگان خدا که مورد خشم خدا قرار گرفته باشد مگر این که او بغض ما را در قلب خود می یابد و ما رادشمن می دارد. محب و دوستدار ما منتظر رحمت است درهای رحمت بروی او گشوده شده و دشمن ما در کنار گودالی از آتش جهنم است گوارا باد اهل رحمت را رحمتشان و مرگ بر دوزخیان باد در جایگاهشان. (1)

حدیث 54: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَرُوبَةَ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي مَعْشَرَ الْحَرَّانِيُّ إِجَازَةً، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى ابْنِ بَنْتِ السُّدِّيِّ الْفَزَارِيِّ الْكُوفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ الْحَنَاطِيُّ، عَنْ فَضَيْلِ الرَّسَّانِ،

ص: 425

عَنْ نُفَيْعِ أَبِي دَاوُدَ السَّبْعِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيُّ، قَالَ قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَلَا أَحَدُّكَ يَا بَا عَبْدِ اللَّهِ بِالْحَسَنَةِ الَّتِي مَنْ جَاءَ بِهَا مِنْ فِرْعَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّيِّئَةِ الَّتِي مَنْ جَاءَ بِهَا أَكَبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ قُلْتُ بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ الْحَسَنَةُ حُبْنَا وَ السَّيِّئَةُ بُغَضْنَا

حدیث 54: ابو داود سبعی از ابو عبد الله جدلی نقل کرد که حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) به من فرمود: به تو بگویم آن حسنه ای را که هر که آن حسنه را انجام دهد از وحشت روز قیامت در امان است و آن گناهی که هر که به جا آورد به رو او را در آتش می اندازند عرضه داشتیم: بفرمائید یا امیرالمومنین فرمود: حسنه حب ما و سیئه بغض و دشمنی با ما است. (1)

حدیث 55: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرٍ مَنصُورُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَصْبَهَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ خِرْدَاذٍ [خِرْدَاذٌ] قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ أَبِي لَيْلَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ تَكُونَ عِزَّتِي إِلَيْهِ أَعَزَّ مِنْ عِزَّتِهِ وَ يَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ تَكُونَ ذَاتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ

حدیث 55: حکم بن ابی لیلی گفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: ایمان ندارد شخص مگر این که مرا از خود بیشتر دوست داشته باشد و عترتم را بیشتر از عترت خود و خانواده ام را بیشتر از خانواده خود و ذات مرا (آن چه به من انتساب دارد غیر از آن چه ذکر شد) بیشتر از ذات خود. (2)

ص: 426

1- [2]. الأما لي للطوسي ص 493 [17] المجلس السابع عشر ح 49

2- [1]. علل الشرائع ج 1 ص 140 باب 117 باب العلة التي من أجلها وجبت محبة الله تبارك و تعالی و محبة رسوله و أهل بيته ص على العباد ح 3

حدیث 56: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَهَلْ شَرَّفَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا بِحُبِّهَا لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَقَبُولِهَا لَوْلَا يَتِيهِمَا...

حدیث 56: حضرت عسکری (علیه السلام) فرمود: منافقین از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پرسیدند آیا علی (علیه السلام) افضل است یا ملائکه مقرب خدا؟ فرمود: آیا ملائکه محترم و مقرب شدند، جز به واسطه محبت با محمد (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و قبول ولایت آن دو... (1)

حدیث 57: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَا دِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ شَيْخٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ عَنْ جَدِّهِ مِنْ قَبْلِ أُمِّهِ وَاسْمُهُ سُلَيْمَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيُّ قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِلنَّاسِ وَهُمْ مُجْتَمِعُونَ عِدَّةَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِلنَّاسِ وَهُمْ مُجْتَمِعُونَ عِنْدَهُ أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْدُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعَمِهِ وَاجْتَنِبُوا اللَّهَ عِزًّا وَجَلًّا وَاجْتَنِبُوا قَرَابَتِي لِي.

حدیث 57: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: به مردم در حالی که خدمت آن جناب اجتماع کرده بودند: خدا را دوست بدارید به واسطه نعمت هائی که به شما عنایت کرده و مرا دوست بدارید برای خدا و خویشاوندانم را به واسطه من. (2) حدیث 58: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ أَقَامَ فَرَائِضَ اللَّهِ وَاجْتَنَبَ مَحَارِمَ اللَّهِ وَأَحْسَنَ الْوَلَايَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّ اللَّهِ وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا فَلْيَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ

ص: 427

-
- 1- [2] الإحتجاج على أهل اللجاج للطبرسي ج 1 ص 52 ذكر ما جرى لرسول الله ص من الإحتجاج على المنافقين في طريق تبوك و غير ذلك من كيدهم لرسول الله ص على العقبة بالليل ح 1
- 2- [3] علل الشرائع ج 2 ص 600 باب 385 باب نوادر العلل ح 52

حديث 58: امام صادق (عليه السلام): هر که واجبات را به جا آورد و از مُحَرَّمات پرهیز نماید و در ولایت اهل بیت پیامبر (صلي الله عليه و آله) طریق احسن را بپیماید و از دشمنان خدا بیزاری جوید از هر درب هشت گانه بهشت که مایل است وارد می شود. (1)

حديث 59: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ الْأَشْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) يَقُولُ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ وَالْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِكَ سَادَاتُ أُمَّتِي مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَمَنْ وَالَانَا فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَمَنْ عَادَانَا فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَمَنْ أَطَاعَنَا فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانَا فَقَدْ عَصَى اللَّهَ

حديث 59: ابن نباته گفت امير المؤمنين (عليه السلام) فرمود: از پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) شنیدم می فرمود: من بهترین فرزند آدمم و تو یا علی! و ائمه بعد از تو سرور امت من هستید هر که ما را دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر که با ما دشمن باشد با خدا دشمنی کرده هر که با ما ولایت داشته باشد با خدا ولایت دارد و هر که با ما دشمنی نماید با خدا دشمنی کرده و هر که ما را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر که با ما مخالفت ورزد با خدا مخالفت ورزیده. (2) حديث 60: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ قَالٍ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ أَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِهِ (صلي الله عليه و آله) وَ حُبُّ اللَّهِ

وَ حُبُّ رَسُولِهِ (صلي الله عليه و آله)

ص: 428

1- [1] الأماي للصدوق ص 474 المجلس الثاني و السبعون ح 10

2- [2] الأماي (للصدوق) النص 476 المجلس الثاني و السبعون ح 16

وَ أُولِي الْأَمْرِ وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ حُبَّنَا إِيْمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ

حدیث 60: محمد بن علی از فضیل نقل کرد که به حضرت ابوالحسن (علیه السلام) عرضه داشتیم: چه چیز بیشتر موجب تقرب به خدا می شود از واجبات؟ فرمود: بهترین چیزی که موجب تقرب بندگان به خدا می شود اطاعت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دوستی خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و اولی الامر (علیهم السلام). (1)

حدیث 61: عَلِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُوْنُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: ... قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا زَيْدُ حُبَّنَا إِيْمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ

حدیث 61: زید شحام گفت: حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود: علاقه به ما ایمان و دشمنی با ما کفر است. (2)

حدیث 62: عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ قَادِمٌ مِنْ خُرَاسَانَ مَاشِيًا فَأَخْرَجَ رَجُلَيْهِ وَ قَدْ تَغَلَّفَتَا وَ قَالَ أَمَا وَ اللَّهُ مَا جَاءَ بِي مِنْ حَيْثُ جِئْتُ إِلَّا حُبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ اللَّهُ لَوْ أَحَبَبْنَا حَجْرًا حَسَبَهُ اللَّهُ مَعَنَا وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ قُلْ «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» وَ قَالَ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ

حدیث 62: خدمت حضرت باقر (علیه السلام) بودم که يك نفر تازه وارد از خراسان داخل شد که پیاده آمده بود پاهای خود را نشان داد که پینه بسته بود عرضه داشت: به خدا قسم مرا از این راه دور خدمت شما نیاورده مگر محبت شما اهل بیت (علیهم السلام) حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: به خدا قسم اگر ما را سنگی دوست داشته باشد خداوند او را با ما محشور می کند هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ مگر دین غیر حُب و دوستی است خداوند فرموده «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (3)

ص: 429

1- [1] المحاسن ج 1 ص 150 باب 20 باب الحب ح 68

2- [2] الكافي ج 1 ص 188 باب فرض طاعة الأئمة ع ح 12

3- [1] تفسير العياشي ج 1 ص 167 [سورة آل عمران(3): آية 31] ح 27

حدیث 63: عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّا نَسَمِي بِأَسْمَائِكُمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِكُمْ فَيَنْفَعُنَا ذَلِكَ فَقَالَ إِي وَ اللَّهُ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ قَالَ اللَّهُ «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَ يُغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»

حدیث 63: تفسیر عیاشی: ربیع پسر عبد الله گفت به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتند: فدایت شویم ما بچه های خود را به نام شما و پدران گرامتان می نامیم آیا این کار برای ما سودمند است؟ فرمود: آیا دین جز محبت است خداوند می فرماید «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَ يُغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (1) (2)

حدیث 64: تفسیر الإمام علیه السلام قام ثوبان مؤلى رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال: بأبي أنت و أمي يا رسول الله متى قيام الساعة فقد آل رسول الله (صلى الله عليه وآله) ما أعددت لها إذ تسأل عنها قال يا رسول الله ما أعددت لها كثير عملي إلا أنني أحب الله و رسوله (صلى الله عليه وآله) فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) و إلى ما ذابغ حبك لرسول الله (صلى الله عليه وآله) قال و الذي بعثك بالحق نبياً إن في قلبي من محبتك ما لو قطعت بالسيف و نشرت بالمناشير و قرصت بالمقاريض و أحرقت بالنيران و طحنت بإرحاء الحجارة كان أحب إلي و أسهل علي من أن أجد لك في قلبي غشاً أو غلاً أو بغضاً لأحد من أهل بيتك (عليهم السلام) و أصحابك و أحب الخلق إلي بعدك أحبهم لك و أبغضهم هم إلي من لا يحبك و يبغضك أو يبغض أحداً من أصحابك يا رسول الله (صلى الله عليه وآله) هذا ما عدي من حبك و حب من يحبك و بغض من يبغضك أو يبغض أحداً ممن تحبه فإن قبل هذا مني فقد سد عديت و إن أريد مني عمل غيره فما أعلم لي عملاً أعتد به غير هذا أحبكم جميعاً أنت و أصحابك و إن كنت لا أطيعهم في أعمالهم فقال أبشروا فإن المرء يوم القيامة مع من أحببه يا ثوبان لو كان

ص: 430

1- [2] تفسیر العیاشی ج 1 ص 167 [سورة آل عمران(3): آية 31] ح 28

2- [3] آل عمران آية 31

عَلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ مَا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ لَأَنْحَسِرَتْ وَ زَالَتْ عَنْكَ بِهَذِهِ الْمُوَالَاةِ أَسْرَعَ مِنْ أَنْجِدَارِ الظِّلِّ عَنِ الصَّخْرَةِ الْمَلْسَاءِ الْمُسْتَوِيَةِ إِذَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ مِنْ أَنْحِسَارِ الشَّمْسِ إِذَا غَابَتْ عَنْهَا الشَّمْسُ

حدیث 64: تفسیر امام: ثوبان غلام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از جای حرکت کرده گفت پدر و مادرم فدایت یا رسول الله کی قیامت بر پا می شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: چه چیز برای قیامت آماده کرده ای که می پرسی گفت یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) من عمل زیادی آماده نکرده ام جز اینکه خدا و پیامبرش را دوست می دارم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: چقدر پیامبر را دوست می داری؟ گفت: قسم به آن که تو را به حق به پیامبری مبعوث نموده در دل من آنقدر محبت شما جای گرفته که اگر مرا با شمشیر قطعه قطعه کنند و با اژه ببرند و با مقراض ریز ریزه کرده و به آتش بسوزانند و با آسیاب سنگ نرم کنند برایم بهتر و ساده تر است از اینکه در دل خود غلّ و غشی یا کینه ای بیابم نسبت بشما یا یکی از اهل بیت و اصحابت. و محبوب ترین شخص نزد من بعد از شما کسی است که او را بیشتر دوست می داری و دشمن ترین شخص نزد من کسی است که ترا دوست نداشته باشد و دشمن تو یا یکی از اصحابت باشد عرضه داشت: این بود مقدار علاقه من به شما و علاقه ام به دوستانت و دشمنی با دشمنان شما یا کسی که دشمن باشد با یکی از دوستان شما اگر این مقدار از من قبول شود سعادت مند هستم اگر عمل دیگری غیر از این از من خواسته باشید چیزی که آماده کرده باشم و بتوان بر آن اعتماد داشت ندارم همه شما را دوست می دارم با اصحابت گر چه عمل آن ها را ندارم..... (1)

حدیث 65: تفسیر الإمام علیه السلام مَنْ أَدْمَنَ مَحَبَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَتَحَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مِنَ الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَأَبَاحَهُ جَمِيعَهَا يَدْخُلُ مِمَّا شَاءَ مِنْهَا وَ

كُلُّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يُنَادِيهِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَلَمْ تَدْخُلْنِي أَلَمْ تَخْصِنِي مِنْ بَيْنِهَا

ص: 431

1- [1] التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 370 [ثواب الحزن و البكاء على الحسين ع] ح 259

حدیث 65: امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر که پیوسته دوستدار ما اهل بیت (علیهم السلام) باشد، خداوند هشت درب بهشت را به روی او می‌گشاید و او را اجازه می‌دهد که از هر درب مایل است داخل شود هر يك از درب‌ها او را صدا می‌زند که ای ولی الله از من داخل نمی‌شوی مرا از بین سایر درب‌ها به این امتیاز مفتخر نمی‌کنی؟ (1)

حدیث 66:

قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو حَفْصٍ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّبْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ الْإِسْكَافِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شَرِيحٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ وَلَا يَتَنَا وَ أَوْجَبَ مَوَدَّتَنَا وَ اللَّهُ مَا نَقُولُ بِأَهْوَانِنَا وَ لَا نَعْمَلُ بِأَرَائِنَا وَ لَا نَقُولُ إِلَّا مَا قَالَ رَبُّنَا عَزَّ وَ جَلَّ

حدیث 66: محمد بن شریح از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: خداوند ولایت ما را لازم دانست و محبت ما را واجب نمود به خدا قسم ما از روی هوای نفس حرف نمی‌زنیم و نه از روی رای و خواست خود کار می‌کنیم جز آن چه پروردگاران بگویند نمی‌گوئیم. (2) اشاره به آیه شریفه «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید و آنچه می‌گوید چیزی جز وحی نیست)

حدیث 67: قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ قَالَ بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ دَعَائِمٍ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِتْيَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ

ص: 432

1- [2]. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 583 [سورة البقرة(2): آية 170] ح 345

2- [1]. الأُمالي للمفيد ص 60 المجلس السابع ح 4

حدیث 67: حضرت باقر (علیه السلام) فرمود اسلام بر پنج پایه نهاده شده نماز خواندن و زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و ولایت ما اهل بیت (علیهم اسلام). (1)

حدیث 68:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُلُوبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: لَا يَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ بَيْنِ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ أَزْبَعِ خِصَالٍ عُمْرِكَ فِيمَا أَفْنَيْتَهُ وَجَسَدِكَ فِيمَا أَبْلَيْتَهُ وَمَالِكَ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبْتَهُ وَأَيْنَ وَصَّ عَتَهُ وَعَنْ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ وَمَا عَلَامَةُ حُبِّكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَحَبَّةٌ هَذَا وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)

حدیث 68: با همین اسناد گفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: بنده در پیشگاه پروردگار روز قیامت قدم بر نمی دارد مگر این که از او راجع به چهار چیز سؤال می کنند. عمرت را در چه راه از بین برده ای و پیکرت را در چه راه فرسوده نموده ای. و مالت را از کجا بدست آورده ای و کجا خرج کرده ای و از محبت ما اهل بیت (علیهم اسلام) مردی از حاضرین عرضه داشت: علامت دوستی شما چیست؟ فرمودند: دوستی با این، و دست خود را گذاشت بر سر علی بن ابی طالب (علیه السلام). (2)

حدیث 69: عَنْ مُسَدِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ: حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَوْمًا خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَ مَنْ مَاتَ عَلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ.

ص: 433

1- [2] الأُمالي للمفيد ص 353 المجلس الثاني والأربعون ح 4

2- [1] الأُمالي (للطوسي) ص 124 [5] المجلس الخامس ح 6

حدیث 69: ابن مسعود از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرد که فرمود: یک روز دوستی با آل محمد (صلی الله علیه و آله) بهتر است از عبادت یک سال هر که بر محبت اهل بیت (علیهم السلام) بمیرد داخل بهشت می شود. (1)

حدیث 70: وَ مِنْهُ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ قَالَ: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي

حدیث 70: ابو هریره از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرد که فرمود: بهترین شما کسی است که بهتر باشد برای خانواده من. (2)

حدیث 71: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ فِي ذِي الْقَعْدَةِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ بَنِي شَابُورَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ التَّمِيمِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْفَارِسِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَنْصُورِ الْبَغْدَادِيِّ الْخَيْرَزَانِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَبِيبِ الْبُخَارِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ قَالَ: أَخْبَرَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَيْسَى التَّنُوخِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَعْلَى عَنْ عَمَّارِ بْنِ زُرَيْقٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ زَيْدِ بْنِ مَطْرِفٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَوْتِي وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ ذُرِّيَّتَهُ فَإِنَّهُمْ لَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ بَابِ هُدًى وَ لَمْ يُدْخِلُوكُمْ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ.

حدیث 71: زید بن مطرف گفت: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که می خواهد به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و داخل بهشتی که خدایم وعده داده شود علی بن ابی طالب (علیه السلام) و ذریه اش را دوست بدارد همانا ایشان شما را از شاهراه هدایت خارج نمی کنند و به وادی گمراهی نمی کشانند. (3)

ص: 434

1- [2] كشف الغمة في معرفة الأئمة ج 1 ص 53 باب فصل في ذكر ما ورد فيما قدمناه من الآثار...

2- [3] بشارة المصطفى لشيعه المرتضى ج 2 ص 39 عن أبي هريرة قال: قال رسول الله (ص) خيركم خيركم لأهلي من بعدي

3- [1] بشارة المصطفى لشيعه المرتضى ج 2 ص 53 باب بيان المراد من الموالاته في حديث الغدير

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ التَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ وَكَانَ خَادِمًا لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا أَنَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْكَاطِمُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ حَدَّثَنِي أَخِي وَحَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ مُقْبِلٌ عَلَيْهِ غَيْرَ مُعْرِضٍ عَنْهُ فَلْيَتَوَالَكَ يَا عَلِيُّ وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ رَاضٍ عَنْهُ فَلْيَتَوَالَ ابْنَكَ الْحَسَنَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَلاَ خَوْفَ عَلَيْهِ فَلْيَتَوَالَ ابْنَكَ الْحُسَيْنَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَقَدْ مَحَا اللَّهُ ذُنُوبَهُ عَنْهُ فَلْيَتَوَالَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَإِنَّهُ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ قَرِيرُ الْعَيْنِ فَلْيَتَوَالَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيُعْطِيَهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَلْيَتَوَالَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَتَوَالَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الْكَاطِمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ ضَاحِكٌ فَلْيَتَوَالَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَقَدْ رُفِعَتْ دَرَجَاتُهُ وَبُدِّلَتْ سَيِّئَاتُهُ حَسَنَاتٍ فَلْيَتَوَالَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْجَوَادَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيُحَاسِبُهُ حِسَابًا سَدِيدًا وَيُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ عَدْنٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ فَلْيَتَوَالَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْهَادِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ مِنَ الْفَائِزِينَ فَلْيَتَوَالَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسَّ كَرِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَقَدْ كَمُلَ إِيمَانُهُ وَحَسُنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَالَ

الْحُبَّةَ بْنَ الْحَسَنِ الْمُنْتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هُوَ لَاءِ أَيْمَّةُ الْهُدَى وَ أَعْلَامُ التَّقَى مَنْ أَحْبَبَهُمْ وَ تَوَالَاهُمْ كُنْتُ ضَامِنًا لَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْجَنَّةَ

حدیث 72: کتاب صفوة الاخبار از ابراهیم بن محمد نوفلی از پدرش که خادم حضرت رضا(علیه السلام) بود نقل میکند که حضرت موسی بن جعفر(علیه السلام) از آباء گرام خود از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه نقل کرد که فرمود: برادر و دوستم پیامبر اکرم(صلي الله عليه و آله) فرمود: هر که مایل است خدا را ملاقات نماید در حالی که به او توجه داشته باشد و از او روی نگرداند باید ترا دوست داشته باشد یا علی و هر که دوست دارد خدا را ملاقات کند در حالی که از او راضی باشد باید دوست بدارد فرزندان حسن(علیه السلام) را هر که می خواهد خدا را ملاقات نماید در حالی که ترسی نداشته باشد باید دوست داشته باشد فرزندان حسین(علیه السلام) را و هر که بخوهد خدا را ملاقات نماید در حالی که گناهایش از بین رفته باشد باید علی بن الحسین(علیه السلام) را دوست بدارد زیرا او از کسانی است که خداوند در باره آنها فرموده «سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ»⁽¹⁾ و هر که دوست دارد خدا را ملاقات کند با چشم روشن باید دوست داشته باشد محمد بن علی(علیه السلام) حضرت باقر را و هر که مایل است خدا را ملاقات نماید در حالی که نامه عملش را بدست راستش بدهند دوست بدارد جعفر بن محمد(علیه السلام) را و هر که دوست دارد خدا را ملاقات نماید پاک و پاکیزه باید دوست بدارد موسی بن جعفر(علیه السلام) را و هر که مایل است خدا را شاد و خندان ملاقات کند دوست بدارد علی بن موسی الرضا(علیه السلام) را و هر که دوست دارد خدا را ملاقات کند با درجات بلند و گناهایش تبدیل به حسنه شده باشد باید دوست بدارد محمد بن علی حضرت جواد(علیه السلام) را و هر که مایل است خدا را ملاقات نماید و از او به سادگی حساب بکشند و داخل بهشت عدنی شود که عرض آن به اندازه آسمان ها و زمین است که آماده پذیرائی برای پرهیزگاران است باید دوست بدارد علی بن محمد

ص: 436

حضرت هادی(علیه السلام) را و هر که می خواهد خدا را ملاقات کند در حالی که از رستگاران باشد باید دوست بدارد حسن بن علی حضرت عسکری(علیه السلام) را و هر که میاید است خدا را ملاقات کند با ایمان کامل و اسلام نیکو باید دوست بدارد حجة بن حسن(علیه السلام) امام منتظر صلوات الله علیه را اینها را پیشوایان هدایت و راهنمای تقوی هر که آن ها را دوست بدارد من بهشت را ضامن می شوم برای او از جانب خدا. (1)

حدیث 73: الشَّيرَازِيُّ فِي كِتَابِهِ وَ أَبُو مُعَاوِيَةَ الصَّرِيرِيُّ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ مُسَدِّ بْنِ النَّظِيرِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ مَلَائِكَةً أَنْ يُسَعَّرَ النَّبِيرَانَ السَّبْعَ وَ أَمَرَ رِضْوَانَ أَنْ يُزَخِرِفَ الْجِنَانَ الثَّمَانَ وَ يَقُولُ يَا مِيكَائِيلُ مَدِّ الصِّرَاطَ عَلَيَّ مَتْنِ جَهَنَّمَ وَ يَقُولُ يَا جَبْرَائِيلُ انصِبْ مِيزَانَ الْعَدْلِ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ يَقُولُ يَا مُحَمَّدُ قَرَّبْ أُمَّتَكَ لِجِسَابِ ثُمَّ يَا مُرُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُعْقَدَ عَلَيَّ الصِّرَاطَ سَبْعَ فَنَاطِرٍ طُولُ كُلِّ فَنَاطِرَةٍ سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ فَرَسَخٍ وَ عَلَيَّ كُلِّ فَنَاطِرَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ يَسْأَلُونَ هَذِهِ الْأُمَّةَ نِسَاءَهُمْ وَ رِجَالَهُمْ عَلَيَّ الْفَنَاطِرَةَ الْأُولَى عَنْ وَلايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فَمَنْ أَتَى بِهِ جَارَ الْفَنَاطِرَةِ الْأُولَى كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ وَ مَنْ لَا يُحِبُّ أَهْلَ بَيْتِهِ سَقَطَ عَلَيَّ أُمَّ رَأْسِهِ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَ لَوْ كَانَ مَعَهُ مِنْ أَعْمَالِ الْبِرِّ عَمَلٌ سَبْعِينَ صِدْقًا حَدِيث 73: كنز الفوائد: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم(صلي الله عليه و آله) فرمود: روز قیامت خداوند به مالک دستور می دهد که جهنم هفتگانه را بیافروزد و به رضوان امر می کند بهشت هشت گانه را بیاراید و به میکائیل(علیه السلام) دستور می دهد که صراط را بر روی جهنم بکشد و به جبرئیل(علیه السلام) می فرماید که ترازوی عدل را برقرار نماید در زیر عرش و می فرماید ای محمد(صلي الله عليه و آله) امت را برای حساب بیاور. بعد دستور می دهد خدا که بر صراط هفت پل قرار دهند طول هر پل هفده هزار فرسخ است و بر روی هر پل هفتاد

ص: 437

1- [1]. بحار الأنوار ج 27 ص 107 باب 4 ثواب حبه و نصرهم و ولايتهم و أنها أمان من النار ح 80، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات ج 2 ص 99 الفصل السابع ح 280

هزار ملك از مرد و زن این امت بر پل اولی می رسند از ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و حب اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله) هر که ولایت و حب او درست باشد از پل اولی چون برق جهنده می گذرد و هر که اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را دوست نداشته باشد با صورت در قعر جهنم می افتد اگر چه اعمال نیکوی او برابر با هفتاد صدیق باشد. (1)

حدیث 74: تاریخ بغداد و فردوس الدیلمی و خصائص النطنزی بِالْإِسْمِ نَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شَهَابٍ عَنْ أَنَسٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام)

حدیث 74: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: عنوان نامه عمل مؤمن حب علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. (2) حدیث 75: وَ رَوَى صَاحِبُ الْكُشَافِ وَ الثَّعَلَبِيُّ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا الْآيَةَ. بِإِسْنَادِهِ إِلَى جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَاتَ مَاتَ شَهِيدًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَاتَ مُؤْمِنًا مُسَدِّ تَكْمِلِ الْإِيمَانِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يُزَفُّ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُزَفُّ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جَعَلَ اللَّهُ زُورَ قَبْرِهِ الْمَلَائِكَةَ بِالرَّحْمَةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

ص: 438

- 1- [1] مناقب آل أبي طالب عليهم السلام لابن شهر آشوب ج 2 ص 152 فصل في منزلته عند الميزان و الكتاب و الحساب و نحوها ح 6
- 2- [2] مناقب آل أبي طالب عليهم السلام لابن شهر آشوب ج 2 ص 152 فصل في منزلته عند الميزان و الكتاب و الحساب و نحوها ح 5

حدیث 75: صاحب کشف و ثعلبی در تفسیر این آیه قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا باسناد خود تا جریر بن عبد اللہ بجلی نقل می کند که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: هر که بمیرد با حب آل محمد (صلي الله عليه و آله) شهید مرده و هر که بمیرد با حب آل محمد (صلي الله عليه و آله) آمرزیده مرده. بدانید هر که بمیرد با حب آل محمد (صلي الله عليه و آله) با توبه مرده و هر که بمیرد با حب آل محمد (صلي الله عليه و آله) مؤمن مرده با ایمان کامل. هر که بمیرد با حب آل محمد (صلي الله عليه و آله) ملک الموت او را بشارت بهشت می دهد. بعد از ملک الموت منکر و نکیر. بدانید هر که با حب آل محمد (صلي الله عليه و آله) بمیرد چنان روانه بهشت می شود مثل عروسی که به حجله داماد می رود بدانید هر که با حب آل محمد (صلي الله عليه و آله) بمیرد ملائکه رحمت به دستور خدا در قبر به زیارت می آیند بدانید هر که بمیرد با حب آل محمد (صلي الله عليه و آله) بر سنت و جماعت بوده و هر که بمیرد بر بغض آل محمد (صلي الله عليه و آله) روز قیامت می آید در حالی که بر پیشانی او نوشته شده مایوس از رحمت خدا است بدانید هر که با بغض آل محمد (صلي الله عليه و آله) بمیرد بوی بهشت را نمی شنود. (1)

حدیث 76: أَخْبَرَنِي الشَّرِيفُ أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ حَمْرَةَ الْحُسَيْنِيُّ الْعَرِضِيُّ بِالرَّمْلَةِ وَ أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ [بْنِ] إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَنَانَ بِحَلَبٍ وَ أَبُو الْمَرْجَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ طَالِبِ الْبَلَدِيِّ بِالْقَاهِرَةِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالُوا جَمِيعاً أَخْبَرَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيُّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارِ الثَّقَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفِ الْعَطَّارِ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمُهِمِّنِ بْنِ عَبَّاسِ الْأَنْصَارِيِّ السَّاعِدِيُّ عَنْ أَبِيهِ الْعَبَّاسِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِيهِ سَهْلٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ بَيْنَا أَبُو ذَرٍّ قَاعِدٌ مَعَ جَمَاعَةٍ مِنْ

ص: 439

أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ وَ كُنْتُ يَوْمَئِذٍ فِيهِمْ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَرَمَاهُ أَبُو ذَرٍّ بِنَظَرِهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى الْقَوْمِ بِوَجْهِهِ فَقَالَ مَنْ لَكُمْ بِرَجُلٍ مَحَبَّتُهُ تُسَاقِطُ الدُّنُوبَ عَنْ مُحَبِّهِ كَمَا تُسَاقِطُ الرِّيحُ الْعَاصِفُ الْهَشِيمَ مِنَ الْوَرَقِ عَنِ الشَّجَرِ سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ (صلي الله عليه و آله) يَقُولُ لَهُ ذَلِكَ قَالُوا مَنْ هُوَ يَا أَبَا ذَرٍّ قَالَ هُوَ الرَّجُلُ الْمُقْبِلُ إِلَيْكُمْ ابْنُ عَمِّ نَبِيِّكُمْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَابُ عِلْمِي وَ مُبِينٌ لِأُمَّتِي مَا أُرْسِلْتُ بِهِ مِنْ بَعْدِي حُبُّهُ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ نِفَاقٌ وَ النَّظَرُ إِلَيْهِ بِرَافَةٍ وَ مَوَدَّةٌ عِبَادَةٌ....

حدیث 76: سهل بن سعد گفت ابا ذر با گروهی از اصحاب پیامبر (صلي الله عليه و آله) نشستند بود من نیز از آن جمله بودم بودم علی بن ابی طالب (عليه السلام) آمد ابا ذر چشم به آن جناب دوخت و بعد برگشت و روبه جمعیت نموده گفت که می تواند معرفی کند مردی را که محبت او گناهان را چنان می زداید همچون بادی شدید و سخت که برگ را از درخت می ریزد؟ من از پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) شنیدم در باره او چنین می فرمود گفتند: آن کیست؟ فرمود: همین مردی که به جانبشما می آید پسر عموی پیامبرتان شنیدم می فرمود: علی باب علم من روشنگر تمام چیزهایی است که من از جانب پروردگار برای امت آورده ام پس از من حب علی (عليه السلام) ایمان و دشمنی با او نفاق است تماشای او با مهربانی و علاقه عبادت است. (1)

حدیث 77: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاضِي عَبْدُ الْبَاقِي بْنُ فَالِحٍ [قَانِعٍ] قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ قَرْمٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ شَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنِي دَاوُدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَا عَلِيُّ إِنَّ جَبْرَيْلَ أَخْبَرَنِي بِكَ بِأَمْرِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي وَ فَرِحَ بِهِ قَلْبِي قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ

ص: 440

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِي أَفَرِيئُ مُحَمَّدًا مِنِّي السَّلَامَ وَاعْلَمُهُ أَنْ عَلِيًّا إِمَامُ الْهُدَى وَ مِصْبَاحُ الدَّجَى وَ الْحَبِجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَ إِنِّي أَلَيْتُ بِعِزَّتِي أَنْ لَا أُدْخِلَ النَّارَ أَحَدًا تَوَلَّاهُ وَ سَلَّمَ لَهُ وَ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَا أُدْخِلَ الْجَنَّةَ مَنْ تَرَكَ وَ لَأَيَّتَهُ وَ السَّلِيمَ لَهُ وَ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ وَ أَطْبَاقَهَا مِنْ أَعْدَائِهِ وَ لَأَمْلَأَنَّ الْجَنَّةَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ

حدیث 77: کتاب مناقب ابن شاذان: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی جبرئیل (علیه السلام) مرا خبر داد به امری در باره تو که موجب روشنی چشم و شادی قلبم شد، به من گفت یا محمد خداوند به من فرمود: محمد (صلی الله علیه و آله) را از جانب من سلام برسان و به او اعلام کن که علی (علیه السلام) پیشوای هدایت و چراغ تاریکی و حجت بر اهل دنیا است او صدیق اکبر و فاروق اعظم است من به ذات خود سوگند خورده ام داخل جهنم نکنم کسی که او را دوست داشته باشد و تسلیم او و اوصیای بعد از او باشد و داخل بهشت نمی کنم کسی را که ولایت او را رها نماید و تسلیم او و اوصیای پس از او نشود، اینیک واقعیت است که می گویم جهنم و طبقات آن را پر خواهم کرد از دشمنان او و بهشت را پر از دوستان و شیعیانش می کنم.... (1)

حدیث 78: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْغَطْرِيفِ الْجُرْجَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو خَلِيفَةَ الْفَضْلُ بْنُ صَالٍ [حُبَابٍ] الْجَمْعِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ عَنْ نَافِعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ [عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ] قَالَ: سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَغَضِبَ فَقَالَ مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَذْكُرُونَ مَنْ لَهُ مَنزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ كَمَنْزِلَتِي وَ مَقَامٌ كَمَقَامِي إِلَّا التُّبُوَّةَ إِلَّا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي رَضِيَ اللَّهُ

ص: 441

عَنْهُ وَمَنْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَافَأَهُ بِالْجَنَّةِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا اسْتَعْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَفُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ بِغَيْرِ حِسَابٍ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَحَاسَبَهُ بِحِسَابِ الْأَنْبِيَاءِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَسُدَّ رَبُّ مِنَ الْكُوْتْرِ وَيَأْكُلَ مِنْ شَجَرَةِ طُوبَى وَيَرَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا يَهْوَنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَجَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَعْطَاهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ بِكُلِّ عِرْقٍ فِي بَدَنِهِ حَوْزَاءً وَشَفَعَهُ فِي ثَمَانِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَلَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ حَديقَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَلَا وَمَنْ عَرَفَ عَلِيًّا وَأَحَبَّهُ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكَ الْمَوْتِ كَمَا بَعَثَ اللَّهُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ وَدَفَعَ عَنْهُ أَهْوَالَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَنَوَّرَ قَبْرَهُ وَفَسَّحَهُ مَسِيرَةَ سَبْعِينَ عَامًا وَبَيَّضَ وَجْهَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ مَعَ الصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَأَمَنَهُ مِنَ الْفِرْعِ الْأَكْبَرِ وَأَهْوَالَ يَوْمِ الصَّاخَةِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ حَسَنَاتِهِ وَتَجَاوَزَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ وَكَانَ فِي الْجَنَّةِ رَفِيقَ حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَأَجْرَى عَلَى لِسَانِهِ الصَّوَابَ وَفَتَحَ اللَّهُ لَهُ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا سَمِّيَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَبَاهَى اللَّهُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ وَحَمَلَةَ عَرْشِهِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا نَادَاهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ أَنْ يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّهَا أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَضَعَ اللَّهُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجَ الْكِرَامَةِ وَالْبَسَهُ حُلَّةَ الْعِزَّةِ أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا مَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ وَلَمْ يَرِ صُعُوبَةً أَلَا وَمَنْ

أَحَبَّ عَلَيَّاهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةً مِنَ النَّفَاقِ وَ جَوَازاً عَلَى الصِّرَاطِ وَ أَمَاناً مِنَ الْعَذَابِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلَيَّاهُ لَا يُشْرِكُ لَهُ دِيْوَانٌ وَ لَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَ قِيلَ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلَيَّاهُ (عليه السلام) أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصِّرَاطِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) صَافَحَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ زَارَتْهُ أَرْوَاحُ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ كَانَتْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) مَاتَ كَافِراً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) مَاتَ عَلَى الْإِيْمَانِ وَ كُنْتُ أَنَا كَفِيلَهُ بِالْجَنَّةِ

حدیث 78: به اسناد قبلی از پسر عمر نقل می کند که گفت: ما از پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) سؤال کردیم راجع به علی بن ابی طالب (عليه السلام) آن جناب خشمگین شده فرمود: چه شده گروهی را که صحبت از کسی می کنند که مقامش در نزد خدا مانند مقام من است به جز نبوت. آگاه باشید هر که علی (عليه السلام) را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر که مرا دوست داشته باشد خدا از او خشنود است و هر که خدا از او خشنود باشد او را پاداش بهشت می دهد آگاه باشید هر که علی (عليه السلام) را دوست داشته باشد ملائکه برای او استغفار می کنند و درب های بهشت برای او باز می شود که از هر درب خواست وارد شود بدون حساب. آگاه باشید هر که علی (عليه السلام) را دوست داشته باشد خداوند نامه عملش را به دست راستش می دهد و حساب او را مانند انبیاء می کشد بدانید هر که علی (عليه السلام) را دوست داشته باشد از دنیا خارج نمی شود مگر اینکه از کوثر می آشامد و از درخت طوبی میل می کند و مقام خود را در بهشت می بیند بدانید هر که علی (عليه السلام) را دوست داشته باشد خداوند سه گزرات مرگ را بر او آسان می کند و قبرش را باغی از باغ های بهشت قرار می دهد. بدانید هر که علی (عليه السلام) را دوست داشته باشد خداوند به او عنایت خواهد کرد در مقابل هر رگی که در بدن

دارد حوریه ای در بهشت و او را شفیع قرار می دهد در باره هشتاد نفر از خانواده اش و مقدار موی های بدنش به او باغ در بهشت می دهند بدانید هر که علی (علیه السلام) را بشناسد و او را دوست بدارد خداوند ملك الموت را پیش او می فرستد همان طوری که بسوی انبیاء می فرستد و وحشت نکیر و منکر را از او برطرف می نماید و قبرش را نورانی می نماید و آن را وسعت می دهد به اندازه هفتاد سال و صورتش را در قیامت سفید می کند. بدانید هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد خدا او را در سایه عرش خود با صدیقین و شهداء و صالحین قرار می دهد و او را از وحشت بزرگتر و وحشت های روز قیامت در امان خواهد نمود بدانید هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد خداوند حسنات او را قبول می کند و از گناهانش می گذرد و در بهشت رفیق حمزه سید الشهداء خواهد بود بدانید هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد خداوند حکمت را در دلش قرار می دهد و بر زبان او واقعیت را اجرا می کند و درهای رحمت را به رویش می گشاید بدانید هر که علی (علیه السلام) را دوست بدارد مطیع خدا نامیده می شود در زمین و خدا با ملائکه و حاملین عرش به واسطه او مباحثات می کند. بدانید هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد فرشته ای از زیر عرش او را صدا می زند: ای بنده ی خدا کار خود را از سر بگیر خداوند تمام گناهانت را آمرزیده بدانید هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد روز قیامت خواهد آمد در حالی که صورتش چون ماه می درخشد بدانید هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد خداوند بر سر او تاج کرامت و بر پیکرش لباس عزت می پوشاند آگاه باشید هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد از صراط رد می شود مانند برق جهنده و هیچ مشکلی را نخواهد دید. بدانید هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد برای او برات آزادی از جهنم و آزادی از نفاق و عبور از صراط و امان از عذاب می نویسند. بدانید هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد نامه عملش باز نمی شود و برایش ترازوی حساب نمی گذارند به او گفته می شود داخل بهشت شو

بدون حساب. بدانید هر که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد از حساب و میزان و صراط در امان است بدانید هر که بمیرد با محبت آل محمد (صلي الله عليه و آله) ملائکه به او دست می دهند و ارواح انبیاء بهدیدار او می آیند و هر حاجتی که در نزد خدا داشته باشد خداوند برایش بر آورده می کند بدانید هر که بمیرد با دشمنی آل محمد (صلي الله عليه و آله) کافر از دنیا می رود بدانید هر که بمیرد با دوستی آل محمد (صلي الله عليه و آله) بر ایمان مرده و من کفیل او خواهم بود به بهشت. (1)

توضیح: بدون شک دوستی و محبتی پذیرفته خواهد شد که به همراه پیروی از فرمایشات ایشان و عمل به دستوراتشان باشد و یقیناً هر ادعایی نشانه ای می خواهد و بدون شک نشانه محبت حقیقی و نجات بخش پیروی از ایشان است.

حدیث 79: حَدَّثَنَا أَبُو الطَّيِّبِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ التَّمِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنِي بَكَّارُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي نَصْرُ بْنُ مُزَاهِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي زِيَادُ بْنُ الْمُنْذِرِ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُنْذِرُ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله): يَا سَلْمَانُ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِي وَمَنْ أَبْغَضََهَا فَهُوَ فِي النَّارِ يَا سَلْمَانُ حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مِائَةِ مَوْطِنٍ أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصَّرَاطُ وَالْمُحَاسَبَةُ فَمَنْ رَضِيَ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ رَضِيَ عَنْهُ وَمَنْ رَضِيَ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ غَضِبْتُ عَلَيْهِ وَمَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَا سَلْمَانُ وَإِلَّ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَيَظْلِمُ ذُرِّيَّتَهَا وَشِيعَتَهَا

حدیث 79: سلمان فارسی گفت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: ای سلمان هر که فاطمه B را دوست بدارد او در بهشت با من خواهد بود و هر که دشمن بدارد در جهنم. سلمان! دوستی فاطمه B در صد جایگاه سود می بخشد که ساده ترین این

ص: 445

جایگاه ها مرگ و قبر و میزان و محشر و صراط و محاسبه است هر که دخترم فاطمه B از او راضی باشد من از او راضیم و هر که من از او راضی باشم خدا از او راضی است و هر که فاطمه B بر او خشم بگیرد من بر او خشمی گیرم و هر که من بر او خشم بگیرم خدا بر او خشمگین است. سلمان وای بر کسی که او را ستم نماید و ستم بر ذریه و شیعیانش کند. (1)

حدیث 80: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حُمْدُونَ بْنِ الْفَضْلِ الْفَقِيهُ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاضِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا شَاهُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَمَةَ الصَّغِيرُ قَالَ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ بْنُ الْحَجَّاجِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو رَجَاءٍ الْعَطَّارُ عَنْ سَمُرَةَ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كُلَّمَا أَصْبَحَ أَقْبَلَ عَلَيَّ أَصْحَابِهِ بِوَجْهِهِ فَقَالَ هَلْ رَأَى أَحَدٌ مِنْكُمْ رُؤْيَا وَإِنَّ النَّبِيَّ أَصْبَحَ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ عَمِّي حَمْزَةَ وَابْنَ عَمِّي جَعْفَرًا جَالِسَيْنِ وَبَيْنَ يَدَيْهِمَا طَبَقُ تَيْنِ وَهُمَا يَأْكُلَانِ مِنْهُ فَمَا لَبِثَا أَنْ تَحَوَّلَ رُطْبًا فَأَكَلَا مِنْهُ فَقُلْتُ لَهُمَا فَمَا وَجَدْتُمَا أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ فِي الْآخِرَةِ قَالَا الصَّلَاةَ وَحُبَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَإِخْفَاءَ الصَّدَقَةِ

حدیث 80: سمره گفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هر روز صبح رو به اصحاب خود می کرد و می فرمود: گویا کسی از شما خوابی دیده؟ يك روز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: در خواب عمویم حمزه و پسر عمویم جعفر (علیه السلام) را دیدم نشسته اند و جلو آن ها ظرفی از انجیر است مشغول خوردن هستند انجیر تبدیل به خرما شد از آن نیز خوردند به آن دو گفتم کدام عمل را در آخرت بهترین اعمال یافتید گفتند: نماز و دوست داشتن علی بن ابی طالب (علیه السلام) و پنهان صدقه دادن. (2)

حدیث 81: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمَذَارِيِّ الْخَيَّاطُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الرَّقَّاءِ الْبَغْدَادِيِّ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ

ص: 446

1- [1] مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة ص 127 المنقبة الحادية و الستون

2- [2] مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، ص 139 المنقبة الحادية و السبعون

عَلِيلٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاوُدَ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي قَنْبَرُ بْنُ أَحْمَدَ [بْنِ قَنْبَرٍ مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ] قَالَ حَدَّثَنِي كَعْبُ بْنُ نَوْفَلٍ عَنْ بَلَالِ بْنِ حَمَامَةَ قَالَ: ... طَلَعَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ذَاتَ يَوْمٍ وَوَجْهُهُ مُشْرِقٌ كِدَارَةَ الْقَمَرِ فَقَامَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَوْفٍ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذَا التُّورُ فَقَالَ بِشَارَةٌ أَتَيْتَنِي مِنْ رَبِّي فِي أَخِي وَابْنِ عَمِّي وَابْنَتِي وَأَنَّ اللَّهَ زَوَّجَ عَلِيًّا بِفَاطِمَةَ وَأَمَرَ رِضْوَانَ خَازِنَ الْجَنَانِ فَهَزَّ شَجَرَةَ طُوبَى فَحَمَلَتْ رِقَاعًا يَعْنِي صِكَكَاءَ بَعْدَدٍ مُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي وَأَنْشَأَ مِنْ تَحْتِهَا مَلَائِكَةً مِنْ نُورٍ وَدَفَعَ إِلَيَّ كُلَّ مَلَكٍ صَدَّكَ فَإِذَا اسْتَوَتْ الْقِيَامَةُ بِأَهْلِهَا نَادَتْ الْمَلَائِكَةُ فِي الْخَلَائِقِ فَلَا تَلْقَى مُحِبًّا لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا دَفَعَتْ إِلَيْهِ صَدَّكَ فِيهِ فَكَأَكُهُ مِنَ النَّارِ بِأَخِي وَابْنِ عَمِّي وَابْنَتِي فَكَأَكُ رِجَالٍ وَنِسَاءً مِنْ أُمَّتِي مِنَ النَّارِ

حدیث 81: با همان سند از بلال بن حمامه گفت: روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با چهره ای درخشان همچون ماه تابان پیش ما آمد عبد الله بن عوف از جای حرکت کرده گفت یا رسول الله این چه نوری است؟ فرمود: بشارتی است که از جانب خدا در مورد برادر و پسر عم و دخترم آمده. خداوند به ازدواج علی (علیه السلام) در آورده فاطمه B را و دستور داد به رضوان نگهبان بهشت که درخت طوبی را تکان دهد تکه های کاغذی بارور گردید به تعداد دوستان اهل بیتم و از زیر درخت طوبی ملائکه ای از نور بوجود می آید و در اختیار هر ملکی یکی از نوشته ها قرار می گیرد وقتی قیامت برپا می شود ملائکه در میان خلائق فریاد می زنند به هر يك از دوستان ما اهل بیت (علیهم السلام) می رسند یکی از آن نامه ها را که آزادی از جهنم است به او می دهند به وسیله برادر و پسر عمویم و دخترم آزاد می شوند گروهی از امتم از آتش جهنم. (1)

ص: 447

حديث 82: [أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْفُوظٍ] قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنِي الْعَطْرِيُّ بْنُ عَبْدِ السَّلَامِ بِصَدِّ نَعَاءِ الْيَمَنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ سَمِعْتُ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ قَالَ سَمِعْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا بَكْرٍ بْنَ أَبِي قُحَافَةَ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ مِنْ نُورٍ وَجْهَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَبْعِينَ أَلْفَ أَلْفِ مَلِكٍ يُسَبِّحُونَهُ وَيُقَدِّسُونَهُ وَيَكْتُبُونَ ذَلِكَ لِمُحِبِّهِ وَ مُحِبِّي وَوَلَدِهِ

حديث 82: پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) مي فرمود: خداوند تبارك و تعالی از نور صورت علی بن ابی طالب (علیه السلام) هفتاد میلیون ملک آفریده که خدا را تسبیح و تقدیس می کنند و ثوابش را برای دوستان او و دوستان فرزندانش می نویسند. (1)

حديث 83: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ حَدَّثَنِي جَبْرِئِيلُ عَنْ رَبِّ الْعِزَّةِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ مَنْ عَلِمَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحَدِيدِي وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَرَسُولِي وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) خَلِيفَتِي وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَوَلَدِهِ حُجَّجِي أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي وَ نَجَّيْتُهُ مِنَ النَّارِ بِعَفْوِي وَ أَبَحْتُ لَهُ جِوَارِي وَ أَوْجَبْتُ لَهُ كِرَامَتِي وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْهِ نِعْمَتِي وَ جَعَلْتُهُ مِنْ خَاصَّتِي وَ خَاصَّتِي إِنَّ نَادَانِي لِكَيْتُهُ وَ إِنَّ دَعَايِي أَجْبَتُهُ وَ إِنَّ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَ إِنَّ سَكَتَ ابْتَدَأْتُهُ وَ إِنَّ أَسْمَاءَ رَحِمْتُهُ وَ إِنَّ فَرَمَنِي دَعَوْتُهُ وَ إِنَّ رَجَعَ إِلَيَّ قَبِلْتُهُ وَ إِنَّ فَرَعَ بَابِي فَتَحْتُهُ وَ مَنْ لَمْ يَشْهَدْ أَنَا وَ حَدِيدِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَشْهَدْ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَ رَسُولِي أَوْ شَهِدَ بِذَلِكَ وَ لَمْ يَشْهَدْ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) خَلِيفَتِي أَوْ شَهِدَ

ص: 448

بِذَلِكَ وَ لَمْ يَسْهَدْ أَنْ الْأُئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجِي فَقَدْ جَحَدَ نِعْمَتِي وَ صَدَّ عَرَّ عَظَمَتِي وَ كَفَرَ بِآيَاتِي وَ كُتَيْبِي وَ رُسُلِي إِنْ قَصَدَنِي حَجَبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي حَرَمْتُهُ وَ إِنْ نَادَانِي لَمْ أَسْمَعْ نِدَاءَهُ وَ إِنْ دَعَانِي لَمْ أَسْتَجِبْ دُعَاءَهُ وَ إِنْ رَجَانِي حَيَّيْتُهُ وَ ذَلِكَ جَزَاؤُهُ مِنِّي وَ مَا أَنَا بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مِنَ الْأُئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام) وَ الْحَسَدُ بْنُ (عليه السلام) سَيِّدًا شَدَّ بَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ سَدَّ يَدَّ الْعَابِدِينَ فِي زَمَانِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ سَتَدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا أَدْرَكَتَهُ فَأَقْرَبُهُ مِنِّي السَّلَامُ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) ثُمَّ الْكَاطِمُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام) ثُمَّ الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (عليه السلام) ثُمَّ النَّعِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ النَّعِيُّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) ثُمَّ الزَّكِيُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) ثُمَّ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيُّ أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا هُوَ لَأَيَّ جَابِرٍ خُلْفَانِي وَ أَوْصِيَاءِي وَ أَوْلَادِي وَ عَثْرَتِي مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا

حدیث 83: امام صادق (عليه السلام) از آباء گرامش فرمود: پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: جبرئیل (عليه السلام) مرا خبر داد از جانب پروردگار عزیز که فرمود: هر که بداند خدائی جز من نیست و محمد (صلي الله عليه و آله) بنده و پیامبر من و علی بن ابی طالب (عليه السلام) خلیفه من و ائمه از فرزندان او حجت های من بوده او را به رحمت خود داخل بهشت می کنم و با عفو من از آتش نجات می دهم و همسایگی خود را به او می بخشم و مستوجب لطف خویش می گردانم و نعمتم را بر او تکمیل می کنم و او را از برجسته ها و شخصیت های

مخصوص خود می گردانم اگر مرا بخواند جوابش را می دهم و اگر درخواستی بکند به او عنایت می نمایم اگر ساکت باشد پیش از سؤال به او می دهم اگر خطا کند می بخشم و اگر از من فرار نماید صدایش می زنم. اگر برگردد او را می پذیرم. اگر درب خانه مرا بکوبد برایش می گشایم. و هر که گواهی به یکتائی من ندهد یا گواهی بدهد و گواهی به بندگی و رسالت پیامبرم ندهد یا این را قبول داشته باشد اما گواهی به خلافت علی بن ابی طالب (علیه السلام) ندهد یا این گواهی را بدهد و گواهی به اینکه ائمه (علیهم السلام) از فرزندان او حجت های من بوده ندهد نعمت مرا منکر و عظمت مرا تحقیر و به آیات و کتاب ها و پیامبران من کافر شده اگر به جانب من آید راهش نمی دهم اگر تقاضا کند تقاضایش را بر نمی آورم و اگر مرا بخواند به سخنش گوش نداده و اگر دعا کند دعایش را مستجاب نمی کنم اگر به من امیدی داشته باشد ناامیدش می کنم، اینست کیفر او از جانب من، من هرگز ستم به بندگان روا نمی دارم. جابر بن عبد الله انصاری از جای حرکت کرده گفت یا رسول الله ائمه (علیهم السلام) از فرزندان علی بن ابی طالب (علیه السلام) کیانند؟! فرمود: حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) سرور جوانان اهل بهشت بعد از او زینت بخش عبادت کنندگان در زمان خود علی بن الحسین (علیه السلام) سپس باقر، محمد بن علی (علیه السلام) در آینده او را خواهی دید اگر او را دیدی سلام مرا به او برسان. پس از او صادق جعفر بن محمد (علیه السلام). آنگاه کاظم موسی بن جعفر (علیه السلام). بعد رضا علی بن موسی (علیه السلام). سپس تقی محمد بن علی (علیه السلام) بعد تقی علی بن محمد (علیه السلام) بعد زکی حسن بن علی (علیه السلام) سپس پسری قائم به حق مهدی امت من که زمین را پر از قسط و عدل می کند همان طوری که پر از ظلم و جور شده. جابر! این ها خلفاء و اوصیا و اولاد و عترت من هستند هر که از آن ها اطاعت کند مرا اطاعت نموده و هر که با آن ها مخالفت کند معصیت مرا نموده و هر که منکر يك نفر از آن ها باشد منکر من است به واسطه آن ها خدا ننگه می دارد آسمان را که بر زمین نیفتد، مگر با اجازه خودش و به وسیله آن ها خداوند

را که اهلش را نلرزاند. (1)

حدیث 84: وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) قَبِلَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ صَلَاتَهُ وَصِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ وَ اسْتَجَابَ دُعَاءَهُ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ عِرْقٍ فِي بَدَنِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَمِنَ مِنَ الْحَسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصَّرَاطِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَأَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ أَلَا وَ مَنْ أَبْغَضَ آلَ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

حدیث 84: ابن عمر گفت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: هر که علی (عليه السلام) را دوست بدارد خداوند نماز و روزه و قیام و دعایش را می پذیرد. هر که علی (عليه السلام) را دوست بدارد خداوند به تعداد هر رگی که در بدن دارد شهری در بهشت به او می دهد. بدانید هر که دوست بدارد آل محمد (صلي الله عليه و آله) را از حساب و میزان و صراط در امان است و هر که بمیرد با حب آل محمد (صلي الله عليه و آله) من ضامن بهشت برای او هستم با انبیاء بدانید هر که دشمن بدارد آل محمد (صلي الله عليه و آله) را روز قیامت می آید در حالی که در پیشانیش نوشته است مایوس از رحمت خدا است. (2)

حدیث 85: وَ مِنْ كِتَابِ فَرَجِ الْكَرْبِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ تَفَرَّقَ النَّاسُ شُعْبًا وَ رَجَعْتُمْ أَنْتُمْ إِلَى أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَأَرَدْتُمْ مَا أَرَادَ اللَّهُ وَ أَحْبَبْتُمْ مَنْ أَحَبَّ اللَّهُ وَ اخْتَرْتُمْ مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ فَأَبْشِرُوا وَ اسْتَبْشِرُوا فَأَنْتُمْ وَ اللَّهُ الْمَرْحُومُونَ الْمُتَقَبَّلُونَ مِنْكُمْ حَسَنَاتِكُمْ الْمُتَجَاوِزُ عَنْ سَيِّئَاتِكُمْ فَهَلْ سَرَرْتُمْ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ الدُّنُوبَ تَسَاقَطُ عَنْ ظُهُورِ شَيْعَتِنَا كَمَا تَسْقُطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى «وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ

ص: 451

1- [1] كشف الغمة في معرفة الأئمة ج 2 ص 510 الباب الخامس والعشرون في الدلالة على كون المهدي حيا باقيا مذ غيبته إلى الآن
2- [1] إرشاد القلوب إلى الصواب للدليمي ج 2 ص 235 فصل: في حبه و التواعد على بغضه و فضائل فاطمة ع

«وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» وَاللَّهُ يَا بَا مُحَمَّدٍ مَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَِذَا غَيْرِكُمْ فَهَلْ سَرَرْتُكَ قُلْتُ نَعَمْ زِدْنِي فَقَالَ قَدْ ذَكَرْتُكُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ عَزَّ مِنْ قَائِلِ
 «رَجُلًا صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» يُرِيدُ أَنْكُمْ وَفَيْتُمْ بِمَا أَخَذَ عَلَيْكُمْ مِيثَاقَهُ مِنْ وَلَا يَتَنَا وَأَنْكُمْ لَمْ تَسَّ تَبَدَّلُوا بِنَا غَيْرَنَا وَقَالَ «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ
 بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» وَاللَّهُ مَا عَنَى بِهَِذَا غَيْرِكُمْ فَهَلْ سَرَرْتُكَ يَا بَا مُحَمَّدٍ فَقُلْتُ زِدْنِي قَالَ لَقَدْ ذَكَرْتُكُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ حَيْثُ يَقُولُ
 «إِنْ خَوَانَا عَلَى سُرْرٍ مُتَقَابِلِينَ» وَاللَّهُ مَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَِذَا غَيْرِكُمْ هَلْ سَرَرْتُكَ قُلْتُ نَعَمْ زِدْنِي قَالَ وَقَدْ ذَكَرْتُكُمْ اللَّهُ تَعَالَى بِقَوْلِهِ «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ
 أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ» فَسَدَّوْا اللَّهُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ النَّبِيِّينَ وَنَحْنُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ وَأَنْتُمْ
 الصَّالِحُونَ وَأَنْتُمْ وَاللَّهُ شَيْعَتُنَا فَهَلْ سَرَرْتُكَ قُلْتُ نَعَمْ زِدْنِي فَقَالَ لَقَدْ اسْتَشَاكُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الشَّيْطَانِ فَقَالَ «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ
 سُلْطَانٌ» وَاللَّهُ مَا عَنَى بِهَِذَا غَيْرِكُمْ فَهَلْ سَرَرْتُكَ قُلْتُ نَعَمْ زِدْنِي فَقَالَ قَالَ اللَّهُ «يَا عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ
 إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» وَاللَّهُ مَا عَنَى بِهَِذَا غَيْرِكُمْ هَلْ سَرَرْتُكَ يَا بَا مُحَمَّدٍ قُلْتُ زِدْنِي فَقَالَ يَا بَا مُحَمَّدٍ مَا اسْتَشَنَى اللَّهُ تَعَالَى بِهِ لِأَحَدٍ مِنَ
 الْأَنْبِيَاءِ وَلَا أَتْبَاعِهِمْ مَا خَلَا شَيْعَتُنَا فَقَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلِ «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» وَهُمْ شَيْعَتُنَا يَا بَا
 مُحَمَّدٍ هَلْ سَرَرْتُكَ قُلْتُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لَقَدْ ذَكَرْتُكُمْ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ حَيْثُ قَالَ «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
 إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» فَنَحْنُ الَّذِينَ نَعْلَمُ وَأَعْدَاؤُنَا الَّذِينَ لَا

يَعْلَمُونَ وَشِدِّيعَتْنَا هُمْ أَوْلُو الْأَلْبَابِ قُلْتُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ يَا بَا مُحَمَّدٍ مَا يُحْصَى تَصَاعُفُ ثَوَابِكُمْ يَا بَا مُحَمَّدٍ مَا مِنْ آيَةٍ تَعُودُ إِلَى الْجَنَّةِ وَتَذَكُرُ أَهْلَهَا بِخَيْرٍ إِلَّا وَهِيَ فِيَنَا وَفِيكُمْ مَا مِنْ آيَةٍ تَسُوقُ إِلَى النَّارِ إِلَّا وَهِيَ فِي عَدُوِّنَا وَمَنْ خَالَفَنَا وَاللَّهِ مَا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَمِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ غَيْرَتَا وَغَيْرُكُمْ وَإِنَّ سَائِرَ النَّاسِ مِنْكُمْ بِرَاءٌ يَا بَا مُحَمَّدٍ هَلْ سَرَزْتُكَ قُلْتُ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَجَعَلْتُ فِدَاكَ ثُمَّ انْصَرَفْتُ فَرِحًا.

حدیث 85: از کتاب فرج الكرب از ابی بصیر نقل کرده که گفت حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: ای ابا محمد مردم به دسته های مختلف متفرق شدند شما دل بستید به اهل بیت پیامبران آنچه خدا می خواست خواستید و آن کس را که خدا دوست می دارد شما دوست دارید و کسی را که خدا انتخاب نموده شما انتخاب نمودید بشارت باد شما را شاد باشید، شما به خدا قسم آمرزیده هستید و حسنات شما را قبول می کنند و از گناهان شما می گذرند آیا موجب شادی تو شدم عرضه داشتیم: آری، فرمود: ای ابا محمد گناه ها از پشت شیعیان ما می ریزد چنانچه برگ ها به وسیله باد از درخت می ریزد این آیه همان است که می فرماید «وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» (1) «وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (2) فرمود: به خدا قسم ای ابا محمد خداوند در این آیه جز شما را اراده نکرده آیا تو را مسرور کردم گفتم آری اضافه بفرمائید. فرمود: خداوند شما را در کتاب کریمش ذکر کرده «رَجَالٌ

صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (3) منظور این است که شما وفا کرده اید به پیمانی که در مورد ولایت ما از شما گرفته شده و دیگری را به جای ما نگرفتید و فرموده است «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (4)

به خدا قسم از متقین جز شما را اراده نکرده آیا تو را مسرور کردم عرضه داشتیم: آری

ص: 453

1- [1] الزمر آیه 75

2- [2] غافر آیه 7

3- [1] الاحزاب آیه 23

4- [2] الزخرف آیه 67

اضافه بفرمائید. فرمود: خداوند در این آیه شما را ذکر نموده «إِخْوَانًا

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ» (1) به خدا قسم جز شما را اراده نکرده آیا شادت کردم. عرضه داشتیم: آری ولی بیشتر بفرمائید فرمود: در این آیه خداوند از شما یاد کرده «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ» (2) پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) در این آیه نبیین است ما صدیقین و شهداء هستیم و شما صالحین هستید به خدا قسم شما شیعیان ما هستید آیا مسرورت کردم؟ گفتم: آری اضافه بفرمائید. خداوند شما را از تسلط شیطان استثناء کرد فرموده «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (3) به خدا قسم جز شما را از این آیه اراده نکرده آیا مسرورت کردم گفتم آری اضافه بفرمائید. فرمود: خداوند می فرماید «يَا عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (4) به خدا قسم جز شما را اراده نکرده آیا مسرورت کردم ای ابا محمد؟ گفتم: آری بیشتر بفرمائید فرمود: ای ابا محمد هیچ يك از پیامبران و پیروان آن ها را استثناء نفرموده جز شیعیان ما را فرموده است «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلِيَشَاتِيئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» (5) آن ها که مورد رحمت خدا قرار می گیرند شیعیان ما هستند آیا تورا مسرور کردم؟ عرضه داشتیم: آری اضافه بفرمائید یا ابن رسول الله فرمود: خداوند شما را در کتاب خود یاد کرده در این آیه

«هَلْ

يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (6) ما کسانی هستیم که می دانیم و دشمنان ما آن هایند که نمی دانند و شیعیان ما اولو الالباب هستند عرضه داشتیم: بیشتر بفرمائید. فرمود: یا ابا محمد چند برابر شدن ثواب اعمال شما از حد شماره بیرون است. ای ابا محمد هر آیه ای که معنی آن برگشت به بهشت می کند و اهل بهشت را به نیکی یاد می کند در باره ما و شما است و هر آیه ای که اشاره به جهنم دارد در باره دشمن ما و مخالفین ما است به خدا قسم بر دین محمد (صلي الله عليه و آله) و ملت ابراهیم (علیه السلام) جز ما و شما نیست سایر مردم از

ص: 454

1- [3] الحجر آیه 47

2- [4] النساء آیه 69

3- [5] الحجر آیه 42

4- [6] الزمر آیه 53

5- [1] الدخان آیه 41 و 42

6- [2] الزمر آیه 9

شما بیزارند ای ابا محمد آیا تو را مسرور کردم گفتم آری یا ابن رسول الله! فدایت شوم بعد با شادی و خوشحالی از خدمت امام(علیه السلام) مرخص شدم. (1)

حدیث 86: وَعَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ شَيْءٌ يَعْتُنَا أَقْرَبُ الْخَلْقِ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَالَ أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيَّةِ اللَّهِ بِالسَّلَامِ وَأَهْلُ أَثَرَةِ اللَّهِ بِرَحْمَتِهِ وَأَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ بِعَصَمَتِهِ وَأَهْلُ دَعْوَتِهِ بِطَاعَتِهِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ أَسْمَاؤَكُمْ عِنْدَنَا الصَّالِحُونَ الْمُصْطَلِحُونَ وَأَنْتُمْ أَهْلُ الرِّضَا لِرِضَائِهِ عَنْكُمْ وَالْمَلَائِكَةُ إِخْوَانُكُمْ فِي الْخَيْرِ فَإِذَا اجْتَهَدْتُمْ ادْعُوا وَإِذَا أَذْنَبْتُمْ اسْتَغْفِرُوا وَأَنْتُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَنَا دِيَارُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَقُبُورُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ لِلْجَنَّةِ خُلِقْتُمْ وَفِي الْجَنَّةِ نَعِيمُكُمْ وَإِلَى الْجَنَّةِ تَسِيرُونَ. حدیث 86: امام صادق(علیه السلام) فرمود: شیعیان ما نزدیکترین خلق به عرش خدا هستند در روز قیامت و فرمود: شما را خداوند تحیت به سلام می گوید و شما برگزیده رحمت خدائید و کسانی هستید که خداوند توفیق به آن ها داده برای جلوگیری از گناه و شما را دعوت به اطاعت نموده هیچ باکی بر شما نیست و نه محزون می شوید. اسامی شما در نزد ما صالحین خیرخواه هستید شما اهل رضا هستید به واسطه خشنودی خدا از شما ملائکه برادران شما هستند در نیکی هر وقت کوشش نمودید دعا کنید و اگر گناهی کردید استغفار نمایند شما بهترین مردم هستید بعد از ما، شهر و دیار شما برایتان بهشت است. و قبرهای شما برایتان بهشت است برای بهشت آفریده شده اید و در بهشت نعمت های شما است و به سوی بهشت در حرکت هستید. (2)

حدیث 87: نَوَادِرُ الرَّوَّانِدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَثْبَتُكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي وَ لِأَصْحَابِي

ص: 455

1- [3] أعلام الدين في صفات المؤمنين ص 452 باب ما جعل الله تعالى بين المؤمنين من الإخاء و الحقوق

2- [1] بحار الأنوار ج 27 ص 126 باب 4 ثواب حبهم و نصرهم و ولايتهم و أنها أمان من النار ح 114

حدیث 87: نوادر راوندی به اسناد خود از حضرت صادق (علیه السلام) نقل می کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: ثابت ترین شما در صراط کسی است که بیشتر اهل بیت (علیهم اسلام) و اصحاب مرا دوست داشته باشد. (1)

حدیث 88: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ أَيُّوبَ عَنْ عَطَاءٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) تَأْكُلُ السَّيِّئَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّازُ الْخَطْبَ حَدِيثٌ 88: صدوق از ابن عباس نقل می کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: حب علی (علیه السلام) گناهان را از بین می برد چنانچه آتش هیزم را نابود می کند. (2)

حدیث 89: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا عُمَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقَسْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْمُهَلَّبِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْغَفَّارِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ كَثِيرٍ الْكَلَابِيُّ الْكُوفِيُّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ تَابِتٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي (عَلَيْهِمُ السَّلَام) نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالُهُنَّ عَظِيمَةٌ عِنْدَ الْوَفَاةِ وَفِي الْقَبْرِ وَعِنْدَ النَّشُورِ وَعِنْدَ الْكِتَابِ وَعِنْدَ الْحِسَابِ وَعِنْدَ الْمِيزَانِ وَعِنْدَ الصِّرَاطِ

حدیث 89: خصال و امالی: جابر از حضرت باقر از پدرش علی بن الحسین (علیه السلام) از پدر خود نقل کرد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: دوستی من و دوستی اهل بیت (علیهم اسلام) در هفت محل سودمند است که بسیار هراس انگیزند. هنگام مرگ. در قبر، هنگام نشور و در موقع نامه عمل و در هنگام حساب و در میزان و در صراط. (3)

ص: 456

1- [2] نوادر (لراوندی) ص 15 فضائل اهل البيت عليهم السلام

2- [1] فضائل الشيعة ص 12 الحديث 10

3- [2] الأمالي للصدوق ص 10 المجلس الثالث ح 3

حدیث 90: أَقُولُ وَرَوَى فِي الْمُسْتَدْرَكِ مِنْ كِتَابِ فَضَائِلِ الصَّحَابَةِ لِلسَّمْعَانِيِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَا عَلِيُّ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَصَدَقَ فِيكَ وَوَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَكَذَبَ فِيكَ حَدِيث 90: عمار یاسر گفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی! خوشا به حال کسی که تو را دوست بدارد و در راه تو صادق باشد و وای بر کسی که تو را دشمن بدارد و در راه تو کاذب باشد. (1)

حدیث 91: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمْ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

حدیث 91: ام سلمه گفت شنیدم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمود: علی (علیه السلام) و شیعیانش در روز قیامت رستگارانند. (2)

حدیث 92: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ غَيْرِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ أَبِيهِ قَالَ: إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لِيُنْتَفَعُ بِهِ فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ عِنْدَ الْقَبْرِ وَ يَوْمَ الْحَشْرِ وَ عِنْدَ الْحَوْضِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ

حدیث 92: فضل هاشمی از پدرش نقل می کند که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: دوستی با ما اهل بیت (علیهم اسلام) در هفت محل سود می بخشد: در نزد خدا و هنگام مرگ و در قبر و روز محشر و در کنار حوض و در میزان و در صراط. (3)

حدیث 93: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمِ الشَّعْبِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلِيهِ السَّلَام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَتَبْتُكُمْ قَدَمًا عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي

ص: 457

1- [1]. عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار ص 217 الفصل السادس والعشرون في قوله ص لعلني ع لا يحبك إلا مؤمن و لا يبغضك إلا منافق ح 338

2- [2]. فضائل أمير المؤمنين عليه السلام ص 101 الفصل الخامس عشر منزلته عليه السلام في الآخرة ح 98

3- [3]. المحاسن ج 1 ص 152 باب 20 باب الحب ح 75

حديث 93: كتاب فضائل الشيعة بنقل از سکونی از حضرت صادق (عليه السلام) از آباء گرامش نقل مي کند: پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: پایدارترین شما در صراط کسی است که بیشتر اهل بیت مرا دوست داشته باشد. (1)

حديث 94:

كِتَابُ الْمُحْتَضَرِّ، لِلْحَسَنِ بْنِ سَلِيمَانَ نَاقِلًا مِنْ كِتَابِ جَمْعَةِ السَّيِّدِ حَسَنِ بْنِ كَشِّبِ الْحُسَيْنِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْمُفِيدِ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)

لِعَلِيِّ (عليه السلام)

يَا عَلِيُّ إِخْوَانُكَ يَفْرَحُونَ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ عِنْدَ خُرُوجِ أَنْفُسِهِمْ وَأَنَا وَأَنْتَ شَاهِدُهُمْ وَعِنْدَ الْمُسَاءَلَةِ فِي قُبُورِهِمْ وَعِنْدَ الْعَرْضِ وَعِنْدَ الصَّرَاطِ

حديث 94: پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) به علی (عليه السلام) فرمود: یا علی! برادرانت در چهار جا خوشحال مي شوند هنگام جان دادن من و تو شاهد حال آن هائيم موقع سوال در قبر و هنگام عرض اعمال و در هنگام صراط. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ غَسَّانِ الْبَصْرِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ عَلِيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقِيلَ لِي ادْخُلْ فَدَخَلْتُ فَوَجَدْتُهُ فِي مُصَدَّ لَأَهٍ فِي بَيْتِهِ فَجَلَسْتُ حَتَّى قَضَى صَلَاتَهُ فَسَمِعْتُهُ وَهُوَ يُنَاجِي رَبَّهُ وَيَقُولُ يَا مَنْ حَصَّنَا بِالْكَرَامَةِ وَ حَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ وَ وَعَدَنَا الشَّفَاعَةَ وَ أَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ وَ جَعَلَ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْنَا اغْفِرْ لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ لِزُورِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَ أَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرِّنَا وَ رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صِدْقِ لِمَتِنَا وَ سُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَيَّ نَبِيَّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ إِجَابَةً مِنْهُمْ

ص: 458

1- [1] فضائل الشيعة ص 6 الحديث 3

2- [2] كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر ص 184 باب ما جاء عن أم سلمة عن النبي ص في النصوص على الأئمة الاثني عشر ح 4

لَأْمُرِنَا وَغَيْظاً أَدْخَلُوهُ عَلَيَّ عَدُوُّنَا أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضَاكَ فَكَافَيْهِمْ عَنَّا بِالرِّضْوَانِ وَ أَكَلَاهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ اخْلَفَ عَلَيَّ أَهْلِيهِمْ وَ أَوْلَادِهِمْ الَّذِينَ خُلِّفُوا بِأَحْسَنِ الْخَلْفِ وَ اصْصَحَبَهُمْ وَ اكْفَيْهِمْ شِدْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ شَدِيدٍ وَ شِدْرَ شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ أَعْطَاهُمْ أَفْضَلَ مَا أَمَلُوا مِنْكَ فِي غُرْبَتِهِمْ عَنَّا وَ طَانِهِمْ وَ مَا آثَرُونَا بِهِ عَلَيَّ أَبْنَائِهِمْ وَ أَهْلِيهِمْ وَ قَرَابَاتِهِمْ اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيَّهِمْ خُرُوجَهُمْ فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّخُوصِ إِلَيْنَا وَ خِلَافاً مِنْهُمْ عَلَيَّ مَنْ خَالَفَنَا فَازْحَمَ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي قَدْ غَيَّرْتَهَا الشَّمْسُ وَ ازْحَمَ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَقَلَّبَتْ عَلَيَّ حُفْرَةَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ ازْحَمَ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَ ازْحَمَ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَ احْتَرَقَتْ لَنَا وَ ازْحَمَ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَتُودِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ حَتَّى تُؤَفِّيَهُمْ عَلَيَّ الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ فَمَا زَالَ وَ هُوَ سَاجِدٌ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَوْ أَنَّ هَذَا الَّذِي سَمِعْتُ مِنْكَ كَانَ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ لَطَنَنْتُ أَنْ النَّارَ لَا تَطْعَمُ مِنْهُ شَيْئاً وَ اللَّهُ لَقَدْ تَمَنَّيْتُ أَنْ كُنْتُ زُرْتُهُ وَ لَمْ أَحْجَّ فَقَالَ لِي مَا أَقْرَبَكَ مِنْهُ فَمَا الَّذِي يَمْنَعُكَ مِنْ إِيْتَانِهِ ثُمَّ قَالَ يَا مُعَاوِيَةَ لِمَ تَدْعُ ذَلِكَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَمْ أَدْرِ أَنَّ الْأَمْرَ يَبْلُغُ هَذَا كُلَّهُ قَالَ يَا مُعَاوِيَةَ مَنْ يَدْعُو لِرُقُوبِهِ فِي السَّمَاءِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَدْعُو لَهُمْ فِي الْأَرْضِ.

از موسی بن عمر، از حسان بصری، از معاویة بن وهب نقل کرده اند که وی گفت: اذن خواستم که بر امام صادق (علیه السلام) داخل شوم، به من گفته شد که داخل شو، پس داخل شده آن جناب را در نمازخانه منزلشان یافتم پس نشستم تا حضرت نمازشان را تمام کردند پس شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می گفتند: بار

خدایا، ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و وعده شفاعت دادی و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و علم به گذشته و آینده را به ما اعطاء فرمودی، و قلوب مردم را مایل به طرف ما نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین (علیه السلام) را بیمارز، آنان که اموالشان را انفاق کرده و ابدانشان را به تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آن چه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردنشان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما.... (1)

وَرَوَى عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) أَنَّهُ تَعَالَى عَنِّي بِقَوْلِهِ «وَأَرْزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ» ثَمَرَاتِ الْقُلُوبِ أَيُّ حُبِّهِمْ إِلَى النَّاسِ لِيَأْتُوا إِلَيْهِمْ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) نقل کرد که فرمود: خداوند از این آیه «وَأَرْزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (2) منظور از ثمرات، ثمرات دل ها است یعنی دوستی ایشان که موجب توجه مردم به آن ها شود اخبار در این مورد به طور کلی خواهد آمد. (3)

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الْقَزْوِينِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ مَقْبَرَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جُنْدَلُ بْنُ وَالِقِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْمَازِنِيُّ عَنْ عَبَّادِ الْكَلْبِيِّ [الْكَلْبِيِّ] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ فَاطِمَةَ الصُّغْرَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) قَالَتْ خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) عَشِيَّةَ عَرَفَةَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِأَهْلِ بَيْتِهِ وَغَفَرَ لَكُمْ عَمَامَةً وَلِعَلِّي (عليه السلام) خَاصَّةً وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَابٍ لِقَرَابَتِي هَذَا جَبْرَيْلُ (عليه السلام) يُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا (عليه السلام) فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ

ص: 460

1- . الكافي ج 4 ص 582 باب فضل زيارة أبي عبد الله الحسين ح 11

2- . ابراهيم آية 37

3- . بحار الأنوار ج 27 ص 74 باب 4 ثواب حبهم و نصرهم و ولايتهم و أنها أمان من النار قبل ح 1

أَبْغَضَ عَلِيًّا (عليه السلام) فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ.

امالی صدوق: علی بن الحسین (علیه السلام) از فاطمه صغری از حسین بن علی (علیه السلام) از مادرش فاطمه زهرا B نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) پیش ما آمد در شب عرفه، فرمود: خداوند عزیز مباحات و افتخار کرد به تمام شما و شما را آمرزید به طور عموم و علی (علیه السلام) را خصوصاً مورد عنایت قرار داد. من پیامبر خدایم بسوی شما بی آنکه حمایت از خویشاوندانم کنم اینک جبرئیل (علیه السلام) به من خبر می دهد که سعادت مند یعنی به تمام معنی سعادت مند و سعید واقعی کسی است که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد در زمان حیاتش و بعد از درگذشت او و شقی شقاوت مند کامل و واقعی کسی است که با علی (علیه السلام) دشمنی ورزد در حیات و بعد از درگذشتش. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ نَضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ مَادٍ الْقَلَانِسِيِّ عَنِ الْقَنْدِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (صلي الله عليه و آله) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) أَكُلُّ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُؤْمِنٌ قَالَ إِنَّ عَدَاوَتَنَا تَلْحَقُ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى إِنَّكُمْ لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُحِبُّوُنِي وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُ هَذَا يَعْنِي عَلِيًّا (عليه السلام).

جابر جُعْفِي از حضرت صادق (علیه السلام) از آباء گرام خود نقل کرد که مردی خدمت پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) آمده عرضه داشت: یا رسول الله (صلي الله عليه و آله) آیا هر که بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مؤمن است؟ فرمود: دشمنی ما شامل یهود و نصاری می شود شما داخل بهشت نخواهید شد مگر این که مرا دوست داشته باشید و دروغ می گوید کسی که گمان می کند مرا دوست می دارد ولی با علی (علیه السلام) دشمن باشد. (2)

ص: 461

1- . الأمالی (للصدوق) النص 182 المجلس الرابع و الثلاثون ح 8

2- . الأمالی (للصدوق) النص 269 المجلس الخامس و الأربعون ح 17

حدیث 95:

وَ أَخْبَرَنَا السَّيِّدُ أَبُو الْحَمْدِ مَهْدِيُّ بْنُ نِزَارٍ الْحُسَّيْنِيُّ عَنْ الْحَاكِمِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحَسَنِ كَانِي عَنِ الْقَاضِي أَبِي بَكْرٍ الْحِيرِيِّ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الصُّبُعِيِّ
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ السَّرِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْحِمَّانِيِّ عَنْ حُسَيْنِ الْأَشْثَرِ عَنْ قَيْسِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ ابْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:
لَمَّا نَزَلَتْ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا» الْآيَةَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أُمِرْنَا بِمَوَدَّتِهِمْ قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام) وَ فَاطِمَةُ وَ وُلْدُهُمَا.

حدیث 95: ابن عباس: وقتی آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا» (1) نازل شد عده ای به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرضه داشتند:
یا رسول الله این خویشاوندان کیانند که ما مأمور به محبت آنان هستیم، فرمود: علی (علیه السلام) و فاطمه B و فرزندان (علیهم
اسلام). (2)

حدیث 96: وَ صَحَّحَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ فِي خُطْبَتِهِ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَيَّ كُلِّ مَسْلُومٍ فَقَالَ
«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» وَ اقْتَرَأَ الْحَسَنَةَ مَوَدَّتْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (علیهم اسلام).

حدیث 96: و این روایت ثابت شده که حسن بن علی (علیه السلام) در ضمن سخنرانی خود فرمود: من از آن خانواده ای هستم که خداوند
محبت به آن ها را بر هر مسلمان واجب نموده فرموده: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا
حُسْنًا» (3) اقترا ف حسنه مودت ما خانواده است. (4)

ص: 462

1- . الشوری آیه 23

2- [2] البرهان فی تفسیر القرآن ج 4 ص 822 [سورة الشوری (42): الآيات 21 الى 26]

3- . الشوری آیه 23

4- [4] مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 4 ص 3 فصل في المقدمات

حدیث 97: ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنبِرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» فَقَالَ هِيَ وَاللَّهِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ لِمُحَمَّدٍ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ

حدیث 97: سلام بن مستنیر گفت از امام باقر (علیه السلام) راجع به این آیه پرسیدم «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (1) فرمود: به خدا قسم واجب بر بندگان از جانب خدا این مودت و محبت نسبت به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. (2)

حدیث 98: أَحْمَدُ بْنُ الْقَاسِمِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ يَحْكِي قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ حَلِيلِ اللَّهِ «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِدَّةً مِنْ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» إِلَى آخِرِ الْقِصَّةِ فَقَالَ مَا قَالَ إِلَيْهِ يَعْنِي الْبَيْتَ مَا قَالَ إِلَّا إِلَيْهِمْ أَفْتَرُونَ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ إِيْتَانَهُ هَذِهِ الْأَحْجَارِ وَالتَّمَسُّحَ بِهَا وَلَمْ يَفْرَضْ عَلَيْكُمْ إِيْتَانَنَا وَ سَوَالَنَا وَ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَاللَّهِ مَا فَرَضَ عَلَيْكُمْ غَيْرَهُ

حدیث 98: احمد بن قاسم به اسناد خود از امام باقر (علیه السلام) در باره آیه ای که خداوند از قول ابراهیم نقل می کند «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِدَّةً مِنْ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (3) فرمود: خداوند نفرموده دل های مردم را متوجه به آن کن (یعنی خانه خدا) فرموده است دل های مردم را شیفته آنان بگردان شما خیال می کنید خداوند بزرگداشت و آمدن کنار این سنگ ها و مالیدن خویشتن به آن ها را واجب کرده اما آمدن در خانه ما و پرسیدن از ما و محبت ما را واجب نکرده؟ به خدا سوگند جز این را واجب ننموده. (4)

ص: 463

1- . الشوري آية 23

2- [1] المحاسن ج 1 ص 144 باب 13 باب قل لا أسئلكم عليه أجرا إلا المودة في القربى

3- [2] ابراهيم آية 37

4- [3] تفسير فرات الكوفي ص 223 [سورة إبراهيم (14): آية 37] ..

حدیث 99: أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ ابْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» يَعْنِي فِي أَهْلِ بَيْتِهِ قَالَ جَاءَتِ الْأَنْصَارُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالُوا إِنَّا قَدْ آوَيْنَا وَنَصَرْنَا فَخُذْ طَائِفَةً مِنْ أَمْوَالِنَا فَاسْأَلْنَا بِهَا عَلَى مَا نَابَكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا» يَعْنِي عَلَى الثُّبُوءِ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى يَعْنِي فِي أَهْلِ بَيْتِهِ ثُمَّ قَالَ أَلَا تَرَى أَنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ لَهُ صَدِيقٌ وَفِي نَفْسِ ذَلِكَ الرَّجُلِ شَيْءٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

حدیث 99: امام باقر (علیه السلام) که می فرمود: در باره آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» یعنی در باره اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و فرمود: انصار خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسیده گفتند: ما که خانه خود را پناه شما قرار دادیم و شما را یاری نمودیم اینک مقداری از اموال ما را در راه احتیاج و هدف خود صرف کن. خداوند این آیه را نازل نمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» یعنی درخواستی در مورد نبوت ندارم جز دوستی با خویشاوندانم، و منظور اهل بیت آن سرور است. (1)

رَوَاهُ الصَّدُوقُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ بَابَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ رَجَالِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» قَالَ أُولَئِكَ وَاللَّهِ أَصْحَابُ الْخَمْسِينَ مِنْ شِيعَتِنَا قَالَ قُلْتُ «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» قَالَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْخَمْسِ صَلَوَاتٍ مِنْ شِيعَتِنَا قَالَ قُلْتُ وَ أَصْحَابُ الْيَمِينِ قَالَ هُمْ وَاللَّهِ مِنْ شِيعَتِنَا

محمد بن فضیل از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در باره آیه «إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (2) فرمود: این ها یاران پنجاهی از شیعیان ما هستند

ص: 464

1- [1] تفسیر القمی ج 2 ص 275 [سورة الشوری(42): الآيات 21 الى 26]

2- [2] المعارج آية 22-23

گفتم «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (1) فرمودند: آن ها صاحب نمازهای پنجگانه شیعیان ما هستند. گفتیم S وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ R حضرت فرمودند: به خدا سوگند از شیعیان ما هستند. (2) وَ مِنْهُ، عَنِ الصَّدُوقِ عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْأَبْرَقِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنِ ابْنِ شِهْمَرَ عَنِ جَابِرِ بْنِ جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَلُومُونَنِي فِي مَحَبَّتِي لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَوَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا أَحْبَبْتُهُ حَتَّى أَمَرَنِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ بِمَحَبَّتِهِ

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: چه شده گروهی را که مرا سرزنش می کنند به دوست داشتنم برادرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) قسم به آن کسی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت خدای بزرگ مرا امر به محبت او نمود... (3)

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّيْدِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ عَبَّاسٍ وَعَبْدِ السَّلَامِ بْنِ حَرْبٍ جَمِيعًا قَالَ حَدَّثَنَا مَنْ سَمِعَ بَكْرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْمُزَنِّيَّ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِي يَا عِمْرَانُ

إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَوْقِعًا مِنَ الْقَلْبِ وَ مَا وَقَعَ مَوْقِعَ

هَذَيْنِ الْغُلَامَيْنِ مِنْ قَلْبِي شَيْءٌ قَطُّ فَقُلْتُ كُلُّ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ يَا عِمْرَانُ وَ مَا خَفِيَ عَلَيْكَ أَكْثَرَ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمَا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من فرمودند: ای عمران! هر چیزی در قلب جایگاهی دارد ولی جایگاه این دو کودک از قلب من هرگز مکان خاصی نیست. عمران می گوید: عرضه داشتیم: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تمام قلب شما جای گاه این دو است؟ حضرت فرمودند: ای عمران! آن چه بر تو مخفی مانده بیش از آنست که دانسته ای، همانا خداوند متعال، مرا به محبت ایشان امر فرموده است. (4)

ص: 465

1- [3] المومنون آیه 9

2- [4] تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 699 [سورة المعارج (70): الآيات 22 الى 23]

3- [1] بحار الأنوار ج 27 ص 12 باب 10 أن أسماءهم عليهم السلام مكتوبة على العرش والكرسي واللوح وجباه الملائكة و باب الجنة و غيرها ح 28

4- . كامل الزيارات ص 50 باب 14 الباب الرابع عشر حب رسول الله ص الحسن و الحسين ع و الأمر بحبهما و ثواب حبهما ح 2

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْقَرَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَابِسٍ
عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ عُبَيْدَةَ السَّلْمَانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ) يَقُولُ مَنْ كَانَ يُحِبُّنِي فَلْيُحِبِّ ابْنِي هَذَا فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمَا

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمودند: کسی که مرا دوست دارد باید این دو کودک (حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام)) را هم دوست داشته باشد و آنکه خداوند مرا به دوست داشتن این دو امر فرموده است. (1)

ص: 466

1- . کامل الزیارات ص 51 باب 14 الباب الرابع عشر حب رسول الله ص الحسن و الحسين ع و الأمر بحبهما و ثواب حبهما ح 5

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (1)

در حالی که خداوند می فرماید: (بُت های) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبدا آنان نیز از روی دشمنی و جهل خدا را دشنام دهند. «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِدُوا طُورًا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِدِينَ» (2)

خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده اند و از سرزمینتان بیرون نرانده اند، باز نمی دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می کنند دوست دارد.

حدیث 1: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا مُعَلَّى أَكْتُمُ أَمْرَنَا وَلَا تُدْعُهُ فَإِنَّهُ مَنْ كَتَمَ أَمْرَنَا وَلَمْ يَدْعُهُ أَعَزَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَ جَعَلَهُ نُورًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ يُقُودُهُ إِلَى الْجَنَّةِ يَا مُعَلَّى مَنْ أَدَاعَ أَمْرَنَا وَلَمْ يَكْتُمْهُ أَذَلَّهُ اللَّهُ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَ نَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ وَ جَعَلَهُ ظُلْمَةً تُقُودُهُ إِلَى النَّارِ يَا مُعَلَّى إِنَّ التَّقِيَّةَ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ يَا مُعَلَّى إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي السِّرِّ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي الْعَلَانِيَةِ يَا مُعَلَّى إِنَّ الْمُدْبِعَ لِأَمْرِنَا كَالْجَاحِدِ لَهُ.

حدیث 1: امام صادق (علیه السلام): ای معلی امر و مسلک ما را کتمان کن و آنرا شایع و منتشر نساز به درستی که کسی که کتمان کند مذهب ما را و شایع نسازد آنرا خداوند در دنیا به سبب این کتمان به او عزت دهد و نوری در پیش روی او در آخرت قرار دهد که او را به بهشت رهنمون سازد و اگر کسی مذهب ما را کتمان

ص: 468

1- [1] الانعام آیه 108

2- [1] الممتحنة آیه 8

نسازد و آنرا شیوع دهد خداوند او را ذلیل و خوار سازد و در آخرت نور را از پیش رو بگیرد و ظلمتی که او را به جهنم بکشاند برای او قرار دهد. معنی، تقیه جزئی از دین من و پدرانم می باشد و کسی که تقیه نکند از دین خارج است. (1)

حدیث 2: عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحْتِمَالِ أَمْرِنَا التَّصَدِيقُ لَهُ وَ الْقَبُولُ فَقَطٍ مِنْ أَحْتِمَالِ أَمْرِنَا سِتْرُهُ وَ صِدْيَانْتُهُ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِ فَأَقْرَبُهُمُ السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ حَدَّثُوهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ اسْتُرُوا عَنْهُمْ مَا يُنْكِرُونَ ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهُ مَا النَّاصِبُ لَنَا حَرْبًا بِأَشَدَّ عَلَيْنَا مَثُونَةً مِنَ النَّاطِقِ عَلَيْنَا بِمَا نَكْرَهُ فَإِذَا عَرَفْتُمْ مِنْ عَبْدِ إِذَاعَةً فَاْمَشُوا إِلَيْهِ وَ رُدُّوهُ عَنْهَا فَإِنْ قَبِلَ مِنْكُمْ وَ إِلَّا فَتَحَمَلُوا عَلَيْهِ بِمَنْ يَثْقُلُ عَلَيْهِ وَ يَسْمَعُ مِنْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ يَطْلُبُ الْحَاجَةَ فَيَلْطَفُ فِيهَا حَتَّى تَقْضَى لَهُ فَالْطُفُوْا فِي حَاجَتِي كَمَا تَلْطَفُونَ فِي حَوَائِجِكُمْ فَإِنْ هُوَ قَبِلَ مِنْكُمْ وَ إِلَّا فَادْفِنُوا كَلَامَهُ تَحْتَ أَوْدَامِكُمْ وَ لَا تَقُولُوا إِنَّهُ يَقُولُ وَ يَقُولُ فَإِنَّ ذَلِكَ يُحْمَلُ عَلَيَّ وَ عَلَيْكُمْ أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ كُنْتُمْ تَقُولُونَ مَا أَقُولُ لَأَقْرَزْتُ أَنْكُمْ أَصْحَابِي هَذَا أَبُو حَنِيفَةَ لَهُ أَصْحَابٌ وَ هَذَا الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ لَهُ أَصْحَابٌ وَ أَنَا أَمْرٌ مِنْ قُرَيْشٍ قَدْ وُلِدَنِي رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِمْتُ كِتَابَ اللَّهِ وَ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ بَدَأَ الْخَلْقَ وَ أَمْرَ السَّمَاءِ وَ أَمْرَ الْأَرْضِ وَ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَ أَمْرَ الْآخِرِينَ وَ أَمْرَ مَا كَانَ وَ أَمْرَ مَا يَكُونُ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى ذَلِكَ نُصَبَ عَيْنِي.

حدیث 2: عبد الاعلی گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: تحمل امر ما تنها به تصدیق و پذیرفتن آن نیست، از جمله تحمل امر ما پنهان کردن و نگهداشتن آن از نااهلش باشد. به شیعیان ما سلام برسان و به آنها بگو: خدا رحمت کند بنده ئی

ص: 469

را که دوستی مردم (مخالفین ما) را به سوی خود کشاند، آنچه را می فهمند به آنها بگوئید و آنچه را نمی پذیرند از آنها بپوشید. سپس فرمود: به خدا کسی که به جنگ ما برخاسته زحمتش برای ما از کسی که چیزی را که نمی خواهیم از قول ما می گوید بیشتر نیست. چون دانستید کسی (اسرار امامت و احادیث مخصوص ما را) فاش می کند، نزدش روید و او را از آن بازدارید، اگر پذیرفت چه بهتر و گر نه کسی را که بالاتر از اوست و از او شنوایی دارد بر او تحمیل کنید (تا منعش کند و بازش دارد)... (1)

حدیث 1/2: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» قَالَ هُمْ الْأَيُّمَةُ وَيَجْرِي فِيْمِنِ اسْمِ تَقَامَ مِنْ شِيعَتِنَا وَسَلَّمْ لَأْمَرِنَا وَكْتَمَ حَدِيثِنَا عِنْدَ عَدُوِّنَا فَتَسْتَقْبِلُهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالْبُشْرَى مِنَ اللَّهِ بِالْجَنَّةِ وَقَدْ وَاللَّهِ مَضَى أَقْوَامٌ كَانُوا عَلَى مِثْلِ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ مِنَ الدِّينِ فَاسْتَقَامُوا وَسَلَّمُوا لَأْمَرِنَا وَكْتَمُوا حَدِيثِنَا وَلَمْ يَشْكُوا كَمَا شَكَّكُمْ فَاسْتَقْبَلَتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالْبُشْرَى مِنَ اللَّهِ بِالْجَنَّةِ. حدیث 1/2: مختصر بصائر: ابو بصیر از حضرت صادق (علیه السلام) در باره آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» (2) که فرمود: آنها ائمه هستند و در مورد شیعیان ما آنها که استوارند و تسلیم فرمان ما می آیند و حدیث ما را از دشمنان مکتوم می دارند جاری است ملائکه با مژده بهشت

به استقبال آنها از جانب خدا می آیند به خدا قسم! گروهی بودند که درگذشتند و مثل شما بودند در دین استقامت ورزیدند و تسلیم امر ما شدند و حدیث ما را کتمان کردند و در نزد دشمنان افشا نمودند و شک نکردند مثل شما که شک کردید ملائکه با مژده بهشت از

ص: 470

1- . الكافي ج 2 ص 222 باب الكتمان ح 5.

2- . فصلت آية 30

حدیث 3: وَقِيلَ لِلصَّادِقِ (عليه السلام): يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّا نَرَى فِي الْمَسِّ جِدَّ رَجُلًا يُعْلِنُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَيُسِّ مِيهِمْ فَقَالَ: مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ يَعْزُضُ بِنَا

حدیث 3: ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ما می بینیم که در مسجد شخصی است که آشکارا به دشمنان شما دشنام می دهد و آنان را نام می برد، حضرت فرمودند: او را چه شده خدا او را لعنت کند که معترض ما می شود (2)

حدیث 4: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنِّي رَجُلٌ مِنْ بَجِيلَةَ وَأَنَا أَدِينُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِأَنْكُم مَوَالِي وَ قَدْ يَسْأَلُنِي بَعْضُ مَنْ لَا يَعْرِفُنِي فَيَقُولُ لِي مِمَّنِ الرَّجُلُ فَأَقُولُ لَهُ أَنَا رَجُلٌ مِنَ الْعَرَبِ ثُمَّ مِنْ بَجِيلَةَ فَعَلَيْ فِي هَذَا إِثْمٌ حَيْثُ لَمْ أَقُلْ إِنِّي مَوْلَى لِبَنِي هَاشِمٍ فَقَالَ لَا أَلَيْسَ قَلْبُكَ وَ هَوَاكَ مُنْعَقِدًا عَلَى أَنَّكَ مِنْ مَوَالِينَا فَقُلْتُ بَلَى وَاللَّهِ فَقَالَ لَيْسَ عَلَيْكَ فِي أَنْ تَقُولَ أَنَا مِنَ الْعَرَبِ إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْعَرَبِ فِي النَّسَبِ وَالْعَطَاءِ وَالْعَدَدِ وَالْحَسَبِ فَأَنْتَ فِي الدِّينِ وَ مَا حَوَى الدِّينُ بِمَا تَدِينُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مِنْ طَاعَتِنَا وَ الْأَخْذِ بِهِ مِنَّا مِنْ مَوَالِينَا وَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا.

حدیث 4: مالک بن عطیه می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: من مردی از قبیله بجیله هستم و دینداریم برای خدای عز و جل، بر این اساس استوار است که شما سروران من هستید و گاهی می شود که کسی ناشناس از من می پرسد: تو از کدام مردم هستی؟ و من به او می گویم: مردی عرب از بجیله هستم. آیا گناهی بر من بار است اگر نگویم از دوستداران بنی هاشم هستم؟ امام (علیه السلام) فرمود: نه، آیا قلب و

ص: 471

1- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 524 باب 20 باب في التسليم لآل محمد ص فيما جاء عندهم ح 22
2- . اعتقادات الإمامية للصدوق ص 107 باب 39 الاعتقاد في التقية

خواستہ ات بر این نیست کہ از دوستداران مایی؟ عرضه داشتیم: بہ خدا سوگند چنین است. فرمود: ہمین کہ می گویی من عرب ہستم دیگر بر تو گناہی نیست، زیرا تو در نسب و بہرہ و شمار و حسب، عرب ہستی و در دیانت و آنچه با آن برای خداوند عز و جل دینداری می کنی، در اطاعت ما ہستی و احکام خود را از ما اخذ می کنی بدان تو از دوستان ما ہستی و از ما ہستی و رو بہ سوی ما داری. (1)

حدیث 5: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ سَبَّ وَلِيَّ اللَّهِ فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ

حدیث 5: و ایضا فرمود: ہر کہ دشنام بہ ولی خدا دہد دشنام بہ خدا دادہ. (2)

حدیث 6: وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيٍّ: مَنْ سَبَّكَ يَا عَلِيُّ فَقَدْ سَبَّنِي، وَمَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ تَعَالَى وَمَنْ سَبَّ اللَّهَ تَعَالَى أَلْقَاهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ حَدِيث 6: و جناب نبوی (صلی اللہ علیہ و آلہ) بہ امیر المؤمنین (علیہ السلام) فرمودند کہ: ہر کہ دشنام بہ تو داد دشنام بہ من دادہ و ہر کہ دشنام بہ من دادہ دشنام بہ خدا دادہ و ہر کہ دشنام بہ خدا داد، خداوند او را با بینی بر آتش اندازد. (3)

حدیث 7: وَسُئِلَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» قَالَ: أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ

حدیث 7: و از امام صادق (علیہ السلام) سؤال شد از معنی اینکہ حقتعالی فرمودہ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (4) گرامی ترین شما در نزد خداوند اتقای شما است فرمود: عمل کنندہ ترین شما بہ تقیہ. (5)

حدیث 8: وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي لَأَسْمَعُ الرَّجُلَ فِي الْمَسْجِدِ وَهُوَ يَسْتَمْنِي، فَأَسْتَبِرُّ مِنْهُ بِالسَّارِيَةِ كَيْ لَا يَرَانِي

ص: 472

1- . الكافي ج 8 ص 268 كتاب الروضة باب حديث نوح يوم القيامة ح 395

2- . اعتقادات الإمامية للصدوق ص 107 باب 39 الاعتقاد في التقية

3- . الروضة في فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام لابن شاذان القمي ص 29 باب 14 حديث من سب عليا ألقى في النار

4- . الحجرات آية 13

5- . اعتقادات الإمامية للصدوق ص 108 باب 39 الاعتقاد في التقية

حدیث 8: و حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: که خود می شنوم کلام مردی را در مسجد و او مرا دشنام می گوید و پنهان می شوم از او به پشت ستون که مرا نبیند. (1)

حدیث 9: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ، وَلَمْ يُبَغِّضْنَا إِلَيْهِمْ

حدیث 9: امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدا رحمت کند کسی را که محبوب سازد ما را پیش مردم و مبعوض ننمایدمان نزد ایشان. (2) حَدِيثُ 10: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَالِطُوا النَّاسَ بِالْبِرِّانِيَّةِ، وَخَالِفُوهُمْ بِالْجَوَانِيَّةِ، مَا دَامَتِ الْإِمْرَةُ صَبِيَانِيَّةً

حدیث 10: امام صادق (علیه السلام) فرمود: و مخالطه نمائید با مردم به ظاهر و مخالفت ایشان کنید به باطن مادام که حکمرانی بچه بازی است. (3)

حدیث 11: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا

حدیث 11: امام حسن عسکری (علیه السلام): زینت ما باشید نه مایه سرشکستگی ما (4)

حدیث 12: وَذَكَرَ الْقَصَّاصُونَ عِنْدَ الصَّادِقِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَعْنَهُمُ اللَّهُ يُشْنَعُونَ عَلَيْنَا

حدیث 12: و نام قصه گوینان نزد امام صادق (علیه السلام) مذکور شد، حضرت فرمود: خدا لعنتشان کند تشنیع بر ما می کنند، (یعنی سبب تشنیع مخالفان بر ما می شوند) (5)

حدیث 13: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّيَاءُ مَعَ الْمُؤْمِنِ شِرْكٌ، وَ مَعَ الْمُتَّقِ فِي دَارِهِ عِبَادَةٌ

حدیث 13: امام باقر (علیه السلام): ریا با مؤمن شرک است و با منافق در خانه او عبادت است. (6)

ص: 473

- 1- . اعتقادات الإمامیه للصدوق ص 108 باب 39 الاعتقاد في التقية
- 2- . اعتقادات الإمامیه للصدوق ص 109 باب 39 الاعتقاد في التقية
- 3- . اعتقادات الإمامیه للصدوق ص 109 باب 39 الاعتقاد في التقية
- 4- . اعتقادات الإمامیه للصدوق ص 109 باب 39 الاعتقاد في التقية
- 5- . اعتقادات الإمامیه للصدوق ص 109 باب 39 الاعتقاد في التقية
- 6- . اعتقادات الإمامیه للصدوق ص 109 باب 39 الاعتقاد في التقية

حدیث 14: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ، فَكَأَنَّمَا صَلَّى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ. حدیث 14: امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: که هر که با آن‌ها در صف اول نماز کند گویا با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در صف اول نماز گزارده. (1)

حدیث 15: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَصَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ

حدیث 15: امام باقر (علیه السلام): عیادت نمایند مرضای آن‌ها را و حاضر شوید جنازه هاشان را و نماز گزارید در مسجد هاشان. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَآ بِهِ فَإِنَّ وَلَدَ السُّوءِ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْمْ إِلَيْهِ زِينَا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْنًا صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَلَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنْ الْخَيْرِ فَأَنْتُمْ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ وَاللَّهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْحَبِّ قُلْتُ وَمَا الْحَبُّ قَالَ التَّقِيَّةُ.

هشام کندی گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود، مبدا کاری کنید که ما را بدان سرزنش کنند، همانا فرزند بد، پدرش را به کردار او سرزنش کنند، برای کسی که به او دل داده اید (امام خود) زینت باشید و عیب و ننگ مباشید، در میان عشایر آنها نماز بخوانید (به نماز جماعت عامه حاضر شوید) و از بیمارانشان عیادت کنید و بر جنازه آنها حاضر شوید، مبدا آنها در هیچ خیری از شما پیشی گیرند که شما نسبت به خیر از آنها سزاوارترند، به خدا سوگند که خدا به چیزی که محبوبتر باشد نزد او از حبّ عبادت نشده، عرضه داشتیم: حبّ ع چیست؟ فرمود: تقیه. (3)

ص: 474

1- . اعتقادات الإمامیه للصدوق ص 109 باب 39 الاعتقاد في التقية

2- . اعتقادات الإمامیه للصدوق ص 109 باب 39 الاعتقاد في التقية

3- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 219 ح 11

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ الْقِيَامِ لِلْوَلَاةِ فَقَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي وَ لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا

تَقِيَّةَ لَهُ. معمر بن خلاد گوید: از حضرت ابو الحسن (علیه السلام) در باره به پا خاستن برای والیان پرسیدم، فرمود: امام باقر (علیه السلام) فرموده است: تقیه از دین من و دین پدرانم می باشد، و کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد. (1)

عَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَانَ أَبِي يَقُولُ وَ أَيُّ شَيْءٍ أَقْرَبُ لِعَيْنِي مِنَ التَّقِيَّةِ إِنَّ التَّقِيَّةَ جُنَّةُ الْمُؤْمِنِ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدرم می فرمود: چه چیز بهتر از تقیه چشم مرا روشن می کند؟ تقیه سپر مؤمن است. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كُلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ.

امام صادق (علیه السلام): هر چه این امر (ظهور امام قائم (علیه السلام)) نزدیکتر شود تقیه شدیدتر شود (زیرا بدعت و ستم توسعه یابد و اظهار حق خطرش بیشتر شود). (3)

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: التَّقِيَّةُ تُرْسُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ

امام صادق (علیه السلام) فرمود: تقیه سپریست خدائی میان او و مخلوقش. (4)

ص: 475

- 1- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 219 ح 12
- 2- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 220 ح 14
- 3- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 220 ح 17
- 4- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 220 ح 19

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ أَدِينَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ وَ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ التَّقِيَّةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ يَضْطَرُّ إِلَيْهِ ابْنُ آدَمَ فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ.

امام باقر(عليه السلام): در هر موردی که آدمیزاد به تقیه ناچار شود: خدا آن را برایش حلال ساخته است. (1) الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمَزَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) خَالَطُوهُمْ بِالْبَرَانِيَّةِ وَ خَالَفُوهُمْ بِالْجَوَانِيَّةِ إِذَا كَانَتِ الْإِمْرَةُ صَبِيَانِيَّةً

امام باقر(عليه السلام) فرمود: هر گاه فرمانروائی کودکانه باشد (روی هوی و هوس باشد) با مردم در ظاهر آمیزش کنید و در باطن مخالف آنها باشید. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أُسَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) رَجُلَانِ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَخِذَا قَبِيلَ لَهْمَا ابْرَأًا مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَبَرِيٍّ وَاحِدٌ مِنْهُمَا وَ أَبِي الْآخَرُ فَخُلِّيَ سَبِيلُ الَّذِي بَرِيٍّ وَ قُتِلَ الْآخَرُ فَقَالَ أَمَا الَّذِي بَرِيٍّ فَرَجُلٌ فَقِيهٌ فِي دِينِهِ وَ أَمَا الَّذِي لَمْ يَبْرَأْ فَرَجُلٌ تَعَجَّلَ إِلَى الْجَنَّةِ.

عبد الله بن عطاء گوید: به امام باقر(عليه السلام) عرضه داشتم: دو مرد از اهل کوفه را دستگیر کرده به آنها گفتند: از امیرالمؤمنین(عليه السلام) بیزاری جوئید، یکی از آنها بیزاری جست و دیگری سر پیچی کرد، آن را که بیزاری جست رها کردند و دیگری را کشتند، امام(عليه السلام) فرمود: آنکه بیزاری جستہ مردیست دانشمند در دین خود و اما آنکه بیزاری نجست، مردیست که به سوی بهشت شتافته است. (3)

ص: 476

1- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر باب التَّقِيَّةِ ص 220 ح 18

2- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر باب التَّقِيَّةِ ص 220 ح 20

3- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر باب التَّقِيَّةِ ص 221 ح 21

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْجَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النَّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسَّكَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ التَّقِيَّةُ تَرْسُ الْمُؤْمِنِ وَالتَّقِيَّةُ حِرْزُ الْمُؤْمِنِ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَقَعُ إِلَيْهِ الْحَدِيثُ مِنْ حَدِيثِنَا فَيَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ فَيَكُونُ لَهُ عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَنُورًا فِي الْآخِرَةِ وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَقَعُ إِلَيْهِ الْحَدِيثُ مِنْ حَدِيثِنَا فَيُذِيعُهُ فَيَكُونُ لَهُ ذُلًّا فِي الدُّنْيَا وَ يَنْزِعُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ النُّورَ مِنْهُ.

امام صادق (علیه السلام) می فرمود: تقیه سپر مؤمن است، تقیه نگهدار مؤمن است، هر که تقیه ندارد ایمان ندارد، همانا حدیثی از احادیث ما به بنده می رسد و او بین خود و خدا به آن معتقد می شود و خدای عز و جل را به آن دینداری می کند، و موجب عزت دنیا و نور آخرت او می گردد، و بنده دیگر حدیثی از احادیث ما به او می رسد و او آن را فاش می سازد، و موجب خواری او در دنیا می گردد و خدای عز و جل هم آن نور را از او می گیرد. (1)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا» قَالَ بِمَا صَبَرُوا عَلَى التَّقِيَّةِ «وَيَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» قَالَ الْحَسَنَةُ التَّقِيَّةُ وَ السَّيِّئَةُ الْإِذَاعَةُ.

امام صادق (علیه السلام) در باره قول خدای عز و جل چنین فرمود: «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا» (2) ایشان برای صبری که کردند، دو بار پاداش خود را دریابند (برای صبری که بر تقیه کردند) «وَيَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» (3) و با حسنه گناه را دفع کردند فرمود: حسنه تقیه و گناه فاش کردن است. (4)

ص: 477

1- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 221 ح 23

2- . القصص آية 54

3- . القصص آية 54

4- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 217 ح 1

ابنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عُمَرَ الْأَعْجَمِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا أَبَا عُمَرَ إِنَّ تِسْعَةَ أَغْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَالتَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي النَّبِيذِ وَالْمَسْحِ عَلَى الْحَفْنَيْنِ

ابی عمر و اعجمی گوید: امام صادق(علیه السلام) به من فرمود: ای ابا عمرو! نه دهم دین در تقیه است و هر که تقیه ندارد دین ندارد....

(1)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ التَّقِيَّةُ مِنْ دِينِ اللَّهِ قُلْتُ مِنْ دِينِ اللَّهِ قَالَ إِي وَ اللَّهِ مِنْ دِينِ اللَّهِ.... ابو بصیر گوید: امام صادق(علیه السلام) فرمود: تقیه از دین خداست: عرضه داشتیم: از دین خداست؟! فرمود: آری به خدا از دین خداست..... (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْحَلْبِيِّ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ حَبِيبِ بْنِ بَشْرِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ لَا وَ اللَّهِ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ التَّقِيَّةِ يَا حَبِيبُ إِنَّهُ مَنْ كَانَتْ لَهُ تَقِيَّةٌ رَفَعَهُ اللَّهُ يَا حَبِيبُ مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ تَقِيَّةٌ وَضَعَهُ اللَّهُ يَا حَبِيبُ إِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا هُمْ فِي هُدَاةٍ فَلَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كَانَ هَذَا

حبيب بن بشر گوید: امام صادق(علیه السلام) فرمود: پدرم می فرمود: نه به خدا در روی زمین چیزی محبوبتر از تقیه نزد من نیست، ای حبيب! همانا هر که تقیه کند خدایش بالا برد، ای حبيب! هر که تقیه نکند خدایش پست کند، ای حبيب، مردم در صلح و سازشند، سپس اگر آن باشد، این هم باشد(3)

ص: 478

1- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 217 ح 2

2- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 217 ح 3

3- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 217 ح 4

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشَدُّ عَرِيٌّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ جَابِرِ الْمَكْفُوفِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: اتَّقُوا عَلَى دِينِكُمْ فَاحْبُوبُوا بِالتَّقِيَّةِ فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ إِنَّمَا أَنْتُمْ فِي النَّاسِ كَالنَّحْلِ فِي الطَّيْرِ لَوْ أَنَّ الطَّيْرَ تَعَلَّمَ مَا فِي أَجْوَابِ النَّحْلِ مَا بَقِيَ مِنْهَا شَيْءٌ إِلَّا أَكَلْتَهُ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ عَلِمُوا مَا فِي أَجْوَابِكُمْ أَنْتُمْ تُحِبُّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ لَا كَلَّوْكُمْ بِالسِّنْتِهِمْ وَ لَنَحَلُوكُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا مِنْكُمْ كَانَ عَلَيًّا وَلَا يَتَنَا.

ابن ابی یعفور گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: بخاطر حفظ دینتان تقیه کنید، و آن را با تقیه زیر پرده دارید، زیرا هر که تقیه ندارد ایمان ندارد، همانا شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگانید، اگر پرندگان بدانند، در درون زنبور عسل چیست، همه آنها را بخورند، و اگر مردم بدانند آنچه در دل شماست که ما اهل بیت را دوست دارید، شما را با زبانشان بخورند و در نهان و آشکار ناسزا گویند، (از شما سعایت و سخن چینی کنند و به شما تهمت زنند تا گرفتار زندان و شکنجه و اعدام شوید) خدا بیامرز آن بنده ئی را از شما که ولایت ما را داشته باشد. (1)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ» قَالَ الْحَسَنَةُ التَّقِيَّةُ وَالسَّيِّئَةُ الْإِدَاعَةُ وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» السَّيِّئَةُ قَالَتِي هِيَ أَحْسَنُ التَّقِيَّةُ «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»

امام صادق (علیه السلام) در باره قول خدای عز و جل «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ» (2) خوبی و بدی برابر نیست فرمود: خوبی تقیه است و بدی فاش کردن و راجع به قول خدای عز و جل «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (3) بدی را به آنچه نیکوتر

ص: 479

1- . الكافي ج2 كتاب الايمان و الكفر باب التَّقِيَّةِ ص 218 ح 5

2- . فصلت آية 34

3- . فصلت آية 34

است دفع کن فرمود: آنچه نیکوتر است تقیه می باشد «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (1) به ناگاه آنکه میان تو و او دشمنی است، مانند دوست صمیمی گردد. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْكِنَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا أَبَا عَمْرٍو أَرَأَيْتَكَ لَوْ حَدَّثْتُكَ بِحَدِيثٍ أَوْ أَفْتَيْتَكَ بِفُتْيَا ثُمَّ جِئْتَنِي بَعْدَ ذَلِكَ فَسَأَلْتَنِي عَنْهُ فَأَخْبَرْتُكَ بِخِلَافِ مَا كُنْتُ أَخْبَرْتُكَ أَوْ أَفْتَيْتَكَ بِخِلَافِ ذَلِكَ بَأَيِّهِمَا كُنْتُ تَأْخُذُ قُلْتُ بِأَحَدِهِمَا وَادَّعَى الْآخَرَ فَقَالَ قَدْ أَصَبْتَ يَا أَبَا عَمْرٍو أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُعْبَدَ سِرًّا أَمَا وَاللَّهِ لَنْنُ فَعَلْتُمْ ذَلِكَ إِنَّهُ لَخَيْرٌ لِي وَ لَكُمْ وَ أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَنَا وَ لَكُمْ فِي دِينِهِ إِلَّا التَّقِيَّةَ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای ابا عمرو! به من بگو. اگر برایت حدیثی گفتم یا فتوایی دادم، سپس نزد من آمدی و از همان مطلب پرسیدی و من بر خلاف گفته اولم به توفتوی دادم، به کدام یک از آن دو عمل می کنی؟ عرضه داشتیم: بهتازه تر آنها و دیگری را رها می کنیم. فرمود: درست رفتی ای ابا عمرو! و خدا نخواسته جز آنکه در نهان عبادت شود، همانا به خدا اگر شما چنین کنید، خیر من و شماست، و خدای عز و جل برای ما و شما نسبت به دینش جز تقیه نخواسته است. (3)

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ دُرُسْتِ الْوَاسِعِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَا بَلَغَتْ تَقِيَّةُ أَحَدٍ تَقِيَّةَ أَصْحَابِ الْكَهْفِ إِنْ كَانُوا لَيَشْهَدُونَ الْأَعْيَادَ وَيَشُدُّونَ الزَّنَائِرَ فَأَعْطَاهُمُ اللَّهُ «أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ» (4)

ص: 480

1- . فصلت آیه 34

2- . الکافی ج 2 کتاب الایمان و الکفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 218 ح 6

3- . الکافی ج 2 کتاب الایمان و الکفر بابُ التَّقِيَّةِ ص 218 ح 7

4- . القصص آیه 54

امام صادق(علیه السلام) فرمود: تقیه نمودن کسی به درجه تقیه اصحاب کهف نرسید، آنها در اعیاد (بت پرست ها) حاضر می شدند و زنار می بستند (با آنکه خداشناس و موحد بودند) از این رو خدا پاداششان را دو بار داد. (1)

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ وَاقِدٍ اللَّحَامِ قَالَ: اسْتَقْبَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فِي طَرِيقٍ فَأَعْرَضْتُ عَنْهُ بِوَجْهِي وَ مَصَدِّيتُ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي لَأَلْقَاكَ فَأَصْرِفْ وَجْهِي كَرَاهَةً أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ فَقَالَ لِي رَحِمَكَ اللَّهُ وَ لَكِنَّ رَجُلًا لَقِيَنِي أَمْسٍ فِي مَوْضِعٍ كَذَا وَ كَذَا فَقَالَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا أَحْسَنَ وَ لَا أَجْمَلَ

حماد بن واقد گوید: در میان راهی از پیش رو به امام صادق(علیه السلام) برخوردم، و روگردانیده و گذشتم، سپس خدمتش رسیدم و عرضه داشتم: قربانت، من شما را ملاقات می کنم و رو می گردانم، زیرا نمی خواهم شما را به رنج اندازم، فرمود: خدایت رحمت کند، ولی دیروز در فلان جا مردی مرا دید و گفت عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ او کار خوب و شایسته ئی نکرد. (2) شرح و تفسیر: افشای اسرار مربوط به مذهب تشیع که دانستن و فهم آن برای مردم مشکل است (شیعیان ضعیف العقیده و کسانی که ظرفیت آنان کم است که گاهی اوقات جمع کثیری از مردم را تشکیل می دهند یا مخالفان ما) و همچنین لعن علنی دشمنان اهل بیت و نام بردن ایشان در بین مردم و مخالفان عقاید شیعه و یا در مکانی که ممکن است به گوش مخالفان برسد از مصادیقی است که باید شیعیان تقیه کرده و عقاید خود را پنهان سازند. ابن بابویه رحمة الله علیه گوید: اعتقاد ما در باب تقیه آن است که آن واجب است، هر که ترك تقیه نمود مانند کسی است که ترك نماز نموده و تقیه واجبی است که تركش جایز نیست تا خروج قائم(علیه السلام) و هر که تركش

ص: 481

- 1- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر باب التَّيَّةِ ص 218 ح 8
- 2- . الكافي ج 2 كتاب الايمان و الكفر باب التَّيَّةِ ص 218 ح 9

کند پیش از خروج آن حضرت به تحقیق که از دین خدا بیرون رفته و از دین امامیه خارج شده و مخالفت خدا و رسول و ائمه نموده.

ص: 482

گروهی شیعه را متهم کرده و می گویند شما مشرکید، زیرا متوسل به ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) می شوید و حاجت تان را از غیر خدا می خواهید و این مصداق شرک است در جواب این گروه می گوئیم: از غیر خدا حاجت نمی خواهیم بلکه از ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) که در نزد خداوند آبروی بسیاری دارند درخواست می کنیم که ما را در نزد خداوند سفارش کنند تا به واسطه دعا و سفارش ایشان خداوند حاجت هایمان را عطا فرماید. مگر نخوانده اید سوره‌ی مبارکه‌ی مائده را که خداوند متعال در آن فرموده: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (1) و به سوی خدا، وسیله جوئید.

حدیث 1: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): ... وَ لَا يُتَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِجِهَةِ سَبَابِهِ

حدیث 1: امام صادق (علیه السلام): آن چه نزد خداست، جز از طریق اسباب و وسایل آن قابل دسترسی نیست. (2)

حدیث 2: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّعِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ صَاحِبِ عَمْرِو بْنِ حَدَّثَهُ عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: أَبِي اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالسَّبَابِ... ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ نَحْنُ

حدیث 2: امام صادق (علیه السلام): خداوند ایا فرموده از این که امور عالم را بدون اسباب و وسائل جاری نماید، و آن اسباب، رسول خدا (صلي الله عليه وآله) و ما اهل بیت (علیهم السلام) می باشیم. (3)

ص: 484

1- . المائدة، آية 35.

2- . الكافي ج 1 ص 203 بَابُ نَادِرٍ جَامِعٍ فِي فَضْلِ الْإِمَامِ وَ صِفَاتِهِ ح 2.

3- . بصائر الدرجات ج 1 ص 6 باب 3 معرفة العالم الذي من عرفه عرف الله و من أنكره أنكر الله تعالى و السبب الذي يوفق لمعرفة ح 1.

حدیث 3: وَ عَنْ سَلْمَانَ رَضِيَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ يَا عِبَادِي أَوْ لَيْسَ مَنْ كَانَ لَهُ إِلَيكُمْ حَاجَةٌ مِنْ كِبَارِ الْحَوَائِجِ لَا تَجِدُونَهَا إِلَّا إِذَا تَحَمَّلَ عَلَيْكُمْ بِأَحَبِّ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ تَقْضُونَهَا كَرَامَةً لِسَبِّ فَمِيعِهِمْ أَلَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَيَّ وَ أَحَبَّهُمْ إِلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ أَفْضَلُهُمْ لَدَيَّ مُحَمَّدٌ وَ أَخُوهُ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِهِ وَ الْأَيْمَةُ الَّذِينَ هُمْ الْوَسَائِلُ فَلْيَدْعُونِي مَنْ أَمَمْتُهُ حَاجَةٌ يُرِيدُ نَفْعَهَا أَوْ دَهَتْهُ دَاهِيَةٌ يُرِيدُ كَشْفَ ضَرِّهَا بِمُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ أَفْضَلُهَا أَحْسَنَ مِمَّا يَقْضِيهَا مَنْ تَشْفَعُونَ إِلَيْهِ بِأَحَبِّ الْخَلْقِ

حدیث 3: پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله): خدای متعال می فرماید: ای بندگان من! مگر نه این است که اگر کسی از شما حاجت بزرگی داشته باشد به او مرحمت نمی کنید مگر آن که محبوب ترین فرد در نزد شما را به سویتان واسطه نماید، شما به واسطه کرامت و شفاعت او حاجتش را بر می آورید. آگاه باشید و بدانید! همانا گرامی ترین مردم و برترین آن ها نزد من، محمد (صلي الله عليه و آله)، برادرش علي (عليه السلام)، و امامان بعد از اویند، کسانی که وسیلهی رسیدن به سوي من هستند. آگاه باشید! هر که حاجتی دارد و می خواهد بر آورده شود یا مشکل سختیدامن گیرش شده و ضرر سختی به او خورده می خواهد ضررش بر طرف گردد، اگر در این موارد مرا به محمد (صلي الله عليه و آله) و خاندان پاک و پاکیزه او دعا کند حاجت او را به بهترین وجهی بر آورده می نمایم. (1)

حدیث 4: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ رَاشِدِ بْنِ مَكِّيٍّ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَهْلٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ سُهَيْلِ بْنِ غَزْوَانَ الْبَصْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ: ... فَقَالَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ

اللَّهِ لَوْ أَقْسَمَ أَهْلُ الْأَرْضِ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَأَجَابَهُمْ

حدیث 4: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): به خدا قسم! اگر اهل زمین خدا را به این نام ها (1)

قسم داده و دعا کنند خدا آن هارا اجابت فرماید. (2)

حدیث 5: أَبُو الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيُّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَا أَبَا الصَّبَّاحِ إِيَّاكُمْ وَالْوَلَائِحَ فَإِنَّ كُلَّ وَلِيَجَةٍ دُونَنَا فَهِيَ طَاغُوتٌ أَوْ قَالَ نِد

حدیث 5: امام باقر (علیه السلام) خطاب ابو الصباح کنانی فرمودند: ابا الصباح! بهرهزید از پشت و پناه گرفتن ها، هر پشت و پناهی جز ما طاغوت است یا رقیب و مخالف خداست. (3)

توسل به ائمه اطهار علیهم السلام

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا الْقَاضِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَفْيَانَ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى مَعْلٌ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَمْرَةَ الثَّمَالِيُّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَفْلَحَ، وَ مَنْ دَعَاهُ بغيرِنَا هَلَكَ وَ اسْتَهْلَكَ.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر که خدا را به ما بخواند رستگار می گردد و هر که خدا را به غیر ما بخواند نابود می گردد و نابود می گرداند. (4)

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلُوَيْهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ

ص: 486

1- . مقصود اسامی مبارک چهارده معصوم b است.

2- . الخصال ج 2 ص 639 ما وجد على ساق العرش مكتوبا قبل خلق آدم بسبعة آلاف سنة ح 13.

3- . [4] تفسير العياشي ج 2 ص 83 [سورة التوبة (9): آية 19] ح 33

4- . الأمالي (للطوسي) المجلس 6 ح 41

مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ، عَنِ أَبِي بصيرٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ دُعَاءِ يُوسُفَ (عليه السلام) مَا كَانَ فَقَالَ: إِنَّ دُعَاءَ يُوسُفَ (عليه السلام) كَانَ كَثِيرًا، لَكِنْ لَمَّا اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْحَبْسُ خَرَّ لِلَّهِ سَاجِدًا وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتِ الذُّنُوبُ قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، فَلَنْ تَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتًا، فَأَنَا أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ". قَالَ: ثُمَّ بَكَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَقَالَ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ يَعْقُوبَ وَعَلَى يُوسُفَ، وَأَنَا أَقُولُ: اللَّهُمَّ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ (صلي الله عليه وآله).

ابو بصير گفته است: از حضرت صادق (عليه السلام) درباره دعای یوسف (عليه السلام) پرسیدم فرمودند: دعای یوسف (عليه السلام) بسیار است اما وقتی زندان بر او سخت شد برای خداوند به سجده افتاد و گفت: خداوند اگر چهره ام در نزد تو به سبب گناهان فرسوده شده است و دیگر صدایم به سوی تو بالا- نمی آید اینک به آبروی یعقوب (عليه السلام) پیر به تو رو می آورم. راوی گفته است: پس حضرت صادق (عليه السلام) گریست و فرمود: خداوند به یعقوب (عليه السلام) و یوسف (عليه السلام) دورد بفرستد و من می گویم: خدایا من به آبروی تو و فرستاده ات (به تو رو می آورم) (1)

ص: 487

حدیث 1: قال علي بن الحسين (عليه السلام): وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي..... وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلْقِيَّتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَ صَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ.

حدیث 1: امام سجاد (علیه السلام): سپاس خدائی را که ما را بر سایر خلق به سلطنت و ولایت برتری داد پس همه مخلوقات به قدرت الهی تحت فرمان و اراده‌ی ما بوده و به عزت او به سوی طاعت ما روی می نهند. (1)

حدیث 2: وَ حَدَّثَنِي أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي جَعْفَرُ [بْنُ مُحَمَّدٍ] بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْحَسَنِيُّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنَا مِنْ نُورِهِ بِيَدِهِ، وَ اصَّ طِفَانًا مِنْ بَرِيَّتِهِ، وَ جَعَلَنَا أُمَّةً عَلَى خَلْقِهِ وَ وَحِيهِ

حدیث 2: امام جواد (علیه السلام) در حدیثی زیبا فرمودند: سپاس خدایی را که ما را با دست قدرتش از نور خود آفرید و از میان مخلوقاتش برگزید و ما را امین بر وحی خود و بر مردم قرار داد... (2) ولایت ائمه اطهار (علیهم اسلام) حاصل نشود جز با اطاعت از خداوند

حدیث 1/2: حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ بَعْضِ اصْحَابِهِ عَنْ ابَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ شَيْعَةَ آلِ

ص: 489

1- . الصحیفة السجادية ص 30 و كان من دعائه عليه السلام إذا ابتدأ بالدعاء بدأ بالتحميد لله عز و جل و الثناء عليه.

2- . دلائل الامامة: ص 384 أبو جعفر محمد بن علي الجواد (عليه السلام) معرفة ولادته ح 2.

مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) كُونُوا النَّمْرُقَةَ الْوَسَطَى يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ الْعَالِي وَيَلْحَقُ بِكُمْ التَّالِي فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يُقَالُ لَهُ سَعْدٌ جُعِلْتُ
 فِدَاكَ مَا الْعَالِي قَالَ قَوْمٌ يَقُولُونَ فِينَا مَا لَا نَقُولُهُ فِي أَنْفُسِنَا فَلَيْسَ أَوْلَيْكَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُمْ قَالَ فَمَا التَّالِي قَالَ الْمُرْتَادُ يُرِيدُ الْخَيْرَ يُبَلِّغُهُ الْخَيْرَ يُؤَجِرُ
 عَلَيْهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا فَقَالَ وَاللَّهِ مَا مَعَنَا مِنَ اللَّهِ بَرَاءَةٌ وَلَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ قَرَابَةٌ وَلَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ وَلَا نَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ فَمَنْ كَانَ
 مِنْكُمْ مُطِيعاً لِلَّهِ تَنَفَعَهُ وَلَا يَتُّنَا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِياً لِلَّهِ لَمْ تَنَفَعَهُ وَلَا يَتُّنَا وَيَحْكُمُ لَا تَغْتَرُّوا وَيَحْكُمُ لَا تَغْتَرُّوا.

حدیث 1/2: امام باقر (علیه السلام): ای گروه شیعه! شیعه آل محمد (علیهم اسلام)! شما تکیه گاه میانه باشید (یعنی روشی داشته باشید
 خارج از حد افراط و تفریط تا دیگران به شما تکیه کنند) و آن که غلو کرده (و از حد وسط خارج شده) به سوی شما برگردد و آن که عقب
 مانده خود را به شما رساند. مردی از انصار به نام سعد عرض کرد: قربانت، غلوکننده کدامست؟ فرمود: مردمی که دربارهی ما گویند، آن
 چه دربارهی خود نگوئیم (یعنی: کسانی که ما را به مقام خدایی رسانده)، این ها از ما نیستند و ما از آن ها نباشیم. گفت: عقب مانده کدام
 است؟ فرمود: کسی که طالب خیر (دین حق یا عمل صالح) است: خیر به او رسد (زیرا عاقبت جوینده یابنده بود) و به همان مقدار نیش
 پاداش دارد. سپس رو به ما کرد و فرمود: به خدا ما از جانب خدا براتی نداریم، و میان ما و خدا قرابتی نیست و بر خدا حجتی نداریم و جز
 با اطاعت به سوی خدا تقرب نجوئیم، پس هر که از شما که مطیع خدا باشد دوستی ماسودش دهد و هر که از شما نافرمانی خدا کند
 دوستی ماسودش ندهد، وای بر شما! مبادا فریفته شوید. وای بر شما مبادا فریفته شوید. (1)

ص: 490

حدیث 3: وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: فِيمَا نَاجَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهِ مُوسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أَمْنَحُهُمْ جَنَّاتِ عَدْنِي لَا أُشْرِكُ مَعَهُمْ أَحَدًا

حدیث 3: امام صادق (عليه السلام): خداوند متعال با موسی (عليه السلام) مناجات کرد در مناجات خود فرمود: ای موسی! هیچ کس مانند کسی که از محرّمات دست بکشد به من نزدیک نشده من به این گونه مردم بهشت عدن خود را خواهم بخشید، و کسی را با او در این ثواب شریک نخواهم کرد. (1)

حدیث 4: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِيهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَمِّهِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ خَيْثَمَةَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: يَا خَيْثَمَةُ إِنَّا لَا نُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِالْعَمَلِ إِنَّ وَلَا يَتَنَا لَا تَتَأَلَّ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَإِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ

حدیث 4: خیثمه جعفی گوید: خدمت امام صادق (عليه السلام) رسیدم در حالی که می خواستم از وی اجازه مرخصی بگیرم و از مدینه بیرون روم امام (عليه السلام) فرمودند: ... ای خیثمه! اگر اهل عمل نباشید ما کاری برای شما نمی توانیم انجام دهیم، ولایت ما فقط به پرهیزکاران سود می دهد، کسانی بیشتر از همه روز قیامت حسرت خورند که از عدالت تعریف کرده ولی با آن مخالفت نمایند. (2) حدیث 6: وَ عَنْ خَيْثَمَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ لِأُودِعَهُ فَقَالَ أْبْلُغْ مَوَالِينَا السَّلَامَ عَنَّا وَ أَوْصِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ أَعْلِمُهُمْ يَا خَيْثَمَةُ أَنَا

ص: 491

1- . مشكاة الأنوار في غرر الأخبار ص 45 الفصل الثاني عشر في التقوى والورع ح آخر،

2- . بشارة المصطفى لشيعته المرتضى ج 2 ص 132 قول الصادق أبلغ موالينا السلام. و أن يعود صحيحهم مريضهم إلخ. ح 1

لَا نُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ وَلَنْ يَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِوَرَعٍ وَإِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَىٰ غَيْرِهِ

حدیث 6: خیمه گوید: امام باقر (علیه السلام): سلام ما را به دوستانمان برسانید، و آن ها را توصیه کنید که از خداوند بزرگ بترسند، و به آن ها بگویند ما در نزد خدا برای آن ها مطلبی نداریم، آن ها به ولایت ما نخواهند رسید، مگر با ورع... (1)

حدیث 7: وَعَنِ الْبَاقِرِ (علیه السلام) قَالَ: عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْإِجْتِهَادِ فِي دِينِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا يُغْنِي عَنْكَ اجْتِهَادُ لَيْسَ مَعَهُ وَرَعٌ.

حدیث 7: امام باقر (علیه السلام) فرمود: از خدا بترسید و در دین خود جد و جهد داشته، و بدانید که هیچ کوششی بدون ورع فائده ندارد. (2)

حدیث 8: قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام): يَا ابْنَ جُنْدَبٍ بَلِّغْ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا وَقُلْ لَهُمْ لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ فَوَاللَّهِ لَا تُنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الْإِجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَ مُوَاسَاةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ وَ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَظْلِمُ النَّاسَ

حدیث 8: امام صادق (علیه السلام): ... ای ابن جندب! به شیعیان ما این سخن را ابلاغ کن و بگو: روش های گوناگون و نادرست نداشته باشید، به خدا سوگند که وارد شدن در جرگهی ولایت ما، جز با تقوا، پارسایی و کوشایی در دنیا (و جدیت در انجام دادن و ظایف دینی)... میسر نمی گردد و شیعه ما نیست کسی که ظلم کند. (3)

حدیث 9: وَعَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْجَعِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: ... يَا جَابِرُ وَاللَّهِ مَا نَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَ مَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ لَا عَلَى اللَّهِ لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعاً فَهُوَ لَنَا

ص: 492

1- . الكافي ج 2 ص 176 باب زيارة الإخوان ح 2

2- . مشكاة الأنوار في غرر الأخبار ص 45 الفصل الثاني عشر في التقوى والورع ح 12

3- . تحف العقول ص 303 وصيته ع لعبد الله بن جندب ص : 301

وَلِيٍّ وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ وَمَا تَنَاوَلْنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ.

حدیث 9: جابر گوید امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ... ای جابر! به خدا سوگند هیچ بنده ای بدون طاعت نمی تواند به خدا نزدیک شود ما برائت از آتش را نداریم، هیچ کس بر خدا حجتی ندارد. (بهانه ای برای فرار از عذاب ندارد)، هر که از خدا اطاعت کرد دوست ما، و هر که معصیت نمود دشمن ماست، به ولایت ما نخواهید رسید مگر به ورع، تقوی و عمل. (1)

حدیث 10: الامام الباقر (علیه السلام): إِنْ وَلَايْتَنَا لَا تُدْرِكُ إِلَّا بِالْعَمَلِ.

حدیث 10: امام باقر (علیه السلام): به ولایت ما جز با عمل نمی توان رسید. (2)

حدیث 11: وَ عَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ الْقُرَوَيْنِيُّ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ، حَدَّثَنَا أَبُو عَيْسَى مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ حَيَّانَ الْوَرَّاقُ فِي دُكَّانِهِ بِسَكَّةِ الْمَوَالِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حَفْصِ الْخَثْعَمِيِّ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ عِبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا خَلَادٌ أَبُو عَلِيٍّ، قَالَ: قَالَ لَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَ هُوَ يُوصِي بَيْنَا اتَّقُوا اللَّهَ وَ أَحْسِنُوا الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ وَ كُونُوا أَطْوَعَ عِبَادِ اللَّهِ فَإِنَّكُمْ لَنْ تَنَالُوا وَلَايْتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ لَنْ تَنَالُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ إِنْ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَمَنْ وَصَفَ عَدْلًا وَ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ.

حدیث 11: خلاد گوید: امام صادق (علیه السلام): از خدا بترسید و رکوع و سجود را نیکو به جای آورید، و خدا را اطاعت کنید، و بدانید که به ولایت ما نخواهید رسید مگر با ورع و پرهیزکاری، و به ثواب خدا نخواهید رسید مگر به عمل... (3)

ص: 493

1- . الكافي ج 2 ص 74 كتاب الإيمان و الكفر باب الطاعة و التقوى: ح 3.

2- . مصادقة الإخوان ص 34 باب اجتماع الإخوان في محادثتهم ح 6.

3- . الأما لي للطوسي ص 679 مجلس 37 مجلس يوم الجمعة السابع من شعبان سنة سبع و خمسين و أربعمائة ح 20

حدیث 12: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقَدَّمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ وَاللَّهِ إِنِّي لَأَحِبُّ رِيحَكُمْ وَأَزْوَاحَكُمْ فَأَعِينُونَا عَلَى ذَلِكَ بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَاعْلَمُوا أَنَّ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالتُّنَالِ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ مَنْ انْتَمَ مِنْكُمْ بِقَوْمٍ فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِهِمْ

حدیث 12: امام صادق (عليه السلام): ... با تقوی و پرهیزگاری خود ما را یاری کنید، و بدانید که جز باورع و تقوی به ولایت ما نخواهید رسید. هر که از شما به امامی و یا قومی اقتداء کرد باید با عمل و کردار و کردار آن ها رفتار کند... (1)

حدیث 13: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مُعْنَعًا عَنْ خَيْثِمَةَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَقَالَ لِي يَا خَيْثِمَةُ أْبَلِغْ مَوَالِينَا مِنَّا السَّلَامَ وَاعْلَمُهُمْ أَنَّهُمْ لَنْ يَنَالُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَلَنْ يَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ يَا خَيْثِمَةُ لَيْسَ يَنْتَفِعُ مَنْ لَيْسَ مَعَهُ وَلَا يَتَنَا وَلَا مَعْرِفَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

حدیث 13: امام باقر (عليه السلام): ای خیشمه! دوستان ما را از ما سلام رسانید و به آن ها اعلام کنید جز با عمل نیک در نزد خدا مقامی پیدا نکنند، اگر می خواهند ولایت ما را داشته باشند باید تقوی پیشه کنند، ای خیشمه هر که ولایت و معرفت ما را نداشته اعمالش به او سودی نمی رساند و از عبادات خود نتیجه ای نمی گیرد. (2)

حدیث 14: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) مَكَّةَ قَامَ عَلَى الصَّفَا فَقَالَ يَا بَنِي هَاشِمٍ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ... لَا تَقُولُوا إِنَّ مُحَمَّدًا مِنَّا وَ سَنَدْخُلُ مَدْخَلَهُ فَلَا وَاللَّهِ مَا أَوْلِيَانِي مِنْكُمْ وَلَا مِنْ غَيْرِكُمْ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ أَلَا فَالَا أَعْرِفُكُمْ

ص: 494

1- . الكافي ج 8 ص 212 حديث الصيحة ح 259.

2- . تفسير فرات الكوفي ص 310 [سورة النمل (27): آية 82] ح 415

حدیث 14: امام باقر (علیه السلام): هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مکه را فتح کردند در کنار کوه صفا قرار گرفته و فرمودند ای بنی هاشم و ای بنی عبدالمطلب... هرگز نگوئید محمد (صلی الله علیه و آله) از ماست و ما به همراه او روانه هستیم (به بهشت) به خدا سوگند من در میان شما و دیگران دوستانی ندارم، به جز پرهیزکاران... (1)

شرح: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید حتی شما که اقوام و خویشان من هستید نمی توانید ادعای دوستی من را داشته باشید و امیدوار نباشید که به سوی بهشت روانه شوید زیرا تنها اهل تقوا (کسانی که از محرّمات دوری کنند و بر انجام واجبات سخت کوشی کرده و اهل رحم و مهربانی بر خلق خدا هستند و از نیازمندان دستگیری کرده و از ظلم بر مخلوقات اجتناب کنند و اهل گذشت و عفو کردن بوده، صله رحم بجای آورده و به حقیقت از خدا می ترسند) دوستان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و محبین ایشان هستند و این گروه رستگاران خواهند بود و به سوی نعمت های بی پایان الهی روانه می گردند.

حدیث 15: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مُعْنَعًا عَنْ خَيْثَمَةَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فَقَالَ لِي يَا خَيْثَمَةُ أْبَلِّغْ مَوَالِينَا مِنَّا السَّلَامَ وَاعْلَمُهُمْ أَنَّهُمْ لَمْ يَتَّأَلُوا مَا عَدَدَ اللَّهُ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) سَلِمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا عَنَى بِمَعْرِفَتِنَا وَإِقْرَارِهِ بَوْلَايَتِنَا

حدیث 15: خیثمه جعفری گوید: خیثمه جعفری گوید: خدمت حضرت باقر (علیه السلام) رسیدم فرمود: ای خیثمه! دوستان ما را از ما سلام رسانید و بگوئید به مقام قرب خدا نخواهید رسید مگر با عمل، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: سلمان از ما اهل بیت (علیهم السلام) است مقصودش این بود که او ما را می شناخت و به ولایت ما معتقد بود. (2)

حدیث 16: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَمْرٍو ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام)

ص: 495

1- . صفات الشيعة ص 5 الحديث الثامن الكافي ج 8 ص 182 خطبة لأمير المؤمنين ح 205

2- . تفسير فوات الكوفي ص 662 التوحيد و الثقلان ح 218

قَالَ: ...إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْبَرَ الْعِبَادَ بِطُرُقِ الْهُدَى وَشَرَعَ لَهُمْ فِيهَا الْمَنَارَ وَأَخْبَرَهُمْ كَيْفَ يَسْلُكُونَ فَقَالَ «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» وَقَالَ «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» فَمَنْ اتَّقَى عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا أَمَرَهُ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُؤْمِنًا بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَيَّاتَ هَيَّاتَ فَاتَ قَوْمٌ وَمَاتُوا قَبْلَ أَنْ يَهْتَدُوا فَظَنُّوا أَنَّهُمْ آمَنُوا وَآسَرُوا مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّهُ مَنْ أَتَى «الْبَيْتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (1) اهْتَدَى وَمَنْ أَخَذَ فِي غَيْرِهَا سَلَكَ طَرِيقَ الرَّدَى وَصَلَّ اللَّهُ طَاعَةَ وَلِيِّ أَمْرِهِ بِطَاعَةِ رَسُولِهِ وَطَاعَةَ رَسُولِهِ بِطَاعَتِهِ فَمَنْ تَرَكَ طَاعَةَ وَلَاةِ الْأَمْرِ لَمْ يُطِعِ اللَّهَ وَلَا رَسُولَهُ

حدیث 16: از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که فرمودند: ... خدای عز و جل راه هدایت را به بندگانش نشان داده و در آن راه برایشان چراغ برافراشته و دستور داده که چگونه راه پیمایند و فرموده «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (2) من آمرزنده ام برای کسانی که توبه و بازگشت نموده و کارهای شایسته انجام دهند و راه حق را پیدا کنند. در جایی دیگر فرموده: «إِنَّمَا

يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (3) تنها از پرهیزگاران می پذیرم، هر که از خدا اطاعت کرده و تقوی پیشه نماید با حالت ایمان در محضر او حاضر شود و با اعتقاد به محمد (صلی الله علیه و آله) در محشر حضور پیدا کند. بسیار دور شدند گروهی که در گذشته و هدایت نشدند، آن ها گمان کردند که مؤمن بوده در حالی که ندانستند مشرکند، زیرا هر که از در خانه وارد گردد راهنمایی شده، و هر که از راه غیر متعارف وارد گردد هلاک خواهد شد، خدا اطاعت ولی خود را به طاعت رسول (صلی الله علیه و آله) نزدیک کرده، و هر که طاعت والیان امر را ترک کند از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) هم اطاعت نمی کند. اینک به آن چه از طرف خدا فرود آمده اقرار کنید... (4)

ص: 496

1- . البقرة آية 189

2- . طه آية 82

3- . المائدة آية 27

4- . الكافي ج 2 ص 47 باب خصال المؤمن ح 3

حدیث 18: وَ بِإِسْنَادِهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ سَلَامِ الْحَنَاطِ، عَنْ هَاشِمِ بْنِ سَعِيدٍ، وَ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي حَتَّى انْتَهَيْتَنَا إِلَى الْقَبْرِ وَ الْمَنْبَرِ فَإِذَا أَنَسُ مِنْ أَصْحَابِهِ فَوَقَفَ عَلَيْهِمْ فَسَلَّمَ وَقَالَ وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكُمْ وَ أَحَبُّ رِيحِكُمْ وَ أَوْاحِكُمْ فَأَعَيْنُونَا عَلَى ذَلِكَ بَوْرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ فَإِنَّكُمْ لَنْ تَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ مِنْ أَيْتَمَّ بِإِمَامٍ فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِهِ

حدیث 18: امام صادق (علیه السلام): روزی من و پدرم به مسجد پیامبر رفتیم. در آن جا با گروهی از یاران پدرم، که بین قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و منبر آن حضرت (نشسته) بودند، برخوردیم. پدرم به آن ها نزدیک شد سلام کرد و فرمود: به خدا سوگند! من بوی شما و ارواح شما را دوست دارم. پس با ورع و پرهیز از گناه و کوشش در کار خیر، ما (آل محمد صلی الله علیه و آله) را در این دوستی یاری کنید و بدانید که ولایت ما جز با ورع و کوشش در کار خیر به دست نیاید. هر که دنبال امامی می رود باید مانند او کار کند.... (1)

حدیث 19: أَبَانٌ عَنْ سَلِيمٍ قَالَ سَمِعْتُ سَلْمَانَ وَ أَبَا ذَرٍّ وَ الْمُقَدَّادَ يَقُولُونَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام): ... إِنَّ أَمْرَنَا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا ثَلَاثَةٌ مِنَ الْخَلْقِ مَلَكٌ مَقْرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ امْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ يَا سَلِيمُ إِنَّ مَلَكَ هَذَا الْأَمْرِ الْوَرَعُ لِأَنَّهُ لَا يَنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ

حدیث 19: امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به سلیم بن قیس فرمودند: امر ولایت ما را جز سه گروه از خلق نمی دانند، ملائکهی مقرب، پیامبر مرسل، و بنده ای که خداوند قلب او را برای ایمان امتحان کرده باشد. ای سلیم، ضابطه ای این امر ولایت، تقوی و پرهیزکاری است چرا که به ولایت ما جز با پرهیزکاری نمی توان رسید. (2)

ص: 497

1- . الأملی للطوسی ص 722 مجلس 43 مجلس يوم الجمعة الثالث والعشرين من ذي الحجة سنة سبع و خمسين و أربع مائة ح 6،

2- . كتاب سليم ج 2 ص 827 الحديث الثامن و الثلاثون

حدیث 21: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ فَضْلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام): قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَقُولُ لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ.

حدیث 21: امام باقر (عليه السلام): امیرالمؤمنین (عليه السلام) می فرمود: عملی که با تقوی همراه باشد کم نیست، چگونه عمل پذیرفته کم است؟ (با آن که خدای تعالی فرماید) «إِنَّمَا يُتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» یعنی خداوند تنها عمل مردم با تقوا را می پذیرد. مردم با تقوا کسانیند که هنگامی مواجهه با گناهان از گناه دوری و در انجام واجبات سخت کوشند. (1)

بدون داشتن ولایت عملی پذیرفته نگردد

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا» (2) (اما) آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ظلمی می ترسد، و نه از نقصان حقش.

تفسیر القمی «الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ» يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه و آله) «لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» يَعْنِي مِنَ الْكُفْرِ إِلَى الْإِيمَانِ «إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» وَ الصِّرَاطُ الطَّرِيقُ الْوَاضِعُ وَ إِمَامَةٌ الْأَيُّمَةِ قَوْلُهُ «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا» الْآيَةُ قَالَ مَنْ لَمْ يُقِرَّ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بَطَلَ عَمَلُهُ مِثْلَ الرَّمَادِ الَّذِي تَجِيءُ الرِّيحُ فَتَحْمِلُهُ

ص: 498

1- . الكافي ج 2 ص 75 كتاب الإيمان و الكفر باب الطاعة و التقوى: ح 5.

2- . طه آية 112

تفسیر قمی «الر کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» (1)

یعنی ای محمد (صلی الله علیه و آله) کتابی که بر تو نازل نموده ایم برای اینکه خارج کنی مردم را از کفر به ایمان «إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» راه آشکار و امامت ائمه (علیهم السلام) آیه «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ» یعنی کسی که اقرار به ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) ندارد عملش باطل است مانند خاکستری که باد او را از میان ببرد. (2)

وَفِي رِوَايَةٍ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي قَوْلِهِ «فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا» يَقُولُ لَا يَنْقُصُ مِنْ عَمَلِهِ شَيْءٌ

در روایت ابو الجارود از حضرت باقر (علیه السلام) در باره آیه «فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا» می نویسد یعنی از عملش کم نمی شود و اما منظور از ظلم یعنی اعمالش از بین نمی رود. (3)

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَيْسَى رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ مَا جِيلَوِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الشُّلَمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَيَّ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ يُقْرَأُ بِكَ السَّلَامُ وَ يَقُولُ خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعَ وَ مَنْ عَلَيْهِنَّ وَ مَا خَلَقْتُ مَوْضِعًا أَكْبَرُ مِنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا دَعَانِي هُنَاكَ مُنْذُ خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ ثُمَّ لَقِيَنِي جَاحِدًا لَوْلَايَةِ عَلِيٍّ لَأَكْبَبْتُهُ فِي سَقَرٍ.

امالی: محمد بن جعفر بن محمد از پدرش از آباء گرامش نقل کرد که جبرئیل (علیه السلام) بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شد و عرضه داشت: یا محمد (صلی الله علیه و آله) خداوند سلام

ص: 499

1- . ابراهیم آیه 1

2- . تفسیر القمی ج 1 ص 368 [سورة ابراهيم (14): الآيات 16 الى 26]

3- . تفسیر القمی ج 2 ص 67 [سورة طه (20): الآيات 126 الى 129]

می رساند و می گوید آسمان های هفت گانه و آنچه در آنها است و زمین های هفتگانه و هر چه در آنها است آفریدم محلی را عظیم تر از رکن و مقام نیافریده ام اگر بنده ای از اول خلقت آسمان ها و زمین ها مرا در آنجا بخواند ولی به ملاقات من بیاید با انکار ولایت علی (علیه السلام) او را به رو می اندازم در آتش جهنم. (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ رَضَوَانُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثِ النَّخَعِيِّ الْقَاضِي قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) يَقُولُ

.... لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ رَجُلٌ يَزِدَادُ كُلَّ يَوْمٍ إِحْسَانًا وَرَجُلٌ يَتَذَارَكُ سَيِّئَتَهُ بِالتَّوْبَةِ وَأَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ وَاللَّهُ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

امالی: حفص از حضرت صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: علی (علیه السلام) می فرمود: بهره ای در دنیا نیست مگر برای یکی از دو نفر شخصی که هر روز بر کارهای نیکش بیفزاید و کسی که گنااهش را با توبه جبران کند کجا می تواند توبه کند. به خدا قسم اگر آنقدر سجده کند تا گردنش قطع شود خداوند از او نخواهد پذیرفت مگر با ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام). (2) حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنُ عَبْدِ الرَّحِيمِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ مَنْ خَالَفَكُمْ وَإِنْ تَعَبَدَ وَاجْتَهَدَ مَنْسُوبٌ إِلَى هَذِهِ الْآيَةِ «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً» (3)

تفسیر قمی: ابو حمزه گفت از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمود: هر که مخالف شما باشد گر چه پیوسته عبادت کند و کوشش نماید مشمول این آیه می شود «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً» (4)

ص: 500

- 1- . الأمالي (للصدوق) ص 484 المجلس الثالث و السبعون ح 12
- 2- . الأمالي (للصدوق) النص 668 المجلس الخامس و التسعون ح 2
- 3- . الغاشية آية 2 و 3
- 4- . تفسیر القمی ج 2 ص 419 [سورة الغاشية (88): الآيات 22 الى 26]

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا اللَّؤْلُؤِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ [حَنَانٍ] عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» قَالَ هِيَ لِلْمُسْلِمِينَ عَامَّةً وَالْحَسَنَةُ الْوَلَايَةُ فَمَنْ عَمِلَ مِنْ حَسَنَةٍ كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا فَإِنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ وَوَلَايَةٌ رُفِعَ عَنْهُ بِمَا عَمِلَ مِنْ حَسَنَةٍ فِي الدُّنْيَا «وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ»

تفسیر قمی: عبد الرحمن بن کثیر از قول حضرت صادق (علیه السلام) در مورد آیه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (1)

فرمود: این آیه مربوط به عموم مسلمین است و حسنه عبارت از ولایت است هر که کار نیکی کند برای او ده برابر نوشته می شود اگر ولایت نداشته باشد پاداش او را در مقابل عمل نیکش در دنیا می دهند و در آخرت او را بهره ای نیست. (2)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ بِنْدَارٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ أَطْلَاعًا فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَجَعَلْتُكَ نَبِيًّا وَشَقَقْتُ لَكَ مِنْ اسْمِي اسْمًا فَأَنَا الْمُحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ ثُمَّ أَطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا وَجَعَلْتُهُ وَصِيَّكَ وَخَلِيفَتَكَ وَرَوْجَ ابْنَتِكَ

ص: 501

1- . الانعام آية 160

2- . تفسیر القمی ج 2 ص 131 [سورة النمل (27): الآيات 52 الى 93]

وَأَبَا ذَرِّيَّتِكَ وَشَقَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَأَنَا لِعَلِي [الْعَلِيِّ] الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيٌّ وَجَعَلْتُ فَاطِمَةَ B وَ الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) مِنْ نُورِكُمْ ثُمَّ عَرَضْتُ وَلَا يَتَّهَمُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ قَبَلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه وآله) لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَنِي حَتَّى يَنْتَقِطَ وَيَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لَوْلَا يَتَّهَمُ مَا أَسْكَنْتُهُ جَنَّتِي وَلَا أَظَلَّتْهُ تَحْتَ عَرْشِي يَا مُحَمَّدُ أَتُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّي فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ ازْفَعُ رَأْسَكَ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا أَنَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) وَ عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)

وَ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى (عليه السلام) وَ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) وَ الْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ (عليه السلام) فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ قُلْتُ يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ هَؤُلَاءِ الْأَيْمَةُ وَ هَذَا

الْقَائِمُ الَّذِي يُجِلُّ حَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي وَ هُوَ رَاحَةٌ لِأَوْلِيَائِي وَ هُوَ الَّذِي يَشْفِي قُلُوبَ شِيعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ الْجَاحِدِينَ وَ الْكَافِرِينَ فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى طَرِيئِينَ فَيَحْرِقُهُمَا فَلَفِتْنَةُ النَّاسِ بِهِمَا يَوْمَئِذٍ أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَ السَّامِرِيِّ.

حضرت صادق جعفر بن محمد (صلي الله عليه وآله) روایت کرده از حضرت امیر المومنین (عليه السلام) روایت کرده اند که فرمود: رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرمود: که چون که من به آسمان سیر داده شدم جناب رب الارباب جل جلاله وحی فرستاد و فرمود به من ای محمد! چون که نظر مرحمت به زمین انداختم برگزیدم تو را از اهل زمین پس تو را پیغمبر قرار دادم و مشتق کردم از برای تو از اسم خود اسمی را پس منم محمود و توئی محمد (صلي الله عليه وآله) پس چون که ثانیاً نظر کردم برگزیدم از اهل زمین علی (عليه السلام) را و وی را وصی تو و

جانشین تو و شوهر دختر تو و پدر ذریه تو قرار دادم و مشتق گردانیدم از برای او اسمی را از اسماء خودم پس منم علی اعلی و او است علی (علیه السلام) و فاطمه B و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) را از نور شما دو نفر قرار دادم پس از آن ولایت و محبت ایشان را بر ملائکه عرضه داشتم هر که سبقت در قبول ولایت ایشان گرفت، نزد من از مقربین درگاه شد ای محمد (صلي الله عليه و آله) اگر بنده مرا بندگی کند تا اینکه قطعه قطعه شود پس مثل انبان و مشک کهنه شود پس از آن نزد من انکار کند ولایت و محبت ایشان را او را در بهشت خود جای ندهم و در سایه عرش خود مکان ندهم ای محمد! آیا دوست می داری ایشان را ببینی عرضه داشتم: بلی ای پروردگار من فرمود: بلند کن سر خود را پس چون سر خود را بلند نمودم دیدم انوار علی (علیه السلام) و فاطمه و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و علی بن الحسین (علیه السلام) و محمد بن علی (علیه السلام) و جعفر بن محمد (علیه السلام) و موسی بن جعفر (علیه السلام) و علی بن موسی (علیه السلام) و محمد بن علی (علیه السلام) و علی بن محمد (علیه السلام) و حسن بن علی (علیه السلام) و حجة بن الحسن (علیه السلام) که در وسط ایشان قائم (علیه السلام) بود مثل ستاره درخشانده، عرضه داشتم: ای پروردگار من کیستند این ها؟ فرمود: این ها ائمه (علیهم السلام) هستند و آن کسی که در وسط ایشان قائم (علیه السلام) است کسی است که حلال می کند حلال مرا و حرام می کند حرام مرا و با او انتقام می کشم از دشمنان خود و او راحت دوستان من است و او کسی است که شفا می دهد قلوب شیعه تو را از ظلم ظالمان و جاحدان و کافران پس بیرون می آورد دو بُت بزرگ لات و عزری را در حالتی که هر دو تر و تازه باشند پس می سوزاند آنها را، و فتنه ای که مردم در آن وقت به جهت این دو بُت بر پا کنند سخت تر است از فتنه گوساله و سامری. (1) حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَاشِمِيِّ الْقُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ فُرَاتِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ظَهْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ ابْنُ أَخِي يُونُسَ الْبَغْدَادِيُّ بِبَغْدَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ

ص: 503

1- . عيون اخبار الرضا ج 1 ص 58 باب 6 باب النصوص على الرضا بالإمامة في جملة الأئمة الاثني عشر ح 27

النَّهْشَ لِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَنِ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) عَنْ جَبْرِئِيلَ (عليه السلام) عَنْ
مِيكَائِيلَ (عليه السلام) عَنْ إِسْرَافِيلَ (عليه السلام) عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا» (1) خَلَقْتُ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِي فَاخْتَرْتُ مِنْهُمْ
مَنْ شِئْتُ مِنْ أَنْبِيَائِي وَاخْتَرْتُ مِنْ جَمِيعِهِمْ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) حَبِيبًا وَخَلِيلًا وَصَفِيًّا فَبَعَثْتُهُ رَسُولًا إِلَى خَلْقِي وَاصْطَفَيْتُ لَهُ عَلِيًّا
فَجَعَلْتُهُ لَهُ أَخًا وَوَصِيًّا وَوَزِيرًا وَمُؤَدِّبًا عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ إِلَى خَلْقِي وَخَلِيفَتِي عَلَى عِبَادِي لِيُسَيِّرَ لَهُمْ كِتَابِي وَيَسِيرَ فِيهِمْ بِحُكْمِي وَجَعَلْتُهُ الْعَلَمَ
الْهَادِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَبَابِي الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ وَبَيْتِي الَّذِي «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (2) مِنْ دَارِي وَحِصْنِي الَّذِي مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ حَصَّنَهُ مِنْ مَكْرُوهِ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَجْهِي الَّذِي مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ لَمْ أَصْدَرْ وَوَجْهِي عَنْهُ وَحُجَّتِي فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ فِيهِنَّ مِنْ خَلْقِي لَا
أَقْبَلُ عَمَلٍ مِنْهُمْ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ بِوَلَايَتِهِ مَعَ نُبُوَّةِ أَحْمَدَ رَسُولِي وَهُوَ يَدِي الْمَبْسُوطَةُ عَلَى عِبَادِي وَهُوَ النُّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمْتُ بِهَا عَلَى مَنْ أَحَبَبْتُهُ
مِنْ عِبَادِي فَمَنْ أَحَبَبْتُهُ مِنْ عِبَادِي وَتَوَلَّيْتُهُ عَرَفْتُهُ وَلَا يَتَّهُ وَمَعْرِفَتُهُ وَمَنْ أَبْغَضْتُهُ مِنْ عِبَادِي أَبْغَضْتُهُ لِأَنْصِرَافِهِ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَلَا يَتَّهُ فَبِعِزَّتِي حَلَفْتُ
وَبِجَلَالِي أَقْسَمْتُ أَنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا زَحْزَحْتُهُ عَنِ النَّارِ وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَلَا يُبْغِضُهُ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي وَيَعْدِلُ عَنْ وَلَايَتِهِ إِلَّا
أَبْغَضْتُهُ وَأَدْخَلْتُهُ النَّارَ «وَبُسَّ الْمَصِيرِ» (3)

ص: 504

1- . طه آية 14

2- . آل عمران آية 97

3- . البقرة آية 126

خدای جل جلاله: معبود حقی جز من نیست بتوان خود خلق را آفریدم و هر که از پیغمبران را خواستم از آنها برگزیدم و از میان آنها محمد(صلی الله علیه و آله) حبیب و خلیل و صفی خود را برگزیدم و او را به خلق خود مبعوث کردم(علیه السلام) را برای او برگزیدم و برادر و وصی و وزیر و ادا کن بعد از او به خلقم ساختم و خلیفه خود بر بندگانم نمودم تا قرآن مرا برای آنها بیان کند و در میان آنها به حکم من سیر کند، او را علم رهبر از گمراهی و باب خود که از او در آیند و خانه خود که هر که وارد شود از دوزخم در امانست نمودم و او است دژ من که هر که بدان پناهد از بد دنیا و آخرت محفوظ است و وجه من است که هر که بدو رو کند از او رو نگردانم و حجت منست در آسمان ها و زمین بر هر که در آنها است از خلقم نپذیرم کردار هیچ عاملی را جز با اقرار به ولایت او و نبوت احمد رسولم، او است دو دست گشاده ام بر بندگانم او است نعمتی که به هر که دوست داشتم دادم و او را ولی و شناسای او نمودم، و هر که از بندگانم را دشمن دارم از شناسائی و ولایتش روگردانست و به عزت خود سوگند خوردم و به جلالم قسم یاد نمودم که هیچ کدام بندگانم علی(علیه السلام) را (به حقیقت) دوست ندارند جز آنکه آنها را از دوزخ برکنار دارم و به بهشت وارد کنم و دشمن ندارد او را کسی، و از ولایتش رو نگرداند جز آنکه او را دشمن دارم و در دوزخ درآرم که چه بد سرانجامی است. (1)

حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حُبَيْشِ الْكَاتِبِ، قَالَ أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الرَّعْفَرَانِيِّ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنِّيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ، عَنْ فَضَيْلِ بْنِ الْجَعْدِ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ: .فِيمَا كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلِيهِ السَّلَام) مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ إِلَى

ص: 505

أَهْلٍ مِصْرَ... يَا عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّ اتَّقَيْتُمْ وَحَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ، فَقَدْ عِبَدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عِبِدَ، وَذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ، وَشَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ، وَأَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، وَاجْتَهَدْتُمْ أَفْضَلَ الاجْتِهَادِ، وَإِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطْوَلَ مِنْكُمْ صَلَاةً وَأَكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا فَأَنْتُمْ أَنْتَى لِلَّهِ مِنْهُ، وَأَنْصَحُ لِأَوْلِي الْأَمْرِ. امالي ابن شيخ: در ضمن نامه ای که امیر المؤمنین (علیه السلام) به وسیله محمد بن ابی بکر برای مردم مصر فرستاد نوشت ای بندگان خدا اگر از خدا بپرهیزید و مراعات پیامبر (صلي الله عليه و آله) خود در راه اهل بیتش بنمائید با بهترین وجه خدا را پرستیده اید و با بهترین صورت او را یاد کرده اید و بهترین سپاسگزاری را کرده اید و بهترین صبر و شکر را نموده اید و عالی ترین کوشش را کرده اید گر چه دیگران از شما نماز بیشتر و روزه زیادتری داشته باشند شما پرهیزگارتر و خیر خواه تر برای ائمه (علیهم السلام) و پیشوایان دین خود هستید. (1)

حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ الشُّكْرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي عَلِيُّ بْنُ عَمْرٍو، قَالَ حَدَّثَنِي

الْعَبَّاسُ بْنُ يُوسُفَ الشُّكْلِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ هِشَامٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُصَعبٍ الْقُرْفَسَانِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ جَمَّازٍ، عَنْ يَزِيدَ الرَّقَاشِيِّ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ:

رَجَعْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) قَافِلِينَ مِنْ تَبُوكَ، فَقَالَ لِي فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ الْقَوْلَ لِي الْأَحْلَاسَ وَالْأَقْتَابَ، فَفَعَلُوا فَصَدَّ عَدَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله)

فَحَطَبَ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، ثُمَّ قَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا لِي إِذَا ذُكِرَ آلُ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) تَهَلَّلْتُ وَجُوهُكُمْ، وَإِذَا ذُكِرَ آلُ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله)

كَانَمَا يُفْقَأُ فِي وَجُوهِكُمْ حَبُّ الرُّمَّانِ، فَوَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، لَوْ جَاءَ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَعْمَالٍ كَأَمْثَالِ الْجِبَالِ وَلَمْ يَجِئْ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) لَأَكَبَّهُ اللَّهُ (عَزَّ

ص: 506

انس بن مالک گفت: در خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از تبوک بر می گشتیم نگران و ناراحت، در بین راه به من فرمود: پالان های شتر و پلاس ها را بباندازید. این عمل را انجام دادند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر فراز آنها رفت و سخن رانی کرد. حمد و سپاس خدا را نمود و چنانچه شایسته اوست ثنا گفت سپس فرمود: ای مردم! چه شد وقتی سخن از آل ابراهیم می شود چهره های شما گشاده و خندان است ولی وقتی صحبت از آل محمد (صلی الله علیه و آله) می شود چنان ناراحت می شوید و از خشم بر افروخته می گردید مثل اینکه دانه انار بر صورت شما پاشیده اند. قسم به آن که مرا به پیامبری برانگیخته اگر هر یک از شما در قیامت بیاید با اعمالی به مقدار کوه ها اما بدون ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) (خدا را ملاقات کند) با صورت او را در جهنم می افکنند. (1)

أَبُو الْعَبَّاسِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُسَدِّ تَوْرِدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ مَرَّاحِمٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ شَيْمٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ تَمِيمٍ، وَعَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ، عَنْ بَشْرِ بْنِ غَالِبٍ، وَعَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، كُلُّهُمْ ذَكَرُوا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثًا أَنْ يُثَبِّتَ قَائِلِكُمْ، وَأَنْ يَهْدِيَ صِدَائِكُمْ، وَأَنْ يُعَلِّمَ جَاهِلِكُمْ، وَسَأَلْتُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ لَكُمْ جُودَاءَ نَجَبَاءَ رُحَمَاءَ، فَلَوْ أَنَّ امْرَأً صَفَنَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَصَلَّى وَصَامَ، ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ لِأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مُبْغِضٌ، دَخَلَ النَّارَ.

ابن عباس گفت: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای فرزندان عبد المطلب (علیه السلام) من از خدا سه چیز خواسته ام شخص معتقد شما را ثابت قدم بدارد و گمراه شما را هدایت کند و نادان شما را تعلیم نماید و از خداوند خواسته ام که شما را شخصیت برجسته و نجیب

و مهربان قرار دهد اگر شخصی به پا ایستد بین رکن و مقام نماز بخواند و

ص: 507

روزه بگیرد ولی دشمن اهل بیت محمد(صلي الله عليه و آله) باشد داخل آتش می گردد.(1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ [بْنُ] أَحْمَدَ بْنَ مُسَدِّ تَوْرِدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَاصِمٍ، عَنْ أَبِي حَمزَةَ الثَّمَالِيِّ، قَالَ قَالَ لَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (عليها السلام) أَيُّ الْبِقَاعِ أَفْضَلُ فَقُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ. فَقَالَ: إِنَّ أَفْضَلَ الْبِقَاعِ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا عَمَّرَ مَا عَمَّرَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ «أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» (2) يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ، ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ بِغَيْرِ وَلَايَتِنَا، لَمْ يَنْفَعَهُ ذَلِكَ شَيْئًا.

ابو حمزه از علی بن الحسین(علیه السلام) نقل کرد که پرسید از ما کدامیک از سرزمین ما بهتر است. گفتیم خدا و پیامبر(صلي الله عليه و آله) و پسر پیامبر(صلي الله عليه و آله) بهتر می دانند. فرمود: بهترین مکان ها ما بین رکن و مقام است اگر مردی به اندازه نوح در میان مردم عمر کند نهصد و پنجاه سال روزها روزها بدارد و شب ها شب زنده دار باشد در همین محل بعد خدا را ملاقات کند بدون ولایت ما این اعمال او را ذره ای سود نمی بخشد. (3)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قِيلَ لَهُ إِنَّ أَبَا الْخَطَّابِ يَذْكُرُ عَنْكَ أَنَّكَ قُلْتَ لَهُ إِذَا عَرَفْتَ الْحَقَّ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ أَبَا الْخَطَّابِ وَاللَّهِ مَا قُلْتُ لَهُ هَكَذَا وَ لَكِنِّي قُلْتُ إِذَا عَرَفْتَ الْحَقَّ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ خَيْرٍ يُقْبَلُ مِنْكَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» وَيَقُولُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «مَنْ

ص: 508

1- . الأماي (للطوسي) النص 247 [9] المجلس التاسع ح 27

2- . العنكبوت آية 14

3- . المحاسن ج 1 ص 91 باب 16 عقاب من أنكر آل محمد ع حقهم و جهل أمرهم ح 43

عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»

معانی الاخبار: ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب و یاران خود نقل کرد از حضرت صادق (علیه السلام) که به آن جناب عرضه داشتند: ابو الخطاب از قول شما نقل کرده که فرموده اید وقتی حق را شناختی هر عملی مایلی انجام بده فرمود: خدا لعنت کند ابو الخطاب را به خدا قسم! این طور به او نگفته ام من به او گفتم وقتی حق را شناختی هر عمل خیری که می خواهی انجام بده خداوند می پذیرد خداوند می فرماید «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (1) و در این آیه می فرماید «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (2) هر که از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده ابد می گردانیم. (3)

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ فَضَيْلِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقِيلَ لَهُ إِنَّ هَؤُلَاءِ الْأَخَابِثَ يَزُورُونَ عَنْ أَبِيكَ يَقُولُونَ إِنَّ أَبَاكَ قَالَ إِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ فَهُمْ يَسْتَجْلُونَ بَعْدَ ذَلِكَ كُلِّ مُحَرَّمٍ قَالَ مَا لَهُمْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ إِنَّمَا قَالَ أَبِي إِذَا عَرَفْتَ الْحَقَّ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنْ خَيْرٍ يُقْبَلُ مِنْكَ.

معانی الاخبار: فضیل بن عثمان گفت از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدند که آقا این ناپاکان از پدرت حدیثی نقل می کنند. که فرموده: وقتی عرفان یافتی هر چه می خواهی بکن به همین دلیل هر کار حرامی را حلال می دانند حضرت فرمود: خدا آن ها را لعنت کند این ها را چه شده؟ پدرم فرمود: وقتی حق را شناختی هر عمل خیری که مایلی انجام ده که از تو خدا قبول می کند. (4)

ص: 509

1- . غافر آیه 40

2- . النحل آیه 97

3- . معانی الأخبار النص 388 باب نوادر المعانی ح 26

4- . معانی الأخبار النص 181 باب معنی ما روی عن أبي جعفر الباقر أنه قال إذا عرفت فاعمل ما شئت

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ صَبَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ
 عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) كَتَبَ إِلَيْهِ كِتَابًا فِيهِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ يَدْعُو إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ لَيْسَ مَعَهَا طَاعَةٌ فِي
 أَمْرٍ وَلَا نَهْيٍ وَإِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ الْعَمَلَ بِالْفَرَائِضِ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى حُدُودِهَا مَعَ مَعْرِفَةٍ مَن دَعَا إِلَيْهِ وَمَنْ أَطَاعَ حَرَّمَ الْحَرَامَ ظَاهِرَةً وَ
 بَاطِنَةً وَصَلَّى وَصَامَ وَحَجَّ وَاعْتَمَرَ وَعَظَّمَ حُرْمَاتِ اللَّهِ كُلَّهَا وَلَمْ يَدْعُ مِنْهَا شَيْئًا وَعَمِلَ بِالْبِرِّ كُلِّهِ وَمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ كُلِّهَا وَتَجَنَّبَ سَدِّيَّتِهَا وَ
 مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِلُّ الْحَلَالَ وَيُحَرِّمُ الْحَرَامَ بِغَيْرِ مَعْرِفَةِ النَّبِيِّ ص لَمْ يُحِلِّ لِلَّهِ حَلَالًا وَلَمْ يُحَرِّمْ لَهُ حَرَامًا وَإِنَّ مَنْ صَلَّى وَزَكَى وَحَجَّ وَاعْتَمَرَ وَ
 فَعَلَ ذَلِكَ كُلَّهُ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ مَنِ افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ طَاعَتَهُ فَلَمْ يَفْعَلْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ لَمْ يُصَلِّ وَلَمْ يَصُمْ وَلَمْ يُزَكِّ وَلَمْ يَحُجَّ وَلَمْ يَعْتَمِرْ وَلَمْ
 يَغْتَسِلْ مِنَ الْجَنَابَةِ وَلَمْ يَتَطَهَّرْ وَلَمْ يُحَرِّمْ لِلَّهِ حَلَالًا وَلَيْسَ لَهُ صَدَاقَةٌ وَإِنْ رَكَعَ وَإِنْ سَجَدَ وَلَا لَهُ زَكَاةٌ وَلَا حَجٌّ وَإِنَّمَا ذَلِكَ كُلُّهُ يَكُونُ بِمَعْرِفَةِ
 رَجُلٍ مَنِ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ بِطَاعَتِهِ وَأَمَرَ بِالْأَخْذِ عَنْهُ فَمَنْ عَرَفَهُ وَأَخَذَ عَنْهُ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ ذَلِكَ إِنَّمَا هِيَ الْمَعْرِفَةُ وَأَنَّهُ إِذَا عَرَفَ
 اكْتَفَى بِغَيْرِ طَاعَةٍ فَقَدْ كَذَبَ وَأَشْرَكَ وَإِنَّمَا قِيلَ اعْرِفْ وَاعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنَ الْخَيْرِ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْكَ ذَلِكَ بِغَيْرِ مَعْرِفَةٍ فَإِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ لِنَفْسِكَ
 مَا شِئْتَ مِنَ الطَّاعَةِ قَلَّ أَوْ كَثُرَ فَإِنَّهُ مَقْبُولٌ مِنْكَ

علل الشرائع: مفضل بن عمر گفت حضرت صادق(عليه السلام) نامه ای نوشت که در آن چنین نوشته بود: خداوند هیچ پیامبری را
 نفرستاده که دعوت به معرفت خدا کند

ولی اطاعت از امر و نهی در دعوت او نباشد خداوند از بندگان قبول می کند عمل به واجباتی را که قرار داده با حفظ حدودی که معین کرده با معرفت کسی که دعوت به خدا می نماید هر کسی اطاعت کند حرام می داند ظاهر و باطن حرام را نماز می خواند و روزه می گیرد و حج و عمره انجام می دهد و تعظیم تمام دستورات خدا را می نماید هیچ يك را وانگذارد و تمام خوبی ها را عمل کند و تمام اخلاق پسندیده را و از هر بدی پرهیز کند. و هر کسی گمان کند حلال پیمبر را حلال و حرام را حرام دانسته بدون معرفت پیامبر حلالی را حلال و حرامی را برای خدا حرام ندانسته و هر که نماز بخواند و زکات دهد و حج و عمره به جا آورد تمام این کارها بدون معرفت کسی که خدا اطاعت او را واجب نموده انجام دهد هیچ کاری را انجام نداده نه نماز و نه روزه و نه زکات و حج و عمره به جا آورده و نه غسل از جنابت کرده و پاک نشده نه حرامی را حرام و نه حلالی را حلال دانسته اهل نماز نبوده گر چه رکوع و سجود کرده و نه زکات و حج انجام داده تمام این ها در صورتی صحیح است که بشناسد کسی را که خداوند بر مردم منت نهاده با اطاعت کردن و پیروی از او. هر که او را بشناسد و اطاعت کند خدا را اطاعت نموده و هر که خیال کند که فقط معرفت کفایست بدون اطاعت دروغ گفته و مشرک است گفته شده بشناس آنگاه هر چه می خواهی کار نیک انجام ده زیرا از تو نمی پذیرند کار نیک را مگر با معرفت. وقتی معرفت پیدا کردی آنگاه هر چه مایلی به نفع خود اطاعت و فرمانبرداری کن چه کم و چه زیاد مقبول و پذیرفته است. (1)

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْفَقِيهِ الْقُمِّيُّ مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَهْ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي رَهْ قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: عَبْدُ اللَّهِ حَبْرٌ مِنْ أَحْبَابِ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَتَّى صَارَ مِثْلَ الْخِلَالِ فَأَوْحَى

ص: 511

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ زَمَانِهِ قُلْ لَهُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَجَبْرُوتِي لَوْ أَنَّكَ عَبْدَتَنِي حَتَّى تَدُوبَ كَمَا تَدُوبُ الْأَلْيَةُ فِي الْقِدْرِ مَا قَبِلْتُ مِنْكَ حَتَّى تَأْتِيَنِي مِنَ الْبَابِ الَّذِي أَمَرْتُكَ.

ثواب: اسحاق بن غالب از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: یکی از احبار بنی اسرائیل آنقدر عبادت کرد که همچون خلالی (نازک) شد خداوند به پیامبر زمان او وحی کرد که به او بگو به عزت و جلال و جبروتم سوگند اگر آنقدر مرا عبادت کنی که همچون چربی در دیگ آب شوی از تو نخواهم پذیرفت مگر از آن راهی بیایی که به تو دستور داده ام. (1)

عَنْهُ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ كِرَامِ الْخُنَعِمِيِّ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا مُعَلَّى لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ مِائَةَ عَامٍ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ حَتَّى يَسْقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ وَتَلْتَقِيَ تَرَاقِيهِ هَرَمًا جَاهِلًا لِحَقَّقْنَا لَمْ يَكُنْ لَهُ ثَوَابٌ.

ثواب الاعمال: معلى بن خنيس گفت حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: ای معلى اگر بنده ای خدا را صد سال عبادت کند بين ركن و مقام روزها روزه بگیرد و شب ها به شب زنده داری مشغول باشد تا ابروهایش روی چشمش بیفتد و از پیری استخوانهای سینه اش به هم برسد در صورتی که جاهل به حق ما باشد ثوابی برای او نیست. (2)

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ

مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ مَيْسَرَةَ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَعِنْدَهُ فِي الْفُسْطَاطِ نَحْوُ مِنْ خَمْسِينَ رَجُلًا فَبَجَلَسَ بَعْدَ سُكُوتٍ مِثْلَ طَوِيلًا فَقَالَ مَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ أَنِّي نَبِيُّ اللَّهِ وَاللَّهُ مَا أَنَا

ص: 512

1- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال النص 203 عقاب من أتى الله من غير بابه

2- . المحاسن ج 1 ص 90 باب 16 عقاب من أنكر آل محمد حقهم و جهل أمرهم ح 40

كَذَلِكَ وَ لَكِن لِي قَرَابَةٌ مِّن رَّسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَ وِلَادَةٌ فَمَنْ وَصَلَنَا وَصَلَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَحَبَّنَا أَحَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ حَرَمَنَا حَرَمَهُ اللَّهُ أَ تَدْرُونَ أَيُّ الْبِقَاعِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةٌ فَلَمْ يَتَكَلَّمْ أَحَدٌ مِنَّا وَ كَانَ هُوَ الرَّادُّ عَلَيَّ نَفْسِهِ قَالَ ذَلِكَ مَكَّةُ الْحَرَامِ الَّتِي رَضِيَهَا اللَّهُ لِنَفْسِهِ حَرَمًا وَ جَعَلَ بَيْتَهُ فِيهَا ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرُونَ أَيُّ الْبِقَاعِ أَفْضَلُ فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ حُرْمَةٌ فَلَمْ يَتَكَلَّمْ أَحَدٌ مِنَّا فَكَانَ هُوَ الرَّادُّ عَلَيَّ نَفْسِهِ فَقَالَ ذَلِكَ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرُونَ أَيُّ بُقْعَةٍ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ حُرْمَةٌ فَلَمْ يَتَكَلَّمْ أَحَدٌ مِنَّا فَكَانَ هُوَ الرَّادُّ عَلَيَّ نَفْسِهِ قَالَ ذَلِكَ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ الْأَسْوَدِ وَ الْمَقَامِ وَ بَابِ الْكُعْبَةِ وَ ذَلِكَ حَطِيمٌ إِسْمَاعِيلَ (عليه السلام) ذَلِكَ الَّذِي كَانَ يَذُودُ غَنِيمَاتِهِ وَ يُصَلِّي فِيهِ وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا صَفَّ قَدَمَيْهِ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ قَامَ لَيْلًا مُصَلِّيًا حَتَّى يَجِيئَهُ النَّهَارُ وَ صَامَ حَتَّى يَجِيئَهُ اللَّيْلُ وَ لَمْ يَعْرِفْ حَقَّتًا وَ حُرْمَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا أَبَدًا.

ثواب الاعمال: میسر گفت خدمت حضرت باقر(علیه السلام) در خیمه حدود پنجاه نفر بودند امام(علیه السلام) در حالی که ما مدتی سکوت کرده بودیم نشسته بود فرمود:... من با پیغمبر(صلي الله عليه و آله) خویشاوندی دارم و از اولاد اویم هر که با ما به پیوند خدا با او می پیوندد و هر که ما را دوست بدارد خدا او را دوست می دارد و هر که ما را محروم نماید خدا محرومش می کند آیا شما می دانید کدامیک از محل ها در نزد خداوند با ارزشتر است هیچ کدام از ما سخنی در پاسخ نگفت. خود آن جناب فرمود: آن محل مکه است که آنجا را برای خود حرم قرار داده و خانه اش را آنجا قرار داده. سپس فرمود: آیا می دانید چه محلی در نزد خدا احترام بیشتر دارد؟ هیچکدام از ما در جواب سخنی نگفتیم خود آن جناب در جواب خویش فرمود: آن محل بین رکن و مقام و درب

كعبه است و این محل همان محلی است که اسماعیل (علیه السلام) گوسفندان خود را علوفه می داد و نماز می خواند. قسم به خدا! اگر بنده ای به پا بایستد در این محل شب را تا به صبح نماز بخواند و روز را تا به شب روزه بدارد ولی عارف به حق و حرمت ما اهل بیت (علیهم اسلام) نباشد خداوند هرگز از او چیزی را قبول نخواهد کرد. (1)

قُرْتُ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ بِنِ سَعِيدٍ مُعْنَعًا [قَالَ كُنَّا فِي الْمَسْطَطِ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) [وَأَبِي الْقُسْطَاطِ نَحْوًا [نَحْوًا] مِنْ خَمْسِينَ رَجُلًا قَالَ فَجَلَسَ بَعْدَ سَكُونٍ مَنَّا طَوِيلٍ فَقَالَ مَا لَكُمْ لَا تَتَطَّقُونَ لِعَلَّكُمْ تَرَوْنَ أَنِّي نَبِيٌّ لَا وَاللَّهِ مَا أَنَا كَذَلِكَ وَلَكِنْ بِي قَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَوَلَادَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَوَصَلْنَا وَصَلَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَكْرَمَنَا أَكْرَمَهُ اللَّهُ وَ مَنْ قَطَعَنَا قَطَعَهُ اللَّهُ أَ تَدْرُونَ أَيُّ الْبِقَاعِ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ مَنْزِلَةٌ فَلَمْ يَتَكَلَّمْ أَحَدٌ فَكَانَ هُوَ الرَّادُّ عَلَى نَفْسِهِ فَقَالَ تِلْكَ مَكَّةُ الْحَرَامِ الَّتِي وَصَّهَا اللَّهُ لِنَفْسِهِ حَرَمًا وَ جَعَلَ بَيْتَهُ فِيهَا ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرُونَ أَيُّ بُقْعَةٍ فِي مَكَّةَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ حُرْمَةً فَلَمْ يَتَكَلَّمْ أَحَدٌ فَكَانَ هُوَ الرَّادُّ عَلَى نَفْسِهِ فَقَالَ ذَلِكَ الْمَسَدُ جِدِّ الْحَرَامِ ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرُونَ أَيُّ بُقْعَةٍ فِي الْمَسَدِ جِدِّ [الْحَرَامِ أَفْضَلُ] وَ [أَعْظَمُ حُرْمَةً عِنْدَ اللَّهِ فَلَمْ يَتَكَلَّمْ أَحَدٌ فَكَانَ هُوَ الرَّادُّ عَلَى نَفْسِهِ فَقَالَ ذَلِكَ بَيْنَ الرُّكْنِ الْأَسْوَدِ إِلَى بَابِ الْكُعْبَةِ ذَلِكَ حَظِيمُ إِسْمَاعِيلَ [النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)] نَفْسِهِ الَّذِي كَانَ يَكُونُ [يَدُودٌ] فِيهِ غُنَيْمَةٌ [غُنَيْمَاتِهِ غَنَمَهُ] وَ يُصَلِّي فِيهِ فَوَاللَّهِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا صَفَّ قَدَمَيْهِ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ قَائِمًا بِاللَّيْلِ مُصَدِّمًا حَتَّى يَجِيئَهُ [يَجِيءُ] النَّهَارُ وَ قَائِمًا النَّهَارَ مُصَدِّمًا حَتَّى يَجِيئَهُ [اللَّيْلُ] وَ لَمْ يَعْرِفْ حَقًّا وَ حُرْمَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا أَبَدًا إِلَّا إِنْ أَبَانَا إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَام) خَلِيلَ اللَّهِ كَانَ مِمَّا [مِمَّنْ] اشْتَرَطَ عَلَى رَبِّهِ [أَنْ] قَالَ «فَأَجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (2)

أَمَّا إِنَّهُ لَمْ يَعْنِ النَّاسَ كُلَّهُمْ فَأَنْتُمْ

ص: 514

1- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص 204 عقاب من جهل حق أهل البيت ح 3

2- . ابراهيم آية 37

أُولِيَاؤُهُ وَنُظْرَاؤُكُمْ وَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ فِي النَّاسِ مَثَلُ الشَّعْرَةِ السُّودَاءِ فِي الثُّورِ الْأَبْيَضِ وَ مَثَلُ الشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي الثُّورِ الْأَسْوَدِ [وَأَيُّهَا النَّاسُ أَنْ يَحُجُّوا هَذَا الْبَيْتَ وَيُعَظِّمُوهُ لِتَعْظِيمِ اللَّهِ إِيَّاهُ وَإِنْ تَلَقَّوْنَا حَيْثُمَا كُنَّا نَحْنُ الْأَدْلَاءُ عَلَى اللَّهِ [تَعَالَى]

تفسیر فرات: حسین بن سعید باسناد خود از امام باقر(علیه السلام) همان خبر را نقل کرده و در آخر آن افزوده است پدر ما ابراهیم خلیل(علیه السلام) از چیزهایی که با خدا قرار گذاشت. این بود که گفت خدایا دل های مردم را متوجه و علاقمند به خاندان و فرزندان من بگردان. منظور ابراهیم(علیه السلام) همه مردم نبود. شما اولیا ما و کسانی که شبیه شمایند اولیای او هستید. شما در میان مردم مانند یک موی سیاه در پیکر گاوی سفید و مانند موی سفیدی در گاو سیاهی هستید. سزاوار است مردم حج خانه خدا را به جا آورند و ما را احترام و تعظیم کنند به واسطه عظمتی که خدا به ما عنایت کرده و با ما برخورد کنند با مقامی که ما داریم ما راهنمایان به سوی خدا هستیم. (1)

أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ قَيْسِ بَيْعِ الرُّطْبِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنِّي لِي جَارًا لَسْتُ أَنْتَبَهُ إِلَّا عَلَى صَوْتِهِ إِمَّا تَالِيًا كِتَابًا يَحْتَمُهُ أَوْ يُسَبِّحُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاصِبِيًّا فَسَأَلْتُ عَنْهُ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ فَقِيلَ لِي إِنَّهُ مُجْتَمِعُ الْمَحَارِمِ قَالَ فَقَالَ يَا مَيْسَرَةَ يَعْرِفُ شَيْئًا مِمَّا أَنْتَ عَلَيْهِ قُلْتُ اللَّهُ أَعْلَمُ فَحَجَجْتُ مِنْ قَابِلٍ فَسَأَلْتُ عَنِ الرَّجُلِ فَوَجَدْتُهُ لَا يَعْرِفُ شَيْئًا مِنْ هَذَا الْأَمْرِ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَأَخْبَرْتُهُ بِخَبَرِ الرَّجُلِ فَقَالَ لِي مِثْلَ مَا قَالَ فِي الْعَامِ الْمَاضِي يَعْرِفُ شَيْئًا مِمَّا أَنْتَ عَلَيْهِ قُلْتُ لَا قَالَ يَا مَيْسَرَةَ أَيُّ الْبِقَاعِ أَعْظَمُ

ص: 515

حُرْمَةً قَالَ قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ قَالَ يَا مَيَسَّرَةٌ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَاللَّهُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَمَّرَهُ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ أَلْفَ عَامٍ وَفِيمَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْمَنْبَرِ يَعْبُدُهُ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ دُبِحَ عَلَيَّ فِرَاشِهِ مَظْلُومًا كَمَا يُدْبِحُ الْكَبْشُ الْأَمْلَحُ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِغَيْرِ وَلَا يَتَّأَلَفُ لَكَ أَنْ حَقِيقًا عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُكَبَّهُ عَلَيَّ مُنْخَرِيهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ. ثواب الاعمال: میسر گفت خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسیدم. گفتم فدایت شوم مرا همسایه ای است که پیوسته از صدای او بیدار می شوم قرآن می خواند و مکرر ادامه می دهد و مشغول دعا و گریه و زاری است پنهان و آشکارا در باره او جستجو کردم از تمام کارهای حرام خودداری می کند. فرمود: میسر بگو بینم چیزی از راهی که تو در آن قدم برمی داری اعتقاد دارد. گفتم خدا می داند. گفت سال بعد به حج رفتیم از خود او در این مورد سؤال کردم دیدم اعتقادی به امامت ندارد. خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسیده، حضرت باز پرسیدند آیا اعتقادی به این راه که تو گام بر می داری دارد. عرضه داشتیم: نه. فرمود: میسر! کدام محل احترامش از همه جا در نزد خدا بیشتر است عرض کردم خدا و پیامبر و پسر پیامبرش می دانند. فرمود: میسر! بین رکن و مقام است که باغی از باغ های بهشت است و ما بین قبر و منبر پیامبر که باغی از باغ های بهشت است اگر بنده ای را خداوند عمر طولانی بدهد و او را عبادت کند بین رکن و مقام و بین قبر و منبر هزار سال و بعد او را در رختخوابش مظلوم بکشند مثل کشتن گوسفند سفید سپس به ملاقات پروردگار رود بدون ولایت ما بر خدا لازم است او را با صورت میان آتش جهنم اندازد. (1)

وَعَنْ ابْنِ بَابَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّائِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ ابْنِ أَوْرَمَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

ص: 516

عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْبَصْرِيِّ عَنِ ابْنِ مُسَّكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ مَرَّ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ (عليه السلام) بِرَجُلٍ رَافِعٍ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ يَدْعُو فَاَنْطَلَقَ مُوسَى فِي حَاجَتِهِ فَعَابَ عَنْهُ سَبْعَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ وَهُوَ رَافِعٌ يَدَهُ يَدْعُو وَيَتَصَدَّرُ وَيَسْأَلُ حَاجَتَهُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا مُوسَى لَوْ دَعَانِي حَتَّى تَسْقُطَ لِسَانُهُ مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ حَتَّى يَأْتِيَنِي مِنَ الْبَابِ الَّذِي أَمَرْتُهُ بِهِ قِصَصَ الْأَنْبِيَاءِ: ابن مسكان از حضرت صادق (عليه السلام) از آباء گرامش نقل کرد که موسی بن عمران (عليه السلام) به مردی گذشت که دست بسوی آسمان به دعا برداشته بود موسی (عليه السلام) به دنبال کار خود رفت هفت روز گذشت که به آن محل نیامد پس از هفت روز برگشت دید دستش را بلند کرده و دعا می کند و زاری و تضرع دارد و حاجت خود را از خدا می خواهد خداوند به موسی (عليه السلام) وحی کرد که ای موسی (عليه السلام) اگر آنقدر دعا کند که زبانش قطع شود دعایش را مستجاب نمی کنم مگر اینکه به در خانه من بیاید از راهی که به او دستور داده ام. (1)

عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عُبَيْسٍ عَنْ جَعْفَرِ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) يَقُولُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثُمَّ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبِشُ مَظْلُومًا لَبَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ النَّفَرِ الَّذِينَ يَفْتَدِي بِهِمْ وَيُهْدَاهُمْ وَيَسِيرُ بِسِيرَتِهِمْ إِنَّ جَنَّةَ فَجَنَّةٍ وَإِنْ نَارًا فَنَارًا.

محاسن برقی: ابو سعید خدری گفت از پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) شنیدم: اگر بنده ای خدا را هزار سال بین رکن و مقام عبادت کند آنگاه او را بکشند چنانچه گوسفند را می کشند مظلوم وار خداوند او را مبعوث خواهد کرد با کسانی که به آنها اقتداء کرده و از هدایت ایشان پیروی می نموده و روش خود آنها را از پیش گرفته است اگر بهشتی باشند به بهشت و اگر جهنمی باشند به جهنم رود. (2)

ص: 517

1- . قصص الأنبياء عليهم السلام (للراوندي) ص 164 فصل 6 ح 187

2- . المحاسن ج 1 ص 61 باب 79 ثواب من مات بغير ولاية آل محمد ح 102

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْبَرَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ يَعْنِي ابْنَ كَثِيرٍ قَالَ: حَجَجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَلَمَّا صِرْنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ صَدَّ عَدَى جَبَلٍ فَأَشَدَّ رَفَ فَنَظَرَ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ مَا أَكْثَرَ الضَّحِيجَ وَأَقَلَّ الْحَجِيجَ فَقَالَ لَهُ دَاوُدُ الرَّقِّيُّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) هَلْ يَسَّ تَجِيبُ اللَّهُ دُعَاءَ هَذَا الْجَمْعِ الَّذِي أَرَى قَالَ وَيْحَكَ يَا أَبَا سَلِيمَانَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ الْجَاهِدُ لَوْلَا يَهْدِي عَلِيٌّ (عليه السلام) كَعَابِدٍ وَتَنَزَّلَ قَالَ فَلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ هَلْ تَعْرِفُونَ مُجِبَكُمْ وَمُبِغِضَكُمْ قَالَ وَيْحَكَ يَا أَبَا سَلِيمَانَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدِ يُولَدُ إِلَّا كُتِبَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَدْخُلُ إِلَيْنَا بَوْلًا يَتَنَا وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا فَتَرَى مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» نَعْرِفُ عَدُوَّنَا مِنْ وَلِيِّنَا.

بصائر: عبد الرحمن بن كثير: گفت با حضرت صادق (عليه السلام) به حج رفتم در بين راه امام (عليه السلام) بر فراز کوهی رفت و مردم را از نظر گذرانید. فرمود: چقدر سر و صدا زیاد است ولی حاجی کم است. داود رقی عرضه داشت: یا ابن رسول الله (صلي الله عليه وآله) آیا خداوند دعای این جمعیت را مستجاب می کند. فرمود: وای بر تو ای ابا سلیمان خداوند نمی آمرزد کسی را که برایش شریک قرار دهد و منکر ولایت علی (عليه السلام) مانند بت پرست است. عرضه داشت: که آیا شما دوست و دشمنان را می شناسید. فرمود: وای بر تو ابا سلیمان هیچ کس متولد نمی شود مگر اینکه در پیشانی او نوشته می شود. مؤمن یا کافر است. شخصی پیش ما می آید با ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان ما می بینیم در پیشانیش نوشته است مؤمن است یا کافر، خداوند در قرآن می فرماید «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» (1) ما دشمنانمان را از دوست مان باز می شناسیم. (2)

ص: 518

1- . الحجر آية 75

2- . بصائر الدرجات ج 1 ص 358 باب 17 باب في الأئمة ع أنهم المتوسمون في الأرض و هم الذين ذكر الله في كتابه يعرفون الناس بسماهم ح 15

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) بِالرِّسَالَةِ وَأَنْبَأَهُ بِالْوَحْيِ وَأَنَالَ فِي النَّاسِ وَأَنَالَ وَفِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَعَاقِلُ الْعِلْمِ وَأَبْوَابُ الْحِكْمَةِ وَضِيَاءُ الْأَمْرِ فَمَنْ يُحِبَّنَا مِنْكُمْ نَفَعَهُ إِيْمَانُهُ وَيُقْبَلُ مِنْهُ عَمَلُهُ وَمَنْ لَمْ يُحِبَّنَا مِنْكُمْ لَمْ يَنْفَعَهُ إِيْمَانُهُ وَلَا يُقْبَلُ مِنْهُ عَمَلُهُ.

بصائر: ثمالی گفت امیر المؤمنین (علیه السلام) سخنرانی کرد برای مردم پس از حمد و ثنای خدا فرمود: خداوند محمد مصطفی (صلي الله عليه وآله) را به رسالت برگزید و او را به وحی مطلع گردانید مردم را از علم بهره مند گردانید ولی در میان ما خانواده گنجینه علم و درب های حکمت و روشنائی و نور واقعی است هر که ما را دوست بدارد از ایمان خود بهره می برد و عملش قبول می شود هر که از شما ما را دوست نداشته باشد ایمان او را سودی نمی بخشد و عملش را نمی پذیرد. (1)

عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى فِيمَا أَعْلَمَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» قَالَ إِلَى وَلَا يَتَنَا وَاللَّهِ أَمَا تَرَى كَيْفَ اشْتَرَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

محاسن: يعقوب شعيب گفت از حضرت صادق (علیه السلام) تاویل این آیه را پرسیدم «لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (2)

فرمودند: هدایت به ولایت ما بیاید نمی بینی خداوند چگونه شرط نموده است. (3)

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) «مَا أَرَدْتُ أَنْ أُحَدِّثَكُمْ وَلَا أُحَدِّثَكُمْ وَلَا أَنْصَحَنَّ لَكُمْ وَكَيْفَ لَا أَنْصَحُ»

ص: 519

1- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 365 باب 19 باب ما جاء عن الأئمة من أحاديث رسول الله التي صارت إلى العامة و ما خصوا به من دونهم ح 12

2- . طه آية 82

3- . المحاسن ج 1 ص 142 باب 10 باب الولاية ح 35

لَكُمْ وَ أَنْتُمْ وَاللَّهِ جُنْدُ اللَّهِ وَاللَّهِ مَا يَعْبُدُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَهْلُ دِينٍ غَيْرِكُمْ فَخُدُّوهُ وَ لَا تُدْبِعُوهُ وَ لَا تَحْبِسُوهُ عَنْ أَهْلِهِ فَلَوْ حَبَسْتُمْ عَنْكُمْ يُحْسِنُ عَنِّي

محاسن برقی: عیید الله بن علی حلبی گفت حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: نمی خواهم برایتان حدیث بگویم برای شما حدیث خواهم گفت و نصیحت خواهم کرد چگونه شما را نصیحت نکنم با اینکه شما به خدا قسم سپاه خدا هستید به خدا سوگند خدا را نپرستیده دینداری جز شما، این را بگیری و از بین نبری و از اهل آن جلوگیری نکنید اگر از شما جلوگیری کنم از من جلوگیری می شود. (1)

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسَدَّكَانَ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْكَلْبِيِّ قَالَ: كُنْتُ أَطُوفُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ هُوَ مُتَكِنٌ عَلَيَّ إِذْ قَالَ يَا عَمْرُو مَا أَكْثَرَ السَّوَادَ يَعْنِي النَّاسَ فَقُلْتُ أَجَلٌ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا يَحْجُ لِلَّهِ غَيْرُكُمْ وَ لَا يُؤْتَى أَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ غَيْرُكُمْ أَنْتُمْ وَ اللَّهُ رِعَاةُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ أَنْتُمْ وَ اللَّهُ أَهْلُ دِينِ اللَّهِ مِنْكُمْ يُقْبَلُ وَ لَكُمْ يُغْفَرُ

عمر الکلبی گفت با حضرت صادق (علیه السلام) طواف خانه کعبه می کردم او بر من تکیه کرده بود فرمود: عمر! چقدر جمعیت زیاد است عرضه داشتیم: آری فدایت شوم فرمود: به خدا قسم حج به جا نمی آورد غیر شما و دو چندان پاداش نمی دهند به کسی جز شما، به خدا قسم شما مورد عنایت خورشید و ماه هستید و شما به خدا قسم اهل دین خدا هستید از شما قبول می کنند و شما را می آمرزند. (2)

عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ازْكُرُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ

ص: 520

1- . المحاسن ج 1 ص 146 باب 14 باب أنتم أهل دين الله ح 50

2- . المحاسن ج 1 ص 145 باب 14 باب أنتم أهل دين الله ح 49

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ فِي الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَيْرِ إِذَا تَوَلَّوْا اللَّهَ وَرَسُولَهُ (صلي الله عليه وآله) وَأُولِي الْأَمْرِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام) قَبِلَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ.

ابو بصير از حضرت باقر (عليه السلام) در باره آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا وَاسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (1) فرمود: در باره نماز و روزه و کارهای نیکویتی خدا و پیامبر (صلي الله عليه وآله) و امام های ما خانواده را دوست بدانند قبول خواهند کرد. (2)

عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي بُرْجَةَ الرَّيَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: النَّاسُ سَوَادٌ وَأَنْتُمْ حَاجٌّ

محاسن برقی: ابو برجه رماح گفت حضرت صادق (عليه السلام) فرمود: مردم سیاهی لشکرند حاجی شما هستید. (3)

عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقَبَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَا أَكْثَرَ السَّوَادَ قُلْتُ أَجَلُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا يَحُجُّ لِلَّهِ غَيْرُكُمْ وَلَا يُصَلِّي الصَّلَاتَيْنِ غَيْرُكُمْ وَلَا يُؤْتَى أَجْرَهُ مَرَّتَيْنِ غَيْرُكُمْ وَإِنَّكُمْ لِرُعَاةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ وَأَهْلِ الدِّينِ وَلَكُمْ يُغْفَرُ وَمِنْكُمْ يُقْبَلُ

محاسن: عمر بن ابان کلبی گفت حضرت صادق (عليه السلام) به من فرمود: چقدر جمعیت زیادی هستند. عرضه داشتم: آری یا ابن رسول الله (صلي الله عليه وآله) فرمود: به خدا قسم به جز شما کسی حج برای خدا انجام نمی دهد و نماز نمی خواند و پاداش دو چندان را نمی دهند مگر به شما و مراقبین ماه و خورشید و ستارگان (یعنی مراقب برای انجام نمازها) و اهل دین شما هستید و شما را می آمرزند و از شما می پذیرند. (4)

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ وَهُوَ كَرَامُ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْخُثَعَمِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ آيَةَ فِي الْقُرْآنِ

ص: 521

1- . الحج آية 77 و 78

2- . المحاسن ج 1 ص 166 باب 34 باب قبول العمل ح 124

3- . المحاسن ج 1 ص 167 باب 34 باب قبول العمل ح 125

4- . المحاسن ج 1 ص 167 باب 34 باب قبول العمل ح 127

تَشَكُّنِي قَالَ وَمَا هِيَ قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» قَالَ وَ أَيْ شَيْءٍ شَكَّكَتَ فِيهَا قُلْتُ مَنْ صَلَّى وَصَامَ وَعَبَدَ اللَّهَ قَبِلَ مِنْهُ قَالَ
إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ الْعَارِفِينَ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا أَمْ الصَّحَّاحُ بْنُ قَيْسٍ قُلْتُ لَا بَلِ الصَّحَّاحُ بْنُ قَيْسٍ قَالَ فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَتَقَبَّلُ مِنْهُ
شَيْءٌ مِمَّا ذَكَرْتَ.

محاسن: عمر بن حنظله گفت به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: يك آیه در قرآن مرا به شك انداخته فرمود: کدام آیه. عرضه
داشتیم «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (1)

فرمود: در چه چیز این آیه مشکوک شده ای گفتم هر که نماز بخواند و روزه بگیرد و خدا را بپرستد از او می پذیرد. فرمود: خداوند از
پرهیزکاران عارف می پذیرد. بعد فرمود: تو پارسا و زاهدتر هستی یا صحاح بن قیس. گفتم: نه صحاح بن قیس فرمود: از او هیچ يك از
عبادت هائی که ذکر کردی نمی پذیرند. (2)

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ ذَرَّاجٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ ذُبِحَ كَمَا يُذْبِحُ الْكَنْبُشُ ثُمَّ أَتَى اللَّهَ بِبُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ عَمَلَهُ

محاسن: جابر از حضرت باقر (علیه السلام) نقل کرد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر بنده ای خدا را عبادت کند هزار سال
و بعد او را مثل گوسفند بکشند سپس با بُغْضِ و دشمنی ما اهل بیت (علیهم اسلام) بیاید، خداوند عملش را به خودش رد می کند. (3)

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ مُيَسَّرٍ عَنْ أَبِيهِ النَّخَعِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَا مُيَسَّرُ أَيُّ الْبُلْدَانِ أَعْظَمُ حُرْمَةً
قَالَ فَمَا كَانَ مِنَّا أَحَدٌ يُجِيبُهُ حَتَّى كَانَ الرَّادُّ عَلَى نَفْسِهِ فَقَالَ مَكَّةُ فَقَالَ أَيُّ بَقَاعِهَا أَعْظَمُ حُرْمَةً قَالَ فَمَا

ص: 522

1- . المائدة آية 27

2- . المحاسن ج 1 ص 168 باب 34 باب قبول العمل ح 129

3- . المحاسن ج 1 ص 168 باب 35 ح 130

كَانَ مِنَّا أَحَدٌ يُجِيبُهُ حَتَّى كَانَ الرَّادُّ عَلَى نَفْسِهِ فَقَالَ مَا بَيْنَ الرَّكْنِ إِلَى الْحِجْرِ وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ حَتَّى يَنْقَطِعَ عِلْبَاؤُهُ هَرَمًا ثُمَّ أَتَى اللَّهَ بِبُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ عَمَلَهُ مُحَاسِنًا: ميسر از پدر خود نخعی. گفت حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود ميسر! کدام يك از شهرها به نظر تو احترام زيادتر دارد هيچ كس نتوانست جواب بدهد. خود امام (علیه السلام) فرمود: مكه. بعد پرسيد کدام قسمت مكه حرمت بيشتتر دارد كسى نتوانست جوابي دهد، خود امام (علیه السلام) فرمود: بين ركن تا حجر الاسود به خدا قسم اگر بنده ای هزار سال خدا را عبادت كند تا عصب گردنش قطع شود از پيري بعد با بُغْض و كينه ما وارد قيامت شود خداوند عمل او را رد مي كند. (1)

قَالَ الْإِمَامُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَمَّا الزَّكَاةُ فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ أَدَّى الزَّكَاةَ إِلَى مُسْتَحِقِّهَا، وَقَضَى الصَّلَاةَ عَلَى حُدُودِهَا، وَ لَمْ يُلْحِقْ بِهِمَا مِنَ الْمُؤَبَقَاتِ مَا يُبْطِلُهُمَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَغِطُهُ كُلُّ مَنْ فِي تِلْكَ الْعَرَصَاتِ حَتَّى يَرْفَعَهُ نَسِيمُ الْجَنَّةِ إِلَى أَعْلَى عُزْفِهَا وَعَالِيهَا بِحَضْرَةِ مَنْ كَانَ يُوَالِيهِ مِنْ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. وَ مَنْ بَخِلَ بِزَكَاتِهِ وَ أَدَّى صَدَقَاتِهِ، فَصَدَّقَاتُهُ مَحْبُوسَةٌ دُونَ السَّمَاءِ إِلَى أَنْ يَجِيءَ [حِينَ] زَكَاتِهِ، فَإِنْ آدَاهَا جُعِلَتْ كَأَحْسَنِ الْأَفْرَاسِ مَطِيَّةً لِمَنْ لَاتِهِ، فَحَمَلَتْهَا إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: سِرُّ إِلَى الْجَنَانِ، وَ اِرْكَضْ فِيهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَا انْتَهَى إِلَيْهِ رِكَضُكَ فَهُوَ (كُلُّهُ بِسَائِرِ مَا تَمَسَّهُ لِبَاعِثِكَ) فَيَرْكَضُ فِيهَا عَلَى أَنْ كُلَّ رِكَضَةٍ مَسِيرَةٌ سَنَةً فِي قَدْرِ لَمْحَةٍ بَصَرِهِ مِنْ يَوْمِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، حَتَّى يَنْتَهِيَ [بِهِ] إِلَى حَيْثُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى، فَيَكُونُ ذَلِكَ كُلُّهُ لَهُ، وَ مِثْلُهُ عَنْ يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ، وَ أَمَامِهِ وَ خَلْفِهِ، وَ فَوْقَهُ وَ تَحْتَهُ. وَ إِنْ بَخِلَ بِزَكَاتِهِ وَ لَمْ

ص: 523

يُودِّهَا، أَمْرٌ بِالصَّلَاةِ فَرَدَّتْ إِلَيْهِ، وَ لَفَّتْ كَمَا يَلْفُ الثَّوْبُ الْحَلْقُ، ثُمَّ يُصَرِّبُ بِهَا وَجْهَهُ، وَيُقَالُ [لَهُ]: يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا تَصْنَعُ بِهِذَا دُونَ هَذَا قَالَ: فَقَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَا أَسْوَأَ حَالٍ هَذَا [وَ اللَّهُ!] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَوْ لَا أُتْبِكُمْ بِمَنْ هُوَ أَسْوَأَ حَالًا مِنْ هَذَا قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: رَجُلٌ حَضَرَ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى، فَقُتِلَ مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، وَ الْحُورُ الْعَيْنُ يَتَطَلَّعْنَ إِلَيْهِ، وَ خُرَّانُ الْجِنَانِ يَتَطَلَّعُونَ [إِلَى] وَرُودِ رُوحِهِ عَلَيْهِمْ [وَ أَمْلَأُكَ السَّمَاءِ] وَ أَمْلَأُكَ الْأَرْضِ يَتَطَلَّعُونَ [إِلَى] نُزُولِ حُورِ الْعَيْنِ إِلَيْهِ، وَ الْمَلَائِكَةُ خُرَّانُ الْجِنَانِ، فَلَا يَأْتُونَهُ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ الْآرِضِ حَوَالِي ذَلِكَ الْمُقْتُولِ: مَا بَالُ الْحُورِ [الْعَيْنِ] لَا يَنْزِلْنَ إِلَيْهِ وَ مَا بَالُ خُرَّانِ الْجِنَانِ لَا يَرِدُونَ عَلَيْهِ فَيَنَادُونَ مِنْ فَوْقِ السَّمَاءِ السَّابِغَةَ: يَا أَيَّتُهَا الْمَلَائِكَةُ، انظُرُوا إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ [وَ] دُونِهَا. فَيَنْظُرُونَ، فَإِذَا تَوَحَّيْدُ هَذَا الْعَبْدِ [الْمُقْتُولِ] وَ إِيْمَانُهُ بِرَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، وَ صِدْقُهُ وَ رِكَائِئُهُ، وَ أَعْمَالُ بِرِّهِ كُلُّهَا مَحْبُوسَاتٌ دُونِ السَّمَاءِ، وَ قَدْ طَبِقَتْ آفَاقُ السَّمَاءِ كُلُّهَا كَالْقَافِلَةِ الْعَظِيمَةِ قَدْ مَلَأَتْ مَا بَيْنَ أَقْصَى الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ، وَ مَهَابِّ السَّمَاءِ وَ الْجَنُوبِ تُنَادِي أَمْلَأُكَ تِلْكَ الْأَفْعَالِ الْحَامِلُونَ لَهَا، الْوَارِدُونَ بِهَا: مَا بَالُنَا لَا نَفْتَحُ لَنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِنَدْخُلَ إِلَيْهَا بِأَعْمَالِ هَذَا الشَّهِيدِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِفَتْحِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ، فَنَفْتَحُ، ثُمَّ يُنَادِي هُوَ لِأَنَّ الْأَمْلَأُكَ: اذْخُلُوهَا إِنْ قَدَرْتُمْ. فَلَا نُقَلِّهَا أَجْنِحَتَهُمْ، وَ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى الْإِرْتِفَاعِ بِتِلْكَ الْأَعْمَالِ. فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا لَا نَقْدِرُ عَلَى الْإِرْتِفَاعِ بِهِدِهِ الْأَعْمَالِ. فَيُنَادِيهِمْ مُنَادِي رَبَّنَا عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَيَّتُهَا الْمَلَائِكَةُ لَسْتُمْ حَمَالِي هَذِهِ الْأَنْعَالِ [الصَّاعِدِينَ بِهَا] إِنَّ حَمَلَتَهَا الصَّاعِدِينَ بِهَا مَطَايَاهَا الَّتِي تَرَفَعَهَا إِلَى دُونِ الْعَرْشِ،

ثُمَّ تَقْرُهَا فِي دَرَجَاتِ الْجَنَانِ. فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا مَا مَطَايَاهَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى وَمَا الَّذِي حَمَلْتُمْ مِنْ عِندِهِ فَيَقُولُونَ: تَوْحِيدَهُ لَكَ، وَإِيمَانَهُ بِنَبِيِّكَ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى فَمَطَايَاهَا مُوَالَاةُ عَلِيِّ أَخِي نَبِيِّي، وَ مُوَالَاةُ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، فَإِنْ أُتِيَتْ فِيهَا الْحَامِدَةُ الرَّافِعَةُ الْوَاضِعَةُ لَهَا فِي الْجَنَانِ. فَيَنْظُرُونَ فَإِذَا الرَّجُلُ مَعَ مَا لَهُ مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ، لَيْسَ لَهُ مُوَالَاةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَالطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِ، وَمُعَادَاةُ أَعْدَائِهِمْ. فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْأَمْلاِكِ الَّذِينَ كَانُوا حَامِلِيهَا اعْتَرَلُوهَا، وَالْحَقُّوَا بِمَرَآكِزِكُمْ مِنْ مَلَكُوتِي لِيَأْتِيَهَا مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِحَمْلِهَا، وَضَدَّعَهَا فِي مَوْضِعِ اسْتِحْقَاقِهَا. فَتَلْحَقُ تِلْكَ الْأَمْلاِكُ بِمَرَآكِرِهَا الْمَجْعُولَةِ لَهَا. ثُمَّ يَنْدِي مُنَادِي رَبَّنَا عَزَّ وَجَلَّ: يَا أَيَّتُهَا الزَّبَانِيَةُ تَنَاوَلِيهَا، وَحُطِّيهَا «إِلَى سِوَاءِ الْجَحِيمِ» (1) لِأَنَّ صَاحِبَهَا لَمْ يَجْعَلْ لَهَا مَطَايَا مِنْ مُوَالَاةِ عَلِيِّ (عليه السلام) وَالطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِ. قَالَ [رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)] فَتَنَاوَلْ تِلْكَ الْأَمْلاِكُ، وَيَقْلُبْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تِلْكَ الْأَثْقَالَ أَوْزَاراً وَبَلَايَا عَلَى بَاعِثِهَا لِمَا فَارَقَتْهَا مَطَايَاهَا مِنْ مُوَالَاةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَنَادَتْ تِلْكَ الْمَلَائِكَةُ إِلَى مُخَالَفَتِهِ لِعَلِيِّ (عليه السلام) وَ مُوَالَاةِ لِأَعْدَائِهِ فَيَسْلُطُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهِيَ فِي صُورَةِ الْأَسْوَدِ عَلَى تِلْكَ الْأَعْمَالِ، وَهِيَ كَالْغُرَبَانِ وَالْقُرْقَسِ فَتَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِ تِلْكَ الْأَسْوَدِ نِيرَانٌ تُحْرِقُهَا، وَلَا يَبْقَى لَهُ عَمَلٌ إِلَّا أُحْبِطَ وَبَقِيَ عَلَيْهِ مُوَالَاةُ لِأَعْدَاءِ عَلِيِّ (عليه السلام) وَجَحْدُهُ وَلَا يَبْقَى، فَيُقِرُّهُ ذَلِكَ فِي سِوَاءِ الْجَحِيمِ فَإِذَا هُوَ قَدْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُ، وَعَظُمَتْ أَوْزَارُهُ وَأَثْقَالُهُ. فَهَذَا أَسْوَأُ حَالًا مِنْ مَانِعِ الزَّكَاةِ الَّذِي يَحْفَظُ الصَّلَاةَ

ص: 525

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): هر که زکات را به مستحق آن برساند و نماز را طبق شرایطش به جا آورد و کار ناشایستی هم انجام ندهد که موجب بطلان نماز و زکاتش گردد روز قیامت که می آید هر که در محشر است بر مقام او حسرت می خورد و به بالاترین غرفه های بهشتی و عالی ترین درجات آن می رسد در حضور خاندان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که آنها را دوست می داشت. و هر که در پرداخت زکات بخل ورزد ولی نماز به جای آورد. نماز او را در بین آسمان نگه می دارند تا موقعی که زکاتش را بپردازد اگر پرداخت کرد آن زکات بصورت بهترین مرکب برای نماز می شود و آن را به طرف عرش بالا می برد. خداوند می فرماید: به جانب بهشت برو در میان بهشت بتاز تا روز قیامت به هر کجا که تاختن تو منتهی شد تمام آن ها از کسی است که تو را فرستاده. آن مرکب در بهشت می دود هر دویدن او به اندازه يك سال راه است به مقدار دید چشمش از آن روز تا روز قیامت بالاخره تا روز قیامت به هر کجا خدا بخواهد منتهی می شود تمام این مقامات متعلق به او است برابر همین مقدار از طرف راست و چپ و پیش رو و عقب و بالا و پائین به او می دهند. اگر نسبت به پرداخت زکات بخل ورزد و نپردازد نمازش را به او رد می کنند و چون جامه کهنه ای در هم می پیچند و به صورتش می زنند به او می گویند ای بنده خدا! با این نماز بدون زکات چه می کنی اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفتند: چقدر بد بخت و بیچاره است به خدا قسم! این شخص. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: می خواهید بدبخت تر از او را معرفی کنم. عرضه داشتند: آری .. فرمود: مردی که در جهاد و پیکار راه خدا شرکت کند و در این راه کشته شود در حال حمله به دشمن بوده نه فرار. حوران بهشتی و خزینه داران آنجا انتظار آمدن روح او را دارند و فرشته های زمین پیوسته انتظار آمدن حوران بهشتی را دارند که به سوی او بیایند با ملائکه و خزّان بهشت، اما نمی آیند. فرشته های زمین که اطراف این مقتول هستند می گویند چرا حوران بهشتی پیش این شخص نیامدند و چرا

خازنان بهشت نمی آیند. از بالای آسمان هفتم به آن ها می گویند: ای ملائکه به افق آسمان ها و پائین آن تماشا کنید. توحید و ایمان به پیامبر و نماز و زکات و صدقه و اعمال نیکوی او را می بینید در آسمان نگه داشته شده درهای آسمان به روی آنها بسته است همچون قافله ای بزرگ شرق و غرب و شمال و جنوب را فرا گرفته اند ملائکه ای که مأمور حمل این اعمال هستند فریاد می زنند چه شده که درب های آسمان را نمی گشایند تا داخل شویم با اعمال این شهید. خداوند دستور می دهد درب های آسمان باز می شود. سپس ندائی می رسد ای ملائکه اگر می توانید داخل شوید بال و پر آن ها توان ندارد و نمی توانند با آن اعمال بالا روند. می گویند خدایا ما نمی توانیم با این اعمال بالا بیاییم منادی پروردگار فریاد می زند ای ملائکه شما نمی توانید این اعمال سنگین را بالا بیاورید باید مرکب های مخصوص آن ها این اعمال را بیاورند و در بهشت قرار دهند. ملائکه می گویند مرکب مخصوص آن ها چیست؟ می فرماید چه عملی از او آورده اید. می گویند اعتقاد به وحدانیت تو و ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) خداوند می فرماید مرکب این اعتقادات دوستی علی (علیه السلام) برادر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و دوستی ائمه طاهرین (علیهم السلام) اگر این موالات را دارد می تواند این اعمال را به بهشت برساند وقتی دقت می کنند می بینند با تمام این اعمالی که دارد موالات با علی (علیه السلام) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) و دشمنی با دشمنان آن ها را ندارد. خداوند به ملائکه می فرماید این اعمال را رها کنید و بروید به محل خود از ملکوت تا آنها که شایسته حمل و بردن این اعمال هستند بیایند و آن ها را به جانی که شایسته است ببرند آن فرشته ها می روند به محلی که مخصوص آنها است. سپس خداوند به شراره های آتش دستور می دهد آنها را فرا می گیرند و به داخل جهنم می کشانند زیرا صاحب این اعمال دارای مرکب ولایت علی (علیه السلام) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) نیست. آن ملائکه این اعمال را بَدَل به گناه و بلا می کنند به واسطه نداشتن محبت علی امیر المؤمنین (علیه السلام) خداوند

این ملائکه را بر آن اعمال به صورت شیرها مسلط می گرداند و آن اعمال شبیه کلاغ و... هستند از دهان این شیرها شراره هائی خارج می شود و آن اعمال را می سوزاند تمام اعمالش از بین می رود فقط می ماند دوستی او با دشمنان علی (علیه السلام) و انکار ولایت علی (علیه السلام) این عمل را در وسط جهنم قرار می دهند. در این موقع اعمالش نابود شده و گناهانش افزون گردیده این شخص بدتر است از کسی که مانع زکات باشد با انجام دادن نماز. (1)

عَنْ يُوسُفَ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قِيلَ لَهُ لِمَا دَخَلْنَا عَلَيْهِ أَنَا أَحَبُّنَاكُمْ لِقَرَابَتِكُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ لِمَا أُوجِبَ اللَّهُ مِنْ حَقِّكُمْ مَا أَحَبَبْنَاكُمْ لِدُنْيَا نَصِيْبِهَا مِنْكُمْ إِلَّا لِيُوجِهَ اللَّهُ وَ الدَّارِ الآخِرَةِ وَ لِيَصَدَّ لِحْ لَامِرِي مِتَّ دِينُهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) صَدَقْتُمْ مَنْ أَحَبَبْنَا جَاءَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ هَكَذَا ثُمَّ جَمَعَ بَيْنَ السَّبَابَتَيْنِ وَقَالَ وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَامَ النَّهَارَ وَقَامَ اللَّيْلَ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ بِغَيْرِ وَ لَا يَتَنَا لِلْقِيَامَةِ وَ هُوَ غَيْرُ رَاضٍ أَوْ سَاخِطٍ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ «وَ مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ» إِلَى قَوْلِهِ «وَ هُمْ كَافِرُونَ» ثُمَّ قَالَ وَ كَذَلِكَ الْإِيْمَانُ لَا يَصُدُّ مَعَهُ عَمَلٌ كَمَا أَنَّ الْكُفْرَ لَا يَنْفَعُ مَعَهُ عَمَلٌ. تفسير عياشى: يوسف بن ثابت از حضرت صادق (عليه السلام) نقل کرد وقتی ما خدمت ایشان رسیدیم يك نفر گفت ما شما را دوست می داریم به واسطه خویشاوندی که با پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) دارید و به واسطه حقی که خداوند برای شما واجب نموده هرگز برای رسیدن به منافع دنیوی نیست فقط برای خدا و روز قیامت و اصلاح امر دین مان امام صادق (عليه السلام) فرمود: راست می گوئید هر که ما را دوست بدارد با ما خواهد آمد در روز قیامت مانند این دو انگشت من بین نشانه خود جمع کرد و فرمود: به خدا قسم اگر يك نفر روز را روزه بدارد و شب شب زنده دار باشد و به ملاقات خدا برود بدون

ص: 528

1- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص76 [في أن الأعمال لا تقبل إلا بالولاية:] ح39

ولایت ما خدا از او ناراضی خواهد بود یا بر او خشم می گیرد سپس فرمود! این آیه همان مطلب را می فرماید «وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَّلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» (1) تا اینجا که «وَهُمْ كَافِرُونَ» سپس فرمود، همین طور است ایمان که با داشتن عملی زیان نمی رساند و با نداشتن ایمان عملی سود نمی بخشد. (2)

قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الزُّبَيْرِ الْكُوفِيُّ إِجَارَةً قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَسَدٍ بَاطِنٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى أَخِي مُعَلِّسٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّا نَرَى الرَّجُلَ مِنَ الْمُخَالَفِينَ عَلَيْكُمْ لَهُ عِبَادَةٌ وَاجْتِهَادٌ وَخُشُوعٌ فَهَلْ يَنْفَعُهُ ذَلِكَ شَيْئًا فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّمَا مَثَلُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ كَانُوا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ

وَكَانَ لَا يَجْتَهِدُ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً إِلَّا دَعَا فَأُجِيبَ وَإِنَّ رَجُلًا مِنْهُمْ اجْتَهَدَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ دَعَا فَلَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ فَأَتَى عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (عليه السلام) يَشْكُو إِلَيْهِ مَا هُوَ فِيهِ وَيَسْأَلُهُ الدُّعَاءَ لَهُ فَتَطَهَّرَ عِيسَى (عليه السلام) وَصَلَّى ثُمَّ دَعَا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا عِيسَى (عليه السلام) إِنَّ عَبْدِي أَتَانِي مِنْ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ إِنَّهُ دَعَانِي وَفِي قَلْبِهِ شَكٌّ مِنْكَ فَلَوْ دَعَانِي حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ وَتَنْتَبِثَ أَرْأَمِلُهُ مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ فَالْتَقَتِ عِيسَى (عليه السلام) فَقَالَ تَدْعُونَ بَكَ وَفِي قَلْبِكَ شَكٌّ مِنْ نَبِيِّهِ قَالَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ قَدْ كَانَ وَاللَّهِ مَا قُلْتُ فَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ عَنِّي فَدَعَا لَهُ عِيسَى (عليه السلام) فَتَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ وَصَارَ فِي حَدِّ أَهْلِ بَيْتِهِ كَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ (عليهم السلام) لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَبْدٍ وَهُوَ يَشْكُ فِينَا

مجالس مفید: علا از محمد از حضرت صادق (عليه السلام) یا باقر (عليه السلام) نقل کرد که گفت من خدمت ایشان عرضه داشتم: ما مشاهده می کنیم مردی از مخالفین شما را که

ص: 529

1- . التوبة آية 54

2- . تفسير العياشي ج 2 ص 89 [سورة التوبة(9): الآيات 54 الى 59] ح 61

دارای عبادت و کوشش و خشوع است آیا این اعمال برای او نفعی دارد حضرت فرمود: مثل ما اهل بیت (علیهم السلام) مانند خانواده ایست که در بنی اسرائیل بود که هر کدام از این خانواده اگر چهل شب به عبادت می پرداخت دعائی که می کرد مستجاب می شد. یکی از آن ها چهل شب عبادت کرد بعد دعا کرد ولی مستجاب نشد خدمت عیسی بن مریم (علیه السلام) رسید و شکایت از حال خود کرد و تقاضای دعا برای خود نمود عیسی (علیه السلام) وضو گرفت و نماز خواند سپس دعا کرد. خداوند به او وحی نمود: ای عیسی (علیه السلام) این بنده من از دری که باید نیامده او دعا کرد ولی در دل نسبت به تو مشکوک بود اگر آنقدر دعا کند که گردش بشکند و بندهای انگشتش از هم پاشد دعایش را مستجاب نخواهم کرد. عیسی (علیه السلام) رو به او نموده فرمود: خدا را می خوانی با اینکه در دل نسبت به پیامبرش شك داری گفت ای روح الله و ای کلمة الله به خدا قسم این مطلب در دلم بود از خدا بخواه از دلم بزاید عیسی (علیه السلام) برایش دعا کرد خداوند پذیرفت و در اعتقاد صحیح مانند سایر خانواده خود شد همچنین است وضع ما اهل بیت (علیهم السلام) عمل کسی را که در باره ما مشکوک باشد خدا پذیرد. (1)

قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو نَصْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُقْرِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبِرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيُّ الْمُحَمَّدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ هَاشِمٍ الْغَسَّانِيُّ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سَلِيمٍ عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَيُّهَا النَّاسُ الزُّمُّوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِوَدَّتِنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَنْفَعُ عَبْدًا عَمَلُهُ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا وَوَلَا يَتَنَا

ابن عباس گفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: در راه محبت و علاقه به ما اهل بیت (علیهم السلام) پایدار باشید زیرا هر که به ملاقات خدا برود با محبت ما به شفاعت ما داخل

ص: 530

بهشت می شود قسم به آن کسی که جان محمد (صلي الله عليه و آله) در دست اوست هیچ بنده ای را عملش سود نمی بخشد مگر با معرفت و ولایت ما. (1)

أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْأَمِينُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرِبَارٍ الْحَازِنُ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ بِمَشْهُدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فِي ذِي الْقَعْدَةِ سِتَّةَ أَثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو صَالِحٍ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ يَعْقُوبَ الْحَنْفِيُّ الصَّنَدَلِيُّ قَدِمَ عَلَيْنَا حَاجًّا مِنْ نَيْشَابُورَ قَالَ: حَدَّثَنِي وَالِدِي أَبُو يُونُسَ يَعْقُوبُ بْنُ طَاهِرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْقَاضِي قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَابُورَ الدَّقِيقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُيَيْدُ بْنُ هَاشِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله): يَا عَلِيُّ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أُحُدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ حِجَّةٍ ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ثُمَّ لَمْ يُؤَالِكَ يَا عَلِيُّ لَمْ يَشْمَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ...

علی (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) نقل می کند که فرمود: یا علی (علیه السلام) اگر بنده ای به مقدار عمر نوح (علیه السلام) خدا را عبادت کند و به اندازه کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا اتفاق کند و چنان زندگی طولانی به او بدهند که هزار سال پیاده به حج رود و بعد هم بین صفا و مروه مظلومانه کشته گردد ولی تو را دوست نداشته باشد یا علی (علیه السلام) بوی بهشت به مشامش نمی رسد و داخل آن نمی گردد. (2)

أَخْبَرَنَا الشَّرِيفُ أَبُو الْبُرْكَاتِ عُمَرُ بْنُ حَمَزَةَ وَأَبُو غَالِبٍ سَعِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُقَدَّمُ ذَكَرَهُمَا فِي السَّنَةِ الْمَذْكُورَةِ قَالَا أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) أَنَّ عَبْدَ الرَّحْمَنِ الْعَلَوِيَّ الْمُقَدَّمُ ذَكَرَهُ قَالَ أَخْبَرَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ حَاجِبٍ قَالَ

ص: 531

1- . الأماي (للمفيد) النص 140 المجلس السابع عشر ح 4

2- . بشارة المصطفى لشيعه المرتضى ج 2 ص 94 باب حب علي حسنة لا يضر معها سيئة

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَرْبُ بْنُ حَسَنِ الطَّحَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُسَاوِرٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ
قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام):

يَا أَبَا الْجَارُودِ أَمَا تَرْضَوْنَ تَصَلُّوا فَيَقْبَلَ مِنْكُمْ وَ تَصُومُوا فَيَقْبَلَ مِنْكُمْ وَ تَحُجُّوا فَيَقْبَلَ مِنْكُمْ وَ اللَّهُ إِنَّهُ لَيُصَلِّي عَلَيَّ غَيْرَكُمْ فَمَا يَقْبَلُ مِنْهُ وَ يَصُومُ فَمَا
يَقْبَلُ مِنْهُ وَ يَحُجُّ غَيْرَكُمْ فَمَا يَقْبَلُ مِنْهُ

ابو الجارود گفت حضرت باقر (عليه السلام) فرمود: ای ابوالجارود راضی نیستید که شما نماز بخوانید و نمازتان را پذیرند روزه بگیرد از شما قبول نمایند و حج بگذارید از شما مقبول شود. به خدا هرکه غیر از شما نماز می خواند نمی پذیرند روزه می گیرد نمی پذیرند حج به جا می آورد قبول نمی کنند. (1)

بِإِلْسَانِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: مَرَّ عَلِيٌّ (عليه السلام) بِبَنَفَرٍ مِنْ قُرَيْشٍ فِي الْمَسْجِدِ فَتَعَامَزُوا، فَدَخَلَ عَلِيُّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)
وَ شَدَّ كَأَلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَخَرَجَ وَ هُوَ مُغْضَبٌ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ: مَا لَكُمْ إِذَا ذَكَرْتُمْ [ذِكْرَ] إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام)
أَشْرَقَتْ وُجُوهُكُمْ، وَإِذَا ذُكِرَ مُحَمَّدٌ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَسَتْ قُلُوبُكُمْ وَ عَبَسَتْ وُجُوهُكُمْ، وَ الَّذِي
نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا سَعِينًا نَبِيًّا، لَمْ يَدْخُلْ عَلَيَّ حَتَّى يُحِبَّ هَذَا أَخِي عَلِيًّا وَ وُلْدَهُ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ لِلَّهِ حَقٌّ لَا
يَعْلَمُهُ إِلَّا أَنَا وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَ إِنَّ لِي حَقًّا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ وَ عَلِيٌّ (عليه السلام) لِعَلِيٍّ (عليه السلام) حَقٌّ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا

علی بن ابی طالب (عليه السلام) از کنار چند نفر قریشی رد شد در مسجد الحرام. آنها با چشم بر او خورده گرفتند. خدمت پیامبر
اکرم (صلي الله عليه و آله) رسید و شکایت آنها را خدمت ایشان نمود پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) خارج شد با خشم. به آنها فرمود:
مردم شما را چه

ص: 532

می شود وقتی اسم ابراهیم(علیه السلام) و آل ابراهیم(علیه السلام) را می شنوید چهره تان شاد و خندان است وقتی نام محمد(صلي الله عليه وآله) و آل محمد(صلي الله عليه وآله) را می شنوید دلهایتان تیره می گردد و چهره تان در هم می شود. قسم به کسی که جانم در دست اوست اگر یکی از شما عمل هفتاد پیامبر را انجام دهد داخل بهشت نمی شود مگر اینکه دوست داشته باشد این برادر علی(علیه السلام) و فرزندان او را سپس فرمود: خداوند را حقی است که جز من و علی(علیه السلام) نمی داند و مرا حقی است که نمی داند آن را جز خدا و علی(علیه السلام) و از برای علی(علیه السلام) حقی است که نمی داند آن را جز خدا و من. (1)

وَرُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ (عَلِيهِ السَّلَامُ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلِيهِ السَّلَامُ) فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَفَنَّبِرُ مَعَهُ فَرَأَى رَجُلًا قَائِمًا يُصَلِّي فَقَالَ الْقَنْبَرُ مَا رَأَيْتُ رَجُلًا أَحْسَنَ صَلَاةً مِنْ هَذَا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلِيهِ السَّلَامُ) مَهْ يَا قَنْبَرُ فَوَاللَّهِ لَرَجُلٍ عَلَيَّ يَقِينٍ مِنْ وَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ سَنَةٍ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ حَتَّى يَعْرِفَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ سَنَةٍ وَجَاءَ بِعَمَلِ الْاِثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ نَبِيًّا مَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ حَتَّى يَعْرِفَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) وَإِلَّا كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ

جامع الاخبار: از حضرت صادق(علیه السلام) از پدر بزرگوارش از جد عزیزش نقل کرد که امیر المؤمنین(علیه السلام) با قنبر در مسجد کوفه به مردی برخوردند که ایستاده و نماز می خواند قنبر گفت یا امیر المؤمنین(علیه السلام) شخصی را ندیده ام که بهتر از این مرد نماز بخواند امیر المؤمنین(علیه السلام) فرمود: ای قنبر کسی که یقین به ولایت ما اهل بیت(علیهم السلام) داشته باشد بهتر است از کسی که هزار سال عبادت کند اگر شخصی هزار سال خدا را عبادت کند و عمل هفتاد و دو پیامبر را انجام دهد خداوند از او نمی پذیرد مگر اینکه عارف به ولایت ما باشد و گر نه او را با صورت در آتش جهنم می افکند. (2)

ص: 533

-
- 1- . الروضة في فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام (لابن شاذان القمي) ص 169 (146) (حديث في حب علي و بغضه) ح 146
 - 2- . جامع الأخبار (لشعيري) ص 178 الفصل الحادي والأربعون والمائة في النوادر وهو آخر الكتاب

وَرُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنَّهُ قَالَ: أُمَّتِي أُمَّتِي إِذَا اخْتَلَفَ النَّاسُ بَعْدِي وَصَارُوا فِرْقَةً فِرْقَةً فَاجْتَهِدُوا فِي طَلَبِ الدِّينِ الْحَقِّ حَتَّى تَكُونُوا مَعَ أَهْلِ الْحَقِّ الطَّاعَةَ فِي دِينِ الْبَاطِلِ لَا تُقْبَلُ مِنْكُمْ إِلاَّ أَنْ يَكُونَ مِنْكُمْ مَنْ يَكْفُرُ بِالْبَاطِلِ وَهُوَ مِنَ الْحَقِّ. (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل شده که فرمود: امت من. امت من. زمانی که پس از من مردم اختلاف ورزند و گروه گروه شوند. در چنین موقعی سعی کنید در جستجوی راه واقعی دین با اهل حق باشید زیرا گناه با دین حق و واقعی آمرزیده می شود ولی اطاعت در دین باطل پذیرفته نیست. (1)

فَرَأَتْ قَالِ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ سَعْدِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعْنَعًا عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ قَالَ كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَجَاءَ [هُ] عَمْرُو بْنُ عَبِيدٍ فَقَالَ [لَهُ] أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ [تَعَالَى] «وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ» قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) [قَدْ أَخْبَرَكُ] أَنَّ التَّوْبَةَ وَالْإِيمَانَ وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ لَا يَقْبَلُ [إِلَّا بِالْإِهْتِدَاءِ] [وَأَمَّا التَّوْبَةُ فَمِنْ الشَّرْكِ بِاللَّهِ وَآمَانَ الْإِيمَانَ فَهُوَ التَّوْحِيدُ لِلَّهِ وَآمَانَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فَهُوَ آدَاءُ الْفَرَائِضِ وَآمَانَ الْإِهْتِدَاءُ فَبُيُولَاةِ الْأَمْرِ وَنَحْنُ هُمْ وَآمَانَ قَوْلُهُ] «وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ» فَإِنَّمَا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَقْرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا نُزِّلَ فَإِذَا احْتَجَّجُوا إِلَى تَفْسِيرِهِ فَالْإِهْتِدَاءُ بِنَا وَإِلَيْنَا يَا عَمْرُو

تفسیر فرات: سعد بن طریف گفت خدمت حضرت باقر (علیه السلام) بودم که عمرو بن عبید آمد گفت در مورد آیه «وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ» (2) توضیح بفرمائید حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: خداوند می فرماید: که توبه و ایمان و عمل صالح را نمی پذیرد مگر با هدایت یافتن اما توبه یعنی از شرک توبه نمودن اما ایمان یعنی

ص: 534

1- . جامع الأخبار (للشعيري) ص 178 الفصل الحادي والأربعون والمائة في النوادر وهو آخر الكتاب

2- . طه آية 81 و 82

نسبت به یکتائی خدا و توحید اما عمل صالح انجام واجبات است ولی هدایت یافتن یعنی اعتقاد به ولایت امر و ما آن اولو الامر هستیم مردم باید قرآن را آن طور که نازل شده بخوانند در هر مورد احتیاج به تفسیر آن پیدا کردند راهنمایی به وسیله ما است و به ما بر می گردد ای عمرو! (1)

وَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)

يَقُولُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَا يَنْفَعُ أَحَدَكُمْ الثَّلَاثَةُ حَتَّى يَأْتِيَ بِالرَّابِعَةِ فَمَنْ شَاءَ حَقَّقَهَا وَ مَنْ شَاءَ كَفَرَ بِهَا فَإِنَّا مَنَازِلُ الْهُدَى وَ أَيْمَةُ التَّقَى وَ بِنَا يُسِّ تَجَابُ الدُّعَاءُ وَ يُدْفَعُ الْبَلَاءُ وَ بِنَا يَنْزِلُ الْعَيْثُ مِنَ السَّمَاءِ وَ دُونَ عَلِمْنَا تَكَلُّ أَلْسُنِ الْعُلَمَاءِ وَ نَحْنُ بَابُ حِطَّةٍ وَ سَفِينَةُ نُوحٍ وَ نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي يُنَادِي مَنْ فَرَطَ فِيْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ وَ نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ الَّذِي مَنْ اعْتَصَمَ بِهِ «هُدْيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (2) وَ لَا يَزَالُ مُحِيبًا مُنْفِيًّا مُودِيًّا مُنْفِرِدًا مُضْرُوبًا مُطْرُودًا مَكْذُوبًا مَحْزُونًا بَاكِي الْعَيْنِ حَزِينِ الْقَلْبِ حَتَّى يَمُوتَ [فِي ذَلِكَ] وَ ذَلِكَ فِي اللَّهِ قَلِيلٌ تَفْسِيرُ فِرَاتِ: ابو ذر غفاری در آیه «وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (3) گفت: یعنی ایمان به آنچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آورده بیاورد و عمل صالح یعنی انجام واجبات (ثم اهتدی) یعنی هدایت به حب و علاقه به آل محمد (صلی الله علیه و آله) پیدا کند. گفت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شنیدم می فرمود: قسم به آن کس که مرا به پیامبری برگزید آن سه قسمت اول برایتان سودی نخواهد بخشید مگر اینکه چهارمی را به جا آورید. هر که مایل است بپذیرد و هر که مایل نیست کفر ورزد ما پایگاه های هدایت و پیشوای پرهیزکاران هستیم دعا به وسیله ما مستجاب می شود و بلا بوسیله ما دفع می گردد باران از آسمان به وسیله ما می بارد در مقابل علم ما زبان دانشمندان لال است ما درب حطه و کشتی نوح هستیم ما جنب الله می باشیم که در روز قیامت هر

ص: 535

1- . تفسیر فیرات الکوفی ص 257 [سورة طه (20): الآيات 81 الى 82] ح 351

2- . آل عمران آية 101

3- . طه آية 82

کسی کوتاهی در مورد ما کرده باشد با حسرت و پشیمانی روبرو است. ما ریسمان محکم پروردگاریم که هر که به آن چنگ زند به راه مستقیم هدایت یافته پیوسته دوست ما در حال انزوا و آزار و کتک و تبعید و تهمت و حزن و اشک و اندوه به سر می برد تا از دنیا برود و این پیش آمدها در راه خدا چیز اندکی است. (1)

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَنْصُورِ الصَّيْقَلِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي فُسْطَاطِهِ بِيَمْنِي فَنَظَرُ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ يَا كُلُّونَ الْحَرَامَ وَ يَلْبَسُونَ الْحَرَامَ وَ يَنْكِحُونَ الْحَرَامَ وَ لَكِنَّ أَنْتُمْ تَأْكُلُونَ الْحَلَالَ وَ تَلْبَسُونَ الْحَلَالَ وَ اللَّهُ مَا يَحُجُّ غَيْرَكُمْ وَ لَا يُتَقَبَّلُ إِلَّا مِنْكُمْ.

با همان سند از منصور صیقل نقل کرده که گفت: در منی خدمت حضرت صادق (علیه السلام) در خیمه آن جناب بودم نگاهی به مردم نموده فرمود: غذایشان حرام و لباسشان حرام و ازدواج آنها حرام است اما شما غذایتان حلال و لباستان حلال و ازدواجتان حلال است به خدا قسم جز شما حج را انجام نمی دهد و از غیر شما پذیرفته نخواهد شد. (2)

حَدَّثَنِي نُوحُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَيْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي إِبرَاهِيمُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي حُصَيْنٍ [قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي] قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ حَدَّثَنِي قَيْسُ بْنُ الرَّبِيعِ قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ لَيْمَانَ الْأَعْمَشُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ قَالَ [لِي] رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ خَيْرُ الصَّادِقِينَ وَ أَفْضَلُ السَّابِقِينَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ زَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ خَلِيفَةُ خَيْرِ الْمُرْسَلِينَ يَا

ص: 536

1- . تفسير فرات الكوفي ص 258 [سورة طه(20): الآيات 81 الى 82] ذيل ح 353

2- . فضائل الشيعة ص 40 الحديث 40

عَلَيْهِ أَنْتَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ (يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْحُجَّةُ) بَعْدِي عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَاسْتَحَقَّ النَّارَ مَنْ عَادَاكَ يَا عَلِيُّ وَ
 الَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَاصْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ أَلْفَ عَامٍ مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ وُلْدِكَ وَإِنَّ
 وَلَايَتَكَ (لَا تُقْبَلُ) إِلَّا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ وُلْدِكَ بِذَلِكَ أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»
 (1)

سليمان اعمش از حضرت صادق (عليه السلام) نقل کرد که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: يا علي (عليه السلام) تو اميرالمومنين
 و امام متقين و سرور اوصياء و وارث علم پیامبران و بهترين صديقان و برتر از همه گذشتگان هستی يا علي (عليه السلام) تو همسر بهترين
 زنان عالم و جانشين پیامبر خاتمی. يا علي (عليه السلام) تو مولای مؤمنين و حجت خدا بر مردم پس از منی سزاوار بهشت است هر که تو
 را دوست بدارد و سزاوار جهنم است هر که با تو دشمن باشد. يا علي (عليه السلام) قسم به آن کس که مرا به پیامبری برگزید و از تمام مردم
 برترم نمود اگر بنده ای خدا را هزار سال عبادت کند از او نخواهد پذیرفت مگر با ولایت تو و ولایتنامه (عليهم السلام) از فرزندان و ولایت
 تو پذیرفته نمی شود مگر با بیزاري از دشمنان و دشمنان ائمه (عليهم السلام) از فرزندان این خبر را برايم جبرئيل (عليه السلام) آورد هر
 که مایل است ایمان آورد و هر که می خواهد کافر شود. (2)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ سِنَانَِ الْمُؤَصِّلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْخَلِيلِيِّ الْأَمَلِيُّ قَالَ
 حَدَّثَنَا [مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحٍ قَالَ حَدَّثَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي زِيَادُ بْنُ مُسْلِمٍ (قَالَ حَدَّثَنِي) عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ يَزِيدَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ حَدَّثَنِي
 سَلَامٌ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ رَاعِي

ص: 537

1- . الكهف آية 29

2- . مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة ص 28 المنقبة التاسعة

رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِي الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ «أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» قُلْتُ «وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ أَمِنَ بِاللَّهِ وَوَلَدَاتِهِ وَرُسُلِهِ» (1) قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ خَلَقْتَ فِي أُمَّتِكَ قُلْتُ خَيْرَهَا قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ [اطَّلَاعَةً] فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَشَقَقْتُ لَكَ اسْمًا مِنْ اسْمَائِي فَلَا أُذْكَرُ فِي مَوْضِعٍ إِلَّا ذُكِرْتَ مَعِي فَأَنَا الْمَحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ ثُمَّ أَطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا فَشَقَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمَائِي فَأَنَا [الْعَلِيُّ] الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ [خَلَقْتُ] عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ فَاطِمَةَ B وَ الْحَسَنَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْحُسَيْنَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ سِنِّ نُورِي وَ عَرَضْتُ وَ لَا يَتَكَّمُ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ فَمَنْ قَبَلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَيَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لَوْلَا يَتَكَّمُ مَا غَفَرْتُ لَهُ حَتَّى يُقَرَّ بَوْلَا يَتَكَّمُ يَا مُحَمَّدُ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَ تُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّ فَقَالَ لِي التَّمْتُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فَالْتَمْتُ فَإِذَا أَنَا بِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ فَاطِمَةَ B وَ الْحَسَنَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْحُسَيْنَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْمَهْدِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ نُورٍ قِيَامٌ يُصَلُّونَ وَ [هُوَ] فِي وَسْطِهِمْ [يَعْنِي] الْمَهْدِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُضِيءُ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) هُوَ لِأَنَّ الْحَجَّجِ (وَ هُوَ الثَّائِرُ) مِنْ عَثْرَتِكَ فَوْعَزَّتِي وَ جَلَالِي (إِنَّهُ النَّاصِرُ) لِأَوْلِيَائِي وَ

ص: 538

الْمُنْتَقِمِ مِنْ أَعْدَائِي (وَلَهُمُ الْحُجَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ) بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ «أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (1)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: در شب معراج خداوند به من وحی کرد «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» (2) پیامبر ایمان آورد به آنچه بر او نازل شده بود عرضه داشتیم: پروردگارا مؤمنین نیز ایمان آوردند. فرمود: راست می گوئی یا محمد (صلی الله علیه و آله) چه کسی را در میان امت خود جانشین قرار دادی گفتیم بهترین آنها را. فرمود: علی بن ابی طالب (علیه السلام) عرضه داشتیم: آری. فرمود: یا محمد (صلی الله علیه و آله) من توجهی به زمین کردم و از میان جهانیان تو را برگزیدم و برایت یک اسم از اسم های خود جدا کردم هیچ جا از من ذکری نمی شود مگر اینکه تو با من یاد خواهی شد من محمودم و تو محمد (علیه السلام) باز دو مرتبه توجه به زمین کردم علی (علیه السلام) را انتخاب نمودم و برای او اسمی از اسم های خود جدا کردم من اعلی هستم و او علی (علیه السلام) یا محمد (صلی الله علیه و آله) من تو و علی (علیه السلام) و فاطمه B و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و ائمه از فرزندان حسین (علیه السلام) را از سنخ نوری از نور خود آفریدم و ولایت شما را بر اهل آسمان ها و اهل زمین ها عرضه کردم هر که پذیرفت در نزد من از مؤمنین است و هر که کافر به آن شد نزد من از کافرین است ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم مرا چنان عبادت کند که همچون مشکی خشک گردد بعد بیاید پیش من با انکار ولایت شما هرگز او را نمی آمرزم مگر اقرار به ولایت شما نماید. ای محمد (صلی الله علیه و آله) مایلی آنها را تماشا کنی؟ عرضه داشتیم: آری پروردگارا! فرمود نگاه به راست عرش کن نگاه کردم علی (علیه السلام) و فاطمه B و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و علی بن موسی (علیه السلام) و محمد بن علی (علیه السلام) و جعفر بن محمد (علیه السلام) و موسی بن جعفر (علیه السلام) و علی بن موسی (علیه السلام) و محمد بن علی (علیه السلام) و علی بن محمد (علیه السلام) و حسن بن علی (علیه السلام) و مهدی (علیه السلام) را در توده ای از نور دیدم که ایستاده اند و نماز می خوانند در وسط آنها مهدی (علیه السلام) همچون ستاره ای درخشان

ص: 539

1- . الحج آیه 65

2- . البقرة آیه 285

می درخشد فرمود: ای محمد (صلی الله علیه و آله) اینها حجت های منند با قائم از عترت تو به عزت و جلالم این حجت لازم برای اولیای من است و او انتقام گیرنده از دشمنانم. به وسیله آنها خدا آسمان ها را ننگه داشته که بر زمین فرو نریزند مگر با اجازه خودش. (1)

أَعْلَامُ الدِّينِ، لِلدَّيْنَمِيِّ عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جَالِسًا وَعِنْدَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ وَفِيهِمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ فَقَالَ رَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِهِ فَحَنُّ نَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنَّمَا تُقْبَلُ شَهَادَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ هَذَا وَشِيعَتِهِ وَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَقَالَ لَهُمَا مِنْ عِلْمَةٍ ذَلِكَ أَنْ لَا تَجْلِسَا مَجْلِسَهُ وَلَا تُكْذِبَا قَوْلَهُ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ أَلْفَ سَنَةٍ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ بَعِيرٍ وَلَا يَتَنَا كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ وَمَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَاللَّهُ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبَضَ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ حُجَّةً عَلَى الْعِبَادِ مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي بَعْضِ كُتُبِهِ لَأَعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ أَطَاعَتْ إِمَامًا جَائِرًا وَإِنْ كَانَتْ بَرَّةً تَقِيَّةً وَلَا عَفْوَكَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ أَطَاعَتْ إِمَامًا هَادِيًّا وَإِنْ كَانَتْ ظَالِمَةً مُسِيئَةً وَمَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَلَيْسَ بِإِمَامٍ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

ابو سعید خدری گفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با چند نفر از اصحاب نشست بود که در میان آنها علی بن ابی (علیه السلام) نیز حضور داشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ داخل بهشت می شود دو نفر از اصحاب گفتند: پس ما لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را که می گوئیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قبول می شود از این و شیعیانش دست

ص: 540

خود را روی سر علی (علیه السلام) گذاشت و به آن دو فرمود: از نشانه های این مطلب آن است که جای او را نگیری و سخنش را تکذیب ننماید. و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی مبعوث می کند اگر بنده ای خدا را بین رکن و مقام هزار سال پرستش کند بعد به ملاقات خدا برود بدون ولایت ما خداوند او را با سر در آتش جهنم می اندازد و هر که بمیرد بی آنکه امام زمانش را بشناسد به نوع مردم جاهلیت مرده به خدا قسم خداوند زمین را از موقعی که آدم (علیه السلام) قبض روح شد خالی از امام و رهبری که مردم به وسیله او هدایت یابند و حجت بر مردم باشد نگذاشته هر که او را رها کند هلاک است و هر که پیروش باشد رستگار. و خداوند در یکی از کتاب های خود فرموده البته عذاب خواهم کرد هر شخصی که پیرو رهبر و امام ستمگری باشد گر چه آدم نیکوکاری و پرهیزکاری باشد.... (1) لی، الأما لی للصدوق ابن ناثانة عن علی عن ابیه عن ابن محبوب عن هشام بن سالم عن الساباطی عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال: إن أول ما یسأل عنه العبد إذا وقف بین یدی اللّٰه جلّ جلاله عن الصلوات المفروضات وعن الزکاة المفروضة وعن الصیام المفروض وعن الحج المفروض وعن ولایتنا أهل البیت (علیهم السلام) فإن أقر بولایتنا ثم مات علیها قبلت منه صلاته وصومه وزکاته وحجه وإن لم یقر بولایتنا بین یدی اللّٰه جلّ جلاله لم یقبل اللّٰه عزّ وجلّ منه شیئاً من أعماله

ساباطی از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که فرمودند: روز قیامت اولین چیزی که از بنده سؤال می کند نمازهای واجب و زکات واجب و از روزه واجب از حج واجب و از ولایت ما خانواده است اگر اقرار به ولایت ما کرد و بر همین اعتقاد مُرد

نماز و روزه و زکات و حج او قبول می شود، اما اگر اقرار به ولایت ما نکرد در

ص: 541

حدیث 22: قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ الْمُهَلَّبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَاشِدٍ الْأَصَمُ فَهَانِي قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ صَبِيحٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَالِمُ بْنُ أَبِي سَالِمٍ الْمِصْرِيُّ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ قَالَ كُنْتُ أَرَى رَأْيَ الْخَوَارِجِ لَا رَأْيَ لِي غَيْرُهُ حَتَّى جَلَسْتُ إِلَى أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ أَمَرَ النَّاسُ بِخَمْسٍ فَعَمِلُوا بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا وَاحِدَةً - فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا أَبَا سَعِيدٍ مَا هَذِهِ الْأَرْبَعُ الَّتِي عَمِلُوا بِهَا قَالَ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالْحَجُّ وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَالَ فَمَا الْوَاحِدَةُ الَّتِي تَرَكُوهَا قَالَ وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ الرَّجُلُ وَإِنَّهَا الْمُفْتَرَضَةُ مَعَهُنَّ قَالَ أَبُو سَعِيدٍ نَعَمْ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ قَالَ الرَّجُلُ فَقَدْ كَفَرَ النَّاسُ إِذْنًا قَالَ أَبُو سَعِيدٍ فَمَا ذَنْبِي

حدیث 22: ابو هارون عبدی گوید: که (من در مسأله امامت) معتقد به نظریه خوارج بودم و جز آن رأی نداشتم، تا این که با ابوسعید خدری نشستیم و از وی شنیدم که می گفت: مردم به پنج چیز مأمور شده، به چهار چیز آن عمل کرده و یکی را رها ساختند. مردی گفت: ابا سعید! آن چهار چیزی که بدان عمل کردند کدام است؟ گفت: نماز، زکات، حج و روزه ماه رمضان. گفت: آن یکی که رهاش نمودند چیست؟ گفت: ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) آن مرد گفت: ولایت نیز با همان ها واجب شمرده شده؟ ابوسعید گفت: آری، به پروردگار کعبه سوگند! آن مرد گفت: بنابراین تمام مردم کافر شدند!... (2)

حدیث 23: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْبَصْرِيُّ عَنْ يَحْيَى الْبَصْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا

1- . الأماي (للصدوق) النص 256 المجلس الرابع و الأربعون ح 10

2- . الأماي للمفيد: المجلس 17 حدیث 3.

الْجَوْهَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله): ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص النَّظْرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُهُ عِبَادَةٌ وَ لَا يُقْبَلُ إِيْمَانٌ عَبْدٌ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ.

حدیث 23: پیامبر رحمت (صلي الله عليه وآله): نظر کردن به علي (عليه السلام) عبادت، یاد او عبادت، و ایمان کسی جز با ولایت او و بیزاری از دشمنانش پذیرفته نشود. (1)

حدیث 24: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَيْسَى رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ مَا جِيلَوِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدِ الْبُرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانِ السُّلَمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ قَالَ: نَزَلَ جِبْرِئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ (صلي الله عليه وآله) السَّلَامُ يُقْرَنُكَ السَّلَامُ وَ يَقُولُ خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ الْأَرْضِ بَيْنَ السَّبْعِ وَ مَنْ عَلَيْهِنَّ وَ مَا خَلَقْتُ مَوْضِعًا عَظِيمًا مِنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا دَعَانِي هُنَاكَ مُنْذُ خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بَيْنَ ثُمَّ لَقِينِي جَارِدًا لَوَلَايَةِ عَلِيِّ (عليه السلام) لَأَكْبَبْتُهُ فِي سَقَرٍ.

حدیث 24: جبرئیل بر پیغمبر (صلي الله عليه وآله) نازل شد و عرضه داشت: ای محمد خدایت سلام می رساند و می فرماید: من هفت آسمان و آن چه در آن هاست آفریدم و هفت زمین و آن چه بر آن ها است و جایی عظیم تر از رکن و مقام نیافریدم و اگر بنده ای در آن جا مرا بخواند از روزی که آسمان ها و زمین ها را آفریدم و منکر ولایت علی (عليه السلام) مرا ملاقات کند او را با صورت در سَقَر اندازم. (2)

حدیث 25: قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ عَن

ص: 543

1- . الأماي للصدوق: ص 138 المجلس 28 ح 9.

2- . الأماي للصدوق: ص 484 المجلس 73 ح 12.

مُرَازِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مَا بَالُ أَقْوَامٍ مِنْ أُمَّتِي إِذَا ذُكِرَ عِنْدَهُمْ إِبْرَاهِيمُ وَ آلُ إِبْرَاهِيمِ اسْتَبَشَرَتْ قُلُوبُهُمْ وَ تَهَلَّلَتْ وُجُوهُهُمْ وَإِذَا ذُكِرَتْ وَ أَهْلَ بَيْتِي اسْمَأَزَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَلَحَتْ وُجُوهُهُمْ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ رَجُلًا لَقِيَ اللَّهَ بِعَمَلٍ سَبْعِينَ نَبِيًّا ثُمَّ لَمْ يَأْتِ بِوَلَايَةِ أَوْلِي الْأَمْرِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا

حدیث 25: مرزم از امام صادق (علیه السلام) روایت کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: چه می شود گروه هائی از امتم که چون نام ابراهیم (علیه السلام) و آل ابراهیم (علیه السلام) نزد آنان برده شود دل هایشان شاد و چهره هایشان از سرور روشن شود، اما همین که نام من و اهل بیتم برده شود دل هایشان بیزار و رمیده، و چهره هایشان درهم و گرفته گردد؟! به آن کس که مرا به حق به پیامبری برانگیخته سوگند اگر مردی با عمل هفتاد پیغمبر خدا را دیدار کند و ولایت اولی الامر از ما اهل بیت (علیهم اسلام) را نداشته باشد خدا هیچ توبه و فدیة و کار نیکی را از وی نخواهد پذیرفت. (1)

حدیث 26:

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ بِنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَاتَاذَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عُمَارَةَ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (علیه السلام) قَالَ:

مَنْ صَدَّ لِيَا صَلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا فَأَقَامَ حُدُودَهَا رَفَعَهَا الْمَلِكُ إِلَى السَّمَاءِ بَيْضَاءَ نَقِيَّةً وَ هِيَ تَهْتَفُ بِهِ حَفِظَكَ اللَّهُ كَمَا حَفِظْتَنِي وَ اسْتَوْدَعَكَ اللَّهُ كَمَا اسْتَوْدَعْتَنِي مَلَكًا كَرِيمًا وَ مَنْ صَلَّىهَا بَعْدَ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَمْ يُقِمِ حُدُودَهَا رَفَعَهَا الْمَلِكُ سَوْدَاءَ مُظْلِمَةً وَ هِيَ تَهْتَفُ بِهِ ضَيْعَتَنِي ضَيْعَتِكَ اللَّهُ كَمَا ضَيْعَتَنِي وَ لَا رَعَاكَ اللَّهُ كَمَا لَمْ تَرَعْنِي ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام) إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ

ص: 544

بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ الصَّلَوَاتُ [عَنِ الصَّلَوَاتِ] الْمَفْرُوضَاتِ وَعَنِ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ وَعَنِ الصِّيَامِ الْمَفْرُوضِ وَعَنِ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ وَعَنِ
 وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنْ أَقْرَبَ بَوْلًا يَتَنَا ثُمَّ مَاتَ عَلَيْهَا قُبِلَتْ مِنْهُ صَدَقَاتُهُ وَصَوْمُهُ وَزَكَاتُهُ وَحُجُّهُ وَإِنْ لَمْ يَقْرَبْ بَوْلًا يَتَنَا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ لَمْ
 يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ أَعْمَالِهِ. وَبِهَِذَا الْإِسْدِ نَادَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
 الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِذَا صَدَّقْتَ صَدَقَةً فَصَلِّهَا لِقَوْتِهَا صَلَاةً مُودَّعًا يَخَافُ أَنْ لَا يَعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا ثُمَّ اصْرِفْ بِبَصْرِكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ
 فَلَوْ تَعَلَّمُ مَنْ عَنِ يَمِينِكَ وَشِمَالِكَ لِأَحْسَنَتِ صَلَاتِكَ وَاعْلَمْ أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ مَنْ يَرَاكَ وَلَا تَرَاهُ.

حدیث 26: امام صادق (علیه السلام): هرکه نمازهای واجب را در اول وقت بخواند و درست ادا کند فرشته آن را پاک و درخشان به آسمان
 رساند و آن نماز فریاد زند خدا نگهت دارد چنان چه نگهم داشتی و تو را به خدا سپارم چنان چه مرا سپردی به فرشته ای کریم و هرکه بی
 عذری بی وقت آن را بخواند و درست ادا کند فرشته آن را سیاه و تاریک بالا برد و آن نماز فریاد کشد خدا ضایعت کند چنان چه ضایعم
 کردی و رعایت نکند چنان چه رعایت نکردی سپس امام صادق (علیه السلام) فرمود: چون بنده برابر خدا ایستد. اول پرسش او از نمازهای
 واجب و از زکات واجب و از روزه واجب و از حج واجب و از ولایت ما خاندانست و اگر معترف به ولایت ما خاندان باشد و بر آن عقیده
 بمیرد، نماز و روزه و زکات و حج او پذیرفته است و اگر برابر خدا اعتراف به ولایت ما نکند خدا چیزی از اعمال او را نپذیرد. (1)

ص: 545

حدیث 27: الْمُحَمَّدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ هَاشِمٍ الْعَسَانِيُّ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمٍ عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَيُّهَا النَّاسُ الزُّمُّوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بُوَدُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِسَدِّ فَاغَتِنَا فَوَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَنْفَعُ عَبْدًا عَمَلُهُ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا وَوَلَايَتِنَا

حدیث 27: پیامبر (صلی الله علیه و آله): سوگند به آن کس که جان محمد بدست اوست عمل هیچ بنده ای به او سودی نرساند جز با شناخت و اعتقاد به ولایت ما. (1)

حدیث 28: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرِبَارٍ الْخَازِنُ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ فِي ذِي الْقَعْدَةِ سَنَةَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةَ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْفَرَجِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرِ بْنِ عَلَانَ الْمُعَدَّلُ بِالْكُوفَةِ قِرَاءَةً عَلَيْهِ فِي شَهْرِ رَجَبِ الْأَوَّلِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَسِتِّينَ وَأَرْبَعِمِائَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ التَّمِيمِيُّ الْأَشْدَنَانِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَشْدَنَانِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ الْأَسَدِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنَا حُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ خَمْسًا وَلَمْ يَفْتَرِضْ إِلَّا حَسَنًا جَمِيلًا الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالْحَجَّ وَالصِّيَامَ وَوَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَعَمِلَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَاسْتَحَقُّوا بِالْخَامِسَةِ وَاللَّهِ لَا يَسْتَكْمِلُوا الْأَرْبَعَةَ حَتَّى يَسْتَكْمِلُوا بِالْخَامِسَةِ.

حدیث 28: حسن بن علی (علیهم اسلام) فرمود: خدا پنج چیز را واجب نموده و هر چه واجب نماید نیکو و ارزنده است نماز، زکات، حج، روزه، و ولایت ما اهل بیت (علیهم اسلام)،

ص: 546

مردم به آن چهار چیز عمل کرده ولي نسبت به پنجمی کوتاهی نمایند به خدا قسم! انجام آن چهار چیز کامل نیست مگر به وسیله پنجمی. (1)

في الزيارة الجامعة: بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا... وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَقْبَلُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ فِي زِيَارَةِ جَامِعِهِ كَبِيرِهِ آمَدَهُ اسْت: خدایوند به واسطه موالات و دوستی شما، امور دین را به ما می آموزد... و اعمال واجب شده بر ما را می پذیرد. (2)

زِيَارَةُ أُخْرَى لَهُ قَدْ تَقَدَّمَ ذِكْرُ الْإِسْتِئْذَانِ فِي أَوَّلِ زِيَارَتِهِ فَأَعْنَى ذَلِكَ عَنِ الْإِعَادَةِ فِي كُلِّ زِيَارَةٍ: ... مَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ

در زیارت امام زمان f می خوانیم: هرکه ولایت تو را بپذیرد و معترف به امامت تو باشد اعمالش پذیرفته گردد. (3)

حدیث 29: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سَلِيمَةَ ابْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثِ النَّخَعِيِّ الْقَاضِي قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: إِنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) كَانَ يَقُولُ لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ رَجُلٍ يَزِدُّ كُلَّ يَوْمٍ إِحْسَانًا وَرَجُلٍ يَدَارِكُ سَيِّئَةً بِالتَّوْبَةِ وَأَنِّي لَهُ بِالتَّوْبَةِ وَاللَّهِ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا.

حدیث 29: امیرالمومنین (علیه السلام): خیری در دنیا نیست مگر برای دو نفر، مردی که هر روز بر نیکی های خود می افزاید، و مردی که بعد از گناه توبه می کند و کجا او می تواند توبه کند، به خدا سوگند! اگر به اندازه ای سجده کند که گردنش قطع شود خدا توبه او را قبول نکرده مگر این که به ولایت ما معتقد باشد. (4)

ص: 547

- 1- . بشارة المصطفى لشيعة المرتضى ج 2 ص 108 إن أمير المؤمنين فاروق الأمة و يعسوب المؤمنين ج 2
- 2- . من لا يحضره الفقيه: ج 2 زيارة جامعة لجميع الأئمة ص 616.
- 3- . بحار الأنوار: ج 99 ص 99 باب 7 زيارة الإمام المستتر عن الأبصار الحاضر في قلوب الأخيار المنتظر في الليل و النهار الحجة بن الحسن صلوات الله عليهما في السرداب وغيره.
- 4- . الأمالي للصدوق ص 668 المجلس الخامس و التسعون ج 2.

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ [وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ] عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ إِنْ قَدَرْتُمْ أَنْ لَا تُعْرِفُوا فَاذْكُرُوا مَا عَلَيْكُمْ إِنْ لَمْ يُثْنِ النَّاسُ عَلَيْكُمْ وَ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تَكُونَ مَذْمُومًا عِنْدَ النَّاسِ إِذَا كُنْتَ مَحْمُودًا عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) كَانَ يَقُولُ لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ رَجُلٍ يَزِدُّ فِيهَا كُلَّ يَوْمٍ إِحْسَانًا وَ رَجُلٍ يَتَذَكَّرُ مَنِيَّتَهُ بِالتَّوْبَةِ وَ أَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ فَوَاللَّهِ أَنْ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنْقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ عَمَلًا إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا وَ مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا أَوْ رَجَا الثَّوَابَ بِنَا وَ رَضِيَ بِقُوَّتِهِ نِصْفَ مَدٍّ كُلِّ يَوْمٍ وَ مَا يَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتَهُ وَ مَا أَكَنَ بِهِ رَأْسَهُ وَ هُمْ مَعَ ذَلِكَ وَ اللَّهُ خَائِفُونَ وَ جُلُونَ وَ دُوا أَنَّهُ حَظُّهُمْ

مِنَ الدُّنْيَا وَ كَذَلِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَيْثُ يَقُولُ «وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ» مَا الَّذِي آتَوْا بِهِ آتَوْا وَ اللَّهُ بِالطَّاعَةِ مَعَ الْمَحَبَّةِ وَ الْوَلَايَةِ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ خَائِفُونَ أَنْ لَا يَقْبَلَ مِنْهُمْ وَ لَيْسَ وَ اللَّهُ خَوْفُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ فِيمَا هُمْ فِيهِ مِنْ إِصَابَةِ الدِّينِ وَ لَكِنَّهُمْ خَافُوا أَنْ يَكُونُوا مُقَصِّرِينَ فِي مَحَبَّتِنَا وَ طَاعَتِنَا ثُمَّ قَالَ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِكَ فَافْعَلْ فَإِنَّ عَلَيْكَ فِي خُرُوجِكَ أَنْ لَا تَغْتَابَ وَ لَا تَكْذِبَ وَ لَا تَحْسُدَ وَ لَا تُرَائِي وَ لَا تَتَصَنَّعَ وَ لَا تُدَاهِنَ ثُمَّ قَالَ نِعْمَ صَوْمَعَةُ الْمَسْأَلِ بَيْتُهُ يَكْفِي فِيهِ بَصَرَهُ وَ لِسَانَهُ وَ نَفْسَهُ وَ فَرْجَهُ إِنَّ مَنْ عَرَفَ نِعْمَةَ اللَّهِ بِقَلْبِهِ اسْتَوْجَبَ الْمَزِيدَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ أَنْ يُظْهِرَ شُكْرَهَا عَلَى لِسَانِهِ وَ مَنْ ذَهَبَ يَرَى أَنَّ لَهُ عَلَى الْآخِرِ فَضْلًا فَهُوَ مِنَ الْمُسْتَكْبِرِينَ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّمَا يَرَى أَنَّ لَهُ عَلَيْهِ فَضْلًا

بِالْعَافِيَةِ إِذَا رَأَهُ مُرْتَكِبًا لِلْمَعَاصِي فَقَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ فَلَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ قَدْ غُفِرَ لَهُ مَا أَتَى وَأَنْتَ مَوْفُوفٌ مُحَاسِبٌ أَمَا تَكَلَّمْتَ قِصَّةَ سَحْرَةِ مُوسَى (عليه السلام) ثُمَّ قَالَ كَمْ مِنْ مَعْرُورٍ بِمَا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَمْ مِنْ مُسْتَدْرِجٍ بَسْتَرِ اللَّهُ عَلَيْهِ وَكَمْ مِنْ مَفْتُونٍ بِتِنَاءِ النَّاسِ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنِّي لَأَرْجُو النَّجَاةَ لِمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا لِأَحَدٍ ثَلَاثَةٍ صَاحِبِ سِدِّ لَطَانٍ جَائِرٍ وَصَاحِبِ هَوَى وَالفَاسِقِ الْمُعَلِنِ ثُمَّ تَلَا قُلْ «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» ثُمَّ قَالَ يَا حَفْصُ الْحُبُّ أَفْضَلُ مِنَ الْخَوْفِ ثُمَّ قَالَ وَاللَّهِ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَوَالَى غَيْرَنَا وَمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَأَحْبَبْنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَبَكَى رَجُلٌ فَقَالَ أَتَبْكِي لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّهُمْ اجْتَمَعُوا يَتَضَرَّعُونَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُنَجِّيكَ مِنَ النَّارِ وَيُدْخَلَكَ الْجَنَّةَ لَمْ يَشْفَعْ مَعَا فِيكَ [ثُمَّ كَانَ لَكَ قَلْبٌ حَيٌّ لَكُنْتَ أَخَوْفَ النَّاسِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي تِلْكَ الْحَالِ] ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا حَفْصُ كُنْ ذَنْبًا وَلَا تَكُنْ رَأْسًا يَا حَفْصُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

مَنْ خَافَ اللَّهَ كَلَّ لِسَانَهُ ثُمَّ قَالَ بَيْنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ (عليه السلام) يَعْظُ أَصْحَابَهُ إِذْ قَامَ رَجُلٌ فَشَقَّ فَمِصَصَهُ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى قُلْ لَهُ لَا تَشَقَّ فَمِصَصَكَ وَلَكِنْ اسْرُخْ لِي عَنْ قَلْبِكَ ثُمَّ قَالَ مَرَّ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ (عليه السلام) بِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَنْصَرَفَ مِنْ حَاجَتِهِ وَهُوَ سَاجِدٌ عَلَى حَالِهِ فَقَالَ لَهُ مُوسَى (عليه السلام) لَوْ كَانَتْ حَاجَتُكَ بِيَدِي لَقَضَيْتُهَا لَكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلْتُهُ حَتَّى يَتَحَوَّلَ عَمَّا أَكْرَهُ إِلَى مَا أَحَبُّ.

حدیث 30: حفص بن غیاث از امام صادق (علیه السلام) روایت کند که حضرت فرمود: اگر می توانید کاری کنید که شناخته نشوید و معروف نگردید! باکی بر تو نیست (یا چه می شود) اگر مردم مدح و ثنای تو را نگویند، و باکی بر تو نیست (یا چه می شود) اگر مورد نکوهش مردم باشی در صورتی که در پیشگاه خدای تبارک و تعالی ستوده و روسفید باشی؟ همانا امیر مؤمنان (علیه السلام) چنان بود که می فرمود: خیری در دنیا نیست جز برای یکی از دو مرد، یکی مردی که در هر روز خود کار نیکی به کردارهای خود بیفزاید، و دیگر مردی که تهیه مرگ خود را با توبه و بازگشت ببیند، ولی از کجا می تواند توبه کند، به خدا سوگند! اگر آنقدر سجده کند که گردنش بریده شود خدای عز و جل کاری را از او نپذیرد جز به وسیله ولایت و دوستی ما خاندان. آگاه باشید که هر که ما را بشناسد یا امید پاداش نیک به وسیله ما داشته باشد در خوراک خود به نیم مدّ (تقریباً پنج سیر) راضی (یعنی از دنیا به مقدار کمی هم قانع است) و در پوشاک بدان چه عورتش را بپوشاند و سرش را سرپوش باشد و با این حال به خدا سوگند! ترسان و هراسانند و دوست دارند که بهره شان از دنیا همین مقدار باشد، و این چنین خدای عز و جل آنها را در قرآن توصیف کرده که فرماید «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ»⁽¹⁾ و آنان که آنچه وظیفه بندگی و ایمان است به جای آورده و باز از این که (روزی) به خدای خود رجوع می کنند دل هاشان ترسان است. به خدا سوگند! آنان فرمانبرداری و دوستی و ولایت ما را دارند و با این حال ترسانند که از آن ها پذیرفته نشود، و به خدا سوگند! ترس آنها نه از روی شک و تردیدی است که در عقیده دینی خود دارند بلکه می ترسند که در مورد دوستی و اطاعت ما کوتاهی کرده باشند..... همانا هر که نعمت الهی را به دل دریابد از سوی خداوند عزّ و جلّ سزاوار فزونینعمت گردد پیش از آنکه زبان به شکر گشاید، و هر که باور یابد که از دیگران برتر

ص: 550

است از مستکبران باشد.... من به آن حضرت عرضه داشتیم: (آیا جایز است شخص متدینی که گنهکاری را ببیند و خود را از او برتر داند؟) فقط از نظر اینکه او را مرتکب گناهان می بیند و خود را آسوده و دور از آن معاصی می بیند خود را برتر از او بداند؟..... فرمود: هیئات! (چگونه چنین عقیده ای پیدا می کند) با اینکه شاید گناه او آمرزیده شود ولی آن که (خود را از گناهکاران برتر می داند) بازداشت شده و مورد بازپرسی قرار گیرد، آیا داستان جادوگران و ساحران (زمان) موسی (علیه السلام) را نخوانده ای (مقصود همان ساحران فرعون است که با اینکه عمری را در حال شرك و كفر بخدا به سر بردند در اثر ایمانی که به موسی (علیه السلام) آوردند تمام گناهان گذشته شان آمرزیده شد و پس از آن نیز بلافاصله به دست فرعون کشته شده و به بهشت جاویدان شتافتند).

سپس فرمود: چه بسا کسی که فریفته شده به نعمتی که خدا به او داده و کسی که از پرده پوشی خدا از وی غافل است و کسی که مدح و ستایش مردم او را گول زده است. و چه بسا اشخاصی که به مدح و ثنای مردم (که از او کنند) فریفته گشته است. سپس فرمود: به راستی که من امید نجات دارم برای کسانی از این امت که حق ما را بشناسند مگر برای سه دسته قدرتمند (و سلطان) ستمگر و شخص هواپرست، آنکه آشکارا بزهکاری و گناه کند. سپس این آیه را خواند «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان دارد(1) و به دنبال آن فرمود: ای حفص! محبت و دوستی بهتر از خوف و ترس است. آنگاه فرمود: به خدا سوگند! خدای را دوست ندارد هر که دنیا را دوست داشته و غیر ما را دوست بدارد، و هر که حق ما را بشناسد و ما را دوست دارد حقا که خدای تبارک و تعالی را دوست داشته، پس مردی (که در آنجا بود و از مخالفین بوده و دوستی اهل بیت (علیهم السلام) را نداشته است) به گریه افتاد، حضرت به او فرمود: آیا می گویی؟ اگر همه اهل آسمان ها و زمین همگی

ص: 551

1- . قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ بگو [ای پیامبر!] اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا [هم] شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است. آل عمران آیه 31

جمع شوند و به درگاه خدای عز و جل زاری کنند که خدا تو را از دوزخ نجات دهد و به بهشت برسد شفاعتشان در باره تو پذیرفته نخواهد شد [آنگاه اگر تو دل زنده داشته باشی در آن حال بیش از همه مردم از خدای عز و جل خواهی ترسید] سپس فرمود: ای حفص! دم باش و سر مباح (یعنی کاری کن که همیشه در دنبال باشی و جلو نباشی که مسئولیت و مشکلات ریاست زیاد است، چنانچه نظیر این کلام در احادیث دیگری نیز وارد شده، و علامه مجلسی گوید: یعنی پیرو اهل حق باش و سرور اهل باطل مباح). ای حفص! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر که از خدا بترسد زبانش گنگ است. آنگاه فرمود: (روزی) همچنان که موسی بن عمران (علیه السلام) یارانش را موعظه می فرمود مردی (که شدیداً تحت تأثیر سخنان موسی واقع شده بود) از جا برخاست و پیراهنش را چاک زد، خدای عز و جل به موسی وحی فرمود: ای موسی به این مرد بگو: پیراهنت را چاک زن، بلکه دلت را به روی من باز کن.

حدیث 31: ثُمَّ قَالَ بَيْنَا مُوسَىٰ بْنُ عِمْرَانَ (عليه السلام) يَعِظُ أَصْحَابَهُ إِذْ قَامَ رَجُلٌ فَشَقَّ قَمِيصَهُ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَىٰ قُلْ لَهُ لَا تَشَقُّ قَمِيصَكَ وَ لَكِنْ اشْرَحْ لِي عَنْ قَلْبِكَ ثُمَّ قَالَ مَرَّ مُوسَىٰ بْنُ عِمْرَانَ (عليه السلام) بِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَنْصَرَفَ مِنْ حَاجَتِهِ وَهُوَ سَاجِدٌ عَلَىٰ حَالِهِ فَقَالَ لَهُ مُوسَىٰ (عليه السلام) لَوْ كَانَتْ حَاجَتُكَ بِيَدِي لَقَضَيْتُهَا لَكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَىٰ لَوْ سَجَدَ حَتَّىٰ يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلْتُهُ حَتَّىٰ يَتَحَوَّلَ عَمَّا أَكْرَهُ إِلَىٰ مَا أُحِبُّ.

حدیث 31: امام صادق (علیه السلام): موسی بن عمران (علیه السلام) از کنار یکی از اصحابش گذشت و او در سجده بود، بعد از انجام کارش برگشت و هنوز او در حال سجده بود، فرمود: اگر حاجت تو در دست من بود آن را برآورده می کردم. از طرف خداوند به او خطاب شد: ای موسی! اگر سجده اش را به قدری طولانی کند که گردنش جدا گردد

اورا نمي پذيرم تا فكر و قلبش را از آن چه مورد اكراه و ناخشنودي من است به آن چه آن را دوست دارم تغيير دهد. (1)

حديث 33: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَابْنِ دَاذٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله):... قال الله عز وجل:... يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَيَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِدًا لَوْلَا يَتِيهِمْ فَمَا أَسْكَنْتُهُ جَنَّتِي وَلَا أَظَلَّتُهُ تَحْتَ عَرْشِي

حديث 33: رسول خدا (صلي الله عليه و آله): خدای متعال فرمود: چه بسا بنده ای از بندگانم به قدری مرا عبادت کند که پیکر او از شدت عبادت همچون مشکي خشکیده گردد، سپس در قیامت در حالی مرا ملاقات کند که ولایت اهل بیت (علیهم اسلام) را نپذیرفته، پس من او را هرگز در بهشت خویش اسکان نداده و در زیر سایه بی عرشم قرار نمی دهم. (2)

حديث 34: أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ، وَ تُزَكَّى الْأَفْعَالُ، وَ تُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ، فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ، وَ اعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبِلَتْ أَعْمَالُهُ، وَ صُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ، وَ تُضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ، وَ مُحِيتْ سَيِّئَاتُهُ، وَ مَنْ عَدَلَ عَنِّ وَلَايَتِكَ وَ جَهِلَ مَعْرِفَتَكَ وَ اسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ، وَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ

عَمَلًا، وَ لَمْ يُقِمِ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرْثًا. حديث 34: در زیارت امام زمان f می خوانیم: شهادت می دهم که به ولایت تو اعمال پذیرفته شده و افعال پاکیزه می گردند، و حسنات دو چندان شده و سیئات محو می گردند، پس هر که ولایت تو را بپذیرد و به امامت اعتراف نماید اعمالش

ص: 553

1- . الكافي ج 8 ص 129 ح 98 باب حَدِيثُ نَادِرٍ.

2- . كمال الدين: ج 1 ص 252 باب 23 نص الله تبارك و تعالی على القائم ع و أنه الثاني عشر من الأئمة ح 2.

پذیرفته، گفتارش تصدیق، حسناش مضاعف و سیئاتش محو می گردند. و هرکه ولایت تو را نپذیرد و تو را نشناسد و دیگری را به جای تو برگزیند، خداوند او را به صورت در آتش افکنده و هیچ عملی را از او نپذیرد و در قیامت بدون برقراری میزان اعمال و حساب رسی، او را به آتش اندازد. (1)

حدیث 1/34: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَغَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زِيَادٍ الْقَدِيدِيِّ عَنْ عَمَارِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «إِلَيْهِ يَصَّ عَدُ الْكَلِمِ الطَّيِّبِ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» قَالَ وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ فَمَنْ لَمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا

حدیث 1/34: از امام صادق (علیه السلام) در باره آیه «إِلَيْهِ يَصَّ عَدُ الْكَلِمِ الطَّيِّبِ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» پرسیدم فرمود: ولایت ما خانواده است اشاره به سینه خود کرد هرکه ولایت ما را نداشته باشد عمل صالحی از او پذیرفته نیست. (2)

حدیث 2/34: وَأَمَّا قَوْلُهُ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعِيدِهِ» وَقَوْلُهُ «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ لَا يُغْنِي إِلَّا مَعَ الْإِهْتِدَاءِ وَ لَيْسَ كُلُّ مَنْ وَقَعَ عَلَيْهِ اسْمُ الْإِيمَانِ كَانَ حَقِيقًا بِالنَّجَاةِ مِمَّا هَلَكَ بِهِ الْغَوَاةُ وَ لَوْ كَانَ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَنَجَّتِ الْيَهُودُ مَعَ اعْتِرَافِهَا بِالتَّوْحِيدِ وَ إِقْرَارِهَا بِاللَّهِ وَ نَجَا سَائِرِ الْمُقَرَّبِينَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ مِنْ إِبْلِيسَ فَمَنْ دُونَهُ فِي الْكُفْرِ وَ قَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ ذَلِكَ بِقَوْلِهِ «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمَنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» وَ بِقَوْلِهِ «الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ» وَ لِلْإِيمَانِ حَالَاتٌ وَ مَنَازِلٌ يَطُولُ شَرْحُهَا وَ مِنْ ذَلِكَ أَنَّ الْإِيمَانَ قَدْ يَكُونُ عَلَيَّوَجْهَيْنِ إِيْمَانٌ بِالْقَلْبِ وَ إِيْمَانٌ بِاللِّسَانِ كَمَا كَانَ إِيْمَانُ الْمُتَافِقِينَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ

ص: 554

1- . المزار، محمد بن المشهدي: ص 587 الباب 9 زيارة مولانا الخلف الصالح صاحب الزمان عليه و على آباءه السلام، زيارة أخرى له عليه السلام.

2- . الكافي ج 1 ص 430 باب فيه نكت و تنف من التنزيل في الولاية ح 85.

اللَّهِ لَمَّا فَهَرَهُمْ بِالسَّيْفِ وَشَاحَهُمُ الْخَوْفُ فَإِنَّهُمْ آمَنُوا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ فَالْإِيمَانُ بِالْقَلْبِ هُوَ التَّسَلُّمُ لِلرَّبِّ وَ مَنْ سَلَّمَ الْأُمُورَ لِمَالِكِهَا لَمْ يَسْتَكْبِرْ عَنْ أَمْرِهِ كَمَا اسْتَكْبَرَ إبليسُ عَنِ السُّجُودِ لِأَدَمَ وَ اسْتَكْبَرَ الْأُمَمُ عَنْ طَاعَةِ أَنْبِيَائِهِمْ فَلَمْ يَنْفَعَهُمُ التَّوْحِيدُ كَمَا لَمْ يَنْفَعِ إبليسَ ذَلِكَ السُّجُودَ الطَّوِيلُ فَإِنَّهُ سَجَدَ سَجْدَةً وَاحِدَةً أَرْبَعَةَ آلَافٍ عَامٍ وَلَمْ يُرِدْ بِهَا غَيْرَ رُخْفِ الدُّنْيَا وَ التَّمَكِينِ مِنَ النَّظَرَةِ فَلِذَلِكَ لَا تَنْفَعُ الصَّلَاةُ وَ الصَّدَقَةُ إِلَّا مَعَ الْإِهْتِدَاءِ إِلَى سَبِيلِ النَّجَاةِ وَ طُرُقِ الْحَقِّ وَ قَطَعَ اللَّهُ عُدْرَةَ عِبَادِهِ بِتَبْيِينِ آيَاتِهِ وَ إِزْسَالِ رُسُلِهِ «لَيْتَلَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» وَ لَمْ يَحُلْ أَرْضُهُ مِنْ عَالِمٍ بِمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْخَلِيقَةُ وَ مُتَعَلَّمٌ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاةِ أُولَئِكَ هُمُ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَ قَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ ذَلِكَ فِي أُمَّمِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلَهُمْ مَثَلًا لِمَنْ تَأَخَّرَ مِثْلَ قَوْلِهِ فِي قَوْمِ نُوحٍ «وَ مَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» وَ قَوْلِهِ فِيْمَنْ آمَنَ مِنْ أُمَّةٍ مُوسَى «وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ» وَ قَوْلِهِ فِي حَوَارِيِّ عِيسَى حَيْثُ قَالَ لِسَانِ بْنِ إِسْرَائِيلَ «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ اشْهَدْنَا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» يُعْنِي بِأَنَّهُمْ مُسْلِمُونَ لِأَهْلِ الْفَضْلِ فَضْلُهُمْ وَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَمَا أَجَابَهُ مِنْهُمْ إِلَّا الْحَوَارِيُّونَ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِلْعِلْمِ أَهْلًا وَ فَرَضَ عَلَى الْعِبَادِ طَاعَتَهُمْ بِقَوْلِهِ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» وَ يَقُولُهُ «وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» وَ يَقُولُهُ «اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» وَ يَقُولُهُ «وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» «وَ اتُّوا النَّبِيُّونَ مِنْ أَرْبَابِهَا» وَ النَّبِيُّونَ هِيَ بَيُوتُ الْعِلْمِ الَّذِي اسْتُودِعَتْهُ الْأَنْبِيَاءُ وَ

أَبْوَابَهَا أَوْصِيَاءُ وَهُمْ فَكُلٌّ مَن عَمِلَ مِّنْ أَعْمَالِ الْخَيْرِ فَجَزَى عَلَى غَيْرِ أَيْدِي أَهْلِ الْإِصْطِفَاءِ وَ عُهُودِهِمْ وَ شَرَائِعِهِمْ وَ سُنَنِهِمْ وَ مَعَالِمِ دِينِهِمْ مَرْدُودٌ وَ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَ أَهْلُهُ بِمَحَلِّ كُفْرٍ وَ إِن شِمِلْتُهُمْ صِفَةَ الْإِيمَانِ أَلَمْ تَسْمَعْ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى «وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَ هُمْ كُسَالَى وَ لَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَ هُمْ كَارِهُونَ» فَمَنْ لَمْ يَهْتَدِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ إِلَى سَبِيلِ النَّجَاةِ لَمْ يُغْنِ عَنْهُ إِيْمَانُهُ بِاللَّهِ مَعَ دَفْعِ حَقِّ أَوْلِيَائِهِ وَ «حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» وَ كَذَلِكَ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ «فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا» وَ هَذَا كَثِيرٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْهِدَايَةُ هِيَ الْوَلَايَةُ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمْ الْغَالِبُونَ» وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي هَذَا الْمَوْضِعِ هُمُ الْمُؤْتَمِنُونَ عَلَى الْخَلَائِقِ مِنَ الْحُجَجِ وَ الْأَوْصِيَاءِ فِي عَصْرِ بَعْدَ عَصْرِ

حدیث 2/34: و اما دو آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعِيدِهِ» (1) و «وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (2) عمل صالح فقط با هتداء سامان می یابد، و این طور نیست هر که نام ایمان بر او آمد شایسته نجات و رهایی باشد با اینکه مرتکب اعمال هلاکت بار گردنکشان شده باشد، اگر این گونه بود باید قوم یهود نجات می یافتند، با اینکه اعتراف به توحید داشته و معتقد به الله بودند، و نیز سایر یکتاپرستان نیز باید خلاص و رها می شدند، از ابلیس گرفته تا پائینترین افراد در کفر، و مطلب به خوبی در این آیه مشهود است که «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (3) و در این آیه «مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ يُؤْمِنُوا قُلُوبُهُمْ» (4) و ایمان حالات و منازلی دارد و شرح آن طول

ص: 556

1- . الانبياء آية 94

2- . طه آية 82

3- . الانعام آية 82

4- . المائدة آية 41

می کشد، مثلاً ایمان دو وجه دارد، یکی ایمان به قلب، و یکی ایمان به زبان، مثلاً ایمان منافقین در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وقتی مقهور شمشیر شده و ترسیدند، به زبان بود، نه با قلوب و دل ها، و ایمان قلبی تسلیم پروردگار شدن است، و هر که امور خود را به اربابش تسلیم کند از فرمانش استکبار نخواهد نمود، مثل استکبار ابلیس بر سجود آدم، و بسیاری از ائمت ها از فرمان پیامبرشان استکبار ورزیده، و توحیدشان هیچ مفید فائده نیفتاد، همچنان که آن سجده های طولانی ابلیس که یکی از آنها چهار هزار سال طول کشید سودی به او نرساند، چرا که از آن فقط قصد زخرف دنیا و ریا داشت، پس به همین خاطر هیچ نماز و زکاتی جز با اهتداء به راه نجات و راه های حق سود و نفعی نبخشید. و خداوند با تبیین این آیات و ارسال رسولان جای هیچ عذر و بهانه ای را برای خلائق باقی نگذاشته، تا خلائق هیچ حجتی پس از رسولان بر خداوند نداشته باشند، و زمین را از هیچ عالم نیازمند به او یا متعلم بر راه نجات خالی نگذاشته، با اینکه اینان از نظر تعداد بسیار کم و اندکند. و خداوند این موارد را در ائمت های پیامبران بیان داشته و آن را مثلی برای پیشینیان قرار داده است مانند آیه ای که در باره قوم نوح فرموده «وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (1) و فرموده اش در باره افرادی که از قوم موسی بدو ایمان آوردند «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (2) و آیه ای که در باره حواریون عیسی خطاب به سائر بنی اسرائیل فرستاده «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (3) مطلب حضرت عیسی (علیه السلام) این بود که معلوم او گردد که کدامیک از ایشان فضل خود را تسلیم اهل فضل نموده و از فرمان پروردگار استکبار نمی کنند، و فقط حواریون جواب مثبت دادند، و خداوند در این آیه برای علم اهلی را برگزید و طاعت ایشان را بر همه واجب فرمود که «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (4) و آیه «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (5) و «اتَّقُوا

ص: 557

1- . هود آیه 40

2- . الاعراف آیه 159

3- . آل عمران آیه 52

4- . النساء آیه 59

5- . النساء آیه 83

اللَّهُ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1) و «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (2) و «وَأَتُوا النُّبُوتَ مِنْ أُبوابِهَا» (3) و مراد از بیوت همان علمی است که به پیامبران سپرده، و درب آن بیوت اوصیاء می باشند، و هر عمل خیری مانند عهد و حدود و شرائع و سنن، و معالم دین از دستی غیر از دست برگزیدگان انجام شود همه و همه مردود و غیر مقبول است، و اهل آن کافرنند، هر چند مشمول صفت ایمانباشند، مگر این آیه را نشنیده ای که فرماید «وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَّلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ» (4) بنا بر این هر مؤمنی که اهتداء به سبیل نجات نشده ایمانش به خدا سودی عایدش نسازد، با اینکه حق اولیای او را دفع و عملشان را نابود کرده، و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود، و همچنین است فرموده خداوند که «فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا» (5) و از این موارد در قرآن بسیار است، و هدایت همان ولایت است، همان طور که در این آیه فرموده «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (6) و اهل ایمان در این آیه همان امامانی هستند که خداوند عهد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را به ایشان سپرده، همان حجت هایی که امین مردم، و در هر زمان از اوصیاء می باشند. (7)

حدیث 3/34: عَنْهُ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ:.... قَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ إبليسَ سَجَدَ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَالتَّكْبِيرِ عُمَرَ الدُّنْيَا مَا نَفَعَهُ ذَلِكَ وَلَا قَبْلَهُ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ مَا لَمْ يَسْجُدْ لِأَدَمَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَسْجُدَ لَهُ وَكَذَلِكَ هَذِهِ الْأُمَّةُ الْعَاصِيَةُ الْمُفْتُونَةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا وَبَعْدَ تَرْكِهِمُ الْإِمَامَ الَّذِي نَصَبَهُ نَبِيُّهُمْ لَهُمْ فَلَنْ يَقْبَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُمْ عَمَلًا وَلَنْ يَرْفَعَ لَهُمْ حَسَنَةً حَتَّى يَأْتُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ وَيَتَوَلَّوْا الْإِمَامَ

ص: 558

- 1- . التوبة آية 119
- 2- . آل عمران آية 7
- 3- . البقرة آية 189
- 4- . التوبة آية 54
- 5- . غافر آية 85
- 6- . المائدة آية 56
- 7- . الإحتجاج على أهل اللجاج للطبرسي ج 1 ص 247 باب احتجاجة ع على زنديق جاء مستدلا عليه بأي من القرآن متشابهة تحتاج إلى التأويل على أنها تقتضي التناقض والاختلاف فيه وعلى أمثاله في أشياء أخرى

الَّذِي أَمُرُوا بِوَلَايَتِهِ وَيَدْخُلُوا مِنَ الْبَابِ الَّذِي فَتَحَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ لَهُمْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ خَمْسَ فَرَائِضَ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصِّيَامَ وَالْحَجَّ وَالْوَلَايَةَ فَوَرَّخَ لَهُمْ فِي أَشْيَاءٍ مِنَ الْفَرَائِضِ الْأَرْبَعَةِ وَلَمْ يُرَخِّصْ لِأَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي تَرْكِ وَلَا يَتَنَا لَا وَاللَّهِ مَا فِيهَا رُخْصَةٌ.

حدیث 3/34: امام صادق (علیه السلام): ... ای ابا محمد! بخدا سوگند اگر شیطان پس از آن نافرمانی و تکبری که کرده به اندازه عمر دنیا برای خداوند سجده کند سودی برایش نخواهد داشت و خداوند سجده او را نخواهد پذیرفت تا آن هنگام که خدا به او دستور داد در برابر آدم (علیه السلام) به سجده افتد. همین گونه است همین امت گنه پیشه پس از رهایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رهبری که پیامبرشان برای آنها گمارده بود به فتنه افتادند. پس خداوند تبارک و تعالی عملی از آنها را نپذیرد و حسنه ای از آنها را بالا نبرد تا از همان راهی به درگاهش روند که او مقرر کرده، و از همان امامی پیروی کنند که به پیروی از او مأمور شده اند، و از همان دری که خدا و پیامبر به روی آنها گشوده اند در آیند. ای ابا محمد! همانا خداوند عزّ و جلّ پنج فریضه را حتمی ساخته است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت ما، و در مواردی چهار فریضه را بدیشان رخصت داده ولی به هیچ روی برای هیچ یک از مسلمانان در ترک ولایت ما رخصتی داده نشده است، نه به خدا سوگند در ولایت ما رخصتی نیست. (1)

وَعَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بَرَّةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا فَضَلْنَا عَلَى مَنْ خَالَفْنَا فَوَاللَّهِ إِنِّي أَرَى الرَّجُلَ مِنْهُمْ أَرْحَى بِالْأَلَا وَانْعَمَ عَيْشًا وَأَحْسَنَ حَالًا وَأَطْمَعَ فِي الْجَنَّةِ قَالَ فَسَكَتَ عَنِّي حَتَّى كُنَّا بِالْأَبْطَحِ مِنْ مَكَّةَ وَرَأَيْنَا النَّاسَ يَضْجُونَ إِلَى اللَّهِ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَلْ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ قُلْتُ

ص: 559

أَسْمَعُ ضَجِيجَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ قَالَ مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَالْعَجِيجَ وَأَقَلَّ الْحَجِيجَ وَالَّذِي بَعَثَ بِالنَّبِيِّ مُحَمَّدًا وَعَجَّلَ بِرُوحِهِ إِلَى الْجَنَّةِ مَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنْكَ وَمِنْ أَصَدِّ حَبَابِكَ خَاصَّةً قَالَ ثُمَّ مَسَّحَ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ فَنَظَرْتُ فَإِذَا أَكْثَرَ النَّاسِ خَنَازِيرُ وَحَمِيرٌ وَقِرْدَةٌ إِلَّا رَجُلًا بَعْدَ رَجُلٍ خَرَّابِجٌ: ابا بصير از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که گفتیم به آن جناب فضل و برتری ما بر مخالفین چیست؟ به خدا قسم! من می بینم بعضی از مخالفین ما آسوده خاطرتر و دارای زندگی بهتر و حال نیکوتری هستند و از ما برای ورود به بهشت طمعشان بیشتر است. ابو بصیر گفت امام (علیه السلام) جوابی به من نداد تا رسیدم بابطح مکه. در آنجا مشاهده کردیم ضحجه و ناله به سوی خدا برداشته اند. امام (علیه السلام) فرمود: چقدر ناله و فریاد زیاد است و حاجی کم فرمود: قسم به آن خدائی که محمد (صلی الله علیه و آله) را به نبوت برانگیخته و او را به سوی بهشت برده خداوند قبول نخواهد کرد مگر از تو و یارانت فقط. ابا بصیر گفت: در این موقع دست بر چشم من مالید نگاه کردم اکثر مردم به صورت حیواناتی بودند مگر اندکی از مردم. (1)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي كَهْمَشٍ عَنِ الْحَكَمِ أَبِي مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) قَالَ: صَعِدَ عَلَيَّ مِنْبَرِ الْكُوفَةِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَشَهِدَ بِشَهَادَةِ الْحَقِّ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله) بِالرِّسَالَةِ وَ اخْتَصَّهُ بِالنَّبُوَّةِ وَأَنْبَأَهُ بِالْوَحْيِ وَأَنَالَ النَّاسَ وَأَنَالَ وَفِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَعَاظِلُ الْعِلْمِ وَأَبْوَابُ الْحِكْمِ وَضِيَاءُ الْأَمْرِ فَمَنْ يُحِبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَنْفَعُهُ إِيْمَانُهُ وَ يُقْبَلُ مِنْهُ عَمَلُهُ وَ مَنْ لَا يُحِبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَا يَنْفَعُهُ إِيْمَانُهُ وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهُ عَمَلُهُ وَ لَوْ صَامَ النَّهَارَ وَ قَامَ اللَّيْلَ.

ص: 560

امیرالمومنین از منبر مسجد کوفه بالا رفت و حمد و ثنای الهی را بجا آورده

همانا خداوند محمد(صلي الله عليه و آله) را به پیامبری مخصوص داشت و به رسالت او را برگزید و به وحی او آگاه کرد، و او رسانید به مردم آنچه رساندنی بود، و پیش ما خاندان است پناه گاههای دانش و درهای حکمت و روشنی دین، پس هر که ما را دوست بدارد ایمانش به او سود بخشد، و کردارش پذیرفته شود، و هر که ما را دوست ندارد ایمانش به وی سود ندهد، و عمل او پذیرفته نگردد اگر چه در شب و روز به ایستادن (به نماز) و روزه داری کوشش و رنج برد. (1)

حدیث 70: جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَاءِ الْكَبِيرِ سَنَةَ عَشْرٍ وَ ثَلَاثِينَ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْأَنْبَارِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنْ مُعْتَبُ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله)، عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ (صلي الله عليه و آله) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) هَلْ لِلْجَنَّةِ مِنْ ثَمَنٍ قَالَ نَعَمْ قَالَ مَا ثَمَنُهَا قَالَ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» يَقُولُهَا الْعَبْدُ مُخْلِصًا بِهَا قَالَ وَ مَا إِخْلَاصُهَا قَالَ الْعَمَلُ بِمَا بُعِثْتُ بِهِ فِي حَقِّهِ وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي قَالَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ إِنَّ حُبَّ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمِنْ حَقِّهَا قَالَ إِنَّ حُبَّهُمْ لَأَعْظَمُ حَقِّهَا

حدیث 70:

معتب غلام حضرت صادق(عليه السلام) از آن جناب از پدرش نقل کرد که مرد عربی خدمت پیامبر اکرم(صلي الله عليه و آله) رسید عرضه داشت: یا رسول الله(صلي الله عليه و آله) آیا بهشت بهائی دارد؟ (که بدهیم و بخیریم) فرمود: آری، پرسید: بهای بهشت چیست؟ فرمود: با اخلاص بگوید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» عرضه داشت: با اخلاص گفتن آن یعنی چه. فرمود: عمل به آنچه مرا در این مورد برانگیخته اند و دوستی اهل بیتم. عرضه داشت: پدر و مادرم فدایتان باد، آیا دوستی اهل بیت شما نیز از حقوق «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است فرمود:

ص: 561

1- [1]. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 364 باب 19 باب ما جاء عن الأئمة من أحاديث رسول الله التي صارت إلى العامة و ما خصوا به من دونهم ح 9

دوستی اهل بیت من از بزرگترین حق این جمله است.(1)

حدیث 71:

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ نَازِدَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عُمَارَةَ بِنْتِ مَوْسَى السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ:

إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ عَنِ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ وَ عَنِ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ وَ عَنِ الصِّيَامِ الْمَفْرُوضِ وَ عَنِ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ وَ عَنِ وَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنْ أَقْرَبَ بَوْلًا يَتَنَا ثُمَّ مَاتَ عَلَيْهَا قُبِلَتْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ صَوْمُهُ وَ زَكَاتُهُ وَ حُجُّهُ وَ إِنْ لَمْ يَقْرَبْ بَوْلًا يَتَنَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ أَعْمَالِهِ.

حدیث 71: ساباطی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: روز قیامت اولین چیزی که از بنده سؤال می کند نمازهای واجب و زکات واجب و از روزه واجب از حج واجب و از ولایت ما خانواده است اگر اقرار به ولایت ما کرد و بر همین اعتقاد مُرد نماز و روزه و زکات و حج او قبول می شود اما اگر اقرار به ولایت ما نکرد در پیشگاه پروردگار هیچ يك از اعمالش را قبول نخواهد کرد.(2)

حدیث 72: أَبُو حَازِمٍ فِي خَبَرٍ قَالَ رَجُلٌ لَزَيْنِ الْعَابِدِينَ (عليه السلام):.... قَالَ مَا سَبَبُ قَبُولِهَا قَالَ وَلَايَتِنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا

حدیث 72: از امام سجاد (علیه السلام) سؤال شد سبب قبولی نماز چیست؟ حضرت فرمودند: ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما، باعث قبولی نماز است.(3)

حدیث 73: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ [الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ] عَنِ السُّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي

ص: 562

1- . الأماالي للطوسي ص 583 مجلس 24 الجمعة التاسع من ربيع الأول سنة سبع و خمسين و أربعمائة ح 12.

2- . الأماالي للصدوق ص 256 المجلس الرابع و الأربعون ح 10.

3- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام لابن شهر آشوب ج 4 ص 131 فصل في المقدمات ح 14.

جَعَفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» قَالَ أَلَا تَرَى كَيْفَ اشْتَرَطَ وَ لَمْ تَنْفَعُهُ التَّوْبَةُ أَوْ
الْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ حَتَّى اهْتَدَى وَاللَّهُ لَوْ جَهَدَ أَنْ يَعْمَلَ مَا قُبِلَ مِنْهُ حَتَّى يَهْتَدِيَ قَالَ قُلْتُ إِلَى مَنْ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ إِلَيْنَا

حدیث 73: حارث بن یحیی از امام باقر (علیه السلام) در باره آیه «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» فرمود: دقت می
کنید چگونه شرط شده، توبه و ایمان و عمل صالح برایش سودی ندارد مگر وقتی که هدایت یابد. قسم به خدا اگر کوشش خود را به کار برد
که عمل کند از او نمی پذیرند مگر وقتی هدایت یابد. گفتم: هدایت به سوی چه کسی؟ فرمود: به سوی ما. (1)

حدیث 74: سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ حَمَادِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: نَظَرْتُ إِلَى الْمُؤَقَفِ وَالنَّاسِ فِيهِ كَثِيرٌ فَدَنَوْتُ
إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقُلْتُ إِنَّ أَهْلَ الْمُؤَقَفِ كَثِيرٌ قَالَ فَصَدَّ رَبَّ بَبَصْرِهِ فَأَدَارَهُ فِيهِمْ ثُمَّ قَالَ ادْنُ مِنِّي يَا بَا عَبْدِ اللَّهِ فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَقَالَ غُثَاءٌ
يَأْتِي بِهِ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَاللَّهُ مَا الْحَجُّ إِلَّا لَكُمْ لَا وَاللَّهِ مَا يَتَّخِذُ اللَّهُ إِلَّا مِنْكُمْ

حدیث 74: معاذ بن کثیر گفت در عرفات تماشا کردم جمعیت زیادی دیدم نزدیک به امام صادق (علیه السلام) رفتم عرضه داشتم: در
عرفات جمعیت کثیری شرکت کرده اند. چشم به اطراف انداخت سپس فرمود: نزدیک من بیا خدمت آن جناب رفتم. پس گفت: خار و
خاشاکی است که موج از این طرف و آن طرف می آورد به خدا قسم حج نیست مگر برای شما نه به خدا قسم قبول نمی کند خدا مگر از
شما. (2)

ص: 563

1- . تفسیر القمی ج 2 ص 61 [سورة طه (20): آية 82] ح 9.

2- . الكافي ج 8 ص 237 حدیث القباب ح 318.

حديث75: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْبَرَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ يَعْنِي ابْنَ كَثِيرٍ قَالَ: حَبَّجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَلَمَّا صِرْنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ صَعِدَ عَلِيٌّ جَبَلًا فَاشْرَفَ فَنَظَرَ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ مَا أَكْثَرَ الضَّحِيجِ وَأَقَلَّ الْحَجِيجِ فَقَالَ لَهُ دَاوُدُ الرَّقِّيُّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يَسَّ تَجِيبُ اللَّهُ دُعَاءَ هَذَا الْجَمْعِ الَّذِي أَرَى قَالَ وَيْحَكَ يَا أَبَا سَلِيمَانَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ الْجَاهِدُ لَوْلَا يَتَّعَلَّقُ عَلِيٌّ كَعَابِدٍ وَثَنٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَلْ تَعْرِفُونَ مُحِبِّكُمْ وَمُبْغِضَكُمْ قَالَ وَيْحَكَ يَا أَبَا سَلِيمَانَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدِ يُؤَلَّدُ إِلَّا كُتِبَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَدْخُلُ إِلَيْنَا بَوْلًا يَتَنَا وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا فَنَرَى مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِمَنْتَوَسَّعِينَ نَعْرِفُ عُدُونَنَا مِنْ وَلِيِّنَا حَدِيث75: عبد الرحمن بن كثير: كُتِبَ بِأَمَامِ صَادِقٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِهِ حَجَّ رَفْتَمِ دَرِ بَيْنِ رَاهِ أَمَامِ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِرِ فَرَاذِ كَوْهِي رَفْتِ وَ مَرْدَمِ رَا اَزِ نَظَرِ كَدْرَانِيْد. فَرَمُود: چَقْدَرِ سِرِّ وَ صَدَا زِيَادِ اسْتِ و لِي حَاجِي كَمِ اسْت. دَاوُدِ رَقِي عَرَضَهُ دَاسْت: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَيَا خَدَاوْنِدِ دَعَايَ ائِيْنَ جَمْعِيَّتِ رَا مَسْتَجَابِ مِي كَنْد. فَرَمُود: وَايَ بَرِ تُوَايَ اَبَا سَلِيْمَانَ خَدَاوْنِدِ نَمِي اَمْرَزِدِ كَسِي رَا كِه بَرَايْشِ شَرِيكِ قَرَارِ دِهْدِ وَ مَنكَرِ وَايَاتِ عَلِي (عَلَيْهِ السَّلَام) مَانْدِ بَتِ پَرَسْتِ اسْت.....(1)

حديث76: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام)

فِي جَوَابِ الرَّزْدِيْقِي الْمُدْعِي لِلسَّنَاقُصِ فِي الْقُرْآنِ قَالَ وَ أَمَّا «قَوْلُهُ

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعِيهِ» وَ قَوْلُهُ «وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ يُعْنِي إِلَّا مَعَ اهْتِدَاءٍ وَ لَيْسَ كُلُّ مَنْ وَقَعَ عَلَيْهِ اسْمُ الْإِيْمَانِ كَانَ حَقِيْقًا

ص: 564

1- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 358 باب 17 باب في الأئمة ع أنهم المتوسمون في الأرض وهم الذين ذكر الله في كتابه يعرفون الناس بسيماهم ح15

بِالنَّجَاةِ مِمَّا هَلَكَ بِهِ الْغُوَاةُ وَ لَوْ كَانَ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَنَجَتِ الْيَهُودُ مَعَ اعْتِرَافِهَا التَّوْحِيدَ وَ إِقْرَارِهَا بِاللَّهِ وَ نَجَا سَائِرِ الْمُقَرَّبِينَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ مِنْ إِبْلِيسَ فَمَنْ دُونَهُ فِي الْكُفْرِ وَ قَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ ذَلِكَ بِقَوْلِهِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ وَ بِقَوْلِهِ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرُفُؤِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَ لِلْإِيمَانِ حَالَاتٌ وَ مَنَازِلٌ يَطُولُ شَرْحُهَا وَ مِنْ ذَلِكَ أَنَّ الْإِيمَانَ قَدْ يَكُونُ عَلَى وَجْهَيْنِ إِيْمَانٍ بِالْقَلْبِ وَ إِيْمَانٍ بِاللِّسَانِ كَمَا كَانَ إِيْمَانُ الْمُتَافِقِينَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) لَمَّا قَهَرَهُمُ السَّيْفُ وَ شَمَلَهُمُ الْخَوْفُ فَإِنَّهُمْ آمَنُوا بِاللِّسَانِ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ فَالْإِيمَانُ بِالْقَلْبِ هُوَ التَّسَلُّمُ لِلرَّبِّ وَ مَنْ سَلَّمَ الْأُمُورَ لِمَالِكِهَا لَمْ يَسَّ تَكْبِيرَ عَنْ أَمْرِهِ كَمَا اسَّ تَكْبِيرَ إِبْلِيسَ عَنِ السُّجُودِ لِأَدَمَ وَ اسْتَكْبَرَ الْأُمَمُ عَنِ طَاعَةِ أَنْبِيَائِهِمْ فَلَمْ يَنْفَعَهُمُ التَّوْحِيدُ كَمَا لَمْ يَنْفَعِ إِبْلِيسَ ذَلِكَ السُّجُودَ الطَّوِيلُ فَإِنَّهُ سَجَدَ سَجْدَةً وَاحِدَةً أَرْبَعَةَ آلَافٍ عَامٍ لَمْ يَرِدْ بِهَا غَيْرُ رُخْفِ الدُّنْيَا وَ التَّمَكِينِ مِنَ النَّظَرَةِ فَلِذَلِكَ لَا تَنْفَعُ الصَّلَاةُ وَ الصَّدَقَةُ إِلَّا مَعَ الْإِهْتِدَاءِ إِلَى سَبِيلِ النَّجَاةِ وَ طَرِيقِ الْحَقِّ

حدیث 76: از امیر المؤمنین (علیه السلام) در جواب مرد کافری که ادعای تناقض در قرآن می کرد امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: اما آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثَالَ صَالِحَاتٍ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ» (1) و آیه «وَ

إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (2) تمام این ها سودی ندارد مگر با هدایت و هر که به او نام ایمان را بدهند شایسته نجات نخواهد بود از چیزهایی که موجب هلاکت گمراهان شد. اگر چنین بود باید یهودیان نجات می یافتند به واسطه اعترافی که به توحید و اقراری که به خدا دارند و سایر اشخاصی که اقرار به وحدانیت دارند از قبیل شیطان و اشخاص

ص: 565

1- . الانبياء آية 94

2- . طه آية 82

دیگری که از او در کفر پائین ترند. این مطلب را خداوند در این آیه بیان نموده «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (1) و این آیه دیگر «الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ» (2) ایمان دارای حالات و درجاتی است که شرح آن به طول می انجامد. از آن جمله ایمان بر دو وجه است ایمان به قلب و ایمان به زبان. چنانچه منافقین در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همین طور بودند به واسطه نیروی اسلام و ترسی که داشتند با زبان ایمان آوردند ولی در دل ایمان نداشتند. پس ایمان به قلب تسلیم در مقابل خدا است کسی که امور را به خدا واگذارد از دستور او سرپیچی نمی کند چنانچه شیطان از سجده برای آدم (علیه السلام) و بیشتر امت ها از اطاعت پیامبر سرپیچی کردند توحید برای آن ها نفی نداشت چنانچه برای شیطان سودی نبخشید آن سجده های طولانی چون او يك سجده اش چهار هزار سال طول کشید چون او نظری جز رسیدن به موقعیت های مادی و دنیوی و رسیدن به مقام نداشت در نتیجه نماز و صدقه سودی ندارد مگر با هدایت به راه نجات و طریق حق. (3)

حدیث 77: قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَعْظَمُ النَّاسِ حَسْرَةً رَجُلٌ جَمَعَ مَالًا عَظِيمًا بِكَدِّ شَدِيدٍ وَ مُبَاشَرَةً الْأَهْوَالِ وَ تَعَرُّضًا لِأَخْطَارٍ ثُمَّ أَفْنَى مَالَهُ صَدَقَاتٍ وَ مَبْرَاتٍ وَ أَفْنَى شَبَابَهُ وَ قُوَّتَهُ فِي عِبَادَاتٍ وَ صَدَلَمَاتٍ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ لَا يَرَى لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) حَقَّهُ وَ لَا يَعْرِفُ لَهُ مِنَ الْإِسْلَامِ مَحَلَّهُ وَ يَرَى أَنَّ مَنْ لَا يُعَشِّرُهُ وَ لَا يُعَشِّرُ عَشِيرَةَ مَعَشَرِهِ أَفْضَلُ مِنْهُ يُؤَاقِفُ عَلَى الْحُجَّجِ فَلَا يَتَأَمَّلُهَا وَ يَحْتَجُّ عَلَيْهَا بِالآيَاتِ وَ الْأَخْبَارِ فَيَأْتِي إِلَّا تَمَادِيًا فِي غِيَّةِ فَذَلِكَ أَعْظَمُ حَسْرَةً مِنْ كُلِّ مَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ صَدَقَاتُهُ مُمَثَّلَةٌ لَهُ فِي مِثَالِ الْأَفَاعِي تَنْهَشُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ عِبَادَاتُهُ مُمَثَّلَةٌ لَهُ فِي مِثَالِ الرِّبَانِيَّةِ تَتَّبَعُهُ حَتَّى تَدْعَهُ إِلَى جَهَنَّمَ دَعَاً يَقُولُ يَا وَيْلِي أَلَمْ أَكُ مِنَ الْمُصَدِّقِينَ أَلَمْ أَكُ مِنَ الْمُزَكِّينَ أَلَمْ أَكُ عَنِ أَمْوَالِ النَّاسِ وَ نِسَائِهِمْ مِنَ الْمُتَعَفِّفِينَ

ص: 566

1- . الانعام آیه 82

2- . المائدة آیه 41

3- . الإحتجاج على أهل اللجاج للطبرسي ج 1 ص 247 احتجاجه ع على زنديق جاء مستدلا عليه بأي من القرآن متشابهة تحتاج إلى التأويل على أنها تقتضي التناقض و الاختلاف فيه و على أمثاله في أشياء أخرى

فَلَمَّا ذَا ذُهَيْتُ بِمَا ذُهَيْتُ فَيَقَالُ لَهُ يَا شَقِيٌّ مَا نَفَعَكَ مَا عَمِلْتَ وَقَدْ صَدَّيَعْتَ أَعْظَمَ الْفُرُوضِ بَعْدَ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْإِيمَانِ بِنُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) صَنَعْتَ مَا لَزِمَكَ مِنْ مَعْرِفَةِ حَقِّ عَلِيِّ وَلِيِّ اللَّهِ وَ التَّرَمَّتَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ مِنَ الْإِيْتِمَامِ بَعْدُ اللَّهُ فَلَوْ كَانَ لَكَ بَدَلُ أَعْمَالِكَ هَذِهِ عِبَادَةُ الدَّهْرِ مِنْ أَوْلِهِ إِلَى آخِرِهِ وَ بَدَلُ صَدَقَاتِكَ الصَّدَقَةَ بِكُلِّ أَمْوَالٍ

الدُّنْيَا بَلْ بِمِلْءِ الْأَرْضِ ذَهَبًا لَمَا زَادَكَ ذَلِكَ مِنْ

رَحْمَةِ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا وَ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ إِلَّا قُرْبًا.

حدیث 77: امام صادق (علیه السلام) فرمود: اندوهناکترین مردم کسی است که ثروت زیادی را با رنج فراوان و برخورد با هول و هراس های زیاد و خطرهای عظیم جمع کرده باشد بعد این ثروت را در راه صدقه و انفاق در کارهای نیک صرف کند و جوانی و نیروی خود را در عبادت و نماز به پایان رساند اما حقی برای علی بن ابی طالب (علیه السلام) قائل نباشد و موقعیت او را در اسلام نشناسد و چنین بیندارد کسیکه یک دهم و یک دهم از یک دهم های او ارزش و مقام ندارد (و گمان کند که به جز پیامبر کسی هست) که از علی (علیه السلام) بهتر باشد برخورد به براهین می نماید ولی دقت نمی کند با آیات و اخبار بر او استدلال می شود ولی بیشتر در گمراهی خود فرو می رود این چنین شخصی از هر کسی در روز قیامت حسرت و اندوهش بیشتر است. انفاق های او بصورت افعی ها برایش مجسم می شوند و او را می گزند و نمازها و عباداتش بصورت شعله های آتش پیکرش را فرا می گیرند و او را به جهنم می کشند. می گوید: ای وای مگر من نمازخوان نبودم مگر من زکات نمی دادم مگر من از مال و ناموس مردم پرهیز نداشتم چرا چنین گرفتار و مبتلا شده ام. به او می گویند ای بدبخت اعمالت هیچ سودی برایت نخواهد داشت در صورتی که بزرگترین واجب را بعد از توحید و ایمان به پیامبری حضرت محمد (صلي الله عليه و آله) (یعنی ولایت امیرالمومنین (علیه السلام))

را) ضایع کرده باشی. آنچه بر تو لازم بود از معرفت به حق علی (علیه السلام) ولی خدا، نابود کردی و پیرو دشمن خدا شدی که بر تو حرام بود اگر به جای اعمالی که انجام داده ای از اول دنیا تا آخر آن عبادت می کردی و به جای صدقه هایت تمام روی زمین پر از طلا را انفاق می کردی جز فاصله و دور شدن از رحمت خدا چیزی نصیبت نمی شد و پیوسته به خشم خدا نزدیک تر می شدی. (1)

حدیث 78: رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَنَّبرُ مَعَهُ فَرَأَى رَجُلًا قَائِمًا يَصَلِّي فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا رَأَيْتُ رَجُلًا أَحْسَنَ صَلَاةً مِنْ هَذَا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَا قَنَّبرُ فَوَاللَّهِ لَرَجُلٌ عَلَيَّ يَقِينٌ مِنْ وَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِمَّنْ لَهُ عِبَادَةٌ أَلْفَ سَنَةٍ وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ سَنَةٍ وَجَاءَ بِعَمَلِ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ نَبِيًّا مَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ حَتَّى

يَعْرِفَ

وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَإِلَّا أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَيَّ مَنْخَرِيهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ حَدِيث 78: از امام صادق (علیه السلام) از پدر بزرگوارش از جد عزیزش نقل کرد که امیر المؤمنین (علیه السلام) با قنبر در مسجد کوفه به مردی برخوردند که ایستاده و نماز می خواند قنبر گفت یا امیر المؤمنین (علیه السلام) شخصی را ندیده ام که بهتر از این مرد نماز بخواند امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: ای قنبر کسی که یقین به ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام) داشته باشد بهتر است از کسی که هزار سال عبادت کند اگر شخصی هزار سال خدا را عبادت کند و عمل هفتاد و دو پیامبر را انجام دهد خداوند از او نمی پذیرد مگر اینکه عارف به ولایت ما باشد و گر نه او را به صورت در آتش جهنم می افکنند. از رسول خدا (صلي الله عليه و آله) شنیدم که فرمود: یا علی! قسم به آن که مرا به پیامبری برگزید و از تمام مردم برترم نمود اگر بنده ای خدا را هزار سال عبادت کند از او نخواهد پذیرفت مگر

ص: 568

1- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص 40 [سورة الفاتحة(1): آية 5] ح 17

با ولایت تو و ولایت ائمه از فرزندان و ولایت تو پذیرفته نمی شود مگر با بیزاری از دشمنان و دشمنان ائمه از فرزندان این خبر را برایم
جبرئیل (علیه السلام) آورد هرکه مایل

است ایمان آورد و هرکه می خواهد کافر شود. (1)

خویشاوندی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بدون عمل صالح سودی ندارد

حدیث 35: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَيْضِ صَالِحُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ
بْنُ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ أَبِي حَمَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُوسَى بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ: كُنْتُ بِخُرَّاسَانَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى
الرِّضَا (عليه السلام) فِي مَجْلِسِهِ وَزَيْدُ بْنُ مُوسَى حَاضِرٌ قَدْ أَقْبَلَ عَلَيَّ جَمَاعَةٌ فِي الْمَجْلِسِ يَفْتَخِرُونَ عَلَيْهِمْ وَيَقُولُونَ نَحْنُ وَنَحْنُ وَأَبُو الْحَسَنِ (عليه
السلام) مُقْبِلٌ عَلَيَّ قَوْمٌ يُحَدِّثُهُمْ فَسَمِعَ مَقَالََةَ زَيْدٍ فَالْتَمَتَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا زَيْدُ أَغْرَكَ قَوْلُ نَاقِلِي الْكُوفَةِ إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا
عَلَى النَّارِ فَوَلَّى اللَّهُ مَا ذَلِكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَوُلِدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً فَأَمَّا أَنْ يَكُونَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام) يُطِيعُ اللَّهَ وَيَصُومُ نَهَارَهُ وَيَقُومُ
لَيْلَهُ وَتَعْصِيَهُ بِهِ أَنْتَ ثُمَّ تَجِبَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَوَاءً لَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) كَانَ يَقُولُ لِمُحْسِنِنَا كِفْلَانِ
مِنَ الْأَجْرِ وَلِمُسِيئِنَا ضِعْفَانِ مِنَ الْعَذَابِ قَالَ الْحَسَنُ الْوَشَّاءُ ثُمَّ الْتَمَتَ إِلَيَّ فَقَالَ لِي يَا حَسَنُ كَيْفَ تَقْرَأُونَ هَذِهِ الْآيَةَ «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ
أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» فَقُلْتُ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْرَأُ «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ

ص: 569

صالح» وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ (إِنَّهُ عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ) فَمَنْ قَرَأَ «إِنَّهُ عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ» فَقَدْ نَفَاهُ عَنْ أَبِيهِ فَقَالَ كَلَّا لَقَدْ كَانَ ابْنَهُ وَ لَكِنْ لَمَّا عَصَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَفَاهُ عَنْ أَبِيهِ كَذَا مَنْ كَانَ مِنْهُ لَمْ يُطِعِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَيْسَ مِنْهُ وَ أَنْتَ إِذَا أَطَعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَانْتِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ (عليهم السلام).

حدیث 35: حسن بن موسی و شاء بغدادی می گوید: در خراسان در محضر حضرت رضا (علیه السلام) بودم، در محفل ایشان زید بن موسی نیز حضور داشت، زید با گروهی از مجلس سخن گفته و بر آن ها فخر می فروخت و می گفت: ما چنینیم، ما چنانیم. امام (علیه السلام) نیز با گروهی دیگری سخن می گفتند: در این اثنا سخن زید را شنیدند رو به او کرده و فرمودند: ... مگر می شود که موسی بن جعفر (علیه السلام) خدا را اطاعت کند و روزش را با روزه و شبش را با عبادت سپری کند و تو خدا را معصیت نمایی، آن گاه قیامت هر دو در پیشگاه خدا برابر باشید؟ یعنی: تو نزد خداوند متعال از او گرامی تری؟ همانا امام سجاد (علیه السلام) فرمود: پاداش نیکوکاران از خاندان ما دو برابر و کیفر گناه کاران ما نیز دو برابر خواهد بود. حسن و شاء گوید: سپس حضرت رو به من کرده و فرمود: این آیه را چگونه می خوانید؟ «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (1) عرضه داشتیم: برخی از مردم چنین می خوانند «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» و برخی از آنان «إِنَّهُ عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ» می خوانند، پس کسی که «إِنَّهُ عَمِلَ غَيْرُ صَالِحٍ» بخواند در حقیقت او را از پدرش ندانسته. حضرت فرمودند: هرگز چنین نیست، بلکه او فرزندش بود، اما وقتی که خدای را معصیت و نافرمانی نمود، خداوند او را از پدرش ندانست، همچنین است هر که از خانواده ی ما خدا را اطاعت نکند از ما نخواهد بود... (2)

ص: 570

1- . هود آیهی 46.

2- . عیون اخبار الرضا: ج 2 ص 234 باب 58 باب قول الرضا ع لأخیه زید بن موسی حین افتخر علی من فی مجلسه و قوله ع فیمن یشی ء عشرة الشیعة من أهل بینه و یترك المراقبة ح 1.

آن چه آدمی را از ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) خارج می کند

حدیث 36: عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْقَرَاتِيْسِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): الْأَيْمَةُ بَعْدَ نَبِيِّنَا اثْنَا عَشَرَ نَجِيْبًا مُفَهَّمُونَ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ وَاحِدًا أَوْ زَادَ فِيهِمْ وَاحِدًا خَرَجَ مِنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَّلَايَتِنَا عَلَى شَيْءٍ

حدیث 36: عبد العزيز قراتیسی گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: امامان بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دوازده نفر بوده که همه از برگزیدگان و دانش عطا شدگانند، هر که یکی از آن ها را کم و زیاد کند از دین خدا خارج شده و از ولایت ما بهره ای ندارد. (1)

حدیث 37: رُوِيَ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: يَا عَبْدَ الْعَظِيمِ أَبْلِغْ عَنِّي أَوْلِيَائِي السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ أَنْ لَا تَجْعَلُوا لِلشَّيْطَانِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ سَبِيلًا وَ مُرُّهُمْ بِالصَّدَقِ فِي الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ مُرُّهُمْ بِالسُّكُوتِ وَ تَرْكِ الْجِدَالِ فِيمَا لَا يَعْنِيهِمْ وَ إِقْبَالَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَ الْمُرَاوَرَةَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُرْبَةٌ إِلَيَّ وَ لَا يَسْتَعْلَمُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِيْقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا فَإِنِّي آلَيْتُ عَلَيْنَفْسِي أَنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَ اسْحَطَ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي دَعَوْتُ اللَّهَ لِيُعَذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَوْ فِي الْعَذَابِ وَ كَانَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَ عَرَفْتُهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لِمُحْسِبِهِمْ وَ تَجَاوَزَ عَنْ مُسِيئَتِهِمْ إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِي أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي أَوْ أَضْمَرَ لَهُ سُوءًا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْهُ فَإِنْ رَجَعَ عَنْهُ وَ إِلَّا نَزَعَ رُوحَ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ وَ خَرَجَ عَنْ وَّلَايَتِي وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ نُصَيْبٌ فِي وَّلَايَتِنَا وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ

حدیث 37: به روایتی از امام رضا (علیه السلام) که فرمود: ای عبد العظیم! سلام مرا به دوستانم برسان و بگو به آنان که شیطان را بر خود راه ندهند و فرمائشان بده به

ص: 571

راستی در حدیث، و پرداخت سپرده و بگو ترك كنند جدال را و خاموش باشند از آن چه سودی ندارد، و به هم رو آورند و با هم دیدار كنند كه مایه‌ی نزدیکی به من است، و همدیگر را تکه پاره نکنند كه من سوگند خوردم هر كه چنین كند و یکی از دوستانم را به خشم آورد دعا كنم تا خدا او را در دنیا به سختی عذاب كند و در دیگر سرا از زیان كاران باشد، و به آن ها بفهمان كه خدا نيكان را آمرزد و از بدكاران شان درگذرد جز آن كه برایم شریکی آورد، (یعنی در امامت) یا بیازارد یکی از دوستانم را، یا بدی او را در دل گیرد كه خدا او را نیامرزد، تا برگردد و اگر برگشت كه خوب و گر نه ایمان را از دلش بر كند، و از ولایت من بدر شود، و بهره ای از ولایت ما ندارد و پناه به خدا از این وضع. (1)

حدیث 38: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ سَلِيمَانَ الْكُوفِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى (عليه السلام) يَقُولُ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَالِمًا قَادِرًا حَيًّا قَدِيمًا سَمِيعًا بَصِيرًا فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ قَوْمًا يَقُولُونَ إِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَزَلْ عَالِمًا بِعِلْمٍ قَادِرًا بِقُدْرَةٍ وَحَيًّا بِحَيَاةٍ وَقَدِيمًا بِقَدِيمٍ وَ سَمِيعًا بِسَمْعٍ وَبَصِيرًا بِبَصِيرٍ فَقَالَ مَنْ قَالَ بِذَلِكَ وَدَانَ بِهِ فَقَدْ اتَّخَذَ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى وَ لَيْسَ مِنْ وِلَايَتِنَا عَلَى شَيْءٍ ثُمَّ قَالَ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَالِمًا قَادِرًا حَيًّا قَدِيمًا سَمِيعًا بَصِيرًا لِذَاتِهِ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الْمُشْرِكُونَ وَ الْمُشْبِهُونَ

عُلُوًّا كَبِيرًا.

حدیث 38: امام رضا (عليه السلام): همیشه خدای تبارك و تعالی دانا و توانا زنده و قدیم، شنوا و بینا بوده فضل بن سلیمان کوفی گوید: عرضه داشتیم: یا بن رسول الله! مردمی گویند: همیشه خدا دانا است به علم و تواناست به قدرت و زنده است به

ص: 572

حیات و قدیم است به قدم و شنواست به سمع و بیناست به بصر، فرمود: هر که چنین گوید و بدان معتقد باشد با خدا خدایان را دیگر شریک کرده و با ولایت، ماسر و کاری ندارد سپس فرمود: همیشه خدا به ذات خود دانا توانا زنده و قدیم و شنوا و بیناست و برتر است از آن چه مشرکان و مشبهه گویند بی اندازه. (1)

حدیث 39: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ الْهَجَرِيِّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ قَالَ لَهُ سَبْعُ حُقُوقٍ وَاجِبَاتٍ مَا مِنْهُنَّ حَقٌّ إِلَّا وَهُوَ عَلَيْهِ وَاجِبٌ إِنْ ضَيَّعَ مِنْهَا شَيْئاً خَرَجَ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَطَاعَتِهِ وَلَمْ يَكُنْ لِلَّهِ فِيهِ مِنْ نَصِيْبٍ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هِيَ قَالَ يَا مُعَلَّى إِنِّي عَلَيْكَ شَفِيقٌ أَخَافُ أَنْ تُضَيِّعَ وَلَا تَحْفَظَ وَ تَعْلَمَ وَلَا تَعْمَلُ قَالَ قُلْتُ لَهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ أَيْسَرُ حَقٌّ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَ الْحَقُّ الثَّانِي أَنْ تَجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَ تَتَّبِعَ مَرَضَاتَهُ وَ تُطِيعَ أَمْرَهُ وَ الْحَقُّ الثَّلَاثُ أَنْ تُعِينَهُ بِنَفْسِكَ وَ مَالِكَ وَ لِسَانِكَ وَ يَدِكَ وَ رِجْلِكَ وَ الْحَقُّ الرَّابِعُ أَنْ تَكُونَ عَيْنَهُ وَ دَلِيلَهُ وَ مِرَاتَهُ وَ الْحَقُّ الْخَامِسُ لَا تَسْبَعُ وَ يَجُوعُ وَ لَا تَرَوِي وَ يَطْمَأُ وَ لَا تَلْبَسُ وَ يَعْرِى وَ الْحَقُّ السَّادِسُ أَنْ يَكُونَ لَكَ خَادِمٌ وَ لَيْسَ لِأَخِيكَ خَادِمٌ فَوَاجِبٌ أَنْ تَبْعَثَ خَادِمَكَ فَيَغْسِلَ ثِيَابَهُ وَ يَصْنَعَ طَعَامَهُ وَ يَمْهَدَ فِرَاشَهُ وَ الْحَقُّ السَّابِعُ أَنْ تُبَرِّقَسَمَهُ وَ تُحِيبَ دَعْوَتَهُ وَ تَعُودَ مَرِيضَهُ وَ تَشْهَدَ جَدَازَتَهُ وَ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ حَاجَةً تَبَادِرُهُ إِلَى قَضَائِهَا وَ لَا تُلْجِئُهُ أَنْ يَسْأَلَكَهَا وَ لَكِنْ تَبَادِرُهُ مُبَادِرَةً فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَ لَا يَتَكَ بِوَلَايَتِهِ وَ وَلَا يَتَهُ بِوَلَايَتِكَ

ص: 573

حدیث 39: به سندش تا معلی بن خنیس که گفتیم: به امام ششم (علیه السلام) حقّ مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود: هفت حقّ لازم که هر کدام بر او واجبند و اگر یکی را هم نادیده گیرد از ولایت و طاعت خدا به در شود، و خدا را از او بهره بندگی نباشد، عرضه داشتیم: قربانت آن ها چیستند؟ فرمود: ای معلی من بر تو نگرانم می ترسم. نادیده گیری و منظور نداری بدانی و به کار نبندی، گفتم: لا قوه الا بالله.

فرمود: کمترین آن ها این که به خواهی برایش هرچه برای خود خواهی و بد داری برایش هرچه برای خود بد داری. و حقّ دوم: این که کناره کنی از خشم او و دنبال رضایش باشی و فرمانش را ببری. حقّ سوم: این که با جان و مال و زبان و دست و پایت به او کمک کنی. حقّ چهارم: این که چشم او باشی، رهنمای او باشی و آئینه ای نمودار او باشی. حقّ پنجم: این که سیر نباشی و او گرسنه، و سیراب نباشی و او تشنه و تن پوشیده نباشی و او برهنه. حقّ ششم: این که اگر خدمت کار داری و او ندارد باید خدمت کارت را بفرستی تا جامه اش را بشوید و خوراکش را بسازد و بسترش را بگسترده. حقّ هفتم: این که سوگندش انجام دهی، و دعوتش بپذیری، و بیمار شد عیادتش کنی و بر سر مرده او حاضر شوی و چون بدانی نیازی دارد به انجام آن پیش دستی کنی و او را وانداری تا آن را از تو خواهش کند ولی زود پیش دستی کن، و چون چنین کردی ولایت خود را به ولایت او وابستی و ولایت او را به ولایت خودت. (1)

حدیث 40: عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ وَاللَّهِ إِنْ أَحَبَّ أَحَدٌ حَاجِبِي إِلَيَّ أَوْرَعَهُمْ وَأَفْقَهُهُمْ وَأَكْتَمَهُمْ لِحَدِيثِنَا وَإِنْ أَسْوَأَهُمْ عِنْدِي حَالًا وَأَمَقَّتَهُمُ الَّذِي إِذَا سَمِعَ الْحَدِيثَ يُنْسَبُ إِلَيْنَا وَيُرْوَى عَنَّا فَلَمْ يَقْبَلْهُ أَشْمَازَ مِنْهُ وَجَحَدَهُ وَكَفَّرَ مَنْ دَانَ بِهِ وَهُوَ لَا يَدْرِي لَعَلَّ الْحَدِيثَ مِنْ عِنْدِنَا خَرَجَ وَإِلَيْنَا أُسْنِدَ فَيَكُونُ

ص: 574

بِذَلِكَ خَارِجاً مِنْ وَلَايَتِنَا * حدیث 40: به خدا سوگند محبوبترین اصحابم نزد من پرهیزگارترین و فقیه ترین آنان در دین و راز نگه دارترین آنها نسبت به حدیث ماست و بدترین و مبعوض ترین آنها در نزد من کسی است که چون حدیثی را بشنود، که به ما نسبت داده و از ما روایت کنند آن را نپذیرید و بدش آید و انکار ورزد و هر که را به آن معتقد باشد تکفیر کند با اینکه نمی داند، شاید حدیث از ما باشد و به ما مستند باشد و به این سبب از ولایت ما بیرون رود. (1)

شرح و تفسیر: به قول خدای تعالی «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّابَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (2) (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است. کسانی [هم] که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبرانشان را] تکذیب کردند.) پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است. و دلالت دارد بر این که جائز نیست انکار اخبار و احادیثی که از ایشان به ما رسیده اگر چه عقل ما به آن نرسد. بلکه باید آن به خود آن بزرگواران ارجاع داد تا آنرا توضیح دهند که تا ظهور حضرت قائم این امر برایمان ممکن نیست.

حدیث 41: عَنْ أَبِي عُمَرَ، عَنْ أَحْمَدَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ بُرَيْدٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ بُرَيْدِ الطَّائِيِّ، عَنْ سَعْدِ بْنِ صَارِمٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ رُشَيْدٍ، عَنْ حَبَّةِ الْعُرْنِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ: قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ نَحْنُ النُّجَبَاءُ وَ أَفْرَاطُنَا أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ حِزْبُنَا حِزْبُ اللَّهِ وَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ سَاوَى بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ فَلَيْسَ مِنَّا

ص: 575

1- . الكافي ج 2 ص 223 باب الكتمان ح 7

2- . يونس آية 39

حدیث 41: حبه عرنی گفت: از امیرالمؤمنین (علیه السلام) شنیدم می فرمود: ما نجائیم و فرزندان ما فرزندان انبیائند، حزب ما حزب خدا و گروه ستم پیشه حزب شیطانند، هرکه بین ما و آن ها برابری قائل باشد از ما نیست. (1)

دین مورد قبول خداوند

حدیث 42: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ دَاوُدَ عَنْ يُونُسَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَصِفْ لَكَ دِينِي الَّذِي أَدِينُ اللَّهُ بِهِ فَإِنْ أَكُنْ عَلَى حَقٍّ فَتَبِّئْنِي وَإِنْ أَكُنْ عَلَى غَيْرِ الْحَقِّ فَرُدَّنِي إِلَى الْحَقِّ قَالَتْ هَاتِ هَاتِ قَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) كَانَ إِمَامِي وَأَنَّ الْحَسَنَ (عليه السلام) كَانَ إِمَامِي وَأَنَّ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) كَانَ إِمَامِي وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) كَانَ إِمَامِي وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) كَانَ إِمَامِي وَأَنَّ جُعَلْتُ فِدَاكَ عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِكَ قَالَ فَقَالَ عِنْدَ ذَلِكَ مِرَارًا رَحِمَكَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ وَدِينُ مَلَائِكَتِهِ وَدِينِي وَدِينُ آبَائِي الَّذِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ غَيْرَهُ

حدیث 42: یوسف گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: می خواهم دین خود را برای شما شرح دهم تا دینی که مورد رضایت خدا باشد داشته باشم، اگر عقائد من درست باشد در آن ثابت بمانم و اگر درست نیست مرا به حق هدایت کنید. امام (علیه السلام) فرمود: عقیده ات را بیان کن، گفتم: شهادت دهم خدا یکی است و شریکی ندارد، محمد (صلي الله عليه وآله) بنده و رسول او باشد، علی (علیه السلام)، حسن (علیه السلام)، حسین (علیه السلام) و علی بن حسین (علیه السلام) و محمد بن علی (علیه السلام) امام می باشند. بعد از آن گفت: قربانت گردم شما هم

ص: 576

بر طریق پدران گام برمی داری و همان راه را ادامه می دهی، امام (علیه السلام) چند بار فرمود: خدا تو را رحمت کند، و بعد گفتند: به خدا سوگند این ها که گفتی دین خدا و فرشتگان و دین من باشد و خدا جز آن را قبول نفرماید. (1)

حدیث 43: عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبَرَنِي عَنِ الدِّينِ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ مَا لَا يَسْعُهُمْ جَهْلُهُ وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُمْ غَيْرَهُ مَا هُوَ فَقَالَ أَعْرَدَ عَلِيٌّ فَأَعَادَ عَلَيْهِ فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَحُجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ سَكَتَ قَلِيلًا ثُمَّ قَالَ وَالْوَلَايَةُ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ قَالَ هَذَا الَّذِي فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ لَا يَسَّ أَلَّ الرَّبُّ الْعِبَادَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقُولُ أَلَا زِدْتَنِي عَلَى مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْكُمْ وَلَكِنْ مَنْ زَادَ زَادَهُ اللَّهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ سَنَّ سَنَّا حَسَنَةً جَمِيلَةً يَنْبَغِي لِلنَّاسِ الْأَخْذُ بِهَا.

حدیث 43: ابوبصیر گفت: خدمت امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: قربانت گردم از دینی که خدا بر بندگان واجب کرده و همه باید به آن اعتقاد پیدا کنند و غیر از آن دین دیگری از آن ها پذیرفته نیست، و باید همه آن را یاد گیرند، ما را خبر دهید، امام (علیه السلام) فرمود: بار دیگر گفته های خود را تکرار کن او هم تکرار کرد. امام (علیه السلام) فرمود: شهادت بر وحدانیت خدا، و رسالت محمد (صلي الله عليه وآله)، برپاداشتن نماز، اداء زکات، حج خانه برای کسی که استطاعت دارد، روزه ماه رمضان، سپس مدتی سکوت کرده و بار دیگر فرمودند: و ولایت ما این گفته را دوبار تکرار کردند. بعد از این امام (علیه السلام) فرمود: این ها هستند آن چه را که خدا بر بندگان واجب گردانیده و قیامت اگر کسی آن ها را انجام داده باشد مورد بازخواست قرار نخواهد گرفت، و

ص: 577

اگر زیادتیر از واجب هم انجام ندهد مورد سؤال قرار نگیرد، ولی هر که کارهای زیادتیری انجام دهد خدا همزیادتیر به او دهد، و رسول خدا(صلي الله عليه و آله) هم سنت هائی را گذاشته که باید آن ها را انجام داد.(1)

حدیث 44: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ حَرِيزِ بْنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ قَالَ: قُلْتُ مَا أَذْنَى مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ قَالَ الرَّأْيُ يَرَاهُ مُخَالِفًا لِلْحَقِّ فَيَقِيمُ عَلَيْهِ

حدیث 44: ابوالربیع گوید: از امام(علیه السلام) پرسیدم چه کلماتی مرد را از ایمان خارج می گرداند؟ فرمود: هر گاه نظریه ای داد و آن نظریه بر خلاف حق بود اگر او در اجرای آن کوشش کند از ایمان بیرون شود.(2)

وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَعَا رَسُولُ اللَّهِ أَبَا ذَرٍّ وَ سَلْمَانَ وَ الْمِقْدَادَ فَقَالَ لَهُمْ تَعْرِفُونَ شَرَائِعَ الْإِسْلَامِ وَ شُرُوطَهُ قَالُوا نَعْرِفُ مَا عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَالَ هِيَ وَ اللَّهُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى أَشْهُدُونِي عَلَى أَنْفُسِكُمْ «وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا»(3) وَ مَلَائِكَتُهُ عَلَيْكُمْ بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا لَا شَرِيكَ لَهُ فِي سُلْطَانِهِ وَ لَا نَظِيرَ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ بَعَثَنِي بِالْحَقِّ وَ أَنَّ الْقُرْآنَ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَ حَكَمٌ عَدْلٌ وَ أَنَّ الْقِبْلَةَ قِبْلَتِي شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ لَكُمْ قِبْلَةٌ وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَوْلَاهُمْ وَ أَنَّ حَقَّهُ مِنَ اللَّهِ مَفْرُوضٌ وَاجِبٌ وَ طَاعَتُهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ وَ أَنَّ مَوَدَّةَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَفْرُوضَةٌ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مَعَ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ لَوْفَتِهَا وَ إِخْرَاجِ الزَّكَاةِ مِنْ حِلِّهَا وَ

ص: 578

1- . الكافي ج 2 ص 22 باب دعائم الإسلام ح 11

2- . معاني الأخبار ص 393 باب نوادر المعاني ح 42

3- . [3]. النساء آية 79

وَضَعَهَا فِي أَهْلِهَا وَإِخْرَاجِ الْخُمْسِ مِنْ كُلِّ مَا يَمْلِكُهُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ حَتَّى يَرْفَعَهُ إِلَى وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَأَمِيرِهِمْ وَبَعْدَهُ [إِلَى] وَوَلَدِهِ فَمَنْ عَجَزَ وَ
 لَمْ يَقْدِرْ إِلَّا عَلَى الْيَسِيرِ مِنَ الْمَالِ فَلْيُدْفَعْ ذَلِكَ إِلَى الضَّعِيفِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ وُلْدِ الْأَيْمَةِ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَشِيعَتِهِمْ مِمَّنْ لَا يَأْكُلُ بِهِمُ النَّاسُ وَ
 لَا يُرِيدُ بِهِمْ إِلَّا اللَّهَ وَمَا وَجَبَ عَلَيْهِمْ مِنْ حَقِّي وَالْعَدْلِ فِي الرَّعِيَّةِ وَالْقَسَمِ بِالسُّوِيَّةِ وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَأَنَّ حُكْمَ الْكِتَابِ عَلَى مَا عَمِلَ عَلَيْهِ
 أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْفَرَائِضَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَأَحْكَامِهِ وَإِطْعَامِ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ وَحِجَابِ الْبَيْتِ وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ
 غُسْلِ الْجَنَابَةِ وَالْوُضُوءِ الْكَامِلِ عَلَى الْوَجْهِ وَالْيَدَيْنِ وَالذَّرَاعَيْنِ إِلَى الْمِرْفَقِ وَالْمَسْحِ عَلَى الرَّأْسِ وَالْقَدَمَيْنِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ لَا عَلَى خُفٍّ وَلَا
 عَلَى خِمَارٍ وَلَا عَلَى عِمَامَةٍ وَالْحُبِّ لِأَهْلِ بَيْتِي فِي اللَّهِ وَحُبِّ شَيْعَتِهِمْ لَهُمْ وَالْبُغْضِ لِأَعْدَائِهِمْ وَبُغْضِ مَنْ وَالَاهُمْ وَالْعَدَاوَةِ فِي اللَّهِ وَلَهُ وَ
 الْأَيْمَةِ إِنْ بِالْقَدْرِ خَيْرُهُ وَشَرُّهُ وَحُلُوهُ وَرُؤْيُهُ وَ عَلَى أَنْ تُحَلَّلُوا حَلَالَ الْقُرْآنِ وَتُحَرِّمُوا حَرَامَهُ وَتَعْمَلُوا بِالْأَحْكَامِ وَتُرَدُّوا الْمُسْتَشَابِهِ إِلَى أَهْلِهِ فَمَنْ
 عَمِيَ عَلَيْهِ مِنْ عَمَلِهِ شَيْءٌ لَمْ يَكُنْ عِلْمَهُ مِنِّي وَلَا سَمِعَهُ فَعَلَيْهِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ قَدْ عَلِمَ كَمَا قَدْ عَلِمْتُهُ وَظَاهِرُهُ وَبَاطِنُهُ وَ مُحْكَمُهُ وَ
 مُتَشَابِهُهُ وَهُوَ يُقَاتِلُ عَلَى تَأْوِيلِهِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى تَنْزِيلِهِ وَ مَوْلَاةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ الْأَيْمَةِ خَاصَّةً مُوَالَاةً مِنْ وَالَاهُمْ وَ شَايِعَهُمْ وَ
 الْبِرَاءَةَ وَ الْعَدَاوَةَ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَ شَاقَّهُمْ كَعَدَاوَةِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ الْبِرَاءَةَ مِمَّنْ شَايَعَهُمْ وَ تَابَعَهُمْ وَ الْإِسَاءَةَ بِتَقَامَةِ عَلَى طَرِيقِ الْإِمَامِ وَ اعْلَمُوا أَنِّي
 لَا أَقْدِمُ عَلَى عَلِيٍّ أَحَدًا فَمَنْ تَقَدَّمَ فَهُوَ ظَالِمٌ وَ الْبَيْعَةُ بَعْدِي لِغَيْرِهِ ضَلَالَةٌ وَ فُلْتَةٌ وَ

زَلَّةَ الْأَوَّلِ ثُمَّ الثَّانِي ثُمَّ الثَّلَاثِ وَوَيْلٌ لِلرَّابِعِ ثُمَّ الْوَيْلُ لَهُ وَوَيْلٌ لَهُ وَوَيْلٌ لَهُ وَوَيْلٌ لَهُ وَوَيْلٌ لَهُمْ لَا يَصَاحِبِيهِمَا لَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ فَهَذِهِ شُرُوطُ الْإِسْلَامِ وَمَا بَقِيَ أَكْثَرُ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَقَبَلْنَا وَصَدَّقْنَا وَنَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ وَنَسْتَهْدُكَ عَلَى أَنْفُسِنَا بِالرِّضَا بِهِ أَبَدًا حَتَّى تَقْدَمَ عَلَيْكَ آمِنًا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَرَضِينَا بِهِمْ أَيْمَةً وَهَدَاةً وَمَوَالِيَّ قَالَ وَأَنَا مَعَكُمْ شَهِيدٌ ثُمَّ قَالَ نَعَمْ وَتَسْتَهْدُونَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَهِيَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْخَلَائِقِ حَتَّى أَدْخُلَهَا قَالُوا نَعَمْ قَالَ تَسْتَهْدُونَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَهِيَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ حَتَّى يَدْخُلَهَا أَعْدَاءُ أَهْلِ بَيْتِي وَالتَّاصِبُونَ لَهُمْ حَرْبًا وَعَدَاوَةً وَلَا عِنْهُمْ وَمُبْغِضُهُمْ وَقَاتِلُهُمْ كَمَنْ لَعَنِي أَوْ أَبْغَضَنِي أَوْ قَاتَلَنِي هُمْ فِي النَّارِ قَالُوا شَهِدْنَا وَعَلَى ذَلِكَ أَقْرَبْنَا قَالَ وَتَسْتَهْدُونَ أَنَّ عَلِيًّا صَاحِبُ حَوْضِي وَالدَّائِدُ عَنْهُ وَهُوَ قَسِيمُ النَّارِ يَقُولُ ذَلِكَ لِكَ فَاقْبِضِيهِ دَمِيمًا وَهَذَا لِي فَلَا تَقْرَبِيهِ فَيَنْجُو سَلِيمًا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى ذَلِكَ وَنُؤْمِنُ بِهِ قَالَ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ شَهِيدٌ.

حضرت صادق(علیه السلام) در حدیث دیگری فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) ابوذر و سلمان و مقداد را نزد خود دعوت کردند و به آنها گفتند: شما احکام اسلام و شرائط آن را می شناسید، آنها گفتند: ما آن را می شناسیم که خدا و رسول او به ما گفته اند. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: احکام و شرایع اسلام زیادتیر از آن است که احصاء گردد، شما مرا برای خود گواه بگیرید اگر چه خداوند خود شاهد است و از دیگران کفایت می کند، و فرشتگان هم به این گفته ها گواه هستند. شما گواهی دهید که خداوند شریک و نظیر و همتایی ندارد، در حکومت و ربوبیت برای او شریک و مانند نیست، و به رسالت من هم گواهی دهید که خداوند مرا براستی برانگیخت، و شهادت بر اینکه قرآن رهبر مردم از طرف خداوند می باشد، و او به عدالت حکم می کند، و قبله من و شما هم

مسجد الحرام می باشد. شهادت دهید بر اینکه علی بن ابی طالب (علیه السلام) امیر مؤمنان و وصی محمد (صلی الله علیه و آله) می باشد، و اینکه رهبر و پیشوای مردم هست و حقش از طرف خداوند بر مردم واجب است، اطاعت او اطاعت از خدا و رسول می باشد و امامان هم از فرزندان او می باشند. دوستی خاندان او واجب است و هر مؤمن و مؤمنه ای باید آنها را دوست بدارد و از آنها اطاعت کند، باید نماز را در وقت خود اداء کنید، و زکاة مال حلال خود را بدهید، و آن را در جایی که خداوند معین کرده خرج کنید. باید خمس مال خود را از دارائی بیرون کنید و آن را به سرپرست مؤمنان بدهید، و هر که قدرت و توانائی زیاد ندارد و مال او اندک می باشد باید به اندازه وسعش به ضعیفان اهل بیت من بدهد و اگر به آنها هم دسترسی پیدا نکرد به شیعیان آنها پردازد. باید متوجه باشند به کسانی خمس بدهند که آل محمد (صلی الله علیه و آله) را وسیله زندگی خود قرار نداده باشند و فقط برای رضای خداوند به آنها بدهند و حق مرا اداء نمایند، باید متوجه باشید که در میان مردم با عدالت رفتار کنید و در تقسیم مساوات را رعایت نمائید و حق را بگوئید و عمل نمائید.

حکم کتاب همان است که امیر مؤمنان (علیه السلام) به آن عمل می کند، واجبات را باید طبق کتاب خدا و احکام آن عمل نمائید، به نیازمندان طعام بدهید و گرسنگان را سیر کنید، حج خانه خدا را به جای آورید، و در راه او جهاد کنید، ماه رمضان روزه بگیرید و از جنابت غسل کنید. وضوء را کامل انجام دهید، دست و صورت را تا مرفق بشوئید، سر و پاها را مسح کنید، بر کفش و یا روسری و یا عمامه مسح نکنید، اهل بیت مرا برای خدا دوست بدارید و شیعیان را برای اهل بیت دوستدارید، با دشمنان آنها دشمنی کنید و با دوستان دشمنان اهل بیت محبت نکنید. باید دشمنی با مخالفان برای خدا باشد، به مقدرات ایمان بیاورید چه خوب باشد و یا بد و تلخ باشد یا شیرین، باید حلال قرآن را حلال بدانید و حرام آن را حرام تلقی کنید، احکام دین

را فراگیرید و از متشابهات دوری کنید و آن را به اهلش برگردانید. هر که در موضوعی به مشکلی برخورد و راهی برای او باز نشد و از من هم در آن مورد چیزی نرسیده بود باید به علی بن ابی طالب (علیه السلام) مراجعه کنند، زیرا من همه چیز را به او تعلیم داده ام، او ظاهر و باطن همه چیز را می داند و محکم و متشابه را درک می کند.

علی (علیه السلام) در تائیل و تفسیر قرآن جنگ می کند همان گونه که من در تنزیل قرآن جنگ کردم، شما باید با دوستان محمد (صلی الله علیه و آله) و ذریه اش دوستی کنید و مخصوصا با امامان از اهل بیت موالات داشته باشید و با دوستان و پیروان آنها هم دوستی نمائید.

با کسانی که نسبت به آل محمد (صلی الله علیه و آله) کینه دارند و با آنها در جنگ و نزاع هستند محبت نداشته باشید و از آنها تبری کنید، و با آنها مانند عداوت با شیطان عمل نمائید و از دوستان و پیروان آنها هم دوری کنید و در این راه پایدار و مستقیم باشید. بدانید من کسی را به علی (علیه السلام) مقدم نمی دارم هر که شخصی را بر علی (علیه السلام) مقدم بدارد او ظالم است، و بعد از من بیعت با او روا نیست و هر که چنین کند گمراه می باشد، همه کسانی که قبل از او سر کار آمدند و از مردم بیعت گرفتند از اول تا آخر همه بر باطل هستند و خداوند آنها را مورد رحمت قرار نخواهد داد.

اینها بودند شرائط اسلام و چیزهای دیگری هم هست، آنها گفتند: ما شنیدیم و قبول کردیم، و از گفتار شما اطاعت می کنیم، و جان ما به این سخنان گواهی می دهد و مابه نهان و آشکار آنها ایمان آوردیم، و از آنها به عنوان امام خوشنود هستیم و آنها را راهنما و رهبران خود می دانیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: من بر این گفته ها گواه هستم، بعد از آن فرمود: بهشت حق است و ورود به بهشت برای همه قبل از ورود من حرام است، بعد از آن فرمود: باید بر وجود دوزخ گواهی دهید و تا دشمنان خاندان من وارد آنجا نشوند کسی وارد آنجا نخواهد شد. کسی که با اهل بیت من دشمنی کند و با آنها به جنگ پردازد، و یا آنها را ناسزا گوید و یا بغض آنان را بگیرد، مانند کسی

است که مرا ناسزا گوید و مرا دشمن بدارد و یا با من جنگ کند، آنها گفتند: یا رسول الله به این ایمان آوردیم و اقرار نمودیم. بعد از این فرمود: گواهی دهید که علی (علیه السلام) روز قیامت صاحب حوض من خواهد بود، و افرادی را از آنجا دور می کند و راه نمی دهد، او با آتش دوزخ مردم را با هم تقسیم می کنند، علی (علیه السلام) می گوید: این مال من و این هم مال تو دوستان او سالم رها می گردند، گفتند: به این هم ایمان آوردیم، فرمود: من هم گواهی می دهم. (1)

و بهذا الإسناد عن موسى بن جعفر عن أبيه قال: لما هاجر النبي (صلي الله عليه وآله) إلى المدينة و حضر خروجه إلى بدر دعا الناس إلى البيعة فبايع كلهم على السمع والطاعة وكان رسول الله (صلي الله عليه وآله) إذا خلا دعا علياً فأخبره بمن يبي منهم و من لا يبي و يسأله كتمان ذلك ثم دعا رسول الله (صلي الله عليه وآله) علياً و حمزة و فاطمة فقال لهم بايعوني ببيعة الرضا فقال حمزة بأبي أنت و أمي على ما تبايع أليس قد بايعنا فقال يا أسد الله و أسد رسوله تبايع لله و لرسوله بالوفاء و الإسناد يتقامة لابن أخيك إذن تسي تكمل الإيمان قال نعم سمعاً و طاعة و بسط يده فقال لهم يد الله فوق أيديهم علي أمير المؤمنين و حمزة سيد الشهداء و جعفر الطيار في الجنة و فاطمة سيده نساء العالمين و السبطان الحسن و الحسين سيدا شباب أهل الجنة هذا شرط من الله على جميع المسلمين من الجنو الإنس أجمعين فمن نكث فإتما ينكث على نفسه و من أوفى بما عاهد الله فسيؤتيه أجراً عظيماً ثم قرأ «إن الذين يبايعونك إنما يبايعون الله» قال و لما كانت الليلة التي أصيب حمزة في يومها دعا رسول الله فقال يا حمزة يا عم رسول الله يوشك أن تغيب غيبة بعيدة فما تقول لو ورتدت على الله تبارك و تعالى و سألك عن شرايع

ص: 583

الإسلام وشرائط الإيمان فبكى حمزة فقال بأبي أنت و أمي أرشدني و فهمني فقال يا حمزة تشهد أن لا إله إلا الله مخلصاً و أني رسول الله بعثني بالحق قال حمزة شهدته قال و أن الجنة حق و أن النار حق و أن الساعة آتية لا ريب فيها و أن الصراط حق و الميزان حق و من يعمل مثقال ذرة خيراً يره و من يعمل مثقال ذرة شراً يره و فريقتي في الجنة و فريقتي في السعير و أن علياً أمير المؤمنين قال حمزة شهدته و أقررت و آمنت و صدقت و قال الأئمة من ذريته الحسن و الحسين و الإمامة في ذريته قال حمزة آمنت و صدقت و قال و فاطمة سيدة العالمين قال نعم صدقت قال و حمزة سيد الشهداء و أسد الله و أسد رسوله و عم نبيه فبكى حمزة حتى سقط على وجهه و جعل يقبل عيني رسول الله و قال جعفر ابن أخيك طياراً في الجنة مع الملائكة و أن محمداً و آله خير البرية تؤمن يا حمزة بسرهم و علانيتهم و ظاهرهم و باطنهم و تحيا على ذلك و تموت و توالي من و آلهم و تعادي من عاداهم قال نعم يا رسول الله أسد الله و أسد هديك و كفى بالله شهيداً فقال رسول الله صدك الله و وفقتك

حضرت صادق (عليه السلام) فرمود: رسول خدا (صلي الله عليه و آله) از مکه هجرت کردند و وارد مدینه شدند، و هنگامی که جنگ بدر فرا رسید و خواستند به طرف بدر بروند مردم را برای بیعت دعوت کردند و همگان بعنوان فرمان برداری از رسول (صلي الله عليه و آله) بیعت نمودند.

رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) در نهان به علی (عليه السلام) گفتند: چه کسانی و فاء به عهد می کنند و چه اشخاصی خیانت خواهند کرد و دستور دادند این سخن مخفی بماند، بعد از آن علی (عليه السلام) و حمزه و فاطمه را خواستند و به آنها فرمودند: با من به رضایت بیعت کنید. حمزه گفت: پدر و مادرم فدایت باد ما چرا بیعت کنیم مگر ما قبلاً بیعت نکرده ایم،

فرمود: ای شیر خدا و رسول، با خدا و رسول باوفا و پایمردی بیعت نمائید، تا ایمان شما کامل شود حمزه گفت: آری سخن شما را می شنوم و اطاعت می کنم و بیعت می نمایم. حمزه دست خود را به طرف حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) آورد، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: دست خداوند بالایی دست آنها قرار دارد، اینک علی(علیه السلام) امیر مؤمنان، حمزه سید الشهداء و جعفر طیار در بهشت، فاطمه سیده زنان عالم، و حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) که دو سبط و سید جوانان اهل بهشت می باشند. خداوند برای همه مسلمانان از جن و انس این شرط را قرار داده و از آنها پیمان گرفته است، اینک هر که بخواهد نقض عهد کند بر خود ظلم کرده است و هر که به عهد خود وفا کند و پیمان خود را با خدا محفوظ بدارد خداوند به او اجر بزرگی می دهد. بعد این آیه شریفه را تلاوت کردند «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ»^[1] امام(علیه السلام) فرمود: در شبی که روزش حمزه به شهادت رسید رسول خدا(صلی الله علیه و آله) او را نزد خود دعوت کرد و گفت: ای حمزه ای عموی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شما به این زودی غیبتی طولانی خواهید داشت، اگر وارد بر خداوند متعال شدی و از تو احکام شرع را سؤال کرد و یا از شرائط ایمان مورد پرسش قرار گرفتی چه می گوئی او در این هنگام گریه کرد و عرضه داشت: پدر و مادرم فدایت باشند مرا راهنمایی کنید و ارشاد فرمائید. فرمود: ای حمزه! به وحدانیت خدا و رسالت من گواهی بده، حمزه عرضه داشت: گواهی می دهم، فرمودند: بهشت و دوزخ هستند، و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، صراط و میزان حقیقت دارند، جماعتی هم در دوزخ خواهند بود و علی(علیه السلام) هم امیر مؤمنان می باشند. حمزه عرضه داشت: بر این ها هم گواهی می دهم و اقرار و ایمان دارم، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: امامان از ذریه او حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) و سایر امامان از فرزندان حسین(علیه السلام) می باشند، حمزه عرضه داشت: این را هم گواهی می دهم، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: فاطمه سیده زنان عالم است حمزه عرضه داشت: به

ص: 585

این هم ایمان دارم. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: حمزه هم سید الشهداء و شیر خدا و رسول و عمویش می باشد، در این هنگام حمزه گریه کرد و بر زمین افتاد، و بعد دیدگان حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) را بوسیدن گرفت. رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: جعفر(علیه السلام) فرزند برادرت در بهشت با فرشتگان پرواز می کند، و محمد(صلی الله علیه و آله) و آل او بهترین آدمیان هستند، ای حمزه! باید به نهران و آشکار آنها ایمان بیاوری، و به ظاهر و باطن آنها اعتقاد پیدا کنی. ای حمزه! باید به این اعتقاد زندگی کنی و با این عقیده از جهان بروی، باید دوستان آنها را دوست بداری و با دشمنان آنها دشمنی کنی، گفت: آری یا رسول الله! خدا و شما را گواه می گیرم، و این خود کفایت می کند، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند شما را ثابت قدم بدارد. (1)

جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ أَبِي الْيَسَعِ، قَالَ، قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ حَدَّثَنِي عَنْ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ الَّتِي بَنَى عَلَيْهَا، وَلَا يَسَعُ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ تَقْصِيرٌ عَنْ شَيْءٍ مِنْهَا، الَّذِي مَنْ قَصَّرَ عَنْ مَعْرِفَةِ شَيْءٍ مِنْهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ دَيْنُهُ وَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ عَمَلُهُ، وَمَنْ عَرَفَهَا وَعَمِلَ بِهَا صَلَحَ دِينُهُ وَقُبِلَ مِنْهُ عَمَلُهُ، وَلَمْ يَضِقْ بِهِ مَا فِيهِ بِجَهْلِ شَيْءٍ مِنَ الْأُمُورِ جَهْلُهُ قَالَ، فَقَالَ شَهَادَةُ إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْإِيمَانُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ الزَّكَاةَ وَالْوَلَايَةَ شَيْءٌ دُونَ شَيْءٍ، فَضَلُّ يُعْرِفُ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» وَكَانَ عَلِيٌّ (عليه السلام) وَقَالَ الْآخَرُونَ لَا بَلْ مُعَاوِيَةُ، وَكَانَ حَسَنٌ (عليه السلام) ثُمَّ كَانَ حُسَيْنٌ (عليه السلام) وَقَالَ الْآخَرُونَ هُوَ يَرِيدُ بَنِي مُعَاوِيَةَ لَا سِوَاهُ، ثُمَّ قَالَ أَزِيدُكَ قَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ زِدْهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ! قَالَ: ثُمَّ كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ كَانَ

ص: 586

أَبُو جَعْفَرٍ، وَكَانَتِ الشَّيْعَةُ قَبْلَهُ لَا يَعْرِفُونَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ إِلَّا مَا تَعَلَّمُوا مِنَ النَّاسِ، حَتَّى كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ فَتَحَّ لَهُمْ وَبَيَّنَّ لَهُمْ وَعَلَّمَهُمْ، فَصَارُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ بَعْدَ مَا كَانُوا يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمْ، وَالْأَمْرُ هَكَذَا يَكُونُ، وَالْأَرْضُ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِإِمَامٍ، وَمَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً، وَأَحْوَجُ مَا تَكُونُ إِلَى هَذَا إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُكَ هَذَا الْمَكَانَ، وَأَهْوَى بِيَدِهِ إِلْيَحْلِقَهُ، وَانْقَطَعَتْ مِنَ الدُّنْيَا تَقُولُ لَقَدْ كُنْتُ عَلَى رَأْيٍ حَسَنٍ. قَالَ أَبُو الْيَسَعِ عَيْسَى بْنُ السَّرِيِّ: وَكَانَ أَبُو حَمْرَةَ وَكَانَ حَاضِرَ الْمَجْلِسِ، أَنَّهُ قَالَ: لَكَ فَمَا تَقُولُ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ إِمَامًا حَقَّ الْإِمَامَ.

رجال کشی: ابو الیسع گفت: به حضرت صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: برایم توضیح بفرمائید استوانه های اصلی اسلام که بر آن پایه گذاری شده است و هیچ کس را یارای آن نیست که کوتاهی در شناخت آنها داشته باشد چیست؟ و اگر کوتاهی کند دینش و تباہ شده و عملش قبول نمی شود و هر که آنها را بشناسد و عمل کند دینش درست است و عملش مقبول و جهل و ندانستن بعضی از امور زیانی برایش نخواهد داشت. فرمود: شهادت به یکتائی خدا و ایمان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اقرار به آنچه از جانب خدا آورده، سپس فرمود: زکات در اموال و ولایت نسبت به ائمه حق که دارای نشانه و علامت هستند برای کسی که بخواهد آن ها را بشناسد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

وَمَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً وَخَدَّوْنَ فِيهِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ أَوْلِيَاءَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (1) اولی الامر علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود، گروهی مدعی شدند نه، معاویه است. بعد از علی (علیه السلام) امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) بودند باز گروهی گفتند یزید بن معاویه است نه دیگری، فرمود: مایلید توضیح بیشتری بدهم. چند نفر عرضه داشتند: بفرمائید فرمود: بعد از آنها علی

ص: 587

بن الحسين (عليه السلام) بود، پس از آن جناب حضرت باقر (عليه السلام). جریان به همین وضع خواهد بود زمین پایدار نیست مگر به وسیله امام (عليه السلام) هر که بمیرد و امام خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده و مهمترین موقعی که احتیاج به شناسائی امام (عليه السلام) داری وقتی است که جانب به اینجا برسد، اشاره به حلق خود نمود و از دنیا دست بکشی آن وقت خواهی گفت به به چه عقیده خوبی داشتم. (1)

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ النَّيْسَابُورِيِّ أَنَّ الْعَالِمَ كَتَبَ إِلَيْهِ يَعْزِي الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى بِمَنِّهِ وَرَحْمَتِهِ لَمَّا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْفَرَائِضَ لَمْ يَفْرِضْ ذَلِكَ عَلَيْكُمْ لِحَاجَةِ مِنْهُ إِلَيْهِ بَلْ رَحْمَةً مِنْهُ إِلَيْكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَمِيزَ «الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» (2) وَ لِيَبْتَلِيَ «مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ» (3) وَ لِيَتَسَاءَلُوا إِلَى رَحْمَتِهِ وَ لِيَتَفَاضَلَ مَنَّا زِلْكُمْ فِي جَنَّتِهِ فَفَوِّضْ عَلَيْكُمْ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيَاءَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةَ وَ جَعَلَ لَكُمْ بَابًا لِيَتَفَتَحُوا بِهِ أَبْوَابَ الْفَرَائِضِ وَ مِفْتَاحًا إِلَى سَبِيلِهِ وَ لَوْ لَا مُحَمَّدٌ وَ الْأَوْصِيَاءُ مِنْ وُلْدِهِ كُنْتُمْ حَيَارَى كَالْبَهَائِمِ لَا تَعْرِفُونَ فَرَضًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَ هَلْ تُدْخِلُ قَرْيَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا فَلَمَّا مَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ بِإِقَامَةِ الْأَوْلِيَاءِ بَعْدَ نَبِيِّكُمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (4) وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ لِأَوْلِيَائِهِ حُقُوقًا فَأَمْرُكُمْ بِأَدَائِهَا إِلَيْهِمْ لِيُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ وَ مَا كَلِكُمْ وَ مَشَدِّ رِيكُمْ وَ يُعْرِفَكُمْ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ وَ النَّمَاءَ وَ الثَّرْوَةَ وَ لِيَعْلَمَ مَنْ يُطِيعُهُ مِنْكُمْ بِالْغَيْبِ وَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (5)

فَاعْلَمُوا أَنَّ «مَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ» (6)

ص: 588

1- [1] رجال الكشي إختيار معرفة الرجال ص 424 في أبي اليسع عيسى بن السري ح 1

2- [2] الانفال آية 37

3- [3] آل عمران آية 154

4- [4] المائدة آية 3

5- [5] الشوري آية 23

6- [6] محمد آية 38

عَلَى نَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ «الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ» (1)

إِلَيْهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاعْمَلُوا مِنْ بَعْدِ مَا شِئْتُمْ «فَسِيرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» (2)

ثُمَّ تَرِدُونَ «إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (3) «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (4) «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (5)

حسن بن علی (علیه السلام) نوشت: خداوند که به فضل و رحمت خویش واجبات را برای شما تعیین نمود نه از جهت احتیاج به انجام آن بود. این به واسطه رحمت بود تا پاك از ناپاك شناخته شود و دلهايتان صفا يابد و قلب های شما روشن گردد و به رحمت خدا بر يك ديگر سبقت گيريد و مقام های شما در بهشت افزون گردد. حج و عمره و نماز و زکات و روزه و ولایت را بر شما واجب نمود و برای شما دری قرار داد که به وسیله آن درهای فرائض را بگشائيد و کلیدی برای راه خود نهاد اگر محمد (صلي الله عليه و آله) و جانشینان او از فرزندان شما نبودند شما مانند چهارپایان سرگردان بودید هیچ يك از فرائض را نمی دانستید مگر می توان داخل قریه ای شد از غیر در آن. وقتی خداوند منت نهاد بر شما به تعیین ائمه فرمود امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نموده و اسلام را به عنوان دین برای شما خواستم. برای امامان حقوقی بر شما لازم نموده و دستور داده است که آن حقوق را ادا کنید تا همسر و دارایی و خوردن و آشامیدن شما حلال باشد و وعده برکت و افزایش و ثروت به شما داده تا ببیند چه کسی در پنهانی مطیع اوست در قرآن فرموده است «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»

توجه داشته باشید هر که بخل ورزد بر ضرر خود اقدام کرده خدا بی نیاز است شما نیازمند به او هستید اینک هر چه مایلید انجام دهید عمل شما در پیشگاه خدا و پیامبران و مؤمنین استبعد به جانب خدای دانا خواهید رفت و شما را از نتیجه اعمال و رفتار تان مطلع می کند. و عاقبت نیکو از آن پرهیزکاران است، ستایش خدای جهانیان را سزا است. (6)

ص: 589

1- [7] محمد آية 38

2- [1] التوبة آية 105

3- [2] التوبة آية 105

4- [3] الاعراف آية 128

5- [4] الصافات آية 182

6- [1] علل الشرائع ج 1 ص 249 باب 182 باب علل الشرائع و أصول الإسلام ح 6

حدیث 45: أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبَّادُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ ابْنِ تَغْلِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ «فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» قَالَ فَقَالَ مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ بِوَلَايَتِنَا فَقَدْ جَازَ الْعَقَبَةَ وَنَحْنُ تِلْكَ الْعَقَبَةُ مَنْ افْتَحَمَهَا نَجَا قَالَ فَسَكَتَ ثُمَّ قَالَ هَلَّا أُفِيدُكَ حَرْفًا فِيهَا خَيْرًا مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا قَالَ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ قَوْلُهُ تَعَالَى «فَكُ رَقَبَةً» النَّاسُ كُلُّهُمْ عِبِيدُ النَّارِ غَيْرُكَ وَاصْدَحَابِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَكَ رِقَابِكُمْ مِنَ النَّارِ بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

حدیث 45: ابان بن تغلب گفت: از امام صادق(علیه السلام) در مورد آیهی شریفهی «فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (1) وارد گردنه نشد. سؤال کردم فرمود: هر که را خدا به برکت ولایت ما گرامی بدارد، از عقبه (گردنه) گذشته است. و ما آن گذرگاهی هستیم که هر که داخل آن شود، نجات می یابد. سپس اندکی سکوت کرد و در ادامه فرمود: آیا برای تو سخنی بگویم که خیر آن، از دنیا و آن چه در آن است بیشتر باشد؟ عرضه داشتیم: آری، فدایت شوم. فرمود: (آن سخن) قول خدای تعالی است که فرمود «فَكُ رَقَبَةً» (2) آزاد کردن بندگان از آتش است، مردم تماماً بنده و اسیر آتش اند غیر از تو و یارانت که خداوند متعال شما را از زنجیرهای آتشین دوزخ به خاطر دوستی و ولایت ما اهل بیت نجات داده است. (3) حدیث 46: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَضْلِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو زُرْعَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ التَّمِيمِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصِيدَةَ عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَلَا يَتِي وَلَا يَتِي وَلَا يَتِي أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ مِنَ النَّارِ.

ص: 590

- 1- . البلد آية 11.
- 2- . البلد آية 13.
- 3- . فضائل الشيعة: ح 19.

حدیث 46: رسول خدا (صلي الله عليه وآله): ولایت اهل بیت من امانت از دوزخ. (1)

ولایت بزرگ ترین نعمت خداست بر خلق

حدیث 48: سَأَلَ أَبُو حَنِيفَةَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ هَذِهِ الْآيَةِ فَقَالَ مَا النَّعِيمُ عِنْدَكَ يَا نُعْمَانُ قَالَ الْقُوَّةُ مِنَ الطَّعَامِ وَالْمَاءِ الْبَارِدُ فَقَالَ لَيْنُ أَوْ قَفَاكَ اللَّهُ بَيْنَ يَدَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَكَ عَنْ كُلِّ أَكْلَةٍ أَكَلْتَهَا أَوْ شَرِبَةٍ شَرِبْتَهَا لِيَطْوِلَنَّ وَقُوفُكَ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ فَمَا النَّعِيمُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ النَّعِيمُ الَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِنَا عَلَى الْعِبَادِ وَبِنَا ائْتَلَفُوا بَعْدَ أَنْ كَانُوا مُخْتَلِفِينَ وَبِنَا أَلَفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَجَعَلَهُمْ إِخْوَانًا بَعْدَ أَنْ كَانُوا أَعْدَاءً وَبِنَا هَدَاهُمْ اللَّهُ لِلْإِسْلَامِ وَهُوَ النُّعْمَةُ الَّتِي لَا تَنْقَطِعُ وَاللَّهُ سَائِلُهُمْ عَنْ حَقِّ النَّعِيمِ الَّذِي أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِمْ وَهُوَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه وآله) وَ عِزَّتُهُ.

حدیث 48: ابو حنیفه از امام صادق (علیه السلام) راجع به آیه «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» پرسید امام فرمود: به نظر تو نعمت چیست. ابو حنیفه گفت: خوراکی و آب سرد. فرمود:..... ما اهل بیت (علیهم اسلام) آن نعمتی هستیم که خدا بر مردم ارزانی داشته به وسیله ما با یک دیگر الفت گرفتند با اینکه قبلاً با هم اختلاف داشتند و به وسیله ما دل های آنها را به هم نزدیک نمود و با هم برادر شدند با اینکه قبلاً دشمن یک دیگر بودند و به وسیله ما آنها را به اسلام هدایت کرد اینست نعمت پایدار، خداوند از آنها خواهد پرسید راجع به این نعمت که به آن ها داده و آن پیامبر و عترت اوست. (2)

حدیث 49: حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الصَّوْلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو ذَكْوَانَ الْقَاسِمِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بِسِيرَافَ سَنَةً

ص: 591

1- . الأما لي للصدوق: ص 474 المجلس 72 ح 8.

2- . البرهان في تفسير القرآن ج 5 ص 749 [سورة التكاثر (102): الآيات 1 الى 8] ح 11879

حَمْسٍ وَتَمَانِينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبَّاسِ الصَّوْلِيِّ الْكَاتِبُ بِالْأَهْوَازِ سَنَةَ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ: كُنَّا يَوْمَ بَيْنَ يَدَيْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) فَقَالَ لَيْسَ فِي الدُّنْيَا نَعِيمٌ حَقِيقِيٌّ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ الْمُفْهَمَاءِ مِمَّنْ يَحْضَرُهُ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَمَّ لَسْتَ تَلْنُ يَوْمِيذٍ عَنِ النَّعِيمِ أَمَا هَذَا النَّعِيمُ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ الْمَاءُ الْبَارِدُ فَقَالَ لَهُ الرِّضَا (عليه السلام) وَ عَلَا صَوْتُهُ كَذَا فَسَرْتُمُوهُ أَنْتُمْ وَ جَعَلْتُمُوهُ عَلَى ضَرْوٍ فَقَالَ طَائِفَةٌ هُوَ الْمَاءُ الْبَارِدُ وَ قَالَ غَيْرُهُمْ هُوَ الطَّعَامُ الطَّيِّبُ وَ قَالَ آخَرُونَ هُوَ النَّوْمُ الطَّيِّبُ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّ أَقْوَالَكُمْ هَذِهِ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَسْتَ تَلْنُ يَوْمِيذٍ عَنِ النَّعِيمِ فَغَضِبَ وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَسْأَلُ عِبَادَهُ عَمَّا تَفَضَّلَ عَلَيْهِمْ بِهِ وَ لَا يَمُنُّ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ الْإِمْتِنَانُ بِالْإِنْعَامِ مُسْتَتَبِحٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَكَيْفَ يُضَافُ إِلَى الْخَالِقِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا لَا يَرْضَى لِلْمَخْلُوقِينَ بِهِ وَ لَكِنَّ النَّعِيمَ حُبْنًا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِئِنَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ التُّبُوهِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ آذَاهُ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَا يَزُولُ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي بِذَلِكَ أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) يَا عَلِيُّ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ بَعْدَ مَوْتِهِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ وَ لِيَّ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ وَ جَعَلْتَهُ لَكَ فَمَنْ أَقْرَبَ بِذَلِكَ وَ كَانَ يَعْتَقِدُهُ صَارَ إِلَى النَّعِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ

حديث 49: محمد بن يحيى صولى از ابن ذكوان قاسم بن اسماعيل او از ابراهيم بن عباس صولى كه گفت روزى در خدمت علي بن موسى الرضا (عليه السلام) بوديم

آن جناب فرمود: در دنیا نعمت حقیقی وجود ندارد بعضی از دانشمندان حاضر در مجلس گفتند چگونه خداوند می فرماید «ثُمَّ لَكُنَّ مَلَكًا يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» اما این نعیم در دنیا آب سرد است حضرت با صدای بلند فرمود: شما این طور آیه را تفسیر می کنید و چند قسم نعمت را می شمارید بعضی می گویند آب سرد. دیگری غذای خوب می داند و گروهی خواب خوش می شمارد. پدرم از پدر خود امام صادق (علیه السلام) نقل کرد در موقعی که اقوال مختلف شما در مورد نعمت خدمتش عرض شد راجع به آیه «ثُمَّ لَكُنَّ مَلَكًا يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» آن جناب غضبناك شده فرمود: هرگز خدا از بندگان خود در مورد چیزی که به آن ها تفضل نموده نمی پرسد و منت بر آنها نمی گذارد منتگذاردن برای نعمت از مردم زشت است چگونه می توان چیزی را به خدا نسبت داد که انجام آن از مردم صحیح نیست، اما نعیم حب ما خانواده و موالات ما است که خدا بعد از توحید و نبوت از آن سؤال می کند زیرا وقتی بنده حق این نعمت را به جا آورد او را به جانب بهشت جاوید می برد. پدرم از پدر خود از محمد بن علی (علیه السلام) و ایشان از پدرش علی بن الحسین (علیه السلام) و آن جناب از پدرش حسین بن علی (علیه السلام) و آن جناب از پدرش علی (علیه السلام) نقل کرد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی! اول چیزی که بعد از مرگ از شخص می پرسند شهادت لا إله إلا الله و مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ و اینکه تو ولی مؤمنینی به واسطه مقامی که خدا و من به تو داده ایم هرکه چنین اعترافی داشته باشد و زندگی خود را بر آن ادامه دهد به بهشت رهسپار می شود به سویی نعمتی که زوال ندارد. (1)

حدیث 50: «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا» قَالَ نِعْمَةٌ لِلَّهِ هُمُ الْأَيْمَةُ وَ الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ الْأَيْمَةَ نِعْمَةٌ لِلَّهِ قَوْلُ اللَّهِ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا قَالًا لَصَادِقٌ (علیه السلام) نَحْنُ وَ اللَّهُ نِعْمَةٌ لِلَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ وَ بِنَا فَازَ مَنْ فَازَ

ص: 593

حدیث 50: امام صادق (علیه السلام) در باره آیه «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُوهَا» (1) فرمود: نعمت الله ائمه (علیهم السلام) هستند و دلیل بر این مطلب آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا» (2) امام صادق (علیه السلام) فرمود: به خدا قسم ما هستیم نعمت خدا که بر بندگان ارزانی داشته به وسیله ما رستگار شده هر که رستگار گردیده. (3)

حدیث 51: عَنْ أَبُو عُمَرَ، عَنْ أَحْمَدَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ نَجِيحِ الْكِنْدِيِّ عَنْ حَسَنِ بْنِ حُسَيْنٍ، عَنْ أَبِي حَفْصِ الصَّائِغِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ هُوَ عُمَرُ بْنُ رَاشِدٍ، أَبُو سُلَيْمَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي قَوْلِهِ «ثُمَّ لَتُسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» قَالَ نَحْنُ النَّعِيمُ وَفِي قَوْلِهِ «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» قَالَ نَحْنُ الْحَبْلُ

حدیث 51: عمر بن راشد از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که در باره آیه «ثُمَّ لَتُسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (4) فرمود: ما نعیم هستیم و در باره آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (5) فرمود: ما حبل و ریسمان پیوسته به خدائیم. (6)

حدیث 52: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَسْلَمَةَ بْنِ عَطَاءٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ «لَتُسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» قَالَ تُسْأَلُ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَمَّا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِرَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ثُمَّ بِأَهْلِ بَيْتِهِ

حدیث 52: احمد بن ادریس از احمد بن محمد بن مسلمة بن عطاء از جمیل از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که من از آیه «لَتُسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» پرسیدم فرمود: این امت بازخواست خواهند شد از آنچه به ایشان ارزانی شده به وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سپس اهل بیت آن جناب. (7)

حدیث 53: قَالَ فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ شَرِيكِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «وَاسْبِغْ

ص: 594

- 1- . النحل آية 83
- 2- . ابراهيم آية 28
- 3- . تفسير القمي ج 1 ص 388 [سورة النحل (16): الآيات 81 الى 99].
- 4- . التكاثر آية 8
- 5- . آل عمران آية 103
- 6- . الأمالي للطوسي ص 272 [10] المجلس العاشر ح 48
- 7- . تفسير القمي ج 2 ص 440 [سورة التكاثر (102): الآيات 1 الى 8] ح 1

قَالَ أَمَّا النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ فَهِيَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَوْحِيدِهِ وَ أَمَّا النِّعْمَةُ الْبَاطِنَةُ فَوَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ عَقْدُ مَوَدَّتِنَا فَاعْتَدَ اللَّهُ قَوْمَ هَذِهِ النِّعْمَةِ الظَّاهِرَةَ وَ الْبَاطِنَةَ وَ اعْتَدَهَا قَوْمَ ظَاهِرَةٍ وَ لَمْ يَعْتَدُوهَا بَاطِنَةً فَاتَزَلَّ اللَّهُ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ فَفَرِحَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عِنْدَ نُزُولِهَا إِذْ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِيْمَانَهُمْ إِلَّا بِعَقْدِ وَ لَا يَتَنَا وَ مَحَبَّتِنَا.

حدیث 53: جابر گفت: مردی خدمت امام باقر (علیه السلام) این آیه را خواند «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (1)

فرمود: اما نعمت ظاهری پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) و آنچه برای مردم از معرفت خدا و توحید آورده اما نعمت باطنی ولایت ما خانواده و پیوند محبت با ماست و گروهی اعتقاد به نعمت ظاهر و باطن هر دو داشتند و گروهی نعمت ظاهری را معتقد بودند اما به نعمت باطنی اعتقاد نداشتند خداوند این آیه را نازل کرد «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ» (2) پیامبر ما مبادا اندوهگین شوی از کسانی که به سرعت جانب کفر را از پیش می گیرند از کسانی که به زبان ایمان دارند ولی در دل ایمان ندارند. پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) از نزول این آیه شادمان گردید زیرا خداوند بزرگ ایمان آن ها را نپذیرفت مگر با پیمان ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام). (3)

حدیث 54: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرِ الْأَهْمَدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدَ بْنَ زِيَادِ الْأَزْدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً فَقَالَ النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ

ص: 595

1- . لقمان آية 20

2- . المائدة آية 41

3- . تفسير القمي ج 2 ص 166 [سورة لقمان(31): الآيات 20 الى 22]

حدیث 54: محمد بن زیاد از دی گفت: از مولایم موسی بن جعفر (علیه السلام) راجع به آیه «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»

پرسیدم فرمود: نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غائب است. (1)

حدیث 55: وَقَالَ أَيْضاً حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَلْبِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَدَّمَ لِي طَعَاماً لَمْ أَكُلْ أَطِيبَ مِنْهُ فَقَالَ لِي يَا أَبَا خَالِدٍ كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَطْيَبُهُ غَيْرَ أَنِّي ذَكَرْتُ آيَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَنَعَصْتُهُ قَالَ وَمَا هِيَ قُلْتُ «ثُمَّ لَسْتُ نَلْنُ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» فَقَالَ وَاللَّهِ لَا تُسْأَلُ عَنْ هَذَا الطَّعَامِ أَبَدًا ثُمَّ ضَحِكَ حَتَّى افْتَرَّ ضَاحِكاً وَبَدَتْ أَضْرَاسُهُ وَقَالَ أَتَدْرِي مَا النَّعِيمُ قُلْتُ لَا قَالَ نَحْنُ النَّعِيمُ الَّذِي تُسْأَلُونَ عَنْهُ. حدیث 55: ابو خالد کابلی گفت: خدمت امام باقر (علیه السلام) رسیدم برایم غذایی آورد که خوشبوتر از آن نخورده بودم فرمود: غذای ما چگونه بود؟ عرضه داشتیم: فدایت شوم چقدر خوشبو و لذیذ بود جز اینکه در اندیشه یک آیه از قرآن شدم گوارایم نشد فرمود: کدام آیه گفتیم «ثُمَّ

لَسْتُ نَلْنُ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» به خدا قسم از این غذا بازخواست خواهید شد امام (علیه السلام) چنان خندید که دندان های مبارکش آشکار شد آنگاه فرمود: می دانی نعیم چیست؟ عرضه داشتیم: نه. فرمود: ما آن نعیمی هستیم که شما راجع به آن بازخواست خواهید شد. (2)

حدیث 56: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَيْمَنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: أَبَشِّرُوا بِأَعْظَمِ الْمِنَّنِ عَلَيْكُمْ قَوْلِ اللَّهِ «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» فَإِلَّا نَقَاذُ مِنَ اللَّهِ هِبَةٌ وَاللَّهُ لَا يَرْجِعُ مِنْ هَيْبَتِهِ.

ص: 596

1- . کمال الدین و تمام النعمة ج 2 ص 368 باب 34 باب ما روي عن أبي الحسن موسى بن جعفر في النص على القائم ع و غيبته و أنه

الثاني عشر من الأئمة ح 6

2- . تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 816 [سورة التكاثر (102): الآيات 3 الى 4]

حدیث 56: حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: مژده باد شما را به بزرگترین نعمت خدا بر شما، و این آیه «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (1) بر کنار گودالی از آتش بودید خداوند از آن شما را نجات داد را تلاوت فرمود. (2)

حدیث 57: عُمَانُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ وَرَوَاهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَيْسَى بْنِ هِشَامٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَاطِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ مِثْلَهُ: قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) جَمَاعَةً فَدَعَا بِطَعَامٍ مَا لَنَا عَهْدٌ بِمِثْلِهِ لَدَاذَةً وَطِيباً حَتَّى تَمَلَّيْنَا وَآتَيْنَا بِتَمْرٍ نَنْظُرُ فِيهِ إِلَىٰ وَجُوهِنَا مِنْ صَفَائِهِ وَحُسْنِهِ فَقَالَ رَجُلٌ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ غَدًا عَنْ هَذَا النَّعِيمِ الَّذِي نَعْمْتُمْ عِنْدَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) اللَّهُ أَكْرَمُ وَأَجَلُّ مِنْ أَنْ يُطْعِمَكُمْ طَعَامًا فَيَسْوَغَكُمْ مَوْءَهُ ثُمَّ يَسْأَلُكُمْ عَنْهُ وَ لَكِنَّهُ يَسْأَلُكُمْ عَمَّا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْكُمْ بِمُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) وَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله)

حدیث 57: ابو حمزه گفت: با چند نفر خدمت امام صادق (علیه السلام) بودیم حضرت دستور داد غذا آوردند تاکنون چنان غذائی از نظر طعم و خوشبوئی ندیده بودم آن را خوردیم تا سیر شدیم بعد برایمان خرما آوردند از صفا و زیبائی خرما به یکدیگر نگاه می کردیم مردی گفت: فردای قیامت از شما بازخواست خواهد شد نسبت به این نعمتی که استفاده کردید در خدمت فرزند پیامبر (صلي الله عليه و آله) امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خدا بزرگتر و کریم تر از آن است که نعمتی به شما عنایت نماید و او گوارایتان گردد آن گاه بازخواست نماید ولی بازخواست خواهد کرد از نعمتی که ارزانی داشته بر شما به وسیله محمد (صلي الله عليه و آله) و آل محمد (صلي الله عليه و آله) و آله. (3)

حدیث 58: التَّوْبِيرُ فِي مَعَانِي التَّفْسِيرِ، الْبَاقِرُ (عليه السلام) وَ الصَّادِقُ (عليه السلام) التَّعِيمُ وَ لَآيَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

ص: 597

1- . آل عمران آیه 103

2- . تفسیر العیاشی ج 1 ص 194 [سورة آل عمران(3): آیه 103] ح 125،

3- . المحاسن ج 2 ص 400 باب 6 باب لا سرف في الطعام ح 83

حدیث 58: در روایت بعد از کتاب تنویر نقل می کند که امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: Sنعیم R ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) است. (1)

حدیث 59: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ مُعْتَنَاءً عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَدَّمُوا إِلَيْنَا طَعَامًا مَا أَكَلْتُ طَعَامًا مِثْلَهُ قَطُّ فَقَالَ لِي يَا سَدِيرُ كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا هَذَا قُلْتُ يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا أَكَلْتُ مِثْلَهُ قَطُّ وَلَا أَظُنُّ أَنِّي أَكَلْتُ أَبَدًا مِثْلَهُ ثُمَّ إِنَّ عَيْنَيْتَ غَرَّتْ فَبَكَيتُ فَقَالَ يَا سَدِيرُ مَا يُبْكِيكَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ذَكَرْتُ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ قَالَ وَمَا هِيَ قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ ثُمَّ لَسْتُ مَلَنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ فَخَفْتُ أَنْ يَكُونَ هَذَا الطَّعَامُ الَّذِي يَسْأَلُنَا اللَّهُ عَنْهُ فَضَحَكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ ثُمَّ قَالَ يَا سَدِيرُ لَا تُسْأَلُ عَنْ طَعَامٍ طَيِّبٍ وَلَا تَوْبٍ لَيِّنٍ وَلَا رَائِحَةٍ طَيِّبَةٍ بَلْ لَنَا خُلُقٌ وَ لَهُ خُلُقْنَا وَ لِنُعْمَلُ فِيهِ بِالطَّاعَةِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَمَا النَّعِيمُ قَالَ لِي حُبُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ عِزَّتِهِ يَسْأَلُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَيْفَ كَانَ شُكْرُكُمْ لِي حِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحُبِّ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ عِزَّتِهِ.

حدیث 59: حنان بن سدير گفت: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم غذا آوردند خوردم اما تا آن وقت غذائی بدین مطبوعی نخورده بودم فرمود: سدير غذاى ما چگونه بود؟ عرضه داشتم: پدر و مادرم به فدايت يا ابن رسول الله! مانند اين غذا تاکنون نخورده بودم و خيال نمي کنم بعد از اين هم نصيبم گردد در اين موقع اشک اطراف چشمم را فرا گرفت و شروع به گريه کردم حضرت فرمود: چرا گريه مي کنی. عرضه داشتم: به ياد يك آيه از قرآن افتادم فرمود: کدام آيه عرضه داشتم «ثُمَّ لَسْتُ مَلَنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» ترسيدم که خداوند از همين غذا مرا بازخواست کند چنان امام (علیه السلام)

ص: 598

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام لابن شهر آشوب ج 2 ص 153 فصل في منزلته عند الميزان و الكتاب و الحساب و نحوها

خندید که دندان هایش آشکار شد. آنگاه فرمود: سدیر هرگز از غذای خوب و لباس نرم و بوی خوش از شما بازخواست نخواهند کرد این ها برای ما خلق شده و ما برای استفاده از آنها مأموریم که با استفاده از این نعمت ها فرمان بردار خدا باشیم. عرضه داشتیم: پدر و مادرم فدایت، پس نعیم چیست؟ فرمودند: حب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و خاندانش خداوند روز قیامت بازخواست خواهد کرد چگونه سپاس نعمتی که بر شما ارزانی داشتیم از حب علی (علیه السلام) و عترتش به جا آوردید. (1) حدیث 60: وَ رَوَى الشَّيْخُ الْمُفِيدُ رَحِمَهُ اللَّهُ بِإِسْنَادِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ السَّائِبِ الْكَلْبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ أَخْبَرَنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ لَسْتُ لَنْ يَوْمِئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ قَالَ فَمَا هُوَ عِنْدَكَ يَا أَبَا حَنِيفَةَ قَالَ الْأَمْنُ فِي السَّرْبِ وَ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ الْقُوَّةُ الْحَاضِرُ فَقَالَ يَا أَبَا حَنِيفَةَ لَيْسَ وَ قَفَاكَ اللَّهُ وَ أَوْفَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَكَ عَنْ كُلِّ أَكْلَةٍ أَكَلْتَهَا وَ شَرِبَةٍ شَرِبْتَهَا لِيَطُولَنَّ وَ قُوفُكَ قَالَ فَمَا النَّعِيمُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ النَّعِيمُ نَحْنُ الَّذِينَ أَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ بِنَا مِنَ الضَّلَالَةِ وَ بَصَرَهُمْ بِنَا مِنَ الْعَمَى وَ عَلَّمَهُمْ بِنَا مِنَ الْجَهْلِ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَكَيْفَ كَانَ الْقُرْآنُ جَدِيداً أَبَداً قَالَ لِأَنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ فَتُخْلِقَهُ الْأَيَّامُ وَ لَوْ كَانَ كَذَلِكَ لَفَنِيَ الْقُرْآنُ قَبْلَ فَنَاءِ الْعَالَمِ.

حدیث 60: ابو حنیفه: گفت به امام (علیه السلام) عرضه داشتیم: تفسیر این آیه را برایم بفرمائید «ثُمَّ لَسْتُ لَنْ يَوْمِئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» فرمود به نظر تو چیست؟ ابو حنیفه پاسخ داد: امنیت راه و صحت بدن و خوراک حاضر حضرت فرمود: نعیم ما هستیم که خداوند به واسطه ما مردم را از گمراهی نجات بخشید و از کوری بینا کرد و از نادانی خارج نمود عرضه داشت: فدایت شوم چگونه قرآن پیوسته تازه است. فرمودند: زیرا برای يك زمان مخصوص قرار داده نشده که موجب کهنگی آن شود اگر چنین بود

ص: 599

قرآن از میان می رفت قبل از فنای عالم. (1)

حدیث 61: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَوْلُهُ تَعَالَى «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» أَيُّ بَأَيِّ نِعْمَتِي تُكَذِّبَانِ بِمُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) أُمَّ بَعْلِيَّ (عليه السلام) فِيهِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ الْعِبَادِ

حدیث 61: امام صادق (عليه السلام) در باره آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (2)

فرمود: یعنی کدام دو نعمت مرا تکذیب می کنید شما دو نفر؟ نعمت محمد (صلي الله عليه وآله) و یا علی (عليه السلام) به واسطه آن دو، نعمت بر بندگان ارزانی داشته ام. (3) حدیث 62: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُنْهُوْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَقْدٍ عَنْ أَبِي يُوسُفَ الْبَزَّازِ قَالَ: تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ هَذِهِ الْآيَةَ «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ» قَالَ أَتَدْرِي مَا آلَاءُ اللَّهِ قُلْتُ لَا قَالَ هِيَ أَعْظَمُ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ وَ هِيَ وَلَا يَتَنَا

حدیث 62: ابو یوسف بزاز گفت امام صادق (عليه السلام) این آیه را تلاوت نمود «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ» (4)

آنگاه فرمود: می دانی آلاء خدا چیست؟ عرضه داشتیم: نه فرمود: آنها بزرگترین نعمت های خدایند بر خلق و آن ولایت ما است. (5)

حدیث 63: وَعَنْ أَبِي الْوَرْدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» قَالَ الْوَلَايَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله)

حدیث 63: بوالورد از قول امام باقر (عليه السلام) نقل کرد در باره آیه «وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (6)

فرمود: ولایت آل محمد (صلي الله عليه وآله) است (7)

ص: 600

1- . البرهان في تفسير القرآن ج 5 ص 749 [سورة التكاثر (102): الآيات 1 الى 8] ح 11878

2- . الرحمن آية 13

3- . تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 614 [سورة الرحمن (55): آية 13] ،

4- . الاعراف آية 69

5- . الكافي ج 1 ص 217 باب أن النعمة التي ذكرها الله عز وجل في كتابه الأئمة ح 3

6- . النساء آية 173

7- . بحار الانوار ج 24 ص 61 باب 29 أنهم عليهم السلام نعمة الله والولاية شكرها وأنهم فضل الله ورحمته وأن النعيم هو الولاية و

بيان عظم النعمة على الخلق بهم عليهم السلام ح 44

حدیث 64: أَقُولُ رَوَى السَّيِّدُ الْأَجَلُّ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْحَسَنِيِّ فِي رِوَايَةِ الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ الشَّرِيفَةِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُتَوَكَّلِ بْنِ هَازُونَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَخْبَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِمَا يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ أَهْلَ مَوَدَّتِهِمْ وَ شِعَتِهِمْ مِنْهُمْ يَعْنِي بَنِي أُمَيَّةَ فِي أَيَّامِهِمْ وَ مُلْكِهِمْ قَالَ وَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَ نَسُوا الْقُرْآنَ وَ نِعْمَةَ اللَّهِ مُحَمَّدًا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ أَهْلُ

بَيْتِهِ حُبُّهُمْ

إِيمَانٌ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ وَ بُغْضُهُمْ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ يُدْخِلُ النَّارَ

حدیث 64: امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اطلاع داد که اهل بیت و دوستان آنها و شیعیان چه از بنی امیه خواهند دید در موقع حکومت ایشان و این آیه را در باره آنها نازل کرد «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ، جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا وَ نَسُوا الْقُرْآنَ» (1) نعمت خدا محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم اسلام) او هستند حب و دوستی آنها ایمان است و موجب بهشت می شود و کینه و نفاق با آنها کفر است که موجب آتش می گردد. (2)

حدیث 65: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبَّاسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ التَّمِيمِيُّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ وَ

تَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَيُّ شَيْءٍ كَرِهْتُمْ النَّعْمَةَ الَّتِي رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ مَا مَنَّ عَلَيْكُمْ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْتُمْ تُكذِّبُونَ بِوَصِيَّتِهِ فَلَوْ لَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ وَ أَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ إِلَى وَصِيَّتِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) يُبَشِّرُ وَلِيُّهُ بِالْجَنَّةِ وَ عَدُوُّهُ بِالنَّارِ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ يَعْنِي أَقْرَبُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) مِنْكُمْ وَ لَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ أَيُّ لَأَ تَعْرِفُونَ.

ص: 601

1- . ابراهيم آية 28 و 29

2- . بحار الانوار ج 24 ص 60 باب 29 أنهم عليهم السلام نعمة الله و الولاية شكرها و أنهم فضل الله و رحمته و أن النعيم هو الولاية و

بيان عظم النعمة على الخلق بهم عليهم السلام ح 38

حدیث 65: در تأویل باطن از اهل بیت (علیهم السلام) در حدیث احمد بن ابراهیم راجع به آیه «وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ» (1) نقل شده یعنی شکر شما نسبت به نعمتی که روزی شما شده و منتی که خدا بر شما نهاده به واسطه محمد (صلي الله عليه و آله) و آل محمد (صلي الله عليه و آله) «أَنْتُمْ تُكذِّبُونَ» (2) شما تکذیب می کنید وصی و جانشین پیامبر را «فَلَوْ لَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ، وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ» (3) وقتی جان شما به گلو رسید آن وقت خواهید دید علی بن ابی طالب (علیه السلام) دوستانش را بشارت و مزده می دهد به بهشت و دشمنانش را وعده جهنم «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ» (4) ما به امیرالمؤمنین (علیه السلام) از شما نزدیکتریم «وَلَكِنْ لَا تَبْصِرُونَ» (5) شما نمی بینید. (6)

حدیث 66: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيِّ عَنْ عَبْدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ أَبِي نُؤَيْرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عِيَّاشٍ عَنْ أَبِي قُدَامَةَ الْفَدَّانِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ أَهْلِ بَيْتِي وَوَلَايَتِهِمْ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ.

حدیث 66:

رسول خدا (صلي الله عليه و آله) فرمودند: هر که را خدا به معرفت و ولایت اهل بیت ممنون ساخت همهی خوبی ها را برایش فراهم کرده. (7)

حدیث 67: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ صَدْفَوَانَ بْنِ يَحْيَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَقَالَ الْبَاءُ بَهَاءُ اللَّهِ وَالسَّيْنُ سِنَاءُ اللَّهِ وَالْمِيمُ مُلْكُ اللَّهِ قَالَ قُلْتُ اللَّهُ قَالَ الْأَلِفُ آلاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنَ النَّعِيمِ بَوْلًا يَتَنَا وَاللَّامُ الزَّامُ اللَّهُ خَلَقَهُ وَلَا يَتَنَا قُلْتُ فَالْهَاءُ قَالَ هَوَائِلُ مَنْ

خَالَفَ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه و آله) وَآلَ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) قَالَ

قُلْتُ الرَّحْمَنُ قَالَ بِجَمِيعِ الْعَالَمِ

ص: 602

1- .الواقعة آية 82.

2- .الواقعة آية 82.

3- .الواقعة آية 83 و 84

4- .الواقعة آية 85

5- .الواقعة آية 85

6- . البرهان في تفسير القرآن ج 5 ص 273 [سورة الواقعة(56): الآيات 82 الى 87] ح 10443.

7- . الأمالي للصدوق: ص 474 المجلس 72 ح 9.

حدیث 67: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر کلمه جلاله الله فرمودند:

الف: اشاره به نعمت های پروردگار بر مخلوقاتش که به برکت ولایت ما از آن ها بهره مند شده اند.

لام: اشاره به این که خداوند بر بندگانش ولایت ما را لازم دانسته و واجب فرموده.

ها: اشاره به خواری و پستی کسانی که با محمد و آل محمد (صلي الله عليه و آله) مخالفت کنند. (1)

حدیث 68: عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ أَبِي يُوسُفَ الْبَرَّازِ قَالَ: تَلَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَلَيْنَا هَذِهِ الْآيَةَ «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ» قَالَ أَتَدْرِي مَا آلَاءُ اللَّهِ قُلْتُ لَا قَالَ هِيَ أَعْظَمُ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ وَ هِيَ وَ لَا يَتَنَا.

حدیث 68: امام صادق (علیه السلام) بر ما خواند این آیه را «فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ» (2) یاد کنید نعمت های خدا را فرمود: می دانی نعمت های خدا چه هستند؟ عرضه داشتیم: نه، فرمود: بزرگ ترین نعمت خداوند بر بندگان ولایت ما اهل بیت (علیهم اسلام) است. (3)

حدیث 69: ذَكَرَ جَدِّي السَّعِيدُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّ مَوْلَانَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ كَانَ يَقُولُ إِذَا سَجَدَ يَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ:....اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنِي مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ وَلايَتِكَ وَ وَلايَةِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) وَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله)

حدیث 69: حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در حالی که صورت مبارک خود را بر زمین می نهاد عرضه می داشت: بار پروردگار! نعمت ولایت خود و ولایت محمد (صلي الله عليه و آله) و آل محمد (صلي الله عليه و آله) را که به من مرحمت فرمودی از من مگیر. (4)

ص: 603

- 1- . التوحيد: ص 230 باب 31 معنى بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ح 3.
- 2- . الاعراف آية 69
- 3- . الكافي ج 1 ص 217 باب أن النعمة التي ذكرها الله عز وجل في كتابه الأئمة ح 3.
- 4- . مصباح المتعبد و سلاح المتعبد ج 1 ص 79 فصل في سياقة الصلوات الإحدى و الخمسين ركعة في اليوم و الليلة.

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ بَسْطَامِ بْنِ مُرَّةَ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَقْدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَبْدِيِّ عَنِ سَعْدِ الْإِسْدَكَاةِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مَا بَالُ أَقْوَامٍ غَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَعَدَلُوا عَنْ وَصِيَّهِ لَا يَتَخَوَّفُونَ أَنْ يَنْزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ» ثُمَّ قَالَ نَحْنُ النِّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ وَبِنَا يَفُوزُ مَنْ فَازَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

امير المؤمنين (عليه السلام) فرمود: چگونه باشد حال مردمی که سنت پیغمبر (صلي الله عليه وآله) را دگرگون ساختند و از وصی او رو گردان شدند؟ ایشان نمی ترسند که عذاب بر آنها نازل شود؟! سپس این آیه را تلاوت فرمود «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ» (1) مگر آن کسان را ندیدی که نعمت خدا را به ناسپاسی تغییر دادند و قوم خویش را به دوزخ که سرای هلاکت است، در آوردند سپس فرمود: ما هستیم آن نعمتی که خدا به بندگانش انعام فرموده هر که در روز قیامت کامیاب شود به وسیله ما است. (2) الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» أَلِ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) أَمْ بِالْوَصِيِّ تُكَذِّبَانِ نَزَلَتْ فِي الرَّحْمَنِ.

معلى بن محمد از امام روایت کند که راجع به قول خدای عز و جل «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (3) کدام نعمت پروردگارتان را تکذیب می کنید؟ فرمود: پیغمبر (صلي الله عليه وآله) را تکذیب می کنید یا وصیش را؟ این آیه در سوره الرحمن نازل شده. (4)

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَوْرَمَةَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنِ عَبِيدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبِيدٍ (عليه السلام) عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ

ص: 604

1- [2] ابراهيم آية 28 و 29

2- [3] الكافي ج 1 ص 217 كتاب الحجّة باب أنّ النّعمة التي ذكرها الله عزّ وّ جلّ في كتابه الأئمة ح 1

3- [1] الرحمن آية 13

4- [2] الكافي ج 1 ص 217 كتاب الحجّة باب أنّ النّعمة التي ذكرها الله عزّ وّ جلّ في كتابه الأئمة ح 2

وَجَلَّ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا» الْآيَةَ قَالَ عَنِّي بِهَا قُرَيْشًا قَاطِبَةً الَّذِينَ عَادُوا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَنَصَبُوا لَهُ الْحَرْبَ وَجَحَدُوا وَصَيَّئَةً وَصَيَّئِهِ.

از امام صادق (علیه السلام) راجع به قول خدای عزوجل «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا» (1) مگر آن کسان را ندیدی که نعمت خدا را به ناسپاسی تغییر دادند تا آخر آیه پرسیدم، فرمود: مقصود قریش است، آن کسان که با رسول خدا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دشمنی کردند و جنگ نمودند، و وصیت او را در باره جانیشین انکار کردند. (2)

ولایت انمه اطهار (علیهم اسلام) بر جمیع ممکنات عرضه شده حدیث 79: ابْنُ سَيِّدَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تَوَحَّدَ بِمُلْكِهِ فَعَرَفَ عَبَادَهُ نَفْسَهُ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِمْ أَمْرَهُ وَأَبَاحَ لَهُمْ جَنَّتَهُ فَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قَلْبَهُ مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ عَرَفَهُ وَلَا يَتَنَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُطَمَسَ عَلَى قَلْبِهِ أَمْسَكَ عَنْهُ مَعْرِفَتَنَا ثُمَّ قَالَ يَا مُفَضَّلُ وَاللَّهِ مَا اسْتَوْجَبَ آدَمُ أَنْ يَخْلُقَهُ اللَّهُ بِيَدِهِ وَيُنْفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ إِلَّا بِوَلَايَةِ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَمَا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا إِلَّا بِوَلَايَةِ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَلَا أَقَامَ اللَّهُ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آيَةً لِلْعَالَمِينَ إِلَّا بِالْخُضُوعِ لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ثُمَّ قَالَ اجْمَلِ الْأَمْرَ مَا اسْتَأْهَلَ خَلْقَ مِنَ اللَّهِ النَّظَرَ إِلَيْهِ إِلَّا بِالْعُبُودِيَّةِ لَنَا

حدیث 79: مفصل بن عمر گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: خداوند متعال در فرمان روایی و مُلک یکتاست، پس خود را به بندگانش شناسایی نمود، آن گاه امر خویش را بر آنان واگذار کرد و بهشت را بر آنان ارزانی نمود، خداوند هر که از جن

ص: 605

1- [3] ابراهیم آیه 28

2- [4] الکافی ج 1 ص 217 کتاب الحجّة باب أنّ النّعمة التي ذكرها الله عزّ وجلّ في كتابه الأئمة ح 4

و انس را بخواهد دلش را پاک نماید، ولایت ما را به او شناسایی کرده و هرکه را بخواهد دلش را فاسد کند از معرفت ما منعش نماید. ای مفضل! سوگند به خدا! حضرت آدم ز سزاوار آفرینش به دست خداوند و دمیدن روح خویش در او نشد جز به سبب ولایت علی ز. خداوند با موسی ز سخن نگفت مگر به سبب ولایت علی ز و خداوند عیسی ز را آیت و نشانه برای جهانیان قرار نداد جز به واسطه فروتنی و خصوعی که نسبت به علی ز داشت. کوتاه تر بگویم، هیچ آفریده ای شایستگی توجه از سوی خداوند را پیدا نکرد جز به واسطه اطاعت از ما. (1)

حدیث 80: أَبَانُ بْنُ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي ذَرٍّ حَدَّثَنِي رَحِمَكَ اللَّهُ بِأَعْجَبِ مَا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ إِنَّ حَوْلَ الْعَرْشِ لَتِسْعِينَ [أَلْفَ] مَلَكٍ لَيْسَ لَهُمْ تَسْبِيحٌ وَلَا عِبَادَةٌ إِلَّا الطَّاعَةُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَالْإِسْتِغْفَارُ لِشَيْعَتِهِ [قُلْتُ فَغَيْرِ هَذَا رَحِمَكَ اللَّهُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ خَصَّ جَبْرَائِيلَ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَمِيكَائِيلَ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَإِسْرَافِيلَ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِطَاعَةِ عَلِيِّ وَابْرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ وَالْإِسْتِغْفَارَ لِشَيْعَتِهِ] قُلْتُ فَغَيْرِ هَذَا رَحِمَكَ اللَّهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ يَحْتَجُّ بِعَلِيِّ فِي كُلِّ أُمَّةٍ فِيهَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ أَشَدُّهُمْ مَعْرِفَةً لِعَلِيِّ أَعْظَمُهُمْ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ قُلْتُ فَغَيْرِ هَذَا رَحِمَكَ اللَّهُ قَالَ نَعَمْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ لَوْ لَا أَنَا وَ عَلِيُّ مَا عَرَفَ اللَّهُ لَوْ لَا أَنَا وَ عَلِيُّ مَا كَانَ ثَوَابٌ وَ لَا عِقَابٌ وَ لَا يَسْتُرُ عَلِيًّا عَنِ اللَّهِ سِتْرٌ وَ لَا يَحْجُبُهُ عَنِ اللَّهِ حِجَابٌ وَ هُوَ السِّتْرُ وَ الْحِجَابُ فِيمَا بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ قَالَ سُلَيْمٌ ثُمَّ سَأَلْتُ الْمُقَدَّادَ فَقُلْتُ حَدَّثَنِي رَحِمَكَ اللَّهُ بِأَفْضَلِ مَا سَمِعْتُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

ص: 606

1- . مقصود از بندگی اطاعت از اوامر اهل بیت b است نه پرستش آنان. الإختصاص ص 250 في بيان جملة من الحكم و المواعظ و الوصايا عنهم

يَقُولُ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَوَحَّدَ بِمُلْكِهِ فَعَرَفَ أَنْوَارَهُ نَفْسَهُ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِمْ أَمْرَهُ وَأَبَاحَهُمْ جَنَّتَهُ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَطَهَّرَ قَلْبَهُ مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ عَرَفَهُ وَلَا يَأْتِيهِ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَطْمَسَ عَلَى قَلْبِهِ أَمْسَكَ عَنْهُ مَعْرِفَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا اسْتَوْجَبَ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنْ يَخْلُقَهُ اللَّهُ وَيَنْفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَأَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِ وَيَرُدَّهُ إِلَى جَنَّتِهِ إِلَّا بِنُبُوتِي وَالْوَلَايَةَ لِعَلِيِّ بَعْدِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَرَى إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا اتَّخَذَهُ خَلِيلًا إِلَّا بِنُبُوتِي وَالْإِفْرَارَ لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) بَعْدِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَام) تَكْلِيمًا وَلَا أَقَامَ عَيْسَى (عَلَيْهِ السَّلَام) آيَةً لِلْعَالَمِينَ إِلَّا بِنُبُوتِي وَمَعْرِفَةَ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) بَعْدِي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا تَبَيَّنَ نَبِيُّ قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ وَالْإِفْرَارَ لَنَا بِالْوَلَايَةِ وَلَا اسْتَأْهَلَ خَلْقٌ مِنَ اللَّهِ النَّظَرَ إِلَيْهِ إِلَّا بِالْعُبُودِيَّةِ لَهُ وَالْإِفْرَارَ لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) بَعْدِي ثُمَّ سَكَتَ فَقُلْتُ فَغَيْرَ هَذَا رَحِمَكَ اللَّهُ قَالَ نَعَمْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ عَلِيُّ دَيَّانٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَالشَّاهِدُ عَلَيْهَا وَالْمُتَوَلِّئُ لِحَسَابِهَا وَهُوَ صَاحِبُ السَّنَامِ الْأَعْظَمِ وَطَرِيقُ الْحَقِّ الْأَبْهَجِ [وَ] السَّبِيلُ وَصِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ بِهِ يُهْتَدَى بَعْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَيُبْصَرُ بِهِ مِنَ الْعَمَى بِهِ يَنْجُو النَّاجُونَ وَيَجَارُ مِنَ الْمَوْتِ وَيُؤْمَنُ مِنَ الْخَوْفِ وَيُمْحَى بِهِ السَّيِّئَاتُ وَيُدْفَعُ الضَّمِيمُ وَيَنْزِلُ الرَّحْمَةُ وَهُوَ عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَأُذُنُهُ السَّامِعَةُ وَلِسَانُهُ النَّاطِقُ فِي خَلْقِهِ وَيَدُهُ الْمُبْسُوطَةُ عَلَى عِبَادِهِ بِالرَّحْمَةِ وَوَجْهُهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَجَنْبُهُ الظَّاهِرُ الْيَمِينُ وَحَبْلُهُ الْقَوِيُّ الْمَتِينُ وَعُرْوَتُهُ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ وَبَيْتُهُ الَّذِي مِنْ دَخَلِهِ كَانَ آمِنًا وَ

حدیث 80: ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس نقل می کند که گفت: به ابوذر گفتم: خدا تو را رحمت کند، اندکی از عجایب در فضیلت امیرالمومنین ز که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیده ای برایم نقل کن. ابوذر گفت: از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: در اطراف عرش نود هزار ملائکه هستند که تسبیحی و عبادتی جز اطاعت علی بن ابی طالب ز و برائت از دشمنانش و طلب مغفرت برای شیعیانش ندارند. گفتم: خدا تو را رحمت کند، مطلب دیگری هم بگو. گفت: از آن حضرت شنیدم که می فرمود: خداوند، جبرئیل ز و میکائیل ز و اسرافیل ز را به اطاعت علی ز و برائت از دشمنان او و استغفار برای شیعیانش اختصاص داده است. گفتم: مطلب دیگری هم بگو. گفت: از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: خداوند همچنان به وسیله علی ز در هر امتی که پیامبر مرسلی در آنان بوده اتمام حجّت می نمود، و آنکه بیشتر به علی ز معرفت داشت درجه او نزد خداوند عظیم تر بود. عرضه داشتیم: خدا تو را رحمت کند، مطلب دیگری هم بگو. گفت: آری، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: اگر من و علی ز نبودیم خدا شناخته نمی شد، و اگر من و علی (علیه السلام) نبودیم خدا عبادت نمی شد، و اگر من و علی (علیه السلام) نبودیم ثواب و عقابی نبود. علی ز را هیچ پرده ای از خداوند نمی پوشاند و هیچ حجابی بین او و خداوند مانع نمی شود. او خود حجاب و واسطه بین خدا و خلقش است. سلیم می گوید: سپس از مقدار پرسیدم و گفتم: خدا تو را رحمت کند، مطلبی دیگر که در باره علی بن ابی طالب ز از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیده ای برایم نقل کن.

گفت: از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود خداوند در پادشاهی خود یگانه است. او خود را به انوارش شناسانید، و سپس دستورات خود را به آنان سپرد و بهشتش را بر ایشان مباح نمود. هر که از جن و انس که خدا بخواهد قلب او را پاک گرداند

ولایت علی بن ابی طالب زرا به او می شناساند، و هر که خدا بخواهد بر قلب او پرده بکشد معرفت علی بن ابی طالب زرا در باره او امساک می کند. قسم به خدایی که جانم بدست اوست، آدم ز مستوجب آن نشد که خدا او را خلق کند و از وحش در او بدمد، و نیز توبه او را پذیرد و او را به بهشتش باز گرداند مگر به خاطر نبوت من و ولایت علی ز بعد از من. قسم به آنکه جانم به دست اوست ملکوت آسمان ها و زمین به ابراهیم ز نشان داده نشد و خداوند او را دوست خود قرار نداد مگر به خاطر نبوت من و اقرار به علی ز بعد از من. قسم به آنکه جانم به دست اوست، خداوند با موسی ز سخن نگفت و عیسی زرا به عنوان آیت خود بر جهانیان معرفی نکرد مگر به خاطر نبوت من و معرفت علی ز بعد از من. قسم به آنکه جانم به دست اوست، هیچ پیامبری به نبوت نرسید مگر به خاطر معرفت او و اقرار به ولایت ما. و هیچ مخلوقی از جانب خداوند اهلیت پیدا نکرد که خدا به او نظر کند مگر با بندگی در مقابل خدا و اقرار به علی ز بعد از من. سپس مقدار سکوت کرد. گفتم: مطلب دیگری هم بگو. گفت: بلی، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: علی ز حاکم و مدبر این امت و شاهد بر آنها و متصدی حساب آنان است. اوست صاحب مقام اعظم و راه حقی که طریق آن آباد است، و او صراط مستقیم خداوند است. به وسیله او بعد از من از ضلالت هدایت می یابند و از کوردلی ها به بینش دست می یابند. به وسیله او نجات یابندگان نجات می یابند، و از مرگ به او پناه برده می شود و به وسیله او امان از ترس می آید. با او گناهان محو و ظلم دفع می گردد و رحمت نازل می شود. او چشم بیننده خداوند و گوش شنوای او و زبان گویای او در خلش، و دست باز او به رحمت بر بندگانش، و وجه او در آسمانها و زمین جنب راست و آشکار او است

او طناب قوی و محکم، و ریسمان قابل اعتماد او است که از هم گسیختگی ندارد، و باب خداوند

است که از آن باید وارد شد و خانه خداست که هر که داخل آن شود در امان خواهد بود. او علم خداوند بر صراط در روز برانگیختن مردم خواهد بود. هر که او را بشناسد به سوی بهشت نجات خواهد یافت، و هر که او را انکار کند به سوی آتش سقوط خواهد کرد. (1)

حدیث 81: قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الْقَصَبَانِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ إِنَّ وَلَايَتَنَا وَلَايَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا بِهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ اسْمُهُ عَرَضَ وَلَايَتَنَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ وَالْأَمْصَارِ فَلَمْ يَقْبَلْهَا قَبُولَ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَإِنِّي إِلَى جَانِبِهِمْ لَقَبْرًا مَا لَقَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَأَجَابَ دَعْوَتَهُ وَقَلْبَهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا

حدیث 81: امام صادق (علیه السلام): ولایت ما همان ولایت خداست که هیچ پیامبری مبعوث نشده جز این که مأمور به تبلیغ آن بوده. خداوند عزاسمه ولایت ما را بر آسمان ها و زمین و کوه ها و شهرها عرضه داشت و هیچ کدام به مانند اهل کوفه آن را نپذیرفتند. و آری در جوارشان قبری است (حرم شریف امیرالمؤمنین (علیه السلام)) که هیچ غم زده ای آن را زیارت نکند جز این که خداوند غم از دلش بردارد، و دعایش را مستجاب کند، و او را دل شاد و مسرور به سوی اهل خود باز گرداند. (2)

ص: 610

1- . کتاب سلیم بن قیس الهمالی ج 2 ص 858 الحدیث السادس والأربعون،

2- . الأملی للمفید: المجلس 17 ح 9.

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ: وَلَايَةُ عَلِيٍّ (عليه السلام) مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ وَلَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا بِنُبُوءَةِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَوَلَايَةِ وَصِيِّهِ عَلِيٍّ (عليه السلام).

محمد بن فضيل از حضرت ابو الحسن (عليه السلام) نقل کرد که فرمود: ولایت علی (عليه السلام) در کتاب های انبياء نوشته شده خداوند هرگز پیامبری را مبعوث نکرده مگر با اقرار به نبوت محمد (صلي الله عليه وآله) و ولایت وصی او علی (عليه السلام) صلوات الله عليهما. (1)

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي زَكَرِيَّا بْنِ عَمْرٍو الرِّبَاتِ قَالَ سَمِعْتُ مِنْ أَبِي وَمُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ يَرْوِيهِ عَنْ فَيْضِ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ عَلَى وَلَايَةِ عَلِيٍّ وَأَخَذَ عَهْدَ النَّبِيِّينَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام). محمد بن مسلم گفت از حضرت باقر (عليه السلام) شنیدم می فرمود: خداوند تبارک و تعالی میثاق پیامبران را بر ولایت و پیمان پیامبران را به ولایت علی (عليه السلام) گرفت. (2)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ أَسَدٍ الْغَفَّارِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأَظْلَةِ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلَايَتِي وَوَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِي وَمَثَلُوا لَهُ فَأَقْرَأُوا بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ.

حذيفة بن اسيد گفت پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) فرمود: پیامبری هیچ پیامبری تکمیل نشد در عالم اظلة مگر این که بر او عرضه شد ولایت من و ولایت اهل بیتم و تمثال آنها برای آن پیامبر مجسم شد اقرار به طاعت و ولایت آنها نمودند. (3)

ص: 611

1- [2]. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 72 باب 8 باب ما خص الله به الأئمة من آل محمد ص من ولاية الأنبياء لهم في الميثاق وغيره و ما أعلموا من ذلك ح 1

2- [1]. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 73 باب 8 باب ما خص الله به الأئمة من آل محمد ص من ولاية الأنبياء لهم في الميثاق وغيره و ما أعلموا من ذلك ح 4

3- [2]. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 73 باب 8 باب ما خص الله به الأئمة من آل محمد ص من ولاية الأنبياء لهم في الميثاق وغيره و ما أعلموا من ذلك ح 7

حَدَّثَنَا السُّنْدِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَا نَبِيٌّ نَبِيٌّ قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّنَا وَبِفَضْلِنَا عَمَّنْ سِوَانَا.

عبد الاعلى گفت حضرت صادق(عليه السلام) فرمود: پیامبری به مقام نبوت نرسید هرگز مگر با معرفت حق و اقرار به فضل ما بر دیگران.
(1)

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ شُعَيْبِ السَّيِّعِيِّ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَلَا يَتَّبِعُنَا وَلَا يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا. جابر گفت: حضرت باقر(عليه السلام) فرمود: ولایت ما ولایت خدا است که پیامبری را هرگز مبعوث نکرد مگر با ولایت ما. (2)

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مِهْرَانَ الدَّامَغَانِيَّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَصْرِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُبَارَكِ الدِّينَوْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُرْوَةَ قَالَ حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ بِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنِي السَّائِبُ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): (ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى حَتَّى اجْتَمَعَ جَمِيعُ الرُّسُلِ وَالْأَنْبِيَاءِ) فَصَدَفَهُمْ جَبْرَيْلُ وَرَأَيْ صَدَفًا فَصَدَّ لَيْتُ بِهِمْ فَلَمَّا (فَرَعْتُ مِنَ الصَّلَاةِ) أَتَانِي آتٍ مِنْ عِنْدِ رَبِّي فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُعْرِثُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ سَلِ الرُّسُلَ عَلَى مَاذَا أُرْسِلْتَهُمْ مِنْ قَبْلِكَ فَقُلْتُ مَعَاشِرَ الرُّسُلِ عَلَى مَاذَا بَعَثَكُمْ رَبِّي قَبْلِي فَقَالَتِ الرُّسُلُ عَلَى وَلَا يَتَّبِعُكَ وَلَا يَتَّبِعُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى «وَسئَلُ مَنْ أُرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا» (3)

ص: 612

-
- 1- [3]. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 74 باب 9 باب آخر في ولاية الأئمة ع ح 1
 - 2- [1]. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 75 باب 9 باب آخر في ولاية الأئمة ع ح 6
 - 3- [2]. الزخرف آية 45

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله): خداوند انبیاء را جمع نمود جبرئیل (علیه السلام) همه را پشت سر من به صف قرار داد من نماز با آنها خواندم پس از اتمام نماز شخصی از جانب خدایم آمده عرضه داشت: یا محمد! خدایت سلام می رساند و می گوید: از پیامبران پرس با چه خصوصیتی آنها را مبعوث به رسالت نموده ام قبل از تو به آنها گفتم پیامبران! شما را با چه خصوصیت ارسال نموده اند؟ عرضه داشتند: با شرط ولایت تو و ولایت

امیرالمومنین (علیه السلام) و این آیه اشاره به آنست «وَسَأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا» (1)

كِتَابُ الْمُحْتَضَرِّ، لِلْحَسَنِ بْنِ سَلِيمَانَ مِمَّا رَوَاهُ مِنْ تَقْسِيرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْقَطَّانِ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوْقَةَ عَنْ عَلْقَمَةَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي حَدِيثِ الْإِسْرَاءِ فَإِذَا مَلَكَ قَدْ أَتَانِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ سَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا عَلَى مَا بُعِثُوا فَقُلْتُ مَعَاشِرَ الرُّسُلِ وَ النَّبِيِّينَ عَلَى مَا بَعَثْتُمْ اللَّهُ قَبْلِي قَالُوا عَلَى وَ لَأَيَّتِكَ يَا مُحَمَّدُ وَ لَأَيَّةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) در حدیث اسری فرمود: ناگاه فرشته ای پیش من آمد و گفت یا محمد! سؤال کن از پیامبرانی که قبل از تو مبعوث کرده ام که با چه خصوصیت ارسال شده اند؟ گفتم: ای پیامبران و رسل شما را با چه شرط مبعوث نموده اند قبل از من جواب دادند بر ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام). (2)

صاحبان ولایت برگزیدگان خلق

حدیث 82: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ

ص: 613

1- [3]. مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة ص 150 المنقبة الثانية و الثمانون

2- [1]. بحار الأنوار ج 26 ص 307 باب 6 تفضيلهم ع على الأنبياء و على جميع الخلق و أخذ ميثاقهم عنهم و عن الملائكة و عن سائر الخلق و أن أولي العزم إنما صاروا أولي العزم بحبهم صلوات الله عليهم ح 70

اللَّهِ (عليه السلام) يَا أَبَا الصَّخْرِ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي هَذَا الْأَمْرَ إِلَّا صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ أَنْتُمْ وَاللَّهُ عَلَيَّ دِينِي وَدِينِ
أَبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ لَا أَعْنِي عَلَيَّ بَنُ الْحُسَيْنِ وَلَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَإِنْ كَانَ هَؤُلَاءِ عَلَيَّ دِينٍ هَؤُلَاءِ.

حدیث 82: امام صادق (علیه السلام) به عمر بن حنظله فرمود: ای ابا صخر! خداوند دنیا را هم به کسی که او را دوست می دارد و هم به
کسی که با او دشمناست می دهد، اما مسأله ولایت را نمی دهد مگر به برگزیدگانش به خدا قسم شما بر دین من و دین آباء من هستید. (1)

حدیث 83: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي عَرَفْتُمُ اللَّهَ وَمَنْ بِهِ عَلَيْكُمْ أَشَدُّ حُبْرِيَّةً مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَأَقْلُ الْأُمَّةِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَهُ وَلَقَدْ مَاتَتْ أُمَّ أَيْمَنَ وَ
إِنَّهَا لِمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَا كَانَتْ تَعْرِفُ مَا عَرَفَكَ اللَّهُ فَأَحْمَدِ اللَّهَ وَخُذْ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ وَخَصَّكَ بِهِ بِشُكْرٍ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا الْبَرَّ
وَالْفَاجِرَ وَإِنَّ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ إِنَّمَا يُعْطِيهِ اللَّهُ صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ إِنَّ أَمْرَنَا

حدیث 83: حضرت فرمود: ای سلیم، این مسأله ولایت که خدا آن را به شما شناسانده و به وسیله آن بر شما منت گذاشته، از نظر خیره
شدن از طلا و نقره مشکل تر است، و افراد کمی از امت آن را می شناسند. ام ایمن از دنیا رفت و با این که اهل بهشت است ولی آن چه
خدا معرفت آن را به تو داده او نداشت. خدا را شکر کن و آن چه به تو عطا کرده و تو را به آن اختصاص داده با تشکر حفظ کن. عرضه
داشتیم ولایت را به چه کسانی عطا کنند؟ حضرت فرمودند: بدان که خدای تعالی دنیا را به نیک و بد می دهد، ولی این امر ولایت که تو در
آن هستی، خداوند تنها به برگزیدگان از خلقش عطا می فرماید. (2)

ص: 614

-
- 1- . الكافي ج 2 ص 214 بَابُ أَنَّ اللَّهَ إِذَا يُعْطِي الدِّينَ مَنْ يُحِبُّهُ ح 1
 - 2- . كتاب سليم بن قيس الهلالي ج 2 ص 827 الحديث الثامن والثلاثون.

حدیث 84: عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْفَحَّامِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَنْصُورِيِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ يَعْقُوبَ الْمُلقَّبِ بِأَبِي نُوَاسٍ قَالَ: قُلْتُ لِلْعَسْكَرِيِّ (عليه السلام) ذَاتَ يَوْمٍ يَا سَيِّدِي قَدْ وَقَعَ إِلَيَّ اخْتِيَارَاتُ الْأَيَّامِ عَنْ سَيِّدِنَا الصَّادِقِ (عليه السلام) مِمَّا حَدَّثَنِي بِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُطَهَّرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدِّيَلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ سَيِّدِنَا الصَّادِقِ (عليه السلام) فِي كُلِّ شَهْرٍ فَأَعْرِضُهُ عَلَيْكَ فَقَالَ لِي أَفْعَلُ فَلَمَّا عَرَضْتُهُ عَلَيْهِ وَصَحَّحْتُهُ قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي فِي أَكْثَرِ هَذِهِ الْأَيَّامِ قَوَاطِعُ عَنِ الْمَقَاصِدِ لِمَا ذُكِرَ فِيهَا مِنَ النَّحْسِ وَالْمَخَافِ فَتَدُلُّنِي عَلَى الْإِحْتِرَازِ مِنَ الْمَخَافِ فِيهَا فَإِنَّمَا تَدْعُونِي الضَّرُورَةَ إِلَى التَّوَجُّهِ فِي الْحَوَائِجِ فِيهَا فَقَالَ لِي يَا سَهْلُ إِنَّ لِي شَيْعَتَنَا بَوْلًا يَتَنَا لِعَصْمَةٍ لَوْ سَلَكُوا بِهَا فِي لُجَّةِ الْبِحَارِ الْغَامِرَةِ وَ سَبَّاسِبِ الْبَيْدِ الْغَائِرَةِ بَيْنَ سَبَاعٍ وَ ذَنَابٍ وَ أَعَادِي الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ لَا مَنُوا مِنْ مَخَافِهِمْ بَوْلًا يَتِيهِمْ لَنَا فِتْقٌ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَخْلَصُ فِي الْوَلَاءِ لِأَيِّمَتِكَ الطَّاهِرِينَ وَ تَوَجَّهْ حَيْثُ شِئْتَ وَ أَفْصِدْ مَا شِئْتَ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ قُلْتَ ثَلَاثًا أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ الْمَنِيْعِ الَّذِي لَا يُطَاوُلُ وَ لَا يُحَاوِلُ مِنْ كُلِّ طَارِقٍ وَ غَاشِمٍ مِنْ سَائِرِ مَا خَلَقْتَ وَ مَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ وَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحْتَجِزًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ إِلَى أَدْبَةِ بَحْدَارٍ حَصِينٍ

الإِخْلَاصِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعًا مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ أُولِي مَنْ وَالُوا وَ أَجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا فَأَعِدْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ

الْأَعَادِي عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ وَقُلْتَهَا عَشْرًا ثَلَاثًا حَصَلَتْ فِي حِصْنٍ مِنْ مَخَاوِفِكَ وَأَمْنٍ مِنْ مَحْذُورِكَ فَإِذَا أَرَدْتَ التَّوَجُّهَ فِي يَوْمٍ قَدْ حَذَرْتَ فِيهِ فَقَدِّمَ أَمَامَ تَوَجُّهِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ وَسُورَةَ الْقَدْرِ وَآخِرَ آيَةٍ فِي سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ وَقُلِ اللَّهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ وَيَقْدِرَتِكَ يَطُولُ الطَّائِلُ وَلَا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ وَلَا قُوَّةَ يَمْتَارُهَا ذُو قُوَّةٍ إِلَّا بِمَدِّكَ بِصَمْتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعِزَّتِهِ وَسَدِّ لَاتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ صَلِّ عَلَيْهِمْ وَاكْفِنِي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَضَرَرَهُ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيُؤْمِنَهُ وَأَفْضَلِي فِي مُتَصَرِّفَاتِي بِحُسْنِ الْعَاقِبَةِ وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ بِالْأُمْنِيَّةِ وَكِفَايَةِ الطَّاعِيَةِ الْعُوبِيَّةِ وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى أَدِيَّةٍ حَتَّى أَكُونَ فِي جَنَّةٍ وَعِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنِقْمَةٍ وَأَبْدَلْنِي مِنَ الْمَخَاوِفِ أَمْنًا وَمِنَ الْعَوَاقِقِ فِيهِ يُسْرًا حَتَّى لَا يَصُدَّنِي صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَلَا يَحُلَّ بِي طَارِقٌ مِنْ أَدَى الْعِبَادِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

حدیث 84: به سندی از قول آقاایم امام صادق (علیه السلام) به آن حضرت گفتم: ای آقاایم! در بیشتر این روزها نحوست و هراس است و بسا که ضرورت دارم به کار پردازم، فرمود: ای سهل! شیعه ما در پناه ولایت ما مصونند و اگر در لجهی دریاهاى ژرف و دژه های بیابان های دوردست میان درنده ها و گرگ ها و دشمنان از جن و انس روند به برکت دوستی و ولایت ما از هر ترسی آسوده اند، به خدای عزوجل توکل کن و به ولایت ائمه طاهرین (علیهم السلام) بچسب هر کجا باشی و در بامداد هر جا خواهی برو و سه بار بگو: بامداد کردم بار خدایا در پناه منیع تو که بر آن دست نرسد و قصد یورش

بر آن نشود از شرّ هر شب گرد و ستمکار از آفریده هایت و از شرّ هر آفریده خاموش و گویایت، در پشت سپری از هر هراس آوری در جوشنی از ولایت خاندان پیغمبرت برکنار از هر آهنگ آزاری به باروی محکم اخلاص در اعتراف به حقّ آنان و تمسّک به رشته همه آن ها با یقین به این که حقّ از آن ها است و با آن ها و در آن هاست دوست دارم هر که را دوستند، و دورم از هر که دورند، مرا پناه ده بدان ها از شرّ هر آن چه پرهیز دارم ای بزرگوار، دفع کردی دشمنان را از من به بدیع آسمان ها و زمین، ما نهادیم از بر آن ها سدّی و از پس آن ها سدّی و چشمشان را بستیم و نینند و شام هم آن را سه بار بگو! تا در امن و آسایش باشی از هر هراس. و چون خواستی روزی که در آنت بر حذر داشتند دنبال کاری بروی پیش از آن بگو «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و معوّذتین و آیه الکرسی و سورهی قدر و آخر سورهی آل عمران را بخوان و بگو: بار خدایا به تو است که یورش گر یورش برد، و به نیروی تو هر که دست اندازی کند، و جنبشی ندارد هر جنبنده جز به تو، و هر نیرومند تنها از تو نیرو گیرد، سوگند به برگزیده هایت از آفریده هایت و نیکان خلقت محمّد پیغمبرت و عترتش و نژادش که بر آن ها رحمت فرست و شرّ و زیان این روز را از من بگردان و خیر و یمنش را روزی من کن، و کارهایم را خوش فرجام و دوست داشتنی نما، و پیروزم گردان و شرّ سرکش گمراه از من بگردان و شرّ هر آزارکننده را تا در پناه و مصونیت باشم از هر بلاء و نعمت، و هر هراس مرا بدّل به آسودگی ساز، و از هر مانعی آسانی بخش تا هیچ مانعی مرا از مقصد باز ندارد، و هیچ شب گرد آزار کنی به من برنخورد، که تو بر هر چیزی توانائی، و هر کاری به تو باز گردد، ای که مانندش چیزی نیست و او است شنوا و بین. (1)

ص: 617

حدیث 85: عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ وَقُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ عَلَيْهَا يَسَّ تَدِيرُ مُحْكَمُ الْقُرْآنِ وَبِهَا يُوهَبُ الْكُتُبُ وَيَسَّ تَبِينُ الْإِيمَانُ وَقَدْ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) أَنْ يُفْتَدَى بِالْقُرْآنِ وَآلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَذَلِكَ حَيْثُ قَالَ فِي آخِرِ حُطْبَةٍ خَطَبَهَا إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ الثَّقَلَ الْأَكْبَرَ وَالثَّقَلَ الْأَصْغَرَ فَأَمَّا الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ رَبِّي وَأَمَّا الْأَصْغَرُ فَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي فَاحْفَظُونِي فِيهِمَا فَلَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا

حدیث 85: امام صادق (عليه السلام): خداوند ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام) را مدار قرآن و جمیع کتب آسمانی قرار داده، آیات محکم قرآن بر محور آن می چرخد، و به سبب آن کتب آسمانی بلند آوازه شده و ایمان آشکار گردید... (1)

ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) ولایت خداست

حدیث 86: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْحَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقِ الْغُمَّشَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي

عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: وَلَا يَتَنَا وَلَايَةُ اللَّهِ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا. حدیث 86: امام صادق (عليه السلام) فرمودند: ولایت ما، همان ولایت خداست که هیچ پیغمبری جز با اقرار به آن، شایستگی نبوت نیافت. (2)

ص: 618

1- . البرهان في تفسير القرآن ج 1 ص 22 باب 3 باب في الثقلين ح 61، تفسير العياشي ج 1 ص 5 في فضل القرآن فيه 18 حديثا ح 9

2- . الكافي: ج 1 ص 437 بَابُ فِيهِ نَتَفَّ وَجَوَامِعُ مِنَ الرَّوَايَةِ فِي الْوَلَايَةِ ح 3.

حدیث 87: وَقَالَ لَهُ يُونُسُ لَوْلَا يُي لَكُمْ وَمَا عَرَفَنِي اللَّهُ مِنْ حَقِّكُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا بِحَذَائِرِهَا قَالَ يُونُسُ فَتَبَيَّنْتُ الْغَضَبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ يَا يُونُسُ قِسْتَنَا بِغَيْرِ قِيَاسٍ مَا الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا هَلْ هِيَ إِلَّا سَدُّ فُورَةٍ أَوْ سِتْرُ عَوْرَةٍ وَأَنْتَ لَكَ بِمَحَبَّتِنَا الْحَيَاةُ الدَّائِمَةُ.

حدیث 87: یونس می گوید: به امام صادق(علیه السلام) عرضه داشتم: ولایت و شناخت حق شما که خداوند به من مرحمت فرموده از دنیا و آنچه در آنست نزد من محبوبتر است. یونس می گوید: وقتی چنین گفتم آثار خشم و غضب بر چهره مبارک حضرت ظاهر شد سپس فرمود: مارا به چیزی که نباید قیاس کنی مقایسه کردی، ولایت مارا با دنیا قیاس کردی، مگر دنیا و آنچه در آنست چیست؟ آیا چیزی جز سیر کردن شکم یا پوشاندن عورت است؟ اما ولایت و محبت ما سرچشمه حیات ابدی و سعادت همیشگی است. (1)

سفارش امام جواد(علیه السلام) به یکی از شیعیان حدیث 88: بِالْإِسْدِ نَادِ الْأَوَّلِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ كَتَبَ صِهْرٌ لِي إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي (علیه السلام) إِنَّ أَبِي نَاصِبٌ خَبِيثُ الرَّأْيِ وَقَدْ لَقِيتُ مِنْهُ شِدَّةً وَجَهْدًا فَرَأَيْتُكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي الدُّعَاءِ لِي وَمَا تَرَى جُعِلْتُ فِدَاكَ أَفْتَرَى أَنْ أُكْشِفَهُ أَمْ أُدَارِيهِ فَكَتَبَ قَدْ فَهِمْتُ كِتَابَكَ وَمَا ذَكَرْتُ مِنْ

ص: 619

أَمْرٍ أَيْبِكَ وَ لَسْتُ أَدْعُ الدَّعَاءَ لَكَ إِذْ شَاءَ اللَّهُ وَ الْمُدَارَاةَ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْمُكَاشَفَةِ وَ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرٌ فَاصْبِرْ فَإِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَمَيِّنِينَ تَبَّتْكَ اللَّهُ عَلَى
وَلَايَةٍ مَنْ تَوَلَّيْتَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ فِي وَدِيعَةِ اللَّهِ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ قَالَ بَكَرٌ فَعَطَفَ اللَّهُ بِقَلْبِ أَبِيهِ عَلَيْهِ حَتَّى صَارَ لَا يُخَالِفُهُ فِي شَيْءٍ

حدیث 88: بکر بن صالح گوید: دامادم به امام جواد(علیه السلام) نوشت: پدرم مرد ناصبی بد اعتقادی است و از جانب وی با شدائد و
زحماتی چند روبرو گشته ام، در صورت صلاح دید درباره ام دعا کنید، و بیان فرمائید: که نظرتان در این باره چیست؟ آیا با وی به دشمنی
و پرخاش برخیزم یا مدارا نمایم؟ حضرت در پاسخ نوشتند: نوشته ات را فهمیدم و به آن چه درباره ی پدرت یاد کرده ای پی بردم، و انشاء
اللّه درباره ی تو دست از دعا نمی کشم، و مدارا برای تو بهتر از دشمنی و پرخاش گری است، و همراه با هر مشکلی آسانی است، صبر را
پیشه ساز که عاقبت از آن پرهیزکاران است، خداوند تو را بر ولایت آن کس که ولایتش را پذیرفته ای ثابت بدارد، ما و شما در امانت
خدائیم، همان خدائی که اماناتش ضایع و تباہ نگردد. بکر گوید: پس از آن خداوند دل پدر او را مطابق میل وی برگرداند به طوری که در
هیچ چیز با او مخالفت نمی ورزید. (1)

اهل ولایت ائمه اطهار(علیهم السلام) در قیامت آسوده اند

حدیث 89: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبدِ الْوَهَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ (علیه
السلام): قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) يَخْرُجُ أَهْلُ وَلَايَتِنَا مِنْ قُبُورِهِمْ يَخَافُ النَّاسُ وَ هُمْ لَا يَخَافُونَ وَ يَحْزَنُ النَّاسُ وَ هُمْ لَا يَحْزَنُونَ

ص: 620

حدیث 89: امیرالمؤمنین (علیه السلام): اهل ولایت ما، در حالی از قبرهایشان بیرون آیند که مردم هراسان و غمگینند، ولی آن ها نه می هراسند و نه اندوهگین شوند. (1)

ولایت ائمه اطهار سلم است

حدیث 90: عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَأَفَّةٍ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ» قَالَ أَتَدْرِي مَا السَّلْمُ قَالَ قُلْتُ أَنْتَ أَعْلَمُ قَالَ

وَلَايَةَ عَلِيِّ (عليه السلام) وَ

الْأَيْمَةَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ قَالَ وَ

خُطُواتِ

الشَّيْطَانِ وَاللَّهِ وَلَايَةُ فُلَانٍ وَفُلَانٍ

حدیث 90: ابو بصیر گفت: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمود: «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافئة ولا تتبعوا خطوات الشیطان» (2) ای مؤمنین همگی داخل در سلم شوید و پیروی از گام های شیطان ننمائید. فرمودند: می دانی سلم چیست؟ عرضه داشتیم: شما بهتر می دانید فرمودند: ولایت علی (علیه السلام) و ائمه و جانشینان بعد از اوست سپس فرمودند: «خطوات الشیطان» به خدا قسم! ولایت فلانی و فلانی است. (3)

حدیث 91: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَأَفَّةٍ» قَالَ فِي وَلَايَتِنَا حَدِيثُ 91: امام باقر (علیه السلام) در مورد آیه «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافئة» (4) فرمود: یعنی وارد در ولایت ما شوید. (5)

ص: 621

1- فضائل الشیعه: ح 8.

2- البقرة آیه 208.

3- تفسیر العیاشی ج 1 ص 102 [سورة البقرة(2): آیه 208] ح 294.

4- البقرة آیه 208.

5- الکافی ج 1 ص 417 باب فیہ نکت و تنف من التنزیل فی الولاية ح 29

حدیث 92: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» قُلْتُ مَا السَّلْمُ قَالَ الدُّخُولُ فِي أَمْرِنَا

حدیث 92: ابن مسکان از حلبی و او از حضرت صادق (علیه السلام) در مورد آیه «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (1) نقل کرد که پرسیدم سلم چیست؟ فرمود: داخل شدن در ولایت ما. (2)

ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) مهترین سوال در برزخ

حدیث 93: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ الْمَدَائِنِيُّ عَنِ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ مِنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ رَزِينَ بْنِ حُبَيْشٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أُدْخِلَ حُفْرَتَهُ أَتَاهُ مَلَكَانِ اسْمُهُمَا مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ فَأَوَّلُ مَنْ يَسْأَلَانِيهِ عَنْ رَبِّهِ ثُمَّ عَنْ نَبِيِّهِ ثُمَّ عَنْ وَلِيِّهِ فَإِنْ أَجَابَ نَجَا وَإِنْ عَجَزَ عَذَّبَاهُ

حدیث 93: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): ... همانا وقتی بنده ای وارد قبر خود می شود دو فرشته می آیند و دربارهی پروردگارش و پیامبرش و ولی پیامبرش از او سؤال کنند. پس اگر جواب داد نجات می یابد و اگر آن ها را نمی شناخت سقوط کند. (3)

حدیث 94: وَأَخْبَرَنَا عَقِيلُ بْنُ الْحُسَيْنِ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ الْأَجْرِيُّ بِمَكَّةَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْخُورِيِّ حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ مُوسَى الْقَطَّانُ، عَنْ وَكَيْعٍ، عَنْ سُفْيَانَ عَنِ السُّدِّيِّ، عَنْ

ص: 622

1- . الانفال آیه 61

2- . الكافي ج 1 ص 415 باب فيه نكت و نتف من التنزيل في الولاية ح 16،

3- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد ج 1 ص 498 باب 16 باب في الأئمة أنهم الذين ذكرهم الله يعرفون أهل الجنة و النار ح 9

عَبْدُ خَيْرٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ أَقْبَلَ صَخْرُ بْنُ حَرْبٍ حَتَّى جَلَسَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ: الْأَمْرُ بَعْدَكَ لِمَنْ قَالَ: لِمَنْ هُوَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى. فَأَنْزَلَ اللَّهُ «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» (1) يَعْنِي يَسْأَلُكَ أَهْلُ مَكَّةَ عَنْ خِلَاقَةِ عَلِيٍّ «عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» (2)

فَمِنْهُمْ الْمُصَدِّقُ وَمِنْهُمْ الْمُكَذِّبُ بِوَلَايَتِهِ، «كَأَلَا سَعْيَ لِمَنْ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَأَلَا سَعْيَ لِمَنْ لَا تَعْلَمُونَ» (3) وَهُوَ رَدُّ عَلَيْهِمْ سَدِّ يَعْرِفُونَ خِلَافَتَهُ أَنَّهَا حَقٌّ إِذْ يُسْأَلُونَ عَنْهَا فِي قُبُورِهِمْ فَلَا يَبْقَى مِنْهُمْ مَيِّتٌ فِي شَرْقٍ وَلَا غَرْبٍ وَلَا بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا وَنَكْرٌ وَنَكِيرٌ يَسْأَلَانِهِ يَقُولَانِ لِلْمَيِّتِ: مَنْ رَبُّكَ وَمَا دِينُكَ وَمَنْ نَبِيُّكَ وَمَنْ إِمَامُكَ!

حدیث 94: ابن حرب نزد رسول خدا (صلي الله عليه وآله) آمد و عرضه داشت: خلافت پس از تو برای کیست؟ فرمود: برای کسی که او از من به منزله‌ی هارون از موسی است. پس خداوند این آیات را نازل فرمود «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ...» اهل مکه از تو می پرسند؟ از خبر بزرگی که درباره‌ی آن اختلاف دارند. پس برخی از آنان تصدیق کننده به ولایت علی (عليه السلام) و برخی تکذیب کننده به ولایت اویند. زود باشد که بدانند که خلافتش برحق است. هنگامی که از آنان در گورهایشان می پرسند. هیچ کس در شرق و غرب، و در خشکی و دریا، از دنیا نرود، مگر این که نکیر و منکر از او می پرسند؟ که پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ پیغمبرت کدام است؟ و امام تو کیست؟ (4)

حدیث 95: عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): أَنَّ الْمَيِّتَ إِذَا أُخْرِجَ مِنْ بَيْتِهِ سَدَّ يَعْنَهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى قَبْرِهِ، يَتَرَحَّمُونَ عَلَيْهِ، حَتَّى إِذَا انْتَهَى بِهِ إِلَى قَبْرِهِ قَالَتِ الْأَرْضُ لَهُ: مَرَحَبًا بِكَ وَأَهْلًا وَسَهْلًا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَحِبُّ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيَّ مِثْلَكَ لَا جَرَمَ لَتَرَى مَا أَصْنَعُ بِكَ فَيَوْسَعُ لَهُ مَدَّ بَصَرِهِ وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ قَعِيدًا

ص: 623

1- . النبا آية 1

2- . النبا آية 3-2

3- . النبا آية 5-4

4- . شواهد التنزيل لقواعد التفضيل ج 2 ص 418 سورة النبا (78): الآيات 1 الى 2 ح 1075.

القبر [ملكاً القبرِ وَهُمَا فَعِيدَا الْقَبْرِ] مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ فَيَلْقِيَانِ فِيهِ الرُّوحَ إِلَى حَقْوَيْهِ فَيَقْعِدَانِهِ فَيَسْأَلَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ اللَّهُ، فَيَقُولَانِ: وَمَا دِينُكَ فَيَقُولُ: الْإِسْلَامُ فَيَقُولَانِ: وَمَنْ نَبِيُّكَ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ، فَيَقُولَانِ: وَمَنْ إِمَامُكَ؟ فَيَقُولُ: عَلِيُّ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: صَدَقَ عَبْدِي افْرُشُوا لَهُ فِي الْقَبْرِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَالْبِسُوهُ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ، وَافْتَحُوا لَهُ فِي قَبْرِهِ بَاباً إِلَى الْجَنَّةِ حَتَّى يَأْتِيَنَا وَمَا عِنْدَنَا خَيْرٌ لَهُ ثُمَّ يَقُولَانِ: لَهُ نَمِ نُومَةٌ الْعَرُوسِ نَمِ نُومَةٌ لَا حُلْمَ فِيهَا. وَإِنْ كَانَ كَافِراً أُخْرِجَتْ لَهُ مَلَائِكَةٌ يُسَيِّعُونَهُ إِلَى قَبْرِهِ يَلْعَنُونَهُ حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى الْأَرْضِ قَالَتِ الْأَرْضُ: لَا مَرْحَباً بِكَ وَلَا لِأَهْلِكَ، أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَبْغِضُ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيَّ مِثْلَكَ لَا جَرَمَ لَتَرَيْنَّ مَا أَصْنَعُ بِكَ الْيَوْمَ، فَتَضَائِقُ عَلَيْهِ حَتَّى تَلْتَمِي جَوَانِحُهُ، وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ مَلَكَا الْقَبْرِ وَهُمَا فَعِيدَا الْقَبْرِ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَدْخُلَانِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ فِي صُورَةٍ وَاحِدَةٍ؟ فَقَالَ: لَا، فَيَقْعِدَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ: سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ، فَيَقُولَانِ لَهُ: لَا دَرَيْتَ فَمَا دِينُكَ فَيَقُولُ: سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ وَيَتَلَجَّلَجُّ لِسَانَهُ، فَيَقُولَانِ لَا دَرَيْتَ فَمَنْ نَبِيُّكَ فَيَقُولُ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ وَيَتَلَجَّلَجُّ لِسَانَهُ، فَيَقُولَانِ لَا دَرَيْتَ، وَفَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ كَذَبَ عَبْدِي افْرُشُوا لَهُ فِي قَبْرِهِ مِنَ النَّارِ، وَالْبِسُوهُ مِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَافْتَحُوا لَهُ بَاباً إِلَى النَّارِ حَتَّى يَأْتِيَنَا وَمَا لَهُ عِنْدَنَا شَرٌّ لَهُ، قَالَ ثُمَّ يَضْرِبَانِهِ بِمِرْزَبَةٍ مَعَهُمَا ثَلَاثَ ضَرْبَاتٍ لَيْسَ مِنْهَا ضَرْبَةٌ إِلَّا تَطَايَرُ قَبْرُهُ نَاراً وَ لَوْ ضُرِبَتْ تِلْكَ الضَّرْبَةُ عَلَى جِبَالٍ تَهَامَةٌ لَكَانَتْ رَمِيمًا.

حدیث 95: امام صادق (علیه السلام): به درستی زمانی که مؤمن از خانگی خویش جهت تشییع جنازه به سمت قبر برده می شود ملائکه با تعداد زیاد و شور فراوان او را مشایعت کنند و زمین خطاب به او می گوید: مرحبا به تو که چنین اهلیت پیدا نمودی، آگاه باش به خدا قسم من در زمان حیات تو بسیار دوست می داشتم همچون تویی بر من قدم نهد. و چون در قبر داخل شود به اندازه وسعت دیدگانش قبر او گسترانیده می شود. و دو ملک به نام های نکیر و منکر نزد او آمده و او را می نشانند و از او سؤال می کنند که خدای تو چه کسی است؟ در جواب می گوید: اللّهُ می گویند: دین تو چیست؟ می گوید: اسلام، پس از او می پرسند پیامبر تو کیست؟ می گوید: محمد (صلی الله علیه و آله) و می پرسند: امام تو چه کسی است؟ می گوید: علی (علیه السلام) پس در این هنگام منادی از آسمان ندا می کند: بنده ام راست گفتم، از فرش های بهشتی قبرش را فرش نمایند. و دري از قبر به سوي بهشت برایش باز کنید و او را از لباس های بهشتی بپوشانید، تا این که نزد ما آید، و آن چه که نزد ماست برای او بهتر است، سپس به او گفته شود: اکنون همچون عروسی که در حجله می خوابد و خواب های پریشان نمی بیند، بیارام. سپس حضرت فرمودند: و اما اگر این شخص کافر باشد، ملائکه در حالی که او را لعن می کنند تا قبر او را مشایعت می نمایند، و زمین نیز خطاب به او می گوید: مرحبائی بر تو نیست و اهلیت آن را نداری، بدان که زمانی که در دنیا همچون تویی بر روی من قدم می نهاد او را دشمن می داشتم، پس در این هنگام قبر او فشرده و بر او تنگ می گردد، سپس نکیر منکر نزد وی آمده و از وی سؤال می کنند. پس آن دو او را می نشانند و از او می پرسند: خدای تو چه کسی است؟ زبانش به لکنت افتاده و می گوید: از مردم چیزهایی می شنیدم، به او می گویند: نفهمیدی و نمی دانی، و می پرسند: دینت چیست؟ باز زبانش به لکنت افتاده و جوابی نمی دهد پس به او می گویند: نفهمیدی و نمی دانی، و نیز می پرسند: پیامبر تو کیست؟ می گوید: از مردم چیزهایی می شنیدم، پس

به او می گویند: نفهمیدی و نمی دانی، (و نیز می پرسند: امام زمانت کیست؟ و او جوابی ندارد، زیرا در کردار به اهل بیت (علیهم السلام) اقتدا نکرده او امر ایشان را اجرا ننموده و از نواهی ایشان دوری نکرده)، پس منادی از آسمان ندا می کند: بنده ام دروغ می گوید، قبر او را از فرش های جهنم فرش کنید و از لباس های آن بر او بپوشانید و در پی سویی آتش برایش بگشائید تا این که نزد ما آید و چیزی جز شر و بدبختی نزد ما برای او نیست، پس آن دو ملک با گرزهای سه ضربه به او می زنند که با هر ضربه ای قبرش پر از آتش می گردد و شدت این ضربات به گونه ای است که اگر به کوه های مکه اصابت کند آن ها را همچون خاکستری نرم می نماید. (1)

توضیح: اعتقاد ما بر اینست که آدمی در قبر نیز مورد بازخواست قرار گرفته و درباره خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ائمه اطهار (علیهم السلام)، و دینش از او پرسیده خواهد شد، و کسی می تواند از آن خلاصی یافته و نجات یابد که حقیقتاً در اعمالش به آن ها تمسک جسته و از ایشان به نیکویی پیروی کرده باشد.

حدیث 1/95: مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَرَقِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ» قَالَ قَوْلُهُ وَ لِقَوْمِكَ يَعْنِي عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ عَنْ وِلَايَتِهِ

حدیث 1/95: عبد الله از امام صادق (عليه السلام) نقل کرد که در مورد آیه شریفه «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ» (2)

فرمود: «وَ»

لِقَوْمِكَ» یعنی علی (عليه السلام) و دنبال آیه معنی اینست که به زودی از ولایت علی (عليه السلام) بازخواست می شوید. (3)

ص: 626

1- . تفسير العياشي: ج 2 ص 225 سورة إبراهيم (14): الآيات 27 الى 28 ح 18.

2- [2] الزخرف آية 44

3- [1] تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 546 [سورة الزخرف (43): آية 44]

«فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (1)

سوگند به پروردگارت که همه آن ها رامواخذہ خواهیم کرد. از آن چه می کرده اند.

حدیث 96: أَخْبَرَنَا عَقِيلٌ [قَالَ:] أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي نَضْرَةَ قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ بْنُ مَاهَانَ الْخُورِيُّ بِخُورٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُكْرَمِ الْبَزَّازِ قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدُّورَقِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا وَكَيْعٌ، عَنْ سُفْيَانَ عَنِ الشُّدِّيِّ [فِي قَوْلِهِ تَعَالَى] «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» [قَالَ:] عَنْ وَلَايَةِ عَلِيٍّ، ثُمَّ قَالَ: عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ فِيمَا أَمَرَهُمْ بِهِ وَمَا نَهَاَهُمْ عَنْهُ

حدیث 96: راوی درباره این آیه «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» می گوید: مردم از ولایت علی (علیه السلام) بازخواست می شوند که به او امر و نواهی او چگونه عمل کردید؟! و همچنین اعمال و افعال بندگان پرسیده می شود (یعنی، از آن چه پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره ولایت و پیروی کردن از علی (علیه السلام) به آنان دستور داده و از آن چه آنان را از مخالفت کردن با علی (علیه السلام) باز داشته و از دیگر کارهایی که در دنیا انجام داده اند، مورد پرسش و بازخواست قرار گیرند). (2) حدیث 97: رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الشَّيرَازِيُّ فِي كِتَابِهِ حَدِيثًا يَرْفَعُهُ بِإِسْنَادِهِ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ مَلَكَ أَنْ يُسَعِّرَ النَّبْرَانَ السَّبْعَ وَيَأْمُرُ رِضْوَانَ أَنْ يُزَخِرِفَ الْجِدَانَ الثَّمَانَ وَيَقُولُ يَا مِكَائِيلُ مَدِّ الصِّرَاطَ عَلَى مَتْنِ جَهَنَّمَ وَيَقُولُ يَا جِبْرَائِيلُ انْصِبْ مِيزَانَ الْعَدْلِ تَحْتَ الْعَرْشِ وَيَقُولُ يَا مُحَمَّدُ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَرَّبْتُ أُمَّتَكَ لِلْحِسَابِ ثُمَّ يَأْمُرُ اللَّهُ أَنْ يُعْقَدَ عَلَى الصِّرَاطِ سَبْعُ

ص: 627

1- . حجر آیهی 92 و 93.

2- . شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ج 1 ص 423 سورة الحجر (15): آیه 92 ح 452.

فَنَاطِرَ طُولِ كُلِّ فَنَطْرَةٍ سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ فَرْسَخٍ وَعَلَى كُلِّ فَنَطْرَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْأَلُونَ هَذِهِ الْأُمَّةَ نِسَاءَهُمْ وَرِجَالَهُمْ فِي الْفَنَطْرَةِ الْأُولَى عَنْ
وَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَمَنْ أَتَى بِهِ جَازَ الْفَنَطْرَةِ الْأُولَى كَأَلْبَرِيقِ الْخَاطِفِ وَمَنْ لَمْ
يُحِبَّ أَهْلَ بَيْتِهِ سَقَطَ عَلَى أُمَّ رَأْسِهِ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَلَوْ كَانَ مَعَهُ مِنْ أَعْمَالِ الْبِرِّ عَمَلٌ سَبْعِينَ صِدْقًا.

حدیث 97: کراچکی در کتاب کنز الفوائد از ابن عباس نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هنگامی که قیامت رسد خداوند به مالک که فرشته‌ی موکل بر دوزخ است دستور دهد تا آتش جهنم‌های هفتگانه را شعله ور گرداند، و به رضوان که دربان بهشت است. فرمان دهد که بهشت‌های هشتگانه را زینت دهد و آراسته کند، و به میکائیل (علیه السلام) فرماید: صراط را بر روی جهنم کشد، و به جبرئیل (علیه السلام) گوید: میزان عدالت را در زیر عرش برقرار کند، و به محمد (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: امت خود را برای حساب آماده کن و آن‌ها را نزدیک گردان. سپس خداوند تبارک و تعالی دستور دهد که بر صراط هفت پل بنا کنند که و طول هر پل هفده هزار فرسخ باشد، و بر هر یک از آن‌ها هفتاد هزار فرشته بایستند. آن فرشتگانی که در صراط مستقرند از زن و مرد این امت از ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و دوستی اهل بیت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سؤال کرده، هر که بتواند به آن‌ها پاسخ دهد مثل برقی شتابان عبور کند، و کسی که از دوستی اهل بیت (علیه السلام) بی بهره بوده با صورت در جهنم سرنگون گردد، گرچه به اندازه هفتاد صدیق کارهای خوب انجام داده باشد. (1)

حدیث 98: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي

قَوْلِهِ تَعَالَى «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» قَالَ النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الْوَلَايَةُ وَ سَأَلْتُهُ

ص: 628

1- . تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 483 باب [سورة الصافات (37): الآيات 22 الى 24] ح 4.

عَنْ قَوْلِهِ «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ» قَالَ وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

حديث 98: امام صادق (عليه السلام) در باره آيه «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» (1) از چه سؤال مي کنند از خير بزرگ فرمودند: نبأ عظيم ولايت است از آيه «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ» (2) سؤال کردم فرمود: ولايت اميرالمؤمنين (عليه السلام) است. (3)

انبیاء بر انگيخته شدند با ولايت ائمه اطهار

حديث 99: عَنْ خَطَابِ بْنِ سَلْمَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّنَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ» بِتَكْذِيبِهِمْ آلَ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) ثُمَّ قَالَ «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»

حديث 99: خطاب بن سلمه گفت امام باقر (عليه السلام) فرمود: خداوند هيچ پيامبري را بر نيانگيخت مگر با ولايت ما و بيزاري از دشمنانمان اين آيه اشاره به همان است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ» (4) آنها كه گمراه شدند به واسطه تكذيب آل محمد (صلي الله عليه و آله) بعد مي فرمايد «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (5) (6)

ص: 629

- 1- .النبأ آية 1 و 2.
- 2- .الكهف آية 44.
- 3- . الكافي ج 1 ص 418 باب فيه نكت و تنف من التنزيل في الولاية ح 34.
- 4- . النحل آية 36
- 5- . النحل آية 36
- 6- . البرهان في تفسير القرآن ج 3 ص 419 [سورة النحل (16): الآيات 30 الى 37] ح 6018

حدیث 100: رَوَى الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الدَّيْلَمِيُّ رَفَعَهُ إِلَى التَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَا التَّجَارَةُ الْمُرَبِحَةُ الْمُنجِيَّةُ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ الَّتِي دَلَّ عَلَيْهَا فِي كِتَابِهِ فَقَالَ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَذَلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةِ تَنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ الْأَلِيمِ» (1)

حدیث 100: نوفلی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من آن تجارت سود بخشی هستم که موجب نجات از عذاب دردناکم که در این آیه می فرماید «یا ایها الذین آمنوا هل اذلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم» (2)

حدیث 101: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) مَنْ دَخَلَ فِي وَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ دَخَلَ فِي وَايَةِ عَدُوِّهِمْ دَخَلَ النَّارَ

حدیث 101: امام باقر (علیه السلام): دخول در ولایت آل محمد (صلي الله عليه وآله) دخول در بهشت و دخول در ولایت دشمنان نشان دخول در آتش است (3)

حدیث 102: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله): مَعْرِفَةُ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَ آله جَوَازٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَ الْوَلَاءُ لِآلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ

حدیث 102: رسول خدا (صلي الله عليه وآله): معرفت آل محمد (صلي الله عليه وآله) برات رهایی از آتش، محبت آل محمد (صلي الله عليه وآله) و آله جواز عبور از صراط و و پذیرش ولایت ایشان ایمنی بخش از هرگونه عذاب است (4)

ص: 630

1- . الصف آية 10

2- . البرهان في تفسير القرآن ج 5 ص 368 [سورة الصف (61): الآيات 10 الى 13] ح 10703

3- . تفسير العياشي ج 2 ص 160 [سورة هود (11): الآيات 103 الى 108] ح 66

4- . فوائد السمطين ج 2 ص 256 ح 525، ينابيع المودة ص 263.

حدیث 103: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جُمُهورِ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ نَصَبَ عَلِيًّا (عليه السلام) عَلِمًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا وَمَنْ جَهَلَهُ كَانَ ضَالًّا وَمَنْ نَصَبَ مَعَهُ شَيْئًا كَانَ مُشْرِكًا وَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ

حدیث 103: امام باقر (عليه السلام) فرمود: همانا خدای عزوجل علی (عليه السلام) را نشانه ای میان خود و مخلوقش گماشت، هر که او را بشناسد مؤمن است، و هر که انکارش کند کافر است و هر که او را نشناسد گمراهست و هر که دیگری را همراه او گمارد مشرکست، و هر که با ولایت او آید به بهشت در آید. (1)

عقوبت منکران و لایت ائمه اطهار

حدیث 104: مَا رَوَاهُ مُيسِرٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّهُ قَالَ لَهُ: مَا تَقُولُ يَا مِيسِرُ فِيمَنْ لَمْ يَعِصِ اللَّهَ طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي أَمْرِهِ وَنَهَيْهِ لَكِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا وَيَجْعَلُ هَذَا الْأَمْرَ فِي غَيْرِنَا؟ قَالَ مِيسِرٌ: فَقُلْتُ وَ مَا أَقُولُ وَأَنَا بِحَضْرَتِكَ يَا سَيِّدِي؟ فَقَالَ: هُوَ بِالنَّارِ...

حدیث 104: امام صادق (عليه السلام): ای میسر! نظر تو درباره کسانی که حتی یک چشم برهم زدن از امر و نهی خداوند سرپیچی نکرده اما ما را قبول نداشته و ولایت را برای غیر ما قائلند چیست؟ میسر می گوید: عرضه داشتم: در محضر شما چه بگویم ای سرور من؟ حضرت فرمودند: آنان در آتشند.... (2)

ص: 631

1- . الكافي ج 1 ص 437 بَابٌ فِيهِ نَتَفَّ وَ جَوَامِعُ مِنَ الرَّوَايَةِ فِي الْوَلَايَةِ ح 7

2- . مشارق الانوار اليقين ص 240 فصل أثر كتمان العلماء للحقائق

تذکر: قبولی اعمال شرایطی داشته و از جمله آن شروط پذیرش ولایت ایشان است.

ولایت رکن اصلی دین حدیث 105: عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ جَمِيعاً عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَيُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ قَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ

حدیث 105: امام باقر (علیه السلام): اسلام بر پنج پایه بنا شده: نماز، روزه، حج، زکات و ولایت ما اهل بیت (علیهم اسلام) زراره می گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرضه داشتیم: کدام یک از این ها بهتر است پس فرمود: ولایت افضل است زیرا ولایت مفتاح و کلید آنهاست و والی دلیل بر آنهاست. (1)

حدیث 106: عَنْ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنْ سَعْدِ بْنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَظِينَ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَلَاءِ بْنِ رَزِينِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسِ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ حَجِّ الْبَيْتِ وَ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ الْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَجُعِلَ فِي أَرْبَعٍ مِنْهَا رُخْصَةٌ وَ لَمْ يُجْعَلْ فِي الْوَلَايَةِ رُخْصَةٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ لَمْ تَكُنْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ

ص: 632

مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَالٌ فَلَيْسَ عَلَيْهِ حَجٌّ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضاً صَ لَمْ يَفْطَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ الْوَلَايَةُ صَحِيحاً كَانَ أَوْ مَرِيضاً وَ ذَا مَالٍ أَوْ لَا مَالٍ لَهُ فَهِيَ لَزِمَةٌ

حدیث 106: ابو حمزه ثمالی گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: اسلام بر پنج پایه استوار شده، برپا داشتن نماز، دادن زکات، حج خانه خدا، روزه ماه رمضان و ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام) در چهار مورد آن رخصت و شرط گذاشته اما در ولایت رخصتی نگذاشته. اگر کسی مالی نداشته باشد برای او زکاتی نخواهد بود، هر که استطاعت مالی نداشته و یا بیمار گردد حج بر او واجب نیست، نماز را می تواند نشسته اداء کند و یا ماه رمضان به خاطر بیماری و مسافرت افطار نماید اما ولایت در هیچ حالی از وی ساقط نمی گردد. (1)

حدیث 107: عَنْ ابْنِ الْأَثَمِ وَ كُلِّ عَنِ السَّعْدِ أَبَادِيٍّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ دَعَائِمَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

حدیث 107: مُفَضَّلٌ گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: اسلام روی پنج ستون استوار باشد، نماز، روزه، زکات حج و ولایت امیر مؤمنان (علیه السلام) و فرزندانش. (2)

حدیث 108: قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بِنِ قَوْلِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ دَعَائِمَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حَجِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ الْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

ص: 633

1- . الخصال ج 1 ص 278 باب الخمسة الدعائم التي بني عليها الإسلام خمس ح 21 .

2- . الأمالي للصدوق ص 268 المجلس الخامس والأربعون ح 14 .

حدیث 108: امام باقر (علیه السلام): اسلام بر پنج پایه‌ی نهاده شده، بر پا داشتن نماز، و پرداخت زکات، و روزه ماه رمضان، و حج خانهی خدا، و ولایت ما اهل بیت (علیهم اسلام). (1)

ولایت تکوینی «وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلَّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا فَلَمْ يَيْئَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا» (2)

و همانا با قرآن کوه‌ها به حرکت در می‌آید و زمین قطعه قطعه شده و با مردگان سخن گفته می‌شود. بلکه همه امور از برای خداست.

«فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ» (3)

و به آنان گفتیم به بوزینه‌ی ای پست تبدیل شوید

«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (4)

(سرانجام او را به آتش افکندند، ولی ما) گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش!

«فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ» (5)

چون از آنچه نهی‌شان کرده بودیم سرپیچی کردند، به آنان گفتیم: بوزینگانی پست شوید

«قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ» (6)

بگو: آیا شمارا به کسی که سزایش نزد خدا بدتر از اینست خبر دهم؟ او کسی است که خدا لعنتش کرده و بر او خشم گرفته و گروهی از آنان را بصورت بوزینگان و خوک‌ها در آورده و کسی است که طاغوت را پرستیده منزلت آنان بدتر است و از راه راست گمراه‌ترند.

ص: 634

1- . الامالی للمفید: المجلس 42 ح 4.

2- . الرعد (13)، آیهی 31.

3- . سوره مبارکه بقره آیه 65

4- . سوره مبارکه انبیاء آیه 69

5- . الاعراف (7)، آیهی 166.

6- . المائدة (5)، آیهی 60.

«فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ وَ الشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَ غَوَاصٍ» (1) پس ما باد را مسخر او ساختیم تا به فرمانش به نرمی حرکت کند و به هر جا او می خواهد برود! و شیاطین را مسخر او کردیم، هر بنا و غواصی از آنها را

«وَلَسَ لَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ كُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ وَ مِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يُغْوِصُونَ لَهُ وَ يَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَ كُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ» (2)

و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم، که به فرمان او به سوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم جریان می یافت، و ما از همه چیز آگاه بوده ایم. و گروهی از شیاطین (را نیز مسخر او قرار دادیم، که در دریا) برایش غواصی می کردند، و کارهایی غیر از این (نیز) برای او انجام می دادند، و ما آنها را (از سرکشی) حفظ می کردیم!

«وَلَسَ لَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَوَاحُها شَهْرٌ وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَ مِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَنْ يَزْغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقُهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ وَ حِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ» (3)

و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر يك ماه را می پیمود و عصرگاهان مسیر يك ماه را، و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم، و گروهی از جنّ پیش روی او به اذن پروردگارش کار می کردند، و هر کدام از آنها که از فرمان ما سرپیچی می کرد، او را عذاب آتش سوزان می چشانیم! آنها هر چه سلیمان می خواست برایش درست می کردند معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها، و دیگ های ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود).

حدیث 109: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدٍ

ص: 635

1- . سوره مبارکه ص آیات 36 و 37

2- . سوره مبارکه انبیاء آیات 81 و 82

3- . سوره مبارکه سباء آیات 12 و 13

بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسَدَّكَانَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا بِهِ ذَهَبَ الْخَصَالُ السَّبْعَ بِمَشْيِ يَتَّةٍ وَإِرَادَةٍ وَقَدَرٍ وَقَضَاءٍ وَإِذْنٍ وَكِتَابٍ وَأَجَلٍ... حديث 109: امام صادق (عليه السلام) می فرماید: چیزی در آسمان و زمین پدید نمی آید جز به این هفت امر، مشیت، اراده، قضا، قدر، اذن، کتاب و اجل... (1)

«وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا حِبَالُ أُوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَآتَيْنَاهُ الْحَدِيدَ» (2)

و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم، (ما به کوه ها و پرندگان گفتیم) ای کوه ها و ای پرندگان! با او هم آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم.

«قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجَنِّ أَتَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا

رَأَاهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ

فَأِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» (3)

عفریتی از جن گفت: من آن را نزد تو می آورم پیش از آنکه از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم! (اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد! و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: این از فضل پروردگار من است.

از مصادیق ولایت تکوینی می توان به دخل و تصرف امام به اذن خداوند در عالم هستی اشاره نمود مانند معجزات ائمه اطهار (علیهم السلام) به یاری خدای تبارک و تعالی در جلد دوم کتاب به برخی از معجزات ائمه هدی (علیهم السلام) اشاره خواهیم کرد.

ص: 636

1- . الكافي ج 1 ص 149 باب في أنه لا يكون شيء في السماء والأرض إلا بسبعة ح 1

2- . سورة مبارکه سباء آیه 10

3- . سورة مبارکه نمل آیات 39 و 40

تقرب ملائکه به خداوند به وسیله ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) حدیث 110: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَاللَّهِ إِنَّ فِي السَّمَاءِ لَسَبْعِينَ صِنْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِمْ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ يُحْصُونَ عَدَدَ كُلِّ صِنْفٍ مِنْهُمْ مَا أَحْصَوْهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَدِينُونَ بِوَلَايَتِنَا.

حدیث 110: امام باقر (علیه السلام): به خدا قسم! در آسمان، هفتاد صنف از ملائکه هستند که اگر تمام اهل زمین جمع شده و بخواهند یک صنف از آن ها را شمارش نمایند نمی توانند، و همهی این ملائکه به وسیله ولایت ما به خدای متعال تقرب می جویند. (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُمَرَ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنِ الْخَبَرِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا جَاوَرَتْ مَلَائِكَةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي دُنُوهَا مِنْهُ إِلَّا بِالَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَصِفُونَ [لِيَصِفُونَ] مَا تَصِفُونَ وَيَطْلُبُونَ مَا تَطْلُبُونَ وَإِنَّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَلَائِكَةً يَقُولُونَ إِنَّ قَوْلَنَا فِي آلِ مُحَمَّدٍ مِثْلَ الَّذِي جَعَلْتُمْ عَلَيْهِ.

ابن ظبیان از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که حضرت فرمود: ملائکه خدا سبب نزدیکی و قرب آن ها به خدا چیزی نشد مگر همین ولایتی که شما دارید ملائکه آنچه را شما توصیف می کنید آن ها نیز توصیف می کنند و در جستجوی آنچه شما می جوئید هستند و ملائکه می گویند سخن ما در باره آل محمد (صلی الله علیه و آله) همان است که شما بر آنید (یعنی به کُنهِ معرفت آن ها نرسیده ایم).

(2)

ص: 637

-
- 1- بصائر الدرجات: ج 1 ص 67 باب 6 ما خص الله به الأئمة من آل محمد ص و ولاية الملائكة ح 4.
 - 2- [2] بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 68 باب 6 ما خص الله به الأئمة من آل محمد ص و ولاية الملائكة ح 8

وظیفه خلق اعلام ولایت و مودت حدیث 111: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: نَظَرَ إِلَى النَّاسِ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فَقَالَ هَكَذَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِنَّمَا أُمِرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَنْفِرُوا إِلَيْنَا فَيَعْلَمُونَا وَلَا يَتَّهَمُونَ وَ مَوَدَّتْهُمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نُصْرَتَهُمْ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ «فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»

حدیث 111: فضیل گوید: امام باقر (علیه السلام) به مردمی که گرد کعبه طواف می کردند، نگاه کرد و فرمودند: در زمان جاهلیت نیز این گونه طواف می کردند. همانا مردم دستور دارند که گرد کعبه طواف کنند و سپس سوی ما کوچ کنند و ولایت و دوستی خود را به ما اعلام دارند و یاری خود را نسبت به ما عرضه کنند، سپس این آیه را قرائت فرمود «فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (1)

دل های برخی از مردم را متوجه ما گردان. (2)

حدیث 112: الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي بَاطٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَرَأَى النَّاسَ بِمَكَّةَ وَمَا يَعْمَلُونَ قَالَهُ فَقَالَ كَفَعَالِ الْجَاهِلِيَّةِ أَمَا وَاللَّهِ مَا أُمِرُوا بِهَذَا وَمَا أُمِرُوا إِلَّا أَنْ يَقْضُوا «تَقْتَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُدُورَهُمْ» فَيَمُرُّوا بِنَا فَيُخْبِرُونَا

بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرِضُوا

عَلَيْنَا نُصْرَتَهُمْ.

حدیث 112: امام باقر (علیه السلام) مردم را در مکه دید که چه می کنند، سپس فرمود: کارهایی است مانند کارهای جاهلیت، همانا به خدا سوگند که چنین دستور ندارند،

ص: 638

1- . ابراهیم 37

2- . الكافي كتاب الحجّة ج 1 ص 392 بَابُ أَنَّ الْوَجِبَ عَلَى النَّاسِ بَعْدَ مَا يَقْضُونَ مَنَاسِكَ كَهُمْ أَنْ يَأْتُوا الْإِمَامَ فَيَسْأَلُونَهُ عَنِ مَعَالِمِ دِينِهِمْ وَ يُعْلَمُونَهُمْ وَلَا يَتَّهَمُونَ وَ مَوَدَّتْهُمْ لَهُ ح 1

آنچه دستور دارند اینست که «تَقْتَهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نَذْرَهُمْ» (1) حج خود را انجام دهند و به نذر خود وفا کنند و نزد ما آیند و ولایت خود را به ما خبر دهند و نصرت خویش را بر ما عرضه کنند. (2)

درباره تکذیب کنندگان ولایت

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ زَكَرِيَّا بْنِ عَاصِمٍ عَنِ الْهَيْثَمِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ الرَّمَادِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ» قَالَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ (عليه السلام)

كنز الفوائد: عبد الله رمادی از حضرت رضا(علیه السلام) از آباء گرام خود در باره آیه و «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ» (3) مشاهده کردی کسی که دین را تکذیب کرد فرمود: یعنی ولایت امیر المؤمنین(علیه السلام). (4)

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ جُمْهُورٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ» قَالَ بِالْوَلَايَةِ.

امام صادق(علیه السلام) درباره آیه «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ» (5)

فرمودند: مقصود ولایت است (6) فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنَا [حَدَّثَنِي] مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعَنَّأً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [فِي] قَوْلِهِ [تَعَالَى] «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ

ص: 639

1- . الحج 29

2- . الكافي كتاب الحج ج 1 ص 392 بَابُ أَنَّ الْوَاجِبَ عَلَى النَّاسِ بَعْدَ مَا يَقْضُونَ مَنَاسِكَهُمْ أَنْ يَأْتُوا الْإِمَامَ فَيَسْأَلُونَهُ عَنْ مَعَالِمِ دِينِهِمْ وَ يُعَلِّمُونَهُمْ وَلَا يَتَّخِذُوا مَوَدَّةً لَهُمْ وَ مَوَدَّةً لَهُمْ ح 2

3- . الماعون آية 1

4- . تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 820 [سورة الماعون(107): آية 1]

5- . الماعون آية 1

6- . تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 820 [سورة الماعون(107): آية 1]

تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» [قَالَ] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِعَلِيِّ (عليه السلام) تَدْرِي فِيمَنْ نَزَلَتْ قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ فِيمَنْ صَدَّقَ لِي وَآمَنَ بِي وَأَحْبَبَكَ وَ
عَتَرْتَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَ سَلَّمَ الْأَمْرَ لَكَ [لَكَ الْأَمْرُ] وَ لِأَيِّمَةٍ مِنْ بَعْدِكَ

حضرت صادق (عليه السلام) نقل در باره آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (1)

فرمود: پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) از علي بن ابی طالب (عليه السلام) پرسید می دانی این آیه در باره چه کسی نازل شده؟ عرضه داشت: خدا و پیغمبرش داناترند فرمود: در باره کسی که مرا تصدیق کند و ایمان آورد به من و تورا و عترت را بعد از تو دوست بدارد و تسلیم تو و ائمه بعد از تو باشد. (2)

مطالبی درباره چگونگی دعوت مردم به این امر

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقَبَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ اجْعَلُوا أَمْرَكُمْ لِلَّهِ وَ لَا تَجْعَلُوهُ
لِلنَّاسِ فَإِنَّهُ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلَّهِ وَ مَا كَانَ لِلنَّاسِ فَلَا يَصْدُ عِدُّ إِلَى اللَّهِ وَ لَا تُخَاصِمُوا النَّاسَ لِديِنِكُمْ فَإِنَّ الْمُخَاصِمَةَ مَمْرُضَةٌ لِلْقَلْبِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى
قَالَ لِنَبِيِّهِ «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» وَ قَالَ «أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» ذَرُوا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ أَخَذُوا
عَنِ النَّاسِ وَ إِنَّكُمْ أَخَذْتُمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ إِيَّيَّ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا كَتَبَ عَلَيَّ عَبْدًا أَنْ يَدْخُلَ فِي هَذَا الْأَمْرِ كَانَ أَسْرَعَ إِلَيْهِ مِنَ
الطَّيْرِ إِلَى وَكْرِهِ.

ص: 640

1- . الرعد آية 28

2- . تفسير فرات الكوفي ص 207 [سورة الرعد(13): آية 28] ح 274

شنیدم ابو عبد الله صادق (علیه السلام) می فرمود: کار خود را به منظور جلب رضای خدا انجام دهید نه برای جلب رضای مردم. آنچه برای مردم باشد به پیشگامان بالا نمی رود. به خاطر مذهب و اشاعه مکتب با مردم (لجوج و نادان) جدل کنید که مجادله دل را مریض می کند. خداوند تبارک و تعالی به پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود

«إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» (1) این تو نیستی که هر که را بخواهی بتوانی به سوی ایمان جلب کنی، بلکه خداوند است که هر که را بخواهد به سوی ایمان می کشاند و باز به او گفت «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (2) آیا این تو هستی که می توانی مردم را وادار کنی تا در شمار مؤمنان قرار گیرند؟ مردم را به حال خود بگذارید. این مردم از افرادی مانند خود تعلیم گرفته اند و شما از رسول خدا (صلي الله عليه و آله) تعلیم گرفته اید. شنیدم که پدرم ابوجعفر باقر (علیه السلام) می گفت: هر گاه که خداوند با عز و جلال مقرر کند که یکی از بندگانش وارد این مذهب شود، از پرنده ای که به سوی لانه خود پرواز می کند شتاب بیشتری خواهد داشت. (3)

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشَدُّ عَرِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ فَضَالِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ نَدْعُو النَّاسَ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ لَا يَا فَضِيلُ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَمَرَ مَلَكًا فَأَخَذَ بِعُنُقِهِ فَأَدْخَلَهُ فِي هَذَا الْأَمْرِ طَائِعًا أَوْ كَارِهًا

فضیل بن یسار گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه: آیا مردم را (با سرسختی و اجبار) به این مذهب شیعه بخوانیم؟ فرمود: ای فضیل، نه، به راستی چون خدا خیر بنده ای را خواهد به فرشته ای فرمان دهد گردش را بگیرد و او را خواه ناخواه وارد این مذهب کند. (4)

ص: 641

1- . القصص آية 56

2- . یونس آية 99

3- . الكافي ج 1 ص 166 كتاب التوحيد باب الهداية أنها من الله عز و جل ح 3

4- . الكافي ج 1 ص 167 كتاب التوحيد باب الهداية أنها من الله عز و جل ح 4

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ ثَابِتِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا ثَابِتُ مَا لَكُمْ وَ لِلنَّاسِ كُفُّوا عَنِ النَّاسِ وَلَا تَدْعُوا أَحَدًا إِلَى أَمْرِكُمْ فَوَاللَّهِ لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلَ الْأَرْضِ بَيْنَ اجْتِمَعُوا عَلَى أَنْ يَهْدُوا عَبْدًا يُرِيدُ اللَّهُ ضَلَالَتَهُ مَا اسْتَطَاعُوا عَلَى أَنْ يَهْدُوهُ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلَ الْأَرْضِ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يُضِلُّوا عَبْدًا يُرِيدُ اللَّهُ هِدَايَتَهُ مَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يُضِلُّوهُ كُفُّوا عَنِ النَّاسِ وَ لَا يَقُولُ أَحَدٌ عَمِّي وَ أَخِي وَ ابْنُ عَمِّي وَ جَارِي فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا طَيَّبَ رُوحَهُ فَلَا يَسْمَعُ مَعْرُوفًا إِلَّا عَرَفَهُ وَ لَا مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ ثُمَّ يَقْذِفُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ كَلِمَةً يَجْمَعُ بِهَا أَمْرَهُ

ثابت بن سعید گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای ثابت شما را با مردم چکار؟ از مردم دست بردارید و هیچ کس را (با زور و اکراه) به مذهب خود نخوانید، به خدا اگر اهل آسمان ها و اهل زمین ها گرد آیند تا بنده ای را که خدا گمراهیش را خواسته، هدایت کنند نتوانند و اگر اهل آسمان ها و اهل زمین ها گرد آیند تا بنده ای را که خدا هدایتش را خواسته، گمراه کنند نتوانند، از مردم دست بردارید و هیچ کس نگوید این عموی من، برادر من، پسر عموی من، همسایه من است (و من نمی توانم نزدیکانم را در گمراهی ببینم) زیرا چون خدا نسبت به بنده ای اراده خیر نماید روحش را پاک کند پس هر مطلب حقی را بشناسد و هر زشت و باطلی را انکار کند، پس از آن خدا در دلش مطلبی اندازد که کارش را فراهم آورد. (یعنی ولایت ائمه (علیهم السلام) را به دلش اندازد که سعادت و نجاتش را فراهم آورد). (1)

ص: 642

1- . الكافي ج 1 ص 165 كتاب التوحيد باب الهداية انها من الله عز وجل ح 1

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً مِنْ نُورٍ وَفَتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَوَكَّلَ بِهِ مَلَكًا يُسَدِّدُهُ وَإِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ سُوءًا نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً سُودَاءَ وَسَدَّ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَوَكَّلَ بِهِ شَيْطَانًا يُضِلُّهُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ» امام صادق (عليه السلام) فرمود: چون خدا خیر بنده ای را خواهد، اثری از نور در دلش گذارد و گوش های دلش را باز کند و فرشته ای بر او گمارد که نگهدارش باشد و چون برای بنده ای بدخواهد، اثری از سیاهی در دلش افکند و گوش های دلش را به بندد و شیطانی بر او گمارد که گمراهش کند، سپس این آیه را قرائت فرمود «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ» بنا بر این هر که را خداوند اراده کند که هدایت فرماید، سینه اش را برای پذیرش اسلام می گشاید و هر که را اراده کند گمراه سازد، سینه اش را چنان تنگ و سخت کند که گویا می خواهد به آسمان رود. (1)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ كَلَيْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الصَّيْدَاوِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِيَّاكُمْ وَ النَّاسَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَتَرَكَهُ وَهُوَ يَجُولُ لِذَلِكَ وَيَطْلُبُهُ ثُمَّ قَالَ لَوْ أَنَّكُمْ إِذَا كَلَّمْتُمُ النَّاسَ قُلْتُمْ ذَهَبْنَا حَيْثُ ذَهَبَ اللَّهُ وَ اخْتَرْنَا مَنْ اخْتَارَ اللَّهُ وَ اخْتَارَ اللَّهُ مُحَمَّدًا وَ اخْتَرْنَا آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ.

ص: 643

کلیب صیداوی گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم فرمود: با مردم (لجوج و نادان و کسانیکه که زیر بار حرف حق نمی روند) مجادله نکنید خداوند هر گاه بخواهد به بنده ای خیر برساند، در دلش نکته ای ایجاد می کند و او را به حال خود وامی گذارد، این نقطه در دل او حرکت می کند و دنبال مقصود می رود. بعد از این فرمود: هر گاه با مردم سخن گفتید به آنها بگوئید ما به طرفی رفتیم که خداوند آن طرف را اختیار کرده و ما کسی را برگزیدیم که خداوند آن را برگزیده است، خداوند محمد (صلي الله عليه و آله) را برگزید و ما هم آل محمد (صلي الله عليه و آله) را برگزیدیم. (1) عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً بَيْضَاءَ وَفَتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَوَكَّلَ بِهِ مَلَكًا يُسَدِّدُهُ وَإِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ سُوءًا نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً سَوْدَاءَ وَسَدَّ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَوَكَّلَ بِهِ شَيْطَانًا يُضِلُّهُ.

امام صادق (علیه السلام): خداوند هر گاه به بنده اراده خیری بکند در دلش سفیدی ایجاد می کند و گوش های دلش را باز می کند و فرشته ای او را راهنمایی کند، و هر گاه اراده کند بنده ای را هدایت نماید در دل او نقطه سیاهی ایجاد می کند و گوش های او را سد می گرداند و شیطان را بر او مسلط می سازد تا وی را گمراه سازد. (2)

ولایت به برگزیدگان خلق اعطا میگردد

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَا أَبَا

ص: 644

1- . الكافي ج 2 ص 212 كتاب الايمان و الكفر باب في ترك دعاء الناس ح 1

2- . الكافي ج 2 ص 214 كتاب الايمان و الكفر باب في ترك دعاء الناس ح 7

الصَّخْرَ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي هَذَا إِلَّا مَرَّ إِلَّا صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ أَنْتُمْ وَاللَّهُ عَلَى دِينِي وَدِينِ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ لَا أَعْنِي عَلَيَّ بَنَ الْحُسَيْنِ وَلَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَإِنْ كَانَ هَؤُلَاءِ عَلَى دِينِ هَؤُلَاءِ.

عمر بن حنظله گوید: حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمودند: ای ابو الصخر! خداوند دنیا را به دوستان و دشمنان می دهد، ولی ولایت و امامت را فقط به برگزیدگان از مخلوقات خود عطا می کند به خداوند سوگند شما بر دین من و دین پدرانم ابراهیم و اسماعیل می باشید.... (1) الْحَسَدُ يَنْبُؤُ بِمُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ الْجُهَنِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ يَا مَالِكُ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي دِينَهُ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ.

مالک بن اعین گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم فرمود: ای مالک! خداوند دنیا را به دوست و دشمن می دهد، ولی دینش را جز به دوستان نمی دهد. (2)

عَدَّهُ عَنْ مُعَلَّى عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَثْعَمِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ حَنْظَلَةَ وَعَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا يُعْطِيهَا اللَّهُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ وَلَا يُعْطِي الْإِيمَانَ إِلَّا صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ.

حمران گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: خداوند دنیا را به نیکوکار و بدکار می دهد، ولی ایمان را فقط به برگزیدگان عطا می کند. (3)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي سَلِيمَانَ عَنْ مُيَسَّرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ الدُّنْيَا يُعْطِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ أَحَبَّ وَمَنْ أَبْغَضَ وَإِنَّ الْإِيمَانَ لَا يُعْطِيهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّهُ.

ص: 645

- 1- . الكافي بَابُ أَنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يُعْطِي الدِّينَ مَنْ يُحِبُّهُ ج 2 ص 214 ح 1
- 2- . الكافي ج 2 ص 215 كتاب الإيمان و الكفر بَابُ أَنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يُعْطِي الدِّينَ مَنْ يُحِبُّهُ ح 2
- 3- . الكافي ج 2 ص 215 كتاب الإيمان و الكفر بَابُ أَنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يُعْطِي الدِّينَ مَنْ يُحِبُّهُ ح 3

محمد بن یحیی از ... از میسر روایت کند که حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند دنیا را به دوست و دشمنش می دهد ولی ایمان را نمی دهد مگر به آن کس که دوست دارد. (1)

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ عَنْ مُيسِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ الدُّنْيَا يُعْطِيهَا اللَّهُ مِنْ أَحَبِّ وَأَبْغَضَ وَإِنَّ الْإِيمَانَ لَا يُعْطِيهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ

میسر گوید حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: همانا دنیا را خداوند به هر دوست و دشمنی می دهد، ولی ایمان را نمی دهد مگر به آن کس که دوستش دارد. (2) عَنْهُ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَثْعَمِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حَمَادٍ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا يُعْطَاهَا الْبُرِّ وَالْفَاجِرُ وَإِنَّ هَذَا الدِّينَ لَا يُعْطَاهَا إِلَّا أَهْلُهُ خَاصَّةً

حمران بن اعین گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: این دنیا به نیکوکار و بدکار داده می شود ولی دین جز به برگزیدگان داده نمی شود. (3)

عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ وَلَا يُعْطِي الْإِيمَانَ إِلَّا أَهْلَ صَفْوَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ

عمر بن حنظله گوید: با حضرت صادق (علیه السلام) حرکت می کردیم امام متوجه من شد و فرمود: خداوند دنیا را به نیکوکاران و بدکاران می دهد ولی دین را فقط به برگزیدگان از مخلوقات عطا می فرماید. (4)

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: بَيْنَا أَنَا أَمْشِي مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي بَعْضِ

ص: 646

1- . الكافي ج 2 ص 215 كتاب الإيمان و الكفر باب أن الله إنما يعطي الدين من يحبّه ح 4

2- . المحاسن ج 1 ص 216 باب 9 باب الدين ح 108

3- . المحاسن ج 1 ص 217 باب 9 باب الدين ح 109

4- . المحاسن ج 1 ص 217 باب 9 باب الدين ح 110

طُرِقِ الْمَدِينَةَ إِذَا التَّمَّتْ إِلَيَّ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الْبِرَّ وَالْفَاجِرَ الدُّنْيَا وَلَا يُعْطِي الدِّينَ إِلَّا أَهْلَ صَفْوَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ

عمر بن حنظله گوید: با حضرت صادق (علیه السلام) حرکت می کردیم امام متوجه من شد و فرمود: خداوند دنیا را به نیکوکاران و بدکاران می دهد ولی دین را فقط به برگزیدگان از مخلوقات عطا می فرماید. (1)

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ فَضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الْمَالَ الْبِرَّ وَالْفَاجِرَ وَلَا يُعْطِي الْإِيمَانَ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ

فضیل گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند مال را به نیکوکار و بدکار می دهد ولی ایمان را فقط به دوستانش می دهد. (2) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ مُحَمَّدِ الطَّيَّارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَمْ تَتَوَاحَا عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرَ وَإِنَّمَا تَعَارَفْتُمْ عَلَيْهِ

امام باقر (علیه السلام) فرمود: شما در ولایت و امامت با هم برادروار رفتار نمی کنید و فقط با تعارف و شناسائی معمولی با هم رفت و آمد دارید. (3)

درباره کوتاهی نمودن امت

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا ذَرٍّ أَخِذًا بِحَلْقَةِ بَابِ الْكَعْبَةِ مُقْبِلًا بِوَجْهِهِ لِلنَّاسِ وَهُوَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَسَانُبِّهُ بِاسْمِي أَنَا جُنْدَبُ بْنُ السَّكَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَا أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ أَنَا

ص: 647

1- . المحاسن ج 1 ص 217 باب 9 باب الدين ح 111

2- . المحاسن ج 1 ص 217 باب 9 باب الدين ح 112

3- . الكافي ج 2 ص 168 باب في أن التواخي لم يقع على الدين وإنما هو التعارف ح 1

رَابِعٌ أَرْبَعَةٌ مِمَّنْ أَسَدَ لَمْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) يَقُولُ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطُولِهِ إِلَى قَوْلِهِ أَلَا أَيُّهَا الْأُمَّةُ الْمُتَحَيِّرَةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا لَوْ قَدَّمْتُمْ مَنْ قَدَّمَهُ اللَّهُ وَأَخَّرْتُمْ مَنْ أَخَّرَهُ اللَّهُ وَ جَعَلْتُمْ الْوَلَايَةَ حَيْثُ جَعَلَهَا اللَّهُ لَمَا عَالَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ لَمَا ضَاعَ فَرَضٌ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ لَا اخْتَلَفَ اثْنَانِ فِي حُكْمٍ مِنْ أَحْكَامِ اللَّهِ إِلَّا كَانَ عِلْمٌ ذَلِكَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَذُوقُوا وَبَالَ مَا كَسَبْتُمْ «وَسَدَّ يَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»

ابن صامت: اباذر را دیدم که حلقه در خانه کعبه را گرفته و رو به جانب مردم نموده می گفت مردم! هر که مرا می شناسد، می شناسد و هر که نمی شناسد خود را معرفی کنم من جندب بن سکن ابن عبد الله، من ابو ذر غفاری هستم من چهارمین نفری هستم که اسلام آوردند از پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) شنیدم می فرمود: حدیث را تا آخر نقل کرد تا آنجا که گفت: ای امت سرگردان پس از پیامبر (صلي الله عليه و آله) اگر مقدم می داشتید کسی را که خدا مقدم داشته و مؤخر می داشتید کسی را که خدا مؤخر داشته و ولایت را قرار می دادید جایی که خدا قرار داده ولی خدا منزوی نمی شد و هیچ يك از فرائض خدا از بین نمی رفت و نه بین دو نفر در احکام خدا اختلاف می شد. بدانید اگر علم رهبری در نزد اهل بیت پیامبرتان باشد باید نتیجه کردار زشت خود را بپشید به زودی خواهند فهمید کسانی که ستم کرده اند چه کار نابجائی کرده اند. (1)

فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى [عَلِي] بْنِ زَكَرِيَّا الدَّهْقَانُ مُعْنَعًا عَنْ عُيَيْدِ بْنِ وَائِلٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا ذَرٍّ [الْغِفَارِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ] بِالْمَوْسِمِ وَ قَدْ أَقْبَلَ بَوَجْهِهِ عَلَى النَّاسِ وَ هُوَ يَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا جُنْدَبُ بْنُ الْيَمَانِ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) يَقُولُ كَمَا

ص: 648

1- [1] الإحتجاج على أهل اللجاج للطبرسي ج 1 ص 158 احتجاجة على جماعة كثيرة من المهاجرين و الأنصار لما تذاكروا فضلهم بما قال رسول الله ص من النص عليه و غيره من القول الجميل

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (1)

فَمُحَمَّدٌ (صلي الله عليه و آله) مِنْ نُوحٍ وَ الْأَلِّ مِنْ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) وَ الصَّفْوَةَ وَ السَّلَالَهَ مِنْ إِسْمَاعِيلَ (عليه السلام) وَ الْعِتْرَةَ الْهَادِيَّةَ مِنْ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) بِهِ شَرَفٌ شَدِيدٌ وَ بِهِ اسْتَوْجِبُوا الْفَضْلَ عَلَى قَوْمِهِمْ فَأَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) فِيْنَا كَالسَّمَاءِ الْمَرْفُوعَةِ وَ الْأَرْضِ الْمَبْسُوطَةِ وَ الْجِبَالِ الْمَنْصُوبَةِ وَ الْكَعْبَةِ الْمَسْتُورَةِ وَ الشَّمْسِ الْمُسْرِقَةِ وَ الْقَمَرِ السَّارِي وَ النُّجُومِ الْهَادِيَةِ وَ الشَّجَرَةِ الرَّيْتُونَةِ أَضَاءَ زَيْتِنَهَا وَ بُورِكٍ فِي زَيْتِنَهَا وَ صِدْقِي آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ بِتَأْوِيلِهِ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَلَا أَيُّهَا الْأُمَّةُ الْمُتَحَيَّرَةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا أَمْ وَ اللَّهُ لَوْ قَدَّمْتُمْ مَنْ قَدَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ (صلي الله عليه و آله) وَ أَخَرْتُمْ مَنْ أَخَّرَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ (صلي الله عليه و آله) مَا عَالَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ لَا طَاشَ سَهْمٌ مِنْ فَرَاغِ اللَّهِ وَ لَا تَنَازَعَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ فِي شَيْءٍ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا وَ عِلْمٌ ذَلِكَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَذُوقُوا وَبَالَ مَا كَسَبْتُمْ [أمركم] «وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (2) «كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَ جَدَّ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (3)

همین روایت را از ابا ذر نقل می کند تا آنجا که فرمایش پیامبر (صلي الله عليه و آله) را نقل می کند که فرمود: خداوند می فرماید «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» پس محمد (صلي الله عليه و آله) از نوح (عليه السلام) است و آل از ابراهیم (عليه السلام) هستند و برگزیده و فرزندان از اسماعیل (عليه السلام) و عترت هادی و راهبر از محمد (صلي الله عليه و آله) هستند به واسطه آن حضرت شخصیت یافتند و موجب فضیلت و برتری آنها بر دیگران شد. اهل بیت پیامبران در میان ما چون آسمان سرفراز و

ص: 649

1- [2] آل عمران آیه 33 و 34

2- [1] الشعراء آیه 227

3- [2] آل عمران آیه 37

زمین گسترده و کوههای سر به فلک کشیده و کعبه پنهان و خورشید درخشان و ماه تابان و ستارگان رهنما و درخت زیتون که روغنش نور می بخشد و برکت در سرشاخه آن است از این اهل بیت است وصی محمد (صلی الله علیه و آله) در ب دانش و گنجینه علم به تاویل و پیشوای سفید چهرگان و صدیق اکبر، علی بن ابی طالب (علیه السلام)..... (1)

ص: 650

1- [3]. تفسیر فرات الکوفی ص 82 [سورة آل عمران(3): الآيات 33 الى 34] ح 59

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (1).

و آنان را امامان و پیشوایان مردم ساختیم که به امر ما هدایت می کنند و کارهای خیر و برپا کردن نماز و پرداختن زکات را به آن ها وحي نمودیم و آن ها مارا مي پرستيدند و عبادت مي کردند.

«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (2) و آنان را اماماني قرار داديم که به امر ما هدایت می کنند براي اين که صبر کردند و به آیات ما يقين داشتند.

عذر کسی پذیرفته نیست

حدیث 1: مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ ابْنِ عِيْسَى عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنِ الثُّمَالِيِّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) لَا يُعْذِرُ اللَّهُ أَحَدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُ يَا رَبِّ لِمَ أَعْلَمُ أَنَّ وُلْدَ فَاطِمَةَ هُمُ الْوَلَاءُ وَفِي وُلْدِ فَاطِمَةَ....

حدیث 1: امام باقر (عليه السلام) فرمودند: همانا خداوند عذر و بهانه کسی را نمی پذیرد که می گوید: خدایا من نمی دانستم فرمانروا و پیشوا اولاد فاطمه B هستند. (3)

ص: 652

1- . انبياء آيهی 73.

2- . سجده آيهی 24.

3- . بحار الانوار ج 24 ص 258 باب 63 الآيات الدالة على رفعة شأنهم و نجاته شيعتهم في الآخرة و السؤال عن ولايتهم ح 8

حديث:2

كِتَابُ الْمُحْتَضَرِ لِلْحَسَنِ بْنِ سَلِيمَانَ، رُوِيَ أَنَّهُ وَجَدَ بِخَطِّ مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسَدِ كَرِيِّ (عليه السلام) أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ قَوْمٍ حَذَفُوا مُحْكَمَاتِ الْكِتَابِ وَنُسُوا اللَّهَ رَبَّ الْأَرْبَابِ وَالنَّبِيَّ وَسَاقِي الْكُوْثَرِ فِي مَوَاقِفِ الْحِسَابِ وَ لَطَى وَ الطَّامَّةَ الْكُبْرَى وَ نَعِيمَ دَارِ الثَّوَابِ فَ نَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ وَ فِينَا الثَّبُوءُ وَ الْوَلَايَةُ وَ الْكُرْمُ وَ نَحْنُ مَنَارُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْأَنْبِيَاءُ كَانُوا يَتَّبِعُونَ مِنْ أَنْوَارِنَا وَ يَتَّقُونَ آثَارِنَا وَ سَيَظْهَرُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بِالسَّيْفِ الْمَسْمُومِ لِإِظْهَارِ الْحَقِّ وَ هَذَا خَطُّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام).

حديث:2: امام جواد(عليه السلام) در حديثي زيبا و پرمعنا فرمودند: پناه مي برم به خدا از گروهی كه محكمات كتاب خدا را حذف کرده و خداوند رب الارباب و پیامبر و ساقی كوثر را در مواقع حساب و آتش جهنم و بلاي هنگامه بزرگ و جزاي آخرت را فراموش نمودند. ما همان ركن اعظم الهي هستيم. نبوت، ولايت و كرامت در میان ماست، ما منار هدايت و دستگیره محكميم، پیامبران از نور ما بهره مي گرفتند، و از آثار ما پیروي مي کردند، به زودي حجت خدا بر مردم با شمشيري آخته و كشيده شده از نيام، براي آشكار نمودن حق ظاهر خواهد شد...[\(1\)](#)

ص: 653

«الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اِخْشَوْنِ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً تِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِاِثْمٍ فَاِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

امروز کافران از این که به دین شما دستبرد زنند و اختلالی رسانند طمع برینند، پس شما از آن ها بیمناک نگشته و از من بترسید. امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم... (1) «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالته و اللّٰه یعصمک من الناس إن اللّٰه لا یهدی الکافرین»

ای پیامبر! آن چه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده ای، و خدا تو را از (شر) مردمان محفوظ خواهد داشت، (و دل قوی دار که) خدا کافران را (به هیچ راه موقیتی) راهنمایی نخواهد کرد. (2)

حدیث 3:

أبو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِ بْنِ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللّٰهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ الرِّضَا (عليه السلام): هَلْ

يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْاِمَامَةِ وَ مَحَلَّهَا مِنَ الْاُمَّةِ فَيَجُوزَ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ اِنَّ الْاِمَامَةَ اَجَلٌ قَدْرًا وَ اَعْظَمُ شَأْنًا وَ اَعْلَى مَكَانًا وَ اَمْنَعُ جَانِبًا وَ اَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ اَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ اَوْ يَنَالُوهَا بِاَرَائِهِمْ اَوْ يَقِيْمُوا اِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ اِنَّ الْاِمَامَةَ حَصَّ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا اِبْرَاهِيْمَ الْخَلِيْلَ بَعْدَ النَّبُوَّةِ وَ الْخَلَّةِ مَرْتَبَةً ثَالِثَةً وَ فَضِيْلَةً شَرَفَهُ بِهَا وَ اَشَادَ بِهَا ذِكْرُهُ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا فَقَالَ الْخَلِيْلُ سُرُورًا بِهَا وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِيْنَ فَاَبْطَلْتُ هَذِهِ الْاَيَّةَ اِمَامَةً كُلِّ ظَالِمٍ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.. الْاِمَامُ

ص: 654

1- . مائده آیهی 3.

2- . مائده آیهی 67.

أَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الذَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ الإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ الْمُبْرَأُ مِنَ الْعُيُوبِ مَخْصُوصٌ بِالْعِلْمِ مَوْسُومٌ بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَ عَيْظُ الْمُتَافِقِينَ وَ بَوَازُ الْكَافِرِينَ الإِمَامُ وَاحِدٌ دَهْرِهِ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَ لَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَ لَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لَا لَهُ مِثْلٌ وَ لَا نَظِيرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلُّهُ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لَا اكْتِسَابٍ بَلِ اخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الإِمَامِ وَ يُمَكِّنُهُ اخْتِيَارَهُ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ صَدَلَتِ الْعُقُولُ وَ تَاهَتِ الْحُلُومُ وَ حَارَتِ الْأَلْبَابُ وَ حَسَدَتِ الْعُيُونُ وَ تَصَدَّاعَتِ الْعُظْمَاءُ وَ تَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ وَ تَقَاصَدَتِ الْحُلَمَاءُ وَ حَصَدَتِ الْخُطَبَاءُ وَ جَهَلَتِ الْأَلْيَاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأَدْبَاءُ وَ عَيَّيَتِ الْبُلْغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ فَأَقْرَّتْ بِالْعَجْزِ وَ التَّقْصِيرِ

حدیث 3: امام رضا(علیه السلام): آیا امامت را می شناسید؟ و موقعیت رفیع آن را در امت اسلام می یابید؟ و آیا شدنی است که این مقام رفیع را مردم با انتخاب خویش برگزینند؟ امامت ارزشش رفیع تر، شأنش بزرگ تر، جایگاهش برتر، پایه اش بلند تر و ژرفایش عمیق تر از آنست که مردم با اندیشه هایشان آن را دریابند و با فکرشان بر او دست یابند و با اختیارشان او را برگزینند. امامت خصیصه ای است ممتاز که خداوند ابراهیم(علیه السلام) را پس از نیل به مقام نبوت و خلیل الهی بدان مفتخر گردانید تا او را با دست امامت برکشد و فضیلتی دوچندان دهد سپس امام(علیه السلام) استشهاداتی از قرآن جهت تأیید سخن خویش بیان داشته، و صفات و خصوصیات چند، از مقام امام و موقعیت او در اسلام را بیان می فرماید: به سخنانش چنین ادامه می دهد: ... چه کسی

است که بر درک حقیقت امام (علیه السلام) دست می یابد؟ هیئات! هیئات! اندیشه ها در این زمینه می لغزند اندیشه‌ی انسان کجا و انتخاب امام کجا؟ (1)

حدیث 4: قَالَ الرَّضَا (علیه السلام):... إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَأَعْلَى مَكَانًا وَأَمْنَعُ جَانِبًا وَأَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِأَرْئِهِمْ أَوْ يَقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ

حدیث 4: امام رضا (علیه السلام): آیا می دانید امامت و موقعیت آن در میان امت چگونه است تا اجازه داشته باشند امام (علیه السلام) انتخاب کنند؟ امامت بالاتر و با ارزشتر و بلندتر، و تشخیص حدود و شرایطش سخت تر و بعیدتر از آن است که مردم با عقل خود به آن برسند و یا با رأی خویش انتخابش کنند و یا امامی را به اختیار خود تعیین نمایند. (2)

حدیث 5: قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي يَا مَوْلَايَ عَنِ الْعِلَّةِ الَّتِي تَمْنَعُ الْقَوْمَ مِنْ اخْتِيَارِ إِمَامٍ لِنَفْسِهِمْ قَالَ مُصْلِحٌ أَوْ مُفْسِدٌ قُلْتُ مُصْلِحٌ قَالَ فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ تَقَعَ خَيْرَتُهُمْ عَلَى الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمَ أَحَدٌ مَا يَخْطُرُ بِبَالِ غَيْرِهِ مِنْ صَدَاحٍ أَوْ فَسَادٍ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَهِيَ الْعِلَّةُ وَأُورِدُهَا لَكَ بِبُرْهَانٍ يَتَقَادُ لَهُ عَقْلُكَ أَخْبِرْنِي عَنِ الرَّسُولِ الَّذِينَ اصْطَفَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْكِتَابَ وَ أَيْدَهُمُ بِالْوَحْيِ وَ الْعَصَمَةَ إِذْ هُمْ أَعْلَامُ الْأُمَمِ وَ أَهْدَى إِلَى الْإِخْتِيَارِ مِنْهُمْ مِثْلَ مُوسَى (علیه السلام) وَ عِيسَى (علیه السلام) هَلْ يَجُوزُ مَعَ وَفُورِ عَقْلِهِمَا وَ كَمَالِ عِلْمِهِمَا إِذَا هُمَا بِالْإِخْتِيَارِ أَنْ يَقَعَ خَيْرَتُهُمَا عَلَى الْمُتَأَفِقِ وَ هُمَا يَطْنَانِ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ قُلْتُ لَا فَقَالَ هَذَا مُوسَى كَلِمَةُ اللَّهِ مَعَ وَفُورِ عَقْلِهِ وَ كَمَالِ عِلْمِهِ وَ نُزُولِ الْوَحْيِ عَلَيْهِ اخْتَارَ مِنْ أَعْيَانِ قَوْمِهِ وَ جُوهِ عَسْكَرِهِ لِمِيقَاتِ رَبِّهِ سَبْعِينَ رَجُلًا مِمَّنْ لَا يَشُكُّ فِي إِيْمَانِهِمْ وَ إِخْلَاصِهِمْ فَوَقَعَتْ خَيْرَتُهُ

ص: 656

1- . الكافي ج 1 ص 199 باب نادر جامع في فضل الإمام و صفاته ح 1

2- . الأماي للصدوق ص 675 المجلس السابع و التسعون ح 1

عَلَى الْمُنَافِقِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا» إِلَى قَوْلِهِ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ فَلَمَّا وَجَدْنَا اخْتِيَارَ مَنْ قَدِ اصْطَفَاهُ اللَّهُ لِلنَّبُوَّةِ واقِعاً عَلَى الْأَفْسَدِ دُونَ الْأَصْلَحِ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ الْأَصْلَحُ دُونَ الْأَفْسَدِ عَلِمْنَا أَنْ لَا اخْتِيَارَ إِلَّا لِمَنْ يَعْلَمُ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَ مَا تَكْتُمُ الصَّمَائِرُ وَ تَتَصَرَّفُ عَلَيْهِ السَّرَائِرُ وَ أَنْ لَا خَطَرَ لِاخْتِيَارِ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ بَعْدَ وَقُوعِ خَيْرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى ذَوِي الْفَسَادِ لَمَّا أَرَادُوا أَهْلَ الصَّلَاحِ.

حدیث 5: س-عد بن عبدالله از حضرت مهدی f درباره‌ی علت این که چرا مردم (شیعیان) نمی‌توانند برای خود، امام انتخاب کنند. سؤال کرد؟ آن حضرت فرمود: آیا آن امام نیکوکار است یا تبهکار؟ عرضه داشتیم: نیکوکار و صالح فرمود: آیا امکان دارد که یکی از آن‌ها نداند نظر دیگری درباره‌ی صلاح و فساد چ-ی-س-ت و در نتیجه، فرد فاسد و تبهکاری را انتخاب کنند؟ عرضه داشتیم: بله فرمود: همین علت است اینک برای تو برهانی می‌آورم که اندیشه‌ات قانع شود. آن گاه ف-رمود: به من بگو! آیا پیامبرانی چون موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) که خداوند آن-ان را ب-رگ-زی-د و بر آنان کتاب فرو فرستاد و از حمایت وحی و عصمت برخوردارشان ساخت و س-ران ام-ت-ه-ا (ی-خ-ود) بودند و در قدرت انتخاب از آنان توانمندتر بودند، آیا ممکن است این دو پ-ی-ام-بر با آن همهی عقل و کمال علمی، اگر بخواهند انتخاب کنند، انتخابشان به یک منافق تعلق گیرد و گمان برند که او مؤمن است؟ عرضه داشتیم: خیر. فرمود: همین موسی کلیم الله با آن همه عقل و کمال علمی و نزول وحی بر او، برای میقات پروردگار خود، از میان سران قوم و سردمداران س-پ-اه-خ-ود ه-ف-تاد نفر را که در ایمان و اخلاص آن‌ها شک نمی‌شد، انتخاب کرد، اما انتخاب او بر م-نافقان تعلق گرفت خداوند عزوجل فرموده است «وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ

رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا» (1) موسی برای میقات با ما هفتاد مرد از میان ق-وم خ-ود ب-رگ-زی-د. پس، وقتی مشاهده می کنیم که کسی که خدای بزرگ او را به پیامبری ب-رگ-زی-ده اس-ت افسد را انتخاب می کند و نه اصلح را، و می پندارد که او اصلح است نه افسد، پی می بریم که انتخاب (امام) تنها برای کسی رواست که از نهانی های دل ها آگاه است. (2)

حدیث 6: فَقَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ الدَّلَالُ قَالَ أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْخَزَّازُ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فُرَاتٍ الْقَرَارِ [الْفَرَّازُ] قَالَ حَدَّثَنَا عَامِرُ بْنُ كَثِيرٍ السَّرَّاجُ قَالَ وَحَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا زِيَادُ بْنُ الْمُنْذِرِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَهُوَ وَيَقُولُ: وَهُمْ الْمُصَدِّقُونَ بِسِرِّ اللَّهِ.... أَخْتَارَهُمُ اللَّهُ وَحَبَّاهُمْ وَخَصَّهُمْ وَاصَدَّ طَفَاهُمْ وَفَضَّلَهُمْ وَارْتَضَاهُمْ وَانْتَجَبَهُمْ وَانْتَقَاهُمْ

حدیث 6: امام باقر (علیه السلام): اهل بیت برگزیده سیر پروردگارانند.... خداوند ایشان را اختیار نموده و برتری داده و مخصوص نموده و برگزیده و فضیلت داده و به آنان راضی شده و ایشان را انتخاب کرده (3)

حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبِيٍّ جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا قَالِ الْإِمَامُ إِلَىٰ الْإِمَامِ لَيْسَ لَهُ أَنْ يَزُويَهَا عَنْهُ. زُرَّارَةُ مِنْ حَضْرَتِ بَاقِرٍ (عليه السلام) نَقَلَ فِي مَوْرِدِ آيَةِ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (4) فرمود: امام (علیه السلام) می سپارد به امام (علیه السلام) بعد و نمی تواند به شخصی که تعیین شده برای امامت ندهد و به دیگری بسپارد. (5)

ص: 658

1- . الأعراف آية 155

2- . كمال الدين: ج 2 ص 461 باب 43 ذكر من شاهد القائم ع ورآه وكلمه ح 21.

3- . اليقين باختصاص مولانا علي عليه السلام بإمرة المؤمنين ص 319 باب 121 الباب فيما نذكره عن أحمد بن محمد الطبري من كتابه الذي أشرنا إليه في تسمية مولانا علي ع بأمر المؤمنين وولي المؤمنين ووصي رسول رب العالمين ح 1

4- . النساء آية 58

5- . بصائر الدرجات ج 1 ص 475 باب 4 باب في الإمام الذي يؤدي إلى الإمام الذي يكون من بعده ح 2

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ يَحْيَى بْنِ مَالِكٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» قَالَ الْإِمَامُ يُؤَدِّي إِلَى الْإِمَامِ قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا يَحْيَى إِنَّهُ وَاللَّهِ لَيْسَ مِنْهُ إِلَّا مَا هُوَ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ.

یکی از اصحاب گفت از امام (علیه السلام) در مورد آیه «إِنَّ»

اللَّهُ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (1) سؤال کردم فرمود: می سپارد به امام بعد از خود بعد فرمود: یحیی به خدا این به خواست او نیست، بلکه از جانب خدا تعیین می شود. (2)

کنز جامع الفوائد و تأویل الآيات الظاهرة الحسنة بن عمار عن محمد بن الحسن بن الحسن بن الحسين عن إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله في قوله عز وجل «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» الآية قَالَ يَعْنِي وَلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

کنز الفوائد: اسحاق بن عمار از حضرت صادق (عليه السلام) در باره آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (3)

فرمود: یعنی ولایت امیر المومنین (عليه السلام). (4) فَرَأَتْ [قَالَ حَدَّثَنِي] عَلِيُّ بْنُ عَتَّابٍ مُعْتَمِرًا عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ [بِنْتِ مُحَمَّدٍ] قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ صِرْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» فَأَبْصَرْتُ رُؤْيَا بَقَلْبِي وَلَمْ أَرَهُ بِعَيْنِي فَسَمِعْتُ أَذَانًا مَشْنَى وَمَشْنَى وَإِقَامَةً وَتَرَأْتُ فَسَدَّ جَعْتُ مُنَادِيًا يُنَادِي يَا مَلَائِكَتِي وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِي وَأَرْضِي وَحَمَلَةَ عَرْشِي أَشْهَدُوا أَنِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحَدِي لَا شَرِيكَ لِي قَالُوا شَهِدْنَا وَأَقْرَبْنَا قَالَ أَشْهَدُوا يَا مَلَائِكَتِي وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِي وَأَرْضِي وَحَمَلَةَ عَرْشِي بِأَنَّ [أَنَّ] مُحَمَّدًا عَبْدِي وَرَسُولِي قَالُوا شَهِدْنَا وَأَقْرَبْنَا قَالَ أَشْهَدُوا يَا مَلَائِكَتِي وَسُكَّانَ

ص: 659

1- النساء آية 58

2- بصائر الدرجات ج 1 ص 476 باب 4 باب في الإمام الذي يؤدي إلى الإمام الذي يكون من بعده ح 8

3- الاحزاب آية 72

4- إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات ج 3 ص 7 الفصل الأول ح 12

سَمَاوَاتِي وَ أَرْضِي وَ حَمَلَةَ عَرْشِي بِأَنَّ [أَنَّ] عَلِيًّا وَلِيِّي وَ وَلِيَّي رَسُولِي وَ وَلِيَّي الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَ رَسُولِي قَالُوا شَهِدْنَا وَ أَقْرَبْنَا قَالَ عَبَادُ بْنُ صُهَيْبٍ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَ كَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِذَا ذَكَرَ [هَذَا الْحَدِيثَ] فَقَالَ إِنِّي لِأَجِدُهُ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى «إِنَّا

عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» قَالَ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ [رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ] وَ اللَّهُ مَا اسْتَتَدَعَهُمْ دِينَارًا وَ لَا دِرْهَمًا وَ لَا كَنْزًا مِنْ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّهُ أَوْحَى إِلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ (عليه السلام) أَنِّي مُخَلَّفٌ فِيكَ الذَّرِّيَّةَ ذُرِّيَّةَ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فَمَا أَنْتَ فَاعِلَةٌ بِهِمْ إِذَا دَعَوْكَ فَأَحْبِبِيهِمْ وَ إِذَا أَوْوَكُ فَآوِيهِمْ وَ أَوْحَى إِلَى الْجِبَالِ إِذَا دَعَوْكَ فَأَحْبِبِيهِمْ وَ أَطِيعِي [وَ أَطِيعِي] عَلَى عَدْوِهِمْ فَأَشْفَقْنَ مِنْهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ عَمَّا سَأَلَهُ اللَّهُ مِنَ الطَّاعَةِ فَحَمَلَهَا بَنِي [بَنُوا] آدَمَ فَحَمَلُوهَا قَالَ عَبَادُ قَالَ جَعْفَرُ وَ اللَّهُ مَا وَفُوا بِمَا حَمَلُوا [حَمَلَهُمْ] مِنْ طَاعَتِهِمْ

تفسير فرات بن ابراهيم: علي بن عتاب از فاطمه زهرا نقل می کند که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود وقتی مرا به آسمانها بالا بردند رسیدم به سدره المنتهى «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (1) که به فاصله يك زه کمان يا کمتر قرار داشتيم با دل دیدم نه با چشم يك اذان شنيدم دو تا دو تا و اقامه يکی يکی شنيدم منادی ندا کرد: ملائکه من و ساکنان آسمان ها و زمين و حاملين عرشم گواهی دهید که خدائی جز من نيست يکتايم و شريکی ندارم گفتند: گواھيم و اقرار داريم. ملائکه من و ساکنان آسمانها و زمين و حاملين عرشم گواهی دهید که محمد (صلي الله عليه و آله) بنده و پیامبر من است گفتند: گواھيم و اقرار داريم فرمود: ملائکه ساکنان آسمانها و زمين و حاملين عرشم. گواهی

ص: 660

دهید که علی (علیه السلام) ولی من و ولی رسول من و ولی مؤمنین است بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفتند: گواهی می دهیم و اقرار داریم..... (1)

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ قَالَ حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ أَبَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَذَكَرُوا الْأَوْصِيَاءَ وَذَكَرْتُ إِسْمَاعِيلَ فَقَالَ لَا وَاللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا ذَاكَ إِلَيْنَا وَمَا هُوَ إِلَّا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يُنَزِّلُ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ.

ابو بصير گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که نام اوصیاء را بردند (و من هم اسماعیل یکی از فرزندان ایشان را نام بردم) حضرت فرمود: نه به خدا، ای ابا محمد، تعیین امام به اختیار ما نیست، این کار تنها به دست خداست که در باره هر یک پس از دیگری فرو می فرستد. (2)

حدیث 2: الطَّالِقَانِيُّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَازُونِيِّ عَنِ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ قَاسِمِ الرَّقَّامِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُسَدِّمٍ عَنِ أَخِيهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسَدِّمٍ قَالَ: ... قَالَ الرضا (عليه السلام): ... وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لِدَلِّكَ وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ وَالْهَمَّهُ الْعِلْمَ إِلَهَامًا فَلَمْ يَعْنِ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَلَا يُحَيِّرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ وَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدِّدٌ قَدْ آمَنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَّلَ وَالْعِتَارَ يَخُصُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ«ذَلِكَ

فَضَّلُ اللَّهُ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» فَهَلْ يَقْدِرُونَ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَيَخْتَارُونَهُ أَوْ يَكُونُ مُخْتَارُهُمْ بِهِ ذِهِ الصِّفَةِ فَيَقْدِّمُونَهُ تَعَدَّوْا وَبَيَّتِ اللَّهُ الْحَقَّ وَنَبَّذُوا «كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانْتَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» وَفِي كِتَابِ اللَّهِ الْهَدَى وَالشِّفَاءَ فَنَبِّذُوهُ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ فَذَمَّهُمُ اللَّهُ وَمَقْتَهُمْ وَ

ص: 661

1- . تفسير فوات الكوفي ص 342 [سورة الأحزاب(33): آية 72] ح 468

2- . الكافي ج 1 ص 277 بَابُ أَنَّ الْإِمَامَةَ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَعْهُودٌ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى وَاحِدٍ ح 1

أَتَعَسَّ لَهُمْ فَقَالَ جَلٌّ وَتَعَالَى «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» وَقَالَ «فَتَعَسَّ لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» وَقَالَ «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ» (1) وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

حدیث 2: امام صادق (علیه السلام): ...وقتی خداوند شخصی را به عنوان رهبر بندگان بگزیند به او شرح صدر و قدرت اندیشه در این راه می دهد و دلش را منبع حکمت قرار داده به او علم الهام می کند در جواب فرو نمی ماند و از واقع بینی عاجز نیست او معصوم و مؤید و موفق و پشتیبانی شده از جانب خدا و محفوظ از خطا و لغزش است به او خداوند این امتیازات را می بخشد تا حجت و گواه او در میان بندگان باشد این فضل خداست که به هر که بخواهد می دهد خداوند فضل بزرگی دارد. آیا مردم شخصی به این امتیازات می یابند تا انتخاب کنند؟ و آیا منتخب آن ها می تواند دارای چنین صفاتی باشد تا او را مقدم بدانند؟ قسم به خانه خدا که بسیار دورند «کِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (2) کتاب خدا را پشت سر انداخته اند مثل اینکه نمی دانند با اینکه در قرآن هدایت و شفاء نهاده شده از آن پشت کرده اند و پیر و هوای نفس خویش گردیده اند خداوند آن ها را سرزنش نموده و مورد خشم خویش قرار داده و مرگ بر آن ها گفته در این آیه «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (3) و در این آیه «فَتَعَسَّ لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» (4) و این آیه «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ» (5) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَوَلَدَايَ خَيْرَةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ.

عیون اخبار الرضا (علیه السلام): حضرت رضا (علیه السلام) از آباء گرام خود نقل کردند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: تو یا علی! و فرزندان منتخب از خلق خدایند. (6)

ص: 662

- 1- . غافر آیه 35
- 2- . البقرة آیه 101
- 3- . القصص آیه 50
- 4- . محمد آیه 8
- 5- [5] الكافي ج 1 ص 202 باب نادر جامع في فضل الإمام و صفاته ح 1، الأماي للصدوق ص 674 المجلس السابع و التسعون ح 1
- 6- [1] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 58 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 218

وَمِنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَنَا مَعَاشِرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اخْتَارَ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ وَ مَا اخْتَارَهُمْ إِلَّا لِعِلْمِهِ إِنَّهُمْ لَيَهْتَدُونَ

حسن بن علی امام عسکری (علیه السلام) گفت: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند ما آل محمد (صلی الله علیه و آله) را انتخاب نمود و ملائکه مقرب را آن ها را انتخاب نکرد مگر اینکه می دانست هدایت می یابند. (1)

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قِيلَ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِمَامُ إِذَا أَوْصَى إِلَى الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ بِشَيْءٍ، فَفَوَّضَ إِلَيْهِ فَيَجْعَلُهُ حَيْثُ يَشَاءُ، أَوْ كَيْفَ هُوَ؟ قَالَ:

إِنَّمَا يُوصِي بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. فَقَالَ: إِنَّهُ حُكِي عَن جَدِّكَ قَالَ: أ تَرُونَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِلَيْنَا نَجْعَلُهُ حَيْثُ نَشَاءُ؟ لَا وَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) رَجُلٍ فَرَجُلٍ مُسَمًّى فَقَالَ: فَالَّذِي قُلْتُ لَكَ مِنْ هَذَا

به حضرت رضا (علیه السلام) عرضه داشتیم: امام (علیه السلام) وقتی کسی را به جانشینی خود تعیین می کند و امر امامت را به او می سپارد هر که را بخواهد می تواند تعیین کند یا دارای خصوصیتی است؟ فرمود: نه کسی را تعیین می کند که خدا دستور داده. عرضه داشتیم: از جد شما چنین نقل شده که فرموده است خیال می کنید تعیین امام به اختیار ما است به هر که بخواهیم و می گذاریم نه به خدا و این عهد و قرارداد است از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نفر به نفر را نام برد. فرمود: آنچه من نیز به تو گفتم از همین جهت بود. (2)

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ الْعَبَّاسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْكُوفِيِّ الْفَزَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ الزِّيَّاتِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ

ص: 663

-
- 1- [2]. بحار الأنوار ج 26 ص 309 باب 6 تفضيلهم ع على الأنبياء و على جميع الخلق و أخذ ميثاقهم عنهم و عن الملائكة و عن سائر الخلق و أن أولي العزم إنما صاروا أولي العزم بحبهم صلوات الله عليهم ح 74
- 2- [1]. قرب الإسناد ص 352 احاديث متفرقة ح 1261

زِيَادِ الْأَزْدِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «و

إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ» (1) مَا هَذِهِ الْكَلِمَاتُ قَالَ هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ «فَتَابَ عَلَيْهِ» (2)

وَهُوَ أَنَّهُ قَالَ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ إِلَّا تَبَّتْ عَلَيَّ فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ «إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ» (3) فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا يَعْنِي عَزَّ وَجَلَّ بِقَوْلِهِ «فَاتَّمَّهُنَّ» (4) قَالَ يَعْنِي فَاتَّمَّهُنَّ إِلَى الْقَائِمِ (عليه السلام) اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا تِسْعَةً مِنْ وُلْدِ الحُسَيْنِ قَالَ الْمُفَضَّلُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» (5)

قَالَ يَعْنِي بِذَلِكَ الْإِمَامَةَ جَعَلَهَا اللَّهُ فِي عَقْبِ الحُسَيْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَكَيْفَ صَارَتْ الْإِمَامَةُ فِي وُلْدِ الحُسَيْنِ (عليه السلام) دُونَ وُلْدِ الحَسَنِ (عليه السلام) وَهُمَا جَمِيعًا وَلَدَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ سِبْطَاءَ وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَالَ إِنَّ مُوسَى وَ هَارُونَ كَانَا نَبِيِّنِ مُرْسَلَيْنِ أَحْوَيْنِ فَجَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّةَ فِي صُلْبِ هَارُونَ دُونَ صُلْبِ مُوسَى وَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ لِمَ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ لِمَ جَعَلَهَا اللَّهُ فِي صُلْبِ الحُسَيْنِ دُونَ صُلْبِ الحَسَنِ لِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَكِيمُ فِي أَفْعَالِهِ «لَا

يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ» (6)

خصال: مفضل گفت: به حضرت صادق (عليه السلام) عرضه داشتیم: چه شد که امامت در فرزندان امام حسین (عليه السلام) قرار گرفت و فرزندان امام حسن (عليه السلام) امام نشدند با اینکه

ص: 664

1- [2] البقرة آية 124

2- [3] البقرة آية 37

3- [4] البقرة آية 37

4- [5] البقرة آية 124

5- [6] الزخرف آية 28

6- [1] الانبياء آية 23

هر دو پسر پیامبر و نواده او و سرور جوانان اهل بهشتند. حضرت فرمود: موسی (علیه السلام) و هارون (علیه السلام) هر دو پیامبر و رسول و برادر بودند خداوند نبوت را در نژاد هارون (علیه السلام) قرار داد نه موسی (علیه السلام) هیچ کس نمی تواند بگوید چرا چنین کرد امامت همان خلافت خدا است کسی نمی تواند بگوید چرا خداوند در فرزندان امام حسین (علیه السلام) قرار داد و به فرزندان امام حسن (علیه السلام) عطا نمود زیرا در کار خود حکیم است از او نمی توان پرسید چرا چنین کردی مردم مورد بازخواست قرار می گیرند در کارهای خود. (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مَا مَاتَ مِنَّا عَالِمٌ حَتَّى يُعْلِمَهُ اللَّهُ إِلَى مَنْ يُوَصِّيهِ. بصائر: حمران گفت حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: از ما خانواده امام (علیه السلام) و پیشوایی نخواهد مرد مگر اینکه به او اطلاع می دهند به که وصیت کند. (2)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ مُتَّى الْحَنَاطِ عَنِ الْحَسَنِ الصَّقَلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَا يَمُوتُ الرَّجُلُ مِنَّا حَتَّى يَعْرِفَ وَلِيَّهُ.

بصائر: حسن صیقل گفت حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: از ما خانواده کسی نمی میرد مگر اینکه می شناسد ولی و امام (علیه السلام) بعد از خود را. (3)

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ أَبِي عَثْمَانَ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ يَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِي مِنْ بَعْدِهِ فَيُوصِي إِلَيْهِ.

بصائر: معلی بن خنیس گفت حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: امام (علیه السلام) می شناسد امام (علیه السلام) بعد از خود را و به او وصیت می کند. (4)

ص: 665

1- [2]. الخصال ج 1 ص 305 الكلمات التي ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِهِنَّ فَاتَمَّهِنَّ خمس ح 1

2- [1]. بصائر الدرجات ج 1 ص 473 باب 2 باب في الأئمة أنهم يعلمون إلى من يوصون قبل موتهم مما يعلمهم الله ح 2

3- [2]. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 474 باب 3 باب في الإمام ع أنه يعرف من يكون بعده قبل موته ح 1

4- [3]. الكافي ج 1 ص 277 باب أن الإمام يعرف الإمام الذي يكون من بعده وأن قول الله تعالى إن الله يأمركم أن تؤدوا الأمانات إلى أهلها فيهم ع نزلت ح 6

مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ الصَّادِقِ فِي قَوْلِهِ «يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ» قَالَ اخْتَارَ مُحَمَّدًا وَاهْلَ بَيْتِهِ

مناقب: محمد بن سنان از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: در باره آیه «يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ» (1) خداوند محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت او را برگزید. (2) ابْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ لَمَّا كَانَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

يَعْرِضُ نَفْسَهُ عَلَى الْقَبَائِلِ جَاءَ إِلَى بَنِي كَلَابٍ فَقَالُوا نَبَايَعُكَ عَلَى أَنْ يَكُونَ لَنَا الْأَمْرُ بَعْدَكَ فَقَالَ الْأَمْرُ لِلَّهِ فَإِنْ شَاءَ كَانَ فِيكُمْ أَوْ فِي غَيْرِكُمْ فَمَضَوْا فَلَمْ يُبَايِعُوهُ وَقَالُوا لَا نَضْرِبُ لِحَرْبِكَ بِأَسْيَافِنَا ثُمَّ تَحَكَّمُ عَلَيْنَا غَيْرَنَا

مناقب: ابن جریر طبری گفت: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نبوت خویش را بر قبائل عرب عرضه می داشت تا به بنی کلاب رسید آنها گفتند ما با تو به نبوت بیعت می کنیم مشروط بر اینکه جانشینی تو متعلق به ما باشد. حضرت فرمود: اختیار دست خدا است اگر او بخواهد در شما خواهد بود و گر نه در دیگری آنها از بیعت صرف نظر کرده رفتند. آن ها می گفتند ما نمی آئیم با شمشیرهای خود در جنگ هائی که تو می خواهی پیکار کنیم بعد دیگری را بر ما امیر و فرمانروا کنی. (3)

أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُمَرَ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُسَدِّ تَوْرِدِ الْأَشَدِّ جَعِي مِنْ كِتَابِهِ فِي صَفَرِ سَنَةِ سِتٍّ وَسِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَلَبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَكَيْرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْأَشَدِّ عَثِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ وَنَحْنُ عِنْدَهُ فِي الْبَيْتِ نَحْوُ مِنْ عَشْرِينَ رَجُلًا فَأَقْبَلَ عَلَيْنَا وَقَالَ لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ فِي الْإِمَامَةِ إِلَى الرَّجُلِ مِنَّا يَضَعُهُ

ص: 666

1- [4] القصص آية 68

2- [5] مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 1 ص 256 فصل في مفسداتها ح 1

3- [1] مناقب آل أبي طالب عليهم السلام لابن شهر آشوب ج 1 ص 257 فصل في مفسداتها

حَيْثُ يَشَاءُ وَاللَّهُ إِنَّهُ لَعَاهِدٌ مِّنَ اللَّهِ نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ إِلَى رِجَالٍ مُّسَمَّيْنَ رَجُلٍ فَرَجُلٍ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِهَا.

عمرو بن اشعث گفت ما در حدود بیست نفر میان اطاق خدمت حضرت صادق (علیه السلام) بودیم رو به جمعیت نموده فرمود: شما خیال می کنید در مسأله امامت، امام (علیه السلام) می تواند هر که را که بخواهد به جانشینی خود تعیین کند. به خدا قسم! این قراردادی است از جانب خدا که به پیامبر (صلي الله عليه و آله) ابلاغ کرده و مردان معینی را با نام و نشان یکی پس از دیگری مشخص نموده تا منتهی به صاحب آن شود. (1)

وَبِالإِسْمِ نَادِ الْأَوَّلِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ مَنْ جَحَدَ إِمَامًا مِنْكُمْ مَا حَالُهُ فَقَالَ مَنْ جَحَدَ إِمَامًا مِّنَ اللَّهِ وَبَرِيٍّ مِنْهُ وَ مِنْ دِينِهِ فَهُوَ كَافِرٌ مُّرْتَدٌّ عَنِ الإِسْلَامِ لِأَنَّ الإِمَامَ مِنَ اللَّهِ وَ دِينَهُ مِنْ دِينِ اللَّهِ وَ مَنْ بَرِيٍّ مِنْ دِينِ اللَّهِ. فَدَمُهُ مُبَاحٌ فِي تِلْكَ الْحَالِ إِلَّا أَنْ يَرْجِعَ أَوْ يَتُوبَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّا قَالَ.

محمد بن مسلم گفت به حضرت باقر (علیه السلام) عرضه داشتم: اگر کسی منکر امامی از شما خانواده باشد حالش چگونه خواهد بود؟ فرمود: هر که منکر امامی که از جانب خدا تعیین شده بشود و بیزار از او و دینش باشد کافر و مرتد است چون امام (علیه السلام) از جانب خدا است و دین او دین خدا است کسی که از دین خدا بیزار باشد خودش در آن حال مباح است مگر اینکه توبه کند و از عقیده خود برگردد. (2)

وَبِالإِسْمِ نَادِ يَرْفَعُهُ إِلَى جَعْفَرِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرَوِيهِ عَنِ النَّسَبِ الطَّاهِرِ، إِلَى جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَ

ص: 667

1- [1] الغيبة للنعماني ص 51 باب 3 ما جاء في الإمامة والوصية وأنهما من الله عز وجل و باختياره و أمانة يؤديها الإمام إلى الإمام بعده ح 1

2- [2] الغيبة للنعماني ص 129 باب 7 ما روي فيمن شك في واحد من الأئمة أو بات ليلة لا يعرف فيها إمامه أو دان الله عز وجل بغير إمام منه ح 3

مِنْ فَاطِمَةَ ابْنَتِي، وَإِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُمْ، كَمَا اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ عَلَى الْعَالَمِينَ، فَاتَّبِعُوهُمْ يَهْدُوكُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَقَدْ مُوَّهُمُ
وَلَا تَتَّقِدُوا عَلَيْهِمْ، فَإِنَّهُمْ أَجْمَلُكُمْ صِغَارًا، وَأَعْلَمُكُمْ كِبَارًا فَاتَّبِعُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يُدْخِلُوكُمْ فِي ضَلَالٍ [ضَلَالٍ]، وَلَا يُخْرِجُوكُمْ مِنْ بَابِ هُدًى

از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: که خداوند ذریه تمام پیامبران را از نژاد خودش قرار داده ولی ذریه مرا از نژاد علی بن ابی طالب (علیه السلام) و فاطمه دخترم قرار داده است خداوند آنها را برگزیده مانند آدم (علیه السلام) و نوح (علیه السلام) و آل ابراهیم (علیه السلام) و آل عمران (علیه السلام) بر جهانیان، پیرو ایشان باشید شما را به راه راست هدایت می کنند آنها را مقدم دارید ولی بر ایشان مقدم نشوید زیرا آنها از همه شما باحلم ترند در کوچکی و از تمام شما باعلمترند در بزرگی پیرو آنها باشید که گمراهتان نخواهند کرد و از هدایت خارجتان نمی کنند. (1)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَوَلَدَايَ خَيْرَةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ.

عیون اخبار الرضا: تمیمی از آن جناب نقل می کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی! تو و فرزندان برگزیده های خدا از خلقید. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْأَشْعَثِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ
اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ أَتَرُونَ الْمُوصِيَّ مَنَّا يُوصِيَّ إِلَى مَنْ يُرِيدُ لَا وَاللَّهِ وَ لَكِنْ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

لِرَجُلٍ فَرَجُلٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَى صَاحِبِهِ

عمرو بن اشعث گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: شما گمان می کنید هر که از ما امامان که وصیت می کند، به هر که می خواهد وصیت می کند؟! نه به خدا،

ص: 668

1- [1] الروضة في فضائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهما السلام لابن شاذان القمي ص 179 باب 156 حديث ذرية النبي من

صلب علي

2- [2] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 58 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 218

چنین نیست، بلکه امر امامت عهد و فرمانی است از جانب خدا و رسولش (صلی الله علیه و آله) برای مردی پس از مردی (از ما خانواده) تا به صاحبش برسد (تا برسد به امام دوازدهم و یا اینکه امر امامت به دست خدا و رسولت تا به اهل و مستحقش برسد). (1)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ وَ جَمِيلٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُصَدَّبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ أَتَرُونَ أَنَّ الْمُوصِيَّ مَتَى يُوصِي إِلَى مَنْ يُرِيدُ لَا وَاللَّهِ وَ لَكِنَّهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِلَى رَجُلٍ فَرَجُلٍ حَتَّى انْتَهَى إِلَى نَفْسِهِ

عمر و بن مصعب گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: شما گمان می کنید هر که از ما امامان که وصیت می کند به هر که می خواهد وصیت می کند؟ نه بخدا، چنین نیست، بلکه امر وصیت عهد و فرمانیست از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (به فرمان خدا) به مردی پس از مردی تا به خودش (امام ششم) رسید (یعنی شش مرتبه فرمود: به مردی پس از مردی). (2)

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا» قَالَ هُمْ الْأَيْمَةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) أَنْ يُؤَدِّيَ الْإِمَامُ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ بَعْدَهُ وَ لَا يَخْصُّ بِهَا غَيْرَهُ وَ لَا يَزُويهَا عَنْهُ

احمد بن عمر گوید: از امام رضا (علیه السلام) در باره قول خدای عز و جل «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا» (3) خدا شما را امر می کند که امانت ها را به صاحبانش رد کنید پرسیدم، فرمود: ایشان ائمه از آل محمد (صلی الله علیه و آله) می باشند که باید هر امامی امانت امامت را به امام (علیه السلام) بعد از خود بسپارد، به دیگری ندهد و از امام (علیه السلام) هم دریغ ندارد. (4)

ص: 669

1- [1] الكافي ج 1 ص 277 بَابُ أَنَّ الْإِمَامَةَ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَعْهُودٌ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى وَاحِدٍ ع 2 ح

2- [2] الكافي ج 1 ص 277 بَابُ أَنَّ الْإِمَامَةَ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَعْهُودٌ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى وَاحِدٍ ع 4 ح

3- [3] النساء آية 58

4- [1] الكافي ج 1 ص 276 بَابُ أَنَّ الْإِمَامَ ع يَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا فِيهِمْ ع نَزَلَتْ ح 2

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ يَلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّ

اللَّهُ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» قَالَ هُمُ الْأَيْمَةُ يُؤَدِّي الْإِمَامُ إِلَى الْإِمَامِ مِنْ بَعْدِهِ وَلَا يَخْصُ بِهَا غَيْرَهُ وَلَا يَزُوبِهَا عَنْهُ.

امام رضا(عليه السلام) در باره قول خدای عز و جل «إِنَّ

اللَّهُ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (1) خدا به شما امر می کند که امانت ها را به صاحبانش رد کنید فرمود: ایشان ائمه هستند. هر امامی باید آن را به امام(عليه السلام) بعد از خود بسپارد، به دیگری ندهد و از او هم دریغ ندارد. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّ

اللَّهُ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» قَالَ أَمَرَ اللَّهُ الْإِمَامَ الْأَوَّلَ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَهُ.

معلی بن خنیس گوید: از امام صادق(عليه السلام) در باره قول خدای عز و جل «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (3) خدا شما را امر می کند که امانت ها را به صاحبانش رد کنید پرسیدم فرمود: خدا امام(عليه السلام) پیشین را دستور می دهد که هر چه (از علائم امامت) نزد اوست به امام(عليه السلام) بعد از خود رد کند. (4)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا يَمُوتُ الْإِمَامُ حَتَّىٰ يَعْلَمَ مَنْ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ فَيُوصِي إِلَيْهِ.

ص: 670

1- [2] النساء آية 58

2- [3] الكافي ج 1 ص 276 بَابُ أَنَّ الْإِمَامَ ع يَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنَّ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا فِيهِمْ ع نَزَلَتْ ح 3

3- [4] النساء آية 58

4- [1] الكافي ج 1 ص 277 بَابُ أَنَّ الْإِمَامَ ع يَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنَّ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا فِيهِمْ ع نَزَلَتْ ح 4

امام صادق(علیه السلام) فرمود: امام(علیه السلام) نمی میرد تا امام(علیه السلام) بعد از خود را بشناسد و به او وصیت کند. (1)

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ يَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِي مِنْ بَعْدِهِ فَيُوصِي إِلَيْهِ.

امام(علیه السلام)، امام(علیه السلام) بعد از خود را می شناسد و به او وصیت می کند. (2)

أَحْمَدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: مَا مَاتَ عَالِمٌ حَتَّى يُعَلِّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مَنْ يُوصِي.

عالمی (امامی) نمیرد تا خدای عز و جل به او بیاموزد که به چه کس وصیت کند. (3) ابْنُ سِدَانٍ عَنْ سِدِّ لَيْمَانَ بْنِ هَارُونَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ بَعْضَ هَذِهِ الْعَجَلِيَّةِ يَقُولُونَ إِنَّ سَيِّفَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا رَأَاهُ هُوَ وَلَا أَبُوهُ بِوَاحِدَةٍ مِنْ عَيْنَيْهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ رَأَاهُ أَبُوهُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَإِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظٌ لَهُ فَلَا تَذْهَبَنَّ يَمِينًا وَلَا شِمَالًا فَإِنَّ الْأَمْرَ وَاللَّهِ وَاضِحٌ وَاللَّهُ لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَحْوِلُوا هَذَا الْأَمْرَ مِنْ مَوْضِعِهِ الَّذِي وَضَعَهُ اللَّهُ فِيهِ مَا اسْتَطَاعُوا وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ كَفَرُوا جَمِيعًا حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ لَجَاءَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ بِأَهْلِ يَكُونُونَ مِنْ أَهْلِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ يَقُولُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» حَتَّى فَرَعَ مِنَ الْآيَةِ وَقَالَ فِي آيَةٍ أُخْرَى «فَإِنْ يَكْفُرْ

ص: 671

1- [2]. الكافي ج 1 ص 277 بَابُ أَنَّ الْإِمَامَ ع يَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا فِيهِمْ ع نَزَلَتْ ح 5

2- [3]. الكافي ج 1 ص 277 بَابُ أَنَّ الْإِمَامَ ع يَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا فِيهِمْ ع نَزَلَتْ ح 6

3- [4]. الكافي ج 1 ص 277 بَابُ أَنَّ الْإِمَامَ ع يَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا فِيهِمْ ع نَزَلَتْ ح 7

بها هؤلاء فقد وكننا بها قوماً ليسوا بها بكافرين» ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَهْلَ هَذِهِ الْآيَةِ هُمْ أَهْلُ تِلْكَ الْآيَةِ سَلِيمَانَ بْنِ هَارُونَ كَفَّتْ بِهِ أَمَامَ (عَلَيْهِ السَّلَام) كَفْتُمْ بَعْضِي مِنْ عَجَلِيهَا مِي كُوْبِنْد شَمَشِيرِ پِيَامْبِرِ اَكْرَم (صَلِيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پِيَش عِبْدِ اللّٰهُ بِنِ حَسَنِ اسْتِ فَرَمُوْد: بِه خِدا قَسْم! اَن رَا نَدِيْدَه وَ نِه پَدْرَش بَا يِك چَشْمَش مِگَر اِيْنِكِه پَدْرَش دَر نَزْد حَضْرَتِ حَسِيْن (عَلَيْهِ السَّلَام) دِيْدَه بِاشْد. صَاْحِبِ اِيْنِ اَمْرِ مَحْفُوْظِ اسْتِ بَرَا يِ اَوْ نِگَهْدَارِي مِي شُوْد بِه طَرْفِ رَاسْتِ وَ چِپِ نَرُو مَطْلَبِ بِه خِدا قَسْم! وَاضِحِ اسْتِ. بِه خِدا قَسْم! اِگَر اِهْلِ اَسْمَانِ وَ زَمِيْنِ اِجْتِمَاعِ كَنْنِدِ بَرِ تَغْيِيْرِ مَقَامِ اِمَامْتِ وَ قَرَارِ دَاْدِنِ اَن رَا اَز مَحْلِي كِه خِدا قَرَارِ دَاْدَه بِه دِيْگَرِي قَدْرَتِ نَخَوَاْهَنْدِ دَاْشْتِ اِگَر هَمِه مَرْدَمِ كَاْفِرِ شُوْنِدِ بِه طُوْرِي كِه اَحْدِي بَاْقِي نَمَانْدِ خِداوَنْدِ گَرْوْهِي رَا خَوَاْهَدِ اَوْرِدِ كِه مَعْتَقِدِ بِه اِمَامْتِ بِاشْنِدِ مِگَر اِيْنِ اِيَه رَا نَشْنِيْدَه اِي كِه خِداوَنْدِ مِي فَرَمَايْدِ «يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَنْ يَّرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِه فَسَوْفَ يٰتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّوْنَهُ اَدْلَةٌ عَلٰى الْمُؤْمِنِيْنَ اَعِزَّةٌ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ» (1) تا اَخْر اِيَه وَ دَر اِيَه دِيْگَر مِي فَرَمَايْدِ «فَاِنْ يَكْفُرْ بِهَا هٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكٰفِرِيْنَ» (2) سِپَسِ فَرَمُوْد: اِفْرَادِي كِه دَر اِيْنِ اِيَه مُورِدِ نَظْرَنْدِ هَمَانِ كَسَاْنِي هَسْتَنْدِ كِه دَر اَن اِيَه اَز اِيْشَانِ ذِكْرِ شُدِه. (3)

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحِ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَيْمَانَ الْمِصْرِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَسَدٍ لَمْ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَةَ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَعْهُودٌ لِرَجُلٍ مُّسَمًّى لَيْسَ لِلْإِمَامِ أَنْ يَزْوِيَهَا عَمَّنْ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ.

امام صادق (عليه السلام): امامت عهد و وصيتي است که از ناحیه خدای تعالی برای شخص امین واگذار شده. و امام (عليه السلام) پیشین نمی تواند آنرا از امام بعدی پنهان کند. (4)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: قِيلَ لَهُ بَأَيِّ شَيْءٍ يُعْرَفُ الْإِمَامُ قَالَ بِالْوَصِيَّةِ

ص: 672

1- . المائدة آية 54

2- . الانعام آية 89

3- . تفسير العياشي ج 1 ص 326 [سورة المائدة(5): آية 54] ح 135

4- . بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج 1 ص 472 باب 1 باب في الأئمة أنهم يعلمون العهد من رسول الله ص في الوصية إلى الذين من بعده ح 12

الظَاهِرَةَ وَبِالْفَضْلِ إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَطْعَنَ عَلَيْهِ فِي فِيمَ وَلَا بَطْنٍ وَلَا فَرْجٍ فَيَقَالَ كَذَّابٌ وَيَأْكُلُ أَمْوَالَ النَّاسِ وَ مَا أَشْبَهَ هَذَا.*

و در روایت دیگر از امام صادق (علیه السلام) سوال شد که امام (علیه السلام) به کدام چیز شناخته می شود؟ حضرت فرمودند: به وصیت آشکار و به فضل هیچکس نمی تواند در گفتار و خوراک و نکاح امام (علیه السلام) زبان به بدی گشاید و بگوید که امام (علیه السلام) دروغگوست و اموال مردم را می خورد و مانند این ها. (1)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ الْأَشْعَثِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَشْرِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ عَنْ عَمْرَانَ يَعْنِي ابْنَ سُلَيْمَانَ عَنِ السَّعْبِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

يَقُولُ لَا يَزَالُ أَمْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَالِيًا عَلَى مَنْ نَاوَاهَا حَتَّى تَمْلِكَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً خَفِيَّةً لَمْ أَفْهَمْهَا فَسَأَلْتُ مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنِّي فَقَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

جابر بن سمره گفت: از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: کار این امت، برتر از دشمنانشان خواهد بود تا وقتی که دوازده خلیفه حکومت کنند، سپس کلمه ای پوشیده گفت که من آن را نفهمیدم، پس از کسی که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از من نزدیکتر بود، پرسیدم، گفت: فرمود: همگی از قریش هستند. (2)

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ أَبِي اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَهَا لِأَخَوَيْنِ بَعْدَ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَالْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ).

ص: 673

1- . الكافي ج 1 ص 284 بَابُ الْأُمُورِ الَّتِي تُوجِبُ حُجَّةَ الْإِمَامِ ح 3

2- . الخصال ج 2 ص 471 بَابُ الْخُلَفَاءِ وَ الْأئِمَّةِ بَعْدَ النَّبِيِّ ص اثنا عشر ع ح 22

امام صادق(علیه السلام): بعد از حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) هیچگاه امامت در دو برادر دوباره نخواهد بود(1)

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَرْزَنْطِيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْإِمَامَ بِأَيِّ شَيْءٍ يُعْرَفُ بَعْدَ الْإِمَامِ قَالَ إِنَّ لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٍ أَنْ يَكُونَ أَكْبَرَ وُلْدِ أَبِيهِ بَعْدَهُ

امام رضا(علیه السلام): برای امام(علیه السلام) نشانه هایی است. از آن هاست اینکه امام(علیه السلام) باید بزرگترین فرزند پدرش باشد.

(2)هر

امامی به امام بعد از خود وصیت میکند

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ أَبِي سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فَقَالَ نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ فَمَا لَهُ لَمْ يُسَمَّ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ فَقَالَ قُولُوا لَهُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) نَزَلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ لَمْ يُسَمَّ اللَّهُ لَهُمْ ثَلَاثًا وَ لَا أُزْبَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ لَمْ يُسَمَّ لَهُمْ مِنْ كُلِّ أُزْبَعَيْنِ دَرَاهِمًا دَرَاهِمًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ

ص: 674

1- . الكافي ج 1 ص 285 بَابُ ثَبَاتِ الْإِمَامَةِ فِي الْأَعْقَابِ وَ آتَهَا لَا تَعُودُ فِي أَخٍ وَ لَا عَمٍّ وَ لَا غَيْرِهِمَا مِنَ الْقَرَابَاتِ ح 2

2- . الخصال ج 1 ص 116 بَابُ الْإِمَامَةِ لَا تَصْلَحُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ ح 98

اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَنَزَلَ الْحَجَّ فَلَمْ يَقُلْ لَهُمْ طُوفُوا أَسْبُوعاً حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ وَنَزَلَتْ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» وَنَزَلَتْ فِي عَلِيِّ (عليه السلام) وَالْحَسَنِ (عليه السلام) الْحُسَيْنِ (عليه السلام)

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فِي عَلِيِّ (عليه السلام) مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَقَالَ أُوصِيكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِي فَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا يَفْرَقَ بَيْنَهُمَا حَتَّى يورِدَهُمَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَعْطَانِي ذَلِكَ وَقَالَ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَهَمْ أَعْلَمَ مِنْكُمْ وَقَالَ إِنَّهُمْ لَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ بَابِ هُدَى وَلَنْ يُدْخِلُوكُمْ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ فَلَوْ سَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَلَمْ يُبَيِّنْ مَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ لَادَّعَاهَا آلُ فُلَانٍ وَ آلُ فُلَانٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ تَصَدِّيقاً لِنَبِيِّهِ (صلي الله عليه وآله) «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» فَكَانَ عَلِيُّ (عليه السلام) وَالْحَسَنُ (عليه السلام) وَالْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَ فَاطِمَةُ B فَادْخَلَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) تَحْتَ الْكِسَاءِ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ أَهْلاً وَ تَقْلاً وَ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ ثَقَلِي فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِكَ فَقَالَ إِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ وَ لَكِنَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِي وَ ثَقَلِي فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) كَانَ عَلِيُّ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ لِكَثْرَةِ مَا بَلَّغَنِيهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ إِقَامَتِهِ لِلنَّاسِ وَ أَخَذَهُ بِيَدِهِ فَلَمَّا مَضَى عَلِيُّ لَمْ يَكُنْ يَسْتَطِيعُ عَلِيٌّ وَ لَمْ يَكُنْ لِيَفْعَلْ أَنْ يُدْخَلَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ لَا الْعَبَّاسَ بْنَ عَلِيٍّ وَ لَا وَاحِداً مِنْ وُلْدِهِ إِذَا لَقِيَ الْحَسَنَ (عليه السلام) وَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ فِيْنَا كَمَا أَنْزَلَ فِيكَ فَأَمَرَ بِطَاعَتِنَا كَمَا أَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَ بَلَّغَ فِيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) كَمَا بَلَّغَ فِيكَ وَ أَذْهَبَ عَنَّا الرِّجْسَ كَمَا أَذْهَبَهُ عَنكَ فَلَمَّا مَضَى عَلِيُّ كَانَ الْحَسَنُ (عليه السلام) أَوْلَى بِهَا لِكِبَرِهِ فَلَمَّا تُوُفِّيَ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُدْخَلَ وَ لَدَهُ وَ لَمْ

يَكُنْ لِيَفْعَلْ ذَلِكَ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» فَيَجْعَلُهَا فِي وُلْدِهِ إِذَا لَقِيَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِي كَمَا أَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةَ أَبِيكَ وَ بَلَغَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) كَمَا بَلَغَ فِيكَ وَ فِي أَبِيكَ وَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي الرَّجْسَ كَمَا أَذْهَبَ عَنكَ وَ عَن أَبِيكَ فَلَمَّا صَارَتْ إِلَى الْحُسَيْنِ (عليه السلام) لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَدْعِيَ عَلَيْهِ كَمَا كَانَ هُوَ يَدْعِي عَلَيَّ أَخِيهِ وَ عَلَيَّ أَبِيهِ لَوْ أَرَادَا أَنْ يَصْرِفَا الْأَمْرَ عَنْهُ وَ لَمْ يَكُونَا لِيَفْعَلَا ثُمَّ صَارَتْ حِينَ أَفْضَتْ إِلَى الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَجَرَى تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» ثُمَّ صَارَتْ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ثُمَّ صَارَتْ مِنْ بَعْدِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ قَالَ الرَّجْسُ هُوَ الشُّكُّ وَ اللَّهُ لَا نَشْكُ فِي رَبَّنَا أَبَدًا.

ابو بصير گوید: از امام صادق (عليه السلام) در باره قول خدای عز و جل «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (1) پرسیدم، فرمود: در باره علی بن ابی طالب (عليه السلام) و حسن (عليه السلام) و حسین (عليه السلام) نازل شده است (زیرا در آن زمان همان سه نفر از ائمه حاضر بودند)، به حضرت عرضه داشتیم: مردم می گویند: چرا نام علی (عليه السلام) و خانواده اش در کتاب خدای عز و جل (به وضوح) برده نشده؟ فرمود: به آنها بگو: آیه نماز، بر پیغمبر (صلي الله عليه و آله) نازل شد و سه رکعتی و چهار رکعتی آن نام برده نشد تا اینکه پیغمبر (صلي الله عليه و آله) خود برای مردم بیان کرد و آیه زکاة بر آن حضرت نازل شد و نامبرده نشد که زکاة از هر چهل درهم یکدرهم است، تا اینکه خود پیغمبر (صلي الله عليه و آله) آن را برای مردم شرح داد و امر به حج نازل شد و به مردم نگفت هفت دور طواف کنید تا اینکه خود پیغمبر (صلي الله عليه و آله) برای آنها توضیح داد. و آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ

ص: 676

مِنْكُمْ» نازل شد و در باره علی (علیه السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) هم نازل شد، پس پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در باره علی (علیه السلام) فرمود: هر که را من مولا و آقایم علی (علیه السلام) مولا و آقاست و باز فرمود: در باره کتاب خدا و اهل بیت به شما سفارش می کنم. من از خدای عز و جل خواسته ام که میان آنها جدائی نیندازد تا آنها را در سر حوض به من رساند، خدا خواسته مرا عطا کرد، و نیز فرمود: شما چیزی به آنها نیاموزید که آنها از شما داناترند، و باز فرمود: آنها شما را از در هدایت بیرون نکنند و به در گمراهی وارد نسازند. اگر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) خاموشی می گزید و در باره اهل بیتش بیان نمی کرد، آل فلان و آل فلان آن را برای خود ادعا می کردند، ولی خدای عز و جل برای تصدیق پیغمبرش بیان آن حضرت را (که مقصود آل پیغمبر است نه آل فلان و فلان) در کتابش نازل فرمود «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (1)

همانا خدا می خواهد ناپاکی را از شما اهل این خانه ببرد و پاکیزه تان کند، پاکیزه کامل در خانه ام سلمه و علی (علیه السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) و فاطمه B بودند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آنها را زیر عبا گرد آورد و سپس فرمود: خدایا هر پیغمبری اهل و حشمی داشت، و اهل و حشم من اینهاست، ام سلمه گفت: من از اهل شما نیستم؟ فرمود: تو به خوبی می گرائی، ولی اینها اهل و حشم من هستند. بنا بر این چون پیغمبر (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت، برای پیشوائی مردم، علی (علیه السلام) از همه مردم سزاوارتر بود، به جهت تبلیغات بسیاری که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نسبت به او فرموده بود، و دست او را گرفته و در میان مردم به پا داشته بود، و چون علی (علیه السلام) درگذشت، نمی توانست و اقدام هم نمی کرد که محمد بن علی و نه عباس بن علی و نه هیچ يك از پسران دیگرش را (غیر از حسین) در اهل پیغمبر (صلی الله علیه و آله) داخل کند، زیرا در آن صورت حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) می گفتند: خدای تبارک و تعالی آیه اهل بیت را در باره ما نازل فرمود، چنان که در باره تو نازل کرد و مردم را به اطاعت ما امر کرد، چنان که

ص: 677

به اطاعت تو امر فرمود، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نسبت به ما تبلیغ کرد، چنان که نسبت به تو، تبلیغ فرمود و خدا ناپاکی را از ما برد چنان که از تو برد، و چون علی (علیه السلام) درگذشت، حسن (علیه السلام) به امامت سزاوارتر بود برای بزرگسالی و چون وفات نمود، نمی توانست و اقدام هم نمی کرد که فرزندان خودش را در امر امامت داخل کند و در میان آنها قرار دهد، در صورتی که خدای عز و جل می فرماید «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (1) خویشاوندان در کتاب خدا به یکدیگر سزاوار ترند زیرا در آن صورت حسین (علیه السلام) می گفت: خدا مردم را به اطاعت من امر نمود، چنان که به اطاعت تو و اطاعت پدرت امر فرموده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در باره من هم تبلیغ کرده، چنان که در باره تو و پدرت تبلیغ فرموده و خدا ناپاکی را از من برده، چنان که از تو و پدرت برده است، پس چون امامت به حسین (علیه السلام) رسید، هیچ يك از اهل بیت او نمی توانست بر او ادعا کند، همچنان که او بر برادر و پدرش ادعا می کرد، اگر آن دو می خواستند امر امامت را از او به دیگری بگردانند، ولی آنها چنین کاری نمی کردند، سپس زمانی که امامت به حسین (علیه السلام) رسید، معنی و تأویل آیه «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» جاری گشت، و بعد از حسین (علیه السلام) به علی بن الحسین (علیه السلام) رسید، و بعد از علی بن الحسین (علیه السلام) به محمد بن علی (علیه السلام) رسید، آنگاه امام (علیه السلام) فرمود: مقصود از ناپاکی همان شك است، به خدا که ما در باره پروردگار خود هرگز شك نکنیم. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَىٰ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنِ ابْنِ مَسَّكَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ بْنِ رَوْحِ الْقَصِيرِ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «النَّبِيُّ

أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» فِيمَنْ نَزَلَتْ فَقَالَ نَزَلَتْ فِي الْأُمِّ

ص: 678

1- [1] الانفال آیه 75

2- [1] الکافی ج 1 ص 286 کتاب الحجّة باب ما نصّ الله عزّ و جلّ و رسوله علی الأئمّة ع واحداً فواحداً ح 1

إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ جَرَتْ فِي وُلْدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) مِنْ بَعْدِهِ فَتَحْنُ أَوْلَى بِالْأَمْرِ وَرَسُولِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ قُلْتُ فَوُلْدُ جَعْفَرٍ لَهُمْ فِيهَا نَصِيبٌ قَالَ لَا قُلْتُ فَلَوْلِدِ الْعَبَّاسِ فِيهَا نَصِيبٌ فَقَالَ لَا فَعَدَدْتُ عَلَيْهِ بَطُونَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ كُلَّ ذَلِكَ يَقُولُ لَا قَالَ وَ نَسِيتُ وُلْدَ الْحَسَنِ (عليه السلام) فَدَخَلْتُ بَعْدَ ذَلِكَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ هَلْ لَوْلِدِ الْحَسَنِ (عليه السلام) فِيهَا نَصِيبٌ فَقَالَ لَا وَ اللَّهُ يَا عَبْدَ الرَّحِيمِ مَا لِمُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) فِيهَا نَصِيبٌ غَيْرَنَا.

از امام باقر (عليه السلام) راجع به قول خدای عز و جل «النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» (1)

پیغمبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسران او مادران مؤمنانند و خویشاوندان بعضی نسبت به بعضی در کتاب خدا سزاوارترند پرسیدم در باره چه کسی نازل شده است؟ فرمود: در باره امر ولایت و امامت نازل شده است، این آیه پس از حسین (عليه السلام) در میان اولادش جاری شد، پس ما نسبت به پیغمبر و امر امامت از مؤمنین و مهاجرین و انصار سزاوارتریم، عرضه داشتیم: اولاد جعفر از امامت بهره ئی دارند؟ فرمود: نه، گفتم: برای اولاد عباس بهره ئی هست فرمود: نه، پس من تمام شعبه های فرزندان عبدالمطلب (عليه السلام) را برای آن حضرت بر شمردم، نسبت به همه می فرمود: نه، ولی اولاد حسن (عليه السلام) را در آن مجلس فراموش کردم، بعدا خدمتش رسیدم و عرضه داشتم: برای اولاد حسن (عليه السلام) از امامت بهره ئی هست؟ فرمود: نه: به خدا! ای عبد الرحیم برای هیچ فردی که به محمد (صلي الله عليه و آله) منسوبست جز ما از آن بهره ئی ندارد. (2)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَّارٍ وَ بُكَيْرِ بْنِ أَعِينٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ وَ أَبِي الْجَارُودِ جَمِيعاً عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ

ص: 679

1- [2] الاحزاب آية 6

2- [1] الكافي ج 1 ص 288 كتاب الحجّة باب ما نصّ الله عزّ و جلّ و رسوله على الأئمة ع واحداً فواحداً ح 2

وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» وَفَرَضَ وَلَايَةَ أُولِي الْأَمْرِ فَلَمْ يَدْرُوا مَا هِيَ فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا أَنْ يَفْسِّرَ لَهُمُ الْوَلَايَةَ كَمَا فَسَّرَ لَهُمُ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصَّوْمَ وَالْحَجَّ فَلَمَّا أَتَاهُ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ ضَاقَ بِذَلِكَ صَدْرُ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَتَخَوَّفَ أَنْ يَرْتَدُّوا عَنْ دِينِهِمْ وَأَنْ يُكَذِّبُوهُ فَصَاقَ صَدْرُهُ وَرَاجَعَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مُكَّ مِنَ النَّاسِ» فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ فَقَامَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً وَأَمَرَ النَّاسَ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبُ قَالَ عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ قَالُوا جَمِيعًا غَيْرَ أَبِي الْجَارُودِ وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَكَانَتِ الْفَرِيضَةُ تَنْزِيلَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْآخَرَى وَكَانَتِ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَايِضِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَايِضَ.

عمر بن اذينة از زراره و فضیل و بکیر و ابن مسلم و برید و ابی الجارود، همگی از امام باقر (عليه السلام) روایت کنند که فرمود: خدای عز و جل رسولش را به ولایت علی (عليه السلام) امر کرد و آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (1) سرپرست شما تنها خداست و رسولش و کسانی که ایمان آورده، نماز به پا دارند و زکاة دهند را بر او نازل فرمود و ولایت اولو الامر (کار داران) را واجب ساخت، مردم ندانستند مقصود از ولایت چیست، خدا به محمد (صلي الله عليه وآله) امر فرمود تا ولایت را برای آنها توضیح دهد، چنان که نماز و زکاة و روزه و حج را توضیح داد، و چون امر به ولایت از جانب خدا به پیغمبر (صلي الله عليه وآله) رسید حضرتش دلتنگ شد و ترسید

ص: 680

مردم از دین برگردند و آن را تکذیب کنند، از این جهت دلتنگ شد و به پروردگارش مراجعه کرد، خدای عز و جل به او وحی فرستاد «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مَنَ النَّاسِ» (1) ای پیغمبر آنچه از پروردگارت به تو نازل شده برسان، و اگر نکنی پیام او را نرسانیده‌ئی، خدا تو را از گزند مردم حفظ می‌کند او هم امر خدای تعالی ذکره را اعلان کرد و به امر ولایت علی (علیه السلام) در روز غدیر خم قیام نمود و مردم را برای نماز جماعت بانگ زد و فرمان داد که حاضرین به غائبین برسانند. عمر بن اذینه (که از آن شش نفر روایت می‌کند) گوید: همگی جز ابی الجارود گفتند: امام باقر (علیه السلام) فرمود: واجبات خدا یکی پس از دیگری نازل می‌شد و امر ولایت آخرین آنها بود، که خدای عز و جل این آیه را نازل فرمود «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (2) امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم امام باقر (علیه السلام) فرمود: خدای عز و جل می‌فرماید: بعد از این واجبی بر شما نازل نکنم، واجبات را برای شما کامل کردم. (3)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْجَهْمِ الْهَلَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَمَّا نَزَلَتْ وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَكَانَ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) سَلَّمُوا عَلَيَّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ فَكَأَنَّ مِمَّا أَكَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَا زَيْدُ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) لَهُمَا قَوْمًا فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ أَمِنْ اللَّهِ أَوْ مِنْ رَسُولِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَقَالَ لَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَسُولِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَلَا تَنْفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ» يَعْنِي بِهِ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) لَهُمَا وَقَوْلُهُمَا أَمِنْ اللَّهِ أَوْ مِنْ رَسُولِهِ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَصَتْ غَزْلُهُا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ

ص: 681

1- [2] المائدة آية 67

2- [1] المائدة آية 3

3- [2] الكافي ج 1 ص 289 كتاب الحجة باب ما نصَّ الله عزَّ وجلَّ وَرَسُولُهُ عَلَى الْأَيْمَةِ ع وَاحِدًا فَوَاحِدًا ح 4

دَحَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ» أُمَّةٌ هِيَ أَرْكَى مِنْ أُمَّتِكُمْ قَالَتْ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أُمَّةٌ قَالَتْ إِي وَاللَّهِ أُمَّةٌ قُلْتُ فَإِنَّا نَقْرَأُ أَرْبَى فَقَالَ مَا أَرْبَى وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ
فَطَرَحَهَا «إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ» يَعْنِي بِعَلِيِّ وَ

لِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ لَسَدٌ مُلِّنٌ» يَوْمَ الْقِيَامَةِ
(عَمَّا

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَ لَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَحَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا» يَعْنِي بَعْدَ مَقَالَةِ رَسُولِ اللَّهِ فِي عَلِيِّ «وَ تَدُوفُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ
سَبِيلِ اللَّهِ» يَعْنِي بِهِ عَلِيًّا «وَ لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»

زيد بن جهم هلالی گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: چون امر ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل شد و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرموده بود، به لقب امیر المؤمنین به علی (علیه السلام) سلام کنید، ای زید! از جمله تکیداتی که خدا در آن روز بر آن دو نفر (ابو بکر و عمر) نمود، این بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به آنها فرمود: برخیزید و به عنوان امیر المؤمنین به علی (علیه السلام) سلام کنید، آن دو نفر گفتند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این امر از جانب خدا است یا از جانب رسولش؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به آنها فرمود: از جانب خدا و رسولش، پس خدای عز و جل این آیه نازل فرمود «وَ لَا تَتَّقُوا الْإِيمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَ قَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ» (1) و سوگندها را پس از محکم کردنش که خدا را ضامن آن کرده اید مشکند، زیرا خدا می داند چه می کنید مقصود فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است به آنها و گفته آنها که: این امر از جانب خداست یا رسولش؟ «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَحَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ» (2) و چون آن زن مباشید که رشته خود را پس از تاییدن، پنبه می کرد و پراکنده می ساخت، شما هم سوگندهایتان را میان خودتان برای آنکه (ائمه ئی پاکتر از ائمه شما هستند) وسیله نیرنگ مسازید، زید

ص: 682

1- [1] النحل آية 91

2- [2] النحل آية 92

گوید: عرضه داشتیم: ائمه فرمودید؟ فرمود: آری به خدا ائمه است، عرضه داشتیم: ما «أزبی» قرائت می کنیم، فَقَالَ مَا أَرْبَى فرمود: اَرْبَى

چیست؟ و با دست اشاره کرد و آن را افکند «إِنَّمَا

يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ» (1) فقط خدا شما را به وسیله آن آزمایش می کند یعنی به وسیله علی (علیه السلام) «وَ

لَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (2) و برای اینکه در روز قیامت آنچه را در آن اختلاف دارید، برای شما واضح سازد. «وَ

لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَسْتَ لَنْ عَمَّا

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (3) اگر خدا می خواست شما را يك امت کرده بود، ولی هر که را خواهد گمراه کند، و هر که را خواهد هدایت کند، و از آنچه می کرده اید، باز خواست می شوید. «وَ لَا تَتَّخِذُوا إِيمَانَكُمْ دَخْلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا» (4) سوگندهایتان را میان خود دستاویز نیرنگ نکنید، مبادا قدمی پس از استواریش بلغزد یعنی بعد از گفته رسول خدا (صلي الله عليه و آله) در باره علی (علیه السلام) «وَ تَذَوَّقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (5) و به سزای باز داشتن از راه خدا به شما بدی برسد مقصود از راه خدا علی (علیه السلام) است «وَ

لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (6) و برای شما غذایی بزرگ باشد. (7)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَمَّا أَنْ قَضَى مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه و آله) نُبُوتَهُ وَ اسْتَكْمَلَ أَيَّامَهُ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ يَا مُحَمَّدُ قَدْ قَضَيْتَ نُبُوتَكَ وَ اسْتَكْمَلْتَ أَيَّامَكَ فَاجْعَلِ الْعِلْمَ الَّذِي عِنْدَكَ وَ الْإِيمَانَ وَ الْإِسْمَ الْأَكْبَرَ وَ مِيرَاثَ الْعِلْمِ وَ آثَارَ عِلْمِ النُّبُوَّةِ فِي أَهْلِ بَيْتِكَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) فَإِنِّي لَنْ أَقْطَعَ الْعِلْمَ وَ الْإِيمَانَ وَ الْإِسْمَ الْأَكْبَرَ وَ مِيرَاثَ الْعِلْمِ وَ آثَارَ عِلْمِ النُّبُوَّةِ مِنَ الْعَقَبِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ كَمَا لَمْ أَقْطَعْهَا مِنْ ذُرِّيَّاتِ الْأَنْبِيَاءِ.

ص: 683

1- [3] النحل آية 92

2- [4] النحل آية 92

3- [1] النحل آية 93

4- [2] النحل آية 94

5- [3] النحل آية 94

6- [4] النحل آية 94

7- [5] الكافي كتاب الحجة باب الإشارة و النَّصُّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ح 1

ابو حمزه ثمالی گوید: شنیدم امام باقر(علیه السلام) می فرمود: چون محمد(صلي الله عليه و آله) وظيفه نبوت خود را انجام داد و عمرش به پایان رسید، خدای تعالی به او وحی کرد: ای محمد! نبوت را گذرانیدی و عمرت به آخر رسیداکنون آن دانشی که نزد تو است و ایمان و اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت خاندان خود را به علی بن ابی طالب(علیه السلام) بسپار، زیرا من هرگز علم و ایمان و اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت را از نسل و ذریه تو قطع نکنم، چنان که از ذریه های پیغمبران قطع نکردم. (1)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَصَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ مُعَمَّرِ الْعَطَّارِ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلِيهِ السَّلَام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ ادْعُوا لِي خَلِيلِي فَأَرْسَلْنَا إِلَى أَبِيهِمَا فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِمَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَعْرَضَ عَنْهُمَا ثُمَّ قَالَ ادْعُوا لِي خَلِيلِي فَأَرْسَلَ إِلَيَّ عَلِيٌّ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ أَكْبَبَ عَلَيْهِ يُحَدِّثُهُ فَلَمَّا خَرَجَ لِقِيَاهُ فَقَالَ لَهُ مَا حَدَّثَكَ خَلِيلُكَ فَقَالَ حَدَّثَنِي أَلْفَ بَابٍ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ.

رسول خدا(صلي الله عليه و آله) در بیماری مرگ خود که در آن وفات کرد، فرمود: دوستم را برای من حاضر کنید، آن دو زن به دنبال پدرانشان (ابوبکر و عمر) فرستادند، چون رسول خدا(صلي الله عليه و آله) به آن ها نگاه کرد رو از آنها برگردانید و باز فرمود: دوستم را برایم حاضر کنید، دنبال علی(علیه السلام) فرستادند و چون او را دید به او متوجه گردید و به او حدیث گفت و چون علی(علیه السلام) از حضور پیغمبر(صلي الله عليه و آله) بیرون آمد آن دو نفر او را ملاقات کردند و پرسیدند که دوستت با تو چه گفت؟ فرمود: به من هزار باب باز گفت که از هر بابی هزار باب گشوده شود. (2)

ص: 684

- 1- [1] الكافي كتاب الحجة باب الإشارة والنص على أمير المؤمنين ح 2
- 2- [2] الكافي كتاب الحجة باب الإشارة والنص على أمير المؤمنين ح 4

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

عَلِيًّا أَلْفَ حَرْفٍ كُلُّ حَرْفٍ يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ إمام باقر (عليه السلام) فرمود: رسول خدا (صلي الله عليه وآله) به علي (عليه السلام) هزار حرف آموخت که از هر حرفی هزار حرف گشوده گشت. (1)

حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) عَلَّمَ عَلِيًّا (عليه السلام) أَلْفَ حَرْفٍ كُلُّ حَرْفٍ يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ وَ الْأَلْفُ حَرْفٍ كُلُّ حَرْفٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: همانا رسول خدا (صلي الله عليه وآله) به علي (عليه السلام) هزار حرف بیاموخت که از هر حرفی هزار حرف باز می شد و از هر حرف آن هزار حرف، هزار حرف دیگر باز می شد. (2)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ فَضْلِ بْنِ سَكْرَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) جُعِلَتْ فِدَاكَ هَلْ لِلْمَاءِ الَّذِي يُغَسَّلُ بِهِ الْمَيِّتُ حَدٌّ مَحْدُودٌ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قَالَ لِعَلِيِّ (عليه السلام) إِذَا مِتُّ فَاسْتَقِّ سِتًّا قَرِيبًا مِنْ مَاءٍ بِئْرٍ غَرَسٍ فَعَسَلْنِي وَ كَفَّنِي وَ حَنَظَّنِي فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْ غُسْلِي وَ كَفَّنِي فَخُذْ بِجَوَامِعِ كَفْنِي وَ أَجْلِسْنِي ثُمَّ سَلْنِي عَمَّا شِئْتَ فَوَاللَّهِ لَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَجَبْتُكَ فِيهِ.

ص: 685

1- [1] الكافي كتاب الحجة باب الإشارة والنص على أمير المؤمنين ح 5

2- [2] الخصال ج 2 ص 648 علم رسول الله عليا ألف باب يفتح كل باب ألف باب ح 41

به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: قربانت گردم، آیا آبی که میت را با آن غسل می دهند، اندازه معینی دارد؟ فرمود: همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: چون من مردم شش مشک از آب چاه غرس بکش و مرا غسل بده و کفن پوش و حنوط نما، و چون از غسل و کفنم فارغ شدی، اطراف کفنم را بگیر و مرا بنشان و سپس هر چه خواهی از من بپرس، به خدا که از هر چه پرسى پاسخت گویم. (1) مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنِ ابْنِ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ تَغْلِبٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ لَمَّا حَضَرَ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمَوْتُ دَخَلَ عَلَيْهِ عَلِيُّ (عليه السلام) فَأَدْخَلَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ إِذَا أَنَا مِتُّ فَغَسِّلْنِي وَكَفِّنِّي ثُمَّ أَقْعِدْنِي وَسَلِّنِي وَاكْتُبْ.

امام صادق (علیه السلام): چون وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزدیک شد، علی (علیه السلام) نزدش آمد و سر درون برد [پیغمبر سر زیر روپوش کرد سر علی (علیه السلام) را در برگرفت] و فرمود: ای علی! چون مُردم غسل بده و کفنم پوش، سپس مرا بنشان و بپرس و بنویس. (2)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ وَعُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمْرٍاءَ عَنْ سَلِيمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ: سَأَلْتُ وَصِيَّةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) جِينَ أَوْصَى إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ (عليه السلام) وَأَشَدَّ هَدَى عَلَيَّ وَصِيَّةَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَمُحَمَّدًا وَجَمِيعَ وُلْدِهِ وَرُؤَسَاءِ شَيْعَتِهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ ثُمَّ دَفَعَ إِلَيْهِ الْكِتَابَ وَالسَّلَاحَ وَقَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ (عليه السلام) يَا بُنَيَّ أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ أَوْصِيَ بِإِلَيْكَ وَأَنْ أَدْفَعُ إِلَيْكَ كُتُبِي وَسِلَاحِي كَمَا أَوْصَى إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَدَفَعَ إِلَيَّ كُتُبَهُ وَسِلَاحَهُ وَأَمَرَنِي أَنْ أَمْرَكَ إِذَا حَضَرَكَ الْمَوْتُ أَنْ تَدْفَعَهَا إِلَى أَخِيكَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ ابْنُهُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَقَالَ وَأَمْرَكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ تَدْفَعَهَا إِلَى ابْنِكَ هَذَا ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ

ص: 686

1- [3]. الكافي كتاب الحجّة بابُ الإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ح 7

2- [1]. الكافي كتاب الحجّة بابُ الإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ح 8

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ثُمَّ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَأَمَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ تَدْفَعَهَا إِلَيَّ ابْنِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَأَقْرَبُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَمِنِّي السَّلَامُ. سلیم بن قیس گوید: زمانی که امیر المؤمنین (علیه السلام) به پسرش حسن (علیه السلام) وصیت می فرمود، حاضر بودم، علی (علیه السلام) حسین (علیه السلام) و محمد (بن حنفیه) و سایر فرزندان را با رؤساء شیعه و اهل بیتش گواه گرفت، سپس کتاب و سلاح امامت را به او تحویل داد و فرمود: پسر عزیزم! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرا امر فرمود که به تو وصیت کنم و کتاب و سلاح را به تو سپارم، چنان که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به من وصیت فرمود و کتاب و سلاحش را به من سپرد و باز مرا امر کرد که به تو امر کنم، چون مرگت فرا رسد، آنها را به برادرت حسین (علیه السلام) بسپاری، سپس به پسرش حسین (علیه السلام) متوجه شد و فرمود: و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به تو امر فرموده که آنها را باین پسر بسپاری، سپس دست علی بن الحسین (علیه السلام) را گرفت و فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به تو امر فرموده که آنها را به پسر محمد بن علی (علیه السلام) بسپاری و از جانب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و من به او سلام رسانی. (1)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ أَمِيرَ

ص: 687

1- [1] الكافي ج 1 ص 297 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ح 1

الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) لَمَّا حَضَرَهُ الَّذِي حَضَرَهُ قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ اذْنُ مِنِّي حَتَّى أُسِيرَ إِلَيْكَ مَا أَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَتَمَّنَكَ عَلَى مَا اتَّمَنَنِي عَلَيْهِ فَفَعَلَ.

امام باقر (عليه السلام) فرمود: چون وفات امیر المؤمنین (عليه السلام) فرا رسید، به پسرش حسن (عليه السلام) فرمود: نزدیک من بیا تا آنچه را رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با من برآز گفت، با تو به راز گویم، و آنچه را به من سپرد به تو سپارم، سپس همین کار را کرد. (1) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: أَوْصَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِلَى الْحَسَنِ (عليه السلام) وَ أَشَّ هَدَى عَلَى وَصِيَّتِهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ مُحَمَّدًا وَ جَمِيعَ وُلْدِهِ وَ رُؤْسَاءَ شِيعَتِهِ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ ثُمَّ دَفَعَ إِلَيْهِ الْكِتَابَ وَ السَّلَاحَ ثُمَّ قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ (عليه السلام) يَا بُنَيَّ أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) أَنْ أَوْصِيَ بِكَ إِلَيْكَ وَ أَنْ أَدْفَعَ إِلَيْكَ كُتُبِي وَ سِلَاحِي كَمَا أَوْصَى إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ دَفَعَ إِلَيَّ كُتُبَهُ وَ سِلَاحَهُ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكَ إِذَا حَضَرَكَ الْمَوْتُ أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَى أَخِيكَ الْحُسَيْنِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ ابْنَهُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ قَالَ أَمَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَى ابْنِكَ هَذَا ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ ابْنِ ابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ثُمَّ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَا بُنَيَّ وَ أَمَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) أَنْ تَدْفَعَهُ إِلَى ابْنِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ أَقْرَبُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ ابْنَهُ الْحَسَنِ (عليه السلام) فَقَالَ يَا بُنَيَّ أَنْتَ وَلِيُّ الْأَمْرِ وَ وَلِيُّ الدَّمِ فَإِنْ عَفَوْتَ فَلَكَ وَ إِنْ قَتَلْتَ فَضَرْبَةٌ مَكَانَ ضَرْبَةٍ وَ لَا تَأْتُمْ.

جابر گوید: امام باقر (عليه السلام) فرمود: امیر المؤمنین (عليه السلام) به حسن (عليه السلام) وصیت کرد و حسین (عليه السلام) و محمد را با همه فرزندان و رؤسای شیعیان و خانواده اش بر آن وصیت گواه گرفت، سپس کتاب و سلاح را تحویلش داد و به او فرمود: پسر جانم! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من امر فرمود که به تو وصیت کنم و کتاب ها و سلاحم را به تو سپارم، چنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من وصیت کرد و کتاب ها و سلاحش را به من سپرد و به من امر فرمود که به تو امر کنم، چون مرگت فرا رسد، آن را به برادرت حسین (عليه السلام) سپاری، سپس متوجه پسرش حسن (عليه السلام) شد و گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تو را امر کرد که آن را به این پسر سپاری، سپس دست پسرش علی بن حسین (عليه السلام) را گرفت و فرمود: پسر عزیزم! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به تو هم امر فرمود که آن را به پسرش محمد بن علی (عليه السلام) سپاری و او را از جانب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و من سلام رسانی، باز به پسرش حسن (عليه السلام) متوجه شد و فرمود: پسر جانم، تو صاحب امر (امامت) و صاحب خونی،

ص: 688

اگر (ابن ملجم را) ببخشی حق داری و اگر بکشی، به جای یک ضربت فقط یک ضربت بزنی و کار ناروا مکن. (1)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ الْكَلْبِيُّ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ ابْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ لَمَّا حَضَرَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْوَفَاةَ قَالَ لِلْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَا أَخِي إِنِّي أَوْصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا إِذَا أَنَا مِتُّ فَهَيِّئْ نِيَّ ثُمَّ وَجَّهْنِي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِأَحْدِثَ بِهِ عَهْدًا ثُمَّ اصْرِفْنِي إِلَى أُمِّي ثُمَّ رُدَّنِي فَأَدْفِنْنِي بِالْبَقِيعِ وَاعْلَمْ أَنَّهُ سَيَصِيْبُنِي مِنْ عَائِشَةَ مَا يَعْلَمُ اللَّهُ وَ النَّاسُ صَنِيعُهَا وَ عَدَاوَتُهَا لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ عَدَاوَتُهَا لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَمَّا قُبِضَ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ وُضِعَ عَلَيَّ السَّرِيرُ ثُمَّ انْطَلَقُوا بِهِ إِلَى مُصَلَّى رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الَّذِي كَانَ يُصَلِّي فِيهِ عَلَيَّ الْجَنَائِزَ فَصَلَّى عَلَيَّ الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ حُمِلَ وَ أُدْخِلَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَمَّا أُوقِفَ عَلَيَّ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ذَهَبَ ذُو الْعُوَيْنَيْنِ إِلَى عَائِشَةَ فَقَالَ لَهَا إِنَّهُمْ قَدْ أَقْبَلُوا بِالْحَسَنِ لِيَدْفِنُوا مَعَ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَخَرَجَتْ مُبَادِرَةً عَلَيَّ بَعْلٍ بِسَرِّجٍ فَكَانَتْ أَوَّلَ امْرَأَةٍ رَكِبَتْ فِي الْإِسْلَامِ سَرَّجًا فَقَالَتْ نَحُوا ابْنَكُمْ عَنْ بَيْتِي فَإِنَّهُ لَا يُدْفَنُ فِي بَيْتِي وَ يُهْتَكُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حِجَابُ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ أُدْخِلَتْ عَلَيْهِ بَيْتَهُ مَنْ لَا يُحِبُّ قُرْبَهُ وَ إِنَّ اللَّهَ سَائِلُكَ عَنْ ذَلِكَ يَا عَائِشَةُ. محمد بن مسلم گوید: شنیدم امام باقر (علیه السلام) می فرمود: چون وفات حسن بن علی (علیه السلام) نزدیک شد، به حسین (علیه السلام) فرمود: برادرم! به تو وصیتی می کنم، آن را حفظ کن، چون من مردم، جنازه ام را (با غسل و کفن و حنوط) آماده دفن کن، سپس

مرا بر

ص: 689

1- [1] الكافي ج 1 ص 298 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ح 5

سر قبر رسول خدا(صلي الله عليه و آله) ببر تا با او تجدید عهد کنم، آنگاه مرا به طرف قبر مادرم B برگردان، سپس مرا در بقیع دفن کن. و بدان که از عایشه به من مصیبتی رسد و منشأش آنست که خدا و مردم زشتکاری و دشمنی او را با خدا و پیغمبر و ما خانواده می دانند. چون امام حسن(علیه السلام) وفات یافت [و] در همان جا روی تابوتش گذاشتند، او را به محل مصلاهی پیغمبر(صلي الله عليه و آله) که بر جنازه ها نماز می خواند بردند، امام حسین(علیه السلام) بر جنازه نماز خواند و سپس برداشتند و به مسجد بردند، چون بر سر قبر رسول خدا(صلي الله عليه و آله) نگاهداشتند، جاسوسی نزد عایشه رفت و گفت: بنی هاشم جنازه حسن(علیه السلام) را آورده اند تا نزد پیغمبر(صلي الله عليه و آله) دفن کنند، او روی استری زین کرده ئی نشست و به شتاب بیرون شد و او نخستین زنی بود که در اسلام بر زین نشست آمد و گفت: فرزند خود را از خانه من بیرون برید، او نباید در خانه من دفن شود و حجاب رسول خدا(صلي الله عليه و آله) دریده شود، امام حسین(علیه السلام) به او فرمود: تو و پدرت در سابق حجاب رسول خدا(صلي الله عليه و آله) را پاره کردید و در خانه او کسی را در آوردی که دوست نداشت نزدیک او باشد (مقصود ابو بکر و عمر است) ای عایشه خدا از این کارت از تو بازخواست می کند. (1)

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا حَضَرَ رَبَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) الْوَفَاةُ قَالَ يَا قَدِّبِرْ أَنْظِرْ هَلْ تَرَى مِنْ وِرَاءِ بَابِكَ مُؤْمِنًا مِنْ غَيْرِ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ رَسُولُهُ وَ ابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي قَالَ ادْعُ لِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ فَأَتَيْتُهُ فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَيْهِ قَالَ هَلْ حَدَّثَ إِلَّا خَيْرٌ قُلْتُ أَجِبْ أَبَا مُحَمَّدٍ فَعَجَلَ عَلَيَّ شِدْءٌ نَعْلِهِ فَلَمْ يُسَوِّهِ وَ خَرَجَ مَعِيَ يَعْدُو فَلَمَّا قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ سَلَّمَ فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) اجْلِسْ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِثْلَكَ يَغِيبُ عَنْ

ص: 690

سَمِعَ كَلَامٍ يَحْيَا بِهِ الْأَمْوَاتُ وَيَمُوتُ بِهِ الْأَحْيَاءُ كُونُوا أَوْعِيَةَ الْعِلْمِ وَ مَصَابِيحَ الْهُدَى فَإِنَّ ضَوْءَ النَّهَارِ بَعْضُهُ أَضْوَأُ مِنْ بَعْضٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَ وُلْدَ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) أَيْمَةً وَفَضَّلَ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ آتَى «دَاوُدَ زَبُوراً» (1)

وَ قَدْ عَلِمْتَ بِمَا اسْتَأْثَرَ بِهِ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْحَسَدَ وَ إِنَّمَا وَصَفَ اللَّهُ بِهِ الْكَافِرِينَ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «كُفَّاراً»

حَسَدًا مِنْ عِدَدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» وَ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلشَّيْطَانِ عَلَيْكَ سُدَّ لَطَانًا يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَا سَمِعْتُ مِنْ أَبِيكَ فِيكَ قَالَ بَلَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَاكَ يَقُولُ يَوْمَ الْبَصْرَةِ مِنْ أَحَبِّ أَنْ يَبْرِيَنِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَلْيَبْرِّ مُحَمَّدًا وَ لَدِي يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ لَوْ شِئْتُ أَنْ أُخْبِرُكَ وَ أَنْتَ تُنْفِقُهُ فِي ظَهْرِ أَبِيكَ لِأَخْبِرْتُكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْحَسَدَ يَنْبَغِي بِنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) بَعْدَ وَفَاةِ نَفْسِي وَ مُفَارَقَةِ رُوحِي جِسْمِي إِمَامٌ مِنْ بَعْدِي وَ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ فِي الْكِتَابِ وَرِثَانَةٌ مِنَ النَّبِيِّ (صلي الله عليه وآله) أَضَافَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ فِي وَرِثَانَةِ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ فَعَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ خَيْرَةٌ خَلَقَهُ فَاصَّ طَفَى مِنْكُمْ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) وَ اخْتَارَ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه وآله) عَلِيًّا (عليه السلام) وَ اخْتَارَنِي عَلِيٍّ (عليه السلام)

بِالْإِمَامَةِ وَ اخْتَرْتُ أَنَا الْحَسَدَ مِنْ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ أَنْتَ إِمَامٌ وَ أَنْتَ وَسِيْلَتِي إِلَى مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَ اللَّهُ لَوَدِدْتُ أَنْ نَفْسِي ذَهَبَتْ قَبْلَ أَنْ أَسْمَعَ مِنْكَ هَذَا الْكَلَامَ أَلَا وَ إِنِّي فِي رَأْسِي كَلَامًا لَا تَنْزِفُهُ الدَّلَاءُ وَ لَا تُغَيِّرُهُ نَعْمَةُ الرِّيحِ كَالْكِتَابِ الْمُعْجَمِ فِي الرِّقِّ الْمُنْمَمِ أَهْمُ بِإِبْدَانِهِ فَأَجِدُنِي سُبِقْتُ إِلَيْهِ سَبَقَ الْكِتَابِ الْمُنزَلِ أَوْ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ وَ إِنَّهُ لِكَلَامٌ يَكِلُّ بِهِ لِسَانُ

النَّاطِقِ وَ يَدُ الْكَاتِبِ حَتَّى لَا يَجِدَ قَلَمًا وَ يُؤْتُوا بِالْقِرْطَاسِ حُمَمًا لَا يَبْلُغُ إِلَى فَضْلِكَ وَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُحْسِنِينَ وَ «لَا قُوَّةَ

ص: 691

الْحُسَيْنُ أَعْلَمُنَا عِلْمًا وَ أَثْقَلُنَا حِلْمًا وَ أَقْرَبُنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) رَحِمًا كَانَ فِقِيهَا قَبْلَ أَنْ يُخْلَقَ وَ قَرَأَ الْوَحْيَ قَبْلَ أَنْ يَنْطَقَ وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِي أَحَدٍ خَيْرًا مَا أَصَدَّ طَفَى مُحَمَّدًا (صلي الله عليه و آله) فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه و آله) وَ اخْتَارَ مُحَمَّدًا (صلي الله عليه و آله) عَلَيْنَا (عليه السلام) وَ اخْتَارَكَ عَلَيَّ (عليه السلام)

إِمَامًا وَ اخْتَرْتَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) سَلَّمْنَا وَ رَضِينَا مَنْ هُوَ بَعِيرُهُ يَرْضَى وَ مَنْ غَيْرُهُ كُنَّا نَسَلُّمُ بِهِ مِنْ مُشْكِلَاتِ أَمْرِنَا.

امام صادق (عليه السلام) فرمود: چون وفات حسن بن علی (عليه السلام) فرا رسید به قنبر فرمود: ای قنبر! ببین پشت در، مؤمنی از غیر آل محمد (صلي الله عليه و آله) هست؟ عرضه داشت: خدای تعالی و پیغمبر (صلي الله عليه و آله) و پسر پیغمبرش آن را از من بهتر می دانند. فرمود: محمد بن علی را (که مادرش حنفیه است) نزد من آور (پس مقصود از سؤال کردن حضرت این بود که به قنبر بفرماید: من می دانم کسی جز محمد بن حنفیه آنجا نیست، او را بیاور و گفته اند مقصودش از مؤمن عزرائیل (عليه السلام) است، زیرا او بر در خانه ائمه اجازه می گرفت) قنبر گوید: من نزدش رفتم، چون وارد شدم، گفتم: امیدوارم جز خیر پیش نیامده باشد. عرضه داشتیم: ابا محمد را اجابت کن (که تو را می خواند) او با شتاب بدون اینکه بند کفش خود را به بندد با من دوید، چون مقابل امام (عليه السلام) رسید سلام کرد. حسن بن علی (عليه السلام) به او فرمود: بنشین که مانند تو شخصی نباید از شنیدن سخنی که سبب زنده شدن مردگان و مردن زنده ها می شود، غایب باشد (آن سخن وصیت آخر عمر من است که دل های مرده را زنده می کند و هر زنده ای که آن را نپذیرد، در شمار مردگان آید). شما باید گنجینه علم و چراغ هدایت باشید، زیرا برخی از نور خورشید از برخ دیگرش تابان تر است (پس اگر چه تو هم برادر من و حسینی، اما بدان که منو او نور تابنده تر خورشید وجود پدریم، با آنکه اگر چه همه بشر از یک اصلند ولی تو به واسطه انتساب به علی (عليه السلام) باید علم و کمالت از مردم دیگر تابنده تر باشد) مگر نمی دانی که خدا فرزندان ابراهیم (عليه السلام) را امام قرار داد ولی بعضی را بر

ص: 692

بعض دیگر فضیلت بخشید و به داود(علیه السلام) زبور را داد، در صورتی که می دانی محمد(صلی الله علیه و آله) را به چه امتیازی برگزید (قرآن را بر او فرستاد و او را به استواری بر خُلق عظیم ستود). ای محمد بن علی! من از حسد تو می ترسم [من از حسد تو نمی ترسم به نسخه اعلام الوری] زیرا خدا کافران را به آن وصف کرده و فرموده است: «كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عَدُوِّ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» (1)

(بسیاری از اهل کتاب می خواهند) با وجود اینکه حق بر آنها روشن شده به سبب حسدی که در دل خود دارند، شما را به کفر برگردانند در صورتی که خدای عز و جل شیطان را بر تو مسلط نساخته است ای محمد بن علی! نمی خواهی آنچه را از پدرت در باره تو شنیده ام به تو بگویم؟ عرضه داشت: چرا، فرمود: شنیدم پدرت روز جنگ بصره (جنگ جمل) می فرمود: کسی که می خواهد در دنیا و آخرت به من نیکی کند، باید به پسر محمد نیکی کند. ای محمد بن علی! اگر بخواهم به تو خیر دهم از زمانی که نطفه ای بودی در پشت پدرت خبر می دهم. ای محمد بن علی! نمی دانی که حسین بن علی(علیه السلام) بعد از وفات من و بعد از جدائی روحم از پیکرم، امام(علیه السلام) پس از من است و نزد خدای جل اسمه امامت به نام او در کتاب (لوح محفوظ یا قرآن یا وصیتنامه ثبت است، امامت او از راه وراثت پیغمبر(صلی الله علیه و آله) که خدای عز و جل آن وراثت را به وراثت از پدر و مادرش هم افزوده می باشد، خدا دانست که شما خانواده بهترین خلق او هستید، لذا محمد(صلی الله علیه و آله) را از میان شما برگزید و محمد(صلی الله علیه و آله) علی(علیه السلام) را انتخاب کرد و علی(علیه السلام) مرا به امامت برگزید و من حسین(علیه السلام) را برگزیدم. محمد بن علی(علیه السلام) عرضه داشت: تو امامی و تو واسطه میان من و محمدی(صلی الله علیه و آله)، به خدا من دوست داشتم که پیش از آنکه این سخن را از تو بشنوم مرده باشم، همانا در سرم سخنی است که دلها نتوانند همه آن را بکشند (آنقدر از فضیلت شما در خاطر دارم که به وصف در نیاید) و ترانه و آهنگ باها دگرگونش نسازد (یاوه گوئیهای دشمنان عقیده مرا نسبت به شما سست

ص: 693

نکند) آنها مانند نوشته سر به مهریست که ورقش مزین و منقوش است، می خواهم اظهارش کنم ولی می بینم کتاب منزل خدا (قرآن) و کتب دیگری که پیغمبران آورده اند، بر من پیشی گرفته اند، و آن سخنی است که زبان هر گوینده و دست هر نویسنده از ادای آن عاجز است تا آنجا که قلم ها تمام شود و کاغذها سیاه شود و باز هم فضیلت شما به آخر نرسد، خدا نیکوکاران را چنین جزا می دهد و هیچ نیروئی جز از خدا نیست. حسین (علیه السلام) از همه ما داناتر و از لحاظ خویشتن داری سنگین تر و از جهت قرابت بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزدیکتر است او پیش از خلقتش فقیه بوده (یعنی خدا روحش را پیش از تعلق به بدن عالم و بلکه معلم ملائکه ساخت) و پیش از آنکه زبان باز کند وحی خدا را خوانده است و اگر خدا در شخص دیگری خیری می دانست، محمد (صلی الله علیه و آله) را بر نمی گزید، پس چون خدا محمد (صلی الله علیه و آله) را برگزید، و محمد (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) را (به فرمان خدا) انتخاب کرد و علی (علیه السلام) شما را به امامت برگزید و شما حسین (علیه السلام) را، ما تسلیم شدیم و رضا دادیم، کیست که به غیر آن رضا دهد؟ و کیست جز او که در کارهای مشکل خویش تسلیمش شویم؟! (1) وَ يَهَذَا الْإِمَامَ نَادٍ عَنْ سَهْلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّ لَمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَقُولُ لَمَّا احْتَضَرَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (علیه السلام) قَالَ لِلْحُسَيْنِ يَا أَخِي إِنِّي أَوْصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا فَإِذَا أَنَا مِتُّ فَهَيِّئْ لِي ثُمَّ وَجَّهْنِي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) لِأُحَدِّثَ بِهِ عَهْدًا ثُمَّ اصْرِفْنِي إِلَى أُمِّي فَاطِمَةَ ثُمَّ رُدَّنِي فَادْفِنْنِي بِالْبَقِيعِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ سَيُصِيبُنِي مِنَ الْحُمَيْرَاءِ مَا يَعْلَمُ النَّاسُ مِنْ صَنِيعِهَا وَ عَدَاوَتِهَا لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله) وَ عَدَاوَتِهَا لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَمَّا قُبِضَ الْحَسَنُ (علیه السلام) وَ وُضِعَ عَلَى سَرِيرِهِ فَأَنْطَلَقُوا بِهِ إِلَى مُصَلَّى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) الَّذِي كَانَ يُصَلِّي فِيهِ عَلَى الْجَنَائِزِ فَصَلَّى عَلَى الْحَسَنِ (علیه السلام) فَلَمَّا أَنْ صَلَّى عَلَيْهِ حَمَلٌ فَأَدْخَلَ الْمَسْجِدَ

ص: 694

1- [1] الكافي ج 1 ص 301 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ح 2

فَلَمَّا أَوْقَفَ عَلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) بَلَغَ عَائِشَةَ الْخَبْرَ وَقِيلَ لَهَا إِنَّهُمْ قَدْ أَقْبَلُوا بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) لِيُدْفَنَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) فَخَرَجَتْ مُبَادِرَةً عَلَى بَغْلِ بِسْرَجٍ فَكَانَتْ أَوَّلَ امْرَأَةٍ رَكِبَتْ فِي الْإِسْلَامِ سَرَجًا فَوَقَفَتْ وَقَالَتْ نَحْنُ ابْنُكُمْ عَنْ بَيْتِي فَإِنَّهُ لَا يُدْفَنُ فِيهِ شَيْءٌ وَلَا يُهْتَكُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) حِجَابُهُ فَقَالَ لَهَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَدِيمًا هَتَكَتِ أَنْتِ وَ أَبُوكِ حِجَابَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) وَ أَدْخَلْتِ بَيْتَهُ مِنْ لَا يُحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) قُرْبَهُ وَإِنَّ اللَّهَ سَائِلُكَ عَنْ ذَلِكَ يَا عَائِشَةُ إِنَّ أَخِي أَمْرَنِي أَنْ أَقْرَبَهُ مِنْ أَبِيهِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

لِيَحْدِثَ بِهِ عَهْدًا وَ اعْلَمِي أَنَّ أَخِي أَعْلَمُ النَّاسِ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ (صلي الله عليه وآله) وَ اعْلَمِي بِتَأْوِيلِ كِتَابِهِ مِنْ أَنْ يُهْتَكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) سِتْرُهُ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ » وَ قَدْ أَدْخَلْتِ أَنْتِ بَيْتَ رَسُولِ اللَّهِ الرَّجَالَ بِغَيْرِ إِذْنِهِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ » وَ لَعَمْرِي لَقَدْ صَدَّ رَبْتِ أَنْتِ لِأَيْبِكَ وَ فَارُوقِهِ عِنْدَ أُذُنِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) الْمَعَاوِلَ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ « إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى » وَ لَعَمْرِي لَقَدْ أَدْخَلَ أَبُوكِ وَ فَارُوقُهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله)

بِقُرْبِهِمَا مِنْهُمَا لَأَذَى وَ مَا رَعِيَا مِنْ حَقِّهِ مَا أَمَرَهُمَا اللَّهُ بِهِ عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَمْوَاتًا مَا حَرَّمَ مِنْهُمْ أَحْيَاءَ وَ تَاللَّهِ يَا عَائِشَةُ لَوْ كَانَ هَذَا الَّذِي كَرِهْتِيهِ مِنْ دَفْنِ الْحَسَنِ عِنْدَ أَبِيهِ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) جَائِزًا فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ لَعَلِمْتَ أَنَّهُ سَيُدْفَنُ وَإِنْ رَغِمَ مَعْطُسُكَ قَالَ ثُمَّ تَكَلَّمَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِيَّةِ وَ قَالَ يَا عَائِشَةُ يَوْمًا عَلَى بَغْلٍ وَ يَوْمًا عَلَى جَمَلٍ فَمَا تَمْلِكِينَ نَفْسَكَ وَ

لَا تَمْلِكِينَ إِلَّا رُضَّ عَدَاوَةِ لَيْبِيِّ هَاشِمٍ قَالَتْ فَاقْبَلْتِ عَلَيْهِ فَقَالَتْ يَا ابْنَ الْحَنْفِيَّةِ هُوَ لَاءِ الْفَوَاطِمِ يَتَكَلَّمُونَ فَمَا كَلَامُكَ فَقَالَ لَهَا الْحُسَيْنُ (عليه السلام) وَأَتَى تَبْعِدِينَ مُحَمَّدًا مِنَ الْفَوَاطِمِ فَوَاللَّهِ لَقَدْ وَلَدْتُهُ ثَلَاثُ فَوَاطِمٍ فَاطِمَةُ بِنْتُ عِمْرَانَ بْنِ عَائِدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ مَخْرُومٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدِ بْنِ هَاشِمٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ زَائِدَةَ بْنِ الْأَصَمِّ ابْنِ رَوَاحَةَ بْنِ حُجْرِ بْنِ عَبْدِ مَعِيصِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ فَقَالَتْ عَائِشَةُ لِلْحُسَيْنِ (عليه السلام) نَحُوا ابْنَكُمْ وَاذْهَبُوا بِهِ فَإِنَّكُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ قَالَ فَمَضَى الْحُسَيْنُ (عليه السلام) إِلَى قَبْرِ أُمِّهِ ثُمَّ أَخْرَجَهُ فَدَفَنَهُ بِالْبَقِيعِ.

محمد بن مسلم گوید شنیدم امام باقر (عليه السلام) می فرمود: چون حسن بن علی (عليه السلام) به حالت احتضار در آمد، به حسین (عليه السلام) فرمود، برادرم! به تو وصیتی می کنم، آن را حفظ کن، چون من مردم، جنازه ام را آماده دفن کن سپس مرا به سوی رسول خدا (صلي الله عليه و آله) بر تا با او تجدید عهده کنم، آنگاه مرا به جانب مادرم فاطمه B برگردان، سپس مرا ببر و در بقیع دفن کن و بدان که از طرف حمیرا، (عایشه) که مردم از زشتکاری و دشمنی او با خدا و پیغمبر (صلي الله عليه و آله) و ما خاندان آگاهند، مصیبتی به من می رسد، پس چون امام حسن (عليه السلام) وفات کرد و روی تابوتش گذاردند، او را به محلی که پیغمبر (صلي الله عليه و آله) بر جنازه ها نماز می خواند بردند، امام حسین (عليه السلام) بر جنازه نماز گذارد و چون نمازش تمام شد داخل مسجدش بردند، چون بر سر قبر رسول خدا (صلي الله عليه و آله) نگهش داشتند، به عایشه خبر بردند و به او گفتند، بنی هاشم جنازه حسن بن علی (عليه السلام) را آورده اند تا در کنار رسول خدا (صلي الله عليه و آله) دفن کنند، عایشه بر استری زین کرده نشست و شتافت او نخستین زنی بود که از دوران اسلام بر زین نشست آمد و ایستاد و گفت: فرزند خود را از خانه من بیرون برید، که نباید در اینجا چیزی دفن شود و حجاب پیغمبر (صلي الله عليه و آله) دریده شود. حسین بن علی (عليه السلام) فرمود: تو و پدرت از پیش

حجاب پیغمبر (صلي الله عليه و آله) را در دید و تو در خانه پیغمبر (صلي الله عليه و آله) کسی را در آوردی که دوست نداشت نزدیک او باشد (مقصود ابو بکر و عمر است) و خدا از این کار، از تو باز خواست می کند. همانا برادر من به من امر کرد که جنازه اش را نزدیک پدرش رسول خدا (صلي الله عليه و آله) برم تا با او تجدید عهد کند، و بدان که برادر من از همه مردم به خدا و رسولش و معنی قرآن داناتر بود و نیز او داناتر از این بود که پرده رسول خدا (صلي الله عليه و آله) را پاره کند، زیرا خدای تبارک و تعالی می فرماید «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ» (1) ای کسانی که ایمان آورده اید، تا به شما اجازه نداده اند به خانه پیغمبر وارد نشوید و تو بدون اجازه پیغمبر، مردانی را به خانه او راه دادی. خدای عز و جل فرماید «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ» (2) ای کسانی که ایمان آورده اید. آواز خود را از آواز پیغمبر بلندتر نکنید در صورتی که به جان خودم سوگند که تو بخاطر پدرت و فاروقش (عمر) بغل گوش پیغمبر (صلي الله عليه و آله) کلنگ ها زدی با آنکه خدای عز و جل فرماید «إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى» (3) کسانی که نزد رسول خدا (صلي الله عليه و آله) صدای خود را فرو می کشند، آنها ایند که خدا دل هایشان را به تقوی آزمایش کرده است به جان خودم که پدرت و فاروقش به سبب نزدیک کردن خودشان را پیغمبر (صلي الله عليه و آله) او را آزار دادند و آنحقی را که خدا با زبان پیغمبرش به آنها امر کرده بود، رعایت نکردند، زیرا خدا مقرر فرموده که آنچه نسبت به مؤمنین در حال زنده بودنشان حرام است در حال مرده بودن آنها هم حرامست، به خدا ای عایشه! اگر دفن کردن حسن (علیه السلام) نزد پدرش رسول خدا (صلي الله عليه و آله) که تو آن را نمی خواهی، از نظر ما خدا آن را جایز کرده بود، می فهمیدی که او به رغم مخالفت تو در آنجا دفن می شد (ولی افسوس که کلنگ زدن نزد گوش پیغمبر (صلي الله عليه و آله) از نظر ما جایز نیست) سپس محمد بن حنفیه رشته سخن به دست گرفت و فرمود: ای عایشه! يك روز بر استر می نشینی و

ص: 697

1- [1] الاحزاب آية 53

2- [2] الحجرات آية 2

3- [3] الحجرات آية 3

يك روز (در جنگ جمل) بر شتر مي نشيني؟! تو به علت دشمنی و عداوتی که با بنی هاشم داری، نه مالك نفس خودت هستی و نه در زمین قرار مي گيري، (در صورتی که خدا مي فرمايد «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» (1))

نفس به بدی فرمان مي دهد و به زنان پیغمبر مي فرمايد «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (2) عايشه رو به او کرد و گفت: پسر حنفيه! اينها فرزندان فاطمه اند که سخن مي گویند، ديگر تو چه مي گوئی؟! حسين (عليه السلام) به او فرمود: محمد را از بنی فاطمه به کجا دور مي کنی، به خدا که او زاده سه فاطمه است، فاطمه دختر عمران بن عائذ بن عمرو بن مخزوم (مادر ابو طالب) عليه السلام))، فاطمه بنت اسد بن هاشم (مادر امير المؤمنين (عليه السلام))، فاطمه دختر زائدة بن اصم بن رواحة بن حجر بن عبد معيص بن عامر (مادر عبد المطلب (عليه السلام)) عايشه به امام حسين (عليه السلام) گفت: پسر خود را دور کنيد و ببريدش که شما مردمی دشمنی خواهيد، پس حسين (عليه السلام) به جانب قبر مادرش رفت و جنازه او را بيرون آورد و در بقیع دفن کرد. (3)

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا حَضَرَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) مَا حَضَرَهُ دَفَعَهُ وَصِيَّتَهُ إِلَى ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ ظَاهِرَةً فِي كِتَابٍ مُدْرَجٍ فَلَمَّا أَنْ كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) مَا كَانَ دَفَعَتْ ذَلِكَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قُلْتُ لَهُ فَمَا فِيهِ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَقَالَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَوُلِدَ أَدَمٌ مُنْذُ كَانَتِ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ تَفْنَى.

ابی جارود گوید: امام باقر (عليه السلام) فرمود: چون هنگام شهادت امام حسين (عليه السلام) فرا رسيد، وصيتش را که در کتابی پيچيده بود، در حضور مردم، به فاطمه داد، پس چون امر شهادت حسين (عليه السلام) بدان جا که مقدر بود رسيد، فاطمه آن وصيت را به علی بن الحسين (عليه السلام) داد، عرضه داشتم: خدايت رحمت کند، در آن وصيت چه بود؟ فرمود:

ص: 698

1- [1] يوسف آية 53

2- [2] الاحزاب آية 33

3- [1] الكافي ج 1 ص 303 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ح 3

آنچه فرزندان آدم از ابتدای دنیا تا به آخر رسیدن آن احتیاج دارند. (1)

و فِي نَسَخَةِ الصَّفْوَانِيِّ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ فُلَيْحِ بْنِ أَبِي بَكْرِ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ: وَاللَّهِ إِنِّي لَجَالِسٌ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعِنْدَهُ وُلْدُهُ إِذْ جَاءَهُ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَحَلَا بِهِ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَخْبَرَنِي أَنِّي سَأَدْرِكُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ يَكْنَى أَبُو جَعْفَرٍ فَإِذَا أَدْرَكْتَهُ فَأَقْرَنِي مِنِّْي السَّلَامَ قَالَ وَ مَضَى جَابِرٌ وَرَجَعَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام)

فَجَلَسَ مَعَ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَإِخْوَتِهِ فَلَمَّا صَلَّى الْمَغْرِبَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَيَّ شَيْءٍ قَالَ لَكَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ إِنَّكَ سَأَدْرِكُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ يَكْنَى أَبُو جَعْفَرٍ فَأَقْرَنِي مِنِّْي السَّلَامَ فَقَالَ لَهُ أَبُوهُ هَنِيئًا لَكَ يَا بُنَيَّ مَا خَصَّكَ اللَّهُ بِهِ مِنْ رَسُولِهِ مِنْ بَيْنِ أَهْلِ بَيْتِكَ لَا تُطْلِعْ إِخْوَتَكَ عَلَى هَذَا «فَيَكِيدُوا

لَكَ كَيْدًا» (2) كَمَا كَادُوا إِخْوَةَ يُوسُفَ لِيُوسُفَ (عَلَيْهِ السَّلَام).

شیبانی گوید: به خدا که من در خدمت علی بن الحسین (علیه السلام) بودم و فرزندانش هم حضور داشتند که جابر ابن عبد الله انصاری خدمت آن حضرت رسید و سلام کرد، سپس دست ابی جعفر (علیه السلام) (امام باقر (علیه السلام)) را گرفت و با او خلوت کرد و عرضه داشت: همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من خبر داد که من مردی از اهل بیت او را که نامش محمد بن علی (علیه السلام) و کنیه اش ابا جعفر است درک می کنم، و فرمود: چون خدمتش رسیدی، او را از جانب من سلام بپرسان، شیبانی گوید: جابر برفت و ابو جعفر (علیه السلام) آمد و نزد پدرش علی بن الحسین (علیه السلام) با برادرانش نشست، و چون نماز مغرب را گزارد، علی بن الحسین (علیه السلام) به ابی جعفر (علیه السلام) فرمود: جابر بن عبد الله

ص: 699

1- [2] الكافي ج 1 ص 304 باب الإشارة و النص على علي بن الحسين صلوات الله عليهما ح 2

2- [1] يوسف آية 5

انصاری به تو چه گفت؟ جواب داد: او گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: تو مردی از اهل بیت مرا که نامش محمد بن علی (علیه السلام) و کینه اش ابا جعفر (علیه السلام) است درک می کنی، سلام مرا به او برسان. پدرش به او فرمود: پسر جانم! امتیاز و خصوصیتی را که خدا توسط پیغمبرش از میان اهل بیتش تنها به تو داده بر تو گوارا باد. برادرانت را از این مطلب آگاه مکن، مبادا در باره تو مکاری اندیشند، چنان که برادران یوسف (علیه السلام) برای یوسف (علیه السلام) اندیشیدند. (1)

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلِ بْنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: لَمَّا حَضَرَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) الْوَفَاةَ قَبِلَ ذَلِكَ أَخْرَجَ سَفْطاً أَوْ صُنْدُوقاً عِنْدَهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ احْمِلْ هَذَا الصُّنْدُوقَ قَالَ فَحَمَلَ بَيْنَ أَرْبَعَةٍ فَلَمَّا تُوِّفِيَ جَاءَ إِخْوَتُهُ يَدْعُونَ مَا فِي الصُّنْدُوقِ فَقَالُوا أَعْطِنَا نَصِيبَنَا فِي الصُّنْدُوقِ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا لَكُمْ فِيهِ شَيْءٌ وَ لَوْ كَانَ لَكُمْ فِيهِ شَيْءٌ مَا دَفَعَهُ إِلَيَّ وَ كَانَ فِي الصُّنْدُوقِ سِلَاحٌ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ كُتُبُهُ.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: پیش از آنکه وفات علی بن الحسین (علیه السلام) فرا رسد، زنبیلی یا صندوقی را که نزد او بود، بیرون آورد و فرمود: ای محمد! این صندوق را ببر، پس آن را در میان چهار تن (که چهار طرفش را گرفته بودند) بردند، چون آن حضرت وفات کرد، برادران امام باقر (علیه السلام) آمدند و ادعا کردند که از آنچه در میان صندوق بود، بهره ما را بده. فرمود: به خدا که از بهره شما چیزی در آن نبود، اگر از بهره شما چیزی در آن می بود، پدرم آن را به من نمی داد، در آن صندوق سلاح و کتب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود (که از علائم و مختصات امام (علیه السلام) است). (2)

ص: 700

1- [2] الكافي ج 1 ص 305 باب الإشارة و النص علی علی بن الحسین صلوات الله علیهما ح 5

2- [1] الكافي ج 1 ص 305 باب الإشارة و النص علی أبي جعفر ح 1

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: نَظَرَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ تَرَى هَذَا هَذَا مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

ابی الصباح گوید: امام باقر (علیه السلام) به حضرت صادق (علیه السلام) نگاه کرد که راه می رفت، فرمود: این را می بینی؟ این از کسانی است که خدای عز و جل فرماید «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (1) ما می خواهیم بر آن کسان که در زمین ناتوان شمرده شده اند منت نهیم و پیشوایشان سازیم و وارث زمینشان کنیم (2)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ سَدِيدِ بْنِ الصَّيْرِفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ مِنْ سَادَةِ عَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ الْوَلَدُ يَعْرِفُ فِيهِ شَيْئًا مِنْ خَلْقِهِ وَخُلُقِهِ وَشَأْنِ مَائِلِهِ وَإِنِّي لَأَعْرِفُ مِنْ ابْنِي هَذَا شَيْئًا مِنْ خَلْقِي وَخُلُقِي وَشَأْنِ مَائِلِي يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام).

شنیدم امام باقر (علیه السلام) می فرمود: از جمله سعادت مرد اینست که او را فرزندی باشد که شباهتی از خلقت و اخلاق و شمائلش در او درک شود و من شباهت خلقت و اخلاق و شمائلم را از این پسر می درک می کنم. (3)

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ طَاهِرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَأَقْبَلَ جَعْفَرٌ (عليه السلام) فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) هَذَا خَيْرُ الْبَرِيَّةِ أَوْ أَحْسَنُ.

ص: 701

1- [1] القصص آية 5

2- [2] الكافي ج 1 ص 306 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا ح 1

3- [3] الكافي ج 1 ص 306 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا ح 3

طاهر گوید: خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم که جعفر (علیه السلام) آمد، آن حضرت فرمود: این بهترین مردمست (پیداست که در این جمله خود آن حضرت از کلمه مردم مستثنی است). (1) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: سئِلَ عَنِ الْقَائِمِ (علیه السلام)

فَصَدَّرَ رَبِّ يَدِهِ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقَالَ هَذَا وَاللَّهِ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) قَالَ عَبَّاسٌ فَلَمَّا قُبِضَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام)

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام)

فَأَخْبَرْتُهُ بِذَلِكَ فَقَالَ صَدَقَ

جَابِرٌ ثُمَّ قَالَ لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ أَنْ لَيْسَ كُلُّ إِمَامٍ هُوَ الْقَائِمَ بَعْدَ الْإِمَامِ الَّذِي كَانَ قَبْلَهُ.

جابر بن یزید: از امام باقر (علیه السلام) راجع به قائم (به امر خدا یعنی امام) سؤال شد، حضرت دست خود را به امام صادق (علیه السلام) زد و فرمود: به خدا که این قائم آل محمد (صلي الله عليه وآله) است، عنبسه گوید: چون امام باقر (علیه السلام) وفات کرد، خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و این خبر را به او دادم، فرمود: جابر راست گفته است، سپس فرمود: شاید شما عقیده ندارید که هر امامی بعد از امام پیشین قائم (به امر خدا) است؟ (2)

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: إِنَّ أَبِي اسْتَوْدَعَنِي مَا هُنَاكَ فَلَمَّا حَضَرَ رْتَهُ الْوَفَاةَ قَالَ ادْعُ لِي شَهْوداً فَدَعَوْتُ لَهُ أَرْبَعَةً مِنْ قُرَيْشٍ فِيهِمْ نَافِعٌ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ فَقَالَ اكْتُبْ هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ يَعْقُوبُ بَنِيهِ «يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» وَأَوْصَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَمَرَهُ أَنْ يُكْفِنَهُ فِي بُرْدِهِ الَّذِي كَانَ يُصَلِّي فِيهِ الْجُمُعَةَ وَأَنْ يُعَمِّمَهُ بِعِمَامَتِهِ وَأَنْ يُرَبِّعَ قَبْرَهُ وَيَرْفَعَهُ أَرْبَعَ أَصَابِعَ وَأَنْ يَحُلَّ عَنْهُ أَطْمَارَهُ عِنْدَ دَفْنِهِ ثُمَّ قَالَ لِلشُّهُودِ انصَرِفُوا

ص: 702

1- [4] الكافي ج 1 ص 306 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا ح 4

2- [1] الكافي ج 1 ص 307 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا ح 7

رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَبَتِ بَعْدَ مَا أَنْصَرَ رَفُؤًا مَا كَانَ فِي هَذَا بَأْسٌ تُشْهَدُ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ كَرِهْتُ أَنْ تُغْلَبَ وَأَنْ يُقَالَ إِنَّهُ لَمْ يُوصَ إِلَيْهِ فَأَرَدْتُ أَنْ تَكُونَ لَكَ الْحُجَّةَ.

عبد الاعلی گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدرم آنچه در آنجا بود (از کتب و... و نشانه های امامت) به من سپرد و چون وفاتش نزدیک شد، فرمود: گواهانی نزد من آور، من چهار تن از قریش را که نافع غلام عبد الله بن عمر در میان آنها بود حاضر کردم، پس فرمود بنویس: اینست آنچه یعقوب به پسرانش وصیت کرد. «یا

بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (1) پسرانم! خدا برای شما این دین را برگزید، پس نمیرید جز اینکه مسلمان باشید و محمد بن علی به جعفر بن محمد وصیت کرد و به او امر فرمود که او را در بردی که نماز جمعه را با آن می خواند کفن پوشد، و با عمامه خودش او را عمامه پوشد و قیرش را چهار گوش سازد و به مقدار چهار انگشت بالا آورد و هنگام دفن بندهای کفن او را بگشاید: سپس به گواهان فرمود: برگردید خدا شما را رحمت کند بعد از آنکه رفتند گفتیم: ای پدر! در این وصیت چه احتیاجی به گواه گرفتن بود؟ فرمود: پسر جانم! نخواستم که تو (در امر امامت یا کارهای وصیت) مغلوب باشی و مردم بگویند به او وصیت نکرده است، خواستم که تو حجت و دلیل داشته باشی. (2)

أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْقَلَاءِ عَنِ الْفَيْضِ بْنِ الْمُخْتَارِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) خُذْ بِيَدِي مِنَ النَّارِ مَنْ لَنَا بَعْدَكَ فَدَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَهُوَ يَوْمئِذٍ غُلَامٌ فَقَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ فَتَمَسَّكَ بِهِ

فیض بن مختار گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: مرا از آتش دوزخ دستگیر، ما بعد از شما که را داریم؟ پس ابو ابراهیم (علیه السلام) بر آن حضرت وارد شد و او در آن روز کودک بود، امام (علیه السلام) (در حالی که به موسی بن جعفر اشاره می کرد فرمود:

ص: 703

1- [1] البقرة آية 132

2- [2] الكافي ج 1 ص 307 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ ح 8

اینست صاحب شما، دامش را بگیر. (1) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ ثُبَيْتِ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي رَزَقَ أَبَاكَ مِنْكَ هَذِهِ الْمَنْزِلَةَ أَنْ يَرْزُقَكَ مِنْ عَقَبِكَ قَبْلَ الْمَمَاتِ مِثْلَهَا فَقَالَ قَدْ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ مَنْ هُوَ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَشَارَ إِلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ وَهُوَ رَاقِدٌ فَقَالَ هَذَا الرَّاقِدُ وَهُوَ غُلَامٌ.

معاذ بن کثیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتیم: از خدائی که این مقام را به شما روزی کرده می خواهیم که تا پیش از وفات شما مانند آن را به نسل شما هم روزی کند. فرمود: خدا این کار را کرده است عرضه داشتیم: قربانت گردم، او کیست؟ اشاره به عبد الصالح کرد که خوابیده بود و فرمود: این خوابیده و او در آن زمان کودک بود. (2)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ الْأَرْجَانِيُّ الْفَارِسِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَبَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ فِي السَّنَةِ الَّتِي أَخَذَ فِيهَا أَبُو الْحَسَنِ الْمَاضِي (عليه السلام)

فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَدْ صَارَ فِي يَدِ هَذَا وَمَا نَدْرِي إِلَى مَا يَصِيرُ فَهَلْ بَلَغَكَ عَنْهُ فِي أَحَدٍ مِنْ وُلْدِهِ شَيْءٌ فَقَالَ لِي مَا ظَنَنْتُ أَنْ أَحَدًا يَسْأَلُنِي عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ دَخَلْتُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ فِي مَنْزِلِهِ فَإِذَا هُوَ فِي بَيْتٍ كَذَا فِي دَارِهِ فِي مَسْجِدٍ لَهُ وَهُوَ يَدْعُو وَعَلَى يَمِينِهِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عليه السلام)

يَوْمَئِذٍ عَلَى دُعَائِهِ فَقُلْتُ لَهُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَدْ عَرَفْتُ انْقِطَاعِي إِلَيْكَ وَخِدْمَتِي لَكَ فَمَنْ وَلِيُّ النَّاسِ بَعْدَكَ فَقَالَ إِنَّ مُوسَى قَدْ لَبَسَ الدَّرْعَ وَسَاوَى عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ لَا أَحْتَاجُ بَعْدَ هَذَا إِلَى شَيْءٍ.

ص: 704

1- [3] الكافي ج 1 ص 307 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ح 1

2- [1] الكافي ج 1 ص 308 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ح 2

ابن حجاج گوید: در سالی که ابو الحسن ماضی (علیه السلام) (امام هفتم) را گرفتند، به عبد الرحمن گفتیم: این مرد (امام کاظم) (علیه السلام) بدست این مرد (هارون) افتاد و نمی دانم عاقبت کارش به کجا انجامد آیا نسبت به یکی از اولادش بتو خبری رسیده است؟ به من گفت: من گمان نمی کردم کسی این مسأله را از من بپرسد، من به منزل جعفر بن محمد (علیه السلام) رفتم، او در فلان اتاق خانه در محل نمازش بود و دعا می کرد و موسی بن جعفر (علیه السلام) طرف راستش بود و آمین می گفت، به حضرت عرضه داشتیم: خدا مرا قربانت کند می دانید که من تنها به شما گرویده ام و در خدمت شما بوده ام، بفرمائید صاحب اختیار مردم بعد از شما کیست؟ فرمود: موسی (علیه السلام) آن زره را پوشید و به قامتش راست آمد، به حضرت عرضه داشتیم: بعد از این دیگر به چیزی احتیاج ندارم (همین سخن مرا کافیست). (1)

أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ مُوسَى الصَّبِيِّ قَالِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَدَخَلَ أَبُو إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَهُوَ غُلَامٌ فَقَالَ اسْتَوْصِ بِهِ وَصَنعَ أَمْرَهُ عِنْدَ مَنْ تَثِقُ بِهِ مِنْ أَصْحَابِكَ.

مفضل بن عمر گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که ابو ابراهیم (علیه السلام) (موسی بن جعفر) (علیه السلام) وارد شد و او جوانی بود. امام (علیه السلام) فرمود وصیت مرا در باره این بپذیر (و بدان که او امام است) و امر امامت را با هر کدام از اصحابت که مورد اطمینانست در میان گذار. (2)

أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي يَوْمًا فَسَأَلَهُ عَلِيُّ بْنُ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِلَى مَنْ تَفَرَّعُ وَيَفْرَعُ النَّاسُ بَعْدَكَ فَقَالَ إِلَى صَاحِبِ الثَّوَيْنِ الْأَصْدَقَيْنِ وَالْغَدِيرَتَيْنِ يَعْنِي الذُّؤَابَتَيْنِ وَهُوَ الطَّلِيحُ عَلَيْكَ مِنْ هَذَا الْبَابِ يَفْتَحُ

ص: 705

1- [1] الكافي ج 1 ص 308 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ح 3

2- [2] الكافي ج 1 ص 308 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ح 4

الْبَائِنِ بِيَدِهِ جَمِيعاً فَمَا لَبِثْنَا أَنْ طَلَعَتْ عَلَيْنَا كَفَّانِ آخِذَةً بِالْبَائِنِ فَفَتَحَهُمَا ثُمَّ دَخَلَ عَلَيْنَا أَبُو إِبْرَاهِيمَ.

اسحاق بن جعفر گوید: روزی خدمت پدرم بودم که علی بن عمر بن علی از پدرم پرسید و گفت: قربانت گردم، ما و مردم، بعد از شما به که پناه بریم؟ فرمود: به کسی که دو جامه زرد پوشیده و دو گیسو دارد و اکنون از این در بر تو در آید و هر دو لنگه در را با دو دست خود باز کند، چیزی نگذشت که دیدیم دو دست که دو لنگهدر را گرفته و آنها را گشود، ظاهر گشت، سپس ابو ابراهیم (علیه السلام) بر ما وارد شد.

(1)

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: قَالَ لَهُ مَنْصُورُ بْنُ حَازِمٍ يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي إِنَّ الْأَنْفُسَ يُعَدَى عَلَيْهَا وَيُرَاحُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَمَنْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَهُوَ صَاحِبُكُمْ وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكَبِ أَبِي الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام)

الْأَيْمَنِ فِي مَا أَعْلَمُ وَهُوَ يَوْمَئِذٍ خُمَاسِيٌّ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ جَالِسٌ مَعَنَا.

صفوان جمال گوید: منصور بن حازم به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: پدر و مادرم به قربانت مرگ در هر صبح و شام به سراغ جان ها می آید، اگر چنین شد، امام کیست؟ حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: اگر چنین شد اینست امام شما و با دست به شانه ابو الحسن (علیه السلام) که فکر می کنم شانه راست بود و او در آن وقت پنج ساله بود [قدش پنج و جب بود] و عبد الله بن جعفر (افطح امام طایفه فطحیه) با ما در آن مجلس نشسته بود (با وجود آنکه از پدرش چنین سخنی شنید، بعد از وفات پدر مخالفت کرد و دعوی امامت نمود). (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنْ أَبِي عَبْدِ

ص: 706

1- [1] الكافي ج 1 ص 308 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ح 5

2- [2] الكافي ج 1 ص 309 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ح 6

اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنْ كَانَ كَوْنٌ وَلَا أَرَانِي اللَّهَ ذَلِكَ فَبِمَنْ أَنْتُمْ قَالَ فَأَوْمَأَ إِلَى ابْنِهِ مُوسَى (عليه السلام) قُلْتُ فَإِنْ حَدَّثَ بِمُوسَى حَدَّثَ فَبِمَنْ أَنْتُمْ قَالَ بِوَلَدِهِ قُلْتُ فَإِنْ حَدَّثَ بِوَلَدِهِ حَدَّثَ وَتَرَكَ أَخًا كَبِيرًا وَابْنًا صَغِيرًا فَبِمَنْ أَنْتُمْ قَالَ بِوَلَدِهِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا أَبَدًا قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أَعْرِفْهُ وَلَا أَعْرِفْ مُؤَيِّدَهُ قَالَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَلَّى مَنْ بَقِيَ مِنْ حُجَجِكَ مِنْ وُلْدِ الْإِمَامِ الْمَاضِي فَإِنَّ ذَلِكَ يُجْزِيكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. عيسى بن عبد الله گوید: به امام صادق (عليه السلام) عرضه داشتیم: اگر پیش آمدی کند که خدا آن را به من ننماید (یعنی اگر خدای ناخواسته شما وفات کنید) من به که اقتدا کنم؟ حضرت اشاره به پسرش موسی (عليه السلام) کرد. عرضه داشتیم: اگر برای موسی (عليه السلام) پیش آمدی کند، به که اقتدا کنم؟ فرمود: به فرزندش، عرضه داشتیم: اگر برای فرزندش پیش آمدی کند و برادر بزرگتر و پسر کوچکتری از خود باقی گذارد، به که اقتدا کنم؟ فرمود: به فرزندش، سپس فرمود: همچنین همیشه عرضه داشتیم: اگر امام (عليه السلام) را نشناختم و جای او را ندانستم چه کنم؟ فرمود: می گوئی خدایا! من پیرو و دوستدار آن حجت زنده تو هستم که از فرزندان امام (عليه السلام) گذشته است، همین تو را کافست ان شاء الله (1)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِشْمِيِّ عَنِ فَيْضِ بْنِ الْمُخْتَارِ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ فِي أَمْرِ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) حَتَّى قَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) هُوَ صَاحِبُكَ الَّذِي سَأَلْتَ عَنْهُ فَقُمْ إِلَيْهِ فَأَقْرَأْ لَهُ بِحَقِّهِ فَقُمْتُ حَتَّى قَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ يَدَهُ وَ دَعَوْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَمَا إِنَّهُ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي أَوَّلِ مِنْكَ قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَأُخْبِرُ بِهِ أَحَدًا فَقَالَ نَعَمْ أَهْلَكَ وَ وُلْدَكَ وَ كَانَ مَعِيَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ

ص: 707

رُفَقَائِي وَكَانَ يُؤُسُّ بِنِ ظَبْيَانَ مِنْ رُفَقَائِي فَلَمَّا أَخْبَرْتُهُمْ حَمِدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَقَالَ يُؤُسُّ لَا وَاللَّهِ حَتَّى أَسْمَعَ ذَلِكَ مِنْهُ وَكَانَتْ بِهِ عَجَلَةٌ فَخَرَجَ فَاتَّبَعْتُهُ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى الْبَابِ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ لَهُ وَقَدْ سَبَقَنِي إِلَيْهِ يَا يُؤُسُّ الْأَمْرُ كَمَا قَالَ لَكَ فَيُضُّ قَالَ فَقَالَ سَمِعْتُ وَأَطَعْتُ فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) خُذْهُ إِلَيْكَ يَا فَيُضُّ.

فیض بن مختار در ضمن حدیثی طولانی که راجع به امر امامت ابو الحسن (علیه السلام) است به اینجا می رسد که امام صادق (علیه السلام) ب او فرمود: اینست همان صاحب اختیار تو که در باره او پرسیدی، نزد او برو و به حقش اعتراف کن، من برخاستم و سر و دستش بوسه دادم و به درگاه خدای عز و جل برای او دعا کردم. امام صادق (علیه السلام) فرمود: آگاه باش که خدا اظهار این مطلب را به کسی پیش از تو به ما اجازه نفرموده است، عرضه داشتیم: قربانت گردم، من به دیگری این خبر را باز گویم؟ فرمود: آری، به اهل و اولادت، و در آنجا اهل و اولاد و رفقایم همراه من بودند و یونس بن ظبیان از جمله رفقایم بود، چون من به آنها این خبر گفتم، ایشان خدای عز و جل را شکرگزاری کردند ولی یونس گفت: نه. به خدا، نمی پذیرم تا از خود امام بشنوم و عجله هم داشت از نزد ما بیرون رفت و من هم پشت سرش رفتم، وقتی به در خانه حضرت صادق (علیه السلام) رسیدم، چون یونس پیش از من آنجا رسیده بود، شنیدم حضرت به او میفرماید: ای یونس! مطلب چنانست که فیض به تو گفت، یونس گفت: شنیدم و اطاعت کردم، و امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای فیض! یونس را همراه خود داشته باش. (زیرا چندان اعتمادی به او نیست). (1)

ص: 708

1- [1] الكافي ج 1 ص 309 بَابُ الْإِسَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ح 9

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسَّكَانَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) يَوْمَآ وَنَحْنُ عِنْدَهُ فَقَالَ لَنَا عَلَيْكُمْ بِهَذَا فَهُوَ وَاللَّهِ صَاحِبُكُمْ بَعْدِي.

سليمان بن خالد گوید: روزی امام صادق (عليه السلام) ابا الحسن (عليه السلام) را نزد خود خواند و ما هم نزد آن حضرت بودیم، به ما فرمود: ملازم این آقا باشید که او به خدا پس از من صاحب شماست. (1)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نَعِيمٍ الصَّحَافِ قَالَ: كُنْتُ أَذْأَ وَهَشَامُ بْنُ الْحَكَمِ وَعَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ بِبَغْدَادَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ كُنْتُ عِنْدَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ جَالِسًا فَدَخَلَ عَلَيْهِ ابْنُهُ عَلِيُّ فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ هَذَا عَلِيُّ سَيِّدُ وُلْدِي أَمَا إِنِّي قَدْ نَحَلْتُهُ كُنْيَتِي فَصَرَّ رَبَّ هَشَامُ بْنُ الْحَكَمِ بِرَأْسِهِ جَبْهَتَهُ ثُمَّ قَالَ وَيْحَكَ كَيْفَ قُلْتَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ سَمِعْتُ وَاللَّهِ مِنْهُ كَمَا قُلْتَ فَقَالَ هَشَامُ أَخْبَرَكَ أَنَّ الْأَمْرَ فِيهِ مِنْ بَعْدِهِ.

من و هشام بن حکم و علی بن یقطین در بغداد بودیم، علی بن یقطین گفت: خدمت موسی بن جعفر (عليه السلام) نشسته بودم که پسرش علی وارد شد، امام (عليه السلام) فرمود: علی بن یقطین! همین علی سرور اولاد من است، همانا من کنیه خودم را (که ابو الحسن است) به او بخشیده ام. هشام کف دست خود را به پیشانیش زد و گفت: وای بر تو چه گفتی؟! ابن یقطین گفت: به خدا همین طور که گفتم از او شنیدم. هشام گفت: با این سخن به تو خبر داده که امر امامت پس از وی به او متعلق است. (2)

ص: 709

1- [2]. الكافي ج 1 ص 310 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ح 12

2- [1]. الكافي ج 1 ص 311 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ح 1

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ نُعَيْمِ الْقَابُوسِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ ابْنِي عَلِيًّا أَكْبَرُ وُلْدِي وَ أَبْرَهُمْ عِنْدِي وَ أَحَبُّهُمْ إِلَيَّ وَ هُوَ يَنْظُرُ مَعِيَ فِي الْجَفْرِ وَ لَمْ يَنْظُرْ فِيهِ إِلَّا نَبِيًّا أَوْ وَصِيًّا نَبِيًّا.

نعيم قابوسی گوید: موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: همانا علی (علیه السلام) بزرگترین اولاد من است و خوش رفتارترین و محبوب ترین آنهاست نزد من، و او با من در جفر می نگرد، در صورتی که جز پیغمبر یا وصی پیغمبر در آن نمی نگرد. (1)

أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ وَ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبَّادٍ الْقَصْرِيِّ جَمِيعاً عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام)

جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي قَدْ كَبِرَ سِنِّي فَخُذْ بِيَدِي مِنَ النَّارِ قَالَ فَأَشَارَ إِلَى ابْنِهِ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) فَقَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي. داود رقی گوید: به موسی بن جعفر (علیه السلام) عرضه داشتم: قربانت گردم، من پیر شده ام، مرا از دوزخ رهائی بخش (امامم را به من بنما) حضرت با دست اشاره به پسرش ابو الحسن (علیه السلام) نمود و فرمود: این پس از من صاحب شماست. (2)

الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَ لَا تَدُلَّنِي إِلَى مَنْ أَخَذَ عَنْهُ دِينِي فَقَالَ هَذَا ابْنِي عَلِيٌّ إِنَّ أَبِي أَخَذَ بِيَدِي فَأَدْخَلَنِي إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فَقَالَ يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ «إِنِّي

جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا قَالَ قَوْلًا وَفَى بِهِ.

اسحاق بن عمار گوید: به موسی بن جعفر (علیه السلام) عرضه داشتم: مرا به کسی که دینم را از او بدست آورم رهنمائی فرما، فرمود: همین پسر من علی است، همانا پدرم

ص: 710

1- [2]. الكافي ج 1 ص 311 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ح 2

2- [1]. الكافي ج 1 ص 312 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ح 3

دست مرا گرفت و به سوی قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برد و فرمود: پسر عزیزم: خدای عز و جل فرمود «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (1) همانا من در زمین خلیفه گذارم و چون خدا چیزی فرماید به آن وفا کند. (پس هیچ گاه روی زمین خالی از خلیفه و حجت نباشد). (2)

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّؤْلُؤِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَمْرٍو عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (عليه السلام) إِنِّي قَدْ كَبُرْتُ سِدِّي وَ ذَقُّ عَظْمِي وَ إِنِّي سَأَلْتُ أَبَاكَ فَأَخْبَرَنِي بِكَ فَأَخْبَرَنِي مَنْ بَعَدَكَ فَقَالَ هَذَا أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام).

داود رقی گوید: به موسی بن جعفر (علیه السلام) عرضه داشتم: سن من بالا رفته و استخوانم به نرمی گرائیده (به مرگ نزدیک شده ام من از پدر شما پرسیدم، مراه شما ارجاع داد، شما هم مرا از جانشین خود آگاه سازید، فرمود: همین ابوالحسن الرضا (علیه السلام). (3)

أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَدَّادِيِّ وَ كَانَ مِنَ الْوَاقِفَةِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي إِبْرَاهِيمَ وَ عَدَدَهُ ابْنُهُ أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) فَقَالَ لِي يَا زِيَادُ هَذَا ابْنِي فَلَانَ كِتَابُهُ كِتَابِي وَ كَلَامُهُ كَلَامِي وَ رَسُولُهُ رَسُولِي وَ مَا قَالَ فَالْقَوْلُ قَوْلُهُ.

زیاد بن مروان قندی که از واقفیه بوده گوید: خدمت موسی بن جعفر (علیه السلام) رسیدم، پسرش ابو الحسن (علیه السلام) نزد او بود، به من فرمود: ای زیاد: این پسرم فلانیست، نامه او نامه منست، سخن او سخن منست، فرستاده او فرستاده منست و هر چه گوید درست است. (4)

أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ حَدَّثَنِي الْمَخْزُومِيُّ وَ كَانَتْ أُمُّهُ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: بَعَثَ إِلَيْنَا أَبُو

ص: 711

1- [2] البقرة آية 30

2- [3] الكافي ج 1 ص 312 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ح 4

3- [1] الكافي ج 1 ص 312 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ح 5

4- [2] الكافي ج 1 ص 312 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ح 6

الْحَسَنِ مُوسَى (عليه السلام) فَجَمَعَنَا ثُمَّ قَالَ لَنَا أَتَدْرُونَ لِمَ دَعَوْتُمْ فَقُلْنَا لَا فَقَالَ اللَّهُ هَدُوا أَنْ أُنْبِي هَذَا وَصِيِّي وَالْقِيَمُ بِأَمْرِي وَخَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي مَنْ كَانَ لَهُ عِنْدِي دَيْنٌ فَلْيَأْخُذْهُ مِنْ ابْنِي هَذَا وَمَنْ كَانَتْ لَهُ عِنْدِي عِدَّةٌ فَلْيُنْجِزْهَا مِنْهُ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ بُدٌّ مِنْ لِقَائِي فَلَا يَلْقَنِي إِلَّا بَكْتَابِهِ.

مخزومی که مادرش از اولاد جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) است گوید: موسی بن جعفر (علیه السلام) (پیش از زندان رفتنش) دنبال ما فرستاد و ما را جمع کرد و فرمود: می دانید شما را برای چه دعوت کردم؟ گفتیم: نه، فرمود: گواه باشید که این پسر من است و پس از من خلیفه و کاردار منست. هر که از من طلبی دارد. از این پسر بگیرد، و به هر که وعده ای داده ام، باید وفای آن را از او خواهد، و هر که از ملاقات من ناگزیر است، جز به وسیله نامه او مرا ملاقات نکند. (1) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُخْتَارِ قَالَ: خَرَجَ إِلَيْنَا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ عِ بِالْبَصْرَةِ أَلْوَاخٌ مَكْتُوبٌ فِيهَا بِالْعَرَضِ عَهْدِي إِلَى أَكْبَرَ وُلْدِي يُعْطَى فُلَانٌ كَذَا وَفُلَانٌ كَذَا وَفُلَانٌ كَذَا وَفُلَانٌ لَا يُعْطَى حَتَّى أَجِيءَ أَوْ يَقْضِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ الْمَوْتَ «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ»

حسین بن مختار گوید: زمانی که موسی بن جعفر (علیه السلام) در بصره بود، الواحی که از طرف عرض نوشته شده بود، از آن حضرت به ما می رسد که: دستور من به پسر بزرگترم اینست که به فلانی این مقدار بدهد و به فلانی آن مقدار و به دیگری آن مقدار و به فلانی چیزی ندهد تا خودم بیایم یا خدای عز و جل مرگ مرا برساند «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (2) همانا خدا هر چه خواهد می کند. (3)

ص: 712

1- [3] الكافي ج 1 ص 312 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ح 7

2- [1] الحج آية 18

3- [2] الكافي ج 1 ص 313 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ح 9

أَحْمَدُ بْنُ مَهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ مُحَرَّرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ مِنَ الْحَبْسِ أَنَّ فُلَانًا ابْنِي سَيِّدٌ وُلْدِي وَقَدْ نَحَلْتُهُ كُنْيَتِي.

علی بن یقطین گوید: موسی بن جعفر (علیه السلام) از زندان به من نوشت که فلانی پسر من است، آقا و سرور فرزندان منست، من کنیه خودم را به او بخشیده ام. (1)

أَحْمَدُ بْنُ مَهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِي عَلِيٍّ الْخَزَّازِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سَلَيْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَحْدُثَ حَدَثٌ وَلَا أَلْقَاكَ فَأَخْبِرْنِي مِنَ الْإِمَامِ بَعْدَكَ فَقَالَ ابْنِي فُلَانٌ يَعْنِي أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام).

داود بن سلیمان گوید: به موسی بن جعفر (علیه السلام) عرضه داشتیم: می ترسم پیش آمدی کند و من شما را نبینم بفرمائید: امام بعد از شما کیست؟ فرمود: فلان پسر من، یعنی ابو الحسن (علیه السلام). (2) أَحْمَدُ بْنُ مَهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي الْجَهْمِ عَنِ النَّصْرِ بْنِ قَابُوسَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) إِنِّي سَأَلْتُ أَبَاكَ مِنَ الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِكَ فَأَخْبَرَنِي أَنَّكَ أَنْتَ هُوَ فَلَمَّا تُوْفِّيَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ذَهَبَ النَّاسُ يَمِينًا وَشِمَالًا وَقُلْتُ فِيكَ أَنَا وَأَصْحَابِي فَأَخْبِرْنِي مِنَ الَّذِي يَكُونُ مِنْ بَعْدِكَ مِنْ وُلْدِكَ فَقَالَ ابْنِي فُلَانٌ.

نصر بن قابوس گوید: به موسی بن جعفر (علیه السلام) عرضه داشتیم: من از پدر شما پرسیدم که جانشین شما کیست؟ پدرت به من فرمود که جانشین او شماست. چون امام صادق (علیه السلام) وفات کرد، مردم به راست و چپ گزیدند ولی من و اصحابم به شما معتقد شدیم، اکنون بفرمائید، کدام یک از پسران شما جانشین شما است؟ فرمود: فلان

ص: 713

1- [3]. الكافي ج 1 ص 313 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ح 10

2- [4]. الكافي ج 1 ص 313 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ح 11

أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الصَّحَّاحِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ زُرَيْبٍ قَالَ: جِئْتُ إِلَى أَبِي إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِمَالٍ فَأَخَذَ بَعْضَهُ وَ تَرَكَ بَعْضَهُ فَقُلْتُ أَصَحَّحَكَ اللَّهُ لِأَيِّ شَيْءٍ تَرَكَتَهُ عِنْدِي قَالَ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ يَطْلُبُهُ مِنْكَ فَلَمَّا جَاءَنَا نَعِيَهُ بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) ابْنَهُ فَسَأَلَنِي ذَلِكَ الْمَالَ فَدَفَعْتُهُ إِلَيْهِ.

داود بن زریبی: مالی خدمت موسیٰ بن جعفر (علیه السلام) آوردم، قدری را برداشت و قدری را گذاشت عرضه داشتیم: اصلحک الله چرا نزد من گذاشتی؟ فرمود: آن را صاحب امر از تو مطالبه خواهد کرد، چون خبر وفات آن حضرت رسید، پرسش ابوالحسن (علیه السلام) نزد من فرستاد و آن مال را مطالبه کرد، من هم به او تحویل دادم. (2) مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَرْزُبَانَ عَنِ ابْنِ سِنَانَ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَام) مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَدَمَّ الْعِرَاقَ بِسَنَةِ وَعَلِيٍّ ابْنُهُ جَالِسٌ بَيْنَ يَدَيْهِ فَتَنَظَرَ إِلَيَّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَمَا إِنَّهُ سَيَكُونُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ حَرَكَةٌ فَلَا تَجْزِعْ لِذَلِكَ قَالَ قُلْتُ وَمَا يَكُونُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَدْ أَقْلَقَنِي مَا ذَكَرْتَ فَقَالَ أَصْبِرْ إِلَى الطَّاعِيَةِ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْدَأُنِي مِنْهُ سُوءٌ وَمَنْ الَّذِي يَكُونُ بَعْدَهُ قَالَ قُلْتُ وَمَا يَكُونُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ «يُضِلُّ اللَّهُ الطَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» قَالَ قُلْتُ وَمَا ذَاكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ مَنْ ظَلَمَ ابْنِي هَذَا حَقَّهُ وَجَحَدَ إِمَامَتَهُ مِنْ بَعْدِي كَانَ كَمَنْ ظَلَمَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) حَقَّهُ وَجَحَدَهُ إِمَامَتَهُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ قُلْتُ وَاللَّهِ لَئِنْ مَدَّ اللَّهُ لِي فِي الْعُمُرِ لَأَسْأَلَنَّ لَهُ حَقَّهُ وَلاَ أُفَرِّقَنَّ لَهُ بِإِمَامَتِهِ قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمُرِكَ وَتُسَلِّمُ لَهُ حَقَّهُ وَتُقَرُّ لَهُ بِإِمَامَتِهِ وَ إِمَامَةٌ مَنْ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ قَالَ قُلْتُ وَمَنْ ذَاكَ قَالَ

1- [1] الكافي ج 1 ص 313 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ح 12

2- [2] الكافي ج 1 ص 313 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ح 13

محمد بن سنان گوید: يك سال پیش از آنکه موسی بن جعفر (علیه السلام) به عراق آید خدمتش رسیدم پسرش علی (علیه السلام) برابرش نشسته بود، حضرت به من نگریست و فرمود: ای محمد! در این سال جنبشی (مسافرتی) پیش آید، به خاطر آن بیتابی مکن، عرضه داشتم: قربانت گردم، چه پیش آمدی می کند؟ سخن شما مرا پریشان کرد، فرمود: من بسوی آن طغیانگر (مهدی عباسی) می روم، ولی آگاه باش که از خود او و از کسی که بعد از اوست (هادی) بدی به من نمی رسد. عرضه داشتم: قربانت گردم، سپس چه می شود؟ فرمودند «يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»⁽¹⁾ خدا ستمگران را گمراه کند و خدا آنچه خواهد می کند (اشاره به مسموم شدن آن حضرت به دست هارون است) عرضه داشتم: قربانت، مطلب چیست؟ فرمود: هر که در حق این پسر ستم کند و امامتش را پس از من انکار نماید (چون طایفه واقفیه)، مانند کسی است که در حق علی بن ابی طالب (علیه السلام) ستم کرده و امامت او را پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انکار نموده است، عرضه داشتم: به خدا! کهاگر خدا به من عمری دهد حق او را تسلیمش کنم و به امامتش اقرار ورزم، فرمود: راست گفتی، ای محمد! خدا به تو عمر می دهد و تو هم حق او را تسلیمش می کنی و به امامت او و آنکه بعد از اوست اقرار می کنی، عرضه داشتم، بعد از او کیست؟ فرمود: پسرش محمد. عرضه داشتم: نسبت به او هم راضی و تسلیمم⁽²⁾

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يَحْيَى بْنِ حَبِيبٍ الزِّيَّاتِ قَالَ: أَخْبَرَنِي مَنْ كَانَ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) جَالِسًا فَلَمَّا نَهَضُوا قَالَ لَهُمُ الْقَوَا أبا جَعْفَرٍ (علیه السلام) فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ وَأَحْدَثُوا بِهِ عَهْدًا فَلَمَّا نَهَضَ الْقَوْمُ التَّفَّتْ إِلَيَّ فَقَالَ يَرْحَمُ اللَّهُ الْمُفْضِلَ إِنَّهُ كَانَ لَيَقْنَعُ بِدُونِ هَذَا.

ص: 715

1- [1] ابراهیم آیه 27

2- [1] الكافي ج 1 ص 319 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ح 16

یحیی بن حبیب گوید: کسی که (همراه رفقایش) خدمت امام رضا(علیه السلام) نشست، به من خبر داد که چون همه از مجلس برخاستند حضرت به آنها فرمود: ابا جعفر (امام محمد تقی(علیه السلام)) را ملاقات کنید و به او سلام دهید و با او تجدید عهد کنید، چون آنها برخاستند، به من متوجه شد و فرمود: خدا رحمت کند مفضل را که به کمتر از این هم قناعت می کرد. (1)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَذَكَرَ شَيْئًا فَقَالَ مَا حَاجْتُكُمْ إِلَيَّ ذَلِكَ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَدْ أَجْلَسْتُهُ مَجْلِسِي وَصَيَّرْتُهُ مَكَانِي وَ قَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ يَتَوَارَثُ أَصَاغِرْنَا عَنْ أَكَابِرِنَا الْفُدَّةَ بِالْفُدَّةِ.

معمر بن خلاد گوید: از امام رضا(علیه السلام) شنیدم که مطلبی (راجع به امر امامت) گفت و سپس فرمود: شما چه احتیاجی به این موضوع دارید؟ این ابو جعفر است که او را به جای خود نشانیده و قائم مقام خود ساخته ام، ما خاندانی هستیم که خردسالانمان مو به مواز بزرگسالان ارث می برند. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَنَاطَرَنِي فِي أَشْيَاءَ ثُمَّ قَالَ لِي يَا أَبَا عَلِيٍّ ازْتَعَّ الشُّكُّ مَا لِأَبِي غَيْرِي.

محمد بن عیسی گوید: خدمت حضرت ابی جعفر ثانی(علیه السلام) (امام نهم) رسیدم و در باره موضوعاتی با من مناظره کرد، سپس فرمود: ای ابا علی! شك و تردید از میان برفت.

پدرم جز من فرزندی ندارد (اگر پدر من هم مانند امامان سابق پسران

متعدد می داشت ممکن بود، نسبت به تعیین امام از میان آنها شکی پدید آید). (3)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَالِكِ بْنِ أَشِيمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ قَالَ: كَتَبَ ابْنُ قِيَامًا إِلَى أَبِي الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) كِتَابًا يَقُولُ

ص: 716

- 1- [2]. الكافي ج 1 ص 320 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع ح 1
- 2- [1]. الكافي ج 1 ص 320 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع ح 2
- 3- [2]. الكافي ج 1 ص 320 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع ح 3

فِيهِ كَيْفَ تَكُونُ إِمَامًا وَ لَيْسَ لَكَ وَلَدٌ فَأَجَابَهُ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) شَيْبَةَ الْمُغْضَبِ وَ مَا عَلَّمَكَ أَنَّهُ لَا يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَ اللَّهُ لَا تَمْضِي الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يَرْزُقَنِي اللَّهُ وَلَدًا ذَكَرًا يَفْرُقُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ.

حسین بن بشار گوید: ابن قیاما (واقفی مذهب) در نامه ای که به امام رضا (علیه السلام) نوشته می گوید: شما چگونه امامی هستید که فرزند ندارید؟! حضرت رضا (علیه السلام) مانند شخص خشمگین به او جواب داد، تو از کجا می دانی که من فرزند نخواهم داشت؟! به خدا که شب و روز نگذرد جز اینکه خدا به من پسری عنایت کند که به سبب او میان حق و باطل را فیصل دهد. (1) بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قَالَ لِي ابْنُ النَّجَّاشِيِّ مِنَ الْإِمَامِ بَعْدَ صَاحِبِكَ فَأَشَدَّ تَهِييَ أَنْ تَسْأَلَهُ حَتَّى أَعْلَمَ فَدَخَلْتُ عَلَى الرِّضَا (عليه السلام)

فَأَخْبَرْتُهُ قَالَ فَقَالَ لِي الْإِمَامُ ابْنِي ثُمَّ قَالَ هَلْ يَتَجَرَّأُ أَحَدٌ أَنْ يَقُولَ ابْنِي وَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ.

ابن ابی نصر گوید: ابن نجاشی به من گفت: امام بعد از امام تو کیست؟ من دلم می خواهد از خود او پرسى تا بفهمم، من خدمت امام رضا (علیه السلام) رسیدم و گزارش دادم. حضرت فرمودند: امام پسر من است سپس فرمود: آیا کسی می تواند بگوید پسر

من؟ در صورتی که اولادی نداشته باشد. (2)

أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: ذَكَرْنَا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) شَيْئًا بَعْدَ مَا وُلِدَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَقَالَ مَا حَاجَّتْكُمْ إِلَى ذَلِكَ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَدْ أَجْلَسْتُهُ مَجْلِسِي وَ صَيَّرْتُهُ فِي مَكَانِي.

ص: 717

1- [3] الكافي ج 1 ص 320 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع ح 4

2- [1] الكافي ج 1 ص 320 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع ح 5

معمر بن خلاد گوید: پس از ولادت ابی جعفر (علیه السلام) خدمت حضرت امام رضا (علیه السلام) موضوعی مذاکره شد. حضرت فرمود: شما چه احتیاجی به این مطلب دارید، این ابو جعفر است که او را در جای خود نشانیده و قائم مقام خود کرده ام. (1)

أَحْمَدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ قِيَامَا الْوَاسِطِيِّ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (علیه السلام) فَقُلْتُ لَهُ أَيْكُونُ إِمَامًا إِنْ قَالَ لَا إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا صَامِتٌ فَقُلْتُ لَهُ هُوَ ذَا أَنْتَ لَيْسَ لَكَ صَامِتٌ وَ لَمْ يَكُنْ وُلْدَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) بَعْدُ فَقَالَ لِي وَ اللَّهُ لِيَجْعَلَنَّ اللَّهُ مِنِّي مَا يُثَبِّتُ بِهِ الْحَقَّ وَ أَهْلَهُ وَ يَمْحَقُ بِهِ الْبَاطِلَ وَ أَهْلَهُ فَوُلْدَ لَهُ بَعْدَ

سَنَةِ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) وَ كَانَ ابْنُ قِيَامَا وَاقِفِيًّا. ابن قیامای واسطی، گوید: خدمت علی بن موسی (علیه السلام) رسیدم و عرضه داشتم: ممکن است (در یکزمان) دو امام وجود داشته باشد؟ فرمود: نه، مگر اینکه یکی از آنها ساکت باشد (مانند امام حسین (علیه السلام) که در زمان حیات امام حسن (علیه السلام) ساکت نشسته بود) عرضه داشتم: اینک شما امام ساکتی همراه ندارید (تا جانشین و امام بعد از شما باشد) و در آن زمان هنوز ابو جعفر (علیه السلام) برای او متولد نشده بود حضرت به من فرمود: به خدا سوگند که خدا از من فرزندی بوجود می آورد که به وسیله او حق و اهل حق را ثابت کند و باطل و اهل باطل را از میان ببرد، پس بعد از یک سال ابو جعفر (علیه السلام) متولد شد و ابن قیاما (راوی این حدیث) واقفی مذهب بوده است. (2)

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِي يَحْيَى الصَّنْعَانِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) فَجِيءَ بِابْنِهِ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) وَ هُوَ صَغِيرٌ فَقَالَ هَذَا الْمُؤَلُّودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ.

ص: 718

1- [2] الكافي ج 1 ص 321 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع 6 ح

2- [1] الكافي ج 1 ص 321 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع 7 ح

صنعانی گوید: خدمت امام رضا(علیه السلام) بودم که پسر کودکش ابی جعفر(علیه السلام) را آوردند فرمود: این همان مولودی است که مولودی پر برکت تر از او نسبت به شیعیان ما متولد نشده است. (1)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا (عليه السلام) قَدْ كُنَّا نَسْأَلُكَ قَبْلَ أَنْ يَهَبَ اللَّهُ لَكَ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَكُنْتَ تَقُولُ يَهَبُ اللَّهُ لِي غُلَامًا فَقَدْ وَهَبَهُ اللَّهُ لَكَ فَأَقَرَّ عُيُونَنَا فَلَا أَرَانَا اللَّهُ يَوْمَكَ فَإِنْ كَانَ كَوْنُ فِإِلَى مَنْ فَأَنْشَارَ يَدَيْهِ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَهُوَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ هَذَا ابْنُ ثَلَاثِ سِنِينَ فَقَالَ وَ مَا يَضُرُّهُ مِنْ ذَلِكَ فَقَدْ قَامَ عَيْسَى (عليه السلام) بِالْحُجَّةِ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثِ سِنِينَ. صفوان بن يحيى گوید: به امام رضا(علیه السلام) عرضه داشتیم: پیش از آنکه خدا ابی جعفر(علیه السلام) را به شما ببخشد (در باره جانشینتان) از شما می پرسیدیم، و شما می فرمودید: خدا به من پسری عنایت می کند اکنون او را به شما عنایت کرد و چشم ما را روشن کرد، اگر خدای ناخواسته برای شما پیش آمدی کند، به که بگرویم؟ حضرت با دست اشاره به ابی جعفر(علیه السلام) فرمود که در برابرش ایستاده بود، عرضه داشتیم: قربانت این پسری سه ساله است!! فرمود: چه مانعی دارد؟ عیسی(علیه السلام) سه ساله بود [سه سال داشت] که به حجت قیام کرد. (2)

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمَهْ وَرٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: سَمِعْتُ إِسْمَاعِيلَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ يَقُولُ لِلرِّضَا (عليه السلام) إِنَّ ابْنِي فِي لِسَانِهِ ثِقْلٌ فَأَنَا أَبْعَثُ بِهِ إِلَيْكَ غَدًا تَمْسَحُ عَلَيَّ رَأْسِهِ وَ تَدْعُو لَهُ فَإِنَّهُ مَوْلَاكَ فَقَالَ هُوَ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَابْعَثْ بِهِ غَدًا إِلَيْهِ.

ص: 719

-
- 1- [2]. الكافي ج 1 ص 321 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع ح 9
2- [1]. الكافي ج 1 ص 321 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع ح 10

معمر بن خلاد گوید: شنیدم اسماعیل بن ابراهیم به امام رضا(علیه السلام) می گفت: زبان پسر من لکنت و سنگینی دارد، فردا او را خدمت شما می فرستم تا دست به سرش بکشی و برای او دعا کنی که او غلام شماسست، فرمود: او غلام ابی جعفر(علیه السلام) است، او را فردا نزد وی فرست. (1)

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلَادِ الصَّيْقَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَالِسًا بِالْمَدِينَةِ وَكُنْتُ أَقْمْتُ عِزَّهُ سَنَتَيْنِ أَكْتُبُ عَنْهُ مَا يَسْمَعُ مِنْ أَخِيهِ يَعْنِي أَبَا الْحَسَنِ (علیه السلام) إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو جَعْفَرِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرِّضَا (علیه السلام) الْمَسْجِدَ مَسْجِدَ الرَّسُولِ (صلي الله عليه وآله)

فَوَثَبَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ بِلَا حِذَاءٍ وَلَا رِدَاءٍ فَقَبَّلَ يَدَهُ وَعَظَّمَهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) يَا عَمَّ اجْلِسْ رَحِمَكَ اللَّهُ فَقَالَ يَا سَيِّدِي كَيْفَ اجْلِسُ وَأَنْتَ قَائِمٌ فَلَمَّا رَجَعَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ إِلَى مَجْلِسِهِ جَعَلَ اصْحَابُهُ يُؤَبِّخُونَهُ وَيَقُولُونَ أَنْتَ عَمُّ أَبِيهِ وَأَنْتَ تَفْعَلُ بِهِ هَذَا الْفِعْلَ فَقَالَ اسْكُتُوا إِذَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَقَبَضَ عَلَى لِحْيَتِهِ لَمْ يُؤْهِلْ هَذِهِ الشَّيْبَةَ وَأَهْلَ هَذَا الْفَتَى وَوَضَعَهُ حَيْثُ وَضَعَهُ أَنْكَرُ فَضْلُهُ نَعُودُ بِاللَّهِ مِمَّا تَقُولُونَ بَلْ أَنَا لَهُ عَبْدٌ.

محمد بن حسن بن عمار گوید: من دو سال نزد علی بن جعفر بن محمد (عموی امام رضا(علیه السلام)) بودم و هر خبری که او از برادرش موسی بن جعفر(علیه السلام) شنیده بود، مینوشتم، روزی در مدینه خدمتش نشسته بودم که ابو جعفر محمد بن علی الرضا(علیه السلام) در مسجد رسول خدا(صلي الله عليه وآله) بر او وارد شد. علی بن جعفر برجست و بدون کفش و عبا نزد او رفت و دستش را بوسید و احترامش کرد، ابو جعفر(علیه السلام) به او فرمود: ای عمو! بنشین، خدایت رحمت کند، او گفت: آقای من! چگونه من بنشینم و تو ایستاده باشی؟! چون علی بن جعفر به مسند خود برگشت، اصحابش او را سرزنش

ص: 720

1- [2]. الكافي ج 1 ص 321 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع ح 11

کرده، می گفتند: شما عموی پدر او هستید و با او این گونه رفتار می کنید؟! او دست بریش خود گرفت و گفت: خاموش باشید، اگر خدای عز و جل این ریش سفید را سزاوار (امامت) ندانست و این کودک را سزاوار دانست و به او چنان مقامی داد، من فضیلت او را انکار کنم!!
پناه به خدا از سخن شما، من بنده او هستم. (1)

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخَيْرَانِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ وَاقِعًا بَيْنَ يَدَيْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) بِخُرَاسَانَ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ يَا سَيِّدِي إِنْ كَانَ كَوْنُ فَالِي مَنْ قَالَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) ابْنِي فَكَأَنَّ الْقَائِلَ اسْتَصْغَرَ سِنَّ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولًا نَبِيًّا صَاحِبَ شَرِيعَةٍ مُبْتَدَأَةٍ فِي أَصْغَرَ مِنَ السَّنِّ الَّذِي فِيهِ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام). پدر خیرانی گوید: من در خراسان خدمت امام رضا (علیه السلام) بودم، که مردی بآن حضرت گفت: آقای من! اگر پیش آمدی کند، به که بگرویم، فرمود: به پسر من ابی جعفر (علیه السلام) مثل اینکه گوینده سن ابی جعفر (علیه السلام) را برای امامت کم شمرده امام رضا (علیه السلام) فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی عیسی بن مریم (علیه السلام) را به رسالت و نبوت برگزید و صاحب شریعت تازه اش ساخت (یعنی کتاب بر او نازل کرد و اولو العزمش قرار داد) در سنی کمتر از سن ابی جعفر (علیه السلام). (2)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: لَمَّا خَرَجَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى بَغْدَادَ فِي الدَّفْعَةِ الْأُولَى مِنْ خُرْجَتِيهِ قُلْتُ لَهُ عِنْدَ خُرُوجِهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ فِي هَذَا الْوَجْهِ فَالِي مِنَ الْأَمْرِ بَعْدَكَ فَفَكَّرَ بِوَجْهِهِ إِلَيَّ ضَاحِكًا وَقَالَ لَيْسَ الْغَيْبَةُ حَيْثُ ظَنَنْتَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ فَلَمَّا أُخْرِجَ بِهِ الثَّانِيَةَ إِلَى الْمُعْتَصِمِ صِرْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْتَ خَارِجٌ فَالِي مَنْ هَذَا

ص: 721

1- [1] الكافي ج 1 ص 322 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع ح 12

2- [1] الكافي ج 1 ص 322 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع ح 13

الأمر من بعدك فبكي حتى اخضلت لحيته ثم التفت إلي فقال عند هذه يخاف علي الأمر من بعدي إلى ابني علي.

اسماعيل بن مهران گوید: حضرت ابی جعفر (علیه السلام) (امام محمد تقی (علیه السلام)) دو مرتبه از مدینه به بغداد رفت، هنگام رفتن نخستین، به حضرت عرضه داشتیم: قربانت گردم، من در این راه بر شما نگرانم، امر امامت پس از شما با کیست؟ حضرت با لبی خندان به من متوجه شد و فرمود: آن غیبتی که گمان می کنی در این سال نیست، چون نوبت دوم آن حضرت را به سوی معتصم می بردند، نزدش رفتم و عرضه داشتیم: قربانت گردم: شما بیرون می روید، امر امامت پس از شما با کیست؟ حضرت به قدری گریست که محاسنش تر شد، سپس به من متوجه شد و فرمود: در این سفر باید بر من نگران بود، امر امامت پس از من با پسر علی (علیه السلام) است. (1)

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ يَسَّارِ الْقَنْبَرِيِّ قَالَ: أَوْصَى أَبُو الْحَسَنِ (عَلِيهِ السَّلَامُ) إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ قَبْلَ مُضِيِّهِ بِأَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَأَشْهَدَنِي عَلَى ذَلِكَ وَجَمَاعَةً مِنَ الْمَوَالِي.

یحیی بن یسار قنبری گوید: حضرت ابو الحسن (علیه السلام) (امام علی نقی (علیه السلام)) چهار ماه قبل از وفاتش به پسرش حسن (علیه السلام) وصیت کرد و مرا با جماعتی از دوستان گواه گرفت. (2)

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنْ بَشَّارِ بْنِ أَحْمَدَ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ التَّوْفَلِيِّ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ (عَلِيهِ السَّلَامُ) فِي صَحْنِ دَارِهِ فَمَرَّ بِنَا مُحَمَّدٌ ابْنُهُ

ص: 722

1- [1] الكافي ج 1 ص 323 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ ح 1

2- [2] الكافي ج 1 ص 325 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ ح 1

علی بن عمر نوفلی گوید: در صحن منزل امام هادی (علیه السلام) خدمتش بودم که پسرش محمد از نزد ما گذشت. به حضرت عرضه داشتیم: قربانت گردم، بعد از شما این صاحب ماست؟ فرمود: نه صاحب شما بعد از من حسن (علیه السلام) است. (1)

عَنْهُ عَنْ بَشَّارِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْفَهَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) صَاحِبُكُمْ بَعْدِي الَّذِي يُصَلِّي عَلَيَّ قَالَ وَ لَمْ نَعْرِفْ أَبَا مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَبْلَ ذَلِكَ قَالَ فَخَرَجَ أَبُو مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَصَلَّى عَلَيْهِ.

عبد الله بن محمد اصفهانی گوید: امام هادی (علیه السلام) فرمود: صاحب شما بعد از من کسی است که بر من نماز خواند و ما تا آن روز ابا محمد (امام حسن عسکری (علیه السلام)) را نمی شناختیم، (پس از وفات امام هادی (علیه السلام)) ابا محمد (علیه السلام) بیرون آمد و بر جنازه آن حضرت نماز خواند. (2)

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِنْ كَانَ كَوْنٌ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ فَإِلَى مَنْ قَالَ عَهْدِي إِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ وَلَدِي.

علی بن مهزیار گوید: به حضرت ابی الحسن (علیه السلام) عرضه داشتیم: اگر پیش آمدی کند و پناه می برم به خدا مرجع کیست؟ فرمود: عهد امامت من متعلق به پسر بزرگترم می باشد. (3)

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ ذَرِيَابَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْفَهْفَكِيِّ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَبُو مُحَمَّدٍ ابْنِي أَنْصَحُ آلَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَرَبَتِ أَوْثَقُهُمْ حُجَّةً وَ هُوَ الْأَكْبَرُ مِنْ وَلَدِي وَ هُوَ الْخَلْفُ وَ إِلَيْهِ يَنْتَهِي عُرَى الْإِمَامَةِ وَ أَحْكَامُهَا فَمَا كُنْتُ سَائِلِي فَسَلُهُ عَنْهُ

ص: 723

- 1- [3] الكافي ج 1 ص 325 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ ح 2
- 2- [1] الكافي ج 1 ص 325 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ ح 3
- 3- [2] الكافي ج 1 ص 326 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ ح 6

ابو بکر فہفکی گوید: امام ہادی (علیہ السلام) بہ من نوشت کہ: پسر م ابو محمد، از نظر غریزہ خیرخواہترین افراد آل محمد (صلی اللہ علیہ و آلہ) و از نظر حجت و برہان معتبرترین ایشانست، او پسر بزرگتر و جانشین منست رشتہ ہا و احکام امامت بہ او می رسد، پس ہر چہ می خواہی از من پرسی از او پرسی کہ تمام احتیاجات شما نزد اوست (نہ نزد پسر دیگرم جعفر) (1)

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ شَاهَوَيْهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجَلَّابِ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ (عَلِيهِ السَّلَام) فِي كِتَابٍ أَرَدْتُ أَنْ تَسْأَلَ عَنِ الْخَلْفِ بَعْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلِيهِ السَّلَام) وَقَلَيْتَ لِدَلِكْ فَلَا تَعْتَمَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُضِلُّ قَوْمًا

بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ» وَصَاحِبِكَ بَعْدِي أَبُو مُحَمَّدٍ ابْنِي وَعِنْدَهُ مَا تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ يُقَدِّمُ مَا يَشَاءُ اللَّهُ وَيُؤَخِّرُ مَا يَشَاءُ اللَّهُ «مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسَّهَا نَأَتْ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» قَدْ كَتَبْتُ بِمَا فِيهِ بَيَانٌ وَفَنَاعٌ لِدِي عَقْلٍ يَقْظَانِ.

امام ہادی (علیہ السلام) بمن نوشت: تو می خواستی بعد از وفات ابی جعفر (علیہ السلام) راجع بہ جانشین امام پرسی، و از آن جہت در اضطراب بودی. غم مخور، زیرا خدای عزوجل «قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ» (2) هیچ مردمی را پس از آن کہ ہدایتشان کردہ گمراہ نکند تا چیزہائی را کہ باید از آن پرهیزند، برایشان بیان کند صاحب تو بعد از من پسر م ابو محمد (علیہ السلام) است، ہر چہ احتیاج دارید نزد اوست (ہر چہ می خواہید از او پرسید) خدا آنچه را خواہد مقدم دارد و آنچه را خواہد مؤخر گذارد (و خودش فرماید) (ما)

نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسَّهَا نَأَتْ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» (3) ہر آیہ ای را کہ نسخ کنیم یا بہ تأخیر اندازیم، بہتر از آن یا مانند آن را بیاوریم آنچه برای صاحب خرد بیدار مطلب را روشن کند و بس باشد نوشتہم. (4)

ص: 724

1- [3]. الكافي ج 1 ص 327 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ ح 11

2- [1]. التوبة آية 115

3- [2]. البقرة آية 106

4- [3]. الكافي ج 1 ص 328 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ ح 12

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) يَقُولُ الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَيْئًا خَصَّهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ فَقُلْتُ فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ فَقَالَ قُولُوا الْحَبَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله).

داود بن قاسم گوید: شنیدم امام هادی (علیه السلام) می فرمود: جانشین بعد از من حسن (علیه السلام) است چگونه خواهد بود حال شما نسبت به جانشین بعد از این جانشین؟ عرضه داشتیم: برای چه، خدایم قربانت گرداند؟ فرمود: زیرا شما خودشرا نمی بینید و برای شما روا نیست نامش را ببرید، عرضه داشتیم: پس چگونه از او یاد کنیم؟ فرمود: بگوئید: حجت از آل محمد (صلي الله عليه وآله). (1)

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ قَالَ: خَرَجَ إِلَيَّ مِنْ أَبِي مُحَمَّدٍ قَبْلَ مُضِيِّهِ بِسِتِّينَ يُخْبِرُنِي بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَيَّ مِنْ قَبْلِ مُضِيِّهِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ يُخْبِرُنِي بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ.

محمد بن علی بن بلال: از جانب امام حسن عسکری (علیه السلام)، دو سال پیش از وفاتش پیامی به من رسید که از جانشین بعد از خود به من خبر داد، بار دیگر سه روز پیش از وفاتش پیامی رسید و از جانشین بعد از خود به من خبر داد. (2)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي هَاشِمِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ (عليه السلام) جَلَالَتِكَ تَمْنَعُنِي مِنْ مَسْأَلَتِكَ فَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ فَقَالَ سَلْ قُلْتُ يَا سَيِّدِي هَلْ لَكَ وَلَدٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ فَإِنْ حَدَّثَ بِكَ حَدَّثَ فَأَيْنَ أَسْأَلُ عَنْهُ قَالَ بِالْمَدِينَةِ.

ص: 725

1- [1] الكافي ج 1 ص 328 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ ح 13

2- [2] الكافي ج 1 ص 328 بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِّ إِلَى صَاحِبِ الدَّارِ ح 1

ابو هاشم جعفری گوید: به امام حسن عسکری (علیه السلام) عرضه داشتیم: جلالت و بزرگی شما مرا از پرسش از شما باز می دارد، اجازه می فرمائید از شما سؤالی کنم؟ فرمود: پرس، عرضه داشتیم: آقای من! شما فرزندی دارید؟ فرمود: آری، عرضه داشتیم: اگر برای شما پیش آمدی کند، در کجا از او پرسیم؟ فرمود: در مدینه. (1)

عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَكْفُوفِ عَنْ عَمْرِو الْأَهْوَازِيِّ قَالَ: أَرَانِي أَبُو مُحَمَّدٍ ابْنَهُ وَقَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي.

عمرو اهوازی گوید: امام حسن عسکری (علیه السلام) پرسش را به من نشان داد و فرمود: اینست صاحب شما بعد از من. (2) الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشَدِّ عَرِيٌّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: خَرَجَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ (عَلِيهِ السَّلَامُ) حِينَ قُتِلَ الزُّبَيْرِيُّ لَعَنَهُ اللَّهُ هَذَا جَزَاءً مَنْ اجْتَرَأَ عَلَى اللَّهِ فِي أَوْلِيَائِهِ يَزْعُمُ أَنَّهُ يَقْتُلُنِي وَ لَيْسَ لِي عَقِبٌ فَكَيْفَ رَأَى قُدْرَةَ اللَّهِ فِيهِ وَ وُلِدَ لَهُ وَ وُلِدَ لَهَا مِائَةٌ مِائَةٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ

احمد بن محمد بن عبد الله گوید: چون زبیری ملعون کشته شد، از طرف امام حسن عسکری (علیه السلام) چنین جملاتی صادر شد: اینست کیفر کسی که بر خدا نسبت به اولیائش گستاخی کند، او گمان می کرد مرا خواهد کشت و بدون نسل می مانم، چگونه نیروی حق را در باره خود مشاهده کرد؟! و برای آن حضرت در سال 256 پسری متولد شد که نامش را «م ح م د» گذاشت. (3)

ص: 726

- 1- [3] الكافي ج 1 ص 328 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ إِلَى صَاحِبِ الدَّارِ ح 2
- 2- [4] الكافي ج 1 ص 328 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ إِلَى صَاحِبِ الدَّارِ ح 3
- 3- [1] الكافي ج 1 ص 329 بَابُ الْإِشَارَةِ وَ النَّصِّ إِلَى صَاحِبِ الدَّارِ ح 5

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَّالِ أَوْ غَيْرِهِ عَنِ الرَّضَا (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّهُمْ يُحِبُّونَ أَنْ يَقُولُوا إِنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُ إِلَّا الْإِمَامُ قَالَ فَقَالَ مَا يَدْرِيهِمْ مَنْ غَسَّلَهُ فَمَا قُلْتُ لَهُمْ قَالَ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ قُلْتُ لَهُمْ إِنَّ قَالَ مَوْلَايَ إِنَّهُ غَسَّلَهُ تَحْتَ عَرْشِ رَبِّي فَقَدْ صَدَقَ وَإِنْ قَالَ غَسَّلَهُ فِي نُحُومِ الْأَرْضِ فَقَدْ صَدَقَ قَالَ لَا هَكَذَا قَالَ فَقُلْتُ فَمَا أَقُولُ لَهُمْ قَالَ قُلْ لَهُمْ إِنِّي غَسَّلْتُهُ فَقُلْتُ أَقُولُ لَهُمْ إِنَّكَ غَسَّلْتَهُ فَقَالَ نَعَمْ.

و شاء گوید: احمد بن عمر بود یا دیگری که گفت به حضرت رضا (علیه السلام) عرضه داشتیم: آنها (واقفیه که منکر امامت امام رضا (علیه السلام) و نیز منکر وفات پدرش هستند) با ما مشاجره می کنند و می گویند: امام (علیه السلام) را جز امام (علیه السلام) غسل نمی دهد (پس چگونه می گوئید موسی بن جعفر (علیه السلام) در بغداد وفات یافته، در صورتی که شما در مدینه بودید) فرمود: آنها چه می دانند کی او را غسل داده است؟ تو به آنها چه جواب دادی؟ عرضه داشتیم: قربانت، من به آنها گفتم: اگر مولایم بگوئید، خودم او را در زیر عرش پروردگار غسل داده ام راست گفته است و اگر بگوئید در دل زمین غسل داده ام راست گفته، فرمود: این چنین نیست، عرضه داشتیم: پس چه بگوئیم؟ فرمود: به آنها بگو من غسلش داده ام. عرضه داشتیم: بگوئیم شما غسلش داده اید؟ فرمود: آری. (1)

أَبُو بَصِيرٍ قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) فِيمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي أَنْ قَالَ يَا بُنَيَّ إِذَا أَنَا مِتُّ فَلَا يُغَسَّلُنِي أَحَدٌ غَيْرُكَ فَإِنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُ إِلَّا إِمَامٌ

امام صادق(علیه السلام): پدرم در وصیت خویش به من فرمود: ای فرزندم، آنگاه که من رحلت کردم، جز تو کسی مرا غسل ندهد. زیرا که امام(علیه السلام) را جز امام غسل نمی دهد.(1)

کیفر کسی که حق امام را نشناسد

حدیث 7: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا مُعَلَّى لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ مِائَةَ عَامٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يَصُومُ نَهَارًا وَيَقُومُ لَيْلًا حَتَّى يَسْتَقُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ وَتَلْتَفِي تَرَاقِيهِ هُوَمَا [هَرَمًا] جَاهِلًا بِحَقِّنَا لَمْ يَكُنْ لَهُ ثَوَابٌ. حدیث 7: معلی بن خنیس می گوید: امام صادق(علیه السلام) به من فرمود: ای معلی! اگر بنده ای صد سال در میان رکن و مقام با روزه گرفتن روزها و شب زنده داری شب ها خدا را عبادت کند تا آن که از شدت پیری ابروهایش روی چشمانش را فرا گیرد و استخوان های گردنش در سینه اش فرورود، اما حق ما را نشناسد هیچ ثوابی برای او نخواهد بود.(2)

ص: 728

1- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) ج 4 ص 224 فصل في معرفته باللغات و إخباراته بالغيب

2- . عقاب الأعمال: باب عقاب من جهل حق أهل البيت ح 1.

بِهَذَا الْإِسْمِ نَادَى عَنِ الْبَطَائِنِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ الصَّرْفِيِّ عَنِ ابْنِ مُسَدَّكَانَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَوْمٌ يَزْعُمُونَ أَنِّي إِمَامُهُمْ وَاللَّهِ مَا أَنَا لَهُمْ بِإِمَامٍ لَعَنَهُمُ اللَّهُ كُلَّمَا سَتَرْتُ سِتْرًا هَتَكُوهُ أَقُولُ كَذَا وَكَذَا فَيَقُولُونَ إِنَّمَا يَعْنِي كَذَا وَكَذَا إِنَّمَا أَنَا إِمَامٌ مَنْ أَطَاعَنِي.

امام صادق (عليه السلام): گروهی گمان می کنند من امام و پیشوای ایشانم. به خدا سوگند! من برای اینان امام و پیشوا نبوده، خدا آنان را لعنت کند. زیرا هر پوشیده ای را که پوشاندم. (1) ایشان آن را هتک کرده و آشکار ساختند. من می گویم: چنین و چنان، اینان می گویند: مقصود امام چنان و چنین است. (2) جز این نیست، که من امام و پیشوای کسی بوده که از من اطاعت نموده و فرمان برد. (3)

اعمال پذیرفته نگردد جز با ولایت ائمه اطهار

حدیث 9: ابْنُ قُورَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ مُرَازِمٍ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مَا بَالُ أَقْوَامٍ مِنْ أُمَّتِي إِذَا ذُكِرَ عِنْدَهُمْ إِبْرَاهِيمُ (عليه السلام) وَ آلُ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) اسْتَبَشَرَتْ قُلُوبُهُمْ وَ تَهَلَّلَتْ وُجُوهُهُمْ وَ إِذَا ذُكِرَتْ وَ أَهْلَ بَيْتِي اسْمَأَزَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَلَحَتْ وُجُوهُهُمْ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا

لَوْ أَنَّ رَجُلًا لَفِي اللَّهِ بِعَمَلٍ، سَبْعِينَ نَبِيًّا ثُمَّ لَمْ يَلْقَهُ بِوَلَايَةِ أَوْلِي الْأَمْرِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا

ص: 729

1- هر سخنی را که صلاح و شایسته ندانسته بگویم و نگفتم.

2- گفته های مرا تغییر دادند.

3- الغيبة للنعماني ص 37 باب 1 ما روي في صون سر آل محمد ع عن لیس من أهله و النهي عن إذاعته لهم و اطلاعهم ح 8.

حدیث 9: پ-ی-ام-بر خدا (صلی الله علیه و آله): سوگند به آن که مرا به حق پیامبر کرد، اگر کسی با عمل هفتاد پ-ی-غمبر خ-دارا دی-دار کند. اما ولایت اولوالامر ما خاندان را به همراه نداشته باشد، خداوند از او نه توبه و بازگشتی می پذیرد و نه فدیة ای S یا نه واجبی می پذیرد و نه مستحبی (1). (R.)

درباره امامت ابراهیم حدیث 10: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ نَبِيًّا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولًا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهُ إِمَامًا فَلَمَّا جَمَعَ لَهُ الْأَشْيَاءَ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ فَمِنْ عَظَمِهَا فِي عَيْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ قَالَ لَا يَكُونُ السَّفِيهَ إِمَامَ التَّقِيِّ.

حدیث 10: امام صادق (علیه السلام): خداوند تبارک و تعالی ابراهیم (علیه السلام) را به بندگی گرفت پیش از آن که او را به پیامبری برگزیند، و او را به نبوت رساند پیش از آن که به رسالت گزیند و او را رسول خود ساخت پیش از آن که به دوستی برگزیند و او را دوست و خلیل خود گردانید پیش از آن که امامش قرار دهد و چون همهی این مقامات را در او گرد آورد. فرمود: من تورا امام و پیشوای مردم قرار دادم. (2)

ص: 730

1- . الأُمالي للمفيد ص 115 المجلس الثالث عشر ح 8.

2- . الكافي: ج 1 ص 175 بَابُ طَبَقَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ وَالْأَيْمَةِ ح 2.

حديث 11: أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي بَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه)

السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْوَاحِ مُوسَى (عليه السلام) عِنْدَنَا وَعَصَا مُوسَى عِنْدَنَا وَنَحْنُ وَرَثَةُ النَّبِيِّينَ. **

حديث 11: امام صادق (عليه السلام) مي فرمود، الواح موسى (عليه السلام) و عصای او نزد ماست و ما وارث پیغمبرانیم. (1)

مقام امام حدیث 12: وَ الْإِمَامُ يَا طَارِقُ بَشَرٌ مَلَكِيٌّ وَ جَسَدٌ سَمَاوِيٌّ وَ أَمْرٌ إِلَهِيٌّ وَ رُوحٌ قُدْسِيٌّ وَ مَقَامٌ عَلِيٌّ وَ نُورٌ جَلِيٌّ وَ سِرٌّ خَفِيٌّ فَهُوَ مَلَكُ الذَّاتِ إِلَهِيٍّ الصِّفَاتِ زَائِدُ الْحَسَنَاتِ

عَالِمٌ بِالْمَغِيبَاتِ خَصًّا مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ نَصٌّ مِنْ

الصَّادِقِ الْأَمِينِ

حديث 12: اميرالمؤمنين (عليه السلام): امام يك بشر ملكوتي و جسم آسماني، امر الهي، روح قدسي، مقام عالي، و نور آشكار و راز پنهانست، پس او در ذات خود فرشته بوده و در صفات خود الهي است و در حسنات زيادت پيدا کرده و از غيب مطلع است و اين اختصاصي از طرف پروردگار جهانيان و تصريحی از طرف پیامبر راست گوي امانتدار است. (2)

ص: 731

1- . الكافي كتاب الحجة ج 1 ص 231 كتاب الحجة بَابُ مَا عِنْدَ الْأَيْمَّةِ مِنْ آيَاتِ الْأَنْبِيَاءِ ح 2

2- . مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام 179 فصل [حقيقة الإمام و الإمامة].

حدیث 13: بَيَانُ أَنْوَاعِ الْقُرْآنِ بِرَوَايَةِ ابْنِ قُؤْلَوَيْهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: ... وَ كِبَارُ حُدُودِ وَلَايَةِ الْإِمَامِ الْمَفْرُوضِ الطَّاعَةِ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مَعْصُومٌ مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ وَالْعَمْدِ وَمِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا لَا يَزِلُّ وَلَا يَخْطَأُ وَلَا يَلْهُو بِشَيْءٍ مِنَ الْأُمُورِ الْمُؤَبَّقَةِ لِلدِّينِ وَلَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمَلَاهِي وَ أَنَّهُ أَعْلَمُ النَّاسِ بِحَلَالِ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ وَ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ وَ أَحْكَامِهِ مُسْتَعْنٍ عَنْ جَمِيعِ الْعَالَمِ وَ غَيْرِهِ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ وَ أَنَّهُ أَسْحَى النَّاسِ وَ أَشَجُّ النَّاسِ

حدیث 13: امیرالمؤمنین (علیه السلام): ... شرط ها و نشانه های اصلی ولایت امامی که اطاعتش واجب می باشد این است که از خطا و لغزش و گناه عمده و از همهی گناهان کوچک و بزرگ مصون است نه می لغزد و نه اشتباه می کند به هیچ امر دین براندازی دل نمی بندد، عیاشی و خوش گذرانی نکند داناترین مردم به حلال و حرام خدا و واجبات و مستحبات و احکام اوست از همهی جهانیان بی نیاز است و دیگران به او نیازمندند و بخشنده ترین و دلیرترین مردمان است. (1)

حدیث 14: قال الحسين (عليه السلام): فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ.

حدیث 14: امام حسین (علیه السلام) S در نامه اش به کوفیان R فرمود: ... به جان خودم سوگند! امام و پیشوا کسی نیست، مگر آن که بر اساس کتاب خدا حکومت کند، عدل و داد را بر پا دارد، پایبند دین حق باشد و در برابر (فرامین) خداوند، نفسش را مهار کند. (2)

ص: 732

1- . بحار الأنوار ج 65 ص 389 باب 27 دعائم الإسلام و الإيمان و شعبهما و فضل الإسلام ح 39.

2- . الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 2، ص 39.

حدیث 15: قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بِبَيْتِ قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ فَقَالَ لِي مَا قِيَمَةُ هَذَا النَّعْلِ فَقُلْتُ لَا قِيَمَةَ لَهَا فَقَالَ وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُفِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعَ بَاطِلًا...

حدیث 15: ام-ی-رال-م-ؤم-نین (علیه السلام) مشغول دوختن و پینه کردن کفش خود بود به ابن عباس فرمود: ارزش این کفش چند است؟ گفتم: ارزشی ندارد، فرمود: به خدا قسم! این را از حکومت بر شما دوست تر دارم مگر آن که (بخوادم) حقی را بر پا دارم یا باطلی را براندام. (1)

حدیث 16: مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِلَى أَصْحَابِ الْمَسَالِحِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ حَقًّا عَلَى الْوَالِي أَلَّا يُغَيِّرَهُ عَلَى رَعِيَّتِهِ فَضَلُّ دَالَهُ وَلَا طَوْلُ خُصِّ بِهِ وَأَنْ يَزِيدَهُ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ نِعَمِهِ دُنُوًّا مِنْ عِبَادِهِ وَعَطْفًا عَلَى إِخْوَانِهِ أَلَّا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجِرَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ وَلَا أَطْوِي دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ وَلَا أُؤَخِّرُ لَكُمْ حَقًّا عَنْ مَحَلِّهِ وَلَا أَقْفَبُ بِهِ دُونَ مَقْطَعِهِ وَأَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ وَجَبَتْ لِلَّهِ عَلَيْكُمُ النِّعْمَةُ وَلِي عَلَيْكُمُ الطَّاعَةُ وَالْأَلَّا تَتَكَصَّرُوا عَنْ دَعْوَةٍ وَلَا تَقْرُطُوا فِي صَدَاحٍ وَأَنْ تَخَوْضُوا الْعَمْرَاتِ إِلَى الْحَقِّ فَإِنَّ أَنْتُمْ لَمْ تَسَدِّ تَقِيمُوا لِي عَلَى ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِمَّنْ اعْوَجَّ مِنْكُمْ ثُمَّ أُعْظِمُ لَهُ الْعُقُوبَةَ وَلَا يَجِدُ عِنْدِي فِيهَا رُخْصَةً فَخُذُوا هَذَا مِنْ أَمْرَانِكُمْ وَأَعْطُوهُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مَا يُصْلِحُ اللَّهُ بِهِ أَمْرَكُمْ وَالسَّلَام

حدیث 16: امیرالمؤمنین (علیه السلام): اما ب-ع-د، وظیفه حکمران است که اگر به زیادتى رسید یا به نعمتی مخصوص گشت موجب ت-غییر حال و دگرگونی رفتار او بر رعیتش نشود و نعمت هایی که خدا نصیبش کرده بر نزدیکی او به بندگان خدا و

ص: 733

1- . نهج البلاغه للصبحي صالح ص 76 خطبه 33 و من خطبة له ع عند خروجه لقتال أهل البصرة، وفيها حكمة مبعث الرسل، ثم يذكر فضله و يذم الخارجين.

مهربانی او به برادرانش بیفزاید. بدانید حق شماسست بر من که رازی را از شما نپوشانم، مگر در جنگ و بدون رایزنی با شما کاری را ن-ک-ن-م، مگر در داوری و حق شما را از موقع آن به تأخیر نینکنم. (حقوق و عطایای شما را به موقع ب-پ-ردازم) و در رس-ان-دن آن درن-گ-ن-کنم و همهی شما را در حق برابر و یکسان دانم پس، هرگاه چنین کردم بر خداست که به شما نعمت ارزانی دارد و بر شماسست که از من فرمان برید. (1)

حدیث 17: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حُمَيْدٍ وَ جَابِرِ الْعَبْدِيِّ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِيَخْلُقَهُ فَفَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كَضَعَفَاءِ النَّاسِ كَيْ يَقْتَدِيَ الْفَقِيرُ بِفَقِيرِي وَ لَا يُطْعِي الْغَنِيِّ غِنَاهُ.

حدیث 17: امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: خداوند مرا پیشوای خلق خود کرد از این رو، بر من واجب کرد که دربارهی خودم و خورد و خوراک و پوشاکم همانند مردمان تنگ دست باشم تا نادار به ناداری من تاسی جوید و توان گر را توان گریش به طغیان و سرکشی نکشاند. (2) حدیث 18: دَخَلَ ابْنُ عَبَّاسٍ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَقَالَ: ...فَلَا يَكُنْ حَظُّكَ فِي وَلَا يَتِكَ مَالًا تَسْتَفِيدُهُ وَلَا غِيْظًا تَسْتَفِيهِ وَلَا كِنَ إِمَاتَةً بَاطِلٍ وَ إِحْيَاءَ حَقٍّ.

حدیث 18: در نامه‌ی خود به ابن عباس می فرماید: پس از حمد و ثنای الهی، مبادا!!! بهره‌ی تو از حکومتت به دست آوردن مالی یا فرو نشاندن خشمی (انتقامی) باشد. بلکه باید بهره ات می راندن باطل باشد و زنده کردن حق. (3)

ص: 734

- 1- . نهج البلاغة: نامه‌ی 50.
- 2- . الكافي ج 1 ص 410 بَابُ سِيرَةِ الْإِمَامِ فِي نَفْسِهِ وَ فِي الْمَطْعَمِ وَ الْمَلْبَسِ إِذَا وَلِيَ الْأَمْرَ ح 1 .
- 3- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 2 ص 101 فصل في المسابقة بالزهد و القناعة .

حدیث 19: قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): وإن تَکُنْ لَهُمْ حَاجَةٌ يُؤَاسٍ بَيْنَهُمْ فِي مَجْلِسِهِ وَوَجْهُهُ لِيَكُونَ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَهُ عَلَى سِوَاءِ

حدیث 19: امیرالمؤمنین (علیه السلام): اگر مردم نیازی داشتند (والی باید) در نشستن و نگاه کردن خود میان آن ها تفاوتی ننهد تا آشنا و بیگانه نزد او یکسان و برابر باشند. (1)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ وَغَيْرِهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَقُولُ نُعِيَتْ إِلَيَّ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ صَدِّحِيحٌ لَيْسَ بِهِ وَجَعٌ قَالَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ قَالَ فَتَدَاوَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً وَأَمَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارَ بِالسَّلَاحِ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ فَصَدَّعَ النَّبِيُّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمُنْبَرَ فَنَعَى إِلَيْهِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ قَالَ أَذْكَرُ اللَّهُ الْوَالِيَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى أُمَّتِي إِلَّا يَرْحَمُ عَلَى جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ فَأَجَلَ كَبِيرَهُمْ وَرَحِمَ ضَعِيفَهُمْ وَوَقَّرَ عَالِمَهُمْ وَلَمْ يُضِرَّ بِهِمْ فَيَذِلَّهُمْ وَلَمْ يُفْقِرْهُمْ فَيَكْفُرْهُمْ وَلَمْ يُغْلِقْ بَابَهُ دُونَهُمْ فَيَأْكُلَ قَوِيَّهُمْ ضَعِيفَهُمْ وَلَمْ يَخْبِزْهُمْ فِي بُعُوثِهِمْ فَيَقْطَعَ نَسَبَ أُمَّتِي ثُمَّ قَالَ قَدْ بَلَغْتُ وَنَصَحْتُ فَاشْهُدُوا وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) هَذَا آخِرُ كَلَامٍ تَكَلَّمْتُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلَى مِنْبَرِهِ.

حنان بن سدير گفت از حضرت صادق (علیه السلام) شنيدم مي فرمود خبر درگذشت پيامبر (صلي الله عليه و آله) را به آن جناب دادند در حالی که ناراحتی و دردی نداشت. فرمود: روح الامين اين خبر را براي من آورده. در مسجد اجتماع كنيد دستور داد: مهاجرين و انصار مسلح باشند مردم اجتماع كردند. پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) بر منبر رفت به مردم اطلاع داد كه من از دنيا مي روم. سپس فرمود: تذكر مي دهم به فرمانرواي پس از من بر امتم خدا را در نظر بگيرد مبادا ترحم بر مسلمانان را فرو گذارد. بزرگ آنها را احترام كند و بر

ص: 735

ناتوان آنها رحم کند و دانشمندان را بزرگ شمارد و آنها را ناراحت نکند و خوار نگرداند و فقیرشان نکند که موجب کفر آنها شود و در خانه خود را بروی او نبندد. تا ناتوانان آنها به وسیله زورمندان نابود شوند. در مأموریت‌های مرزی و لشکرکشی آنقدر نگاهشان ندارد که پیش خانواده خود برنگردند و نسل امت من قطع شود. سپس فرمود: من مأموریت خود را انجام دادم و نصیحت نمودم، گواه باشید حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: این آخرین سخنی بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در منبر فرمود. (1)

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَغَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ قَالَ: جَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَسَلٌ وَتَيْنٌ مِنْ هَمْدَانَ وَحُلْوَانَ فَأَمَرَ الْعُرَفَاءَ أَنْ يَأْتُوا بِالْيَتَامَى فَأَمَكَنَهُمْ مِنْ رُءُوسِ الْأَزْقَاقِ يَلْعَقُونَهَا وَهُوَ يَقْسِمُهَا لِلنَّاسِ قَدْحًا قَدْحًا فَقِيلَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مَا لَهُمْ يَلْعَقُونَهَا فَقَالَ إِنَّ الْإِمَامَ (عليه السلام) أَبُو الْيَتَامَى وَ إِنَّمَا أَلْعَقْتُهُمْ هَذَا بِرِعَايَةِ الْأَبَاءِ.

ابی ثابت گفت: خدمت امیر المؤمنین (علیه السلام) عسل و انجیر آورده بودند از همدان و حلوان دستور داد آنهایی که می شناسند یتیمان را بیاورند به آنها اجازه داد از سر خیک های عسل خودشان با ملاقه بردارند ولی برای مردم قدح قدح تقسیم می کرد. يك نفر عرضه داشت: چرا این بچه ها با ملاقه خودشان برمی دارند فرمود: امام پدر یتیمان است من به آنها اجازه دادم خودشان بردارند به واسطه مراعات پدرانشان. (2)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَرْقِيِّ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّ النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ: أَنَا أَوْلَى بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ وَعَلِيٌّ أَوْلَى بِهِ مِنْ بَعْدِي فَقِيلَ لَهُ مَا مَعْنَى ذَلِكَ فَقَالَ قَوْلُ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ تَرَكَ دِينًا أَوْ ضَرَّ يَاعًا فَعَلَيَّْ وَمَنْ تَرَكَ مَالًا فَلِوَرَثَتِهِ فَالرَّجُلُ لَيْسَتْ لَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَوَلَايَةٌ إِذَا لَمْ

ص: 736

1- [1] الكافي ج 1 ص 406 باب ما يجب من حق الإمام على الرعية وحق الرعية على الإمام ح 4

2- [1] الكافي ج 1 ص 406 باب ما يجب من حق الإمام على الرعية وحق الرعية على الإمام ح 5

يَكُنْ لَهُ مَالٌ وَ لَيْسَ لَهُ عِيَالٌ أَمْرٌ وَ لَا نَهْيٌ إِذَا لَمْ يَجْرِ عَلَيْهِمُ النَّفَقَةُ وَ النَّبِيُّ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ مَنْ بَعْدَهُمَا أَلَزَمَهُمْ هَذَا فَمَنْ هُنَاكَ صَارُوا أَوْلَىٰ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مَا كَانَ سَبَبُ إِسْلَامِ عَامَّةِ الْيَهُودِ إِلَّا مِنْ بَعْدِ هَذَا الْقَوْلِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَ إِنَّهُمْ آمَنُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ عَلَىٰ عِيَالَتِهِمْ.

كافي: سفيان بن عيينه از حضرت صادق (عليه السلام) نقل کرد که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: من بر مؤمنان از خودشان مقدم ترم و علی (عليه السلام) پس از من بر آنها مقدم تر است عرضه داشتند: معنی این جمله چیست. فرمود: معنی آن این فرمایش پیامبر (صلي الله عليه و آله) است که فرمود: هر که قرض یا عیالی بگذارد خرج آنها با من است و هر که مالی را بگذارد متعلق به ورثه اوست پس شخص ولایت بر خویش ندارد وقتی مالی نداشت و بر خانواده خود هم امر و دستوری ندارد وقتی به آن ها خرجی ندهد پیامبر (صلي الله عليه و آله) و امیر المؤمنین (عليه السلام) و کسی که بعد از آن دو است این کار بر آنها لازم است به همین جهت از خودشان بر آنها مقدم ترند. سبب اسلام عموم یهودان بعد از همین فرمایش پیامبر (صلي الله عليه و آله) بود آنها از خود و خانواده شان مطمئن شدند. (1) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ صَدِّاحِ بْنِ سَدَّابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله): أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَوْ مُسْلِمٍ مَاتَ وَ تَرَكَ دَيْنًا لَمْ يَكُنْ فِي فِسَادٍ وَ لَا إِسْرَافٍ فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْضِيَهُ فَإِنْ لَمْ يَقْضِهِ فَعَلَيْهِ إِثْمٌ ذَلِكَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ» الْآيَةَ فَهُوَ مِنَ الْغَارِمِينَ وَ لَهُ سَهْمٌ عِنْدَ الْإِمَامِ فَإِنْ حَبَسَهُ فَأِثْمُهُ عَلَيْهِ.

كافي: صباح بن سيابة از حضرت صادق (عليه السلام) نقل کرد که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: هر مؤمن یا مسلمانی بمیرد و قرضی بگذارد که در راه بد و اسراف خرج

ص: 737

نکرده بوده پرداخت آن قرض بر امام است اگر پرداخت نکرد گناهش به گردن اوست. خداوند تبارک و تعالی می فرماید «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ» (1) چنین شخصی جزء غارمین و قرض داران است که در این آیه دستور داده شد اگر نپردازد گناهش بر اوست. (2)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَا تَصَلُّحُ إِلَّا مَامَةً إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَحُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَيَّ مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ.

کافی: حنان از پدرش از حضرت باقر (علیه السلام) نقل می کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: امامت صلاحیت ندارد مگر برای کسی که در او سه خصلت باشد پرهیزکاری مخصوصی که مانعش شود از گناه و حلمی که به وسیله آن جلو خشم خود را بگیرد و نیکو اداره کردن آنها را به طوری که همچون پدری مهربان باشد. (3) أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْنَا وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمْرُكُمْ

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: مردم مرا بر شما حقی و شما را بر من نیز حقی است، اما حق شما بر من این است که شما را راهنمایی کنم و نصیحت نمایم و در آمد مالی را برای شما افزون نمایم و آموزش دهم شما را که در جهل نمانید و ادب نمایم تا دانا شوید، اما حق من بر شما این است که به بیعت و پیمان خود وفا کنید و خیرخواه امام خود باشید در پشت سر و پیش رو، و هنگامی که شما را فرا خواندم

ص: 738

1- [1] التوبة آية 60

2- [2] الكافي ج 1 ص 407 باب ما يجب من حق الإمام على الرعية و حق الرعية على الإمام ح 7

3- [3] الكافي ج 1 ص 407 باب ما يجب من حق الإمام على الرعية و حق الرعية على الإمام ح 8

بپذیرید و هر دستوری که دادم اطاعت کنید. (1)

و لَكُمْ عَلَيْنَا الْعَمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ [سُنَّةِ رَسُولِهِ] سِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ الْقِيَامُ بِحَقِّهِ وَ النَّعْشُ لِسُنَّتِهِ

و فرمود: حق شما بر ما این است که عمل به کتاب خدا و سیرت و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمائیم و در راه به پا داشتن حق او قیام کنیم و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را زنده نگه داریم. (2)

وَ قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُدَّ بِحَانَتِهِ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَ لَا يُضَارِعُ وَ لَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام): فرمان خدا را بر پا نمی دارد جز کسی که [در اجرای حکم خدا] سازش نکند و همرنگ جماعت نشود و در پی طمع خویش نرود. (3)

ثُمَّ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِأَمْرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ قَدِيمًا وَ حَدِيثًا أَقْرَبُهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ أَعْلَمُهَا بِالْكِتَابِ وَ أَفْقَهُهَا فِي الدِّينِ وَ أَوْلَاهَا إِسْلَامًا وَ أَفْضَلُهَا جِهَادًا وَ

أَشَدُّهَا بِمَا تَحْمِلُهُ الرَّعِيَّةُ مِنْ أُمُورِهَا اضْطِلَاعًا

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حدیثی زیبا و پر معنا فرمودند: سزاوارترین مردم به اداره امور امت، چه در گذشته و چه حال، کسی است که از همه مردم به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نزدیکتر، به کتاب خدا داناتر، در دین ژرف نگتر، در اسلام پیشگامتر، در جهاد برتر و در به دوش کشیدن بار اداره امور امت توانمندتر باشد. (4)

ثَلَاثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْأَيْمَةِ صَلَاحٌ أَنْ يَكُونَ إِمَامًا إِضْ طَلَعَ بِأَمَانَتِهِ إِذَا عَدَلَ فِي حُكْمِهِ وَ لَمْ يَحْتَجِبْ دُونَ رَعِيَّتِهِ وَ أَقَامَ كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ.

ص: 739

1- [1] نهج البلاغة (للصباحي صالح) ص 79 خطبة 34 و من خطبة له ع في استنفار الناس إلى أهل الشام بعد فراغه من أمر الخوارج طريق السداد

2- [2] نهج البلاغة (للصباحي صالح) ص 244 خطبة 169 و من خطبة له ع عند مسير أصحاب الجمل إلى البصرة التنفير من خصومه

3- نهج البلاغة للصباحي صالح ص 488 الحكمة [107] 110

4- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد ج 3 ص 210 [أخبار علي في جيشه و هو في طريقه إلى صفين]

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: سه چیز است که هر رهبری آنها را داشته باشد شایسته رهبری و به دوش کشیدن بار این امانت است هرگاه در حکومت خود عدالت ورزد، خود را از دسترس امتش دور نگه ندارد و (احکام) کتاب خدا را درباره آشنا و بیگانه به اجرا گذارد(1)

لَا يَحِلُّ لِلْخَلِيفَةِ مِنْ مَالِ اللَّهِ إِلَّا قَصَّةٌ عَتَانٍ قَصْعَةً يَأْكُلُهَا هُوَ وَ أَهْلُهُ وَ قَصْعَةً يُطْعِمُهَا لِأَيِّ خَلِيفَةٍ اسْتَفَادَ مِنْ مَالِ اللَّهِ جَائِزٌ نِيسْتِ مَكْرُودِ كَاسِهِ، كَاسِهِ أَيُّ كِى خُودِ وَ خَانُودَهِ اش (به اندازه رفع نیاز) بخورند و کاسه ای که به دیگران بخوراند.

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يُقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَنْصِي بِئِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: بدانید که هر پیروی را پیشوایی است که به او اقتدا می کند و از نور دانش او پرتو می گیرد. بدانید که پیشوای شما از دنیایش به دو جامه کهنه و از خوراکش به دو گرده نان بسنده کرده است. (2)

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِدَاوُدَ (عَلَيْهِ السَّلَام) حَرَامٌ عَلَيَّ كُلُّ قَلْبٍ عَالِمٍ مُجِبِّ لِشَهَوَاتِ أَنْ أَجْعَلَهُ إِمَامًا لِلْمُتَّقِينَ

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: بر هر عالمی که دلش در بند شهوات است حرام است که پیشوای پرهیزگاران قرارش دهیم. (3)

ص: 740

1- . كنز العمال 14315

2- . نهج البلاغة (للصبي صالح) ص 417 رسائل أمير المؤمنين عليه السلام (45) و من كتاب له إلى عثمان بن حنيف الأنصاري و كان عامله على البصرة و قد بلغه أنه دعي إلى وليمة قوم من أهلها، فمضى إليها

3- . روضة الواعظين و بصيرة المتعظين ج 2 ص 421 مجلس في الحث على مخالفة النفس و الهوى

رُوِيَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ فِي مُسْنَدِهِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي وَ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ

عِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي أَلَا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

پ-یامبر خدا(صلی الله علیه و آله): من در میان شما دو شیئی گران بها گذاشته ام که تا وقتی به آن ها چ-ن-گ آوی-زی-د، ه-رگ-ز پ-س از م-ن گ-م-راه ن-ش-وید. یکی از آن دو بزرگ تر و والاتر از دیگری اس-ت (ی-ک-ی) ک-ت-اب خدا که ریسمانی است از آسمان به زمین کشیده و متصل و (دومی) عترت و خاندان من، بدانید که این دو هرگز از هم جدا نشوند تا بر لب حوض نزد من آیند.

گمراه ترین مردم

«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى» (1)

آیا کسی که به حق هدایت می کند سزاوار است پیروی شود، یا کسی که هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟

حدیث 27: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ

قَالَ

يَعْنِي مَنْ اتَّخَذَ دِينَهُ رَأْيَهُ بَغَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أئِمَّةِ الْهُدَى.*

ص: 741

حدیث 27: از ابی الحسن (علیه السلام) در تفسیر قول خدای عزوجل «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ» (1) کیست گمراه تر باشد از آن که پیرو هوس خود استی رهبری از طرف خدا فرمود: مقصود کسی است که دینش رأی او است بی یک امامی از ائمه هدی. (2)

حدیث 28: عِدَّةٌ

مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنِ الْإِسْطِطَاعَةِ وَ قَوْلِ النَّاسِ فَقَالَ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (3) يَا أَبَا عُبَيْدَةَ النَّاسُ مُخْتَلِفُونَ فِي إِصَابَةِ الْقَوْلِ وَ كُلُّهُمْ هَالِكٌ قَالَ قُلْتُ قَوْلُهُ «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ» (4)

قَالَ هُمْ شِيعَتُنَا وَ لِرَحْمَتِهِ خَلَقَهُمْ وَ هُوَ قَوْلُهُ «وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (5)

يَقُولُ لِبَطَاعَةِ الْإِمَامِ الرَّحْمَةِ الَّتِي يَقُولُ «وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (6)

يَقُولُ عِلْمُ الْإِمَامِ وَ وَسِعَ عِلْمُهُ الَّذِي هُوَ مِنْ عِلْمِهِ كُلُّ شَيْءٍ هُمْ شِيعَتُنَا ثُمَّ قَالَ «فَسَأَلْتُهَا

لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ» (7)

يَعْنِي وَ لَآيَةَ غَيْرِ الْإِمَامِ وَ طَاعَتَهُ ثُمَّ قَالَ «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ» (8)

يَعْنِي النَّبِيَّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ الْوَصِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْقَائِمَ «يَأْمُرُهُمْ

بِالْمَعْرُوفِ» (9)

إِذَا قَامَ «وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ» (10) وَ الْمُنْكَرُ مَنْ أَنْكَرَ فَضَلَ الْإِمَامِ وَ جَعَلَهُ «وَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ» (11) أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ «وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» (12)

وَ الْخَبَائِثُ قَوْلٌ مِنْ خَالَفَ وَ

يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ» (13)

وَ هِيَ الذُّنُوبُ الَّتِي كَانُوا فِيهَا قَبْلَ مَعْرِفَتِهِمْ فَضَلَ الْإِمَامِ «وَ الْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (14)

وَ الْأَعْلَالُ مَا كَانُوا يَقُولُونَ مِمَّا لَمْ يَكُونُوا أُمْرًا بِهِ مِنْ تَرْكِ فَضْلِ الْإِمَامِ فَلَمَّا عَرَفُوا فَضَلَ الْإِمَامِ وَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْإِصْرُ الذَّنْبُ وَ هِيَ الْأَصَارُ ثُمَّ نَسَبَهُمْ فَقَالَ «فَالَّذِينَ آمَنُوا

ص: 742

2- . الكافي ج 1 ص 374 بَابُ فِيمَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِغَيْرِ إِمَامٍ مِنَ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ ح 1

3- . هود آية 118 و 119

4- . هود آية 119

5- . هود آية 119

6- . الاعراف آية 156

7- . الاعراف آية 156

8- . الاعراف آية 157

9- . الاعراف آية 157

10- . الاعراف آية 157

11- . الاعراف آية 157

12- . الاعراف آية 157

13- . الاعراف آية 157

14- . الاعراف آية 157

يَعْنِي بِالْإِمَامِ «و»

عَزَّوَهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (2)

يَعْنِي الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الْجِبْتَ وَ «الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا» (3) وَالْجِبْتُ وَالطَّاغُوتُ فُلَانٌ وَفُلَانٌ وَالْعِبَادَةُ طَاعَةُ النَّاسِ لَهُمْ ثُمَّ قَالَ «أَنْبِئُوا

إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ» (4)

ثُمَّ جَزَاهُمْ فَقَالَ «لَهُمْ

الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (5)

وَ الْإِمَامُ يُشْرُهُمْ بِقِيَامِ الْقَائِمِ وَبِظُهُورِهِ وَبِقَتْلِ أَعْدَائِهِمْ وَبِالْتَّجَاةِ فِي الْآخِرَةِ وَ الْوُرُودِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَى الْحَوْضِ*.

حدیث 28: ابو عبیده حذاء گوید: از امام باقر (علیه السلام) راجع به استطاعت و گفتار مردم در آن باره پرسیدم حضرت این آیه را تلاوت نمود «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَ لِيَذِلَّكَ خَلْقَهُمْ» مردم پیوسته مختلف خواهند بود (از لحاظ عقیده)، «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ» جز آنکه را پروردگارت ترحم کند (و براه حق هدایتش فرماید) «وَ لِيَذِلَّكَ خَلْقَهُمْ» و ایشان را برای ترحم آفریده و فرمود: ای ابا عبیده! مردم در رسیدن به قول حق مختلفند و همگی در هلاکتند (حق را کنار گذاشته از باطل ها پیروی می کنند). من عرضه داشتم: خدا می فرماید: جز کسی را که پروردگارت ترحم کند؟ فرمود: آنها شیعیان ما هستند و خدا آنها را برای رحمتش آفریده، از این رو فرمود: ایشان را برای ترحم آفرید یعنی برای اطاعت امام آفرید و امام همان رحمتی است که خدا می فرماید «وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» رحمت من همه چیز را فرا گرفته آن رحمت علم امامست و علم امام که مأخوذ از علم خداست همه چیز را فرا گرفته آنها شیعیان ما هستند (که علم امام آنها را فرا گرفته و دیگران چون از علم امام بهره نمی نبرند، آنها را فرا نمیگیرد). سپس خدای تعالی فرماید «فَسَأَكْتُبُهَا

لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ» رحمت خدا را برای کسانی که پرهیز کنند مقرر می دارد یعنی از ولایت و طاعت غیر امام پرهیز کنند،

ص: 743

1- . الاعراف آية 157

2- . الاعراف آية 157

3- . الزمر آية 17

4- . الزمر آية 54

5- . يونس آية 64

سپس فرماید «يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند مقصود از او پیغمبر و وصیش و امام قائم است که ایشان را امر به معروف می کنند (زمانی که قیام فرماید) و از منکر بازشان می دارد و منکر کسی است که فضیلت امام را نپذیرد و منکر شود «وَ»

يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ و حلال کند بر ایشان طيبات را (يعنى فرا گرفتن علم را از اهلش) «وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» و حرام کند بر آنها خباثت را (گفته مخالف را) و «وَ»

يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ» بار سنگین را از گردنشان بنهد و آن گناهیانی است که پیش از شناختن فضیلت امام در میانش بودند «وَ»

الْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» و بند و زنجیرهایی که بر دوش داشتند و زنجیرها همان سخنانی است که در باره ترك فضیلت امام می گفتند، در صورتی که به آن دستور نداشتند، پس چون فضیلت امام را شناختند، بار گران را از دوششان بنهد و بار گران همان گناهست. سپس خدای تعالی آنها را معرفی کرده و فرموده است «قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ» کسانی که به او (یعنی به امام) ایمان آورده «وَ عَزَّوَجُودَهُ وَ نَصَّ رُودَهُ وَ اتَّبَعُوا التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أَوْلِيَاكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و گرامیش داشته و یاریش کرده اند و از نوری که همراه او نازل شده پیروی کرده اند ایشان رستگار اند «الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا» یعنی کسانی که از پرستش جبت و طاغوت دوری گزیدند و جبت و طاغوت. فلان و فلان و فلان است و پرستش اطاعت مردم است از ایشان. باز خدا فرماید «أَنْبِئُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَ أَسْأَلُوا لَهُ» به سوی پروردگار خود باز گردید و تسلیم او شوید سپس ایشان را پاداش داده و فرموده «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ» بشارت در زندگی دنیا و آخرت برای آنهاست و امام ایشان را به قیام و ظهور حضرت قائم و به کشته شدن دشمنانشان و نجات در آخرت و ورود بر محمد (صلي الله عليه و آله) و آله الصادقين بشارت دهد. (1)

ص: 744

حديث 30: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ وَ زُرَّارَةَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) أُرْسِلَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِيَّةِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَخَلَا بِهِ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ أَخِي قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) دَفَعَ الْوَصِيَّةَ وَالْإِمَامَةَ مِنْ بَعْدِهِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه

السلام) ثُمَّ إِلَى الْحَسَنِ (عليه السلام) ثُمَّ إِلَى الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَقَدْ قُتِلَ أَبُوكَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَصَلَّى عَلَي رُوحِهِ وَ لَمْ يُوصِ وَأَنَا عَمُّكَ وَ صِنُّ أَبِيكَ وَ وِلَادَتِي مِنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) فِي سِنِّي وَ قَدِيمِي أَحَقُّ بِهَا مِنْكَ فِي حَدَائِكَ فَلَا تُتَارِعْنِي فِي الْوَصِيَّةِ وَالْإِمَامَةِ وَ لَا تُحَاجَّنِي فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَا عَمُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تَدَّعِ مَا لَيْسَ لَكَ بِحَقِّ (إِنِّي

أَعْطَاكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ) « إِنَّ أَبِي يَا عَمُّ صَدَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَوْصَى إِلَيَّ قَبْلَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْعِرَاقِ وَ عَهْدَ إِلَيَّ فِي ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يُسْتَسْهَدَ بِسَاعَةٍ وَ هَذَا سِوَاكَ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) عِنْدِي فَلَا تَتَعَرَّضْ لِهَذَا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ نَقْصَ الْعُمُرِ وَ تَشْتَتَ الْحَالِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الْوَصِيَّةَ وَالْإِمَامَةَ فِي عَقَبِ الْحُسَيْنِ (عليه

السلام) فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ ذَلِكَ فَانْطَلِقْ بِنَا إِلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ حَتَّى تَتَحَاكَمَ إِلَيْهِ وَ نَسَأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه

السلام) وَ كَانَ الْكَلَامُ بَيْنَهُمَا بِمَكَّةَ فَانْطَلَقَا حَتَّى أَتَيَا الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ ابْدَأْ أَنْتَ فَاثْبَهَلْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَلَّهُ أَنْ يُنْطِقَ لَكَ الْحَجَرُ ثُمَّ سَلْ فَاثْبَهَلْ مُحَمَّدٌ فِي الدُّعَاءِ وَ سَأَلَ اللَّهُ ثُمَّ دَعَا الْحَجَرَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه

السلام) يَا عَمُّ لَوْ كُنْتُ وَصِيًّا وَ إِمَاماً

لَأَجَابَكَ قَالَ لَهُ مُحَمَّدٌ فَادْعُ اللَّهَ أَنْتَ يَا ابْنَ أَخِي وَ سَلُهُ فَدَعَا اللَّهَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه)

السلام) بِمَا أَرَادَ ثُمَّ قَالَ أَسْأَلُكَ بِالَّذِي جَعَلَ فِيكَ مِيثَاقَ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِيثَاقَ الْأَوْصِيَاءِ وَ مِيثَاقَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ لَمَّا أَخْبَرْتَنَا مِنَ الْوَصِيَّةِ وَ الْإِمَامَةِ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه)

السلام) قَالَ فَتَحَرَّكَ الْحَجْرُ حَتَّى كَادَ أَنْ يَزُولَ عَنْ مَوْضِعِهِ ثُمَّ أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ الْوَصِيَّةَ وَ الْإِمَامَةَ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه)

السلام) إِلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَ ابْنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ فَانصَرَفَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ هُوَ يَتَوَلَّى عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام).

حدیث 30: امام باقر (عليه السلام) فرمود: چون امام حسین (عليه السلام) به شهادت رسید، محمد بن حنفیه، شخصی را نزد علی ابن الحسین (عليه السلام) فرستاد که تقاضا کند با او در خلوت سخن گوید سپس (در خلوت) به آن حضرت چنین گفت: پسر برادرم! می دانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وصیت و امامت را پس از خود به امیر المؤمنین (عليه السلام) و بعد از او به امام حسن (عليه السلام) و بعد از او به امام حسین (عليه السلام) واگذاشت. و پدر شما رضی الله عنه و صلی علی روحه کشته شد و وصیت هم نکرد، و من عموی شما و با پدر شما از یک ریشه ام و زاده علی (عليه السلام) هستم. من با این سن و سبقتی که بر شما دارم از شما که جوانید به امامت سزاوارترم، پس با من در امر وصیت و امامت منازعه و مجادله مکن. علی بن الحسین (عليه السلام) به او فرمود: ای عمو از خدا پروا کن و چیزی را که حق نداری ادعا مکن. «إِنِّي أَعْطُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (1)

من تو را موعظه می کنم که مبادا از جاهلان باشی، ای عمو! همانا پدرم صلوات الله علیه پیش از آنکه رهسپار عراق شود به من وصیت فرمود و ساعتی پیش از شهادتش نسبت به آن با من عهد کرد. و این سلاح رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است نزد من، متعرض این امر مشو که می ترسم عمرت کوتاه و حالت پریشان شود. همانا خدای عز و جل امر وصیت و امامت را در

ص: 746

نسل حسین (علیه السلام) مقرر داشته است، اگر می خواهی این مطلب را بفهمی بیا نزد حجر الاسود رویم و محاکمه کنیم و این موضوع را از او پرسیم، امام باقر (علیه السلام) فرماید: این گفتگو میان آنها در مکه بود، پس رهسپار شدند تا به حجر الاسود رسیدند، علی بن الحسین (علیه السلام) به محمد بن حنفیه فرمود: تو اول به درگاه خدای عز و جل تضرع کن و از او بخواه که حجر را برای تو به سخن آورد و سپس پرس. محمد با تضرع و زاری دعا کرد و از خدا خواست و سپس از حجر خواست (که به امامت او سخن گوید) ولی حجر جوابش نگفت. علی بن الحسین (علیه السلام) فرمود: ای عمو اگر تو وصی و امام می بودی جوابت می داد. محمد گفت: پسر برادر تو دعا کن و از خدا بخواه، علی بن الحسین (علیه السلام) به آنچه خواست دعا کرد، سپس فرمود: از تو می خواهم به آن خدائی که میثاق پیغمبران و اوصیاء و همه مردم را در تو قرار داده است (همه باید نزد تو آیند و به پیمان خدا وفا کنند) که وصی و امام بعد از حسین (علیه السلام) را به ما خبر ده. حجر جنبشی کرد که نزدیک بود از جای خود کنده شود، سپس خدای عز و جل او را به سخن آورد و به زبان عربی فصیح گفت: بار خدایا همانا وصیت و امامت بعد از حسین بن علی (علیه السلام) به علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) پسر فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیده است. پس محمد بن علی (محمد حنفیه) برگشت و پیرو علی بن الحسین (علیه السلام) گردید. (1) حدیث 31: ابْنُ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ قَالَ: كُنْتُ

وَأَقْفَاءً وَحَجَجْتُ عَلِيَّ تِلْكَ الْحَالِ فَلَمَّا صِرْتُ بِمَكَّةَ حَلَاجَ فِي صَدْرِي شَيْءٌ فَتَعَلَّقْتُ بِالْمُلْتَزِمِ ثُمَّ قُلْتُ اللَّهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ طَلِبَتِي وَإِرَادَتِي فَأَرْشِدْنِي إِلَى خَيْرِ الْأَدْيَانِ فَوَقَّعَ فِي نَفْسِي أَنْ آتِيَ الرَّضَا (علیه)

السلام) فَأَتَيْتُ الْمَدِينَةَ فَوَقَّعْتُ بِبَابِهِ وَقُلْتُ لِلْغُلَامِ قُلْ لِمَوْلَاكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ بِالْبَابِ قَالَ فَسَمِعْتُ نِدَاءَهُ وَهُوَ يَقُولُ ادْخُلْ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْمُغْبِرَةِ ادْخُلْ

ص: 747

فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ قَالَ لِي قَدْ أَجَابَ اللَّهُ دُعَاءَكَ وَهَذَاكَ لِذِينِهِ فَقُلْتُ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَآمِنُهُ عَلَى خَلْقِهِ.

حدیث 31: عبد الله بن مغیره گوید: من واقفی مذهب بودم که بحج رفتم، چون به مکه رسیدم، شکی در دلم (راجع به مذهبیم) خلجان کرد، خودم را بملتزم (دیوار مقابل در خانه کعبه که مستحب است سینه و شکم را به آنجا چسبانیده و دعا کنند) چسبانیدم و گفتم: بار خدایا تو خواست و اراده مرا می دانی، مرا به بهترین دین ها هدایت کن، پس در دلم افتاد که خدمت حضرت رضا (علیه السلام) بروم. به مدینه آمدم و در خانه حضرت ایستادم و به غلامش گفتم: به آقایت بگو، مردی از اهل عراق بر در خانه است، آنگاه صدای حضرت را شنیدم که می فرمود: بفرما ای عبد الله بن مغیره! بفرما ای عبد الله بن مغیره، چون مرا دید فرمود: خدا دعایت را اجابت کرد و به دین خودش هدایت فرمود: من عرضه داشتم: گواهی دهم که توئی حجت خدا و امین او بر خلقش. (1)

به دنبال حق باشید هر چند که گروه اندکی پیرو حق باشند اَلْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ عَنْ نَصْرِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَهْضَمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) وَمَا جَمَاعَةُ الْمُسْلِمِينَ قَالَ جَمَاعَةُ أَهْلِ الْحَقِّ وَإِنْ قَلُّوا.

ص: 748

امالی صدوق: علی بن جعفر از برادر خود موسی بن جعفر (علیه السلام) از آباء گرام خویش نقل کرد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر که از اجتماع مسلمانان کناره گیری کند از تعهد اسلامی خارج شده عرضه داشتند: اجتماع مسلمین چیست؟ فرمود: اجتماع طرفداران حق، گر چه عده آنها کم باشد. (1)

أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الثُّعْمَانِ، قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدِ الْمَرَاغِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ أَحْمَدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَاهَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا زَكَرِيَّا بْنُ يَحْيَى السَّاجِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا بُنْدَارُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ سَهْلِ بْنِ الْجَرَّاحِ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ تَمِيمِ الدَّارِيِّ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

الدِّينُ نَصِيحَةٌ قِيلَ لِمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَكِتَابِهِ وَ لِلْأئِمَّةِ فِي الدِّينِ وَ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ

امالی طوسی: تمیم رازی گفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: دین خیر خواهی است عرضه داشتند: خیر خواهی برای چه کس؟ فرمود: خیر خواهی برای خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کتاب خدا و ائمه دین و اجتماع مسلمین. (2)

دعای حضرت ابراهیم عن ابی جعفر (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَعْزِ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَنْتُمْ أَوْلَيْكُمْ وَ نُظَرَ أَوْلَيْكُمْ إِنْ تَمَّا مَثَلَكُمْ فِي النَّاسِ مَثَلُ الشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي الثَّوْرِ الْأَسْوَدِ أَوْ مَثَلُ الشَّعْرَةِ السُّودَاءِ فِي الثَّوْرِ الْأَبْيَضِ يَنْبَغِي

ص: 749

1- . الأمالي (للصدوق) النص 333 المجلس الرابع و الخمسون ح 3

2- . الأمالي (للطوسي) النص 84 [3] المجلس الثالث ح 34

لِلنَّاسِ أَنْ يَحُجُّوا هَذَا الْبَيْتَ وَيُعَظِّمُوهُ لِتَعْظِيمِ اللَّهِ إِيَّاهُ وَأَنْ يَلْقَوْنَا حَيْثُ كُنَّا نَحْنُ الْأَدِلَاءُ عَلَى اللَّهِ

از حضرت باقر(علیه السلام) در روایت عیاشی نقل شده که فرمود «فَجَعَلَ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»(1) در دعای خود، ابراهیم(علیه السلام) همه مردم را در نظر نگرفته بود بلکه شما و هم عقیده های شما مورد نظر ابراهیم(علیه السلام) هستیید مثل شما مانند موی سفیدی است بر پیکر گاوی سیاه. (2)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: دَخَلَ قَتَادَةُ بْنُ دِعَامَةَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَقَالَ يَا قَتَادَةُ أَنْتَ فِقِيهُ أَهْلِ الْبَصْرَةِ فَقَالَ هَكَذَا يَزْعُمُونَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) بَلَّغْنِي أَنْكَ تَفَسَّرَ الْقُرْآنَ فَقَالَ لَهُ قَتَادَةُ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِلَعَلِّ تَفَسَّرُ أَمْ بِجَهْلٍ قَالَ لَا بِلَعَلِّ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَإِنْ كُنْتَ تَفَسَّرُهُ بِعِلْمٍ فَأَنْتَ أَنْتَ وَ أَنَا أَسْأَلُكَ قَالَ قَتَادَةُ سَلْ قَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي سَبَا «وَقَدْ زَنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّامًا آمِنِينَ» فَقَالَ قَتَادَةُ ذَلِكَ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ بِزَادٍ حَلَالٍ وَ رَاحِلَةً وَ كِرَاءٍ حَلَالٍ يُرِيدُ هَذَا الْبَيْتَ كَانَ آمِنًا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) نَشَدْتُكَ اللَّهُ يَا قَتَادَةُ هَلْ تَعْلَمُ أَنَّهُ قَدْ يَخْرُجُ الرَّجُلُ مِنْ بَيْتِهِ بِزَادٍ حَلَالٍ وَ رَاحِلَةً وَ كِرَاءٍ حَلَالٍ يُرِيدُ هَذَا الْبَيْتَ فَيَقْطَعُ عَلَيْهِ الطَّرِيقَ فَتَذْهَبُ نَفَقَتُهُ وَ يُصَدِّ رَبُّ مَعَ ذَلِكَ صَدْرَةَ فِيهَا اجْتِيَا حُهُ قَالَ قَتَادَةُ اللَّهُمَّ نَعَمْ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَيَحْكُ يَا قَتَادَةُ إِنْ كُنْتَ إِنَّمَا فَسَّرْتَ الْقُرْآنَ مِنْ تَلْفَاءِ نَفْسِكَ فَقَدْ هَلَكْتَ وَ أَهْلَكْتَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ أَخَذْتَهُ مِنَ الرِّجَالِ فَقَدْ هَلَكْتَ

ص: 750

1- . ابراهیم آیه 37

2- . تفسیر العیاشی ج 2 ص 233 [سورة ابراهیم(14): الآيات 37 الى 38] ح 39

وَأَهْلَكَ وَيَحْكُ يَا قَتَادَةَ ذَلِكَ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ بِزَادٍ وَرَاحِلَةٍ وَكِرَاءٍ حَلَالٍ يَرُومُ هَذَا الْبَيْتَ عَارِفًا بِحَفْنَا يَهْوَانَا قَلْبُهُ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 «فَأَجْعَلْ أَقْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» وَلَمْ يَعْنِ الْبَيْتَ فَيَقُولَ إِلَيْهِ فَتَحْنُ وَاللَّهِ دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) الَّتِي مَنْ هَوَانَا قَلْبُهُ قُبِلَتْ حَاجَتُهُ وَإِلَّا
 فَلَا يَا قَتَادَةَ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ كَانَ آمِنًا مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ قَتَادَةُ لَا جَرَمَ وَاللَّهِ لَا فَسَّرْتُهَا إِلَّا هَكَذَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام)
 وَيَحْكُ يَا قَتَادَةَ إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ.

زید بن شحام گوید: قتاده بن دعامة (یکی از مفسران و بزرگان اهل سنت) خدمت امام باقر (علیه السلام) شرفیاب شد حضرت بدو فرمود:
 ای قتاده توفیقیه اهل بصره هستی؟ عرضه داشت: چنین پندارند. امام باقر (علیه السلام) بدو فرمود: شنیده ام تو قرآن تفسیر می کنی؟ قتاده
 آری. امام باقر (علیه السلام) از روی دانش و علم تفسیر می کنی یا ندانسته؟ قتاده عرضه داشت: بلکه از روی علم و دانش. امام باقر (علیه
 السلام) اگر چنان است که از روی علم تفسیر می کنی بجا است و من از تو پرسش کنم. قتاده پرسید؟ امام (علیه السلام) فرمود: مرا خبر
 ده از گفتار خدای عز و جل که در سوره سبأ فرماید (وَ

قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ) (1) و معین کردیم در آن (منزل گاهها) برای سیر، و در آنجا شب ها و روزها به آسودگی و
 ایمنی راه سپارید، قتاده عرضه داشت: این آیه در باره آن کسی است که از خانه خویش به قصد زیارت خانه کعبه بیرون آید و توشه حلال با
 خود بردارد و مرکب حلال داشته باشد و کرایه اش را از مال حلال بپردازد چنین کسی در امان و آسایش است تا به خانه خویش باز گردد.
 امام باقر (علیه السلام) فرمود: ای قتاده تو را به خدا سوگند دهم آیا می دانی که بسا مردی با توشه حلال و مرکب و کرایه حلال از خانه
 خویش به قصد زیارت کعبه بیرون آید و دچار راهزن گردد و خرجی راه او را ببرند و از این گذشته کتکی هم به او بزنند که به حد هلاکت

ص: 751

رسد؟ قتاده عرضه داشت: آری به خدا، امام (علیه السلام) فرمود: وای بر تو ای قتاده اگر تو قرآن را پیش خود تفسیر می کنی که خود هلاک گشته و دیگران را به هلاکت رسانده ای و اگر از دهان مردم گرفته ای باز هم هلاک شده و مردم را نیز به هلاکت رسانده ای، وای بر تو ای قتاده این آیه در باره کسی است که از خانه خویش با توشه و مرکب و کرایه حلال به آهنگ زیارت خانه کعبه بیرون آید و به حق ما عارف و آشنا باشد و در دل هوای ما داشته باشد چنانچه خدای عز و جل فرموده «فَأَجْعَلُ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (1) و دل های مردم را چنان کن که هوای آنها کند و مقصود ابراهیم (علیه السلام) اشتیاق به خانه نبود و گر نه می گفت: هوای آن کند (و اینکه إِلَيْهِمْ كَفَتْ و ضمیر را جمع آورد مقصودش ما بوده ایم) پس مائیم به خدا سوگند! مقصود از ادعای ابراهیم (علیه السلام) که هر که در دل هوای ما کند حج او پذیرفته است و گر نه نه، ای قتاده! هر که چنین باشد از عذاب جهنم در روز قیامت در امان و آسوده است (و این است مقصود از آسایش و امان در آیه). قتاده گفت: من هم دیگر این آیه را جز بدین نحو (که شما تفسیر فرمودی) تفسیر نخواهم کرد. امام (علیه السلام) فرمود: وای بر تو ای قتاده قرآن را تنها آن کسی می فهمد که بدو خطاب شده. (2)

حق

امام و مأموم بر گردن یکدیگر

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدْقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) لَا تَخْتَانُوا وَلَا تَكْتُمُوا وَلَا تَغُشُّوا هُدَانَكُمْ وَلَا تَجْهَلُوا أَيْمَتَكُمْ وَلَا تَصَدَّعُوا عَنْ حَبْلِكُمْ «فَتَفْشَلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ» (3)

وَ عَلَى هَذَا فَلْيَكُنْ تَأْسِيسُ أُمُورِكُمْ وَالزُّمُومَا

ص: 752

1- . ابراهیم آیه 37

2- . الکافی ج 8 ص 311 باب حدیث الفقهاء و العلماء ح 485

3- . [3] الانفال آیه 46

هَذِهِ الطَّرِيقَةُ فَإِنَّكُمْ لَوْ عَايَنْتُمْ مَا عَايَنَ مَنْ قَدْ مَاتَ مِنْكُمْ مِمَّنْ خَالَفَ مَا قَدْ تَدْعُونَ إِلَيْهِ لَبَدَرْتُمْ وَخَرَجْتُمْ وَ لَسَمِعْتُمْ وَ لَكِنَّ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ مَا قَدْ عَايَنُوا وَ قَرِيباً مَا يُطْرَحُ الْحِجَابُ.

کافی: ابن صدقه از حضرت صادق(علیه السلام) نقل کرد که امیر المؤمنین(علیه السلام) فرمود: مبدا خیانت به رهبران خود بکنید و مبدا دورنگی با راهنمایان خود بنمائید. مبدا در شناسائی ائمه خود راه جهل و نادانی را از پیش بگیریید (یا به آنها نسبت جهل و نادانی دهید) مبدا از دست آویز خود (کتاب و اهل بیت) دست فرا دارید و متفرق شوید که موجب ضعف شما می شود و عظمتتان از بین می رود باید بر همین اساس کار خود را بنا نهید و این راه را از پیش بگیریید. زیرا اگر شما مشاهده می کردید آنچه را که فوت شدگان کرده اند از اشخاصی که مخالفت با ائمه و پیشوایان دینی خود کردند در همین مطالبی که اینک شما به آن دعوت می شوید با عجله می آمدید و برای جنگ آماده می شدید و حرف امام(علیه السلام) خود را می شنیدید اما شما اکنون نمی توانید مشاهدات آن ها را ببینید به زودی حجاب برای شما نیز برداشته می شود. (1)

ص: 753

پیشوایان ستمگر در قرآن «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (1)

روزي که هر گروه از مردم را به امام و پیشوایشان بخوانیم

«وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (2)

(به یادآور) آن گاه که خداوند ابراهیم را به اموری آزمایش کرد و او از پس آن ها برآمد پس خداوند فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم، ابراهیم (علیه السلام) عرضه داشت: آیا این امر به فرزندان من نیز می رسد خداوند فرمود: (به صالحین از ایشان آری) ولی هرگز پیمان من ستم کاران را شامل نخواهد بود.

«فَأَخَذْنَا وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ. وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ. وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ».

ما فرعون و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود، ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که دعوت به آتش جهنم (و ضلالت) کنند ایشان در قیامت یاری نمی شوند، و به دلیل کارهایشان آنان را لعنت کرده و در آخرت از زشتکاران قرار دادیم (3)

حدیث 1: رَوَى عَلِيُّ بْنُ أُسْدٍ بَاطِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «أَلِلَّهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» قَالَ أَيُّ إِمَامٍ هُدَى مَعَ إِمَامٍ ضَلَّالٍ فِي قَرْنٍ وَاحِدٍ

حدیث 1: کنز الفوائد: ابو الجارود از امام صادق (علیه السلام) در باره آیه «أَلِلَّهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (4) فرمود: یعنی آیا ممکن است امام هادی و رهبری واقعی با امام و پیشوائی گمراه کننده در يك زمان از جانب خدا باشند. (5)

ص: 755

1- . الاسراء (17)، آیهی 71.

2- . بقره آیهی 124.

3- . قصص آیات 40 تا 42.

4- . [4] النمل آیه 61

5- . [5] تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 397 [سورة النمل (27): آیه 61]

حدیث 2: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ» يَعْنِي مَوْلَاةَ فُلَانٍ وَفُلَانَ ظَالِمِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) «فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» يَعْنِي الَّتِي عَمِلُوهَا مِنَ الْخَيْرِ

حدیث 2: تفسیر قمی: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ» (1) به واسطه پیروی از آنچه موجب خشم خدا است یعنی مولات فلان و فلان ستمگران به امیرالمؤمنین (عليه السلام) «فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» (2) یعنی کارهای نیک آنها از میان رفت. (3)

حدیث 3: عَنِ الْعِمْدَةِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ أَبِي وَهَبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرْنَا بِهَا قُلُوبَنَا» قَالَ لَا تَعْلَمُونَ» قَالَ فَهَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَهُ بِالزَّانَا وَشَرِبِ الْخَمْرِ أَوْ شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْمَحَارِمِ قُلْتُ لَا قَالَ فَمَا هَذِهِ الْفَاحِشَةُ الَّتِي يَدَّعُونَ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَهُمْ بِهَا قُلْتُ اللَّهُ أَعْلَمُ وَوَلِيُّهُ قَالَ فَإِنَّ هَذَا فِي أَوْلِيَاءِ أُمَّةِ الْجَوْرِ ادَّعَوْا أَنَّ اللَّهَ أَمَرَهُمْ بِالْإِيتِمَامِ بِهِمْ فَردَّ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَأَخْبَرَهُمْ أَنَّهُمْ قَالُوا عَلَيْهِ الْكُذِبَ وَسَمَّى ذَلِكَ مِنْهُمْ فَاحِشَةً

حدیث 3: محمد بن منصور گفت: از امام صادق (عليه السلام) راجع به این آیه پرسیدم: «وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرْنَا بِهَا قُلُوبَنَا» قَالَ لَا تَعْلَمُونَ» (4) حضرت فرمود: آیا دیده ای يك نفر بگوید خدا او را به زنا و شرابخواری واداشته یا یکی دیگر از حرام ها. عرضه داشتیم: نه فرمود: پس این کار زشتی که مدعی هستند خدا به آنها امر کرده، چیست؟ عرضه داشتیم: خدا و امام (عليه السلام) بهتر می دانند. فرمود: این مطلب مربوط به پیروان پیشوایان ستمگر است که ادعا می کنند خدا به آنها امر کرده پیرو ایشان باشند خداوند آنها را در این ادعا

ص: 756

1- [1] محمد آیه 28

2- [2] محمد آیه 28

3- [3] تفسیر القمی ج 2 ص 309 [سورة محمد(47): الآيات 20 الى 38]

4- [4] الاعراف آیه 28

رد می کند و اطلاع می دهد که آنها دروغ بر خدا بسته اند این کار آنها را فاحشه نام نهاده. (1)

حدیث 4: عَنِ الْجَعَابِيِّ عَنْ أَبِي عُقْدَةَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ بَكْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ كَثِيرِ بْنِ طَارِقٍ قَالَ:

سَأَلْتُ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا» فَقَالَ زَيْدٌ يَا كَثِيرُ إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ وَ لَسْتُ بِمُتَّهِمٍ وَإِنِّي خَائِفٌ عَلَيْكَ أَنْ تَهْلِكَ إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ بِاتِّبَاعِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ إِلَى النَّارِ فَيَدْعُونَ بِالْوَيْلِ وَ الثُّبُورِ وَ يَقُولُونَ لِإِمَامِهِمْ يَا مَنْ أَهْلَكَنَا فَهَلُمَّ الْآنَ فَحَلِّصْنَا نَا مِمَّا نَحْنُ فِيهِ فَعِنْدَهَا يُقَالُ لَهُمْ «لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا» ثُمَّ قَالَ زَيْدٌ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَ أَصْحَابُكَ فِي الْجَنَّةِ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَ أَصْحَابُكَ فِي الْجَنَّةِ.

حدیث 4: کثیر بن طاریق گفت از زید بن علی (علیه السلام) راجع به آیه: «لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا» (2) پرسیدم. زید گفت کثیر! تو مردی صالح هستی و گمان بد در باره ات برده نمی شود من می ترسم هلاک شوی، روز قیامت خداوند دستور می دهد اشخاصی که پیرو پیشوایان ستمگر بوده اند به طرف جهنم رهسپار شوند فریاد اوایلا و مرگ بر این زندگی آنها بلند می شود به امام و پیشوای خود می گویند تو که ما را به هلاکت رساندی اینک بیا و ما را از این گرفتاری نجاتده در این موقع به آنها گفته می شود «لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا» امروز يك بار تقاضای مرگ نکنید بلکه تقاضای مرگ های زیاد کنید. (3)

ص: 757

1- [1] الكافي ج 1 ص 373 باب من ادعى الإمامة و ليس لها بأهل و من جحد الأئمة أو بعضهم و من أثبت الإمامة لمن ليس لها بأهل

ح 9

2- [2] الفرقان آية 14

3- [1] الأمامي للطوسي ص 139 [5] المجلس الخامس ح 37

حدیث 5: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» قَالَ هُمْ أَوْلِيَاءُ فَلَا تَزِلُّونَ بِهِم مَعَالِدُكَ أَنْ تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ لَهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» وَكَذَلِكَ قَالَ «وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا» الْآيَةَ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) هُمْ وَاللَّهُ يَا جَابِرُ أُمَّةُ الظُّلْمِ وَأَشْيَاعُهُمْ*

حدیث 5: عمرو بن ثابت از جابر نقل کرد که امام باقر (علیه السلام) در باره آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» (1)

فرمود: آنها دوستداران فلان و فلان هستند که ایشان را امام خود قرار داده در مقابل امام و پیشوائی که خدا برای آنها قرار داده. همچنین در باره آیه «وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا» (2) فرمود: به خدا قسم جابر این آیه مربوط به ائمه و فرمانروایان ستمگر و پیروان ایشان است. (3)

حدیث 6: عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «اتَّخِذُوا

أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» قَالَ أَمَا إِنَّهُمْ لَمْ يَتَّخِذُوهُمْ آلِهَةً إِلَّا أَنَّهُمْ أَحَلُّوا حَلَالاً فَآخَذُوا بِهِ وَحَرَّمُوا حَرَاماً فَآخَذُوا بِهِ فَكَانُوا أَرْبَابَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَدِيث 6: تفسیر عیاشی: جابر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد در باره آیه «اتَّخِذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» (4) پرسیدم: فرمود کشیش ها و رهبان های

ص: 758

1- [2] البقرة آية 165

2- [3] البقرة آية 165 الي 167

3- [4] الكافي ج 1 ص 374 باب من ادعى الإمامة وليس لها أهل ومن جحد الأئمة أو بعضهم ومن أثبت الإمامة لمن ليس لها أهل ح 11

4- [1] التوبة آية 31

خود را به عنوان خدا نگرفتند جز اینکه آنها چیزی را حلال کردند آنها پیروی نمودند و چیزی را حرام نمودند قبول کردند در نتیجه کشیش ها و رهبان ها ارباب و خدایان آنها شدند در مقابل خدا. (1)

حدیث 7: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» قَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا صَامُوا لَهُمْ وَلَا صَلَّوْا وَلَكِنَّهُمْ أَحَلُّوا لَهُمْ حَرَامًا وَحَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَلَالًا فَاتَّبَعُوهُمْ وَقَالَ فِي خَبَرٍ آخَرَ عَنْهُ وَلَكِنَّهُمْ أَطَاعُوهُمْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ

حدیث 7: در روایت ابو بصیر می فرماید: امام صادق (علیه السلام) درباره آیه «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (2) فرمودند: برای آنها روزه نگرفتند و نه نماز خواندند ولی در حلال و حرام پیرو آنها شدند. در خبر دیگر می فرماید: اطاعت کردند از آنها در معصیت خدا. (3)

حدیث 8: مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَالِكِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ يُونُسَ عَنِ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ ابْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَقَدْ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «و

وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» يَا أَبَانُ هَلْ تَرَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ طَلَبَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ وَهُمْ يَعْبُدُونَ مَعَهُ إِلَهًا غَيْرَهُ قَالَ قَدَّتْ فَمَنْ هُمْ قَالَ وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا بِالْإِلَهِمِ الْأَوَّلِ وَلَمْ يَرُدُّوا إِلَى الْأَسْحَرِ مَا قَالَ فِيهِ الْأَوَّلُ وَهُمْ بِهِ كَافِرُونَ. حدیث 8: سعدان بن مسلم از ابن تغلب نقل کرد: که امام صادق (علیه السلام) این آیه را تلاوت نمود «و وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (4) فرمود ابان آیا گمان می کنی خداوند از مشرکین (که خدای دیگری را می پرستند در

ص: 759

1- [2]. تفسیر العیاشی ج 2 ص 86 [سورة التوبة (9): آية 31] ح 47

2- [3]. التوبة آية 31

3- [4]. تفسیر العیاشی ج 2 ص 86 [سورة التوبة (9): آية 31] ح 45

4- [1]. فصلت آية 6 و 7

مقابل خدا) درخواست زکات می کند؟ عرضه داشتیم: پس منظور چه اشخاصی است فرمود: وای بر مشرکین آنهائی که شرک به امام اول آوردند و برنگردانند به آخر آنچه در این باره امام اول گفته بود و آنها به او کافرنند. (1)

حدیث 10: بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ:

سَأَلْتُ عَبْدًا صَالِحًا (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّمَا

حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» قَالَ فَقَالَ إِنَّ الْقُرْآنَ لَهُ ظَاهِرٌ وَ بَاطِنٌ فَجَمِيعُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَهُوَ حَرَامٌ عَلَى ظَاهِرِهِ كَمَا هُوَ فِي الظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنِ مِنْ ذَلِكَ أَيْمَةُ الْجَوْرِ وَ جَمِيعُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ فَهُوَ حَلَالٌ وَ هُوَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أَيْمَةُ الْهُدَى

حدیث 10: محمد بن منصور: از مولایم حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) درباره این آیه پرسیدم «إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (2) حضرت فرمود: قرآن دارای ظاهر و باطن است آنچه حرام نموده حرام است چنانچه ظاهر قرآن شاهد است و باطن همان طور است آنچه در ظاهر و باطن است از آن حرام ها، پیشوایان جورند و آنچه خداوند در قرآن حلال نموده حلال است در ظاهر و باطن، از جمله حلال ها ائمه هدی هستند. (3) حدیث 11: مُحَمَّدٌ

بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَمْرِو بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ: إِنَّ الْأَيْمَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِمَامَانِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «وَ جَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» لَا بِأَمْرِ النَّاسِ يُقَدِّمُونَ أَمْرَ اللَّهِ قَبْلَ أَمْرِهِمْ وَ حُكْمَ اللَّهِ قَبْلَ حُكْمِهِمْ قَالَ «وَ جَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» يُقَدِّمُونَ أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَمْرِ اللَّهِ وَ حُكْمَهُمْ قَبْلَ حُكْمِ اللَّهِ وَ يَأْخُذُونَ بِأَهْوَائِهِمْ خِلَافَ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. **

ص: 760

1- [2]. تفسير القمي ج 2 ص 262 [سورة فصلت(41): الآيات 1 الى 7] ، دعائم الإسلام ج 1 ص 247 ذكر التغليظ في منع الزكاة أهلها

2- . الاعراف آية 33

3- . الغيبة للنعماني ص 131 ما روي فيمن شك في واحد من الأئمة أو بات ليلة لا يعرف فيها إمامه أو دان الله عز وجل بغير إمام منه

حدیث 11: امام صادق (علیه السلام): امامان در کتاب خدا به دو گونه اند خدای تعالی می فرماید «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (1) و آنانرا امام قرار دادیم که به امر ما هدایت می کنند نه به امر مردم، امر و حکم خدا را بر حکم و امر خودشان مقدم می دارند. و فرمود «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (2) و آنان را امامانی قرار دادیم که به آتش دعوت می کنند امر و حکم خویش را بر امر و حکم خدا مقدم می دارند و بر خلاف کتاب خدای تعالی و به هوای نفس خویش اخذ می کنند. (3)

حدیث 12: وَعَنْ الْكَاظمِ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ» الَّذِينَ فَجَرُوا فِي حَقِّ الْأُمَّةِ وَاعْتَدُوا عَلَيْهِمْ

حدیث 12: امام کاظم (علیه السلام) در تفسیر آیه «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ» (4) نه چنان است بلکه نامه بدکاران در سجین است فرمودند: درباره کسانی است که فسق و فجور کردند و غصب کردند حق ائمه را و گرفتند منصب ایشان را. (5) حدیث 13: وَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا دَعَوْهُمْ إِلَى عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ دَعَوْهُمْ إِلَى عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ مَا أَجَابُوهُمْ وَ لَكِنَّهُمْ أَحَلُّوا لَهُمْ حَلَالًا وَ حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَرَامًا فَكَانُوا يَعْبُدُونَهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

حدیث 13: ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: آنها را دعوت به عبادت خود نکردند اگر چنین دعوتی می کردند نمی پذیرفتند ولی چیزی را حلال و چیزی را حرام نمودند و ایشان از راهی که توجه نداشتند عبادت آنها را می کردند. (6)

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي وَهْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَبْدًا صَالِحًا (علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» قَالَ فَقَالَ إِنَّ الْقُرْآنَ لَهُ ظَهْرٌ

ص: 761

- 1- . الانبياء (21)، آیه 73.
- 2- . القصص (28)، آیه 41.
- 3- . الکافی ج 1 ص 216 کتاب الحجة باب أَنَّ الْأُمَّةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِمَامَانِ إِمَامٌ يَدْعُو إِلَى اللَّهِ وَإِمَامٌ يَدْعُو إِلَى النَّارِ ح 2.
- 4- . سوره مطففين آیه 7
- 5- . مناقب آل أبي طالب عليهم السلام ج 4 ص 284 فصل المقدمات
- 6- . [1] تفسیر العیاشی ج 2 ص 87 [سورة التوبة (9): آية 31] ح 48

وَبَطْنٌ فَجَمِيعٌ مَّا حَرَّمَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ هُوَ الظَّاهِرُ وَالبَّاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أئِمَّةُ الجُورِ وَ جَمِيعٌ مَّا أَحَلَّ اللَّهُ تَعَالَى فِي الكِتَابِ هُوَ الظَّاهِرُ وَالبَّاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أئِمَّةُ الحَقِّ.

محمد بن منصور گوید: از عبد صالح (حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام)) در باره قول خدای عز و جل «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (1) بگو پروردگار من همه کارهای زشت را، آنچه عیانست و آنچه نهانست حرام کرده پرسیدم، فرمود: برای قرآن ظاهری است و باطنی، همه آنچه را خدا در قرآن حرام کرده ظاهر قرآنست و باطن آن پیشوایان جورند و همه آنچه را خدای تعالی در قرآن حلال فرموده ظاهر قرآنست و باطن آن پیشوایان حق (ائمہ معصومین) هستند. (2) عاقبت پیشوایان باطل و ستمکار

حدیث 14: وَ إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) يَقُولُ يُوتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالإِمَامِ الْجَائِرِ وَ لَيْسَ مَعَهُ نَصِيرٌ وَ لَا عَازِرٌ فَيُلْقَى فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيَدُورُ فِيهَا كَمَا تَدُورُ الرَّحَى ثُمَّ يَرْتَبُّ فِي قَعْرِهَا

حدیث 14: امیرالمؤمنین (علیه السلام): از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمودند: روز رستاخیز پیشوای ستم پیشه را بیاورند و او را نه یاری بُود، نه کسی که از سوی او پوزش خواهد و او را شفاعت کند پس او را در آتش افکنند و در آن همچون سنگ آسیاب می چرخد سپس او را در ته دوزخ به زنجیر کشند. (3)

ص: 762

1- [2] الاعراف آیه 33

2- [3] الكافي ج 1 ص 374 بَابُ مَنْ ادَّعَى الإِمَامَةَ وَ لَيْسَ لَهَا بِأَهْلٍ وَ مَنْ جَحَدَ الأئِمَّةَ أَوْ بَعْضَهُمْ وَ مَنْ أثَبَّتْ الإِمَامَةَ لِمَنْ لَيْسَ لَهَا بِأَهْلٍ ح 10

3- . نهج البلاغه: خطبه 164 للصبحي صالح.

حدیث 15: قال الجواد (علیه السلام): مَنْ اسْتَرَشَدَ غَوِيًّا ضَلَّ

حدیث 15: امام جواد (علیه السلام): هر که از یک گمراه راه را بجوید، گمراه خواهد شد. (1)

حدیث 16: المحاسن ابن عیسی عن البرزنجی عن ابن بکیر عن محمد بن مسلم قال سمعت أبا جعفر (علیه السلام) يقول أزع من قواصم الظهر منها إمام يعصي الله ويطاع أمره حدیث 16: محمد بن مسلم گفت از امام باقر (علیه السلام) شنیدم می فرمود: چهار چیز کمر شکن است یکی از آنها امامی است که مخالفت با خدا می کند و معصیتکار است اما مردم از او پیروی می کنند. (2)

حدیث 17: عن الثمالي عن علي بن الحسين (علیه السلام) عليهما السلام قال:

ثَلَاثَةٌ لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ... وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ مَنْ جَحَدَ إِمَامًا مِنَ اللَّهِ أَوْ ادَّعَى إِمَامًا مِنْ غَيْرِ اللَّهِ أَوْ زَعَمَ أَنَّ لِفُلَانٍ وَفُلَانٍ فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبًا

حدیث 17: ثمالی از حضرت زین العابدین (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: سه دسته هستند که خدا در قیامت با آنها سخن نمی گوید و نه به ایشان توجهی دارد و گرفتار عذابی دردناکند، هر که منکر امام به حق باشد یا ادعای امامت به ناحق کند، یا گمان کند که فلانی و فلانی در اسلام بهره و نصیبی داشته اند. (3)

ص: 763

1- . عیون الحکم و المواعظ للیثی ص 453 الفصل الأول بالمیم المفتوحة بلفظ من ح 8147

2- . المحاسن ج 1 ص 94 باب 18 عقاب من اتخذ إماما من الله إمام جور ح 50

3- . الخصال ج 1 ص 106 باب ثلاثة لا يكلمهم الله عز وجل يوم القيامة... ولا ينظر إليهم... ولا يزكيهم ولهم عذاب أليم... ح 69

حدیث 18: مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا قَالَ هِيَ الْوَلَايَةُ حَدِيثُ 18: ابو حمزة از ابو بصير نقل می کند که از امام باقر (عليه السلام) پرسیدم راجع به آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» حضرت فرمود: آن فطرت ولایت ائمه (عليهم اسلام) است. (1)

حدیث 19: كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهرة رَوَى عَنْ عَمْرٍو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَ

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» يَعْنِي بَنِي أُمَيَّةَ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ثُمَّ قَالَ «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ» يَعْنِي الرَّسُولَ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ يَحْمِلُونَ عِلْمَ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ «وَمَنْ حَوْلَهُ» يَعْنِي الْمَلَائِكَةَ «يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا»

وَ هُمْ شِيعَةُ آلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) يَقُولُونَ «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا» مِنْ وَايَةِ هُوَلَاءِ وَ بَنِي أُمَيَّةَ «وَ اتَّبِعُوا سَبِيلَكَ» وَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) «وَ فِيهِمْ عَذَابُ الْجَحِيمِ رَبَّنَا وَ أَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتُهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ فِيهِمُ السَّيِّئَاتِ» وَ السَّيِّئَاتُ بَنُو أُمَيَّةَ وَ غَيْرُهُمْ وَ شِيعَتُهُمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَعْنِي

ص: 764

بُنُو أُمِّيَّةَ «يُنَادُونَ لِمَقْتِ اللَّهِ أَكْبَرَ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ» ثُمَّ قَالَ «ذَلِكُمْ بَأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ» بِوَلَايَةِ عَلِيِّ (عليه السلام) «وَحَدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرِكْ بِهِ» يَعْنِي بِعَلِيِّ (عليه السلام) «تُؤْمِنُوا» أَي إِذَا ذَكَرَ إِمَامٌ غَيْرَهُ تُؤْمِنُوا بِهِ «فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ»

حدیث 19: کنز الفوائد: جابر بن یزید گفت: امام باقر (علیه السلام) در باره «وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (1) چنین تصمیم گرفته خدا که کافران اهل آتشند منظور بنی امیه هستند که کافر شدند و اهل آتشند. بعد می فرماید «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ» (2) کسانی که حامل عرش پروردگارند. منظور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اوصیای بعد از اویند که حامل علم خدایند سپس می فرماید «وَمَنْ حَوْلَهُ» (3) یعنی ملائکه «يُسَبِّحُونَ

بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (4) تسبیح خدا می کنند و استغفار می کنند برای کسانی که ایمان آورده اند که آنها شیعه آل محمدند «رَبَّنَا

وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا» (5) می گویند: پروردگارا تو که دانای همه چیز هستی و رحمتت همه جا را فرا گرفته پیامرزی کسانی را که برگشتند از ولایت بنی امیه «وَاتَّبِعُوا سَبِيلَكَ» (6) و پیرو راه امیر المؤمنین (علیه السلام) شده اند. «وَ

قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ، رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ» (7) منظور از سیئات بنی امیه هستند و سایر پیروان ایشان بعد می فرماید «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» (8) کسانی که کافر شدند منظور بنی امیه است. «يُنَادُونَ لِمَقْتِ اللَّهِ أَكْبَرَ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ» (9) خشم خدا شدید است از خشم شما به خویش زیرا دعوت به ایمان می شوید ولی کفر می ورزید بعد می فرماید «ذَلِكُمْ بَأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ» (10)

زیرا وقتی دعوت به ولایت علی (علیه السلام)

ص: 765

1- [2] غافر آیه 6

2- [3] غافر آیه 7

3- [1] غافر آیه 7

4- [2] غافر آیه 7

5- [3] غافر آیه 7

6- [4] غافر آیه 7

7- [5] غافر آیه 7 الی 9

8- [6] غافر آیه 10

9- [7] غافر آیه 10

10- [8] غافر آیه 12

«وَحَدَّثَ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرِكْ بِهِ» (1) می شود کافر می شوید اگر با او شریکی قرار دهند ایمان می آورید یعنی اگر امام دیگری را بگویند ایمان می آورید «فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ» (2) فرمان در اختیار خدای برتر و بزرگ است.... (3)

حدیث 20: عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ» قَالَ يَعْنِي الْمَلَائِكَةَ «يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» يَعْنِي شَيْعَةَ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) وَآلِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا» مِنْ وِلَايَةِ الطَّوَاعِيتِ الثَّلَاثَةِ وَمِنْ بَنِي أُمِّيَّةَ «وَاتَّبِعُوا سَبِيلَكَ» يَعْنِي وِلَايَةَ عَلِيٍّ (عليه السلام)

وَ هُوَ السَّبِيلُ وَقَوْلُهُ تَعَالَى «وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ» يَعْنِي الثَّلَاثَةَ «وَمَنْ تَقِيَ السَّيِّئَاتِ يُوَمِّرْهُ فَقَدْ رَحِمْتَهُ» وَقَوْلُهُ تَعَالَى «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» يَعْنِي بَنِي أُمِّيَّةَ «يُنَادُونَ لِمَلَكِ اللَّهِ أَكْبَرَ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ» يَعْنِي إِلَى وِلَايَةِ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ هِيَ الْإِيمَانُ «فَتَكْفُرُونَ»

حدیث 20: جابر بن یزید: از امام باقر (علیه السلام) تفسیر این آیه را پرسیدم «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ» (4) کسانی که حامل عرش هستند و آنهایی که اطرافش هستند فرمود: یعنی ملائکه «يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (5) تسبیح به ستایش خدا می کنند و استغفار می نمایند برای کسانی که ایمان آورده اند یعنی پیروان محمد (صلي الله عليه وآله) و آل محمد (صلي الله عليه وآله) «رَبَّنَا»

وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا» (6) خدایا رحمت و دانش تو همه جا را فرا گرفته بیامرز کسانی را که توبه کرده اند از حکومت طاغوت های سه گانه و بنی امیه «وَ اتَّبِعُوا سَبِيلَكَ» (7) و پیرو راه تو شده اند یعنی ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) که راه

ص: 766

1- [9] غافر آیه 12

2- [1] غافر آیه 12

3- [2] البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص: 748 ح 9325

4- [3] غافر آیه 7

5- [4] غافر آیه 7

6- [5] غافر آیه 7

7- [1] غافر آیه 7

واقعی است. «وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ» (1) آنها را نگه دار از شر آن سه نفر «وَمَنْ تَقِيَ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ» (2) هر که را از شر آنها نگه داری مورد رحمت خویش قرار داده ای «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» (3) یعنی بنی امیه «يُنَادُونَ لَمَقَدِّتِ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ» (4) خشم خدا بر شما بیشتر از این خشمی است که بر خود دارید. زیرا شما را دعوت به ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) کردند که همان ایمان است فَتَكْفُرُونَ کافر شدید. (5)

پیروان پیشوایان ستمگر دین ندارند

حدیث 21: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: ... ثُمَّ قَالَ لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ

حدیث 21: امام صادق (علیه السلام): کسی که معتقد به ولایت پیشوای ستمگری، که از طرف خدا نیست باشد دینی نخواهد داشت. (6) حدیث 22: ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُمْ تَسُدُّونَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ شَرُّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اثْنَا عَشَرَ سِنَةً مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ سِنَةً مِنَ الْآخِرِينَ ثُمَّ سَمَى السَّنَةَ مِنَ الْأَوَّلِينَ ابْنَ آدَمَ الَّذِي قَتَلَ أَخَاهُ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ وَالسَّامِرِيَّ وَالِدَجَّالَ اسْمُهُ فِي الْأَوَّلِينَ وَ يَخْرُجُ فِي الْآخِرِينَ وَأَمَّا السَّنَةُ مِنَ الْآخِرِينَ فَالْعَجَلُ وَهُوَ نَعْتَلُ وَفِرْعَوْنُ وَهُوَ مُعَاوِيَةُ وَهَامَانُ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَهُوَ زِيَادٌ وَقَارُونُهَا وَهُوَ سَعِيدٌ وَ السَّامِرِيُّ وَهُوَ أَبُو مُوسَى عَبْدُ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ لِأَنَّهُ قَالَ كَمَا قَالَ سَامِرِيُّ

ص: 767

1- [2] غافر آية 9

2- [3] غافر آية 9

3- [4] غافر آية 10

4- [5] غافر آية 10

5- [6] تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص 518 [سورة غافر (40): آية 7]

6- . تفسير العياشي ج 1 ص 138 [سورة البقرة (2): آية 257] ص : 138 الغيبة (للنعماني ص 132 باب 7 ما روي فيمن شك في واحد من الأئمة أو بات ليلة لا يعرف فيها إمامه أو دان الله عز و جل بغير إمام منه ح 14.

قَوْمِ مُوسَى لَا مَسَاسَ أَيُّ لَا قِتَالَ وَالْأَبْتَرُ وَهُوَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ أَفْتَسَّ هَدُونَ عَلَى ذَلِكَ قَالُوا نَعَمْ قَالَ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُمْ تَسْتَهْدُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ إِنَّ أُمَّتِي تَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْصَ عَلَى خَمْسِ رَايَاتٍ أَوْلَاهَا رَايَةُ الْعِجْلِ فَأَقُومُ فَأَخُذُ بِيَدِهِ فَإِذَا أَخَذْتُ بِيَدِهِ اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَرَجَفَتْ قَدَمَاهُ وَخَفَقَتْ أَحْشَاؤُهُ وَمَنْ فَعَلَ فِعْلَهُ يَتَّبِعُهُ فَأَقُولُ بِمَاذَا خَلَفْتُمُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي فَيَقُولُونَ كَذَبْنَا الْأَكْبَرَ وَمَرْقَنَاهُ وَاصَّ طَهْدَنَا الْأَصَّ غَرَ وَأَخَذْنَا حَقَّهُ فَأَقُولُ اسْمُ لُكُؤَا ذَاتِ الشِّمَالِ فَيَنْصَرِفُونَ ظِمَاءً مُظْمِئِينَ قَدِ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ لَا يَطْعَمُونَ مِنْهُ فَطَرَةٌ ثُمَّ تَرِدُ عَلَيَّ رَايَةُ فِرْعَوْنَ أُمَّتِي وَهُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ وَمِنْهُمْ الْمُبْهَرَجُونَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَمَا الْمُبْهَرَجُونَ بِهَرَجُوا الطَّرِيقَ قَالَ لَا وَلَكِنْ بِهَرَجُوا دِينَهُمْ وَهُمْ الَّذِينَ يَعْضُبُونَ لِلدُّنْيَا وَلَهَا يَرْضَوْنَ فَأَقُومُ فَأَخُذُ بِيَدِ صَاحِبِهِمْ فَإِذَا أَخَذْتُ بِيَدِهِ اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَرَجَفَتْ قَدَمَاهُ وَخَفَقَتْ أَحْشَاؤُهُ وَمَنْ فَعَلَ فِعْلَهُ يَتَّبِعُهُ فَأَقُولُ بِمَا خَلَفْتُمُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ بَعْدِي فَيَقُولُونَ كَذَبْنَا الْأَكْبَرَ وَمَرْقَنَاهُ وَقَاتَلْنَا الْأَصَّ غَرَ فَفَقَتْنَا فَيَقُولُ اسْمُ لُكُؤَا سَبِيلَ أَصَّ حَابِكُمْ فَيَنْصَرِفُونَ ظِمَاءً مُظْمِئِينَ مُسْوَدَّةً وُجُوهُهُمْ لَا يَطْعَمُونَ مِنْهُ فَطَرَةٌ فَإِذَا أَخَذْتُ بِيَدِهِ اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَرَجَفَتْ قَدَمَاهُ وَخَفَقَتْ أَحْشَاؤُهُ وَمَنْ فَعَلَ فِعْلَهُ يَتَّبِعُهُ فَأَقُولُ بِمَاذَا خَلَفْتُمُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ بَعْدِي فَيَقُولُونَ كَذَبْنَا الْأَكْبَرَ وَمَرْقَنَاهُ وَخَذَلْنَا الْأَصَّ غَرَ وَعَصَّ بِنَاهُ فَأَقُولُ اسْمُ لُكُؤَا سَبِيلَ أَصَّ حَابِكُمْ فَيَنْصَرِفُونَ ظِمَاءً مُظْمِئِينَ مُسْوَدَّةً وُجُوهُهُمْ لَا يَطْعَمُونَ مِنْهُ فَطَرَةٌ ثُمَّ تَرِدُ عَلَيَّ رَايَةُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ وَهُوَ إِمَامُ خَمْسِينَ أَلْفَ [أَلْفًا] مِنْ أُمَّتِي فَأَقُومُ فَأَخُذُ بِيَدِهِ فَإِذَا أَخَذْتُ بِيَدِهِ اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَ

رَجَفَتْ قَدَمَاهُ وَ خَفَقَتْ أَحْشَاؤُهُ وَ مَنْ فَعَلَ فِعْلَهُ يَتَّبِعُهُ فَأَقُولُ بِمَا خَلَفْتُمُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ بَعْدِي فَيَقُولُونَ كَذَبْنَا الْأَكْبَرَ وَ عَصَيْنَاهُ وَ خَدَلْنَا الْأَصْغَرَ وَ عَدَلْنَا عَنْهُ فَأَقُولُ اسْكُوا سَبِيلَ أَصْحَابِكُمْ فَيَنْصَرِفُونَ ظِمَاءً مُظْمِئِينَ مُسَوِّدَةً وَ جُوهَهُمْ لَا يَطْعَمُونَ مِنْهُ قَطْرَةً ثُمَّ تَرَدُّ عَلَيَّ بِرَأْيِهِ فَأَخْذُ بِيَدِهِ فَإِذَا أَخَذْتُ بِيَدِهِ اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَ رَجَفَتْ قَدَمَاهُ وَ خَفَقَتْ أَحْشَاؤُهُ وَ مَنْ فَعَلَ فِعْلَهُ يَتَّبِعُهُ فَأَقُولُ بِمَا خَلَفْتُمُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ بَعْدِي فَيَقُولُونَ كَذَبْنَا الْأَكْبَرَ وَ عَصَيْنَاهُ وَ قَاتَلْنَا الْأَصْغَرَ وَ قَتَلْنَا الْغُرَّ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ فَأَقُولُ فَأَخْذُ بِيَدِهِ فَإِذَا أَخَذْتُ بِيَدِهِ ابْيَضَّ وَجْهُهُ وَ جُوهُ أَصْحَابِهِ فَأَقُولُ بِمَا خَلَفْتُمُونِي فِي الثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي قَالَ فَيَقُولُونَ اتَّبَعْنَا الْأَكْبَرَ وَ صَدَقْنَاهُ وَ وَازَرْنَا الْأَصْغَرَ وَ نَصَرْنَاهُ وَ قَاتَلْنَا مَعَهُ فَأَقُولُ رُدُّوا رِوَاءَ مَرْوِيِّينَ فَيَسْرُبُونَ شَرْبَةً لَا يَطْمَئُونَ بَعْدَهَا أَبَدًا وَجْهٌ إِمَامِهِمْ كَالسَّمْسِ الطَّالِعَةِ وَ جُوهُ أَصْحَابِهِ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ كَأَصْوَاءِ نَجْمٍ فِي السَّمَاءِ

حدیث 22: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا امت من در پنج پرچم، وارد بر من در حوض می شوند، اولین پرچم، پرچم همان گوساله است و من بلند می شوم و دست او را می گیرم و چون دست او را گرفتم صورتش سیاه می شود و قدم هایش می لرزد و درونش می تپد و هر که از او پیروی کرده مانند او می شود و من می گویم: شما پس از من با دو امانت گران بها چه کردید؟ می گویند: بزرگ تر آن دورا (که همان قرآن است) دروغ انگاشتیم و پاره پاره کردیم و کوچک تر آن دورا (که خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است) مورد ستم قرار دادیم و حق او را گرفتیم، پس من می گویم: به طرف چپ

بروید و آنان در حالی که تشنه اند و صورت هایشان سیاه شده و قطره ای آب نخورند. سپس پرچم فرعون امت من که آنان بیشترین مردم هستند و از آنها کسانی هستند که برگرداننده اند، عرضه داشتند: یا رسول الله! برگردانندگان چه کسانی هستند؟ آیا آنها راه را برگرداننده اند؟ فرمود: نه، بلکه دین خود را برگردانیده اند، آنان کسانی هستند که به خاطر دنیا خشم می گیرند و به آن خشنود هستند، پس بر می خیزم و دست رفیق آنها را می گیرم و چون دست او را گرفتم، صورتش سیاه می شود و قدم هایش می لرزد و درونش می تپد و هر که از او پیروی کرده مانند او می شود و من می گویم: شما پس از من با دو امانت گران بها چه کردید؟ می گویند: بزرگ تر آن دورا دروغ انگاشتیم و پاره پاره کردیم و با کوچک ترین آن دو (که خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است) جنگیدیم و او را کشتیم، پس من می گویم: راه رفیقانتان را در پیش بگیریید و آنها می روند در حالی که تشنه اند و صورت هایشان سیاه است و قطره ای از آن نخورند. فرمود: سپس پرچم همامان امت من بر من وارد می شوند و من بر می خیزم دست او را می گیرم و چون دست او را گرفتم، صورتش سیاه می گردد و قدم هایش می لرزد و درونش می تپد و هر که کار او را کرده تابع او می شود، من می گویم: شما پس از من با دو امانت گران بها چه کردید؟ می گویند: بزرگ تر را دروغ انگاشتیم و پاره پاره کردیم و کوچک تر را خوار ساختیم و نافرمانی کردیم، پس من می گویم: به راه رفیقانتان بروید، پس می روند در حالی که تشنه اند و صورت هایشان سیاه شده و قطره ای از آن نخورند. سپس پرچم عبد الله بن قیس بر من وارد می شود و او پیشوای پنجاه هزار نفر از امت من است، بر می خیزم و دست او را می گیرم و چون دست او را گرفتم صورتش سیاه می شود و قدم هایش می لرزد و درونش می تپد و هر که کار او را کرده تابع او می شود، پس می گویم: پس از من با دو امانت گران بها چه کردید؟ می گویند: بزرگ تر را دروغ انگاشتیم و نافرمانی کردیم و کوچک تر را خوار ساختیم و از آن

رویگردان شدیم، پس می گویم: راه رفیقانتان را بروید، پس می روند در حالی که تشنه اند و صورت هایشان سیاه است و قطره ای از آن نمی خورند. سپس آن مرد شل با پرچم خود بر من وارد می شود و من دست او را می گیرم و چون دست او را گرفتم، صورتش سیاه می شود و قدم هایش می لرزد و درونش می تپد و هر که کار او را کرده تابع او می شود، پس من می گویم: پس از من با دو امانت گران بها چه کردید؟ می گویند: بزرگ تر را دروغ انگاشتیم و او را نافرمانی کردیم و با کوچک تر جنگیدیم و او را کشتیم، پس من می گویم: راه رفیقانتان را بروید، پس می روند در حالی که تشنه اند و صورت هایشان سیاه شده و قطره ای از آن نمی خورند. سپس پرچم امیرالمؤمنین (علیه السلام) و پیشوای پرهیزگاران و رهبر پیشانی سفیدان بر من وارد می شود، برمی خیزم و دستش را می گیرم و چون دست او را گرفتم صورت او و یارانش سفید می شود، پس می گویم: پس از من با دو امانت گران بها چه کردید؟ می گویند: از بزرگتر پیروی نمودیم و آن را تصدیق کردیم و کوچک تر را کمک کردیم و یاری نمودیم و همراه با او جنگیدیم، پس می گویم: برگردید در حالی که سیراب هستید، پس شربتی می خورند که هرگز پس از آن تشنه نمی شوند، صورت پیشوایشان مانند خورشید درخشان و صورت های یارانش مانند ماه در شب چهاردهم و مانند نورهای ستارگان آسمان است. (1)

کیفر کسی که به دروغ ادعای امامت کند

حدیث 23: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا فَهُوَ كَافِرٌ.

ص: 771

حدیث 23: مفضّل از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که، فرمود: هر که ادّعی امامت کند و سزاوار این مقام نباشد کافر است. (1)

حدیث 1/23: اَبِي رِه عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ الْبَزَّازِ الْأَسَدِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ وَعَلَيْنَا.

حدیث 1/23: داوود بن فرقد می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر که ادّعی امامت کند و امام نباشد، بر خدا و پیامبر و بر ما دروغ بسته است. (2) حدیث 24:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَسَبْعَةٌ نَفَرٌ أَوْلَهُمْ ابْنُ آدَمَ الَّذِي قَتَلَ أَخَاهُ وَ نَمْرُودُ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ وَ اثْنَانِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ هَوَدًا قَوْمَهُمَا وَ نَصْرَاهُمَا وَ فِرْعَوْنَ الَّذِي قَالَ أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى وَ اثْنَانِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدُهُمَا شَرُّهُمَا فِي تَابُوتٍ مِنْ قَوَارِيرَ تَحْتَ الْفُلْقِ فِي بَحَارٍ مِنْ نَارٍ.

حدیث 24: حنّان بن سدير می گوید: مردی از یاران امام صادق (علیه السلام) برای من حدیث کرد و گفت: از آن حضرت شنیدم که می فرمود: روز قیامت عذاب هفت نفر از همه سخت تر خواهد بود. اولین آن ها پسر آدم (علیه السلام) است که برادرش را کشت، و دیگر نمرود است که با ابراهیم (علیه السلام) درباره ی پروردگارش مجادله کرد، و بعد دو تن اسرائیلی که قوم خود را یهودی و نصرانی کردند، و دیگر فرعون که گفت: من بلند مرتبه ترین پروردگار شمایم و سپس دو تن از این امت اند که شرّ یکی از آن ها از دیگری بیشتر بود و هر دو در تابوتی از آتش، در دریاهایی از آتش خواهند بود. (3)

ص: 772

- 1- . عقاب الأعمال: عقاب من ادعی الإمامة و لیس یامام ص 214 ح 2.
- 2- . عقاب الأعمال: عقاب من ادعی الإمامة و لیس یامام ص 214 ح 3.
- 3- . عقاب الأعمال: ص 214 عقاب ابن آدم الذي قتل أخاه و نمرود الذي حجاج إبراهيم ع إلى آخره ح 1.

حديث 25: وَبِهَذَا إِسْمَ نَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ يَحْيَى أَخِي أَدِيمٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَدْعِيهِ غَيْرُ صَاحِبِهِ إِلَّا بَتَرَ اللَّهُ عُمُرَهُ.

حديث 25: امام صادق (عليه السلام) می فرمود: این امر امامت را هیچ کس جز صاحبش ادعا نمی کند، مگر این که خدا عمرش را قطع می کند. (1) حديث 26: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي عَبَادُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حَدَّثَنِي فِيهِمَا بِحَدِيثٍ فَقَدْ سَمِعْتُ عَنْ أَبِيكَ فِيهِمَا أَحَادِيثَ عِدَّةً قَالَ فَقَالَ لِي يَا إِسْحَاقُ الْأَوَّلُ بِمَنْزِلَةِ الْعَجَلِ وَالثَّانِي بِمَنْزِلَةِ السَّامِرِيِّ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ زِدْنِي فِيهِمَا قَالَ هُمَا وَاللَّهِ نَصْرًا وَهُودًا وَمَجَسًا فَلَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ زِدْنِي فِيهِمَا قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَنْ هُمْ قَالَ رَجُلٌ ادَّعَى إِمَامًا مِنْ غَيْرِ اللَّهِ وَ آخَرَ طَغَى فِي إِمَامٍ مِنَ اللَّهِ وَ آخَرَ زَعَمَ أَنَّ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبًا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ زِدْنِي فِيهِمَا قَالَ مَا أَبَالِي يَا أَبَا إِسْحَاقَ مَحْوُتُ الْمُحَكَّمِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَوْ جَحْدُتُ مُحَمَّدًا النَّبُوَّةَ أَوْ زَعَمْتُ أَنْ لَيْسَ فِي السَّمَاءِ إِلَهًا [إِلَهًا] أَوْ تَقَدَّمْتُ [عَلَى] عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ زِدْنِي قَالَ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ إِنَّ فِي النَّارِ لَوَادِيًا يُقَالُ لَهُ مُحِيطٌ لَوْ طَلَعَ مِنْهُ شَرَاةٌ لَا حَرَّ قَنْ عُلَى وَجْهِهِ إِلَّا رُضٍ وَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ يَتَعَوَّذُونَ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الْوَادِي وَ تَنْتَبَهُ وَ قَدَّرَهُ وَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ وَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْوَادِي لَجَبَابًا

ص: 773

يَتَعَوَّدُونَ أَهْلَ ذَلِكَ الْوَادِي مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الْجَبَلِ وَتَنْتَبِهَ وَقَدَّرَهُ وَمَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ - وَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْجَبَلِ لَشَيْءًا يَتَعَوَّدُ جَمِيعُ أَهْلِ ذَلِكَ الْجَبَلِ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الشَّعْبِ مِنْ تَنْتَبِهَ وَقَدَّرَهُ وَمَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ وَإِنَّ فِي ذَلِكَ الشَّعْبِ لَقَلِيلًا يَتَعَوَّدُ أَهْلُ ذَلِكَ الشَّعْبِ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الْقَلْبِ وَتَنْتَبِهَ وَقَدَّرَهُ وَمَا أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ لِأَهْلِهِ وَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْقَلْبِ لَحَيَّةٌ يَتَعَوَّدُ جَمِيعُ أَهْلِ ذَلِكَ الْقَلْبِ مِنْ خُبْثِ تِلْكَ الْحَيَّةِ وَتَنْتَبِهَ وَقَدَّرَهَا وَمَا أَعَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَنْبِيَائِهَا مِنَ السَّمِّ لِأَهْلِهَا وَإِنَّ فِي جَوْفِ تِلْكَ الْحَيَّةِ لَسَبْعَ صَدَائِقٍ فِيهَا خَمْسَةٌ مِنَ الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ وَاثْنَانِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَنْ الْخَمْسَةُ وَمَنِ الْإِثْنَانُ قَالَ أَمَّا الْخَمْسَةُ فَتَقَابِيلُ الَّذِي قَتَلَ هَابِيلَ وَنُورُودُ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ ... قَالَ أَنَا أَحْيِي وَ أُمِيتُ وَفِرْعَوْنُ الَّذِي قَالَ أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى وَيَهُودَا الَّذِي هَوَّدَ الْيَهُودَ وَبُولُسُ الَّذِي نَصَرَ النَّصَارَى وَمِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْرَابِيَانِ.

حدیث 26: اسحاق بن عمّار صیرفی می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: فدایت شوم، برای من دربارهی آن دو تن سخنی بگو، زیرا من از پدرت دربارهی آن دو سخنان فراوانی شنیده ام. امام (علیه السلام) فرمود: ای اسحاق! اولی به منزلهی گوساله و دومی به منزلهی سامری بود. عرضه داشتم: فدایت شوم، بیشتر بفرمایید. حضرت فرمود: به خدا سوگند! آن ها مردم را یهودی و نصرانی و مجوسی کردند، خدا آنان را نیامرزد. عرضه داشتم: فدایت گردم، باز هم دربارهی آن دو بفرمایید. فرمود: سه گروهند که خدا به آنان نظر رحمت نمی افکند و آنان را پاک نمی گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت. عرضه داشتم: فدایت شوم، آن ها کیانند؟ فرمود: کسی که ادعای امامت کند و از جانب خدا نباشد، و کسی که بر امامی که از جانب خدا تعیین

شده طعنه زند، و کسی که گمان کند آن دو تن از اسلام بهره ای داشته اند. عرضه داشتیم: فدایت گردم، دربارهی آن دو برای من بیشتر توضیح دهید. حضرت فرمود: ای اسحاق! برای من یکسان است که آیه ای محکم از کتاب خدا را محو کنم، یا نبوت محمد(صلي الله عليه و آله) را انکار نمایم، یا وجود خدا را منکر شوم، یا کسی را در امامت بر علی بن ابی طالب(علیه السلام) مقدم دارم. عرضه داشتیم: فدایت شوم، باز هم بیشتر بفرمایید. فرمود: ای اسحاق! در دوزخ وادی است به نام سقر که از روزی که خدا آن را آفریده شعله ای نکشیده، و اگر خدا به او اجازه دهد که به اندازهی سوراخ سوزنی شعله بر کشد، همهی اهل زمین را می سوزاند، و دوزخیان از حرارت آن وادی و تعفن و کثافت و سایر عذاب هایی که در آن است به خدا پناه می برند. در آن وادی کوهی از آتش است که اهل آن وادی از حرارت و تعفن و کثافت و سایر عذاب های آن کوه به خدا پناه می جویند. در آن کوه درّه ای است که تمامی اهل آن کوه از حرارت و تعفن و کثافت و سایر عذاب های آن درّه به خدا پناه می برند، و در آن درّه چاهی است که اهل آن درّه از حرارت و تعفن و کثافت و عذاب های دیگر آن چاه به خدا پناه می جویند، و در آن چاه اژدهایی است که تمامی اهل آن چاه از حرارت و تعفن و کثافت آن اژدها و زهری که در نیش آن است به خدا پناه می برند، و در شکم آن اژدها هفت صندوق است که پنج تن از امت های گذشته و دو تن از این امت در آن قرار دارند. راوی می گوید: گفتیم: فدایت شوم آن پنج تن و آن دو تن کیانند؟ فرمود: آن پنج تن یکی قبیل است که هابیل را کشت، و دیگری نمرود است که با ابراهیم(علیه السلام) دربارهی پروردگارش بهمجادله برخاست و گفت: من هم زنده می کنم و می میرانم و سومی فرعون است که گفت: من بلند مرتبه ترین پروردگار شمایم، و چهارمی یهود است که مردم را یهودی کرد، و پنجمی بولس است که گروهی را نصرانی نمود، و از این امت دو تن اعرابی هستند. (1)

ص: 775

1- . عقاب الأعمال: ص 215 عقاب ابن آدم الذي قتل أخاه و نمرود الذي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ عِ إِلَى آخِرِهِ ح 3.

حدیث 27: أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي سَلَامٍ عَنْ سُورَةَ بْنِ كَلَيْبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجُوهَهُمْ مُسْوَدَّةٌ قَالَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا قَالَ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا.

حدیث 27: سورة بن کلب می گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرضه داشتم: مقصود از سخن خداوند بزرگ و «يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَجُوهَهُمْ مُسْوَدَّةٌ» (1) روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند رو سیاه می بینی. چیست؟ فرمود: مقصود کسی است که ادعای امامت کند و دارای این مقام نباشد. عرضه داشتم: هر چند علوی و فاطمی باشد؟ فرمود: آری، هر چند علوی و فاطمی باشد. (2)

حدیث 28: قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ أَخْبِرْنِي بِأَوَّلِ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ قَالَ إِبْلِيسُ وَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِهِ وَ رَجُلٌ عَنْ يَسَارِهِ. حدیث 28: ابوالجارود می گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرضه داشتم: از نخستین کسی که وارد آتش می شود به من خبر دهید. فرمود: ابلیس و دو مردند که در سمت راست و چپ او قرار دارند. (3)

حدیث 29: وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا لِيَمَارِي بِهِ السُّفَهَاءَ وَ يُبَاهِي بِهِ الْعُلَمَاءَ وَ يَصْرِفَ بِهِ النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ يَقُولُ أَنَا رَيْسٌ كُمْ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا فَمَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

ص: 776

- 1- . الزمر آية 60.
- 2- . عقاب الأعمال: عقاب من ادعى الإمامة وليس بإمام ص 214 ح 1.
- 3- . عقاب الأعمال: ص 215 عقاب ابن آدم الذي قتل أخاه و نمرود الذي حاح إبراهيم ع إلى آخره ح 2.

حدیث 29: پیامبر (صلي الله عليه و آله): همانا امامت جز برای اهلس صلاحیت ندارد، پس هر که مردم را به سوي خود بخواند در حالی که در میان مردم از او عالم تر و با صلاحیت تر باشد خداوند در قیامت به او نظر رحمت نمی کند. (1)

حدیث 30: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ دَاوُدَ الْحَمَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ مَنْ ادَّعَى إِمَامَةً مِنَ اللَّهِ لَيْسَتْ لَهُ وَ مَنْ جَحَدَ إِمَاماً مِنَ اللَّهِ وَ مَنْ زَعَمَ أَنَّ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيباً.*

حدیث 30: امام صادق (عليه السلام): سه کس خدا در روز قیامت با آنان سخن نگویید و پاکشان نسازد و عذابی دردناک دارند، هر که به دروغ ادعای امامت و پیشوایی از جانب خدا کند و هر که امام از جانب خدا را انکار کند و هر که پندارد که این دو از

اسلام بهره ای دارند. (2) حدیث 31: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِنَّ الشَّكَّ وَ الْمَعْصِيَةَ فِي النَّارِ لَيْسَ مِنَّا وَ لَا إِلَيْنَا.

حدیث 31: بکر بن محمد ازدی: از امام صادق (عليه السلام) نقل کرده است که امیر مؤمنان (عليه السلام) فرمود: شک و تردید در دین و نافرمانی خدا در آتش است. این دو صفت نه از ما هستند و نه به سوی ما گرایش دارند. (3)

حدیث 32: أَيْنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنَا كَذِبًا وَ بَغْيًا عَلَيْنَا أَنْ رَفَعْنَا اللَّهَ وَ وَضَعَهُمْ وَ أَعْطَانَا وَ حَرَمَهُمْ وَ أَدْخَلْنَا وَ أَخْرَجَهُمْ بِنَا يُسْتَعطَى الْهُدَى وَ يُسْتَجَلَى الْعَمَى إِنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ قُرَيْشٍ غُرِسُوا فِي هَذَا الْبَطْنِ مِنْ

ص: 777

- 1- . الاختصاص: في بيان جملة من الحكم و المواعظ و الوصايا عنهم ص 251.
- 2- . الكافي: ج 1 ص 373 باب من ادَّعى الإمامة و ليس لها بأهل و من جحد الأئمة أو بعضهم و من أثبت الإمامة لمن ليس لها بأهل ح 4.
- 3- . عقاب الأعمال: عقاب الشك و المعصية.

لَا تَصْلُحُ عَلَي سِوَاهُمْ وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ مِنْ غَيْرِهِمْ

حدیث 32: امیرالمؤمنین (علیه السلام): ک-ج- ایند کسانی که پنداشتند راسخون در علم ایشانند نه ما این گمان را با کذب و ستم بر ما بر خود داشتند، از آن رو که خداوند ما را رفعت داد و آنان را پست کرد، و دانش را به ما بخشید و از آنان منع کرد، و ما را در حریم عنایت وارد و آنان را خارج کرد. به وجود ما هدایت خواسته می شود، و به برکت ما کور دلی بر طرف می گردد. بی شک امامان از قریش هستند، که درخت وجودشان در این تیره از خاندان هاشم غرس شده، این منزلت شایسته دیگران نیست، و والیان دیگر صلاحیت این مقام را ندارند. (1)

حدیث 33: وَ تَخَاضَلِ خَيْرٌ مِنْهُمْ وَ أهدى سبيلا فيكم العلماء و الفقهاء و النجباء و الحكماء و حاملة الكتاب و المتهجدون بالأسحار و عمائر المساجد بتلاوة القرآن أفلا تسخطون و تهتمون أن يئازِعكم الولاية عليكم سفهاؤكم و

الأشراؤ

الأراذل منكم حدیث 33: امیرالمؤمنین (علیه السلام): با آن که در میان شما عالمان و فقیهان، والا گهران، فرزنانگان، قرآن دانان، شب زنده داران و آباد ک-ن-ن-دگان مساجد با تلاوت قرآن هستند، آیا از این که بی خردان و بدکاران فرومایه‌ی شما بر سر به دس-ت-گ-رف-ت-ن ح-ک-وم-ت تان با شما کشمکش و ستیزه می کنند به خشم نمی آید و اندوهناک نمی شوید؟ (2)

حدیث 34: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَامِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو مَالِكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) فِي وَصِيَّتِهِ لِي يَا عَلِيُّ أَرْبَعَةٌ مِنْ

ص: 778

1- . نهج البلاغه للصبحي صالح ص 201 خطبه 144 فضل أهل البيت.

2- . شرح نهج البلاغه: ج 6 ص 99.

حدیث 34: پ-ی-امیر خدا(صلي الله عليه و آله): ای علی! چهار چیز کمرشکن است: پیشوایی که خدا را نافرمانی می کند ولی فرمانش می برند... (1)

حدیث 35: قال علي...: آثَرُوا عَاجِلًا وَ آخَرُوا آجِلًا وَ تَرَكَوا صَافِيًا وَ شَرِبُوا آجِنًا كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى فَاسِقِي قِيَمِهِمْ وَ قَدْ صَحِبَ الْمُنْكَرَ فَأَلْفَهُ وَ بَسِيَ بِهِ وَ وَافَقَهُ

حدیث 35: امیرالمؤمنین(علیه السلام) در روایتی بسیار زیبا فرمودند: دربارهی کسانی که اهل بیت(علیهم اسلام) را واگذاشتند، می فرماید: دنیا را برگزیدند و آخرت را پس انداختند، آب زلال را وانهادند و از آب تیره و ناگوار نوشیدند، گویی فاسق آنان را می بینم که با منکر یار و همدم شده است. (2)

توضیح: یعنی کسانی که ائمه اطهار را کنار گذاشته و از دیگران پیروی می کنند ایشان کسانی هستند که دنیا را برگزیده و آخرت را پس می اندازند. عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَ مَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» قَالَ مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ دُونَ الْإِمَامِ (علیه السلام)

ابو بصیر از حضرت باقر(علیه السلام) نقل کرد در مورد آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَ مَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (3) هر که بر خدا دروغ ببندد یا بگوید به من وحی شد، با اینکه به او وحی نشده و یا بگوید مانند آیاتی که خداوند نازل کرده نازل خواهم کرد امام(علیه السلام) فرمود: کسی است که در مقابل امام(علیه السلام) واقعی ادعای امامت نماید. (4)

وَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ رَبَاحِ الزُّهْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ عَيْسَى الْحُسَيْنِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ

ص: 779

1- . الخصال: ج 1 ص 206 أربعة أشياء من قواصم الظهر ح 24.

2- . نهج البلاغه للصبحي صالح خطبه 144.

3- . الانعام آية 93

4- . إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات ج 1 ص 165 الفصل الحادي والعشرون ح 264

أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ الْجُهَنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ رَايَةِ الْقَائِمِ (عليه السلام) صَاحِبِهَا طَاغُوتٌ.

مالك بن اعين از حضرت باقر (عليه السلام) نقل کرد که فرمود: هر پرچمی قبل از قیام قائم (عليه السلام) برافراشته گردد صاحب آن طاغوت است. (1)

وَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَّاحِدِ عَنْ ابْنِ رَبِاحٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَمِيرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبَانَ عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرٌ مَنْ ادَّعَى مَقَامَنَا يَعْنِي الْإِمَامَةَ فَهُوَ كَافِرٌ أَوْ قَالَ مُشْرِكٌ.

ابو الفضل گفت حضرت باقر (عليه السلام) فرمود: هر که ادعای مقام ما یعنی امامت را نماید کافر است یا فرمود: مشرک است. (2) وَأَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ مَنْ خَرَجَ يَدْعُو النَّاسَ وَ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَهُوَ ضَالٌّ مُبْتَدِعٌ وَ مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ مِنَ اللَّهِ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ فَهُوَ كَافِرٌ.

فضیل گفت از حضرت صادق (عليه السلام) شنیدم می فرمود: هر که قیام کند و مردم را به اطاعت خویش دعوت نماید با اینکه در میان آنها افضل از او هست چنین شخصی گمراه و بدعت گذار است. (3)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّا

عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ

ص: 780

1- . الغيبة للنعماني ص 114 باب 5 دما روي فيمن ادعى الإمامة و من زعم أنه إمام و ليس بإمام و أن كل راية ترفع قبل قيام القائم فصاحبها طاغوت ح 9

2- . الغيبة للنعماني ص 115 باب 5 دما روي فيمن ادعى الإمامة و من زعم أنه إمام و ليس بإمام و أن كل راية ترفع قبل قيام القائم فصاحبها طاغوت ح 10

3- . الغيبة للنعماني ص 115 باب 5 دما روي فيمن ادعى الإمامة و من زعم أنه إمام و ليس بإمام و أن كل راية ترفع قبل قيام القائم فصاحبها طاغوت ح 13

عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبِين أَنْ يَحْمِلْنَهَا» فَقَالَ الْأَمَانَةُ الْوَلَايَةُ مِنْ ادْعَاهَا بِغَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ كَفَرَ.

حسین بن خالد گفت از حضرت رضا(علیه السلام) راجع به این آیه سؤال کردم «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبِينَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (1)

فرمود: امانت ولایت است هر که ادعای ولایت و امامت بدون حق بکند کافر است. (2) پیشوایان باطل و یاورانشان

حدیث 36: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ أَبِي الْمُغِيرَةَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ الظُّلْمَةُ وَأَعْوَانُهُمْ وَمَنْ لَاطَ [لَاقَ] لَهُمْ دَوَاةً وَرَبَطَ كَيْسًا أَوْ مَدَّ لَهُمْ مَرَّةً [مَدَّةً] فَلَمْ فَاخْشُرُوهُمْ مَعَهُمْ.

حدیث 36: سکونی از امام صادق(علیه السلام) از پدرش نقل کرده است که: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: چون قیامت شود، منادی ندا کند: کجایند؟ ستمکاران و دستیارانشان و کسانی که برای آنان دواتی لایقه کرده یا در کیسه ای برایشان بستند یا قلمی برای آنان اصلاح نمودند؟ آن گاه خطاب می رسد: آنان را نیز با ستمکاران محشور کنید. (3)

ص: 781

1- . الاحزاب آیه 72

2- . عیون أخبار الرضا علیه السلام ج 1 ص 306 باب 28 باب فیما جاء عن الإمام علی بن موسی ع من الأخبار المتفرقة ح 66

3- . عقاب الأعمال: باب عقاب الظلمة و أعوانهم.

حدیث 37: وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا اقْتَرَبَ عَبْدٌ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا تَبَاعَدَ مِنَ اللَّهِ وَلَا كَثُرَ مَالُهُ إِلَّا اشْتَدَّ حِسَابُهُ وَلَا كَثُرَ تَبَعْتُهُ إِلَّا كَثُرَتْ شَيَاطِينُهُ.

حدیث 37: نیز به همین سند از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمودند: هیچ کس خود را به سلطان نزدیک نکرد مگر این که از خدا دور گردید، و ثروتش زیاد نشد، مگر این که حسابش سخت گشت، و پیروانش افزون نشد، مگر این که شیاطین برگرد او فراوان گشتند. (1)

حدیث 38: وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِيَّاكُمْ وَأَبْوَابَ السُّلْطَانِ وَحَوَاشِيهَا فَإِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنْ أَبْوَابِ السُّلْطَانِ وَحَوَاشِيهَا أَبْعَدُكُمْ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَمَنْ آثَرَ السُّلْطَانَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ الْوَرَعَ وَجَعَلَهُ حَيْرَانَ. حدیث 38: نیز به همین سند از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمود: پرهیزید از درگاه سلطان و اطرافیان آن ها همانا نزدیک ترین شما به درگاه سلطان و اطرافیان آن ها دورترین شما از خداست، و هر که سلطان را بر خدا مقدم بدارد خداوند ورع را از او برمی دارد و او را سرگردان سازد. (2)

حدیث 39: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ بَنْتِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحِ الْبَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: مَنْ سَوَّدَ اسْمَهُ فِي دِيْوَانِ الْجَبَّارِينَ [مِنْ] وُلْدِ فُلَانٍ حَسَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خُنْزِيرًا.

حدیث 39: یعقوب بن یزید از دختر زاده یولید بن صبیح باهلی نقل کرده است که: گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر که نام خود را در دیوان فرزندان فلانی (یعنی بنی عباس) ثبت کند، خداوند او را روز قیامت به صورت خوک محسور خواهد

ص: 782

1- . عقاب الأعمال: عقاب من اقترب من سلطان جائرح 1.

2- . عقاب الأعمال: عقاب من اقترب من سلطان جائرح 2.

حدیث 40:

أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا أَبَانُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَطْلُبُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ وَهُمْ يُشَدُّ رِكُونَ بِهِ حَيْثُ يَقُولُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ قُلْتُ لَهُ كَيْفَ ذَلِكَ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَسَّرَهُ لِي فَقَالَ «وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ أَشَدُّ رُكُوعًا بِالْإِمَامِ الْأَوَّلِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ» يَا أَبَانُ إِنَّمَا دَعَا اللَّهُ الْعِبَادَ إِلَى الْإِيمَانِ بِهِ فَإِذَا آمَنُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ افْتَرَضَ عَلَيْهِمُ الْفَرَائِضَ

حدیث 40: امام صادق (علیه السلام) فرمود: ابان! خداوند از مشرکین زکات مالشان را نخواستہ در حالی که مشرک باشند چنانچه در این آیه می فرماید «وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (2) عرضه داشتیم: آقا! فدایت شوم این مطلب را برایم توضیح بدهید. فرمود: وای بر مشرکین که شرک آوردند در مورد امام اول آنها در مورد ائمه دیگر هم کافرند. ابان! خداوند مردم را دعوت به ایمان بخود کرده وقتی ایمان به خدا و پیامبر آوردند واجبات بر آنها لازم می شود. (3)

حدیث 41: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ أَشْرَكَ مَعَ إِمَامٍ إِمَامَتُهُ

مِنْ

عِنْدِ

اللَّهِ مَنْ لَيْسَتْ إِمَامَتُهُ مِنَ اللَّهِ كَانَ مُشْرِكًا.**

ص: 783

1- . عقاب الاعال: عقاب من سود اسمه في ديوان الجبارين.

2- . فصلت الآيات 6-7

3- [2]. تفسير القمي ج 2 ص 262 [سورة فصلت (41): الآيات 1 الى 7]

حدیث 41: محمد بن سنان از راوی خود نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که شریک قرار دهد شخصی را که از جانب خدا به امامت منصوب نشده با امامی که از جانب خدا تعیین شده است مشرک خواهد بود. (1)

کیفر

کسی که امام (علیه السلام) بر حقی را مقتدای خویش قرار ندهد حدیث 42: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ كُلُّ مَنْ دَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَهُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَاللَّهُ شَانِيٌّ

لِأَعْمَالِهِ*

حدیث 42: امام باقر (صلی الله علیه و آله): هر که در راه عبادت خدای تعالی خود را به رنج و زحمت افکند، اما امامی از جانب خدا نداشته باشد، کوشش او پذیرفته نشود، گمراه و سرگشته است و خدا کارهای او را زشت می شمارد. (2)

عاقبت

پیروی از پیشوایان باطل

حدیث 43: قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعْفَابِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زَنْجَلَةَ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي أُوَيْسٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ حُمَيْدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ عَطَاءٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

ص: 784

1- [3]. الكافي ج 1 ص 373 باب من ادعى الإمامة وليس لها بأهل و من جحد الأئمة أو بعضهم و من أثبت الإمامة لمن ليس لها بأهل

ح 6

2- . الكافي: ج 1 ص 183 باب معرفة الإمام و الرد إليه ح 8.

يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ لَكُمْ أَنْ يُعَلِّمَ جَاهِلَكُمْ وَأَنْ يُثَبِّتَ قَائِمَكُمْ وَأَنْ يَهْدِيَ ضَالِّكُمْ وَأَنْ يَجْعَلَ لَكُمْ نُجْدَاءَ جُودَاءِ رُحَمَاءِ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَفَّ قَدَمَيْهِ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ مُصَلِّيًا وَلَقِيَ اللَّهَ بَغْضِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ لَدَخَلَ النَّارَ

حدیث 43: پ-ی-ام-بر خدا(صلي الله عليه و آله) در حدیثی پر معنا فرمودند: ... سوگند به خدا! که اگر کسی در میان رکن و مقام پیوسته به نماز بایستد، اما با کینهی شما اهل بیت خدا را ملاقات کند به دوزخ در آید. (1) حدیث 44: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو غَالِبٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الزَّرَّارِيُّ، قَالَ:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ عَمَارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ، قَالَ: ... وَكَذَلِكَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا إِذَا تَوَلَّوْا الْإِمَامَ الْجَائِرَ الَّذِي لَيْسَ مِنَ اللَّهِ (تَعَالَى).

حدیث 44: امام صادق(علیه السلام): اگر بندگان، پیشوای ستمگر را که از جانب خدانیست به زمام داری گیرند، خداوند کارهای شایسته ای را که انجام می دهند، نخواهد پذیرفت. (2)

حدیث 45: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ: ... وَاعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أُمَّةَ الْجَوْرِ وَاتِّبَاعَهُمْ لَمَعَزُولُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَاضْطَلُّوا فَأَعْمَالُهُمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا كَرَمًا اسْتَدَّتْ بِهَ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ. **

ص: 785

1- . الأُمالي للمفيد: ص 253 مجلس 30 ح 2.

2- . الأُمالي للطوسي: ص 417 مجلس 14 ح 939.

حدیث 45: امام باقر (علیه السلام): پیشوایان ستم و پیروان شان از دین خدا برکنارند، آنان گمراه اند و دیگران را گمراه می کنند و کارهایی را که انجام می دهند همچون خاکستری است در برابر باد در یک روز طوفانی. (1)

حدیث 46: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قَالَ اللَّهُ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» قَالَ قُلْتُ أَلَيْسَ اللَّهُ عَنِّي بِهَا الْكُفَّارَ حِينَ قَالَ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا» قَالَ فَقَالَ وَ أَيْ نُورٍ لِلْكَافِرِ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُخْرِجَ مِنْهُ إِلَى الظُّلُمَاتِ وَ إِنَّمَا عَنِّي اللَّهُ بِهَا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى نُورِ الْإِسْلَامِ فَلَمَّا أَنْ تَوَلَّوْا كَلَّ إِمَامٌ جَائِرٌ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ خَرَجُوا بِوَلَايَتِهِمْ إِيَّاهُمْ مِنْ نُورِ الْإِسْلَامِ إِلَى ظُلُمَاتِ الْكُفْرِ فَأَوْجَبَ لَهُمُ النَّارَ مَعَ الْكُفَّارِ فَقَالَ «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» حدیث 46: امام صادق (علیه السلام): خداوند می فرماید: آن ها که کافر شده اند اولیای آن ها طاغوت می باشد که آن ها را از نور به طرف تاریکی ها هدایت می کند. عرضه داشتیم: مقصود خدا از آن جماعت کفار می باشند؟ زیرا فرموده «وَالَّذِينَ كَفَرُوا»، امام (علیه السلام) فرمودند: مگر کافر نور دارد در حالی که کافر می باشد تا آن ها را از آن نور و روشنائی به طرف تاریکی ها بکشاند. مقصود خدا در این آیهی این است که آنان در روشنائی اسلام قرار گرفتند، ولی چون به امامت ستمگران اعتقاد پیدا کردند، با اعتقاد به امامت آن ها از نور اسلام خارج شده و به ظلمات کفر هدایت گردیدند، خدا هم آن ها را با کفار در آتش قرار داد، و فرمود «أُولَئِكَ

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (2)

حدیث 47: قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَا الْعِلَّةُ أَنْ لَا دِينَ لِهَؤُلَاءِ وَ مَا عَتَبَ لِهَؤُلَاءِ قَالَ لِأَنَّ سَيِّئَاتِ الْإِمَامِ الْجَائِرِ تَغْمِزُ حَسَنَاتِ أَوْلِيَاؤِهِ

ص: 786

1- . الكافي ج 1 باب فيمن دان الله عز وجل بغير إمام من الله جل جلاله ح 2 ص 374.

2- . تفسير العياشي ج 1 ص 138 [سورة البقرة(2): آية 257] ص: 138 مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج 18 ص 174 باب 8 باب جملة مما يثبت به الكفر و الارتداد ح 22425.

حدیث 47: عبدالله بن ابی یعفور گفت: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم؟ به چه علت این ها دین ندارند و آن ها را کسی سرزنش نمی کند. فرمود: برای این که کارهای بد امام ستمگر، نیکی های پیروانش را نابود می کند. (1)

حدیث 48: مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى..... وَ

لَا عُفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ كُلَّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ ظَالِمَةً مُسِيئَةً حَدِيث 48: حبيب سجستانی از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند که: خداوند فرمود: هر ملتی که از امام غیر منسوب از طرف خدا اطاعت کند را عذاب می کنم گر چه آن ملت نیکوکار باشند. (2)

حدیث 49: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا جَائِرًا لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَ لَأَعْفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا

هَادِيًا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً

حدیث 49: پ-یامبر خدا (صلي الله عليه و آله) خداوند عزوجل فرموده: هر رعیتی از رعایای اسلام که از پیشوایی ستمگر که از جانب خدای عزوجل نیست، فرمان برد عذاب خواهد کرد، هر چند این گروه در کارهایشان نیکوکار و پرهیزگار باشند. (3)

ص: 787

1- . بحار الأنوار: ج 27 ص 202 ح 70 باب 7 أنه لا تقبل الأعمال إلا بالولاية .

2- . الإختصاص ص 260 باب في بيان جملة من الحكم و المواعظ و الوصايا عنهم ع .

3- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ؛ النص ؛ ص 206 عقاب من أطاع إماما جائرا ليس من الله عز و جل

حدیث 50: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ أَشْرَكَ مَعَ إِمَامٍ إِمَامَتُهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَنْ لَيْسَتْ إِمَامَتُهُ مِنَ اللَّهِ كَانَ مُشْرِكًا.

حدیث 50: امام صادق (عليه السلام): هر که پیشوای غیر الهی را با پیشوایی که امامتش از جانب خداست شریک گرداند به خدا شریک ورزیده است. (1) حدیث 1/50: مُحَمَّدٌ

بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ كَانَ عَلِيٌّ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّمَا هُوَ الرِّضَا وَ السَّخَطُ وَ إِنَّمَا عَقَرِ النَّاقَةَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَلَمَّا رَضُوا أَصَابَهُمُ الْعَذَابُ فَإِذَا ظَهَرَ إِمَامٌ عَدْلٍ فَمَنْ رَضِيَ بِحُكْمِهِ وَ أَعَانَهُ عَلَى عَدْلِهِ فَهُوَ وَلِيُّهُ وَ إِذَا ظَهَرَ إِمَامٌ جَوْرٍ فَمَنْ رَضِيَ بِحُكْمِهِ وَ أَعَانَهُ عَلَى جَوْرِهِ فَهُوَ وَلِيُّهُ

امام باقر (عليه السلام) در نهی پیروان خویش از همکاری با جباران می فرمودند: ناچهی صالح را یک نفر پی کرد و کشت، ولی چون تودهی مردم بدان عمل راضی بودند عذاب نسبت به همگان نازل شد. پس هرگاه امام عادل ظاهر گشت و به حکومت رسید کسانی که راضی به حکم او باشند و حکومت را در راستای عدل کمک نمایند دوست و یاور او به شمار می آیند و زمانی که پیشوا و حاکم جائر به قدرت رسید کسانی که راضی به حکم او باشند و او را در مسیر جور و ستمش یاری دهند ولی، دوست و یاور او به شمار خواهند آمد. (2)

حدیث 51: مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْفَقِيهُ الْقَمِّيُّ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَه قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: عَبْدَ اللَّهِ حَبْرٌ مِنْ أَحْبَابِ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَتَّى صَارَ مِثْلَ

ص: 788

1- . الغيبة النعماني ص 130 باب 7 ما روي فيمن شك في واحد من الأئمة أو بات ليلة لا يعرف فيها إمامه أو دان الله عز و جل بغير إمام منه ح 8.

2- . مجموعة ورام ج 1 ص 17 فهرست ما في هذا المجلد

الْخِلَالِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ زَمَانِهِ، قُلْ لَهُ وَعِزَّتِي

وَجَلَالِي وَجَبْرُوتِي لَوْ أَنَّكَ عَبْدَتَنِي حَتَّى تَدُوبَ كَمَا تَدُوبُ الْأَلْيَةُ فِي الْقَدْرِ مَا قَبِلْتُ مِنْكَ حَتَّى تَأْتِيَنِي مِنَ الْبَابِ الَّذِي أَمَرْتُكَ.

حدیث 51: امام صادق (علیه السلام) فرمود: یکی از علمای بنی اسرائیل آن قدر خدا را عبادت کرد که، مانند چوب باریک گشت. خداوند به پیامبر زمان او وحی فرستاد که به او بگو: به عزّت و جلال و جبروت خودم سوگند که اگر مرا آن قدر عبادت کنی که آب شوی چنان که دنبه در دیگ آب می شود، از تو نخواهم پذیرفت، مگر این که از راهی که به تو فرمان داده ام به سوی من بیایی. (1)

حدیث 52: أَبِي رِه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ: مَنْ أُمَّ قَوْمًا وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ وَ أَفْقَهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُمْ إِلَيَّ سَقَالًا [سَقَالًا] إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

حدیث 52: عزرمی از پدرش در حدیثی: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده است که فرمود: هر که بر گروهی امامت کند در حالی که میان آن ها داناتر و فقیه تر از او وجود داشته باشد، همواره کارشان تا روز قیامت رو به پستی خواهد رفت. (2)

حدیث 53: ابْنُ عُقْدَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَ سَعْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَّ وَ ابْنَ جَمِيْعًا عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ مِثْلَهُ وَ فِيهِ أَعْلَمُ يَا مُحَمَّدُ أَنَّ أُمَّةَ الْحَقِّ وَ اتَّبَاعَهُمْ هُمُ الَّذِينَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَإِنَّ أُمَّةَ الْجَوْرِ لَمَعْرُوْلُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ الْحَقِّ فَقَدْ ضَلُّوا وَ أَضَلُّوا فَأَعْمَالُهُمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا كَرَمَادٍ

اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا

ص: 789

1- . عقاب الأعمال: عقاب من اتى الله من غير بابه.

2- . عقاب من أم قوما و فيهم من هو أعلم منه و أفقه.

مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

حدیث 53: در غیبت نعمانی همین حدیث نقل شده تا آنجا که می فرماید: ائمه حق و پیروان آنها بر دین خدایند و پیشوایان ستمگر از دین خدا و حق منحرفند خود گمراهند و دیگران را نیز گمراه کرده اند اعمالی که انجام می دهند مانند خاکستری است که در مسیر تند بادی سخت در یک روز طوفانی قرار گیرد، نتیجه ای از کار خود نمی برند این یک گمراهی بسیار سختی است. (1)

حدیث 54: قال علي (عليه السلام):... أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَ الشُّحْطُ وَ إِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمُّهُ بِالرِّضَا فَقَالَ سُبْحَانَهُ فَعَمَّرُوهَا فَأَصَدَّ بَحُوحًا نَادِمِينَ فَمَا كَانَ إِلَّا أَنْ حَارَتْ أَرْضُهُمْ بِالْحَسَةِ فَخَوَّزَ السَّكَّةَ الْمُحَمَّاةَ فِي الْأَرْضِ الْخَوَّازَةِ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ سَلَكَ الطَّرِيقَ الْوَاضِحَ وَرَدَّ الْمَاءَ وَ مَنْ خَالَفَ وَفَعَّ فِي التِّيهِ

حدیث 54: امیرالمؤمنین (علیه السلام): ای مردم! تنها چیزی که مردم را با یکدیگر جمع کرده (و آن ها را در سرنوشت اجتماعی مشترک می سازد) همانا رضا و سَخَط (خشنودی و خشم) است ناچهی صالح را یک نفر بیشتر پی نکرد، اما عذاب و کیفر آن همه قوم ثمود را فرا گرفت، زیرا همه به عمل او راضی بودند خداوند سبحان می فرماید: آن را پی کردند ولی سرانجام پس از نزول بلا پشیمان شدند. سرزمین آنان همچون آهن گداخته ای که در زمین نرم فرو رود یک باره فریادی برآورد و فروکش کرد. به این طریق به کیفر اعمال خلاف خود رسیدند. (2)

حدیث 55: بشارة المصطفى أبو علي بن شَيْخ الطَّائِفَةِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الثَّمَالِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ

ص: 790

1- [1] الغيبة للنعماني ص 128 باب 7 ما روي فيمن شك في واحد من الأئمة أو بات ليلة لا يعرف فيها إمامه أو دان الله عز وجل بغير إمام منه ح 2
2- نهج البلاغه للصبحي صالح خطبهي 201.

الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَفْلَحَ وَ مَنْ دَعَاهُ بغيرِنَا هَلَكَ وَ اسْتَهْلَكَ حَدِيث 55: مُحَمَّد بن اسماعيل از ثمالی نقل مي کند از امام باقر (عليه السلام) که علي بن الحسين (عليه السلام) فرمود: هر که خدا را به وسيله ما بخواند رستگار است و هر که به غير از ما بخواند هلاک می شود و به هلاکت مي کشاند. (1)

تذکر: يعني هر که خدا را از راهي که ما آن راه را نشان مي دهيم بندگي و اطاعت کند.

حديث 56: مُحَمَّد بنُ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عٍ عَنْ مُحَمَّدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ أُمَّةَ الْجَوْرِ وَ اتَّبَاعَهُمْ لَمَعزُولُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ الْحَقُّ قَدْ ضَلُّوا بِأَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ البَعِيدُ

حديث 56: امام باقر (عليه السلام) فرمودند: پيشوايان ستمگر و پيروانشان از دين خدا و از حقّ به دورند کارهایی که مي کنند برباد رفته است، همچون خاکستری که باد در يك روز طوفانی از هم مي پراکند. (2)

تذکر: يکي از شرايط قبولي اعمال اقرار به ولايت ائمه اطهار است.

پيشوايان باطل و بيزاري جستن از پيروانشان

«إِذ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوْا الْعَذَابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ وَ قَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأْنَا مِنْكَ كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَ مَا هُمْ بِخارجِينَ مِنَ النَّارِ». (3)

ص: 791

1- [1] الأُمالي للطوسي ص 172 [6] المجلس السادس ح 41

2- [2] المحاسن ج 1 ص 93 باب 18 عقاب من اتخذ إماما من الله إمام جور ح 48

3- . سورة بقره آيات 166 و 167.

گمراهان گمراه کننده از پیروان خود بیزاری می جویند، کیفر خدا را می بینند و دستشان از همه جا کوتاه می شود. و پیروان آن ها می گویند: اگر بار دیگر به دنیا باز می گشتیم از آنان بیزاری می جستیم چنان که امروز از ما بیزاری جستند، خداوند این چنین اعمال شان را به صورت حسرت به آنان نشان می دهد و آنان هرگز از آتش خارج نخواهند شد. R

حدیث 57: بِنْتُ يُوسُفَ بْنِ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيَّةُ وَكَانَتْ عَمَّتِي قَالَتْ حَدَّثْتَنِي بِهَجَّةٍ بِنْتُ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ التَّغْلِبِيِّ عَنْ خَالِهَا عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَنْصُورٍ وَكَانَ رَضِيعاً لِبَعْضِ وُلْدِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام) قَالَ:.... فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» قَالَ إِمَامٌ دَعَا إِلَى هُدًى فَأَجَابُوهُ إِلَيْهِ وَإِمَامٌ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ فَأَجَابُوهُ إِلَيْهَا هُوَ لَاءٌ فِي الْجَنَّةِ وَهُوَ لَاءٌ فِي النَّارِ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ

حدیث 57: امام ح-سین (عليه السلام) درباره آیهی «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» روزی که هر گروه از مردم را به پیشوایانشان بخوانیم. ف-رمود: يك امام به راه راست فراخوانده و پیروانش دعوت او را لبیک گفته اند و امامی به گمراهی خ-وانده و پیروانش به دعوت او پاسخ داده اند آنان در بهشتند و اینان در دوزخ و این است سخن خدا عزوجل که «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ» گروهی در بهشت هستند و دسته ای در دوزخ. (1)

حدیث 58: عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه وآله) قَالَ:... ثُمَّ يَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَلَا مَنْ اتَّبَعْتُمْ بِإِمَامٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَلْيَتَّبِعْهُ إِلَى حَيْثُ يَذْهَبُ بِهِ فَحِينَئِذٍ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً

فَنَتَّبِرَآ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ

ص: 792

عَلَيْهِمْ وَ مَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ. حدیث 58: امام صادق (علیه السلام): در روز قیامت از سوی خدای بزرگ ندا آید که هر که در سرای دنیا به امام-ی اق-ت-داك-رده ب-اید در پی او به همان جا رود که او را می برند در این هنگام پیروی شدگان گمراه از پیروان خود بیزاری می جویند. (1)

حدیث 59: أَبِي عَنِ النَّضْرِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنِ ابْنِ مُسَدِّكَ عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ قَوْمٍ انْتَمَوْا بِإِمَامِهِمْ فِي الدُّنْيَا إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَلْعَنُهُمْ وَيَلْعَنُونَهُ إِلَّا أَنْتُمْ وَمَنْ عَلَى مِثْلِ حَالِكُمْ.

حدیث 59: امام صادق (علیه السلام): در روایتی فرمودند: هیچ قومی نیست که در دنیا به امامش اقتدا کرده باشد، مگر آن که در قیامت او آنان را نفرین می کند و آنان او را، مگر شما و کسی که چون شما باشد. (2)

حدیث 60: قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَنَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ أَيْنَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَيَقُومُ دَاوُدُ النَّبِيُّ (عليه السلام) فَيَأْتِي النَّدَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَسَّ نَا إِيَّاكَ أَرْضَنَا وَ إِن كُنْتَ لِلَّهِ خَلِيفَةً ثُمَّ يَنَادِي ثَانِيَةً أَيْنَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَيَقُومُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَيَأْتِي النَّدَاءَ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ فَمَنْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِهِ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَلْيَتَعَلَّقْ بِحَبْلِهِ فِي هَذَا الْيَوْمِ لَيْسَتْ صِيءٌ بِنُورِهِ وَ لِيَتَّبِعَهُ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ قَالَ فَيَقُومُ أَنَسٌ قَدْ تَعَلَّقُوا بِحَبْلِهِ فِي الدُّنْيَا فَيَتَّبِعُونَهُ إِلَى الْجَنَّةِ ثُمَّ يَأْتِي النَّدَاءَ

ص: 793

1- . الأماي للمفيد ص 285 المجلس الرابع و الثلاثون ح 3.

2- . المحاسن ج 1 ص 143 باب 12 باب يوم ندعوا كل أناس بإمامهم ح 42.

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَلَا مَنْ اتَّبَعَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَلْيَتَّبِعْهُ إِلَى حَيْثُ شَاءَ وَيَذْهَبْ بِهِ فَحِينَئِذٍ يَتَّبِعُهُ الدِّينَ اتَّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأُوا
 الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ. وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنْ لَنَا كَرَّةٌ فَنَتَّبِعُ اللَّهُ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأْنَا مِنْكَ كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا
 هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ حَدِيث 60: ابان بن عثمان گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: چون روز قیامت شود آواز دهنده ای از اندرون
 عرش ندا دهد، خلیفه‌ی خداوند در زمینش کجاست؟ پس داوود پیامبر برخیزد، از جانب خدا عزوجل ندا دهد، منظور ما تو نیستی هر
 چند که خلیفه‌ی خداوند بوده ای. بار دوم ندا رسد، خلیفه‌ی خداوند در زمینش کجاست؟ پس امیرالمؤمنین (علیه السلام) برمی خیزد، از
 جانب خدا عزوجل ندا می رسد، ای آفریدگان، این علی بن ابی طالب (علیه السلام) خلیفه‌ی خدا در زمین، و حجّتش بر بندگان او است،
 پس هر که در دنیا به ریسمان (ولایت) او آویخته امروز نیز به ریسمان او بیاویزد تا از نور او روشنی گیرد، و به دنبال او به درجات بلند
 بهشتی راه یابد. حضرت فرمود: پس مردمی چند که در دنیا به ریسمان (ولایت) او آویخته بودند برخاسته و به دنبال آن حضرت به بهشت
 روند. سپس از جانب خداوند ندا رسد، هان! هر که در دنیا به دنبال پیشوایی راه افتاده (امروز نیز) به دنبال او به هر جا که بخواهد و او را
 برد، راه بیفتد. این جاست که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند، و عذاب را ببینند و همهی اسباب و وسائل از دسترسی آنان دور و بریده
 باشد، و پیروان گویند: ای کاش!! ما را بازگشتی بود (به دنیا) تا از آنان بیزاری می جستیم همان گونه که از ما بیزاری جستند، این چنین
 خداوند اعمال آنان را حسرت بر آنان بنمایاند، و آنان از آتش دوزخ بیرون نخواهند شد. (1)

ص: 794

حدیث 61: وَ مِنْهُ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: يَا مَالِكُ أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ تُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ تُؤَدُّوا الرِّكَاعَةَ وَ تَكْفُوا أَيْدِيَكُمْ وَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ يَا مَالِكُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ قَوْمٍ انْتَمَوْا بِإِمَامٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُلْعَنُهُمْ وَيُلْعَنُونَهُ إِلَّا أَنْتُمْ وَ مَنْ كَانَ بِمِثْلِ حَالِكُمْ ثُمَّ قَالَ يَا مَالِكُ إِنَّ أَلَمِيَّتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ شَهِيدٌ بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...

حدیث 61: مالک جهنی گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای مالک! آیا نمی خواهید نماز بگذارید، و زکات بدهید و دست خود را نگه دارید تا داخل بهشت شوید. بعد فرمود: ای مالک! هر که در دنیا برای خود امامی اتخاذ کند هنگامی که وارد محشر می شود آن امام و ماموم یکدیگر را لعنت کنند جز شما و کسانی که مانند شما باشند، فرمود: مرده شما که با عقیده به امامت ما بمیرد، مانند شهیدی است که در راه خدا جنگ می کند. (1)

حدیث 62: عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عُبَيْدٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) قَالَ: ... ثُمَّ يَأْتِي النَّدَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَّا مَنْ اتَّعَمَّ بِإِمَامٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَلْيَتَّبِعْهُ إِلَى حَيْثُ يَذْهَبُ بِهِ فَحِينَئِذٍ تَبْرَأُ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوْا الْعَذَابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ وَ قَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأُ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأْنَا مِنْكَ كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَ مَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ.

حدیث 62: امام صادق (علیه السلام): در روز قیامت از سوی خدای بزرگ ندا آید که، هر که در سرای دنیا به امام-ی اق-ت-د-ک-رده-ب-اید در پی او به همان جا رود که او را می برند در این هنگام پیروی شدگان گمراه از پیروان خود بیزاری می جویند. (2)

ص: 795

1- . فضائل الشيعة ص 38 الحديث 37.

2- . الأما لي للمفيد ص 285 المجلس الرابع و الثلاثون ح 3.

حدیث 63: اَعْلَامُ الدِّينِ، لِلدَّيْلَمِيِّ عَنِ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

جَالِسًا وَعِنْدَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ وَفِيهِمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ فَقَالَ رَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِهِ فَحَنُّ نَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ هَذَا وَشَيْعَتِهِ وَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيٍّ وَقَالَ لَهُمَا مِنْ عَلَامَةِ ذَلِكَ أَنْ لَا تَجْلِسَا مَجْلِسَهُ وَلَا

تُكَذِّبَا قَوْلَهُ

حدیث 63: اعلام دین دیلمی از ابو سعید خدری گفت: پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) با چند نفر از اصحاب نشستند بود که در میان آن ها علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیز حضور داشت پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود: هر که بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ داخل بهشت شود. دو نفر از اصحاب گفتند: پس ما لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را که می گوئیم. پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قبول می شود از این و شیعیانش دست خود را روی سر علی (علیه السلام) گذاشت و به آن دو فرمود: از نشانه های این مطلب آن است که جای او را نگیرید و سخنش را تکذیب ننمائید. (1)

حدیث 64: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ قَالَ هُمْ وَاللَّهُ أَوْلِيَاءُ فُلَانٍ وَفُلَانٍ اتَّخَذُوهُمْ أَيْمَةً دُونَ الْإِمَامِ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً فَلِذَلِكَ قَالَ وَ لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ. إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ. وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ

ص: 796

1- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص 7 ثواب من تقبل منه شهادة لا إله إلا الله

يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) هُمْ وَاللَّهُ يَا جَابِرُ أُنْمَةُ الظُّلْمَةِ وَأَشْيَاعُهُمْ*.

حدیث 64: جابر گوید: از امام باقر (علیه السلام) راجع بقول خدای عزوجل «وَ

مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» بعضی از مردم سوای خدا همتها (مانند بت و گاو و سایر معبودهای باطل) گیرند و آنها را چون خدا دوست دارند پرسیدم، فرمود: ایشان به خدا اولیاء فلان و فلانند که آنها را پیشوای خود گرفتند، نه آن امامی را که خدا پیشوای مردم قرار داده. بدین جهت خدا فرموده است «وَ

لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ. إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ. وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَّبِعُ لِمَنْ كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ» کاش آن کسان که ستم می کنند می دانستند که وقتی عذاب را مشاهده کنند، تواناییکسره برای خداست و عذاب خدا بسیار سخت است، زمانی که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را ببینند و روابطشان قطع شود و پیروان گویند: ای کاش برای ما بازگشتی بود تا از آنها بیزار می شدیم، چنان که از ما بیزار شدند، این چنین خدا اعمالشان را به آنها مایه افسوس و پشیمانی ها نشان می دهد، و ایشان از آتش بیرون نشوند.... امام باقر (علیه السلام) فرمود: ای جابر! ایشان به خدا پیشوایان ستمگران و پیروان ایشانند. (1)

پیشوایان باطل نابودگران دین خدا

حدیث 65: قال علي: ... وَإِنَّ شَرَّ النَّاسِ عَدَدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَ ضَلَّ بِهِ فَأَمَاتَ سُنَّةٌ مَأْخُودَةٌ وَ أَحْيَا بِدَعَاةٍ مَثْرُودَةٌ وَ إِنِّي سَجَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) يَقُولُ يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْإِمَامِ الْجَائِرِ وَ لَيْسَ مَعَهُ نَصِيرٌ وَ لَا عَاذِرٌ فَيُلْقَى فِي نَارِ جَهَنَّمَ

ص: 797

1- . الكافي: ج 1 ص 374 بَابُ مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَ لَيْسَ لَهَا بِأَهْلٍ وَ مَنْ جَحَدَ الْإِمَامَةَ أَوْ بَعْضَهُمْ وَ مَنْ أَثْبَتَ الْإِمَامَةَ لِمَنْ لَيْسَ لَهَا بِأَهْلٍ ح 11.

فَيَدُورُ فِيهَا كَمَا تَدُورُ الرَّحَى ثُمَّ يَرْتَبُ فِي فَعْرِهَا

حدیث 65: امیرالمؤمنین (علیه السلام): بدترین کس نزد خداوند پیشوای ستمگری است که خود گمراه بوده و م-ردم ن-ی-ز ب-ه س-ب او گمراه می شوند، زیرا سنت معمول را می میراند و بدعت متروک را زنده می کند. ش-نیدم پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمود: در روز قیامت پیشوای ستمگر آورده می شود ب-ی آن ک-ه پ-ش-تیبان و عذرخواهی داشته باشد پس، در آتش دوزخ افکنده می شود و همچون سنگ آسیا در دوزخ به چرخش درآمده. سپس در قعر آن به بند کشیده می شود. (1)

حدیث 66:

فَحَدَّثْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)

بِالْكُوفَةِ بِمَا حَدَّثَنِي بِهِ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمُقَدَّادُ [مِنْ] قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ حِينَ رَأَى الثَّلَاثَةَ مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ

مِنْ قُرَيْشٍ مُقْبِلِينَ قَالَ تَفْتَرِقُ أُمَّتِي بَعْدِي ثَلَاثَ فِرَقٍ فَسَدَّ مَوَكَّ وَ سَدَّ مَوَا سَدَّ عُدَا وَ الثَّلَاثَ لَمْ يُسَمُّوا إِلَّا بِالْمَعَارِضِ حَتَّى عَلِمْتُ مَنْ عَنَوْا فَقَالَ لَا تَلْمَهُمْ يَا سَلِيمُ فَإِنَّ الْأُمَّةَ قَدْ أَشْرَبَتْ قُلُوبُهُمْ حُبَّهُ كَمَا أَشْرَبَتْ قُلُوبُ بَنِي

إِسْرَائِيلَ حُبَّ الْعِجْلِ يَا سَلِيمُ أَفِي شَكِّ أَنْتَ فِيهِ

مَنْ هُوَ قَالَ قُلْتُ [بَلَى] وَ لَكِنْ أَحِبُّ أَنْ تُسَمِّيَهُ لِي

وَ أَسْمَعُهُ مِنْكَ فَأَزْدَادَ يَفِينَا قَالَ هُوَ عَتِيقُ

حدیث 66: آن چه سلمان و ابوذر و مقداد از کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرده بودند که: وقتی آن سه نفر از قریش را دید که می آیند فرمود: امتم بعد از من به سه گروه متفرق می شوند، در کوفه خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل کردم و عرض کردم: شما را و سعد را نام بردند. ولی سومی را جز با کنایه نام نبردند تا آن که دانستم چه کسی را قصد کرده اند. حضرت فرمود: ای سلیم! آنان را ملامت نکن. قلوب این امت از حب او سیراب شده همان طور که قلوب بنی اسرائیل از محبت گوساله سیراب شده بود. ای سلیم! آیا شک داری که او کیست؟ گفتم: بلی می شناسم، ولی دوست دارم او را برایم

ص: 798

1- . نهج البلاغه للصبحي صالح ص 235 خطبه 164 و من کلام له ع لما اجتمع الناس إليه و شکوا ما تقموه علی عثمان.....

نام ببری و از شما بشنوم تا یقینم افزوده گردد. فرمود: او عتیق است. (1)

حدیث 68: قال النبي (صلي الله عليه و آله): ... وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَا هَدَمَ الدِّينَ مِثْلُ إِمَامٍ ضَلَّ لَالَةً وَ أَضَلَّ وَ جِدَالَ مُنَافِقٍ بِالْبَاطِلِ وَ الدُّنْيَا قَطَعَتْ رِقَابَ طَالِبِيهَا وَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْهَا

حدیث 68: پیامبر رحمت (صلي الله عليه و آله): بدانید به درستی که هیچ کس دین را مثل دو نفر خراب نکرد: یکی پیشوا و رهبر گمراه که خود گمراه بوده و دیگران را هم گمراه می کند. و دیگری منافقی که از راه باطل جدا می کند. و دنیا گردن طالبین خود را قطع کرد و آنان که رغبت و میل به آن داشتند نیز به همین سرنوشت گرفتار شدند. (2) نهي

کرد پیامبر امتش را از پیروي پیشوایان باطل

حدیث 69:

بِإِسْمِ نَادِ أَخِي دُعِيلٍ عَنِ الرَّضَا (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلي الله عليه و آله) تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ فَقَالَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ مَنْ أَطَاعَنِي وَ سَلَّمْ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) بَعْدِي وَ أَقْرَبُ بَوْلًا يَتِيهِ فَقِيلَ وَ أَصْحَابُ النَّارِ قَالَ مَنْ سَخَطَ الْوَلَايَةَ وَ نَقَضَ الْعَهْدَ وَ قَاتَلَهُ بَعْدِي

حدیث 69: برادر دعبل از حضرت رضا (عليه السلام): از آباء گرامش نقل کرده که: پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) این آیه را تلاوت نمود «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ» فرمود: اصحاب بهشت کسانی اند که مرا اطاعت کرده، تسلیم علی بن ابی طالب (عليه السلام) پس از من بوده و اقرار به ولایت او نمایند. شخصی پرسید؟ اصحاب جهنم کیانند. فرمود: کسی که مخالف ولایت باشد، پیمان شکنی کند و با علی (عليه السلام) پس از من به جنگ پردازد. (3)

ص: 799

1- . کتاب سلیم بن قیس ج 2 ص 827 ح 38.

2- . ارشاد القلوب ج 1 ص 75 الباب الثامن عشر وصايا و حکم بليغة .

3- . الأمالي (للطوسي) ص 363 [13] المجلس الثالث عشر ح 13.

حدیث 70: علی (علیه السلام): وَ لَيْسَ الْخَلْفُ خَلْفٌ يَتَّبِعُ سَلْفًا هَوَى فِي نَارِ جَهَنَّمَ

حدیث 70: امیرالمؤمنین (علیه السلام): در نامه ای به معاویه: بدا پسری که پیرو پدر گردد و در پی او به آتش دوزخ در افتد. (1)

حدیث 71: ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: لَمَّا أُنزِلَتْ يَوْمَ نَدَعُوا كُلَّ أَنْسٍ بِإِمَامِهِمْ قَالَ الْمَسْئُومُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَلَسْتَ إِمَامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ أَجْمَعِينَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَتَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ لَكِنْ سَ يَكُونُ بَعْدِي أئِمَّةٌ عَلَى النَّاسِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مِنَ اللَّهِ يُقِيمُونَ فِي النَّاسِ فَيَكْذِبُونَهُمْ وَ يَظْلِمُهُمْ أئِمَّةٌ الْكُفْرِ وَ الضَّلَالِ وَ أَشَدُّ يَاعُهُمْ أَلَا فَمَنْ وَآلَاهُمْ وَ اتَّبَعَهُمْ وَ صَدَّقَهُمْ فَهُوَ مِنِّي وَ مَعِي وَ سَ يَلْقَانِي أَلَا وَ مَنْ ظَلَمَهُمْ وَ أَعَانَ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَ كَذَّبَهُمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَ لَا مَعِي وَ أَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ

حدیث 71: جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل کرد که چون این آیهی نازل شد. «يَوْمَ

نَدَعُوا كُلَّ أَنْسٍ بِإِمَامِهِمْ» مسلمانان گفتند: یا رسول الله! مگر شما امام تمام مردم نیستی. فرمود: من پیامبرم برای تمام مردم ولی بعد از من امامانی از اهل بیتم برای مردم خواهند بود از جانب خدا که در میان مردم به پا می خیزند اما آنها را تکذیب می کنند و پیشوایان کفر و گمراهی و پیروانشان به آنها ستم روا می دارند هر که آنها را دوست بدارد و پیروی کند و تصدیق نماید از من است و با من خواهد بود و مرا خواهد دید و هر که به آنها ستم روا دارد و یا با ستمگران آنها همکاری کند و ایشان را تکذیب کند از من نیست و با من نخواهد بود و من از او بیزارم. (2)

حدیث 72: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي زَاهِرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي

ص: 800

1- . نهج البلاغه: للصبحي صالح الكتاب 17.

2- . المحاسن ج 1 ص 155 باب 22 باب من مات لا يعرف إمامه ح 84.

قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ قَالَ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (صلي الله عليه و آله) مِنَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَخْلُطُوهَا بِوَلَايَةِ فَلَانٍ وَ فَلَانٍ فَهُوَ الْمَلْبَسُ بِالظُّلْمِ.

حدیث 72: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر قول خدا عز و جل «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (1) آن کسانی که گرویدند و ایمان خود را به ستم نیندودند ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافتگانند فرمود: مقصود ایمان به آن است که محمد (صلي الله عليه و آله) آورده است از ولایت و نیامیخته باشند آن را پذیرش ولایت فلان و فلان، و اگر کسی بپذیرد ولایت غیر ما را او ست که ایمان خود را به ظلم و ستم اندوده و تیره کرده است. (2)

حدیث 73: يَحْيَى الْحَلْبِيُّ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْخَارِجَةِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْفَى نَبِيِّكُمْ أَنْ يَلْقَى مِنْ أُمَّتِهِ مَا لَقِيَتِ الْأَنْبِيَاءُ مِنْ أُمَّهَاتِهِمْ وَ جَعَلَ ذَلِكَ عَلَيْنَا.

حدیث 73: ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که: فرمود: خدا پیامبر (صلي الله عليه و آله) را معاف نمود، از این که از امت خود ببیند آن چه را پیامبران دیگر از امت خود دیدند و این مطلب را برای ما قرار داد. (3)

حدیث 74: ابْنُ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشَّعَرِيِّ عَنِ الْجَمَامُورَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَلِيمَانَ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: يُحْشَرُ الْمُرْجِئَةُ عُمَيَانًا وَ إِمَامُهُمْ أَعْمَى فَيَقُولُ بَعْضُ مَنْ يَرَاهُمْ مِنْ غَيْرِ أُمَّتِنَا مَا نَرَى أُمَّةَ مُحَمَّدٍ إِلَّا عُمَيَانًا فَيَقَالُ لَهُمْ لَيْسُوا مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله)

إِنَّهُمْ بَدَّلُوا فَبَدَّلَ بِهِمْ وَ غَيَّرُوا فَغَيَّرَ مَا بِهِمْ

حدیث 74: به امیرالمؤمنین (علیه السلام) می رساند که فرمود: خداوند مُرْجِئَه را کور محشور می نماید و امام آن ها نیز کور است بعضی از مردم که آن ها را می بینند می گویند: ما امت محمد (صلي الله عليه و آله) را جز کور ندیدیم به آن ها می گویند: این ها امت

ص: 801

1- . سورة انعام آیه 82

2- . الكافي ج 1 ص 413 كتاب الحجّة باب فيه نكث و نتف من التنزيل في الولاية ح 3

3- . الكافي ج 8 ص 252 ح 352 حديث القباب.

محمد (صلي الله عليه و آله) نيستند اين ها تغيير دادند. خداوند هم آن ها را تغيير داد. (1) كيفر بدعت گذاران

حديث 75: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ رَجُلٌ فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ طَلَبَ الدُّنْيَا مِنْ حَلَالٍ فَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهَا فَطَلَبَهَا مِنْ حَرَامٍ فَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهَا فَاتَّاهُ الشَّيْطَانُ فَقَالَ يَا هَذَا إِنَّكَ قَدْ طَلَبْتَ الدُّنْيَا مِنْ حَلَالٍ فَلَمْ تَقْدِرْ عَلَيْهَا وَطَلَبْتَهَا مِنْ حَرَامٍ فَلَمْ تَقْدِرْ عَلَيْهَا أَفَلَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ يَكْثُرُ بِهِ مَالُكَ وَدُنْيَاكَ وَتَكْثُرُ بِهِ تَبِعَاتُكَ قَالَ بَلَى قَالَ تَبْتَ دَعُ دِينًا وَتَدْعُو إِلَيْهِ النَّاسَ فَفَعَلَ فَاسْتَجَابَ لَهُ النَّاسُ وَأَطَاعُوهُ وَأَصَابَ مِنَ الدُّنْيَا ثُمَّ إِنَّهُ فَكَّرَ فَقَالَ بَسَ مَا صَدَعْتُ ابْتَدَعْتُ دِينًا وَدَعَوْتُ النَّاسَ إِلَيْهِ وَمَا أَرَى لِي تَوْبَةً إِلَّا أَنْ آتِي مَنْ دَعَوْتُهُ إِلَيْهِ فَأَرُدَّهُ عَنْهُ فَجَعَلَ يَأْتِي أَصْحَابَهُ الَّذِينَ أَجَابُوهُ فَيَقُولُ إِنَّ الَّذِي دَعَوْتُكُمْ إِلَيْهِ بَاطِلٌ وَإِنَّمَا ابْتَدَعْتُهُ فَجَعَلُوا يَقُولُونَ كَذَبْتَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ وَ لِكِنَّكَ شَكَّكَتَ فِي دِينِكَ فَرَجَعْتَ عَنْهُ فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ عَمَدَ إِلَى سِلْسِلَةٍ فَوَتَدَ لَهَا وَتَدَأْ ثُمَّ جَعَلَهَا فِي عُنُقِهِ وَقَالَ لَا أَحِلُّهَا حَتَّى يَتُوبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيٍِّّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قُلْ لِفُلَانٍ وَعِزَّتِي لَوْ دَعَوْتَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ أَوْصَالُكَ مَا اسْتَجَبْتُ لَكَ حَتَّى تَرُدَّ مَنْ مَاتَ مِمَّا دَعَوْتُهُ إِلَيْهِ فَرَجَعَ عَنْهُ.

حديث 75: از ابو بصير نقل شده است كه: امام صادق (عليه السلام) فرمود: در روزگاران گذشته مردى بود كه تلاش مى كرد از راه حلال دنيا را به دست آورد ولى

ص: 802

1- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص 208 عقاب الناصب و الجاحد لأمير المؤمنين ع و الشاك فيه و المنكر له ..

نمی توانست، از این رو از راه حرام در پی دنیا برآمد، باز هم به هدف نرسید. شیطان نزد او آمد و گفت: ای مرد! تو دنیا را از راه حلال طلب کردی و بر آن دست نیافتی، و از راه حرام طلب کردی باز هم بر آن دست نیافتی، می خواهی تو را به چیزی راهنمایی کنم که مال تو فراوان شود و دنیایت رونق گیرد و پیروانت بسیار گردند؟ آن مرد گفت: آری. شیطان گفت: دینی را از خود اختراع کن و مردم را بدان فراخوان. آن مرد چنین کرد و مردم از او پذیرفتند و وی را اطاعت کردند و او به دنیای خود رسید. پس از چندی با خود اندیشید و گفت: کار بدی کردم که از خود دینی ساختم و مردم را به آن فراخواندم. اکنون راهی برای توبه نمی بینم جز این که نزد هر کسی که او را به این دین ساختگی دعوت کردم بروم و او را از آن بازگردانم. پس هر روز نزد دوستان خود که سخن او را پذیرفته بودند می رفت و به آنان می گفت: آن چه من شمارا بدان فراخواندم باطل بود و خودم بدعت گذاشته بودم، و آنان هم در پاسخ می گفتند: تو دروغ می گویی، این دین حق است ولی تو در آن شک کرده و از آن برگشته ای. وقتی چنین دید، زنجیری برگرفت و یک سر آن را با میخی به زمین کوفت و سر دیگری را به گردن افکند و گفت: تا وقتی که خداوند بزرگ توبه ام را نپذیرد آن را باز نمی کنم. پس خداوند به یکی از پیامبران وحی فرستاد که به فلانی بگو: به عزت و جلالم سوگند، اگر آن قَدر مرا بخوانی که بند از بندت جدا شود، توبه‌ی تو را نخواهم پذیرفت تا این که کسانی را که بر دین ساختگی تو مرده اند زنده

کنی و آنان را از این دین باز گردانی. (1)

حدیث 76: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْعَمِّيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَيْ اللَّهُ تَعَالَى لِصَاحِبِ الْبِدْعَةِ بِالتَّوْبَةِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ إِنَّهُ قَدْ أَشْرَبَ قَلْبُهُ حُبَّهَا.

ص: 803

حدیث 76: عمی به سند خود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده است که فرمود: خداوند هرگز بدعت گزار را موفق به توبه نمی کند. پرسیدند: ای پیامبر! علت آن چیست؟ فرمود: زیرا او قلب خود را با عشق به آن بدعت آمیخته است. (1)

حدیث 77: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ يَرْفَعُهُ قَالَ: كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا النَّارُ. حدیث 77: حرز در حدیثی نقل کرده که: امام (علیه السلام) فرمود: هر بدعتی ضلالت و گمراهی است و هر ضلالتی راهش به سوی دوزخ است. (2)

حدیث 78: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: أَذْنَى الشُّرْكِ أَنْ يَتَّبِعَ الرَّجُلُ رَأْيًا فَيُحِبَّ عَلَيْهِ وَيُبْغِضَ.

حدیث 78: محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: کمترین مرتبه شرك این است که آدمی از خودش رأی و اندیشه ای داشته و بر اساس آن دوستی و دشمنی کند. (3)

حدیث 79: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: مَنْ مَشَى إِلَى صَاحِبِ بَدْعَةٍ فَوَقَرَهُ فَقَدْ مَشَى فِي هَدْمِ الْإِسْلَامِ.

حدیث 79: حفص بن عمر از امام صادق (علیه السلام) از پدرش، از علی (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: هر که نزد بدعت گذاری رود و او را احترام کند در راه نابودی اسلام قدم برداشته. (4)

ص: 804

- 1- . عقاب الأعمال: عقاب من ابتدع دینا ح 5.
- 2- . عقاب الأعمال: عقاب من ابتدع دینا ح 2.
- 3- . عقاب الأعمال: عقاب من ابتدع دینا ح 3.
- 4- . عقاب الأعمال: عقاب من ابتدع دینا ح 6.

حدیث 80:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيُّهٖ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: الْكَذِبُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَلَى رَسُولِهِ (صلي الله عليه وآله) وَعَلَى الْأَوْصِيَاءِ مِنَ الْكَبَائِرِ.

حدیث 80: ابو خدیجه از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: دروغ بستن به خدا و پیامبر (صلي الله عليه وآله) و اوصیای او از گناهان کبیره است. (1)

حدیث 81: وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلي الله عليه وآله) مَنْ قَالَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَقُلْ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ.

حدیث 81: و رسول خدا (صلي الله عليه وآله) فرموده: هر که چیزی را که من نگفتم ام به من نسبت دهد، جایگاهی در آتش دوزخ برای خود برگزیده. (2)

عدم پیروی از پیشوایان باطل

حدیث 82: الْعِدَّةُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنِ الْإِسْتِطَاعَةِ وَقَوْلِ النَّاسِ فَقَالَ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ... «فَالَّذِينَ

أَمَدُّوا بِهِ وَعَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» يَعْنِي بِالْإِمَامِ وَعَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ يَعْنِي الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الْجُبْنَ وَالطَّاعُوتَ أَنْ

ص: 805

1- . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص 268 باب عقاب الكذب على الله عز وجل وعلى رسوله وعلى الأئمة

2- . عقاب الأعمال: عقاب الكذب على الله عز وجل وعلى رسوله وعلى الأئمة.

يَعْبُدُوهَا وَالْحِجَّتَ وَالطَّاعُوتَ فُلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ وَالْعِبَادَةَ طَاعَةَ النَّاسِ لَهُمْ ثُمَّ قَالَ أُنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ *

حدیث 82: امام صادق (علیه السلام) این آیه را قرائت نموده «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (1)

و فرمودند: یعنی کسانی که از اطاعت حجت و طاغوت و پرستش آنها پرهیز می کنند، حجت و طاغوت فلان و فلان است و عبادت عبارت است از اطاعت آنها. سپس این آیه را قرائت نمود «و

أُنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ» (2) به سوی پروردگار خود باز گردید و تسلیم او شوید. (3)

عاقبت

پیروی از باطل

حدیث 83: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الدَّارِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَلِيمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) قَالَ: يُحْسَرُ الْمَرْحَتَةُ عُمَيَانًا وَإِمَامُهُمْ أَعْمَى فَيَقُولُ بَعْضُ مَنْ يَرَاهُمْ مِنْ غَيْرِ

أُمَّتِنَا مَا نَرَى أُمَّةَ مُحَمَّدٍ إِلَّا عُمَيَانًا فَيَقَالُ لَهُمْ

لَيْسُوا

مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ إِنَّهُمْ بَدَّلُوا فَبَدَّلَ بِهِمْ وَغَيَّرُوا فَغَيَّرْنَا بِهِمْ.

حدیث 83: علی بن سلیمان: از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: گروه مرجئه با پیشوای خود همگویی نابینا محسور شوند، و برخی از کسانی که از امت دیگرند وقتی آنان را می بینند می گویند: ما امت محمد (صلی الله علیه و آله) را جز نابینا ندیدیم! به آنان گفته می شود: اینان از امت محمد (صلی الله علیه و آله) نبوده، زیرا حق و باطل را جا به جا کرده

ص: 806

1- . الاعراف آية 157

2- . الزمر آية 54

3- . الكافي ج 1 ص 429 باب فيه نكت و نتف من التنزيل في الولاية ح 83

و آیین محمد(صلي الله عليه و آله) را دگرگون ساختند، از این رو خود تغییر یافتند و دگرگون گشتند. (مقصود از مُرَجِّه کسانی هستند که گنه کاران را معذور می داشتند). (1)

حدیث 84: أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْفَضْلِ بْنِ كَثِيرٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ الْبَلْخِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ وَقْتٍ صَلَاةً يُصَلِّيَهَا مُصَلِّيُهَا أَرْسَلَ اللَّهُ رَحْمَةً لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُعْتَقِدِينَ وَفِي بَعْضِ هَذَا الْخَلْقِ يَلْعَنُهُمْ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَلِمَ قَالَ بِجُحُودِهِمْ حَقًّا وَتَكْذِيبِهِمْ إِيَّانَا.

حدیث 84: سعید بن ابی سعید بلخی می گوید: از امام صادق(علیه السلام) شنیدم که می فرمود: خداوند به هنگام هر نمازی که نمازگزار به جای می آورد رحمتش را بر بندگان مؤمن و کسانی که اعتقاد درستی دارند فرو فرستاده. و بر بعضی از این مردم نیز لعنت می فرستد. راوی می گوید: گفتیم: فدایت شوم، این لعنت برای چیست؟ فرمود: به سبب این که حق ما را انکار کرده و ما را دروغ گو شمردند. (2)

پیشوایان

باطل

حدیث 85: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّ لِمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ كُلُّ مَنْ دَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَدَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَهُوَ ضَالٌّ مُتَحِيرٌ وَاللَّهُ شَانِيٌّ

لِأَعْمَالِهِ... وَاللَّهُ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَصَبَ بَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ظَاهِرٌ عَادِلٌ أَصَبَ بَحَ ضَالًّا تَائِهًا وَإِنْ مَاتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ مَاتَ مَيِّتَةً كُفْرٍ وَنِفَاقٍ...*

ص: 807

1- . عقاب الأعمال: عقاب الناصب و الجاحد لأمير المؤمنين ع و الشاك فيه و المنكر له ح7.

2- . عقاب الأعمال: عقاب الناصب و الجاحد لأمير المؤمنين ع و الشاك فيه و المنكر له ح8.

حدیث 85: امام باقر (علیه السلام): آن کس که دین داریش را با کوشش هرچه بیشتر در پرستش خداوند اظهار داشته در حالی که امامی را به پیشوایی خود برنگزیند، کوشش و رنج او در عبادت به پیشگاه خداوند به هیچ انگاشته خواهد شد و همو گمراهی است سرگردان و خداوند کردارش را زشت شمارد..... هرکه از امتاسلام صبح کند و امامی آشکار و عادل از جانب خدا نداشته باشد به گمراهی و سرگشتگی صبح کرده. و اگر با این حال بمیرد با کفر و نفاق مرده است. (1)

حدیث 86: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:.... قَالَ لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهَ بَوْلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ

حدیث 86: امام صادق (علیه السلام): دین ندارد کسی که خدا را با اعتقاد به ولایت امام ستمگری که از سوی خدا نیست دین داری کند.... (2)

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ: لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِطَاعَةِ الْمَخْلُوقِ وَ مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.

و به همین اسناد از آن حضرت روایت کرده که گفت امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: دین ندارد آن کس که اطاعت کند مخلوق را در نافرمانی خالقش. (3)

انقسام

امت به هفتاد و سه فرقه

حدیث 1: ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقْتَدِمِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ إِنَّ الْعَامَّةَ يَزْعُمُونَ أَنَّ بَيْعَةَ أَبِي بَكْرٍ حَيْثُ اجْتَمَعَ النَّاسُ كَانَتْ رِضًا لِلَّهِ

ص: 808

1- . الكافي: كتاب الحجّة ج 1 ص 184 باب معرفة الإمام و الرد إليه ح 8.

2- . الكافي ج 1 ص 375 باب فِيمَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ إِمَامٍ مِنَ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ ح 3.

3- . [3] عيون أخبار الرضا عليه السلام ج 2 ص 43 باب 31 باب فيما جاء عن الرضا ع من الأخبار المجموعة ح 149

جَلَّ ذِكْرُهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُفْتِنَ أُمَّةً مُحَمَّدٍ (صلي الله عليه و آله) مِنْ بَعْدِهِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَوْ مَا يَقْرَأُونَ كِتَابَ اللَّهِ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» قَالَ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّهُمْ يُفَسِّرُونَ عَلَى وَجْهِ آخِرٍ فَقَالَ أَوْ لَيْسَ قَدْ أَخْبَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْأُمَمِ أَنَّهُمْ قَدْ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ حَيْثُ قَالَ «وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَ لَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ» وَ فِي هَذَا مَا يُسْتَدَلُّ بِهِ عَلَى أَنَّ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ ص قَدْ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ.

حدیث 1: عمرو بن ابو المقدم از پدرش نقل می کند که گفته: به امام باقر (علیه السلام) عرضه داشتم: اهل سنت چنین گمان می برند که چون همه مردم در بیعت با ابو بکر همداستان شدند پس این امر مورد خشنودی پروردگار بوده است و چنین نیست که خداوند امت محمد (صلي الله عليه و آله) را پس از او به فتنه افکند. امام باقر (علیه السلام) فرمود: آیا ایشان کتاب خدا را نخوانده اند و پروردگار نمی فرماید که «و»

مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (1)

جز این نیست که محمد (صلي الله عليه و آله) پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده اند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما به آیین پیشین خود باز می گردید؟ هر که بازگردد هیچ زبانی به خدا نخواهد رسانید. خدا سپاسگزاران را پاداش خواهد داد، او می گوید: به حضرت عرضه داشتم: آنها این آیه را به گونه ای دیگر تفسیر می کنند. امام (علیه السلام) فرمود: آیا این گونه نیست که

ص: 809

خداوند عزّ و جلّ، پیرامون امت های پیش از ایشان خبر داده که پس از آمدن دلایل دندانشکن و روشن، با هم اختلاف یافتند و می فرماید (وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ) (1) بعضی از این پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم. خدا با بعضی سخن گفت و بعضی را به درجاتی برافراشت. و به عیسی بن مریم معجزه ها دادیم و او را به روح القدس یاری کردیم. و اگر خدا می خواست، مردمی که بعد از آنها بودند، پس از آنکه حجت ها بر آنان آشکار شده بود، با یکدیگر قتال نمی کردند. ولی آنان اختلاف کردند پاره ای مؤمن بودند و پاره ای کافر شدند. و اگر خدا می خواست با هم قتال نمی کردند، ولی خدا هر چه خواهد می کند. و همین آیه، خود دلیلی است بر آنکه یاران محمد (صلی الله علیه و آله) نیز پس از او با هم اختلاف یافتند و برخی از ایشان ایمان آوردند و پاره ای دیگر کفر ورزیدند. (2)

حدیث 2: قَالَ أَبَانُ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ إِنَّ الْأُمَّةَ سَتَتَفَرَّقُ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً اثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ وَ فِرْقَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ ثَلَاثٌ عَشْرَةَ فِرْقَةً مِنَ الثَّلَاثِ وَ السَّبْعِينَ تَتَّحِلُ مَحَبَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَاحِدَةً [مِنْهَا] فِي الْجَنَّةِ وَ اثْنَتَا عَشْرَةَ فِي النَّارِ وَ أَمَّا الْفِرْقَةُ [النَّاجِيَةُ] الْمَهْدِيَّةُ [المؤملة] الْمُؤْمِنَةُ الْمُسْلِمَةُ الْمُوَافِقَةُ الْمُرْشِدَةُ فِيهِ الْمُؤْتَمِنَةُ بِي الْمُسْلِمَةِ لِأَمْرِي الْمُطِيعَةُ لِي الْمُتَبَرِّئَةُ مِنْ عَدُوِّي الْمُحِبَّةُ لِي وَ الْمُبْغِضَةُ لِعَدُوِّي الَّتِي قَدْ عَرَفْتُ حَقِّي وَ إِمَامَتِي وَ فُرُضَ طَاعَتِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ [فَلَمْ تَرْتَدَّ] وَ لَمْ تُشَكَّ لِمَا قَدْ نَوَّرَ اللَّهُ فِي قَلْبِهَا مِنْ مَعْرِفَةِ حَقِّهَا وَ عَرَفَهَا مِنْ فَضْلِهَا وَ أَلْهَمَهَا وَ أَخَذَهَا بِنَوَاصِيهَا فَأَدْخَلَهَا فِي شِيعَتِنَا حَتَّى اطْمَأَنَّتْ [قُلُوبُهَا] وَ اسْتَيْقَنَتْ

ص: 810

1- . البقرة آية 253

2- . الكافي ج 8 ص 270 باب حديث نوح ع يوم القيامة ح 398

يَقِينًا لَا يُخَالِطُهُ شَكٌّ أَنِّي أَنَا وَأَوْصِيَائِي بَعْدِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ [هُدَاةٌ] مَهْتَدُونَ الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَنَبِيِّ فِي آيٍ مِنَ الْكِتَابِ كَثِيرَةً وَطَهَّرْنَا وَ عَصَمْنَا وَ جَعَلْنَا سُبْحَانَ هُدَاةٍ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ [وَ حُرَّانَهُ عَلَى عِلْمِهِ وَ مَعَادِنَ حُكْمِهِ وَ تَرَاجِمَةَ وَحْيِهِ] وَ جَعَلْنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نُفَارِقُهُ وَ لَا يُفَارِقُنَا حَتَّى نَرُدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ حَوْضَهُ كَمَا قَالَ وَ تِلْكَ الْفِرْقَةُ [الْوَحِيدَةُ] مِنَ الثَّلَاثِ وَ السَّبْعِينَ فِرْقَةً هِيَ النَّاجِيَةُ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ جَمِيعِ الْفِتَنِ وَ الضَّلَالَاتِ وَ الشُّبُهَاتِ هُمْ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ [حَقًّا] وَ هُمْ [سَبْعُونَ أَلْفًا] «يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (1) وَ جَمِيعُ تِلْكَ الْفِرَقِ الْإِثْنَتَيْنِ وَ السَّبْعِينَ هُمْ الْمَمْدُونُونَ بِغَيْرِ الْحَقِّ النَّاصِرُونَ لِذِي الشَّيْطَانِ الْآخِذُونَ عَنِ الْإِبْلِيسِ وَ أَوْلِيَائِهِ هُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَعْدَاءُ رَسُولِهِ وَ أَعْدَاءُ الْمُؤْمِنِينَ يَدْخُلُونَ النَّارَ بِغَيْرِ حِسَابٍ بُرَاءً مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَسُولِهِ [نَسُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ] وَ أَشْرَكُوا بِاللَّهِ وَ كَفَرُوا بِهِ وَ عَبَدُوا غَيْرَ اللَّهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ «وَ هُمْ يُحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (2) يُقُولُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ «وَ اللَّهُ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (3) «فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَ يُحْسَبُونَ أَنَّهم عَلَى شَيْءٍ أَلَّا إِنَّهم هُمُ الْكَاذِبُونَ» (4)

حدیث 2: ابان می گوید: سلیم می گفت: از علی بن ابی طالب (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: به زودی امت به هفتاد و سه گروه متفرق خواهند شد، که هفتاد و دو گروه در آتش و یک گروه در بهشت خواهند بود. سیزده گروه از هفتاد و سه گروه محبت ما اهل بیت را ادعا می کنند، ولی یکی از آنها در بهشت و دوازده گروه در آتش اند. گروه نجات یافته هدایت شده که آرزوی (بهشت دارند) و مؤمن و تسلیم و موافق و هدایت کننده اند، آنان کسانی اند که به من ایمان آورده و در مقابل امر من تسلیم و مطیع

ص: 811

1- . غافر آیه 40

2- . الکهف آیه 104

3- . الانعام آیه 23

4- . المجادلة آیه 18

من هستند از دشمن من بیزاری جسته و مرا دوست می دارند و دشمنم را مبعوض می دارند. آنان که به حق من و امامتم و واجب بودن اطاعتم از روی کتاب خدا و سنت پیامبرش معرفت دارند. در نتیجه (از عقیده خود) بر نمی گردند و شك نمی کنند، به خاطر آنکه خداوند قلبشان را از معرفت حق ما نورانی کرده و فضیلتشان را به آنان فهمانده است، و به آنان الهام کرده و ناصیه آنان را گرفته و در شیعیان ما داخل نموده است، به طوری که قلب هایشان اطمینان یافته و یقینی پیدا کرده که شکی با آن مخلوط نمی شود. من و جانشینانم بعد از من تا روز قیامت هدایت کننده هدایت یافته ایم. کسانی که خداوند آنان را در آیه های بسیاری از قرآن در کنار خود و پیامبرش قرار داده، و ما را پاك نموده و از گناهان معصوم داشته و ما را شاهدین بر خلقش و حجّت در زمینش و خزانه داران علمش و معادن حکمتش و تفسیرکنندگان وحی خود قرار داده است. ما را با قرآن و قران را با ما قرار داده، که نه ما از آن جدا می شویم و نه آن از ما جدا می شود تا در حوض کوثر بر پیامبر وارد شویم. در بین هفتاد و سه فرقه فقط آن يك گروهند که از آتش و از همه فتنه ها و گمراهی ها و شبهه ها نجات یافته هستند و آنها به حق اهل بهشتند. آنان هفتاد هزارند که بدون حساب داخل بهشت می شوند. همه آن هفتاد و دو گروه به غیر حق متدین شده اند و دین شیطان را یاری می دهند، و (دستوراتشان را) از ابلیس و دوستانش می گیرند. آنان دشمن خدای تعالی و دشمن پیامبرش و دشمن مؤمنین اند و بدون حساب داخل آتش می شوند، و از خدا و رسولش بیزارند خدا و رسولش را فراموش کرده و به خدا شرك ورزیده و کافر شده اند و غیر خدا را پرستیده اند، ولی خود هم نمی دانند و گمان می کنند کار درستی می کنند. روز قیامت می گویند. به خدا قسم ما مشرك نبودیم، برای او قسم یاد می کنند همان طور که برای شما قسم می خورند و گمان می کنند بر پایه ای استوارند، بدانید که آنان دروغگویند(1)

ص: 812

حدیث 3: ابن قیسٍ إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ تَفْتَرِقُ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً [فِرْقَةٌ] وَاحِدَةٌ مِنْهَا فِي الْجَنَّةِ وَاثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ وَشَرُّهَا وَأَبْعَضُهَا إِلَى اللَّهِ وَأَبْعَدُهَا مِنْهُ السَّامِرَةُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا قِتَالَ وَكَذَّبُوا قَدْ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِقِتَالِ هَؤُلَاءِ الْبَاغِينَ فِي كِتَابِهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ [وَكَذَلِكَ الْمَارِقَةُ]

حدیث 3: وای بر تو ای پسر قیس! این امت بر هفتاد و سه گروه متفرق می شوند، یک گروه از اینان در بهشت و هفتاد و دو گروه در آتش اند. بدترین آنها و مبعوض تریشان نزد خداوند و دورترین آنها از خدا سامره هستند که می گویند جنگنه و دروغ می گویند. خداوند عز و جل به جنگ این تجاوزکاران و از دین خارج شدگان در کتاب خود و سنت پیامبرش دستور داده است. (1)

حدیث 4: هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً اثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ الَّتِي اتَّبَعَتْ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ فِرْقَةً مِنَ الثَّلَاثِ وَالسَّبْعِينَ كُلُّهَا تَنْتَحِلُ مَوَدَّتِي وَحُبِّي [وَاحِدَةٌ مِنْهَا فِي الْجَنَّةِ] وَاثْنَتَا عَشْرَةَ مِنْهَا فِي النَّارِ

حدیث 4: و این امت بر هفتاد و سه گروه متفرق می شوند که هفتاد و دو فرقه در آتش و یک فرقه در بهشتند، و آن گروهی است که تابع وصی محمد (صلی الله علیه و آله) شدند و در اینجا حضرت با دست به سینه مبارک زدند سپس فرمود: سیزده گروه از هفتاد و سه فرقه، همگی دوستی و محبت مرا ادعا می کنند، ولی یک گروه از آنها در بهشت و دوازده گروه در آتش هستند. (2)

حدیث 5: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

تَفَرَّقَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، سَبْعُونَ مِنْهَا فِي النَّارِ وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ الَّتِي

ص: 813

1- . کتاب سلیم بن قیس الہلالی ج 2 ص 663 الحدیث الثانی عشر [1]

2- . کتاب سلیم بن قیس الہلالی ج 2 ص 803 الحدیث الثانی و الثلاثون

تَبِعَتْ وَصِيَّ مُوسَى. وَتَفَرَّقَتِ النَّصَارَى عَلَى اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، وَاحِدَةٌ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ هِيَ الَّتِي تَبِعَتْ وَصِيَّ عِيسَى. وَ أُمَّتِي تَفْتَرِقُ عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، اثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ هِيَ الَّتِي تَبِعَتْ وَصِيَّي. قَالَ: ثُمَّ صَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكَبِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ: ثَلَاثَ عَشْرَةَ فِرْقَةً مِنَ الثَّلَاثِ وَ سَبْعِينَ كُلُّهَا تَنْتَحِلُ مَوَدَّتِي وَ حُبِّي، وَاحِدَةٌ مِنْهَا فِي الْجَنَّةِ وَ ثِنْتَا عَشْرَةَ فِي النَّارِ

حدیث 5: از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: یهودیان بر هفتاد و یک گروه متفرق شدند. هفتاد فرقه آنان در آتش و یک فرقه در بهشت هستند، و آنان کسانی اند که تابع وصی حضرت موسی شدند. مسیحیان بر هفتاد و دو گروه متفرق شدند. هفتاد و یک فرقه آنان در آتش و یک فرقه در بهشت هستند، و آنان کسانی اند که تابع وصی حضرت عیسی شدند. امت من بر هفتاد و سه گروه متفرق می شوند که هفتاد و دو فرقه در آتش و یک فرقه در بهشت اند، و آنان کسانی اند که تابع وصی من هستند. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست مبارک را بر شانه علی (علیه السلام) زد و فرمود: سیزده فرقه از هفتاد و سه فرقه، همگی دوستی و محبت تو را عقیده خود قرار داده اند، ولی یک فرقه از آنان در بهشت و دوازده فرقه در آتش هستند. (1)

ص: 814

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

